

کتاب آبی

گزارشهای محرمانه
وزارت امور خارجه انگلیس
درباره انقلاب مشروطه ایران

جلد هشتم

از تاریخ ۹ مارس ۱۹۱۲ تا ۱۵ فوریه ۱۹۱۳

آخرین جلد

بکوشش احمد بشیری

کتاب آبی

گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس
درباره انقلاب مشروطه ایران

به کوشش و ویراستاری
احمد بشیری

www.adabestanekave.com

جلد هشتم

۹ مارس ۱۹۱۲ تا ۱۵ فوریه ۱۹۱۳

۱۹ اسفند ۱۲۹۰ تا ۲۶ بهمن ۱۲۹۱

۱۹ ربیع الاول ۱۳۳۰ تا ۸ ربیع الاول ۱۳۳۱

نشر نو

تهران، ۱۳۶۹

چاپ اول: ۱۳۶۹
تعداد: ۲۵۰۰ نسخه
حق چاپ محفوظ است.

www.adabestanekave.com

چاپ و صحافی: چاپخانه گوته

درخواست از خوانندگان کتاب

در این کتاب گزارش رویدادهای گوناگون یکی از پرآشوبترین و آموزندهترین دورانهای تاریخ میهن ما یعنی چگونگی پا گرفتن و پیروز شدن جنبش مشروطهخواهی در ایران را می‌خوانید.

چنانکه در پیش‌گفتار نیز یادآور شده‌ایم گردآورندگان مطالب کتاب، به دلایل و انگیزه‌های ویژه خودشان بسیاری از حوادث را چنان به کوتاهی و اختصار برگزارد کرده‌اند که جز با موشکافی و کاوش بسیار نمی‌توان از آنها سر درآورد و بدتر از این، در بیشتر جاها از آفرینندگان و قهرمانان ماجراها به درستی نام نبرده و یا سربسته و رمزگونه از آنها یاد کرده‌اند که بهر روی خواننده را بیشتر گیج و درمانده و دریافت مطلب را برایش بسی دشوار می‌کند.

ما برآنیم که در پایان کار چاپ کتاب، پیرامون اینگونه مطالب و رخدادها بررسی تازه‌ئی کنیم و تا جائیکه بشود گوشه و کنار آنها را روشن گردانیده، نارسائی‌ها را از میان برداشته و مردان و زنان ناشناس مانده در کتاب را به خوانندگان بشناسانیم. برای کامیابی در کاری که قصد انجامش را داریم به کمک و یاری خوانندگان آگاه و بیدار دل کتاب به فراوانی نیازمندیم و آنها می‌توانند با روشن‌گریها و توضیحات تازه خودشان درباره مطالب کتاب و یا بدست دادن عکسها، نوشته‌ها و مدارك دیگری در این زمینه به پیشبرد کار ما یاری دهند.

مطالب، عکسها و مداركی که خوانندگان برای ما بفرستند اگر بخواهند بنام خودشان در کتاب توضیحات چاپ خواهد شد و اگر مایل به پس گرفتن مدارك خود باشند ما، پس از رفع نیاز هر آنچه را که از آنها گرفته‌ایم بخودشان پس خواهیم داد.

باز هم یادآور می‌شویم که کار روشنگرانه‌ئی که در پیش داریم جز با کمک اندیشمندان و آگاهان این دیار بویژه آنان که خود در حوادث دوران مشروطه زیسته و یا در آنها از نزدیک یا دور دستی داشته‌اند انجام‌پذیر نخواهد بود. بزرگواری کنید و هرچه از حوادث و قهرمانان مشروطه می‌دانید در دسترس ما بگذارید باشد که این گوشه شگرف تاریخ ما با همت و همیاری خودتان روشن شود.

لطفاً چنانچه مایل به همکاری با ما بودید نامه‌ها و مطالب خودتان را به صندوق پستی شماره ۳۱۴-۱۱۳۶۵ تهران بنام احمد بشیری بفرستید و یا با تلفن شماره ۹۸۰۸۱۴ آنچه را می‌خواهید با ما در میان بگذارید.

با سپاس فراوان از توجهی که به درخواست ما و روشنتر گردانیدن تاریخ این مرز و بوم خواهید فرمود و در انتظار مهرورزی‌های شما.

احمد بشیری

www.adabestanekave.com

کوشش خود را در کار چاپ این دوره کتاب به
همه مردان و زنان آزاده و جانبازی که انقلاب مشروطه ایران
را پدید آوردند
همه روانهای پاکی که در راه بزرگداشت ایران کوشیدند و جان باختند
شادروانان حاجی علیقلی خان سردار اسعد و همکاران او که
پیشگامان ما در این راه بودند
نیاز می‌کنم.

www.adabestanekave.com

کتاب آبی انگلیسی نمره يك (۱۹۱۲)

که مجموعهٔ مخابرات و مراسلات نمایندگان انگلیس در سال ۱۳۳۰ [۱۲۹۱ ش] می‌باشد و به بهترین ترتیبی حوادث و وقایع تاریخی سال مذکور را بیان می‌نماید، برحسب دستور حضرت مستطاب اشرف امیر معارف پرور حاجی علیقلی‌خان سردار اسعد مدظله اینجانب میرزا حسن‌خان اصفهانی دیپلمهٔ مدرسهٔ عالی امریکایی از انگلیسی به فارسی ترجمه نمود. امید است سایر بزرگان هم به معارف پروری حضرت مستطاب اشرف معظم تاسی نموده به ترجمه و تألیف کتب مفیده اقدام فرمایند.

ایران نمره ۱ (۱۹۱۲)
مراسلات و مکاتبات راجع به امور ایران
در تعقیب ایران نمره ۵ (۱۹۱۲)

نمره - ۱

تلگراف سر جارج بارکلی (وزیر مختار دولت انگلیس)
به سر ادوارد گری (وزیر امور خارجه دولت انگلیس)
طهران ۹ مارس ۱۹۱۲ (مطابق ۱۹ ربیع الاول ۱۳۳۰) [۱۹ اسفند ۱۲۹۰]
آقا

رجوع به تلگراف ۵ مارس من در خصوص محل تأمین قرضه به دولت ایران:
افتخار دارم سواد مراسله‌ای [را] که کفیل خزانه‌داری کل برای من فرستاده و مبلغ
وجوهاتی که در آن تلگراف ذکر نموده‌ام مبنی بر آن است، لفا ایفاد دارم.
چنانچه ملاحظه خواهید نمود علاوه بر عایدات مالیاتی دولت ایران فعلا يك عایدی
معین سالیانه به مبلغ ۴،۰۰۰،۰۰۰ تومان دارند که ۲،۸۳۱،۰۰۰ تومان آن برای
مصارف معینه قروض خارجی موجوده و سایر مصارف صرف نظر نکردنی دولت تعیین
شده.

به موجب نقشه قرضه البته قروض تثبیت شده دولت به بانک روس منتقل خواهد شد و نفع و استهلاك آن سالیانه به ۶۵۰،۰۰۰ تومان خواهد رسید. علی هذا از مصارف معینه که بدان اشاره رفت مبلغ مذکور کسر خواهد شد و عایدات یقینی که محل تأمین قرضه مذکور باشد ۱،۸۱۹،۰۰۰ تومان خواهد بود.

به عقیده مسیو مرنارد در مقابل این تأمین يك قرضه ۳۳،۰۰۰،۰۰۰ تومانی از قرار نفع صدی پنج می توان بدست آورد و برفرض هم که قیمت خرید آن از قرار صدی هشتاد و پنج باشد مبلغ ۲،۸۰۵۰،۰۰۰ تومان به دولت ایران عاید خواهد گردید که ۶،۰۰۰،۰۰۰ تومان آن برای پرداخت قرضه بانک روس لازم خواهد بود.

مسیو مرنارد بعلاوه صورت قروض جاریه دولت ایران را به انضمام قرضه کمپانی اشنیدر داده است و مبلغ اینها به ۱،۹۳۲،۰۰۰ تومان می رسد.

به اضافه این مبلغ کفیل خزانهداری کل در جزو جدول خود مبلغ ۷۰۰،۰۰۰ تومان از بابت دعاوی دولت انگلیس و ۱،۸۰۰،۰۰۰ تومان از بابت دعاوی دولت روس محسوب داشته است. سفیرین برای رفع حاجت و برحسب لزوم این مبلغها را شفاهاً به مسیو مرنارد اظهار داشتند و بنا براین تخمینی است که از روی دقت زده نشده.

جمع کل قروض جاریه بنا براین ۴،۴۳۲،۰۰۰ تومان می باشد که به اضافه مبلغ ۶،۰۰۰،۰۰۰ تومانی که برای پرداخت قسمتی از قروض بانک روس به مصرف خواهد رسید ممکن است از وجوهات قرضه منها شده و بقیه مبلغ ۱۷،۶۰۰،۰۰۰ تومان برای دولت ایران باقی خواهد بود. به استثنای ادعای کمپانی اشنیدر از بابت دعاوی خارجه غیر از آنچه راجع به انگلیس و روس می باشد ذکری نرفته. من از دعاوی سفارت عثمانی اطلاعی ندارم ولی دعاوی سفارتخانه های دیگر رویهم رفته یحتمل به ۵۰۰،۰۰۰ تومان می رسد.

(امضاء) جارج بارکلی

ترجمه ملفوف اول نمره ۱

خزانه طهران ۴ مارس ۱۹۱۲ [۱۴ اسفند ۱۲۹۰؛ ۱۴ ع ۱۳۳۰]

آقای وزیر

بنابر خواهشی که در ضمن صحبت اخیر فیما بین از من نمودید، افتخار دارم که بعضی اطلاعات کتبی که از روی آن شما می توانید قیمت و اعتبار وثیقه هایی [را] که دولت ایران در صورت تصمیم ارائه نقشه برای قرضه خارجی می توانند بدهند ملتفت شوید لفاً ایفاد دارم.

من این مسأله را تأکید می کنم که تخمین عایدات ((اگر)) سالیانه ۴۰،۰۰۰،۰۰۰ قران باشد) بلاشک کمتر از مبلغی است که خیلی احتمال می رود وصول شود. چنانچه ملاحظه خواهید فرمود این مبلغ ۴۰،۰۰۰،۰۰۰ قران مبلغ حد وسط عایداتی است که در عرض پنج ساله اخیر وصول شده و چنانچه می دانید در این ۵ ساله حوادث مهمه پلتيکی و اغتشاشات در هر يك از ایالات و ولایات غالباً رخ نموده است.

گمان می‌کنم با نهایت یقین بتوانم اظهار نمایم که بمجرد آنکه انتظامات مملکت اعاده گردید از منابع مختلفه مالیات در هر یک از ایالات و ولایات مملکت بیش از این عایدات وصول خواهند شد.

لازم نیست ذکر شود که طریقه جدید وصول مالیات مبلغ زیادی بر عایدات دولت خواهد افزود و قرض‌دهندگان را از هر خطر تأمین خواهد نمود.

(امضاء) مرنارد خزانه‌دار کل

ترجمه ملفوف دو نمره ۱

اطلاعاتی که در جدولهای ذیل مندرج است می‌نمایاند:

(۱) دولت حالیه از عایدات گمرکات و ضرابخانه و تلگرافخانه و تذکره و خالصه‌جات و تحدید تریاک و باندرل مسکرات مبلغ ۴۰،۰۰۰،۰۰۰ قران بدست می‌آورد.

(۲) قسمتی از این عایدات (که ۲۸،۳۱۰،۰۰۰ قران باشد) برای محل تأمین قروض خارجه و بعضی از مصارف لازمه دولت تخصیص شده.

(۳) در صورتی که دولت ایران قرضه ۶۰،۰۰۰،۰۰۰ قران از قرار صدی هفت را که در سال ۱۹۱۰ تثبیت شده به بانک دسکونت ایران مسترد دارند اضافه وجوهات عایدات دولت که بدست می‌آید مبلغ ۴۰،۰۰۰،۰۰۰ قران منهای ۲۱،۸۱۰،۰۰۰ یا ۱۸،۱۹۰،۰۰۰ قران خواهد بود.

(۴) این اضافه عایدات یک وثیقه درجه اول برای قرضه‌ای معادل ۳۳۰،۰۰۰،۰۰۰ قران از قرار نفع صدی پنج خواهد بود که قیمت اقل اسهام آن از قرار صدی هشتاد و پنج بوده باشد و وجه خالص آن ۲۸۰،۵۰۰،۰۰۰ قران خواهد بود.

(۵) پس از پرداخت قرضه ۶۰،۰۰۰،۰۰۰ قران از قرار صدی هفت و قروض جاریه (۴۴،۰۰۰،۰۰۰ قران) بقیه ۱۷۶،۰۰۰،۰۰۰ قران برای دولت ایران باقی خواهد ماند.

(امضاء) مرنارد خزانه‌دار کل

طهران ۴ مارس ۱۹۱۲

عایدات دولت که وصول آن حتمی است

۳۲،۰۰۰،۰۰۰ قران	گمرکات (حد وسط پنجساله)
۱،۰۰۰،۰۰۰ قران	تلگرافخانه (حداقل تخمینی)
۳،۰۰۰،۰۰۰ قران	ضرابخانه (حداقل تخمینی)
۱،۶۰۰،۰۰۰ قران	تذکره (حداقل تخمینی)
۱،۰۰۰،۰۰۰ قران	خالصجات (حداقل تخمینی)
۱،۴۰۰،۰۰۰ قران	تریاک و مسکرات و غیره
۴۰،۰۰۰،۰۰۰ قران	جمع
۸،۰۰۰،۰۰۰ قران	جنوبی
۲۴،۰۰۰،۰۰۰ قران	شمالی
	گمرکات
	گمرکات

تحمیلات بر عایدات گمرکات و ضرابخانه و تلگرافی

مبلغ سالیانه	ترتیب تحمیل	محل تأمین یا وثیقه	فروض یا مصارف
قران ۹,۶۰۰,۰۰۰	تحمیل اول	عایدات گمرکات شمالی	(۱) قرضه سال ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ از بانک دسکونت
قران ۶,۵۰۰,۰۰۰	تحمیل سوم	(۱) عایدات گمرکات شمالی	(۲) قرضه سال ۱۹۱۰ از بانک دسکونت از قرار
قران ۴,۴۰۰,۰۰۰	تحمیل اول	(۲) ضرابخانه	صدی هفت
قران ۵,۳۱۰,۰۰۰	تحمیل اول	(۱) تلگرافخانه	(۳) قرضه ۱۹۰۴ از بانک شاهنشاهی از قرار صدی پنج
قران ۲,۵۰۰,۰۰۰	تحمیل دوم	(۲) گمرکات جنوبی	(۴) قرضه ۱۹۱۰ از بانک شاهنشاهی از قرار صدی پنج
قران ۲۸,۴۱۰,۰۰۰	تحمیل اول	عایدات گمرکات جنوبی	(۵) مصارف معینه دولت
قران ۶,۵۰۰,۰۰۰	تحمیل دوم	(۱) عایدات گمرکات شمالی	
قران ۲۱,۸۱۰,۰۰۰	تحمیل دوم	(۲) عایدات گمرکات جنوبی	

منها شود به انتظار تبدیل قرضه نمره ۲

صورت قروض جاریه که بایستی فوراً داده شود

قران ۱۲,۰۰۰,۰۰۰	طلب کمپانی اشنیدر پاریس
قران ۳,۳۰۰,۰۰۰	اضافه برات بر بانک شاهنشاهی
قران ۱,۱۲۰,۰۰۰	اضافه برات بر بانک دسکونت
قران ۲,۰۰۰,۰۰۰	جریمه خسارت از بابت سرقتهای پستی
قران ۵۰۰,۰۰۰	طلب تومانیانس
قران ۴۰۰,۰۰۰	طلب جمشیدیان
قران ۱۹,۳۲۰,۰۰۰	جمع
	جبران خسارات وارد به اتباع خارجه:
قران ۷,۰۰۰,۰۰۰	اتباع انگلیس
قران ۱۸,۰۰۰,۰۰۰	اتباع روس
قران ۴۴,۳۲۰,۰۰۰	جمع
قران ۶۰,۰۰۰,۰۰۰	تبدیل قروض تثبیت شده
قران ۱۰۴,۳۲۰,۰۰۰	جمع

این دو فقره را سفرای دولتین انگلیس و روس شفاهاً اظهار داشته اند.

نمره - ۲

مکتوب اداره بحریه به وزارت خارجه

اداره بحریه ۲ آوریل ۱۹۱۲ [۱۳ فروردین ۱۲۹۱، ۱۳ ع ۲ - ۱۳۳۰]

آقا

از طرف لرد کمیسیونرهای اداره بحریه مأمورم که برای استحضار خاطر وزیر

امور خارجه سواد تلگراف امروز را که از طرف فرمانده کل قشونی جزایر هند شرقی
واصل شده لفا ایفاد دارم.

(امضاء) گرامم گرین

ملفوق نمره ۲

تلگراف فرمانده کل جزایر هند شرقی به اداره بحریه

جاشک ۲ آوریل ۱۹۱۲ [۱۳ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۳ ع ۲ - ۱۳۳۰]

صاحبمنصب بحری درجه اول خلیج فارس امروز بطریق ذیل راپورت می‌دهد:
غیرمحمتمل است که هجوم بر لنگه واقع شود چرا که حالا راپورت داده شده
ایلیاتی‌هایی که آنجا را تهدید می‌نمودند از قرار معلوم متدرجاً متفرق می‌شوند. تنبیه
شیخ چیرو و پیاده‌شدن مستحفظین قنسولخانه علت عمده آن است.
برای حالا پیشنهاد می‌کنم که بر عده مستحفظین لنگه افزوده شود.

نمره - ۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ آوریل ۱۹۱۲ [۱۳ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۳ ع ۲ - ۱۳۳۰]

کفیل قنسولگری شیراز راپورت می‌دهد که نصرالدوله پسر قوام‌الملک رضاقلی‌خان
[را] که یکی از رؤسای مقتدر اعراب است بقتل رسانیده است. هرگونه حادثه‌ای که
در این موقع حرکت ایلات و عدم فیصله مسأله صولة‌الدوله به وقوع برسد ممکن است
باعث تزئید اغتشاشات گردد.

قوام‌الملک تصور می‌کند که با کمک سایر ایلات عرب او می‌تواند ایلی را که متعلق
به رضاقلی‌خان می‌باشد تخویف نماید.

نمره - ۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ آوریل ۱۹۱۲ [۱۳ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۳ ع ۲ - ۱۳۳۰]

کفیل قنسولگری رشت راپورت ورود عساکر جدید را از روسیه می‌دهد. حرکات
این قشون را نمی‌توان مواظب بود ولی سفیر روس به من اظهار می‌دارد که عساکر
جدید فقط به جای عساکر سابق آمده‌اند و کم و کیف حرکات آنها بموجب شرحی
است که در تلگراف هشتم مارس خود رجوع به آن نموده‌ام.

نمره - ۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۳ آوریل ۱۹۱۲ [۱۴ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۴ ع ۲ - ۱۳۳۰]

سپهدار به فرمانفرمایی آذربایجان منصوب گردیده و شجاع‌الدوله را تا ورود خود

به نیابت ایالت در تبریز برقرار نموده و او هم این مقام را قبول نموده است.

نمره - ۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۳ آوریل ۱۹۱۲ [۱۴ فروردین ۱۲۹۱: ۱۴ ع ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دیروز من

شما نیز بایستی از دولت ایران بخواهید که از تندروهای طهران و جاهای دیگر جلوگیری نمایند و علمای نجف و کربلا را ترغیب کنند که دست از تحریکات اخیر خود برداشته نفوذ خود را طوری بکاژ برند که وضع سلوک و رویه دوستانه رؤسای ایلات را جلب نمایند.

نمره - ۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۳ آوریل ۱۹۱۲ [۱۴ فروردین ۱۲۹۱: ۱۴ ع ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲ آوریل شما:

آیا به عقیده شما حالا می توان عساکر روس را از قزوین عودت داد یا آنکه هنوز تصور می کنید پس از متفرق ساختن فدائیان اغتشاشات به وقوع خواهد رسید؟

نمره - ۸

مکتوب وزارت خارجه به اداره هند

وزارت خارجه ۳ آوریل ۱۹۱۲ [۱۴ فروردین ۱۲۹۱: ۱۴ ع ۲ - ۱۳۳۰]

آقا

از طرف سر ادوارد گری مأمورم برای استحضار خاطر مارکس اف کرو اظهار نمایم که به وصول مراسله ۲۰ ماه گذشته شما در باب نقشه ای که کلنل یالمارسن برای تشکیل ژاندارمری ملی در ایران طرح نموده، او از سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران بموجب تلگرافی که سواد آن در جوف است خواهش نمود که عقاید خود و جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر را در خصوص مسائلی که در آن مراسله مذکور است ارائه نماید.

بعلاوه تعلیم دارم که سواد جواب سر جارج بارکلی را لفاً ایفاد دارم و از مفاد آن بر لرد کرو معلوم خواهد گردید که سر پی کاکس با عقیده سر ادوارد گری شریک است که لازم است ترتیب تمام راه از بوشهر الی شیراز از همان اول کار داده شده و در تحت نظارت صاحبمنصبان سوئدی وجوهات مصارف آن بمصرف رسیده و قراولی شود.

بعلاوه عقیده او بر این است که هرگونه بهبودی در اوضاع راه بوشهر الی شیراز لزوماً متعاقب آن بر عدم انتظام راه کرمان الی بندرعباس نخواهد افزود.

جناب عالی بعلاوه ملاحظه خواهيد فرمود که کلنل سوئدی خودش اصلاً در نظر داشت که تمام راه بوشهر الی شیراز را در نقشه خود شامل نماید ولی از ترس اینکه مبادا این اقدام اسباب تزئید خصومت کاری قشقاییها شود از آن صرف نظر نمود.

سر ادوارد گری تصور می کند که برقرار داشتن پستی در ۱۲ میلی شمال شیراز محتمل نیست اسباب تقلیل دشمنی آنها شود و او در صورتی که لرد کرو قبول نمایند پیشنهاد می کند که به سر ادوارد گری تعلیم داده شود به کلنل اصرار نمایند که نقشه خود را تجدید نماید به اینطور که همان قصد اول خود را که محافظت و قراولی تمام راه از شیراز تا ساحل باشد به انجام رساند حتی در صورتی که چنین اقدامی باعث لزوم صرف نظر نمودن از پست شمال آن شهر بوده باشد. به عقیده سر ادوارد گری لازم است که فوراً برای تجارت انگلیس و هند بین بوشهر و شیراز تا يك اندازه امنیت برقرار گردد بطوری که بعد از این تمام راههای شیراز و ایزدخواست و بندرعباس الی کرمان بطور مکفی امکان داشته باشد.

سر ادوارد گری نیز پیشنهاد می کند به سر جارج بارکلی تعلیم داده شود که دولت ایران را متنبه سازند که اگر خان برازجان مانع اجرای نقشه ژاندارمری باشد شاید لازم شود که دولت اعلیحضرتی نظر به بدرفتاری سابق وی برضد او اقدامات سخت بنمایند.

(امضاء) لوئیس ملت

نمره - ۹

تلگراف لرد گیلمارناک به سر ادوارد گری

استنخلم [استکهلیم] ۴ آوریل ۱۹۱۲ [۱۵ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۵ ۲ع - ۱۳۳۰] راجع به مراسله ۱۹ مارس سر اسپرینگ ریس در باب ژاندارمری ایران: دولت سوئد اظهار می دارند که خواهش کلنل سوئدی را حالا قبول نموده اند و او پنج نفر (نه دو نفر) افسر و يك نفر بیطار و يك مباشر آذوقه و غیره خواسته است. دولت مشارالیه از سنت پترزبورغ اطلاع یافته اند که دولت روس اعتراضی ندارند و استفسار می کنند که آیا دولت اعلیحضرتی با این امر موافقت دارند؟ صاحبمنصبان اضافی به جای صاحبمنصبان امریکایی ژاندارمری خواهند بود.

نمره - ۱۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۵ آوریل ۱۹۱۲ [۱۶ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۶ ۲ع - ۱۳۳۰]

عساکر روس در قزوین

راجع به تلگراف ۳ آوریل شما

به عقیده من چندان فایده نخواهد داشت که در این موقع اصرار برای تخلیه عساکر شود. من یقین دارم که سفیر روس بر علیه [علیه] آن اصرار خواهد نمود و گمان

می‌کنم حق داشته باشد.

بله قبول دارم که می‌توان بدون ظهور اغتشاشات فدائیان را متفرق نمود ولی حضور قشون روس در قزوین کمکی خواهد بود که به مناسبت این مسئله استقرار انتظامات را ضمانت نماید.

گذشته از مسئله فدائیان گمان می‌کنم از قشون قزوین نباید زیاده بر این کاسته شود تا آنکه عمل سالارالدوله تمام شده و همراهان وی دست از تهدید همدان و سایر نقاط بردارند.

اقدام اخیر دولت روس در مورد شاه مخلوع یکی از اعتراضات عمده مرا برعلیه [=علیه] حضور قشون روس در قزوین رفع نموده. اعتراض سابق من برعلیه [=علیه] آنها این بود که حضور آنها باعث تشویق ارتجاعیون می‌گردید که بتقویت او تولید حوادث جدید بنمایند ولی بواسطه اقدام دولت روس برعلیه [=علیه] او از حرارت ارتجاعیون کاسته شده. اعتراض دیگر من این بود که حضور آنها در قزوین باعث تقلیل اهمیت مقام دولت ایران خواهد شد ولی دولت مشارالیها حالیه بکلی مترصد تقویت دولتین مخصوصاً دولت روس برای هرگونه نفوذی می‌باشد. عودت عساکر باعث تشویق تندروهایی که حالا از ترس خود را نشان نمی‌دهند خواهد شد. من در اظهار میلی که ایالت برای عودت آنها کرده اعتقادی ندارم.

نمره - ۱۱

تلگراف سر ادوارد گری به لرد گیلمارناک

وزارت خارجه ۶ آوریل ۱۹۱۲ [۱۷ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۷ ع ۲ - ۱۳۳۰] ما اعتراضی برعلیه [=علیه] تزئید عده صاحبمنصبان سوئدی برای ژاندارمری ایران نداریم (رجوع به تلگراف ۴ آوریل خود نمایید).

نمره - ۱۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ آوریل ۱۹۱۲ [۱۸ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۸ ع ۲ - ۱۳۳۰] همراهان سالارالدوله همدان را تهدید نموده‌اند و یکصد نفر از عساکر روس به آنجا وارد شده‌اند. امیدوارم ورود آنها همدان را از اغتشاشاتی که کرمانشاه دوچار آن بوده است مستخلص خواهد ساخت. این اقدام بنا بر تصویب وزیر امور خارجه بعمل آمده است و گمان می‌کنم که صلاح باشد.

نمره - ۱۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۸ آوریل ۱۹۱۲ [۱۹ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۹ ع ۲ - ۱۳۳۰]

خزانه‌دار کل

وزیر مالیه اتصالاً مشغول اقدامات متوالی برای بی‌اثر ساختن مشاغل خزانهدار کل می‌باشد. بعلت آن مسیو مرنارد در این باب به کاپینه رجوع نموده و به آنها اصرار کرده است که اقدامات نموده خزانهدار کل را مجاز نمایند با عجله و با کمال اقتدار شروع به تشکیل و تنظیم اداره مالیه که موقتاً در تحت امر او قرار داده شده بنمایند و از وضع رفتار وزیر مالیه شکایت نموده است.

سواد این مراسله نزد سفارتین فرستاده شده است.

مسیو مرنارد مرا اطلاع می‌دهد که در نظر دارد که نقشه تنظیمات اداره مالیه را هم در ضمن دنبال کند و برای این کار تقویت سفارتین را هم لازم خواهد داشت. این نقشه متضمن استخدام قریب سی نفر اروپایی دیگر می‌باشد و اکثر آنها بلاشک از بلجیک [بلژیک] خواهند بود.

واضح است که بهمین زودیها ما را دعوت خواهند نمود که در باب مسئله تعیین قطعی مرنارد به مقام خزانهداری کل تصمیمی بنماییم. شما البته سر والتر تنلی را از نظریات خود در این موضوع مستحضر داشته‌اید. از زمان ارسال راپورت آخری خود در عقیده من نسبت به مسیو مرنارد تغییری حاصل نشده است.

نمره - ۱۴

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ مارس ۱۹۱۲ [۲۸ اسفند ۱۲۹۰؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۳۰]

آقا

از زمان ارسال مکتوب ۱۷ فوریه یکی از حوادث مهمه، حرکت شاه مخلوع در ۱۰ مارس از ایران و قبضه کرمانشاه از طرف سالارالدوله و اظهاری که قنسولهای دولتین انگلیس و روس تعلیم دارند به وی بنمایند می‌باشد.

چنانچه تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت داده شده نتیجه مذاکراتی که دولت ایران توسط قنسول روس مقیم استرآباد بنا بر صوابدید دولتین با محمدعلی نمود این بود که شاه مخلوع همینکه پس از رجوع به امپراطور دریافت که تصمیم دولت روس قطعی بوده و او نمی‌تواند امیدوار به شرایطی بهتر از تعیین حقوق در حق خود و اعطای عفو عمومی به اتباعش باشد، اظهار میل به خارج شدن از ایران نموده است و درخواست نموده است که حقوق سابقش مجدداً برقرار گردیده و یکصد هزار تومان یا کمتر برای پرداخت حقوق اتباعش به او داده شود. با این اوضاع همکار روسی و من تصمیم نموده‌ایم که به دولت ایران توصیه نماییم که کار را بیک طوری اصلاح نمایند و یک حقوق ۷۵،۰۰۰ تومانی برای او مقرر داشته و مبلغی هم که در حقیقت

لازم است. برای پرداخت حقوق اتباع وی و جلوگیری از خرابکاریهای او داده شود. ما با قدری اشکال دولت ایران را ترغیب به قبول این شرایط نمودیم. مبلغی را که قنصل روس راپورت داده بود برای پرداخت حقوق اتباع شاه مخلوع لازم است ۷۰،۰۰۰ تومان می باشد و این طور قرار شد که شاه مخلوع این وجه را بواسطه کسر گذاردن هر سالی ۱۰،۰۰۰ تومان از حقوق او، به دولت ایران مسترد دارد. با این اوضاع سخت مالی برای دولت ایران امکان نداشت که این مبلغ کلی را بپردازند و دولتین انگلیس و روس بالتساوی این مبلغ را داده اند که از قرضه مشترک ۲۰۰،۰۰۰ لیرا ۱ که مذاکره آن به انجام نرسیده مسترد شود.

شاه مخلوع در اواخر ماه گذشته از استرآباد برای مقامات بحری روس در عاشوراده [= آشوراده] رفت و از آنوقت تا به بعد در ۱۰ مارس با کشتی جنگی روس که برای او تهیه شده بود بطرف روسیه حرکت کرده است. شجاع السلطنه در استرآباد مانده است که قنصل روس را در فیصله امر اتباع برادرش همراهی نماید.

از قرار اخبار اخیر که از قنصل روس مقیم استرآباد واصل گردیده است پرداخت حقوق آنها به آرامی بعمل آمده و قفقازیهایی که در استرآباد بوده اند از آنجا حالا خارج شده اند.

از بابت اوضاع کرمانشاه فقط بعضی اطلاعات جزئی بدست می باشد. مخابرات تلگرافی بین همدان و کرمانشاه بکلی مقطوع گردیده و عبور و مرور پسته بواسطه اغتشاشات آن نقطه خیلی غیرمنظم شده ولی از قرار کاغذ شخصی که از طرف قنصل اعلیحضرتی برای من رسیده معلوم می گردد که سالارالدوله به همراهی داودخان رئیس ایل کلهر در ۲۲ ماه گذشته دوباره به کرمانشاه وارد شده.

از قراری که راپورت داده شده اکثر نقاط شهر بغارت رفته است. از قرار مذکور بسیاری از عساکر دولت بقتل رسیده اند و بسیاری از مأمورین دولتی که اعظم الدوله نایب الحکومه سابق هم جزو آنها باشد و قبلا در قنصلخانه اعلیحضرتی بست اختیار نموده بود، از قراری که راپورت داده شده، بدار زده شده اند.

در غره شهر جاری همکار روسی و من به دو قنصلها تعلیم دادیم که به سالارالدوله اصرار نمایند شرایطی را که دولت ایران مقرر داشته بودند قبول نموده و از مملکت خارج شود. ما تاکنون از بابت اقداماتی که برحسب دستور ما باید بعمل آید راپورتی در دست نداریم (سواد تعلیمات ما در جوف است).

اوضاع مشهد هنوز باعث تشویش است و از قراری که معلوم است مأمورین محلی بکلی نمی توانند با عناصر ۲ شاه پرست که عده کثیری از آنها در مقامات متبرکه هنوز بست اختیار نموده اند قرار و مداری بدهند. سفیر روس همراهی عساکر روس را برای رفع این هیجان تقدیم نموده اند و گمان می کنم برای دولت ایران صلاح باشد

(۱) لیرا = لیره. و در این مجلد همه جا لیرا آمده است. - م.

(۲) اصل: عنصر. - م.

که تقدیم دولت مشارالیه را بپذیرند. اخطارهای شجاع الدوله در تبریز از قراری که معلوم است بالاخره باعث ظهور اثری گردیده است زیرا که اوامر داده است بعضی نمایشات منسوب به مقاصد شاه مخلوع که در اوایل این ماه به ظهور رسید موقوف باشد و از آنوقت تاکنون دست شخصی موسوم به محمدخان را از کار کوتاه کرده است و این شخص اخیراً با عده‌ای سوار زنجان را قبضه نموده بود، اگرچه بدبختانه این راهزن شهر مزبور را در تصرف خود دارد و از وقتی که دستش از کار کوتاه شده آنجا را به اسم سالارالدوله در تصرف خود داشته است. تقلیل یا ازدیاد این شورش بیشتر بسته به نتیجه اظهاریه مشترک دو قنصل به سالارالدوله در کرمانشاه می‌باشد.

(امضاء) جارج بارکلی

ملفوف نمره ۱۴

مکتوب سر جارج بارکلی به قنصل مک دول

طهران غره مارس ۱۹۱۲ [۱۱ اسفند ۱۲۹۰؛ ۱۱ ع ۱۳۳۰ - ۱۳۳۰]

شما باید با همکار روسی خود مشورت نموده به سالارالدوله متفقاً اطلاع دهید که محض خاتمه دادن به این شورش که باعث آنقدر خسارات بیحساب به ایران شده دولت اعلیحضرتی و دولت روس به دولت ایران ارائه طریق نموده‌اند که دولت مشارالیه بایستی با شاه مخلوع برای خارج شدن او از مملکت باب مذاکرات مفتوح نماید به شرط آنکه حقوقی در حق او برقرار گردیده و عفو عمومی کامل در حق همراهان او داده شود.

دولت ایران ارائه طریق مذکور را قبول نموده‌اند و توسط قنصل روس مقیم استرآباد مشغول مذاکرات با شاه مخلوع شده‌اند.

شاه مخلوع در شرف حرکت است و فقط مسئله حقوق او است که بایستی فیصله شود.

دولت ایران حاضر هستند حقوق شش هزار تومانی در حق سالارالدوله برقرار کرده و شش هزار تومان هم به خانواده او بدهند و املاک او را که ضبط نموده‌اند به او مسترد دارند بشرط آنکه در کرمانشاه و جاهای دیگری که اشغال نموده نظم برقرار داشته و آنجاها را به حکمرانی که دولت ایران تعیین نموده واگذار کند و تعهدی بنماید که پس از حرکت از خاک ایران بدون رضایت دولت ایران دیگر به آن مملکت مراجعت ننماید.

سفارتین با کمال سختی به سالارالدوله نصیحت می‌نمایند که پیشنهاد دولت ایران را قبول نموده و بنابر شرایط فوق‌الذکر از مملکت خارج گردد.

نمره - ۱۵

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ مارس ۱۹۱۲ [۲۸ اسفند ۱۲۹۰؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۳۰]

آقا

در ۱۶ شهر جاری برحسب تعلیمات دولتین متبوعتین خود همکار روسی و من وزیر امور خارجه را شفاهاً اطلاع دادیم که دولتین مخالف استخدام صاحبمنصبان قشونی از اتباع دول صفار نبوده‌اند و در باب اظهاراتی که سفیر ایران مقیم سنت پترزبورغ به دولت روس نموده و از طرف دولت ایران اظهار بیم و وحشت نموده بود از اینکه مبادا دولتین در صدد محدود ساختن قوه قشون جدید باشند ما او را اطلاع دادیم که دولتین چنین قصدی نداشته [اند] و به عقیده آنها دولت ایران يك قشونی زیادتر از آنچه مالیه آن دولت اجازه تشکیل آن را می‌دهد لازم است تشکیل نموده و برقرار داشته باشند. اگرچه در تعلیمات من چیزی بطور واضح مذکور نگردیده که من بتوانم در خصوص قسمت اخیر این اظهاریه چیزی گفته باشم ولی در اقدام به این امر اعتراضی ندارم. این را بایستی راپورت دهم که پس از عنوان این اظهاریه مشترک مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] بعلاوه اظهار داشت که اظهار راجع به استخدام صاحبمنصبان قشونی از دول صفار ربطی به بریگاد قزاق ندارد [و] در صورتی که بر عده آن افزوده شود طریقه تشکیلات آن به نحو سابق باقی خواهد بود.

(امضاء) جارج بارکلی

نمره - ۱۶

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ مارس ۱۹۱۲ [۲۸ اسفند ۱۲۹۰؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۳۰]

افتخار دارم خلاصه وقایع چهار هفته اخیر ایران را بطریق معمول ماهیانه لفا ایفاد دارم.

(امضاء) جارج بارکلی

ملفوف نمره ۱۶

خلاصه وقایع چهار هفته ایران لغایت ۱۸ مارس

طهران

مراسله ۱۸ فوریه انگلیس و روس در خصوص جوابیه دولت ایران به مراسله مشترک در عرض چهار هفته گذشته بین دولت ایران و سفارتین مذاکرات در میان بوده است.

کابینه - صمصام السلطنه هنوز به صدارت برقرار است و اگرچه وثوق الدوله وزیر امور خارجه در ۱۱ مارس استعفای خود را تقدیم به نایب السلطنه نمود و صدراعظم هم روز بعد استعفاء کرد کمی بعد از آن هر دو استعفای خود را بازگرفتند.

اوضاع عمومی - اوضاع طهران بحال آرامی دوام دارد ولی ایالات، چنانچه از قسمت راجع به ایالات این خلاصه مشهود می‌گردد حتی از حالات معمولی مغشوشتر شده‌اند.

حرکت شاه مخلوع در شمال ایران باعث آرامی زیادی شده ولی اقدامات متوالی سالارالدوله اسباب اضطراب شدید دولت ایران شده است.

شاهزاده فرمانفرما که چند ماهی در حدود قزوین بسر می‌برد، همینکه دریافت نمی‌تواند در کرمانشاه به مقام خود رسد، به طهران مراجعت نموده و قصد دولت ایران این است که او را با استعدادی از قزاقان ایرانی به مقام حکومت خودش بفرستد.

سپهدار هنوز قطعاً برای ایالت آذربایجان نامزد نشده است ولی معلوم است که سفارت روس تعیین وی را مناسب می‌دانند. برای تغییر کابینه سعی و کوشش می‌شود که سپهدار را به ریاست آن برقرار نمایند. عموم مردم اینطور تصور می‌کنند که شهرت این مسئله باعث استعفای کابینه که راپورت آن در فوق داده شده است گردید.

تبریز

در ۵ مارس بواسطه برافراشته شدن چندین بیرق که بر روی آنها «زنده باد محمدعلی شاه» منقوش بود، قدری هیجان در شهر پیدا شد ولی همینکه مأمورین محلی دولتین انگلیس و روس در این باب به شجاع‌الدوله اظهاراتی نمودند، روز بعد بیرق‌ها، مذکوره برداشته شدند.

از زمان وقوع حادثه فوق دیگر نمایشاتی به تقویت شاه مخلوع داده نشده است. در اوایل مارس ۱۵۰۰ نفر از عساکر روس از تبریز حرکت کرده ۱۰۰۰ نفر وارد شدند. از قراری که جنرال‌قنسول خبر می‌دهد در تبریز حالیه ۳۰۰۰ نفر قشون موجود می‌باشند و قریب ۵۰۰ نفر در راه جلفا الی تبریز می‌باشند.

اصفهان

سردار ظفر حکمران جدید در ۲۵ فوریه وارد گردید. نایب‌حسین که از مدت‌زمانی باینطرف در ناحیه کاشان مشغول اغتشاشکاری بود آخر الامر با دولت ایران از در صلح درآمده و به حکومت نطنز منصوب گردیده است. در تحت تعلیمات دولت مرکزی میرزا اسدالله‌خان پیشکار مالیه سابق دولت ایران که مشغول نقشه‌ریزی برضد مستر هی‌کاک بود، در ۲۹ فوریه تحت‌الحفظ به طهران فرستاده شد.

مستر مایر ویس‌قنسول انگلیس و رئیس کمپانی ذی‌قلر [= زیگلر] در سلطان‌آباد را بختیاریها در ۱۸ مارس در موقعی که بطرف مقام خود مراجعت می‌نمود در حسن‌آباد غارت نمودند.

شیراز

در ۲۸ فوریه به اسکادران [= اسکادران] سواره دسته ۳۹ هندوستان در موقعی که قریب شش میلی شیراز مشغول مشق‌کردن بودند شلیک شد. جواب شلیک داده نشد و

صاحب‌منصب فرمانده اسکادران توانست با تفنگچیان مذاکره نماید و آنها اظهار داشتند تصور کرده بودند سوارها دزد بوده‌اند و از سهو خود اظهار تأسف نمودند. همینکه باز هم تحقیقات بعمل آمد قنصل اعلیحضرتی اقناع شد به اینکه این حادثه نتیجه سهوی بوده.

مستر ناکس کفیل قنصلگری در ۲۹ فوریه حرکت نمود.

در دوم مارس دسته ۱۳۵ نفری ژاندارم در تحت سه نفر صاحب‌منصبان سوئدی از طهران برای شیراز حرکت کردند. این ژاندارمها قسمت مرکزی باطالیان فارس خواهند بود که برای حفظ راه بوشهر الی شیراز و ایزدخواست تشکیل خواهد شد.

سیستان

اغتشاشات پلتیکی در اینجاها بوقوع نرسیده و بااستثنای هجوم بلوچها در قائنات در این ایالت آرامی حکمفرما بوده است.

کرمان

امیر اعظم در پلتیک خود که عدم ترغیب و تشویق نمایشات ضد خارجه باشد ادامه داده است. رفعت‌الدوله به حکومت بم تعیین شده است. بعلت خساراتی که به ادارات تجارتنی وارد آمده در مراکز تجارتنی اضطراب فوق‌العاده دارند.

کرمانشاه

در ۶ فوریه یک دسته از عساکر دولتی در تحت امر یارمحمدخان وارد شده شهر را قبضه نمود. سالارالدوله رو به فرار گذارده و اعظم‌الدوله از قنصلخانه که از ۱۵ دسامبر در آنجا پناهنده گردیده بود خارج شد و زمام حکمرانی شهر را به دست گرفت. در ۲۲ فوریه سالارالدوله دوباره کرمانشاه را قبضه نمود، اعظم‌الدوله را محبوس نموده او را بقتل رسانیده و شهر را به دست اتباع خود داد که غارت نمایند. یارمحمدخان سرکرده قشون دولتی موفق به فرار گردید.

یکی از همراهان سالارالدوله یک نفر از مستحفظین سواره قنصلخانه را عمداً مجروح نمود و سالارالدوله همینکه این را شنید از این کار عذرخواهی نموده براتی به مبلغ دو بیست تومان برای سوار فرستاد ولی قنصل اعلیحضرتی امر نمود برات را پس‌فرستاده به سالارالدوله اطلاع داده که مسأله آنقدر مهم است که او نمی‌تواند به این طور آن را اصلاح نماید.

بعلت شکست یارمحمدخان، فرمانفرما که تازگی به حکمرانی منصوب شده و رو به کرمانشاه می‌رفت به طهران مراجعت نمود. وزیر امور خارجه اظهار می‌دارد که فرمانفرما با عده‌ای قزاق ایرانی بهمین زودیها بطرف کرمانشاه حرکت خواهد کرد.

زنجان

در ۱۳ مارس محمدخان که یکی از راهزنان می‌باشد با عده‌ای سوار داخل شهر شده و عده اطاعت حکومت را داد. حکمران به طهران تلگرافاً [=تلگرافی] از مطیع شدن محمدخان اظهار مسرت نموده و وزیر داخله از نایب‌السلطنه درخواست نمود لقبی به او اعطاء نماید. کمی بعد از آن راهزن مزبور [که] باطناً با یکی از اعظم

شهر همدست بود حکمران را گرفته و محبوس نمود و از شجاع الدوله استفسار نمود چطور با او عمل نماید؟ شجاع الدوله به او در جواب گفت که او را از حبس بدر آورد و او هم همین طور عمل نمود ولی محمدخان در شهر که به نام سالارالدوله در قبضه او است توقف دارد.

لنگه

در ماه فوریه ایلات ناحیه تراکمه که بواسطه قبضه مقدار زیادی اسلحه که برای آنها وارد شده بود شروع به جمع آوری استعدادی نمودند که به گمرک و کنسولگری انگلیس در لنگه حمله نمایند.

از قراری که راپورت داده شد استعدادی تخمیناً بعداً ۲،۴۰۰ نفر ایللیاتیها در ۶۰ میلی لنگه در ۱۲ مارس بودند.

از آنجایی که ظاهراً پیشقدمی آنها به شهر احتمال نزدیک به یقین داشت و مأمورین محلی نمی توانستند از آنها جلوگیری نمایند ۱۵۰ نفر از دسته هفتم راجپوتها از جاشک آورده شده و در ۱۲ مارس برای حفظ جان و مال اتباع انگلیسها وارد لنگه شدند.

نمره - ۱۷

مکتوب اداره هند به وزارت خارجه

اداره هند ۶ آوریل ۱۹۱۲ [۱۷ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۷ ع ۲۴ - ۱۳۳۰]

آقا

از طرف وزیر هند تعلیم دارم که وصول مکتوب ۳ شهر جاری شما را در موضوع نقشه کلنل یالمارسن برای تشکیل ژاندارمری ملی برای ایران اطلاع داده و در جواب اظهار نمایم که او موافقت دارد بر اینکه تعلیماتی که وزیر امور خارجه پیشنهاد می نماید برای سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران ارسال گردد و جناب معزیه الیه مبادرت ورزیده ارائه طریق می نماید (درحالیکه بخوبی می دانند در این موقع باریک اصرار برای انجام اقدامات حفظ راه بندرعباس الی کرمان نتیجه ندارد) که بایستی اتصالاً لزوم اعاده نظم را در آن نقطه به دولت ایران اصرار نمایند. چنانچه سر ادوارد گری مستحضر می باشند ادارات تجارته هندی در این باب مکرراً اظهارات نموده و از آنجایی که راه کرمان (نه مثل راه شیراز) جزو منطقه نفوذ انگلیس می باشد از قرار معلوم لازم است دولت اعلیحضرتی عطف توجه مخصوص نسبت بآن بنمایند.

(امضاء) لینل ابراهمر [ابراهامز؟]

نمره - ۱۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ آوریل ۱۹۱۲ [۲۰ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۰ ع ۲۴ - ۱۳۳۰]

اخیراً نایب السلطنه از عدم صحت خود شکایت نموده است.

همکار روسی و من امروز بعد از ظهر والاحضرت را برای مذاکره این مسئله ملاقات نمودیم.

والاحضرت اظهار داشت که در عرض این چند روزه دو فقره حمله اختناق قلب داشته و بی‌خوابی او را صدمه زده و بواسطه شدت کار به اعصاب وی صدمه زیاد وارد آمده و دکتر دستورالعمل به او داده است راحت کند. ما نظر به اوضاع مغشوش حاضره از عواقب مفارقت وی اظهار عدم اعتماد نمودیم ولی او اظهار داشت که معالجه برای وی لازم حتمی بوده و قصد دارد در اواسط ماه مه حرکت کرده در ماه سپتامبر مراجعت نماید و امیدوار بود که پس از معالجه بتواند با شما و وزیر امور خارجه روس دید و بازدید نماید و اظهار داشت که کلیه اختیارات خود را به کابینه واگذار نموده و حق امضاء کردن فرامین را برای خود باقی خواهد گذارد که در صورت لزوم بوسیله تلگراف آنها را به امضاء برساند و تصور می‌کرد که کابینه نصایح او را بفوریت پذیرفته و غیاب موقتی او باعث رفع آنتریگهای برضد او خواهد گردید و بزودی قادر تواند بود که با نفوذ جدید مراجعت نماید.

والاحضرت اطمینان داد که مراجعت خواهد نمود و مادامی که در خارجه اقامت داشته باشد دائماً با دولتین مذاکره و مخابره خواهد داشت.

نظر به مراتب فوق ما گمان می‌کنیم صلاح نباشد بیش از این به نایب‌السلطنه اصرار نماییم بیش از این مدت تعطیل و راحت خود را که بنابر اظهار خود او کابینه به آن رضا داده از دست بدهد.

نمره - ۱۹

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۱۰ آوریل ۱۹۱۲ [۲۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۱ ع ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دیروز سر جارج بارکلی:

چون مسیو سازانف از قصد نایب‌السلطنه در باب حرکت از ایران چیزی نشنیده بود مضمون تلگراف فوق شما را به او ابلاغ نمودم.

جناب معزی‌الیه اظهار داشت نایب‌السلطنه خیلی احتمال می‌رود اگر يك دفعه از ایران خارج شود دیگر بهیچوجه مراجعت ننماید. او نمی‌دانست ما چطور می‌توانیم او را از رفتن منع نماییم اگرچه رفتن او باعث تأسف زیاد می‌باشد چرا که ما در شرف انجام مذاکرات مهمه در موضوع راه‌آهن ایران و قرضه و قشون و سایر مسائل می‌باشیم.

طریقه صحبت مسیو سازانف از بابت این اوضاع تا اندازه‌ای یأس‌آمیز بود و با وجود آنکه عمل شاه مخلوع تمام شده بود در اوضاع هنوز بهبودی حاصل نگردیده و مخصوصاً در کرمانشاه کمال اهمیت را پیدا کرده بود.

مسیو سازانف اظهار داشت که بواسطه اغتشاشاتی که بطور غیرمستقیم مربوط به مسأله سالارالدوله می‌باشد، دولت روس يك ستینه قزاق از قزوین به همدان خواهند فرستاد.

نمره - ۲۰

تلگراف سر چارج بارکلی به سر ادوارد گری
 طهران ۱۱ آوریل ۱۹۱۲ [۲۲ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۲ ع ۲ - ۱۳۳۰]
 سه نفر صاحبمنصب سوئدی در ۵ آوریل به شیراز ورود نمودند.

نمره - ۲۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر چارج بارکلی
 وزارت خارجه ۱۱ آوریل ۱۹۱۲ [۲۲ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۲ ع ۲ - ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۳۰ مارس شما - ژاندارمری - دولت اعلیحضرتی با دقت تمام
 در این مسأله غوررسی نموده و اینطور نتیجه گرفته‌اند که لازم‌ترین احتیاج يك قسم
 تأمینى برای تجارت انگلیس در راه بین شیراز و بوشهر می‌باشد.
 بنابراین خوب است که کلنل به عقیده سابق خود عطف نظر نموده تمام این راه را
 محافظت نماید و شما باید به او اصرار نمایید که نقشه اخیر خود را تا این اندازه
 تجدید نماید، حتی اگر هم لازم شود که بجهت آن از برقرار داشتن پستی در شمال
 شیراز موقتاً صرف نظر نماید.

اگر خان برازجان در راه اجرای بطور صحیح نقشه ژاندارمری موانع و عوایق
 فراهم آورد دولت اعلیحضرت ممکن است خود را مجبور بدانند که برعلیه [= علیه]
 او اقدامات قهریه نمایند. شما باید دولت ایران را از این مسئله متنبه ساخته و آنها
 را به سوء اعمال سابق این خان متذکر سازید.

ما بخوبی می‌دانیم که حالیه موقع مناسبی نیست به دولت ایران اصرار شوه اقدامات
 برای حفظ راه بندرعباس و کرمان بنمایند. ما مجبوریم که بذل توجه مخصوص به
 این راه که در منطقه ما واقع است نموده و اعاده نظم آنجا را هرچه زودتر بخواهیم
 و شما باید مراقب باشید و نگذارید این مسئله از تحت نظر دولت ایران خارج گردد.

نمره - ۲۲

مکتوب سر چارج بارکلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲۵ مارس ۱۹۱۲ [۵ فروردین ۱۲۹۱؛ ۵ ع ۲ - ۱۳۳۰]
 آقا

افتخار دارم صورت وقایع یومیه را که قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه ضبط
 نموده و بطور اختصار اوضاع امورات آنجا را از ۱۶ فوریه الی آخر ماه می‌نمایاند
 لفا ایفاد دارم. (امضاء) چارج بارکلی

ملفوف نمره ۲۲

صورت وقایع یومیه که از طرف قنسولگری کرمانشاه از ۱۶ الی ۲۹ فوریه ۱۹۱۲ [۲۶ بهمن تا ۱۰ اسفند ۱۲۹۰؛ ۲۷ صفر تا ۱۰ ع ۱۰ - ۱۳۳۰] [گزارش شده است].

(۱) سالارالدوله در موقع حرکت از کرمانشاه به ماهیدشت رفته و دو روز آنجا توقف نمود. سپس زن خود را به ولایت ایل کلهر فرستاده و به اتفاق سردار مظفر و خانهای آنجا بطرف خالصجات که از ۷ الی ۱۵ میلی شمال غربی آن شهر واقع است حرکت نمود و تمام دهات دور و حوالی آنجا را غارت نموده قاصد برای احضار عساکر به اطراف فرستاد. شهر در حال کمال نظم بود و فرمانده قشونی دولت با مأمورین دیگر مشغول تصفیة امورات و سنگربندی شهر بودند.

(۲) روز ۱۷ کاغذی توسط قنسول روس از طرف سالارالدوله رسید مشعر بر این که در صدد محاصره شهر بوده و قنسولها و اتباع خارجه بایستی به دهات بروند تا آنکه او مجازات متمردين را به انجام رساند. شخصی متعلق به اردوی او بطور حتم اظهار می داشت که متمردين شکست خود را حمل به حضور مأمورین دولتی در قنسولخانه انگلیس نموده و اظهار می دارند که اگر بگذارند قنسولخانه را منهدم نمایند می توانند شهر را قبضه نمایند. او نیز اظهار داشت که شاهزاده به آنها وعده غارت قنسولخانه و بانک را داده است. راه کنگاور را ایل کاکاوند اشغال نموده و قاصدها بهیچوجه نمی توانستند ایاب و ذهاب نمایند. دو نفر از قنسولخانه بحال مجروح مراجعت نموده یکی از آنها فوت کرد.

(۳) اعتلاءالدوله رئیس محکمه نظامی و رئیس قشون شد، بهمین طور به ریاست کمیسیون مخصوص انتخاب گردید. در چندین نقاط دروازه ها بنا شده و قاصدهای متعدد نزد فرمانفرما ارسال شد که قشون امدادی بفرستد. رؤسای مختلفه که سردار اکرم هم جزو آنها بود به مأمورین محلی مکتوبات نوشته اظهار اطاعت و انقیاد نسبت به دولت نمودند.

از انتظار ورود فرمانفرما آثار بهبودی در اوضاع ظاهر بود ولی چون خبری از او نرسید همراهان سالارالدوله گمان کردند او دیگر نخواهد آمد و فقط قشون کمی حاضر داشتند و آنهایی که قبول خدمت دولت را نمودند مهیای ترك آنها یا همراهی با متمردين شدند.

(۴) مجلل السلطان از طرف محمدعلی میرزا با پنجاه سوار و بسیاری از کردستانیها (جاف-جوانرودیها) که بسیار مایل انتقام کشیدن از رئیس خود شرف الملک بودند و با ایلیاتیهای محلی آن نقطه که در تحت امر سردار مظفر متفق شدند روز ۱۸ در خارج شهر جنگ و گریزی به وقوع پیوسته یکی از داوطلبان محلی مقتول و چند نفر از یاغیان مجروح گردیدند.

(۵) در شب ۲۱ در طرف مغرب شهر در جایی که داوطلبان شهری با عده کمی از مجاهدین چند سنگر را متصرف بودند قدری شلیک به وقوع رسید. در موقع طلوع آفتاب داوطلبان با یاغیان متحد شده و آنوقت یاغیان چپاسرخ را که یکی از کوههای

حدود کرمانشاه است در تصرف داشتند. سپس از آنجا رو به جلو رفته يك ثلث بازار را قبضه نموده آنوقت دسته پنجاه نفری مجاهدین پس از تلفاتی چند بر آنها حمله نموده و آنها را بعقب نشاندند (مجاهدین تا فردا صبح آن روز يك منگر در تصرف داشتند).

مأمورین دولتی و یارمحمدخان آنوقت عمارت حکومتی را تخلیه نموده و با چندین بار اسلحه و مهمات جنگی بطرف دینورا فرار نمودند. اقلا از طرفین ۴۰۰ نفر مقتول گردیده‌اند.

(۶) بعد از ظهر بعضی از سوارهای کاکاوند در دره عقب قنصلخانه بودند ولی همینکه دریافتند قنصلخانه در جلو آنها است از آنجا رفتند. ۵ نفر از ایلاتیمهای کلهر از آنجا عبور نموده و همینکه به آنها گفتند اینجا قنصلخانه است سرکرده آنها اظهار داشت که از سردار مظفر امر دارند به قنصلخانه احترام نمایند و نباید بیم و وحشتی داشته باشیم و آنوقت یکی از آنها که خود را جزو مجاهدین می‌دانست با تفنگ خود بر یکی از سواران مستحفظ هندی شلیک نموده گلوله از بازوی او عبور نمود. بعد از این مقدمه رفتند.

(۷) روز ۲۳ سالارالدوله و سردار مظفر به عمارت حکومتی رفتند. از قراری که مذکور است به سردار مظفر اجازه داده شده است بطور آزادی عمل نماید. همینکه ایلیاتیمهای کلهر که در جنگ شرکت کمی نموده بودند وارد شدند فوری شروع به غارت نمودند. یکی از اولین خانه‌هایی را که غارت نمودند متعلق به ترجمان قنصلخانه روس بود و بر بالای خانه او بیرق دولت روس نصب بود. یکی از فراشهای هندی این قنصلخانه نیز تمام اسبابهایش بغارت رفت. در روی خانه او هم بیرق نصب بود. دو نفر از سوارهای مستحفظ قنصلخانه عثمانی را هم در کوچه لخت نمودند و بعد از آن غارت عمومی شد. فقط اجناسی که در کاروانسرای وکیل‌الدوله متعلق به انگلیسها بود بغارت نرفت و بزازخانه هم غارت نشد ولی در آنجا چندان اجناس نبود چرا که بسیاری از دکان‌داران اجناس خود را به خانه‌های خود برده بودند. تمام کاروانسراهای خارج شهر بانضمام اجناس متعلق به تجار منچستر که منتظر حمل به همدان بود بغارت رفتند. جزئیات این غارت هنوز معلوم نیست.

سپس اینها در تجسس مجاهدین برآمده و چند نفر را دستگیر نمودند. روز ۲۵ ایلیخانی (سالار همایون سرکرده کلهرهای شهری) با پسرش فتح‌الایاله برای جلوگیری غارت با کمال جدیت مشغول اقدامات بوده و اداره ذیقلر [زیگلر] و بسیاری از دیگران را از غارت رهانیدند. مجلل‌السلطان به سردار مظفر فحاشی نموده و به آنها اظهار داشت که این غارت اصلا باعث تخریب و عدم پیشرفت مقاصد آنها شده و تهدید به حرکت نمود ولی سالارالدوله او را ترغیب به توقف نمود.

(۸) روز ۲۳ اعتلاءالدوله با دو نفر مجاهد مکشوف گردید و روز بعد به قتل

رسیدند. نعش‌های آنها را با وحشی‌گری تمام در معرض نظر عامه گذاردند. چندین نفر از مجاهدین نیز به قتل رسیدند.

روز ۲۵ راپورت داده شد که اعظم‌الدوله گرفتار گردیده و سه قنصلخانه‌ها منشی‌های خود را فرستادند که برای جان او شفاعت نمایند. سالارالدوله اظهار داشت نجات‌دادن او از قوه‌اش خارج است. از قراری که بعد معلوم شد او گرفتار نگردیده بود بلکه ۳۴ نفر دیگری که متعلق به قراولخانه‌ها بوده‌اند و فرار نموده بودند گرفتار گردیده و ۲۰ نفر آنها را به قتل رسانیده‌اند. سایرین که مقتول گردیدند سه یا چهار نفر از سرکرده‌های مجاهدین بودند.

روز ۲۷ اعظم‌الدوله را با پسرش و دو نفر دیگر به قتل رسانیدند. اینها را در نزدیکی کندوله (قریه‌ای است در سه فرسخی کرمانشاه، ملکی اعظم‌الدوله) در ناحیه دنیاور [= دینور] دستگیر نموده بودند. از بابت یارمحمدخان و بقیه قشون او خبری در دست نیست.

۹) سالارالدوله قشونی برای قبضه صحنه و کنگاور فرستاده، شهرت داده است که پس از چند روزی به طرف همدان حرکت خواهد کرد.

(امضاء) مک‌دول

نمره - ۲۳

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ مارس ۱۹۱۲ [۹ فروردین ۱۲۹۱؛ ۹ ع ۲ - ۱۳۳۰]

آقا

در باب تلگراف ۲۵ شهر جاری من، افتخار دارم اینک سواد مراسله قنصل اعلیحضرتی کرمانشاه را در خصوص امتناع ورزیدن سالارالدوله از قبول شرایط دولت ایران که توسط قنصلهای دولتین روس و انگلیس به او ارائه شده لفاً ایفاد دارم.

همکار روسی و من امروز در کار فرستادن تعلیمات به دو قنصل مذکور می‌باشیم که اظهار سخت‌تر دیگری به شاهزاده بنمایند. سواد مکتوب بعنوان قنصل در جوف است.

(امضاء) جارج بارکلی

ملفوف اول نمره ۲۳

مکتوب مک‌دول قنصل به سر جارج بارکلی

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که من به اتفاق همکار روسی خود از سالارالدوله ملاقات نموده و ترجمه تلگراف متحدالمال دوم مارس سفارتین را برای او قرائت نموده و به او اشعار نمودیم که سفارتین با کمال سختی او را نصیحت به قبول می‌نمایند - او

آن را قبول ننموده در کاغذ دیگری که اصل آن را با ترجمه‌اش لفاً ایفاد داشته‌ام شرایط دیگری پیشنهاد نموده است. این مراسله او تا ۱۴ واصل نگردید. به مجرد وصول آن همکار روسی نزد من آمده و ما پیغامی برای او فرستاده و او را نصیحت نمودیم پیشنهاد مناسب‌تری بنماید. او در جواب گفت البته در طهران در آن تغییرات خواهند داد و لذا آن را فعلاً اینجا تغییر نخواهد داد.

امیر جنگ والی پشتکوه می‌باشد. اظهاری که شده است مشعر بر اینکه او و سایر رؤساء در تهیه حرکتی هستند، بعقیده من خیالی است و یحتمل مقصود از آن این است که شاهزاده مذکور از آنها درخواست نموده است چنین کاری بکنند. شاهزاده فعلاً فقط ۵۰۰ نفر در کرمانشاه دارد.

(امضاء) مک‌دول

ملفوف دوم نمره ۲۳

ترجمه مکتوب سالارالدوله به مک‌دول قنسول

دیروز شما باتفاق مسیو نیکلسکی قنسول روس مطالب تلگراف طهران را برای من ذکر نمودید. اگرچه در همان وقت من شفاهاً جواب لازم را دادم با وجود آن این مختصر را می‌نویسم که شما تلگراف کنید. اولاً شما اظهار نمودید که اعلیحضرت محمدعلی‌شاه اعظم سلطان بالاستحقاق قبول نموده است از ایران خارج شود اگرچه در این باب برای من حکمی صادر نشده برای من لازم است این را بنویسم. پس از آنکه تا مدت چهار سال متحمل انواع و اقسام بدبختیها و صدمات و خسارات و حبس و تبعید از وطن شده با نهایت سختی دو سال و نیم در خارجه گذرانیدم اتصالاً شرح حال خود را به استحضار دولت ایران رسانیده جوابی به من داده نشد و حتی مبلغی را که توسط دولت روس برای من مقرر داشته بودند نپرداختند. برای تصفیة این امر به لندن رفته و در سفارت ایران توقف نموده و شرح حال خود را به عضدالملک نایب‌السلطنه سابق اظهار داشتم. او در جواب گفت ترتیبات لازمه برای کار شما در اروپا داده خواهد شد. ولی هیچ اقدامی نکردند. این مسأله چیزی نیست. آنها تمام مایملک مرا بدون جهة و سبب ضبط نموده و تمام املاک من در رهن بانک دسکونت است برای مبلغ ۱۵۰،۰۰۰ تومان و منافع آن که توسط ارباب جمشید قرض نموده‌ام و قبض من هم آنجا است. آنها املاکی را که از طرف اعلیحضرت پدر من به ارث رسیده ضبط کرده عشرت‌آباد را به اجاره داده و مردآباد را غارت نموده و آنچه به من دادنی هستند نداده‌اند. عایدات املاک مرا هم ضبط کرده‌اند و کار برای خانواده من بطوری سخت شده بود که مجبور به فروش خانه و اسباب خانه خود شده بودند. این مسأله از هیچ کس پنهان نیست. تلگرافی از ستارخان و باقرخان رسید مشعر بر اینکه لازم است من به ایران آمده و به این اغتشاشات خاتمه دهم و به این لسان برای من مخایره نموده:

«اهالی آمدن شما را تصویب کرده آن را موهبتی از طرف شما می‌دانند»^۱ سپس من به رشت آمده و تا دو روز مرا در آنجا حبس نمودند و با آنکه هر قدر توانستم به آنها التماس نمودم که مرا در همان حالت به طهران برده و بگذارند دو روز در آنجا توقف نموده پس از تهیه مایلزم خانواده خود از ایران خارج شوم قبول نمودند.

پس از مراجعت از ایران من به اعلیحضرت محمدعلی شاه وعده دادم و قسم یاد نمودم که تا زمانی که آن اعلیحضرت حقوق اجداد خود را نخواهد از دست دهد من از خدمت او تا نفس آخرین مضایقه نخواهم داشت. در صورتی که محمدعلی شاه در ایران باشد عقیده من مناط اعتبار نخواهد بود، من و سه ملیون [=میلیون] اهالی این ایالات و ولایات در انجام فرمایشات او تا آخرین قطره خون خرد حاضر خواهیم بود. تمام مطالب باید به عرض او برسد؛ من نسبت به او رعیت ناقابلی هستم ولی اگر اعلیحضرت محمدعلی شاه مایل به ترك حقوق شخص خود بوده باشند وعده‌هایی که به ایشان داده‌ام از درجه اعتبار ساقط بوده و من خود را محق به بازگرفتن حقوق اجداد خود خواهم دانست. اما در باب اینکه اظهار داشته‌اید دولت ایران پیشنهاد نموده‌اند مبلغ شش هزار تومان برای شخص من و شش هزار تومان برای خانواده من اعطاء نمایند که من در ازای این مبلغ دست از قبور اجداد خود بردارم و اینکه املاک من از ضبط و توقیف بیرون خواهد آمد با این اوضاع این طور جواب می‌نویسم که تمام عالم بدانند من شخصاً کینه نداشته و محض آن متحمل این زحمات گردیدم که به این اختلالات و اغتشاشات چهارساله اخیر که از عدم کفایت دولت ایران به ظهور رسیده خاتمه دهم.

اولاً اگر هفتمین پادشاهی که فعلاً حیات دارد گدا شود خود می‌تواند بیش از اینها پول بدست آورد. ثانیاً هنگامی که در اروپا اقامت داشتم به رفتای خود توصیه می‌نمودم که اگر در اروپا مردم جسد مرا برده و در وطن محبوبم دفن نمایند. خدا نخواهد که زنده از این خاک بدر روم.

چنانچه قبلاً ذکر نمودم اگر محمدعلی شاه از حقوق خود صرف نظر کند من خود را محق بازگرفتن آنها می‌دانم ولی امروز به بعضی علل و اسباب برای اینکه آخرین پرده این (درابا) ۲ تیاتر [=دراماتیاتر] غم‌انگیز را به عالمیان نشان دهم از بازگرفتن حقوق اجداد خود صرف نظر می‌نمایم.

بنابراین برای اینکه کسی در حق من سوءظن نبرد که باعث استدامه این جنگ داخلی و انهدام يك مملکت شش هزار ساله و اضمحلال ایران شده‌ام از جنگ دست کشیده مطیع و منقاد می‌شوم بشرط آنکه دولت ایران شرایط ذیل را که توسط سفرای دولتین پیشنهاد می‌شود قبول نمایند:

شرایط از این قرار است که قطعاتی که ذیلاً اسم برده می‌شود در تحت حکمفرمایی

(۱) گیومه را ویراستار افزوده است. - م.

(۲) چنین است در اصل. - م.

من بوده و علی‌العجله اقتدار سلطنتی سلسله قاجاریه بر آذربایجان و کردستان و گروس و معادن طارم علیا و سفلی^۱ که برحسب امتیاز مظفرالدین‌شاه به آمانیانس^۲ مسیحی داده شده و وزارت خارجه و اتابک اعظم آنها را به من منتقل نمود به انضمام دهات آذریاد و انگوران واقعه در زنجان که در آنجا من صاحب املاک می‌باشم (همدان و کرمانشاه و حوالی آن و کنگاور و اسدآباد و پروجرده و لرستان و عربستان و کمره و گلپایگان و خوانسار و ملایر و سلطان‌آباد و عراق) نواحی فوق‌الذکر که در تصرف من بوده و می‌باشد خانه و وطن من بوده و تمام زندهای من از دختران رؤسای این قطعات بوده املاک شخصی من در آنها واقع می‌باشند و لازم است که بعضی از این قطعات برای استقرار نظم نقاط دیگر بدست من باشد.

بر تمام عالم عموماً و دولت انگلیس خصوصاً معلوم است که دولت ایران از عهده انتظامات این نقاط نمی‌تواند برآید مخصوصاً در پروجرده و لرستان و کرمانشاه، و هیچکس غیر از من قادر بر نگاهداری این نقاط و وصول عایدات و دفع اشرار آن نمی‌باشد. اگر اینها را قبول نمایند من وعده می‌دهم اوامر دولت ایران را تا اندازه‌ای که با مسأله انتظامات نقاطی که در تحت تصرف من می‌باشد مداخله نشده باشد اطاعت نمایم.

پس از انجام این قرارداد و پرداخت وجه مصارف قشون که من برای حفظ این نقاط جمع‌آوری بتوانم کرد و پرداخت مصارف حکومتی بقیه عایدات و سایر واردات را سالیانه در دو قسط به خزانه شاهی خواهم پرداخت و فقط اعلیحضرت پادشاهی بایستی بر من اوامر صادر نماید و دولت ایران بر وفق سیاهه‌ای که بعد خواهم داد باید خسارات وارده چهارساله به من و اتباع مرا داده اشخاصی را نیز که باعث این خسارات شده و اموال مرا ضبط نمودند به من تسلیم نمایند.

هیچیک از مأمورین دولت نباید بدون رضایت و موافقت من به این نقاط پا بگذارد و آنها نباید اوامری بدهند مگر مطلبی راجع به شخص من بوده باشد.

در تمام مسائل حکومتی و نظامی راجع به این قطعات بدون استثناء من شخصاً به اعلیحضرت پادشاهی مسئول می‌باشم.

از تاریخ امضای این قرارداد اگر دولت ایران یا دول اروپا در باب این قطعات قراردادی بنمایند بایستی به اطلاع و رضایت من به انجام برسد وگرنه اهالی این نقاط حق قبول یا رد آن را خواهند داشت و در صورت رد از طرف اهالی آنها مسوول هرگونه ضرر یا خسارت به آن دولت نخواهند بود.

برای ترمیم خسارات وارده چهارساله و تعمیر خرابیهای این مدت و بنای قراولخانه‌ها در راههای قافله‌رو و تشکیل ژاندارمری و تعمیر عمارات حکومتی این قطعات که مخروبه شده‌اند و برای کمک رعیت املاک خراب‌شده - که شاید امروز آثاری از آنها باقی نمانده است - دولت ایران پس از قبول نمودن باید یا از خزانه یا

(۱) اصل: ... معادن طارم و علیا و سفلا. - م.

(۲) چنین است در اصل. [= ترمانیانس؟] - م.

بواسطه استقراض از دولتین به شرایطی که دولت ایران تصویب نماید پول بدهند و هر زمان که پولی لازم شود باید ترتیب آن بطریق فوق داده شود. من هر قدر اسلحه که برای حفظ این قطعات مکفی باشد خواهم خرید زیرا که امروز اسلحه دولت وجود نداشته و نمی‌توان قطعات مملکت را بقوة اسلحه ایلات حفظ نمود و مالیات وصول نخواهد شد و ترتیبات نظم و آسایش فراهم نیامده اوضاع به حال خود باقی خواهد ماند. و به رضایت دولتین معلمین برای علم فلاح و تجارت و دارالفنون و قشون از خارجه استخدام خواهند شد و من شخصاً آنها را خواسته و با آنها قرار و مدار خواهم داد.

این است کار شخصی و اراده من که پس از آنکه به استحضار شاه رسانیده شد به انجام برسانم و فقط هنگامی که قرارداد مذکور را دولتین امضاء و ضمانت نمایند قانع خواهم شد و اگر يك وقتی دولت ایران بحيله اسباب اغتشاشات در این نقاط فراهم آورند دولتین حکم خواهند بود. اگر این شرایط مورد قبول گردد من تعهد می‌نمایم پادشاه خود سلطان احمدشاه را اطاعت نمایم و بعلاوه اگر مترصد خدمتی از من بطور موقت در نقطه دیگری باشد من حاضر انجام آن خواهم بود که اطاعت پادشاه امری واجب است.

پس از امضای قرارداد دولت ایران بایستی بلا تأخیر اجازه رسمی و اختیار کامل دهند که با دولت عثمانی از بابت اراضی بانه تا قطور که بدون حق آنها ضبط و اشغال نموده‌اند قرار و مداری بدهم و با اطلاع دولت ایران اقدامات لازمه برای تخلیه عساکر از آنجاها بنمایم.

در صورتی که دولت ایران این قرارداد را ننمایند دولتین با همان محبت و مکرمتی که همواره نسبت به ایران ابراز داشته و مخصوصاً در موقع ورود محمدعلی و من به ایران تصمیم بیطرفی اختیار نمودن کرده و دولت ایران را رسماً از آن مستحضر داشتند در این موقع که من نیز با تمام قوا حاضر استرداد حقوق خود هستم اگر بیطرفی اختیار نمایند من و این مردم محترم خشنود خواهیم گردید.

انجام تمام این مطالب در صورتی است که محمدعلی شاه در ایران نبوده و یا آنکه دست از حقوق خود برداشته باشد. من فقط یکی از رعایای مطیع آن اعلیحضرت بوده و از خود عقیده ندارم. استدعا دارم بدون تأخیر و تعلل جواب مثبت یا منفی از طرف دولت ایران تحصیل گردد چرا که امیرجنگ و تمام رؤسای این نقاط حاضرند با استعداد خود حرکت نمایند و خود من هم تا پنجم ماه دیگر اگر شرایط مذکوره قبول نشود مجبور هستم حرکت کرده قشونی بفرستم که اگر باید در جنگ مداومت شود کار خود را یکسره نمایم.

ملفوف سوم نمره ۲۳

تلگراف سر جارج بارکلی به مک‌دول قنسول

طهران ۳۰ مارچ ۱۹۱۲ [۱۰ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۰ ع ۲۳ - ۱۳۳۰]

شما باید با همکار روسی خود متفقاً با شدت تمام به سالارالدوله اصرار نمایید ایالات و ولایاتی را که متصرف شده است به فرمانفرما که به فرمانفرمایی آن قسمت ایران تعیین شده است واگذار نموده خود از ایران خارج شود. شما باید او را اطلاع دهید که پیشنهادات او قابل قبول نبوده و طول توقف او در ایران باعث انعدام نظم و آسایش و مخالف منافع دولتین می‌باشد.

علی‌هذا دولت ایران در اقدام برضد او [انتظار] همدردی کامل و حمایت از ما داشته‌اند. دولت ایران در تهیه قشون زیادی هستند که در مقابل او فرستاده شود و وسایل اعزام آن را دارند چرا که مبلغ زیادی اخیراً از دولتین دریافت نموده‌اند.

اگر سالارالدوله از موافقت با این نصایح سخت امتناع ورزد، بایستی به او اظهار نمایید که کمک دولتین را در تحصیل حقوقی برای خویش و حفظ شخص او، در آتیه بکلی از دست خواهد داد.

نمره - ۲۴

تلگراف مستر نیک به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ آوریل ۱۹۱۲ [۲۳ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۳ ع ۲۳ - ۱۳۳۰]

کرمانشاه و سالارالدوله

راجع به تلگراف ۲۸ مارس شما

تلگراف ذیل مورخه ۶ آوریل همین تازگی از قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز رسیده است:

همکار روسی و من امروز سالارالدوله را ملاقات نموده و بنا بر تعلیمات تلگرافی ۳۰ مارس شما، به او اصرار نمودیم شرایطی را که پیشنهاد شده است قبول نماید. او از قبول آنها امتناع ورزیده و اظهار داشت که این جوابی که به تلگرافش داده شده، او را وادار می‌نماید که اعلان پادشاهی خود را بدهد و از آنجایی که خود را وطن پرست و یکی از قاندين مسلمانان می‌داند، مقصود او این است که نظم و مذهب را در مملکت اعاده نموده و ایجاد حکومت مقتدری بنماید.

من عرض ملاحظات و عقاید خود را به تأخیر می‌اندازم تا آنکه جواب سفیر روس از قنسول او برسد و آنوقت متفقاً عرض خواهیم نمود.

قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه نیز در تاریخ ۷ آوریل بطریق ذیل تلگراف می‌کند:

شاهزاده سالارالدوله برای ملاقات رؤسای کلهر و جمع‌آوری قشون از کرمانشاه حرکت کرده است. گمان او این است [که] والی هم خواهد آمد ولی از این مسأله من

شک دارم در صورتی که دولت ایران در انجام اقدامات خود کوتاهی نمایند، بسر عده قشون او هر روزه افزوده خواهد شد.

من رئیس ایل سنجابی را از مضمون مغایره سفارت به سالارالدوله مستحضر داشتم. او اظهار داشت که در صورتی که فرمانفرما شخصاً [و] فوراً با ۳۰۰ نفر و دو عراده توپ بیاید، تقبل دفع ایل کلهر را خواهد نمود و گرنه ایلات مجبور خواهند شد به قشون سالارالدوله متفق شوند.

فرمانفرما تا قزوین رسیده است من دولت ایران را فشار خواهم آورد که حرکت او را تسریع نموده و بر عده عساکر وی بیفزایند. خود او اعتماد دارد که می تواند با قشونی که حالیه دارد و به وسیله مذاکرات با سنجابیها به دفع سالارالدوله از کرمانشاه بپردازد.

نمره - ۲۵

تلگراف سر ادوارد گری به مستر نیک

وزارت خارجه ۱۲ آوریل ۱۹۱۲ [۲۳ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۳ ۲۴ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف نمره ۲۱۶ - ۲۸ مارس سر جارج بارکلی

مساعدۀ مشترک

من ارائه طریقی را که در قسمت آخری شده تصویب می کنم. تصور می کنم از بابت ۳۵،۰۰۰ تومانی که در دوم مارس به دولت ایران مساعدۀ داده شد برای مدت لغایت تاریخ مسترد داشتن آن بایستی مطالبۀ نفع بشود و محاسبۀ این مساعدۀ باید از حساب قرضۀ انگلیس و هند ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ مجزا باشد.

نمره - ۲۶

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورغ ۱۳ آوریل ۱۹۱۲ [۲۴ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۴ ۲۴ - ۱۳۳۰]

پیشنهاد دولت ایران برای حرکت از ایران

مسیو سازانف تصور می کند که والاحضرت نایب السلطنه میل دارد بکلی از ایران خارج شود درحالی که قبول دارم نمی توان کاری کرد که مانع از حرکت او شود. مسیو سازانف برای مسیو پوکلیوسکی [پاکلوسکی] تعلیمات فرستاده است که علل صلاح نبودن حرکت او را حالیه از ایران به وی ابلاغ نماید.

اخباری که همین حالا از کرمانشاه واصل گردید مشعر بر اینکه سالارالدوله قصد اعلان پادشاهی خود را دارد، خیلی اسباب اختلال حواس والاحضرت گردیده است.

نمره - ۲۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۱۳ آوریل ۱۹۱۲ [۲۴ فروردین ۱۲۹۱: ۲۴ ۲ع - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دیروز طهران

از مسیو سازانف خواهش نمایید مسیو پوکلیوسکی [پساکلووسکی] را تعلیم دهید که اظهاراتی را که شارژدافر اعلیحضرتی از بابت سالارالدوله می‌نماید، تقویت نماید.

نمره - ۲۸

تلگراف مستر نیک به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ آوریل ۱۹۱۲ [۲۵ فروردین ۱۲۹۱: ۲۵ ۲ع - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ آوریل من

قنصل روس مقیم کرمانشاه حالا جوابی به همین مضمون از طرف سالارالدوله مخایره نموده است. سفیر روس و من موافقت داریم در اینکه حالیه کار دیگری نباید کرد مگر آنکه به دولت ایران اطلاع دهیم هر قدر می‌توانند حرکت فرمانفرما را تسریع نمایند.

نمره - ۲۹

تلگراف مستر نیک به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ آوریل ۱۹۱۲ [۲۵ فروردین ۱۲۹۱: ۲۵ ۲ع - ۱۳۳۰]

مساعده به دولت ایران

راجع به تلگراف ۱۲ آوریل شما

شما بایستی در موقع تعلیم دادن به بانک مقصود و معنی اضافه گمرکات جنوبی را مشخص نمایید.

بعضی مصارف جزو است که برای حسن اداره مملکت لازم است که علاوه بر مصارفی است که برای قرضه انگلیس و هند و قرضه سال گذشته بانک تعیین شده اگرچه هنوز این مصارف جزو جداول رسمی نشده من تصور می‌کنم شما میل ندارید کسی در آن مداخله نماید.

اضافه عایدات گمرک فقط وجهی است که خزانه‌دار کل می‌تواند بر آن اتکاء نماید و البته او نمی‌تواند بدون آن پیشرفتی نماید و اگر وجوهات قرضه جدید تماماً [به] مصرف پرداخت فوری مساعده برسد دیگر قرضه مزبور چندان مفیدفایده نخواهد بود. ۱. بنابراین احتمال می‌رود ۲. خزانه‌دار کل از ما استدعا نماید که ۳.

(۱) اصل: داشت. - م.

(۲) اصل: احتمال می‌رود که. - م.

(۳) اصل: یا آنکه. - م.

مسترد داشتن وجه مزبور را تا مدت معینی یا تا زمانی که قرضه جدیدی بشود به تأخیر اندازیم.

بملاوه او مرا اطلاع می‌دهد که به همین زودیها برای قرضه دیگری از ما درخواست خواهد نمود چرا که وجه مساعده جدید بکلی تمام شده است (و از این پول حقوق سه ماه و نیم ژاندارمری تحصیل شده است).

مسیو مرنارد در این هفته مشغول ترتیب نقشه‌ای است که بدان واسطه، تعیین وی به مقام خزانه‌داری کل تصدیق گردد: این فقط یکی از چندین نقشه‌ای است که در تلگراف ۸ آوریل سر جارج بارکلی رجوع به آن شده است.

نمره - ۳۰

تلگراف مستر نیک به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ آوریل ۱۹۱۲ [۲۶ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۶ ۲۷ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ آوریل من:

فرمانفرما از قزوین به طرف همدان حرکت نموده، صاحب‌منصب کل روسی فرمانده عساکر قزوین از کم و کیف عساکر او تلگراف مساعدی مخابره نموده است.

نمره - ۳۱

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۱۵ آوریل ۱۹۱۲ [۲۶ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۶ ۲۷ - ۱۳۳۰]

امروز بعد از ظهر مسیو سازانف را ملاقات نمودم. جناب معظم‌له به من اظهار داشت می‌ترسد از آنکه قشون فرمانفرما آنقدر قوه ندارد که سالارالدوله را شکست دهد ولی به مسیو پوکلیوسکی [پاکلوسکی] دستورالعمل رسیده است که اظهارات همکار انگلیسی خود را تقویت نماید (رجوع به تلگراف ۱۳ شهر جاری خود کنید).

وزیر امور خارجه بعد، در باب اوضاع تبریز صحبت نموده و با ناامیدی در آن خصوص سخن راند.

پس از اعلان تعیین سپهدار قریب ۹۰۰ نفر فدائی فوراً وارد شدند. شجاع‌الدوله فقط شخصی بود که می‌توانست از عهده انتظامات آنجا برآید و جناب معظم‌له خود را ملامت می‌کرد از اینکه از آنجایی که میل داشت با دولت ایران اصلاح نماید، راضی به عزل او شده بود و حالا که شاه مخلوع از ایران خارج شده او با دولت ایران همراهی نموده است، اگرچه سابقاً او را طرفدار محمدعلی می‌دانستند.

اگر اغتشاشات مثل آنچه در ماه دسامبر گذشته واقع گردید از طرف طرفداران سپهدار تولید گردید (که فدائیان باشند) فقط راهی که برای مشی اقدامات دولت امپراطوری باز است این است که اداره امور آذربایجان شمالی را به عهده خود گیرند.

من به مسیو سزانف اشعار نمودم که لازم است عساکر روس به اندازه کفایت در تبریز باشند که وقوع هرگونه اغتشاشات را غیرممکن بدارد و از جناب معظم‌له استدعا نمودم که حتی تصور عهده‌گرفتن رتق و فتق امورات آنجاها را ننماید.

مسیو سزانف در جواب گفت که در صورتی‌که وقوع این قبیل اغتشاشات تکرار شود، حتی خود او این اقدام را تصویب خواهد نمود و شك داشت از اینکه عساکر روس بطور کفایت قوی باشند که بتوانند رفع اغتشاشات مذکوره را بنمایند و به نظر جناب معظم‌له، فقط شق دیگری که می‌توان اختیار نمود این است که به دولت ایران اصرار شود سپهدار را در پای‌تخت نگاه داشته بگذارند شجاع‌الدوله در تبریز به وظایف فرمانفرمایی آنجا مشغول شود حتی اگرچه وظایف مذکوره اسماً متعلق به سپهدار بوده باشد.

وزیر امور خارجه اظهار داشت صبر خواهد نمود تا آنکه اخبار ثانوی از کفیل قنصلگری روس مقیم تبریز برسد، و اگر لازم دانست از دولت ایران خواهش نماید شجاع‌الدوله را آنجا نگاه دارند او به کنت بنکندورف تعلیم خواهد داد از شما استدعا نماید اظهارات مسیو پوکلیوسکی [پاکلوسکی] را تقویت نمایید.

نمره - ۳۲

تلگراف سر ادوارد گری به مستر نیک

وزارت خارجه ۱۵ آوریل ۱۹۱۲ [۲۶ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۶ ع ۲۶ - ۱۳۳۰]

من خیلی مسرور خواهم شد که نایب‌السلطنه در طهران توقف نمایند تا آنکه دولت ایران مسأله سالارالدوله را تسویه نمایند.

من نمی‌خواهم ارائه طریقی نموده باشم که به نظر تکلیف شاقی بیاید و اگر حرکت فوری والاحضرت به علت کسالت مزاجش لزوم حتمی پیدا کرده باشد، من دیگر نمی‌توانم به او اصرار نمایم.

شما باید با مسیو پوکلیوسکی [پاکلوسکی] در باب اظهاری که ممکن است به نایب‌السلطنه بشود مشورت نمایید.

نمره - ۳۳

تلگراف مستر نیک به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ آوریل ۱۹۱۲ [۲۷ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۷ ع ۲۷ - ۱۳۳۰]

عایدات گمرکات ایران در این سالی که به آخر رسیده، افزوده شده و گمرکات شمالی از قرار صدی ده و نیم و گمرکات جنوبی از قرار صدی بیست، گمرکات بوشهر صدی چهل و پنج زیاد شده است.

نمره - ۲۴

تلگراف مستر نیک به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ آوریل ۱۹۱۲ [۲۷ فروردین ۱۲۹۱: ۲۷ ۲۴ - ۱۳۳۰]

صاحب‌منصب کل فرمانده عساکر روس و اجزاء او قبل از مراجعت به روسیه به حضور شاه و نایب‌السلطنه مشرف گردیدند و نشانهای عالی به آنها مرحمت شد. از حرکت آنها معلوم نمی‌شود که از عده عساکر دیگر چیزی کسر شود. سفیر روس از احساسات حسنه‌ای که از طرف اولیاء امور و اهالی نسبت به آنها ابراز شده و پذیرفتن دولت ایران، فرستادن چند دسته قشون برای اعاده انتظامات آنجا، (قبل از آنکه خبر مظفریت عساکر آنها در زنجان برسد) خشنود می‌باشند.

نمره - ۲۵

تلگراف سر ادوارد گری به مستر نیک

وزارت خارجه ۱۶ آوریل ۱۹۱۲ [۲۷ فروردین ۱۲۹۱: ۲۷ ۲۴ - ۱۳۳۰]

از کفیل جنرال قنسولگری تبریز استفسار نمایید که آیا می‌تواند اطلاعات مسیو سازانف را در باب محتمل بودن وقوع اغتشاشات در آذربایجان چنانچه در تلگراف ۱۵ آوریل سر جارج بارکلی راپورت داده شده، تصدیق نماید؟

نمره - ۲۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۱۶ آوریل ۱۹۱۲ [۲۷ فروردین ۱۲۹۱: ۲۷ ۲۴ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۵ آوریل شما:

من مشغول تحقیق هستم ببینم که آیا جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز عقاید مایوسانه مسیو سازانف را در باب اوضاع آذربایجان شمالی تصدیق می‌کند یا نه. شما باید مسیو سازانف را اطلاع دهید که صمیمانه اعتماد دارم او بتواند اسباب عدم تقبل اداره امور را از طرف دولت روس که تولید اثرات بد در اینجا خواهد نمود فراهم نماید.

نمره - ۲۷

تلگراف مستر نیک به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ آوریل ۱۹۱۲ [۲۸ فروردین ۱۲۹۱: ۲۸ ۲۴ - ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل مورخه دیروز از کفیل قنسولگری انگلیس مقیم تبریز رسیده است: ۲۰۰ نفر پیاده و ۳۰۰ نفر قزاق روسی به تبریز وارد شده‌اند. بر عساکر روس که در خوی هستند و عده آنها قریب پنج هزار است، ۱،۴۰۰ نفر پیاده اضافه شده‌اند

و همین تازگی از سرحد عبور نموده [اند] و در راه می‌باشند.

نمره - ۳۸

تلگراف مستر نیک به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ آوریل ۱۹۱۲ [۲۸ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۸ ۲ع - ۱۳۳۰]

تبریز

راجع به تلگراف دیروز شما:

چنین اخباری از طرف کفیل قنصلگری اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من نرسیده و او را تعلیم داده‌ام که مطالب را تلگرافاً [تلگرافی] بطور مشروح راپورت دهد. هیچ علائم و آثاری نیست که بنمایاند سپهدار به این زودیه‌ها مقام خود را اشغال نماید ولی امروز بعد از ظهر من باز هم تحقیقات می‌کنم. سفیر روس چند روز قبل از این به من اظهار داشت که شجاع‌الدوله حالیه از مقام خود اظهار نارضایتی نموده اگرچه قبلاً اینطور مقرر بود که او از ترتیبی که در تلگراف ۳ آوریل سر جارج بارکلی راپورت داده شده بود رضایت داشت.

نمره - ۳۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۵ آوریل ۱۹۱۲ [۱۶ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۶ ۲ع - ۱۳۳۰]

آقا

راجع به تلگراف دوم شهر جاری شما:

افتخار دارم که سواد مکتوبی را که دیروز برای دولت ایران نوشتم لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) جارج بارکلی

ملفوف نمره ۳۹

مکتوب سر جارج بارکلی به دولت ایران

طهران ۴ آوریل ۱۹۱۲ [۱۵ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۵ ۲ع - ۱۳۳۰]

آقای وزیر

افتخار دارم وصول مکتوب ۱۰ ماه گذشته جنابعالی را اطلاع داده از اطمیناناتی که داده بودید بز اینکه مبلغ ۴،۷۴۴ لیرا از اولین قرضه مسترد خواهد شد، مطلع شدم. اینک تعلیم یافته‌ام که مطالب ذیل را به عرض دولت ایران برسانم: دولت اعلیحضرتی با کمال دقت اوضاع جنوب ایران را در تحت ملاحظه آورده و مخصوصاً حملات اخیر بر عساکر هندی که از شیراز و بوشهر برای حفاظت مستر اسمارت قنصل اعلیحضرتی مقیم شیراز فرستاده شده بودند، جلب دقت آنها را نموده است.

دولت اعلیحضرتی لازم می‌دانند اشخاصی که اهل محل آنها را خوب می‌شناسند [و] مقصر این حملات بوده‌اند، برای تنبیه به دولت ایران تسلیم شوند. اگر این اقدام به عمل آید دولت اعلیحضرتی فوراً دسته قشونی را که اخیراً به بوشهر فرستاده‌اند عودت خواهند داد و در صورتی که رؤسای ایلات و کلانتران آنها لااقل تا دو ماه ابراز احساسات دوستانه و وضع سلوک و روش مسالمت‌آمیز نمودند و در ظرف مدت مذکور دیگر حملاتی به وقوع نرسید، عودت قشون سواره هندی از شیراز و اصفهان متعاقب آن صورت وقوع خواهد یافت.

من باید به دولت ایران بفهمانم که ادامه این رویه و سلوک دوستانه و آزادانه از طرف دولت اعلیحضرتی بسته به تشکیل ژاندارمری صحیح در تحت صاحب‌منصبان سوئدی است و بنابراین دولت ایران باید قبل از عودت قطعی عساکر مذکور به هر وسیله که از قوه‌شان برمی‌آید از صاحب‌منصبان سوئدی تقویت نمایند. و بطور اقدام مقدماتی و لازم، محض جلب سلوک دوستانه رؤسای محلی که عودت عساکر فوق‌الذکر بسته به آن است، من باید از دولت ایران استدعا نمایم که از اشخاصی که در طهران و سایر نقاط ایران هستند و تلگرافات مهیجه آنها تا اندازه زیادی مسئول حمله‌های بر عساکر ما بوده، جلوگیری نمایند.

و نیز واجب است که دولت ایران علمای نجف و کربلا را ترغیب نمایند دست از تحریکات و تهییج علماء و بزرگان فارس برداشته و به این اشخاص تلگرافاً [تلگرافی] عقیده خود را از بابت عدم رضایت انگلستان به مداخله در جنوب ایران اظهار دارند. علماء نیز باید به رؤسای ایلات و بزرگان آنها لزوم این مسأله را اصرار نمایند که به وسیله تزئید و پیشرفت دادن منافع انگلیس از راه سلوک دوستانه با اتباع انگلیس و تجارت آن، طوری کنند که دولت مشارالیه‌ها از سوء اعمال آنها صرف‌نظر کند.

در خاتمه بایستی جداً تأکید نمایم لزوم فرستادن فرمانفرمای جدید را هر قدر زودتر که امکان دارد، به شیراز و تقویت کردن از او و تهیه وجوهات لازمه برای او. (امضاء) جارج بارکلی

نمره - ۴۰

تلگراف مستر نیک به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ آوریل ۱۹۱۲ [۲۹ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۹ ۲۴ - ۱۳۳۰]

تبریز

راجع به تلگراف دیروز من:

تلگراف ذیل از کفیل قنصلگری اعلیحضرت مقیم تبریز رسیده است:

از قراری که ظاهر می‌گردد، به دولت روس بکلی اشتباهاً اطلاع رسیده است چند نفر فدائی که مخفی بودند چندی قبل بیرون آمدند ولی هیچ‌کدام وارد نشده‌اند. به غیر از چهار یا پنج نفر از سرکرده‌هایی که در جنرال‌قنصلگری عثمانی بست

اختیار نموده بودند، از لیدرها، دیگرکسی اینجا نیست. به عقیده من عقاید مایوسانه و وحشت دولت روس بکلی بی‌اساس [می] باشد. هیچکس اینجا جرأت حرکت ندارد. پس از واقعات اخیر البته تولید اغتشاشات جدید امکان ندارد مخصوصاً در موقعی که شخصی مثل شجاع‌الدوله اینجا حضور دارد. شجاع‌الدوله از تعیین سپهدار به مقام فرمانفرمایی آذربایجان متغیر است و او را به رولسیونرهای قفقازی تشبیه می‌کند و از این می‌ترسد که رؤسای ایلات دیگر از او تقویت نموده و همدردی دولت روس از او سلب شده و بالاتر از همه مقام پردخلی را از دست بدهد.

همین که به او اظهار شد دولت روس تعیین سپهدار را تصویب نموده‌اند، اظهار میل نمود که به مراغه رفته و دست از کار بکشد. او مجبور به قبول پیشنهادات روس می‌باشد.

سفیر روس از بابت نهصد نفر فدائی اطلاعی ندارد. آنچه کفیل قنصلگری روس راپورت داده با آنچه مستر استونز خبر داده مطابق می‌باشد. سفیر روس اظهار می‌دارد که عساکر روس که فعلاً در تبریز هستند می‌توانند در هر دقیقه از این چیزها جلوگیری نمایند. دولت ایران هم از بابت نهصد نفر فدائی هیچ نمی‌دانند.

کفیل قنصلگری روس، عدم رضایت شجاع‌الدوله را که بعضی نسبت‌های دروغی هم به سپهدار راپورت داده است، در جواب از طرف سفیر روس همین حالا دستورالعمل یافته است که با شجاع‌الدوله بطور سخت مذاکره نموده و به او اظهار دارد باید اوامر دولت ایران را که بوسیله دولت روس با شرایط مساعد با آن اصلاح نموده اطاعت نماید؛ اگر نتواند مطیع دولت ایران باشد، باید از ایران خارج شود و دولت روس دیگر با او سروکاری نخواهد داشت.

هنگامی که سپهدار به فرمانفرمایی تعیین گشت، او خواست حکومت مراغه و جاهای دیگر را به شجاع‌الدوله واگذار نماید.

این مسأله واضح است که شجاع‌الدوله با دولت مرکزی همراهی نداشته و بی‌میل بوده است از اینکه راپورت برای سپهدار به طهران بفرستد.

نمره - ۴۱

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۱۸ آوریل ۱۹۱۲ [۲۹ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۹ ع ۲۴ - ۱۳۳۰] رجوع به تلگراف ۱۶ آوریل خود نمایید:

امروز صبح وزیر امور خارجه را ملاقات نمودم و جناب معظمه در باب تلگراف فوق‌الذکر شما مذاکره نمودند. مضمون همان تلگراف را، دیروز در طی کاغذ خصوصی برای او نوشته بودم.

مسیو سازاتف اظهار داشت که در صورتی که فدائیان مثل وقعه دسامبر گذشته حملات خائنانه بر عساکر روس بنمایند، دولت روس مجبور خواهد گردید برای دفاع

از خود حکومت آذربایجان شمالی را به دست خود گیرند. او فقط این مسئله را به من اظهار داشت که من شما را متنبه نمایم و تاکنون در این باب با هیچیک از همکاران خود مذاکره ننموده است.

اگر دولت ایران شجاع‌الدوله را بگذارند در تبریز به مقام نیابت ایالت برقرار باشد، شاید امکان داشته باشد به هیچ وجه اقدامی چنین بعمل نیاید و جناب معظم‌له مرا اطمینان داد که این اقدام را فقط در آخرین وهله خواهند نمود و از من استدعا نمود به شما اظهار نمایم که اگر شما با او در ترغیب دولت ایران به عدم تغییر مقام شجاع‌الدوله همراهی نمایید، بسیار متشکر و ممنون خواهد گردید.

نمره - ۴۲

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۱۸ آوریل ۱۹۱۲ [۲۹ فروردین ۱۲۹۱: ۲۹ ع ۲۹ - ۱۳۳۰] امروز در باب حرکات قشون روس که راپورت آن در تلگراف ۱۷ شهر جاری از طهران داده شده، از مسیو سازانف تحقیق نمودم. جناب معظم‌له اظهار داشت که عساکر جدید به جای آنهایی که موعود توقفشان منقضی شده، آورده خواهد شد و بعلاوه مذکور داشت که اظهاری که کفیل قنصلگری انگلیس مقیم تبریز نموده مشعر بر اینکه فعلاً ۵،۰۰۰ نفر قشون در خوی می‌باشد، بکلی اغراق است.

نمره - ۴۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۱۸ آوریل ۱۹۱۲ [۲۹ فروردین ۱۲۹۱: ۲۹ ع ۲۹ - ۱۳۳۰] مضمون تلگرافی را که از طهران رسیده، به مسیو سازانف ابلاغ نمایید و اظهار دارید که به قرار اطلاعاتی که برای ما رسیده، اوضاع آذربایجان شمالی آنقدر مهم نیست که مورث اضطراب و تشویش گردد.

نمره - ۴۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۹ آوریل ۱۹۱۲ [۳۰ فروردین ۱۲۹۱: یکم ج ۱ - ۱۳۳۰]

تبریز

راجع به تلگراف دیروز مستر نیک:

شجاع‌الدوله در جواب تعرضات کفیل قنصلگری روس جواب مساعدی فرستاده است و اظهار می‌دارد حاضر است نصیحت سفیر روس را قبول نموده و فرمان‌بردار دولت مرکزی باشد و امیدوار است که سپهدار ورود خود را تسریع نماید و راضی است به اینکه تا ورود او به مقام نیابت ایالت، برقرار باشد.

کفیل قنسولگری روس نیز راپورت می‌دهد که شجاع‌الدوله تلگراف رضایت‌بخشی هم به سپهدار مخابره نموده است.

نمره - ۴۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۴ آوریل مستر نیک

تصور می‌شود امکان دارد سالارالدوله اعلان شاه بودن خود را بدهد. قنسولهای انگلیس و روس استفسار می‌نمایند که آیا رویه آنها نسبت به این مسئله از چه قرار بایستی باشد؟

همکار روسی من ارائه طریق می‌نماید که ما بایستی آنها را اینطور تعلیم دهیم که اگر سالارالدوله این اقدام را بعمل آورد، آنها بایستی مثل حالا با او رفتار کنند ولی تا حدی که ممکن است بایستی از هرگونه دید و بازدید با او احتراز نمایند.

نمره - ۴۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲ ج ۱ - ۱۳۳۰]

مساعده به دولت ایران

راجع به تلگراف ۱۴ آوریل مستر نیک

کفیل خزانه‌داری اظهار می‌دارد که به استثنای آن قسمت ۲۰۰،۰۰۰ لیرا که دو ماه قبل مساعده داده شده و برای مقاصد معینه از قبیل خرید اسلحه و مهمات جنگی در اروپا و نگاهداری ژاندارمری تا چهار یا پنج ماه و پلیس طهران تا سه ماه تخصیص [داده] شده. مبلغی که پرداخته شده تا اواخر ماه جاری به اتمام خواهد رسید. بنابراین، او رسماً از سفارتین خواهش نموده است که دولتین انگلیس و روس یا بانک شاهنشاهی یا بانک روس مبلغ ۵۰،۰۰۰ لیرای دیگر به دولت ایران مساعده بدهند.

سفیر روس اینطور ارائه طریق می‌نماید که اگر دولتین راضی شوند مساعده دیگری بدهند، بایستی قرار و مدار از برای ۱۰۰،۰۰۰ لیرا داده شود و او تصور می‌کند که مبلغی که مسیو مرنارد اظهار داشته است خیلی کمتر از وجه مصارفی است که لزوماً بایستی برای اعزام قشون برضد سالارالدوله و مقاصد دیگر بشود و تصور می‌کند که اگر فقط مبلغ کمتر داده شود خواهش دیگری ناچار باید برای پول بشود و ارائه طریق می‌نماید که نباید دولت ایران را مستحضر داشت از اینکه مبلغ بزرگتر به اختیار آنها گذارده شده است.

ممکن است که مذاکرات قرضه تا اول پاییز به اتمام برسد و تصور می‌کند که مبلغ بزرگتر مکفی خواهد بود که دولت ایران بتوانند تا آنوقت اشکالات مالی حالیه خود را رفع نمایند.

نمره - ۴۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲ ج ۱ - ۱۳۳۰]
 تبریز

راجع به تلگراف ۱۸ آوریل مستر نیک:
 همکار روسی، مرا اطلاع می‌دهد که اخبار جدید که از بابت اوضاع تبریز برای
 او رسیده بسیار رضایت‌بخش می‌باشد. شجاع‌الدوله به وعده خود که بسا سپهدار
 مشغول مذاکره و مخایره شود، وفا نموده و سپهدار هفته دیگر بطرف تبریز حرکت
 خواهد کرد، و مقامی هم به او تفویض نموده و او هم قبول کرده است.

نمره - ۴۸

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری
 سنت پترزبورگ ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲ ج ۱ - ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۱۸ آوریل شما:

وزیر امور خارجه که تلگرافات ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ شهر جاری سفارت اعلیحضرتی
 را برایش ابلاغ نمودم، اظهار عقیده نمود که خیلی بهتر است شجاع‌الدوله در تبریز
 توقف نماید.

دولت روس می‌تواند متکی به وضع رفتار دوستانه سپهدار باشد ولی اوضاع حالیه
 شخص مقتدرتری مثل شجاع‌الدوله را لازم دارد که باعث اطمینان و اعتماد شود.
 مسیو سازانف اظهار داشت که قصد ندارد به دولت ایران اصرار نماید حرکت
 سپهدار را از طهران به تعویق اندازند.

نمره - ۴۹

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری
 سنت پترزبورگ ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲ ج ۱ - ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۲۰ آوریل طهران:

کرمانشاه

وزیر امور خارجه روس تصور می‌کند که قنسولها نباید رابطه رسمی با سالارالدوله
 داشته باشند و فقط در صورتی که او سمت رسمیت داشته باشد با او امورات لازمه را
 تسویه نمایند.

نمره - ۵۰

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲ ج ۱ - ۱۳۳۰]
سفیر روس هنوز از بابت مساعدت دیگری که بنابر ارائه طریقی که شده، قرار است
به دولت ایران داده شود، خبری به وزیر امور خارجه روس نداده است و لذا من
مضمون تلگراف ۲۰ آوریل سر والتر تنلی را به او ابلاغ نمودم.
جناب معظم له خود را شخصاً با عقاید سفیر روس که در آن تلگراف مذکور گردیده
بود، مساعد و موافق ابراز داشته ولی قبل از آنکه تصمیمی بنماید، بایستی با وزیر
مالیه مشورت نماید.

نمره - ۵۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲ ج ۱ - ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۲۰ آوریل شما:

اگر دولت روس پیشنهاد مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] را راجع به مسأله
سالارالدوله تصویب نمایند، شما، چنانچه در تلگراف به قنصل اعلیحضرتی ارائه
طریق شده، تعلیمات بدهید.

نمره - ۵۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

تهران ۲۱ آوریل ۱۹۱۲ [یکم اردیبهشت ۱۲۹۱؛ ۳ ج ۱ - ۱۳۳۰]
تلگراف ذیل مورخه ۱۹ آوریل از کفیل ویس قنصلگری اعلیحضرتی رشت رسیده
است:

در ۱۶ آوریل در کرگانرود، بین قزاقهای روس و اهالی جنگ واقع شده، دو نفر
روسی مجروح و ۸ نفر ایرانی مقتول گردیدند. اگرچه درست معلوم نیست کدام طرف
اول شروع به جنگ نمود ولی علت و سبب آن از قرار معلوم این بوده که اهالی طالش
از قبول سردار امجد به حکومت امتناع ورزیده‌اند. قنصل روس تعیین او را به این
مقام حمایت می‌نموده‌اند.

در عرض جنگ، کشتی جنگی روس که چند روز قبل از انزلی حرکت کرده بود،
ساحل طالش را که بازار آلام در نزدیکی آن واقع است، بمبارده نمود.

روسها فقط ۱۵۰ نفر قزاق در کرگانرود دارند. بقیه هنوز در انزلی می‌باشند و
از اردبیل و آستارا تلگرافاً [= تلگرافی] قشون امدادی طلب نموده‌اند.

من در این موضوع با همکار روسی خود مذاکره نموده‌ام. جناب معظم له اظهار
می‌دارد که دستجات سارقین بر اتباع روس خسارات زیاد وارد آورده‌اند و مقصود از
اعزام قشون سرکوبی آنها و برقرار داشتن حکم و اقتدار دولت ایران در آن نقطه

می باشد.

قنسول رشت روس به محل اقدامات قشونی رفته ولی نشنیده است که قشون امدادی احضار شده باشند و از قرار اظهار او عده تلفات دولت ایران به بیست می رسد.

نمره - ۵۳

مکتوب اداره بحریه به وزارت خارجه

اداره بحریه ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲ ج ۱ - ۱۳۳۰] از طرف لرد کمیسیونرهای اداره بحریه مأمورم که برای استحضار خاطر وزیر امور خارجه، سواد تلگرافی را که امروز از فرمانده کل قشونی ایست ایندیز رسیده لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) گرامم گرین

ملفوف نمره ۵۳

سواد تلگراف فرمانده کل قشونی ایست ایندیز به اداره بحریه

۲۰ آوریل ۱۹۱۲ [۳۱ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲ ج ۱ - ۱۳۳۰]

رجوع به تلگراف دویم شهر جاری من نمایید:

بایستی راپورت دهم که عده ای که بر مستحفظین قنسولخانه لنگه اضافه شده بود، به جاشك عودت داده شدند.

نمره - ۵۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ آوریل ۱۹۱۲ [۳ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۵ ج ۱ - ۱۳۳۰]

تبریز

راجع به تلگراف ۱۸ آوریل سر جارج بیوکانون:

سپهدار در تهیه است که تا دو هفته دیگر از طهران حرکت نموده و مقام خود را اشغال نماید.

سپهدار شخصاً به هیچ وجه مایل حرکت به طرف تبریز نمی باشد.

عقیده همکار روسی من این است که حالا برای او اشکال دارد ارائه طریق برای نرفتن او بدانجا بنماید و به من اظهار می دارد که فشاری که به شجاع الدوله وارد آورده مؤثر واقع گردیده که او را براه آورد [طوری] که وضع و رویه او نسبت به سپهدار حالیه از روی اطاعت و صحت است.

اگر سپهدار قبول مقام ایالت را بنماید، اینجا، تقبل او را حمل به تجدید حکمفرمایی و اقتدار دولت ایران بر آذربایجان خواهند نمود.

سفارت انگلیس تاکنون اظهار عقیده به تقویت، یا بر علیه [علیه] سپهدار یا شجاع الدوله ننموده اند.

نمره - ۵۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲۳ آوریل ۱۹۱۲ [۳ اردی بهشت ۱۲۹۱: ۵ ج ۱ - ۱۳۳۰]
 کرمان

تلگراف ذیل مورخه دیروز از قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمان رسیده است:
 در امورات این ایالت اختلال کلی فعلا وجود دارد. ایالت میرزا حسینخان را برای
 وصول مالیات به بعضی نقاط فرستاده است و استعداد زیادی با چند عراده توپ
 همراه او می باشد. او هم با خوانین عمده محلی جیرفت و رودبار که از پرداخت مالیات
 امتناع ورزیده بودند همدست شده است.
 فراشباهی ایالت که مشغول وصول مالیات بود، اموالش به غارت رفته و خودش هم
 محبوس گردید و از قراری که راپورت داده شده، خوانین در کار حرکت به سمت کرمان
 بوده و مقصود آنها این است که ایالت را اخراج نموده و شهر را غارت نمایند.
 از قراری که راپورت داده شده افشاریها و بلوچها با مقاصد آنها شرکت کرده اند.
 من امیدوارم که این جماعت که از چندین قسم مردم تشکیل شده قبل از ورود به کرمان
 با همدیگر نزاع خواهند کرد و شخصاً شك دارم از اینکه به هیچ وجه جرأت حمله به
 شهر بکنند. ولی اهالی اینجا که بی اندازه ترسیده اند، با این عقیده شریک نمی باشند.
 بسیاری از قشون منظم به علت عدم وصول حقوق خود، از هم متفرق شده اند و
 کارآمدترین آنها نزد میرزا حسینخان رفته اند بطوری که برای ایالت قشونی باقی
 نمانده است که در صورتی که حمله بشود، مقاومت نماید.
 گمان نمی کنم که یاغیان اسباب زحمتی برای ما فراهم آورند ولی ممکن است که
 اموال اروپاییانی که نزدیک شهر هستند، به غارت رفته و یا آنکه به آنها مزاحمت
 شود.
 من بایستی فردا وزیر امور خارجه را ملاقات نمایم و در این موضوع با جناب
 معظم [له] صحبت خواهم نمود.

نمره - ۵۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲۳ آوریل ۱۹۱۲ [۳ اردی بهشت ۱۲۹۱: ۵ ج ۱ - ۱۳۳۰]
 نایب السلطنه

راجع به تلگراف پانزدهم آوریل شما:
 سفیر روس مرا اطلاع می دهد که دولت متبوع او در موضوع اظهارات به نایب
 السلطنه راجع به حرکت او از ایران بطور مرخصی، تعلیماتی نداده اند.

عقیده او بر این است که نایب‌السلطنه یقیناً بایستی در مملکت توقف نماید تا آنکه مسأله سالارالدوله به‌جایی ختم شود.

اگرچه دولت ایران ظاهراً مطمئن می‌باشند که در دفع سالارالدوله از کرمانشاه، چندان اشکالی نخواهند داشت و عساکر مطیع دولت ظاهراً دور فرمانفرما که حالا به همدان رسیده است بسرعت جمع می‌شوند، سفیر روس تصور می‌کند که مسأله از آنچه انتظار می‌رفت، ممکن است خیلی مهم‌تر بشود.

آیا می‌خواهید من بعضی اظهارات به نایب‌السلطنه بکنم؟ یحتمل تا چند روز دیگر والا حضرت را ببینم.

نمره - ۵۷

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۲۴ آوریل ۱۹۱۲ [۴ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۶ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۳ آوریل سر والتر تنلی:

مسیو سازانف تصور کرد که از بابت اظهاریه به نایب‌السلطنه، برای مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] تعلیمات مخایره‌شده ولی حالا فهمیده است که تعلیمات قطعی هنوز فرستاده نشده [است].

جناب معظم [له] حالا به مسیو پوکلیوسکی تلگراف خواهد نمود که با همکار روسی خود، بالاتفاق برطبق تعلیماتی که به سر والتر تنلی داده شده، اظهاراتی به نایب‌السلطنه بنمایند.

نمره - ۵۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۴ آوریل ۱۹۱۲ [۴ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۶ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۳ آوریل شما:

ممکن است برطبق تلگراف ۱۵ آوریل من، اظهاری به نایب‌السلطنه بشود. با مسیو پوکلیوسکی [پاکلوسکی] در این باب مشورت نمایید.

نمره - ۵۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۵ آوریل ۱۹۱۲ [۵ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۷ ج ۱ - ۱۳۳۰]

بختیاریه‌ها و شیخ محمره

مأمورین قنصلگری انگلیس برای تعیین و تسویه منافع متضاده شیخ و بختیاریه‌ها در شوشتر مشغول تحقیقات می‌باشند. قنصل محمره اعلیحضرتی [که] حالیه با قنصل مقیم بوشهر در اهواز است و اخیراً به شوشتر آمد، تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت می‌دهد که بختیاریه‌ها آن محل را حمله نموده و نخواستند منتظر نتیجه تحقیقات آنها

بشوند.

ماژور هاورت از آن می‌ترسد که این منازعات ممکن است منجر به جنگ شده بر منافع انگلیس خسارت فوق‌العاده وارد شود.

[وی] راپورت می‌دهد که رویه و سلوک شیخ در عرض تمام این گفتگوها کاملاً از روی صحت بوده و اظهار می‌دارد که او محق به تقویت کامل دولت اعلیحضرتی می‌باشد. این مسأله را به اطلاع وزیر امور خارجه و خوانین بختیاری که وضعیت آنها نسبت به حکومت مملکت مقام مهمی را دارد رسانیده‌ام. خوانین اظهار میل می‌کنند به اینکه منتظر حصول نتیجه تحقیقات قنصل بشوند و اظهار می‌دارند صمیمانه مایل به اصلاح بوده و مصرند بر اینکه ایلیاتیهای آنها به شوشتر حمله نکرده [اند] و مرا مطمئن می‌دارند که تعلیمات تلگرافی برای آنها فرستاده شده که جنگ نکنند.

نمره - ۶۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۶ آوریل ۱۹۱۲ [۶ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۸ ج ۱ - ۱۳۳۰]

دو روز قبل در ناحیه خلخال واقعه‌ای به ظهور رسیده که همکار روسی من آن را مهم می‌داند:

بعضی از ایلات شاهسون یک دسته کوچک قزاق را در راه اردبیل حمله و محاصره نمودند. عده خصم خیلی زیادتر از قزاقان بوده ولی صاحب‌منصب فرمانده آنها به مقاومت آنها موفق گردید تا آنکه قشون امدادی وارد گردید. سپس قشون روس به ایلیاتیهای مزبور حمله نمودند. یک نفر صاحب‌منصب و دو نفر مقتول و هشت نفر مجروح شدند. قریب یکصد یا دویست نفر از شاهسونها مقتول گردیدند.

نمره - ۶۱

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۲۷ آوریل ۱۹۱۲ [۷ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۹ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۰ آوریل من:

وزیر امور خارجه روس به من اظهار می‌دارد که وزیر مالیه اظهار می‌دارد که نمی‌تواند راضی به دادن مساعدت دیگر به دولت ایران بشود. مثل آنکه مساعدت آخری که داده شده یک اقدام خلاف معمول و مستثنی بوده باشد و در حقیقت انجام آن از قوه او خارج می‌باشد.

همینکه از وزیر امور خارجه استفسار نمودم که آیا در صورتی که ما بخواهیم خودمان به وسیله پول دادن، از دولت ایران کمک کنیم او اعتراضی خواهد داشت یا نه، جناب معظم [له] در جواب اظهار داشت که قبل از آنکه در این موضوع جواب قطعی بدهد، بایستی در این باب فکر نماید.

نمره - ۶۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۷ آوریل ۱۹۱۲ [۷ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۹ ج ۱ - ۱۳۳۰]
خیلی مسرور خواهم شد از اینکه بدانم آیا دولت ایران برای دستگیری مسؤولین
حمله به مستر اسمارت اقدامی نموده‌اند یا نه؟ تاکنون سه هفته می‌گذرد که ما مقاصد
خود را به آنها اظهار داشته‌ایم.

نمره - ۶۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۸ آوریل ۱۹۱۲ [۸ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۰ ج ۱ - ۱۳۳۰]

ژاندارمری و جنوب ایران

راجع به تلگراف ۱۱ آوریل شما:

کلنل سوئدی که بنا بر تلگراف شما او را نصیحت نمودم اظهار می‌دارد که
حتی‌المقدور موافق میل دولت اعلیحضرتی عمل خواهد نمود و می‌گوید که از بابت
نقشه مذکور تاکنون تصمیم قطعی [گرفته] نشده‌است و به صاحب‌منصبان سوئدی
شیراز تعلیم خواهد داد که راه را همانطوری که دولت اعلیحضرتی می‌خواهند محافظت
نمایند. از قرار معلوم، نقشه اولی با نظریات او مطابق است و از مذاکرات او بر من
معلوم گردید که اجرای نقشه مذکور برای وی اشکالی نخواهد داشت.

نمره - ۶۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۲ آوریل ۱۹۱۲ [۲ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۴ ج ۱ - ۱۳۳۰]

اشکالات مالی دولت ایران

راجع به تلگراف ۲۰ آوریل سر جارج بیوکانون:

مسیو مرنارد مکتوبی به عنوان همکار روسی و من نوشته و از ما استدعا می‌کند با
او مساعدت در تحصیل مساعده دیگری توسط دو بانک بنماییم و توجه ما را جلب به
این مسئله نموده: از آنجایی که خزانه خالی می‌باشد، او نمی‌تواند قسمت عمده حقوق
ادارات مختلفه اینجا را بدهد.

و نیز مسرور خواهم گردید از اینکه عقیده دولت اعلیحضرتی را در باب امکان
تعویق انداختن مسترد داشتن مساعده اولی تا اتمام عمل قرضه پیشنهادی یا تا یک
مدت معینی بدانم (رجوع به تلگراف ۱۴ آوریل مستر نیک کنید). ممکن است که به
همین زودیه‌ها به من اصرار نمایند که عقاید دولت اعلیحضرتی را در باب این مسئله
اظهار نمایم.

نمره - ۶۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ آوریل ۱۹۱۲ [۹ اردی بهشت ۱۲۹۱، ۱۱ ج ۱ - ۱۳۳۰]

بختیاریها و شیخ محمره

راجع به تلگراف ۲۵ آوریل من:

در مجلس مشورت کابینه که از قرار اظهار نایب السلطنه دیروز منعقد گردید، اوضاع شوشتر مطرح مذاکره گردید.

والاحضرت مرا اطلاع دادند که شیخ محمره به ایشان تلگرافاً [= تلگرافی] شکایت از طریقه رفتار بختیاریها نموده و اظهار داشته است مجبور شده است به حمایت رعایای خود که بختیاریها تهدیداً میخواستند املاک و اموال آنها را ضبط نمایند، زیر سلاح برود.

والاحضرت این مسأله را تصدیق داشتند که تلگراف شیخ حاکی بر اطاعت و انقیاد کامل او از دولت بوده است.

نایب السلطنه به من اظهار می‌دارند که دولت در جواب تلگراف مسالمت‌آمیزی مخابره نموده و به شیخ اظهار داشته‌اند که حرکت ایالت جدید برای عربستان تسریع خواهد شد.

صدراعظم نیز تلگراف مؤکدی به بختیاریها مخابره کرده و از آنها درخواست نموده که ترك منازعات و مناقشات فیما بین را بنمایند.

من در باب اهمیت حفظ انتظامات عربستان با نایب السلطنه مؤکداً مذاکره نموده و الاحضرت را متذکر ساختم از اینکه دولت انگلیس منافع مهمه در آن ایالت داشته و مطلقاً لازم است که از بختیاریها که در راهها غارت می‌کنند ممانعت شود.

من نیز اظهار داشتم که مأمورین قنصلگری اعلیحضرتی آن نقطه بختیاریها را تجاوزکار دانسته و در تمام راپورتهاییکه به سفارت اعلیحضرتی داده‌اند، از صبر و شکیبایی شیخ تحسین نموده‌اند.

من اظهار داشتم که آنها تصور می‌کنند اگر وقت زیادتری برای تحقیقات باشد کار اصلاح خواهد شد.

نمره - ۶۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ آوریل ۱۹۱۲ [۹ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۱ ج ۱ - ۱۳۳۰]

اوضاع طهران

اداره نظمیه نقشه‌ای را که برای برهم‌زدن اوضاع حاضره طرح شده بود کشف

کرده است. نایب‌السلطنه به من اظهار داشته‌اند که اگرچه مقصود از نقشهٔ حالیه برهم‌زدن طرز حکومت حاضره بوده ولی واضح نیست که آیا بانیان آن در خیال چه بوده‌اند که به جای آن قرار دهند.

والاحضرت اظهار می‌دارند که بانیان این نقشه و تدبیر مرکب از ملیین تندرو و ارتجاعیون شدید و عنصر قوی از علماء بوده و حرکات آنها بطور قطع مبنی بر احساسات ضد خارجه بوده [است]. علت آن تا اندازهٔ زیادی تغیر و تشددی است که از بمباردمان ضریح حضرت رضوی در مشهد حادث گردیده است.

بعضیها تصور می‌کنند که این تدبیر و نقشه بطوری با موفقیت تمام برهم خورد که موجب تقویت زیاد دولت حاضره گردید. ادارهٔ نظمیه هشت یا نه نفر از سلسلهٔ جنبانهای آنها را دستگیر و به مازندران و یزد تبعید نموده‌اند و اشخاص دیگر را نیز به انضمام وحیدالملک و سلیمان‌میرزا لیدر سابق حزب دموکرات مجلس دستگیر کرده‌اند. این اشخاص و سایرین که از قرار مذکور در این امر شرکت داشته‌اند یا آنکه به اروپا فرستاده خواهند شد و یا آنکه به ایالات دیگر تبعید خواهند گردید.

نمره - ۶۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ آوریل ۱۹۱۲ [۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۱ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۳ آوریل من:

قنصل انگلیس مقیم کرمان راپورت می‌دهد که برای ایالت از طرف دولت ایران پول فرستاده نشده و از او تقویت نمی‌شود و صحبت بست اختیار نمودن در قنصلگری را می‌کند.

میرزا حسین‌خان و همدستان او از هم خارج شده و فعلاً قریب ۳،۰۰۰ نفر با دو عراده توپ با خود دارند.

ایرانیان و وکلای دارالتجاره‌های قالی‌بافی انگلیس و امریکا در کرمان، خیلی وحشت دارند و قنصل انگلیس کمی اعتماد دارد از اینکه یاغیان از حمله به قنصلخانه تردید داشته باشند.

من مجدداً اهمیت موقع را خاطر نشان دولت نموده آنها را از عدم کفایت عساکر محلی و خطر خسارت به مال اتباع خارجه که قبول مسؤولیت آن را دولت مشارالیه‌ها باید بنمایند متذکر خواهم ساخت.

نمره - ۶۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ آوریل ۱۹۱۲ [۱۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۲ ج ۱ - ۱۳۳۰]

ویس قنصل اعلیحضرتی مقیم رشت در ۲۹ آوریل به قرار ذیل تلگراف کرده است:

اهالی طالش در ۲۷ آوریل به حکومت رشت تلگرافاً [= تلگرافی] اطلاع دادند که

در صورتیکه هیچ يك از اعضای خانواده سردار امجد برای آنها به حکومت فرستاده نشود، تسلیم خواهند گردید وگرنه تا آخرین قطره خون خود جنگ خواهند نمود. حکومت پس از مشورت با همکار روسی من جواب داد که بایستی بدون هیچگونه شرطی تسلیم شوند.

يك کشتی جنگی روس، امروز برای بمباردمان ساحل طالش حرکت می‌کند. حالیه ۲۵۰ نفر قزاق در طالش می‌باشند. همکار روسی من اظهار می‌دارد که فقط مقصود آنها این است که عناصر اغتشاش طلب را از آن ناحیه برطرف نمایند.

نمره - ۶۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ آوریل ۱۹۱۲ [۱۰ اردیبهشت ۱۲۹۱؛ ۱۲ ج ۱ - ۱۳۳۰]

اوضاع کرمان

راجع به تلگراف ۲۹ آوریل من:

دولت ایران اظهار می‌دارند که اعمال فسادآمیز ایالت کرمان اسباب اغتشاش آن ناحیه گردیده است. من از بابت صحت این اتهام با قنصل اعلیحضرتی مشاوره نمودم. کلنل هیگ در جواب اظهار می‌دارد که فساد ایالت لااقل کمتر از اسلاف او می‌باشد، اگرچه راست است که آنطوری که شاید و باید نیست. قبل از آنکه به ایالت کرمان تعیین شود، او در استرآباد بود و در آنجا نام نیکی باقی گذارد. از قرار معلوم او لایق هرگونه تقویتی است که ما از او بنماییم. من همین مطلب را در جواب اتهامی که دولت ایران نسبت به او داده‌اند، به آنها اظهار می‌دارم.

آخرین خبری که از طرف کلنل هیگ رسیده است، این است که یاغیان در سه منزلی کرمان درحوالی راین [= راین؟] مشغول جمع‌آوری لوازمات می‌باشند و در صورتی که ظاهر گردد، ناچار بر شهر حمله خواهد شد. او پیشنهاد می‌کند که به تمام اروپاییان اخطار نماید در خانه او پناهنده شوند. او تصور نمی‌کند یاغیان به قنصلخانه حمله کنند ولی بعلاوه اظهار می‌دارد که بعضیها در این باب کمتر از او اعتماد دارند.

نمره - ۷۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۳۰ آوریل ۱۹۱۲ [۱۰ اردیبهشت ۱۲۹۱؛ ۱۲ ج ۱ - ۱۳۳۰]

بطوریکه در تلگراف ۲۹ آوریل خود راپورت داده بودید، اقدام شما را در موضوع اوضاع شوشتر تصویب می‌کنم.

نمره - ۷۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۳۰ آوریل ۱۹۱۲ [۱۰ اردیبهشت ۱۲۹۱؛ ۱۲ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۹ آوریل طهران و تلگراف ۲۷ آوریل شما:
ممکن است که اگر دولت روس از پرداخت مساعده امتناع ورزند، رشته امورات
دولت ایران بکلی از هم گسیخته شود.
استفسار کنید که آیا دولت روس چه اقدامی در نظر دارند؟ ممکن است دولت
مشارالیهها مایل باشند برای تبدیل فوری قرضه بانک روس ترتیبی داده یا آنکه در باب
قرضه فوری با صرافان که از قراری که فهمیده‌ام طرف مشورت آنها بوده‌اند، مذاکره
بنمایند.

نمره - ۷۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران غرة مه ۱۹۱۲ [۱۱ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۱۳ ج ۱ - ۱۳۳۰]
سالارالدوله

از قرار راپورتی که همین حالا از همدان برای من رسیده، سالارالدوله تلگرافی
به آنجا مخابره نموده است به این مضمون که والی پشتکوه و همراهان او، با وی
همدست شده و به طرف کرمانشاه در حال مراجعت است که از آنجا به طرف همدان
برود. در همان تلگراف، سالارالدوله اظهار می‌دارد که به امیر مخم دستور داده‌است
به طرف سلطان‌آباد [رهسپار شود] و مجلل‌السلطان به همدان برود.
از قرار اخباری که همین حالا از آژانس قنسولگری انگلیس از همدان رسیده است
از قراری که مذکور است مجلل‌السلطان از کردستان برای همدان حرکت کرده است.
او نیز حرکت عساکر دولتی را از همدان برای مقابله با آنان راپورت می‌دهد.

نمره - ۷۳

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری
سنت پترزبورغ غرة مه ۱۹۱۲ [۱۱ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۱۳ ج ۱ - ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۳۰ آوریل شما:

مسیو سازانف مرا اطلاع داده است که وزیر مالیه روس را هنوز عقیده بر این
است که شرکت دولت روس در مساعده دیگری که پیشنهاد شده است به دولت ایران
داده شود، غیرممکن است. یکی از اعضاء معتبر دوما هم که در این موضوع با او
صحبت داشتم، وجود بعضی اعتراضات اساسی را در مقابل این اقدام تصدیق نمود.
مسیو سازانف اصلح چنان می‌داند که دولت اعلیحضرتی تنها این مساعده را ندهند
و مشغول تحقیقات است بلکه بتواند مبلغی را که برای سهم دولت روس لازم است،
از یکی از بانکهای پاریس تحصیل نماید. او حاضر است که فوراً برای ترتیب قرضه
بزرگی برای ایران، داخل مذاکرات شود و معلوم است تا عمل قرضه مذکور تمام نشود،

برای تبدیل قرضه بانك روس نمی‌توان کاری کرد.
جناب معظم [له] اینطور پیشنهاد نمود که تعلیمات برای نمایندگان دولتین به طهران فرستاده شود که پس از مشورت با دو بانك، یادداشتی از بابت شرایط قرضه تهیه و حاضر نمایند و اگر دولتین انگلیس و روس شرایط مذکوره را قبول نمودند، از صرافخانه‌های سوسیته‌دتود، تحقیق می‌کنند ببینند آیا آنها حاضر پرداخت قرضه به این شرایط می‌باشند یا نه.
چنانکه ۲ مسیو سازانف تصور می‌کند، دولت ایران مبلغ ۳۶،۰۰۰،۰۰۰ لیرا لازم دارند و او را عقیده بر این است که مبلغ قسط اول بایستی خمس یا سدس این مبلغ بوده و در موقع مذاکرات با بانکها، دولتین تاریخی را که این پول به دولت ایران داده خواهد شد، بایستی تعیین نمایند.

نمره - ۷۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه، غره مه ۱۹۱۲ [۱۱ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۳ ج ۱ - ۱۳۳۰]

اوضاع کرمان

من پیشنهاد کلنل میگ را که در تلگراف ۳۰ آوریل خود راپورت داده‌اید، تصویب می‌کنم.

نمره - ۷۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ مه ۱۹۱۲ [۱۲ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۴ ج ۱ - ۱۳۳۰]

ظاهراً اعلانی که برای افتتاح مجلس جدید اشاعه یافته است، تا اندازه‌ای علت و سبب دستگیری و تبعید اکثر از اعضای حزب دموکرات مجلس سابق را که در تلگراف ۲۹ آوریل خود راپورت داده بودم، واضح و آشکار می‌نماید.
وزیر امور خارجه دیروز به من اظهار داشت که دولت اعلان انعقاد مجلس را به فوریت اشاعه داده و قبل از حرکت نایب‌السلطنه به سمت اروپا، تمام تسرتیبات مقدماتی انتخابات را به عمل خواهند آورد.

www.adabestanekave.com

(۱) در اصل: دو بانکها. - م.

(۲) متن: چنانچه. - م.

(۳) چنین است در اصل: ۶۰۰۰،۰۰۰۰. - م.

نمره - ۷۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲ مه ۱۹۱۲ [۱۲ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۴ ج ۱ - ۱۳۳۰]
 کرمان

راجع به تلگراف غره مه شما:

دیروز بعد از ظهر با وزیر امور خارجه مفصلاً در باب مسئولیت اوضاع مفشوش
 حالیه ایالت کرمان مذاکره نمودم. در خاتمه مذاکرات، جناب معظم له، در حالیکه تصدیق
 می نمود که ایالت بسیار سهوهای پلتيکی کرده، موافقت داشت بر اینکه حسین خان
 سرکرده یاغیان مقصر حقیقی می باشد و مرا اطمینان داد که تلگرافاً [= تلگرافی]
 از طرف وزارت داخله، به او مؤکداً امر شده که دست از اغتشاش کاری بردارد.
 ممکن است که ایالت هم مورد سرزنش و ملامت باشد ولی واضح است که بواسطه
 آنتریگهای برعلیه [= علیه] او، این اوضاع حادث گردیده است. امیدوارم که حالا
 دیگر در اوضاع امور بهبودی حاصل گردد.

نمره - ۷۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲ مه ۱۹۱۲ [۱۲ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۴ ج ۱ - ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۲۷ آوریل شما:

وزیر امور خارجه دیروز مرا اطمینان داد که دولت ایران از مسأله دستگیری
 اشخاصی که مسئول حمله به مستر اسمارت بوده اند، غفلت نکرده اند و مقصرین حالیه
 در اردوی صولة الدوله می باشند، و او هم با برادر خود که بجای وی به ایلخانی گری
 قشقائیه برقرار گردیده، آشکارا منازعه دارد و علی هذا دستگیری مقصرین، حالیه
 ممکن نیست.

جناب معظم له به علاوه اظهار داشت که شرایط دیگری که در مشروح ۴ آوریل
 سر جارج بارکلی مذکور گردیده، با دقت تمام ملحوظ گردیده و منتظر جواب مساعدی
 از طرف علمای نجف و کربلا، به همین زودیها می باشند.

نمره - ۷۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲ مه ۱۹۱۲ [۱۲ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۴ ج ۱ - ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۲۴ آوریل من - نایب السلطنه - آیا شما اظهار می نموده اید؟ قصد
 حالیه نایب السلطنه چیست؟

نمره - ۷۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۳ مه ۱۹۱۲ [۱۳ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۵ ج ۱ - ۱۳۳۰]
 حرکت نایب السلطنه

راجع به تلگراف دوم مه شما:

در ۲۸ آوریل با نایب السلطنه ملاقاتی نمودم. چون هنوز به همکار روسی من
 تعلیمی نرسیده بود که اظهاری به نایب السلطنه بنمایم، در موقعی که از بابت حرکت
 اروپای او اشاره نمودم، اظهارات خود را محدود به ذکر عقاید دوستانه و نظریات
 مندرجه تلگراف ۱۵ آوریل شما نمودم.

والاحضرت در جواب فرمودند قصدشان این است که در ۱۴ مه از طهران حرکت
 نمایند و اظهار داشتند که کسالت مزاج، ایشان را مجبور به حرکت بطرف اروپا نموده
 و اگر مسألة سالارالدوله تا آنوقت فیصله نشود، یحتمل حرکت خود را به تأخیر خواهند
 انداخت ولی امیدوار بودند که قبل از آن تاریخ، سالارالدوله از ایران خارج گردد.

بر من اینطور معلوم گردید که نایب السلطنه که ناخوش و ضعیف بنظر می آمد، قطعاً
 تصمیم به حرکت نموده بود و از آنوقت تاکنون شیوع داده شده است که در تاریخی
 که مذکور داشت، حرکت خواهد نمود.

والاحضرت نیز اظهار داشتند که در موقع اقامت در خارجه هم، به نیابت سلطنت
 باقی خواهند ماند و مرا اطمینان دادند که قصد دارند حتماً پس از انقضای مدت
 مرخصی خود، به ایران مراجعت فرمایند.

تا دو روز قبل هیچ گونه تعلیمی برای همکار روسی من نرسیده بود که اظهاری
 بنمایم.

نمره - ۸۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۳ مه ۱۹۱۲ [۱۳ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۵ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف غره مه سر جارج بیوکانان - قرضه به دولت ایران - شما باید
 در باب قرضه، چنانچه وزیر امور خارجه روس ارائه طریق نموده است، با همکار
 روسی خود و نمایندگان دو بانک^۱، مذاکره نمایید.

نمره - ۸۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۳ مه ۱۹۱۲ [۱۳ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۵ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف غره مه شما - مساعده به دولت ایران - جنابعالی اگر ممکن است

باید در فرستادن جواب وزیر امور خارجه روس، در باب سهم مساعده‌ای که توسط یکی از بانکهای پاریس داده شود، عجله نمایید. این مسأله خیلی مهم است.

نمره - ۸۲

تلگراف مستر ابرن به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۴ مه ۱۹۱۲ [۱۴ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۶ ج ۱ - ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۳ مه شما - مساعده به دولت ایران - معاون وزارت امور خارجه وعده داد که در پاریس برای این مسأله اقدامات بشود.

نمره - ۸۳

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۸ مارس ۱۹۱۲ [۸ فروردین ۱۲۹۱؛ ۸ ع ۲ - ۱۳۳۰]
آقا

در طی تلگراف ۲۱ شهر جاری خود، ترجمه فرانسه جوابیه دولت ایران را به پیشنهادات متحدالمال ۱۸ فوریه، مخابره نمودم. این ترجمه را در وزارت امور خارجه کرده و همراه مکتوب مذکور فرستاده بودند. این عیناً مطابق با فارسی آن است که فقط وزیر امور خارجه آن را امضاء نموده است.

از تلگرافی که در ۲۲ ماه جاری برای سر جارج بیوکانون مخابره نموده بودید، خیلی خوشوقت هستم که شما مواد مندرجه این اظهاریه را رضایت بخش می‌دانید و امروز، من بنابر تعلیمات تلگرافی ۲۵ شهر جاری شما، سهم مساعده مشترک ۲۰۰،۰۰۰ لیرا را، به وسیله براتی برای مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ لیرا، که به عنوان خزانه‌داری کل در جزو پاکت فرستادم، به دولت ایران پرداختم.

اینک با کمال افتخار پروگرام مصارف مساعده مشترک را لفاً ایفاد می‌دارم. خزانه‌داری کل این نقشه را به مشورت کابینه طرح نموده و سفارتین آن را تصویب نموده‌اند. چنانچه ملاحظه خواهید فرمود، مبلغی که برای ژاندارمری تخصیص شده، ۴۲۰،۰۰۰ تومان است که ۱۴۰،۰۰۰ تومان آن بایستی به مصرف خرید اسلحه برسد. از قراری که فهمیده‌ام، دستورالعمل خرید تفنگها و طپانچه‌ها در آلمان داده خواهد شد و آلات خارجه از سوئد - و دولت روس، در تحت تأمینات کافی، برای آنکه اسلحه‌های مزبوره به دست اشخاص ناباب نخواهد افتاد، خواهد گذارد که از خاک روسیه بدون پرداخت وجه گمرکی عبور نمایند.

به عقیده سفیر روس و خود من، سایر فقرات مصارفی که تعیین گردیده، بقاعده است و چنانچه ملاحظه خواهید نمود ۱۰۰،۰۰۰ تومان برای پرداخت حقوق تعیین شده است.

یکی از عناصر عمده انقلاب که بیش از چیزهای دیگر واضح است، عدم پرداخت حقوق ارباب حقوق می‌باشد و با مبلغی که مسیو مرنارد برای این کار تعیین نموده،

می‌تواند از روی زمینه، صدی ۳۳ با آنها کم و زیادی بنماید. اینک نیز ترجمه مشروحه دولت ایران را که در آن، ترتیبات حقوق شاه مخلوع و خانواده او مرقوم گردیده، به همین طور ترجمه مشروحه‌ای را که دولت ایران، به موجب آن اظهار شفاهی خود را در موضوع استخدام معلمین قشونی از اتباع دول صفار، سمت رسمیت داده‌اند، لفاً ایفاد می‌دارم.

دولت ایران می‌خواستند در جواب پیشنهادات مشترکه در فورمول راجع به مسأله تشکیل قشون، اظهاری از بابت دول صفار بنمایند ولی همکار روسی و من، تصور کردیم بهتر است همان فورمولی که ما به وزیر امور خارجه اصرار نمودیم [در] مسوده اولی ۷ شهر جاری خود بنویسد (رجوع به تلگراف همان روز من نمائید) و دولتین آن را تصویب نموده بودند، به دولت ایران بقبولانیم.

ملفوف يك نمره ۸۳

مکتوب مسیو مرنارد به سر جارج بارکلی

طهران ۲۷ مارس ۱۹۱۲ [۷ فروردین ۱۲۹۱؛ ۷ ع ۲ - ۱۳۳۰]

افتخار دارم شما را اطلاع دهم که دولت در مجلس مشاوره وزراء که در ۲۲ شهر جاری منعقد گردید، پروگرام ذیل را که برای مصرف ۲۰۰،۰۰۰ لیرائی که دولتین انگلیس و روس مساعده داده‌اند طرح شده، تصویب نموده‌اند:

۷۰،۰۰۰	تومان	(۱) حقوق محمدعلی میرزا
۱۴۰،۰۰۰	تومان	(۲) برای خرید اسلحه ژاندارمری
۲۸۰،۰۰۰	تومان	(۳) حقوق ماهانه ژاندارمری
۱۰۰،۰۰۰	تومان	(۴) حقوق اداره نظمی
۱۲۵،۰۰۰	تومان	(۵) بختیاریها
۱۰۰،۰۰۰	تومان	(۶) حقوق ارباب حقوق
۱۰۰،۰۰۰	تومان	(۷) برای ارسال به ولایات و ایالات و حکام
۸۵،۰۰۰	تومان	(۸) مصارف مهمه لازمه
۱۰۰،۰۰۰	تومان	(۹) حقوق عقب‌افتاده وزراء
۱،۱۰۰،۰۰۰	تومان	جمع

(امضاء) مرنارد

ملفوف دوم نمره ۸۲

ترجمه مکتوب وثوق الدوله به سر جارج بارکلی

طهران ۲۵ آوریل ۱۹۱۲ [۵ اردیبهشت ۱۲۹۱؛ ۷ ج ۱ - ۱۳۳۰]

جنابا

بنابر صحبتی که از بابت اعطای حقوقی به محمدعلی میرزا با جنابعالی داشتم، نظر به مراسله ۲۰ شهر جاری خود که در آن اظهار داشتم که این مسأله موضوع مراسله

علی‌حده خواهد شد، با نهایت احترام جنابعالی را اطلاع می‌دهم که حسب‌الخوایش^۱ سفارت اعلیحضرتی، دولت ایران حاضر خواهند بود که سالیانه ۷۵،۰۰۰ تومان به محمدعلی‌میرزا بدهند و این حقوق از ۳۱ مارس ۱۹۱۲ شروع گردیده به اقساط سه‌ماهه پرداخته خواهد شد و برای استهلاك ۷۰،۰۰۰ تومان که مساعدده به محمدعلی‌میرزا داده شده که از استرآباد حرکت کند، سالیانه مبلغ ده هزار تومان از ۷۵،۰۰۰ تومان حقوق وی، کسر خواهد شد به این معنی که از سال جاری که سیچقان^۲ نیل^۳ باشد، تا هفت سال، از قرار سالی ۶۵،۰۰۰ تومان و بعد از آن از قرار سالی ۷۵،۰۰۰ تومان پرداخته خواهد شد.

محمدعلی‌میرزا بایستی تمام مخارج خانواده و بچه‌هایش که با خود او هستند و به همین‌طور مخارج دختر خود را که در طهران است، بدهد. دولت ایران نیز مبلغ ۶،۰۰۰ [تومان] سالیانه، برای حضرت اقدس اعتضادالسلطنه که در طهران اقامت خواهند داشت، مقرر نموده و این مبلغ را برای مصارف وی خواهند داد. در صورت فوت محمدعلی‌میرزا، ثلث حقوق او که سالیانه ۲۵،۰۰۰ تومان باشد، در حق اهل خانه‌اش مقرر و میان اعضای آن تقسیم خواهد شد و پس از فوت هر یک از اعضاء، تأدیة قسمت او، چه ذکور و چه اناث، موقوف خواهد شد.

در صورتی که محمدعلی‌میرزا مجدداً در صدد آنتریگت برعلیه [علیه] دولت برآید^۴ و اقدامی برای مراجعت به ایران و تکرار اعمال سابقه خود نماید، دولت ایران برای هیچیک از شرایط مذکوره در این مشروطه مسؤول نخواهند بود.

از بابت املاك شعاع‌السلطنه که به علت سوء رفتار او ضبط شده بود، محترماً اظهار می‌دارم که اینک بر وفق صحبتی که با هم نمودیم، چون شاهزاده مذکور از ایران خارج شده، املاك مذکوره از توقیف خارج شد. واضح است که ادامه این حسن‌نیت از طرف دولت علیه تا وقتی است که حضرت والا شاهزاده، بدون اجازه اولیاء امور ایران به ایران مراجعت ننموده و از تکرار سوءاعمال سابقه خود اجتناب ورزیده باشد.^۴

(امضاء) وثوق‌الدوله

ملفوف سوم نمرة ۸۳

ترجمه مکتوب وثوق‌الدوله به سر جارج بارکلی

طهران ۲۵ مارس ۱۹۱۲ [۵ فروردین ۱۲۹۱؛ ۵ ع ۲ - ۱۳۳۰]
جنابا

اظهارات رسمی را که مستر چرچیل و مسیو دوگیرز [گیرس؟]، ترجمانهای سفارت دولتین انگلیس و روس، در ۱۴ شهر جاری از طرف جنابعالی و سفیر روس به من نمودند، با کمال مسرت و رسماً مورد توجه و ملاحظه خود قرار دادم. اظهارات مذکوره به قراری است که ذیلاً مرقوم می‌شود:

(۱) چنین است در متن. - م.

(۲) سیچقان نیل = سال موش. اولین سال از دوره دوازده‌گانه تقویم ترکی. - م.

(۳) اصل: است. - م.

(۴) اصل: است. - م.

سفیر ایران مقیم سنت پترزبورغ، از بابت وضعیت دولتین انگلیس و روس نسبت به قشون ایران و معلمین نظامی خارجه، استفسار نموده و تحقیق می نمایند که آیا دولتین در نظر دارند قوه قشون ایران را به يك عده معینی محدود سازند و یا اعتراض دارند که صاحب منصبان قشونی، از اتباع دول صغار استخدام شوند.

به ما تعلیم داده شده است جواب این دو مسأله را به طریق ذیل اظهار نماییم:
اولاً مسأله اینکه دولتین انگلیس و روس میل داشته باشند قشون ایران را محدود سازند، نمی شود در میان باشد چرا که بنا به عقیده دولتین، دولت ایران بایستی زیاده بر آنچه وسایل ممکنه آن دولت اجازه می دهد، قشونی تشکیل داده و آن را برقرار دارد.

ثانیاً دولتین در صورتی که دولت ایران معلمین نظامی از دول صغار استخدام نمایند، مخالفت نخواهند نمود.

(امضاء) وثوق الدوله

نمره - ۸۴

مکتوب مستر نیک به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ آوریل ۱۹۱۲ [۲۸ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۸ ع ۲ - ۱۳۳۰]

آقا

اینک با نهایت افتخار خلاصه وقایع ماهیانه ایران را برای چهار هفته اخیر، لغایت ۱۷ آوریل لفا ایفاد می دارم:

(امضاء) نیک

ملفوف نمره ۸۴

خلاصه وقایع ایران برای چهار هفته،

لغایت ۱۷ آوریل ۱۹۱۲

طهران

کابینه - در اوایل آوریل، وزیر امور خارجه استعفای خود را به نایب السلطنه تقدیم داشت ولی قبول نگردید و علی هدا، او آن را پس گرفت. الحال مقام وزیر پست و تلگراف و وزیر عدلیه خالی است و کابینه مرکب از اشخاص ذیل است:

رئیس الوزراء

وزیر امور خارجه

وزیر داخله

وزیر جنگ

وزیر مالیه

صمصام السلطنه

وثوق الدوله

قوام السلطنه

سردار محتشم

محتشم السلطنه

نایب السلطنه - والاحضرت در اوایل ماه، به علت آثار و علائم عدم رضایت عامه

و خوف نمایشاتی که ممکن بود عاقبت بر علیه [= علیه] وی بشود، تا اندازه‌ای مضطرب بود و از کسالت مزاج خود شکایت داشت و قصد خود را اعلام داشت که می‌خواهد تا مدت قلیلی به اروپا مسافرت نماید و در اول ماه مه حرکت کند.

کاغذی که سپهدار به حضرت معظمه نوشته و پلتیک ایشان را مذمت و ایشان را به سستی متهم ساخته بود، بر تکدر ایشان افزود. تغییرات دیپلوماسی - سر جارج بارکلی در ۱۲ از طهران حرکت و سر والتر تنلی، روز ۱۳ به انزلی وارد گردید.

امین بیگ وزیرمختار جدید دولت عثمانی، روز ۱۹ مارس وارد طهران گردید. مساعدت به دولت ایران - دولت انگلیس روز ۲۸ مارس سهم مساعدت خود را که ۱۰۰۰،۰۰۰ لیرا باشد، به دولت ایران پرداخت.

اقدامات برضد سالارالدوله - فرمانفرما روز ۶ آوریل با استعداد زیادی از طهران به طرف همدان حرکت نمود و مدت کمی در قزوین توقف نمود ولی آخرالامر، از آنجا حرکت کرد. کمی پس از آن، قریب ۶۰۰ نفر بختیاری در تحت شهاب‌السلطنه و ضیاءالسلطان به عقب آنها حرکت کرده و به آنها امر داده شد به زنجان بروند تا آنکه اوامر ثانوی برای حرکت به مقصد به آنها داده شود.

گیلان و مازندران

در عرض چهار هفته گذشته تقسیم عساکر روس در انزلی و رشت و قزوین از نو شروع شد و دسته دوم و چهارم قشون قفقاز مرخص و یک باطالیان از رژیمان^۱ سالیانسکی روسیه، به جای آنها آمد و نیم باطری توپخانه که سابقاً در رشت بود، به قزوین فرستاده شده‌اند.

از قراری که سفیر روس اظهار می‌دارد، نتیجه نقل و انتقال عساکر این است که ۱۳۰۰ نفر در رشت و انزلی و ۱۳۰۰ نفر در قزوین قرار داده شده‌اند. شعاع‌السلطنه در ۱۸ مارس از استرآباد برای روسیه حرکت کرد.

اصفهان

از زمان ورود سردار ظفر، در استقرار انتظامات این ولایت، قدری بهبودی حاصل شده ولی اوضاع خود شهر، کمافی‌السابق رضایت‌بخش نیست.

جنرال‌قنسول اعلیحضرتی راپورت می‌دهد که حکمران برای سلب اختیارات وکیل خزانه‌داری کل، مشغول آنتریگ است و به واسطه گران‌کردن قیمت ارزاق سعی دارد که اهالی را به اغتشاشات تحریک نماید.

مسترناکس ویس‌قنسول و ماژر کاپر در ۲۲ مارس بدون اینکه حادثه‌ای به آنها روی دهد، از شیراز وارد شدند و مسترناکس در ۲۶ مارس به سمت طهران حرکت کرد.

یزد

از نقطه نظر تجارت، اوضاع یزد کمافی‌السابق به علت عدم امنیت روزافزون راهها و کمیابی پول، رضایت‌بخش نیست. گبرها و بعضی از ارباب حقوق، از

(۱) bataillon = گردان نظامی - م. (۲) régiment = هنگ نظامی - م.

اجحافات مجدالممالك منشی اول حکمران شکایت کرده‌اند. دولت مرکزی به حکمران تعلیم داده‌اند که این مسأله را تحقیق نماید.

شیراز

یک دسته از ژاندارمری جدید دولتی که در اوایل مارس از طهران حرکت نمود، در ۱۵ آوریل وارد شیراز گردید.

در ۳۱ مارس در میان طوایف اعراب حادثه‌ای رخ نمود که ممکن است باعث اغتشاش گردد:

نصرالدوله پسر قوام‌الملک امر به دستگیری رضاقلی‌خان یکی از رؤسای اعراب شیبانی داد. این شخص از پرداخت قیمت اموالی که از بعضی از تجار جهرم به سرقت رفته بود، امتناع می‌ورزید. رضاقلی‌خان در مقام مقاومت برآمده و به اتاقی که نصرالدوله در آن بود، تیر خالی کرده و آن وقت قراولان نصرالدوله رضاقلی‌خان را به ضرب گلوله مقتول نمودند.

میستان

از قرار راپورتی که واصل شده، ۲،۷۰۰ نفر از بلوچها بطرف پیرچند حرکت کرده‌اند.

کرمانشاه

سالارالدوله به علت پولهایی که جبراً از اهالی گرفته، خود را خیلی طرف بی‌میلی و تنفر آنها نموده است و از اینکه پیشنهادات دولتین انگلیس و روس را در مسأله قبول حقوق و خروج از مملکت قبول نماید، امتناع ورزیده و از قرار راپورتی که به دولت ایران رسیده، به کلهر رفته است که ایلات آنجا را با خود همدرد نموده و آنها را ترغیب به کمک خویش در اردوگشی برضد دولت ایران بنماید.

مجلل‌السلطان یکی از رؤسای قشونی سالارالدوله، در حوالی همدان می‌باشد. امیرنظام حکمران آنجا، شهر را سنگربندی نموده است.

فرمانفرما [با] قشونی مرکب از قزاقان و سوارهای ایرانی، در اوایل آوریل از راه همدان به طرف کرمانشاه حرکت نمود.

زنجان

از قرار راپورتی که به حکومت مرکزی رسیده، دسته‌ای از بختیاریها، در اوایل آوریل، زنجان را قبضه نمودند و محمدخان دزد را که شهر را در ۱۳ مارس قبضه نموده بود، کشتند. ۱

بوشهر

نظام‌السلطنه در ۱۸ مارس از بوشهر به طرف بمبئی حرکت نمود که به اروپا رهسپار شود.

در ۲۰ مارس نایب‌الحکومه بندرعباس، در قنصلخانه بوشهر اعلیحضرتی پناهنده

گردید که حکمران بنادر خلیج فارس او را محبوس ننماید. قنصل مقیم از جانب شخص متحصن با حکمران مذاکره نموده و قرار [و] مداری داده شده و نتیجه این شد که نایب‌الحکومه در ۲۸ مارس از قنصلخانه خارج گردید.

اهواز

مسأله مناقشه بین شیخ محمره و بختیاریها در باب حکومت شوشتر، به واسطه تعیین حکومت بیطرفی که وقارالملک باشد، که در ۵ آوریل بسمت نیابت حکومت وارد شهر گردید، فیصله شده است.

نمره - ۸۵

مکتوب مستر نیک به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ آوریل ۱۹۱۲ [۲۷ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۷ ۲۸ - ۱۳۳۰]

آقا

در باب تلگراف امروز من، افتخار دارم سواد جدول عایدات و مصارف سه‌ساله گذشته اداره گمرکات ایران را لفا ایفاد دارم.

مدیرکل گمرکات مرا اطلاع می‌دهد که فقرات مصارفی که در این صورت مرقوم گردیده، فقط بطور موقتی است ولی هرگونه تغییراتی که در آن داده شود، قابل اهمیت نخواهد بود و به هیچ وجه اثر محسوسی بر صدی دوازده اضافه عایدات سال گذشته نخواهد کرد.

من دقت شما را جلب به این مسأله می‌نمایم که به موجب این جدول بر عایدات گمرکات شمالی تخمیناً صدی ده و نیم و بر عایدات گمرکات جنوبی تقریباً صدی بیست اضافه شده است.

اگر عایدات بوشهر و توابع آن را فقط حساب کنیم، رویهم‌رفته اضافه عایدات آنجا صدی چهل و پنج خواهد بود.

تقلیل مصارف نسبت به عایدات اداره گمرکات، حسن خدمت و مراقبت مأمورین مسؤول بلجیکی را نشان می‌دهد.

ملفوف نمره ۸۵

ترجمه صورت عایدات و مصارف اداره کل گمرکات ایران

سال تخاقوی ٹیل ۲

۲۱ مارس ۱۹۰۹ الی ۲۰ مارس ۱۹۱۰	[یکم فروردین ۱۲۸۸ تا ۳۰ اسفند ۱۲۸۸]	۳۰ اسفند ۱۲۸۸
ایالت	اصل عایدات	خالص عایدات
	شاهی قران	شاهی قران
آذربایجان	۶۱۷۷۸۵۲ و ۳۰	۷۲۷۰۶۶ و ۶۰
آستارا	۱۶۰۴۴۷۴ و ۸۰	۲۰۴۸۹۶ و ۵۰
		۵۴۵۰۷۸۵ و ۷۰
		۱۳۹۹۵۷۸ و ۳۰

(۱) اصل: بلجیکی. - م.

(۲) تخاقوی ٹیل = سال مرغ. نیز، سال دهم از دوره دوازده‌گانه گاه‌شماری ترکی. - م.

۶۲۸۵۲۶۲ و ۹۰	۴۹۰۸۵۲ و ۹۰	۶۷۷۶۱۱۵ و ۸۰	گیلان
۲۴۱۹۴۴۷ و ۵۵	۱۲۴۴۹۲ و ۷۵	۲۵۴۳۹۴۰ و ۳۰	مازندران
۱۳۸۵۹۶۱ و ۴۵	۱۶۷۸۴۸ و ۱۵	۱۵۵۳۸۰۹ و ۶۰	استرآباد
۲۳۱۱۸۲۰ و ۲۰	۶۷۸۱۰۳ و ۳۵	۲۹۸۹۹۲۳ و ۵۵	خراسان
۵۳۰۸۲۳۶ و ۶۰	۴۰۵۰۰۱ و ۹۰	۵۷۱۳۲۳۸ و ۵۰	کرمانشاه
۹۶۰۶۴۵ و ۳۵	۴۰۰۳۹ و ۹۰	۱۰۰۰۰۶۸۵ و ۲۵	طهران
۲۵۵۲۱۷۳۸ و ۰۵	۲۸۳۸۳۰۲ و ۰۵	۲۸۳۶۰۰۴۰ و ۱۰	جمع گمرکات شمالی
۳۵۲۹۸۹۲ و ۹۰	۵۸۱۱۹۲	۴۱۱۱۰۸۴ و ۹۰	جنوب
۱۴۴۲۶۴۶ و ۷۰	۲۲۷۷۰۸ و ۷۰	۱۶۷۰۳۵۵ و ۴۰	جنوب اقصی
۱۸۴۹۳۲۸ و ۶۵	۱۹۲۹۳۳ و ۳۵	۲۰۴۲۲۶۲	عربستان ۱
۶۸۲۱۸۶۸ و ۲۵	۱۰۰۱۸۳۴ و ۰۵	۷۸۲۳۷۰۲ و ۳۰	جمع گمرکات جنوب
۳۲۳۴۳۶۰ و ۳۰	۳۸۴۰۱۳۶ و ۱۰	۳۶۱۸۳۷۴۲ و ۴۰	جمع ایالات و ولایات
۴۹۱۹۸۸ و ۱۰	۶۴۸۵۶۸ و ۶۵	۱۵۶۵۸۰ و ۵۵	اداره مرکزی
۳۱۸۵۱۶۱۸ و ۲۰	۴۴۸۸۷۰۴ و ۷۵	۳۶۳۴۰۳۲۲ و ۹۵	جمع کل

سال ایت نیل ۲

۲۱ مارس ۱۹۱۰ الی ۲۰ مارس ۱۹۱۱ [۳۰ اسفند ۱۲۸۸ تا ۲۹ اسفند ۱۲۸۹]

ایالت	اصل عایدات شاهی قران	مصارف اداری شاهی قران	خالص عایدات شاهی قران
آذربایجان	۶۴۶۹۷۹۹ و ۹۰	۷۳۱۸۴۱ و ۹۰	۵۷۳۷۹۵۸
آستارا	۱۶۷۰۰۰۵ و ۷۵	۲۱۸۱۱۸	۱۴۵۱۸۸۷ و ۷۵
گیلان	۷۱۵۹۷۳۰ و ۷۵	۴۴۱۷۷۶ و ۶۰	۶۷۱۷۹۵۴ و ۱۵
مازندران	۱۷۰۸۸۷۸ و ۸۰	۱۲۱۳۱۶ و ۲۰	۱۵۸۷۵۶۲ و ۶۰
استرآباد	۱۶۱۰۳۴۶ و ۵۰	۱۶۹۴۶۱ و ۸۰	۱۴۴۰۸۸۴ و ۷۰
خراسان	۳۲۴۷۴۲۹ و ۹۵	۶۹۹۹۴۴ و ۶۵	۲۵۴۷۴۸۵ و ۳۰
کرمانشاه	۵۸۱۵۴۸۸ و ۱۵	۴۷۲۷۷۰ و ۲۰	۵۳۴۲۷۱۷ و ۹۵
طهران	۲۱۶۱۱۷۷ و ۴۵	۳۹۹۸۱ و ۳۰	۲۱۲۱۱۹۶ و ۱۵
جمع گمرکات شمالی	۲۹۸۴۲۸۵۷ و ۲۵	۲۸۹۵۲۱۰ و ۶۵	۲۶۹۴۷۶۴۶ و ۶۰
جنوب	۳۲۸۶۱۳۷ و ۷۰	۴۸۲۲۶۸ و ۴۵	۲۸۰۳۸۶۹ و ۲۵
جنوب اقصی	۱۹۵۹۴۴۴ و ۷۰	۲۱۲۳۸۱ و ۸۰	۱۷۴۷۰۶۲ و ۹۰

(۱) عربستان = خوزستان. - م.

(۲) ایت نیل = سال سگ. نیز، سال یازدهم از دوره دوازده گانه گاه شماری ترکی. - م.

۲۸۳۱۳۵۵ و ۸۰	۲۴۳۴۷۴ و ۱۵	۳۰۷۴۸۲۹ و ۹۵	عربستان
۷۳۸۲۲۸۷ و ۹۵	۹۳۸۱۲۴ و ۴۰	۸۳۲۰۴۱۲ و ۳۵	جمع گمرکات جنوب
۳۴۳۲۹۹۳۴ و ۵۵	۳۸۳۳۳۳۵ و ۰۵	۳۸۱۶۳۲۶۹ ، ۶۰	جمع ایالات و ولایات
۱۰۹۴۰۵ و ۲۰	۶۷۸۵۴۷ و ۴۰	۵۶۹۱۴۲ و ۲۰	اداره مرکزی
۳۴۲۲۰۵۲۹ و ۳۵	۴۵۱۱۸۸۲ و ۴۵	۳۸۷۳۲۴۱۱ و ۸۰	جمع کل

سال تنگوز نیل

۲۱ مارس ۱۹۱۱ الی ۲۰ مارس ۱۹۱۲ [۳۰ اسفند ۱۲۸۹ تا ۳۰ اسفند ۱۲۹۰]

ایالت	اصل عایدات شاهی قران	مصارف اداری تخمین موقتی شاهی قران	خالص عایدات تخمین موقتی شاهی قران
آذربایجان	۷۱۲۹۴۷۲	۷۲۷۴۷۹ و ۶۵	۶۴۰۱۹۹۲
آستارا	۱۵۹۲۱۶۷ و ۱۵	۲۶۱۸۴۰ و ۶۵	۱۳۳۰۳۲۶ و ۵۰
گیلان	۱۱۳۴۷۶۹۳ و ۰۵	۵۱۳۸۸۵ و ۵۵	۱۰۸۳۳۸۰۷ و ۵۰
مازندران	۲۲۱۱۶۱۱ و ۹۰	۱۲۱۳۷۱	۲۰۹۰۲۴۰ و ۹۰
استرآباد	۱۲۲۷۳۷۶ و ۷۵	۱۹۳۱۳۲ و ۷۰	۱۰۳۴۲۴۴ و ۰۵
خراسان	۳۸۱۳۸۶۰ و ۷۰	۷۴۱۹۳۶ و ۸۰	۳۰۷۱۹۲۳ و ۹۰
کرمانشاه	۴۵۸۵۵۷۱ و ۵۰	۴۸۳۲۴۶	۴۱۰۲۳۲۵ و ۵۰
طهران	۱۳۲۲۷۵۴ و ۶۰	۴۶۶۶۷ و ۷۵	۱۱۷۶۰۸۶ و ۸۵
جمع گمرکات شمالی	۳۳۱۳۰۵۰۷ و ۶۵	۳۰۸۹۵۶۰ و ۱۰	۳۰۰۴۰۹۴۷ و ۵۵
جنوب	۴۸۲۵۱۰۷ و ۱۵	۵۲۳۵۹۲ و ۷۵	۴۳۰۱۵۱۴ و ۴۰
جنوب اقصی	۱۸۷۸۳۹۹ و ۵۵	۲۲۹۶۵۸ و ۳۰	۱۶۴۸۷۴۱ و ۲۵
عربستان	۳۲۱۸۲۱۷ و ۷۵	۲۷۸۰۰۲ و ۹۵	۲۹۴۰۲۱۴ و ۳۰
جمع گمرکات جنوب	۹۹۲۱۷۲۴ و ۴۵	۱۰۳۱۲۵۴	۸۸۹۰۴۷۰ و ۴۵
جمع ایالات و ولایات	۴۳۰۵۲۲۳۲ و ۱۰	۴۱۲۰۸۱۴ و ۱۰	۳۸۹۳۱۴۱۸
اداره مرکزی	۳۵۳۴۵۹ و ۷۵	۷۷۱۷۲۵ و ۹۵	۴۱۸۲۶۶ و ۲۰
جمع کل	۴۳۴۰۵۶۹۱ و ۸۵	۴۸۹۲۵۴۰ و ۰۵	۳۸۵۱۳۱۵۱ و ۸۰

ملاحظات - چنانچه ملاحظه شود بر اصل عایدات تنگوز نیل، از سال گذشته ایت نیل، ۴۶۷،۳۲۸ تومان و یکشاهی یا ۱۲/۰۶ درصد اضافه شده است. اضافه خالص عایدات

۴۲۹،۲۶۲ تومان و دو قران و نه شاهی یا صدی ۱۲/۵۴ می باشد.
 مصارف اداری که در تنگوز نیل صدی ۱۲/۳۵ بود و در ایت نیل به صدی ۱۱/۶۵
 تخفیف یافته بود، سال گذشته به صدی ۱۱/۲۷ تنزل کرد.

نمره - ۸۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۶ مه ۱۹۱۲ [۱۶ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۸ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف غره مارس شما:

کلنل دوگلاس توسط کفیل قنصلگری شیراز، به طریق ذیل تلگراف می کند:
 اگر دولت اعلیحضرتی قصد دارند قشون سواره را زمستان دیگری در شیراز
 نگاه دارند، لازم است که ما مسأله تهیه منزل صحیح را برای آنها در تحت ملاحظه
 داشته باشیم. مدت اجاره منزل های حالیه آنها در ماه اکتوبر منقضی خواهد شد و
 بایستی دوباره قرار و مدار اجاره تازه بدهیم و محلها و منزل های تازه بنا شود. تا
 زمانی که تعلیمات نرسیده، اتمام محل و منزل های ناتمام شده به عهده تعویق خواهد
 بود. خیلی خوشوقت خواهم بود از اینکه هر قدر زودتر که امکان داشته باشد تعلیمات
 فرستاده شود.

مستر اسمارت بعلاوه می گوید که هر قدر زودتر که امکان داشته باشد، بایستی
 قرار و مدار اجاره ها داده شود چرا که محتمل است برای تجدید آنها اشکال زیاد
 در میان باشد.

عقیده شخصی من بر این است که حالیه زود باشد صحبتی از بابت محل و منزل
 زمستانی سوارها بشود، اگرچه بدبختانه فعلا صلاح نمی دانم هیچ گونه اطمیناناتی
 داده باشیم ولی از صمیم قلب امیدوارم که قبل از زمستان آینده دولت ایران از عهده
 جبرانی که برای حمله به اسمارت تقاضا شده، برآمده و در اوضاع عمومی طوری
 بهبودی حاصل گردد که دولت اعلیحضرتی بتوانند مستحفظین اضافی قنصلخانه را
 عودت دهند.

نمره - ۸۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۶ مه ۱۹۱۲ [۱۶ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۸ ج ۱ - ۱۳۳۰]

سالارالدوله

به دولت ایران اطلاع رسیده که یاغیان عساکر دولتی در تحت فرمانفرما را، در
 محلی قریب ۲۸ میلی همدان شکست داده اند. عساکر دولتی قبلا در جنگ مختصری
 در خارج همدان، بر دسته پیشقراول قشون سالارالدوله سه روز قبل غالب آمدند.

اخبار جدید این است که فرمانفرما عقب قشون امدادی فرستاده است و هنوز مشغول جنگ است؛ اگرچه بیش از یکصد و پنجاه نفر همراه خود ندارد. قرار شده است که یفرم‌خان از اینجا فرستاده شود و هفتصد نفر بختیاریهایی که در زنجان می‌باشند، تعلیم داده شده است که به کمک فرمانفرما بروند. از قرار معلوم یاغیان دسته‌ای می‌باشند که در تحت امر مجلل‌السلطان هستند (رجوع به تلگراف غره مه کنید).

نمره - ۸۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۶ مه ۱۹۱۲ [۱۶ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۱۸ ج ۱ - ۱۳۳۰]
 کرمان

راجع به تلگراف ۲ مه من:

بنابر خواهش نماینده گبرهای اینجا، من به قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمان دستورالعمل می‌دهم که هر اندازه که برای او امکان داشته باشد، از گبرها محافظت نماید.

از قرار اخباری که از منابع گبرها امروز واصل گردیده، اوضاع آنجا به جای نازک رسیده و از قرار مذکور یاغیان تا دم دروازه شهر خود را رسانیده و حکمران وسیله جلوگیری از ورود آنها را ندارد.

چنانچه رسماً به من اطلاع داده شده چندین مراسلات انتشار یافته، نسبت تقصیر را به حکمران داده‌اند و وزیر داخله تلگرافاتی هم برای وی و هم برای یاغیان فرستاده و اطلاع داده است که مأمور مخصوصی تعیین شده که در این کار تحقیقات به عمل آورده و به یاغیان امر نماید وارد شهر نشوند و منتظر ورود مأمور مذکور شوند.

نمره - ۸۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
 وزارت خارجه ۷ مه ۱۹۱۲ [۱۷ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۱۹ ج ۱ - ۱۳۳۰]
 قرضه به دولت ایران

عقیده وزیر امور خارجه روس بر این است که قرضه را بایستی بانک طهران روس یا بانک شاهنشاهی و بانکهایی که در سوسیته‌دتود نقشه راه آهن ایران شرکت دارند، بدهند و از دولت ایران باید تقاضا شود که با شرایط خیلی معمول، امتیاز تعمیر راه آهن مذکور را ضمانت نمایند.

وزیر امور خارجه، بعلاوه تصور می‌کند که چنین خدمت بزرگی به دولت ایران،

دولتین انگلیس و روس را حق خواهد داد که برای کسب بعضی منافع که حل بعضی مسائل بسیار معوقه را تأمین نماید، قرار و مدار می بدهند.

برای نمونه، وزیر امور خارجه، از جمله مسائلی که راجع به منافع دولت روس می باشد، فقرات ذیل را ذکر می نماید:

- (۱) حق تحصیل املاک برای اتباع دولت روس و قبول آن برای تأمین قروض؛
 - (۲) ترویج و تزئین معاملات قضائی و اجرای احکام قضائی.
- خیلی خوشوقت خواهم بود که شما ملاحظات خود را در باب این نظریات اطلاع دهید. شما اجازه دارید که در باب این مسأله با همکار روسی خود مذاکره نمایید.

نمره - ۹۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۸ مه ۱۹۱۲ [۱۸ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۰ ج ۱ - ۱۳۳۰]

بانک شاهنشاهی اصرار دارند بر اینکه تعلیمات به آنها داده شود که دولت اعلیحضرتی می خواهند به چه طریق سهم مساعده مشترک آنها مسترد گردد و توضیح [درباره] معنی اضافه عایدات را می خواهند.

رجوع به تلگرافات ۱۴ و ۲۹ آوریل سفارت نمایید.

نمره - ۹۱

مکتوب وزارت خارجه به اداره هند

وزارت خارجه ۸ مه ۱۹۱۲ [۱۸ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۰ ج ۱ - ۱۳۳۰]

آقا

از طرف سر ادوارد گری وزیر امور خارجه تعلیم دارم که برای استحضار خاطر لرد کرو، سواد تلگراف سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران را در باب لزوم احتمالی تهیه منزل صحیح برای عساکر اعلیحضرتی در زمستان آینده، لفا ایفاد دارم.

لرد کرو البته به خاطر دارند که در ۲ آوریل، به سر جارج بارکلی (که در آن وقت به مقام سفارت دولت اعلیحضرتی در طهران منصوب بود) تعلیم داده شد به دولت ایران اطلاع دهد اگر رؤسای ایلات و سرکردگان آنها، ابراز احساسات دوستانه و رویه مسالمت آمیز لااقل تا دو ماه نموده و هیچ گونه حملاتی از آنها در راه سر نزد، عودت سوارها از شیراز و اصفهان شروع خواهد شد.

به این طریق غیرممکن نیست که سوارهایی که فعلا در آنجاها قرار داده شده اند در ماه ژون عودت داده شوند (یا آنکه در وقتی قبل از زمستان)؛ و بنابراین سر ادوارد گری در حالیکه مضرات تأخیر انداختن اقدامات را بخوبی درک می کند، عقیده اش بر این است که اصلح این خواهد بود که هیچ گونه اقدامی نشود تا آنکه دیده شود اوضاع جنوب ایران چه شکل خواهد شد.

من بایستی استفسار کنم که آیا جناب لرد معظم موافقت دارند که این مراتب به

سر والتر تنلی اطلاع داده شود؟

(امضاء) لوئیس ملت

نمره - ۹۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ مه ۱۹۱۲ [۱۹ اردیبهشت ۱۲۹۱؛ ۲۱ ج ۱ - ۱۳۳۰]

اوضاع کرمان

کلنل هیگ دیروز تلگراف ذیل را مخابره نموده است:

امیر اعظم تصمیم نموده است از کرمان حرکت کند. من حتی المقدور سعی کرده‌ام او را از این اقدام بازدارم و حتی وعده داده‌ام که به وسیله حضور خود در عمارت ایالتی از او تقویت نمایم. او فردا صبح از شهر خارج و به اردو خواهد رفت. یحتمل یاغیان روز بعد از حرکت او وارد خواهند شد. در صورتی که لازم شود اروپاییان را به قنصلخانه حرکت دهند، این کار را فردا خواهند کرد. بانک خزانه خود را امروز عصر بدانجا آورده است. باغهای اطراف قنصلخانه متعلق به خوانینی است که با ما نسبت دوستی دارند و آنها را در مقابل یاغیان حفظ خواهند نمود. به عقیده من، عثمانیها و هندوها و گبرها خیال دارند اینجا پناهنده شوند و بنابراین به استثنای قدری مزاحمت، محتمل نیست از راه دیگری به ما اذیتی وارد شود.

هنگامی که امیر اعظم حرکت کند، ممکن است به این ترتیبات بطور آرامی خاتمه داده شود ولی خود را مجبور می‌دانم که از آنجایی که سرکرده یاغیان شخص دیوانه‌ای است و اکثر رؤساء و اتباع آنها دزد و راهزن می‌باشند، احتیاطهای لازمه بنمایم.

نمره - ۹۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ مه ۱۹۱۲ [۱۹ اردیبهشت ۱۲۹۱؛ ۲۱ ج ۱ - ۱۳۳۰]

سالارالدوله

راجع به تلگراف ۶ مه من:

از قرار اطلاعات رسمی اخیر، عساکر مجلل السلطان، قشون فرمانفرما را بکلی منهزم گردانیده و تمام توپها و مهمات او را که سه عراده توپ صحرائی شنیدر هم جزو آنها باشد، از دستش گرفته‌اند. (از قراری که راپورت داده، فرمانفرما به موقع توانسته است گلنگدن توپها را بردارد) قریب ۵۰۰ نفر از فدائیان از سلطان‌آباد برای کمک او حرکت کرده و به همدان رسیده‌اند که از آنجا به ده کوچکی که در خارج است و در آنجا فرمانفرما به انتظار ورود عساکر امدادی توقف نموده است، بروند. به علت اوامر متضاده که از طرف کمیته مرکزی ارامنه به فدائیان رسیده و نصایحی که از طرف دموکراتهای تبعیدشده رسیده و آنها را ترغیب به یاغیگری می‌نماید، از قرار مذکور تا اندازه‌ای در اطاعت و انقیاد آنها نسبت به دولت نقصانی حاصل شده

باشد.

قریب ۷۰۰ نفر بختیاری مأمورند از زنجان برای همدان حرکت کنند. تمام این قشون در تحت یفرم خان خواهند بود که دیروز از طهران حرکت نمود. یحتمل از ورود او، حسن اعتماد و اتحاد در میان فدائیان تولید گردد.

نمره - ۹۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۹ مه ۱۹۱۲ [۱۹ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۱ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۸ مه شما - مساعده مشترك - آیا پس از پرداخت استهلاك و منافع قروض و مصارف جزو، از بابت منافع و استهلاك آخرین مساعده، ۱۰۰،۰۰۰ لیرا وجه مكفی دیگر باقی می ماند؟

نمره - ۹۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۰ مه ۱۹۱۲ [۲۰ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۲ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۹ آوریل من:

تلگراف ذیل در ۹ مه از قنصل اعلیحضرتی مقیم محمره رسیده [است]. شیخ به طرف شوستر حرکت نمود و بختیاریها آن شهر را تخلیه نمودند.

نمره - ۹۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ مه ۱۹۱۲ [۲۲ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۴ ج ۱ - ۱۳۳۰]

سالارالدوله

راجع به تلگراف ۹ مه من:

تلگراف ذیل مورخه ۸ مه از طرف قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه در ۱۱ مه از همدان مخابره شده است:

افتخار دارم که راپورت دهم سالارالدوله روز سوم شهر جاری به کرمانشاه مراجعت نمود. به استثنای ۲۰۰ نفر از ایلات کلهر، دیگر هیچیک از ایلات محلی به او ملحق نشده اند و عده عساکر وی، فعلا کمتر از ۱۰۰۰ نفر می باشد و نصف آنها بیستون را در تصرف دارند. شاهزاده مذکور اظهار می دارد که برای آنکه به آنهایی که داخل جنگ نیستند صدمه وارد نیاید، می خواهد با دولت ایران ترتیبی بدهد که جنگ در خارج شهر مثلا در دوازده میلی شهر به وقوع رسد و او این ترتیب را قبول خواهد نمود و می گوید اگر غیر از این بشود، او خود را مسؤول خسارت به اموال خارجه نخواهد دانست و از من خواهش می کند تلگرافاً [= تلگرافی] از سفارت درخواست نمایم دولت ایران را از این مسأله مستحضر دارند.

آخرین اطلاعی که رسیده این است که عساکر دولتی در همدان جمع می‌شوند و همین که عده آنها مکفی باشد، تصور می‌کنم برای مقابله با سالارالدوله حرکت خواهند کرد.

نمره - ۹۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۳ مه ۱۹۱۲ [۲۳ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۲۵ ج ۱ - ۱۳۳۰]

نظر به اوضاع همدان، حرکت نایب‌السلطنه به طرف اروپا تا دو هفته دیگر به تأخیر انداخته شده است. بعضی اینطور تصور می‌کنند که تا چند روز دیگر، بین سالارالدوله و عساکر دولتی جنگی واقع شده و کار یکسره خواهد شد.

نمره - ۹۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۴ مه ۱۹۱۲ [۲۴ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۲۶ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ مه شما - سالارالدوله - شما باید به قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه جداً تعلیم دهید سالارالدوله را متنبه ساخته به او بگویند بایستی اتباع خود را ممانعت نماید از این که به اموال خارجه خسارت وارد آورده و جان آنها را در خطر اندازند.

نمره - ۹۹

مکتوب اداره هند به وزارت خارجه

اداره هند ۱۳ مه ۱۹۱۲ [۲۳ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۲۵ ج ۱ - ۱۳۳۰]

آقا

از طرف وزیر هند مأمورم که وصول مکتوب ۸ شهر جاری شما را در باب امکان لزوم تهیه محل و منزل مناسب در شیراز، برای عساکر اعلیحضرتی در زمستان آینده، اطلاع داده اظهار دارم که او با تعلیماتی که وزیر امور خارجه پیشنهاد می‌کند در باب این مسأله برای سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران بفرستد، موافقت دارد.

ولی از آنجایی که نباید عساکر زیاده از حد لزوم در آنجا توقف نمایند، و از آنطرف چون ا مادامی که در آنجاها هستند، نباید در معرض مشقات غیرلازمه قرار داده شوند، مارکس اف کرو اینطور ارائه طریق می‌نماید که سر والتر تنلی فوراً از کلنل دوگلاس تحقیق نماید که تاریخی که زیاده بر آن و بعد از آن دیگر نمی‌توان تصمیمی را به تعویق انداخت چيست و آنوقت هر قدر زودتر که امکان داشته باشد به دولت ایران فشار آورده شود که اقدامات لازمه برای اصلاح امور تا آنوقت بنمایند.

اگر به دولت ایران اظهار شود که تأخیر در اقدامات لزوماً باعث نگاهداشتن عساکر انگلیس در تمام زمستان می‌شود، احتمال دولت مشارالیه را تحریک به تسریع آن خواهد نمود.

(امضاء) ریچی

نمره - ۱۰۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ مه ۱۹۱۲ [۲۵ اردیبهشت ۱۲۹۱: ۲۷ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۹ مه شما:

در احصائیه‌ای که کفیل خزانه‌داری کل فرستاده، تحمیلاتی را که بر گمرکات جنوبی شده به قرار ذیل می‌نویسد:

(۱) برای استهلاك و منافع قروض ۴،۴۰۰،۰۰۰ قران (۸۸،۰۰۰ لیرا):

(۲) برای مصارف معینه ۲،۵۰۰،۰۰۰ قران (۵۰،۰۰۰ لیرا): و تخمین عایدات ۸،۰۰۰،۰۰۰ قران می‌باشد (۱۶۰،۰۰۰ لیرا).

به موجب این حساب، ۱،۱۰۰،۰۰۰ قران یا ۲۰،۰۰۰ لیرا باقی می‌ماند. مبلغهایی که خزانه‌داری کل تعیین نموده صحیح نیست و به حساب من، سال آینده ۱۰،۰۰۰ لیرا برای استهلاك قرضه انگلیس و هند لازم خواهد بود.

در موقعی که مذاکرات قرضه بزرگ در میان می‌آید، بایستی در مسأله مصارف معینه مذاقه شده و آن را بر پایه صحیحی استوار نمود ولی گمان می‌کنم اقدام به این کار فعلاً نامناسب و بی‌موقع خواهد بود.

در تحت سیستم حالیه، بانک ماهیانه از گمرکات جنوبی از تمام وجوهات، بطور تناسب یک مبلغی برای استهلاك و منافع قروض موجوده برمی‌دارد.

آیا کفایت نمی‌کند که به بانک تعلیم داده شود که ماهیانه یک مبلغ کافی اضافه برای پرداخت منافع مساعده برداشته و برای دولت اعلیحضرتی بفرستد و تا دوازده ماه اضافه عایدات را برای استرداد مساعده مذکور محسوب ننماید؟ (یعنی تا ۲۸ مارس سال آتیه).

اگر عمل قرضه تاکنون به انجام نرسیده می‌توان در این مسأله تجدید نظری نمود. مسأله مساعده دولت روس غیر از این است، چرا که برحسب قرارداد بانک روس، مصارف معینه مقدم بر استهلاك و منافع قروض تثبیت شده می‌باشد و اضافه عایدات شش‌ماه به شش‌ماه، به دولت ایران داده می‌شود.

مسأله اینکه آیا دولت روس استرداد فوری سهم مساعده خود را به تأخیر خواهند انداخت یا نه در ۱۴ ماه ژوئیت [ژوئیه] که در آن وقت، قریب ۸۰،۰۰۰ لیرا اضافه عایدات به دست می‌آید، معلوم خواهد شد.

نمره - ۱۰۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ مه ۱۹۱۲ [۲۶ اردی بهشت ۱۲۹۱: ۲۸ ج ۱ - ۱۳۳۰]

اوضاع بندرعباس

به علت نفاق‌های داخلی بندرعباس، یکی از اشرار مشهور که مایل به استفاده از این موقع می‌باشد، این‌جا را تهدید نموده و قریب ۴۰۰ نفر همراه خود دارد. جہازات «پرسیس» و «آلرت» اعلیحضرتی در آن نقطه می‌باشند ولی موقع آنقدر مهم شده است که قنصل مقیم بوشهر، به حکومت هندوستان اصرار نموده است ۱۵۰ نفر سوار از جاشک حرکت دهند و اینها با آنهایی که از کشتیها پیاده می‌شوند، متفتنا اقدام خواهند نمود.

علل این اوضاع تا اندازه‌ای مبهم و غیرمعلوم است. تاکنون مکرراً در این باب با دولت ایران مذاکره نموده‌ام که به این اغتشاشات خاتمه داده شود ولی تاکنون از اظهارات من نتیجه‌ای حاصل نگردیده است.

نمره - ۱۰۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ مه ۱۹۱۲ [۲۷ اردی بهشت ۱۲۹۱: ۲۹ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دیروز من:

صاحب‌منصب درجه‌اول بحری در ۱۶ مه راپورت داد که نظر به اوضاع بندرعباس، برای حفظ جان و مال اتباع انگلیس، ۱۱۰ نفر از جہازات پیاده خواهد کرد. قنصل مقیم بوشهر، با موافقت حکومت هندوستان، از آدمیرال مذکور درخواست نموده است هر چند نفری که ممکن است به بندرعباس بفرستد.

نمره - ۱۰۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ مه ۱۹۱۲ [۲۷ اردی بهشت ۱۲۹۱: ۲۹ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۹ مه من:

دیروز در اوضاع کرمان تغییری پیدا شده، آن را از بد بدتر نمود. نزدیک شدن یاغیان تا اندازه‌ای ایالت را ترسانید که از عمارت ایالتی خارج شده و در قنصل‌خانه اعلیحضرتی بست اختیار نمود. دیروز، همینکه از طرف کلنل هیگ بعضی ارائه‌طریقها برای تسکین اوضاع رسید، من با وزیر داخله مذاکراتی نمودم. مذاکرات مزبور را چنان به طریق غیر مرضی پذیرفت که من صلاح دیدم کلیه این

مسأله را به اطلاع نایب‌السلطنه برسانم . والا حضرت مذاکرات مزبوره را پذیرفته و متعهد گردید هرگونه اقدام شدیدی را که من برای ایالت کرمان بنمایم تقویت کند. بنابراین به مستر چرچیل تعلیم دادم وزیر داخله را ملاقات نموده و به او اصرار نماید فوراً تلگرافی به یاغیان نموده و به طوری آنها را متنبه سازد که انتظامات کرمان تأمین شده و اجرای اقداماتی را که قنصل اعلیحضرتی برای علاج کار پیشنهاد نموده تقاضا نماید. وزیر داخله قدری اظهار تردید نموده عاقبت قبول نمود. در وسط شب، من به اداره تلگرافخانه رفته و با قنصل و ایالت مذاکرات مفصله نمودیم و موفق گردیدم به اینکه ایالت را ترغیب به ترك قنصلخانه و مشغول شدن به وظایف ایالتی نمایم.

نمره - ۱۰۴

تلگراف مستر اوپرن به سر ادوارد گری

سنت پترزبورغ ۱۷ مه ۱۹۱۲ [۲۷ اردیبهشت ۱۲۹۱؛ ۲۹ ج ۱ - ۱۳۳۰] رجوع به تلگراف ۴ شهر جاری فرمایید.

مسیو سازانف دیروز مرا اطلاع داد که از مسأله پرداخت مساعده به دولت ایران توسط بانکهای پاریس صرف نظر نموده و عقیده وی بر این است که بانک روس در طهران این مساعده را بپردازد. پیشنهاد جدیدی که او به وزیر مالیه تقدیم نموده بود مبنی بود بر اینکه بگذارند دولت ایران تا حد معینی زیاده بر حساب خودشان به بانک استقراضی حواله دهند.

نمره - ۱۰۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۷ مه ۱۹۱۲ [۲۷ اردیبهشت ۱۲۹۱؛ ۲۹ ج ۱ - ۱۳۳۰] راجع به تلگراف ۶ مه شما:

عساکر انگلیس را نمی‌توان از شیراز عودت داد تا آنکه اولین شرطی که در تلگراف ۲ آوریل مذکور گردیده، به انجام رسد. شما می‌توانید این مسأله را به دولت ایران بفهمانید.

ما بسیار مایل هستیم که عساکر را هر زمانی که امکان دارد عودت دهیم. و شما باید مراتب را برای کلنل دوگلاس توضیح نموده و به او تعلیم دهید راپورت دهد در چه تاریخ بایستی برای تهیه منزل سوارها تصمیمی بشود.

نمره - ۱۰۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ مه ۱۹۱۲ [۲۸ اردیبهشت ۱۲۹۱؛ ۳۰ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۷ مه من - تهدید هجوم بر بندرعباس - تلگراف ذیل را کاکس

از مسقط مخایره نموده است:

صاحب‌منصب درجه‌اول بحری در ۱۷ مه راپورت داد که پیاده‌شدن عساکر، اسباب یأس غارتگران شده و از قراری که راپورت واصل گردیده، حرکت کرده‌اند و قصد مراجعت بدین‌جا را ندارند. اگر این خبر تصدیق بشود، او در خیال است آنهایی را که پیاده شده‌اند، دوباره به کشتی سوار نماید و مستحفظین اضافه قنسولگری را تا چند روز دیگر به جای خود باقی گذارد.

نمره - ۱۰۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ مه ۱۹۱۲ [۲۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۳۰ ج ۱ - ۱۳۳۰]

اوضاع کرمان

راجع به تلگراف ۱۷ مه من:

از قرار اطلاعات اخیر که از کرمان رسیده، یاغیان سیم‌های تلگراف به هند و طهران را قطع نموده‌اند. بیم از آن می‌رفت که یاغیان، دیشب، حمله‌ای به شهر و قنسولخانه بنمایند.

راست است که کلنل هیگ راپورت داده است که یکی از سرکردگان یاغیان شخص دیوانه‌ای است ولی نمی‌توانم باور کنم که اخبار حمله آجلی بر قنسولخانه صحیح باشد. من در این باب اظهارات سخت‌تری به وزیر امور خارجه، امروز می‌نمایم.

نمره - ۱۰۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ مه ۱۹۱۲ [۲۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۳۰ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راه بختیاری

وکیل کمپانی لینچ اینجا، مرا اطلاع می‌دهد که نظر به عدم محفوظیت اداره مذکور، حمل و نقل مال‌التجاره را در راه بختیاری و تعمیر پل گذار را به تعویق انداخته‌اند.

من در این موضوع با رؤسای بختیاری طهران مذاکره خواهم نمود.

نمره - ۱۰۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ مه ۱۹۱۲ [۲۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۱: ۳۰ ج ۱ - ۱۳۳۰]

اوضاع کرمان

راجع به تلگراف امروز من:

وزیر امور خارجه امروز مرا اطمینان داد که دولت به موجب ارائه طریقی که من پس از مشورت با قنسول به ایشان نمودم، اقدام نموده آن را از روی صحت و درستی

به انجام خواهند رسانید.

مخابرات تلگرافی با کرمان فعلاً از راه هندوستان می‌شود. تاکنون جنگی واقع نشده ولی شهر در حقیقت در تحت محاصره است. از قرار معلوم ایالت ایستادگی به خرج داده و تلگرافات دولت که فعلاً مخایره آنها امکان دارد، باعث تقویت زیاد وی خواهد گردید.

نمره - ۱۱۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۱۹ مه ۱۹۱۲ [۲۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ یکم ج ۲ - ۱۳۳۰]
 راه بختیاری

راجع به تلگراف ۱۸ مه من:

خوانین بختیاری دیروز مرا اطمینان دادند که اقدامات ممکنه برای تأمین راه بختیاری در این موسم خطرناک‌تر، به عمل آمده و خواهد آمد و اظهار داشتند بیم وقوع اغتشاشات تا دو ماه دیگر در راه بختیاری نمی‌رود.

از قراری که ظاهر می‌گردد، سردار اشجع به طهران خواهد آمد و او کسی است که وکیل لینچ مخصوصاً از او شکایت دارد.

یوسف‌خان برای محافظت و تأمین راه مذکور تعیین شده و از قراری که به من اطمینان داده شد، در صورتی که او نتواند از عهده این کار برآید، یکی از خوانین دیگر به جای او فرستاده خواهد شد.

نمره - ۱۱۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲۰ مه ۱۹۱۲ [۳۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲ ج ۲ - ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۱۸ مه من:

تلگراف ذیل را امروز کاکس از مسقط مخایره نموده است:

قنصل بندرعباس راپورت می‌دهد که عساکر در ۱۹ مه به کشتی سوار شده و جہازات جنگی حرکت نمودند.

نمره - ۱۱۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ مه ۱۹۱۲ [۳۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲ ج ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۴ مه شما - سالارالدوله - از قراری که از محل موثقی در همدان اطلاع یافتیم، یفرم‌خان دیروز یاغیان را که در تحت امر مجلل‌السلطان بودند، بکلی منہزم گردانید.

بدبختانه پس از اتمام جنگ یفرم‌خان را به قتل رسانیدند.

نمره - ۱۱۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲۱ مه ۱۹۱۲ [۳۱ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۳ ج ۲ - ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف دیروز من:

از قراری که فهمیده‌ام، یفرم‌خان در موقعی که با کمال شجاعت جنگ می‌کرد، گلوله
 بر سرش خورده و کشته شده است بدون آنکه بعد از جنگ او را کشته باشند (چنانچه
 در تلگراف دیروز خودم را پورت دادم).

پس از مرگ وی، ابتداء در میان عساکر دولتی قدری اغتشاش به ظهور رسیده
 ولی آخر الامر، آنها حمله و یورش برده تا دو ساعت جنگ کرده و عساکر یاغیان را
 به جلو راندند و در حرکت خود به طرف جلو مداومت نموده و امید می‌رود که خصم
 بالتمامه منهزم خواهد گردید.

مسأله اینکه یفرم‌خان فقط سرکرده‌ای بود که دولت ایران می‌توانستند بر او اعتماد
 داشته باشند، مرگ او را از حوادث مهمه تشکیل می‌دهد ولی وقتی که به خاطر
 آوریم که فقط کسی که در تحت اوضاع بسیار مشکل در این دو ساله اخیر حفظ
 انتظامات طهران را نمود یفرم‌خان بود، مرحوم شدن او بیشتر اسباب بدبختی است.

نمره - ۱۱۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲۳ مه ۱۹۱۲ [۲ خرداد ۱۲۹۱؛ ۵ ج ۲ - ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۱۷ مه من:

از قرار را پورت قنصل کرمان، در اوضاع بهبودی کامل حاصل گردیده و به تصور
 او، هیجان خصمانه را می‌توان خاتمه یافته تصور نمود.

او در این موقع سخت ابراز جرئت و عزم و فطانت زیاد نموده است و تصور می‌کنم
 که وضع رفتار او خیلی برای حفظ منافع انگلیس مفید بوده و به ایالت در حفظ و
 برقراری اهمیت مقام و اقتدار دولت ایران کمک نموده و خیلی لایق تمجید و تحسین
 است.

نمره - ۱۱۵

مکتوب وزارت خارجه به کمپانی حمل و نقل ایران
 وزارت خارجه ۲۲ مه ۱۹۱۲ [یکم خرداد ۱۲۹۱؛ ۴ ج ۲ - ۱۳۳۰]
 آقایان

از طرف سر ادوارد گری وزیر امور خارجه تعلیم دارم به شما اطلاع دهم که برای
 جناب معزی‌الیه اخیراً از طرف سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران تلگرافی رسید مشعر بر
 اینکه اداره شما به علت اینکه اسباب محافظت کافی راه فراهم نبوده، حمل و نقل در

راه لینچ را که در خاک بختیاری است و تعمیر پل گذار را به تعویق انداخته‌اند. سر والتر تنلی بعلاوه اظهار داشته است که با خوانین طهران در این باب مشغول مذاکره بوده است.

در مقابل اظهارات سر والتر تنلی، خوانین بختیاری در ۱۸ شهر جاری، به او اطمینان داده‌اند که تا دو ماه دیگر نباید از هیچ‌گونه اغتشاشی در راه ترس داشت و خود آنها اقدامات ممکنه برای محافظت راه در موقع خطرناک‌تر به عمل خواهند آورد. وکیل شما مخصوصاً از سردار اشجع شکایت نمود و از قراری که خوانین اظهار داشته‌اند، به طهران خواهد آمد و نیز وعده داده‌اند که در صورتی که یوسف‌خان نتواند از عهده انتظامات راه برآید، شخص دیگری را برای این کار تعیین خواهند نمود.

(امضاء) لوئیس ملت

نمره - ۱۱۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ آوریل ۱۹۱۲ [۱۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۲ ج ۱ - ۱۳۳۰]

آقا

راجع به مراسله ۱۴ فوریه ۱۹۱۲ سر جارج بارکلی:

افتخار دارم راپورت دهم که کلنل یالمارسن نقشه‌ای برای من فرستاده [که] در آن، بعضی تغییرات در تشکیلات ژاندارمری دولتی داده است به طوری که در عوض، باطالیانهای طهران و قزوین، به جای طهران و گیلان و خمسه مقرر خواهند شد. این نقشه موقتی است چرا که در تحت تشکیلات جدید تخمین مصارف ۱۲ ماهه به ۱،۶۹۷،۴۹۰ قران (۳۳،۹۴۹) لیرا می‌رسد در صورتی که به موجب نقشه سابق ۱،۳۴۳،۹۳۵ قران (۲۶،۸۷۸) لیرا می‌باشد و حالیه ۳۵۳،۵۵۵ قران (تخمیناً ۷۰۷۱) لیرا اضافه شده است.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۱۱۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۱ مه ۱۹۱۲ [۲۱ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۳ ج ۱ - ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم سواد تلگرامی را که کفیل قنسولگری شیراز در خصوص شکست صولةالدوله مخابره نموده است، لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۱۱۸

تلگراف اسمارت کفیل قنسولگری به سر والتر تنلی

شیراز ۹ مه ۱۹۱۲ [۱۹ اردی بهشت ۱۲۹۱: ۲۱ ج ۱ - ۱۳۳۰]

عسکرخان و سایر رؤسای ایلات عرب و باصری در ۱۸ آوریل با همراهان شخصی خود وارد شهر شده و به علت عدم رضایت از حکمرانی نصرالدوله بر ایلات خمسه، مخصوصاً به مناسبت کشتن رضاقلی خان، اظهار بی میلی نسبت به همراهی با قوام نمودند. قوام الملك وعده تقبل حکمرانی بر ایلات خمسه را داده و اینطور آنها را راضی نمود.

بعد از آن که تفنگچیان عرب و باصری و کوار وارد شدند و در تحت رؤسای خود با چند نفر سرباز و سوارهای ایالت شیراز و یک عراده توپ کوهستانی تپه های بالای قره باغ را متصرف شدند، در ۲۸ آوریل ایلخانی، با استعدادی یحتمل قریب ۱۰۰۰ نفر از تفنگچیمهای قشقائی در تحت رؤسای عمده خود بطرف صولةالدوله که آنوقت در میشون^۱ بود، حرکت کردند.

در ۲۵ آوریل، قشون طرفین مصادمه نموده در این جنگ کار بر صولةالدوله سخت شد. قشقائیمها در ریختن خون یکدیگر بسیار اظهار بی میلی نمودند و قشون طرفین تا مدت زمانی به فاصله یک فرسخ دور از هم نشسته و صولةالدوله برای صلح مذاکره می نمود.

در ۳۰ آوریل قشون قره باغ به ایلخانی ملحق گردیده و در جنگی که واقع شد، قشقائیمها و اعراب، متفقاً با صولةالدوله جنگ نمودند.

قبل از طلوع آفتاب روز دوم مه، دره شولیمها، چون ایلخانی را به وعده اطاعت او فریب داده بودند، شروع به حرکت به طرف شمال نموده و همینکه به محل ایلخانی نزدیک شدند، خائنانه به وی حمله نموده و پس از جنگی که تا غروب طول کشید، منهزم گردیدند. تعیین عده تلفات مشکل است، یحتمل قریب ۳۰ نفر مقتول گردیدند و عده زیاد آنها از طرف صولةالدوله بود. ایلخانی خود در جلو مشغول جنگ بود و از گلوله پوست پیشانیاش قدری خراشیده شد.

بعد از این، همراهان صولةالدوله شروع به متفرق شدن نمودند تا آنکه او آنقدر ضعیف شد که ایلات خمسه^۲، اصرار به حمله نمودند ولی کشکولیمها به علت اینکه مبادا بسیاری از اقوام آنها که در اردوی صولةالدوله بودند کشته شوند، از این کار امتناع ورزیدند.

در شب ششم یا هفتم مه، صولةالدوله با رئیس ایلات دره شولی که مسؤل خیانت دوم مه بود، با عده کمی سوار ناپدید گردید. ایلخانی اظهار می دارد که او به فیروزآباد رفته است و محمدبیگ کشکولی با چهارصد سوار به تعاقب او رفته است.

(۱) چنین است در اصل. - م.

(۲) در اصل: ایلات حمله. - م.

آنها زنها و بچه‌های خود را عقب گذاشتند. ایلخانی خبر می‌دهد که بقیه ایلات نزد او آمده‌اند و زن و بچه‌های صولة‌الدوله با ایلخانی می‌باشند.

نمره - ۱۱۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۲ مه ۱۹۱۲ [یکم خرداد ۱۲۹۱؛ ۴ ج ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۳ مه شما - کرمان - برای موفقیتی که قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمان، در مقابله با اوضاع خیلی صعب و سخت حاصل نموده است، از طرف من، از ایشان تمجید نمایم.

من با تمام اقدامات او، از اول تا آخر کار، موافقت داشته‌ام [ام] و دارم.

نمره - ۱۱۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ مه ۱۹۱۲ [۳ خرداد ۱۲۹۱؛ ۶ ج ۲ - ۱۳۳۰]

حرکت نایب‌السلطنه بطور مرخصی

دیروز بعد از ظهر که نایب‌السلطنه را ملاقات نمودم همکار روسی و من به والاحضرت اصرار نمودیم که روز ۲۸ مه از ایران حرکت نکنند چنانچه عازم حرکت بودند، بلکه تا سه هفته، تا آنکه در اوضاع تا اندازه‌ای بهبودی حاصل گردد، حرکت خود را به تعویق اندازند.

از قراری که راپورت داده شده عساکر دولتی در کمال استقامت قشون سالارالدوله را به عقب می‌نشانند ولی الحال که یفرم مرحوم شده است، چندان به فرماندهان ایرانی نمی‌توان اعتماد کرد چرا که لیاقت نظامی آنها درست معلوم نیست. بنابراین، تا آنکه شکست قطعی به سالارالدوله داده نشود، نباید از بابت نتیجه جنگ کمی اضطراب داشت.

قبل از آنکه نایب‌السلطنه از ایران خارج شود، او بایستی [به] بحران کابینه که حالیه ما را تهدید می‌کند، خاتمه دهد.

والاحضرت از قبول نصیحت بی‌میل بود ولی آخر الامر قبول نمود حرکت خود را به تعویق اندازد.

نمره - ۱۲۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۵ مه ۱۹۱۲ [۴ خرداد ۱۲۹۱؛ ۷ ج ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۷ مه شما:

تلگراف ذیل دیروز از کفیل قنصلگری شیراز رسیده است:

دوگلاس از من خواهش می‌کند که این تلگراف را مخابره نمایم. به عقیده اسمارت مسأله اجاره‌ها را می‌توان مرتب نمود. بنابراین، هرگاه تعلیمات قطعی به وقت برای من برسد که بتوانم در اوایل اوت شروع به کار کنم، می‌توانم قرار و مدار آنها را بدهم بهمین‌طور می‌توان نقشه‌ها و تخمینها را تهیه و حاضر نمود.

اگر ممکن باشد، ما باید در اوایل ژوئیت [ژوئیه] برای تجدید اجاره‌ها شروع به مذاکرات نموده و شرایطی قید نماییم که مجاز به تعمیر عمارات در محلاتی که اجاره می‌شود، باشیم.

نمره - ۱۲۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۵ مه ۱۹۱۲ [۴ خرداد ۱۲۹۱؛ ۷ ج ۲ - ۱۳۳۰]

خزانه‌دار کل

کفیل خزانه‌داری کل برای کابینه پیشنهادی برای تصدیق مقام و تعیین قوا و اختیارات خود تقدیم نموده است. پیشنهاد مزبور به‌قرار ذیل است:
نظر به لزوم تعیین قطعی شخصی به مقام خزانه‌داری کل، ما بنا بر پیشنهاد شورای وزراء امر می‌نماییم:

(۱) مسیو ژاک ژرف مرنارد مدیرکل گمرکات برای خزانه‌داری کل مملکت تعیین شده است.

(۲) مسیو مرنارد در این مقام جدید دارای قوا و اختیاراتی خواهد بود که به موجب قانون ۲۳ جوزای سنه تنگوزئیل^۱ معین و مشخص شده و قوا و اختیارات مذکوره را در تحت امر وزیر مالیه بر وفق قانون و قوانین اداری که خزانه‌دار کل به مشورت وزیر مالیه و تصویب شورای وزراء تدوین نموده اعمال و اجراء خواهد نمود.

(۳) خزانه‌داری کل ادارات و وظایف مختلفه‌ای را که وزیر مالیه مسؤول آن است، به انضمام اداره گمرک نظارت خواهد داشت. مسیو مرنارد قسمت عمده‌ای از این ادارات را از نو منظم و مرتب خواهد نمود.

(۴) یکی از وظایف مخصوص خزانه‌داری کل این است که اجراء^۲ و اتمام کلیه تعهدات مالی دولت ایران را با ادارات خارجه تأمین نماید. نظر به انجام این مقصود، اختیار کامل دارد که در موقع خود اقدامات لازمه برای منع تأخیر در پرداخت منافع و استهلاك یا مسترد داشتن قروض خارجه و حقوق و مستمریات و خسارات یا هر قسم تخفیفاتی که قانوناً از طرف دولت اعطا می‌شود بنماید.

(۵) مدت تعیین مسیو مرنارد به وسیله کنترات دو سال یک‌مرتب که حقوق او هم در آنجا قید خواهد بود، معین خواهد شد.

(۱) تنگوزئیل = سال خوک (نیز نك صفحه ۱۷۴۴). - م. (۲) اصل: اجر. - م.

نمره - ۱۲۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۷ مه ۱۹۱۲ [۶ خرداد ۱۲۹۱؛ ۹ ج ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۳۱ مه من:

راپورت مشعر بر دستگیری مجل السلطان و قتل سالارالدوله به دولت رسیده است؛ گمان نمی‌کنم بتوان چندان به این اشتهاارات اعتماد نمود ولی واضح است که عساکر دولتی روی هم‌رفته موفقیت حاصل نموده و به طرف کرمانشاه در حرکت می‌باشند. آخرین اطلاعی که اینجا رسیده است، مشعر است بر اینکه اهالی شهر صحنه دسته‌ای را که برای تصرف شهر مزبور اعزام گردیده بودند منهزم نموده‌اند ولی فعلاً خبری که قابل اعتماد باشد، بدست نیست.

نمره - ۱۲۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۷ مه ۱۹۱۲ [۶ خرداد ۱۲۹۱؛ ۹ ج ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۴ مه شما - نایب‌السلطنه - هرگاه برای همکار روسی شما هم این‌طور تعلیمات برسد، شما ممکن است به نایب‌السلطنه اطلاع دهید که خبر تصمیم والاحضرت برای توقف حالیه در طهران که حضور ایشان در این موقع بساریک صرف نظرشدنی نیست، خیلی رضایت‌بخش است.

نمره - ۱۲۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۸ مه ۱۹۱۲ [۷ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۰ ج ۲ - ۱۳۳۰]

کرمان

راجع به تلگراف ۲۳ مه شما:

آخرین اخبار از کرمان مشعر است بر اینکه عساکر ایالت، روز ۲۶ به یاغیان حمله برده و آنها را مغلوب و متفرق نمود.

نمره - ۱۲۵

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ مه ۱۹۱۲ [۲۴ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۶ ج ۱ - ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم سوادهای مراسلاتی را که قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه در موضوع اظهاراتی که او در تحت تعلیمات سفارت به اتفاق همکار روسی خود، به سالارالدوله نموده است که از خاک ایران خارج شود، لفاً ایفاد دارم.

چنانچه به خاطر دارید، بین سفیر سابق و سفیر روس در اینجا، این طور قرار بود که مسأله این را که دو قنصل مذکور اظهارات فوق الذکر را به سالارالدوله نموده‌اند، هریک به عموم اشاعه دهند.

از ملاحظه مراسله ۱۵ ماه گذشته مستر مک‌دول بر شما معلوم خواهد شد که همکار روسی وی این قرار را به انجام رسانیده و در میان طرفداران سالارالدوله برخند قنصلگری انگلیس احساسات خصمانه تولید گردیده و قنصل روس اظهار داشته است که برای او تعلیماتی نرسیده بوده که به این قسم عمل نماید.

من توجه مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] را به غفلت قنصل روس جلب نموده‌ام و او مرا اطمینان داده‌است که بایستی تعلیمات مرا درست نفهمیده باشد و در این موضوع به او خواهد نوشت.

از آنجایی که مخابرات تلگرافی بین کرمانشاه و طهران مقطوع گردیده، در عرض چند هفته گذشته حرکات سالارالدوله مبهم و غیر معلوم است. نه این سفارت و نه سفیر روس، و نه هم دولت ایران از بابت عده همراهان وی و اهمیت آنها را که دور خود توانسته است جمع کند و استعداد و قوه قشونی که او بتواند در میدان جنگ حاضر کند، اطلاع موثقی ندارند.

از قرار اخباری که واصل گردیده، راپورت داده شده است که او، اول با داودخان و سپس با والی پشتکوه بوده و دفعه دیگر از قرار مذکور برای جنگ با بختیاریه‌ها، در تحت اتحاد با شیخ محمره و والی پشتکوه به طرف دزفول در حرکت بوده است.

از قرار اطلاعات اخیر، معلوم می‌گردد که او در مساعی خود به جلب همراهی رؤسای مقتدر موفق نگردیده و به سرکردگی استعدادی که بطور مختلف از ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر بوده‌اند، به کرمانشاه مراجعت نموده است. اکثر اینها از اکراد بوده‌اند که محتمل نیست تا مسافت زیادی همراه بروند و ایضاً معلوم می‌شود که ایلات، همراه او نبوده‌اند. ممکن است چنانچه از راپورت مستر مک‌دول معلوم می‌گردد، اشاعه و انتشار خبر اقدام دولت اعلیحضرتی، بر بعضی از رؤسای ایلات اثر نموده و آنها را از حرکت بازداشته باشد.

سالارالدوله در ۸ مه توسط مستر مک‌دول پیغام تهدید آمیزی برای من فرستاده از من درخواست می‌کند که دولت ایران نصیحت نمایم قشون خود را در خارج همدان برای مقابله با او بفرستند چرا که در صورتی که جنگ در نقطه‌ای نزدیک آنجا یا داخل شهر به وقوع رسد، او نمی‌تواند حفظ جان و مال اهالی را ضمانت نماید.

چنین اظهاری از طرف او به همکار روسی من نشده و من این مسأله را بطور شوخی در موقع ملاقات غیر رسمی به نایب السلطنه عنوان کرده اظهار داشتم که سالارالدوله یا هنوز دارای حس مزاح و شوخی است و یا آنکه آن تکبر و حس جاه طلبی که او را وادار نمود خود را در چند دفعه پادشاه بخواند، از او سلب نشده‌است.

تلگراف فوق‌الذکر، قبل از آنکه اخبار جنگ فرمانفرما با مجل‌السلطان در قریب سی میل خارج همدان به قراری که در تلگراف ۹ شهر جاری خود را پورت دادم، به سالارالدوله برسد، فرستاده شده بود و آن جنگ منجر به مغلوبیت عساکر دولتی و از دست دادن سه توپ اشنیدر کوهستانی و چند باطری کوهستانی با تمام مهمات جنگی گردید.

از قراری که رسماً مذکور شده، قبل از آنکه توپهای مذکور را از دست بدهند، کولاس آنها را برداشته بودند و از بابت قوه قشون طرفین اقوال و حکایات مختلف است. خصم افتاده خود را تعقیب ننموده و گذارده‌اند فرمانفرما، پس از این شکست دوباره عساکر خود را جمع‌آوری نموده و عساکر امدادی از سلطان‌آباد و زنجان برای او بیاید.

از آنجایی که مابین قشون اولی که از فدائیان ارامنه و در تحت امر کسری‌خان هستند، ظاهراً کدورتی در میان است رفتار آنها قدری مشکوک است. یفرم‌خان که به او اعتماد دارند حالا به آنها ملحق گردیده و می‌توان اعتماد داشت که او به واسطه نفوذ شخصیت خود و اهمیت مظفریتهای سابقه، بتواند آنها را ترغیب نماید با امانت و درستی جنگ کنند. قشون دیگری که به همدان رسیده، بختیاری هستند.

این‌طور تصور می‌شود که یفرم‌خان، فرمانده عساکر دولتی خواهد بود که یحتمل قبل از اینکه این مراسله به شما برسد، با سالارالدوله مشغول جنگ خواهند شد.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف يك نمره ۱۲۵

مکتوب قنصل مک‌دول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۶ آوریل ۱۹۱۲ [۱۷ فروردین ۱۲۹۱؛ ۱۷ ع ۲ - ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم را پورت دهم که تلگراف ۳۰ مارس را که توسط بانک همدان فرستاده بودید، بعد از ظهر پنجم آوریل به من رسید. من فوراً از همکار روسی خود ملاقات نموده و قرار دادیم که سالارالدوله را صبح روز بعد ملاقات نمایم. همینکه او را ملاقات نمودیم، ما برای او ترجمه قسمت اول آن تلگراف را قرائت نمودیم. او در جواب اظهار داشت که از آنجایی که سفارتین بطور واسطه عمل نموده‌اند، او مجبور است به احترام آنها از بعضی اقدامات صرف‌نظر کند ولی حالیه اعلان پادشاهی خود را داده و اقدامات خواهد نمود که دول را از آن مستحضر دارد. ما سپس قسمت آخری آن تلگراف را برای وی قرائت نمودیم. او اظهار داشت برای تحصیل حقوق به ایران نیامده ولی از آنجایی که ایرانی است، از مصیبت‌هایی که مملکت او در دست پادشاه جوان و نایب‌السلطنه بی‌اقتدار و وزرائی که مقصود آنها کیسه خود پرکردن است [به آنها] دوچار شده، قلبش رقت حاصل نموده و بی‌اندازه متأثر شده است. ۲. من به

(۱) اصل: استفاده. - م.

(۲) عبارت اندکی اصلاح شد. - م.

او اظهار داشت که قبل از آنکه آخر الامر امتناع ورزیده و این پیشنهادات را رد نماید، خوب است در مسأله مذاقه از روی احتیاط بنماید مخصوصاً در وقتی که دو دولتی مثل انگلیس و روس متحداً از او تقاضائی می نمایند که هیچ دولت معظمی حتی آن را سبک نشمرده و رد نمی نماید. همکار روسی من هم، به او اصرار نمود که از آنجایی که امتناع ورزیدن او خیلی اهمیت خواهد داشت، خوب است قبول نماید. او در جواب اظهار داشت که دولتین آنقدر بی انصاف نیستند که خود به او حمله نمایند و هرگاه هم خود آنها این کار را بکنند تمام عالم اسلامی یعنی ۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰ مسلمانها از او حمایت و تقویت خواهند داشت و درخواست می نمود که سفارتین بایستی اوضاع ایالات و ولایاتی را که در تصرف او است، با طهران و جاهای دیگر تطبیق کنند.

من اظهار داشت که تجارت کرمانشاه از زمان ورود او به حال سکون و تعطیل باقی بوده و او از قبول این مسأله سر باز زده و گفت خیر، آن راه امن است. ما اشعار نمودیم که عساکر ایلیاتی او قادر بر مقاومت با قشون صحیحی که در کار حرکت بطرف او است نمی باشد. در جواب گفت هرچه زودتر برسند بهتر است و کار زودتر یکسره می شود. پس از آنکه باز هم به او اصرار نمودیم قبول نماید نتیجه نبخشید؛ ما از نزد او خارج شدیم.

حقیقت مسأله این است که خوابهایی که [سالارالدوله] برای تحصیل عظمت و اقتدار آتیۀ خود می بیند، آنقدر زیاد است که ممکن نیست [او] مقام خود را درک نماید. من سواد تلگراف [= تلگرام] مذکور را برای مستر سون فرستاده ام که به نظر هریک از خوانینی که با آنها مخابره و مراسله دارد، برساند و مفاد آن را به اشخاص مختلفه آن محل ابلاغ نماید.

از قراری که در شهر مذکور شده که اظهاراتی که دو قنسول، دیروز نمودند تنها به علت اقدامات سفیر انگلیس و قنسول بوده است، منشی من مرا اطلاع می دهد که همراهان سالارالدوله به تصور اینکه ما دشمنان آنها هستیم، ممکن است سعی کنند به قنسولخانه انگلیس و یا اتباع دولت مشارالیهها صدمه برسانند. من شخصاً نمی توانم تصور احتمال وقوع چنین امری را بنمایم ولی اگر در اعاده برقراری حکومتی در اینجا تأخیری روی دهد ممکن است به وقوع رسد.

سالارالدوله به هارون آباد که محل سکونت داودخان است خواهد رفت که رؤسای محلی را ملاقات نموده و منازعات آن را اصلاح نماید.

(امضاء) مک دول

ملفوف دوم نمره ۱۲۵

مکتوب قنصل مکدول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۱۵ آوریل ۱۹۱۲ [۲۶ فروردین ۱۲۹۱؛ ۲۶ ع ۲ - ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که بر وفق تعلیمات مندرجه تلگراف سر جارج بارکلی که توسط رئیس بانک شاهنشاهی همدان مخابره شده بود، من اقدامات نمودم که اظهاراتی را که از جانب سفارتین به سالارالدوله شد، اشاعه و انتشار دهم. همکار روسی من اظهار می‌دارد که دستورالعمل اشاعه آنها برای وی نرسیده است.

ابتداء من صمصام‌الممالک رئیس ایل سنجابی را از آن مستحضر داشتم. او اظهار داشت که علی‌اکبر پسرش اتحادی برضد داودخان کلهر نموده ولی از آنجایی که داودخان یکی از همراهان و حامیان بسیار معتمد سالارالدوله می‌باشد، قوت وی آنقدر نیست که در صورتی که داودخان تقویت نماید، او بتواند با سالارالدوله جنگ کند. اگر شخصی مثل فرمانفرما با فقط ۵۰۰ نفر و دو توپ وارد کرمانشاه شود، حضور او کفایت خواهد کرد و عساکر متحده او می‌توانند مؤثراً با داودخان جنگ کنند. چنین اقدامی را باید فوراً انجام داد وگرنه ایلات مجبوراً به سالارالدوله ملحق شده یا لااقل دسته‌جات کوچک قشونی برای او خواهند فرستاد.

من آقا محمد مهدی مجتهد را از آن تلگراف مستحضر داشته و او فوراً بطرف ده خود حرکت نمود و هیچ یک از مجتهدین قابل اهمیت به غیر از آقارحیم، دیگر در اینجا دیده نمی‌شود.

روز هشتم سواد تلگراف [= تلگرام] مذکور را توسط قاصدی برای والی پشتکوه فرستاده نسخه‌ای را هم توسط پسته برای مستر ویس قنصل سون به قصر فرستادم. شخصی را هم نزد ایلخانی که پسر فرخ‌خان مرحوم است و سرکرده شعبه حاجی‌زاده ایل کلهر و ایلخانی بالاستحقاق می‌باشد، به شهر فرستادم و برای او پیغام دادم که چون در زمان غارت شهر او برای حفظ اتباع انگلیس قدری خدمت نموده بود، من می‌خواستم او را، از آنچه به سالارالدوله و مجلال‌السلطان اظهار شده، مسبوق و مستحضر گردد، برای آنکه مقام خود را بشناسد. او در جواب گفت که مثل سایرین نبوده و از اهل شهر است و در خاکی که داودخان بزور تصرف نموده دارای حقوق و املاک می‌باشد و تصور می‌نماید که برای وی هیچ لزومی ندارد رویه خود را تغییر دهد، ولی پس از یک ماه دیگر همینکه فرمانفرما پیش‌قدمی نماید، او می‌داند چه کند.

روز ۱۳ قریب یکصد نفر از همراهان شاهزاده در خانه آقا رحیم باهم ملاقات نمودند. از رؤسای آنها یکی ایلخانی و سالارمظفر و مشهدی حسن برادر معین‌الرعیای مرحوم آنجا بودند. آقا رحیم از اخباراتی که از قنصلخانه انگلیس اشاعه یافته، ترسیده و خیال حرکت دارد و دیگران اظهار داشتند که از قنصلخانه روس چنین اخباری شهرت

نیافته و آنچه واضح است این است که انگلیسها دشمن سالارالدوله می‌باشند. آقا رحیم ارائه طریق نمود که چیزی به طهران نوشته شده اظهار بدارند که آنها مردمان فقیر بی‌صدمه‌ای بوده و به هرکس که با قشونی برای آنها فرستاده شود، اطاعت خواهند نمود و درخواست عفو عمومی بنمایند. دیگران امتناع نمودند و بالاخره مراسله‌ای نوشته و نزد سالارالدوله فرستادند که از زمانی که او از قنصلخانه انگلیس خارج شده، این طور اشاعت یافته که محمدعلی حرکت نموده و سالارالدوله هم باید خارج شود و دولت مرکزی دارای اقتدار بوده و خیلی لازم است که او والی را با خود متحد نموده و با عساکر والی فوراً به طرف کرمانشاه مراجعت نماید و گرنه شهر از دستش خواهد رفت. اگر والی با او نیست و او نمی‌تواند کاری بکند، او بایستی آنها را اطلاع دهد که وسایل حفظ امنیت او را فراهم آورند.

اینکه قنصل روس چیزی اظهار نمی‌کند و قنصل عثمانی هم بنا بر میل شاهزاده رفتار می‌کند، سبب شده است که اهالی را عقیده بر این شده که فقط انگلیسها دشمن شاهزاده مذکور می‌باشند و هرگاه قشونی پیدا کند، ممکن است برای اتباع انگلیس خوب نباشد.

سالارالدوله دوستان و همراهانی که از روی صداقت و دوستی با او عمل نمایند ندارد؛ اشخاصی که به وی ملحق می‌شوند، بعضی از روی پلٹیک و بعضی از ترس و بعضی برای غارتگری و سایرین برای بستگی زیادی که به وی دارند، می‌باشند و بعضی دیگر هم برای آن است که می‌دانند در صورتی که دولت آنها را معفو بدارند، اهالی شهر برای بدرفتاری و بدسلوکی که از طرف آنها به ایشان شده به قتلشان خواهند رسانید. اقدام فوری لازم است از طرف دولت بشود که او را از جمع‌آوری قشون دیگر منع نماید. اینطور اشاعت یافته که در طهران قشونی نیست و هیچ‌کس برای همدان حرکت نکرده و والی پشتکوه و شیخ محمره، با قشون خود به طرف سالارالدوله حرکت نموده‌اند.

از گیلان اخبار قابل‌اعتمادی نرسیده (که سالارالدوله در آنجا است). از قراری که مذکور است نظام‌السلطنه به وی ملحق گردیده و او دستورالعمل کتبی داده است که برای سوارهای پشتکوهی منزل تهیه نمایند ولی خیلی محتمل است که این یکی از جعلیاتی باشد که او برای تشویق همراهان خود برحسب عادت انتشار می‌دهد. از طرف دیگر اینطور شهرت دارد که والی امتناع از ملحق شدن به او نموده است و اخبار قطعی اخیره این است که والی برای شکار رفته است.

بهبودی یا عدم بهبودی این اوضاع بسته به والی است و او، مثل سردار اکرم، از قرار معلوم به واسطه احترامات فوق‌العاده‌ای که نسبت به داودخان که از خانواده بی‌اهمیتی است به عمل آمده، مکدر شده است.

(امضاء) مک‌دول

نمره - ۱۲۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ مه ۱۹۱۲ [۲۴ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۶ ج ۱ - ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم خلاصه وقایع چهار هفته اخیر ایران را به طریق معمول ماهیانه لفا
ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۱۲۶

خلاصه وقایع چهار هفته ایران لغایت ۱۴ مه ۱۹۱۲

طهران

سفير اعليحضرتی - سر والتر تنلی در ۱۸ آوریل [۲۹ فروردین، ۲۹ ع ۲] به
طهران ورود نموده اعتبارنامه های خود را روز بیستم به اعليحضرت شاه تقدیم نمود.
دستگیریهای پلتیکی - در آخر ماه آوریل، چند فقره دستگیریهای پلتیکی به وقوع
رسید و در جزو آنها سردار محیی و دو برادرش کریم خان و عمیدالسلطان و یمین نظام،
ناصرالاسلام، سلیمان میرزا (سرکرده حزب دموکرات) و منتصرالسلطان و سیدجلیل
اردبیلی و وحیدالملک بودند. روی هم رفته قریب بیست نفر دستگیر و از طهران نفی
شدند. به حسین قلی خان نیز در همان وقت، پاسپورتی داده شد.

انتخابات برای مجلس - در اوایل مه، دستخطی به امضای نایب السلطنه مورخه ۳۰
آوریل اشاعت یافت. دستخط مزبور حاکی بر قصد نایب السلطنه برای مسافرت به
اروپا و لزوم شروع انتخابات برای مجلس جدید بود. ترجمه این دستخط در جوف
مراسله علیحده فرستاده شده است.

اقدامات برعلیه [= علیه] سالارالدوله - در ۶ مه، خبر شکست عساکر فرمانفرما از
طرف عساکر مجلل السلطان به طهران رسید. روز بعد یفرم خان برای همدان حرکت
نمود که به داوطلبان ارمنی فرمان دهد هیأت ارامنه طهران به علت اینکه ظاهراً افتتاح
مجلس به عهده تعویق افتاده است، اعتراض نموده است که نباید داوطلبان ارمنی در
استخدام دولت ایران داخل شوند. بین رؤسای این هیأت و دولت، در این موضوع
مذاکرات در میان است.

نایب السلطنه - نایب السلطنه که تصمیم نموده بود در ۱۴ مه از طهران حرکت نماید،
الحال حرکت خود را تا دو هفته دیگر به تعویق انداخته است. روز ۱۱ و ۱۲ مه
نایب السلطنه هیأت های مختلفه دیپلوماسی را برای خداحافظی پذیرفت.

تبریز

در عرض چهار هفته اخیر در اوضاع تبریز تغییری حاصل نشده است. قنسول
اعليحضرتی در ۱۵ آوریل [۲۶ فروردین، ۲۶ ع ۲] راپورت داد که بر عساکر روس
در تبریز ۵۰۰ نفر اضافه شده و ۱۴۰۰ نفر پیاده نظام روس از سرحد برای خوی عبور
نموده اند.

گیلان و مازندران و طالش

این ایالات و ولایات آرام بوده‌اند ولی در طالش قدری جنگ بین اهالی و عساکر روس به وقوع رسیده و علت این بود که اهالی رشت از قبول شخصی^۱ که جنرال قنسول روس به ایالت نامزد نموده بودند امتناع ورزیدند.

در اوایل مه، عساکر روس از طالش، پس از آنکه در نصف آن ناحیه اعاده نظم نمودند، به آستارا عودت داده شدند. مأمورین روس تاکنون تصمیم نکرده‌اند که آیا برای اتمام آرام نمودن آن نقاط قشون دیگری اعزام خواهند نمود یا نه. ایالت که از روی پیش‌بینی همراه عساکر روس به آستارا رفته بود، حالا به آن ناحیه آرام مراجعت نمود.

در ۲۵ آوریل [۵ اردی‌بهشت، ۷ ج ۱] ۲۰۰ نفر قزاق از روسیه و ۴۰۰ نفر پیاده‌نظام از قزوین وارد شدند. پیاده‌نظام مذکور همان روز برای بادکوبه حرکت نمود.

اصفهان

به علت تزئید متوالی قیمت ارزاق از قراری که راپورت داده شده، مصیبت اهالی حالا زیادتر از ماههای زمستان می‌باشد. در امنیت این ولایت چندان بهبودی حاصل نگردیده. در ۱۸ آوریل [۲۹ فروردین، ۲۹ ع ۲]، ماژور پیترسن، یکی از صاحب‌منصبان سوئدی ژاندارمری، هنگامی که با دسته کوچکی از شیراز به طرف طهران می‌آمد، در مورچه‌خورت بر او شلیک شده (۲۰ میلی شمال اصفهان) و یکی از ژاندارمهای او که برای تحصیل علیق رفته بود از طرف ایلیاتیها دستگیر شد. ماژور پیترسن توانست با بقیه دسته خود فرار کند و روز بعد ژاندارمی که دستگیر شده بود، مستخلص گردید. سردار ظفر حکمران، هنوز با مستر هیکاک وکیل خزانه‌داری کل مخالفت می‌ورزد. در ۱۷ آوریل [۲۸ فروردین، ۲۸ ع ۲] بین آنها ملاقاتی واقع شد که با یکدیگر قرار و مداری بدهند ولی پیشنهاداتی که جناب معظم کرده بودند، آنقدر زیاده از اندازه اجحاف بود که محتمل نیست دولت مرکزی آنها را قبول نماید.

یزد

به تحریک علماء و بعضی از اعیان یزد و اردستان، هیجانی برضد شهاب‌الدوله حکمران اینجا برپا شده است.

در ۷ مه [۱۷ اردی‌بهشت، ۱۹ ج ۱] ۴۰۰ نفر از ایلات عرب از قراری که راپورت داده شد، از طرف جنوب غربی به طرف یزد در حرکت بودند و دسته دیگری مرکب از ۱۵۰ نفر از بهارلوها به قراری که راپورت داده شده، شهر بابک را که در صد میلی یزد است، گرفتند.

شیراز

هیاتی از رؤسای اعراب در ۱۸ آوریل [۲۹ فروردین، ۲۹ ع ۲] داخل شیراز شدند که از حکومت نصرالدوله بر ایلات خمسه مخصوصاً به مناسبت قتل رضاقلی‌خان (خلاصه وقایع ماه گذشته را ملاحظه نمایید) اظهار عدم رضایت نمایند. قوام‌الملک پدر

نصرالدوله به وسیله و عده حکومت خود، آنها را راضی نمود.

در ۲۳ آوریل [۳ اردیبهشت، ۵ ج ۱] ایلخانی با ۱۰۰۰ نفر از قشقائی‌ها از شیراز حرکت نمود که برضد صولةالدوله برادر او، که ایلخانی سابق قشقائی بود، حرکت کند. در ۳۰ آوریل [۱۰ اردیبهشت، ۱۲ ج ۱] استعدادی از ایلات عرب به وی ملحق شده و در ۶ مه [۱۶ اردیبهشت، ۱۸ ج ۱]، با استعداد متحده قشقائی و عرب به همراهان صولةالدوله حمله برده و آنها را شکست داد. صولةالدوله با چند نفر از همراهان خود، به اتفاق محمدبیگ یکی از رؤسای کشکولی و ۴۰۰ نفر به طرف کوهستان فرار کرد.

کرمان

در اوایل آوریل امیر اعظم ایالت کرمان، که از زمان ورودش به کرمان برایش پول نرسیده بود، میرزا حسین‌خان رئیس نظمیة آنجا را با استعدادی برای وصول مالیات به اطراف فرستاد.

در ۲۲ آوریل [۲ اردیبهشت، ۴ ج ۱] به کرمان خبر رسید که میرزا حسین‌خان، با رفعت نظام حکمران بم و بعضی از خوانین محلی برای غارت شهر و خارج کردن حکمران به طرف کرمان حرکت کرده است.

از آنجایی که دولت مرکزی از ایالت تقویت ننموده بودند (بیشتر به واسطه انتریگهای سردار نصرت) و از آنجایی که بسیاری از عساکر وی به علت نرسیدن حقوقشان او را ترك نموده بودند، با نهایت اشکال از او جلوگیری شد که از شهر خارج نشده و آنرا به حال خود وانگذارد.

همینکه به سفیر اعلیحضرتی اظهاراتی شد، حکومت مرکزی به امیر اعظم و یاغیان تلگرافی نمودند که مأمور مخصوص فرستاده خواهد شد که علت شکایات و تظلمات آنها را تحقیق نموده و آنها را متنبه سازد به شهر ورود نمایند.

در ۱۱ مه [۲۱ اردیبهشت، ۲۳ ج ۱] استعداد یاغی‌ها در دومنزلی کرمان اردو زده و روز بعد بنا به خواهش ایالت، قنصل اعلیحضرتی، مجلسی از معتبرین شهر منعقد نموده و مسؤولیت عمده‌ای را که بر آنها وارد خواهد شد، در صورتی که بگذارند یاغیان به شهر وارد شوند، به آنها فهمانیدیم.

در موقع نوشتن این مراسله، بین ایالت و یاغیان مذاکراتی در میان است و چنانچه ظاهر می‌شود، اوضاع امیدبخش است.

کرمانشاه

فرمانفرما در ۵ آوریل [۱۶ فروردین، ۱۶ ع ۲] وارد همدان شده و در سوم مه [۱۳ اردیبهشت، ۱۵ ج ۱]، برای مقابله با مجلل‌السلطان حرکت نمود. قشون مخالف در ۵ مه با این عساکر مصادف گردیده و قشون دولت مغلوب و مجبور به مراجعت به همدان شدند.

یفرم‌خان در ۱۱ مه [۲۱ اردیبهشت، ۲۳ ج ۱] با ۲۰۰ نفر به همدان وارد شده و همین که فرمانفرما دوباره به طرف خصم می‌رود، به او ملحق خواهند شد.

از قراری که راپورت داده شده، باز هم قشون امدادی دولت در راه برای همدان می‌باشند.

سالارالدوله پس از اقداماتی که برای همدست نمودن کلهرها و والی پشتکوه نمود (اگرچه موفقیت او در این موضوع غیرمعلوم است) با قریب ششصد نفر در ۱۲ مه به کرمانشاه مراجعت نمود.

ایلات سنجابی و سایرین اگرچه ظاهراً با سالارالدوله مخالفتی ننمودند، هنگامی که در گیلان بود، کسی را به ملاقات او نفرستادند.

بوشهر

به علت حضور دستجات سارقین در دره کازرون، تجار شیراز به تجار بوشهر تلگراف کرده‌اند که مال‌التجاره حمل نمایند.

در احمدی مرض طاعون پیدا شده و به همین‌طور، در دهات دور و حوالی نیمه‌راه بین بوشهر و برازجان، این مرض شیوع پیدا کرده [است].

بندرعباس

نایب‌الحکومه که از روز بیستم الی ۲۸ مارس [۸ فروردین، ۸ ع ۲] در قنصلخانه پناهنده شده بود، همینکه دریافت کشی «پرس پلیس» با تفنگچی می‌رسد، از ترس اینکه مبادا دستگیر شود، مجدداً بست اختیار نمود.

در ۲۱ آوریل [یکم اردی‌بهشت، یکم ج ۱] بازارها مسدود گردید و قریب ۲۰۰ نفر از تجار و سایرین در قنصلخانه پناهنده شدند که از تعدیات حکمران بنادر خلیج تظلم نمایند.

در ۱۱ مه [۲۱ اردی‌بهشت، ۲۳ ج ۱] به واسطه ورود دسته‌ای قریب ۲۰۰ نفر غارتگران در ۱۰ میلی شهر، اوضاع سخت‌تر گردید.

شوشتر

با وجود آنکه وقارالملک حکمران بیطرف، در ۵ آوریل [۱۶ فروردین، ۱۶ ع ۲] وارد شوشتر گردید، حکومت مرکزی به او امر داده بودند که در موضوع اختلافات بین شیخ محمره و بختیاری تحقیقات بعمل آورد. بختیاریها در غره مه [۱۱ اردی‌بهشت، ۱۳ ج ۱] شوشتر را به قوه قهریه اشغال نموده بودند.

به وصول این خبر، شیخ قشونی قریب ۱۰۰۰ نفر از اهواز جمع‌آوری نموده و به طرف شوشتر حرکت نمود.

این اقدام شیخ، به انضمام اظهارات سفیر اعلیحضرتی به خوانین، که قشون خود را از آنجا خارج نمایند تا آنکه نتیجه تحقیقات به عمل آید، اسباب این شد که بختیاریها در ۹ مه [۱۹ اردی‌بهشت، ۲۱ ج ۱] شهر مذکور را تخلیه نمودند.

نمره - ۱۲۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ مه ۱۹۱۲ [۲۴ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۶ ج ۱ - ۱۳۳۰]

آقا

اوضاع دور و حوالی شوشتر در عرض چند هفته گذشته اسباب تشویش خیال بوده است. چون قنسولهای اعلیحضرتی مقیم محمره و اهواز، مرا مستحضر داشته بودند که بختیاریها عزم خود را جزم نموده بودند که برخلاف شیخ محمره و همراهان وی، در شوشتر دستی پیدا کنند، من اظهاراتی را که سر جارج بارکلی سابقاً به خوانین بختیاری طهران نموده بود، تجدید کرده دولت ایران را متنبه نمودم که هرگاه نزاع و جدالی در عربستان [=خوزستان] رخ دهد، اوضاع بسیار سختی بوجود خواهد آمد که نه فقط امنیت راه بختیاری را در خطر خواهد انداخت و بدان واسطه باعث منع تجارت انگلیس خواهد شد، بلکه ممکن است اثر خیلی مهمی بر اوضاع عمومی ایران داشته باشد.

خوانین در جواب اظهار داشتند که آنها در حدود نزدیک شوشتر دارای دهات بوده و ادعا می نمودند که خیلی زیادتر از شیخ محمره و همراهان عرب او در آن نقطه ارتباط و منافع داشته اند و وعده دادند که اوامر مؤکده برای خوانین محلی بفرستند که دست از مخاصمات برداشته و منتظر نتیجه تحقیقات راجع به منافع متضاده که قنسولهای اعلیحضرتی در اهواز و محمره (که بعلاوه، نصایح سر پرسکی کاکس هم کمک ذیقیمت به آنها می نماید) بعمل می آورند معلوم گردد.

من صورت دهاتی را که سردار اسعد و وزیر مالیه می گویند در حدود شوشتر است و متعلق به خودشان یا بستگان آنها است، برای ماژور هاورت فرستادم و او در جواب گفت که تمام این دهات در ناحیه دزفول واقع اند مگر یک دسته دهات مهمی موسوم به عقیلی که آنها را نزدیک شوشتر می دانند.

در باب اینکه آیا اوامر صادره صمصام السلطنه صدراعظم و سردار اسعد خیلی دیر رسید یا نه، من نمی توانم چیزی بگویم ولی از اخبار متضاده که برای من رسیده، واضح می شود که بختیاریها حرکتی به طرف شوشتر نموده و آنها را اشغال نمودند و ظاهراً به همین اندازه مشهود می باشد که آنها بعد از آن شهر مذکور را تخلیه نمودند، اگرچه من فعلاً درست نمی دانم که علت تخلیه آنها از اثر اوامر طهران بوده چنانچه خوانین اینجا و دولت ایران اظهار می دارند، یا آنکه به واسطه حرکت دادن قشون از طرف شیخ بوده است چنانچه مخبرین غیررسمی اطلاع داده اند.

از قراری که نایب السلطنه مرا اطلاع داده است، شیخ اطمینانات بسیار صادقانه به دولت ایران داده و درحالتیکه از تجاوزات بختیاریها شکایت نموده اظهار میل کرده است که منتظر فیصله قطعی مسائل جاریه بوده و از روی یقین عنوان نموده است که به هیچ وجه میلی ندارد به ضرر بختیاریها مقام مهم عمده در عربستان برای خود تحصیل نماید و بطور پروتست اظهار میل نموده است که صادقانه با حکمران عربستان همراهی

خواهد کرد و او چنانچه به من وعده داده شده، بلا تأخیر به مقر خود خواهد رفت. والاحضرت در این موقع به من اظهار داشت که رؤسای بختیاری که نسبت به حکومت مرکزی دارای چنین اهمیت مقامی می‌باشند، اوامر بسیار صریحه برای خوانین محلی فرستاده‌اند که دست از مخاصمه بردارند و او با نهایت اعتماد یقین داشت که کار اصلاح خواهد شد.

من مدتی است اخبار قطعی از آن نقطه ندارم و این مسأله مرا امیدوار می‌سازد که خطر در هر صورت حالیه برطرف شده است.

اخبار مجادلات در راه بین بختیاریه‌ها و کوهکلوئییه‌ها [= کوهگیلویه‌ای‌ها] هم رسیده و به وکیل اداره لینگ اطلاع داده شده است که تمام کاروانسراهای راه را از مالالتجاره‌های جمع شده خالی سازند. این نیز به اطلاع رؤسای بختیاری رسانیده شده و آنها مرا اطلاع داده‌اند که احتیاطات لازمه برای حفظ راه به عمل خواهد آمد.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۱۲۸

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ مه ۱۹۱۲ [۲۴ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۶ ج ۱ - ۱۳۳۰]

آقا

چنانچه مفتخرأ در تلگراف ۲۹ ماه گذشته خود را پورت دادم، نایب‌السلطنه در ضمن صحبتی که در ۲۸ آوریل با ایشان داشتم، به من اظهار داشتند که دستگیری بعضی اشخاص لازم شده است چرا که به سمع دولت رسیده است که نقشه خطرناکی کشیده می‌شود و مقصود طرفین آن این است که ترتیبات و اوضاع موجوده را برهم زده و معدوم سازند. ناصرالملک به علاوه اظهار نمود که یکی از حوادث غیرمطبوع این هیجان وجود احساسات عموم برضد خارجه بوده که تا اندازه زیادی به واسطه هیجان مذهبی است که از مباردمان مقامات متبرکه مشهد تولید گردیده [است. همچنین] اظهار داشتند که چون این احساسات چندان جلوه‌ای نداشته، نباید تصور شود که این حادثه نامساعد باعث تولید تغییر و تکدر کمی بوده (چرا که در حقیقت اینطور نبوده است).

یکی از علمای یزد که لیدر این هیجان بود، اول کسی بود که مورد عقوبت واقع گردید و شخص مزبور دستگیر و به مازندران تبعید شد.

در ابتدا اینطور مذکور گردید که دستگیری این شخص برای آرام نمودن اغتشاشی که [جامعه‌را] تهدید می‌نمود، کافی بود ولی [بعد] چند نفر از سایر شاکیان معروف نیز که دارای عقاید مختلفه پلتیکی بودند، از قبیل سردار محیی و دو برادرهای او و سلیمان میرزا لیدر حزب دموکرات و بسیاری دیگر از اعضای معتبر دموکرات مجلس سابق

(۱) اصل: وارد. - م.

(۲) اصل: را. - م.

دستگیر شدند و به وحیدالملک و حسین قلی خان نواب نصیحت داده شد که به اروپا مسافرت نمایند.

ظاهراً دلیل صحیحی به دست نیست که تصور شود این اعضای حزب ترقی خواه مستقیماً در نقشه‌ای که باعث دستگیریهای اولی شد، شریک بوده‌اند، ولی آشکار می‌نماید که تصور شده است این موقع، موقع مناسب و مساعدی بوده است برای آنکه تلافی خصومت‌های سابقه شده، و از جولانگاه پلتیک، تمام اعضای رئیسه و معتبره آن حزبی را که به واسطه پیروی و همراهی نقشه شوستر و خصومت غیرقابل اصلاح با روسیه، خود را آنقدر معروف و قابل اهمیت ساخته بود، اخراج نمایند.

علاوه بر اینکه اشخاصی که دستگیر شده‌اند، به نقاط مختلفه مملکت تبعید شده‌اند [و] شخصاً به آنها صدمه‌ای وارد نیامده، و در مورد آنهایی که محتاج کمک مالی بودند، دولت مقرری ماهیانه برایشان معین نموده است، این طور تصور می‌شود که اکثر آنها را می‌گذارند در صورتی که مجلس منعقد گردد، به طهران مراجعت نمایند (در مکتوب علیحده، در خصوص انتخابات شرحی مذکور شده است).

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۱۲۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ مه ۱۹۱۲ [۲۵ اردیبهشت ۱۲۹۱؛ ۲۷ ج ۱ - ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم که ترجمه دستخط ۳۰ آوریل نایب‌السلطنه را که به موجب آن، والاحضرت وزراء را دعوت به شروع انتخابات برای مجلس جدیدی بر وفق قانون اساسی می‌نماید، ایفاء دارم. در این دستخط، به علاوه توضیح شده است که به واسطه اوضاع مغشوش بسیاری از نقاط مملکت، ممکن است انتخابات در بعضی از نقاط به عمل آید ولی اهمیت تکمیل انتخابات طهران را هر قدر زودتر که امکان دارد، تأکید می‌نماید.

این دستخط تا چند روز پس از امضاء منتشر نگردید ولی در غره شهر جاری، وزیر امور خارجه با من در این موضوع صحبت نموده اظهار داشت که عقیده دولت بر این است [که] خیلی خوب است که انتخابات هر قدر زودتر که مناسب باشد، به انجام برسد و صحبت او عموماً مبنی بر مفاد دستخط مذکور بود.

جناب معظم‌له یک نکته دیگر قابل اهمیت ذکر نمود که در اعلان رسمی مذکور بدان اشاره نرفته بود و آن قصد دولت ایران بود که پس از انعقاد مجلس، هر قدر زودتر که مناسب باشد، مجلس سنا را تشکیل دهند.

وثوق‌الدوله اشعار نمود که مجلس سنا، بر وفق مواد قانون اساسی از اعضای تشکیل خواهد گردید که نصف آنها را قوه مجریه و نصف دیگر را مجلس انتخاب خواهد نمود بطوری که، تا زمانی که مجلس جدید شروع به کارهای خود ننموده، آن مجلس هم

نمی‌تواند داخل در عملیات شود و ممکن است اوضاع طوری پیش آید که لازم شود تمام اعضای مجلس در طهران انتخاب شوند^۱ و وکلای نقاط دیگر مملکت را هم، اهالی پایتخت انتخاب نمایند و اظهار عقیده نمود که ممکن خواهد بود يك نفر علاوه بر نصف عده وکلای که برای مجلس لازم است، انتخاب نمود بطوری که آنها قانوناً حق اخذ رأی داشته باشند.

از اول واضح بود که این اظهار اشتیاق برای شروع به انتخابات، فقط برای آرام نمودن افکار عموم بود و از آنوقت تاکنون، چندان مساعی برای تهیه کاندیداها یا اقدام در طریق تعیین روزی برای انتخابات بکاربرده نشده و این خود يك نوع بازی بود و خیلی شك می‌رود از اینکه بتوان عده مکفی بدست آورد که حق اخذ [رأی] بتوانند داشته باشند.

اگر در امورات همدان پیشرفتی حاصل نشود، ممکن است کار بر دولت سخت شود چرا که کمیته مرکزی ارامنه انتخابات سریع را یکی از شرایطی قرار داده است که در تحت آن، فدائیان که در تحت امر یفرم‌خان برای استقرار اوضاع حاضره آنقدر زحمت کشیده‌اند، راضی خواهند بود که با سالارالدوله جنگ کنند.

دولت اطمینان کتبی داده‌اند که انتخابات به عمل خواهد آمد ولی عبارت این نوشته بطوری از حیث تاریخ و شرایط مبهم و غیر معلوم است که کمیته مذکور از سابق بیشتر نسبت به مقاصد حقیقی دولت سوءظن برده‌اند و مایل نیستند این اطمینانات غیرمعلوم را بپذیرند.

(امضاء) والتر تنلی

ترجمه ملفوف نمرة ۱۲۹ دستخط نایب‌السلطنه

راجع به انتخابات

۳۰ آوریل ۱۹۱۲ [۱۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۱۲ ج ۱ - ۱۳۳۰]

خدمت کابینه وزراء

شما آگاه هستید که بنا بر احتیاجات قانونی، من، فرمان و دستخطی برای انتخابات جدید در موقع اختتام دوره تقنینیه مجلس ملی صادر نموده توسط وزارت داخله آنها را منتشر نمودم. بدبختانه به علت بعضی حوادث و غیاب حکام بعضی از ایالات و ولایات و عدم نظم و آرامی کامل که در موقع انتخابات لازم است، تاکنون در اجرای آن تأخیری به وقوع رسیده است.

اگرچه واضح است که چنانچه در سایر ممالک مرسوم است، مقصود دولت ابتداء تهیه زمینه و اساس و سپس ۲ پس از مدت قلیلی شروع به انتخابات است، ولی از آنجائی که تأخیر در این امر جایز نمی‌باشد و چنانچه فعلاً مذکور است بعضی‌ها از روی جهل و بعضی از روی ضدیت شخصی، این را حمل به غفلت و بی‌اعتنائی از طرف دولت

(۱) اصل: باید انتخاب شوند. - م.

(۲) چنین است در اصل. - م.

می‌نمایند من توجه وزراء را به این نکته جداً جلب می‌نمایم و به آنها توصیه می‌کنم که با کمال مراقبت در این مسأله مذاقه نموده و بدون تأخیر در نقاطی که امکان انتخاب آزاد می‌باشد و انتخابات در آنها امکان‌پذیر است، مخصوصاً در پایتخت که اهمیت آن نسبت به سایر نقاط زیادتر است، شروع به انتخابات نمایند.

اگر در بعضی جاها به علت اوضاع فوق‌الذکر، تا اندازه‌ای در انتخابات تأخیری روی دهد، البته در موقع انتخابات در سایر نقاط مساعی به عمل خواهد آمد که هر قدر زودتر که ممکن است اوضاع آن نقاط هم به همین‌طور، مساعد گردد.

چون آنچه لازم بود در این موضوع مذکور شود، در فرمان مرقوم و صادر گشته، من فقط در این یادداشت تکرار می‌کنم و تأکید می‌کنم که منافع و سعادت آتی مملکت تماماً بسته به نتیجه انتخابات این دوره تقنینیه می‌باشد.

من انتظار دارم که بلا تأخیر تصمیم قطعی شده و نتیجه آن اعلان شود که قبل از حرکت برای مسافرتی که در نظر دارم، بر من معلوم شود که وزراء جداً و بطور واضح اهمیت این وظیفه را در نظر داشته و در این باب اقدام نموده‌اند و در نقاطی که اوضاع مساعد بوده اقدامات مقدماتی شده و در جاهایی که نظم و آرامی اعاده خواهد شد اقدامات به موقع برای انجام انتخابات بعمل خواهد آمد.

از آنجایی که شرط اول برای سعادت و خشنودی اهالی و ترقی مملکت، انجام این وظیفه مهم و اجرای صحیح آن است، وزرای کابینه به وسیله انجام آن، موجبات مسرت و آسودگی خیال مرا فراهم خواهند آورد و از آنجایی که این مسأله مستقیماً مربوط به وزارت داخله است، امیدوارم که ایشان نظر به اطلاعات خود، با جدیت و حدت مخصوص عمل نموده و این یادداشت را برای استحضار خاطر عموم مردم انتشار خواهند داد.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که وزراء را تأیید فرماید که از عهده این مسؤولیت مهم هر قدر زودتر که ممکن است برآمده بطوری که کمکی برای حصول سعادت و خشنودی اهالی مملکت بنمایند.

(امضاء) ابوالقاسم

نمره - ۱۳۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ مه ۱۹۱۲ [۲۵ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۷ ج ۱ - ۱۳۳۰]

آقا

اوضاع کرمان در عرض ماه گذشته بسیار نامساعد بوده و لازم شد اتصالاً اظهارات به دولت ایران بشود. در ۲۲ آوریل [۲ اردی‌بهشت، ۴ ج ۱] قنصل اعلیحضرتی تلگرافاً [تلگرافی] خبر داد که میرزا حسین‌خان، که با استعداد زیادی و چندین عراده توپ برای وصول مالیات به اطراف فرستاده شده بود به خوانین جیرفت و رودبار ملحق

گردیده و فراشباهی ایالت را که نیز مشغول مالیات بوده، دستگیر و آنچه داشته است برده اند و به قصد اخراج ایالت و غارت شهر، به طرف کرمان حرکت کرده اند.

من، وزیر امور خارجه را از این اوضاع در ۲۴ آوریل مستحضر داشته و اهمیت زیاد نظم و آزامی کرمان را به مناسبت تجارت انگلیس، و استقرار نظم در راه کرمان الی بندرعباس را به ایشان خاطر نشان نمودم. وزیر امور خارجه اظهار داشت که در این موضوع چندان اطلاعی نداشته ولی وعده داد که تحقیقات فوری بنماید.

در ۲۸ آوریل من، به همین مضمون با نایب السلطنه مذاکره کرده و به علاوه اظهار داشتم که از قرار معلوم، کلنل هیگ رضایت دارد از اینکه امیر اعظم وظایف خود را به خوبی به انجام رسانیده و می‌رساند و من هم مجبور بوده‌ام که این عقیده مخالفی را که در طهران شیوع داشت تکذیب نمایم.

من بعلاوه اظهار داشتم که منشأ این آنتریگ‌ها چنانچه مکشوف گردیده، سردار نصرت نایب‌الایاله بوده که فعلاً در طهران حضور دارد. من در باب اقدامات سردار نصرت تا اندازه‌ای به طور سخت مذاکره نموده اظهار داشتم از ورود گستاخانه او به سفارت که سعی نموده است ما را برضد امیر اعظم برانگیزاند، بسیار متغیر هستم. جناب معظم‌له در جواب اظهار داشت که راپورت‌های مشروح برای وی رسیده مشعر بر اینکه تمام اغتشاشات کرمان به واسطه اجحاف و زیاده‌روی ایالت بوده است که از همه طرف مأموریت‌های رسمی را در معرض بیع و شری درآورده و هر قدر توانسته از اهالی جبراً پول گرفته است.

ایشان از من درخواست نمودند که از کلنل هیگ تحقیق نمایم که آیا این حکایات و روایات اساس صحیحی دارد یا نه.

من جواب کلنل هیگ را در غره مه برای وزیر امور خارجه نوشتم. جواب مشارالیه مشعر بود بر اینکه اگرچه ایالت آدم کاملی که شاید و باید نیست ولی لااقل از اسلاف خویش بهتر است.

من موقعی بدست آورده به وزیر امور خارجه توضیح نمودم که تا زمانی که این سیستم نامساعد و غیرمستحسن فروش حکمرانی ایالات و ولایات به حکام، در کار باشد بایستی انتظار داشت که حکام مزبوره وجهی را که می‌دهند از حکام جزو دریافت نمایند.

این مطالب را با زبان دیپلوماسی به ایشان اظهار داشتم ولی طوری که به ایشان خوب فهمانیده شد که من مطلع بودم از اینکه امیر اعظم پول فوق‌العاده برای تعیین خویش به ایالت کرمان داده است.

این اشاره که من کردم، خیلی مؤثر واقع گردید و به جای نزدیکی برخوردار، چرا که وزیر امور خارجه برادر وزیر داخله است که تعیین حکام ایالات و ولایات با او می‌باشد.

وزیر امور خارجه وعده داد که آنچه لازمه اقدامات است برای منع پیشقدمی یاغیان به عمل خواهد آمد ولی اصرار به اظهارات خود در اینکه ایالت یکی از حکام فاسد است می نمود.

متعاقب آن، سواد مراسله ای را که از قرار مذکور یحتمل در موقعی که فراشبازی ایالت را میرزا حسین خان یاغی دستگیر نموده بود، نزد او یافت شده بود، برای من فرستاد. امیر اعظم در این مراسلات به او دستورالعمل داده بود که هر قدر می تواند از اهالی پول دریافت نماید.

وزیر امور خارجه به علاوه مرا اطلاع داد که دولت در نظر دارند مأمور بی طرفی برای تحقیق در آن محل بفرستند و ایالت و سرکرده های یاغیان را از این اقدام مستحضر داشته و به آنها امر داده اند منتظر نتیجه این تحقیق باشند.

اینکه دولت دعوی می نمود قادر است بر اینکه به یاغیان فشار مؤثری بیاورد، دلیل خوبی بود برای آنکه ثابت کند که خود دولت پیشرفت این هیجان را استقبال می نموده است.

قنصل اعلی حضرتی راپورت داده است که در عرض چند روزه اخیر اتصالاً بین شهر و یاغیان مذاکرات در میان بود و خود او برحسب خواهش ایالت اوضاع امور را برای اهالی توضیح نموده بود.

تا مدتی ظاهراً امید می رفت که بطور دوستانه قرار [و] مداری داده خواهد شد ولی اطلاعات اخیراً ظاهراً معلوم می دارد که از مذاکرات نتیجه ای حاصل نگردیده و یاغیان بسرعت به طرف شهر می آیند و ایالت از دفع آنها عاجز است.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۱۳۱

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ مه ۱۹۱۲ [۲۶ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۸ ج ۱ - ۱۳۳۰]

آقا

در باب مراسله ۱۱ شهر جاری من، افتخار دارم سواد تلگرافی را [= تلگرامی را] که از کفیل قنصلگری شیراز انگلیس، در موضوع وضعیت ایلات داخل و نزدیک آن شهر رسیده، لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف يك نمره ۱۳۱

تلگراف کفیل قنصلگری مستر اسمارت به سر والتر تنلی

شیراز ۱۵ مه ۱۹۱۲ [۲۵ اردی بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۷ ج ۱ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۹ مه من:

در دهم مه ایلات خمسه با رؤسای خود با مظفریت تمام با اسراء و غارت هایی که از اردوی صولة الدوله آورده بودند، وارد شهر شدند. در ۱۱ مه ایلخانی با استعداد

خود، به چنار راهدار رسید. ۱۲ مه ایلخانی تمام کلانتران قشقائی را احضار نمود که آمده و به خدمت قوام مشرف گردند. قوام‌الملک آنها را در باغ خارج شهر خود ملاقات نمود و کلانتران يك يك آمده موجبات تعظیم و تکریم به او را به عمل آوردند. این اجتماع خیلی تازگی داشت و نظیر آن تاکنون دیده نشده بود چرا که کلانتران قشقائی تاکنون به هیأت اجتماع، به شیراز ورود ننموده بودند.

پس از انجام این مراسم و تشریفات، رؤسای ایلات خمسه و قشقائی که از آنجا بودند مشغول خوشگذرانی شدند.

عده‌ای از کلانتران قشقائی وارد شهر شدند و از چند روز به این طرف، شهر پر از قشقائیهای مسلح بود که از روی نظم و ترتیب حرکت می‌کردند. عده کثیری از ایلات قشقائی که به واسطه نزاع اخیر عقب مانده بودند، از چنار راهدار عبور می‌کرده‌اند و نقل‌مکان آنها به طرف ییلاق، بزودی به آخر خواهد رسید. از قراری که راپورت داده شده ایاز، کیخای دره‌شولی که برای خیانت دوم مه مسئول بود، به اتفاق صولة‌الدوله با دسته کوچکی از سواران خود به طرف شمال رفته است.

ایلخانی برای آنکه شاید اغتشاشی در قیوم باشد، به طرف آنجا حرکت کرده است. اگر صولة‌الدوله به طرف شمال برود، ممکن است قصدش این باشد که دره‌شولیه‌ها و عناصر غیرقشقائی را، برای جنگ در بیضاء دور خود جمع‌آوری نماید. زن صولة‌الدوله که از کشکولیه‌ها است، از قراری که راپورت داده شده است، در ۳۰ میلی جنوب شیراز با یکی از خوانین کشکولی توقف دارد ولی بچه‌هایش معلوم نیست کجا هستند.

نمره - ۱۳۲

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ مه ۱۹۱۲ [۲۶ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۸ ج ۱ - ۱۳۳۰]

آقا

راجع به مکتوب دیروز من:

افتخار دارم سواد مراسله‌ای را که در ۹ مه به دولت ایران نوشته و آنها را از مسؤولیت برای امنیت جان و مال اتباع انگلیس در کرمان مستحضر داشتم، لفأ ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۱۳۲

مکتوب سر والتر تنلی به دولت ایران

طهران ۹ مه ۱۹۱۲ [۱۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۱ ج ۱ - ۱۳۳۰]

آقای وزیر

افتخار دارم جنابعالی را مستحضر بدارم که تلگرافی از قنصل اعلیحضرتی مقیم

کرمان برای من رسیده مشعر بر اینکه يك دسته از یاغیان به طرف شهر در حرکت بوده‌اند و ایالت در تهیه فرار بوده است.

وظیفه من این است که دولت ایران را با لسان بسیار سخت متذکر سازیم از مسؤولیتی که برای امنیت جان و مال اتباع انگلیس در مقابل اغتشاشی که تهدید می‌نماید، برعهده دارند.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۱۳۳

مکتوب کمپانی حمل و نقل ایران به وزارت خارجه

لندن ۲۸ مه ۱۹۱۲ [۷ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۰ ج ۲ - ۱۳۳۰]

آقا

از طرف هیأت رئیسه تعلیم دارم که وصول مکتوب ۲۲ شهر جاری شما را اطلاع داده و از شما استدعا نمایم از طرف آنها برای اقداماتی که سر والتر تنلی نموده و لزوم محافظت مکفی قوافل را که در راه اهواز الی اصفهان ایاب و ذهاب می‌نمایند بر خوانین تأکید نموده، اظهار تشکر و امتنان نمایید.

اما از بابت متارکه تعمیرات پل گذار، من تعلیم دارم شما را اطلاع دهم که مستر ساتم مهندس ما، در ۱۴ شهر جاری تلگرافاً [= تلگرافی] خبر داد که تعمیرات لازمه پل را به طوری که به عقیده وی، تا اقلادوازده ماه دیگر آن را از خرابی محفوظ خواهد داشت، بعمل آورده است و به علاوه، این طور تلگراف می‌کند:

از طرف بختیاریمها به من تقویتی نشده است اگرچه خوانین طهران اوامر مؤکده فرستاده‌اند و خودشان در ولایت نیستند و اقتداری ندارند. مستحفظین کار را برای من خیلی مشکل کرده‌اند و برای آنکه تا چند ساعتی پل را مسدود نمایند، پول گزاف به آنها می‌دهم. به همراهان من حمله شده و جانم تهدید شده است. در پیش بردن کار خود اشکال زیاد داشته‌ام. انتظار می‌رود که کهکلوئیها [= کهگیلویه‌ای‌ها] به همین زودی هجوم بیاورند. راه هنوز ناامن است. دو قاصد^۱ اهواز را در راه زده‌اند و آنچه داشته‌اند برده‌اند.

به علت غفلت رؤساء در عمل نمودن بر وفق نصایحی که مستر ساتم در ماه دسامبر گذشته به آنها داده بود که بایستی ایاب و ذهاب قوافل را از روی پل موقتاً موقوف دارند، خمیدگی پل آنقدر زیاد شده بود که به ورود او به آنجا در ماه مارس، در شرف خراب شدن بود و این خمیدگی را فقط به واسطه از هم باز کردن پل می‌توان تعمیر کرد و در این صورت تا اقلادو ماه، ایاب و ذهاب قوافل از روی آن موقوف خواهد بود. میل صمیمی ما بر این بوده است که در این موقع تمام این کار را کاملاً به انجام

(۱) اصل: خرابی را. - م.

(۲) اصل: قاصدهای. - م.

برسانیم و نظر به این مقصود، وکلای ما مکرراً از خوانین درخواست نموده‌اند که اقدامات برای محافظت آنجاها بنمایند بطوری که مهندس ما بتواند کار خود را به سرعت و بدون آنکه صدمه به او وارد آید، به انجام برساند. چون این اقدامات بعمل نیامده و هوا آنقدر گرم شده است که دیگر کارکردن غیر از شب و صبح زود مشکل است، ما مجبور شده‌ایم که مهندس و اجزاء او را باز بخواهیم.

(امضاء) پری معاون رئیس

نمره - ۱۳۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۹ مه ۱۹۱۲ [۲۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ یکم ج ۲ - ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم ترجمه دستخطی را که نایب‌السلطنه اخیراً به نام شاه صادر نموده و به امضای صدراعظم و وزیر مالیه و وزیر داخله رسیده و کفیل خزانه‌داری کل را مجاز می‌دارد که شروع به جمع‌آوری و انبار کردن غله دولتی در نواحی طهران و سایر نواحی مجاور که به نظر او مقرون به صرفه است بنماید، لفاً ایفاد دارم.

از اجرای این دستخط دو مقصود به عمل خواهد آمد: اولاً مردم از سیستم معمول حالیه که به وسیله آن نرخ اولین لازمه زندگی به این قیمت گزاف می‌رسد، محفوظ خواهند شد، و ثانیاً به وسیله آن مقدار زیادی غله برای احتیاجات پایتخت فراهم خواهد شد.

بنابر تخمین مسیو مرنارد، مقدار غله‌ای که از منابع فوق‌الذکر در عرض سال گذشته که زراعت خوب بود، برای فروش وارد شهر شد، متجاوز از ۱۵،۰۰۰ خروار بود و حال آنکه بنابر تخمینی که او می‌زند، با سیستم صحیح جمع‌آوری غله، مقدار آن بایستی اقل از ۶۰،۰۰۰ خروار، یحتمل ۸۰،۰۰۰ خروار، باشد.

به علاوه فواید مادی بسیاری که انتظار می‌رود اهالی طهران از این اقدام بدست آورند، صدور این دستخط ممکن است برای اجرای وظایف خزانه‌داری کل مؤثر و مستحسن باشد و تا اندازه ممکن تصور شود که این اقدام در واقع از سیستمی جلوگیری نمود که به وسیله آن وزرای کابینه در صدد برمی‌آمدند که این‌گونه مشاغل پردخلی را از قبیل وصول و جمع‌آوری غله دولتی به دست خود گیرند که در سال گذشته آن را احتکار کرده و با کمال بی‌شرمی به آن وسیله به مقاصد شخصی خود نایل می‌گردیدند و این خود یکی از قبایح اعمالی بود که من در اول دفعه که از وزیر امور خارجه ملاقات نمودم دقت ایشان را به آن جلب کردم و این نیز علامتی است از این که دولت بخوبی درک می‌کنند که وظیفه خزانه‌داری کل دارای کمال اهمیت بوده و سفارتین از صمیم قلب با هم متفق‌اند در این که خواهان پیشرفت مادی آن شوند.

برای قبولانیدن پیشنهاد، خوشبختانه هیچ فشاری لازم نبود ولی شکی نیست که اطلاع اتفاق دولتین در این امر، اثر خیلی زیادی بر کابینه داشت.

عقیده مسیو مرنارد بر این است که این دستخط، بطور غیرمستقیم اختیارات خزانه‌داری کل را در تحت قانون ۲۳ جوزاء سنه تنگوزئیل^۱ تصدیق می‌نماید و يك سابقه بسیار مفیدی خواهد بود برای توسعه اختیارات اداری او در سایر نقاط مملکت و یحتمل مطلوب خواهد بود که به همین زودیها وظایف خزانه‌داری کل معین و مشخص شود و لازم نخواهد بود که به قانون فوق‌الذکر مجلس چندان اهمیتی داده شود مگر اینکه قانون مذکور دستخط مزبور را به موجب قوانین اساسی، قانوناً تصویب و تصدیق می‌نماید.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۱۳۴

ترجمه دستخط نایب‌السلطنه

به نام اعلیحضرت اقدس شهریاری

برای آنکه به اهالی طهران مثل سال گذشته از کمی غله صدمه وارد نیاید، بر وفق تصمیم کابینه به قرار ذیل مقرر می‌داریم:

ماده اول: خزانه‌داری کل بر وفق وظایف معینه خود به موجب قانون ۲۳ جوزای سنه تنگوزئیل، از حالا اقدامات برای جمع‌آوری غله دولتی در ناحیه طهران و نواحی مجاوره آن یعنی در هر نقطه که مقرون به صرفه باشد، چه از املاک اربابی یا خالصه، به عمل آورده و آن را برای خوراک اهالی پایتخت در انبارهای دولتی انبار خواهد کرد.

ماده دوم: مأمورین مالیاتی در اول موسم حصاد^۲ مالیات نقدی و جنسی خالصه‌جات را جمع‌آوری خواهند نمود به طوری که در آخر میزان (۲۱ سپتامبر) تمام آن وصول شده باشد و مأمورین مذکور مواظب خواهند بود که بنا بر معمول عمل نموده و اشخاصی که مالیات نقدی باید بدهند و به همین طور مستأجرین املاک خالصه نباید به هیچ عذر و بهانه پرداخت بدهی خود را که مأمورین مالیاتی مطالبه می‌نمایند به تأخیر انداخته یا امتناع ورزند.

ماده سوم: صاحبان املاک اربابی و مستأجرین خالصه‌جات یا وکلای آنها؛ مباشرین به محلات خواهند فرستاد که غله دولت را به ضباط^۳ تحویل دهند و اگر وکلای آنها حاضر نباشند، اخطار کتبی فرستاده خواهد شد و اگر این اخطاریه تا پانزده روز مورد توجه و اعتناء نگردد ضباط حق خواهند داشت که غله دولتی را از محصول آن محل بردارند.

ماده چهارم: در صورتی که مالیات‌دهندگان یا مستأجرین املاک خالصه از مأمورین خزانه شکایاتی داشته باشند یا آنکه مقدار و مبلغی را که از آنها مطالبه می‌شود، خلاف قانون بدانند، شکایات خود را کتباً برای خزانه‌داری کل خواهند فرستاد. خزانه‌داری کل پس از دقت کامل اگر صلاح داند، عمل را به کمیسیونی که برای انجام این مقصود

(۱) تنگوزئیل = سال خوک. - م.

(۲) حصاد (همچو کساد) = درو. - م.

(۳) ضباط (همچو خفاش) = ضبط‌کنندگان؛ مأموران وصول مالیات و مانند آن. - م.

در طهران تشکیل خواهد گردید، رجوع خواهد کرد.
 ماده پنجم: اشخاصی که مقصر خیانت یا دزدی در اموال دولت باشند، دستگیر گردیده و مجبور به استرداد آن خواهند شد. خزانه‌داری کل پس از استرداد اموال دولت، مقصرین را مورد مؤاخذه قرار داده و در محکمه صحیحی آنها را محاکمه نموده تقصیرات آنها را بر وفق قانون اشاعه خواهد داد.

ماده ششم: اشخاصی که برخلاف قانون یا بدون اجازه صحیح از طرف دولت، در امور عایدات دولتی مداخله نموده و یا در این کار برای خسارت وارد آوردن به دولت به اقدامات آنها کمک نمایند، خواه مالیات‌بده باشند یا نباشند، با آنها بر وفق ماده پنجم عمل خواهد شد. هرگاه دستگیری این مقصرین ممکن نباشد خزانه‌داری کل از اموال [آنان]، آنقدری که جبران خسارت وارده به دولت را بنماید، ضبط خواهد کرد.
 ماده هفتم: وزیر داخله و مأمورین نظامی دولتی، ضباط را در انجام وظایف خود برای وصول مالیاتهای دولتی و حمل و نقل غله دولت به انبارهای دولتی، کمک خواهند کرد.

ماده هشتم: وزرای داخله و مالیه موظف به اجرای این دستخط می‌باشند.

ناصرالملک نایب‌السلطنه	امضاء و مهر
نجفقلی بختیاری صدراعظم	امضاء
محتشم‌السلطنه وزیر مالیه	
قوام‌السلطنه وزیر داخله	

نمره - ۱۲۵

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ مه ۱۹۱۲ [۹ خرداد ۱۲۹۱: ۱۲ ج ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۷ مه خود:

از منابع رسمی به من اطلاع رسیده که عساکر دولتی، یاغیان را در جنگهای متوالی در حدود کرمانشاه در ۲۸ مه و دیروز، شکست داده تلفات زیاد به آنها وارد آورده [اند] به طوری که یاغیان سپس به طرف لرستان حرکت کرده‌اند و راه تا کرمانشاه فعلاً باز است.

معلوم نیست که آیا سالارالدوله هنوز در کرمانشاه است یا آنکه به طرف لرستان فرار کرده است.

نمره - ۱۲۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۳۰ مه ۱۹۱۲ [۹ خرداد ۱۲۹۱: ۱۲ ج ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲ و ۲۵ مه شما - شیراز - آیا برای دولت ایران جواب مساعدی

از علماء رسیده است و در صدد چه اقدامی هستند؟

نمره - ۱۳۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۳۱ مه ۱۹۱۲ [۱۰ خرداد ۱۲۹۱: ۱۳ ج ۲ - ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۳۰ مه خود:

قنصل روس مقیم کرمانشاه تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می‌دهد که سالارالدوله
 مصمم دفاع از شهر است و مجلل‌السلطان هم نزد او آمده ۲۰۰۰ نفر از ایلات کلهر
 و ایلیاتی‌های والی پشتکوه به او ملحق شده‌اند.
 من متمایل هستم در تخمینی که از بابت استعداد ایل کلهر زده شده، تردید داشته
 باشم و خیلی غریب است که والی پس از شکست، به او ملحق شده باشد در صورتی
 که اطلاعاتی که برای ما رسیده مشعر است بر اینکه در موقعی که ترتیبات کار او
 مقتضی و مناسب این اقدام بود، از این کار امتناع ورزید.

نمره - ۱۳۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۳۱ مه ۱۹۱۲ [۱۰ خرداد ۱۲۹۱: ۱۳ ج ۲ - ۱۳۳۰]
 جنوب ایران

راجع به تلگراف دیروز شما:

يك هفته قبل وزیر امور خارجه مرا اطلاع داد که تلگرافی که علماء وعده داده
 بودند مخابره نمایند، به او نرسیده بود.
 مأمورین محلی شیراز فقط کسانی هستند که می‌توانند مقصرین را گرفتار و
 تسلیم نمایند. برای این مقصود مساعی بکار برده می‌شود و مجدداً برای حرکت
 فرمانفرما تهیه دیده می‌شود.
 تا يك یا دو روز دیگر، وزیر امور خارجه را ملاقات کرده و باز هم راپورت خواهم
 داد. چند روز است که به علت بحران کابینه نتوانستم جناب معظم‌له را ملاقات نمایم.
 از قراری که معلوم شده بحران حالیه به اختتام رسیده است.

نمره - ۱۳۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۳۱ مه ۱۹۱۲ [۱۰ خرداد ۱۲۹۱: ۱۳ ج ۲ - ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف قبل از این:

بحران کابینه به انتها رسیده، فقط وزیر داخله استعفاء می‌کند.

نمره - ۱۴۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ ژون ۱۹۱۲ [۱۲ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۵ ج ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۳۱ مه من:

وزیر جنگ و سفارت روس به من اطلاع داده‌اند که عساکر دولتی بدون خالی کردن يك تیر تفنگ، به کرمانشاه وارد شده‌اند.

آخرین اخباری که از قنصل انگلیس رسیده، مورخه ۲۸ مه می‌باشد.

نمره - ۱۴۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۴ ژون ۱۹۱۲ [۱۴ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۷ ج ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دوم ژون من:

هنوز از طرف قنصلخانه اخبار قبضه کرمانشاه تصدیق نشده ولی واضح می‌نماید که شهر مذکور قبضه شده و سالارالدوله نزد والی پشتکوه پناهنده شده است. داودخان کلهر و پسرش هر دو مقتول گردیده‌اند.

نمره - ۱۴۲

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اوپرن

وزارت خارجه ۴ ژون ۱۹۱۲ [۱۴ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۷ ج ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۵ مه سر والتر تنلی - خزانه‌داری کل - من شرایط تعیین خزانه‌دار کل را غیرقابل اعتراض می‌دانم و خوش‌وقت خواهم شد که نظریات وزیر امور خارجه روس را مخصوصاً از بابت مدت تعیین او بدانم.

نمره - ۱۴۳

مکتوب سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۴ ژون ۱۹۱۲ [۱۴ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۷ ج ۲ - ۱۳۳۰]

آقا

راجع به تلگرافات ۱۸ و ۱۹ شهر ماضی در باب راه اهواز الی اصفهان، اینک سواد مکتوبی [را] که از طرف کمپانی حمل و نقل ایران در جواب مکتوبی که من واداشتم به آنها نوشته شده مفاد تلگرافات فوق‌الذکر شما در آن مندرج گردد، برای من رسیده، لفاً ایفاد [می] دارم.

اوضاع راه، به طوری که در این مراسله شرح داده‌اند، تقریباً تحمل‌نشدنی است و من باید از شما خواهش کنم با نهایت سختی به خوانین بختیاری مقیم طهران اصرار بنمایید که به نمایندگان محلی خود در خاک بختیاری و عموم ایلات خود امر بدهند

بگذارند تعمیرات لازمه به انجام رسیده و بهر نحوی که امکان داشته باشد مهندس کمپانی را همراهی نمایند.

(امضاء) گری

نمره - ۱۴۴

تلگراف مستر اوبرن به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۵ ژون ۱۹۱۲ [۱۵ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۴ ژون شما - خزانه دار ایران - وزیر امور خارجه روس مرا اطلاع می دهد که بر علیه [= علیه] شرایطی که برای تعیین خزانه دار پیشنهاد شده، اعتراض نخواهد داشت.

اما از بابت مدت آن، گمان می کند پنج سال مناسب باشد.

نمره - ۱۴۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۵ ژون ۱۹۱۲ [۱۵ خرداد ۱۲۹۱؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۵ مه شما - مساعده مشترك - خزانه و اداره هند پیشنهاد قسمت پنجم تلگراف شما را تصویب می نماید. بنابراین، استرداد مساعده ای که دولت اعلیحضرتی و حکومت هندوستان داده اند، ممکن است به عهده تعویق انداخته شود.

نمره - ۱۴۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ ژون ۱۹۱۲ [۱۷ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۰ ج ۲ - ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل به تاریخ ۳۱ مه از قنصل کرمانشاه رسیده است:

در ۲۹ مه در نزدیکی صحنه جنگی به وقوع پیوست. داودخان و پسر ارشد او و بسیاری از دیگران به انضمام سرکردگان کلهر مقتول گردیدند. سالارالدوله و مجل و همراهان آنها، همینکه این را شنیدند، به طرف لرستان فرار کردند. فرمانفرما ۳۰ مه وارد شد. شهر آرام است.

تلگراف فوق اولین راپورت رسمی است که از طرف قنصل کرمانشاه در موضوع شکست سالارالدوله برای من رسیده است.

نمره - ۱۴۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۷ ژون ۱۹۱۲ [۱۷ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۰ ج ۲ - ۱۳۳۰]
 نایب‌السلطنه و بحران کابینه
 راجع به تلگراف ۲۷ مه شما:

سفیر روس و من دیروز نایب‌السلطنه را ملاقات نمودیم. از آنجایی که برای مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] در این موضوع از طرف دولت متبوعه خود تعلیمی نرسیده بود، من از بابت رضایت و مسرت دولت اعلیحضرتی، از تأخیر مسافرت او به طرف اروپا، مخصوصاً اظهاری ننمودم.

نایب‌السلطنه با وجود آنکه بحران کابینه فقط بطور موقت به اتمام رسیده، مصمم است در ۱۱ ژون از طهران حرکت نماید. از آنجایی که محتمل نمی‌نماید که از حضور وی در ایران در امورات بهبودی حاصل گردد، ما به والاحضرت اصرار به توقف ننمودیم.

نمره - ۱۴۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۷ ژون ۱۹۱۲ [۱۷ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۰ ج ۲ - ۱۳۳۰]
 رئیس کل نظمیه طهران

همکار روسی و من دیروز از نایب‌السلطنه ملاقات نموده و والاحضرت ضمناً در موضوع قائم‌مقامی برای مرحوم یفرم‌خان صحبت نمود و به ما اصرار نمود نظریات دولتین متبوعتین خود را در این باب استفسار نماییم.

حضور يك رئیس نظمیه مقتدری در موقعی که فدائیان و بختیاریمهایی که از جنگ سالارالدوله به پایتخت مراجعت می‌نمایند و یحتمل آنوقت اوضاع سخت [می] شود، بسیار مطلوب است.

از قرار تقریر والاحضرت، دولت ایران مصمم شده‌اند که مقام مزبور را به يك نفر اجنبی واگذار نمایند و اظهار داشت که هنوز قرار نشده است که در این مسأله بطور رسمی مذاکره شود و اصرار داشت که ما قبل از آنکه مسأله صورت رسمیت حاصل کند بطور خصوصی نظریات دولتین متبوعتین خود را استفسار کنیم.

نمره - ۱۴۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
 وزارت خارجه، ۷ ژون ۱۹۱۲ [۱۷ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۰ ج ۲ - ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۲۵ مه شما:

شرایطی که برای تعیین خزانه‌داری کل پیشنهاد شده، ظاهراً غیرقابل اعتراض است. گمان می‌کنم تعیین وی ممکن است برای مدت ۵ سال باشد. اگر تعیین وی رضایتبخش

شد، ممکن است این مدت را زیادتر کرد.

آیا مسیو مرنارد در نظر دارد که به علاوه تقبل وظایف خزانهداری کل، کنترل اداره گمرک را هم به عهده گیرد؟
لطف نموده راپورت دهید که آیا به عقیده شما برای انجام این کارها شخص دیگری هم لازم است؟ آیا در باب این نکته با همکار روسی خود مذاکره نموده‌اید؟

نمره - ۱۵۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ ژون ۱۹۱۲ [۱۹ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۲ ج ۲ - ۱۳۳۰]

جنگ سختی بین ۵۰۰ نفر از عساکر روس و عده‌ای از شاهسون‌های سیار در ۲۰ میلی اردبیل به وقوع رسیده، از شاهسونها عده زیادی مقتول شدند. عده تلفات روسها ۳۰ نفر است به انضمام دو نفر صاحبمنصب که مقتول شده‌اند.
حسب‌الخواهش، برای قشون امدادی شش دسته صدنفری از رشت فرستاده شده‌اند. بنابراین در رشت، حالیه دویست نفر پیاده‌نظام و ۳۰۰ نفر قزاق می‌باشند.

نمره - ۱۵۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۰ ژون ۱۹۱۲ [۲۰ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۳ ج ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۷ ژون شما - رئیس کل نظمیه - آیا ممکن نخواهد بود که از میان صاحبمنصبان سوئدی شخص مناسبی را برای این کار تعیین کرد؟

نمره - ۱۵۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۱ ژون ۱۹۱۲ [۲۱ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۴ ج ۲ - ۱۳۳۰]

نایب‌السلطنه امروز صبح به طرف اروپا حرکت نموده، روز ۱۳ ژون در کشتی جنگی روسی از انزلی حرکت خواهد کرد.

نمره - ۱۵۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ ژون ۱۹۱۲ [۲۲ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۵ ج ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۷ ژون شما:

هیأت مأمورین بلجیکی که برای اداره گمرکات استخدام شده‌اند، در تحت امر مرنارد می‌باشند. بنابراین مطلوب خواهد بود که او اسماً به مقام مدیرکل گمرکات و

خزانه‌داری منصوب باشد. یکی از اجزاء از (دوسوم به ویبیر) در تحت نظارت مرنارد به مقام مدیرکل گمرکات تعیین خواهد شد. از از چندی به این طرف این مقام را به عهده داشته‌است. همکار روسی و مرا عقیده بر این است که این بهترین ترتیبی است که امکان داشته است داده شود.

کنترات علیحده برای عهده‌خزانه‌داری کل مرنارد از طرف وزیر مالیه به امضاء خواهد رسید. مدتی که در کنترات تعیین خواهد شد پنج سال خواهد بود. نایب‌السلطنه دیروز قبل از آنکه حرکت کند، دستخطی برای تعیین مرنارد به امضاء رسانید. از قراری که فهمیده‌ام در عبارت آن قبلا بعضی تغییرات غیرمهم داده شده است والا از حیث دیگر دستخط مذکور شبیه است با آنکه ما به دولتین متبوعتین خود ارائه نمودیم.

نمره - ۱۵۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ ژون ۱۹۱۲ [۲۲ خرداد ۱۲۹۱: ۲۵ ج ۲ - ۱۳۳۰]

رئیس کل نظمیه طهران

راجع به تلگراف ۱۰ ژون شما:

هیچ يك از صاحب‌منصبان سوئدی را نمی‌توان از مشاغل ژاندارمری معاف داشت و کسی دیگر هم که برای این کار مناسب باشد، نیست. ممکن است دولت ایران ریاست نظمیه را به شخصی که بعد از یفرم لیاقت این کار را دارد بدهند.

نمره - ۱۵۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۵ ژون ۱۹۱۲ [۲۵ خرداد ۱۲۹۱: ۲۸ ج ۲ - ۱۳۳۰]

راجع به قسمت آخر تلگراف ۳۱ مه شما - سرپازخانه‌های شیراز - لطف نموده راپورت دهید. ما باید در ظرف سه هفته از بابت سرپازخانه‌های شیراز تصمیمی [اتخاذ] بنماییم. آیا دولت ایران اهمیت این مسأله را خوب می‌دانند؟

نمره - ۱۵۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ ژون ۱۹۱۲ [۲۷ خرداد ۱۲۹۱: یکم رجب ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۹ ژون من:

حرکت عساکر روس برضد ایلات شاهسون که تهدید شده است، زیاده اسباب توحش دولت ایران شده است و می‌ترسند که قصد دولت روس این باشد که این ایلات را بکلی معدوم سازند.

همکار روسی، مرا اطلاع می‌دهد که قرار شده قشون امدادی از تبریز به سراب فرستاده شود و صدراعظم روس از مأمورین محلی قفقاز درخواست اعزام قشون کرده‌اند. این عساکر البته به اضافه دستهای خواهد بود که از رشت فرستاده شده است. سفیر روس اظهار می‌دارد که مقامات نظامی ظاهراً مایل نیستند عساکر به ایران بفرستند و مایلند آنها را که تاکنون به آن مملکت فرستاده‌اند باز بخواهند.

نمره - ۱۵۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ ژون ۱۹۱۲ [۲۷ خرداد ۱۲۹۱؛ یکم رجب ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۵ ژون شما:

همینکه کابینه مجدداً تشکیل گردید، وزیر امور خارجه استعفاء نمود. بنابراین حصول پیشرفتی در مسأله جبران حمله بر عساکر ما امکان‌پذیر نیست. علاءالسلطنه امروز بطور قطع به جای وثوق‌الدوله به وزارت امور خارجه تعیین شده است.

وزیر داخله امروز صبح به ملاقات من آمده اطمینان داد که این مسأله از سه هفته قبل از این که داخل کار شده است، جلب توجه دقیق وی را نموده و مکرراً به شیراز تلگراف کرده اصرار بر دستگیری مقصرین نموده است و بعلاوه اظهار امیدواری کرد که ممکن است پس از ورود مخبرالسلطنه فرمانفرمای جدید به آنجا، در امورات بهبودی حاصل گردد. از قرار تقریر وی، مخبرالسلطنه پس از چند روز دیگر به طرف شیراز حرکت خواهد کرد.

من شك دارم از اینکه حکومت حاضره آنقدر قدرت داشته باشد که بتواند اسباب دستگیری مقصرین را فراهم آورد. وزیر امور خارجه سابق بطور یقین اظهار می‌داشت که مقصرین نزد صولةالدوله می‌باشند ولی از قرار معلوم این مسأله واقعیت ندارد. عقیده من بر این است که دولت اهمیت اوضاع را خوب شناخته‌اند ولی بدبختانه نمی‌توانند اقدام مؤثری بنمایند و رویه و وضع سلوک دوستانه دولت اعلیحضرتی را بسیار قدر می‌دانند.

نمره - ۱۵۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۹ ژون ۱۹۱۲ [۲۹ خرداد ۱۲۹۱؛ ۳ رجب ۱۳۳۰]

کرمان

راجع به تلگراف ۲۸ مه من:

یاغیان متفرق شده‌اند و دو سرکرده آنها هم دستگیر و محبوس شده‌اند. کلنل هیگ راپورت می‌دهد که ایالت قصد کشتن دو نفر مذکور را دارد. اینها از مقصرین قدیمی هستند و در جنگ آشکارا برضد دولت مشروطه دستگیر شده‌اند و مسئول خیلی از

بدبختی‌ها و مصیبات این ایالت بوده‌اند. عقیده کلنل هیگ با ایالت موافق است و گمان می‌کند تعقیب طریق دیگری صلاح نخواهد بود.

اگرچه من خیلی بی میل به این اقدام هستم ولی مجبورم با این عقیده موافقت نمایم چرا که با این اوضاع درهم و مغشوش مملکت، چنین اقدامی برای عبرت‌سایرین به عقیده من لازم است.

چون ایالت عقیده مرا در این موضوع نخواست است، من نصیحتی به او ننموده‌ام.

نمره - ۱۵۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۹ ژون ۱۹۱۲ [۲۹ خرداد ۱۲۹۱؛ ۳ رجب ۱۳۳۰]

از تلگراف ۱۷ ژون شما مشهود می‌گردد که ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که مقصرین حمله به عساکر انگلیس از این تاریخ تا سه هفته دیگر [دستگیر شوند]. چنانچه شما می‌دانید ما عودت دسته قشون بوشهر را مشروط به تسلیم اینها نمودیم. اگر باید قشون خود را در شیراز نگاه داریم، بایستی برای آنها منزل بسازیم مگر آنکه دولت ایران تعهد بنمایند که قیمت عمارات و منزل‌های مذکوره را پس از تخلیه آنها مسترد دارند.

ما نمی‌توانیم به آنها مهلت دهیم تا آنکه با تقاضای ما موافقت نمایند.

از قراری که فهمیده‌ام دولت ایران بکلی قادر بر دستگیری مقصرین نمی‌باشند ولی باید راپورت دهید که آیا آنها برای این مقصود با ایلات حقیقتاً در مقام مذاکره برآمده‌اند یا نه؟

لطف نموده نظریات خود را پس از مشورت با جنرال قنسول بوشهر و کلنل دوگلاس هرقدر زودتر که ممکن است تلگراف کنید.

نمره - ۱۶۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۰ ژون ۱۹۱۲ [۳۰ خرداد ۱۲۹۱؛ ۴ رجب ۱۳۳۰]

راجع به مراسله ۴ ژون من و تلگراف ۱۹ مه شما - راه لینچ - خوانین اشکال‌تراشی نموده‌اند و از لینچ درخواست نموده‌اند که برای اجرای لوازم حفظ راه، مبلغ ۸۰،۰۰۰ لیرا قرض بدهند.

شما باید سعی کرده خوانین بختیاری را وادارید قراردادهای خود را به انجام رسانیده و اختیارات زیاد به یوسف‌خان بدهند.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۶۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ ژون ۱۹۱۲ [۲ تیر ۱۲۹۱: ۷ رجب ۱۳۳۰]

راه اهواز

راجع به تلگراف ۲۰ ژون شما:

امید زیاد دارم که به واسطه قرار و مداری که از چند روز به این طرف در باب آن با خوانین مشغول مذاکره بوده‌ام، بطور دائم در اوضاع امنیت راه اهواز بهبودی حاصل گردد.

یوسف‌خان به انجام این کار موفق نشده و سردار جنگ به جای وی منصوب خواهد شد. وجوهات لازمه را خود خوانین تحصیل خواهند نمود. الحال که دیگر مسأله تهدیدی در میان نیست، اداره لینچ ممکن است مایل باشد که خودشان وجوهات لازمه را فراهم آورند و من اینطور فهمیده‌ام که در صورتی که اوضاع تغییر کند آنها حتی حاضر [به] دادن مبلغی بطور قرض باشند.

نمره - ۱۶۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ ژون ۱۹۱۲ [۲ تیر ۱۲۹۱: ۷ رجب ۱۳۳۰]

جنوب ایران

راجع به تلگراف ۱۹ ژون شما:

از آنجایی که حکومت مرکزی را در فارس نمی‌شناسند، آنها به هیچ وجه قادر بر دستگیری مقصرین حمله به عساکر ما نمی‌باشند حتی اگر واقعاً اقدامی برای این امر بنمایند. مشکل است بگوئیم چنین اقدامی از طرف دولت شده است یا نه. صدراعظم که دیروز با وی مذاکره‌ای طولانی داشتم، مرا اطمینان داد که علماء نجف یقیناً تلگراف مذکور را مخایره نموده‌اند و به علاوه اظهار داشت در نظر دارد عالم بزرگ شیراز را که آدم بسیار مطلوبی است، از آنجا اخراج نماید و وعده داده است که فرمانفرمای جدید فارس به مجرد آنکه مشغول رتق و فتق امور گردید، باید مقصرین را دستگیر نماید و خزانه‌داری کل را ملامت می‌نمود از این که باعث تأخیر حرکت جناب معظم‌له گردیده است.

کفیل قنصلگری شیراز و کلنل دوگلاس، چنان می‌نماید تصور [می] کنند که عساکر بایستی در آنجا بمانند یا آنکه دولت اعلیحضرتی باید اقدامات برای سرکوبی اشرار بنمایند.

جنرال قنصل بوشهر فعلاً حضور ندارد و به وسیله تلگراف هم نمی‌توان با او مخایره نمود. در غیاب او، مستر بیل ارائه طریق می‌کند که ممکن است دولت

اعلیحضرتی مجبور شوند همینکه نتیجه نقشه ژاندارمری سوئدیها در فارس مشهود گردید، تجدیدنظری در پلتيك خود در جنوب ایران بنمایند و این مسأله، بنا براین، بیشتر بسته به موفقیت یا عدم پیشرفت نقشه مذکور خواهد بود.

نمره - ۱۶۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۶ ژون ۱۹۱۲ [۵ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۰ رجب ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ ژون من:

وزیر داخله در این تازگی ارائه طریق نمود که یکی از اهالی هلند به جای یفرم خان به مقام ریاست کل نظمیه منصوب شود. سفیر روس مرا اطلاع می دهد که دولت متبوعه او این عقیده را تصویب می کنند.

نمره - ۱۶۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۷ ژون ۱۹۱۲ [۶ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۱ رجب ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۶ ژون شما:

در تعیین یکی از اتباع دولت هلند به ریاست نظمیه، از طرف ما اعتراضی نخواهد شد.

نمره - ۱۶۵

تلگراف مستر اوپرن به سر ادوارد گری

سنت پترزبورغ ۳۰ ژون ۱۹۱۲ [۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۴ رجب ۱۳۳۰]

مسیو سازانف دیروز تلگرافی را [= تلگرامی را] که کفیل قنسولگری روس مقیم تبریز، راجع به نصب سپهدار به مقام شجاع الدوله برایش فرستاده بود، به من داد بخوانم. کفیل قنسولگری بطور سخت این اقدام را تقبیح نموده و اظهار یقین نموده بود که این کار باعث تحريك اغتشاشات خواهد شد. او به علاوه راپورت داد که شجاع الدوله حالا اظهار می دارد دیگر میل ندارد مقام دیگری به وی تفویض شود. جناب معظم له اظهار داشت که فعلا کاری نمی توان کرد و از قرار معلوم، او عقیده کفیل قنسولگری را ذی قیمت می دانست.

نمره - ۱۶۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ ژون ۱۹۱۲ [۲۴ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم اینک سوادهای مراسلاتی را که قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه

فرستاده و راپورت داده است وقایع نظامی اخیر را که به مظفریت عساکر دولتی و قبضه کرمانشاه و شکست و فرار قشون سالارالدوله و مجللسلطان خاتمه پذیرفت، لفاً ایفاد دارم.

چنانچه ملاحظه خواهید فرمود، مراسله اولی متضمن اطمیناناتی است که سالارالدوله از بابت احساسات دوستانه خود نسبت به دولت انگلیس به مستر مکدول داده است، با وجود آنکه اقدامات دولت انگلیس در ایام گذشته نسبت به خانواده او خصومت آمیز بوده است.

مستر مکدول این مطلب را تلگرافاً [= تلگرافی] به من خبر داد ولی جوابی برای او نفرستادم و جواب تلگراف دیگری را که سالارالدوله مستقیماً برای من فرستاده و از من درخواست نموده بود از دولت ایران درخواست نمایم عساکر خود را در ۱۶ میلی همدان برای مقابله او بفرستند، مخابره ننمودم. سالارالدوله در این تلگراف اظهار داشته بود که هرگاه دولت غیر از این بکنند، او قادر نخواهد بود که امنیت جان و مال اهالی شهر را که داخل جنگ نبودند، ضمانت نماید.

پیشرفت حرکات نظامی را هر زمان که تازه‌ای بوده تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت داده‌ام. حرکت عساکر فرمانفرما که در اوائل آوریل از طهران حرکت نمود، خیلی بطور تانی بود و تقریباً تا آخر ماه به همدان نرسید [و] اول دفعه که با عساکر سالارالدوله در تحت امر مجللسلطان مقابله نمود، قشونش بطور سخت شکست خورده چند توپ از دست دادند.

وزیر امور خارجه سپس به من اظهار داشت که این جنگ، جنگ خائفانه بوده است. قشون طرفین همینکه با هم مقابل شدند، به یکدیگر شلیک نموده و بدون آنکه بتوانند از خود جلوگیری نمایند، فرار کردند و علت آنکه عساکر مجللسلطان غالب آمدند این بود که او اول ملتفت شد که قشون طرف مقابل هم پس از شلیک رو به فرار گذارده‌اند.

اگرچه کاملاً انتظار می‌رفت که فرمانفرما مغلوب گردد و اغلب شکست او را مورد سخریه و مزاح قرار داده بودند، وصول اخبار شکست او به طهران، خیلی اسباب تغییر و تشدد گردید. یفرم‌خان مشهور فوراً فرستاده شد که به سرکردگی فدائیان ارامنه، که با کمال عجله از همدان اعزام گردیده بودند، با خصم مقابل شود و به بختیاریهایی که از طرف زنجان رفته بودند، امر داده شد که با کمال عجله به محل جنگ بروند و خود یفرم در اتومبیلهایی که برحسب اتفاق از بادکوبه برای مسافرت نایب‌السلطنه تا انزلی جمع‌آوری شده بود، به طرف همدان حرکت نمود.

به ورود یفرم، امورات تا اندازه‌ای نظم و ترتیبی گرفت و فوراً بطرف مجلل که پس از وصول خبر نزدیک شدن او، تا مسافتی قشون خود را عقب کشیده بود و مقام دفاعی محکمی در بعضی کوهها بدست آورده بود، حرکت کرد. جنگ در ساعت نه

قبل از ظهر شروع شده در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر آن روز اینطور می نمود که عساکر دولت فتح قاطعی نموده باشند که یفرم با کمال بی باکی به برج خشت و گلی که در عرض جنگ یک عایق نامطبوعی برای او شده بود، نزدیک شد. ظاهراً این اقدام او هیچ سبب و جهتی نداشت چرا که مردان او بخوبی می توانستند این نشانه زندهای قابل برج مذکور را دستگیر و تنبیه نمایند. از قرار معلوم همین که یفرم نزدیک به آن برج رسید، یک دکتر ایرانی که اعمال حالیه او نشانه یک آتیه خوبی بود پهلوی وی به ضرب گلوله مقتول گردید. پس از قتل او، یکی از همراهان یفرم فریاد برآورد و خواست یفرم را از جلورفتن منع نماید که یفرم سر خود را بالا کرده و از بالای برج، گلوله بر گوشه دهان او خورده از پس گردنش عبور و مغزش را از هم متلاشی نمود و همان جا جان سپرد.

گفتگویی نیست در اینکه پیش رفتن یفرم، کار خوبی نبود چرا که به ضرب گلوله دشمن فوراً جان سپرد.

ممکن است که خود او خواستگار مرگ بوده والا توضیح اینکه چرا او بدون هیچ گونه قصدی سوار شده بطرف برجی رفته است که از آنجا گلوله به او انداخته شود، مشکل است.

همین که یفرم به زمین افتاد، عساکر را وحشت فرا گرفته و اگر بواسطه جرئت و عزم کری خان ارمنی که به جای یفرم به فرماندهی منصوب گردید نبود، ممکن بود مصیبت بزرگی آنها را فراگیرد چرا که مجلل السلطان عساکر امدادی خود را که به قصد حمله به یفرم ذخیره نگاه داشته بود که پس از خستگی یک روز جنگ، همراهی نمایند، احضار نمود.

کری به وسیله تیرباران کردن آنها بی که از جنگ فرار کرده بودند، از فرار سایرین جلوگیری کرده سپس آرامه و بختیارها با کمال شجاعت جنگ کرده و پس از سه ساعت جنگ سخت، به عقب نشاندن کامل عساکر مجلل موفق گردیدند.

آفتاب طالع سالارالدوله رو به غروب نهاد و عساکر دولتی استفاده خود را با عزمی ثابت برخلاف معمول جنگهای ایرانیان تعقیب نموده و مجلل السلطان را متدرجاً به عقب نشاندند تا آنکه با هشتاد نفر از همراهان خود به طرف کرمانشاه فرار نمود. بعد از آن، دیگر چندان با عساکر دولتی مخالفتی به ظهور نرسید تا آنکه به دو منزلی آن شهر رسیدند. در اینجا، ایلات کلهر و سایر ایلاتی که به سالارالدوله ملحق گردیده بودند، توقف داشتند ولی از قراری که حالا معلوم می شود، خود شاهزاده در هیچ یک از این جنگها حضور نداشته است. دوباره بخت با عساکر دولتی مساعدت نموده و عساکر مذکور [= عساکر سالارالدوله] شکست خورده داودخان کلهر و پسرش مقتول گردیدند.

راه کرمانشاه حالا مفتوح گردیده و عساکر دولتی با وجود تهدید توخالی سالارالدوله، که تا آخرین دقیقه دست از دفاع برنداشته و دولت مسؤل هرگونه خساراتی که در موقع بمباردمان وارد آید خواهد بود، به شهر وارد گردیدند.

بخوبی معلوم نیست در مورد شخص سالارالدوله چه واقعه‌ای رخ داده است ولی بعضی را عقیده بر این است که او و مجلل‌السلطان فرار کرده و نزد والی پشتکوه رفته‌اند.

بختیاریها و فدائیان فعلاً برای مراجعت به طهران داد و فریاد می‌کنند و این مسأله خود ظاهر می‌سازد که دیگر چیزی در کرمانشاه برای غارت نمانده است. اهالی حضور بختیاریها را در طهران مایل نمی‌باشند و خیلی خطر دارد که هرگاه قبل از آنکه کار سالارالدوله به جایی ختم شود، قشون دولت آنجا را تخلیه نمایند. شاهزاده دوباره آنجا را در حیطة تصرف خود در آورد.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوفی يك نمره ۱۶۶

مکتوب قنصل مک‌دول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۱۵ مه ۱۹۱۲ [۲۵ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۷ ج ۱ - ۱۳۳۰] آقا

افتخار دارم راپورت دهم که سالارالدوله دیروز مکتوبی به من نوشته دعوت نمود از وی ملاقات نمایم. من دعوت او را قبول نموده و در موقع ملاقات، به من اظهار داشت [که] می‌خواهد برای شما توضیح بنمایم که او خود را وطن‌پرست دانسته و فقط مقصودی که دارد این است که در ایران انتظامات اعاده گردیده و حکومت مقتدری که آنهایی که فعلاً زمامدار امور هستند به حصول آن به هیچ وجه موفق نخواهند گردید، در طهران قائم گردد و او می‌تواند بیشتر از سردار اسعد که مقید به وعده‌هایی است که در آخرین مسافرت خود به پاریس به مسیو ایسولسکی [= ایزوولسکی] وزیرمختار دولت روس مقیم پاریس داده، به دولت انگلیس فایده برساند و او (شاهزاده) شخصاً جهة و سببی برای دوست‌داشتن انگلیس‌ها ندارد که در موقعی که در قنصلخانه اینجا پناهنده شده بود، او را تسلیم برادرش نمودند و باعث حبس و تبعید و از دست دادن املاکش گردیدند. ولی از آنجایی که خود را وطن‌پرست می‌داند، بخوبی درک نموده است که دولت انگلیس حقیقتاً مایل [به] حفظ تمامیت ایران بوده و گذشته از آن صرفه دولت مشارالیه‌ها در این است که تمامیت و استقلال ایران محفوظ باشد. او بنا بر این بسیار مایل است که آنچه بتواند در راه تقویت و حمایت منافع دولت انگلیس به انجام رساند و از اول تاکنون اوامر برای حفظ اموال انگلیس‌ها داده است.

من اظهار داشتم که به موجب اخبار واصله از همدان، مجلل‌السلطان شهرت داده بود که وزرای طهران، ایران را به دولتین فروخته و علماء کردستان حکم جهاد برضد دولتین داده‌اند و اول اقدامی که خواهد شد غارت اموال اتباع خارجه خواهد بود. او در جواب گفت که این نشریات نتیجه حيله و تزویر دشمنان او بوده و مجلل بدون امر او نمی‌تواند چنین حکایات را اشاعه دهد.

من وعده دادم که اظهارات وی را برای شما مخابره نمایم. او، سپس به من اظهار

داشت که علی اکبرخان سنجابی با ۸۰۰ نفر به طرف اردوی مجلل حرکت کرده و عده دیگر به وی ملحق خواهند شد.
از قرار اطلاعاتی که به من رسیده، آنها هنوز حرکت نکرده‌اند.

(امضاء) مک‌دول

ملفوف دوم نمره ۱۶۶

مکتوب قنصل مک‌دول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۱۶ مه ۱۹۱۲ [۲۶ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۸ ج ۱ - ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم در تعقیب مراسله دیروز خود را پورت دهم که از قرار اطلاعات دیگری که بدست آمده، معلوم می‌شود که کاظم‌خان سنجابی و سالار ارشد کردستانی که در موقع شکست خوردن فرمانفرما با مجلل‌السلطان بودند، همین که اخبار نزاع بین ایلات مذکور را شنیدند، مراجعت کردند. این کار از روی کمال احتیاط بود چرا که عده قشون فرمانفرما خیلی کم بود. مجلل به سالارالدوله نوشت که عوض آنکه قشون امدادی برای وی برسد، عده‌ای از عساکر وی برای شرکت در جنگ ایلات کرمانشاه حرکت کردند و به او تأکید نموده بود که کارها را مرتب نموده و عساکر امدادی اعزام نماید.

سالارالدوله بعضی از علماء و سائیرین را نزد سنجابیها فرستاده نتیجه این شد که صمصام‌الممالک نزد وی آمده، شاهزاده او را پدر خود خطاب کرده، در آغوشش گرفت و مبلغ سه هزار تومان به انضمام انعامات دیگر به او داد.

صمصام‌الممالک اظهار داشت که ایلات قبول این که در تحت حکمفرمایی کله‌رها قرار داده شوند، نمی‌کنند و اگر آنها با ایلات کله‌ر تلاقی شوند، جنگ به وقوع خواهد رسید و در آن صورت غیرممکن است بتوانند به اتفاق کله‌رها در قشون جنگ کنند. سالارالدوله وعده داد که در صورتی که آنها از وی تقویت نمایند، به هیچ وجه در تحت امر و حکمفرمایی سردار مظفر قرار داده نخواهند شد و خواهش نمود که ۸۰۰ نفر در تحت امر علی اکبرخان و کاظم‌خان به کردستان اعزام گردند که به عساکر مجلل مدد رسانند و سردار مظفر با قشون تحت امر خود به همراه آنها حرکت خواهد کرد. از قرار معلوم صمصام‌الممالک این ترتیب را قبول کرده و برای ملاقات پسرش علی اکبرخان که سرکرده حقیقی این قشون متحده است، به ده خود رفته است ولی هنوز معلوم نشده که آیا او این کار را قبول خواهد نمود یا نه. یحتمل آنها منتظر وصول اخبار از طرف فرمانفرما می‌باشند و اگر او قبل از حرکت آنها مجلل را شکست دهد، نخواهند رفت.

سردار مظفر مکتوبی به احتشام‌الممالک کردند نوشته اقدام او را در تنبیه کله‌رها برای سوء رفتارشان تصدیق کرده است و از قراری که مشهود گردیده، او از قوه قشون متحده ترسیده و مگر آنکه به او حمله شود، با آنها جنگ نخواهد کرد. انتظار

می‌رود که در ظرف یکی دو روز دیگر به اینجا وارد شود که متفقاً به طرف کنگاور پیش‌قدمی نمایند ولی حرکات وی غیر معلوم بوده و هست.

ایلخانی که حالیه با ۲۰۰ الی ۴۰۰ نفر در سنندج توقف دارد، سالارالدوله را اطلاع [داد] که ایل قزل حدود خود را حفظ نموده و می‌نمایند و سالارالدوله او را تعلیم داد که حرکت نکرده و سنندج را حفظ نمایند.

(امضاء) مک‌دول

ملفوف سوم نمره ۱۶۶

مکتوب مک‌دول قنصل به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۲۲ مه ۱۹۱۲ [یکم خرداد ۱۲۹۱؛ ۴ ج ۲ - ۱۳۳۰] آقا

در تعقیب مراسله ۱۶ مه خود، افتخار دارم شما را اطلاع دهم که رئیس ایل سنجابی در جواب توسط قاصد سالارالدوله، پیغام داده است که از آنجایی که با کلمرها نزاع دارد تا زمانی که دسته‌جاتی که آنها اعزام نموده‌اند از کرمانشاه جلوتر نرفته‌اند و چون که فعلاً به واسطه تحریک کلمرها اغتشاشی در سرحد به ظهور رسیده است، او به هیچ وجه نمی‌تواند حتی یک نفر برای او بفرستد. هیچ‌یک از پسران او، به کردستان مراجعت نکرده‌اند.

علی‌اکبرخان سنجابی همین‌که از جنگ بین باجلان و شیخ نصرالدین مستحضر گردید، با سیصد نفر، برای همراهی با باجلان حرکت کرد. سردار مظفر به سالارالدوله اطلاع داده است که تا زمانی که دسته‌جات سنجابی از کرمانشاه حرکت ننموده‌اند، نمی‌تواند برود و به علاوه می‌گوید که تا زمانی که والی پشتکوه حرکت نکرده، او نخواهد رفت. والی پشتکوه در جواب اظهار داشته است که حرکت خواهد کرد ولی در هر یک از مراسلات خود یک عذر و بهانه برای تأخیر حرکت خود ارائه می‌دهد.

از آنجایی که پیشرفت اقدامات سالارالدوله بسته به کمک ایلات است فعلاً کار بر وی مشکل شده، مجل السلطان اتصالاً به سالارالدوله کاغذ نوشته و درخواست اعزام قشون امدادی و حرکت شخص او را می‌کند ولی شاهزاده کاری از دستش بر نمی‌آید و پیغامات دروغی به سالارالدوله محض تشویق و ترغیب برای طرفداران و تقویت‌کنندگان خود فرستاده، راپورت ورود رؤسای ایلات مختلفه را می‌دهد. ۱. من از روی دلیل عقیده‌ام بر این است که او در تهیه فرار ۲ است.

(امضاء) مک‌دول

(۱) چنین است در اصل، جمله نارسا است. - م.

(۲) اصل: قرار. - م.

ملفوف ۴ نمره ۱۶۶

مکتوب مکدول قنسول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۳۱ مه ۱۹۱۲ [۱۰ خرداد ۱۲۹۱: ۱۳ ج ۲ - ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که در ۲۷ ماه، ایلخانی به سالارالدوله راپورت داد که دسته پیشقراول عساکر دولتی را شکست داده و قشون امدادی طلب نمود.

داودخان کلهر (سردار مظفر) طرف عصر روز ۲۸ به وی ملحق گردیده، پس از جنگ مختصری، پیشقراولان مذکور به صحنه مراجعت نمودند. صبح آن روز عساکر دولتی با توپخانه و ماکزیمها، به قشون داودخان حمله برده و داودخان مجروح و پسر ارشدش علی اکبرخان با بسیاری دیگر به انضمام اشخاص معتبر از ایل کلهر، مقتول گردیده بقیه فرار اختیار نموده عساکر دولتی تا بیستون آنها را تعاقب نموده از آنجا به خاک خود فرار کردند. داودخان از زخمی که برداشته بود جان سپرده حاجی زاده‌های ایلخانی بطرف کوهها فرار کردند.

سالارالدوله که گمان نمی کرد کسی جرأت حمله به او را خواهد داشت مجلل السلطان را با یک عراده توپ و قشون امدادی می فرستاد که اخبار شکست و فرار قشونش به وی رسید. کاظمخان سنجابی نزد او بود ولی دفعتاً او هم با همراهان خود و بعضی از کردستانی‌ها بطرف دهات خود حرکت نمود.

سالارالدوله و مجلل با یک عراده توپ و آنچه که قشون همراه داشتند، به طرف لرستان فرار کردند ولی ممکن است به ولایت ایلات کلهر رفته باشند. عده قشون آنها کم است ولی نتوانسته‌ام تخمین عده آن را بدست بیاورم.

بعد از ظهر ۳۰ مه فرمانفرما با قشون خود به کرمانشاه وارد شده. شهر آرام است. (امضاء) مکدول

نمره - ۱۶۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد کری

طهران ۱۴ ژون ۱۹۱۲ [۲۴ خرداد ۱۲۹۱: ۲۷ ج ۲ - ۱۳۳۰]

آقا

از حضور کاپیتان کری ویس قنسول اعلیحضرتی مقیم اهواز استفاده شده است که در تمام مسائلی که مربوط به خوانین بختیاری است، مذاقه و تحقیقات کامل بنماید. مهمترین این مسائل کدورتی است که بین بختیاریها و شیخ محمره موجود بوده و منجر به مخاصمات آشکارا گردیده است.

شما آگاه هستید که بهار سال گذشته به واسطه فشاری که سفارت طهران به بختیاریها وارد کرده و نصایح قنسول اعلیحضرتی در محمره به شیخ که میان‌روی و اعتدال را رویه خود قرار دهد، نزاع بزرگی که ممکن بود بین آنها به وقوع رسد، برطرف گردید. بدبختانه نتیجه تمام این وساطتها این بوده است که طرفین تصور

کرده‌اند به واسطه پذیرفتن نصایح مذکوره خسارات مادی بسیار به آنها وارد آمده است.

خوانین بختیاری ادعا می‌کنند که بنا بر تعلیماتی که از دولت ایران رسیده بود و به خواهش ۱ سفارت، شوشتر را تخلیه نمودند و پس از انجام این کار، عساکر شیخ نه فقط شهر مذکور را اشغال نمودند بلکه تمام محصول و دهات عقیلی را آتش زده خسارت زیاد قریب ۱۰۰،۰۰۰ تومان (۲۰،۰۰۰ لیرا) به اسوال سردار محتشم وزیر جنگ وارد آوردند و به علاوه اظهار می‌دارند که اعراب با بعضی از همراهان و بستگان آنها که در شوشتر مانده بودند بدرفتاری نموده و آنها را حبس کرده بودند. خوانین، مخصوصاً سردار محتشم، از این اقدام که به تصور آنها تخلف از قرار وی بوده که در تحت سرپرستی دولت ایران فیما بین داده شده، خیلی خشمگین می‌باشند و از سفارت اعلیحضرتی هم متغیر هستند چرا که می‌گویند اگر به آنها اطمینان داده نشده بود که شیخ شرایط قرارداد مذکور را پای بند خواهد بود به هیچ وجه من‌الوجه رویه مصالحت‌آمیز نسبت به او اتخاذ نمی‌نمودند. سردار محتشم با کمال تأکید اظهار می‌دارد که اگر غرامت تمام برای خسارات وارده داده نشود، او قریب پنج هزار سوار در پاییز جمع‌آوری نموده عساکر شیخ را تالاب دریا خواهد راند.

از طرف شیخ بطور یقین اظهار شده است که بختیاریها شوشتر را تخلیه ننموده، بلکه همین‌که اعراب نزدیک شدند، فرار کرده مبلغ پنج هزار تومان (۱،۰۰۰ لیرا) که متعلق به همراهان شیخ مقیم آن شهر بود، بردند.

محقق است که قسمتی از اراضی عقیلی را اعراب خراب نموده‌اند و لسی اینطور دعوی می‌شود که این اقدام برخلاف اوامر شیخ به عمل آمده و تصور می‌شود که محتملاً چنانچه سابقاً در مواردی که اینگونه هجومها به وقوع می‌رسیده معمولش بوده است، شیخ تلافی این خسارات را خواهد کرد ولی برای این خسارات پنج هزار تومانی را که بختیاریها از شوشتر برده‌اند محسوب خواهد داشت. این طور ظاهر می‌گردد که شیخ از ناصحین انگلیسی خود ناراضی است چرا که اگر برای خاطر آنها نبود، او در موقعی که افراد اعراب حاضر برای انجام اوامرش بودند، آنها را برای مقابله با بختیاریها به آن نقاط می‌فرستاد.

اوضاع درهم برهم حالیه تا اندازه‌ای که توانسته‌ام به کسب اطلاعات موفق گردم، به قراری است که مذکور گردید و حتی با کمک بی‌طرف مأمورین قنصلخانه اعلیحضرتی، پی‌بردن به حقایق امر چندان سهل نیست چرا که اطلاعات آنها طبعاً از منابع مبهمه است. از قراری که مفهوم ماژور هاورت شده است، بختیاریها شوشتر را تخلیه ننمودند تا آنکه همین‌که قشون اعراب که در عده زیادتر بودند نزدیک شده، آنها را مجبور به این‌کار نمودند و علی‌هذا بختیاریها چنانچه خودشان اظهار می‌دارند، به میل خود بر وفق شرایط قراردادی که در تحت سرپرستی دولت ایران بین آنها

منعقد گردید عمل ننمودند.

به کاپیتان کری اطمینان داده شده است که قسمت معظم استعداد بختیاریها، قبل از آمدن اعراب، از شوشتر حرکت نموده و فقط يك دسته کوچکی برای نظم شهر در آنجا توقف نموده بودند.

ماژور هاورت تصور می‌کند که شیخ به واسطه کثرت قشون خود می‌تواند بختیاریها را مغلوب سازد ولی کاپیتان کری را عقیده بر این است که بختیاریها به واسطه مهارت خود در جنگ به قشون اعراب حمله برده و غلبه خواهند نمود.

حدس اینکه آیا کدام طرف غالب یا مغلوب خواهد شد مهمل و بی‌ثمر است چرا که مقصودی که ما در نظر داریم این است که از وقوع مصادمه که باعث تسویه عمل شود جلوگیری کنیم و برای این مقصود، ما در موقع ملاقات کاپیتان کری به خوانین تأکید نموده‌ایم راضی شوند در پاییز اجلاسی در نقطه‌ای نزدیک شوشتر منعقد گردیده از طرف شیخ و بختیاریها وکیلی به آنجا فرستاده شود. ماژور هاورت و کاپیتان کری هم در آنجا حضور بهم رسانیده و مساعی جداً بکار برده خواهد شد که تمام مسائل معوقه به امید اینکه صلح بادوامی برقرار شود حل و تسویه شود.

خوانین اظهار میل نموده‌اند که وکیلی از طرف خود بفرستند ولی می‌گویند نمی‌توانند به وکیل خود اختیارات تامه برای اتمام قراردادی در آن محل بدهند و شرایط چنین قراردادی که در مد نظر است، بایستی به طهران فرستاده شود که در آن مذاقه نموده و آن را تصویب نمایند.

این‌طور پیشنهاد شده است که مجلسی در ماه دسامبر آینده منعقد گردد و تصور می‌شود که مذاکره تمام مسائل جاریه اقلاً يك ماه طول خواهد کشید.

من از روی دلیل عقیده‌ام بر این است که قنسول جنرال مقیم بوشهر، انعقاد چنین مجلسی را کاملاً تصویب خواهند نمود و یحتمل خودشان به مدت کمی آنجا حضور پیدا کنند.

من این ارائه طریق را به اطلاع سر پی‌کاکس رسانیده‌ام و در صورتی که شما تصویب بنمایید، پیشنهاد می‌کنم سعی کنیم خوانین را واداریم کتباً قبول فرستادن نماینده در آنجا بنمایند.

من خیلی امیدوارم که تبادل نظریات، نتایج مستحسنة خواهد داشت ولی عقیده‌ام بر این است که در صورتی که برای دولت ایران ممکن باشد حکمران بی‌طرفی به عربستان بفرستند که دائماً در شوشتر اقامت نماید. این اقدام ماداً ۱ برای برقرار داشتن مناسبات حسنه فی‌مابین دو طرف مدد و کمکی خواهد بود. در این صورت اگر ممکن باشد حکمران قراولان و مستحفظین را که لازم دارد از هیچ‌یک از دو فرقه متخاصم نخواهد گرفت و اگر انجام این کار امکان‌پذیر نشد، من ارائه طریق می‌کنم که قراولان او باید نصف از اعراب و نصف از سواران بختیاری باشد و اعراب را

برای مأموریت‌های راجع به اعراب و بختیاریها را برای مأموریت‌های راجع به بختیاریها بفرستند.

البته این مسئله مسلم است که نه بستگان شیخ و نه بستگان بختیاریها نباید در عمل حکومت شهر شوشتر و دزفول سرکشی داشته باشند.

بسیاری از منازعات سابقه، به علت فاصله طولانی بین عزل حکمران و تعیین حکمران دیگری بوده که در غیاب مأمورین صحیح دولتی، حکومت این نقاط به شیخ یا بختیاریها سپرده شده است.

من عقاید خود را به اطلاع سر پی کاکس و ماژور هاورت رسانیده و امیدوارم که در صورتی که شما تصویب بنمایید، به وسیله آنها بتوان این اوضاع امور را که متضمن بسیاری پیش آمدهای غیرمطبوع است خاتمه داد که از آن جمله مسدودگردیدن راه بختیاری که فقط راهی است که تجارت انگلیس از جنوب به شمال به وسیله آن ممکن است، خواهد بود.

چنانچه ملاحظه می شود [بین] تخمین مقدار خسارتی که سردار محتشم نموده با تخمینی که ماژور هاورت نموده است فرق کلی است. یحتمل ماژور هاورت فقط خساراتی را که وارد آمده تخمین نموده است و حال آنکه سردار محتشم اصرار دارد بر اینکه رعایای دهات او، از آنجا رانده شده [اند] و دیگر جرأت مراجعت ندارند و به این طریق تا چندین سال دیگر، زراعت در آن دهات نخواهد شد و این اراضی در ۱۹۱۲ به شانزده هزار تومان اجاره داده شده بود (۳،۲۰۰ لیرا).

خیلی غیرمحمتم است که سردار محتشم بتواند پنج هزار نفر برای جنگ تهیه کند چرا که عده قوه جنگی بختیاریها فقط به ۸۰،۰۰۰ نفر تخمین شده که دو هزار نفر آنها خارج خاک بختیاری به طهران و اصفهان فرستاده شده اند.

اگر جنگی بین بختیاریها و شیخ به وقوع رسد، اثرات بسیار عمیق بر اوضاع پلتیکی ایران و تجارت انگلیس خواهد داشت.

یک مسأله مسلم است و آن این است که بختیاریها از اوضاع پلتیکی حالیه استفاده نموده، هر قدر بتوانند اسلحه و مهمات جنگی به خاک خود وارد می کنند.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۱۶۸

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ ژون ۱۹۱۲ [۲۴ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۳۰]

آقا

مکتوب سابق من در باب امورات بختیاری، راجع به مسأله مناسبات این ایل مقتدر و

(۱) چنین است در اصل. - م.

(۲) در اصل ۸۰۰۰ هزار نفر. - م.

متنفذ و شیخ محمره می باشد.

در این مکتوب سعی من در این خواهد بود که اوضاع راه اهواز الی اصفهان را که به راه بختیاری مشهور است، توضیح نمایم اگرچه به واسطه اینکه کمپانی لینچ این راه را تعمیر نموده اند موسوم به راه لینچ می باشد.

از چندی به این طرف، غالباً شکایت می کردند که خوانین بختیاری که مسئول حفظ راه می باشند، اقدامات لازمه برای تأمین آن نمی نمایند و در این باب اتصالاً به خوانین طهران اظهار می شد و آنها تعلیمات مکرره برای خوانین محلی می فرستادند که اقدامات لازمه برای حفظ قوافل راه بنمایند و به این مسأله خیلی اهمیت داده می شد که یوسف خان امیر مجاهد برای حکومت بهبهان تعیین شده و او می تواند از کلهکلوئیها [= کلهگیلویه ای ها] که در بعضی از مواقع سال هنگامی که برای بختیاریهای چادر نشین به محلات دیگر که دارای مراتع و آب فراوان باشد، نقل مکان می کنند، مشغول راه زنی می شوند، جلوگیری نماید.

در موقع باریکی که خیلی لازم بود اقدامات برای جلوگیری کلهکلوئیها [= کلهگیلویه ای ها] به عمل آید، خبر رسید که امیر مجاهد به طرف بهبهان حرکت نموده و به علت مخالفت سردار اشجع پسر عموی او که کنترل راه را به دست خود می دانست و با زرنگی مخصوصی که به هیچ وجه مقتضی و مناسب منافع راه نبود عمل می نمود، دست از مأموریت خود کشیده است.

سردار اشجع تا همین اواخر به حکمرانی اصفهان منصوب بود و عدم کفایت خود را در آنجا ثابت نمود. مقارن وصول اخبار بدرفتاری او نسبت به پسر عمویش، این طور راپورت داده شد که او از مفتشین راه که اداره لینچ فرستاده بود، جلوگیری کرده و آنها را به اصفهان مراجعت داده است. سفارت فوراً به خوانین پروتست نموده و سردار اشجع به پایتخت احضار شد که اعمال خود را توضیح نماید.

از قراری که مذکور است او فعلاً در راه است ولی در عرض این مدت سارقین کلهکلوئی [= کلهگیلویه ای] راه را کاملاً اشغال نموده [اند] و کمی شك می رود از اینکه تا چند هفته دیگر عبور و مرور قوافل در آن بکلی موقوف شود.

این مسأله فعلاً جلب توجه مخصوص خوانین اینجا را نموده و موضوع مذاکرات، موقع ملاقات کاپیتان کری شده است. پس از تفکرات بسیار، آنها به وکیل لینچ پیشنهاد کرده اند که اداره لینچ بایستی مبلغ (۴۰،۰۰۰ تومان) قریب (۷،۵۰۰ لیرا) به آنها قرض دهد که به اقساط در مدت پنج سال وجه مذکور را مسترد دارند و عذر آنها این است که پول برای محافظت راه موجود ندارند و اظهار می دارند که در صورتی که وجه مذکور داده شود، در نظر دارند سردار جنگ، یکی از برادران سردار اشجع را، برای حکومت بهبهان نامزد نموده اختیارات تامه در راه و در تمام خاک بختیاری به وی بدهند و چنانچه اظهار می دارند در تحت کنترل او انتظار اعساده انتظامات را دارند. خوانین در نظر دارند که اقساط و منافع قرضه مذکور را از باج

پلمها بپردازند و حاضرند در صورتی که در پرداخت بدهی خود از بابت قرضه تعویقی روی دهد، وصول باجها را به اداره لینچ واگذار نمایند و می‌گویند که در صورتی که وجه نرسد، نمی‌توانند خود را مسؤول امنیت راه قرار دهند، چرا که وجه برای انجام این مقصود ندارند.

سردار جنگ، در ۱۴ شهر جاری از من ملاقات نموده مرا اطمینان داد که آنچه بتواند برای ضمانت امنیت راه و اعاده انتظامات در تمام خاک بختیاری اقدام خواهد کرد. او مشهور به فعالیت و داشتن خصوصیات زیاد نظامی و جدیت و عزم می‌باشد و ملاقات او بر من اثر خوبی نمود.

در جواب سؤال من که آیا باجهایی که امساله وصول شده چه شده است؟ سردار جنگ اظهار داشت که این پول برای خرید اسب و ملبوس لازمه برای بختیاریهایی که در اقدامات نظامی اخیر شرکت داشتند، به مصرف رسیده است.

من اهمیت زیادی را که دولت اعلیحضرتی به مفتوح بودن دائمی راه و خالی بودن آن از سارقین می‌دهند، به سردار جنگ تأکید کردم و او مرا اطمینان داد که اگر اداره لینچ پولی که لازم است بپردازند يك هزار نفر برای قراولی راه تعیین خواهد کرد. ولی غیر از قول، خوانین وثیقه دیگری نمی‌توانند بدهند که آیا این پول در صورتی که داده شد برای مقصودی که در نظر است به مصرف خواهد رسید یا نه.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۱۶۹

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ ژون ۱۹۱۲ [۲۷ خرداد ۱۲۹۱؛ یکم رجب ۱۳۳۰]

آقا

در جواب تحقیقاتی که صلاح دانستم از مأمورین کنسولگری اعلیحضرتی مقیم بوشهر و شیراز در باب اوضاع امنیت راههای بزرگ جنوبی در عرض چند هفته اخیر و احتمالات بهبودی در آتیه بنمایم، برای من تلگرافاتی رسیده که افتخار دارم اینک سواد آنها را جوفاً ایفاد دارم.

چنانچه ملاحظه خواهید فرمود اگرچه بیش از چند فقره سرقتهای مهم راپورت داده نشده ولی اشکالاتی که به واسطه اجحافات سارقین و در خطر بودن جان و مال، قوافل و مسافرین را دوچار شده و می‌شود، ظاهراً رو به ازدیاد است و نه مستر بیل و نه مستر اسمارت نمی‌توانند آثار و علائم بهبودی نزدیکی را نشان دهند.

اما از بابت قسمت راه شیراز الی اصفهان، از غره آوریل الی هفتم ژون، مستر جنرال کنسولگری هم این‌طور تلگراف می‌کند:

روز ۲۸ مه قریب ۴۰۰ رأس حیوان محمول مال‌التجاره از شیراز به اصفهان وارد

شد و قریب ۴۰۰ رأس در ۷ ژون از اصفهان به طرف شیراز حرکت کردند. علاوه بر این، دیگر قافله وارد و خارج نشده است. امنیت قسمت راه از اصفهان الی آباده بهتر شده است و از طرف ادارات تجارتنی انگلیس، راپورت سرقتی داده نشده است. مراتب فوق و لزوم مستحفظین زیاد، در هر موقعی که قافله‌ای حرکت می‌کند، وضع غیر معمول راه را نشان می‌دهند. برخلاف معمول سابق قاطردارانی که از شیراز به شهر وارد می‌شوند، از مراجعت به طرف جنوب امتناع می‌ورزند و ایاب و ذهاب در راههای دیگر را ترجیح می‌دهند و این مسأله قابل ملاحظه است.

از تلگرافات مستر بیل و مستر اسمارت ملاحظه می‌شود که محمدعلی‌خان و دو نفر دیگر که مسئول حمله بر مستر اسمارت و مستحفظین او می‌باشند، به اشتعال ناپیره این اعمال وحشت‌انگیز و دهشت‌آمیز در راه بوشهر الی شیراز دامن می‌زنند و قوام‌الملک، خود را از آنها مقتدرتر نمی‌داند که این رؤساء را دستگیر یا از آنها جلوگیری نمایند. از بابت این مسأله تاکنون موقعی بدست نیاورده‌ام که زیادتر فشاری به حکومت مرکزی بیاورم چرا که بحران کابینه‌ای که در تلگراف ۳۱ مه خود رجوع به آن کردم، به واسطه مساعی که برای ترغیب نمودن ا وثوق‌الدوله به عدم استعفایش به کار برده می‌شود و تلون مزاج وزیر مذکور، هنوز امتداد دارد.

در باب وضعیت ایلات جنوب و کشمکش بین صولة‌الدوله و ایلخانی جدید قشقائیه، افتخار دارم سواد مراسله اخیر را که مستر اسمارت کفیل قنسولگری در ۲۸ مه در این موضوع برای من فرستاده، لفاً ایفاد دارم. از این مراسله معلوم می‌گردد که عدّه قشون صولة‌الدوله خیلی کم شده و قابل اهمیت نمی‌باشند ولی مغلوب نمودن کامل او مشکل است.

اگرچه حرکت ایلات بدون وقوع حادثه نامساعدی که وقتی انتظار آن می‌رفت، به اتمام رسیده ولی مدیر اداره تلگرافخانه هند و انگلیس بطور سخت از خرابی که عمداً به خطوط تلگرافی ایالت فارس وارد شده و باعث قطع مخابرات و انفصال مذاکرات تجارتنی گردیده است، شکایت می‌کند.

یک مسأله رضایت‌بخش که در اوضاع فارس مشاهده می‌شود و مستر اسمارت کفیل قنسولگری راپورت آن را داده، بهبودی زیاد رویه و سلوک علماء نسبت به انگلیس و تبادل اظهار تهنیت و مبارکباد روز تولد پادشاه انگلستان از طرف امام‌جمعه بود.

(امضاء) والتر تنلی

مجدداً عرض می‌شود جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می‌دهد که قافله‌ای (قافله ۲۸ مه) از راه سرحد وارد اصفهان گردید.

ملفوف يك نمره ۱۶۹

تلگراف مستر بیل کفیل قنصلگری به سر والتر تنلی

بوشهر ۸ ژون ۱۹۱۲ [۱۸ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۱ ج ۲ - ۱۳۳۰]

فقط شکایتی که از بابت سرقت اجناس انگلیس در اینجا شده از بابت سرقت تریاک کمپانی وکسن [=ویکسون؟] است که قیمت آن معادل ۴۰ لیرا می‌شود که علی کمارجی متمرّد، که یکی از مسؤولین حمله دسامبر گذشته [آذر-دی، ذیحجه-محرم] است، آن را در کاروانسرای خواجه ابراهیم سرقت نموده است. ولی بعضی را عقیده بر این است که از کنار تخته در امتداد راه، خرده‌دزدیهای زیاد شده.

ثانیاً آثار و علائم بهبودی مشهود نیست و برخلاف اوضاع، راه از همیشه برای قوافل و مسافرین اروپایی بدتر شده است و برای اتباع انگلیس خطرناک می‌باشد. معاون رئیس بانک چون عده زیادی مستحفظ از شیراز همراه برده بود، توانست سالمأ به مقصد برسد ولی اظهار می‌دارد که تفنگچیها برای هر قاطری ۷ تومان اخذ نمودند. در دیرسن [=دریسی؟] به یکی از تجار آلمانی قرب همان تاریخ شلیک شد و تهدیداً تا تنگ ترکان برده شد و مجبور به پرداخت یکصد تومان گردید. به بعضی از تجار فرانسوی نیز در ماه آوریل [فروردین-اردیبهشت، ع ۲ - ج ۱] شلیک شد و مجبور به دادن چهل تومان گردیدند. یکی دیگر از تجار آلمانی که چند روز قبل از این وارد شد مجبور به دادن ۱۵ تومان شده و به زن او در جعفر جن، بی‌احترامی شد. اجزاء اردوی سواره هندی و شترداران بلوچ ۱ که چند سال قبل در نزدیکی یزد غارت شده بودند، دو هفته قبل مراجعت نموده و سرقتی را که در کاروانسرای خواجه ابراهیم بوقوع رسیده و يك مسلمانى که متهم شده بود هندو است، پس از آنکه به ده آورده شده و آنجا توقیف گردیده بود و مجبور به خواندن نمازش نموده بودند، راپورت دادند. سایر اشخاصی هم که متعلق به آن دسته بودند، در جعفر جن غارت شدند.

ثالثاً پولهایی که به عنوان راهداری نامشروع در اوایل آوریل ۱۹۱۱ [اواسط فروردین ۱۲۹۰، اوایل ع ۲ - ۱۳۲۹] گرفته شده، از ۱۵ قران الی ۷ تومان هر رأس قاطری می‌رسد و در ماه سپتامبر ۱۹۱۱ [شهریور-مهر ۱۲۹۰، رمضان-شوال ۱۳۲۹] از ۱۷ قران الی نه تومان و نیم و در عرض دو ماه گذشته از ۲۱ قران الی ۲۷ قران بوده است. الحال تفنگچیان در متجاوز از ۳۰ محل به زور پول می‌گیرند و قند و چای زیادی برده‌اند. قاطرداران به طور سخت شکایت دارند.

رابعاً یکی از بدترین چیزهایی که از زمان اقتدار حاصل نمودن رؤسای کشکولی به‌ظهور رسیده فروختن قسمتهای راه به مزایده و به‌کاربردن آن برای منافع خویش می‌باشد و حق لخت‌کردن و اجحاف به قوافل و مسافرین را آشکارا خرید و فروش

(۱) اصل: بلوچ را. - م.

(۲) اصل: نموده. - م.

می نمایند. کَشکولیه‌ها راه خود را به طرف دره قادون منحرف نموده‌اند برای آنکه از کازرون عبور نمایند، و کاروانسرای بدنام منزل اول را به محمدعلی که با خان کمارج دشمنی دارد، سپرده‌اند. در اواخر آوریل و اوایل مه [اواسط اردی‌بهشت ۱۲۹۰، اوایل ج ۱ - ۱۳۲۹] کاروانسراها به واسطه جنگ ایلات نزدیک زینان [= زینان؟] تعطیل شد.

خامساً در عرض ده هفته اخیر، فقط ۴،۰۲۴ رأس قاطر به موجب ثبت، وارد بوشهر شدند و فقط ۱،۰۷۰ رأس در ۱۸ روز گذشته وارد گردیدند. این عده روی هم رفته غیرمکفی است. قوافل مجدداً از راه شیخ که راه تجارتنی نیست و ایاب و ذهاب در آن اشکال دارد عبور و مرور می‌کنند. مظنه کرایه هر ۷۷۰ پوندی از بوشهر الی شیراز به ۳۴ تومان رسیده است.

سادساً کاروانسرا و ده جعفر جن، فعلاً مغشوش‌ترین نقاط راه می‌باشند و لسی اجحافات آزادانه به عمل می‌آید و مردان مسلح روز به روز جسورتر می‌شوند.

ملفوف دوم نمره ۱۶۹

تلگراف مستر اسمارت کفیل قنصلگری به سر والتر تنلی

شیراز ۹ ژون ۱۹۱۲ [۱۹ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۲ ج ۲ - ۱۳۳۰]

در عرض ده هفته اخیر، راه معظم از شیراز الی سرحد اصفهان برای عبور و مرور قوافل مسدود گردیده است. در اوایل آوریل، [اواسط فروردین ۱۲۹۰، اوایل ع ۲ - ۱۳۲۹] قوام الملك، به حرکت دادن دو نفر مسافرین فرانسوی از سرحد خاک یزد الی شیراز از راه ده بید، سالمناً موفق گردید.

پس از مذاکرات بسیار با رؤسای ایلات خمسه و تأخیر زیاد و با مستحفظین زیاد که در بعضی از منازل عده آنها به ۲۰۰ نفر در تحت امر چهار رئیس می‌رسید، ما توانسته‌ایم مال‌التجاره را با گاری محمول مال‌التجاره انگلیسی و اجناس اهل محل، در عرض سه هفته به آباده بفرستیم. این مال‌التجاره‌ها فعلاً در آنجا معطل مانده و حکمران آباده تصور می‌کند عده کثیری مستحفظین کَشکولی لازم است و من فعلاً در این باب مشغول مذاکره می‌باشم.

در عرض ده هفته اخیر، قسمت راه از آباده الی اصفهان، خیلی امن‌تر شده است و مفتش اداره تلگراف انگلیس و هند می‌توانست با کمال امنیت برای تفتیش خط تلگراف در امتداد راه حرکت کند.

بهبودی راه یحتمل بیشتر به واسطه این بود که چون در راه، قوافل عبور و مرور نمی‌نمودند راهزنان دیگر راه را ترك نموده بودند.

ورود قشقائیهایی که به طرف شمال نقل‌مکان می‌کنند چون جلو راه کهکلوئیها [= کهگیلویه‌ای‌ها] را خواهند گرفت، ممکن است این راه را باز نگه دارد.

قوافل و پسته حالا از راه سرحد عبور و مرور می‌کنند و محتمل است تا زمستان هم وقتی که ایلات خمسه در موقع حرکت خود به طرف جنوب، از راه معمولی بروند،

قوافل و پسته از این طریق عبور و مرور نمایند.

راه بوشهر برای قوافل باز است ولی اوضاع امنیت آن رضایت بخش نیست. ایالت فارس همین حالا مرا اطلاع داده اند که قوافل می توانند از پشت کمارج، خود را به راه معمولی برسانند ولی راپورت هایی که از کازرون رسیده، از قرار معلوم نشان می دهند که این خبر قدری زود داده شده و بی موقع است.

تاکنون بعضی از قوافل برای آنکه از دست قراولان وحشی صفت، یعنی بستگان محمدعلی خان که در راهدار محل وقوع حمله به عساکر ما باشد، خود را مستخلص سازند، از گردنه سرازیری از راه بردون از کازرون به طرف کمارج می روند و محافظت این راه حالیه به دست خورشیدخان کمارجی و کلانتر کازرون است ولی قراولان کاشغری که راه شمال کتل دختر را محافظت می کنند برای آنکه چرا این قوافل از راه نودان نرفته اند، آنها را زیاده بر معمول زحمت داده و جبراً از آنها پول می گیرند. سایر قوافلی که به راهدار می آیند، قراولان راهدار آنها را به ضرب سر تفنگ مجبور به رفتن از راه نودان می کنند. اگرچه گاهگاهی از قرار معلوم آنها را پس از گرفتن مبالغ گزاف گذارده اند از راه معمول بروند.

بزرگترین این وحشیهای راهدار، یکی از مرتکبین حمله به عساکر ما است. قوام الملک با وجود اطمیناناتی که به من داده است، هنوز نتوانسته است او را دستگیر کرده و یا از راه دفع نماید. در تمام راه، قراولان قشقائی قاطرداران را زیاده از حد تحمل اذیت کرده و جبراً از آنها پول می گیرند و جعبه های مال التجاره را باز کرده و خرده دزدی می کنند.

میانه آنهايي که در طرفین راه سکنی دارند، با قشقائیها خوب نیست و خورشیدخان تهدید می کند که دهات شاهپور و راهدار را که محمدعلی خان تابستان گذشته پس از تعدیهای عمدی بر او، به زور گرفته است پس بگیرد.

اگر خورشیدخان^۱ به استرداد این نقاط موفق گردد، قسمت راه از کمارج به میان کتل، امن خواهد شد. او از من درخواست تقویت نموده مادامی که با کمال شدت خورشیدخان و همدستان او را برای منع جنگ و جدال که ممکن است راه شیراز موقتاً به واسطه آن مسدود گردد، نصیحت می نمایم.

من نظر به مصالح راه، به قوام الملک تأکید می کنم که تقاضاهای حقه خورشیدخان را قبول نموده و قشقائیها را از تلافی کردن ممانعت نماید. قوام الملک خود را قادر بر جلوگیری از محمدعلی خان مقتدر، که بزرگترین سبب شرارت است، نمی داند.

به علت همراهی قوام الملک و رویه دوستانه خوانین کشکولی نسبت به قنسولخانه، من توانسته ام پنج نفر از مسافرین اروپایی را در راه بوشهر حرکت دهم ولی با ترتیبات و تشویش خیال زیاد این کار را کرده و آنها را به دست ایلیاتیهایی که مربوط به حمله به عساکر ما بودند، سپردم. دو نفر از این مسافرین مورد بی احترامی

سخت واقع شده و وحشیهای راهدار، از آنها جبراً پول گرفته و تفنگک به آنها قراول رفته و حتی برای تخویف آنها، تیر هوایی خالی کردند.

از غره آوریل تاکنون، راپورت يك فقره سرقت شش لنگه اجناس انگلیسی در جنوب دشت ارجن، که قیمت آن معادل ۱۸۰ لیرا می‌باشد و سه فقره خرده‌دزدی داده شده است. تمام اطلاعات راجع به قطع‌شدن سیمهای تلگراف به دفعات مکرره و سرقت اموال غلامهای مأمور تعمیر خطوط را می‌توان از مدیرکل در تهران بدست آورد.

من چندان امید بهبودی امنیت قسمت شمالی راه را تا زمستان ندارم چرا که مطیع ساختن ایلات خمسه فعلاً غیرممکن است و از قسمت جنوبی هم تا زمانی که در اقتدار خودسرانه قشقائیها در راه، اعتدالی حاصل نشده امید بهبودی نمی‌رود. ایالت فارس در موقع نبودن قوه نظامی از روی زرنگی تمام، به واسطه اتحاد ایلات اداره می‌شود.

محمدعلی‌خان و کشکولیها، فعلاً عضو اعظم این اتحاد ایلات می‌باشند و تا وقتی که دولت بتواند از تقویت آنها صرف‌نظر کرده و ترتیب اتحاد آنها را طوری دهد که در تحت اطاعت و انقیاد دولت وارد شوند، مدتی وقت لازم است.

ملفوف سوم نمره ۱۶۹

تلگراف مستر اسمارت کفیل قنسولگری به سر والتر تنلی

شیراز ۲۸ مه ۱۹۱۲ [۷ خرداد ۱۲۹۱: ۱۰ ج ۲ - ۱۳۳۰]

صولت‌الدوله دوباره در بیضاء به دره‌شولیها ملحق شده و به وسیله سرزنش نمودن آنها که از کشکولیها شکست خورده‌اند، سعی نمود که تقویت آنها را مجدداً جلب نماید. ایلات مذکوره از قبول این کار سر باز زده و همین‌که ایلخانی با استعداد وارد شد، صولت‌الدوله به طرف شمال مراجعت نمود. ایلخانی او را تعاقب نموده در دزکرد به او برخورد و آنجا جنگی به وقوع رسیده، صولت‌الدوله بدون آنکه مقاومت سختی بکند، فرار اختیار نمود و دوباره بطرف جنوب رفته و از قراری که راپورت داده‌شد، مجدداً به بیضاء رفته است.

دو نفر از رؤسای کشکولی و فارسی‌مدان را که دائماً در شیراز اقامت گزیده‌اند، قوام‌الملک روز ۲۶ مه با سی نفر از سواران فارسی‌مدان برای تحقیق و تفتیش به بیضاء فرستاد؛ اینها شب اول را در پوزه‌کوشان که فقط پنج میل از شهر مسافت دارد توقف نموده و در عرض شب، صولت‌الدوله با رؤساء و قریب ۲۰۰ سوار، بلاانتظار وارد شد. فارسی‌مدانیها حمله برده بعضی از عساکر صولت‌الدوله را با عده‌ای [از] اسبها مقتول نمودند. صولت‌الدوله و همراهانش متفرق گردیده و تصور می‌شود شبانه به فیروزآباد رفتند. رؤساء به‌من اظهار داشتند که آنقدر به صولت‌الدوله نزدیک شدند که صدای او را می‌شنیدند [که] به حمله‌کنندگان قشقائی خود ملتمس

شده بود که چون زن و بچه همراه او بوده، شلیک نکنند.

صولةالدوله از آنجایی که گله و رمه و اهل خانه زیادی همراه ندارد، می تواند با کمال سرعت از نقطه ای به نقطه دیگر حرکت کند و به وسیله این قسم جنگهای غیر منظم ایلیاتی، گرفتاری او خیلی سخت است. یحتمل فقط يك استعداد دولتی در تحت امر يك نفر صاحب منصب دولتی، به همراهی ایلات متحده، بتواند با نقشه ای که از روی دقت طرح شده باشد و پیش بینی کامل، او را مغلوب سازد.

نمره - ۱۷۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ ژون ۱۹۱۲ [۲۷ خرداد ۱۲۹۱؛ یکم رجب ۱۳۳۰]

آقا

در باب تلگراف ۱۲ شهر جاری خود، افتخار دارم اینک ترجمه دستخطی را که نایب السلطنه، قبل از حرکت به سمت اروپا امضاء نموده و مرنارد را به مقام خزانه داری کل ایران تعیین نموده است، لفاً ایفاد دارم.

مسیو مرنارد این نوشته را برای من فرستاده و جلب توجه مرا به این مسأله می نماید که از تعیین وی به این مقام، تغییری در اداره نمودن گمرکات حادث نخواهد گردید و اداره نمودن آن در تحت نظارت و مسؤولیت مستقیم وی به عمل خواهد آمد.

چنانچه در تلگراف فوق الذکر من اشاره رفته، مفاد عبارت این دستخط شبیه به همان است که من در تلگراف ۲۵ مه [۴ خرداد ۱۲۹۱، ۷ ج ۲ - ۱۳۳۰] خود، برای تصویب شما مخابره نمودم. شاید به موجب این نوشته از اختیارات خزانه داری کل از بابت پرداخت وجوهات راجع به قروض خارجه قدری کاسته شده باشد ولی در صورت لزوم، همیشه می شود اختیارات زیادتر مخصوصاً به مناسبت هرگونه قرضه خارجی در آتیه، به او داده شود. همکار روسی من، با این عقیده شریک است.

مسیو مرنارد مرا اطلاع می دهد که کنترات علیحده که مدت استخدام او را تا پنج سال تعیین نماید، از طرف وزیری که مربوط به این کار است، به امضاء خواهد رسید. (امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۱۷۰

ترجمه دستخط نایب السلطنه

به نام اعلیحضرت سلطان احمدشاه قاجار

نظر به مواد قانون ۲۳ جوزای سنه تنگوزئیل و نظر به لزوم تعیین قطعی شخصی به مقام خزانه داری کل و بنا بر پیشنهاد وزیر مالیه و تصویب شورای وزراء، مقرر می داریم:

(۱) مسیو جاکس جوزف مرنارد مدیرکل گمرکات ایران، به مقام خزانه داری کل ایران تعیین می شود.

(۲) تمام وظایف مشاغل معینه به موجب قانون ۲۳ جوزای تنگوزئیل، به عهده مسیو مرنارد خواهد بود که در تحت اختیار وزیر مالیه، بر وفق قوانین اداری که خزانه‌داری کل با مشورت وزیر مالیه و تصویب شورای وزراء تدوین نماید، به انجام برساند.

(۳) خزانه‌داری کل، بر تمام اداراتی که وزیر مالیه مسؤول آن است، به انضمام اداره گمرکات بطوری که در قانون فوق‌الذکر معین شده، نظارت خواهد داشت و این ادارات را بر حسب شرایط ماده دوم تشکیل خواهد داد.

(۴) یکی از وظایف مخصوصه خزانه‌داری کل این است که پرداخت تمام بدهیهای دولت را که با خارجه‌ها قرارداد نموده‌اند، از قبیل پرداخت منافع و استهلاك یا استرداد قروض دولتی و حقوق و وظایف و غرامات و جبرانها و هر قسم پولهای دیگری که دولت قانوناً می‌پردازند، سر وقت و در موعد هر یک تأمین نماید.

(۵) دولت سالیانه مبلغ ۲۰،۰۰۰ فرانک تا مدتی که مسیو مرنارد به مقام خزانه‌داری منصوب است، به وی خواهد داد. این حقوق علاوه بر حقوق اصلی او می‌باشد.

(۶) وزیر مالیه اقدامات لازمه برای اجرای این دستخط خواهد نمود.

(امضاء) ابوالقاسم ناصرالملک نایب‌السلطنه

نجفقلی بختیاری رئیس شورای وزراء

معاون‌الدوله وزیر مالیه

طهران ماه جمادی‌الآخری سیچقان‌ئیل ۱۳۳۰

نمره - ۱۷۱

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ ژون ۱۹۱۲ [۲۷ خرداد ۱۲۹۱؛ یکم رجب ۱۳۳۰]

آقا

در باب تلگراف ۵ شهر جاری شما، افتخار دارم اینک سواد مکتوبی را که در ۷ شهر جاری در موضوع استرداد ۱۰۰،۰۰۰ لیرا استقراضی دولت ایران به بانک شاهنشاهی طهران نوشته و از بابت وصول منافع ۳۵،۰۰۰ تومان (۷،۰۰۰ لیرا) که دولت اعلیحضرتی قبلاً به طور مساعده داده بودند، دستورالعمل داده‌ام، لفأ ایفاد دارم. سواد مکتوبی که رئیس کل بانک در جواب به من نوشته است نیز در جوف است.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۱۷۱

مکتوب سر والتر تنلی به بانک شاهنشاهی

طهران ۷ ژون ۱۹۱۲ [۱۷ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۰ ج ۲ - ۱۳۳۰]

آقا

در باب مکتوب ۲۸ مارس [۸ فروردین، ۸ ع ۲] سر جارج بارکلی به عنوان شما، در خصوص مساعده ۱۰۰،۰۰۰ لیرا به دولت ایران، در تحت تعلیمات دولت اعلیحضرتی،

باید از بانک شاهنشاهی استدعایمانیم که پس از پرداخت وجوهات بابت قرضه انگلیس و هند ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ [۱۲۸۰ تا ۱۲۸۳، ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲] و وجوهات بابت قرضه صدی پنچ ۱۹۱۱ [۱۲۸۹، ۱۳۲۹] دولت ایران، از حالا به بعد، از عایدات گمرکات جنوبی ماهیانه مبلغی که برای پرداخت منافع سالیانه صدی هفت بر وجه قرضه مذکور کافی باشد، نگاه دارید و برای دولت اعلیحضرتی بفرستید. منافع صدی هفت هم از بابت ۳۵،۰۰۰ تومانی که به طور مساعده، در دوم مارس به دولت ایران داده شده، برای مدت قبل از استرداد آن نیز باید وصول شده و معادل آن به لندن فرستاده شود. محاسبات این فقرات بایستی از حساب قرضه انگلیس و هند ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ علیحده نگاه داشته شود.

این مسأله را بایستی اظهار نمایم که چنانچه آگاه هستید، بنابر قرارداد با دولت ایران، اضافه عایدات گمرکات جنوبی بایستی بالتمامه برای استرداد قرضه ۱۰۰،۰۰۰ لیرا نگاه داشته شود. دولت اعلیحضرتی تصمیم نموده‌اند که تا ۱۲ ماه دیگر یعنی از ۲۸ ماه مارس الی ۱۲ ماه، استهلاك این وجه را به عهده تعویق اندازند و شما ممکن است این اضافه عایدات را به اختیار دولت ایران واگذارید البته بشرط اینکه این اضافه عایدات در صورتی که عمل قرضه به انجام نرسید، محل تأمین پرداخت قرضه مذکور بوده و پس از مدتی که ذکر شد، از آن بابت پرداخته شود.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف دوم نمره ۱۷۱

مکتوب بانک شاهنشاهی به سر والتر تنلی

طهران ۱۳ ژون ۱۹۱۲ [۲۳ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۶ ج ۲ - ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم وصول مکتوب ۷ شهر جاری شما را اطلاع داده از میل و اراده دولت اعلیحضرتی در باب استرداد اصل وجه قرضه ۱۰۰،۰۰۰ لیرائی که در ۲۸ مارس [۸ فروردین، ۸ ع ۲] گذشته به دولت ایران داده شده و وصول و ایصال منافع و مسأله تأمین آن، اطلاع حاصل نمایم.

ما خزانه‌داری کل را از شرایط فوق‌الذکر (به موجب سواد مکتوب خود که در جوف است) مستحضر داشته و روز ۲۰ شهر جاری در نظر داریم که در صورتی که پول برای مصارف مکفی باشد، وجه منافی را که از ۲۸ مارس تعلق می‌گیرد بفرستیم ولی در تحت اوضاع حاضر به هیچ وجه محتمل نمی‌نماید که پول مکفی باشد چرا که خزانه‌داری کل وجوه عایدات گمرکات جنوبی را بکلی بدون ملاحظه مصارف مختلفه که در مقابل آن تعیین شده است، هنوز به مصرف می‌رساند.

(امضاء) وود مدیرکل

ملفوف سوم نمره ۱۷۱

مکتوب بانك شاهنشاهی ایران به خزانه‌داری كل

طهران ۱۳ ژون ۱۹۱۲ [۲۳ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲۶ ج ۲ - ۱۳۳۰] آقا

در باب مساعدۀ ۱۰۰،۰۰۰ لیرا که در ۲۸ مارس [۸ فروردین، ۸ ع ۲] گذشته به دولت ایران داده شد، از طرف جناب سفیر انگلیس حالا به ما دستورالعمل داده شده که فقط منافع ماهیانه را به لندن بفرستیم و مسترد داشتن اصل وجه را از تاریخ پرداخت این مساعدۀ تا يك سال به تعویق اندازیم. علی‌ای‌حال این مسأله را باید متذکر شد که اضافه عایدات گمرکات جنوبی برای تأمین پرداخت اصل و منافع این مساعدۀ نگاهداشته می‌باشند. ما بنا بر این پیشنهاد می‌کنیم که روز ۲۰ شهر جاری منافع صدی ۷ سالیانه ۱۰۰،۰۰۰ لیرا را از ۲۸ مارس بفرستیم.

(امضاء) وود مدیرکل

نمره - ۱۷۲

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ ژون ۱۹۱۲ [۲۸ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲ رجب ۱۳۳۰] آقا

چنانچه سابقاً در تلگراف ۱۷ ژون خود مفتخراً به شما اطلاع داده‌ام، از چندین هفته به این طرف پیشرفتی در مذاکرات راجع به حملۀ به مستر اسمارت و عودت عساکر انگلیس حاصل نگردیده است. از ۲۲ مه [یکم خرداد، ۴ ج ۲] بحران کابینه دوام داشته و حالیه به يك طوری رفع شده که دوباره حادث نگردد. وزیر امور خارجه سابق خیلی مربوط به این بحران بود به طوریکه توجه او به این مسأله تمام مسائل دیگر را مستثنی داشته نتیجه این شد که مشکل بود بتوان با او مذاکره حتی در باب مسأله‌ای که فعلاً راپورت می‌دهم نمود.

و ثوق‌الدوله بالاخره بطور قطع استعفاء نموده و قائم‌مقام وی تعیین شده است. محتشم‌السلطنه وزیر داخله، دیروز از من ملاقات نمود. در ضمن صحبت اظهار داشت که به مجرد آنکه زمام امور را بدست گرفت، فوراً کاغذجاتی را که راجع به این قضیه بود خواست.

او خیلی خوش‌وقت بوده است از این که دولت اعلیحضرتی بطور معمول، از روی احساسات خالصانه و نیت حسنه خود نسبت به دولت ایران شرایط خود را هر قدر که ممکن بوده سهل نموده‌اند و به من اطمینان داد که به نایب‌الایاله شیراز تلگراف نموده و او را دستورالعمل داده است که مرتکبین مذکور را دستگیر نماید و اظهار داشت که این اشخاص چنانچه و ثوق‌الدوله به من اظهار داشته بود، نزد صولة‌الدوله نبوده بلکه با کمال فعالیت در تحت امر برادر صولة‌الدوله که ایلخانی حالیه قشقائی است،

مشغول جنگ و جدال بوده‌اند و او به قوام‌الملک تأکید نموده است که این مسأله نباید مانع از دستگیری آنها و فرستادنشان به شیراز باشد که در آنجا محاکمه شوند.

محتشم‌السلطنه به علاوه اظهار داشت که مخبرالسلطنه فرمانفرمای فارس حالیه مشغول تهیه است که به زودی حرکت کند و اظهار امیدواری بسیار نمود که همینکه زمام امور را به دست گیرد، فوراً در اوضاع محلی بهبودی حاصل خواهد گردید. جناب معظم‌له باز اظهار داشت که از قرار معلوم اشکالات بین نایب‌الایاله و ماژور سیفرت صاحب‌منصب درجه دوم سوئدی تسویه شده و تعلیمات مخصوص به ایالت داده خواهد شد که صاحب‌منصبان سوئدی را در مشاغل خود کمک نماید.

اظهارات وزیر مذکور در باب محل و مقام حالیه اشخاصی که مستقیماً مسؤول حمله به مستر اسمارت و مستحفظین او بوده‌اند، به واسطه اخبار اخیر که از طرف کفیل قنصلگری انگلیس از شیراز رسیده تصدیق شده است.

ممکن است که ایالت جدید که نفوذ بختیاریها حامی او خواهد بود، پس از گرفتن زمام امور به دست خویش، خود را بطور کفایت مقتدر بداند که اقدامات برای دستگیری رؤسائی که در این امر شریک بوده‌اند بنماید.

من لزوم این اقدام را قبل از آنکه ایالت حرکت کند، به وی تأکید می‌نمایم. و نیز توجه جدی ایشان را به اهمیتی که دولت اعلیحضرتی به مشاغل و وظایف صاحب‌منصبان سوئدی می‌دهند جلب خواهم نمود و امید است نتیجه این شود که راه تجارتنی مهم بین طهران و بوشهر دوباره مفتوح گردیده و به‌طور صحیح محافظت شود.

من در نظر دارم که به‌طور خیلی سخت، با مخبرالسلطنه در این موضوع صحبت کنم چرا که با دلیل عقیده‌ام بر این است که تقویت رؤسای بختیاری که اقتدار تام دارند، در مورد این نقشه، چندان از روی خلوص عقیدت نمی‌باشد.

مستر اسمارت را پورت می‌دهد که اتصالاً برای گرفتاری و تسلیم مرتکبین به رؤساء فشار می‌آورد ولی می‌گویند انجام این کار از قوه ما خارج است چرا که تمام آنها فرار کرده و نزد صولت‌الدوله یا جای دیگر که دسترسی به آنها ممکن نیست، رفته‌اند. این، بلاشک، عذری بود که به وثوق‌الدوله ارائه شده و به من اظهار داشت. کمی می‌توان شك داشت از این که رؤساء حقیقت امر را اظهار نداشته‌اند ولی عقیده مستر اسمارت بر این است که محتمل نیست آنها مقصرین را گرفته و تسلیم نمایند مگر تهدید سخت به آنها بشود.

می‌ترسم از آنکه با این اوضاع بایستی برای قشون تهیه دید که تمام زمستان را بمانند مگر آنکه دولت اعلیحضرتی حاضر شوند که چنان اقدامات تهدیدآمیزی بنمایند که دولت ایران را وادار به فشار آوردن به مأمورین محلی شیراز بنمایند.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۱۷۳

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ ژون ۱۹۱۲ [۲۸ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲ رجب ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم که خلاصه وقایع پنج هفته اخیر ایران را به طریق معمول ماهیانه لفا ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۱۷۳

خلاصه وقایع ایران از پنج هفته قبل لغایت ۱۸ ژون ۱۹۱۲

طهران

نایب‌السلطنه و کابینه - نایب‌السلطنه در ابتداء قصد داشت در آخر مه به طرف اروپا حرکت کند ولی بحران کابینه که تهدید به وقوع آن شده بود، به انضمام اظهارات سفرای دولتین انگلیس و روس، سبب تأخیر حرکت وی تا دو هفته دیگر گردید.

در ۳ ژون کابینه مجدداً به قرار ذیل تشکیل گردید:

صمصام‌السلطنه	صدراعظم
وثوق‌الدوله	وزیر امور خارجه
سردار محتشم	وزیر جنگ
محتشم‌السلطنه	وزیر داخله
علاء‌السلطنه	وزیر معارف
معاون‌الدوله	وزیر مالیه
ممتاز‌الدوله	وزیر عدلیه
مستشار‌الدوله	وزیر پست و تلگراف

نایب‌السلطنه روز ۱۴ ژون از طهران برای مسافرت به اروپا حرکت کرد ولی در این موقع وثوق‌الدوله از مقام وزارت خارجه به عنوان اینکه نمی‌تواند با صدراعظم بختیاری سازش نماید استعفاء نمود.

خزانه‌داری کل - مسیو مرنارد به مقام خزانه‌داری کل تصدیق شده و در ۱۰ ژون کنترات استخدام پنج ساله او داده شد.

حزب دموکرات - چنانچه در خلاصه وقایع آخری راپورت دادم عده‌ای از رؤسای حزب دموکرات دستگیر و تبعید شدند. وحیدالملک و حسین‌قلی‌خان نواب حالا برای اروپا حرکت کرده‌اند و می‌توان گفت که حزب دموکرات فعلاً در طهران از هم متفرق شده‌اند.

مجلس - فعلاً آثار و علائمی پدیدار نیست که برای مجلس جدیدی در آتیۀ نزدیک شروع به انتخابات شود.

یفرم خان - رئیس نظمیه و سرکرده مجاهدین مشهور ارمنی که روز ۱۹ مه [۲۹ اردیبهشت، یکم ج ۲] خصم او را در نزدیکی همدان به ضرب گلوله مقتول نموده بودند در عرض دو سال گذشته، خدمات بی‌اندازه به دولت کرده و مشکل است کسی دیگر به جای او پیدا شود. جسد وی را برای دفن به طهران آوردند.

روز تولد شاه - در سوم ژون مراسم عید مولود شاه به طریق معمول به عمل آمد صبح، سفیر اعلیحضرتی با لباس رسمی هیأتی را از طرف شاه و دولت پذیرفت و بعد از ظهر جماعت انگلیسها و اعیان ایرانی و هیأت دیپلوماسی در گاردن پارتی سفارت حاضر شده و طرف عصر به کابینه و اعضاء عمده جماعت انگلیسها برای صرف شام حضور بهم رسانیدند.

ایالات و ولایات بحر خزر

در اولین هفته ماه ژون در اردبیل، بین عساکر روس و بعضی از غارتگران شاهسون که مشغول چپاول دهات دور و حوالی بودند، جنگی واقع گردید. از روسها ۳۰ نفر به انضمام دو نفر صاحب‌منصب مقتول گردید. ویس قنسول روس مقیم اردبیل قشون امدادی خواسته و در ۶ ژون شش صد نفری از رشت حرکت کرد. دو دسته پیاده نظام و ۳۰۰ نفر قزاق در انزلی و رشت گذاردند.

در طالش، روسها از زمان عودت قشون اولی خود در ابتدای ماه گذشته اقدام دیگری ننموده‌اند.

والاحضرت نایب‌السلطنه در ۱۳ ژون در يك کشتی جنگی روسی از انزلی حرکت کرد.

مشهد

عدم امنیت عمومی در این ایالت دوام دارد و چندین صاحبان املاک افغان و بربر از قرار مذکور مشغول فروش املاک خود و مهاجرت به افغانستان می‌باشند.

یوسف خان هراتی را ایرانیها نزدیک فریمان، ۴۰ میلی جنوب مشهد، دستگیر نموده و به طرق ۸ میلی مشهد آورده او را در آنجا مقتول داشتند. روز بعد که ۲۴ مه [۳ خرداد، ۶ ج ۲] بود بدنش را به شهر آورده و در معرض نظاره عموم قرار دادند. متولی باشی مسجد گوهرشاد در اواخر مه از مشهد برای ملاقات شاه مخلوع به طرف ادسا رفت.

نیرالدوله ایالت جدید خراسان، روز ۵ ژون به مشهد وارد گردید.

اصفهان

این ولایت کمافی‌السابق، مخصوصاً در ناحیه سلطان‌آباد، مغشوش است و از اوایل ژون به علت بودن سارقین در راه ایاب و ذهاب پسته بکلی موقوف شده و بر مصیبت عمومی شهر افزوده شده مخصوصاً به واسطه آنکه حکمران و بعضی از دوستان او غله را احتکار نموده‌اند.

جناب معظم له از آنجایی که اختیارات وکیل خزانه‌داری کل را نمی‌شناسد، خودش شروع به وصول مالیاتها نموده و مالیات‌دهندگان را تحریک می‌کند که به اقدامات ژاندارمری خزانه در وصول مالیات مقاومت نماید.

یزد

دسته‌جات سارقین اتصالاً در این ولایت مشغول می‌باشند چون که حکمران، برای حفظ انتظامات، قشون مکفی ندارد.

اعرابی که در خلاصه ماه گذشته راپورت دادم، به طرف یزد در حرکت می‌باشند، به دسته‌جات کوچک منقسم شده و شروع به غارت این ناحیه نمودند.

بهارلوها که شهر بابک را به قبضه درآوردند، یک دسته از قشون حکمران، آنها را از آنجا خارج نمودند ولی از آنجایی که قشون مزبور آنقدر قوت نداشت که آن جماعت را از هم متفرق سازد، اهالی سایر دهات دور و حوالی در صدمه و اذیت می‌باشند.

در ۷ ژون انتظام‌الملک حکمران سابق یزد که حالا یکی از مرتجعین شمرده می‌شود، به اردستان هجوم آورده ولی عالم بزرگ آنجا، او را از غارت شهر منع نموده یک رأس مادیان و یک قبضه تفنگ لیل^۱ به او بطور رشوه داد. از قرار اخبار جدید یک دسته از عساکر دولتی در تعاقب او هستند.

شیراز

صوله‌الدوله، پس از شکست خوردن از اعراب و قشقائیها در کوهستان دور شیراز پناهنده شده است. دسته‌جاتی که او را تعاقب می‌کردند، ماه گذشته دو مرتبه به او رسیده ولی در هر دو موقع موفق به فرار گردید.

کرمان

در ۱۷ مه [۲۷ اردی‌بهشت، ۲۹ ج ۱]، امیر اعظم ایالت، نظر به نزدیک شدن یاغیان، دست از مقام خود کشیده و در قنسولخانه پناهنده گردید ولی سپس او را ترغیب نمودند به شهر رفته و مشغول انجام وظایف مقتضی مقام خود گردید.

روز ۲۶، او به یاغیان حمله نموده نتیجه این شد که یاغیان از حدود شهر خارج شده و به ناحیه بردسیر که در جنوب غربی کرمان است رفتند.

امیر اعظم پس از قدری تردید راغب به تعاقب یاغیان گردید. در ۸ ژون از قراری که راپورت داده شد او (۳۰ میلی جنوب غربی کرمان) با ۱۰۰۰ نفر به باغین رسید.

کرمانشاه

در ۱۹ مه عساکر دولتی در تحت امر یفرم به یاغیانی که در تحت امر مجلل بودند، حمله برده و آنها را در نزدیکی همدان شکست داد [ند]. از طرف مجلل از قراری که راپورت داده شد، ۳۰۰ نفر مقتول گردیدند که ۱۲۰ نفر اسیر هم در جزو آنها

(۱) گویا نام نوعی تفنگ شکاری است، ولی مشخصات آن دریافته نشد. - م.

(۲) چنین است در اصل. - م.

بودند. تلفات عساکر دولتی ۳۰ نفر مجروح و مقتول بود. یفرم در عرض جنگ کشته شد و کبری که در فرماندهی تالی یفرم بود، جای او را گرفت. عساکر دولتی، قشون یاغیان را که در حال مراجعت بودند تعاقب نموده و در ۲۹ مه جنگ دیگری در نزدیکی کرمانشاه به وقوع رسید. داودخان سرکرده بزرگ و یکی از طرفداران عمده سالارالدوله مقتول گردیدند. روز بعد، عساکر دولتی در تحت امر فرمانفرما حکمران جدیدالتعین کرمانشاه وارد شهر گردید. سالارالدوله و مجللسلطان از قراری که راپورت داده شده به طرف لرستان فرار کرده‌اند.

بوشهر

از قراری که راپورت داده شده، طاعون در اینجا بدتر شده و اهالی به واسطه شیوع آن، شروع به خارج شدن از شهر می‌نمایند. از ۲۹ مه تاکنون در موقعی که به اندازه چهار میل سیم تلگراف و تیرها را بعضی از ایلیاتیهای محلی بردند، مخابرات تلگرافی با اهواز موقوف شده است.

بندرعباس

دسته غارتگران که در خلاصه وقایع ماه گذشته ذکر کردم، همینکه قریب سیصد نفر از اهل محل به آنها اضافه شدند، روز ۱۵ مه [۲۵ اردیبهشت، ۲۷ ج ۱] تا ۸ میلی شهر پیشقدمی نموده و دسته پیشقراول خود را که عده آنها قریب به هفتاد نفر بود، به بعضی از جاهایی که در ۲ میلی قنسولخانه واقع است رسانیدند. صبح روز ۱۵ مستحفظین قنسولخانه پیشقراول غارتگران را به عقب نشانده، همان روز بعد از ظهر نظر به اینکه مبادا اوضاع بدتر شود، ۱۲۰ نفر را با چهار توپ ماگزیم از کشتیها وارد نموده و روز ۱۷، ۳۰ نفر و یک ماگزیم از دسته هفتم راجپوتها وارد کرد. غارتگران از ورود این عساکر ترسیده متفرق شدند. روز ۱۹ مه این عساکر دوباره برای مراجعت، به کشتی سوار شدند.

نمره - ۱۷۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ ژون ۱۹۱۲ [۲۸ خرداد ۱۲۹۱؛ ۲ رجب ۱۳۳۰]

آقا

در تلگراف ۵ مارس [۱۵ اسفند ۱۲۹۰، ۱۵ ع ۱ - ۱۳۳۰] سفیر سابق مفتخرأ عین تلگرافی را که مستر اسمارت کفیل قنسولگری برای وی فرستاده و راپورت مداخله که در امر بعضی از صندوقهایی که برای عساکر اعلیحضرتی مقیم شیراز در ماه ژانویه و فوریه گذشته از بوشهر به طرف داخله حمل شده بود، شده و جزئیات اشیا از آن صندوقها به سرقت رفته بود، مخابره [=خبر] داده است.

تا زمان وصول مکتوب ۱۴ ژون از مستر اسمارت، که خلاصه آن در جوف است، جزئیات کم و کیف و قیمت اشیا مسروقه درست معلوم نبود و علی‌هذا، سفارت از

دولت ادعائی در این باب ننموده است.

الحال ظاهر می‌شود که قیمت اموال مذکوره که عبارت از ۲۰۰ لیرا باشد، زیادتز از آن مبلغی است که از مضمون تلگراف اولی مستر اسمارت انتظار می‌رفت. بایستی بدانید که کلنل دوگلاس از اولیاء امور هندوستان، درخواست نموده است این وجه را به او بدهند تا آنکه از دولت ایران گرفته شود [و] برای صاحب‌منصبان و افراد قشون صدمه وارد نیاید.

من از مستر اسمارت خواهش نموده‌ام که جزئیات کم و کیف اشیاء مسروقه را کاملاً به من خبر دهد.

(امضاء) والتر تنلی

۲۰ ژون ۱۹۱۲ [۳۰ خرداد ۱۲۹۱: ۴ رجب ۱۳۳۰] مجدداً عرض می‌شود: از زمان نوشتن مراسله فوق تلگرافی از مستر اسمارت برای من رسیده مشعر بر اینکه اشیائی که از صندوقهای مذکوره سرقت شده، چند دوربین و رکاب و چکمه و پتو و دهنه بوده است که برای صاحب‌منصب مأمور مهمات و حمل و نقل به شیراز فرستاده شده و يك فقره لباس هم برای لیوتنان فرازر، از دسته سواره هند مرکزی بوده است.

مستر اسمارت به علاوه اظهار می‌دارد: تحقیق تمام نقاط راه که در آنجاها صندوقهای مذکوره باز شده، غیرممکن است. اگرچه خورشیدخان کمارجی و تفنگچیهای تنگ‌ترکان و راهدار، ظاهراً از مرتکبین عمده بوده‌اند.

(امضاء) و. ت.

ملفوف يك نمرة ۱۷۴

خلاصه مکتوب مستر اسمارت کفیل قنصلگری به سر والتر تنلی

من به جلب توجه مخصوص شما به ادعای نمرة ۱۱۲ مبادرت می‌ورزم. کیفیت وقوع این سرقت یا سرقتهای يك نوع، شدت و سختی مخصوص داشته است. از قراری که دریافته‌ام کلنل دوگلاس از اولیاء امور هند درخواست نموده است مبلغ این ادعا را به او بپردازند تا آنکه از دولت ایران گرفته شود. می‌خواهم عرض کنم که صاحب‌منصبان و افراد سواره هند مرکزی، بایستی از اینگونه سرقتها محفوظ باشند و ظاهراً انصاف نیست آنها در صدمه و اذیت بیفتند. گذشته از صدماتی که از نرسیدن اشیاء بسیار لازمه و خسارات نقدی که از تعویق جبران دعاوی انگلیسهای فارس روی داده است.

من امیدوارم که شما بتوانید جبران این خسارات وارده را از دولت ایران بخواهید بطوری که در پرداخت آن مثل سایر دعاوی انگلیسهای این ایالت تعویقی روی نداده، عمل آن زودتر فیصله شود.

این را ممکن است اظهار نمایم که چند فقره خورده [=خرده] دزدیهای دیگر شبیه به خرده‌دزدیهایی که از اجناسی که از بوشهر برای دسته سواره هند مرکزی فرستاده شده بود، به وقوع رسیده بود و در طی ادعای نمرة ۱۱۲ مرقوم است، در عرض ماه گذشته به وقوع رسیده و در صورتی که من نتوانم عمل این ادعاها را در اینجاها تمام

کنم من آنها را در سیاهه ربع ماله خود شامل خواهم ساخت.

ملفوف دوم نمره ۱۷۴
نقل از ادعای نمره ۱۱۲

نمره	ادعا از طرف	مبلغ	تاریخ	ملاحظات
۱۱۲	صاحبمنصبان و افراد دسته سواره ۳۹ هند مرکزی	قران ۱۰۴۴۳	از ماه ژانویه الی فوریه ۱۹۱۲	سرقتهای اسبابهای شخصی و متعلق به رژیمنها از صندوقهایی که از بوشهر حمل شده از طرف قراولان راه در ۲ مارس ۱۹۱۲ به مأمورین محلی شیراز اطلاع داده شد.

نمره - ۱۷۵

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد کری
طهران ۱۸ ژون ۱۹۱۲ [۲۸ خرداد ۱۲۹۱: ۲ رجب ۱۳۳۰]
آقا

مراسله شما مورخه ۴ ژون در بساب راه بختیاری و تعمیراتی که کمپانی لنچ [=لینچ] از پل گذار کرده اند، واصل گردید.

مستر ساتم مهندس کمپانی لینچ پس از آنکه پل را بطوری تعمیر کرده است که لااقل تا دو ماه دیگر خراب نخواهد شد، از خاک بختیاری به طهران مراجعت کرده است. به علت اوضاع مغشوش خاک بختیاری و تا اندازه زیادی بواسطه رویه خلاف دوستانه سردار اشجع یکی از خوانین عمده که سابقاً هم مورد شکایت از طرف سفارت واقع شده بود، نتوانست تعمیرات پل را بر وفق دلخواه به انجام برساند.

من از اینکه اهمیت اوضاع را به خوانین طهران اظهار نمایم قصور نوزیده بطور سخت از سردار اشجع شکایت کرده ام و او را فعلاً به طهران خواسته اند ولی نظر به اینکه خوانین عمده در طهران و جاهای دیگر به مقامات وزارت و حکومت ایالات و ولایات منصوب می باشند، خیلی کم احتمال می رود که در آتیۀ نزدیک آنها بتوانند در خاک خود جلوگیری از این اوضاع بنمایند.

من البته به آنها فشار می آورم که اقدامات مؤثره به عمل آورده و از بختیاریهای خود و کهکلوئیها [=کهگیلویه ای ها] جلوگیری نمایند ولی نمی توانم به این امر خیلی امیدوار باشم که در صورتی که اوضاع به اینطور باقی باشد بهبودی خوبی در آتیۀ نزدیک حاصل شود.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۱۷۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ ژون ۱۹۱۲ [۳۰ خرداد ۱۲۹۱؛ ۴ رجب ۱۳۳۰]

آقا

چنانچه مفتخراً در تلگراف ۱۷ مه خود را پورت دادم، اوضاع کرمان غفلتاً در روز ۱۷ مه بدتر شده و ایالت در قنصلخانه اعلیحضرتی پناهانده شد.

بواسطه مخاپرات و مذاکرات طولانی تلگرافی در نیمه شب با جناب معظم له و کلنل هیگ، من به ترغیب ایالت موفق شدم که به خانه مراجعت نموده و مشغول رتق و فتق امور گردد.

چند روز بعد، جناب معظم له به یاغیان حمله برده و خوشبختانه بر آنها فایق آمده آنها را شکست داد و اگرچه کلنل هیگ تصور می کند که در صورتی که جناب معظم له ۱ چند روز قبل به آنها حمله نموده بود البته کاملاً آنها را مغلوب می ساخت.

یاغیان اگرچه مجبور به فرار گردیدند ولی متفرق نشدند. جناب معظم له اصلح چنان دانست که آنها را تعاقب ننماید بلکه به امید تفرقه در اردوی آنها صبر نماید و البته اقدامات فعالة او اسباب تفرقه آنها را فراهم می آورد.

آخرین اخباری که به ما رسیده، مشعر است بر اینکه او فعلاً میرزا حسین خان و رفعت نظام سرکردگان یاغیان را دستگیر نموده و باقی مطیع شده اند. سرکردگان فوق را به دار زده اند.

وقتیکه این اشخاص شکایات دیگری نداشتند بغیر از آنکه ایالت احکامی صادر نموده بود که بایستی دست از غارت کشیده و می خواست آنها را از این کار محروم و مأیوس سازد که باعث ایجاد این حرکات اخیر شده و اسباب بدبختی و مصیبت اهالی ایالت را و خسارات به دولت را فراهم آورده و تحت السلاح رفته با ایالت مقاومت نموده و پس از آنکه مأمورین محلی آنها را متنبه نمودند که در صورتی که متفرق نشوند آنها را یاغیان دولت خواهند دانست، باز هم از خود خلع اسلحه ننمودند، چنان بنظر می رسد که آنها مستحق قتل بوده و این اقدام برای سایرین لازم بود که بدانند کسی نمی تواند چنین اقدامات برضد مأمورین محلی بنماید بدون اینکه به او سرکوبی داده شود.^۲

در مسأله رفعت نظام، این اول دفعه نبود که او برضد دولت یاغیگری نموده است. سه سال قبل، او به طرف کرمان حرکت نموده و قبل از آنکه قشونش شکست خورده و از هم متفرق شوند به ماهون رسید.

بدبختانه با این اوضاع مغشوش مملکت لازم است که این گونه اقدامات برای عبرت سایرین به عمل آید.

(۱) اصل معظم الیه. - م.

(۲) اصل: نشود. - م.

از روی کمال بی میلی، من غیر از آنکه تصمیم ایالت را که بدون آنکه با من مشورت نماید به انجام رسانید تصویب نمایم، کار دیگری نمی توانم کرد.
(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۱۷۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۰ ژون ۱۹۱۲ [۳۰ خرداد ۱۲۹۱؛ ۴ رجب ۱۳۳۰]
آقا

با نهایت تأسف اظهار می دارم که تاکنون ممکن نشده است در ملاحظه اوضاعی که در تحت آن بتوان قرضه‌ای با شرایط مناسب به دولت ایران داد، پیشرفتی حاصل شود. مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] و من مکرراً به مسیو مرنارد اصرار نموده ایم که در موضوع و کم و کیف عایداتی که ممکن است برای تأمین این قرضه قرار داد، مذاقه نماید چرا که واضح است که به موجب صورت عایداتی که سر جارج بارکلی در مراسله ۹ مارس خود به شما ارائه نموده است، عایداتی که مطمئناً به دست می آید برای تأمین قرضه به مبلغی که نقشه آن طرح شده مکفی نمی باشد. با وجود آنکه مسیو مرنارد در صورت فوق‌الذکر اظهار عقیده نموده است که ۱،۸۱۹،۰۰۰ تومانی که به دست می آید برای قرضه‌ای به مبلغ ۳۳،۰۰۰،۰۰۰ تومان یا قریب ۶،۰۰۰،۰۰۰ لیرا مکفی خواهد بود، هم مدیر بانک شاهنشاهی و هم مدیر بانک روس و مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] با عقیده من شریک هستند که این مبلغ برای تأمین قرضه بکلی غیرمکفی خواهد بود و به مسیو مرنارد گفته شده است که قبل از آنکه بتوانیم طرفدار این مسأله باشیم که عایدات حتمی سالیانه مملکت برای تأمین مکفی قرضه ۶،۰۰۰،۰۰۰ لیرا خواهد بود، لازم است که ۳،۰۰۰،۰۰۰ تومان دیگر بر عایدات افزوده شود. خزانه دار کل هنوز نتوانسته است صورت عایداتی که مبلغ آن ۳،۰۰۰،۰۰۰ تومان از صورت اولی زیادتر باشد، ارائه دهد.

ما در مسأله امکان رفورم قوانین قضائی و تغییر قوانین راجع به حقوق اجانب در مالک بودن املاک در ایران، با نایب السلطنه مذاکره نموده ایم که آنرا برای تأمین قروض قبول نماییم.

والاحضرت اظهار عقیده نمود که رفورمی در راه بهبودی اعمال قضائتی و اجرای دستخطجات و احکام قضائی ممکن و مطلوب است و در موقع حرکت خود به طرف اروپا، این مسأله را در جزو یادداشت تعلیماتی که برای کابینه نوشته بود که در زمان اقامت وی در اروپا از روی آن عمل نمایند، شامل نمود.

مسأله مالک بودن املاک ظاهراً مسأله مشکل تری است چرا که نایب السلطنه اشعار داشت که اگر يك نفر اروپایی در ایران دارای املاک شود، نه فقط تا اندازه‌ای که

به ملك وى مربوط است از حدود اختیارات قضاوتی ایران خارج شده، بلکه اینطور دعوی خواهد شد که تمام اشخاصی که در آن املاك به شغل و کاری داخل شوند، دولت ایران حق اجرای اعمال قضاوتی در حق آنها نخواهد داشت.

اتباع عثمانی بواسطه قراردادی که به موجب آن مأمورین قنصلخانه‌ها از دخالت محروم می‌باشند، می‌توانند دارای املاك باشند ولی چنین قراردادی را نمی‌توان به يك نفر اروپایی متعلق به يك دولت مسیحی قبولانید.

نایب‌السلطنه را ظاهراً عقیده بر این بود که بهتر است این مسأله را به حال خود واگذاریم چرا که با اوضاع موجوده، بانکها و این قبیل ادارات، املاك را بطور رهن قبول می‌کنند و بسیاری از مسلمانان تبعه روس و انگلیس و هند، با وجود این قانون مخالف صاحب املاك می‌باشند.

ما با کمال احترام خواهش می‌کنیم قبول بفرمایید که این اظهارات فقط نتیجه تحقیقات اولیه است چرا که به علت غیرمعلومی مدت بقاء حکومت سابقه، ممکن نبوده است در این مسأله مذاقه و مذاکره کامل بعمل آید.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۱۷۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران غره ژویت [ژوئیة] ۱۹۱۲ [۱۰ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۵ رجب ۱۳۳۰]

سفیر روس مراسله‌ای برای دولت ایران نوشته و به موجب آن حرکت سپهدار را مشروط نموده است به تشکیل يك قوه از قزاقان ایرانی در تبریز در تحت امر دو نفر صاحب‌منصب روسی و چهار نفر از صاحب‌منصبان خارج از فوج. وظیفه این استعداد که مرکب از ۷۰۰ نفر خواهد بود، وصول مالیاتهای آن ایالت است.

از قراری که مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] اظهار می‌دارد، بین نایب‌السلطنه و وزیر امور خارجه سابق و ثوق‌الدوله، قراردادی بسته شده بود که ورود سپهدار به تبریز و تشکیل استعداد مذکور بایستی مقارن باشد. بنابر شرایط مراسله مذکور عده‌ای که اخیراً پیشنهاد شده بود به بریگاد طهران افزوده شود، افزوده نخواهد شد. چنانچه وعده داده‌اند، جواب مساعدی به همین زودیها از طرف دولت ایران داده خواهد شد و در آن اظهار امیدواری خواهند نمود که دولت روس عساکر خود را که فعلاً آذربایجان را اشغال نموده‌اند عودت خواهند داد اگرچه ممکن است بواسطه تعویق افتادن حرکت سپهدار، فرستادن جوابیه مذکور به تأخیر افتد.

نمره - ۱۷۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران غره ژویت ۱۹۱۲ [۱۰ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۵ رجب ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۱۷ ژون من:

مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] مرا اطلاع می‌دهد که جنرال روسی مجبور شده است فقط استعداد کمی در اردبیل قرار دهد برای آنکه عساکر در تحت امر او، اتصالاً مجبور به اقدامات بر ضد شاهسونها نشوند. برای تأمین این دسته قشون، او لازم دانسته است آنها را در ارك که چنانچه اظهار می‌دارد خالی است، قرار دهد. این عساکر فقط بطور موقت در ارك مانده و بیرق روس را برپا نخواهند کرد. این اقدام جنرال روسی را، دولت ایران مناقض حقوق سلطنتی ایران تصور می‌کنند چرا که می‌گویند ارك محل حکومت شهر می‌باشد و نیز اظهار می‌دارند که شجاع‌الدوله کارگزار را که فقط تقصیری که داشت این بود که سعی داشت قرار مصالحت‌آمیزی با شاهسونها بدهد، محبوس و تبعید نموده‌اند.

نمره - ۱۸۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲ ژویت ۱۹۱۲ [۱۱ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۶ رجب ۱۳۳۰]
 جنوب ایران

راجع به تلگراف ۲۳ ژون من:

ایلخانی قوام را اطلاع داده که او دیگر به هیچ‌وجه امیدوار نیست محمدعلی‌خان را ترغیب نماید که به میل و رضای خود اشخاصی را که مقصر حمله بر عساکر ما بوده‌اند، تسلیم نماید.

من در این باب دیروز مفصلاً با وزیر امور خارجه مذاکره کرده ایشان را متذکر ساختم که دولت اعلیحضرتی مایلند بدانند که آیا دولت ایران اقدامی برای اصلاح این مسأله نموده‌اند و اگر کرده‌اند کیفیت اقدام آنها چیست.

جناب معظم‌له در جواب مرا اطمینان داد که در این خصوص حکومت مرکزی تأکید زیاد به مأمورین محلی فارس نموده‌اند و در این موقع نامساعد حالیه اوضاع طوری است که نمی‌توانند اقتدار خود را در خارج پایتخت مؤثراً بکار برند و مرا اطمینان داد که اختیارات تامه و تعلیمات لازمه به فرمانفرمای جدید که تا چند روز دیگر حرکت می‌کند داده خواهد شد که بطور بسیار سخت در این مسأله عمل نماید و اظهار داشت مطمئن است که فرمانفرمای جدید به دستگیری مقصرین موفق خواهد گردید. او، به‌علاوه اظهار داشت که تعلیمات مخصوص به فرمانفرمای جدید داده خواهد شد که صاحب‌منصبان سوئدی ژاندارمری را تقویت نماید و اصرار داشت بر این که بایستی به ایالت مهلت داده شود که کفایت خود را در تسویه امر مقصرین به منصبه شهود و ثبوت برساند.

اگرچه تلگراف علمای نجف به هیچ وجه در شیراز اشاعت نیافته، وزیر امور خارجه مرا رسماً اطلاع می‌دهد که تلگراف مذکور در موقع خود فرستاده شد.

نمره - ۱۸۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۴ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۳ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۸ رجب ۱۳۳۰]

به موجب تلگرافی که همین حالا از کفیل قنصلگری اعلیحضرتی مقیم تبریز رسیده است، انتظار می‌رود که ورود سپهدار باعث آن خواهد شد که شجاع‌الدوله در خانه‌ای که در يك ده (نعمت‌آباد که بیلاق قنصل روس است - مترجم) روسی در حوالی تبریز ساخته است، انزوا جوید و این کار مساوی با بست‌اختیار کردن است. مستر استونز، به‌علاوه اظهار می‌دارد که انتظار می‌رود سالارالدوله به همین زودیها به آنجا ورود نماید و مجلل سرکرده قشونی او در آنجا پناهنده شده است.

از قراری که راپورت داده شده، سالارالدوله در سقز کردستان است ولی دولت ایران دعوی می‌کند که به این راپورت اعتمادی نمی‌کند و اظهار می‌دارند که آخرین اخباری که برایشان رسیده، مشعر است به اینکه سلسله قاجاریه سالارالدوله را بطور کاندیدای سریر سلطنت شناخته‌اند.

با این اوضاع، حضور سپهدار در پایتخت به عقیده من خطر دائمی برای امنیت عمومی است.

نمره - ۱۸۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۲ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۷ رجب ۱۳۳۰]

اقدامات شاه مخلوع

راجع به تلگراف دیروز من:

رئیس کابینه وزارت خارجه امروز صبح از طرف وزیر امور خارجه از من ملاقات نمود که اضطرابی را که دولت ایران از اخبار جدید حرکات شاه مخلوع و طرفداران تبریز او احساس می‌نمایند، اظهار کرده و از من استدعا نماید که اهمیت اوضاع را خاطر نشان دولت اعلیحضرتی بنمایم که به عقیده علاءالسلطنه اگر محمدعلی مجدداً به ورود به خاک ایران موفق شود عواقب وخیمه برای دولت ایران متضمن خواهد بود.

حضور شجاع‌الدوله در تبریز و حضور برادرش در زنجان و بودن فرمانفرما که امانت و صداقت او مشکوک است، می‌نمایاند که با کمال احتیاط برای پذیرفتن شاه مخلوع نقشه‌ریزی شده و انتظار می‌رود که دولتیان به گیلان و مازندران و خراسان با اینها دست بدمست داده و در بخت خود با آنها شریک خواهند شد، و چنانچه علاءالسلطنه اشعار می‌نماید بواسطه آنکه مقدار اسلحه و پول نقد دولت ایران خیلی کمتر از سال گذشته است، اهمیت این اوضاع خیلی زیادتر شده است.

وزیر مشارالیه خیلی مایل است که دولت اعلیحضرتی حتی القوه از مراجعت محمدعلی ممانعت نموده و استفسار می‌کند که آیا رویه دولت اعلیحضرتی از بابت این مسأله به همان طرز سابق خواهد بود یا نه و صمیمانه اظهار می‌داشت که دولت میل دارند حرکت سپهدار را برای تبریز تسریع نمایند.

در جواب، من اظهار داشتم دلیلی به دست ندارم از اینکه تصور کنم در عقاید دولت اعلیحضرتی تغییری حاصل شده باشد و او را اطمینان دادم که من بزودی مضمون اظهارات وی را به اطلاع شما خواهم رسانید.

نمره - ۱۸۳

مکتوب سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۳ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۲ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۷ رجب ۱۳۳۰]

آقا

سفیر ایران روز غره شهر جاری به این وزارتخانه آمده و مضمون تلگرافی را که به موجب آن دولت متبوعه او جلب توجه دولت اعلیحضرتی را به اقدامات بر ضد شاهسونها و اعزام متوالی عساکر به اردبیل و خواستن ارك برای منزل دادن عساکر را نمودند، به مستر ملت اظهار نمود.

جناب معظمله اظهار امیدواری نمود که من از دولت روس درخواست خواهم کرد که عساکر را عودت دهند و برعلیه تعیین ارك را برای منزل آنها، پروتست خواهم کرد. سر ملت در جواب اظهار داشت که شما را از بابت این خواهشات مستحضر خواهند ساخت.

(امضاء) گری

نمره - ۱۸۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۵ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۴ تیر ۱۲۹۱؛ ۱۹ رجب ۱۳۳۰]

جنوب ایران

مستر اسمارت از شیراز تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می‌دهد که گمان نمی‌کنند ما حق داشته باشیم عالم بزرگ شیراز را مسؤول طبع نکردن و انتشار ندادن تلگراف علمای نجف بدانیم. مستر اسمارت شنیده است که تمام رؤسای قشقائی و علمای بزرگ سواد تلگراف مذکور را وصول نموده‌اند و به علاوه اظهار می‌دارد که تلگرافات علمای عراق ممکن است بیشتر اسباب تهییج افکار ایلات شود تا آنکه آن را تسکین بنماید.

نمره - ۱۸۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ ژوئیه ۱۹۱۲ [۱۶ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۱ رجب ۱۳۳۰]

جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم بوشهر لطفاً عین تلگراف ۵ ژوئیه ذیل را که برای حکومت هندوستان مخاپره نموده، برای من تلگراف کرده است:

از آنجایی که مأمورین حالیه فارس بطور واضح نمی‌توانند برای دستگیری مرتکبین حمله بر عساکر ما، به کشکولیه‌ها فشار بیاورند، ظاهراً احتمالی نمی‌رود که دولت ایران به این زودیه‌ها با تقاضای ما موافقت نمایند. بنابراین گمان می‌کنم که ما خوب است شروع به ساختن سربازخانه‌ها بنماییم. هنگامی که شیراز را تخلیه می‌کنیم، ما می‌توانیم قیمت مصارف تعمیر آن را از دولت ایران بگیریم. و البته این سربازخانه‌ها برای استعداد ژاندارمری که در شیراز تشکیل خواهد شد، مفید خواهند بود.

نمره - ۱۸۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۲ ژون ۱۹۱۲ [یکم تیر ۱۲۹۱؛ ۶ رجب ۱۳۳۰]

آقا

از مراسله ۲۰ شهر جاری من که توسط قاصد همان روز فرستاده شد، بر شما ظاهر خواهد شد که اوضاع حالیه کرمان از چه قرار و اقداماتی که برای شکست و تفرقه‌ی اغیان شده، چه بوده است.

اینک مفتخراً سواد دو مراسله قابل توجهی را که کلنل هیگ برای من فرستاد و شرح منشأ این طغیان و پیشرفت آن را تا ۲۲ مه نگاشته است لفاً ایفاد می‌دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف يك نمره ۱۸۶

مکتوب قنصل هیگ به سر والتر تنلی

کرمان ۱۵ مه ۱۹۱۲ [۲۵ اردی‌بهشت ۱۲۹۱؛ ۲۷ ج ۱ - ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم شما را از منشأ و پیشرفت طغیان برضد ایالت کرمان و بلوچستان^۱، که در عرض دو هفته اخیر اسباب اضطراب فوق‌العاده در میان طبقات بسیاری از اهالی شهر کرمان شده است، مستحضر بدارم.

(۲) هنگامی که امیر اعظم در ماه دسامبر گذشته به سمت ایالت کرمان بدانجا وارد

(۱) در اصل: بلوچستان را. - م.

(۲) چنین است در اصل - مطلب بند ۱ ندارد. - م.

گردید، میرزا حسین‌خان که سابقاً ریاست نظمیة کرمان را داشت و وزیر داخله او را به امیر اعظم معرفی نموده بود، به همراهی او وارد گردید. سپس اینطور مکشوف گردید که در تعیین سابق خود آنقدر از اهالی شهر با او دشمن شده بودند که دیگر تعیین وی به مقامی صلاح نبود و تا مدتی به این طور بیکار مانده، آخر الامر به حکومت بم تعیین گردید. اهالی بم که سوء خلق و طمع‌ورزی او را شنیده بودند، به ایالت تلگرافاً [= تلگرافی] بر علیه [= علیه] تعیین وی پروتست نموده، به علت آن معزول گردید. میرزا حسین‌خان را ایالت به بم فرستاد که در محل مذکور و اطراف آن اعاده انتظامات بنماید.

تا زمانی که آنجا بود، امیر اعظم وی را با رفعت متحد ساخت که يك وظيفه عمده‌ای را به انجام رسانند. این دو نفر مأمور بودند که آنجا عساکر منظمه و غیرمنظمه که جمع‌آوری آن ممکن بود جمع‌آوری نموده و از راه نرماشیر [= نرماشیر] و جیرفت و رودبار و اقطاع افشار و سیرجان، برای اعاده انتظامات و مالیاتهای عقب‌افتاده حرکت کرده از سیرجان به کرمان مراجعت نمایند. اینها در اوایل مارس ۱۹۱۲ با عده زیادی پیاده‌نظام و سوار و دو عراده توپ، از بم برای نرماشیر حرکت کردند.

(۳) انتخاب این دو نفر برای انجام چنین وظیفه‌ای بسیار نامساعد بود. فقط صفتی که میرزا حسین‌خان دارا است، جرأت است؛ از حیثیات دیگر، برای تعیین شدن در مقام مسؤولیتی بکلی نامناسب می‌باشد. بسیاری به من اظهار داشته‌اند که امیر اعظم را متنبه نمودند از اینکه کار مهمی به دست میرزا حسین‌خان نهد و مخصوصاً توپهای دولتی را به وی نسپارد ولی نتیجه نبخشید. رفعت نظام شخصی است که خود را بسیار آدم مهمی می‌داند و تاریخ شخصی او بخوبی مشهور و معلوم است: بدون آنکه از خانوادگان نجیب و پامکنت باشد، در موقعی که مشروطیت، اول دفعه اعطاء گردید، خود را یکی از قوای عامله و ناشرین عقاید مشروطیت قلمداد نموده بدین وسیله شهرت و نفوذی در بم حاصل نمود.

پس از آن، در نفوذ او تغییری حاصل گشته ولی مجدداً نفوذ خود را در بم بدست آورده و آن را برای انجام مقاصد خودخواهانه بکار برده است و حاجی اختیارالسلطنه بدون آنکه تصویری در حق وی کند، او را به امیر اعظم معرفی نمود که کار عمده‌ای که مسؤولیت داشت، به او بسپارد.

پدر رفعت نظام، به پدر اختیارالسلطنه خدمتی کرده بود، نظر به وساطت و خدمات حسنه او بود که اختیارالسلطنه اینطور حسن‌ظن در حق رفعت نظام پیدا کرده بود. (۴) به مجرد آنکه میرزا حسین‌خان و رفعت نظام مشغول به وظیفه‌ای که به آنها سپرده شده بود شدند، بعضی ترتیبات رخ داد که امیر اعظم نقشه اولیه خود را که وصول عایدات بهترین قطعات کرمان را به دست آنها بسپارد، تغییر داد.

(۱) در اصل: کرده‌اند. - م.

(۲) اصل: اختیارالدوله. - م.

محمدعلی‌خان که یکی از ملاکین درجه اول جیرفت بوده و سابقاً حکومت آن ناحیه را داشت، به کرمان آمده و امیر اعظم را ترغیب نمود که او را به مقام اولش نصب نماید و وعده داد که بدون مداخله میرزا حسین‌خان و رفعت‌نظام، تمام مالیاتهای عقب‌افتاده را وصول نماید. می‌توان با دلیل یقین داشت که مبلغی برای تعیین این مقام پرداخت یا وعده داد بدهد و وزیر داخله این معامله را موضوع شکایت خود از امیر اعظم قرار داده است. مثل این که خرید و فروش حکومتها یکی از عادات غیر معموله مملکت بوده و هیچ شیوع نداشته است.

بهادرالملک حاکم معزول جیرفت، که بیش از یک ثمن یا عشر مالیات بدهی خود را نداده بود، از تعیین محمدخان^۱ بسیار مشوش شده و می‌ترسید مبادا مجبور شود مالیاتی را که بلعیده بود، پس بدهد. در همان وقت، امیر اعظم رویه و وضع سلوک خود را نسبت به ضرغام‌نظام رودباری که تا مدتی مالیات خود را نداده و میرزا حسین‌خان و رفعت‌نظام بایستی جبراً از او گرفته باشند، تغییر داد. تحفه و خلعت نزد وی فرستاد، او را وکیل مالیاتی رودبار قرار داد که مالیات آنجا را وصول کند.

(۵) در این اثناء میرزا حسین‌خان و رفعت‌نظام در نرماشیر [= نرماشیر] شروع به غارت اهالی کرده، امیر اعظم آنها را تهدید نموده امر داد که آنچه غارت نموده بودند، به صاحبان آنها مسترد دارند و به آنها اطلاع داد که چون ترتیبات دیگر برای وصول مالیات جیرفت و رودبار داده شده است، دیگر آنها را لازم ندارد.

از آنجایی که این دو نفر فهمیدند که از آنها جلوگیری می‌شود از اینکه بدون فرق و امتیاز هرکس را غارت نمایند و دستشان از دو ناحیه که امید برداشتن حصاد زیادی از کاشته‌های خود داشتند کوتاه گردید،^۲ پیغام بی‌ادبانه برای امیر اعظم فرستادند که در کار آنها مداخله ننموده و مشغول کار خود باشد. فقط راهی که برای آنها باز بود یاغیگری بود و با داشتن دو عراده توپ و ملحق [شدن] بهادرالملک و معین‌دیوان حاکم سابق جبل بارز که ایالت او را تنبیه نموده بود، جرات یافته اعلان کردند می‌خواهند امیر اعظم را که ایالت مخالف مشروطه و تعدیکاری است، از کرمان خارج کنند و از راه جبل بارز و جیرفت به طرف کرمان حرکت نموده، به عنوان جمع [و] وصول مالیات و جمع‌آوری سیورسات برای قشون ملی، بنای غارت در راه را گذارند. اموال محمدخان جیرفتی را تاراج نموده و خود او را مجبور کردند به یاغیان ملحق شود و همراهان او، از هم متفرق شده، بغیر از دو نفر سوار شخصی دیگر کسی برای وی باقی نماند.

ضرغام‌نظام رودباری اگرچه اسماً دولتخواه بود، اینطور صلاح دانست که دسته کوچکی برای همراهی با یاغیان فرستاده و با آنها اظهار دوستی و ملاطفت کند ولی از اینکه شخصاً به آنها ملحق شود استنکاف نمود.

(۱) چنین است در اصل (= محمدعلی‌خان). - م.

(۲) در اصل: گردید و. - م.

در جیرفت، یاغیان، حیدرخان فراشباهی امیر اعظم را با بیست یا سی نفری^۱ که برای وصول مالیات فرستاده شده بودند دستگیر نموده حیدرخان [را] مستخلص نمودند ولی سایر محبوسین را هنوز یاغیان در توقیف خود دارند.

از جیرفت، تمام استعداد مذکور به طرف بفت [= بافت] رفته و در آنجا به واسطه نفوذ بهادرالملک، دو دسته افشارها در تحت امر رؤسای خود: گنج‌علیخان و صولت‌الملک، ترغیب به ملحق شدن به آنها شدند.

بلوچها در تحت امر شکوه‌السلطان و شجاع‌السلطان نیز به اینها ملحق شده و چون این ایل با افشارها دشمنی دارند، به طریق معمول با آنها متفقاً عمل نمی‌نمایند. کم می‌توان شك داشت که آنها به تحریک سردار نصرت که بهمن‌آقای بلوچ تا طهران همراهش رفت و چند تلگراف رمز از آنجا برای رؤسای ایل خودش فرستاد، عمل نموده بودند.

یاغیان که عده آنها قبلاً خیلی اغراق شده بود [و] ظاهراً از ۸۰۰ تا ۱،۰۰۰ نفر بیش نبود، در دور و حوالی بفت [= بافت] خرابی زیاد کرده، مردم را غارت و محصولات سبز را برای چهارپایان خود درو می‌کردند و املاک کارگزاران را در داخل و دور لاله‌زار خراب و ویران نموده دو نفر از اجزاء او را کشتند، سپس به ناحیه بردسیر رفته دهات فرمانفرما را غارت نمودند و اعلام نمودند می‌خواهند فوراً به طرف کرمان بروند.

امیر اعظم که بیش از یکصد نفر عساکر قایم اعتماد همراه خود نداشت که با آنها مقابله نمایند، از احتمال پیش‌آمدن آنها بسیار ترسیده و اسبابهای منقوله خود را حاضر ساخته و پولهای خود را از بانک گرفته مهیای فرار گردید. من کوشش فوق‌العاده نمودم که او را دوباره مطمئن ساخته و وادار به توقف نمایم و مکتوبی به یاغیان نوشته آنها را از مسؤولیتی که از ورود خود به کرمان به عهده خواهند گرفت، متنبه نموده و آنها را متذکر ساختم که در صورتی که عساکر و همراهانشان وارد شوند، حتماً اهالی را برای اخراج ایالت غارت خواهند کرد و اقدامات او را حمل بر هرچه کنند، دولت ایران او را به این مقام نصب نموده و تمام رعایای دولتخواه بایستی او را اطاعت بنمایند تا از مرکز معزول گردد. این مکتوب را، هم من و هم کفیل قنصلگری روس امضاء نموده و من نیز مراسلاتی چند به رؤسای دو ایل مذکور نوشته و آنها را متنبه ساختم از خطری که برای خود دعوت مینمایند در صورتی که در انجام چنین مقصودی با دو نفری شریک شوند که هیچ علاقه‌ای در آن نقاط نداشته و در صورت عدم پیشرفت این اقدامات، فوری خود را از جرگه خارج کرده و آنهایی را که خانه و املاکشان در این ایالت است، به حال خود می‌گذارند که مورد عقوبات دولت واقع شوند.

(۱) در اصل: سی نفری را. - م.

(۲) در اصل همه‌جا کارگذار نوشته شده است. - م.

در جواب این مکتوب، یاغیان مکتوبی را که امضای ۳۱ نفر را داشت، فرستاده از قصد عدم اطاعت دولت یا اذیت و مزاحمت اهالی کرمان تعاشی نموده و اظهار داشتند مقصود عمده‌شان این است [که] عریضه‌ای به اولیای دولت عرض کرده، عزل ایالت تعدی کار ظالم را بخواهند. از ما درخواست نمودند ایالت را از جلوگیری ورود آنها ممانعت نماییم. ما در جواب اظهار داشتیم که هرگاه عارض هستند و می‌خواهند تظلمی بنمایند، بایستی محبوسین خود را مستخلص نموده و عساکر خود را متفرق سازند. ایشان در جواب کاغذ مختصری فرستاده ما را اطلاع دادند که کاغذ مفصل مشروحه در این باب به‌کارگزار فرستاده و از ما خواهش نمودند فی‌مابعد توسط کارگزار برحسب قانون با آنها مکاتبه نماییم.

در جوابی که برای کارگزار فرستاده بودند، اظهار نموده بودند حاضرند اوامر قانونی دولت ایران را پذیرفته و ظاهراً حق امتیاز دادن بین اوامر قانونی و غیرقانونی را برای خود محفوظ داشته بودند و مجدداً از ما استدعا نموده بودند که ایالت را از جلوگیری آنها منع نماییم و مخصوصاً نگذاریم توپخانه در مقابل آنها بفرستد و در خاتمه جوابیه خود ایالت را دعوت نموده بودند که حرکت کرده و در محلی قریب ۵۰ میلی دور از شهر با آنها مقابله نماید.

(۶) در ۸ مه ایالت، همینکه وجوهات خود را از بانک دریافت نمود و سرا بطور صریح اطمینان داد که صبح روز بعد قصد حرکت دارد، خزانه بانک شاهنشاهی را به قنسولخانه اعلیحضرتی نقل نموده در آنجا محفوظ داشتند و به اروپاییان اطلاع داده شده بود که برای آنها لازم است به قنسولخانه بیایند و آنها حاضر به حرکت شده بودند و به ملاحظه اینکه شاید لازم شود اجزاء تلگرافخانه، آنجا را تخلیه نمایند دو سیم تلگراف در عرض دو سه روز بعد تا قنسولخانه وصل نمودند.

صبح روز ۹ مه ایالت مرا خواسته و من به اتفاق همکار روسی به عمارت ایالتی رفتیم. امیر اعظم تصمیم نموده بود حرکت خود را تا چند روزی به تعویق اندازد ولی هنوز متوحش بود.

من مجدداً کوشش نمودم او را مطمئن سازم ولی بر من مکشوف گردید که او به همان اندازه که از قشون یاغیان می‌ترسد از حزبی که در شهر خود را به دموکرات موسوم نموده بودند، بیم و وحشت داشت. دموکراتها در تحت امر آقا یحیی رئیس سابق انجمن محلی، مخفیانه مشغول ترغیب یاغیان بودند که پیش آمده و شهر را اشغال نمایند و چون در موقعی که من ورود نمودم عده [ای از] آنها آنجا حضور داشتند و در اطاق جنب اطاقی که امیر اعظم مرا پذیرفت نشسته بودند، او به من ارائه طریق نمود با آنها صحبت نمایم و می‌خواست من آنها را تخویف نموده و تهدید به وارد کردن فوری عساکر انگلیس نمایم. ولی البته من میل به این کار نداشتم. من آنها را اطلاع دادم که اتباع انگلیس و سایر خارجیها بی‌اندازه از مزاحمت یاغیان ترسان و هراسان می‌باشند و سؤال کردم در نظر دارند چه اقدامی بکنند؟ به من اطمینان داده شد که اهالی برای حفظ اتباع خارجه جنگ خواهند کرد ولی من این

وعده‌ها را سخریه نموده به آنها اشعار داشتیم که یاغیان، عساکر بانظام و دیسیپلینی نبوده غارتگرانی هستند که در تحت کنترل صحیحی نمی‌باشند و از قراری که بر من معلوم شده، بسیاری از اهالی در تهیه فرار از شهر با اموال خود می‌باشند و آنهایی که در شهر بمانند حتی در صورتی که مایل به جنگ شوند (که مشکوک است) فقط کاری که می‌توانند بکنند، دفاع از اموال خود خواهد بود و چطور می‌توانند در مقام دفاع از اتباع خارجه برآیند. همینکه دوسرتبه مرا اطمینان دادند، من اصرار نمودم که فقط يك راهی برای محافظت اموال خارجی به نظر می‌رسد و آن این است که غارتگران را خارج شهر نگاه دارند و بالاخره رؤسا را بطور سخت وادار به تعهد انجام این مسأله نمودم، اگرچه هیچ اعتمادی نداشتم آنها این کار را به انجام رسانند. چون اشخاصی که این تعهد را نمودند من مجبور نمودم مقر به حماقت خود شوند، این مسأله اثر خوبی نموده اسباب تشجیع و جرأت یافتن ایالت گردید و بدین واسطه از خیال فرار بکلی منصرف گردید.

(۷) به موجب خبری که از اردوی یاغیان برای من رسید، امیدوار شدم که ترس آنها را فرا گرفته و یحتمل بین خود جنگ کرده و متفرق خواهند شد ولی بدبختانه این امید به جایی نرسیده و نتیجه‌ای از آن به ظهور نرسید و آنها مجدداً پیش آمده‌اند و چنانچه شنیدم امروز به باغین که در يك منزلی شهر است رسیده‌اند. یحتمل صدمات خیلی زیاد از طرف یاغیان که در موقع حرکتشان این نقاط را خراب و ویران و غارت نموده‌اند [و] اشخاصی را که در مقام دفاع از اموال خود برآمده کشته و زنان را بی‌سیرت نموده‌اند، وارد خواهد آمد. از قراری که اطلاع یافته‌ام، سرکردگان آنها در مواقعی که سرگرم باده هستند، با کمال غرور می‌گویند قنسولها و سایر اروپاییان را خواهند کشت ولی همینکه حرارت مستی از سرهای آنها خارج گردید، از این اظهارات و مقاصد تحاشی می‌نمایند. من نمی‌توانم باور کنم که آنها جرأت حمله به قنسولخانه را داشته باشند، لکن انتظار ندارم که اموال اروپاییان و هندوهای شهر امن باشد. چهار اداره‌های قالیبافی، قالیهای خود را به قنسولخانه آورده و من در نظر دارم اروپاییان را فردا صبح به قنسولخانه دعوت نمایم. هندوها درخواست تحصن در قنسولخانه نموده‌اند ولی من وسیله برای حفظ اموال شهر آنها را که به چندین هزار روپیه می‌رسد، بدست ندارم.

(۸) فعلا لازم نیست در باب حسن و قبح اقدام برضد امیر اعظم بیش از این چیزی گفته شود که اگرچه او در مقام ایالت خود بی‌تقصیر بوده است، کاری نکرده است که یاغیگری برضد او لازم شود.

به عقیده من عقاید مختلفی یاغیان را به حرکت درآورده و يك عقیده که امید غارت باشد، در همه عمومیت دارد.

(امضاء) هیگ لیوتنان کلنل

ملفوف دوم نمره ۱۸۶

مکتوب قنسول هیگ به سر والتر تنلی

کرمان ۲۲ مه ۱۹۱۲ [یکم خرداد ۱۲۹۱: ۴ ج ۲ - ۱۲۳۰]

آقا

در تعقیب مراسله ۱۵ مه ۱۹۱۱ خود، مفتخراً شما را از پیشرفت اقدامات برعلیه شاهزاده امیر اعظم ایالت کرمان و بلوچستان اطلاع می‌دهم:

(۲) بین ساعت ۹ و ۱۰ بعد از ظهر روز ۱۶ مه یکی از اجزاء معتمد شاهزاده که عموماً به اسم مسیو ژان مشهور است و ادعای تبعیت دولت فرانسه را می‌نماید و به عقیده من ارمنی است، به قنسولخانه آمده و مرا اطلاع داد که شاهزاده به فوریت برای پناهنده شدن به قنسولخانه وارد می‌شود، چون که تا مدتی وارد نشد، من چراغهای قنسولخانه را خاموش کرده به رختخواب رفتم. صبح بر من معلوم شد که در عرض شب بدانجا نیامده ولی قبل از آنکه بیرون روم وارد شده در باغ مجاور باغ قنسولخانه که متعلق به نورالله‌خان است و عموم آن را در تحت حفظ قنسولخانه می‌دانند آمده آنجا چادر زد.

او برای ملاقات من آمده و من سعی نمودم او را ترغیب به مراجعت به شهر نمایم و مجدداً به او اطمینان دادم که بر من مسلم است حضور او در آنجا برای جلوگیری از حمله کافی است ولی این کار دیگر فایده نداشت.

از قراری که راپورت داده شد، یاغیان آن وقت در باغین، یک منزلی کرمان بودند. همینکه روز شد، من دوباره برای دیدن او رفتم و اعلام نمود قصد دارد دوباره زمام امور را بدست گیرد و از من درخواست نمود فوراً به شهر رفته و با کارگزار قراری برای اجتماع اشخاص معتبر شهر داده و همینکه او را اطلاع دهم هیأت مزبور حاضر برای پذیرایی وی می‌باشند، همراه من بدانجا برود.

من هنوز در خانه کارگزار مشغول ترتیب جزئیات کار بودم که خبر رسید ایالت با مستحفظین شخصی خود از خیابان به طرف ارك رفت. تقریباً فوراً بعد از آن، دو نفر از سواران او رسیده و از من درخواست نمودند تا تلگرافخانه ایرانی که یکی از عمارات بزرگ خوب ارك بود نزد وی بروم. من این کار را قبول نموده و همینکه آنجا رفتم، او را مشغول کار دیدم.

پس از مشورت، بر ما اینطور مکشوف گردید که اول اقدامی که لازم است این است که بشارت‌الممالک رئیس جدیدالتعین تلگرافخانه توقیف گردد. این شخص را دولت ایران نزد یاغیان فرستاده بودند که به آنها امر دهد از هم متفرق شوند و اوامر دولت را اطاعت نمایند ولی برای ما اطلاع رسید و از جای موثق این خبر تصدیق

(۱) چنین است در اصل و شماره ۱ قید نشده است. - م.

(۲) اصل: خواموش.

گردید که آنها رشوه‌ای بمبلغ يك هزار تومان به او داده و او وعده داد با یاغیان همدست شود. بنابراین، من امیر اعظم را وعده دادم که تقاضای وی را برای اخراج بشارت‌الممالک که مسأله خیلی لازمی است، تقویت خواهم نمود.

(۴) در این اثناء، یاغیان از باغین تا دو یا سه فرسخی شهر پیش آمده و طرف عصر روز ۱۷ بر من معلوم گردید که تمام سیمهای تلگرافی از دو طرف مقطوع گردید و به من اطلاع داده شد که یاغیان قصد حمله شهر را در شب دارند. من این را قبول نمودم ولی به تمام اروپاییان اطلاع دادم که در صورتی که متوحش گردند، درب قنصلخانه برایشان باز است و احتیاطات لازمه بعمل آمد. عده کمی از آنها قبول دعوت مرا نمودند و حمله به وقوع نپیوست.

صبح روز بعد، من مجدداً ایالت را ملاقات نموده و تمام روز را با او بودم و مکتوبی به یاغیان نوشته از آنها استفسار نمودم چرا اوامر دولت خود را قبول ننموده‌اند و چرا خطوط تلگراف را خراب کرده‌اند؟ در جواب، آنها در نهایت جسارت امیر اعظم را به سبب شدن قطع سیمهای تلگراف متهم نموده و از من استدعا نموده رفته و آنها را معاینه نمایم. قاصد من اطلاع داد که به عقیده وی، مقصود آنها از این سؤال این بود که مرا ترغیب نمایند که دیگر از ایالت تقویت ننموده و از آنها همراهی نمایم. از آنجایی که تصور می‌کردم عدم اطلاع آنها از حدودی که برای وظایف من معین است ممکن است آنها را امیدوار به تغییر رویه از طرف من بنماید و چون سوءظن داشتم از اینکه آنها سعی خواهند نمود تلگرافی را که وزیر داخله اخیراً برایشان مخاברה نموده بود ساختگی از طرف امیر اعظم بنمایانند، من صلاح دانستم که رفع شبهه از بابت این دو نکته بنمایم و تصمیم نمودم روز یکشنبه آنها را ملاقات نمایم.

من ارائه طریق نمودم که کارگزار بایستی به اتفاق من بیاید چرا که او به مقام مأموریت خود از جانب دولت ایران می‌توانست آنها را از رویه حکومت مرکزی مطمئن ساخته و هرگونه پیغامی که ایالت برای آنها داشته باشد، بتواند ابلاغ نماید و گذشته از آن من به موجب اطمینانی که از طرف شما برایم رسیده بود، می‌توانستم به آنها اطمینان دهم که اظهارات کارگزار در موضوع رویه حکومت مرکزی صدق و صحیح است. این پیشنهاد که کارگزار به اتفاق من بیاید مورد قبول واقع گردیده و او زیاده بر آنچه من انتظار داشتم با من همراهی نمود.

در وقتی که تمام حضور داشتند، من با کمال جدیت مشغول شدم به اطمینان دادن به یاغیان به این مضمون که از آنجایی که خود را قنصل دولت خارجی می‌دانم، مجبورم مأموری را که از طرف دولت ایران تعیین گردیده بشناسم و هیچ کس مبادرت نخواهد ورزید به من آشکارا ارائه طریق نماید که من بایستی رویه خود را تغییر دهم.

اگرچه بسیاری در موقع مشورت خصوصی به من اصرار کردند این کار را بکنم، بزودی مشهود گردید چندان احتمال نمی‌رفت بتوان از سرکردگان یاغیان شرح مختصری

از شکایات و تظلماتشان بدست آورد.

شکایات میرزا حسین‌خان و رفعت‌نظام در قسمت پنجم مراسله من مرقوم است. شکایت معین‌دیوان حکمران سابق جبل بارز این است که ایالت او را تنبیه نموده است ولی به موجب تمام تفصیلاتی که درباره او به سمع من رسیده، او سزاوار تنبیه بوده است. بهادرالملک از این متغیر است که چرا از حکومت جیرفت معزول گردیده و از آن می‌ترسد مبادا مالیات عقب‌افتاده از وی مطالبه شود. گنجعلی‌خان ایلخانی ایل افشار، سه سال است مالیات خود را نداده است و طبعاً می‌ترسد از اینکه مبادا از او بازخواست مالیات بشود ولی اکثر آنها اعتراف نمودند که هیچ‌گونه شکایت یا تظلمی نداشته و فقط به همراهی دوستان خود آمده بودند.

من آشکارا آنها را يك يك بطور خصوصی اطلاع دادم که هیچ يك از شکایات آنها را نمی‌توان برای عزل ایالت قبول نمود و تظلمات آنها برای اثبات مظلومیتشان کافی نخواهد بود و بعضی از آنها، بعد کوشش نمودند که متعذر به معاذیر شده و نسبتهای بی‌اساس مهمل اجحاف و تعدی به امیر اعظم دادند.

من به اینها اطلاع دادم نمی‌توانم اظهاراتشان را باور کنم ولی ایالت هرچه کرده باشد، ۱ هزار يك بدبختیها و مصیبت‌هایی را که یاغیان به اهالی این نقاط وارد آورده [اند]، او به آنها وارد نیاورده است.

وقتی که در حضور تمام، از آنها جهة خراب‌کردن سیمها را سؤال نمودم، آنها اظهارات سابق خود را تکرار نمودند که امیر اعظم باعث آن شده و همینکه پرسیدم چرا او این کار مهمل را کرده است، در جواب گفتند برای این بوده که آنها را از مخابره با طهران ممانعت نماید.

من به آنها اظهار داشتم لازم نبود او برای این مقصود، سیمهای تلگراف را قطع نماید چرا که اداره تلگرافخانه در ید اختیار وی بود و هیچ تلگرافی را بدون تصویب وی مخابره نمی‌نمودند. این اظهار تا اندازه‌ای آنها را ساکت نموده، بعد یکی از آنها عنوان نمود که سیمهای تلگراف را قطع نموده‌اند مبادا آنها توسط تلگرافخانه انگلیس مخابره نمایند. من در جواب گفتم که این مسأله را، هم من و هم آنها بخوبی می‌دانند که تلگرافخانه انگلیس به هیچ وجه من‌الوجه تلگرافی برای مخابره از آنها نمی‌پذیرد. این جواب تا مدتی اسباب سکوت آنها شده و بعد گفتند سیمها را برای این قطع نموده‌اند که اسم و آبروی ما را ضایع کنند. من در جواب اظهار داشتم که تلگرافخانه ایرانی بکلی در تحت امر امیر اعظم بوده و می‌توانست به وسیله مخابره با طهران مؤثراً و زیادتر اسم آنها را خراب کند تا آنکه وسایل مخابراتی را که دایر داشتن آن برای وی صرفه دارد مقطوع بدارد. این جواب بساز آنها را ساکت نمود و میرزا حسین‌خان بعد از آن در ضمن صحبت شخصی بمن اعتراف نمود که خود او سیمهای مذکور را قطع نموده است.

کمی قبل از غروب، کارگزار و من از اردو خارج شده و به شهر مراجعت نمودیم و شرح گزارشات را برای ایالت نقل نمودیم. پس از قدری مذاکرات اینطور تصمیم شد که کارگزار و من، روز بعد، مجدداً به اردو رفته و ۵ نفر از رؤساء را من امنیت داده آنها را ترغیب نماییم با ما مراجعت نموده و شکایات خود را به عرض امیر اعظم برسانند.

(۵) روز دوشنبه کارگزار و من به اردو رفته و این پیشنهاد را به رؤساء نمودیم ولی اینها ظاهراً بخوبی درک نموده بودند که برای ایشان غیرممکن است شکایاتی را که به من اظهار داشته بودند بطور تظلم به عرض ایالت برسانند و کوشش نمودند با معاذیر مختلفه متعدده این پیشنهاد را رد نمایند و اصرار داشتند بر اینکه اگر ۵ نفر از رؤساء بروند آنهایی که میمانند، برای استقرار انتظامات میان ایلات کافی نخواهند بود و ارائه طریق نمودند که فقط یک نفر نماینده بفرستند. من در جواب اظهار داشتم که چون هر یک از آنها شکایات و تظلمات مخصوص داشتند یک نفر نماینده مکفی نخواهد بود و ۵ نفر یا اقلاً ۴ نفر کمترین عده‌ای است که امیر اعظم قبول خواهد کرد و پس از آنکه شکایت نمودند اگر ۵ نفر از سرکردگان حرکت کنند، ممکن است اسباب خطر گردد، اظهار نمودند خوب است تمام سرکردگان که عده‌شان به ۱۲ یا ۱۳ می‌رسید، حرکت کنند. من در جواب اظهار داشتم در صورتیکه می‌گویید اگر ۵ نفر از سرکردگان حرکت کنند ممکن است خطری پیش آید، پس اگر تمام حرکت کنند بطریق اولی ممکن است خطر به ظهور برسد.

سپس ارائه طریق نمودند که کنفرانسی عوض آنکه بنا بر پیشنهاد امیر اعظم در چادر منعقد شود، در قنسولخانه منعقد گردد. من به این ارائه طریق اعتراض نموده گفتم این کار یک قسم بی‌احترامی نسبت به دولت ایران است و به آنها اطمینان دادم که در چادر هم مثل قنسولخانه امتیاز خواهند داشت و وعده دادم که محض آنکه سالماً به آنجا بروند، با ایشان همراهی نموده و در تمام مدت کنفرانس حضور بهم خواهم رسانید ولی در مذاکرات آن شرکت نخواهم نمود و آنها را سالماً به اردو خواهم رسانید.

سپس پیشنهاد شد که من یک قسم محکمه تشکیل داده و بین آنها قضاوت نمایم. من از این کار امتناع ورزیده و اظهار داشتم حاضر نیستم چرا که این کار یک نوع بی‌احترامی به ایالت است. بعد از من درخواست نمودند ضمانت کنم که انعقاد این کنفرانس سبب تصفیة امور بطور دلخواه خواهد شد. من در جواب اظهار داشتم که با اینکه به نظر من برای تصفیة امور جز به وسیله کنفرانس بطور دیگری نمی‌توان بدان نائل شد نمی‌توانم چنین ضمانتی را بنمایم.

پس از آن، آشکارا از من استدعا نمودند که از تقویت ایالت صرف‌نظر نموده و از آنها حمایت نمایم. من امکان‌پذیر نبودن چنین امری را برای آنها توضیح نموده

اظہار داشتم کہ چون فقط پیشنہادی را کہ ممکن بود بہ وسیلہ آن امور تصفیہ شود رد نمودند، من بایستی نتیجہ بگیرم کہ خود آنها میل بہ فیصلہ امر نداشته و لذا میل ندارم دیگر در این باب با ایشان مذاکرہ نمایم.

آنها بہ هیچ وجه نمیخواستند بگذارند من بروم. ظاہراً بہ این امید کہ دوبارہ مرا ترغیب بہ ہمراہی خود نمایند و از این میترسیدند کہ کنارہجویی من اسباب تفرقہ کسانی باشد کہ بہ یک طوری مجبور بہ ہمراہی با آنها شدہ اند.

آخر الامر من بہ کنارہجویی موفق شدہ حرکت کردم و بر من مکشوف گردید کہ خوف و بیم آنها صورت حقیقت یافتہ و بر اظہارات خصوصی من بہ کسانی کہ می دانستم تا اندازہ ای با سایرین میانہ شان خوب نبود اثراتی مترتب گشت. چنانچہ صولۃ السلطان با ۲۰۰ نفر از ہمراہان خود، قبل از حرکت من بہ طرف شہر حرکت نمودہ و هنوز دو یا سه میل نرفتہ بودم یک دستہ را دیدم سوارہ عقب من می آیند. من تا مسافتی بہ جلو رانندہ و ہمینکہ نزدیک شدند خود را بہ یک طرف راہ کشیدم تا آنها عبور کنند.

این دستہ مرکب بود از قریب ۵۰ نفر از ایل افشار در تحت امر صولۃ الملک و محمدخان جیرفتی پدر زن صولۃ الملک ہم کہ یکی از رفقای قدیم من و یک دفعہ در قنسولخانہ مہمان من بود، ہمراہ آنها بود. من از آمدن وی اظہار مسرت کردہ و تبریک گفتم و او در جواب اظہار داشت نمی تواند بگذارند من تنہا بہ شہر بروم.

من بہ اتفاق کارگزار ورود بہ شہر نمودہ، امیر اعظم را دیدم. با بشاشت تمام با دو نفر از سرکردگان افشار کہ قبل از من وارد شدہ بودند مشغول صحبت بود و در موقعی کہ محمدخان و صولۃ الملک نزد او آمدند، حضور داشتم و کمی بعد از آن از حضور او خارج شدم.

(۶) شاهزادہ فعلا در حملہ بہ بقیہ یاغیان تردید دارد و حالا از آنها قوی تر است و اگر بہ آنها حملہ نماید یقیناً بقیہ عساکر دولتی کہ در اردوی آنها هستند، بہ وی ملحق خواهند شد ولی هنوز مردد است و مشغول پیغام فرستادن برای آنها است و امروز مرا اطلاع دادہ است کہ خیال دارد فردا بہ آنها حملہ نماید.

(۷) اینک باید تفصیل ۵ ہزار تومانی را کہ از بانک شاہنشاهی برای ایالت گرفتم بنویسم:

شرح آن این است کہ از طرف شما اطمینان برای من رسیدہ بود کہ قرار است پولی برای او فرستادہ شود و تلگرافی را کہ وزیر داخلہ مخابره نمودہ بہ او اطلاع دادہ بود کہ مسیو مرنارد حوالہ آن را دادہ است ملاحظہ نمودہ بودم. تا زمانی کہ سیم تلگراف مقطوع بود، از طرف مسیو مرنارد تلگرافی نرسید و چون مدتی بود حقوق عساکر دادہ نشدہ و بیم آن می رفت عدہ ای از آنها دست از خدمت کشیدہ متفرق شوند، رسیدن پول کمال لزوم را داشت و معلوم نبود چہ وقت خط تلگراف دائر خواهد گردید.

من بطور رسمی بہ بانک شاہنشاهی اطمینان دادم کہ دولت ایران امر بہ پرداخت وجہ را بہ ایالت دادہ و او ہم قبول کرد وجہ مذکور را دادہ امیر اعظم رسید بہ او

بدهد. من پول را دریافت کرده و در اداره خود نگاه داشته‌ام و از مأمورین تقسیم پول قبوضی که به امضای خود آنها و پیشکار مالیه و ایالت است گرفته و متدرجا می‌پردازم و این کار را محض آن کرده‌ام که در هر روز و ساعتی که پول لازم باشد، موجود باشد. در صورتیکه این پول در بانک بود، غیر از ساعاتی که بانک مفتوح بود و روزهای جمعه یا یکشنبه تحصیل آن امکان‌پذیر نبود. هنگامیکه انتظامات کاملاً اعاده شود، من در نظر دارم بقیه پول را آنچه باشد در حساب حکومت محلی به بانک انتقال داده و صورت‌حسابی به انضمام اوراق راجع به آن توسط کارگزار برای حکومت محلی بفرستم.

در مسأله پول، شاید من از حدود وظایف خود تجاوز نموده باشم و مسلم است که از منظور داشتن بعضی ترتیبات مرسومه صرف‌نظر نموده‌ام ولی تا آنکه لزوم هر امری بر من متحتم نشود در انجام آن اقدام ننموده‌ام و هر قسم احتیاط لازم را برای آنکه وجه مذکور به مصرف صحیح برسد، مرعی داشته‌ام.

(۸) امیدوارم که هفته دیگر بتوانم شما را از تفرقه یا دستگیری بقیه یاغیان و اعاده کامل انتظامات مطلع گردانم. این یاغیان شرارت فوق‌الطایفه نموده و اهالی آن قسمت ایالت را که از آنجا و از حدود کرمان عبور نموده‌اند و فعلاً در آنجا اردو زده‌اند دچار بدبختیهای بسیار نموده‌اند.

در هر موقعی که به اردو رفته‌ام، دهاتیهای بیچاره دور مرا گرفته و می‌گویند آنچه داشته‌اند به غارت رفته است و از محل موثقی به من اطلاع رسیده که همین یاغیان عده‌ای از زنان را بی‌عصمت نموده و به هیچ وجه از جان و مال مردم دریغ نداشته‌اند. به این جهات و برای استرداد تفنگ و مهماتی که فعلاً در دست دارند، بسیار به موقع است که از طرف امیر اعظم اقدامی به عمل آید و من به او تأکید می‌کنم اقدامی بکند. در طی مراسله دیگر خود توضیح خواهم نمود که این هیجان و اقدامات رؤساء که تا این اندازه غلیان نمود، برعلیه بدرفتاری امیر اعظم نبود بلکه برای آن بود که هیچ قسم حکمران لایق کافی در این حدود نماند.

(امضاء) هیگ لیوتنان کلنل

نمره - ۱۸۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ ژون ۱۹۱۲ [۲ تیر ۱۲۹۱؛ ۷ رجب ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم اینک سواد تلگرافی را که کفیل قنسولگری شیراز در ۲۰ ژون مخابره نموده و راپورت ورود و فروش مقدار زیادی فشنگ در میان ایلات فارس آنجا را داده است، لفاً ایفاد دارم.

مراسله‌ای هم از مستر اسمارت در تاریخ ۲۲ مه برای من رسیده در آن ارائه طریق می‌کنند که چون مسأله برقرار داشتن يك حکومت مقتدری در فارس، آنقدر برای دولت اعلیحضرتی دارای اهمیت است خوب است دولت مشارالیه‌ها در عوض اینکه به دولت مرکزی پول دهد، مستقیماً به حکومت محلی رسانیده و در این کار همراهی نماید.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۱۸۷

تلگراف کنیل قنسولگری، اسمارت، به سر والتر تنلی

شیراز ۲۰ ژون ۱۹۱۲ [۳۰ خرداد ۱۲۹۱؛ ۴ رجب ۱۳۳۰]

مقدار زیادی فشنگ از خلیج فارس تازگی به شیراز وارد شده بدان واسطه قیمت فشنگ موزر که يك ماه قبل در بازار از دانه‌ای سی شاهی الی دو قران بفروش می‌رسید، به دانه‌ای پانزده یا شانزده شاهی تنزل کرده است. خیلی افسوس است که در موقعی که کار بر ایلات قدری سخت شده است، این فشنگ مل سیل وارد شود. تجار شیراز مقدار زیادی فشنگ به رؤسای ایلات می‌فروشند.

نمره - ۱۸۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۸ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۷ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۲ رجب ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۷ ژون من:

رئیس نظمیہ

آیا اقدامی برای تعیین رئیس هلندی، برای نظمیہ به عمل آمده است؟

نمره - ۱۸۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۸ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۳ رجب ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۸ ژوئیت شما:

سفیر هلند درخواست دولت ایران را برای استخدام يك نفر صاحب‌منصب کل و دو نفر صاحب‌منصب جزو برای نظمیہ، در ۲۷ ژون به دولت متبوعه خود ارائه نمود.

نمره - ۱۹۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۰ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۴ رجب ۱۳۳۰]

سفیر ایران مقیم اینجا، از بست اختیار نمودن مجلال‌السلطان نزد روسها (رجوع به تلگراف دوم ژوئیت خودتان نمایید) شکایت کرده و اصرار دارد بر اینکه دولت

اعلیحضرتی باید مواظب اجرای مواد پروتکل ۱۹۰۹ (ماده ۱۰) باشند. یقیناً ظاهر است که سفیر معظم تا اندازه‌ای حق شکایت دارد و شما باید در این موضوع با همکار روسی خود مذاکره نمایید.

نمره - ۱۹۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۱۲ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۱ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۶ رجب ۱۳۳۰]
 مجلل‌السلطان

راجع به تلگراف ۱۰ ژوئیت شما:

همینکه خبر ورود مجلل‌السلطان به نعمت‌آباد، به سفارت روس رسید، همکار روسی من به قنصل روس مقیم تبریز تعلیم داد که او را دستگیر نماید و به مجرد آنکه از طرف دولت متبوعه او برایش تعلیمات رسید، فوراً امر صادر نمود که او را به روسیه تبعید نمایند و تا زمانی که تبعید نشده، نباید به او اجازه داده شود با همراهان خود که در تبریز هستند، مراوده و مخاברה نماید و به مجرد آنکه تعهد کتبی نماید که بدون اجازه دولت ایران به ایران مراجعت نخواهد نمود، باید او را اخراج نمایند. انتظار می‌رود یکی دو روز دیگر این کار به انجام برسد.

چنانچه فهمیده‌ام، وزیر امور خارجه ایران از اقدامات سفارت روس در این امر اظهار رضایت نموده است.

نمره - ۱۹۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۱۲ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۱ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۶ رجب ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۲۳ ژون من:

افتخار دارم راپورت دهم که قراردادی به اتمام رسیده به این شرایط که سردار جنگ برای اعاده انتظامات و ضمانت امنیت راه، به خاک بختیاری برود. یکی از پسران صدراعظم هم همراه او خواهد رفت.

دولت ایران و خوانین، فرمانی به مدت ۵ سال به امیر جنگ داده و او را به ایلخانی‌گری بختیاری و حکومت بهبهان منصوب داشته‌اند و بانک شاهنشاهی مبلغ ۸ هزار لیرایی که برای انجام این کار لازم بود داده است و اسهام معادن نفت خوانین، این قرضه را تأمین می‌نماید.

به گمان من، می‌توان امیدوار شد که از تعیین وی نتایج مستحسنة به ظهور خواهد رسید و سردار جنگ اهمیت کاری را که به وی سپرده شده خوب درک می‌کند. مشارالیه چند روز دیگر حرکت خواهد کرد و بنا بر خواهش مخصوص وی، کاپیتان گری که حالا در اصفهان منتظر ورود او است، همراهش خواهد رفت.

نمره - ۱۹۳

مکتوب سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۲ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۱ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۶ رجب ۱۳۳۰] آقا

مکتوب ۱۴ ژون شما، که در آن راپورت نزاع بین شیخ محمره و بختیاری را از بابت حکومت شوستر داده بودید، واصل گردید.

من پیشنهاد شما را تصویب می‌کنم که سعی کرده خوانین را ترغیب نمایید که کتباً اظهار میل کنند به اینکه در اجلاسی که نوشته‌اید در ماه دسامبر آتیه در محلی نزدیک شوستر منعقد گردد، نمایندگی بهم رسانند، برای آنکه مساعی جدی بکار برده شده و تمام مسائل معوقه بین شیخ و خوانین تصفیه گردد.

(امضاء) گری

نمره - ۱۹۴

مکتوب سر ادوارد گری به کنت بنتینگ

وزارت خارجه ۱۲ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۱ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۶ رجب ۱۳۳۰] آقا

اینک سواد مراسلاتی که با سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران در خصوص تعیین احتمالی یکی از اتباع دولت هلند، برای ریاست کل نظمیه رد و بدل شده، لفاً ایفاد می‌دارم.

این را ممکن است بعلاوه اظهار نمایم که در صورتی که وزیر امور خارجه در این موضوع به شما اظهاری نماید، بگویید که دولت اعلیحضرتی و دولت روس، تعیین او را تصویب خواهند نمود.

(امضاء) گری

نمره - ۱۹۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۳ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۲ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۷ رجب ۱۳۳۰] بریگاد قزاق در تبریز

راجع به تلگراف غره ژوئیت من:

دیروز جواب دولت ایران به سفارت روس داده شده تشکیل یک دسته قزاق را در تبریز تصویب نموده‌اند.

سپهدار هنوز اینجا، به لیت و لعل می‌گذراند و برای آنکه به صوب مأموریت خود حرکت نکند عذر تراشی می‌کند.

از طرف دولت ایران مؤکداً اظهار می‌شود که حضور او در اینجا امنیت عمومی را

بسیار تهدید می‌کند و اظهار می‌کنند که طرفداران شاه مخلوع با وی سروکار دارند و این مسأله به هیچ وجه پوشیده و پنهان نمی‌باشد.
گمان می‌کنم تا زمانی که سپهدار اینجا توقف دارد، امنیت به هیچ وجه احساس نمی‌شود و از پیشرفت امورات حکومت مرکزی جلوگیری می‌شود. یکی از شرایطی که وزیر امور خارجه در موقع قبول مقام خود قرار داد، حرکت سپهدار بود.

نمره - ۱۹۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۳ تیر ۱۲۹۱: ۲۸ رجب ۱۳۳۰]

کفیل قنصلگری تبریز راپورت می‌دهد که ۶۰۰ نفر پیاده نظام روس، با دو عراده توپ، ۱۴ ژوئیت وارد اینجا شدند و فعلا کلیه عساکر روس در آنجا ۱۵۰۰ نفر است.

نمره - ۱۹۷

مکتوب سر ادوارد گری به میرزا مهدی‌خان

وزیر امور خارجه دولت اعلیحضرتی به سفیر ایران سلام رسانیده و افتخار دارد در باب اظهارات وی به سر نیکلسن روز ۹ ژوئیت در موضوع مجلل‌السلطان، ایشان را مطلع سازد که به موجب تلگرافی که از سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران در تاریخ ۱۲ ژوئیت واصل گردیده، سفیر روس به مجرد وصول اخبار ورود مجلل‌السلطان به نعمت‌آباد، برای قنصل روس تعلیم داد او را دستگیر نماید و بعد از آن در تحت تعلیمات سنت پترزبورغ، حکم داد او را از روسیه تبعید نموده و اجازه‌اش ندهند با همراهان تبریز خود، مخاپره و مکاتبه نماید.

بعلاوه، در این تلگراف مذکور است که مجلل‌السلطان پس از آنکه تعهد کتبی نمود بدون اجازه دولت ایران به ایران مراجعت ننماید، اخراج خواهد گردید.

علاءالسلطنه اظهار داشت که از اقدامی که در این باب شده، رضایت دارد.

وزارت خارجه ۱۵ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۴ تیر ۱۲۹۱: ۲۹ رجب ۱۳۳۰]

نمره - ۱۹۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۵ تیر ۱۲۹۱: یکم شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۳ ژوئیت من:

به موجب خبری که اینجا شیوع دارد، شاه مخلوع از وینه برای تبریز حرکت کرده است. این اشتها که من چندان آن را باور نمی‌کنم، از وزارت خارجه نشر شده است. چنانچه معلوم می‌شود جسارت و قدرت طرفداران مراجعت شاه مخلوع، روز به روز

زیاد می شود.

نمره - ۱۹۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۱۶ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۵ تیر ۱۲۹۱: یکم شعبان ۱۳۳۰]
 رئیس نظمیه

راجع به تلگراف ۹ ژوئیت من:
 از طرف دولت هلند در باب درخواست دولت ایران برای استخدام صاحبمنصبان
 هلندی برای نظمیه طهران، هنوز جوابی برای همکار هلندی من نرسیده است.
 حالیه ریاست نظمیه با یکی از خوانین بختیاری است که به مقام وزارت جنگ
 منصوب است.
 با دلایل صحیحه تصور می کنم که او کوشش خواهد نمود یکی از خوانین جزء را
 برای این مقام تعیین نماید.
 خوانین فعلاً ناراضی هستند و چنین تعیینی ممکن است حل اشکالاتی را بنماید.
 یحتمل سفیر روس مخالف چنین اقدامی باشد و عقیده من نیز بر این است که تعیین
 بختیاری به این مقام غیرمطلوب است.
 همکار روسی من شکایت دارد از اینکه دولت ایران میل ندارند بعضی از فدائیان
 را که اخیراً از خارج وارد طهران گردیده اند و مشهورند به اینکه در حملات ماه
 ژانویه بر عساکر روس در تبریز شرکت نموده اند، دستگیر نمایند.

نمره - ۲۰۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
 وزارت خارجه ۱۶ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۵ تیر ۱۲۹۱: یکم شعبان ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۱۳ ژوئیت سر والتر تنلی:
 تبریز

نظر به تشویشی که به واسطه حضور سپهدار در طهران به دولت ایران عارض
 شده، آیا وزیر امور خارجه روس مایل خواهد بود به سفیر روس مقیم طهران تأکید
 برای حرکت سپهدار بنماید؟
 اگر مایل باشد، من هم تعلیمی شبیه به این، به سر والتر تنلی خواهم داد.

نمره - ۲۰۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
وزارت خارجه ۱۶ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۵ تیر ۱۲۹۱؛ یکم شعبان ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۱۴ ژوئیت سر والتر تنلی:

عساکر روس

خیلی خوشوقت خواهم شد بدانم که این قشون امدادی هستند یا آنکه فقط به جای
آنهايي که مدت خدمتشان سرآمده، وارد شده‌اند.

نمره - ۲۰۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۱۷ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۶ تیر ۱۲۹۱؛ ۲ شعبان ۱۳۳۰]
اشکالات مالی دولت ایران

امروز وزیر مالیه از من ملاقات نموده خواهش نمود که چون دولت ایران بسیار
محتاج پول است مسأله مساعدہ‌ای را از طرف دولتین، در تحت ملاحظه جدی شما آورم.
او اظهار داشت که یکی از کارهایی که پول برای آن خیلی لازم است، تهیه قشونی
برای لرستان است که الوار در آنجا آشکارا علم طغیان بلند کرده و دولت را تهدید
می‌کنند. عساکری که در کرمانشاه هستند، برای مراجعت به طهران داد و فریاد
می‌کنند. او اظهار داشت که اگر عساکر کرمانشاه را تخلیه کنند، آن شهر را بلاشبه
سالارالدوله مجدداً اشغال خواهد نمود و اول کسی که از آنجا حرکت خواهد کرد
فرمانفرما حکمران آنجا با عساکر خواهند بود.

از قرار تقریر وزیر مالیه، همکار روسی من موافقت نموده است که به دولت
متبوعه خود در این باب تلگراف کند.

نمره - ۲۰۳

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری
سنت پترزبورغ ۱۷ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۶ تیر ۱۲۹۱؛ ۲ شعبان ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۱۶ ژوئیت شما:

امروز بعد از ظهر در ضمن مذاکره با مسیو نراتف، در موضوع سپهدار صحبت
نموده و او اظهار داشت که تا اندازه‌ای که بر او معلوم است، حضور او در طهران
چندان اسباب تشویش زیادی برای دولت ایران نبوده است و در حقیقت جناب
معظمه، از این می‌ترسید که اگر سپهدار به تبریز ورود نماید، بیشتر اسباب
اضطراب دولت ایران خواهد گردید. چرا [که] در آن صورت اعمال او را کمتر در
تحت مراقبت و نظارت خود توانند داشت.

بنابر عقیده دولت روس، بهتر این بود که شجاع الدوله در تبریز نگاه داشته شود. شجاع الدوله که نفوذش زیادتر از سپهدار بود، بیشتر از سپهدار طرف وثوق و اعتماد آنها بود.

من به جناب معظم اشعار نمودم که یقیناً عساکر روس که در تازگی ۵۰۰ نفر بر عده آنها افزوده شده، استقرار انتظامات آنجا را ضمانت خواهند نمود (رجوع به تلگراف ۱۶ ژوئیت خود نمایید). مسیو نراتف توضیح نمود که مقصود دولت روس در فرستادن این قشون تنبیه کردن شاهسونها بوده و میل آنها بر این است که حتی المقدور از مداخله جبری احتراز نمایند.

اما در باب اینکه آیا صلاح است به سپهدار تأکید شود از طهران به طرف تبریز حرکت نماید، مسیو نراتف وعده داد که عقاید مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] را استفسار نماید.

نمره - ۲۰۴

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

منت پترزبورغ ۱۷ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۶ تیر ۱۲۹۱؛ ۲ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۶ ژوئیت سر والتر تنلی:

شاه مخلوع

امروز در ضمن صحبت مسأله شهرت یافتن حرکت محمدعلی را برای تبریز به مسیو نراتف اظهار نموده مذکور داشتم که ظاهراً طرفداران وی در ایران با کمال جدیت مشغول طرح ریزی برای مراجعت او می باشند.

مسیو نراتف در جواب گفت که او از این حرکت به هیچ وجه اطلاعی نداشته و به عقیده وی محمدعلی چندان به تقویت شدن مقاصد خود در ایران پشت گرمی نداشته و بنابراین اقدامی نخواهد کرد.

من به جناب معظم اظهار داشتم که امید است دولت روس احتیاطات لازمه حتی المقدور بنمایند که نگذارند مخفیانه شاه مخلوع از خاک روس عبور کند و بعلاوه مذکور داشتم که در صورتی که احتیاطات لازمه بعمل نیاید دفعه دیگر ممکن است دولت روس را متهم نمایند که برای مراجعت او به ایران قرار و ترتیبی داده اند و در آن صورت وضعیت دولت اعلیحضرتی بسی اسباب تشویش و اضطراب خواهد گردید.

مسیو نراتف در جواب اظهار داشت که در صورتی که شاه مخلوع از اودسا حرکت ننموده بود، این اقدامات سهل بود ولی اگر او با تذکره جعلی و لباس مبدل از خارج به روسیه وارد شود جلوگیری از وی تا اندازه ای مشکل خواهد بود. بر جناب معظم مسلم است که نظر به اخطارات و انتباهاتی که از طرف دولت روس در اودسا به او شده، احتمال نمی رود واقعات جسورانه سال گذشته تکرار شود.

نمره - ۲۰۵

تلگراف اسمیت ژنرال قنسول، به سر ادوارد گری

اودسا ۱۷ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۶ تیر ۱۲۹۱؛ ۲ شعبان ۱۳۳۰]

محمدعلی هنوز اینجا است، من نتوانسته‌ام تحقیق کنم چه وقت خیال حرکت دارد.

نمره - ۲۰۶

تلگراف سر ادوارد گری به کنت بنتینگ

وزارت خارجه ۱۷ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۶ تیر ۱۲۹۱؛ ۲ شعبان ۱۳۳۰]

آیا خبر دارید که دولت هلند حاضر هستند برای نظمیه طهران صاحب‌منصبان بدهند یا نه؟ رجوع به تلگراف ۱۶ ژوئیت طهران نمایید.

خیلی مسرور خواهم شد از اینکه بشنوم دولت مشارالیه‌ها به این امر رضا دهد.

نمره - ۲۰۷

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۱۸ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۷ تیر ۱۲۹۱؛ ۳ شعبان ۱۳۳۰]

رجوع به تلگراف ۱۷ ژوئیت من کنید:

شاه مخلوع

کفیل وزارت امور خارجه بعد از آن تاریخ به من مکتوبی نوشته اطلاع داد که شاه مخلوع تا چند روز قبل هنوز در اودسا بوده ولی در نظر دارد برای معالجه به فرانسه برود. بنابراین او تصور می‌کند که اشتهاری که من مذکور داشتم، نمی‌شود اساسی داشته باشد.

نمره - ۲۰۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۷ تیر ۱۲۹۱؛ ۳ شعبان ۱۳۳۰]

وزیر امور خارجه مرا اطمینان داده است که مخبرالسلطنه روز شنبه ۲۰ ژوئیت هفته آتیه، حتماً از طهران برای شیراز حرکت خواهد کرد. عساکر لازمه به همراه او خواهند رفت و توپ هم همراه خواهند برد و به من اطمینان داده شده که تلگراف علمای نجف که برای علمای شیراز مخابره شده بود منتشر گردیده و مجتهد بزرگ شیراز شرحی در توضیح تلگراف مذکور به آن منضم نموده است.

کفیل قنسولگری اعلیحضرتی مقیم شیراز اظهار داشته است که لازم است قوام، نایب‌الایالات اغتشاش طلب عرب را حمله نماید. حکومت مرکزی در نظر داشت که تا ورود ایالت به شیراز صبر کند لیکن علاءالسلطنه حالا وعده داده است که تعلیمات برای قوام بفرستد که فوراً به طریقی که پیشنهاد شده عمل نماید.

حکومت مرکزی بعلاوه مرا اطلاع می‌دهد که بر حقوق قراولان بین شیراز و

بوشهر از ۱،۰۰۰ تومان تا ۱،۴۰۰ تومان افزوده شده. علاءالسلطنه اظهار امیدواری می‌کند که ممکن است بوسیله این اقدام از حرص و طمع‌ورزی قراولان راه در اجحافات و اخذ راهداریهای گزاف جلوگیری شود.

به من اینطور معلوم می‌شود که رؤسای ایلات بواسطه آنکه نمی‌گذارند قوافل بدون پرداخت راهداریهای گزاف عبور نمایند مسؤول رفتار قراولان راه می‌باشند. من این مسأله را به علاءالسلطنه اشعار داشته‌ام.

چنان به نظر می‌رسد که محمدعلی‌خان قوام را اطلاع داد که فعلاً موسم مقتضی نیست که دستگیری مرتکبین حمله به دستر اسمارت بعمل آید و اظهار می‌دارد که حاضر است مرتکبین را تسلیم نماید ولی برای نیل به این قصد دو ماه وقت لازم است.

نمره - ۲۰۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۱۸ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۷ تیر ۱۲۹۱: ۳ شعبان ۱۳۳۰]

نظر به اوضاع ایران که شرح آن در تلگراف ۱۷ ژوئیت سر والتر تنلی مذکور است، مطلقاً لازم است که قدری وجه به دولت ایران داده شود.

دولت اعلیحضرتی می‌توانند در هر موقع ۵۰،۰۰۰ لیرا قرض بدهند و به وصول تلگراف ۲۰ آوریل سر والتر تنلی اقدامات لازمه برای تهیه وجه مذکور نمودند.

از کفیل وزارت امور خارجه استفسار نمایید که آیا برای دولت روس امکان ندارد که پرداخت وجه مذکور را به اختیار دولت روس گذارده آن را نگاه دارند تا آنکه بلا تأخیر مشترکاً قرضه داده شود؟

در صورتی که اتخاذ رویه دیگری غیرممکن باشد خوب است دولت روس بگذارند تا ۲۵۰۰۰ لیرا علاوه به بانک روس حواله بدهند فقط باین شرط که میزان منافع که در مورد قرضه سابق محسوب می‌شد، برای این وجه محسوب گردد.

نمره - ۲۱۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۸ تیر ۱۲۹۱: ۴ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۶ ژوئیت شما به سنت پترزبورغ:

سپهدار دیشب از راه قزوین به طرف تبریز حرکت نمود و یحتمل يك هفته الی ده روز آنجا توقف خواهد نمود.

سپهدار پس از فشار سخت سفیر روس، با کمال بی‌میلی حرکت نمود.

نمره - ۲۱۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۵ شعبان ۱۳۳۰]

مالیه ایران

راجع به تلگراف ۱۸ ژوئیت سنت پترزبورغ:

مسیو مرنارد دیروز به ملاقات من آمد. مقصود از ملاقات این بود که اشکالات مالی دولت ایران را توضیح نماید. ظاهراً او خیلی مکدر بود از اینکه بانک روس اضافه عایدات گمرک را که به ۴۰،۰۰۰ لیرا می‌رسد، برای استرداد قرضه اخیر نگاه داشته است و این کار برحسب دستورالعمل از سنت پترزبورغ به عمل آمده است.

نمره - ۲۱۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۵ شعبان ۱۳۳۰]

روسیه و شاهسونها

راجع به تلگراف غره ژوئیت من:

کفیل ویس قنسولگری رشت در ۱۹ ژوئیت بقرار ذیل تلگراف می‌کند:
از قراری که دریافته‌ام ۲،۰۰۰ نفر از پیاده‌نظام روسها به امر، قریب ۴۰ میلی شمال غربی اردبیل رسیده است. اینها از روسیه آمده‌اند. از قراری که مذکور است، عساکر روس از مغان و تبریز هم برای مقابله با شاهسونها حرکت کرده‌اند.

نمره - ۲۱۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۵ شعبان ۱۳۳۰]

اوضاع کرمانشاه

راجع به تلگراف ۱۸ ژوئیت من:

به سفارت روس، از قنسول کرمانشاه خبر رسیده که بختیاریها و مجاهدین از آن شهر خارج شده و آن نقطه را سالارالدوله مجدداً تهدید نموده است.
در مراکز بختیاریها این خبر تصدیق شده و نیز راپورت داده شده است که والی پشتکوه با عده زیادی به طرف کرمانشاه نزدیک می‌شود. مقاصد او درست واضح نیست و تاکنون معلوم نمی‌باشد که او طرفدار دولت ایران یا سالارالدوله خواهد بود.
قنسول روس تأکید می‌کند بر اینکه ۲۵۰ نفر مجاهدین و دو عراده توپ را بایستی امر داد فوراً به کرمانشاه مراجعت نمایند. نظر به خالی بودن خزانه، این حکم بی‌ثمر خواهد بود.

قنسول روس اظهار می‌دارد که قنسول انگلیس هم همین مطلب را تلگراف خواهد کرد.

نمره - ۲۱۴

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری
سنت پترزبورغ ۲۰ ژوئیه ۱۹۱۲ [۲۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۵ شعبان ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف امروز سر والتر تنلی:

عساکر روس در شمال ایران

مسیو نراتف به من اظهار می‌دارد که علاوه بر ۶۰۰ نفری که سر والتر تنلی در
تلگراف ۱۴ شهر جاری خود بدان رجوع می‌نماید، دیگر از روسیه قشونی به ایران
حرکت داده نشده است و او بنابراین گمان می‌کند که ۲،۰۰۰ پیاده‌نظامی که در
تلگراف امروز طهران مذکور شده، مرکب از اشخاصی است که در ایران بوده و از
تبریز یا سایر نقاط گرد آمده‌اند.

ممکن است اغتشاشات شاهسونها مستلزم اعزام عساکر امدادی باشد.

نمره - ۲۱۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
وزارت خارجه ۲۰ ژوئیه ۱۹۱۲ [۲۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۵ شعبان ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف امروز سر والتر تنلی:

نظر به تلگراف فوق‌الذکر، لزوم پول که در تلگراف ۸ ژوئیه خود ذکر نموده‌ام
بسیار اهمیت پیدا کرده و صمیمانه امیدوارم که وزیر امور خارجه کاری کند که در
امور گشایشی حاصل گردد.

نمره - ۲۱۶

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری
سنت پترزبورغ ۲۰ ژوئیه ۱۹۱۲ [۲۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۵ شعبان ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۱۸ ژوئیه شما - مساعده مشترك به ایران - مسیو نراتف با
وزیر مالیه روس مشغول مشورت است و سعی می‌کند که جناب معظم‌له را با خود
همراه نماید.

جناب معظم‌له بنابر خواهش من وعده داد که به مسیو کوکوتسکف^۱ تأکید نماید که
دولت روس را راضی‌کند مطالبه اضافه عایدات گمرکات جنوب را (۴۰،۰۰۰ لیرا) که
در تلگراف امروز سر والتر تنلی بدان اشاره شده، به تأخیر اندازند. من مفاد
تلگراف مذکور را برای او تبلیغ نمودم.

(۱) چنین است در اصل [= کوکوتسوف؟] - م.

نمره - ۲۱۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲ امرداد ۱۲۹۱: ۹ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۰ ژوئیت من:

به دولت ایران اطلاعات بسیار اطمینان بخشی در باب کرمانشاه و سالارالدوله رسیده است. نظر، رئیس الوار و والی پشتکوه، که از طرفداران عمده سالارالدوله هستند مطیع دولت ایران شده اند. خود شاهزاده فعلا از نقطه ای به نقطه دیگر در حرکت است و از قرار مذکور، در راه بطرف تبریز است.

نمره - ۲۱۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲ امرداد ۱۲۹۱: ۹ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۶ ژوئیت خودتان:

می ترسم در استخدام یک نفر از اهالی هلند برای ریاست کل نظمیه، اشکال [وجود] داشته باشد.

نمره - ۲۱۹

مکتوب کنت بنتینگ به سر ادوارد گری

هیگ، ۱، ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲ امرداد ۱۲۹۱: ۹ شعبان ۱۳۳۰]

آقا

راجع به تلگراف ۱۷ شهر جاری شما:

افتخار دارم راپورت دهم که معاون وزارت خارجه همین حالا مرا اطلاع داده است که به مسیو اودندیج تلگرافاً [= تلگرافی] خبر داده است که دولت هلند نتوانسته اند کسی را برای ریاست نظمیه طهران معرفی نمایند.

(امضاء) بنتینگ

نمره - ۲۲۰

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورغ ۲۶ ژوئیت ۱۹۱۲ [۴ امرداد ۱۲۹۱: ۱۱ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۸ ژوئیت شما:

در جواب مراسله من که جواب آن را مؤکداً خواستم، کفیل وزارت امور خارجه نوشته است که با وزیر مالیه و سفیر روس مقیم طهران در خصوص قرضه پیشنهادی به دولت ایران مشغول مذاکره است و جناب معظم منتظر وصول اطلاعات دیگر از آنها است و تأسف دارد از اینکه نمی تواند به سؤال شما جواب بدهد و نمی تواند

تعیین نماید که در چه تاریخی به همین زودیها، بایستی منتظر جواب شد ولی وعده می‌دهد که هر قدر زودتر مرا از تصمیم دولت روس مستحضر بدارد.

نمره - ۲۲۱

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری
سنت پترزبورگ ۲۷ ژوئیت ۱۹۱۲ [۵ امرداد ۱۲۹۱: ۱۲ شعبان ۱۳۳۰]
مساعده به دولت ایران
رجوع به تلگراف ۲۶ ژوئیت من کنید.

من دیروز در این موضوع، با مسیو نراتف مذاکره نموده، از صحبت ایشان بر من معلوم گردید که مسیو کوکوتسکف^۱ یحتمل راضی خواهد شد که دولتین بریطانیای عظمی و روس، فوراً هر یک ۲۵،۰۰۰ لیرا بدهند ولی چون حتمی است که دولت ایران پس از صرف این ۵۰،۰۰۰ لیرا باز هم پول خواهند خواست، مسیو کوکوتسکف گمان می‌کند که بایستی به دولت ایران اظهار شود که از آنها انتظار می‌رود به ثبوت برسانند که اعتماد دولتین را سوء اعمال ننمایند.

نمره - ۲۲۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
وزارت خارجه ۲۷ ژوئیت ۱۹۱۲ [۵ امرداد ۱۲۹۱: ۱۲ شعبان ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۲۴ ژوئیت من:

دولت هلند حالا به ما اطلاع صریح داده‌اند که نمی‌توانند کسی را برای مقام ریاست نظمیه معرفی نمایند.

نمره - ۲۲۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
وزارت خارجه ۲۷ ژوئیت ۱۹۱۲ [۵ امرداد ۱۲۹۱: ۱۲ شعبان ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۲۶ ژوئیت شما:

به کنیل وزارت امور خارجه اظهار بنمایید که مسأله مهم است و لازم است که فوراً به اشکالات مالی که ایران را دچار شده، گشایشی داده شود و از او استدعا نمایید که لااقل به ارائه طریقی که در قسمت آخری تلگراف ۱۸ ژوئیت من شده، موافقت نماید.

بسیار مطلوب است که دولتین در يك موقع و مشترکاً مساعده بدهند ولی در صورتی که دولت روس نتوانند به این زودیها تصمیمی بنمایند، من حاضریم در این مسأله تدقیق نمایم که آیا ما می‌توانیم تمام پول را خودمان بدهیم و بگذاریم سهم دولت روس بعد داده شود؟

نمره - ۲۲۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۶ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۱ رجب ۱۳۳۰]
آقا

افتخار دارم سواد شرحی که جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان از بابت
نامنی راههای تجارتی آن ولایت در عرض سه ماهه الی آخر مارس که به تجارت
صدمه زده است، نوشته لفا ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۲۲۴

راپورت تجارت اصفهان برای سه ماهه

الی ماه مارس ۱۹۱۲ [۱۵ اسفند ۱۲۹۰؛ ۱۵ ع ۱ - ۱۳۳۰]

راهها

برفهایی که در اوایل ماه ژانویه در تمام راهها و نقاط این ولایت بارید و سرمای
بسیار شدیدی که در آخر ماه مذکور شد، اسباب منع حمل و نقل مالالتجاره شده و
تقریباً در تمام راهها پست از حرکت افتاد ولی از آن طرف، سبب دور رفتن ایلات
شده و به این طریق تا مدتی سرقت به وقوع نرسید.

همینکه از شدت سرما قدری کاسته شد، در اوایل ماه فوریه در اوضاع حمل و نقل
مخصوصاً در طرف شمال بهبودی حاصل گردید ولی سارقین در راه شیراز بنای
خودنمایی گذارده و لازم گردید مستحفظین زیاد همراه قوافل فرستاده شود. در عرض
ماه فوریه در راه طهران و یزد و همدان امنیت برقرار بود و به علت حضور دائمی
سارقین در راه شیراز و مسدود بودن راه اهواز از برف، ورود مالالتجاره به اصفهان
از طرف جنوب موقوف شد.

در اوایل مارس، اوضاع راه شیراز خیلی اسباب تأسف گشته و تا آخر ماه مذکور
هم، به همان حال باقی بود. راه همدان تا مدتی امنیت نداشت و راه طهران هم بکلی
از حوادث و اتفاقات خالی نبود.

در اواخر سه ماه اوضاع مادی راه اهواز بهتر شد.

در دهم فوریه ماژور پیطرسن یکی از معلمین ژاندارمری سوئدی که تشکیلات
مقدماتی ژاندارمری خزانه سپرده به او است، به اتفاق چهار ژاندارم، از شیراز
حرکت نمود.

در ۲۰ مارس، سه نفر از صاحبمنصبان سوئدی ژاندارمری (ماژور سیفورت و
ماژور نرن براندل و کاپیتان میستر)، با ۱۵۰ نفر پیاده و ۳۰ نفر ژاندارم سواره
و ۱۷ واگن آذوقه و مهمات از اصفهان به طرف شیراز حرکت کرد.

راه اهواز

در عرض ماه ژانویه و فوریه، به علت برف بسیاری که در راه بود، مالالتجاره تقریباً هیچ حمل و نقل نشده قاصدهای پستی که با تانی و اشکال از آن راه رفتند، راپورت امنیت راه را دادند.

در اواخر فوریه حمل و نقل تجدید شد لکن مقدار مالالتجاره‌ای که به اصفهان وارد و از آنجا در عرض مارس خارج شد، نسبتاً کم بود. قوافلی که وارد می‌شدند راپورت دادند راه عموماً امن است لیکن در اواخر مارس، از قراری که معلوم شد، چند فقره سرقت جزئی در گاوپیسسه یا نزدیک آنجا، به وقوع رسید. برف باز هم مانع از ایاب و ذهاب قوافل بود. تعمیرات پل گذار بلوطک هم توسط مهندس اداره لینگ، در ماه فوریه و مارس تا اندازه‌ای باعث تقلیل عبور و مرور قوافل مالالتجاره گردید.

به موجب راپورتهای که مفتش راه اداره لینگ در دوم مارس از دزد داده بود، خوانین در آن موقع در نظر داشتند برای تأمین قسمتهای کوهستانی راه در سر راک و قلعه مدرسه و بلوط‌بلند و لقم‌گیر و شلیل (دو)، شش قلعه بنا نمایند و برای تعیین ۲۰۰ نفر مستحفظ برای قراولی راه و پرداخت حقوق آنها توسط مفتش اداره لینگ ترتیبی بدهند.

راه شیراز

در اولین هفته ماه ژانویه تجار محلی که خالی بودن راه بطور موقت از سارقین اسباب تشویق آنها شده بود (نتیجه سختی و سردی هوا)، چند قافله برای حمل قند و چای و غیره به شیراز فرستادند. اخبار حمله سرحدیها در ۱۴ ژانویه به گاری پسته در گردن‌گیر، نزدیک بروجرود (حدود فارس) در موقعی که از قرار راپورت، تمام چاپارخانه‌ها را خراب کرده و ۴ رأس اسبهای پستی را برده بودند، سبب این شد که دیگر قوافل فرستاده نشود.

قریب ۲۰ ژانویه قوافل شیراز شروع به ورود نموده و به همین طور در عرض ده یا پانزده روز بعد از آن، دستجات زیاد وارد شدند. قوافل بزرگ محمول محصولات اصفهان در اواخر ژانویه و اوایل فوریه از اصفهان به طرف جنوب حرکت کردند. مقارن تجدید ایاب و ذهاب قوافل، دستجات سارقین در راه آمدند. یکی از ایشان (که از قرار مذکور از اهل معیار بود) ۵ فوریه نزدیک قلعه احمدآباد به یکی از قوافل اصفهان زده و دیگری (از کهکلوئیها) [= کهگیلویه‌ای‌ها] برج بین یزدخواست و شلگستان را اشغال نموده و آن را تا چند روزی در تصرف داشت و به این طریق تا مدتی از حرکت قوافل جلوگیری شد.

قوافلی که به طرف شمال عازم بوده و تا آباده سالمآ رسیدند، خیلی در آنجا معطل شده و برای تحصیل قراول محلی مصادف با اشکالات زیاد گردیدند.

حضور اینها فقط مانعی نبود. در ۲۳ فوریه یک دسته مرکب از شصت نفر کهکلوئیها به یک قافله بزرگی که به اتفاق مستحفظین مخصوص از آباده حرکت کرده بود در نزدیک برج یزدخواست حمله برده و منهزم گردیدند.

تقریباً در همان وقت، به يك دسته از تجار ایرانی و يك قافله زوار نزدیک قلعه احمدآباد به طرف جنوب گردنه ارچینی حمله برده و آنها را غارت کرده، یکی از زوار را مقتول داشتند.

در جنوب آباده، چنانچه راپورت داده شد، ایلات باصری، قوافل و اهالی دهات را می‌چاپیدند.

همینکه هوای گرم نزدیک شد، اوضاع راه شیراز بدتر شد و در آخر فوریه از راپورتهای واصله معلوم گردید که راه شمال و جنوب ایزدخواست را دستجات مسلح اشغال نموده‌اند.

در عرض هفته اول مارس به يك قافله بزرگی محمول مالالتجاره انگلیس، از طرف بوئراحمدیها در شمال آباده حمله شد و قریب ۶۰ بار شتر مالالتجاره یکی از ادارات انگلیس، به غارت رفت و به يك قافله بزرگ محمول اجناس محلی که از اصفهان به طرف جنوب حرکت کرده بود، دسته‌ای از سرحدیها و کهکلوئیها و نفرها در نزدیکی قمشه، حمله برده و گله‌های آنجا را هم بردند.

سارقین کهکلوئی به پسته و ۴ نفر مسافر ایرانی در گردنه ارچینی زدند. این سارقین، يك قسمت راه را در جنوب تنگه مذکور اشغال نموده بودند.

دستجات سارقین کهکلوئی سپس دهات حدود راه را غارت نموده و مزاحم بختیاریهای بین اصفهان و قمشه هم شده و در موقعی به نایب‌الحکومه بختیاری آن نقطه حمله نمودند.

حکومت اصفهان برای جلوگیری از آنها مجبور شد يك دسته از بختیاریها را بطور دائم در معیار قرار دهد.

حضور متوالی این ایلیاتیها در عرض ماه مارس در حدود آباده و گردنه ارچینی، باعث تقلیل ایاب و ذهاب قوافل گردید و فقط قافله مهمی که عبور نمود، در ۲۲ و ۲۳ مارس [۲ و ۳ فروردین ۳ و ۴ ع ۲] بود و از قرار مذکور، عده آنها از ۶۰۰ تا ۷۰۰ رأس می‌شد و اینها به عقب یکی از مأمورین قنصلخانه انگلیس (مستر ناکس) و در تحت حفاظت مستحفظین ایرانی که برای او تعیین شده بود وارد شدند.

راه طهران

در اوایل ژانویه، تا اندازه‌ای به واسطه برفهای سخت و تا اندازه‌ای هم به واسطه نبودن اسب در چاپارخانه‌ها، مراوده بین اصفهان و طهران مقطوع بود و فقط به وسیله تلگراف مخابره امکان داشت. قنصلخانه‌های روس و انگلیس، در باب مقطوع بودن متوالی مراودات با اصفهان، به سفارتخانه‌های خود شکایت نمودند.

ظهور متمرّد مشهور نایب‌حسین، نزدیک اردستان، بیشتر [باعث] بی‌نظمی حرکت پسته شده، ولی همینکه خبر رسید قرار و مدار دوستانه بین دولت ایران و نایب‌حسین داده شده و مقدار زیادی مالالتجاره محلی برای حمل به طرف شمال که از ترس این متمرّد تا مدتی در اصفهان معطل مانده بود در اواخر ماه ژانویه حمل گردید، اطمینان اعاده شد.

سرمای شدید آخر ماه، مجدداً مانع تردد شده و اشغال قسمتی از کاشان توسط نایب‌حسین و همراهان او در اوایل فوریه موجب قدری سوءظن گردید. تغییر هوا و تعیین نایب‌حسین به حکومت نطنز، باعث تجدید ایاب و ذهاب گردیده و مأمورین محلی را تشجیع نمود دوباره اسب پستی برای راه از کاشان الی اصفهان، تهیه نمایند.

باقی ماه فوریه و نصفه اول ماه مارس ارضاع راه خوب بود و ایاب و ذهاب قوافل به طریق معمول شده و در عبور و مرور پسته بهبودی حاصل گردید. سرقتی که در ۱۷ مارس [۲۷ اسفند ۱۲۹۰: ۲۷ ع ۱ - ۱۳۳۰] نزدیک گندیاباد در راه قافله‌رو تا طهران به وقوع رسیده و ۸ بار مال‌التجاره بانک دوپره روس به سرقت رفت و راپورت اجحافات دستجات بختیاریها و در حدود قم، باعث تقلیل ایاب و ذهاب قوافل و قدری بی‌نظمی در عبور و مرور پسته در نصفه آخری ماه مارس گردید. راه یزد

در عرض ماه ژانویه، بنا به راپورت، این راه امن بود ولی سردی هوا در ایاب و ذهاب قوافل تخفیف داده و از عبور و مرور پسته جلوگیری نمود. در اوایل ماه فوریه همینکه در هوا تغییری حاصل گردید، قوافل شروع به آمد و شد گذارده و پسته هم به سرعت می‌رسید.

در تمام راه، بنا به راپورت واصله، راه امن بود ولی قافله‌ای که در دوم مارس [۱۲ اسفند ۱۲۹۰؛ ۱۲ ع ۱ - ۱۳۳۰] از یزد وارد شد، راپورت داد که بین نائین و نوگنبد دسته‌ای ۳۰ یا ۴۰ نفر از باصریه‌ها به آنها حمله نموده لیکن مستحفظین که همراه آن قافله بودند، آنها را مغلوب ساخته و مجبور به فرارشان نموده بودند.

در عرض ماه مارس قوافل و پسته و مسافرین، بدون مزاحمت در راه عبور و مرور کرده ولی در اواخر ماه خبر حضور سارقین در نقاط مختلفه داده شد.

قوافلی که در آخرین هفته ماه مارس به طرف اصفهان می‌آمدند، بارهای خود را در یکی دو منزلی خارج شهر گذارده و برای یزد بار گرفتند، محض آنکه حکمران اصفهان قاطرهای آنها را برای حمل غله از چهارمجال به اصفهان بگیرند. راههای سلطان‌آباد و کرمانشاه و همدان

در عرض ماه ژانویه تمام راهها امن بودند. با وجود برف خیلی سخت و سرمای شدید، قوافل و مسافرین در آن راهها تا آخر ماه در حرکت بودند تا آنکه سرمای زیاد مانع از ایاب و ذهاب آنها گردید. در ۳۰ ژانویه [۹ بهمن ۱۲۹۰؛ ۱۰ صفر ۱۳۳۰] سارقین، به قافله بی‌باری که از خمی^۲ می‌آمد، بین تیران و نجف‌آباد زده پولهایش را بردند.

همینکه در اوایل فوریه هوا تغییر نمود، ایاب و ذهاب مجدداً شروع گردید. از ۱۸

(۱) چنین است در اصل. - م.

(۲) چنین است در اصل [= خمین؟] - م.

تا ۲۳ فوریه [۲۸ بهمن تا ۴ اسفند، ۲۹ صفر تا ۶ ع ۱] مالالتجاره زیادی از همدان و مقدار کمی از کرمانشاه وارد شد. از آنوقت تا اواسط مارس هم عبور و مرور دوام داشت ولی تلگرافی که از همدان واصل گردیده بود و سرفتی که در ۱۲ مارس [۲۲ اسفند، ۲۴ ع ۱] نزدیک گلپایگان واقع شده و پست سلطان‌آباد زده شد، باعث قطع آمد و شد قوافل گردید.

راپورتهای دیگر، راجع به اجحافات همراهان سالارالدوله در کرمانشاه و حدود آنجا قبل از آخر ماه، ایاب و ذهاب آنها را به درجه صفر رسانید.

نمره - ۲۲۵

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۸ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۷ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۲ رجب ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم خلاصه وقایع چهار هفته‌ای اخیر ایران را به طریق معمول ماهیانه لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۲۲۵

خلاصه وقایع چهار هفته ایران

لغایت ۸ ژوئیت ۱۹۱۲ (۱۷ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۲ رجب ۱۳۳۰)

طهران

کابینه - چنانچه در خلاصه وقایع آخری راپورت داده شد، وثوقالدوله از مقام وزارت خارجه استعفاء کرده، علاءالسلطنه به جای او منصوب گشت و مقام وزارت معارف فعلاً خالی است.

اداره نظمیة - سردار محتشم یکی از خوانین بختیاری که حالیه وزیر جنگ است، اداره نظمیة فعلاً سپرده او است و برای استخدام یک نفر برای ریاست نظمیة طهران، به دولت هلند رجوع شده است.

حکومت ایالات و ولایات - سپهدار که تعیین او به مقام ایالت آذربایجان متجاوز از سه ماه قبل، رسماً اعلام شد، هنوز در طهران است.

مخبرالسلطنه فرمانفرمای منتخب فارس، هنوز به عذر اینکه خزانه‌داری کل وجوهات لازمه را نداده، حرکت خود را از طهران به تأخیر می‌اندازد.

به علت اقدامات و بیکار بودن ایلات راه بختیاری، ایاب و ذهاب قوافل مسدود گردیده و چنانچه معلوم می‌شود، اغتشاش زیادی در خاک بختیاری وجود دارد. سفارت به خوانین فشار آورده است که یکی از خوانین مسؤول را برای اعاده انتظامات آنجا

بفرستند. امید است که این کار مهم، عنتریب به سردار جنگ سپرده خواهد شد. نظر به این مقصود، بانک شاهنشاهی مشغول ترتیبات دادن قرضه ۸،۵۰۰ لیرا از قرار منافع صدی ۷ سالیانه، به خوانین است و اسهام کمپانی نفت انگلیس و ایران خوانین، این قرضه را تأمین می‌نماید.

ایالات و ولایات بحر خزر

به علت وضع و رفتار خصومت‌آمیز ایلات شاهسون، مامورین محلی دولت روس لازم دانستند قشونی برای سرکوبی آنها اعزام دارند. برای انجام این مقصود، فرمانده قشونی روس در اردبیل در آخر ماه گذشته قسمت معظم قشون خود را به آن طرف حرکت داده و فقط یک دسته کوچک را در شهر گذاشت و همینکه عساکر مزبوره حرکت نمودند، این دسته در قلعه حکومتی منزل گرفتند. در ۴ ژوئیت ۵۰ نفر از پیاده‌نظام روس از عساکر تزرین، از انزلی برای یادکوبه حرکت کردند.

مشهد

در عرض سه هفته اخیر، شهر مشهد و دور و حوالی آن آرام بود ولی سارقین هنوز آن ایالت را مخصوصاً کازرا و قوچان و عباس‌آباد را اشغال نموده بودند. از قرار مذکور، قریب یکصد خانواده در آخر ماه به افغانستان مهاجرت نموده بودند. بواسطه ورود ۶۰ نفر از ترکستان در این اواخر، بر عده عساکر روس در مشهد افزوده شد.

اصفهان

این ولایت هنوز کمافی‌السابق ناامن است و سرقت‌هایی در راه لینچ، در چهار محل [=چهارمحال؟] که تاکنون تصور می‌شد نسبتاً امن است، راپورت داده شد. اوضاع امور در شهر و حدود آن کمافی‌السابق رضایت‌بخش نیست و علت آن گرانی قیمت ارزاق و نزاع‌های جزئی دائمی بین اتباع حکمران و ژانداره‌های خزانه می‌باشد. یهودیه‌های شهر هم بواسطه قتل در نفر آنها در خارج شهر که ظاهراً سهواً و بدون قصد کشته شدند، تا اندازه‌ای مضطرب و پریشان بودند. جنرال مالتا که دولت ایران دو سال قبل او را برای تشکیل ژاندارمری به فارس فرستاده بودند، در ۱۶ ژون [۲۶ خرداد، ۲۹ ج ۲] از اصفهان عبور نمود که به طهران برود.

یزد

در چند هفته اخیر در اوضاع یزد و اطراف آن بهبودی حاصل نشده. با وجود مساعی قوام‌الملک شیرازی در ترغیب رؤسای عرب محلی که غارتگران را از خاک یزد برگردانند، دهات ده‌میلی شهر مذکور غارت شده و قوافل به انضمام قافله دکتر کار متعلق به هیأت دعاة غارت شده.

حکمران در صدد استحکام مقامات دفاعیه شهر می‌باشد و تا اندازه‌ای که می‌تواند برای حفظ آن مشغول ترتیبات است.

يك دسته از بختیاریها به انتظام‌الملک که در ۷ ژون [۱۷ خرداد، ۲۰ ج ۲] به اردستان هجوم آورد، حمله نموده و او را مجبور به مراجعت به کوههای بیابانک نمودند.

همینکه از نایب‌حسین حکمران نطنز درخواست شد که با بختیاریها متفق شده به مقابله انتظام‌الملک بروند، ۲۰۰ نفر سوار به اردستان فرستاد. این سوارها در عوض کمک بختیاریها، خانه‌های آن شهر را غارت نموده و با یغمای خود به نطنز مراجعت نمودند.

بختیاریها به اردستان مراجعت نمودند و انتظام‌الملک و همراهان او فعلا غلبه دارند.

کرمان

امیر اعظم ایالت کرمان، یاغیانی را که در اوایل ماه شهر را تهدید نموده بودند، تا ناحیه بردسیر تعاقب نموده و آنها را متفرق نمودند.

رفعت‌نظام و میرزا حسین‌خان، دو نفر از سرکردگان یاغیان که نزد ایلات محلی پناهنده شدند، به ایالت تسلیم شده و برحسب امر او به دار زده شدند.

کرمانشاه

از زمان ورود شاهزاده فرمانفرما، در این شهر اغتشاشی نبوده است ولی در خارج اغتشاش وجود دارد چرا که برضد بقیه همراهان سالارالدوله که هنوز چند دهات اطراف را اشغال نموده‌اند، اقداماتی به عمل نیامده است.

نمره - ۲۲۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۸ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۳ رجب ۱۳۳۰]

آقا

در ۲۴ ژون کابینه و هیأت دیپلوماسی، برای جشن افتتاح رسمی مدرسه ژاندارمری در یوسف‌آباد دعوت شدند.

این مدرسه متشکل از يك دارالتعلیم صائب‌منصبان و يك شعبه برای تعلیم صاحب‌منصبان برای فرماندهی در طهران و قزوین می‌باشد (رجوع به مراسله ۳۰ آوریل ۱۹۱۲ من کنید).

در این موقع، ۴۰۰ نفر از ژاندارمها برای مشق حاضر بودند و وضوح و طریقه ورزشهای مختلفه نظامی نشان می‌داد که از زمان افتتاح مدرسه مذکور در ۱۵ آوریل

(۱) اصل: کابینه که هیئت دیپلوماسی. - م.

(۲) چنین است در اصل. - م.

گذشته [۲۶ فروردین، ۲۶ ع ۲]، تا چه اندازه ترقی و پیشرفت حاصل شده بود. منزلهای آنها راحت و خوب بود و از بشره آنها استنباط می‌شد که استخدام در این اداره، مطبوع خاطر ایشان است. شعبات مختلفه تعلیمات از قبیل تیراندازی و ورزش ژیمناستیک و مشق سواره و غیره، هر یک در تحت نظارت یکی از صاحبمنصبان سوئدی است. قوه و بنیه و هیكل افراد آنها هنوز خوب نیست ولی بلاشبیه ترقی خواهد کرد چرا که سوئدیها به مشقهای ژیمناستیک اهمیت زیاد می‌دهند.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۲۲۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۸ تیر ۱۲۹۱: ۲۳ رجب ۱۳۳۰]

آقا

در تلگراف دوم شهر جاری خود، با کمال افتخار به شما اطلاع دادم که به موجب راپورت تبریز، مجلل‌السلطان که در این اواخر به فرماندهی کل عساکر سالارالدوله شهرت یافته، به نعمت‌آباد رفته و در این ده نزدیک تبریز که بیلاق جنرال‌قنسولگری روس در آن واقع است، پناهنده شده است.

این راپورت را همکار روسی من تصدیق نموده بعلاوه اظهار داشت که او به جنرال‌قنسول روس تعلیم داده است که فوراً در صدد دستگیری مجلل‌السلطان برآید و متعاقب آن، همینکه از سنت پترزبورغ به او اجازه داده شد این کار را به انجام رساند، اسباب تبعید سرکرده مذکور را به روسیه فراهم آورد.

رئیس کابینه وزارت امور خارجه، به مجرد شنیدن خبر ورود مجلل به نعمت‌آباد، از من ملاقات نموده اظهار داشت که دولت ایران در نظر دارند از سفیر روس تقاضای تسلیم پناهنده مذکور را بنمایند به این دلیل که در موقعی که قرار حقوق محمدعلی داده شد، اینطور موافقت حاصل گشته بود که در مورد هر یک از همراهان او که به ایران مراجعت کرده و برضد دولت حمل سلاح نماید، بطور متمرّد با وی عمل خواهد شد. من با تشدد معین‌الوزاره را از این اقدام بازداشتیم: اولاً به جهت اینکه برای دولت روس امکان ندارد پناهنده [ای] را تسلیم نمایند که حتماً به قتل خواهد رسید. و ثانیاً به جهت اینکه به واسطه این تقاضا ناچار بسیاری از اروپاییانی که سعادت ایران را خواهانند، مأیوس خواهند شد.

از قراری که فهمیده‌ام، چنین تقاضائی نشده است.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۲۲۸

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۸ تیر ۱۲۹۱: ۲۳ رجب ۱۳۳۰]

آقا

در تعقیب مراسله ۲۲ ژون خود، افتخار دارم اینک سواد مراسله دیگری را که قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمان فرستاده و شرح شکست یاغیان را نگاشته است، لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۲۲۸

مکتوب قنصل هیگ به سر والتر تنلی

کرمان ۲۸ مه ۱۹۱۲ [۷ خرداد ۱۲۹۱: ۱۰ ج ۲ - ۱۳۳۰]

آقا

در تعقیب مراسله ۲۲ مه ۱۹۱۲ من، افتخار دارم به شما اطلاع دهم که یاغیان در ۲۵ مه از حوالی کرمان رانده شدند.

(۲) در ۲۴ مه، شاهزاده امیر اعظم برای ملاقات یاغیان و مذاکره شرایط صلح، نزدیک اردوی آنها رفت و این اجلاس را دو نفر از ملاها ترتیب داده بودند. ولی همینکه با عده زیادی از مستحفظین خود از شهر خارج گردید، یاغیان ترسیده و از ملاقات وی امتناع ورزیدند.

روز دیگر او با ۶۰۰ نفر و یک توپ ۹ سانتیمی از شهر خارج گردید. یاغیان قبلاً شروع به عقب‌نشستن کرده بودند ولی در موقعی که عساکر ایالت از فتح‌آباد بطرف یاغین در حرکت بودند، به یاغیان برخورد و یکی از توپهای یک‌سانتیمی را که داشتند با تمام غارتیهای آنها گرفتند.

در جنگی که واقع شد، توپ ۷ سانتیمی دیگر قبضه و یاغیان فرار اختیار نمودند ولی تمام آنها فرار کرده کسی از آنها دستگیر نشد. تلفات عساکر امیر اعظم، ۴ نفر مجروح بود که یکی از آنها تاکنون مرده است و تلفات یاغیان که تحقیق عده آنها ممکن نبود، به قرار تخمین مختلف، دو نفر را بعضی از اشخاص بدکاری که از او کناره گرفته بودند، به قتل رسانیده بودند و ۷۰ نفر را هم بعضی از طرفداران بسیار امیدوار وی مقتول و مجروح نموده بودند.

من می‌خواهم باور کنم که تلفات بین ده و بیست بوده است.

یاغیان سپس به بردسیر که املاک بهادرالملک در آن واقع است رفته و عجالتاً خود را از دست امیر اعظم مستخلص داشته‌اند و حال آنکه اگر شاهزاده امیر اعظم قبل از طلوع آفتاب در فتح‌آباد به اردوی آنها، در وقتی که چندان حرارتی نداشتند، حمله

برده بود عقیده من بر آن است [که] او می‌توانست تمام آنها را دستگیر [کند] و توپها را از آنها بگیرد.

او مرا اطلاع می‌دهد که در نظر دارد دو سه روز دیگر تا بردسیر به تعاقب آنها برود و من سعی خواهم کرد که او را وادار به انجام قول خویش نمایم زیرا اگرچه گمان نمی‌کنم آنها دیگر شهر را تهدید نمایند، لیکن تا زمانی که در تحت سلاح و دور هم جمعند اسباب بدبختی اهالی ایالت خواهند بود.

(۳) در مراسلات سابق خود، عقایدی [را] که محرک آنها می‌شد که بطرف شهر برای یاغیگری بیایند، توضیح نموده‌ام و در قسمت ۸ مراسله ۲۲ مه خود، مرقوم داشتم که در شهر دسته‌ای هستند که با یاغیان همدردی داشته و اتصالاً با آنها مراوده و مکاتبه نموده و به آنها اصرار می‌کردند آمده و کرمان را اشغال نمایند. اینها کسانی هستند که خود را دموکرات نامیده و چندان کفایت یا عقاید ثابت پلتیکی [= پلیتیکی] ندارند.

شاهزاده امیر اعظم، چندان کاری نکرده که اسباب خصومت و عداوت آنها شود ولی آنها مخالف بودن حکمران مقتدری در کرمان می‌باشند و همین اشخاص بودند که در آنتریگ‌هایی که به عزل جلال‌الدوله خاتمه یافت، به سردار نصرت همراهی کردند که پس از آن برضد تعیین سردار محیی پروتست و اعتراض نموده و در ۵ ماه قبل [۱۶ فروردین، ۱۶ ع ۲] تحریک به هیجان ضدخارج نمود و امیر اعظم پس از ورود خود، هیجان مذکور را خوابانید.

نسخ انتخابات انجمن محلی، که بعضی این اقدام را به شاهزاده نسبت می‌دهند، اسباب رنجش آقا یحیی رئیس سابق انجمن گردیده و او با همراهانش از چندی به این طرف مشغول آنتریگ برعلیه [= علیه] امیر اعظم بوده‌اند. چیزی که آنها می‌خواهند، تعیین یکی از اشخاص بی‌کفایت محلی برای کفالت ایالت کرمان و تقسیم مشاغل حکومتی بین خودشان است.

فرستادن سردار نصرت به طهران سبب اتحاد طرفداران او با دموکراتها شد. عدل‌السلطان برادر سردار نصرت که از برادرش که در طهران بود، تلگرافات متعدده برایش می‌رسید، حرکات آنها را تقویت نمود. بشارت‌الممالک که تازگی به ریاست اداره تلگرافخانه ایزانی منصوب شده، پس از ورود خود با آنها متحد شده و انتخاب وی از طرف دولت ایران برای مذاکره با یاغیان بسیار نامساعد واقع گردید چرا که همینکه به اردوی آنها رسید مبلغ زیادی گرفت که ایشان را تقویت نماید. در مراسلات سابق هزار تومانی که گرفته بود اطلاع دادم. از آن به بعد، سیاهه پولی را که گرفته است دیده‌ام و به موجب آن، خود اعتراف می‌کند که ۹۷۵ تومان گرفته است و از این مبلغ، صد تومانش را سید باقر یکی از اجزاء اداره مالیه که به یاغیان ملحق گردید، داده است.

رئیس این اداره که میرزا مهدی‌خان کرمانی باشد، ابتدائاً با این هیجان همدردی داشت ولی او آدم عصبانی‌مزاج ترسویی است و همینکه بر او معلوم گردید پیشرفتی

نخواهد کرد، از من سؤال نمود ببینند در موقع لزوم او را در قنصلخانه پناه خواهم داد یا نه. من در جواب اظهار داشتم که نه او، نه هیچیک از مخالفین ایالت را پناه نخواهم داد و لذا رویه خود را تغییر داده است. لیکن به هیچ وجه مناسب مقام خود نیست و کسی دیگر را که از اهل کرمان نباشد باید به جای وی نصب نمود.

امیر اعظم نمی دانست از که استعانت جسته یا به که اعتماد نماید و حتی آنهایی که با مقاصد او همراه بودند، چندان به او تقویت نمی نمودند و می ترسیدند از آنکه مبادا منقور مخالفین ایالت گردند ولی چیزی که بیشتر اسباب یأس او بود، رفتار دولت ایران بود. همینکه روز ۱۹ مه [۲۹ اردیبهشت، یکم ج ۲] به اردو رفته و به آنها اظهار داشتم که در صورتی که متفرق نشوند، دولت آنها را یاغی خواهد شمرد، آنها بسیار متغیر گشته و نسبت دورویی به وزیر داخله دادند و تلگرافات یأس آمیزی [را] که از طرف او برایشان مخابره شده بود ارائه نمودند. دولت ایران، امیر اعظم را متهم ساخته بودند به اینکه کتباً به فراش باشی خود امر داده است که هر قدر می تواند از اهالی جیرفت جبراً پول بگیرد. دانستن این مسأله خیلی قابل ملاحظه خواهد بود که چطور این اطلاع به دولت ایران رسیده بود.

یاغیان، در جیرفت این فراش باشی را دستگیر نموده و کاغذهای او را گرفتند و گمان نمی کنم از موقع دستگیر شدن وی تا زمانی که دولت ایران این نسبت را به او دادند، چندان طولی کشید که این کاغذ از جیرفت به طهران برسد و اگر اینطور باشد، معلوم می شود که دولت نه فقط برای وجود داشتن چنین خطی، بلکه برای کم و کیف مندرجات آن، بر اطلاعات تلگرافی که از یاغیان رسیده اعتماد نموده است و در هر صورت مستقیماً با یاغیان مخابره می نموده است.

در حقیقت، حکمران معزول جیرفت که یکی از سرکردگان یاغیان بود فقط يك ثمن یا عشر مالیات بده سال گذشته خود را پرداخته و بسیار ممکن است که یاغیان حکم سختی را که برای وصول تمام مالیاتهای عقب افتاده داده شده بود، برای غارت عمومی بکار برده بودند.

(امضاء) هیگ لیوتنان کلنل

نمره - ۲۲۹

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۰ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۴ رجب ۱۳۳۰]

آقا

رجوع به مراسلات سابقه:

در موضوع اوضاع حالیه راه شیراز الی بوشهر و قصور دولت ایران در انجام شرایط مراسله ۴ آوریل سر چارج بارکلی در باب حمله بر مستر اسمارت و مستحقظین

وی در ماه دسامبر گذشته، افتخار دارم اینک ترجمه مراسله‌ای را که وزیر امور خارجه برای من فرستاده و اقداماتی را که دولت ایران برای موافقت با تقاضاهای دولت اعلیحضرتی نموده‌اند در آن توضیح نموده‌اند، لفاً ایفاد دارم.

چنانچه ملاحظه خواهید فرمود علاءالسلطنه اظهار می‌دارد که تلگرافی به علماء و رؤسای فارس مخابره شده و به آنها نصیحت داده شده است که نسبت به انگلیسها و تجارت آنان رویه‌ای دوستانه اتخاذ نمایند.

از قراری که تحقیق نموده‌ام، این تلگراف در موقع خود منتشر گردیده ولی مأمور قنصلخانه اعلیحضرتی شیراز به من خبر داده است که این قبیل تلگرافات از هیأت علمای نجف و کربلا، دیگر مثل سابق اثری برای جلوگیری از شرارت‌کاری ندارد، اگرچه کمافی‌السابق مستمسک خوبی برای تولید اغتشاشات می‌باشد.

راست است که قرار برای حرکت ایالت جدید داده شده و هر روز از منابع مختلفه به من اطمینان داده می‌شود که تا چند روز دیگر حرکت خواهد کرد. تاکنون مکرراً مسیو مرنارد را به اینکه مایل یا قادر نیست وجوهات لازمه برای این مقصود تهیه نماید، باعث این تأخیر دانسته‌اند. من مکرراً به مسیو مرنارد اهمیت اصلاح اشکالات مالی را تأکید کرده‌ام و تاکنون به من اطمینان داده شده است که ترتیب آن داده شده و با وجود این، حرکت مخبرالسلطنه هنوز به عهده تعویق است و دیروز مسیو مرنارد به من اطلاع داد که مجدداً تلگرافی به پیشکار مالیه شیراز فرستاده و تأکید به ارسال وجوهات لازمه نموده است. این مسئله ثابت می‌کند که با وجود اطمیناناتی که داده شده از طرف خزانه‌دار کل قدری مخالفت با این امر شده و من علت آن را نمی‌دانم. در ضمن مذاکرات اخیر، علاءالسلطنه اظهار اعتماد کامل نسبت به کفایت مخبرالسلطنه در اعاده انتظامات و دستگیری مرتکبین حمله به مستر اسمارت نموده است و سردار اسعد هم به همین طور، نسبت به او اعتماد دارد و یقین دارد که در صورتی که سردار جنگ به حکومت بختیاری و بهبهان و ایلات کهکلوئی [= کهگیلویه‌ای] و امیر مفخم به ایالت کرمان منصوب باشند، انتظامات کامل در جنوب اعاده خواهد شد.

شما ملاحظه خواهید فرمود که علاءالسلطنه در مکتوب خود در باب تنبیه مقصرین می‌نویسد که از قراری که سر جارج بارکلی به وزیر امور خارجه سابق اعلام نموده است، قبول نمودن دولت ایران پرداخت ۴،۷۴۴ لیرا برای جبران به این غائله خاتمه داده و دیگر برای تنبیه مقصرین اصرار نخواهند کرد.

از نوشتجات سابق معلوم نمی‌شود که سر جارج بارکلی چنین اظهاری کرده باشد و چندی قبل که وثوق‌الدوله در این باب با من مذاکره نمود من به او اظهار داشتم به گمان من، مقصود سر جارج بارکلی بر او مشتبه شده باشد چرا که مقصود وی فقط این می‌تواند باشد که از طرف خود و از طرف دولت اعلیحضرتی اظهار رضایت بنماید از اینکه دولت ایران به این زودی حاضر شده‌اند این مبلغ معتدل را که مطالبه شده بپردازند. اینطور اظهار شده که مذاکره مذکور در سفارت روس شده در موقعی که سر جارج بارکلی و وثوق‌الدوله منتظر سفیر روس بوده‌اند. وثوق‌الدوله درست زبان

نمی‌داند و ممکن است بدون غرض، او اظهارات مذکور را زیاده بر آنچه از ظاهر الفاظ مستفاد می‌شده، دوستانه و تعارف فهمیده است.

من اخیراً در باب اوضاع راه بوشهر الی شیراز و قصور در دستگیری مقصرین مفصلاً با علاءالسلطنه مذاکره نموده و به جناب معظم‌له اوضاع امور سخت حالیه ایالت فارس را خاطر نشان نمودم و معلوم ساختم که اوضاع با سرعت تمام غیر قابل تحمل می‌شود و محرمانه بطور خصوصی ایشان را متنبه ساختم که به نظر من ناچار دولت اعلیحضرتی مجبور خواهند گردید که رویه دوستانه و مصالحت‌آمیز خود را تغییر دهند مگر آنکه معلوم گردد که دولت ایران قادر به اعاده انتظامات راه که اوضاع مغشوش آن آنقدر خسارت به تجارت انگلیس وارد آورده است، می‌باشند.

جناب معظم‌له مرا اطمینان داد که دولت ایران رویه و سلوک دوستانه دولت اعلیحضرتی را قدر دانسته و بکلی سختی اوضاع را می‌دانند و اظهار داشتند که اوضاع مخصوص محلی که به هیچ وجه مربوط به قضیه‌ای که در مکتوب مذکور شرحی از آن نوشته شده نبوده است، باعث این اوضاع امور المانگیز بوده است و اظهار تأسف و تالم صمیمانه نمود برای آنکه دولت ایران چون در این موقع قوه نظامی قابل اعتمادی نداشته و از طرف دیگر مشغول جلوگیری از هجوم یاغیان شخص غاصبی بوده‌اند، نتوانسته‌اند برای اعاده انتظامات اقدامات لازمه بنمایند. وزیر مذکور برای آتیه خیلی اظهار امیدواری نمود و ظاهراً منتظر نتایج مستحسنه از استعداد ژاندارمری که در تحت امر صاحب‌منصبان سوئدی تشکیل می‌شود، بود. جناب معظم‌له بعلاوه اظهار داشت که تعلیمات مخصوص قطعی به مخبرالسلطنه داده شده است که هر قدر می‌تواند با صاحب‌منصبان سوئدی همراهی و معاونت نماید.

مسأله اتخاذ بهترین طریق برای حصول نظم و امنیتی در راه شیراز که آنقدر برای تجارت انگلیس در ایران دارای اهمیت است، کار بسیار مشکلی است.

مسأله دستگیری مقصرین حمله به اسمارت با مسأله انتظامات راه مذکور ارتباط بسیار نزدیک دارد زیرا که اگر انتظامات اعاده شود دستگیری و تسلیم مقصرین حتمی خواهد بود.

حالا که این را می‌نویسم از طرف وزارت امور خارجه مکتوبی خصوصی برایم رسیده مرا اطمینان داده است که راپورت‌های اوضاع امور که از طرف جنوب برای من فرستاده شده، اغراق است و اخباری که به دولت رسیده، مشعر است بر اینکه امید کامل می‌رود که بطور مسالمت حل اشکال شده و به مجرد ورود مخبرالسلطنه تصفیة امور بر وفق دلخواه به عمل آید. علاءالسلطنه بعلاوه اظهار می‌دارد که حکومت جدید همین تازگی زمام امور را بدست گرفته‌اند و اوضاع مغشوش فارس بسیار جلب دقت آنها را نموده و صمیمانه اظهار امیدواری نمود به اینکه دولت اعلیحضرتی فرصت به دولت خواهند داد که کفایت خود را به عرصه شهود و بروز برسانند و مکرراً می‌گویند که مخبرالسلطنه در شرف حرکت است.

من عقیده محکم دارم بر اینکه تا اندازه‌ای که امکان داشته باشد باید از اشغال

جنوب توسط دولت انگلیس احتراز شود اگرچه این مسأله را بنخوبی درك می‌کنم که این اوضاع غیر قابل تحمل حالیه را نمی‌توان تا مدت غیرمحدودی به حال خود گذارد. به عقیده من تعیین مدتی برای این قسم اشغال غیرممکن است و ممکن است منتج نتایج دور و دراز شود و نیز شك دارم از اینکه آیا اظهار این مطلب که نفوذ معنوی دولت انگلیس در جنوب از میان رفته و معدوم شده است، اساس و صحتی دارد یا نه. مراسلات مستر اسمارت ظاهراً می‌نمایاند که با وجود آنکه موقع بسیار مشکل و شخصی مثل محمد علی خان کشکولی ظاهراً سر از هر قسم نفوذ و اقتدار ایرانی یا اروپایی می‌پیچد، هنوز او نفوذ خود را فوق‌العاده مؤثراً بکار می‌برد.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرة ۲۲۹

ترجمة مراسله وزیر امور خارجه به سر والتر تنلی

۲ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۱ تیر ۱۲۹۱: ۱۶ رجب ۱۳۳۰]

جنابا

در جواب مکتوب ۴ آوریل سر جارج بارکلی، افتخار دارم اظهار بدارم که دولت علیه اظهارات دوستانه دولت اعلیحضرتی را ذیقیمت دانسته و لازم می‌دانند مساعی فوق‌العاده برای استحکام اساسی مودت موجوده بکار برده و به پیشنهادات دولت اعلیحضرتی که در طی این مکتوب مندرج است، توجه مخصوص نموده‌اند. از زمان وصول این مکتوب، دولت ایران در بکار بردن مساعی بصور نورزیده و در اکثر اقدامات خویش موفقیت حاصل نموده‌اند و برای ملاحظه آن جناب شرح اقدامات مذکور را ذیلاً می‌نگارم:

چنانچه شفاهاً به جناب عالی اطلاع داده شده توجه علماء به این مسأله جلب شده که بتاثر مطالبی که در طی این مراسله مذکور است، پلتیک [پلیتیک] دولت انگلیس، مبنی بر عدم مداخله در جنوب می‌باشد و تلگرافات به علماء و رؤسای فارس مخابره و به ایشان نصیحت داده شده است نسبت به اتباع انگلیس و تجارت آنان رویه دوستانه اتخاذ نمایند.

(۲) برای تشکیل ژاندارمری، تحت امر صاحب‌منصبان سوئدی، اقدامات مؤثره به عمل آمده و مدرسه‌ای در شیراز تأسیس شده، در آنجا متجاوز از ۳۰۰ نفر در تحت سلاح رفته و مشغول تعلیم یافتن می‌باشند و بر این عده افزوده خواهد شد تا آنکه نقشه تشکیل ژاندارمری جنوب به موقع اجراء آید.

امید است که ممکن باشد اکثر طرق مهمه را همین ژاندارمها در پاییز آتیه قراولی نمایند.

(۳) ترتیبات برای حرکت فرمانفرمای جدید فارس داده شده و تا چند روز دیگر

حرکت خواهد کرد.

در باب تنبیه مرتکبین حمله به مستر اسمارت، افتخار دارم اشعار بنمایم که پس از آنکه دولت ایران راضی شدند مبلغ ۴،۷۴۴ لیرا بپردازند، جناب سر جارج بارکلی از وزیر سابق اظهار تشکر نموده و او را اطمینان داده است که اصرار برای تنبیه آنها نخواهد شد و بنابراین او تصور کرده است که باین مسأله خاتمه داده شده و دیگر مذاکره در آن باب نخواهد شد.

چنانچه شفاهاً اظهار داشته‌ام، امیدوارم که پس از ورود فرمانفرمای فارس اشکالات محلی رفع گردیده و ژاندارمری بهتر و مؤثرتر کار توانند کرد.

دولت ایران بنابراین، امیدوارند که دولت بریطانیای عظمی کمافی‌السابق ابراز حسن‌نیت و وداد خود را نموده و چنانچه وعده داده‌اند، عساکر هندی خود را که در اصفهان و شیراز و بوشهراند، عودت خواهند داد.

(امضاء) محمدعلی

نمره - ۲۳۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۰ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۹ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۴ رجب ۱۳۳۰]

آقا

رجوع به مراسله ۱۸ ماه گذشته من:

افتخار دارم راپورت دهم که قراردادی حالا به عمل آمده و به موجب آن کنترل راه اصفهان الی اهواز و تمام خاک بختیاری به سردار جنگ و اگذار شده است. یکی از پسران صمصام‌السلطنه صدراعظم، با سردار جنگ متفق است.

چهار نفر از خوانین بزرگ فرمانی امضاء نموده و به سردار جنگ داده و اختیارات تامه به او اعطاء کرده و مدت مأموریت او را تا پنج سال معین کرده‌اند.

حکومت بهبهان و کهکلوئیها [= کهگیلویه‌ای‌ها] که بیشتر مشغول هجومهای در راه بوده‌اند، با وی خواهد بود و ۸،۰۰۰ لیرایی را که خوانین برای حرکت دادن سردار جنگ لازم دارند، از طرف بانک شاهنشاهی بطور قرضه داده شده و اسهام «کمپانی نفت بختیاری» خوانین این قرضه را تأمین می‌نماید.

کاری که سردار جنگ به عهده گرفت، کار آسانی نیست چرا که خوانین کوچک که نزد ایلات مانده‌اند، آنجاها نیستند.

بنابر خواهش خوانین اینجا، من توسط جنرال قنسولگری اعلیحضرتی در اصفهان، پیغام سختی برای آنها می‌فرستم و کاپیتان گری را تعلیم داده‌ام که همراه سردار جنگ برود چرا که حضور وی ممکن است برای او مفید باشد و می‌تواند برای منافع تجارتنی انگلیس با خوانین بزرگ مذاکره نماید.

من خیلی امیدوارم که مأموریت سردار جنگ که آدم فعال باکفایتی است، ثمرات خوب گردیده منتج به استقرار نظم و امنیت راه بشود لیکن امورات ایرانیان،

اغلب یأس آور بوده و وعده‌هایی که در طهران داده شده، ممکن است به طاق نسیان گذارده شود یا آنکه در کوه‌های بختیاری بکلی از نظر محو گردد.

برای اینکه سردار جنگ، برای انتظامات راه تعیین شود، من راضی شده‌ام که برادر کهتر وی امیر مفخم، به ایالت کرمان منصوب شود و از روی دلایل امیدوارم که ایالت او خیلی خوب و مقتدر خواهد بود و در آن نقاط به اعاده نظم موفق خواهد گردید. او یکی از اداره‌کنندگان و حکام باکفایت است و من از نقطه نظر منافع انگلیس اهمیت این مقام را که می‌خواهد اشغال نماید، به وی خاطر نشان نموده‌ام و به او اظهار داشته‌ام که انتظار دارم راه بندرعباس را مفتوح داشته آن را از سارقین پاک سازد. او شخصی است که چندان به حرف نمی‌پردازد و دارای عزم زیادی است و اطمیناناتی که به من داده است، بسیار رضایت‌بخش است.

اگر این دو برادر بنا به وعده‌های خود عمل بنمایند، ممکن است بتوانند همراهی ذی‌قیمتی به مخبرالسلطنه بنمایند چرا که محلاتی که ایلات سیار راهزن اشغال می‌نمایند و آنها باید امنیت بدهند، تا ایالت فارس امتداد دارد.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۲۳۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۲ [۶ مرداد ۱۲۹۱؛ ۱۳ شعبان ۱۳۳۰]

اوضاع تبریز

کفیل قنصلگری تبریز در ۲۶ ژوئیه تلگراف ذیل را مخایره نموده است:

شجاع‌الدوله دیروز به عنوان مذاکره مسأله حمل قالیمهای رنگت جوهری، تجار را احضار نموده به ورود آنها جنرال قنصل روس که آنجا حضور داشت. آنها را اطلاع داد که دولت روس خیال دارند تنبیه سختی به شاهسونها بکنند. سپس شجاع‌الدوله در حضور جنرال قنصل روس عقیده آنها را در باب تعیین سپهدار استفسار نمود. آنها البته در جواب اظهار داشتند حکومت شجاع‌الدوله را ترجیح می‌دهند. بعد از آن، مذاکره مختصری در باب قالیمهای جوهری شد.

امروز صبح مجدداً از تجار خواهش نمودند که به تلگرافخانه انگلیس بروند. همینکه وارد آنجا شدند، تلگرافی به طهران در تعریف و تمجید شجاع‌الدوله مخایره نموده و از دولت ایران خواهش نمودند سپهدار را به تبریز نفرستند و کاغذی هم قریب به همین مضمون به جنرال قنصل اینجا نوشته و فرستاده شد. تجار در امضای این مراسله خیلی بی‌میل بودند ولی مجبور به این کارشان کردند. من شکی ندارم که ترتیب تمام این کارها قبل از وقت داده شده بود و هرگونه مساعی برای منع ورود سپهدار به عمل می‌آید.

تلگراف دیگری که در ۲۷ ژوئیه [۵ مرداد ۱۲۹۱؛ ۱۲ شعبان ۱۳۳۰] مخایره شد،

به قرار ذیل است:

لطف نموده رجوع به تلگراف دیروز من کنید:

سادات، امروز صبح بازارها را بستند. من به عقیده خود شکی ندارم که شجاع الدوله آنها را امر به این اقدام نمود. ملاها سپس نطق‌های هیجان‌آمیز برای ازدحامی که در مسجد نزدیک قنصلخانه‌های انگلیس و روس بودند، ایراد نمودند. نطق‌های ایشان برضد مشروطیین و آنهایی که مسؤول تعیین سپهدار بودند، بود. چنانچه معلوم می‌شود اهالی به هر وسیله که باشد، می‌خواهند از ورود سپهدار جلوگیری کنند.

نتیجه این نمایشات حالیه ممکن است تقاضای عودت‌دادن محمدعلی‌شاه باشد. ممکن است اغتشاشات بسیار سخت در اینجا به ظهور رسد مگر آنکه جنرال‌قنصل روس به شجاع‌الدوله تعلیم دهد که فوراً دست از تمام این آنتریگها بردارد.

شجاع‌الدوله آنقدر با سپهدار مخالف است که اگر او به اینجا وارد شود، مطلوب خواهد بود که شجاع‌الدوله مجبور به خارج شدن از این ایالت گردد.

جنرال قنصل روس در جواب کاغذ دوستانه‌ای که در باب رفتار و کردار شجاع‌الدوله به وی نوشته و اظهار تعجب نموده بودم، مرا اطلاع می‌دهد که به شجاع‌الدوله تأکید نموده است وادارد بازارها را دوباره باز کنند و ارائه طریق نمود که من هم اقدام مشابهی بنمایم. بنابراین، من هم مکتوبی به همین مضمون به شجاع‌الدوله نوشتم.

مستر استونز کفیل قنصلگری، در تلگراف قبل از این مرا اطلاع داد که شجاع‌الدوله مأمور بلجیکی [= بلژیکی] گمرکات را که خزانه‌داری کل برای تبریز فرستاده بود، از پیشکاری مالیه تبریز معزول نموده است.

نمره - ۲۳۲ ۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۸ ژوئیت ۱۹۱۲ [۶ مرداد ۱۲۹۱؛ ۱۳ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف امروز من:

رئیس کابینه وزارت امور خارجه امروز صبح از من ملاقات نموده اظهار داشت که تلگرافات زیادی برضد تعیین سپهدار برای دولت ایران رسیده و اصرار به ابقای شجاع‌الدوله به مقام ایالت تبریز نموده‌اند و اظهار داشت شکی نیست که شجاع‌الدوله ترتیب مخابره این تلگرافات را داده است و دولت از آن می‌ترسند مبادا اقدامات برای بستن بازارها و دادن نمایشات سخت‌تر بشود و بیم آن می‌رود که سپهدار همینکه از این نمایشات برضد خود مخبر شود، از مقام خویش استعفاء کرده به املاک مازندران خود برود.

او فعلاً در قزوین است و اگر سپهدار این کار را بکند، شجاع‌الدوله که حالا مستقلاً عمل نموده و از ید اختیار حکومت مرکزی خارج است، به ایالت آذربایجان باقی مانده و در حقیقت آن ایالت از بقیه مملکت مجزا خواهد گردید و دولت ایران مسؤولیت این اوضاع را بعهدہ نخواهند گرفت و کابینه صلاح در استعفاء خواهند دید. اگر سپهدار به جای شجاع‌الدوله منصوب نگردد، دولت ایران در انظار اهالی مملکت به

حماقت منصوب خواهند گشت چرا که توسعه دایره بریگاد قزاق فقط به این شرط صریح قبول شد که سپهدار به مقام ایالت آذربایجان منصوب گردد. وزیر امور خارجه بسیار متشکر خواهد شد که شما به دولت روس تأکید نمائید فوراً تعلیمات برای نماینده تبریز خود بفرستند که تمام مساعی خود را بکار برده و از شجاع جلوگیری نماید که برضد ورود سپهدار مخالفت نرزد.

نمره - ۲۳۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲۸ ژوئیت ۱۹۱۲ [۶ مرداد ۱۲۹۱؛ ۱۳ شعبان ۱۳۳۰]
 مساعده مشترك

رئیس کابینه وزارت امور خارجه امروز صبح به ملاقات من آمده اظهار داشت که دولت روس امتیاز احداث خط آهن جلفا الی تبریز و ارومیه [= اورمیه] را شرط مساعده دیگری که دولت ایران درصدد تحصیل می باشند می خواهند قرار دهند. دولت ایران استدعا می نمایند که ما نفوذ خود را در سنت پترزبورغ بکار برده و طوری کنیم که عمل هر یک از این دو مسأله علیحده فیصله شود و انجام یکی را مشروط و مربوط به دیگری ننمایند و مخالفت سخت دولت ایران را با نقطه نظر دولت روس برای من توضیح نمود.

علاوه بر آن، در صورتی که دولت روس در رویه حالیه خود مداومت نمایند، دولت ایران صمیمانه امیدوارند که دولت انگلیس سهم مساعده خود را بدون اینکه منتظر سهم روس شوند بپردازند.

پول برای پرداخت حقوق عساکر کرمانشاه بسیار لزوم پیدا کرده و موقع مساعد برای اتمام عمل انتظامات نقطه مذکور از دست خواهد رفت. در موقعی که مطالب فوق به من اظهار شد، من از تلگرافی که شما به سفیرکبیر دولت اعلیحضرتی مقیم سنت پترزبورغ مخابره نموده بودید، مسبوق نبودم.

نمره - ۲۳۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲۸ ژوئیت ۱۹۱۲ [۶ مرداد ۱۲۹۱؛ ۱۳ شعبان ۱۳۳۰]
 جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم مشهد در تاریخ ۲۷ ژوئیت تلگراف ذیل را مخابره نموده است:

از منابع موثقه شنیده ام که دولت روس به همین زودیها جنرال ردکووتامان و قزاقهای قفقازیه و باطری کوبان و سربازهای دسته ۱۳ ترکستان را از اینجا عودت خواهند داد.

بر دسته قوچان یکصد نفر از سربازهای دسته ۱۸ ترکستان افزوده خواهد شد و تمام عده آنها در آنجا ۲۵۰ نفر خواهد بود و عده آنهايي که در مشهد حاضر خواهند

بود، تخمیناً ۸۵۰ نفر خواهد بود.

نمره - ۲۳۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ ژوئیت ۱۹۱۲ [۷ مرداد ۱۲۹۱؛ ۱۴ شعبان ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل از کفیل قنصلگری انگلیس مقیم تبریز در ۲۸ ژوئیت مخاپره شده است: مراسلاتی که جنرال قنصل روس و من به شجاع الدوله نوشتیم، مفید واقع گردید. اوضاع به حالت معمول اعاده شده و بازارها باز است.

از طرف کفیل ایالت اعلانی شده مشعر بر اینکه اداره مالیه را به بلجیکیها [= بلژیکیها] واگذار نموده و رتق و فتق امور کمافی السابق با او است و این اقدام را فقط وقتی کرده است که مأمورین بلجیکی [= بلژیکی] به او اطمینان داده اند که وجوهات لازمه را برای اعزام عساکر خواهند رسانید.

از قراری که می شنوم عساکر روس، شاهسونها را بطور سخت مغلوب نموده و آنها به طرف شمال مراجعت می نمایند.

امروز ۸۰۰ نفر از عساکر روس به اینجا وارد خواهند شد. عده تمام قشون روس در تبریز تخمیناً ۲،۸۰۰ نفر است.

نمره - ۲۳۶

تلگراف سر جارج بیوکاتان به سر ادوارد گری

سنت پترزبورغ ۲۹ ژوئیت ۱۹۱۲ [۷ مرداد ۱۲۹۱؛ ۱۴ شعبان ۱۳۳۰]

تبریز

راجع به تلگراف ۲۸ ژوئیت طهران:

من از مسیو نراتف امروز استفسار نمودم که آیا نمی تواند به جنرال قنصل روس تعلیم دهد که نفوذ خود را به کار برده و شجاع الدوله را ترغیب نماید دست از تهییج برضد سپهدار بردارد، مخصوصاً نظر به اینکه دولت ایران به توسعه دایره بریگاد قزاق رضا داده اند بشرط آنکه سپهدار برای تبریز تعیین شود.

کفیل وزارت امور خارجه در جواب اظهار داشت که جنرال قنصل تاکنون هر قدر توانسه است اقدام نموده و خواهد نمود.

شجاع الدوله اظهار داشته بود که حاضر است در موقع ورود سپهدار، برای احترام اظهارات جنرال قنصل از شهر خارج شده و تا مسافتی توقف نماید ولی عقیده جنرال قنصل بر این بود که بهتر است او در شهر مانده و شخصاً زمام امور را به دست ایالت جدید خود بدهد و اشعار نموده بود به اینکه دادن شهر به دست اهالی کار خطرناکی است.

نمره - ۲۲۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۳۰ ژوئیت ۱۹۱۲ [۸ مرداد ۱۲۹۱: ۱۵ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۸ ژوئیت سر والتر تنلی:

احتیاج دولت ایران به پول حالیه آنقدر شدت نموده است که امیدوارم دولت روس اصرار نخواهند نمود بر اینکه اعطای امتیاز راه آهن را شرط پرداخت پول قرار دهند. برای جناب عالی لازم نخواهد بود که علاوه بر آنچه در تلگراف ۲۷ ژوئیت خود مذکور داشته‌ام، اظهاری بنمایید ولی اگر موقعی بدست آمد، باید این نکته را بطور غیررسمی به مسیو سازانف تذکار نمایید.

نمره - ۲۳۸

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورغ ۳۱ ژوئیت ۱۹۱۲ [۹ مرداد ۱۲۹۱: ۱۶ شعبان ۱۳۳۰]

مساعده به دولت ایران

راجع به تلگراف ۳۰ ژوئیت من:

امروز مسیو نراتف را ملاقات نمودم. جناب معظمله مرا اطلاع داد که سفیر روس مقیم طهران تلگرافاً [= تلگرافی] برای ترتیبی ارائه طریق نموده که به عقیده وی، دولت ایران می‌تواند آن را قبول نمایند.

کفیل وزارت خارجه کم و کیف آن ترتیب را افشاء ننمود و اظهار داشت که در هر صورت بایستی قبل از ارسال جواب با وزیر مالیه مشورت نماید.

من به جناب معظمله اظهار داشتم که شما امیدوارید که دولت امپراطوری حالیه برای تحصیل امتیاز خط آهن از جلفا الی تبریز فشار نخواهند آورد چرا که دولت ایران بسیار محتاج پول می‌باشند. بعد من استفسار نمودم که آیا اطمینانی از طرف دولت ایران به اینکه به همین زودی در باب خط آهن داخل مذاکرات خواهد شد، اسباب رضایت دولت روس خواهد بود؟ و بعلاوه اظهار داشتم که همان روز صبح در این موضوع با سفیر ایران مذاکره نمودم و از قرار معلوم عقیده وی بر این بود که دولت ایران حاضر خواهند بود که چنین اطمینانی بدهند مخصوصاً اگر دولت روس به آنها بضممانند که خواهند گذارد يك قسم شرکتی در عمل احداث خط آهن بنمایند.

مسیو نراتف مرا اطلاع داد که وزیر مالیه مصمم است که این مسأله را باید بطور دائمی فیصل دهد و او تصور می‌کرد که ترتیبی شبیه به آنچه من پیشنهاد نموده‌ام ممکن است داده شود چرا که دولت روس حاضرند شرایط مساعدی قرار بدهند ولی قبل از آنکه تصمیمی بنمایند، بایستی با وزیر مالیه مشورت نماید.

نمره - ۲۳۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۱ ژوئیت ۱۹۱۲ [۹ مرداد ۱۲۹۱؛ ۱۶ شعبان ۱۳۳۰]

اوضاع تبریز

کفیل قنصلگری انگلیس در تبریز در ۳۰ ژوئیت بقرار ذیل تلگراف می‌کند:
تجار و اشخاص متنفذ تلگرافات و مراسلات متعدده به امضاء رسانیده و برای وزیر امور خارجه روس و فرمانفرمای قفقاز و سفیر روس مقیم طهران و قنصل فرانسه فرستاده و از آنها جدا استدعا نموده‌اند نگذارند سپهدار با همراهان رولسیونرا زیاد خود وارد تبریز شود و بگذارند شجاع‌الدوله به مقام ایالت آذربایجان باقی باشد. این اطلاع از منبع موثقی برای من رسیده [است]. تجار و سایرین مجبور به امضای این نوشتجات شده‌اند و نمی‌توانسته‌اند عقیده باطنی خود را ابراز نمایند. این را باید تصدیق نمود که عده کثیری از اهالی شجاع‌الدوله را ترجیح می‌دهند.

نمره - ۲۴۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ اوت ۱۹۱۲ [۱۱ مرداد ۱۲۹۱؛ ۱۸ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۹ ژوئیت سنت پترزبورغ:

همکار روسی مرا اطمینان می‌دهد که سپهدار در حرکت به سمت تبریز است و از قزوین به طرف زنجان حرکت نموده است.
اقدامات شجاع‌الدوله هنوز اسباب تشویش فوق‌العاده دولت ایران می‌باشد و از قراری که راپورت داده شده مخفیانه توپخانه به میانجی، که در راه طهران واقع است، فرستاده و تلگرافات اطمینان‌بخشی را که سپهدار برای اهالی تبریز مخابره نموده است، نگذارده است به صاحبانش برسد.

نمره - ۲۴۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳ اوت ۱۹۱۲ [۱۲ مرداد ۱۲۹۱؛ ۱۹ شعبان ۱۳۳۰]

منزل برای مستحفظین قنصلخانه شیراز

تلگراف ذیل که راجع به تلگراف کفیل قنصلگری شیراز است و عین آن را مخابره نمودم، مجدداً از طرف او در ۲۵ مه مخابره شده است:
تأخیر خوب ترتیبی پیش می‌آورد. تأخیر زیاده بر این باعث عجله در کار خواهد شد و عجله مورث خسارات نقدی برای دولت اعلیحضرتی خواهد گردید، گذشته از

مضار دیگر.

کلنل دوگلاس از من درخواست می‌کند که اظهار نمایم که او ماه رمضان را که باعث تأخیر کار است، از نظر انداخته است و لزوم شروع به کار را تأکید نمایم. فرمانفرمای جدید فارس، مرا اطمینان می‌دهد که در ۴ اوت برای مقر خود حرکت خواهد کرد.

نمره - ۲۴۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۳ اوت ۱۹۱۲ [۱۲ مرداد ۱۲۹۱؛ ۱۹ شعبان ۱۳۳۰]
اوضاع تبریز

کفیل قنصلگری انگلیس در دوم اوت تلگراف ذیل را مخایره نموده است:
اجلاسات یومیه که در آنها نطق‌های مهیجه ایراد می‌شود، در مجلس منعقد می‌شود. از قراری که به من اطلاع رسیده، به اشخاصی که برای ممانعت سپهدار از ورود به شهر تهیه شده‌اند، اسلحه و مهمات برای این مقصود داده شده است.

نمره - ۲۴۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
وزارت خارجه ۳ اوت ۱۹۱۲ [۱۲ مرداد ۱۲۹۱؛ ۱۹ شعبان ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف دوم اوت طهران:

آیا دولت روس مایل خواهند بود به جنرال قنصل خود مقیم تبریز تعلیم دهند که بطور سخت شجاع‌الدوله را متنبه نماید از اینکه از ورود سپهدار به آنجا جلوگیری ننموده برضد تعلیماتی که برای او فرستاده می‌شود ایستادگی ننماید؟

نمره - ۲۴۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۵ اوت ۱۹۱۲ [۱۴ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۱ شعبان ۱۳۳۰]
به سفیر روس حالا از تبریز اطلاع داده شده که شجاع‌الدوله اطمینانات کامله برای همراهی با سپهدار داده است.

نمره - ۲۴۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۵ اوت ۱۹۱۲ [۱۴ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۱ شعبان ۱۳۳۰]
اوضاع تبریز

کفیل قنصلگری انگلیس در ۴ اوت تلگراف ذیل را مخایره نموده است:
جنرال قنصل روس به شجاع‌الدوله اطلاع داده است که امپراتور روسیه می‌خواهد

سپهدار مقام خود را اشغال نماید و شجاع الدوله بایستی راضی به همراهی با وی شود.

شجاع الدوله علی‌هذا امروز اظهار نمود حاضر است با سپهدار همراهی نماید و از اجلاسات در مساجد جلوگیری کرده است.

نمره - ۲۴۶

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۵ اوت ۱۹۱۲ [۱۴ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۱ شعبان ۱۳۳۰]

تبریز

راجع به تلگراف ۳ اوت شما:

مسیو نراتف مرا اطلاع داد که شجاع الدوله تلگرافاتی که سر والتر تنلی بدان رجوع نموده است، نگذاشته است به صاحبانش برسد ولی تمام کارها حالا به طور رضایت فیصله شده است.

شجاع الدوله وعده داده بود که سپهدار را به ورژد بطور دوستانه پذیرایی نموده و هر قسم کمکی به وی خواهد کرد و بنا بود جنرال قنسول روس وساطت نماید که حد و حدودی برای مقام شجاع الدوله تعیین گردد. مسیو نراتف نمی‌توانست بطور یقین اظهار بدارد که آیا شجاع الدوله در تحت امر سپهدار در تبریز خواهد ماند یا آنکه حکومت محل دیگری به وی داده خواهد شد.

نمره - ۲۴۷

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۶ اوت ۱۹۱۲ [۱۵ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۲ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۳۱ ژوئیت من - خط آهن از جلفا الی تبریز - مسیو نراتف مرا اطلاع داد که دولت ایران یقیناً پیشنهادات مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] را در باب نقشه مزبور قبول خواهند کرد و لذا او امیدوار است که به همین زودیها مسئله مساعدت فیصله خواهد شد.

نمره - ۲۴۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۶ اوت ۱۹۱۲ [۱۵ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۲ شعبان ۱۳۳۰]

کفیل قنسولگری شیراز تلگراف می‌کند که یک دسته ۵۰۰ نفری غارتگران در تحت امر صولت الدوله که یک محل محکمی را در نزدیک راه شیراز الی بوشهر اشغال نموده بودند و بدان واسطه راه مذکور را مسدود نموده بودند، لطمات و صدمات به ژاندارمری وارد آوردند.

کفیل قنسولگری راپورت می‌دهد که استعداد ژاندارمری مرکب بود از ۸۰ سوار

و ۱۸۰ پیاده و یک توپ کوهستانی در تحت امر دو نفر از صاحبمنصبان سوئدی و عده زیاد آنها بدون اینکه تیری خالی کنند، فرار نموده و متعاقب آن، خصم آنها را محاصره کرده و بلامقاومت تسلیم آنها شدند و تمام اسلحه خود را از دست دادند. قاپاق توپ مذکور هم ترکیده و بیکار ماند. یک قسمت کوچک از این قشون با دو نفر از صاحبمنصبان خود تا مدتی بلانتيجه جنگ نموده لیکن موفق به مراجعت به شیراز شدند. و زخم کمی هم به ماژور سیفورت فرمانده عساکر مذکور وارد آمد. معلوم می‌گردد که قصد اولی ژاندارمری این بود که در یک منزلی شیراز به چنار راهدار رفته و از آنجا با قشونی در تحت امر قوام‌الملک به مقابله صولت‌الدوله بروند لیکن ماژور سیفورت بدون مذاکره با قوام‌الملک به تنهایی با وجود تأکیدات سخت که دست از این کار بردارد، به مقابله آنها رفت و جنگ در نزدیکی ویرنجان واقع گشت.

نمره - ۲۴۹

مکتوب وزارت خارجه به اداره هند

وزارت خارجه ۶ اوت ۱۹۱۲ [۱۵ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۲ شعبان ۱۳۳۰]

آقا

از طرف سر ادوارد گری وزیر امور خارجه تعلیم دارم که رجوع به مراسله ۲۳ ماه ژون سر والتر تنلی نموده و عقاید مارکس اف کرو و حکومت هند را در باب پولتیک [= پولیتیک] قرض دادن به فرمانفرمای فارس برای استقرار انتظامات فارس، استفسار نمایم.

(امضاء) لوئیس ملت

نمره - ۲۵۰

تلگراف سر والتر تنلی به سرادوارد گری

طهران ۷ اوت ۱۹۱۲ [۱۶ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۳ شعبان ۱۳۳۰]

رئیس نظمیة

راجع به تلگراف ۲۷ ژوئیت شما:

دولت ایران چون نتوانسته‌اند رئیس نظمیة از هلند استخدام نمایند، از دولت سوئد درخواست نموده‌اند اشخاصی را که برای این کار لازم است معرفی نمایند. این اقدام بدون مشورت با دو سفارتخانه بعمل آمد. من دیروز به وزیر امور خارجه خاطر نشان نمودم که دولت نبایستی به این طریق عمل نموده باشند. جناب معظم‌له پس از متعذر شدن به بعضی معاذیر اظهار داشت که قبل از اینکه این اقدام بعمل آید، با کلنل ژاندارمری در این باب مشورت شد. کلنل یالمارسن اظهار عقیده

نموده بود که هر دو اداره باید به دست سوئدیها باشد و صرفه هر دو هم در این می باشد.

سفیر روس اظهار می دارد که کلنل یالمارسن به او هم همین مطلب را اظهار نموده است.

نمره - ۲۵۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۷ اوت ۱۹۱۲ [۱۶ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۳ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۳ اوت شما:

کلنل دوگلاس و قنصل دولت اعلیحضرتی باید برای منزل دادن عساکر به بهترین وجهی که می توانند ترتیبی بدهند تا آنکه تصمیم قطعی بشود. لطف نموده برطبق این به آنها تعلیم دهید.

نمره - ۲۵۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۷ اوت ۱۹۱۲ [۱۶ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۳ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۶ اوت شما:

اخبار لطمه [یی] که به عساکر تحت امر ماژور سیفورت وارد آمده، سخت و مهم است و در موقع بسیار نامناسبی به وقوع رسیده است. شما اجازه دارید که فوراً ۱۰،۰۰۰ لیرا از بابت سهم قرضه مشترک به دولت ایران بدهید بشرط آنکه آن را برای پرداخت حقوق عساکر و تهیه قشونی برای مقابله با صولت الدوله به شیراز بفرستند.

نمره - ۲۵۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۷ اوت ۱۹۱۲ [۱۶ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۳ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۶ اوت سر والتر تنلی - شکست دادن صولت الدوله ژاندارمری را بسیار لازم است که به دولت ایران پول رسانیده شود و من به سر والتر تنلی تلگراف می کنم که فوراً ۱۰،۰۰۰ لیرا بدهد که برای مأمورین محلی شیراز فرستاده شود. شما باید سبب این کار را توضیح نموده اظهار امیدواری نمایید که دولت روس هم سهم خود را خواهند پرداخت.

نمره - ۲۵۴

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورغ ۸ اوت ۱۹۱۲ [۱۷ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۴ شعبان ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۷ اوت شما:

کفیل وزارت امور خارجه برعلیه مساعده ۱۰،۰۰۰ لیرائی که قرار است سر والتر تنلی بدهد، اعتراضی ننمود و اظهار داشت که به سفیر روس اجازه داده شده است که به مجرد آنکه دولت ایران رضا دهند، داخل مذاکرات راه آهن جلفا شوند، ۲۵،۰۰۰ لیرا را بپردازند.

از آن می ترسم که تا زمانی که این شرط قبول نشود، دولت روس به هیچ وجه قرضه نخواهند داد.

نمره - ۲۵۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۸ اوت ۱۹۱۲ [۱۷ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۴ شعبان ۱۳۳۰]

دسته (ای) برای خرید جواهرات دولتی ایران تشکیل شده است و به ما هم در این باب رجوع شده است. اگر دولت ایران مایل به فروش باشند، تکلیف دولتین این نیست که از آنها ممانعت کنند بلکه خود ممد این کار شده و معامله مذکور را در تحت بعضی شرایط تسهیل نمایند وگرنه فروش آنها از روی تقلب بعمل آمده و به هیچ کس فایده ای نخواهد رسید.

فعلا بطور بد، در امور دور و تسلسلی حاصل شده هیچ کس حاضر پول دادن به دولت ایران نیست مگر آنکه دولت مشارالیها خانه خود را نظم دهد و در اوضاع مملکت بهبودی حاصل نتواند شد مگر به رسیدن پول.

دولتین ممکن است ترتیب فروش جواهرات را داده مساعده های جزئی خود را از آن برداشته و برای مصرف باقی پول بعضی شرایط قرار دهند.

این مسأله را با مسیو نراتف مذاکره نمایید. من از لطمه ای که به ژاندارمری در نزدیکی شیراز زده شده بسیار مشوش هستم و بسیار میل دارم که از اقدامات فوری سخت احتراز شود.

نمره - ۲۵۶

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورغ ۹ اوت ۱۹۱۲ [۱۸ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۵ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۸ اوت شما - جواهرات دولتی - مسیو سازانف ارائه طریق شما را کاملا تصویب می کند و حاضر است به سفیر روس تعلیم دهد که با سر والتر تنلی در باب بهترین طریقی که بنابر میل شما ترتیب اثری بر آن داده شود مشورت نماید.

اگر دولت ایران بر مداخله دولتین اعتراض داشته باشند، ما می‌توانیم خاطر نشان نماییم که اگر فروش آنها به ما واگذار شود، جواهرات مذکور به قیمت بهتری به فروش خواهد رسید تا آنکه خود دولت با این ورشکستگی حالیه، درصدد تحصیل خریداری برآیند.

نمره - ۲۵۷

مکتوب اداره هند به وزارت خارجه

اداره هند ۱۰ اوت ۱۹۱۲ [۱۹ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۶ شعبان ۱۳۳۰]

آقا

از طرف وزیر هندوستان تعلیم دارم که وصول مراسله ۶ شهر جاری شما را در خصوص پیشنهاد کمک مالی به فرمانفرمای فارس، در عوض دولت ایران، اطلاع داده و اظهار بدارم که به نظر مارکس اف کرو، به این طریق بیشتر محتمل است پول به مصارف لازمه برسد ولی شاید ملاحظه وضعیت دولت ایران و مخصوصاً وضعیت خزانه‌دار، لازم باشد. لرد کرو ارائه طریق می‌کند که بایستی در مسأله این پلتيك [پلتيك] با سر والتر تنلی مشورت نمود لیکن به تعلیماتی که در تلگراف ۷ شهر جاری سر ادوارد گری مندرج است، بذل توجه نموده است و بعلاوه تا زمانی که در اوضاعی که به واسطه شکست ژاندارمری پیش آمده گشایشی حاصل نگردد، او شك دارد از اینکه بتوان کاری انجام داد.

(امضاء) ریچی

نمره - ۲۵۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۰ اوت ۱۹۱۲ [۱۹ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۶ شعبان ۱۳۳۰]

مساعدت ۱۰،۰۰۰ لیرا برای فارس

خیلی مسرور خواهم شد اگر تعلیم دهید که پولی را که به موجب تلگراف ۷ اوت خود تصویب نموده بودید به دولت ایران داده شود، در چه حساب مخصوصی ثبت کنم. به عقیده من بهترین تدبیر این خواهد بود که وجه مذکور به خزانه‌داری گل داده شود و با او قرار و مدار داده شود که وجوهاتی را که اسمارت لازم دارد و به تخمین او، ۵،۰۰۰ لیرا مکفی خواهد بود، برساند و در تحت نظارت اسمارت وجه مزبور بطور صحیح تقسیم شده آنچه باقی بماند در ورود فرمانفرما، برای ادامه اقدامات قوام‌الملک به مصرف رسد.

نمره - ۲۵۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۱۲ اوت ۱۹۱۲ [۲۱ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۸ شعبان ۱۳۳۰]
 ژاندارمری سوئد

رجوع به تلگراف ۶ اوت من:

حادثه نامساعدی که همین حالا در شیراز به وقوع رسیده، کلنل ژاندارمری را
 مجبور خواهد نمود که نقشه‌های خود را تغییر دهد.

او در نظر دارد ۳۰۰ نفری را که حالیه تعلیم می‌دهد، در شیراز نگاه دارد و
 امیدوار است بتواند بهار آینده ۷۰۰ نفر از عساکر تعلیم‌یافته اینجا را برای
 حفاظت راه بفرستد.

مشارالیه مرا اطمینان می‌دهد که در حقیقت موقع از دست داده نشده است چرا
 که او در هر صورت در این پاییز نمی‌توانسته است زمام حفظ و حراست راه را
 به دست گیرد. کلنل ظاهراً از موفقیت آتی ژاندارمری بسیار امیدوار است اگرچه
 طبعاً از وقوع این حادثه بسیار مشوش و مضطرب است.

نمره - ۲۶۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
 وزارت خارجه ۱۲ اوت ۱۹۱۲ [۲۱ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۸ شعبان ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۱۰ اوت شما:

من تصور می‌کنم بانک شاهنشاهی ایران، امروز ۲۵،۰۰۰ لیرائی را که مبلغ تمام
 سهم قرضه دولت اعلیحضرتی و حکومت هندوستان می‌باشد، به حساب شما منتقل
 خواهد نمود چرا که از قراری که ما فهمیده‌ایم، دولت روس در نظر دارند قرضه
 مشترك ۵۰،۰۰۰ لیرا داده شود.

نمره - ۲۶۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۲ اوت ۱۹۱۲ [۲۱ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۸ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۹ اوت سر جارج بیوکانون - فروش جواهرات - شما مجاز هستید
 که در این باب با همکار روسی خود و خزانه‌داری کل مذاکره نمایید. من بسیار
 طرفدار این پیشنهاد بوده و امیدوارم بتوان آن را به موقع اجراء گذارد.

نمره - ۲۶۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۳ اوت ۱۹۱۲ [۲۲ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۹ شعبان ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل از مأمور قنصلگری مشهد رسیده است:

بنا بر راپورتی که داده شده، تخفیف داده خواهد شد، بغير از آنکه دسته سیزدهم تفنگدارها به جای دسته هیجدهم در مشهد خواهند آمد و این دسته به ترکستان مراجعت خواهند نمود. عده آنها مثل سابق خواهد بود.

انتظار می‌رود که عساکر مذکور روز ۱۸ اوت و ۲۱ اوت حرکت کنند.

تلگراف ذیل در ۱۲ اوت از کفیل ویس قنصلگری رشت رسیده [استه]:

۶۰۰ نفر قزاق و پیاده نظام در ۱۰ اوت وارد انزلی شدند. نصف آنها دیروز اینجا وارد شدند. یحتمل اینها را برای طالش می‌خواهند.

نمره - ۲۶۳

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۱۳ اوت ۱۹۱۲ [۲۲ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۹ شعبان ۱۳۳۰]

صاحب‌منصب سوئدی برای نظمیة طهران

لطف نموده رجوع به تلگراف ۷ اوت طهران کنید:

من دیشب در این باب با مسیو سازانف مذاکره نموده، جناب معظمه اظهار داشت که او اعتراضی نخواهد داشت بر اینکه این مقام به عهده یک نفر از اتباع سوئد واگذار شود.

نمره - ۲۶۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۳ اوت ۱۹۱۲ [۲۲ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۹ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ اوت من:

من تصمیم در خصوص موقع و کم و کیف مساعده را که باید پرداخته شود به اختیار شما واگذار خواهم نمود. مبلغی که مساعده داده خواهد شد نباید زیاده بر آنچه لازم است باشد و فقط در مواقعی که لازم می‌شود به دولت ایران داده شود.

نمره - ۲۶۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ اوت ۱۹۱۲ [۲۶ مرداد ۱۲۹۱؛ ۴ رمضان ۱۳۳۰]

قشون ایران

دولت ایران از سفیر هلند خواهش نموده‌اند که ببیند دولت متبوعه وی مایل خواهند بود که ۲۷ نفر صاحب‌منصب برای تشکیل قشون کوچکی برای ایران بفرستند؟ از قراری که مذکور است این قشون باید مرکب از ۶،۰۰۰ نفر باشد ولی نقشه‌ای برای آن به سفارتین ارائه نشده است.

سفیر روس و من در مراسله مشترکی از دولت ایران درخواست نموده‌ایم که نقشه قشونی خود را بلا تأخیر به ما ارائه نمایند و خاطر نشان نموده‌ایم که اقدام آنها در این موضوع، با قرارداد آنها که قبل از استخدام مأمورین خارجه با سفارتین مشورت نمایند موافقت ندارد.

از قراری که بر من مفهوم می‌شود، سفیر هلند در موقعی که دولت متبوعه خود را از خواهش دولت ایران مستحضر داشت، نصیحت نمود که پیشنهادات مذکور را رد نمایند به این دلیل که اولاً رسانیدن وجوهات از طرف دولت ایران بسیار غیر معلوم است و ثانیاً چون به عقیده او تحصیل افراد صحیح برای قشونی که باید تشکیل شود مشکل است، لذا مساعی و مشاغل صاحب‌منصبان اجنبی چندان جلوه ننموده و پیشرفتی نخواهد کرد.

او با پسته خواهش دولت ایران را به اطلاع دولت متبوعه خود رسانیده است.

نمره - ۲۶۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۹ اوت ۱۹۱۲ [۲۸ مرداد ۱۲۹۱؛ ۶ رمضان ۱۳۳۰]

جنوب ایران

مخبر السلطنه دیروز بعد از ظهر از من ملاقات نمود و مذاکرات طولانی و رضایت‌بخش با هم داشتیم. جناب معظمه حقیقتاً انتظار دارد تا چند روز دیگر به سمت شیراز حرکت کند و در خارج شهر چادر زده است.

وضع گفتگو و حالت او اسباب اطمینان من شد. نظریات و عقاید وی در باب اداره کردن امور فارس قطعی است و ظاهراً می‌توان اعتماد داشت به اینکه بتواند انتظامات آنجا را اعاده نماید.

نمره - ۲۶۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۹ اوت ۱۹۱۲ [۲۸ مرداد ۱۲۹۱؛ ۶ رمضان ۱۳۳۰]

رجوع به مراسله ۲۳ ژون شما:

عقیده شما در باب اینکه مستقیماً به مخبرالسلطنه پول رسانیده شود چیست؟

نمره - ۲۶۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۱ اوت ۱۹۱۲ [۳۰ مرداد ۱۲۹۱؛ ۸ رمضان ۱۳۳۰]

ژاندارمری سوئدی

رجوع به تلگراف ۱۲ اوت من:

کلنل یالمارسن مسوده نقشه قشونی را که در نظر دارد در بهار سال ۱۹۱۳ به فارس بفرستد، به من نشان داد. این قشون مرکب خواهد بود از ۳۳۴ سوار و ۵۶۴ پیاده و ۲ توپ میتراپوز با ۲۷ توپچی و مرا اطمینان می‌دهد که کثرت قشون شیراز به هیچ وجه از عده قشونی که باید دور و حوالی طهران بکار برده شوند نخواهد کاست و می‌گوید که در ظرف دو ماه قشون مذکور می‌توانند ۱،۰۰۰ کیلم راه را قراولی نمایند و او بسیار امیدوار به موفقیت ژاندارمری مذکور است ولی شکایت می‌کند از اینکه بواسطه عدم پول، از پیشرفت حالیه ژاندارمری جلوگیری می‌شود. من از آژانس روتر [=رویترا] درخواست کرده‌ام که تلگراف اطمینان بخشی در باب حادثه شیراز انتشار دهد. جهت اقدام من این است که چون مطبوعات سوئد اخباری انتشار می‌دهند که از آن مستفاد می‌شود نقشه ژاندارمری کلیتاً پیشرفتی حاصل ننموده است، کلنل بسیار مشوش و متالم است.

نمره - ۲۶۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۱ اوت ۱۹۱۲ [۳۰ مرداد ۱۲۹۱؛ ۸ رمضان ۱۳۳۰]

رئیس کل نظمیه

رجوع به تلگراف ۱۳ اوت سنت پترزبورغ:

کمال انتظار را داریم که بزودی جوابی در باب رئیس نظمیه از سوئد برسد. دولت ایران اظهار می‌دارند که تا زمانی که سفارتین رسماً رضایت خود را ابراز ننمایند نمی‌توانند در این موضوع اقدامی بنمایند و نظمیه فعلاً به دست ارمنیها است و این ترتیب ناموافق است.

نمره - ۲۷۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۲ اوت ۱۹۱۲ [۳۱ امرداد ۱۲۹۱؛ ۹ رمضان ۱۳۳۰]

رجوع به تلگراف ۱۷ اوت شما - قشون ایران - من اقدام شما را تصویب می‌کنم.

نمره - ۲۷۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۲ اوت ۱۹۱۲ [۳۱ امرداد ۱۲۹۱؛ ۹ رمضان ۱۳۳۰]

رجوع به تلگراف ۱۳ اوت سنت پترزبورغ نمایید.

ما بر علیه استخدام رئیس نظمیه از اتباع سوئد اعتراضی نداریم. تصور می‌کنم به همکار روسی شما هم تعلیمات مشابهی داده شده باشد.

نمره - ۲۷۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۲ اوت ۱۹۱۲ [۳۱ امرداد ۱۲۹۱؛ ۹ رمضان ۱۳۳۰]

رجوع به تلگراف ۲۱ اوت شما - ژاندارمری - اگر تمام مبلغ ۱۰،۰۰۰ لیرا را نداده‌اید، قدری از آن ممکن است به مصرف ژاندارمری رسانیده شود. آیا کلنل چقدر لازم دارد؟

نمره - ۲۷۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۲ اوت ۱۹۱۲ [۳۱ امرداد ۱۲۹۱؛ ۹ رمضان ۱۳۳۰]

عساکر روس در خراسان

راجع به تلگراف ۱۳ اوت من:

تلگراف ذیل در ۲۱ اوت از جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم مشهد رسیده است: در باب عودت عساکر روس از مشهد، افتخار دارم راپورت دهم که چنانچه به موجب تلگراف سابق خود پیش‌بینی کرده بودم، عساکر حرکت کرده‌اند.

نمره - ۲۷۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ اوت ۱۹۱۲ [۳۲ امرداد ۱۲۹۱؛ ۱۰ رمضان ۱۳۳۰]

مساعده به دولت ایران

راجع به تلگراف ۲۲ اوت شما:

پولی که کلنل یالمارسن لازم دارد، برای توسعه و ترقی ژاندارمری بطور عموم

(۱) چون تا سال ۱۳۰۴ خورشیدی تقویمهای فارسی به صورت فعلی تنظیم نشده بود و ترتیب آخر ماهها با یکدیگر تفاوتهایی پیدا می‌کرد لذا در پاره‌ای اوقات تعداد روزهای ماه به ۳۲ روز هم می‌رسید. - ۴.

است. او می‌ترسد از اینکه به علت وضع حالیهٔ مالیه، حقوق آنها عقب خواهد افتاد. در هر صورت گمان می‌کنم کلنل مذکور زیاده بر آنچه از ۱۰،۰۰۰ لیرا باقی می‌ماند پول لازم دارد. عاقبت تمام این مبلغ حتماً برای فارس لازم خواهد شد.

نمره - ۲۷۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ اوت ۱۹۱۲ [۳۲ مرداد ۱۲۹۱؛ ۱۰ رمضان ۱۳۳۰]

مالیهٔ ایران

به علت اظهار رسمی که در مجلس مبعوثان شده که با اوضاع حالیهٔ مالیه و وضع مملکت برای دولت ایران مشکل است بدون ضمانت دولتین انگلیس و روس قرضه تحصیل نماید، تنفر و تفریب زیادی اینجا محسوس می‌شود. دولت ایران تصور می‌کند که اوضاع مملکت بر دولت اعلیحضرتی مشتبه شده و مرا مسؤول این سوء تأثیر می‌دانند.

خزانه‌داری کل، امروز در موقعی که در باب اوضاع مالی با من مذاکره نمود، اظهار داشت که به عقیدهٔ وی عایدات مملکت برای تحصیل قرضهٔ ۶،۰۰۰،۰۰۰ لیرا مکفی خواهد بود و اگر وجوهات قرضهٔ مذکور به مصرف توسعه و ترقی عایدات مملکت نرسد و دعاوی خارجه‌ها به تعویق انداخته نشود، تا زمانی که اثرات کمک مالی که داده می‌شود محسوس گردد، چندان پولی برای مصارف یومیه باقی نخواهد ماند. و اگر بحصول چنین نتیجه‌ای بایستی نائل شد، به عقیدهٔ من باید از طرف اروپاییها کنترل کاملتر و بیشتر از حالیه بر مالیهٔ ایران بشود.

نمره - ۲۷۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ اوت ۱۹۱۲ [یکم شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۱ رمضان ۱۳۳۰]

دولت ایران تقاضاهای دولت روس را در باب امتیاز خط آهن جلفا الی تبریز و ارومیه [= اورمیه] قبول نموده‌اند بطوری که دولت روس می‌تواند در باب آن داخل مذاکرات شوند و از مذاکرات خود بدون رجوع به مجلس^۱ متوالیاً نتیجه بگیرند. سفیر روس را عقیده بر این است که دولت متبوعهٔ وی جواب دولت ایران را کافی خواهند دانست، اگرچه راست است اطمینانات آنها در باب قسمتی که راجع به مجلس است قدری مبهم می‌باشد. یحتمل برای دولت روس امکان خواهد داشت که هر زمان که مقتضی باشد در باب این نکته فشار بیاورند.

در باب خط محمره هم، بعلاوهٔ فرمان شاه، از طرف وزیر امور خارجه به من

(۱) چنین است در اصل. - م.

(۲) اصل: مجلسی. - م.

اعلمینان شفاهی داده شده است که در مذاکرات راجع به آن، همان قسم منافی که برای خط روس منظور گردیده برای ما هم منظور خواهد بود. با این اوضاع بسیار مطلوب خواهد بود که هر قدر زودتر که ممکن است در مذاکرات آن عجله شود.

نمره - ۲۷۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ اوت ۱۹۱۲ [یکم شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۱ رمضان ۱۳۳۰]

اوضاع تبریز

تلگراف ذیل از کفیل قنصلگری انگلیس در تاریخ ۲۳ اوت از تبریز واصل گردیده است:

سپهدار که به تاریخ ۲۱ اوت به باسمنج [= باسنج] وارد شد، اعلام نمود که تا آخر ماه رمضان در آنجا توقف خواهد نمود.

تصور می‌شود که او این اقدام را برای آن نموده است که مأمورین محلی روس فرصت خارج شدن از عمارت حکومتی داشته باشند.

وضع سلوک و رویه شجاع، فعلا اسباب تشویش و اضطراب نمی‌باشد. او اعلانی انتشار داده و مردم را مطلع می‌سازد که دولت ایران سپهدار را به مقام ایالت آنجا فرستاده‌اند و آنها را نصیحت و دعوت می‌کند که از او اطاعت بنمایند چرا که مقاصد وی شامل مصالح عامه مسلمانان است. لیکن مساعدت یا مخالفت آتی شجاع‌الدوله نسبت به سپهدار بیشتر بسته به وضع رفتار سپهدار با وی می‌باشد.

همکار روسی من مرا اطلاع می‌دهد که تلگرافاتی از اهالی تبریز برای سپهدار رسیده، از مخایره تلگرافات سابق خود که باعث اشکال کار او می‌شد، اظهار ندامت و پشیمانی نموده و برای تعیین وی عرض تبریک گفته‌اند.

نمره - ۲۷۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ اوت ۱۹۱۲ [یکم شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۱ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ اوت شما - فروش جواهرات - برای همکار روسی من تعلیمی نرسیده. خزانه‌دار کل یقین دارد که دولت ایران قصد فروش جواهرات دولتی را ندارند و گمان می‌کند که چنین پیشنهادی نخواهند کرد. خود او فروش بعضی از جواهرات غیر مهم و بی‌فایده را تصویب نموده ولی به انجام این کار موفق نشده است.

نمره - ۲۷۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۵ اوت ۱۹۱۲ [۲ شهریور ۱۲۹۱: ۱۲ رمضان ۱۳۳۰]
 کرمانشاه و سالارالدوله

تلگراف ذیل در تاریخ ۲۲ اوت از قنصل اعلی حضرتی مقیم کرمانشاه واصل شده است؛ در ۱۹ اوت، یارمحمدخان و مسیب اقلی خان به کرمانشاه وارد گردیدند و حکمران را در یک منزلی سنج و ل کرده بودند و به همراه آنها ۳۰۰ نفر از مجاهدین مسلمان بودند و خود را طرفدار سالارالدوله می دانند که وعده می دهد پارلمان را در مرکز منعقد دارد. همراهان سابق سالارالدوله به اینها ملحق شده اند. نظم در شهر برقرار است.

از اطلاعات دیگری که در دست دارم، ظاهر نمی گردد که آیا مجاهدین فوق الذکر خود را طرفدار سالارالدوله اعلان نموده یا آنکه به طهران تلگراف نموده و تغییر حکومت و انعقاد مجلس را تقاضا نموده اند، لیکن در هر صورت ظاهراً شهر کرمانشاه در ید تصرف آنها است.

نمره - ۲۸۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ اوت ۱۹۱۲ [۱۶ مرداد ۱۲۹۱: ۲۳ شعبان ۱۳۳۰]
 آقا

افتخار دارم اینک صورت خلاصه وقایع ماهیانه ایران را برای چهار هفته گذشته به طریق معمول ماهیانه لفا ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۲۸۰

خلاصه وقایع چهار هفته گذشته ایران

طهران

حکومت ایالات و ولایات - سپهدار اعظم در ۱۸ ژوئیت [۲۷ تیر؛ ۳ شعبان] از طهران به طرف تبریز رهسپار گردید و پس از جزئی توقف در قزوین، از راه زنجان به صوب مقر خود حرکت نمود.

امیر مفخم بختیاری به مقام ایالت کرمان تعیین گردیده و در ۱۶ ژوئیت از طهران به طرف آن ایالت حرکت نمود و از راه کمره مسافرت نموده تاکنون به اصفهان نرسیده است.

سردار جنگ در ۱۹ ژوئیت از طهران حرکت نمود که رفته مشاغل خود را به مقام ایلخانگیری بختیاریها بعهدہ گیرد.

مخبر السلطنه که برای فرمانفرمایی فارس انتخاب گردیده، اکنون از طهران خارج شده و ظاهراً آخر الامر قرار مدار موفقی با خزانه داری کل نموده است.

انتخابات اعضای مجلس - تازگی در مطبوعات محلی و عموم مردم هیجان مختصری مشهود گردیده، مقصودشان این است که برای مجلس جدید اعضاء انتخاب نمایند. کابینه اجلاسات مختلفی منعقد داشته اند که در این باب با نمایندگان اعیان و سایر طبقات مردم مذاکره نمایند ولی تاکنون تصمیمی بعمل نیامده است.

تبریز

به وصول اخبار اینکه سپهدار که تعیین وی به مقام ایالت آذربایجان ۴ ماه قبل رسماً اعلام شده بود، از طهران حرکت نموده که مشاغل خود را به عهده گیرد، شجاع الدوله شروع به تحریک بر ضد وی کرد و به تحریک وی، تجار آنجا تلگرافی بر ضد تعیین سپهدار به طهران مخابره نمودند و بازارها مسدود گردیده و در مساجد نطقهای مهیجه بر ضد مشروطیت ایراد شده و اسلحه و مهمات جنگی در میان مردم تقسیم نمودند که بتوانند به قوه قهریه با ورود سپهدار مخالفت ورزند.

همینکه مأمورین انگلیس و روس اظهاراتی نمودند، شجاع الدوله دست از اقدامات خود در تحریک مردم بر ضد حکومت مرکزی برداشته و راضی شد به ورود سپهدار زمام امور را به او بسپارد.

سپهدار که در ۱۸ ژوئیت [۲۷ تیر؛ ۳ شعبان] از طهران حرکت نمود، تا زمانی که نمایشات بر ضد وی دوام داشت، در قزوین ماند ولی همینکه شنید اوضاع تبریز به حال عادی رجعت نمود، در غره اوت از زنجان حرکت نمود.

در عرض ژوئیت ۲،۵۰۰ نفر دیگر به قشونی که برای جنگ شاهسونها به میدان فرستاده شده بودند، از عساکر قزوین امداد رسید و عساکر جدید از روسیه وارد و به جای آنها قرار داده شد.

مشهد

اوضاع این ایالت و شهر به همان طوری است که در خلاصه وقایع آخری راپورت داده شده است.

اصفهان

در عرض ماه گذشته، اوضاع شهر و حدود آن کمافی السابق رضایت بخش نبود ولی بر بی نظمی این ولایت افزوده شد. مخصوصاً در دور و حوالی قم که در آنجا تازگی سارقین به چندین قوافل زده اند.

در ۱۰ ژوئیت [۱۹ تیر؛ ۲۴ رجب] یک دسته از کهکلوئیها [= کهگیلویه ای ها] کاروانسرای مال میر را که در راه لینیچ واقع است غارت کرده آتش زدند و از قراری که راپورت داده شده، دستجات دیگر از ایل مذکور بعضی از دهات خاک بختیاری را غارت نمودند.

در ۱۹ ژوئیت، قریب ۱۰۰ نفر مرد و زن متعلق به یکی از ایلات محلی در اداره تلگراف هند و انگلیس در قم پناهنده شده، محض آنکه حکمران را مجبور کنند اقدامی بر علیه شخص موسوم به میرزا رضاخان که آنها را از مراتعشان خارج نموده بود بنماید. ایلیاتیهای مذکور هنوز در بست هستند چرا که حکمران ظاهراً چندان اقتداری بر میرزا رضا خان ندارد. حکومت مرکزی در صدد اصلاح این امر می‌باشند.

یزد

اگرچه غارتگری دیگری در حدود نزدیک یزد راپورت داده نشده، دستجات سارقین باز هم این ناحیه را اشغال نموده‌اند.

در دوم اوت [۱۱ مرداد؛ ۱۸ شعبان]، دسته بزرگی از بهارلوها به بهرام‌آباد که در راه یزد و کرمان واقع است حمله برده و در شب دوم یا سوم اوت، دسته‌ای از ایلیاتیها به کاروانسرای اردکان که در مسافت ۴۰ میلی شمال غربی یزد واقع است حمله برده و ۲۵۰ بار مال‌التجاره را با ۷۰۰ شتر به غارت بردند.

انتظام‌الملک که از زمان هجوم بر اردستان در ماه ژون گذشته عده زیادی با خود همراه کرده بود، بنا بر تعلیمات وزارت داخله به یزد مراجعت نمود که با دولت از در مصالحت درآید.

شیراز

به علت عدم توانایی نایب‌الحکومه اعراب در برقرار داشتن حتی جزئی نظمی در میان طوایف جنوب مشرق فارس و بواسطه اقدامات و اشغال همراهان صولت‌الدوله، قوام‌الملک مشغول جمع‌آوری قشون زیادی در شیراز گردید به قصد اینکه خود بشخصه رفته و در این ایالت انتظامات را اعاده نماید.

در اوایل اوت، قشون قوام‌الملک حاضر کارزار نبودند، ولی چون همراهان صولت‌الدوله خیلی نزدیک شیراز رسیده بودند ماژور سیفورت با یک دسته مرکب از ۸۰ نفر سواره و ۱۸۰ نفر پیاده ژاندارم، به طرف چنار راهدار [که] قریب ۱۰ میلی طرف مشرق شیراز واقع است، حرکت نمود.

قصد قوام‌الملک این بود که به مجرد آنکه او قشون مکفی جمع‌آوری نمود، به وی ملحق شود.

در ۵ اوت [۱۴ مرداد؛ ۲۱ شعبان]، ماژور سیفورت بدون آنکه منتظر ورود قشون قوام شود، برای مقابله با همراهان صولت‌الدوله حرکت نمود و شکست سختی خورده قسمت زیادی از قشون او هلاک گردیدند. ماژور سیفورت که مجروح گردید به اتفاق کاپیتان نیسترم و عده قلیلی از ژاندارمها موفق به فرار به طرف شیراز شدند.

کرمان

امیر اعظم چون بنا به امر حکومت مرکزی از مقام ایالت کرمان معزول گردید، در اواخر ژوئیت از آنجا حرکت نمود.

پس از حرکت وی، عدل‌السلطان فرمانده عساکر، بعضی از ایلیاتیها را به شهر

آورد به عنوان اینکه عساکر خود او را در حفظ نظم شهر کمک نمایند. این ایلیاتیها شروع به غارت اهالی شهر، مخصوصاً آنهایی که در مدت این اغتشاشات مطیع و منقاد بودند، نمودند و نتیجه این اقدام این شد که قریب سی نفر در قنسولخانه اعلیحضرتی پناهنده شدند.

کرمانشاه

سالارالدوله بنابر اطلاعات اخیری که از طرف دولت ایران واصل گردیده، هنوز در حدود کرمانشاه است.

شاهزاده فرمانفرما چون پول برای پرداخت حقوق عساکر خود نداشت، حکومت مرکزی را اطلاع داد که اگر پول به وی نرسد، مجبور خواهد شد برای حقوق خود، عایدات گمرک را ضبط نماید وگرنه آنها متفرق گشته و شهر به دست سالارالدوله خواهد افتاد.

نمره - ۲۸۱

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۶ اوت ۱۹۱۲ [۱۵ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۲ شعبان ۱۳۳۰]

آقا

در تلگراف ۱۲ ژوئیت [۲۱ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۸ شعبان ۱۳۳۰] خود، اختتام قطعی قرارداد که شرح آن را در مراسله ۱۰ ژوئیت خود مفصلاً نوشتم، راپورت دادم که به موجب آن قرارداد، سردار جنگک به ایلخانگیری کل طوایف بختیاری و حکومت کوهکلوییها [= کوهگیلویه‌ای‌ها] و بهمینان به مدت پنج سال تعیین گردیده است.

اکنون افتخار دارم ترجمه مراسله‌ای را که سردار جنگک به من نوشته و سواد قرارداد مذکور را که مورخه ۱۰ ژوئیت است، لف آن فرستاده ایفاد دارم. این نوشته که ترجمه آن در جوف است، (ملفوف نمره ۲) بر شما معلوم خواهد نمود که خوانین ظاهراً مصمم گردیده‌اند که اقدام سختی برای اعاده انتظامات در خاک خود و برقراری امنیت در راه اصفهان الی اهواز بنمایند.

بنابر ماده پنجم، تمام عایداتی را که خوانین عموماً وصول می‌کنند به انضمام تمام وجوهاتی که بایستی کمپانی نفت انگلیس و ایران بپردازند، بایستی ایلخانی جدید و شریک او مرتضی‌قلیخان وصول نموده و برای مصارف داخله بختیاری از قبیل قراول راه و معادن نفت و تعمیر پلها و ترقی راههای قافله‌رو، به مصرف برسانند. ملفوف‌های نمره ۳ و ۴ راجع به قرضه ۴۵،۰۰۰ تومان (۹،۰۰۰ لیرا) با منافع سالیانه صدی هفت است که در مقابل سهامی که خوانین کمپانی نفت بختیاری در دست دارند بانک شاهنشاهی ایران برای تسهیل امورات سردار جنگک، به خوانین داده است.

من بعلاوه، سواد جوابی که به سردار اسعد نوشته‌ام (ملفوف نمره ۵) و سواد مکتوبی که به سردار جنگک نوشته و از تعیین او تبریک گفته‌ام (ملفوف نمره ۶) و نیز

سواد مکتوب ۱۳ ژوئیت را که به کاپیتان گری نوشته (ملفوف نمره ۷) و او را از ترتیباتی که داده شده مطلع ساخته و دستورالعمل داده‌ام که به همراهی ایلخانی جدید در موقعیکه از اصفهان حرکت می‌کند برود، ایفاد می‌دارم.

بنابر خواهش سردار جنگ، بعد از آن با کلنل دوگلاس که فرمانده دستة عساکر هندی ساخلوی شیراز و اصفهان بود، قرار دادم که چهارده نفر با یک نفر صاحب‌منصب از دستة عساکر اصفهان به شش سوار مستحفظ کاپیتان گری اضافه شود که عدۀ مستحفظین او، روی هم رفته به بیست و یک نفر برسد. اضافه کردن این عدۀ به مستحفظین کاپیتان گری، بطور موقت و تا مدتی خواهد بود که در چهارمحل [= چهارمحل] اقامت دارد و همینکه از نزد سردار جنگ حرکت کند، به اصفهان مراجعت خواهند کرد.

به این وسیله به خوانین جزو که مایل به فراهم آوردن اسباب مزاحمت هستند، بنوبی واضح خواهد شد که سفارت دولت اعلیحضرتی از سردار جنگ تقویت معنوی می‌نمایند و امیدوارم که ایلخانی جدید به این طریق قادر خواهد شد که مقام خود را قوت داده و خود را مقتدر سازد.

اما در باب مناسبات بختیاریها با شیخ محمره که در طی مراسله سردار اسعد و جواب من بدان اشاره رفته و آن را اخیراً موضوع مخابرات زیاد تلگرافی بین خود و قنصل مقیم اعلیحضرتی در بوشهر قرار داده‌ام، فعلاً شاید لازم نباشد به شما تصدیق داده و شرح مبسوطی از مشاجرات مذکور و شکل حالیه آن بنگارم. فعلاً بین این دو طرف مسائل بسیار مطرح مذاکره است و چنانچه سابقاً راپورت داده‌ام با موافقت شما در نظر دارم مأمورین قنصلخانه محمره و اهواز اعلیحضرتی را تعلیم بدهم که در این امر حکمیت اختیار کنند.

تعیین سردار جنگ مرا وادار به امیدوار شدن به این مسأله می‌کند که نباید بیم داشت از اینکه گرفتاریهای تازه بین شیخ و بختیاریها بظهور رسد و فیصله این قبیل اختلافاتی که تاکنون به ظهور رسیده، تسهیل خواهد شد.

اگر چنانچه [= چنانکه] با دلیل امیدوارم، ترتیب حالیه منتج به اعاده نظم و امنیت در راه اصفهان الی اهواز شود، وقتی که برای این کار به مصرف رسیده و زحماتی که تحمل شده، بیپرده و مهمل نبوده است.

حالا که می‌خواهم این مکتوب را بفرستم، تلگرافی از سردار جنگ برای من رسیده، ورود خود را خبر داده و اظهار می‌دارد در نظر دارد به همین زودیها به طرف خاک بختیاری حرکت کند و با وجود آنکه عدۀ سواری را که حکومت مرکزی به او وعده داده‌اند، نفرستاده‌اند، اعتماد کامل به موفقیت خود دارد.

چنانچه سابقاً بوسیله تلگراف سردار جنگ را اطلاع داده‌ام، اشکالات نقدی حالیه دولت، آنها را از انجام مواعید خود مانع گردیده است. حقوقهای عقب‌افتاده کسانی را که سردار جنگ خواسته است آنقدر زیاد است که فرستادن حتی پنجاه نفر آنها مستلزم اخذ وجه معتناهیی از عایدات خزانه است چرا که این اشخاص تا زمانی که

حقوق عقب‌افتاده‌شان بالتامه پرداخته نشود، حرکت نخواهد کرد.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف يك نمره ۲۸۱

ترجمه مکتوب سردار اسعد به سر والتر تنلی

۱۰ ژوئیت ۱۹۱۲ [۱۹ مرداد ۱۲۹۱: ۲۶ شعبان ۱۲۳۰]

جناب اجل

مراسلات ۲۶ مه [۵ خرداد؛ ۸ ج ۲] و ۲۷ ژون [۶ تیر؛ ۱۱ رجب] جناب‌عالی را در خصوص امنیت خاک بختیاری و اختلافات بین خوانین بختیاری و شیخ محمره، مفتخراً وصول نمودم.

چنانچه جناب‌عالی آگاه هستید، من حتی‌المقدور در راه حصول امنیت راه بختیاری کوشیده و حالیه که اساس این امنیت تا اندازه‌ای متزلزل گردیده، اقدامات قطعی به عمل آورده‌ام.

به سردار جنگ و مرتضی قلی‌خان اقتدار تامه و اختیارات لازمه داده‌شده و استقرار انتظامات خاک بختیاری و راه اهواز به عهده اینان سپرده شده است. ایشان یکی دو روز دیگر حرکت نموده و پس از ورود خود به خاک بختیاری، علل و اسباب اضطراب بکلی رفع خواهد گردید.

اینک سواد قراردادی را که برای نیل به این مقاصد بعمل آمده لفاً ایفاد [می] دارم. در باب کدورت بین شیخ محمره و خوانین، میل من این است که اختلافات فیما بین مرتفع گردیده و دوستی در عوض برقرار گردد، لیکن برای نیل به این مقصود، بعضی اقدامات از طرف شیخ لازم می‌باشد و این کار باید به التفات شما به انجام برسد.

شرایطی را که خوانین پیشنهاد می‌کنند بقرار ذیل است:

(۱) شیخ باید از عهده غرامت تمام خساراتی که به اموال خوانین و ایل بختیاری وارد آورده، برآید.

(۲) بهای خون اشخاصی را که مقتول داشته‌اند، باید تأدیه نمایند.

(۳) شیخ نباید در عمل شوشتر و دزفول مداخله نماید و تمام شوشتریها و بستگان خوانین را که محبوس نموده‌اند، باید آزاد نموده و غرامت خسارات وارده بر آنها را باید بدهند.

هرگاه شیخ شرایط فوق را به انجام رساند، می‌توانم شما را مطمئن سازم که کدورت مرتفع گردیده و می‌توانم بین او و خوانین طرح دوستی نمایم بطوری که در آتیه، فیما بین اشکالاتی به ظهور نرسد.

(امضاء) علیقلی بختیاری

ملفوف دوم نمره ۲۸۱

ترجمه قراردادی که به سردار جنگ داده شده است

مورخه ۱۰ ژوئیه ۱۹۱۲ [۱۹ مرداد ۱۲۹۱: ۲۶ شعبان ۱۳۳۰]

بسم الله الرحمن الرحيم

ما امضاءکنندگان این ورقه، امروز که ۲۴ شهر رجب ۱۳۳۰ هجری [۱۹ تیر ۱۲۹۱: ۱۰ ژوئیه ۱۹۱۲] می باشد، برحسب امر دولت علیه و خانواده خود، سردار جنگ را به حکومت کل بختیاری و چهارمجال و کمپلوئی [= کمپلوئی] و بهبهان از هذه السنه سیچقان ئیل تا آخر سنه لوی ئیل ۲ که ۵ سال تمام می شود، تعیین می نمایم و جناب ایشان در نهایت استقلال و در کمال اقتدار و با اختیارات تامه، ایلخانی بالاستقلال ایل بختیاری بوده و شرایط مواد ذیل را به انجام خواهند رسانید:

ماده اول: چنانچه فوقاً ذکر شد، جناب ایشان تا پنج سال تمام ایلخانی بالاستقلال و با اقتدار بوده معزول نخواهند شد. در مدت این ۵ سال، یکی از پسران یا انساب ایلخانی مرحوم، همیشه به مقام ایل بگی گری، با ایشان شراکت خواهد داشت و در منافع یا خسارات شریک خواهد بود، این شخص حالیه مرتضی قلی خان خواهد بود و تا زمانی که سردار جنگ از او راضی است، با او بوده و حفظ انتظامات خواهد کرد و هر وقتی که سردار جنگ از او دلتنگ شود و دیگر نخواهد که مرتضی قلی خان با او باشد، حق خواهد داشت که مرتضی قلی خان را تغییر داده و یکی دیگر از پسران (یا انساب) ایلخانی مرحوم را به جای وی منصوب دارد که در عوض مرتضی قلی خان شرکت نماید و هیچ کس حق اعتراض نخواهد داشت.

ماده دوم: سردار جنگ و مرتضی قلی خان هر خوانین جزو که پسران یا انساب جعفر قلی خان باشند، اختیارات تامه دارند و در صورتی که بخواهند آنها را در بختیاری و چهارمجال نگاه خواهند داشت و می توانند در صورتی که لازم بدانند، آنها را از آنجا خارج نمایند. دولت و خود ما با آنها در این کار تقویت کامل خواهیم نمود. هرگاه هر یک از پسران (یا انساب) جعفر قلی خان مرحوم، سر از اطاعت پیچیده یا بنای یاغیگری گذارد، آنها (ایلخانی و ایل بگی) حق تنبیه آنها را بطور سخت و با قوه ایلی خواهند داشت و در صورتی که کار سخت شود یا اینکه به آن شخص نامطیع یا بستگانش خسارتی از بابت مال یا جان وارد شود، هیچ یک از اعضاء خانواده حق شکایت نخواهد داشت.

ماده سوم: برای استقرار نظم در خاک بختیاری و چهارمجال، سردار جنگ و مرتضی قلی خان، مجاز و مختار هستند که هرگونه اوامری بخواهند صادر نموده یا

(۱) سال موش. سال اول از دوره دوازده گانه سالهای گاهشمار ترکی. - م.

(۲) سال نهنگ. سال پنجم از دوره دوازده گانه سالهای گاهشمار ترکی. - م.

(۳) اصل: چهارمحل. - م.

(۴) اصل: به سردار. - م.

هرگونه تنبیهی یا جریمه‌ای در حق خوانین جزو و رؤساء و بختیاریها مجری و معمول دارند و به همچنین، آنها مجاز و مختار می‌باشند هرکه را معزول یا منصوب نموده و برای هر کسی حقوق تعیین نموده یا آن را قطع نمایند. تمام اوامری که در مدت این ۵ سال صادر نمایند، صحیح و همیشه مجری و ممضی است و نسخ نخواهد شد.

ماده چهارم: سردار جنگ و شریک وی هر ساله تمام عایدات بختیاری و چهارمعال و گله‌داری فریدن و چهارمعال و وجوهات برای حفظ کمپانی نفت و باجهای پل را وصول نموده و وجوهات مذکوره را برای مخارج داخلی بختیاری از قبیل خرج قراولان راه و معادن نفت و تعمیر پلها و ترقی راه قافله‌رو به مصرف رسانند و هیچ یک از اعضای فامیل به هیچ وجه حق مداخله یا مطالبه سهمی نخواهد داشت.

ماده پنجم: در خصوص مالیات بختیاری و چهارمعال اینطور مقرر می‌شود که سردار جنگ و مرتضی قلی‌خان هر ساله حقوق دولتی و وظایف فامیل (بختیاری) را به انضمام حقوق سوارهای سردار اشجع و سردار بهادر که به طریق معمول همیشگی دولت آنرا می‌پرداخته، بپردازند و اگر مبلغ کمی باقی بماند، باید به سوارهای مخصوص بختیاری داده شود و اگر دولت باقی‌مانده مالیات بختیاری را ادعا کنند، فامیل مسؤل آن خواهند بود و سردار جنگ و مرتضی قلی‌خان مسؤل آن نخواهند بود.

طلب حالیه اداره لینگ را سردار جنگ و مرتضی قلی‌خان هر ساله بر طبق اقساط معینه خواهند پرداخت.

ماده ششم: در باب ۸۰۰۰ لیرائی که از بابت اسهام از بانک شاهنشاهی قرض شده و ما آن را به سردار جنگ و مرتضی قلی‌خان داده‌ایم، هر ساله باید مبلغ دو هزار لیرا به بانک مذکور بپردازند و پرداخت مذکور از آخر سال اودئیل شروع شده و تا آخر سال لوی ئیل ۲ که چهار سال تمام می‌شود، به انتها خواهد رسید و در این مدت، حکومت بختیاری به دست سردار جنگ و مرتضی قلی‌خان خواهد بود. به این طریق، تمام مبلغ ۸،۰۰۰ لیرا به انضمام منافع آن، در ظرف چهار سال مذکور باید پرداخته شود و اگر اتفاقاً یکی از این دو نفر خدا نکرده مرحوم شود، فامیلهای آنها، باید متعهد پرداخت بقیه وجه لیرا بشوند و اگر اتفاقاً در ظرف این چهار سال که باید سالی ۲،۰۰۰ لیرا با منافع بپردازند، سردار جنگ و مرتضی قلی‌خان دست از کار کشیده یا معزول شوند، باید از سنه اودئیل که ۲،۰۰۰ لیرا با منافع باید پرداخته شود، تا همان سالی که مالیات و عایدات دیگر بختیاری را وصول نمودند وجه مذکور را بپردازند و از وقتی که دیگر مالیات و عایدات مذکور را وصول نمودند، دیگر مسؤلیتی بر عهده نداشته و کسانی که وصول مالیات و سایر عایدات بختیاری و چهارمعال و پل و گله‌داری و عایدات معادن نفت را وصول می‌نمایند، باید از عهده

(۱) سال گاو. سال دویم از دوره دوازده گانه سالهای گاهشمار ترکی. - م.

(۲) سال نهنگ (نک صفحه ۱۸۹۱). - م.

برآیند.

ماده هفتم: در باب مالیات هذه السنة سیچقان نیل (۱۳-۱۹۱۲) بختیاری و باج پلها و گله‌داری چهارمحال و فریدن که خوانین فامیل آنها را وصول می‌نموده‌اند، هر یک از اعضای فامیل مسؤول مبلغی خواهد بود که وصول می‌کند و باید آن را به سردار جنگ و مرتضی‌قلی‌خان تسلیم نمایند. اگر در پرداخت وجوهات مذکور از طرف آنها اشکالی به ظهور رسد، سردار جنگ و مرتضی‌قلی‌خان حق دارند وجوهات مذکوره را از املاک آنها اخذ نمایند.

ماده هشتم: و نیز مقرر است که هر عده سوار از ۲۰۰ نفر الی ۲،۰۰۰ نفر که لازم باشد، سردار جنگ و مرتضی‌قلی‌خان یا هر که با سردار جنگ شرکت داشته باشد، تمهیه نموده بفرستند به شرط آنکه قبل از حرکت، به هر یک از آنها، مبلغ ۱۵ تومان، برای هر عده که لازم باشد، به سردار جنگ و مرتضی‌قلی‌خان داده شود که آنها را به طهران برسانند.

هر یک از خوانین فامیل که به حکومتی تعیین گردد، بایستی برای هر عده سواری که می‌خواهد سردار جنگ و مرتضی‌قلی‌خان بفرستند، مبلغ پانزده تومان بپردازد و آنها خواهند فرستاد.

مرقومات و مسطورات این نوشته نقض نخواهد شد.

نجف‌قلی‌بختیاری صمصام‌السلطنه
علی‌قلی‌خان بختیاری سردار اسعد
غلامحسین بختیاری سردار محتشم
لطفعلی بختیاری امیر مفتاح

ملفوف سوم نمره ۲۸۱

ترجمه قرارداد

نظر به اینکه بانك شاهنشاهی ایران مبلغ ۴۵،۰۰۰ تومان به مدت ۵ سال به ما قرض داده‌اند، ما امضاءکنندگان این قرارداد خود را منفرداً و مجتمعاً مسؤول استرداد مبلغ مزبور به انضمام منافع از قرار سالیانه صدی هفت می‌دانیم. پرداخت اصل وجه و منافع آن، به طریق ذیل خواهد بود:

تومان	جمع تومان	نوروز ۱۳۳۱
هیچ		اصل
۲۴،۶۷۵ و پنج قران	۲۴،۶۷۵ و پنج قران	فرع
		۲۱ سپتامبر ۱۹۱۳
۹،۰۰۰		اصل
۱،۵۷۵	۱۰،۵۷۵	فرع

			۲۱ مارس ۱۹۱۴
	میچ	اصل	
۱،۲۶۰	۱،۲۶۰	فرع	
			۲۱ سپتامبر ۱۹۱۴
	۹،۰۰۰	اصل	
۱۰،۲۶۰	۱،۲۶۰	فرع	
			۲۱ مارس ۱۹۱۵
	میچ	اصل	
۹۴۵	۹۴۵	فرع	
			۲۱ سپتامبر ۱۹۱۵
	۹،۰۰۰	اصل	
۹،۹۴۵	۹۴۵	فرع	
			۲۱ مارس ۱۹۱۶
	میچ	اصل	
۶۳۰	۶۳۰	فرع	
			۲۱ سپتامبر ۱۹۱۶
	۹،۰۰۰	اصل	
۹،۶۳۰	۶۳۰	فرع	
			۲۱ مارس ۱۹۱۷
	میچ	اصل	
۳۱۵	۳۱۵	فرع	
			۲۱ سپتامبر ۱۹۱۷
	۹،۰۰۰	اصل	
۹،۶۳۰	۶۳۰	فرع	

نوروز ۱۳۳۱ (۲۱ مارس ۱۹۱۳)

ملفوف چهارم نمرة ۲۸۱

قرارداد

ما صاحبان امضای این ورقه متعهد می شویم که بطور صحیح اسهام ذیل را که عبارت از ۱۱،۶۷۰ سهم معدن نفت بختیاری و ۱۵،۵۴۰ سهم کمپانی نفت باشد، به بانک شاهنشاهی ایران برای تأمین قرضه‌ای که بانک مذکور به ما خواهند داد و سند علیحده‌ای در تحت مسؤولیت ما منفرداً و مجتمعاً برای آن نوشته شده، منتقل نماییم. و نیز کمپانی نفت انگلیس و ایران را مجاز می‌داریم که اسهام فوق‌الذکر را به بانک شاهنشاهی ایران تسلیم نمایند و مقرر است که پس از استرداد کل وجوهات

قرضه مذکور، بانك شاهنشاهی اسهام مزبور را به ما مسترد نمایند.

(مهر) علیقلی بختیاری سردار اسعد
 (مهر) غلامحسین بختیاری سردار محتشم
 (مهر) نصیر بختیاری سردار جنگ
 (مهر) نجفقلی

شهر رجب ۱۳۳۰ (۱۳ ژوئیت ۱۹۱۲) [۲۲ تیر ۱۲۹۱]

ملفوف پنجم نمره ۲۸۱

مکتوب سر والتر تنلی به سردار اسعد

طهران ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۸ تیر ۱۲۹۱؛ ۴ شعبان ۱۳۳۰]

جنابا

مراسله شریف مورخه ۱۰ ژوئیت جناب عالی که حاوی سواد قرارداد با سردار جنگ که بموجب آن با اختیارات تامه به ایلخانگیری کل بختیاری تعیین شده، واصل گردید. من دولت متبوعه خود را از اتمام این قرارداد مستحضر ساخته و یقین دارم که این مسأله خیلی اسباب رضایت ایشان شده است که خوانین بختیاری اقدام مجدانه برای استقرار انتظامات خاک بختیاری و راه اهواز نموده و می نمایند.

مأمورین قنصلخانه اعلیحضرتی به سردار جنگ تقویت کامل خواهند نمود که مشاغل مهمه خود را به انجام برسانند و من از صمیم قلب امیدوارم که موفقیت حاصل نماید و باید شما را برای اتمام این ترتیب رضایت بخش تبریک بگویم.

در باب شیخ محمره، خیلی خوشوقتم از اینکه شما مایل به حفظ مناسبات دوستانه و صمیمی با وی می باشید و تکراراً عرض می کنم که استقرار صلح و مسالمت بین بختیاریها و شیخ، نهایت درجه اهمیت دارد.

از دولت متبوعه خود درخواست اجازه نموده ام که دو نفر از مأمورین قنصلخانه جنوبی اعلیحضرتی را مأمور کنیم برای رفع اختلافات بین بختیاریها و شیخ حکمیت نمایند و هر وقتی که اجازه لازم به من رسید، از سردار جنگ درخواست خواهم نمود نماینده خود را معرفی نماید و از شیخ هم خواهش کند نماینده خود را معرفی نماید. کمیسیون تحقیق مذکور در تمام مسائلی که فعلاً موضوع منازعه است، به انضمام مسائلی که در کاغذ خود مرقوم داشته اید، تحقیقات به عمل آورده و امیدوارم فیصله قطعی بعمل آید که دیگر در آتیه اشکالی به ظهور نرسد.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف ششم نمرة ۲۸۱

مکتوب سر والتر تنلی به سردار جنگت

از طرف حضرت سردار اسعد مواد قراردادی که به امضای صمصام‌السلطنه و سردار اسعد و امیر مفخم و سردار محشم رسیده و شما را به حکومت کل بختیاری و چهارمحال و کهکلوئییه [کهگیلویه] و بهبهان تا مدت ۵ سال تعیین نموده‌اند، برای من فرستاده شده [است].

بسیار خوشوقتم از اینکه شما مستقلاً و در نهایت اقتدار و با اختیارات تامه، ایلخانی مستقل ایل بختیاری بوده و ۸ مواد قراردادی که برای من فرستاده شده، اقتدار اختیارات تامه‌ای که ممکن است به شما می‌دهد.

این نوشته‌ای که ترجمه آن را برای دولت اعلی‌حضرتی می‌فرستم، به دولت ما ثابت خواهد کرد که رؤسای حاکمه ایل بختیاری مصمم استقرار امنیت و صلح و نظم در خاک بختیاری و حدود آن بوده‌اند و یقین دارم بسیار اسباب رضایت آنها خواهد گردید.

از آنجایی که به کفایت و امانت و جرئت و پشتکار شما اعتماد دارم، در صورتی که کسانی که وظیفه‌شان تقویت شما است، به شما همراهی کنند، برای شما اشکالی نخواهد داشت که خاک بختیاری و راه اهواز را که برای تجارت انگلیس آنقدر ذی‌منفعت است، منظم دارید.

مأمورین قنصلخانه اعلی‌حضرتی شما را تقویت کامل خواهند نمود و هرگاه محتاج به کمک من باشید، من حتی المقدور به شما کمک خواهم کرد. امیدوارم به سلامتی رفته و در کار خود موفق شوید.

طهران ۱۳ ژوئیه ۱۹۱۲ [۲۲ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۷ رجب ۱۳۳۰]

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف هفتم نمرة ۲۸۱

مکتوب سر والتر تنلی به کاپیتان کری

طهران ۱۳ ژوئیه ۱۹۱۲ [۲۲ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۷ رجب ۱۳۳۰]

آقا

در موقعی که اخیراً به طهران آمدید، به خوانین بختیاری فشار آورده شد که اقدامات فوری برای انتظام خاک خود و مخصوصاً اعاده وسایل امنیت راه بختیاری بعمل آورند.

چنانچه به خاطر داشته باشید، خوانین ما را اطلاع دادند که درصدد این هستند این کار را به عهده نصیرخان سردار جنگت واگذار نمایند ولی برای انجام این مقصود، برای او لازم خواهد بود که مبلغ ۴۰،۰۰۰ تومان در مقابل رهن باج راه قرض کند. کمی پس از حرکت شما، از طرف خوانین پیشنهاد تعیین لطفعلی‌خان امیرمفخم برای ایالت کرمان و بلوچستان اعلام شد. من به آنها رسانیدم که در صورتی که خوانین

داخلهٔ خاک خود را نتوانند منظم بدارند، واضح است که من به هیچ وجه نمی‌توانم پیشنهاد آنها را بپذیرم.

آنها سپس حاضر شدند که اسبام کمپانی نفت بختیاری و کمپانی فرست اکپلایتی‌شن را برای تحصیل قرضه رهن گذارند که وجه آن برای تسمه‌پیل مأموریت سردار جنگ به مصرف برسد.

ترتیب این کار فعلاً داده شده و از سواد دوسیهٔ مذکور، شرایطی ۲ که در تحت آن، خوانین ۴۵،۰۰۰ تومان از بانک شاهنشاهی قرض نموده‌اند، معلوم خواهد شد. من علاوه سواد اصل و ترجمهٔ نوشتهٔ مذکور را که خوانین امضاء نموده و سردار جنگ را به مقام ایلخانی‌گری و مرتضی‌قلی‌خان را به سمت ایل‌بگی‌گری با اختیارات تامه تعیین نموده‌اند، لفا ایفاد می‌دارم.

من به سردار جنگ نوشته‌ام که از تعیین وی بسیار خوشوقت گردیده و موفقیت او را خواهانم و برای اطلاع شما، سواد مراسلهٔ مذکور را لفا ایفاد می‌دارم.

اینطور مقرر شده است که شما باید در موقعی که سردار جنگ از اصفهان حرکت می‌کند، همراه او به خاک بختیاری رفته و در ابتدای کار، در موقع قرار و مدار خوانین جزو که از قراری که فهمیده‌ام، فعلاً آنها نیستند، همراهی نمایید.

شما اجازه دارید که اهمیت فوق‌العادهٔ همراهی با سردار جنگ را به آنها تأکید نموده و در صورتی که لازم باشد، آنها را تهدید نمایید که اگر کاری کنند که مانع از اجرای وظایف ایلخانی و ایل‌بگی جدید شود، دولت اعلیحضرتی دلتنگ خواهند شد. امیدوارم شما بتوانید بدون اشکال به مقصود خود نائل گردیده و مأموریت سردار جنگ موفقیت کامل حاصل خواهد کرد.

شما خواهید دانست که اسبام خوانین بختیاری باید به بانک شاهنشاهی تسلیم شود و از شما خواهش می‌کنم که این کار را در موقع خود به انجام برسانید.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۲۸۲

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ اوت ۱۹۱۲ [۱۶ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۳ شعبان ۱۳۳۰]

آقا

در باب تلگراف دیروز من، افتخار دارم اینک سه تلگرافی که از طرف کفیل قنسولگری شیراز برای من فرستاده شده و از کم و کیف اتفاقاتی که منجر به شکست قشون ژاندارمری تحت امر ماژور سیفورت و کاپیتان نیسترم در پنجم ماه جاری از طرف ۵۰۰ نفر قشون غیرمنظم تحت امر صولت‌الدوله گردید، لفا ایفاد دارم.

(۱) چنین است در اصل (= اکسپلایتی‌شن). - م.

(۲) اصل: شرایطی را. - م.

(صولت‌الدوله موفق به جمع‌آوری دسته کوچک قشون دوز خود شده و مقامی را در سیاخ اشغال نموده و از آنجا بر عبور و مرور قوافل راه شیراز الی بوشهر استیلاء دارد).

من دیروز در باب اوضاع شیراز مفصلاً با وزیر امور خارجه مذاکره نموده و به جناب ایشان تاکید نمودم لزوم این [را] که به فوریت مبلغ ۲۵,۰۰۰ تومان برای قوام‌الملک برای مخارج صرف‌نظرنشدنی که برای اعزام قشون برضد صولت‌الدوله لازم شده است، فرستاده شود؛ و اظهار داشتم که محتمل است بواسطه مظفریتی که برای ژاندارمری تحت امر صاحب‌منصبان سوئدی یافته، بر عده قشون وی افزوده شود. علاء‌السلطنه وعده داده که فوق‌العاده سعی برای تحصیل مبلغی پول خواهد کرد ولی با عدم امیدواری شانه‌های خود را جنبانیده و اظهار داشت که برای آنکه وجوهات برای کرمانشاه فرستاده شود، از هر جا ممکن بوده است پول جمع‌آوری شده و دیگر جایی باقی نمانده است و خزانه هم خالی است.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمرة ۲۸۲

تلگراف اسمارت کفیل قنسولگری شیراز

شیراز ۴ اوت ۱۹۱۲ [۱۳ مرداد ۱۲۹۱: ۲۰ شعبان ۱۳۳۰]

صولت‌الدوله از غیاب قشقائیه‌ها در جنوب استفاده نموده با ۵۰۰ نفر که اکثر ایشان از غارتگران غیرقشقائی هستند، در تحت امر برادرزن خود دره شیراز را تهدید نموده است و خود او همراه آنها نیست.

غارتگرانی که از طرف قجه به جلو می‌آمدند، دیرنجان را از رئیس کشکولیه‌ها که با ۵۰ نفر به یک شب جنگ کرد و بعد عقب‌نشست، گرفتند. دیروز هم در راه بوشهر نزدیک چنار راهدار هجوم آوردند لیکن قوافلی که تهدید شده بودند، توانستند سالمأ به منزل برسند ولی قشقائیه‌های گله‌زن که خوشبختانه اتفاقاً در آن حدود بودند، از خصم جلوگیری نمودند.

قوام‌الملک، کدخدای دشت ارمن را امر داده است که قوافلی را که بطرف بالا می‌آیند، نگاه دارد و قوافلی را که از شیراز حرکت می‌کنند تا چند روزی نگاه خواهد داشت.

خصم فعلاً سیاخ را در تصرف دارند و این محل رو بروی اولین منزل راه بوشهر است.

قوام‌الملک تفنگچیان عرب را احضار کرده است، استعداد قشقائی هم وارد شده و می‌شود. این قشون همینکه جمع شدند، بطرف سیاخ خواهند رفت.

ماژور سیفورت با ۲۰۰ نفر ژاندارم، امروز حرکت می‌کند که چنار راهدار را

اشغال نماید و هنوز تصمیم ننموده است که با قشون دولت بطرف سیاح خواهد رفت یا نه و حرکت قوام‌الملک بطرف اعراب، بدبختانه به عهده تعویق افتاده است.

مأمورین محلی، پول با فشنگ خیلی کم دارند و سربازها برای حقوق خود داد و فریاد می‌زنند و مدتی است در تلگرافخانه ایرانی بست اختیار نموده‌اند و تهدید به ورود به قنسولخانه می‌کنند. قوام‌الملک از آنها جلوگیری می‌کند لیکن در ۳۱ ژوئیت [۹ مرداد؛ ۱۶ شعبان] سر از اطاعت پیچیده و یک‌یک از شهر بدر رفته و عقب قنسولخانه اجتماع نمودند به قصد آنکه به زور داخل شده، بست اختیار نمایند.

من صاحب‌منصبان آنها را تهدید نموده و فقط به این وسیله موفق به متفرق‌ساختن آنها شدم و اظهار داشتم که اگر سربازها داخل شوند، مستحفظین ما شلیک خواهند کرد و وعده دادم که شخصاً بطور غیررسمی برای گشایش کار آنها نفوذ خود را بکار خواهم برد.

از آن می‌ترسم که این مالیات جزئی هم که وصول می‌شود، بایستی به سربازها داد که آنها را ساکت نگاه دارد.

کمال لزوم را دارد که دسته قشونی برای متفرق‌ساختن غارتگران و تصرف‌فیروزآباد فرستاده شود و برای این کار قدری کمک مالی لازم است وگرنه قوام‌الملک یحتمل فقط بتواند آنها را از سیاح متفرق نماید که به خواجه بروند و البته همینکه عساکر دولتی به علت عدم وجوهات لازمه نتوانند آنها را تعاقب کنند، دوباره از آنجا مراجعت خواهند کرد.

آیا دولت ایران می‌تواند ۲۵،۰۰۰ تومان به مأمورین محلی بدهد که قشونی فرستاده و غارتگران را متفرق ساخته فیروزآباد را تصرف نمایند؟

البته ممکن است مبلغی زیاد از بابت مالیات فیروزآباد از اعراب گرفت و اقدامات برضد آنها را عقب انداخت.

اگر حالا ۲۵،۰۰۰ بمصرف برسد پس از آنکه کارها بدتر شد، ۵۰،۰۰۰ تومان باید خرج شود.

امیدوارم شما بتوانید دولت ایران را ترغیب نمایید با آن مبلغ مأمورین محلی را کمک نمایند و البته بدون آن مبلغ کاری از پیش نخواهند برد.

ملفوف دوم نمره ۲۸۲

تلگراف کفیل قنسولگری اسمارت به سر والتر تنلی

شیراز ۵ اوت ۱۹۱۲ [۱۴ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۱ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دیروز من:

قوام‌الملک همین حالا برای من پیغام فرستاده که ماژور سیفورت با ۲۰۰ نفر ژاندارم بدون اینکه قبلاً با قوام‌الملک مشورت کند، امروز صبح علی‌الطلوع برای

سیاخ حرکت نمود - ۵ نفر از سواران قوام‌الملک که همراه سیفورت فرستاده که او را در چنار راهدار کمک نمایند، از ماژور مذکور استدعا نمودند قبلاً با قوام‌الملک مشورت نماید ولی او امتناع ورزید. قوام‌الملک از آن می‌ترسید که سیفورت چون با جنگ و گریز ایلیاتی آشنا نمی‌باشد، ممکن است عساکر خود را به شکست سوق داده اثر بدی برای آتیۀ ژاندارمری و قشودکشی حالیه برضد غارتگران صولت‌الدوله داشته باشد.

تفنگچیان اعراب، امروز به شهر وارد شده و انتظار می‌رود که قشون امدادی قشقاتی فردا وارد شوند. اعراب خیلی خسته هستند و مشکل است فردا بتوانند حرکت کنند.

قوام‌الملک ارائه طریق می‌کند که من نفوذ خود را بکار برده و سیفورت را به اعتدال و میان‌روی نصیحت نمایم تا آنکه قشون دولتی به عساکر او ملحق شوند. چون مأمور نظامی نیستم، نمی‌خواهم در امور نظامی ماژور دخالتی کرده باشم که ممکن است از دخالت من متغیر شود. به علاوه اگر حقیقتاً به سیاخ رفته باشد، حالا بایستی داخل میدان جنگ باشند. بنابراین من در نظر دارم که اگر تا ظهر از طرف شما خبری برای من نرسد، به قوام‌الملک اظهار نمایم که گمان نمی‌کنم مداخله صلاح باشد.

ملفوف سوم نمره ۲۸۲

تلگراف کفیل قنسولگری، اسمارت، به سر والتر تنلی

شیراز ۶ اوت ۱۹۱۲ [۱۵ مرداد ۱۲۹۱: ۲۲ شعبان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دیروز من:

ماژور سیفورت و کاپیتان نیسترم با ۸۰ نفر سوار و ۱۸۰ ژاندارم پیاده و یک عراده توپ، به طرف دیرنجان حرکت کرده، نزدیک آنجا با قشون صولت‌الدوله مقابل شدند. قسمت معظم ژاندارمری بدون خالی کردن گلوله [ای] فرار نموده، خصم آنها را احاطه نموده بدون مقاومت تسلیم شدند. بقیۀ قشون با صاحب‌منصبان سوئدی خود تا مدتی جنگیدند ولی اثری بر آن مترتب نشد و توپ را که مخزن باروتش ترکید، ول کردند.

ژاندارمها بطور عموم متفرق شده و فرار کردند و صاحب‌منصبان سوئدی مجبور شدند با عده کمی مراجعت نمایند. همراهان صولت‌الدوله، سعی در دستگیری آنها نمودند لیکن آنها موفق به مراجعت به چنار راهدار شدند. اگرچه سه جای اسب سیفورت گلوله برداشت و شکم خود او هم مجروح شد، ولی زخمش مهلک نبود. عده‌ای از طرفین مقتول شدند و ظاهراً خصم تمام تفنگها را گرفته و فقط چهارده قبضه از آنها باقی مانده است.

صاحب‌منصبان سوئدی دیشب مراجعت کردند و ژاندارمهای متفرق شده یکی یکی می‌آیند. از قرار معلوم آنها برای مدت حرکت در آن نقاط بی آب، آب همراه بر نداشته

بودند و بیم آن می‌رود که بسیاری از مجروحین. آنجا خواهند مرد مگر آنکه خصم آنها را نجات دهد.

همراهان صولت‌الدوله در کوه‌های کوچکی بودند که روی آنها را سنگ‌بندی نموده و ظاهراً دور ژاندارمها را که عادت به جنگ نداشته و از آن نقاط بصیرتی ندارند، با کمال سهولت محاصره نمودند. یحتمل خصم اسراء را مستخلص خواهد ساخت. این حادثه فجیع هر قدر که ممکن است اثر بدی بر اردوگشی حالیه خواهد داشت چراکه شکست فاحش عساکر دولتی اسباب تشویق خصم شده و یاغیان جدید تولید خواهد نمود.

نمره - ۲۸۳

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ اوت ۱۹۱۲ [۲۶ مرداد ۱۲۹۱؛ ۴ رمضان ۱۳۳۰]

آقا

در باب تلگراف ۲۰ ماه گذشته من، افتخار دارم اینک سواد مراسله‌ای را که از طرف قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه رسیده و راپورت حرکت عساکر دولتی را از شهر می‌دهد، لفاً ایفاد می‌دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۲۸۳

مکتوب قنصل مک‌دول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۱۶ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۵ تیر ۱۲۹۱؛ یکم شعبان ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که تمام بختیاریه‌ها و مجاهدین در ۱۲ [ژوئیه؟] برای بیستون حرکت کردند و فعلاً در صحنه که یک منزلی آنجا است، می‌باشند. چیزی که اینجا باقی است، رژیمان فدائیان همدان و قریب ۵۰۰ نفر از سواران شخصی فرمانفرما و عساکر محلی می‌باشد و انتظار می‌رود بیشتر آنها بی‌کی می‌مانند، عساکر محلی باشند.

رؤسای قشونی ناراضی بودند از اینکه آنها را بیکار و متفرق در شهر نگاه دارند و شکایت داشتند از اینکه چرا در موقعی که عده‌ای از آنها می‌خواستند نزد فرمانفرما رفته و درخواست عفو از وی بنمایند، او آنها را حضور نداده و گفته بود وقت دیگر نزد او بروند و از حضور ندادن فرمانفرما استنباط می‌کنند که او به آنها نمی‌تواند اعتماد نماید.

روز ۱۴ [ژوئیه] من فرمانفرما را در قنصلگری روس ملاقات نمودم. او به من اظهار داشت که عساکر مذکور بدون اجازه او حرکت نموده‌اند و حضور ۳۰۰ نفر از مجاهدین با یک توپ ماکزیم و دو عراده توپ لازم بود چرا [که] بسیاری از

عساکر محلی طرفدار یاغیان می‌باشند و حضور دسته کوچکی از عساکر قابل اعتماد از آنها جلوگیری خواهد نمود که به آنتریگمهای سالارالدوله تن در ندهند.

ما دو [تن] در لزوم این مسأله موافقت رأی حاصل نمودیم و در آن باب مخابراتی نموده و تلگرافات خود را توسط پسته همان روز به همدان فرستادیم. از اطلاعاتی که از آن وقت تاکنون به من رسیده، می‌خواهم اظهارات فرمانفرما را در باب اینکه عساکر مذکور بدون اجازه او حرکت کردند، باور نکرده و باور داشته باشم که مقصودی در پرده دارند و عقیده من بر این است که حضور دسته‌ای از عساکر قابل اعتماد لازم باشد.

بسیاری از همراهان سالارالدوله از راههای مختلف خود را به فرمانفرما می‌رسانند که از او درخواست عفو نمایند و مراجعت آنهایی که متعلق به شهرند، اگر حکمران عساکر قابل اعتمادی در آنجا نمی‌داشت، ممکن بود سبب تولید آنتریگمهای دیگر گردد. بعلاوه هرج و مرج در کردستان شیوع دارد.

سالارالدوله با نظر علی‌خان امرائی سردار اکرم در الیستر [= الشتر] لرستان است و قریب ۷۰۰ نفر همراه دارند، لکن نظر علی با فرمانفرما اتصالاً مخابره می‌نماید، و از قراری که مذکور است، سالارالدوله را در عوض حکومت لرستان تسلیم خواهد نمود ولی نمی‌توانم به این مسأله اطمینان داشته باشم و نیز می‌شنوم که سالارالدوله به فرمانفرما پیشنهاد نموده است که در صورتی که حکومت لرستان یا نقطه دیگر ایران را به وی بدهند، مطیع دولت خواهد شد.

کسی که این اطلاع را به من داده است، یکی از پناهندگان سابق است که برای فرمانفرما پیغام آورد.

(امضاء) مک‌دول

نمره - ۲۸۴

مکتوب سر والتر تنلی به سرادوار گری

طهران ۱۴ اوت ۱۹۱۲ [۲۳ ارداد ۱۲۹۱؛ یکم رمضان ۱۳۳۰]

آقا

در باب تلگراف ۶ اوت و مراسله ۷ شهر جاری خود در موضوع لطمه‌ای که به استعداد ژاندارمری در ۵ شهر جاری، نزدیک شیراز وارد آمده، افتخار دارم اینک سوادهای مخابرات و مذاکرات تلگرافی را که بین سفارت و قنصلگری شیراز به عمل آمده، لفاً ایفاد دارم.

مذاکره [ای] هم با کلنل یالمارسن داشته‌ام و او به من اظهار داشت که نظر به آنچه تاکنون به وقوع پیوسته، تصمیم نموده است که تا اندازه‌ای نقشه خود را برای محافظت راه بوشهر الی شیراز تغییر دهد و او شخصاً همیشه مخالف تأسیس دسته علیحده ژاندارمری در شیراز بوده است لیکن دولت ایران او را مجبور نموده‌اند که برخلاف میل خود این رویه را اتخاذ نماید. الحال در نظر دارد که به عقیده اصلی

خود عطف نموده و قشون مخصوصی برای راه شیراز الی بوشهر در طهران تهیه نموده، ۳۰۰ نفر که فعلاً در شیراز هستند بگذارد دوره تعلیمی خود را آنجا به اتمام برسانند. کلنل یالمارسن امیدوار است که ۷۰۰ نفر عساکر تعلیم یافته با اسلحه صحیح در بهار آتی در راه مذکور حاضر برای خدمت داشته باشد. او بعلاوه اشعار نمود که حادثه فجیعۀ نزدیک شیراز، در حقیقت باعث تأخیر اقدامات نخواهد گردید، چرا که او، قبل از این می دانست که برای ژاندارمری ممکن نخواهد بود در ماه اکتوبر چنانچه انتظار می رفت، کنترل و محافظت راه را به عهده گیرد.

کلنل یالمارسن اگرچه از لطمه‌ای که در شیراز وارد آمده، بسیار محزون بود، از بابت کفایت آتیۀ ژاندارمری ظاهراً امیدوار و از ترقی و پیشرفت عمومی آنها راضی بود.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوق اول نمره ۲۸۴

تلگراف سر والتر تنلی به اسمارت کفیل قنصلگری

طهران ۷ اوت ۱۹۱۲ [۱۶ مرداد ۱۲۹۱؛ ۲۳ شعبان ۱۳۳۰]

من اهمیت زیاد فرستادن ۲۵،۰۰۰ تومان را به فارس، به حکومت مرکزی تأکید نمودم. وزیر امور خارجه وعده می دهد که برای تحصیل وجه مذکور کوشش نماید، و دولت سختی اوضاع را بخوبی درک می کنند. لیکن تا زمانی که شرایط قرضه جدید انگلیس و روس به انجام نرسد، پول در خزانه موجود نخواهد بود و کار به جای بسیار نازکی رسیده است و عدم میل دولت ایران به قبول تقاضای دولت روس، برای امتیاز احداث خط آهن از جلفا به تبریز و توسعه شعبه‌ای از آن تا شمال دریای ارومیه [= اورمیه]، اسباب تأخیر اتمام عمل قرضه جدید انگلیس و روس گردیده است.

برای من امکان نداشت که برحسب تلگراف ۵ اوت شما که خیلی دیر به من رسید، اقدامی بنمایم. اقدام شما در این که سعی نکردید ماژور سیفورت را از حرکت بازدارید، خیلی صحیح و به قاعده بود.

ملفوق دوم نمره ۲۸۴

تلگراف اسمارت کفیل قنصلگری به سر والتر تنلی

شیراز ۱۸ اوت ۱۹۱۲ [۲۷ مرداد ۱۲۹۱؛ ۵ رمضان ۱۳۳۰]

اوضاع عمومی

تعویق حرکت قوام‌الملک بطرف ایلات خمسه همان اثری را که انتظار می رفت و در قسمت آخری تلگراف ۴ [اوت] خود بدان رجوع نمودم، ظاهر ساخته است. میرزا فضل‌الله خان نایب‌الحکومه خمسه تلگراف می کند که ماندن او در میان ایلات بیفایده است مگر آنکه قوام‌الملک تا اول رمضان بدانجا برود؛ و اعراب و باصریها و بهارلوها

به دستجات یکصد نفری در راه بطرف اصفهان و یزد و کرمان هستند و کلانتران مطیع دولت هم نمی‌توانند بیش از این، از مردان خود جلوگیری نمایند.

قوام‌الملک فعلاً قریب ۱،۰۰۰ نفر از اعراب و ۴۰۰ نفر از تفنگچیان قشقائی همراه دارد و پولی ندارد که به آنها بدهد و او هنوز آنها را در تحت امر خود نگاه داشته است اگرچه البته در داخل و خارج شهر مثل قشون غیرمنظم دولت که برای جنگ می‌روند، مشغول دزدی می‌باشند.

قوام‌الملک با مشورت با من، احتیاطات لازمه برای حفظ خانه‌های اتباع انگلیسی که دور از قنسولخانه واقعند، نموده لیکن فعلاً انتظار هیچ‌گونه خطری ندارد. تفنگچیان باصری و عرب را احضار نمود [و] انتظار دارد که تا چند روز دیگر ۴،۰۰۰ الی ۵،۰۰۰ نفر در شهر حاضر داشته باشد. البته در ذکر عده قشون بایستی اغراق‌گویی شرقیان را مد نظر داشت، لیکن حضور عده زیادی از سارقین ایللیاتی در شهر مطبوع نمی‌باشد.

از پیغامی که عسکرخان با تلفون امروز فرستاده، ظاهراً معلوم می‌شود که ممکن است تحصیل عده‌ای دیگر از اعراب، برای قوام‌الملک اشکال داشته باشد و محتمل است که بواسطه شکست خوردن ژاندارمها بر این اشکال افزوده شود.

عساکر کشکولیه‌ها و فارسی‌مدانها، در حدود خانه‌زنیان جمع می‌شوند و فعلاً توجه خود را محصور به خرد کردن مقره‌های تلگراف ما مصروف داشته‌اند که راه بوشهر هنوز مسدود است. سیمهای تلگراف طرف شمال هم البته روز بروز بطور منظم از کار می‌افتد.

همراهان صولت‌الدوله تاکنون بی‌کار بوده‌اند و فقط کاری که کرده‌اند به قره‌باغ که به طرف ۵ میلی شهر واقع است، هجوم آورده‌اند.

قوام‌الملک تا زمانی که قشونش جمع نشده برای مقابله با خصم حرکت نخواهد کرد چرا که امیدوار است که در صورتی که پول بتواند تحصیل نماید، این دفعه دیگر کار را یکسره نماید.

سربازانی که حقوقشان داده نشده بود، دیروز برای من پیغام فرستاده شکایت کردند از اینکه من در کمک آنها قصور ورزیده‌ام و مجدداً تهدید به بست اختیار نمودن کرده‌اند. عادت قنسولخانه‌ها سابقاً بر این بوده است که سربازهای بستی را قبول بنمایند، لیکن با حضور سربازهای هندی داخل و دور قنسولخانه که زبان نمی‌دانند، من نمی‌توانم متحمل خطر قبول نمودن سربازها بشوم که ممکن است تولید نقار نموده و منجر به حوادث تأسفانگیز شود. بنابراین، من در نظر دارم که اگر نتوانم به طفره و تعلل، دیگر سربازها را ساکت نگاه دارم، چند نفر از صاحب‌منصبان آنها را بطور نمایندگی قبول نمایم بست اختیار کنند.

نمره - ۲۸۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۶ اوت ۱۹۱۲ [۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۳ رمضان ۱۳۳۰]

اردو کشی روس برای شاهسونها

تلگراف ذیل مورخه ۲۶ اوت از طرف کفیل قنصلگری انگلیس مقیم تبریز رسیده است:

در ۲۳ اوت قریب ۷۰ نفر از مقتولین و مجروحین روس را از اردبیل به اینجا آوردند. اگرچه شهرت داده‌اند که روسها شاهسونها را شکست داده‌اند، شیوع دارد که شکست فاحشی خورده و مجبور به حرکت و عقب‌نشستن از اهر شده‌اند.

نمره - ۲۸۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۶ اوت ۱۹۱۲ [۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۳ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۱ و ۲۳ اوت شما:

ممکن است اگر بخواهید، اقساط دیگر ۲۵،۰۰۰ لیرائی را که به حساب شما منتقل شده بدهید، به شرط آنکه وجه مذکور به مصرف ژاندارمری که فعلا در فارس هستند و یا آنکه بایستی در بهار آتیه به آنجا فرستاده شوند، برسد.

نمره - ۲۸۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۶ اوت ۱۹۱۲ [۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۳ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۳ اوت شما - اوضاع مالیه - اگر دولت ایران از اظهارات من در پارلمان که خود را کاملا مسؤول آن دانسته و تا زمانی که اوضاع راههای جنوبی به حال حالیه باقی است، حاضر [به] تغییر آن نیستم، متغیر می‌باشند، بایستی پیشنهادات قطعی برای قرضه بنمایند.

نمره - ۲۸۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۲۶ اوت ۱۹۱۲ [۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۳ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۳ اوت سر والتر تنلی:

ژاندارمری

چون بسیار لازم بود که در این موقع باریک نگذاریم بواسطه عدم پول، فلجی عارض ژاندارمری شود، من سر والتر تنلی را اجازه داده‌ام که سهم مساعده دولت انگلیس را بدهد، به تصور اینکه سهم دولت روس هم به همین زودی داده خواهد شد.

نمره - ۲۸۹

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۲۶ اوت ۱۹۱۲ [۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۳ رمضان ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۲۴ اوت طهران:

وزیر امور خارجه به من اظهار می‌دارد که چون دولت ایران راضی شده‌اند که در موضوع راه‌آهن جلفا داخل مذاکرات شوند، او از وزیر مالیه درخواست می‌کند که فوراً ۲۵،۰۰۰ لیرا بدهند.

جناب معظم‌له نیز اظهار داشت که او می‌داند وزیر مالیه راضی به پرداخت وجه دیگری نخواهند شد تا آنکه امتیاز اعطاء بشود.

نمره - ۲۹۰

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۲۶ اوت ۱۹۱۲ [۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۳ رمضان ۱۳۳۰]
جواهرات دولتی ایران

لطف نموده به تلگراف ۲۴ اوت طهران رجوع کنید:

امروز مسیو سازانف را ملاقات نمودم و جناب معظم‌له وعده داد که فوراً برای مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] تعلیمات تلگرافی بفرستد و اظهار تأسف نمود از اینکه بعلت فراموشی، تعلیمات مزبور را قبل از این نفرستاده بود و اظهار داشت که از مطالبی که من به او عنوان نمودم، ظاهراً چندان احتمال تحصیل رضایت دولت ایران برای فروش جواهرات نمی‌رفت.

نمره - ۲۹۱

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۹ اوت ۱۹۱۲ [۲۸ مرداد ۱۲۹۱؛ ۶ رمضان ۱۳۳۰]
آقا

افتخار دارم که سواد مراسله‌ای را که کفیل قنصلگری انگلیس مقیم شیراز در موضوع اوضاع طرق فارس و ژاندارمری که صاحب‌منصبان سوئدی تشکیل می‌دهند نوشته، لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۲۹۱

مکتوب اسمارت کفیل قنصلگری به سر والتر تنلی

شیراز ۱۵ ژوئیت ۱۹۱۲ [۲۴ تیر ۱۲۹۱؛ ۲۹ رجب ۱۳۳۰]
آقا

من می‌خواهم به تقدیم ملاحظات و نظریات خود در باب اوضاع راههای فارس و

ژاندارمری که در تحت امر صاحبمنصبان سوئدی تشکیل می‌گردد، مبادرت ورزم. شیراز بسیار برای تجارت انگلیس دارای اهمیت است به جهت اینکه مخزن و انباری تشکیل می‌دهد که صادرات ایالت از قبیل تریاک و کتیرا برای حمل به بوشهر بدانجا وارد می‌شود و مرکزی است که از آنجا مالالتجاره‌ای که از راه بوشهر وارد می‌شود، برای سایر نقاط تقسیم و حمل می‌گردد. نقاط عمده‌ای که این مالالتجاره بدانجاها می‌رود، اصفهان و یزد و نواحی فارس است. این دو محل زیاده‌تر از سایرین مهم است و فعلاً ابواب تجارت منظم با آن، چه از حیث صادرات و چه واردات، مسدود است.

با اوضاع رضایت‌بخش حالیه راه سرحد، در تحت حفاظت ایلخانی قشقائیه خرید و فروش مقدار جزئی مالالتجاره امکان دارد که با دهات امتداد راه جریسان داشته باشد، لیکن روی هم رفته مقدار این مالالتجاره خیلی کم و بی‌معنی است. نقاطی که اجناس خارجه را که وارد شیراز می‌شوند، ممکن است در آنجاها به فروش رسانید، طرف مشرق و مخصوصاً جنوب شرقی فارس است. حالیه دولت حتی اسماً هم اقتداری در اکثر این نقاط که راه عبور و مرور قوافل عمومی بدانجاها مسدود است، ندارند و گاهگاهی يك قافله بواسطه دادن مبلغ زیادی به ایلات خمسه با خطر زیاد می‌تواند در بعضی از نقاط این نواحی دور یزند لیکن میزان گران‌کرایه با این اوضاع به انضمام خطری که متلازم آن است، این قسم خرید و فروش را غیرمعلوم و کم‌فایده می‌کند. از قراری که دریافته‌ام، محافظت و قراولی ژاندارمری محدود به خط عمده می‌باشد و مساعی آنها پیشرفت داشته باشد یا نداشته باشد برای فارس شرقی و جنوب شرقی چندان فایده‌ای نخواهد داشت [و] برای تجارت انگلیس چندان امید تجدید و توسعه نمی‌باشد مگر اینکه باب ایاب و ذهاب قوافل و خرید و فروش دوره‌گردها به نقاط مذکوره مفتوح گردد.

موفقیت ژاندارمری در هر صورت باعث افتتاح دو مرکز و محل فروش عمده تجارت فارس خواهد گردید که عبارت از اصفهان و یزد باشد زیرا که اگر ژاندارمری بتواند راه پسته اصفهان را منظم بدارد، دیگر استقرار امنیت در قسمت کوتاه راه یزد که از راه اصفهان در شمال ده پید جدا شده تا ابرقوه [= ابرکوه] می‌رود، چندان اشکالی نخواهد داشت. بعلاوه، پیشرفت ژاندارمری در راه معظم هم بواسطه اقدامات سختی که لازم است در ابتدای امر بشود و هم بواسطه اثرات معنوی افتتاح راه تجارتي بوشهر الی اصفهان فوق‌العاده اقتدار دولت را در آن ایالت بطور عموم زیاد کرده و طبعاً باعث بهبودی اوضاع نواحی خارج آن خواهد گردید.

راه معظم بین بوشهر و اصفهان، حالیه به حالت تألم‌انگیزی است: قسمت راه از شیراز الی اصفهان فعلاً برای ایاب و ذهاب قوافل و حتی برای مسافرین مسدود است مگر آنکه عمده زیاده‌ای مستحفظ یعنی يك قشون نظامی همراه ببرند. در ماههای تابستان، ایلات عرب که دسترسی به آنها امکان ندارد، هرگونه ایاب و ذهاب منظم را

در آن راه ممتنع می‌نمایند و در ماههای زمستان، بواسطه ایلات نشینی^۱ و چهارراهی و سایر سارقین متفرقه، از دهات قسمت از شیراز الی ده‌بید، بسیار ناامن می‌شود لیکن قوافل در تحت محافظت مستحفظین زیاد می‌توانند عبور و مرور کنند. اگرچه گاهگاهی به اینها هم دزد می‌زند. در بهار و پاییز، قسمت از آباده تا امین‌آباد را اگرچه غارتگران کهکلوئی [= کهگیلویه‌ای] با نظم فوق‌العاده اشغال نموده و غارتگری زیاد می‌نمایند، دهاتیان سرحدی و اهالی شلگستان و سایر دهات مجاور راه هم، در پاییز و زمستان و بهار، در این راه دست‌اندازی می‌کنند و همینکه قشقائیها به طرف ییلاق می‌روند، عموماً سرقت‌های تابستان بین آباده و امین‌آباد، بدون رضایت باطنی آنها صورت نمی‌گیرد. اگر قسمت راه از آباده الی امین‌آباد در تحت مراقبت يك ایلخانی باشد که مثل حالا با دولت دوستی دارد، در ماههای تابستان نسبتاً امن خواهد بود.

حضور اعراب سیار در این ماهها بین آباده و شیراز قوافلی را که از اصفهان ایاب و ذهاب می‌نمایند، مجبور می‌کند که فقط راه سرحد را اختیار کنند و حتی قوافلی که از یزد ایاب و ذهاب می‌کنند، در طریق سرحد عبور کرده و از راهی که از ابرکوه به سورمق رفته و نزدیک اسپاس به راه سرحد وصل می‌شود، می‌روند.

از زمانی که اقتدار دولت در فارس سلب شده، فقط راههایی که نسبتاً رضایت‌بخش است راههایی بوده‌اند که از خاک قشقائی می‌گذرد و بکلی تحت حفاظت ایل مذکور است.

راههای جره و فیروزآباد و سرحد، حتی در تحت حفاظت ایلخانی که مخالف دولت باشد، بطور عموم امنیت داشته و راهداری معتدلی می‌دادند و آن راهداری را ایلی که بیشتر از آن محافظت می‌کرد، می‌گرفت.

در این تابستان حال راه سرحد هم همینطور بوده است و البته راهداری گرفته می‌شد ولی باندازه‌ای که در راه بوشهر اخذ می‌گردید، و قوافل و پسته می‌توانستند با امنیت عبور و مرور کنند و میزان کرایه اگرچه گران بود، نسبت به میزان گزاف راه بوشهر بهتر بود.

اشکالات راه تلگرافی بوشهر الی شیراز، در این است که در تحت حفاظت چند نفر است و عموماً قسمت مابین کمارج و شیراز مغشوش است و این قسمتی که در تحت نفوذ قشقائیها است، اسباب اشکال تأمین راه مذکور می‌باشد.

در ماه نوامبر ۱۹۱۰ حکومت مرکزی صولت‌الدوله را ترغیب نمودند که از پلتيك [= پلتيك] تغییر دادن راه قوافل^۲ به راه‌های جزو، صرف‌نظر نموده و مسؤولیت راه تلگرافی بوشهر را از شیراز تا حدود خاک کمارج، به عهده گیرد.

نتیجه این کار بسیار یأس‌آور بود و سرقت‌ها فوراً به وقوع پیوسته و صولت‌الدوله چون نتوانست بدون کمک رؤسای محلی راه را محافظت کند، مجبور گردید که در اخذ

(۱) چنین است در اصل. [= لشنی؟]. - م.

(۲) اصل: قوافل را. - م.

راهداری با آنها شریک گردد. این کار البته بر اخذ راهداری غیرمشروع در قسمت راه از شیراز الی کمارج طبعاً افزوده و از کمارج تا بوشهر هریک از خوانین محلی همین قبیل راهداری اخذ نموده نتیجه این شد که کلیه مبلغ راهداریهایی که در راه تلگرافی گرفته می‌شود خیلی زیادتر از وجوهاتی بود که در راه جره یا فیروزآباد مأخوذ می‌گردید.

پس از شکست کار صولت‌الدوله در ماه آکتوبر سال گذشته، راه شیراز تا تنگ‌ترکان [= تنگ‌ترکان] به خوانین کشکولی سپرده شد و محمدعلی‌خان رئیس آنها به حکومت کازرون منصوب گردید. این خوانین هم در سهم‌بردن از منافع راهداری، با رؤسای محلی ادامه دادند و مسأله راه بسیار درهم و برهم شد.

بواسطه دشمنیهای سختی که از حکومت نظام‌السلطنه تولید گردید و از تجزیه قشقائیه که رؤسای جزو آنها همینکه روز بروز خود را از تحت امر ایلخانی مستقل دیدند، از مسؤولیت حفاظت آن [خود را آزاد] دانسته و هرگونه اجحاف و زیاده‌روی را معمول داشتند، خورشیدخان تا بهار سال ۱۹۱۱ تنگ‌ترکان و راهدار و ناحیه شاه‌پور را که مجاور آن است بعلاوه دره کمارج در تصرف خود داشت و این قسمت راه را در کمال نظم نگاه داشت، اگرچه او هم مثل سایر رؤسای امتداد راه، راهداری می‌گرفت.

نظام‌السلطنه به تحریک صولت‌الدوله یک اقدام بی‌نتیجه و حمله بی‌ثمری در مورد کمارج به عمل آورده و خورشیدخان را از آنجا بیرون کرده، محل مزبور بغارت رفت و محمدعلی‌خان که در این اقدامات زحمات زیادی متحمل شده بود، شاه‌پور را تصاحب نمود. خورشیدخان در دره کمارج محل معتبری را اشغال نموده ولی نتوانست شاه‌پور را بازستاند و این محل در ید تصرف محمدعلی‌خان باقی مانده و راهدار و منتها نقطه شمالی تنگ‌ترکان هم در حیطة تصرف وی درآمد.

عده‌ای از کمارجیها که از روی خیانت با خورشیدخان جنگیده بودند، نزد محمدعلی‌خان پناهنده گردیدند. این اشخاصی که محمدعلی‌خان مجبور شد با آنها از در آشتی داخل شود، یک منشأ اغتشاش راه بودند و از روی اجحاف از قوافل راه پول گرفته و نسبت به آنها و مسافرین بی‌احترامیهای فوق‌العاده می‌نمودند. یکی از آنها موسوم به علی‌محمد کمارجی که هنوز کاروانسرای راهدار سپرده به اوست، در حمله به عساکر ما در آن نقطه شرکت داشت.

از طرف دیگر خورشیدخان که بواسطه تعدیات نظام‌السلطنه متحمل خسارات مالی زیاد شده، سعی داشته است که جای خسارات مذکور را بوسیله اخذ راهداری و خرده‌دزدی قوافل پر نماید.

این مسأله لازم نیست اظهار شود که خصومت موجود مابین محافظین دو قسمت مجاور راه بسیار بر غیرمعلومی اوضاع راه مذکور افزود و بدتر از همه تغیر و تنفر روزافزون کازرونیها از قشقائیه منجر به یک منازعه آشکار و استعفای اجباری محمدعلی‌خان از حکومت آنجا گردید.

کشکولیهها در مقام تلافی برآمده و عبور و مرور قوافل را از تنگترکان به شاهپور و از آنجا از راه نودان به میانکتل منحرف نموده به این طریق کازرونیها را از منافعی که به واسطه قوافل می‌پردند، محروم ساختند. به علت شیوع مرض مگس، عبور و مرور قاطر در این راه در تابستان بسیار مشکل است.

خورشیدخان و کازرونیها سپس برضد قشقائیهها متحد شده و قافله را از معبر خیلی سرازیر پرتگاهی از راه برودن [= بردون] به کازرون عبور داده و به این طریق راه راهدار را بکلی ترک نمودند. این قوافل همینکه از کازرون گذشته مجدداً از نقاطی که در تحت حکمرمائی قشقائیهها است عبور نموده برای آنکه از راه نودان نیامده بودند، مجبور به تأدیة مبلغ گزافی شدند.

این خصومت بین اهالی و قشقائیهها اسباب سد موقتی راه و اوضاع غیر معلومی شده و این مسأله بعلاوة اجحافات مستحفظین راه و رؤساء، اسباب گرانی قیمت کرایه شد و میزان آن خیلی گزاف شده است.

قشقائیهها از زمانی که شروع کرده‌اند به طرف شمال بروند، مجبور شده‌اند که راه را کاملاً به دست رؤسای محلی واگذارند و آن را از راه تنگترکان الی شیراز قطعه قطعه به آنها اجاره داده‌اند و رؤسای مذکور از قوافل آنقدر راهداری می‌گیرند که وجه اجاره خود را پرداخته و مداخل خود را هم ببرند. تعیین عین مبلغ راهداری که گرفته می‌شود آسان نیست، زیرا که قاطرداران برای گران کردن میزان کرایه، در مبلغ آن مبالغه و اغراق می‌کنند. گذشته از آن، میزان راهداری نسبت به اشخاص مختلف است و قشقائیهها قاطرداران کازرونی را بیشتر از قاطرداران سایر نقاط اذیت می‌کنند. روی هم رفته یحتمل برای هر دفعه که عبور می‌کنند، قاطرداران باید برای هر رأس قاطر سه قران بدهند. قراولان راه هم هر قدر بخواهند از بارها قند و چائی برمی‌دارند و حتی از هرگونه مالالتجاره هم که میل کنند خرده‌دزدی می‌کنند و البته علیق را هم در راه به قیمت گزاف به قاطرداران می‌فروشند.

من در باب اوضاع المانگیز مهمترین راه تجارت انگلیس در ایران، به مأمورین محلی متوالیاً و صمیمانه اظهارات نموده‌ام. مأمورین محلی بدون پول یا عساکر نمی‌توانند هیچ‌گونه اقدام متهورانه بنمایند و فقط امیدی که می‌توان داشت که در این اوضاع مؤلمه حالیه قدری تسکین حاصل گردد، و برای بهبودی دائمی خط معظم از شیراز به آباده، اقدام برضد اعراب لازم است. اگر حکومت مرکزی اجازه دهند، قوام‌الملک در نظر دارد که شخصاً حرکت کرده و این ایلات اغتشاش طلب را سرکوبی دهد و امیدوار است که به کمک رؤسائی که نسبتاً مطیع می‌باشند و استعدادی که از طرف ایلخانی فرستاده شود، متمرّدین آنها را تخویف نماید ولی مشکوک است که آیا هرگونه اقدامی از طرف وی اسباب افتتاح راه پستی شمال در تابستان خواهد شد یا نه. برای بهبودی دائمی قسمت از آباده تا امین‌آباد، اقدامات شدید برضد طایفه بویراحمدی لازم است و یحتمل به نظر نمی‌آید که در آتیة نزدیک چنین اقدامی بعمل آید مگر آنکه بختیاریها این ایل اغتشاش طلب را سرکوبی دهند.

در باب راه بوشهر، از قرار معلوم، علل و اسباب طبیعی فوق‌الذکر به انضمام فشار دائمی قوام‌الملک و پیش‌آمد راه بردون، کار را بر کشکولیه‌ها سخت کرده است. محمدعلی‌خان به قوام‌الملک اعلام نموده است که قراولان را از راه نودان برداشته است و علی‌محمد کمارجی در راهدار، به قوافل اطلاع داده است که از هر راهی که می‌خواهند می‌توانند بروند. از این معلوم می‌شود که کشکولیه‌ها بالاخره راضی شده‌اند که عبور و مرور مجدداً از راه معظم بشود. در هر صورت قسمت راه از کمارج به شیراز امنیت حاصل نخواهد کرد مگر آنکه بین کازرونیه‌ها و قشقائیه‌ها اصلاحی بشود یا آنکه کازرون مجدداً به قشقائیه‌ها واگذار شود. برای نیل به مقصود اول، لازم است هر قدر زودتر، حاکم بیطرفی به کازرون فرستاده شود. نصیردیوان، کلانتر کازرون که فعلاً آن شهر سپرده به او است، با خوانین کشکولی مخالفت بسیار دارد. در صورتی که حاکم بیطرفی در کازرون باشد، ممکن است در خصومت‌ورزی و تکدر کشکولیه‌ها اعتدالی حاصل شده و دسترسی به آنها آسانتر شود. در هر صورت، وضع سلوک و رویه محمدعلی‌خان که از زمان حمله پلاتنیبه بر عساکر ما، ظاهراً امر بر وی مشتبه شده و زیاده از اندازه به قدرت خود اعتماد می‌کند، مشوق نمی‌باشد. ممکن است بواسطه ترسی که از محمدخان پسر عموی خود دارد، بتوان به او فشار آورد. و بوسیله افتتاح موقتی راه جره به کمک قشقائیه‌های فارسی‌مدان که در این تابستان در حدود شیراز نگاه داشته شده‌اند، می‌توان یک قسم دیگر فشاری به او و سایر خوانین کشکولی و به همین طور دشمنان آنها که در جزو اهالی نقاط واقعه در امتداد خط تلگرافی ساکنند، وارد نمود. بواسطه افتتاح راه جره که ممکن است مذاکرات اصلاح را تسهیل نماید خسارت مالی زیاد به هر دو طرف وارد خواهد آمد.

در صورتیکه به اصلاح نتوان موفق گردید، راه حل مسأله ظاهراً این است که به قوه قهریه مجدداً شخصی از قشقائیه‌ها به حکومت کازرون نامزد شود و منافع مخصوص اهالی فدای منافع عمومی راه گردد.

به انجام رسانیدن این ترتیبات آسان نخواهد بود و ممکن است اسباب اشکالات فوق‌الطایفه و مسدود گردیدن موقتی راه گردد. بعلاوه، انصاف‌نیست که بواسطه این اقدام، بر قوه زیاد از اندازه حالیه قشقائیه‌ها افزوده شود که هم غیرمطلوب و هم مورد اعتراض می‌باشد.

با وجود این، باید به خاطر داشته باشیم که از چندین سال به این طرف، قشقائیه‌ها کازرون را در جزو اداره خود داشته و خوب می‌توان فهمید که تغییر آنها از خارج شدن آن محل از حکومتشان، تا چه اندازه است.

من در ضمن مذاکرات غیررسمی با ماژور سیفورت، سعی کرده‌ام که اوضاع راه و ترتیبات پلتیکی [= پلتیکی] آن ایالت را برای او توضیح نمایم. البته ممکن نیست

(۱) چنین است در اصل. - م.

(۲) اصل: تغییر. - م.

بتوان از صاحبمنصبان اروپایی که به زبان یا اوضاع و مقتضیات مخصوص مشرق آشنا و بصیر نیستند، انتظار داشت که به فوریت از اوضاع درهم برهم فارس مسبوق و مستحضر گردند.

ماژور سیفورت، ظاهراً آدم منصف فعال باکفایتی است و شکی ندارم که به مرور زمان، آن تجربیات لازمه را که برای فهم اوضاع محلی لازم است کسب خواهد کرد. من امیدوارم که شروع اقدامات و عملیات ژاندارمری موجب یأس و حرمان نخواهد گردید و خیلی بهتر است که ژاندارمری در شیراز نگاه داشته شده و روز بروز بر عده و کفایت آنها افزوده شود تا آنکه بواسطه اقدام بی‌موقع و قبل از وقتی دوچار خطرات مصیبت آمیزی نشود و در صورتی که در شیراز نگاه داشته شود، متدرجاً يك قشون منظمی را تشکیل خواهد داد شبیه به بریگاد قزاق که هم اسباب تقویت اقتدار دولت شده و هم در صورتی که لازم باشد، با مدد عساکر غیرمنظم دولت، برای قلع و قمع اشرار بکار برده خواهد شد و به موقع برای حفظ راه تعیین خواهد گردید.

(امضاء) اسمارت

نمره - ۲۹۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ اوت ۱۹۱۲ [۶ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۶ رمضان ۱۳۳۰]

مالیه ایران

راجع به تلگراف ۲۶ اوت سنت پترزبورغ:

وزیر امور خارجه دیروز به من مؤکداً اظهار داشت که دولت اعلیحضرتی باید فوراً تمام مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ لیرائی را که دولت ایران می‌داند پرايش تهیه نموده‌اند، بپردازند. جناب معظم‌له صمیمانه احتیاج بسیار دولت ایران را برای کمک مالی متجاوز از ۵۰۰،۰۰۰ لیرائی که دولتین در صدد قرض‌دادن هستند، به من تأکید نمود و اشعار داشت که ۱۰۰،۰۰۰ لیرای سهم انگلیس را برای شیراز تخصیص نموده و ۱۵،۰۰۰ لیرا از سهم روس به علت آنکه فرمانفرما عایدات گمرکات کرمانشاه را ضبط نموده بود، توقیف شده است و بنابراین در هر صورت نصف وجه قرضه مشترك از میان رفته است.

من در جواب اظهار داشتم که اگر دولت روس حاضر نباشد که به همین قسم پول بدهند، من خیلی کم می‌توانم امیدوار باشم به اینکه دولت اعلیحضرتی راضی به پرداخت تمام ۱۰،۰۰۰ لیرا بشوند و اشاره نمودم که دولت اعلیحضرتی شاید مسأله کمک رسانیدن به دولت ایران را به وسیله رفع اشکالات مالیه آن دولت در جنوب تحت توجه و ملاحظه خود قرار دهند. و اصرار نمودم که بایستی بدون فوت وقت پیشنهادات خود را برای قرضه ارائه نمایند و به ایشان اظهار داشتم که به عقیده من

این پولهای کم که مکرراً به دولت ایران داده می‌شود، چندان اسباب کمک نخواهد بود که رفع اشکالات مالی را بنماید.
جناب معظم‌له در جواب اظهار داشت که خزانه‌دار کل می‌تواند محل مکفی که قرضه بزرگی را تأمین نماید، تعیین کند.

نمره - ۲۹۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ اوت ۱۹۱۲ [۶ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۶ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۵ اوت من:

اوضاع کرمانشاه ظاهراً خیلی مغشوش است و از قرار معلوم دولت ایران نمی‌دانند که مجاهدین یاغی به نام کی، شهر را قبضه نموده‌اند که دولت می‌خواهند به کمک بختیاریه‌ها که ۵۰۰ نفرشان با فرمانفرما و ۱۵۰ نفرشان در راه سلطان‌آباد و ۳۵۰ نفرشان را از اینجا بایستی فرستاد، آن را بازگیرند.

این مسأله قابل ملاحظه است که به حکمران یا عساکر منظم، نمی‌توان اعتماد نمود. از قرار اطلاعاتی که به من رسیده، چنانکه معلوم می‌شود، پول بطور معمول اولین وسیله حرکت دادن آنها است و فرمانفرما می‌گوید که اگر ۳۵،۰۰۰ تومان به وی برسد، کار اصلاح خواهد شد. سرکرده یاغیان هم وعده می‌دهد که با ۴۰،۰۰۰ [تومان؟] حصول همان نتیجه امکان خواهد داشت.

از قرار معلوم طرفین می‌خواهند در صورت امکان از دولت پول درآورند.

نمره - ۲۹۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ اوت ۱۹۱۲ [۷ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۷ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۶ اوت من:

تلگراف ذیل در ۲۶ اوت از طرف قنصل تبریز مخابره شده است:

قریب پنج روز قبل، شاهسونهای قجه‌بگلو به قراجه‌داغ برای کمک طایفه دیگری که در کوهستان متفرق شده بودند، آمدند که به محافظت آنها تا اردبیل بروند. سرکرده روسی این طایفه را گذارد به کوهستان وارد شوند و در مراجعت، هر دو آنها را حمله نموده تلفات زیاد وارد نمود و شاهسونها متفرقاً به اردبیل فرار کردند.

(۱) چنین است در اصل - م.

(۲) اصل: چنانچه. - م.

نمره - ۲۹۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ اوت ۱۹۱۲ [۷ شهریور ۱۲۹۱: ۱۷ رمضان ۱۳۳۰]

جنوب ایران

من با کمال دقت در مسأله پول رسانیدن به فرمانفرما، مستقیماً غوررسی نموده‌ام (رجوع به تلگراف ۱۹ اوت خودتان کنید) از این پلتیک [= پللیتیک] نتایج بسیار صحیح می‌توان بدست آورد: از ۱۰،۰۰۰ لیرائی که دولت اعلیحضرتی اخیراً به دولت ایران قرض دادند، ما ۱۰،۰۰۰ تومان آن را به فرمانفرمای جدید دادیم برای اینکه بتواند به طرف ایالت فارس حرکت کند و مبلغ ۲۰،۰۰۰ تومان باقی می‌ماند که به ورود شیراز برای مصارفش موجود باشد. اگر ما مبلغ ۲،۰۰۰ یا ۳،۰۰۰ لیرا ماهیانه به او بدهیم، می‌تواند يك قوه مفید نظامی تشکیل دهد که بدان وسیله در ایالت مذکور انتظامات را مستقر بدارد و تا آخر يك سال بایستی بتواند مقام خود را محکم کند و آنوقت می‌تواند آنچه مالیاتی را که احتیاجات اداری وی لازم دارد وصول نماید و بواسطه پرداختن این پول توسط وکیل خزانه‌داری کل در شیراز به او، ممکن است طوری نمود که اسباب تکدر دولت ایران فراهم نشود و این کار را باید به مشورت قنصل اعلیحضرتی کرد.

نمره - ۲۹۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ اوت ۱۹۱۲ [۷ شهریور ۱۲۹۱: ۱۷ رمضان ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۶ اوت شما:

دولت ایران صورت جمع و خرج مالیه خود را به سفارتخانه‌های خارجه خود فرستاده‌اند محض آنکه بنمایانند که منابع عایدات ملی آنها برای تأمین قرضه ۵،۰۰۰،۰۰۰ لیرا بدون آنکه به مالیات دست بزنند کافی بلکه زیاده از اندازه لزوم میباشد.

خزانه‌دار کل امروز صبح به من اظهار داشت که دولت در نظر دارند به همین زودیها پیشنهادات خود را برای قرضه به سفارتین ارائه نمایند.

نمره - ۲۹۷

مکتوب لیوتنان کاکس به سر ادوارد گری

بوشهر ۱۱ اوت ۱۹۱۲ [۲۰ مرداد ۱۲۹۱: ۲۷ شعبان ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم برای استحضار خاطر شما یادداشتی را که مستر چیک مستشار تجارتي من، از بابت تاریخ و کیفیت مسأله بسیار مهم راهداری که عبارت از اخذ وجوهات جبری از قوافل توسط رؤسای راه بوشهر الی شیراز باشد که بشکل حق‌العبور و اجحاف

در قیمت علیق گرفته می‌شود نوشته، لفا ایفاد دارم.
از قراری که [او] حساب کرده است مبلغ این وجوهات روی هم رفته سالیانه کمتر از ۲۰،۰۰۰ لیرا نمی‌شود.

(امضا) لیوتنان کاکس قنصل مقیم
انگلیس در خلیج فارس و جنرال قنصل
اعلیحضرتی فارس

ملفوف نمره ۲۹۷

یادداشت راجع به مسأله راهداری

این مسأله در این موقع باریک اهمیت اساسی دارد چرا که شکی نیست که قبل از اعاده انتظامات، یا ژاندارمری ایران یا عساکر خود ما، بایستی مسأله راهداری و جلوگیری از اخذ آن را تصفیه نماید. راهداری یکی از قوای عامله اوضاع موجوده امتداد راه است و دیر یا زود ما را مجبور به اقدامات خواهد نمود. الحال مناسب می‌دانم که شرحی از تاریخ جدید این خراج بنگارم.

قبل از سال ۱۹۰۰ راهداری به شکل چند شاهی به عنوان باج قوافل، فقط در قسمتهای پایین راه و در چند مراکز از قبیل برازجان و غیره مأخوذ می‌گردید و اخذ این باج موقتی بود و به هیچ وجه خوانین محلی در منازل راه آن را منظمأ وصول نمی‌نمودند و در مقابل این وجه، برای حفظ قوافل در شب، قراول تهیه شده و چند نفر تفنگچی تا منزل دیگر همراه آنها می‌فرستادند و این مسأله قابل ملاحظه است که ایلات ساکن در امتداد راه تا سال ۱۹۰۰ چندان مسلح نبودند و بعد از آن تاریخ، اسلحه کم و زیاد از مسقط برای آنها وارد شد.

وصول علافی که باج دیگری است و اصلاً برای علفچرانی مأخوذ می‌شد، به گمان من، از راهداری قدیمتر است ولی این باج را سابقاً در بعضی موسمه‌ها وصول نموده و بطور دائم اخذ نمی‌شد. این باج هم، حالا یکی دیگر از اجحافات شده است که خوانین توسط علافها در منازل، از قاطرداران می‌گیرند و بطور عموم، ترتیب اخذ آن این است که خرید و فروش علیق را منحصر به یک نفر می‌نمایند که برای هر رأس قاطر، یکی دو قران متجاوز از قیمت معمولی دریافت نموده منافع آن را به خوانین می‌رساند و گاهی هم این دخل بواسطه کسر وزن علیق برای هر رأس قاطر که قیمت وزن تمام را برای خرنده محسوب می‌دارند، اخذ و دریافت می‌شود.

حتی در سال ۱۹۰۳ راهداری و علافی که بطور غیرمنظم از قوافل اخذ میشد، یکی از آن مالیاتهای سنگین را تشکیل می‌داد که موقوف‌داشتن آن برای دولت ایران منفعت داشت که در مقابل بر میزان تعرفه گمرکسی بیفزایند و از نقطه نظر منافع دولت

انگلیس هم ترك اخذ آن یکی از معاملات بسیار ذی‌قیمت^۱ بود.

در حقیقت، دولت ایران نمی‌توانستند تعهدات و وعده‌های خود را به انجام رسانند. فقط کسانی که می‌توانستند به جلوگیری این اجحافات موفق شوند، هفت هشت نفر از رؤسائی بودند که راه از خاک آنها می‌گذشت و چون از تعرفه جدید گمرکی به آنها فایده‌ئی نمی‌رسید، به هیچ وجه مایل نبودند که چیزی را که بر عایدات آنها می‌افزود، از دست بدهند.

هنگامی که به دولت ایران فشار آورده شد که راهها را بطور صحیح مواظبت و محافظت نمایند، از روی سهو به رؤسای مذکور دستورالعمل دادند که تفنگچی تهیه نمایند و فراموش کردند حقوقی برای آنها معین نمایند. عدم تعیین حقوق برای تفنگچیان، برای خوانین عذر بقاعده‌ئی شد برای آنکه حقوق آنها را از مداخل راه درآورده و این اجحاف بی‌معنی را وسیله دخل وافر خود قرار دهند.

از سال ۱۹۰۶ از طرف قنصل مقیم اینجا، پروتستهای^۲ بسیار به حکومت ایالتی و از طرف سفارت انگلیس در طهران به حکومت مرکزی شده، حکومت مرکزی همیشه در جواب می‌گویند اوامر لازمه فرستاده شده است. لیکن اگر این اوامر فرستاده شده باشد، کسی به آنها اعتنائی ننموده است و حتی حکومت ایالتی، هم در بوشهر و هم در شیراز، به اشکال مختلفه، از قاطرهایی که بیه بوشهر و شیراز وارد می‌شده‌اند، راهداری اخذ نموده و هر قدر در بوشهر پروتست می‌شد، جواب می‌دادند که حکومت مرکزی این وجوهات را جزو دفتر مالیاتی شهر نموده و از حکام محلی آن را مطالبه می‌نمایند و به این جهت آنها نمی‌توانند تغییری در اخذ آن بدهند (این خود نقض آشکار قرارداد از طرف دولت ایران است).

پس از سال ۱۹۰۶ تزئید تدریجی و مهم اخذ راهداری بسیار، اسباب خیال من شده و هر قدر توانسته‌ام اطلاعات لازمه در باب آن بدست آورده‌ام. تزئید اخذ این وجوهات تا سال ۱۹۰۷ تدریجی بود و از آخر سال ۱۹۱۰ سریع گردید.

آنچه ذیلاً نگاشته می‌شود، اضافه شدن مأخوذات راهداری را که جزو صورتهای ماهیانه ما نوشته شده، نشان می‌دهد و به موجب اطلاعاتی است که تجار محلی به ما داده‌اند:

هر رأس قاطر	ماه ژون ۱۹۰۷
۳-۷۰ قران	ژون ۱۹۰۹ تخمیناً
، ۱۵-	ژانویه ۱۹۱۰
، ۱۱-۱۵	فوریه ۱۹۱۰
، ۹-۲۵	مارس ۱۹۱۰
، ۹-۳۵	آوریل ۱۹۱۰
، ۷-۱۰	

(۱) اصل: ذی‌قیمتی. - م. (۲) پروتست = اعتراض. - م.

« ۱۰-۸۰	ژون ۱۹۱۰
« ۱۰-۵۰	ژویت ۱۹۱۰
« ۱۰-۷۰	اوت ۱۹۱۰
« ۱۲-۶۲	اکتوبر ۱۹۱۰
« ۹-۲۵	ژانویه ۱۹۱۱
« ۱۱-۹۰	فوریه ۱۹۱۱
« ۱۱-	مارس ۱۹۱۱
« ۱۵-۳۰	آوریل ۱۹۱۱
« ۱۲-۹۵	مه ۱۹۱۱
« ۱۴-۲۰	ژون ۱۹۱۱
« ۱۶-۳۵	ژویت ۱۹۱۱
« ۱۷-۹۵	سپتامبر ۱۹۱۱
« ۲۸-۱۲	ژانویه ۱۹۱۲
« ۲۱-۳۵	مارس ۱۹۱۲
« ۲۷-۵۰	مه ۱۹۱۲

مبلغهایی که ذکر شد، فقط شامل حق راهداری و تفنگچی‌گری است و شامل علافی نیست و رویهم‌رفته برای هر ۳۰۰ رطل ۱ مال‌التجاره تخمیناً ده شلینگ^۲ می‌شود به‌اضافه قیمت کرایه که تا ماه ژون ۱۹۱۲ برای مسافت ۱۸۰ میل راه، هر ۷۷۰ رطلی ۳۴ تومان و آنچه خسارت از خرده‌دزدی وارد شود، علاوه بر این خواهد بود.

در تابستان سال ۱۹۱۰ طریقهٔ اخذ این وجوهات تغییر کرد و خیلی بدتر شد و بدی آن را بهتر می‌توان فهمید از اینکه گفته شود که تا مدت نوزده ماه یعنی از ماه مارس ۱۹۰۹ تا ماه دسامبر ۱۹۱۰ [آذر-دی ۱۲۸۹؛ ذی‌قعدة-ذی‌حجه ۱۳۲۸] صولت،-الدوله راه قافله‌رو را به جره و فیروزآباد منحرف نمود (و در آن راه با قوافل بطور مهربانی سلوک می‌نمودند) و در انتهای مدت مذکور، خوانین و تفنگچیان راه کازرون، مداخل منظم خود را از دست داده و در صدد آن بودند که به هر طوری باشد، به قوافل دسترسی پیدا نمایند.

در این وقت، تفنگچیان از دهات کازرون که اسماً در تحت خوانین خود بودند، ابتداءً برای تحصیل معاش به وسیلهٔ غارت حرکت کردند.

خوانین می‌دانستند که تفنگچیان معاش خود را تحصیل خواهند کرد و خودشان عایدات خود را محدود ساختند به وجوهاتی که به‌زور از دهات معظم هر ناحیه، از قبیل احمدی و برازجان می‌گرفتند.

(۱) رطل = صد مثقال. - م.

(۲) اصل: شلیک. - م.

خراج قسمتهای راه قافله‌رو

همینکه ایلخانی قشقائی حفظ راه را به عهده گرفت، ترتیب فروش سه مزایده حق‌العبور قوافل را، خوانین جزو مخصوصاً در جاهایی که ممکن بود از راههای دیگر عبور کنند، معمول و مجری داشتند و اگرچه چندین فقره از این قبیل خرید و فروشها را از ما مخفی داشتند، باز هم چند فقره آن را فهمیدیم و این ترتیب از قسمت انتهای راه در بوشهر شروع گردید.

در ماه مارس ۱۹۰۷ خان انگالی پانصد تومان و یک اسب، بطور رشوه به حکمران بوشهر داد که راه را از برازجان به شیف منحرف نماید (در عرض راه خشکی از احمدی). در ماه مه ۱۹۰۷ خان انگالی چهار هزار تومان برای راه شیف به حکمران بوشهر داد (که می‌خواست برای هر سه رأس حیوان، یک قران اخذ نماید) در صورتی که خان احمدی مبلغ ۱،۵۰۰ تومان می‌داد به ملاحظه اینکه از راه خشکی عبور و مرور شود. حکمران مبلغ ۲،۲۰۰ تومان دیگر از کلانتر مطالبه نمود (که از قوافل اخذ و دریافت نماید) و آخر الامر، خان احمدی مبلغ ۱،۷۰۰ تومان پرداخت و حواله ۴،۰۰۰ تومان (من شخصاً آن را در ماه مه ۱۹۰۷ دیدم) برای خان انگالی مرجوع گردید.

در سال ۱۹۰۷ نیز خان برازجان از تفنگچیان خود مبلغ ۵۰،۰۰۰ تومان از بابت راهداری گرفت ولی تا زمانی که حیدرخان کمارجی راه مذکور را از کتل اول تا کازرون در تحت حفاظت خود داشت و فقط یک نفر دخیل این کار بود (یعنی تا زمان فوتش در ماه سپتامبر ۱۹۰۹) ۱، میزان راهداری کم بود و از کنار تخته تا کازرون زیادتر از یک قران و پنج شاهی برای هر رأس حیوانی گرفته نمی‌شد.

در ماه مارس ۱۹۰۹ [اسفند ۱۲۸۷ - فروردین ۱۲۸۸؛ صفر-ربیع‌الثانی ۱۳۲۷] صولت‌الدوله، بنا بر صوابدید بعضی از تجار شیراز و ایالت فارس، تعهد نمود که مال‌التجاره را از راه فیروزآباد و خاک خود سالماً عبور دهد و مبلغ هزار تومان ماهیانه بپذیرد.

بعضی از تجار ایرانی مقیم شیراز، که برای صولت‌الدوله کار می‌کردند، قرار دادند که از هر رأس قاطری که به شیراز وارد می‌شود، مبلغ دو قران و ده شاهی بپذیرند و این مبلغ برای راه جره به چهار قران رسید و دوباره در ماه مارس ۱۹۱۰ تخفیف یافت. بعد راپورت داده شد که تجاری که مشغول دریافت این وجه در شیراز بودند، دریافتند که از وصول چهارقران برای هر رأس قاطر، مبلغی زیادتر از ۱،۰۰۰ تومان ماهیانه اخذ شده و آن را به دو قران و ده شاهی تخفیف داده‌اند که ماهیانه ۱،۰۰۰ تومان به صولت‌الدوله عاید شود.

یکی از تجار شیراز، به صولت‌الدوله عنوان کرده بود که خوب است برای حفظ راه، ماهیانه ۲،۵۰۰ تومان دریافت نماید لیکن صولت‌الدوله در جواب گفته بود خیر

(۱) اصل: ۱۰۰۹ که پیداست اشتباه است. - م.

(۲) اصل: داده‌اند. - م.

۱،۰۰۰ تومان کافی است و نمی‌خواهد قاطرداران و تجار را مجبور به پرداخت وجوهات غیرلازمه بنماید.

وقتی که حفاظت راه یا صولت‌الدوله بود، خوانین دالکی و برازجان مجبور شده بودند که دریافتهای خود را تخفیف دهند. در سابق، خوانین دالکی برای هر رأس قاطری سه قران می‌گرفتند و تفنگچیها هم هر رأس قاطری دو قران از قاطرداران دریافت می‌نمودند. حالیه خوانین دالکی برای هر رأس قاطری فقط دو قران مأخوذ داشته و غدغن کرده بودند تفنگچیهایشان از قاطرداران چیزی نگیرند به همین‌طور، صولت‌الدوله به کلانتر فارسی‌مدان دستورالعمل داده بود که در سه منزل بین جره و دالکی، هر رأس قاطری فقط پنج‌شاهی دریافت نماید.

بین صولت‌الدوله و خان دشتی، از بابت قیمت راه فیروزآباد که از دشتی می‌گذرد، کدورتی بود و خان دشتی می‌خواست زیاده‌تر از نصف پولی که در شیراز دریافت می‌شد، اخذ نماید.

در این اثناء خوانین از دالکی الی بوشهر، میل داشتند که هرکدام مبلغی بدهند برای آنکه راه تا جره را به خاک خود منحرف نمایند.

خوانین برازجان و دالکی، مبلغ ۳،۰۰۰ [تومان؟] برای این کار در مساه فوریه ۱۹۱۰ به صولت‌الدوله دادند.

این دو خوانین (این را باید دانست که راههای شیف و احمدی الی بوشهر در برازجان منشعب می‌شوند و در تحت حفاظت برازجان می‌باشند) سپس به خان احمدی فشار آوردند که مبلغ ۷۰۰ تومان با يك قبضه تفنگک به جهة سهمیه خود بدهد و همینکه او از پرداخت این مبلغ امتناع ورزید، نزد خان انگالی پیغام فرستاده از او درخواست نمودند که هزار تومان گرفته راه را به شیف منحرف سازد.

در اواخر ماه دسامبر ۱۹۱۰ صولت‌الدوله به بوشهر آمد. دریابییگی که آن وقت حکمران آنجا بود، اظهار داشت که صولت‌الدوله ۳۰،۰۰۰ تومان و يك اسب از شیخ حسین‌خان گرفته و او را اجازه داده است راهداری اخذ نماید و می‌خواهد از مصطفی تولسیاهی ۱ دو هزار تومان گرفته و او را اجازه اخذ راهداری دهد.

در ماه سپتامبر ۱۹۱۱ حفاظت راه صولت‌الدوله رسماً سلب و قراولی قسمت بالایی راه به دست رؤسای کشکولی افتاد که ایلات آنها در موقع نقل‌مکان از اکثر نقاط راه کازرون بین شیراز و کمارج عبور می‌نمودند.

مقصود نظام‌السلطنه از اردوکنشی ماه مارس ۱۹۱۱ برضد کمارج این بود که این مقام مستحکم را که در راه قافله‌رو واقع است، برای ایل قشقائی تحصیل نماید و صولت‌الدوله در سال ۱۹۱۰ این محل را خواسته بود و کشکولیهها هم از مدت‌زمانی به اینطرف، آن را طمع می‌کردند و درحالیکه راههایی را که صولت‌الدوله به خوانین ساکن آن نقاط می‌فروخت، از دالکی به پایین بود، قسمت‌هایی که برای کشکولیهها

امکان داشت در آن برای خود پول تحصیل نمایند، از شیراز تا کمارج یا کنارتخته بود. در ماه اکتبر ۱۹۱۱ محمدعلی خان کشکولی به من در شاهپور اظهار داشت که در نظر دارد راه را از دشت کازرون در کوهستان مشهور به کوه سیاه منحرف سازد بطوریکه از وسط کمارج عبور کند و کشکولیه‌ها نتوانند در تمام راه الی کنارتخته راهداری اخذ نمایند.

در نوامبر ۱۹۱۱ کشکولیه‌ها چادرهای خود را تا دشت خشت امتداد دادند به این مقصود که بر راه قافله‌رو بتوانند زیاده بر این، دست‌اندازی کنند.

در ماه نوامبر نیز که مهمان محمدعلی خان کشکولی بودم، خان دشمن زایری^۱ را ملاقات نمودم. خان کشکولی در آن وقت حفاظت راه از کنارتخته^۲ تا نزدیک دشت ارژن را به او فروخت.

از ماه آوریل ۱۹۱۱ خوانین کشکولی با وجود عداوت‌ورزی با خورشید، خان دشت کمارج، به تمام قوافلی که از تنگ‌ترکان عبور می‌کردند، اصرار نمودند که در کاروانسرای که در انتهای سمت کازرون تنگه مزبور واقع است، راهداری بدهند. از آن وقت تا به حال، یا خود کشکولیه‌ها در کاروانسرای مزبور استعداد نگاه‌داشته یا آن را به زیردستان خود مثل علی محمد متمرّد کمارج اجاره داده‌اند، و چون این محل در مدخل آن گردنه واقع [است] و بر آن استیلاء دارد، قوافل ناچار شکار تفنگچیان آنجا می‌شوند.

جزئیات فوق در خصوص تزئید راهداری و خرید و فروش به مزایده راه قافله‌رو از طرف رؤسای مقتدر، امیدوارم به خوبی واضح و آشکار بنماید که مسأله تأمین راه بوشهر الی شیراز، عمیق‌تر و مشکل‌تر از آن است که اقداماتی که برای علاج اوضاع حالیه آن تاکنون پیشنهاد شده، از عهده حل آن بتواند برآید.

شرح ذیل چند فقره اتفاقاتی است که رخ داده و ناامنی راه را واضح می‌نماید:

(۱) اول اروپایی که پس از حمله، از این راه مسافرت نمود، یک جوان تاجر آلمانی موسوم به هر رور بود که در اوایل آوریل برای عروسی با نامزد خود به بوشهر وارد گردید. از قرار اظهارات وی، در دیریس او را توقیف نموده بودند و محمدعلی خان کشکولی به او گفته بود که پس از آنهمه خونها که ریخته شده، او خوشبخت است که انگلیسی نیست. در کاروانسرای خواجه ابراهیم، تفنگچیه‌ها با او بدرفتاری نموده و از آنجا تا گردنه تنگ‌ترکان او را با تفنگ تهدید نموده و مجبورش نموده‌اند ۲۵ تومان بدهد و از قراری که می‌گفت رویهم‌رفته صد تومان از او گرفته بودند.

(۲) چون قوام‌الملک برای آنکه لرد لمینسگین سالمأ به شیراز برسد، ۳۰ نفر سوار ایرانی همراه او نموده بود، مستر لون یکی از دفتردارهای بانک شاهنشاهی ایران، که می‌خواست به شیراز برود توانست که در اوایل آوریل حرکت کند و بدون آنکه از

(۱) چنین است در اصل (= دشمن‌زیاری). - م.

(۲) اصل: چنارتخته. - م.

طرف تفنگچیها به او مزاحمتی [شود] موفق گردید. با وجود این، قاطردارانی که همراه او بودند، از قراری که می‌گوید مجبور شدند قاطری هفت تومان بدهند.

(۳) به کنت مستیر و مسیو ویولت که از طهران به طرف خلیج فارس می‌رفتند، در دشت کازرون و در جعفرجن شلیک شده و تفنگچیها به آنها بسیار اذیت نموده و مجبور شدند چهل تومان بدهند و در راپورت کتبی که بعد از آن برای سفارت فرانسه فرستادند از خطرات راه شکایت نموده بودند.

(۴) هر [= هرن] هانیکی و زناوکه‌مادر هر روز بود، در ماه مه از شیراز وارد شدند. آنها نتوانستند از طریق معمولی کمارج از کازرون عبور کنند و مجبور شده بودند که از راه بردان از روی کوهها به دشت کمارج بروند به جهت آنکه از کاروانسرای دهنة تنگ‌ترکان عبور نکرده باشند و مجبور شده بودند از کمارج به آنطرف ۱۵ تومان بدهند و تفنگچیان جعفرجن به آنها بی‌احترامی نموده بودند.

(۵) در اواخر مه به بعضی از نوکرهای هندی و همراهان اردوی دسته سواره هند مرکزی که در شیراز هستند و چند نفر بلوچهایی که همراه آنها بودند و متعلق بودند به قافله شترداری که در سال ۱۹۰۹ نزدیک یزد به غارت رفت و پس از چند سال زحمت بی‌ثمر برای استرداد اموال خود به هندوستان مراجعت می‌کردند، سارقین در کاروانسرای خواجه ابراهیم و تفنگچیها در جعفرجن زده، اموالشان را بردند. (امضاء) چیک، مستشار تجارتي قنصل مقيم خلیج فارس

نمره - ۲۹۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران دوم سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۰ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۰ رمضان ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل امروز از تبریز واصل گردیده است:

سپهدار در غرة سپتامبر به شهر وارد شد و در خانه کلانتر منزل نموده است.

نمره - ۲۹۹

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

دسته قشون اصفهان

کلنل دوگلاس در دوم سپتامبر به قرار ذیل تلگراف می‌کند:

صاحب‌منصب فرمانده اسکادران اصفهان مرا اطلاع می‌دهد که مدت اجاره منزلهای

آنها در پنجم اکتوبر منقضی می‌شود و امکان ندارد دیگر بتوانند اجاره طویله را

تجدید نمایند و اجاره عمارات دیگر هم غیرممکن است و برای منزل سواران اگر عمل

اجاره‌ای را که فعلا در کاریم، به اتمام نرسانیم، از تجدید اجاره امتناع خواهد شد.

نمره - ۳۰۰

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۳ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۱ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۱ رمضان ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۲۶ اوت من:

یادداشتی که دیروز از طرف دولت روس فرستاده شده، حاکی است بر اینکه نماینده روس تلگراف نموده است که مسأله فروش جواهرات دولتی فعلاً در طهران مطرح مذاکره نمی‌باشد و به تصور او، بهتر این است که این طریقه امداد مالی به آنها ارائه طریق نشود.

دولت روس با این نظریات موافقت دارند و گمان می‌کنند که نه فقط بایستی از مذاکره این مطلب احتراز نماییم بلکه بایستی در صورتی که دولت ایران خیال چنین اقدامی را بنمایند، حتی المقدور جلوگیری و ممانعت بنماییم.

نمره - ۳۰۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۲ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۲ رمضان ۱۳۳۰]
دولت روس و شاهسونها

راجع به تلگراف ۳۰ اوت من:

سفارت روس، مرا اطلاع می‌دهد که شاهسونها از میان قشون بین اردبیل و اهر عبور نموده و فعلاً مجتمعاً در دور و حوالی میانج می‌باشند. از قراری که راپورت داده شده، قصد آنها این است که از راه قزوین به طرف طهران حرکت کنند. سفارت روس نیز به من می‌گوید که فعلاً زیاده‌تر از ۵۰۰ نفر در قزوین ندارند.

نمره - ۳۰۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۵ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۳ رمضان ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۳ سپتامبر شما:

نگاه داشتن دسته قشون در اصفهان بیش از این مطلوب نمی‌باشد. شما باید با صاحب‌منصب آن نقطه و با کلنل دوگلاس مشورت نموده ببینید امکان دارد بدون آنکه تغییر بدی در اوضاع آنجا حادث گردد، این دسته را به شیراز سالمأ عودت داد؟ اگر به عقیده آنها این کار صواب است و شما هم موافقت داشته باشید، من حاضریم اجازه دهم هر زمانی که کلنل دوگلاس صلاح بداند، عساکر مذکور را عودت دهید.

نمره - ۳۰۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۸ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۶ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۶ رمضان ۱۳۳۰]
کرمانشاه

قنصل اعلیحضرتی در ۵ سپتامبر تلگراف ذیل را مخابره می‌کند:

سالارالدوله با ۵۰۰ نفر و چندین تن از رؤسای کرد، در سوم سپتامبر به کرمانشاه مراجعت نمود و یارمحمدخان با محبت تمام از او پذیرایی نمود. یارمحمدخان ۱،۰۰۰ نفر با خود دارد و ممکن است عساکر دیگر خارج شهر داشته باشد لیکن حالا نمی‌توانم بدانم که آیا این مسأله صحیح است یا نه.

نمره - ۳۰۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۹ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۹ رمضان ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۸ سپتامبر من:

وزیر امور خارجه امروز به من اظهار داشت که شخص ارمنی که به اردوی فرمانفرما فرستاده شده بود، مراجعت نموده و موفق شده است به اینکه شاهزاده مذکور و فرمانفرما و آرامنه و مجاهدین را ترغیب و تحریض نماید که متحداً به کرمانشاه حمله نمایند و شاهزاده اظهار داشته است که بفوریت شروع به حرکت خواهد نمود.

نمره - ۳۰۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۰ شهریور ۱۲۹۱؛ ۳۰ رمضان ۱۳۳۰]

دولت ایران یادداشتی به سفارتین عرضه نموده‌اند که می‌نمایند، قرضه ۵۰،۰۰۰ لیرا برای رفع اشکالات مالی حالیه مفید نبوده و می‌خواهند به ۲۰۰،۰۰۰ لیرا بالغ شود که هر یک از دولتین نصف آن را بپردازند. چنانکه ۱ در آن یادداشت نوشته‌اند، ۴۰،۰۰۰ لیرا برای پنج ماه ژاندارمری و ۲۵،۰۰۰ لیرا برای نظمیة طهران و ۱۵،۰۰۰ لیرا برای قشون طهران و ۱۲،۰۰۰ لیرا برای دو ماه قشون کرمانشاه و ۳،۵۰۰ لیرا برای دو ماه بریگاد قزاق در تبریز و ۳۰،۰۰۰ لیرا برای حقوق عقب‌افتاده ادارات دولتی و ۳۰،۰۰۰ لیرا برای خرید اسلحه و مهمات و ۴۰،۰۰۰ لیرا برای تشکیل قشون لازم دارند.

چنانکه ۲ اشعار شده است، تقریباً نصف ۲۰۰،۰۰۰ لیرائی که در ماه مارس گذشته قرض داده شد، برای ژاندارمری به مصرف رسیده و ۴۰،۰۰۰ لیرای آن را در ماه ژوئیت گذشته به دولت روس مسترد داشته‌اند و از روی دلیل نوشته‌اند که دولت ایران

بدون پول آنطوری که شاید و باید اصلاحاتی را که شروع نموده نمی‌تواند به انجام رساند و اگر حالیه از کمک مالی محروم گردد، پیشرفت این اصلاحاتی که شروع شده بطور سخت در خطر خواهد بود.

در خاتمه این یادداشت نیز مذکور است که این مساعده را از قرضه‌ای که در نظر دارند عمل آن را به همین زودی به اتمام رسانند و در همین ماه آن را خواهند خواست، مسترد خواهند داشت.

نقشه تشکیلات قشونی را هنوز به ما ارائه ننموده‌اند. اگر دولت اعلیحضرتی بخواهند خواهش دولت ایران را بپذیرند، تنزل در عایدات گمرکات جنوب، به گمان من حق می‌دهد که خواهش نمایندگان اطمینان رضایت‌بخشی در باب راه‌آهن که وسیله ترقی و تزئید تجارت می‌شود داده شود.

نمره - ۳۰۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۰ شهریور ۱۲۹۱؛ ۳۰ رمضان ۱۳۳۰]

منزل زمستانی برای عساکر شیراز

کلنل دوگلاس در ۱۱ سپتامبر بقرار ذیل تلگراف می‌کند:

تا اواسط ماه اکتوبر مدت اجاره منزه‌های عساکر منقضی خواهد شد. آیا شما مرا اجازه می‌دهید که از مستر اسمارت خواهش نمایم سعی کرده ترتیبی برای تجدید اجاره منزه‌های مذکور تا مدت کمی بدهد؟ و بهتر است قرار داده شود که اجاره آنها ماه به ماه تجدید شود.

مستر اسمارت بعلاوه اظهار می‌دارد که مستأجرین منزه‌های مذکور از مدتی به این طرف به او اصرار می‌کرده‌اند که مقاصد خود را در باب اجاره آنها اظهار بدارد و اگر زود به او دستورالعمل برسد، ممنون خواهد گردید.

اگر زودتر دستورالعمل بفرستید متشکر خواهیم شد چرا که مسأله دارد اهمیت پیدا می‌کند.

نمره - ۳۰۷

مکتوب اداره هند به وزارت خارجه

اداره هند ۱۲ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۰ شهریور ۱۲۹۱؛ ۳۰ رمضان ۱۳۳۰]

آقا

در باب تعلیماتی که به سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران به موجب تلگراف ۵ سپتامبر سر ادوارد گری داده شده، من تعلیم دارم که سواد تلگرافی را که از فرمانفرمای هندوستان رسیده، ایفاد داشته و اظهار دارم که در صورتی که نتوان دست عساکر اصفهان را عودت داد، مارکس اف کرو با این نظریه موافقت دارد که چنانچه از طرف فرمانفرما پیشنهاد شده، به دولت ایران اظهار شود که ترتیباتی را که ادامه نگاه داشتن

عساکر در آن نقطه متضمن است تسهیل نمایند.

(امضاء) ریچی

ملفوف نمره ۳۰۷

تلگراف حکومت هندوستان به مارکس اف کرو

۷ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۵ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۵ رمضان ۱۳۳۰]

کلنل دوگلاس راپورت می‌دهد که در ۵ ماه آتیه، مدت اجاره‌های منزلهای اسکادران اصفهان منقضی می‌شود و در صورتی که عمل اجاره‌ای را که حال ممکن است به اتمام نرسانیم، نمی‌توان اجاره‌های طولیله‌ها را تجدید نمود و نیز نمی‌توان عمارات دیگری را اجاره نمود و ممکن است [از] تجدید اجاره‌های منزلهای عساکر هم امتناع شود. ما ارائه طریق می‌نماییم که بایستی به دولت ایران بطور سخت اظهار شود که ما را در این امر کمک نموده و هرگونه ترتیبات مقتضیه برای منزل دادن عساکر ما بعمل آورند و عساکر مذکور بایستی تا ترتیبات مزبور بعمل نیامده، از آن منازل خارج نشوند و کمافی‌السابق وجه اجاره آنها را پردازند و نظر به حوادثی که در تحت آن به اصفهان و شیراز اعزام شدند، خیلی مضحک است که عساکر ما از بابت اجاره و منزل [به] زحمت بیفتند.

نمره - ۳۰۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۱ شهریور ۱۲۹۱؛ یکم شوال ۱۳۳۰]

مخبرالسلطنه بایستی فردا از اصفهان به طرف شیراز حرکت کند من با شدت تمام تأکید می‌کنم که باید به او مهلت و فرصت داد که تقاضاهای ما را به انجام برساند. قبل از حرکت از طهران، او به من اطمینان داد که در صورتی که عساکر ما مجبور شوند زمستان را در شیراز بگذرانند، او حتی‌المقدور سعی در تهیه اسباب راحتی آنها خواهد نمود و خوب است که من به دولت ایران بفهمانم که تا زمانی که عساکر ما در شیراز توقف دارند، منزل مناسبی باید برای آنها تهیه شده و برای تحصیل آن اقدامات بشود.

کلنل دوگلاس در حالتی که اظهار عقیده می‌کند به اینکه دسته عساکر اصفهان باید هر قدر زودتر که امکان دارد به شیراز عودت داده شوند، امیدوار است که این قشون مجبور نخواهند شد زمستان را در شیراز بسر ببرند.

راهها به استثنای مسدود بودن گاهگاه، به مقتضای موسم، تا اواخر ماه نوامبر یا اواسط دسامبر برای حرکت عساکر باز است.

نمره - ۳۰۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانونان

وزارت خارجه ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۱ شهریور ۱۲۹۱؛ یکم شوال ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۱۲ سپتامبر سر والتر تنلی - قرضه به دولت ایران - خیلی
 خوشوقت خواهم شد از اینکه نظریات دولت روس را هر قدر زودتر بدانم.

نمره - ۳۱۰

تلگراف سر جارج بیوکانونان به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۲ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲ شوال ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۱۲ سپتامبر طهران - قرضه به دولت ایران - مفاد تلگراف
 فوق الذکر شما را، امروز در ضمن یادداشتی به مسیو سازانف ابلاغ نمودم.
 جناب معظم له مرا اطلاع داد که دولت ایران هم، این مطلب را به او عنوان نموده
 و قبل از آنکه بتواند جواب قطعی بدهد، می خواهد در این مسأله مذاقه تمام نماید اما
 در باب قرضه دیگر، او اظهار داشت که به هیچ وجه احتمال تحصیل رضایت دولت روس
 نمی رود تا آنکه دولت ایران امتیاز احداث خط آهن از جلفا الی تبریز را بدهند.

نمره - ۳۱۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۵ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۳ شوال ۱۳۳۰]
 من منتظر جواب تلگراف ۵ سپتامبر خود می باشم.
 اگر اسباب عودت دسته ای از قشون از اصفهان به شیراز فراهم نباشد، دولت
 اعلیحضرتی با عقیده ای که در تلگراف ۷ سپتامبر فرمانفرمای هند مذکور شده،
 موافقت دارند. در آن صورت، شما باید اظهارات سخت به دولت ایران بنمایید و
 کلنل دوگلاس را تعلیم دهید که او امر لازمه بر طبق آن به صاحب منصب فرمانده در
 اصفهان صادر نماید ولی بهتر است که قشون مذکور به شیراز فرستاده شود.

نمره - ۳۱۲

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۴ شهریور ۱۲۹۱؛ ۴ شوال ۱۳۳۰]
 کلنل دوگلاس مانعی برای عودت عساکر اصفهان به شیراز نمی بیند و من مشغول
 اقدام برای انجام این کار هستم، لیکن تاریخ معینی را نمی توان قرار داد چرا که
 فرمانفرمای جدید فارس در اصفهان معطل و صاحب منصب اسکادران مذکور برای تهیه
 لوازمات، من حتی القوه در صدد حرکت فرمانفرما از اصفهان به شیراز هستم.

نمره - ۳۱۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۴ شهریور ۱۲۹۱؛ ۴ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۳ سپتامبر شما - اوضاع شیراز - دولت اعلیحضرتی مصمم شده‌اند که حالیه عساکر را در شیراز نگاه دارند و بنابراین لازم است که برای منزل دادن آنها ترتیبات بعمل آید. اگر در این کار اشکالی به ظهور رسید، شما باید به دولت ایران اظهار بدارید که دولت اعلیحضرتی منتظرند که از طرف دولت مشارالیهها هرگونه کمک و همراهی بشود.

عساکر اصفهان باید هر زمانی که کلنل دوگلاس صلاح بداند، به شیراز عودت داده شوند.

نمره - ۳۱۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۴ شهریور ۱۲۹۱؛ ۴ شوال ۱۳۳۰]

راه بختیاری

قنصل اعلیحضرتی مقیم اهواز که همراه سردار جنگ به مأموریت حرکت کرده است، در ۱۰ سپتامبر از چغاقور تلگراف ذیل را مخابره نموده است:
مناسبات بسیار دوستانه‌ای بین سردار جنگ و امیر مجاهد برقرار گردیده و امیر مجاهد را ترغیب نموده‌اند که حکومت بهبهان را قبول نماید و در اواخر همین ماه، به محل حکومت خود حرکت خواهد کرد و او فقط کسی است که محتمل است بتواند در میان کهکلوئیها [= کهگیلویه‌ای‌ها] که با آنها مربوط است، نظم مستقر بدارد.
گمان می‌کنم از طرف خوانین جزو که اختلافاتشان رفع شده، اسباب زحمت و اشکالی فراهم نخواهد آمد.

دسته ۲۰۰ نفری از قراولان بختیاری (تحت امر یکی از خوانین جزء) که از طوایفی که اسلحه خوب دارند انتخاب شده‌اند، همراه امیر مجاهد خواهند رفت و با او خواهند بود تا آنکه کهکلوئیها [= کهگیلویه‌ای‌ها] را تحت اداره خود درآورده و بعد از عده آنها تا آن اندازه‌ای که برای قراولی در قراولخانه‌ها لازم است مکفی باشد، کسر خواهد شد.

ترتیبات فوق باید برای اعاده انتظامات مکفی باشد و گمان می‌کنم بتوانم توصیه نمایم که قبل از آخر این ماه ایاب و ذهاب قوافل تجدید شود.
من کاپیتان گری را برای زحماتی که در اصلاح ذات‌البین نموده است، تبریک می‌گویم و ظاهراً ترتیباتی که داده شده، رضایت‌بخش است و برای آتیۀ راه بختیاری امیدواری می‌دهد.

در ابتداء چنانچه انتظار می‌رفت از بابت خوانین صفار اشکال زیادی بظهور رسید.

نمره - ۲۱۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۵ شهریور ۱۲۹۱؛ ۵ شوال ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل از قنصل اعلیحضرتی مقیم تبریز در ۱۷ سپتامبر واصل شده است: چندین نفر از همراهان شاه مخلوع به اینجا وارد شده‌اند و در میان آنها سالار معزز و حاجب‌الدوله هستند که از راه قزوین از رشت آمده‌اند. یکی از همراهان شاه مخلوع اظهار داشت که حاجب‌الدوله در ظرف يك ماه از ادسا به اروپا رهسپار خواهد شد.

از قراری که راپورت داده شده، شجاع‌الدوله به همین زودیها برای روسیه حرکت خواهد کرد.

حشمت‌الدوله چند روز قبل از این، حرکت کرد به عنوان اینکه، به طهران پروه ولی عقیده عموم بر این است که خیال دارد به شاه مخلوع ملحق گردد. مترجم اول محمدعلی بایستی به همین زودیها از برلن به این‌جا وارد شود.

نمره - ۲۱۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۶ شهریور ۱۲۹۱؛ ۶ شوال ۱۳۳۰]

تعلیماتی که در تلگراف ۱۶ سپتامبر [۲۴ شهریور؛ ۴ شوال] شما مندرج بود، مجری شده‌اند. انتظار نمی‌رود در عودت اسکادران از اصفهان به شیراز، اسباب زحمتی فراهم آید. مخبرالسلطنه فعلاً حرکت خود را به تعویق انداخته و تاریخ قطعی حرکت وی از اصفهان غیرمعلوم است، چرا که عساکری که به او وعده داده شده است، حاضر نمی‌باشند. عقیده کلنل دوگلاس بر این است که هر قدر زودتر که ممکن است، بایستی آنها را عودت داد و با من هم‌عقیده است که بدون ملاحظه تاریخ حرکت مخبرالسلطنه، باید تاریخی برای حرکت آنها معین شود.

من به قنصل جنرال مقیم اصفهان تعلیم داده‌ام که مخبرالسلطنه را نصیحت نموده و به او بگوید که ظاهراً این کار صحیحی نیست که اسکادران مزبور به همراه او برود ولیکن حرکت آن را نمی‌توان تا مدت غیرمعین به تعویق انداخت و آنها باید یا قبل از حرکت او یا ده روز بعد از آن، حرکت کنند. مستر گرایهم و صاحب‌منصب فرمانده آنها و مخبرالسلطنه بهتر می‌توانند تاریخ حرکت آنها را تعیین کنند.

نمره - ۳۱۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۱۸ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۶ شهریور ۱۲۹۱؛ ۶ شوال ۱۳۳۰]
 مالیه دولت ایران

راجع به تلگراف ۱۴ سپتامبر از سنت پترزبورغ:
 دولت روس به همکار روسی من تعلیم داده‌اند که همین مطلبی را که وزیر امور
 خارجه روس به سفیر ایران مقیم سنت پترزبورغ عنوان نموده است، به دولت ایران
 ابلاغ نماید مشعر بر اینکه هر زمانی که دولت ایران اطمینانات رضایت‌بخش در باب
 امتیاز احداث راه آهن از جلفا الی تبریز را بدهند، خواهش دولت ایران برای قرضه
 به دولت روس ابلاغ خواهد شد.

نمره - ۳۱۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۷ شهریور ۱۲۹۱؛ ۷ شوال ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۸ سپتامبر من:

قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می‌دهد که سالارالدوله
 و یارمحمدخان از شهر خارج شده و با ۶۰۰ نفر به طرف کردستان حرکت نموده‌اند و
 فعلاً سنندج را تهدید می‌کنند بطوریکه حکمران آنجا در قنصلخانه عثمانی پناهنده
 شده و مردم از ترس فرار می‌نمایند.

دولت ایران این اجازه را تصدیق می‌کنند ولی به هیچ وجه نمی‌دانند عساکر دولتی
 تحت امر فرمانفرما که هفته قبل هنگامی که به طرف کرمانشاه حرکت کردند، سنندج
 را اشغال نموده بودند، کجا هستند.

اینطور تصور می‌شود که قشون طرفین متخاصمین، از راههای مختلف از هم گذشته
 و برحسب اتفاق یا برحسب نقشه خود بدون خالی کردن گلوله، شهرهایی را که اشغال
 کرده بودند، مبادله نموده و هر یک شهری را که دیگری اشغال نموده بوده، اشغال
 کرده است.

نمره - ۳۱۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۷ شهریور ۱۲۹۱: ۷ شوال ۱۳۳۰]
 مخبرالسلطنه و فارس

راجع به تلگراف ۱۸ سپتامبر من:
 قنصل جنرال اعلیحضرتی مقیم اصفهان راپورت می‌دهد که مخبرالسلطنه دیروز حرکت کرد و چنانکه اقرار شده، اسکادران روز ۳۰ سپتامبر حرکت خواهد کرد. کلنل دوگلاس این ترتیب را تصویب می‌کند.
 من دیروز وزیر امور خارجه را اطلاع دادم که اسکادران مذکور در شرف حرکت از اصفهان است. علاءالسلطنه اظهار داشت که بر او حتم است بمجرد ورود فرمانفرما به فارس، تمام کارها اصلاح خواهد شد و اظهار اعتماد نمود به اینکه برای دولت اعلیحضرتی ممکن خواهد بود که تمام عساکر را قبل از زمستان عودت دهند و بعلاوه اظهار داشت که صولت‌الدوله اطمینانات صریحه از بابت پشیمانی خود و اطاعت و انقیاد نسبت به دولت داده است و او وعده داده بود که راه بوشهر را منظم نموده و اسلحه‌ای که در موقع شکست اخیر از ژاندارمها گرفته شده بود مسترد دارد.
 علاءالسلطنه از من استفسار نمود که آیا صولت‌الدوله اطمینان مشایبهی به من هم داده است یا نه. من جواب دادم بلی داده است ولی چون به عقیده من فقط کسی که بتواند اختلافات فیما بین رؤسای ایلات را رفع نماید فرمانفرمای جدید خواهد بود، من در جواب مخابرات صولت‌الدوله چیزی تلگراف نکرده‌ام.

نمره - ۳۲۰

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری
 سنت پترزبورگ ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۷ شهریور ۱۲۹۱: ۷ شوال ۱۳۳۰]
 خط آهن جلفا و قرضه روس به دولت ایران

یادداشت دولت روس اطلاعی را که من به موجب تلگراف ۱۴ سپتامبر خود داده‌ام تصدیق می‌کند و مشعر است بر اینکه به مجرد آنکه دولت ایران به سفیر روس مقیم طهران کتباً تصمیم خود را در اعطای امتیاز اطلاع دادند، دولت روس مسأله قرضه را در تحت ملاحظه خواهند آورد.

نمره - ۳۲۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
 وزارت خارجه ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۷ شهریور ۱۲۹۱: ۷ شوال ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۱۸ سپتامبر شما:

من طریقه‌ای را که پیشنهاد شده است در موضوع عساکر اصفهان عمل شود، تصویب می‌کنم. شما حالا باید مراسله‌ای به مضمون ذیل برای دولت ایران بنویسید: هرگاه نظر به اوضاع ایالت، عودت عساکر صلاح بود و اگر شرایط معتدلی که در طی مراسله سر جارج بارکلی در ۴ آوریل گذشته ارائه شده بود پذیرفته گردیده بود، دولت اعلیحضرتی قبل از این تاریخ، عساکر خود را از اصفهان و شیراز عودت داده بودند. با وجود این، دولت اعلیحضرتی مایل می‌باشند که حسن‌نیت و تحمل خود را نسبت به دولت ایران ابراز داشته و مشغول ترتیباتی هستند که عساکر مزبور را از اصفهان و شیراز عودت دهند و دولت اعلیحضرتی این اقدام را به این قصد و اراده خواهند کرد که برای مخبرالسلطنه مهلتی برای اعاده انتظامات باشد و تلافیهای لازمه‌ای را که دولت اعلیحضرتی برای حمله بی‌جهت بر صاحبمنصب انگلیسی و مستحفظین او مطالبه می‌نمایند، بعمل آورد و اعتماد دارند که مساعی جناب معظمله برای انجام مقاصد مذکور، موفقیت حاصل خواهد کرد.

چون اعتماد داریم به اینکه دولت ایران رویه دوستانه خود را شناخته و می‌شناسند، دولت اعلیحضرتی از آنها خواهش می‌کند که تعلیمات لازمه به مأمورین محلی بدهند که برای تحصیل محل و منزل صحیح برای عساکر، هر قدر که ممکن است در شیراز همراهی و کمک بشود و به همینطور برای دسته‌ای که قرار است از اصفهان به شیراز عودت داده شود، اگر همراهی لازمه نشود، دولت اعلیحضرتی مجبورند به اینکه وادارند برای آنها سرپازخانه ساخته شود و دولت ایران را مسؤول مصارف آن خواهند دانست.

نمره - ۳۲۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۸ شهریور ۱۲۹۱؛ ۸ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ سپتامبر خودتان - شیراز - شما باید کلنل دوگلاس و مستر اسمارت را اجازه دهید که سعی نموده اجاره منزلها را تجدید نمایند که اگر لازم باشد این زمستان هم در اجاره ما باشد.

نمره - ۳۲۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۹ شهریور ۱۲۹۱؛ ۹ شوال ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل از جنرال قنسول مقیم اصفهان رسیده است:

صاحبمنصب فرمانده عساکر مرا اطلاع می‌دهد (پس از مشورت با کلنل دوگلاس) که تاریخ حرکت اسکادران را پنجم اکتبر قرار داده است.

نمره - ۲۲۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ اوت ۱۹۱۲ [۱۸ مرداد ۱۲۹۱: ۲۵ شعبان ۱۳۳۰]

آقا

در باب تلگراف ۱۷ شهر جاری من، افتخار دارم که سواد نوتی را لفاً ایفاد دارم که سفیر روس و من به زبان انگلیسی در ۱۷ شهر جاری برای وزیر امور خارجه نوشته و ایشان را اطلاع داده‌ایم که چنانچه به سمع ما رسیده دولت ایران از سفیر هلند خواهش نموده‌اند که از دولت هلند استفسار نماید که آیا مایل هستند برای ژاندارمری که در نظر دارند تشکیل دهند، صاحب‌منصب بدهند و جناب معظم‌له را به این مسأله متذکر نموده‌ایم که چنین اقدامی با قرار و مداری که داده شده است که قبل از استخدام صاحب‌منصبان خارجه، دولت ایران بایستی نصیحت سفارتین را تحصیل نمایند، موافقت ندارد و در خاتمه خواهش نموده‌ایم که بنا بر قراردادی که در موقع پرداخت مساعده مشترک در مارس گذشته بعمل آمده، نقشه تشکیل قشون جدید که ظاهراً طرح شده، بایستی به ما ارائه شود.

ملفوف نمره ۳۲۴

مکتوب سفرای انگلیس و روس به علاءالسلطنه

۱۷ اوت ۱۹۱۲ [۲۶ مرداد ۱۲۹۱: ۴ رمضان ۱۳۳۰]

حضرت اشرف

چنانچه بر سفارتین معلوم گردیده، دولت ایران چنان صلاح دانسته‌اند که از دولت هلند استمداد نمایند برای آنکه ۲۷ نفر از صاحب‌منصبان نظامی هلند را تعیین نمایند قشون کمی را که دولت علیه در نظر دارند تشکیل دهند.

ما می‌خواهیم حضرت اشرف را متذکر نماییم که در صورتی که معلوم شود که اطلاع ما صحت داشته باشد، چنین اقدامی ظاهراً با قراردادی که داده شده، موافقت ندارد و چنانچه خود حضرتعالی مسبوق می‌باشید، دولت ایران به موجب قرارداد مذکور، در باب استخدام مستخدمین و صاحب‌منصبان خارجه اینطور قرار دادند که قبل از وقت، با سفارتخانه‌های انگلیس و روس تبادل افکار نمایند.

ما، بعلاوه خاطر نشان می‌نماییم که به موجب مراسلات ۱۹ و ۲۰ ماه فوریه [یکم اسفند ۱۲۸۹، ۲۰ صفر ۱۳۲۹] گذشته، اینطور مقرر گردید که نقشه قشونی که دولت ایران در نظر دارند در موقع مناسبی تشکیل دهند، به سفارتین ارائه شود برای آنکه در مواد لازمه آن تبادل نظریات بشود. تصور می‌شود که اگر قصد دولت ایران این است که بهمین زودیها از صاحب‌منصبان خارجه استمداد نمایند، بایستی چنین نقشه‌ای را تاکنون طرح نموده باشند.

بنائاً علی هذا چنین نقشه‌ای بنا بر قرار و مدار دوستانه که داده شده و در مراسلاتی که مبادله شده مذکور و مسطور است، باید هر قدر زودتر به سفارتخانه‌ها ارائه شود.

(امضاء) پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] کزیل
والتر تنلی

نمره - ۳۲۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۶ اوت ۱۹۱۲ [۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۳ رمضان ۱۳۳۰]
آقا

در باب تلگراف سفیر سابق و جواب شما مورخه ۲۴ و ۲۷ ژانویه افتخار دارم راپورت دهم که خزانه‌داری کل مرا اطلاع داده است که تعیین هشت نفر از بلجیکها [= بلژیکی‌ها] برای معاونت خزانه تصویب شده است. مسیو مرنارد بعلاوه مرا اطلاع می‌دهد که دولت ایران تصمیم نموده‌اند دو نفر بلجیکی دیگر برای اداره پستخانه استخدام نمایند و به همین زودی با مسیو بویر یکی از اتباع روس، باب مذاکرات مفتوح خواهند داشت که او را برای مفتشی مهندسی تلگرافات ایران تعیین نمایند. مسیو بویر از چندین سال به این طرف به همین شغل در اداره تلگرافی هند و اروپا مستخدم بوده است.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۳۲۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۶ اوت ۱۹۱۲ [۳ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۳ رمضان ۱۳۳۰]
آقا

افتخار دارم راپورت دهم که نظر به اغتشاشی که ممکن است از بابت نان در طهران به ظهور رسد، خزانه‌داری کل قرار می‌دهد با انجمن نانواها داده است و دعوی می‌کند که این قرارداد، به هرگونه بیم و وحشت اغتشاش در آتیه خاتمه داده و دیگر ممکن نیست وزراء بتوانند خرید و فروش گندم را وسیله دخل شخصی خود قرار دهند.

این انجمن متعهد می‌شوند که چهل و پنج دکان نانوايي در نقاط مختلفه شهر راه انداخته، نان یکساله را بدهند و فقط گندمی را که از طرف دولت به آنها داده می‌شود، بکار ببرند و خزانه‌داری کل متعهد می‌شود که مقدار معین گندم یومیه به آنها بدهد به شرط آنکه آن را فقط در دکاکین مذکور به مصرف برسانند. اگر دکاکین مذکور برای مصرف گندمی که دولت می‌دهد کافی نباشد، انجمن مذکور مجاز هستند که بر عده آنها بیفزایند و انجمن مذکور متعهد می‌شوند که آنچه گندمی که از مصرف یومیه باقی می‌ماند، به انبارهای دولتی مسترد دارند. در صورتی که گندمی غیر از

گندم دولت به مصرف رسد یا آنکه گندم را با چیزهای دیگر مخلوط کنند، بعضی مجازاتها به عمل خواهد آمد.

کنترات مذکور را کابینه تصویب نموده‌اند و به موجب آن، تمام ناوها می‌توانند از انبارهای دولتی غله بخرند.

خزانه‌داری کل حاضر است که یومیه ۲۵۰ خروار گندم به دکاکین مزبور برساند.
(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۳۲۷ ۱

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۳ اوت ۱۹۱۲ [۲۲ مرداد ۱۲۹۱: ۲۹ شعبان ۱۳۳۰]

آقا

اظهاری که اخیراً در مجلس مبعوثان شد که ظاهراً محتمل نیست که هیأتی از سرمایه‌داران یافت شود که با این اوضاع مفشوش سیاسی و مالی ایران، بدون وثیقه از طرف دولت انگلیس یا روس قرضه بدهند، اسباب تغییر خیلی زیاد در اینجا شده است.

به موجب تلگرافی که از سفیر ایران مقیم لندن رسیده، مرا مسؤول قرار داده‌اند که دولت اعلیحضرتی را از عایداتی که دولت ایران می‌تواند محل تأمین قرضه قرار دهد، درست مطلع نساخته‌ام بلکه سبب این شده‌ام که امر بر آنها مشتبه گردد.

وزیر امور خارجه در این موضوع بطور سرزنش و ملامت با من صحبت نموده، اظهار داشت که: در صورتی که بگذارند، دولت ایران می‌تواند به سهولت از جاهای دیگر قرض کند.

من برای علاءالسلطنه توضیح نمودم که یحتمل مقصود شما از این اظهار، غیرمکفی بودن تأمیناتی است که خزانه‌داری کل برای قرضه ۶،۰۰۰،۰۰۰ لیرا ارائه نموده، و این مبلغ، تصور می‌شد کمترین مبلغی است که برای احتیاجات ایران لازم می‌شود که بتواند قروض خود را پرداخته و مالیه خود را براساس محکمی استوار نماید که بتوان امید داشت از این پول، نتایج منتظره حاصل شده و به وسیله آن عایدات دیگر تحصیل گردد.

من در این باب، با مسیو مرنارد مذاکره نموده‌ام و عقیده او بر این است که عایدات موجوده ایران بایستی کافی باشد که قرضه ۶،۰۰۰،۰۰۰ لیرا را تأمین نماید ولی می‌گوید که چنین ترتیبی مستلزم مصرف کلیه وجوهاتی است که ایران برای مصارف لازمه احتیاج دارد [و] دیگر برای مصرف یومیه چیزی باقی نخواهد ماند. او بعلاوه اظهار داشت که از زمانی که در باب امکان حصول قرضه در ماه مه گذشته مذاکره نمودیم، پیشنهاداتی ارائه نموده است زیرا که بر او محسوس بوده که وجوهات چنین

قرضه‌ای بایستی به مصرف پرداخت دعاوی و تشکیل قشون و سایر مقاصد بی‌حاصل برسد و آنوقت، اوضاع ایران از حیث مالیه، از حالیه بدتر خواهد شد.

مسیو مرنارد تصور می‌کرد که با دلیل، می‌توان امیدوار بود که همینکه در عملیات اداره او استحکام زیادتری حاصل شد، بهبودی تدریجی در مالیه پدیدار خواهد گردید ولی او موافق بود با این مسأله که تزئید احتمالی عایدات را نمی‌توان به سرمایه‌داران اروپایی به جای عایدات صحیح قلم داد که ممکن است بخواهند عایدات خالص را که ایران می‌تواند محل قرضه قرار دهد، بدانند چیست. به تصور او، نافع‌ترین چیزی برای ایران، قرضه کمتری خواهد بود که محل مصرف آن بطور وضوح تعیین شود [این پول] بایستی مخصوصاً به مصرف نقشه‌هایی برسد که به وسیله آن بتوان بر عایدات افزود. او ظاهراً چندان اهمیتی به قدر و قیمت قشونی که موجب اعاده و استقرار نظم باشد، نمی‌داد و اظهار امیدواری نمود که ممکن است امکان داشته باشد پرداخت وجوهات دعاوی را به تأخیر انداخت تا زمانی که مملکت بتواند از این سرمایه که داده می‌شود، انتفاعی حاصل نماید.

عقیده من بر این است که بسیار مشکل است که از کم و کیف عایداتی که قرضه را تأمین نماید اطلاعاتی حاصل نمود مگر آنکه يك نفر یا چند نفری که در این کارها مهارتی داشته باشند و کمتر از مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] و من در امورات اشتغال داشته باشند، آمده و مذاقه لازم در این کار بنمایند. در مملکتی که بودجه یا احصائیه ندارد، بسیار مشکل است که شخص بتواند عقیده صحیحی از بابت اوضاع مالی آن داشته باشد.

از قرار معلوم، خزانه‌داری کل بسیار امیدوار به پیشرفت نقشه اداری است. که خیال دارد [در] داخل و خارج طهران مجری و معمول دارد و می‌گوید که [با] این طریقه وصول مالیات، هنگامی که بشود آن را در سایر نقاط مملکت مجری و معمول داشت، می‌توان متدرجاً نتایج بهتری بدست آورد.

از وقتی که شروع به نوشتن این‌مراسله نمودم، خزانه‌داری کل، صورت‌عایدات دولت ایران را تهیه نموده است. قصد دولت این [است] که سواد آن را برای نمایندگان خارجه خود بفرستند - و من سواد آن را برای اطلاع شما فرستادم - برای آنکه آنها بتوانند سوء تأثیری [را] که نسبت به اوضاع مالی این مملکت در اروپا و اتازونی از اظهار شما در مجلس مبعوثان شده و فوق این‌مراسله بدان اشاره نمودم، رفع نمایند.

قرائت این صورت نشان می‌دهد که بین آن و صورت عایداتی که در ماه مارس گذشته انتشار داده شد و سواد آن را سر جارج بارکلی در ۹ مارس برای شما فرستاد، اختلاف وجود دارد. و نیز مشاهده خواهد شد که عایدات تخمینی گمرکات و تلگرافخانه و ضرابخانه و مسکرات و غیره و سایر منابع، برای سال جاری ۱۰۰،۰۰۰ لیرا می‌باشد

و از مبلغی که در ماه مارس تخمین شده بود زیادتر است و چند فقره عایدات تازه هم در صورت مذکور دیده می‌شود و حال آنکه مالیات جنسی با مالیات نقدی که برای مصارف اداری تخصیص شده تقریباً مساوی است.

چنانکه ۱ ملاحظه خواهد شد، به علت گرانی قیمت نقره و کمی سکه، عایدات ضرابخانه از سیصد هزار تومان به یکصد هزار تومان تخفیف یافته و از طرف دیگر، تخمین شده است که از مالیات تریاک و مسکرات پانصد هزار تومان در عوض صد و چهل هزار تومان عاید خواهد شد.

مسیو مرنارد توضیح می‌دهد^۲ که علت اضافه مالیات تریاک و مسکرات این است که او حالا بهتر می‌تواند تحدید تریاک را اداره کند و اظهار می‌دارد که از این منبع، فیما بعد، بهتر می‌توان عایدات بدست آورد.

اوضاع گمرکات شمالی کمافی السابق رضایت بخش است ولی از قراری که فهمیده‌ام، در عایدات گمرکات جنوبی تخفیف حاصل شده است.

در ضمن صحبتی که تازگی در میان بود، خزانه‌داری کل اظهار داشت که در فکر این است که بر گمرک تمام واردات کمی بیفزاید.

روی هم رفته گمرک تمام واردات، از روی قیمت، صدی هفت است در صورتی که از بعضی اجناس بکلی حقوق گمرکی اخذ نمی‌شود و اظهار داشت که این اضافه حقوق گمرکی را طوری ترتیب خواهد داد که در واردات نقصانی حاصل نشده یا قیمت آنرا برای خریداران زیاد نماید^۳.

مسیو مرنارد را عقیده بر این است که حتی برای او هم بسیار مشکل است که از روی صحت، ابراز عقیده‌ای در باب اوضاع مالی بنماید لیکن از قرار معلوم به تخمین فقره اول عایدات اعتماد دارد اگرچه من از بعضی فقرات آن مشکوک می‌باشم.

گویا تخمین عایدات مالیاتی بیشتر خیالی و قیاسی بوده است زیرا که مسیو مرنارد مکرر اعتراف نموده است که از بسیاری ایالات و ولایات چیزی وصول نمی‌شود.

اگرچه در بعضی از ایالات و ولایات مذکوره از قبیل فارس قانون و نظم برقرار شود، مبالغ زیادی عایدات بدست خواهد آمد که هم به مصرف اداره کردن آنجاها رسیده و هم به مقاصد ملی صرف شود از بعضی ایالات دیگر مثل آذربایجان و خراسان هم تا همین اواخر عایدات صحیح وصول می‌شد ولی حالا دیگر چیزی از آنها وصول نشده و به کیسه دولت دیگر کمکی نمی‌رسانند.

مسیو مرنارد به من اظهار داشت که قصد دولت ایران این است که به همین زودیها پیشنهاد قرضه ۵،۰۰۰،۰۰۰ لیرا به سفارتین عرضه بدارند لیکن از صمیم قلب امیدوار است که دولتین راضی خواهند شد قبلاً ۲۰۰،۰۰۰ لیرا بدهند برای آنکه بتواند تا زمانی که قرضه مذکور تحصیل نشده، چند ماهی امورات را اداره نماید.

(۱) اصل: چنانچه. - م.

(۲) اصل: می‌کند. - م.

(۳) چنین است در اصل (نمایند؟). - م.

او بعلاوه اظهار داشت که نمی‌خواهد مبلغ مساعده به اندازه مساعده آخری باشد که پس از وصول آن، او دیگر نتوانست پرداخت بعضی وجوهات را در عید نوروز به تعویق اندازد بلکه مجبور شد در ماه ژوئیت گذشته مبلغ ۴۰،۰۰۰ لیرا - قریب سه ماه پس از وصول مساعده مذکور - در موقعی که از حیث پول کار بر وی سخت شده بود، مسترد دارد.

(امضاء) والتر تنلی

ترجمه ملفوف نمره ۳۲۷

صورت عایدات ایران که از طرف

خزانه‌داری کل تهیه شده است

عایدات حالیه ایران که وصول آن به دست خزانه‌داری کل است، راجع به سنه سیچقان نیل ۱ می‌باشند:

(۱) عایدات گمرک و تلگرافخانه و ضرابخانه و پاسپورت و تریاک و مسکرات و روده و تمبر و معادن و تنباکوی رژی و امتیاز نفت

تومان

۴۵،۰۰۰،۰۰۰

حداقل

۵۷،۰۰۰،۰۰۰

حداکثر

(۲) مالیات املاک اربابی و خالصه

۲۵،۰۰۰،۰۰۰

حداقل

۵۰،۰۰۰،۰۰۰

حداکثر

جمع عایدات

۲۷۰،۰۰۰،۰۰۰

حداقل تخمینی

۱۰۷،۰۰۰،۰۰۰

حداکثر تخمینی

دولت ایران بایستی سالیانه استهلاك قروض ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ (روس) و ۱۹۰۴ (هندوستان) و ۱۹۱۱ (انگلیس) را که جمعاً ۱۴،۰۰۰،۰۰۰ تومان می‌شود بپردازند. اگر دولت قرضه جدیدی از قرار صدی پنج بدست آورند، بایستی سالیانه از بابت اصل و فرع، مبلغ ۱،۴۴۰،۰۰۰ تومان بپردازند.

کلیه وجوهاتی که باید از بابت قروض سابقه و قرضه آتیه داده شود، از ۲،۸۴۰،۰۰۰ تومان بالغ نخواهد شد و حال آنکه عایدات گمرک فقط از ۳،۲۰۰،۰۰۰ تومان تا ۳،۵۰۰،۰۰۰ تومان است.

در صورتی که دولت ایران برای قرضه ۵،۰۰۰،۰۰۰ لیرا کنترات نمایند، از وجوهات این قرضه باید مصارف ذیل را فوراً بپردازد:

(۱) سال موش (نک: صفحه ۱۸۹۱). - م.

(۲) اصل: ۷۰،۲۵۰،۰۰۰ - م.

- (۱) قروض مختلفه از زمان مظفرالدین شاه و محمدعلی میرزا ۷۳,۰۰۰,۰۰۰ تومان
- (۲) قروض جدیده ۱۴,۷۵۰,۰۰۰ تومان
- (۳) دعاوی مختلفه که تاکنون داده نشده ۱۵,۰۰۰,۰۰۰ تومان
- جمع ۱۰۲,۷۵۰,۰۰۰ ۱ تومان
- پس از دریافت وجه قرضه مذکور و استرداد کلیه قروض جاریه، حداقل مبلغ ۱۲۵,۰۰۰,۰۰۰ تومان برای دولت باقی خواهد بود و این مبلغ برای اصلاحات تا دو سال، به خوبی کافی می باشد.

عایدات سالیانه برای تأمین قرضه

حداکثر تومان	حداقل تومان	
۳,۵۰۰,۰۰۰	۳,۲۰۰,۰۰۰	گمرکات
۱۵۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	تلگرافخانه
۵۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	ضرابخانه
۳۵۰,۰۰۰	۲۵۰,۰۰۰	پاسپورت
۷۵۰,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰	تریاک و مسکرات
۷۰,۰۰۰	۵۰,۰۰۰	روده
۶۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰	جزیره هرمز
۵۰,۰۰۰	۴۰,۰۰۰	معادن مختلفه
۲۰,۰۰۰	۱۵,۰۰۰	تنباکوی رژی
۱۵۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	تمبر
۱۴۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	نفت
۵,۷۴۰,۰۰۰	۴,۵۲۵,۰۰۰	
۱۵,۰۰۰,۰۰۰	۲,۵۰۰,۰۰۰	
۱۰,۷۴۰,۰۰۰	۷,۰۲۵,۰۰۰	

قروض

پرداختهای سالیانه
تومان ۹۵۰,۰۰۰
۴۵۰,۰۰۰
۱,۴۰۰,۰۰۰

قروض دولتی

قروض ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ صدی پنج از روس
قرضه ۱۹۰۴ صدی پنج هندوستان
قرضه ۱۹۱۱ صدی پنج بانک شاهنشاهی

(۱) اصل: ۱۰۴,۸۷۰,۰۰۰ - م.

(۲) چنین است در اصل و ماهیت این دو پیکره روشن نشده است. - م.

۱،۴۱۴،۰۰۰	قرضه آتیه ۱۹۱۲	۵،۰۰۰،۰۰۰ لیرا از قرار صدی پنج
۱ ۲،۸۱۴،۰۰۰		
	اوضاع مالی ایران پس از استرداد قروض جاریه به وسیله قرضه دیگر	
	قرضه ۱۹۱۲	۵،۰۰۰،۰۰۰ لیرا
	صدی هشتاد و پنج	۴،۲۵۰،۰۰۰ تومان
	وجه لیرا به حساب قران	۲۳،۰۰۰،۰۰۰ تومان
	منهای وجوهات استردادی	۱۰،۴۸۷،۰۰۰
	وجوهاتی که باقی می ماند	۲ ۱۲،۵۱۳،۰۰۰
	(۱) قرضه اشنیدر پاریس	۱،۲۰۰،۰۰۰
	قرضه بانک دسکونت	۲۲۵،۰۰۰
	قرضه سابق بانک مذکور	۱۱۲،۰۰۰
	قرضه تومانیانس	۱۵۰،۰۰۰
		۱،۶۸۷،۰۰۰
	(۲) مبلغ تخمینی دعاوی که پرداخته نشده	۱،۷۰۰،۰۰۰
	(۳) مجموع قروض صدی هفت بانک روس	۶،۰۰۰،۰۰۰
	مساعده آخری	۱،۱۰۰،۰۰۰
	جمع	۷،۱۰۰،۰۰۰
	جمع کل	۱۰،۴۸۷،۰۰۰

نمره - ۳۲۸

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۲ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۲ رمضان ۱۳۳۰] آقا

افتخار دارم اینک صورت خلاصه وقایع چهار هفته اخیر ایران را به طریق معمول ماهیانه لفا ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوفی نمره ۳۲۸

خلاصه وقایع ایران لغایت ۴ سپتامبر

طهران

حکام ایالات و ولایات - منبرالسلطنه که در خلاصه وقایع آخری راپورت داده شد از طهران خارج شد، تا ۲۲ ماه اوت در حقیقت از حدود طهران حرکت نکرد و آنوقت

(۱) اصل: ۲،۸۴۰،۰۰۰ - م.

(۲) این پیکره گویا درست نیست زیرا مانده ارقام برابر ۱۶،۷۶۳،۰۰۰ تومان می شود. - م.

با دو نفر از صاحبمنصبان سوئدی و یکصد نفر از ژاندارمری خزانه و قریب دویست نفر سوار حرکت کرد.

انتخابات مجلس - در تحت اوامر حکومت مرکزی کمیته‌ای مرکب از وکلای سابق و اعیان تشکیل گردید که در مسأله انتخابات جدید مذاقه نموده مخصوصاً ببینند انتخابات جدید را بایست به موجب قانون انتخابات مجلس به عمل آورد یا آنکه به واسطه حوزه‌های انتخابی مثل سابق به انجام رسانند.

کمیته مذکور تصمیم نمود که تغییر سیستم انتخابی که مجلس سابق اتخاذ نموده، خلاف قوانین مشروطیت می‌باشد و چون حکومت مرکزی تصور می‌کنند غیرممکن است حالیه از روی سیستم مذکور انتخابات بشود. تا مدتی انعقاد مجلس جدید را به تعویق انداخته‌اند.

مأمورین دیپلوماسی - پرنس هنری ریس سفیر جدید آلمان دهم اوت به طهران وارد شد و روز بعد اعتبارنامه‌های خود را عرضه نمود.

یوم تولد شاه - روز ۱۱ اوت مراسم جشن مولود شاه به عمل آمد. روز بعد، مأمورین دیپلوماسی به حضور اعلیحضرت مشرف شده و غروب آن روز را از طرف صدراعظم، رسماً به شام دعوت شدند.

ژاندارمری دولت - شش نفر صاحبمنصب سوئدی که در ماه ژوئیت برای خدمت در ژاندارمری از استخپلم [= استکپلم] حرکت کرده بودند، ماه گذشته وارد طهران شدند.

تبریز

اقدامات نظامی برعلیه [= علیه] شاهسونها در تمام ماه گذشته در کار بود و به قرار راپورتهای اخیری که از قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز رسیده، یاغیان در نیمه آخری ماه اوت شکست سختی خوردند. تلفات روسها نیز زیاد بود چونکه در ۲۳ ماه [۳۲ مرداد؛ ۱۰ رمضان] قریب ۷۰ نفر مقتول و مجروح آنها را، از اردبیل به تبریز آوردند.

در ۲۹ اوت سپهدار اعظم در بارنك، که خارج شهر واقعاند آمده، مردم آنجا به دیدن او می‌رفتند.

رشت و قزوین

در ۱۰ اوت [۱۹ مرداد؛ ۲۶ شعبان] ۶۰۰ قزاق و پیاده‌نظام از بادکوبه وارد انزلی شدند و از این عده، ۲۰۰ نفر روز ۳۱ از طالش حرکت نمود. دسته ۱۰۰ نفری قشون روس که در همدان بودند، در ۷ اوت به قشونی که در قزوین بود، ملحق شدند.

مشهد

در عرض ماه گذشته، در اوضاع شهر و ایالت مشهد، تغییری حاصل نشده است. عده قشون روس در مشهد و قوچان به ۸۵۰ و ۲۵۰ نفر تخفیف داده شده است.

اصفهان

در این تازگی، سلطان آباد و قم، مراکز عمده انقلاب بوده است. حکام این دو نقطه قشون ندارند و لذا برضد راهزنانی که این نواحی را اشغال نموده‌اند، نمی‌توانند اقدامی بنمایند.

با وجود اظهارات مکرره که به حکومت مرکزی شده، پناهندگانی که در ماه ژوئیت گذشته در تلگرافخانه بست اختیار نمودند، هنوز از آنجا خارج نشده‌اند.

سردار جنگ در غره اوت [۱۰ مرداد؛ ۱۷ شعبان] به اصفهان وارد شد و در ۲۳ حرکت نمود که مشاغل خود را به مقام ایلخانی‌گری ایل بختیاری به عهده گیرد.

یزد

انتظام‌الملک که از سه ماه به این طرف یکی از عناصر اغتشاش یزد بود و ظاهراً صلاح خود را در این ندید که در ماه ژوئیت گذشته با دولت از در صلح درآید (رجوع به خلاصه وقایع آخری کنید) در اوایل ماه گذشته، وارد نائین شده و شروع به اغتشاش‌کاری نمود.

نایب‌الحکومه اردستان، با دسته‌ای از بختیاریمها برای مقابله با انتظام‌الملک حرکت نموده، در سرهنگ آباد، طرفین با هم بنای جنگ گذارده و انتظام‌الملک و پنج نفر از همراهان او به قتل رسیدند و باقی فرار اختیار نمودند.

استاد محمد که یکی از سرکردگان هیجان رولوسیونر^۱ سال گذشته بود، از قراری که در ۱۱ اوت راپورت داده شد، با قشونی مرکب از ۴۰۰ سوار به طرف یزد در حرکت بود.

شیراز

از ۵ اوت [۱۴ مرداد؛ ۲۱ شعبان] تاکنون، دیگر جنگی رخ نداده لیکن عساکر صولت‌الدوله، هنوز کوه‌های حدود شیراز را اشغال نموده‌اند و ایاب و ذهاب در راه بوشهر به تعویق افتاده است. استعداد اعراب و قشقائی که در شیراز اجتماع نموده‌اند، هنوز برای مقابله با صولت‌الدوله حرکت ننموده‌اند.

عده‌ای از سوارهای صولت‌الدوله چند صندوق متعلق به سوار هند مرکزی را که از راه فیروزآباد از بوشهر فرستاده شده بود، غارت نموده و مقداری اموال شخصی متعلق به دولت و قشون معادل ۱۶۵ لیرا به غارت رفت.

کرمان

امیر مفخم ایالت جدید کرمان، در ۲۶ اوت [۳ شهریور؛ ۱۳ رمضان] وارد یزد شد، لیکن هنوز به کرمان وارد نشده است.

کرمانشاه

به علت غارتگری همراهان سالارالدوله و سایر دستجات سارقین در کردستان،

(۱) چنین است در اصل (رولوسیونر = انقلابی). - م.

(۲) اصل: نمودند. - م.

(۳) اصل: نموده (که از روی قرینه اصلاح شد). - م.

فرمانفرما شروع نمود به تهیه اینکه به آن ناحیه رفته و انتظامات آنجا را اعاده نماید.

در ۱۵ اوت [۲۴ امرداد؛ ۲ رمضان] فرمانفرما، همینکه شنید سالارالدوله در ۴۰ میلی کرمانشاه است، با قشون خود برای سنندج حرکت نمود.

در ۱۹ اوت یارمحمدخان و ۳۰۰ نفر از مجاهدین، فرمانفرما را ول کرده به کرمانشاه مراجعت نمودند.

به موجب تلگرافی که از قنسول اعلیحضرتی واصل شد، مجاهدین، خود را طرفدار سالارالدوله اعلان نموده‌اند ولی اخباراتی که برای حکومت مرکزی رسیده، مشعرند به اینکه یارمحمدخان اعلانی منتشر نموده است به اینکه مراجعت او به هیچ وجه به علت خصومت با فرمانفرما نبوده بلکه او و همراهانش خواهان افتتاح مجلس و تغییر حکومت می‌باشند.

به قرار راپورت‌های اخیر، شهر بدست مجاهدین و آرام است.

بندرعباس

دسته ۱۰۰ نفری از سوارهای بهارلو، در ۲۴ اوت [یکم شهریور؛ ۱۱ رمضان] به حدود بندرعباس آمده و یکی از اتباع انگلیس را در نی‌بند که به مسافت دو میلی شهر واقع است، غارت نمودند. روز بعد، به گمرکخانه حمله نموده و شش تفنگ و هشتصد تومان برده، یک گله بزرگ را هم غارت نمودند.

نایب‌الحکومه تفنگچیهای خود را برای دفع آنها فرستاد لیکن ظاهراً آنها از طرف شدن با ایلیاتیهای مذکور احتراز نمودند.

در غره سپتامبر [۹ شهریور؛ ۱۹ رمضان] غارتگران مذکور از آن ناحیه حرکت کردند.

نمره - ۲۲۹

مکتوب سر والتر تنلی به سرادوار گری

طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۲ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۲ رمضان ۱۳۳۰]

آقا

اشکالاتی که حکومت مرکزی در ایالت فارس به آن دوچار شده و می‌شوند، در اوایل اوت به واسطه مخاصمات ایلات عرب دور و حوالی ده‌بید که منجر به قتل یکی از رؤسای عرب گردید، زیادتر شد.

رؤسای عرب که به سرکردگی دستجات شیراز بودند تهدید نمودند که با همراهان خود حرکت خواهند کرد که انتقام قتل خویش خود را بگیرند.

قوام‌الملک کوشش نمود که آنها را ترغیب نماید در شهر بمانند ولی برای آنکه مبادا از اصرارهای او نتیجه گرفته نشود، اعراب باصری و سایرین را احضار نموده

است.

قریب همان تاریخ، همراهان صولت‌الدوله یاغی، مجدداً در راه بوشهر بین چنار راهدار و زینان^۱ حمله برده و يك قافله الاغی را که از فارسی‌مدان حرکت کرده بود، غارت نمودند و دفعه دیگر هم به قره‌باغ هجوم آورده و به این طریق قوام‌الملک را مجبور نمودند دسته کوچکی از کشکولیه‌ها را به آنجا بفرستند.

قشقائیه‌ها هم، در شب ۱۳ اوت [۲۱ امرداد؛ ۲۸ شعبان] يك قهوه‌خانه بزرگی را در شیراز، عقب قنصلخانه انگلیس غارت نمودند و همان روز اعراب، مقدار زیادی گندم را به ورود شهر^۲ بردند. به علت این اقدام، قوام‌الملک استعداد عرب خود را تا دو میل از شهر حرکت داد.

بعلاوه این اغتشاشات، چنانکه راپورت داده شد، دسته‌ای از کشکولیه‌ها در شمال شیراز تا زرقان، مشغول غارت می‌باشند.

مستر اسمارت راپورت داد که نه رؤسای خمسه و نه رؤسای قشقائیه‌ها هیچ‌کدام نمی‌توانستند از سواران خود داخل یا خارج شهر جلوگیری نمایند و رئیس عمده بهارلوها به قوام‌الملک نوشته بود که دیگر سعی ننخواهد کرد که از ایلیاتیهای خود که از اختیار وی خارج بودند، جلوگیری نمایند و خبر داده بود که سیمهای تلگراف را هر روز قطع می‌نمایند.

در ۱۴ اوت ۱۳۰ نفر سرباز بدون اینکه قبلاً اطلاع دهند، به قنصلخانه آمدند که در آنجا بست اختیار نمایند. مستر اسمارت ده نفر از آنها را پذیرفت تا آنکه ترتیب کارشان داده شود و بدین واسطه آنها را ترغیب نمود از آنجا خارج شوند.

مستر اسمارت در طی راپورت این وقایع، اظهار داشت که هرچو مرج این ایالت طوری است که با وسایلی که مأمورین محلی دارند، علاج آن ممکن نیست و نه فقط اقتدار دولت بلکه اقتدار ایلی هم بکلی از میان رفته است. فقط امیدی که برای افتتاح راه بوشهر هست این است که همراهان صولت‌الدوله از سیاخ خارج گردند و فقط وسیله حفظ انتظامات دره شیراز این است که قوه ایلیاتی از صفحه دره مذکور پاک شود.

قوام‌الملک مشغول ترتیبی بود که قوافل از میان مراتع فارسی‌مدان عبور نموده و از منزل چنار راهدار تا زینان عبور نمایند.

ده روز بعد از آن، مستر اسمارت راپورت داد که دو دسته از همراهان صولت‌الدوله مجدداً به قره‌باغ هجوم آورده يك دسته آنها قصد غارت يك ده بزرگی را نمودند ولی دسته‌ای از کشکولیه‌ها آنها را منهزم نموده دسته دیگر در امتداد دره پیش رفته و در دو میلی چنار راهدار قافله را که در تحت حفظ دوازده نفر از تفنگچیان دهاتی بود، حمله نمودند. یکی از تفنگچیان مقتول گردید دسته آخری سی قاطر غارت نموده مقداری گندم غارتی بار کرده و به سیاخ مراجعت نمودند.

این وقعه دو عیب بزرگ داشت: اول آنکه قافله مذکور که برای آوردن برف رفته

(۱) چنین است در اصل (زینان؟) - ۴.

(۲) چنین است در اصل. - ۴.

بودند. نتوانستند برف برای شیراز بیاورند و ثانیاً به خوبی واضح کرد که خصم، خود را به این راه هم می‌توانستند برسانند و به قوافل محمول مالالتجاره انگلیس خبر دادند که بدون مستحفظین تحت امر رؤسائی که قوام‌الملک گناهگاه ترتیب آنرا می‌دهد، حرکت نکنند.

همراهان صولت‌الدوله چند صندوقی را که از راه فیروزآباد از بوشهر برای دسته سواره هند مرکزی فرستاده شده بود، غارت نموده و معادل ۱۶۵ لیرا اموال دولت و قشون و اسباب شخصی را بردند و به قراری که راپورت داده شد، دهاتیهای جعفرجن و کنار تخته مقدار ۷۰.۰۰۰ فشنگی را که از بوشهر فرستاده شده بود، غارت کردند. قوام‌الملک اظهارات سخت به خان دالکی که این دهات در قلمرو حکومتشان واقع بود، برای استرداد فشنگها نمود ولی چون خان مذکور ده چپرون را که متعلق به کمارج بود ضبط نموده بود، انتظار نمی‌رفت که از اظهارات مذکور اثری به ظهور رسد و تصور می‌شد محتمل است به واسطه ضبط این ده، خان شبانکاره که با خان کمارج دوستی دارد، به خان دالکی حمله نماید.

از دست رفتن فشنگها مسأله مهمی بوده برای اردوکشی فشنگ به قیمت گزاف در محل بخردا و نیز از قراری که راپورت داده شد، کمارجیها و کازرونیمها از تنگ‌ترکان تا نزدیک کازرون با علیمحمد کمارجی مشغول جنگ بودند. علیمحمد شکست خورده و به شاه‌پور مراجعت نمود. به علت این اغتشاش قوافل مجدداً از راه بردون ایاب و ذهاب نمودند.

اعراب جباره و شیبانی، تمهیه جنگ می‌دیدند و دژ مرغاب مقابل یکدیگر برای جنگ چادر زده بودند. قوام‌الملک قاصدی فرستاده بود که قرار و مدار اصلاحی بدهد. شیبانیها نایب‌الحکومه اعراب را متهم به تحریک این خصومت فیما بین نموده و تقاضا نموده بودند که به شیراز احضار شود. به علت این تکدر فیما بین، مستر اسمارت تصور کرد که برای قوام‌الملک ممکن نیست به اعراب اردوی خود اعتماد بنماید. چون متجاوز از نصف اعراب از شیراز رفته بودند، کمتر از ۱،۰۰۰ نفر مرکب از ایلات خمسه و قشقائی برای قوام‌الملک باقی ماند.

محمدخان کشکولی در خان‌زینان^۲ بود و در آنجا با یکی از رؤسای فارسی‌مدان قشون مرکب از کشکولیها و فارسی‌مدانیها جمع‌آوری می‌نمودند.

مستر اسمارت اظهار عقیده نمود که بر دولتخواهی و امانت محمدعلی‌خان که از فشار قوام‌الملک و ایلخانی برای تسلیم نمودن مقصرین حمله به عساکر ما خیلی ترسیده بود، نمی‌توان اعتماد داشت و تصور می‌کرد که نظر به اوضاع مغشوش حالیه و اشکالات اعراب، فعلاً تا مدتی صلاح نیست برای فیروزآباد اردوکشی شود و چون رؤسای دستجات مختلفه تماماً با هم مساوی می‌باشند، در میان آنها سرکرده‌ای که همه

(۱) چنین است در اصل و عبارت گنگ و آشفته است. - م.

(۲) اصل: همه جا تا آخر کتاب خانه‌زینان. - م.

از او اطاعت کنند پیدا نمی‌شود و اگر قشون مذکور برای غارت، در راه با همدیگر نزاع کنند. نتیجه اردوکشی بسیار وخیم خواهد بود. به علاوه آن، حقوق قشون ایلیاتی که تا مسافتی از محل خود به نقطه‌ای فرستاده می‌شوند، باید منظمأ پرداخته شود و در آن صورت مصارف آنها خیلی زیادتر از مبلغی خواهد بود که بدست می‌آید. مستر اسمارت تصور می‌کرد که با وسایلی که قوام‌الملک فعلاً به دست دارد، اصلح این خواهد بود که فقط قبضه سیاخ را در مد نظر داشته یک دسته کوچکی در آنجا قرار داده شود تا آنکه ایلخانی تا یک‌ماه دیگر بتواند با ایلات حرکت کند و آنوقت رؤسای جزو اقتدار او را شناخته و تفنگچیهای ایلیاتی را چون نزدیک به ایل خود هستند، با خرج کمتر ممکن است حرکت داد و آنوقت ایلخانی می‌تواند با امید موفقیت بهتری به طرف فیروزآباد حرکت کند و حتی در صورتیکه پیشرفتی حاصل نشود، نتیجه آن برای دره شیراز دیگر چندان وخیم نخواهد بود چرا که در آن صورت، ایلات مذکور باید آنوقت در اراضی پایین دره بمانند و به‌تصور مستر اسمارت اگر در کار حالا پیشرفتی حاصل نشود، عده ۲ شیراز برای خصم مفتوح خواهد بود.

مستر اسمارت تمام وقت خود را روز ۲۲ اوت مشغول مذاکره با قوام‌الملک در باب قرضه ۲۰،۰۰۰ تومان برای اردوکشی بود. قشون ایلیاتی که برای حقوق داد و فریاد می‌زدند، دور قوام را گرفته بودند. مستر اسمارت بالاخره قوام‌الملک را ترغیب نمود که به این ترتیب رضا دهد که از بیست هزار تومان مذکور، دوازده هزار تومان در ۲۴ اوت و سه هزار تومان پس از قبضه سیاخ و پنج هزار تومان پس از ورود ایلخانی به محل جنگ به او داده شود مگر آنکه اتفاق غیرمترقبه‌ای روی دهد که در آن صورت مبلغ آخری زودتر داده خواهد شد. قوام‌الملک وعده داد که سه روز پس از پرداخت دوازده هزار تومان مذکور، هزار نفر به سیاخ بفرستد. این عده مکفی تصور می‌شد چرا که عده قشون خصم تصور می‌شد ۵۰۰ نفر باشد.

مستر اسمارت اظهار عقیده نمود که اگرچه این نقشه اردوکشی یأس‌آور بود، در صورتی‌که با نقشه حرکت فوری به طرف فیروزآباد مقایسه شود، اعمال آن اصلح بوده و در صورتی‌که موفقیت حاصل شود، راه بوشهر را مفتوح داشته دره شیراز را از وجود غارتگران پاک خواهد ساخت.

همین الان خبر رسید که به لیوتنان فریزر و سوار همراه او در موقعی که از منزل یکی از رفقایش که او را به شام دعوت نموده بود، مراجعت می‌کرد، شب یکشنبه غره سپتامبر [۹ شهریور؛ ۱۹ رمضان] حمله شد. این حادثه به مسافت نصف میلی قنسولخانه به وقوع پیوست.

خوشبختانه به واسطه شمشیری که سوارش در دست داشت، توانست از میان شش نفری که به او می‌خواستند حمله نمایند عبور کند و نه او و نه سوارش مجروح

(۱) اصل: قشونی. - م.

(۲) چنین است در اصل [= دره؟]. - م.

نشدند! اگرچه گلوله از کمر و آستین سوارش عبور کرد.
مستر اسمارت راپورت می‌دهد که اظهارات لازمه به مأمورین محلی شده ولی
تاکنون مقصرین دستگیر نشده‌اند.
امید می‌رفت که این واقعه مسکوت‌عنه خواهد ماند لیکن من اهمیت چنین حادثه‌ای
را به وزیر امور خارجه خاطر نشان نموده‌ام.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۲۳۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۱۲ اوت ۱۹۱۲ [۲۱ مرداد ۱۲۹۱: ۲۸ شعبان ۱۳۳۰]
آقا

در باب تلگراف امروز من، افتخار دارم که سواد یادداشتی را که دولت ایران
برای سفارتین فرستاده و علت غیرمکفی بودن قرضه ۵۰،۰۰۰ لیرا را برای احتیاجات
فوری خود مدلل نموده و خواهش کرده‌اند که مبلغی که دولتین انگلیس و روس اخیراً
در نظر داشته‌اند مشترکاً پردازند ۲۰۰،۰۰۰ لیرا باشد، لفاً ایفاد دارم.
چنانکه ملاحظه خواهید فرمود، دولت ایران اظهار امیدواری نموده‌اند که به
همین زودیها قرضه زیادتری خواهند گرفت که این مساعده را از وجوهات آن پردازند
و مذکور داشته‌اند که قبل از آخر ماه جاری، پیشنهاد آن را ارائه خواهند نمود.
از زمان وصول یادداشت، من فرصتی بدست نیاورده‌ام که با همکار روس خود
مشورت نمایم لیکن ممکن است این مطلب را بنویسم که بخوبی واضح است که دولت
ایران، فعلاً واقعاً احتیاج به پول دارند و بیم می‌رود که به واسطه نرسیدن وجوهات،
از پیشرفت نقشه ژاندارمری که حالیه ظاهراً رو به ترقی است، جلوگیری شود.

ملفوف نمره ۲۳۰

یادداشت

در باب قرضه‌ای که دولت اعلیحضرتی در صدد پرداخت به دولت ایران می‌باشند،
لازم است تأکید شود که مبلغ آن کمتر از ۱۰۰،۰۰۰ لیرا نباشد.
از اطلاعاتی که ذیلاً نگاشته می‌شود، ظاهر است که قرضه ۲۵،۰۰۰ لیرا یا حتی
۵۰،۰۰۰ لیرا مکفی نخواهد بود که دولت ایران را در مقابل اشکالات مالی که حالیه
خود را دوچار آن می‌بینند تأمین نماید، بسا وجود مساعیبه که حالیه بکار برده و
پیشرفتی که در تشکیل و تنظیم مالیه خود بطور عموم حاصل نموده‌اند.
سفارت دولت اعلیحضرتی، بخوبی مستحضر است که از ده سال به این طرف، دولت
ایران برای توازن و تعادل بودجه سالیانه خود و پرداخت بعضی مصارف لازمه از قبیل

خرید اسلحه و مهمات، متوسل به قروض شده است. قرضه‌های مذکور به قرار ذیل است:

سال ۱۹۰۰	قرضه صدی پنج	۲۰،۰۰۰،۰۰۰	روبل
سال ۱۹۰۲	قرضه صدی پنج	۱۲،۵۰۰،۰۰۰	روبل
سال ۱۹۰۴	قرضه هندوستان صدی پنج	۳۰۰،۰۰۰	لیرا
سال ۱۹۱۰	مجموع قروض مختلفه	۶،۰۰۰،۰۰۰	تومان
سال ۱۹۱۱	قرضه صدی پنج	۱،۲۵۰،۰۰۰	لیرا

که مجموع آنها ۳۲،۰۰۰،۰۰۰ تومان است که استقراض شده و در مدت دوازده سال به مصرف رسیده است.

چنانکه ملاحظه خواهد شد، در آخر سال ۱۹۱۱ تمام قرضه آخری ۱،۲۵۰،۰۰۰ لیرا، به مصرف رسیده بود. در آن تاریخ خزانه‌دار پول موجود نداشت و برای مصارف جاریه به غیر از عایدات مالیاتی و فروش غله دولت، پول دیگر نمی‌رسید و قریب ۲۵۰،۰۰۰ تومان هم اضافه عایدات گمرک در غره ژانویه ۱۹۱۲ وصول شد.

راست است که در ماه مارس دولتین انگلیس و روس راضی شدند مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیرا به دولت ایران قرض بدهند که نصف آن تاکنون صرف حقوق ژاندارمری شده و خمس آن دو ماه قبل از عایدات گمرک مسترد گردید.

در حقیقت دولت ایران فقط ۱،۰۰۰،۰۰۰ تومان قرض نمودند، در صورتی که مخارج اردوکشی کرمانشاه را داده و برای پرداخت حقوق ژاندارمری جدید پول رسانیده‌اند. بنابراین بطور تحقیق می‌توان گفت که اوضاع مالی امساله نسبت به سال قبل خیلی ترقی کرده است.

البته این مسأله ثابت نمی‌کند که دولت ایران برای اجرای نقشه اصلاحاتی که تازگی طرح نموده‌اند، می‌توانند بدون توسل به قروض جدید، کاری از پیش ببرند. اقدام در این امر، بدون حصول قرضه، البته پیشرفت نخواهد نمود بلکه بزودی نتایج عالی‌های را که فعلا از بابت اداره کردن مالیات و تشکیل ژاندارمری بدست آورده‌اند، از میان خواهد برد.

نظر به این ملاحظات مهمه، دولت ایران تصور می‌کند که بسیار لازم و متحتم است که به شکل مساعده، مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیرای دیگر قرض کنند که نصف آن را دولت انگلیس و نصف دیگر را دولت روس بپردازند.

اما از بابت مصرف این وجه ۲۰۰،۰۰۰ لیرا، دولت ایران می‌خواهد آن را به مصارف ذیل بیفزایند:

(۱)	حقوق ژاندارمری تا پنج ماه	۲۰۰،۰۰۰	تومان
(۲)	حقوق نظمیه طهران تا پنج ماه	۱۲۰،۰۰۰	«
(۳)	حقوق قشون کرمانشاه تا دو ماه	۷۰،۰۰۰	«
(۴)	حقوق قشون ساخلوی طهران تا پنج ماه	۷۵،۰۰۰	«
(۵)	حقوق دو ماهه بریگاد قزاق در تبریز	۱۸،۰۰۰	«

«	۱۵۰،۰۰۰	۶) حقوق عقب‌افتاده ادارات مختلفه دولتی
«	۱۵۰،۰۰۰	۷) برای خرید اسلحه و مهمات
«	۲۰۰،۰۰۰	۸) تشکیل و تنظیم قشون
«	۱۱۷،۰۰۰	۹) مخارج مختلفه غیرمترقبه
۱«	۱،۱۰۰،۰۰۰	جمع
	۲۰۰،۰۰۰	لیرا

در باب شرایط استرداد قرضه مذکور، دولت ایران متعهد استرداد کلیه مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیرا از وجه قرضه‌ای که به همین زودی خیال دارند عمل آن را به اتمام برسانند می‌شوند و پیشنهاد آن را در عرض ماه سپتامبر حالیه به سفارت دولت اعلیحضرتی ارائه خواهند نمود.

نمره - ۳۳۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۲ (۳۱ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۱ شوال ۱۳۳۰)

راجع به تلگراف ۱۶ سپتامبر من، تلگراف ذیل از کاپیتان گری از اصفهان رسیده: ترتیبات رضایت‌بخش برای حفاظت راه لینچ داده شده است و سردار جنگک بطور رسمی مرا اطلاع داده است که ممکن است ایاب و ذهاب قوافل مجدداً شروع شود. من این مطلب را به اصفهان و اهواز و بوشهر خبر داده‌ام.

نمره - ۳۳۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۲ [یکم مهر ۱۲۹۱؛ ۱۲ شوال ۱۳۳۰]

تلگرافی به امضای امام جمعه و سایرین از تبریز برای من رسیده خواهش اعاده محمدعلی میرزا را نموده‌اند.

وزیر امور خارجه از من استدعا می‌نماید به شما بگویم که صاحبان امضای این تلگراف که به سفارت روس نیز فرستاده شده است، کسان مهمی نیستند و سابقاً هم تلگرافات و مراسلاتی امضاء نموده و درخواستهایی نموده‌اند که با خواهشات^۲ حالیه ایشان کمال مباینت را داشته است.

(۱) اصل: ۱۰۰۰،۰۰۰ تومان. - م.

(۲) چنین است در اصل. - م.

نمره - ۳۳۳

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
بالمرال ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۲ [یکم مهر ۱۲۹۱؛ ۱۲ شوال ۱۳۳۰]
آقا

اینک سواد یادداشتی را که مسیو سازانف در باب امتیازات خط آهن انگلیس در ایران، امروز برای من فرستاده، لفا ایفاد می‌دارم.

من در جواب اظهار داشتم که فقط امتیاز خط آهنی که ما برای آن اصرار داریم، خط از محمره الی خرم‌آباد است و من بخوبی می‌دانم که برای امتیاز خط آهن در منطقه بی‌طرف باید با دولت روس مشورت کنیم و این مسأله راجع به خط آهنی از بندرعباس الی کرمان یا خط دیگری در منطقه انگلیس نمی‌باشد. مسیو سازانف با این امر موافقت داشت و بخوبی درک می‌نمود که خط از محمره الی خرم‌آباد برای تجارت ما کمال لزوم را دارد و با احداث آن مخالف نبود.

من به مسیو سازانف اظهار داشتم که عمل خط محمره الی خرم‌آباد از سایر خطوط در منطقه بی‌طرف مجزی می‌باشد اما از بابت خطوط دیگر، ما ممکن است از دولت روس بعدها خواهش کنیم که رضا شوند لیکن تا زمانی که خط آهن سرتاسر ایران از منطقه روس خارج نشده ما نمی‌توانیم آن را حق خود تصور کرده و از دولت مشارالیه تقاضای قبول احداث آن را کنیم و پس از آنکه خط آهن سرتاسر ایران از منطقه روس خارج شد، مسأله تا اندازه‌ای شکل بین‌المللی [بخود] خواهد گرفت.

(امضاء) گری

ملفوف نمره ۳۳۳

یادداشت

یک سندیکای انگلیسی (مسترز سلیگمان و گرینوی و لینچ) برای احداث خطوط آهنی در جنوب ایران، پیشنهادی به دولت ایران عرضه داشته‌اند که خلاصه آن به قرار ذیل است:

فروش اسناد از طرف دولت ایران به اعتبار و تأمین خط آهنهای مذکور و عایدات آنها و به همین طور به اعتبار و تأمین گمرکات و عایدات آنها به اختیار سندیکا خواهد بود.

(۱) احداث خطوط آهن

(۱) از محمره یا خور موسی تا خرم‌آباد یا بروجرد (نقطه آخری در منطقه روس واقع است)

(۲) از بندرعباس الی شیراز

(۳) از بندرعباس الی کرمان

(۴) از بندرعباس الی محمره

(۳) حق ساختن بنادر هر يك از نقاط فوق که لب دریا واقع باشد

(۴) حق توسعه شعبات این خطوط یا خطوط دیگر در جنوب ایران

این نقشه باعث ازدیاد فوق‌العاده دیون عمومی ایران خواهد شد و این مسأله نظر به تعهدات مالی دولت مشارالیه نسبت به روس و انگلیس، اسباب زحمت زیاد خواهد شد.

در هر صورت انتشار اسناد به اعتبار و تأمین عایدات گمرکات و سایر عایدات که محل تأمین قروض سابقه قرار داده شده، فقط عایداتی است که بتوانند قرضه بزرگی که حالا مذاکره آن در کار است، تأمین نماید، محل اعتراض زیاد میباشد.

بدون آنکه در باب جزئیات نقشه مذکور که مذاقه زیاد لازم دارد، چیزی گفته شود، باید ملاحظه نمود که چون راه احداث خطوط آهن در منطقه بی طرف برای سرمایه هر دو مملکت بالتساوی باز است انحصار حق احداث آن در منطقه مذکور با مدلول معاهده ۱۹۰۷ توافق نخواهد داشت. اما در باب پیشنهاد اینکه منتهای خطوط مذکور در پروجرده واقع در منطقه روس باشد قرار داده شود، این نیز با اصول معاهده مذکور مخالف می باشد.

بنابراین بسیار مطلوب می نماید که نقشه سندیکای مذکور را قبلاً دولتین انگلیس و روس در تحت ملاحظه و مذاقه قرار دهند.

نمره - ۳۳۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۲ [یکم مهر ۱۲۹۱؛ ۱۲ شوال ۱۳۳۰]

آقا

اینک سواد یادداشتی را که وزیر امور خارجه روس امروز برایم فرستاده و راجع به خط آهن سرتاسر ایران است، لفاً ایفاد می دارم.

(امضاء) گری

ملفوف نمره ۳۳۴

موسسه دتودا که برای احداث خط آهن سرتاسر ایران تشکیل شده، اخیراً در نظر داشته است که بدون آنکه منتظر تصمیم قطعی در خصوص اجراء و اتمام کلیه این نقشه شود، قسمتی از آن را اجراء و اعمال نماید و خیال آنها این است که فوراً تعهد به احداث خطی شود که از آلات در راه آهن ماوراء قفقاز شروع شده، به طهران منتهی گردد و به این طریق، قسمتی از راه آهن بزرگ روس را که در مد نظر است تشکیل دهد. دولت امپراطوری اساساً حاضرند بگذارند مسأله به این طور حل شود.

(۱) چنین است در متن و عبارت نارسا است. - م.

سوسیته دتود ظاهراً خیال دارد که برای حصول این مقصود با دولت ایران داخل مذاکرات شده، هم در باب تحقیقات مقدماتی در محل و هم در باب حق انتخاب خطوطی که برای آن ذی‌قیمت است، مذاکره نماید. چون حق انتخاب خطوط وقتی که تحصیل شود متضمن حق احداث خطوط مذکوره نخواهد بود، دولت امپراطوری امیدوارند که دولت انگلیس هم ایرادی نخواهند داشت بر اینکه سوسیته مذکور حق انتخاب مذکور را تحصیل نماید چرا که اگر لازم باشد شرکت مزبور در اعمال حقوق خود نسبت به قیمت خطی که راجع به انگلیس است، آزاد و مختار خواهد بود. بنابراین، دولت امپراطوری امیدوارند که هیچ چیزی نمایندگان انگلیس و روس مقیم طهران را ممانعت نخواهد کرد که سوسیته مذکور را متفقاً در مراتب فوق‌الذکر همراهی نمایند. محض آنکه بتوان بیشتر امیدوار به موفقیت این اقدام شد، خوب است که سوسیته دتود حاضر شود که هرگاه دولت ایران احتیاج داشته باشد، قرضه بزرگی به آنها بدهد.

نمره - ۳۳۵

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

بالمرال ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۳ شوال ۱۳۳۰]

امروز در موضوع ایران قدری صحبت با مسیو سازانف داشتم و از روی نقشه وسعت و بزرگی منطقه روس را نسبت به منطقه انگلیس به او خاطر نشان نمودم. من اظهار داشتم که آنچه عموم مردم اینجا احساس می‌کنند این است که تغییراتی که از زمان عقد معاهده ۱۹۰۷ حادث گشته برای ما نفعی نداشته است: دولت روس حالیه بعضی از نقاط شمالی ایران را با قشون خود اشغال نموده و بدین وسیله در تمام شمال ایران بالهای خود را گسترده و بر نفوذ خود در طهران افزوده است و نفوذ ما نسبت به آن کمتر است و تمام اینها بیش از سابق لازم می‌دارد که ما از بابت باقی ایران، اطمینان داشته باشیم مخصوصاً از بابت منافع تجارتنی خودمان در منطقه بیطرف و حکومت مرکزی باید حکام ایرانی را تقویت کنند که این منافع را حفظ نمایند و سفیر روس مقیم طهران به هیچ وجه نباید برضد آن منافع عمل کند و تا زمانی که مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] آنجا باشد، یقین داریم منافع ما ایمن و محفوظ خواهد بود.

مسیو سازانف اظهار داشت که هر سفیری از طرف روس آنجا باشد، تعلیماتی که به او داده می‌شود، همیشه همان خواهد بود که در موضوع منافع انگلیس مثل مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] عمل کند.

نمره - ۳۳۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲ مهر ۱۲۹۱: ۱۳ شوال ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۱۹ سپتامبر من:

به واسطه عدم انقیاد بختیاریها و مجاهدین ارامنه، که عده آنها به ۸۰۰ نفر می‌رسد و از کرمانشاه برای طهران حرکت کرده‌اند، بر اشکالات دولت ایران افزوده شده [است]. آنها از جنگ نمودن بیش از این امتناع ورزیده و به کنگاور رسیده‌اند و در آنجا راضی شده‌اند که منتظر ورود قشون جدید باشند. بدبختانه وضعیت دولت طوری نیست که بتواند از پایتخت زیاده‌تر از ۱۵۰ نفر بختیاری حرکت بدهد و از قراری که مذکور است، از خاک بختیاری هم کسی نمی‌آید.

اگر ترتیب این کار داده نشود، کار خیلی سخت خواهد شد زیرا که بدون این قشون کمک، قشون دولت چندان قابل برای جنگ نخواهند بود.

از قراری که مذکور است چون این قشون از جنگ کردن امتناع نمودند، سالارالدوله موفق به فرار از سنندج شد. علت این حرکت را خودشان اینطور اظهار داشته‌اند که آنها برای تحصیل مشروطیت و مجلس جنگ می‌کرده‌اند و در صورتی که مشروطیت شناخته نشده و امیدی برای انعقاد مجلس نیست، دیگر جنگ نخواهند کرد.

نمره - ۳۳۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲۶ سپتامبر ۱۹۱۲ [۳ مهر ۱۲۹۱: ۱۴ شوال ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۲۰ سپتامبر شما:

تلگراف ذیل در جواب تلگرافی که من به کلنل دوگلاس مخایره نموده و مضمون مراسله‌ای را که به دولت ایران نوشته بودم به اطلاع او رسانیدم، مخایره شده است: تلگراف ذیل از کلنل دوگلاس رسیده است:

بسیار لازم است که در محوطه‌هایی که قشون ما فعلاً در آن منزل کرده‌اند، عمارات دیگر برای منزل آنها ساخته شود. من تصور می‌کردم که از مراسلات و مکاتبات سابق این مسأله بخوبی واضح گردیده و به وصول تلگراف ۱۶ سپتامبر وزارت خارجه فوراً می‌توان شروع به کار کرد.

برای اسکادران اصفهان امیدوارم بتوانم در خارج شهر قریب یک میل دور از بقیه عساکر، کاروانسرای اجاره کنم. این ترتیب اگرچه اسباب زحمت می‌شود، ظاهراً بهترین و باصرفه‌ترین ترتیبی است که ممکن است داده شود.

از قرار معلوم، اقدام و راه دیگری برای کلنل دوگلاس باز نیست و من خوشوقت خواهم شد از اینکه تعلیمات داده و اقدامی را که باید به عمل آید، تصویب نمایید.

نمره - ۳۳۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۸ سپتامبر ۱۹۱۲ [۵ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۶ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۵ سپتامبر من:

اخباراتی که از کردستان و کرمانشاه و همدان رسیده، بسیار اسباب تشویش است. از قراری که راپورت داده شده، سالارالدوله با استعداد ۷،۰۰۰ نفر که اکثر آنها از ایللیاتیهای هستند که زیر بیرق او رفته‌اند، از سنندج حرکت کرده است و واضح نیست که آیا قصد دارد به طرف کرمانشاه یا همدان برود. خود فرمانفرما و عساکر دولتی هم معلوم نیست کجا هستند و بنا به راپورتی، در تهیه است که با تمام همراهانش در قنسولگری کرمانشاه تحصن اختیار کند. به موجب راپورت دیگر، او با بختیاریه‌ها و مجاهدینش در کنگاور است.

در همدان، به واسطه آنکه مجاهدین تحت امر کری^۱ از قراری که راپورت داده شده، به طهران تلگراف نموده‌اند که چون مجلس وجود ندارد، دیگر جنگ ننموده و به طهران مراجعت خواهند کرد، اهالی وحشت دارند. بختیاریه‌ها هم به همان علت از جنگ کردن امتناع می‌نمایند.

با همکار روسی و من، اظهارات سخت نموده‌ایم که قشون امدادی بختیاری، فوری در تحت امر سرکرده قابل فرستاده شود.

نمره - ۳۳۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۲ [۶ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۷ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۹ سپتامبر من:

اخبار جدیدی که از طرف جنوب رسیده است، این است که مخبرالسلطنه از قمشه که در آنجا برای ورود قشون خود توقف نمود، حرکت کرده است. از قراری که راپورت داده شده، عده کثیری از بویسراحمدیها در راه حاضر برای غارت هستند و دسته سواری را که به استقبال فرمانفرما به آواده می‌آمدند، غارت کرده [اند] و ممکن است قدری جنگ واقع شود.

کفیل قنسولگری شیراز تلگراف می‌کند که انقلاب زیادی در آن محل وجود دارد و ایلخانی قشقائی استعفاء کرده و ایل را بی‌سرکرده گذارده است. ظاهراً انتظار نمی‌رود او نسبت به انگلیسها اقدام خصومت‌آمیزی نماید ولی راپورت می‌دهد که رجاله‌ای که می‌گویند قشقائی هستند، به رئیس بانک و عیالش حمله برده‌اند.

نمره - ۳۴۰

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۲ [۶ مهر ۱۲۹۱: ۱۷ شوال ۱۳۳۰]

آقا

مارکس اف کرو، مرا اطلاع می‌دهد که امروز با مسیو سازانف در موضوع راه آهن ایران صحبتی داشته است.

مسیو سازانف ابتدائاً در باب راه آهن سرتاسر ایران و مسأله امتیاز سوسیته دتود که به او گفته بودم در خصوص آن با لرد کرو مشورت نماید، مذاکره نمود. لرد کرو در جواب اظهار داشته بود که از قرار معلوم امتیاز سوسیته مذکور، امتیاز محدودی است و همینکه مسیو سازانف از او سؤال نموده بود که مقصود از این عبارت چیست در جواب گفته بود که در صورتی که ما بتوانیم تا مدت غیرمحدودی احداث خط آهنی را در منطقه نفوذ خود به تأخیر اندازیم، این امتیاز را نمی‌توان امتیاز کاملی دانست. مسیو سازانف با این امر موافقت داشت که امتیاز مذکور فقط راجع به سوسیته دتود بوده و برای احداث خط آهن نمی‌باشد. به این معنی که هرگاه قرار احداث آن داده شد، کسی دیگر حق احداث نداشته باشد. لرد کرو اظهار داشت در صورتی که اینطور باشد، او اشکالی نخواهد داشت که موافقت نماید.

اما در باب خط از محمره الی خرم آباد، مسیو سازانف اظهار داشت که قراری باید بین دولتین به عمل آید.

نمره - ۳۴۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۲ [۷ مهر ۱۲۹۱: ۱۸ شوال ۱۳۳۰]

من به نمایندگان جماعتی از انگلیسیها که برای احداث خط آهن سرتاسر ایران با سوسیته دتود شرکت کرده‌اند، اظهار داشته‌ام که به گمان من، می‌توانند از طرف خود وکیلی به طهران بفرستند که با سایر نمایندگان شرکت متفقاً تقاضای امتیاز احداث راه آهن مذکور را بنمایند بشرط آنکه قبل از آنکه در توسعه خط آهن مذکور خارج از منطقه روس اقدامی بنمایند، رضایت دولت اعلیحضرتی را تحصیل نمایند. من شما را مجاز می‌کنم که با مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] برای تحصیل امتیازی به این شرایط، برای سوسیته دتود متفقاً عمل نمایید.

هیأت انگلیسیها که با این سوسیته شرکت دارند، البته می‌دانند که خطی که پیشنهاد شده از محمره الی خرم آباد احداث شود، بکلی از این خط مجزی است. شما حالا می‌توانید از دولت ایران درخواست تحصیل امتیازی برای خط آهن آخرالذکر بنمایید. مسیو سازانف اغراضی نخواهد داشت که امتیاز آن به يك کمپانی انگلیسی داده شود.

نمره - ۳۴۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران غره اکتوبر ۱۹۱۲ [۸ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۹ شوال ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل به تاریخ ۳۰ سپتامبر از تبریز رسیده است:

از طرف علماء و تجار زنجان تلگرافاتی رسیده و درخواست اعاده محمدعلی میرزا را نموده‌اند. من در جواب آنها گفته‌ام که مطالبشان را به اطلاع شما می‌رسانم. برای همکار روس من، همین قسم تلگراف رسیده است. بازارهای زنجان بسته است.

من به این اظهارات اهمیتی نمی‌دهم چرا که حکمران زنجان یکی از برادران شجاع‌الدوله است و هر که با اراده او موافقت نکند، یحتمل صدمه خواهد دید. از نقاط دیگر واقعه در منطقه روس هم همین قسم تلگرافات رسیده است.

نمره - ۳۴۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۱ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۲ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۸ سپتامبر من:

تلگراف ذیل در سوم اکتوبر از قنصل انگلیس مقیم کرمانشاه واصل شده است: قشون در غره اکتوبر به کرمانشاه مراجعت نمودند. تمام متحصنین در سوم اکتوبر به اطمینانات کتبی فرمانفرما و اطمینانات شخصی سهام‌الدوله و صمصام‌الممالک، از قنصلخانه خارج شدند.

نمره - ۳۴۴

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۱ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۲ شوال ۱۳۳۰]

آقا

در باب مراسله ۲۴ شهر ماضی من، اینک سواد یادداشت راجع به خطوط آهن انگلیس را در ایران، که امروز برای وزیر امور خارجه فرستادم، لفاً ایفاد می‌دارم. (امضاء) گری

ملفوف نمره ۳۴۴

سندیکای انگلیس که از دولت ایران تقاضای امتیاز احداث بعضی خطوط آهن در جنوب ایران نموده، موسوم به سندیکای راه‌آهن‌های ایران خواهد بود و اسم «مرنر سلیگمان» را شامل نخواهد بود.

از بابت راه‌آهنهای مذکور، دولت اعلیحضرتی در اوایل سال ۱۹۱۱ دولت روس را از تقاضای خود در این موضوع مستحضر داشته و بعد از آن اظهار میل نمودند که اساساً به احداث خط آهن سرتاسر ایران رضا دهند مشروط به آنکه از جمله

چیزهای دیگر، دولت روس با تقاضاهای انگلیس راجع به راه‌آهنهای مذکور، همراهی و تقویت نماید.

اما در باب راه‌آهن از محمره الی خرم‌آباد، این فقط راه‌آهنی است که دولت اعلیحضرتی برای آن فشار می‌آورند و اطمینان مسیو سازانف را مورد توجه می‌دانند که نظر به اهمیت حتمی آن نسبت به تجارت انگلیس، او با آن مخالفت نخواهد نمود. در خصوص احتمال توسعه خط مذکور تا پروجرده که در منطقه روس واقع است، اگر دولت روس محرك کمک سرمایه انگلیس برای احداث قسمت خط واقع در منطقه روس یا خطی از خرم‌آباد به اصفهان بشوند، ممکن است بدان وسیله رفع هرگونه اشکالی شده و بدان واسطه از اهمیت شعبه از خانقین به طهران کاسته شود.

در باب امتیازات خطوط دیگر در منطقه بیطرف، دولت اعلیحضرتی کاملاً حاضرند که با دولت روس در خصوص آن مذاکره نموده و از سندیکا درخواست کنند نماینده به سنت پترزبورغ بفرستند. ممکن است دولت اعلیحضرتی از دولت روس خواهش کنند که با آنها موافقت نمایند و البته معلوم است تقاضای رضایت آنها را حق خود تصور نخواهند نمود تا آنکه خط‌آهن سرتاسر ایران از منطقه روس خارج شود.

در خصوص راه‌آهنهای منطقه انگلیس از قبیل بندرعباس و کرمان، دولت اعلیحضرتی شکی ندارند که دولت روس تصدیق خواهند داشت به این که احداث آنها فقط مربوط به منافع انگلیس می‌باشد لیکن دولت اعلیحضرتی همیشه با کمال مسرت دولت امپراطوری روس را از هرگونه نقشه و پیشنهاد احداث خط‌آهن در منطقه انگلیس آگاه و مستحضر خواهند داشت.

در باب هرگونه افزایش دیون عمومی ایران که به علت احداث خطوط آهن منطقه بیطرف ممکن است به ظهور رسد، دولتین می‌توانند با یکدیگر مذاکره نمایند بطوری که برای طرفین مناسب باشد.

نمره - ۳۴۵

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۱ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۲ شوال ۱۳۳۰]

آقا

در باب مراسله ۲۴ ماه گذشته من اینک سواد یادداشتی را که در آن نظریات دولت اعلیحضرتی در باب خط‌آهن سرتاسر ایران مذکور است و برای وزیر امور خارجه روس فرستاده‌ام، لفاً ایفاد می‌دارم.

(امضاء) گری

ملفوف نمره ۳۴۵

یادداشت

دولت اعلیحضرتی با نظریه دولت روس موافقت دارند به اینکه خوب است برای سوسیتته دتود، امتیازی گرفته شود که به وسیله آن وضعیت دولتین طوری شود که بتوانند اظهار بدارند چه وقت و در کجا خط آهن سرتاسر ایران احداث خواهد شد. بنابراین دولت اعلیحضرتی اعتراض ندارند به اینکه دولت روس خطی تا طهران احداث نمایند مشروط به حدود و شرایطی که از بابت خط سیر راه آهن مذکور در منطقه روس مقرر شده و این شرط که خط مذکور بدون رضایت دولت اعلیحضرتی از منطقه روس خارج نشود و بنائاً علی هذا، به سفیر خود مقیم طهران، تعلیم داده اند که به همراهی همکار روسی خود امتیاز مذکور را برای سوسیتته دتود تحصیل نمایند. به هیأت انگلیسیهایی که با سوسیتته دتود شرکت دارند، نیز اطلاع داده شده که حق دارند نماینده ای به طهران بفرستند که برای نیل به این مقصود با نمایندگان سایر هیأت های سوسیتته همراهی نمایند.

از بابت اینکه شرکت مذکور ترغیب و تشویق بشود که قرضه بزرگی به دولت ایران بدهد، چنین اقدامی تا اندازه ای مشکل به نظر می آید چرا که از طرف انگلیس و روس چنین قرضه ای ضمانت نخواهد شد.

نمره - ۳۴۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۵ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۲ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۳ شوال ۱۳۳۰]

خیلی لازم است در ایران حکومت مقتدری مستقر گردد. در موقعی که مسیو سازانف در انگلستان بود، من با او هم رأی بودم که فقط شخصی که محتمل است بتواند در مملکت اعاده نظم بنماید، سعدالدوله است، اگرچه می دانم سابقه اعمال او آن طوری که باید نبوده است.

شما باید حالا از مسیو سازانف استفسار نمایید که آیا به مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] تعلیم خواهد داد که با سر والتر تنلی همراه شده و تعیین سعدالدوله را به مقام صدارت اعظم تقویت نماید؟

شرایط تعیین وی به عقیده من باید این باشد که اولاً سعدالدوله متعهد شود که مانعی در راه ترقی مالیة ایران قرار ندهد و ثانیاً اطمینانی داده شود که در این صورت، دولتین و نمایندگان آنها مقیم تمام نقاط ایران، از او و حکامی که تعیین خواهد کرد همراهی معنوی خواهند کرد.

نمره - ۲۴۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۶ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۳ مهر ۱۲۹۱: ۲۴ شوال ۱۳۳۰]
 تلگراف ذیل از اصفهان رسیده است:
 اسکادران ۵ اکتوبر حرکت نمود.

نمره - ۲۴۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۷ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۴ مهر ۱۲۹۱: ۲۵ شوال ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف ۴ اکتوبر من:

به موجب خبر تلگرافی که برای دولت ایران رسیده، جنگی در کرمانشاه به وقوع رسیده و قشون سالارالدوله بکلی شکست خورده‌اند و یارمحمدخان مقتول گردید، لیکن خود سالارالدوله که در جلو قشون مذکور حاضر نبود، فرار کرد.

نمره - ۲۴۹

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۲ [یکم مهر ۱۲۹۱: ۱۲ شوال ۱۳۳۰]
 آقا

در باب تلگراف ۱۹ شهر جاری شما، افتخار دارم اینک سواد مراسله‌ای را ایفاد دارم که در ۲۰ سپتامبر برای دولت ایران نوشته و آنها را از قصد دولت اعلیحضرتی مستحضر داشته‌ام که در نظر دارند اسکادران انگلیس را که حالیه در اصفهان هستند، به شیراز عودت دهند و از دولت مشارالیه‌ها برای عساکر اعلیحضرتی در شیراز استمداد نموده‌ام.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۲۴۹

مکتوب سر والتر تنلی به دولت ایران
 طهران ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۸ شهریور ۱۲۹۱: ۸ شوال ۱۳۳۰]
 حضرت اشرف

هرگاه اوضاع ایالت فارس مقتضی بود و اگر شرایط معتدلی را که سر جارج بارکلی به موجب مراسله ۴ آوریل خود ارائه نمود قبول گردیده بود، دولت اعلیحضرتی قشون خود را مدتی قبل از این از اصفهان و شیراز عودت می‌دادند. دولت اعلیحضرتی با وجود این، مایل به ابراز حسن‌نیت و تحمل خود نسبت به دولت ایران بوده و مشغول ترتیب عودت عساکر خود از اصفهان به شیراز می‌باشند و می‌خواهند به مخبرالسلطنه فرصت داده باشند اعاده انتظامات را نموده و جبران

حمله بی‌جهتی که بر مأمور قنصلخانه اعلیحضرتی و مستحفظ او شده، بنماید و امیدوارند که مساعی جناب ایشان بی‌نتیجه نخواهد ماند.

امیدوارم که دولت ایران در رویه دوستانه خود ادامه داده و دولت اعلیحضرتی اطمینان دارند که تعلیمات لازمه به مأمورین محلی داده خواهد شد که هر قدر ممکن است، در شیراز برای تهیه منزل صحیح برای عساکر انگلیس کمک نمایند و نیز برای عساکری که از اصفهان به آنجا فرستاده می‌شود، در تهیه منزل کمک نمایند. در صورتی که از این قسم همراهی مضایقه شود، دولت اعلیحضرتی مجبور خواهند شد که برای آنها سربازخانه بنا نموده و دولت ایران را مجبوراً مسؤول مصارف آن خواهند دانست.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۳۵۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۸ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۵ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۶ شوال ۱۳۳۰]

صدراعظم دیروز از سفیر روس و من جداگانه ملاقات نموده به ما اظهار داشت می‌خواهد استعفاء کند و ارائه طریق نمود که برای این مقام علاءالسلطنه بهتر از شخص دیگر خواهد بود.

هم سفیر روس و هم من به ایشان اصرار نمودیم که تا مدتی دیگر دست از کار نکشد و او به این امر، رضا داد. گمان نمی‌کنم او واقعاً بخواهد استعفاء کند لیکن اعضاء کابینه با هم متحد نیستند و حالیه موقع ابهام و غیرمعلوم و امور است.

نمره - ۳۵۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۸ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۵ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۶ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۵ [اکتوبر] من به سنت پترزبورغ و تلگراف امروز شما:

شاید اگر صمصام‌السلطنه استعفاء کند، تعیین سعدالدوله به مقام صدارت تسهیل گردد.

نمره - ۳۵۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۱۰ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۷ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۸ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۳ سپتامبر شما:

شما ممکن است به مسیو سازانف ارائه طریق بنمایید که جواهرات دولتی ایران

را اگر در حصول تأمینات قرضه اشکالی باشد می‌توان برای تأمین آن قرار داد. می‌خواهم بدانم نتیجه تحقیقاتی که مسیو سازانف می‌خواست برای قرضه در پاریس بکند چه شد؟

نمره - ۲۵۳

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۱۰ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۷ مهر ۱۲۹۱: ۲۸ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۵ اکتوبر شما - صدراعظم - وزیر امور خارجه قبول نمود و اظهار داشت که تعلیمات لازمه برای سفیر روس مقیم طهران خواهد فرستاده.

نمره - ۲۵۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۱ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۸ مهر ۱۲۹۱: ۲۹ شوال ۱۳۳۰]

نظر به تلگراف دیروز سر جارج بیوکانون، من شما را اجازه می‌دهم که بمجرد آنکه برای مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] تعلیمات برسد، به طریقی که من در تلگراف ۵ اکتوبر خود به جناب معظم‌له پیشنهاد کرده‌ام، عمل نمایید.

نمره - ۲۵۵

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۱۲ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۹ مهر ۱۲۹۱: ۳۰ شوال ۱۳۳۰]

قرضه به ایران

راجع به تلگراف ۱۰ اکتوبر شما:

مسیو سازانف مرا اطلاع داده است که هنگامی که هفته گذشته در پاریس بوده، در باب این مسأله با نمایندگان سه هیأت مذاکره نمود. نمایندگان مذکور ابتدائاً از او درخواست نموده بودند که دولتین انگلیس و روس باید وثیقه بدهند لیکن او در جواب گفته بود که این مسأله خارج از موضوع است و به آنها ارائه طریق نموده بود که در مسأله مالیه مخصصینی که از طرف کمیته دتود برای تحقیقات راجعه به راه آهن سرتاسر ایران می‌روند، باید تحقیقات به عمل آورده و سعی کرده ببینند منبع عایداتی وجود دارد که بتوان آن را وثیقه قرار داد یا نه.

نمایندگان هیأت‌های انگلیسی و فرانسه در جواب گفته بودند که خوب است که وکلای مالی خودشان برای این کار به ایران بروند. مسیو سازانف در جواب اظهار داشت که در آن صورت بهتر این است که مخصصین^۲ مالیه با نمایندگان سوسیتته دتود فوراً فرستاده شوند. اما در باب جواهرات دولتی جناب معظم‌له بر ارائه طریق شما

اعتراضی نداشت ولی اظهار نمود که جواهرات مذکور بیش از سدس قرضه [ای را] که در مد نظر است، تأمین نتواند نمود.

نمره - ۳۵۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۳ شوال ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم اینک سواد مراسله‌ای را که در ۱۸ ماه جاری برای دولت ایران نوشته و دعاوی خود را به مبلغ ۳۰۵ لیرا برای سرقت چند صندوقی که در سال جاری از بوشهر برای عساکر اعلیحضرتی به شیراز فرستاده شده، عرضه داشته‌ام، ایفاد دارم. اکنون از طرف وزارت امور خارجه جوابی رسیده که برای فرمانفرمای جدید فارس تعلیمات تلگرافی مخایره شده که به مجرد ورود خود به آن نقطه، این عمل را تسویه نماید.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۳۵۶

مکتوب سر والتر تنلی به دولت ایران

طهران ۱۸ سپتامبر ۱۹۱۲ [۲۶ شهریور ۱۲۹۱؛ ۶ شوال ۱۳۳۰]

حضرت اشرفا

با نهایت تأسف توجه حضرت اشرف را به چند فقره دعاوی دولت اعلیحضرتی از دولت ایران، از بابت سرقت صندوقهای عساکر شیراز جلب می‌نمایم:

(۱) در عرض ماه ژانویه و فوریه گذشته، بین بوشهر و منزل دیگر، قراولان راه به بعضی صندوقها دست‌درازی کرده و بسیاری اشیاء متعلق به دولت اعلیحضرتی را سرقت نمودند.

این اشیاء مسروقه مرکب بود از دوربین و رکاب و چکمه و پتو و دهنه و ملبوس و سایر لوازم که کلیه قیمت آن ۲۰۰ لیرا می‌شود.

این مبلغ از مأمورین محلی شیراز در دوم مارس مطالبه شد ولی تاکنون پرداخته نشده.

(۲) در ۳۱ اوت کفیل قنسولگری اعلیحضرتی مقیم شیراز مرا اطلاع داد که چند صندوقی که از راه فیروزآباد از بوشهر فرستاده شده بود، غارت شد و تخمین خسارتی که از این غارت از بابت اموال قشونی و شخصی به دولت وارد آمده ۱۶۵ لیرا بود و اشیاء عمده مسروقه عبارت از زین و دوا و ماکولات در حلبی و شراب و ملبوس و سایر لوازم و امانات. مقداری از اموال مسروقه مسترد شده لیکن ۸۰ لیرا برای آنچه بکلی از میان رفته است تقاضا شده است.

(۳) مقداری شراب و ملبوس را هم که متعلق به عساکر اعلیحضرتی بود، خورشیدخان

و قراولان راه در ماه مارس گذشته در کمارج و کاروانسرای جعفر جن، به سرقت بردند. در ۵ و ۱۸ ماه آوریل ۱۰ لیرا برای این اموال از مأمورین محلی مطالبه شد لیکن هنوز پرداخته نشده است.

(۴) مقداری آذوقه و ملبوس و نعل اسب را به قیمت ۱۵ لیرا قراولان راه در میان کتل از صندوقهایی که برای عساکر اعلیحضرتی شیراز حمل شده بود، دزدی کردند. از طرف دولت متبوعه خود تعلیم دارم که مبلغ ۳۰۵ لیرا از بابت قیمت این اموال مسروقه متعلق به دولت و قشون از دولت ایران مطالبه نموده و از حضرت اشرف استدعا نمایم که لطف فرموده اقدامات لازمه برای پرداخت این مبلغ بفرمایید.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۳۵۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۱۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۱ مهر ۱۲۹۱؛ ۲ ذی قعدة ۱۳۳۰]
سالارالدوله

راجع به تلگراف ۱۷ اکتوبر من:

از قراری که راپورت داده شده، سالارالدوله در نقطه‌ای بین همدان و قزوین است. به موجب خبری، او تنها است و درصدد تحصن در قنصلخانه روس است. به قرار راپورت دیگری، او به سرکردگی ۲،۰۰۰ نفر می‌باشد.

نمره - ۳۵۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۱۷ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۴ مهر ۱۲۹۱؛ ۵ ذی قعدة ۱۳۳۰]
مخبرالسلطنه دیروز به شیراز وارد شد.

نمره - ۳۵۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۱۸ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۵ مهر ۱۲۹۱؛ ۶ ذی قعدة ۱۳۳۰]
سالارالدوله

برای همکار روسی من که هنوز از زرگنده به شهر نیامده، اطلاع رسیده است که سالارالدوله به طرف طهران حرکت کرد و تا چند میلی شهر رسیده است. مسیو پوکلیوسکی [=پاکلوسکی] می‌ترسد از اینکه مبدا اغتشاشات فوق‌العاده به وقوع رسد، چرا که او تصور می‌کند اگر سالارالدوله در شهر طهران حامی و طرفدار نداشت، به هیچ وجه جرات نمی‌کرد چنین اقدام متهورانه‌ای را بنماید و از دموکراتها و مجاهدین سوءظن دارد از اینکه با او همراه باشند. علی‌هذا جناب معظم‌له ژنرال روسی قزوین را اطلاع داده است که مہیای حرکت به طهران باشد و به او گفته است که

در صورتی که مخابرات تلگرافی و یا تلفون مقطوع گردد بدون تعلیمات فوری حرکت کند. او تمام این مطالب را دیشب به من نوشت.

من به جناب معظمه گفتم که شخصاً انتظار ندارم اغتشاش سهمی روی دهد ولی با تعلیماتی که به ژنرال روسی داده است که احتیاطاً حاضر و مهیا باشد، کمال موافقت را دارم.

خود دولت ایران نمی‌دانند سالارالدوله در چه محل و عده قشون او چقدر است ولی چون ظاهراً او بایستی در نهایت سرعت حرکت کرده باشد، یحتمل عده آنها خیلی کم خواهد بود. اطلاعی که به من رسیده این است که او در نقطه مثلی است که به واسطه همدان و قزوین و طهران تشکیل می‌شود.

هیجان اهالی به واسطه اشتها نزدیک بودن شاهزاده به شهر، طبعاً زیاد است و از حکومت حاضره چندان رضایت ندارند. لیکن اگرچه با کمال سهولت ممکن است این موقع برای اقدامات برعلیه [= علیه] بختیاریمها و حکومت پکار برده شود من نمی‌توانم یقین داشته باشم که اقدام عمومی سهمی به مصالح شاهزاده مذکور به عمل آید.

دولت مشغول حفظ نظم شهر و اقدامات نظامی می‌باشند.

نمره - ۳۶۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۵ مهر ۱۲۹۱؛ ۶ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل در ۱۷ اکتبر از تبریز رسیده است:

عساکر روس شروع به عودت نموده‌اند. قریب ۲،۳۰۰ نفر در ظرف این دو روز حرکت کرده‌اند.

نمره - ۳۶۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۸ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۵ مهر ۱۲۹۱؛ ۶ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

بموجب اطلاعی که به مسیو سازانف رسیده است، مسأله انعقاد مجلس را جماعتی از اعیان که به همین زودیها در طهران اجلاسی خواهند داشت مذاکره خواهند نمود. مسیو سازانف تصور می‌کند انعقاد مجلس مطلوب نمی‌باشد تا آنکه حکومت مستحکم‌تری منعقد گردد.

من می‌خواهم نظریات شما را در این باب بدانم. مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] تعلیم دارد که در این باب با شما مذاکره نماید.

نمره - ۲۶۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۱۹ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۶ مهر ۱۲۹۱؛ ۷ ذی قعدة ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۸ اکتبر طهران من:

باید از جنابعالی خواهش کنم مسیو نراتف را اطلاع دهید که به موجب راپورت‌هایی که برای ما رسیده، معلوم نیست که خطری در طهران متصور باشد و اظهار امیدواری کنید به اینکه دولت روس از اعزام عساکر اجتناب خواهند نمود مگر آنکه موقع حتماً مستلزم چنین اقدامی باشد.

نمره - ۲۶۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ اکتوبر ۱۹۱۲ [۹ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۰ شوال ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۰ سپتامبر شما:

قنصل شیراز راپورت می‌دهد که صاحب باغی که عساکر فعلا در آنجا منزل دارند، مبلغ یکصد تومان اجاره ماهیانه می‌خواهد و می‌گوید که در صورتی که شرایط او قبول نشود، یا آنکه آن محل تخلیه نشود، به لندن تلگراف می‌کند که بر خلاف میل او ملکش تصرف شده است.

کفیل قنصلگری اظهار می‌کند که وجه اجاره که تقاضا شده، خیلی زیاد است لیکن اگر تا شش ماه دیگر باید عساکر از آن محل خارج شوند، قبول این اجاره باصرفه‌تر خواهد بود از اینکه پیشنهاد حالیه که به صاحب ملک ارائه شده و متضمن طرفیت با او می‌باشد، مجری گردد. او در هر صورت اجازه می‌خواهد که شرایط صاحب ملک را رد کند و منتظر باشد تا آنکه مبلغی را که حاضر است بدهد، صاحب ملک قبول کند. من به کفیل قنصلگری تعلیم می‌دهم که فرمانفرما را وادار به وساطت در این امر بنماید و خیلی امیدوارم که بتوان عساکر را تا شش ماه دیگر از آن محل خارج کرد و برای تفاوت خرجی که قریب بیست لیرا می‌شود، نباید اسباب تولید احساسات سوء را در شیراز فراهم آورد.

نمره - ۲۶۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۷ مهر ۱۲۹۱؛ ۸ ذی قعدة ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف اکتوبر شما:

کمیسیون مرکب از ۵۶ نفر منتخب از طبقات مختلفه برای مذاکره انتخابات جدید، چندین دفعه جلسات داشتند. سردار اسعد به ریاست کمیسیون مزبور نامزد شده است. گمان نمی‌کنم پیشرفت زیادی حاصل شده باشد چرا که ظاهراً عقاید در باب اینکه چه نوع اقدامی بشود مختلف است و عده زیادی از اهالی گفتگو دارند در این که آیا

کمیسیون منعقدہ از روی قوانین مشروطیت حق تغییر قانون انتخابات را دارد یا نه. طرفداران تغییر قانون انتخابات اصرار دارند بر اینکه تغییرات مخصوص اوضاع، حق اقدامی را که در صورت ظاهر خلاف قوانین مشروطیت است، می‌دهد. صدراعظم سعدالدوله را دعوت به مراجعت کرده و به نایب‌السلطنه اصرار نموده است که از قصد آمدن یا نیامدن او خبر دهد.

نمره - ۳۶۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ آکتوبر ۱۹۱۲ [۲۷ مهر ۱۲۹۱؛ ۸ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف قبل از این من:

سعدالدوله در جواب صدراعظم اظهار تشکر نموده و اظهار داشته است که به همین زودیها به ایران مراجعت خواهد کرد.

نمره - ۳۶۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ آکتوبر ۱۹۱۲ [۲۷ مهر ۱۲۹۱؛ ۸ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۱۸ آکتوبر من:

سالارالدوله آخر الامر پس از دو روز که گم شده بود در ساوجبلاغ که به مسافت ۴۰ میلی شمال راه قزوین واقع است دیده شده. استعدادی مرکب از بختیاریها و ژاندارم فردا به آن صوب، برای دستگیری او حرکت خواهد کرد. غیرمحمتم نیست که او به طرف مازندران حرکت کرده و با بعضی اشخاص مخالف دولت در آن ایالت همدمت خواهد شد.

نمره - ۳۶۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۲ [۶ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۷ شوال ۱۳۳۰]
آقا

در مراسله ۴ سپتامبر خود مفتخراً شرح اوضاع هرج و مرج دور و حوالی شیراز را در مدت قبل از ۴ ماه نوشتم. با کمال تأسف اظهار می‌نمایم که از زمانی که راپورت مذکور نوشته شد، در اوضاع آن ایالت بهبودی حاصل نشده که شرح آن نگاشته شود و فرقه‌های متنازع ایل قشقائی، کمافی‌السابق یکی از قوای عامله عمده اوضاع بسیار منقلب فارس بوده‌اند.

در ۷ سپتامبر مستر اسمارت راپورت داد که صولت‌السلطنه کوشش نموده است ایل شخصی خود را به کمک صولت‌الدوله برادر یاغی خود بیاورد. سالارحشمت برادر ایلخانی او را در نزدیکی اسپاس حمله نموده و شکستش داد و بدین‌وسیله، از

این اقدام او اثری به ظهور نرسید و صولت السلطنه با چند نفری بطرف بیضاء فرار کرده، چندین ایلات جزو که برای آنکه ایلخانی میخواست از آنها مالیات گیرد طغیان نموده بودند، با او همدست شدند و از بیضاء شروع به آنتریگت بر علیه [= علیه] سرکرده قشونی صولت الدوله که در سیاح بود نمود.

مستر اسمارت اظهار عقیده نمود که تمام این طغیان، برای مالیات بود و ایلاتی که طغیان نموده بودند، ظاهراً صولت السلطنه را که می دانستند چندان قدرتی نخواهد داشت که برای اخذ مالیات فشار آورد، برای ایلخانی گری بر سردار احتشام ترجیح می دادند.

از قراری که معلوم می شود، مذاکرات بین صولت السلطنه و سردار احتشام ایلخانی آنوقت در بیضاء که از آنجا محمدعلی مشهور هم با استعدادی حرکت کرد، به عمل می آمد.

اگرچه معلوم نبود که محمدعلی بخواهد با صولت الدوله همدست و همخیال شود، لیکن او، از شکست خوردن صولت السلطنه و پیشقدمی ایلخانی بسیار ترسیده بود. در مدتی که مذاکرات در بیضاء به عمل می آمد، او ظاهراً با تمام استعداد خود با صولت السلطنه همدست شده و شرایط قبول نشدنی به سردار احتشام پیشنهاد نموده است که بعلت آن از استعفای سردار احتشام از مقام ایلخانی گری، این اوضاع جدید غیرمترقبه پیش آمده است.

چند روز قبل از این حادثه، مدبر السلطنه نایب الایاله شیراز و مستشیر الملک که یکی از ملاکین بزرگ فارس و در پلتیک [= پلئیک] این نقطه دخالت تامی داشته است، به قیوم رفتند برای آنکه بین صولت السلطنه و ایلخانی را صلح بدهند ولی به این امر موفق نشدند. در ۲۵ سپتامبر به مراجعت به شیراز، کشکولیها که ظاهراً از طرفداران صولت السلطنه بودند، به آنها حمله نمودند. مدبر السلطنه فرار کرده، مستشیر الملک دستگیر گردید.

الحال که ایلخانی استعفاء نموده است، محمدعلی و صولت السلطنه اطمینان صریحه از بابت اطاعت و انقیاد خود به قوام الملک داده و از او درخواست تعلیمات نموده و وعده جبران حمله بی جهت به مدبر السلطنه را داده اند. صولت السلطنه نیز قوام را اطلاع داده است که پیشنهاد صولت الدوله را برای اتحاد با خود رد نموده است.

در باب ایلخانی گری، حاجی محمد کریم خان که با صولت السلطنه و محمدعلی است، به قوام الملک نوشته است که ایل قشقائی پیش از این شخصی را که از خانواده ایلخانی به این مقام انتخاب شود، اطاعت نخواهند کرد و تعیین نصرالدوله را که یکی از پسران قوام الملک و مادرش قشقائی است، خواسته اند. قوام الملک این پیشنهاد را رد نموده و به حکومت مرکزی تلگراف نموده است که ایل قشقائی بایستی به صولت السلطنه سپرده شود بدون آنکه برای ایلخانی گری نامزد شود تا آنکه فرمانفرمای جدید وارد شده و در این باب تصمیم صحیحی بنماید.

عقیده مستر اسمارت بر این است که ایل قشقائی فعلاً بکلی تجزیه شده است و

اقدام سردار احتشام برای اعاده اقتدار ایلخانی‌گری و وصول مالیات مشر ثمری نگردیده است و حالیه ظاهراً شخص مقتدری نیست که مجدداً برای اعاده اقتدار مذکور اقدامی نماید و یحتمل دولت مجبور خواهد شد که ایلات مذکور را تحت حکم چند رئیس قرار دهد.

بدتر از همه اینکه ظاهراً محمدعلی آنچه سابقاً از دست داده بود، بازیافته است چرا که تاکنون دو ایلخانی را مغلوب ساخته و خود را ایلخانی درست‌کن جلوه می‌دهد. در باب وضعیت قشون دولتی که قرار بود با صولت‌الدوله مقابله نمایند، این قشون که بیشتر از قشقائیه مرکب بود، در ۷ سپتامبر دور چنار راهدار اردو زده و برای آن در آنجا توقف نموده است که راه ایلات طاغی را مسدود سازد. قوام‌الملک اصرار داشت بر اینکه قشون به طرف سیاخ حرکت نکنند تا آنکه ایلخانی به بیضاء برسد که در آن نقطه از حرکت ایلات به طرف جنوب جلوگیری شود.

در ۲۷ سپتامبر مستر اسمارت راپورت داد که قشون دولتی چون امتناع نموده‌اند از اینکه بدون حقوق دیگر توقف نمایند، به شیراز مراجعت نموده‌اند و صولت‌الدوله عساکر خود را در نقطه نیمه‌راه بین چنار راهدار و خانه‌زنیان جمع نموده است. راه‌ها و معبرهای شیراز، فعلاً محفوظ نمی‌باشد ولی امید می‌رود که به واسطه سردی هوا، ایلات قشقائی با کمال عجله، بدون تولید اغتشاشات سخت در دره شیراز، به طرف جنوب حرکت خواهند کرد و این مسأله که ایلات مذکور ظاهراً مصمم شده‌اند که برای هیچ‌یک از اعضای خانواده ایلخانی جنگ نکنند، بیشتر اسباب این امیدواری است.

از آخرین اخبار معلوم می‌شود که تفنگچیان قشقائی در داخل و دور شهر مشغول غارت می‌باشند، اگرچه به عقیده مستر اسمارت، به واسطه حضور قریب شش نفر از رؤسای قشقائی در شیراز که با انگلیسها دوستی دارند، وقوع خطر مهمی برای انگلیسهای این منطقه محتمل نمی‌باشد.

با وجود این، دیروز در شیراز دو قضیه به وقوع پیوست. چنانکه در تلگراف ۲۹ سپتامبر خود راپورت دادم رئیس بانک شاهنشاهی با زن و بچه‌اش غروب ۲۸ سپتامبر به خانه مراجعت می‌کردند. بیرون دروازه شهر، قریب بیست نفر که ظاهراً قشقائی و با تفنگ و چوب مسلح بودند، به آنها حمله نمودند و آنها را از الاغهایی که سوار بودند، به پایین آورده الاغهایشان را بردند. سربازان ایرانی که در خانه رئیس مذکور مشغول قراولی بودند در آن محل حاضر شده و به سارقین گلوله خالی کردند و دو رأس الاغ را از آنها گرفتند.

مستر اسمارت به اجازه کلنل دوگلاس، ۱۵ نفر از سپاهیان را در خانه رئیس بانک (که در یک میل و نیمی قنسولخانه واقع است) و خانه ذیقلمر [= زیگلمر] قرار داده است. خانه رئیس کمپانی ذیقلمر و زنش، پهلوی خانه رئیس بانک است.

همان روز عصر، در موقعی که نوکر ایرانی یکی از انگلیسها که با مستر اسمارت

هم‌منزل بود به شهر مراجعت می‌کرد، قریب شش نفر تفنگچی، خارج قنصلخانه به او حمله نموده ولی موفق به فرار گردیده خود را به قنصلخانه رسانید.

مستر اسمارت اظهارات لازمه به مأمورین محلی نموده است ولی بیم آن می‌رود که مأمورین مذکور مثل قضبه لیوتنان فریزر (رجوع به مراسله ۴ سپتامبر من کنید) آنقدر قدرت نخواهند داشت که مقصرین را دستگیر نمایند.

در مدتی که این حوادث در جنوب شیراز به وقوع می‌رسید، پنجاه نفر سواری را که قوام‌الملک به استقبال فرمانفرمای جدید به آباده فرستاد و سی نفر دیگر را که برای همان مقصود فرستاده شدند، دسته بزرگی از بویراحمدیها در خانه‌خوره [=خان‌خوره] حمله نموده اسباب و تفنگ و مهمات آنها را غارت کرده و فرار نمودند.

سوارهای غارت‌شده، بدون تلفات وارد سورمق شدند. بویراحمدیها خانه‌خوره [=خان‌خوره] را اشغال نموده و سیمهای تلگراف آنجا را قطع نمودند.

مخابرات تلگرافی از قراری که راپورت داده شده، بیش از پیش در این تازگی مقطوع بوده، قشقائیهای فارسی‌مدان سیمهای بین دشت ارجن [=دشت‌ارژن] و میان‌کتل را مقطوع داشته‌اند و با وجود آنکه مکرراً به خوانین آنها امر داده شده از آنها جلوگیری شود، ثمری نبخشیده چرا که دسترسی به ایلات مذکور ممکن نیست. اعراب و باصریها خطوط بین سیوند و شیراز را قطع می‌کردند و به همین‌طور سیمهای بین شیراز و خانه‌زنیان را قشقاییها مقطوع می‌داشتند و با غلام‌هایی که برای تعمیر خطوط مذکوره به شمال و جنوب فرستاده می‌شد، بدرفتاری کرده و آنها را لخت می‌کردند.

مقره‌ها و تیرها و سایر اسبابهای تلگرافی را تماماً می‌بردند و به این‌طور سیمهای مسافتهای زیاد، مقطوع می‌گردید.

در ۲۸ سپتامبر مستر اسمارت راپورت داد که راههای اصفهان و بوشهر بکلی مسدود گردیده و دو هفته است که پسته از بوشهر وارد نشده.

قافله بزرگ زوار که به طرف بوشهر حرکت کرده بود، مجبور شد به شیراز مراجعت نماید.

از مراتب فوق ملاحظه خواهید نمود که اوضاع ایالت‌فارس به‌هیچ‌وجه رضایت‌بخش نیست. این مسأله را باید متذکر شد که حالا موقعی است که باید انتظار اغتشاشات را داشت چرا که ایلات از ییلاق به قشلاق در شرف حرکت هستند و دیگر آنکه ورود ایالت جدید در ایران، غالباً یا باعث رفع یا تجدید اغتشاش می‌باشند.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۳۶۸

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران غره آکتوبر ۱۹۱۲ [۸ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۹ شوال ۱۳۳۰]

آقا

در باب مراسله ۱۴ ژوئیت [۲۳ تیر؛ ۲۸ رجب] شما در موضوع تصفیه امور شیخ محمره - خوانین بختیاری، با کمال افتخار راپورت می‌دهم که دو تلگراف از قنصل اعلیحضرتی مقیم محمره رسیده مشعر بر اینکه مناسبات بین دو طرف فوق‌الذکر چنان خوب شده که دیگر لازم نیست اجلاسی که پیشنهاد شده، منعقد گردد زیرا از روی هرگونه دلیلی می‌توان امیدوار بود که آنها اختلافات فیما بین را به طریق دوستانه و مرضی‌الطرفین تصفیه خواهند نمود.

ماژور هاورت اظهار می‌دارد که عقیده شیخ بر این است که هرگونه قراری داده شود، باید با اطلاع مأمورین قنصلگری اعلیحضرتی باشد و می‌گوید خوب است در موقعی که طرفین قرارداد را امضاء می‌کنند، آن را توسط قنصل انگلیس رد و بدل نموده سواد آن را به قنصل بدهند و عقیده ماژور مذکور این است که چنین اقدامی زحمت و اشکالی برای ما فراهم نیاورده بلکه به واسطه آن، برای طرفین مشکل خواهد شد که فیما بعد از قول و قرار خود تخلف ورزند والا ممکن است تا زمانی که برای هر یک از طرفین صرفه داشته باشد، پای‌بند به قول و قرار خود بوده و در موقع عدم صرفه آن را نقض نماید. سر پرسکی کاکس عقیده خود را تلگرافاً [= تلگرافی] اظهار داشته است که ممکن است نوشته مذکور را در قنصلگری محمره و اهواز ثبت دفتر دولتی نمود که سواد آن از آنجاها برای مقامات عالی فرستاده شود.

به نظر من مکفی خواهد بود که سواد قرارداد مذکور برای دو قنصل فرستاده شود، لکن ممکن است لازم باشد که بیش از آنچه من تصور می‌کنم به این اقدام اهمیت داد. من مشغول مذاکره با سر پی کاکس هستم.

ماژور هاورت نیز تلگراف می‌کند که به واسطه مناسبات حسنه بین شیخ و امیر مجاهد که از طرف سردار جنگ به حکومت بهبهان و کهگیلویه [= کهگیلویه] تعیین شده، شیخ به تمام رؤسای ایلات خود که در سرحد خاک بختیاری هستند، دستورالعمل داده است که هرگونه همراهی با امیر مجاهد بنمایند و یکصد نفر به استقبال امیر مجاهد فرستاده است که تا هر جا که می‌خواهد همراه او بروند. شیخ به‌علاوه، به تمام رؤسای کهگیلویهای [= کهگیلویه‌ای‌های] سرحد که با او مناسبات دوستانه دارند نوشته است که اگر به امیر مجاهد همراهی نکنند، او به امیر مجاهد کمک کرده و آنها را قلع و قمع خواهد نمود.

این مسأله برای بقای نظم و امنیت راه اهواز الی اصفهان بسیار میمون است، در صورتی که حسادت و رقابت سایر خوانین اسباب اغتشاشات ایلی نشود.

در تلگراف ۲۳ ماه گذشته خود، جنابعالی را مفتخراً اطلاع دادم که راه فعلاً برای ایاب و ذهاب قوافل مفتوح است. (امضاء) والتر تنلی

نمره - ۳۶۹

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران غره اکتوبر ۱۹۱۲ [۸ مهر ۱۲۹۱ : ۱۹ شوال ۱۳۳۰]

آقا

مفتخراً خلاصه وقایع چهار هفته اخیر ایران را به طریق معمول ماهیانه لفا ایفاد می‌دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۳۶۹

خلاصه وقایع ایران در ماه سپتامبر

تبریز

در عرض ماه گذشته جنگی بین عساکر روس و شاهسونها به وقوع نرسیده. عده‌ای از ایل مذکور اسلحه خود را تسلیم نموده‌اند. لیکن هنوز هم قریب ۱،۵۰۰ نفر در صدد این هستند که از میان قشون روس عبور کرده و در خاک عثمانی پناهنده شوند. ایالت آذربایجان، ۴۰۰ نفر سوار و پیاده به ساوجبلاغ فرستاده است که آنها را قلع و قمع نمایند.

سپهدار اعظم در ۱۹ سپتامبر به تبریز وارد شد.

گیلان و مازندران

مستر وراک در ۱۱ سپتامبر [۱۹ شهریور؛ ۲۹ رمضان] به رشت وارد شد و مشاغل ویس قنسولگری را به عهده گرفت.

قسمت عمده‌ای از عساکر روس از قشون استرآباد در قره‌سو ۲۰ میلی طرف مغرب شهر، به اردو وارد شده و در آنجا مشغول ساختن سربازخانه و تپیه برای زمستان می‌باشند.

همدان

در ۲۲ سپتامبر [۳۰ شهریور؛ ۱۰ شوال] ماژور برل با استعدادی مرکب از ۹۰ ژاندارم و دو توپ که از حکمران گرفته بود، از همدان برای متفرق نمودن دسته بزرگ سارقین که در کوههای مجاور جمع شده بودند حرکت نمود و روز ۲۷ سپتامبر با سارقین مقابل شده و در جنگی که به وقوع رسید، مجروح گردید. روز بعد، او قشون خود را برحسب امر فرمانده ژاندارمری، که به عقیده وی امر از فرمانده ژاندارمری بود، به همدان عودت داد.

بعد از آن معلوم شد که حکمران همدان از ترس حمله بعضی از همراهان سالارالدوله، عوض آنکه برحسب امر فرمانده ژاندارم دستورالعمل بدهد که توپها را پس بفرستند، تعلیم داده بود که تمام عساکر به همدان مراجعت نمایند.

مشهد

این ایالت به حال انقلاب معمولی باقی است، مخصوصاً در حوالی شاهرود که راههای

آنجا را از ده روز به این طرف دستة بزرگی از سارقین ترکمن مسدود نموده‌اند. در عرض هفته آخری ماه اوت [اوایل شهریور؛ اواسط رمضان] پرنس دایبجا و ژنرال ردکو به طرف روسیه حرکت کردند. وقتی که ژنرال ردکو حرکت کرد، کلنل در نزدوسکی به سرکردگی عساکر خراسان مستقر گردیده و مرکز قشون خود را در مشهد قرار داد.

امیر اعظم که سابقاً به ایالت کرمان منصوب بود، به شاهرود وارد شده است. ماژور سایکس جنرال قنسول اعلیحضرتی در غرة سپتامبر از مشهد برای گردش در ناحیه بجنورد حرکت نمود.

اصفهان

در ناحیه قم و سلطان‌آباد بهبودی حاصل نشده است. به علاوه سرقت‌های قوافل، چندین دهات حدود سلطان‌آباد را دستجات غارتگر السوار در عرض ماه گذشته غارت نمودند. در ناحیه فریدن نیز از قرار مذکور مصیبت رعایای ارمنی به واسطه تعدی نایب‌الحکومه و سادات معتبر آنجا خیلی زیاد است.

مخبرالسلطنه که برای ایالت فارس انتخاب شده، در ۱۸ سپتامبر [۲۶ شهریور؛ ۶ شوال] با یکصد و هشتاد نفر ژاندارم از اصفهان حرکت نمود و وقتی که در قمسه توقف داشت، شب ۲۳ و ۲۵ سپتامبر بر ژاندارم‌های مذکور شلیک شد. صاحب‌منصب سوئدی آنها به سارقین حمله برده، آنها را متفرق ساخت و سرکرده آنها که موسوم به علی‌خان بود، دستگیر و محبوس گردید.

سردار جنگ‌حالیه با کاپیتان گری وسط خاک بختیاری است.

قنسول اعلیحضرتی مقیم اهواز راپورت اطمینان‌بخشی از بابت پیشرفتی که در عمل اعاده انتظامات شده، می‌دهد. امیر مجاهد که در ابتدای امر با سردار جنگ مخالف بود، حالا با او صلح نموده و به حکومت بهبهان تعیین گردیده است.

یزد

استاد محمد که در خلاصه وقایع ماه آخر راپورت حرکتش به سمت یزد داده شد، از آن ناحیه حرکت کرده است. دستة بزرگی از بویراحمدیها، در نیمه آخر سپتامبر به ناحیه اردکان وارد شده و از آنوقت تاکنون در آنجا مشغول غارت بوده‌اند. اسدالله میرزا حکمران آنجا استعفاء نمود، لیکن کسی به جای او تعیین نشده است.

شیراز

همراهان صولت‌الدوله هنوز در حدود شیراز هستند و راه بوشهر مسدود شده است. چندین دسته از بویراحمدیها، از قراری که راپورت داده شده، در ناحیه آباده‌اند. در ۲۵ سپتامبر یکی از دستجات که عده‌شان ۵۰۰ نفر بود، به بعضی از دهات در راه عمده بین آباده و دهبید حمله برده دهاتیان آنها را منهزم نموده، و آنوقت به طرف دهبید حرکت کرده و چندین دهات عرض راه را غارت نمودند.

کرمان

دستجات مختلفه سارقین که نواحی شمال و مغرب کرمان را از چندی به این طرف

غارت می نمودند، امیر مفخم هنگامی که به سمت ایالت کرمان می رفت، آنها را بکرات شکست داد و مقدار زیادی مال التجاره را مسترد داشته و در جنگهای مختلفه با آنها از قراری که راپورت داده شده، یکصد نفر از سارقین به قتل رسیده اند.

امیر مفخم حالیه در رفسنجان است و قصد دارد بمجرد آنکه ناحیه رفسنجان را منظم نمود، به طرف کرمان حرکت کند.

کرمانشاه

در سوم سپتامبر [۱۱ شهریور؛ ۲۱ رمضان] سالارالدوله در کرمانشاه به یارمحمدخان ملحق شد، لیکن در ۱۶ سپتامبر همینکه شنید فرمانفرما در ۲۵ میلی شهر است، سالارالدوله بدون جنگ حرکت کرده و فرمانفرما حکمران آنجا، چند روز بعد به آنجا وارد شد.

در ۲۲ سپتامبر بختیاریهها و مجاهدین که قسمتی از قشون دولت را تشکیل می دادند، فرمانفرما را رها کرده و به طرف همدان رفتند. سفارتین به حکومت مرکزی فشار آوردند که به بختیاریهها و مجاهدین امر دهند به کرمانشاه بروند و از قراری که راپورت داده شده، حالا به طرف آن نقطه حرکت کرده اند.

سالارالدوله از کرمانشاه به سنندج رفته و در آنجا هر قدر ممکن بود قشون جمع آوری نموده است. از قراری که راپورت داده شده، او با یارمحمدخان و قریب ۱،۲۰۰ نفر به طرف کرمانشاه مراجعت نموده است.

نمره - ۳۷۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ اکتوبر ۱۹۱۲ [۹ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۰ شوال ۱۳۳۰]

آقا

اوضاع کرمانشاه و حدود آن دلیل خوبی است از عدم توانایی دولت ایران و قوه نظامی آن در اعاده استقرار انتظامات، حتی در قسمتی از مملکت که ظاهراً عساکر دولتی در آنجا قریب سه چهار ماه قبل موفقیت کامل حاصل نمودند.

از قرار معلوم، در موقع تصرف کرمانشاه، اقدام مهمی برای دستگیری سالارالدوله به عمل نیامده و در عرض ماههای گذشته، راپورت ظهور این مدعی سیار از نقاط مختلفه لرستان و کردستان داده شده است. به علت قطع مخابرات تلگرافی و غیاب اشخاص قابل اعتماد در نواحی که اشغال شده، خیلی مشکل است بتوان محل شاهزاده مذکور را معین داشت.

البته بخاطر دارید که به مجرد آنکه کرمانشاه قبضه و سالارالدوله از آن نقطه خارج گردید که در میان ایلات وحشی لرستان و کردستان سرگردان و آواره شود، استعداد بختیاری و مجاهد که با فرمانفرما بودند، شروع به داد و فریاد زیاد برای اجازه مراجعت به طهران کردند چرا که دیگر انتظار نمی رفت جنگی به وقوع رسد.

در ماه ژوئیت راپورت داده شد که آنها برای مراجعت به طهران از کرمانشاه حرکت

کرده‌اند. قشون مزبور در بیستون توقف نموده و به وصول پول از حکومت مرکزی، راضی به مراجعت به کرمانشاه شدند. در آن وقت نیز شکایت شد که فرمانفرما تمام هارتیه‌ها را برده و دولت و آنهایی که در جنگها فتح نموده‌اند، قسمتی مرده‌اند.^۱

هر اوایل اوت فرمانفرما با تمام قشون خود به سنندج پایتخت کردستان که ایالت آنجا هم به عهده او است، حرکت کرده، استعداد غیرمکفی در کرمانشاه قرار داد. در موقعی که استعداد دولتی به طرف سنندج در حرکت بودند، شخصی موسوم به یارمحمدخان فرمانفرما را رها کرده و به سرکردگی ۳۰۰ نفر از مجاهدین مسلمان به کرمانشاه مراجعت نمود. از قرار معلوم یارمحمدخان به تدبیر جنگی شهر مذکور را قبضه نموده و از آن نقطه به طهران تلگراف کرده است که چون می‌خواسته‌اند نایب‌السلطنه خلع و کابینه تغییر داده شود و مشروطیت برقرار و مجلس منعقد گردد، فرمانفرما را رها نموده‌اند. در ابتداء شهرت داشت که یارمحمدخان در نظر داشت خود را طرفدار سالارالدوله اعلان کند و این مسأله وقتی ثابت شد که شاهزاده مذکور در سوم سپتامبر [۱۱ شهریور؛ ۲۱ رمضان] به سرکردگی ۵۰۰ نفر به کرمانشاه مراجعت نمود و یارمحمدخان که سابقاً دموکرات بود و حالا یاغی و خائن دولت شده بود، با کمال محبت از طرف سالارالدوله پذیرفته شد.

قبل از آنکه بخوبی واضح شود که یارمحمدخان حامی کدام طرف خواهد بود، دولت، جوان ارمنی موسوم به میرزایانس را که سابقاً مدیر و مترجم قشونی یفرم‌خان بود، فرستاد به امید اینکه او بتواند اختلافات بین مجاهدین مسلمان و ارمنیهائی که هنوز در تحت امر کری‌خان بودند، رفع نماید. میرزایانس دیر رسید و نتوانست به مقصودی که در نظر گرفته بود نائل شود و از قراری که معلوم شد از فرستادن او بکلی کاری از پیش نرفت چرا که او نه فقط نتوانست خطا و سهو مجاهدین یاغی را به آنها بفهماند، بلکه خود او با مجاهدین دولتخواه و بختیاریه‌ها شریک شده و عریضه به دولت نوشته است که عساکری که برای جنگ فرستاده شده‌اند، چند ماهی برای اعاده مشروطیت و مجلس جنگ نموده و دولت در مسأله مجلس مستدعیات آنها را اصفاء نموده و به هیچ وجه علامت شروع انتخابات مجلس ظاهر نیست.

اینک مفتخراً ترجمه این عریضه را به انضمام اعلانی که از طرف انجمن مخفی انتشار یافته مشعر بر اینکه اهالی ایران دوباره مطیع سلطنت استبدادی محمدعلی میرزا نخواهند شد (با وجود آنکه در بعضی مراکز ایرانیان اظهار شده است که اهالی مایل به مراجعت شاه مخلوع می‌باشند) لفاً ایفاد می‌دارم. این نوشتجات را شخصی که زبان انگلیسی می‌دانست و مستر چرچیل او را نمی‌شناخت، به او داد.

پس از تردید زیاد، عساکر تحت امر فرمانفرما ترغیب شدند برای قبضه کرمانشاه مراجعت کنند. همینکه نزدیک کرمانشاه رسیدند سالارالدوله و یارمحمدخان بطرف سنندج که بعد از آن اشغال شد حرکت کردند. از بابت عبور دو استعداد متخاصم از

(۱) چنین است در اصل. جمله فارسی است و اصلاح آن بدون قرینه مقدور نیست. - م.

یکدیگر بدون خالی کردن گلوله، دو حکایت نقل شده است: حکایت اول این است که دو قشون از دو راه حرکت کردند؛ قشون دولت از راه معمولی و یاغیان که عمده‌شان ۶۰۰ نفر بود، از راه غیرمعمولی کوهستان عبور نمودند. حکایت دیگر این است که این دو استعداد با هم مقابل شده، لیکن بختیاریه‌ها و مجاهدین که فقط می‌توانستند جنگ کنند امتناع نمودند از اینکه یا سالارالدوله و قشونش طرف شوند.

به مجرد آنکه دوباره فرمانفرما در کرمانشاه مستقر گردید بختیاریه‌ها و مجاهدین اظهار نمودند دیگر جنگ نخواهند نمود و به قصد مراجعت به طهران او را رها کردند. همینکه به کنگاور رسیدند خوانین طهران به آنها امر داده تأکید نمودند که در آنجا بمانند تا ورود قشون امدادی بختیاری که وعده داده شده بود بزودی فرستاده می‌شود، برسد.

بدبختانه این قشون امدادی فرستاده نشد چرا که زیاده‌تر از ۱۵۰ نفر نتوانسته‌اند در طهران جمع‌آوری نمایند و در این موسم سال از خاک بختیاری هم، نمی‌توان قشون تحصیل نمود.

از قراری که می‌گویند، قشون کوچک بختیاری بین سلطان‌آباد و همدان هستند. وزیر امور خارجه مرا اطلاع داده است که به اینها امر داده شده است برای جنگ حرکت کنند لیکن اهالی از وجود داشتن آنها مشکوک [=شاک] می‌باشند.

با این اوضاع، همکار روسی و من صلاح دانستیم به صدراعظم بختیاری و وزیر جنگ بطور سخت اظهار بنماییم که اگر نمی‌توانند ایلیاتیهای خود را که به جنگ رفته‌اند، ترغیب نمایند [که] وظایف خود را به انجام برسانند و در سیاسیات دخالتی نکنند، ما مجبور خواهیم شد که دست از حمایت بختیاریه‌ها در پایتخت و ایالات و ولایات برداریم.

از قرار معلوم، اظهارات ما مثر ثمر شده است زیرا که به ما حالا اطمینان داده شده است که قسمتی از قشون کنگاور به کرمانشاه مراجعت خواهند نمود و بقیه به همدان خواهند رفت که به استعداد ساخلوی آنجا ملحق شوند. راپورت‌هایی که از بابت جنگ رسیده، بسیار متضاد است ولی ظاهراً مسلم است که سالارالدوله دوباره موفق به جمع‌آوری قشون زیاد ایلیاتی دور خود شده و از سنج برای کرمانشاه یا همدان حرکت کرده است. عدد قشون او به ۷،۰۰۰ نفر تخمین شده است. یحتمل این تخمین اغراق باشد. او یک توپ کوهستانی هم دارد.

از قرار معلوم سالارالدوله عنوانات خود را تا اندازه‌ای تغییر داده است و از قرار مذکور دست از دعاوی خود نسبت به سریر سلطنت برداشته و خود را خواهان و حافظ استقلال و مشروطیت ایران اعلان نموده است.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمره ۳۷۰

سواد مکتوب هیأت اتحادیه ایرانیها

این مکتوب برای کابینه و سردار اسعد و هیأت دیپلوماسی
توسط حزب داشناکسیون فرستاده شده است

البته سه کابینه به خوبی واضح است که هر فردی از افراد قشونی از ابتدای مشروطیت همه جا و در هر وقت، طرفدار استقلال مملکت و حفظ مشروطیت بوده است و برای این مقصود مقدس دست از جان خود کشیده ایم و جنگها کرده و فتحها از قبیل فتح طهران و گیلان و زنجان و قراجه داغ و اردبیل و مازندران و استرآباد و ارشد - الدوله و سالارالدوله و غیره کرده ایم. فرد فرد این قشون دارای یک عقیده بوده و خود را حاضر فداکاری می داند و ما یقین داریم که عقاید کابینه هم مثل عقاید قشون است. هفت ماه قبل، دولت به علت اشکالات خارجی مجبور به بستن مجلس گردید و دستجات قشونی هم چون این اقدام را مقتضی و صلاح می دانستند، آن را تصویب و در اجرای آن کمک نمودند. مجلس منفصل گردید و کابینه وعده صریح داد که پس از انقضای سه ماه مفتوح خواهد شد. این اسباب یأس ما شده و علی هذا فرد فرد قشون بطور عموم و صاحب منصبان کل و جزء خصوصاً از دولت درخواست افتتاح پارلمان را می نمایند و استدعا می کنند که اوامر بسیار مؤکده برای شروع به انتخابات داده و پارلمان را پس از مدت قلیلی مفتوح سازند. این اقدام از طرف آنها اسباب رضایت اهالی مملکت و تشکر قشون خواهد گردید (امضاء) ضیاءالسلطان میرزایانس شهابالسلطنه کری غفار قزوینی سالارمنصور جوادخان غلامحسین خان حبیب بهادرالدوله و قریب ۳۰ نفر دیگر

به تاریخ دهم شوال ۱۳۳۰ [۳۰ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۲]

ملفوف دوم نمره ۳۷۰

مکتوب کمیته مرکزی اتحادیه ایرانیها

به سفارت انگلیس

میل ما این است که اظهاراتی را که از بعضی مراکز در باب اعاده محمدعلی میرزا منتشر می شود صراحتاً تکذیب نموده بگوییم که این جعلیاتی که محرکین انقلاب و اشخاصی که تاکنون مانع سلامت و سکون مملکت بوده اند انتشار می دهند. اهالی ایران دوباره مطیع سلطنت جابرانه محمدعلی نخواهند شد. امیدواریم کسانی که با انسانیت همدردی دارند ادامه رولوسیون و خونریزی را در ایران روا نخواهند داشت و یقین داریم که سفارت انگلیس، دولت انگلیس را از احساسات ملت ایران مستحضر خواهد داشت.

(بدون امضا) (مهر) کمیته مرکزی اتحادیه ایرانیها

طهران ۱۶ شوال ۱۳۳۰ [۵ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۸ سپتامبر ۱۹۱۲]

نمره - ۳۷۱

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۳ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۰ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۱ شوال ۱۳۳۰]
 آقا

کلنل یالمارسن فرمانده ژاندارمری سوئدی، اخیراً بعضی نوشتجات مربوط به تشکیل و تنظیم ژاندارمری دولتی ارائه نموده است. اینک مفتخراً خلاصه این نوشتجات را که آتاشه میلیتر سفارت اعلیحضرتی تهیه نموده، برای شما لفاً ایفاد می‌دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۳۷۱

رپورت راجع به تشکیل ژاندارمری دولتی

حوادث اخیراً فارس و عدم پیشرفت انتقال صاحب‌منصبان از قشون به ژاندارمری و لزوم عدم مرکزیت بیش از این در شمال، تشکیل دستجات معظم قشونی را لازم می‌دارد. کلنل یالمارسن فرمانده ژاندارمری در اوایل سپتامبر نقشه‌ای به حکومت مرکزی ارائه نمود.

تغییراتی که توصیه شده بود، از آنجمله اضافه مصرف ۳۶،۹۴۴ تومان از طرف وزارت داخله، تصویب شد و در ۲۴ سپتامبر مجری گردید.

تحت تشکیلات جدید، مراکز قشونی تغییر نموده و مدارس صاحب‌منصبان کل و جزو در طهران تخلیط شده و از عساکر قزوین و طهران و فارس سه رژیم تشکیل خواهد شد.

مراکز قشونی

مراکز قشونی مرکب خواهد بود از فرمانده کل و رؤسای اداره‌های حقوق و مهمات و بنائی نظامی و بیطاری و اجزاء آنها.

مدارس صاحب‌منصبان کل و جزو

ابتدائاً در نظر بود که از صاحب‌منصبان قشونی برای ژاندارمری تعیین شود و زمستان گذشته همینکه مدرسه صاحب‌منصبان مفتوح گردید، کلنل یالمارسن از وزیر جنگ درخواست نمود که اعلانی در میان صاحب‌منصبان قشونی منتشر نموده و شرایط دخول را برای آنها توضیح کند. وزیر جنگ این اعلان را منتشر ننمود و فقط عده کمی از صاحب‌منصبان قشونی داخل ژاندارمری شدند.

چون دیگر از این ممر صاحب‌منصب بدست نمی‌آید، کلنل یالمارسن تصمیم نموده است که صاحب‌منصبان خود را از صاحب‌منصبان جزو ژاندارمری انتخاب کند و برای آنکه دوره تعلیمات متوالی باشد، مدارس صاحب‌منصبان کل و جزو را تخلیط نموده است.

تشکیل رژیمانها

برحسب سیستم جدید، امر رژیمان^۱ مرکب خواهد بود از یکی یا چند باطالیان^۲ افراد تعلیم یافته برای حفظ راهها و یک باطالیان مرکزی برای تعلیم افراد جدید.

قسمت شمالی

رژیمان اول از سه باطالیان تشکیل خواهد شد: باطالیان اول و دوم با مراکز خود در طهران و قزوین برای حفظ راههای دور و حوالی پایتخت و راههای از طهران الی قزوین و انزلی و از قزوین الی همدان تعیین خواهند شد. مرکز باطالیان سوم یا باطالیان برای تعلیم افراد جدید، طهران خواهد بود.

رژیمان دو، مرکب از دو باطالیان و مراکز هر دو در طهران خواهد بود. باطالیان اول در راه از طهران الی قم و پاسنگان و راههای از طهران الی ورامین تقسیم خواهد شد. باطالیان دوم برای تعلیم افراد جدید خواهد بود.

قسمت جنوبی

تشکیل رژیمان سوم که عدد آنها فعلاً ۲۵۰ نفر است و برای تعلیم صاحب منصبان جزو آن مدرسه تأسیس شده تا بهار آتی به اتمام نخواهد رسید.

کلنل یالمارسن در نظر داشت که تمام افراد اولین قسمت ژاندارمری فارس را در طهران تعلیم دهد. بهار گذشته قبل از آنکه عدد مکفی تعلیم بیابند و با وجود اعتراضات او، حکومت مرکزی به او دستورالعمل دادند که بلا تأخیر در شیراز شروع به کار کند. بنابراین این ۱۳۰ نفر از ژاندارمهای طهران تحت امر سه نفر صاحب منصبان سوئدی در ماه مارس گذشته بدانجا فرستاده شد که مرکز ژاندارمری فارس را تشکیل دهد، لیکن به علت مخالفت مأمورین محلی عدد مکفی داخل ژاندارمری نمی شدند.

لطمه ای که در ماه اوت از همراهان صولت الدوله به آنها وارد آمد، تحصیل افراد جدید را بیش از پیش مشکل نموده است و چون تا زمانی که استعداد ژاندارمری به اندازه ای نرسیده که در هر نقطه مورد احترام باشد، احتمال نمی رود که از این حیث بهبودی حاصل گردد.

فرمانده کل تصمیم نموده است که ۹۲۵ نفر را در مراکز رژیمان اول و دوم تعلیم داده و در بهار آتی آنها را به شیراز بفرستد و آنوقت از این رژیمان، باطالیانها منشعب شده و در راه از بوشهر الی شیراز و ایزدخواست تقسیم خواهند شد و در صورت امکان، مدرسه صاحب منصبان کل و جزو شبیه به مدارس طهران تأسیس خواهد گردید.

رژیمان اصفهان

سال آتی در صورتی که پول برسد، فرمانده کل امیدوار است بتواند رژیمانی تشکیل داده مرکز آن را در اصفهان قرار دهد که راههای از پاسنگان تا ایزدخواست را محافظت نموده بدین واسطه بتوانند قسمت شمالی ژاندارمری را با قسمت جنوبی مربوط سازند.

مصارف تخمینی

مصارف تخمینی رژیمان اول و دوم و سوم ۱۲ ماهه از اول ماه اکتوبر ۳۰۷،۶۱۶ تومان و يك قران، و مصارف تشکیل و نگاهداشتن رژیمان اصفهان ۱۲ ماهه ۴۰۷،۲۴۲ تومان و پنج هزار خواهد بود.

تحصیل افراد ژاندارم

کلنل یالمارسن در ضمن ملاحظات خود در مسأله تشکیل ژاندارمری، جلب توجه به اشکالاتی که مخصوصاً از بابت تحصیل افراد با آن مقابل شده، می نماید.

در شمال و جنوب اولیاء امور مخالف پیشرفت و ترقی تشکیلات ژاندارمری بوده اند. مثلاً حکمران قزوین از دسته ژاندارمری که تحت امر صاحب منصب خود در بهار گذشته برای تحصیل افراد در ناحیه قلمرو حکومتش رفتند، مطالبه ۲،۰۰۰ تومان بطور رشوه نموده، چون این تقاضا قبول نشد، او به رؤسای ایلاتی که در قلمرو حکومتش بودند تعلیم داد که با صاحب منصب آنها همراهی نمایند و لذا دسته مذکور به مقصود خود نایل نشدند.

بعد از آن، صاحب منصب قشون قزوین، از همان نقطه ۲۰ نفر را داخل ژاندارمری نمود لیکن همینکه وزیر جنگ این را شنید، امر صادر کرده غدغن نمود از آن ناحیه ژاندارم نگیرد.

در ناحیه قم، رژیمان محلی و نقاطی که در آن می توانست تحصیل افراد نماید، از طرف دولت ایران تحت امر و اختیار ژاندارمری قرار داده شد و فرمانده کل، تحصیل افراد را به صاحب منصبان رژیمان مذکور سپرد لیکن اینها عوض آنکه با کمال جدیت مشغول تحصیل افراد شوند، از هر که می توانستند به عنوان استخدام اجباری جبراً پول می گرفتند.

نظر به اینکه برای اعزام ژاندارم به شیراز در پاییز گذشته، لازم است زیاده بر معمول، افراد داخل ژاندارم شود به وزیر داخله اظهار شده است که اقدام برای این سوء رفتار بنماید.

محاكم عدلیه

کلنل یالمارسن نیز شکایت دارد از اینکه طریقه [کار] در محاكم عدلیه ایران که اداره ژاندارمری باید مقصرین خود را برای تنبیه به آنها بفرستد، مکفی و مطلوب نمی باشد.

او به وزیر عدلیه ارائه طریق نمود که به صاحب منصبان ایرانی ژاندارمری اجازه داده شود که خود آنها مجازاتهای جزو را به عمل آورده و در نقاطی که صاحب منصبان سوئدی هستند، تحت ریاست آنها محاكم برای مقصرین خطاهای سهمیه تشکیل گردد.

وزیر عدلیه اظهار داشت که چون این مسأله با قوانین مملکتی مخالف می باشد،

نمی‌تواند آن را تصویب نماید و کلنل یالمارسن را اطمینان داد که اشخاص صحیح برای محاکم صلحیه مخصوصاً برای محاکمه مقصرینی که ژاندارمری تسلیم بنمایند، تعیین خواهد نمود.

احتمال و امید موفقیت

با وجود مخالفت بعضی از وزرای کابینه و حکام ایالات و ولایات و حکایات اغراق‌آمیزی که در باب سختی دیسیپلین در اطراف منتشر گردیده، کلنل یالمارسن مطمئن به پیشرفت کار است.

علماء که او، به وسایل مختلفه آنها را با این امر موافق ساخته، تاکنون با ژاندارمری مخالفت ننموده‌اند و عقیده او بر این است که تا زمانی که حقوق منظمی داده شود، مردم برای استخدام در اداره ژاندارمری حاضر خواهند بود.

کلنل یالمارسن اظهار می‌دارد که اشخاصی که داخل ژاندارمری می‌شوند، در ابتدا باهوش و مایل به تعلیم یافتن هستند لیکن همینکه به تحصیلات عالی‌تر می‌رسند، اغلب تنبل می‌شوند و امیدوار است که به مرور ایام، صاحب‌منصبان بتوانند این نقص را از آنها رفع کنند.

او تصور نمی‌کند که ایرانیان از صفات و خصوصیات که برای نظام لازم است، عاری باشند و می‌گوید که در جنگ ماه اوت گذشته نزدیک شیراز، ژاندارمری تحت امر صاحب‌منصبان خود، جنگ خوبی کردند و آنهایی که فرار کردند، تحت امر صاحب‌منصب ایرانی بی‌جراتی بودند که نتوانسته بود به واسطه ابراز رشادت و جرات برای آنها سرمشقی بشود.

نمره - ۳۷۲

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

تهران ۹ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۶ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۷ شوال ۱۳۳۰]

آقا

با کمال افتخار پروگرام جوف را که امروز علی‌قلی‌خان معاون وزارت خارجه به نام دولت ایران برای سفیر روس و من فرستاده، ایفاد می‌دارم.

به عقیده او، در پروگرام مذکور فقط سه مسأله مندرج است که دارای اهمیت مخصوص است و آن مسائل راجع به تشکیل قشون ۲۸،۰۰۰ نفری و قرضه ۳۰،۰۰۰،۰۰۰ تومان و احداث راه‌آهنی از بحر خزر یا از نقطه‌ای در سرحد آذربایجان تا خلیج فارس می‌باشد. من از علی‌قلی‌خان سؤال نمودم که دولت ایران چه اقدام دیگری در نظر دارند در مسأله قرضه بنمایند؟ او ابتدا می‌خواست بگوید که آنچه در این باب اظهار شده مکفی است و دولتین باید عمل را بگذرانند؛ پس از قدری فکر او با تردید ارائه طریق نمود که خزانه‌داری کل به سفارت آمده و جزئیات

عایداتی را که برای تأمین قرضه مذکور ممکن است بدست آورد، عرضه خواهدداشت. و بعلاوه اظهار داشت که صورت مالیه‌ای که مسیو مرنارد نوشت و سواد آن را من با کاغذ ۳۱ اوت [۸ شهریور؛ ۱۸ رمضان] خود فرستادم، بخوبی واضح می‌کند که عایدات گمرکات شمالی و جنوب فقط برای پرداخت وجوهات از بابت قرضه مذکور مکفی می‌باشد.

من در جواب گفتم این مسأله چنانچه به نوشتجات نظر کنیم صحیح است لیکن تجربیات اخیر به ما نشان می‌دهد که عایدات گمرکات جنوب ظاهراً برای پرداخت اصل و منافع قروض موجوده مکفی نبوده است و اظهار داشتم بخوبی می‌دانم که عایدات گمرکات جنوب باید بخوبی برای پرداخت وجوهات معینه که بر آن تحمیل شد، کافی باشد ولی بدبختانه خزانه‌دار کل اصرار دارد به اینکه این وجوهات را به مصارفی برساند که تا زمانی که شرایط قرضه ۱۹۱۱ به انجام نرسیده، نمی‌توان آن را مصرف نمود؛ و گفتم که این مراتب اسباب اطمینان نخواهد شد و گمان می‌کنم قبل از آنکه امکان دادن قرضه‌ای را که پیشنهاد شده، بتوان دانست، لازم است که از روی بصیرت در صورت مالیه‌ای که فوقاً بدان اشاره رفته مذاقه شده و عقیده صحیحی از بابت آن حاصل شود.^۲

من سپس از علی‌قلی‌خان پرسیدم که مقصود از احداث خط آهن از شمال تا جنوب چیست و به او اظهار داشتم که شما برای من تعلیمات فرستاده‌اید که با همکار روس خود متفقاً از طرف سوسیته دتود که سندیکای انگلیسی و فرانسوی و روسی است، تقاضای امتیازی برای احداث خطی شبیه به آن که مذکور شد، بنماییم.

علی‌قلی‌خان در جواب اظهار داشت که به عقیده او، خط آهنی که من ذکر کردم همان است که او بدان اشاره نموده و به گمان او، تحصیل امتیاز خط آهن اشکالی نخواهد داشت و به‌علاوه گفت که در مسأله نقشه‌های خط آهن انگلیس و روس که به دولت ایران عرضه گردیده، اخیراً پیشرفت زیاد حاصل نشده و انتظار دارد که مسائل مذکور بزودی بر وفق دلخواه تصفیه شود.

من نیز اظهار داشتم که واضح است قسمت پنجم و ششم این یادداشت مربوط به من نمی‌باشد، لیکن اظهار امیدواری نمودم به اینکه اگر بگویم که شامل نمودن این دو فقره در این قسم نوشته، پلیتیک بسیار بدی است، مرا معذور خواهد داشت.

دولت روس اگر بخواهند به فقره ششم جواب بدهند، بطور سهولت می‌توانند طوری جواب بدهند مثل آنکه هیچ جوابی نداده باشند و اشاره به مطلبی که ممکن است اسباب کدورت شود چه فایده و چه ثمر دارد؟

نفوذ و قدرتی که شجاع‌الدوله را به این مقام تعیین نموده به کنار، در هر صورت ایالت او را بدین مقام منصوب نموده و اگر ایالت بگذارد کسی که تابع و زیردست

(۱) اصل: که اینکه تا زمانی که - م.

(۲) چنین است در اصل و عبارت، گنگ و پیچیده است و اصلاح بیشتر، مقدور نشد. - م.

او است، مشاغل ایالتی را از دستش بگیرد، دولت روس می‌تواند شخص ایالت را مورد ملامت قرار دهد.

اما از بابت شاهسونها، خوب نیست گفته شود بگذارند ایالت آنها را سرکوبی دهد، وقتی که تمام عالم می‌دانند ایالت آنقدر قشون ندارد که با شاهسونها جنگ کند. حتی در صورتی که این خواهشی که از دولت روس شده، آن دولت را از انجام مقصود خویش بازداشته و اسباب کدورت دولت مشارالیها نمی‌شد، دولت روس می‌دید که عادت غارتگری ایل مذکور، منشأ دائمی خطر جانی و مالی اهالی دور و حوالی می‌باشد و بنابراین یحتمل از روی بی‌میلی زیاد تصمیم نمودند به قسمی که دولت ایران، با اوضاع موجوده نمی‌توانست آنها را سرکوبی دهند.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۳۷۲

اظهاریه دولت ایران

چندین سال است که دولت ایران هرگونه مساعی برای انجام اصلاحات لازمه بکار برده و چون مجبور شده‌اند که تمام اوقات و پول خود را صرف جلوگیری و رفع اغتشاشات غیرمترقبه بنمایند، نتوانسته‌اند مقصودی را که در مد نظر داشته‌اند، به انجام رسانند.

لیکن اصلاحات را که در مد نظر دارند بیش از این نمی‌توان به عهده تعویق انداخت و دولت علیه با عزم جزم مصمم‌اند بدون جزئی تأخیر نقشه‌ای را که طرح شده است، به اجراء رسانند.

علی‌هذا، دولت علیه جلب توجه دولتین همسایه را به دو مسأله ذیل می‌نمایند به امید آنکه کمک و همراهی دوستانه آنها را تا اندازه‌ای که مربوط به آنها است تحصیل نمایند:

(۱) اعاده و استقرار نظم و امنیت در راههای تجارتی اولچیزی است که توجه دولت به آن معطوف است. برای انجام این مقصود در نظر دارند اقدامات ذیل را بنمایند:

(۱) توسعه ژاندارمری به همراهی صاحب‌منصبان سوئدی؛

(۲) تشکیل نظمیه با کمک صاحب‌منصبان سوئدی؛

(۳) تشکیل قشون ۲۸،۰۰۰ نفری با اسلحه خوب.

قسمت ۷،۰۰۰ نفری با کمک صاحب‌منصبان اروپایی که از یکی از دول صغار استخدام شود، در طهران تشکیل خواهد گردید. این صاحب‌منصبان در طهران مشغول تعلیم خواهند شد و متدرجاً تمام دستجات دیگر قشونی که برای استقرار نظم در ایالات و ولایات ساخلو می‌باشند، توسط آنها تعلیم خواهند یافت.

(۲) برای فراهم آوردن وسایل لازمه اعاده استقرار نظم و خرید اسلحه کافی و اجرای اصلاحات اداری و تزئید و توسعه ثروت طبیعی مملکت، و بالاتر از همه اجرای اصلاحات مالی، دولت علیه مجبورند از روی شرایط اقتصادی صرف، متوسل به يك

قرضه بزرگی شوند و حاضرند برای نیل به این مقصود، فوراً داخل مذاکرات شوند. عایدات حالیه مملکت به استثنای مالیات املاک و پس از وضع وجوهاتی که برای استهلاك قروض سابقه و مصارف لازمه مقرر شده، برای تأمین قرضه ۳۰،۰۰۰،۰۰۰ تومان مکفی می باشد.

تا زمانی که عمل این قرضه بزرگ به اتمام نرسیده، دولت ایران برای شروع اجرای نقشه خود از دولتین تقاضای مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیرا بطور مساعده می نمایند.

(۳) چون حضور قشون اجنبی در خاک ایران بطور وضوح برای نفوذ معنوی حکومت مرکزی مضر است، دولت علیه مستدعی است دولتین به حل این اشکال مساعداً جلب توجه بنمایند که حکومت مملکت با اقتدار لازمه بتواند به وظایف خود عمل کند.

(۴) چون ترقی تجارت و سعادت مملکت، بدون احداث خطوط آهن میسر نگردد. دولت علیه مصمم شده اند که بحر خزر یا نقطه ای در سرحد آذربایجان را به واسطه راه آهن بین المللی با هم مربوط و مستهل سازند.

(۵) انعقاد پارلمان هم یکی از مقاصد دولت می باشد.

(۶) چون اعاده و استقرار نظم در ایالت آذربایجان مخصوصاً مطلوب است، دولت علیه توجه مساعد دولت روس را به قصد نیل به این مقصود و استحکام اقتدار ایالت آن نقطه، به مسائل ذیل جلب می نمایند:

(۱) که شجاع الدوله از دخالت در حکومت مرکزی آذربایجان اجتناب نماید؛

(۲) که تصفیة امر شاهسونها بکلی به دست ایالت واگذار شود.

(۷) نظر به اینکه شهرت مراجعت شاه مخلوع هنوز گاهگاهی اسباب تشویش اذهان مردم شده و سبب تشویق عناصر اغتشاش طلب می شود، دولت علیه خواهش خود را تکرار می کند که دولتین صاحبان امتیاز پروتکل ۱۹۰۹ اطمینان رسمی بدهند که هر قسم علل خطری را که از اقدام جدید شاه مخلوع برای مراجعت به ایران متصور است رفع نمایند.

نمره - ۳۷۳

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورغ ۲۱ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۸ مهر ۱۹۲۱، ۹ ذی قعدة ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۹ اکتوبر شما:

من مفاد تلگراف مذکور را دیروز در کاغذ خصوصی به معاون وزارت امور خارجه نوشتم.

جناب معظم له مرا اطلاع داد که به سفیر روس اجازه داده شده است که در صورتی که خطر حتمی متصور باشد، عساکر به طهران احضار نماید چرا که او فقط شخصی است که می تواند بر لزوم آمدن یا نیامدن عساکر در آنجا حکم کند.

من اظهار داشتم که از قرار معلوم سفیر روس به اوضاع اهمیت زیاد می دهد و صمیمانه اظهار امیدواری نمودم که چنین اقدامی در آخرین دقیقه که چاره ای دیگر نباشد،

به عمل خواهد آمد.

جناب معظم‌له ۱ در جواب اظهار داشت که خوب است ما از این مسأله مطمئن باشیم و گفت که سر والتر تنلی البته با سفیر روس مشورت نموده و عقاید دولت انگلیس را به او ابلاغ خواهد نمود.

نمره - ۳۷۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۱ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۸ مهر ۱۲۹۱؛ ۹ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۰ اکتوبر شما - عساکر شیراز - من با عقائدی که در قسمت آخر مذکور شده، کمال موافقت را دارم.

نمره - ۳۷۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۲ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۹ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۰ اکتوبر من:

وزیر امور خارجه دیروز به ملاقات من آمد. به علت کسالت و علل مختلفه دیگر، من نتوانسته بودم عقائد حضرت معظم‌له ۲ را از بابت اوضاع حاضره استفسار نمایم. به عقیده حضرت معظم‌له، عین‌الدوله بهترین کسی است که کابینه جدیدی تشکیل دهد. حضرت معظم‌له اظهار داشت که تا زمانی که غیر معلومی امور دوام دارد، کابینه حالیه از امضای امتیازات امتناع خواهد داشت.

بختیاریه‌ها مخالف تعیین عین‌الدوله خواهند بود لیکن وقتی ببینند سفارتین متفقاً عمل می‌نمایند، بلاشک دیگر مخالفت نخواهند نمود.

سفیر روس حامی قوی عین‌الدوله است لیکن چنانچه می‌دانید از چندین سال به این طرف، مناسبات شاهزاده مذکور با سفارت دولت اعلی حضرتی دوستانه نبوده است ولی در صورتی که او را بهترین شخص برای استقرار نظم در مملکت بدانند، خوب نبودن او با ما، به عقیده من نباید سبب ضدیت ما با او شود.

نمره - ۳۷۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۲ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۹ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل در ۲۱ اکتوبر از شیراز مخابره شده است:

ایالت شیراز مرا اطلاع می‌دهد که راه از شیراز تا کازرون را به ۱۵۰ ژاندارم

(۱) اصل: معظم‌الیه. - م.

(۲) اصل در همه‌جای این تلگراف، معظم‌الیه به‌جای معظم‌له بکار رفته است. - م.

و ۱۱۰ نشر تفنگ‌چیان محلی از دهات امتداد راه سپرده است. صاحب‌منصب سوئدی آنها در نظر دارد روز ۲۴ اکتوبر با ژاندارمها حرکت کرده، مأمورین مخصوص از فرمانفرما همراه بردارد که با کدخداهای دهات مذکور قرار بدهند.

او مستقیماً به کازرون خواهد رفت و از آنجا مراجعت نموده ژاندارمهای مذکور را در امتداد راه تقسیم خواهد نمود.

تفنگ‌چیان محل هم تحت امر صاحب‌منصبان ژاندارمری بوده و حقوقشان را آنها می‌پردازند و راهداری نیز مرفوع می‌شود.

ایالت در نظر دارد برای محافظت راه از مدد ایلات صرف‌نظر کند. مأمور مخصوص از کازرون به بوشهر رفته و سعی خواهد کرد که با کدخداهای محلی که تا زمانی که ایالت فارس بتواند ترتیبات اساسی برای آن قسمت راه بدهد، راه سپرده به آنها است، قرار بدهد.

برای موقوف‌داشتن راهداری در این قسمت راه، اقدامی نخواهد شد ولی از قراری که فهمیده‌ام برای تخفیف‌دادن آن اقدام خواهد شد.

وزیر امور خارجه به من اظهار داشت که اهالی با شوق و ذوق زیاد ایالت را در شیراز استقبال نموده‌اند و تصور می‌شود که قبل از آنکه چنین اقدام خطرناکی را بنمایند، بمجرد ورود از ایلات مطمئن گردیده است.

نمره - ۳۷۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۲ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۹ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

قنصل اعلیحضرتی مقیم محمره راپورت می‌دهد که نماینده‌ای از طرف خوانین با شیخ محمره ترتیب رضایت‌بخشی از بابت اختلافات فیما بین داده است. قرارداد فیما بین هنگامی که سردار جنگ و امیر مجاهد با هم ملاقات خواهند کرد، تصدیق خواهد شد.

نمره - ۳۷۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۲ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۹ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۱ اکتوبر سر جارج بیوکانان:

شما باید به طریقی که در قسمت آخر ارائه طریقی شده، عمل نمایید. اگر عساکر روس به طهران روند، مگر آنکه در موقع لزوم حتمی و خطر واضح باشد، اسباب تشویش افکار عمومی شده و تصور خواهند نمود که مقصود دولت روس، الحاق شمال ایران است.

بسیار مستحسن است که امتیاز احداث خط آهن از محمره الی خرم‌آباد تحصیل شود و می‌توان آن را در موقعی که یکی از امتیازهای خط آهنی که روس در شمال می‌خواهد

داده شود، تحصیل نمود. آیا شما و همکار روسی خودتان، نمی‌توانید ترتیب این کار را بدهید؟

نمره - ۳۷۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲۳ اکتوبر ۱۹۱۲ [۳۰ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]
 اوضاع شیراز

کفیل قنصلگری اعلیحضرتی مقیم شیراز دیروز به قرار ذیل تلگراف کرده‌است:
 من با ایالت چندین مرتبه صحبت داشته‌ام و از قراری که فهمیده‌ام، چون مسأله
 ایلخانی‌گری در زمستان، وقتی که ایلات از هم متفرقند، کمتر دارای اهمیت است،
 جناب معظم‌له در نظر دارد که حالیه در آن باب اقدامی ننماید و تا آنوقت، ایل اسماً
 سپرده به صولت‌الدوله خواهد بود.

مخبرالسلطنه صولت‌الدوله را به شیراز خواسته ولی در صورتی که او از قبول
 دعوت جناب معظم‌له امتناع نماید، مخبرالسلطنه تعجب نخواهد نمود.

جناب معظم‌له در نظر دارد که در صورتی که قوام‌الملک وعده بدهد از روی صداقت
 و امانت عمل نماید، او را به مقام خویش مستقر داشته و همراهی و کمک او را بسیار
 ذی‌قیمت خواهد دانست، و ظاهراً تا اندازه‌ای قوام‌الملک از او اطمینان حاصل نموده
 است.

جناب معظم‌له در نظر دارد اقدامات سختی در زمستان نکند و امیدوار است بتواند
 در بهار، وقتی که قشونی که دریابییگی حالا تشکیل می‌دهند حاضر شود، ایلات را
 سرکوبی دهد و مایل است که از پارتی‌بازی اجتناب نماید و اعلام نموده است که با
 همه‌کس بدون ملاحظه پارتی در صورتی که حاضر به همراهی دولت باشند، تقویت
 خواهد نمود.

جناب معظم‌له قبل از آنکه اقدام سختی برای دستگیری مقصرین حمله به عساکر ما
 بنماید، اصلح می‌داند صبر کند تا تشکیل قشون دریابییگی به اتمام برسد ولی
 عقیده‌اش بر این است که اگر به قتل رسانیدن آنها تقاضا نشود، دستگیری آنها سهلتر
 است.

آیا ممکن است شما دستورالعمل بدهید که آیا من می‌توانم راضی به عدم تقاضای
 قتل آنها بشوم؟

نمره - ۳۸۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲۳ اکتوبر ۱۹۱۲ [۳۰ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]
 تلگراف ذیل را دوگلاس از شیراز مخاپره نموده است:
 اسکادران از اصفهان ۲۰ اکتوبر بدون حادثه وارد شد.

نمره - ۳۸۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۲۳ اکتوبر ۱۹۱۲ [۳۰ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۱ ذی قعدة ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۲ اکتوبر سر والتر تنلی:

جناب عالی باید به وزیر امور خارجه روس اطلاع دهید اگر دولت روس طرفدار تعیین عین الدوله باشند، ما هم حاضریم با آن موافقت نماییم.

نمره - ۳۸۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [یکم آبان ۱۲۹۱؛ ۱۲ ذی قعدة ۱۳۳۰]

راه آهن از محمره الی خرم آباد

وزیر امور خارجه که مفاد تلگراف ۲۲ اکتوبر شما را به او ابلاغ نمودم، مرا اطمینان داد که دولت ایران با نقشه این خط آهن بسیار موافق می باشند، و اطمینان سابق خود را تکرار نمود که امتیاز این خط، وقتی که امتیاز خط آهن از جلفا الی تبریز روس داده شود، اعطاء خواهد گردید. او امیدوار بود که به همین زودی تصمیم قطعی خواهد شد.

در جواب خواهش حضرت معظم له که من از بابت امتیاز روس نصیحتی به وی بدهم، من مؤکداً اظهار داشتم که دولت ایران باید آن را بدهند.

نمره - ۳۸۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [یکم آبان ۱۲۹۱؛ ۱۲ ذی قعدة ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۲ اکتوبر من:

کلنل ژاندارمری به من می گوید که وقتی که از صاحب منصب فرمانده شیراز خبر رسید که رؤسای ایلات، اطمینانات رضایت بخش به ایالت داده اند، او راضی شد که ژاندارمری به طرف کازرون حرکت کنند. سه نفر از صاحب منصبان سوئدی همراه آنها می باشند.

کلنل اجازه می طلبد که دو نفر صاحب منصب دیگر بخواهد یکی به جای آنکه نزدیک همدان مجروح شد و به وطن خود رفت، و دیگری به جای کلنل مری که استعفاء نموده است.

نمره - ۳۸۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [یکم آبان ۱۲۹۱؛ ۱۲ ذی قعدة ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۲۳ اکتوبر شما:

شما می‌توانید قنصل اعلیحضرتی مقیم شیراز را تعلیم دهید که بگوید ما وقتی که مقصرین دستگیر شوند، برای [قتل] آنها اصرار نخواهیم نمود.

نمره - ۳۸۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [یکم آبان ۱۲۹۱؛ ۱۲ ذی قعدة ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۲۴ اکتوبر شما - صاحب‌منصبان سوئدی - اعتراضی نیست.

نمره - ۳۸۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۷ اکتوبر ۱۹۱۲ [۴ آبان ۱۲۹۱؛ ۱۵ ذی قعدة ۱۳۳۰]

ویس قنصل یزد راپورت خیلی مهمی از بابت اوضاع آنجا می‌دهد:

ماشاءالله‌خان، پسر نایب‌حسین، راهزن مشهور، شهر را قبضه نموده و کوشش دارد خود را حکمران آنجا قرار دهد و محبوسین را آزاد نموده و تهدید به غارت آنجا را می‌کند. او به‌علاوه اظهار می‌دارد که از قراری که شنیده است، ماشاءالله‌خان گفته است که اول به ویس قنصلگری و آژانس روس و بانک حمله خواهد نمود و در صورتی که ماشاءالله‌خان به حکومت منصوب نشود، جان او و رئیس بانک در خطر خواهد بود. من دولت ایران را از این خطر متذکر نموده‌ام و دولت مشارالیه را مسؤول جان و مال اتباع انگلیس می‌دانم.

سردار فاتح بختیاری به حکومت نامزد شده و با عده قشون زیاد از اصفهان به طرف یزد حرکت کرده است.

من ویس قنصل را از اقداماتی که شده مستحضر داشته و پس از مشورت با سفیر روس، به او اظهار داشته‌ام که ما نمی‌توانیم حکومت ماشاءالله‌خان را تصویب نماییم و او را تعلیم داده‌ام به ماشاءالله‌خان بگوید که تا زمانی که حکومت قانونی برای یزد نرسیده، سفیر روس و من او را مسؤول جان و مال اجانب می‌دانیم.

نمره - ۳۸۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۸ اکتوبر ۱۹۱۲ [۵ آبان ۱۲۹۱؛ ۱۶ ذی قعدة ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۷ اکتوبر من:

ماشاءالله‌خان معتدل‌تر شده و از یزد خارج شده است.

نمره - ۳۸۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران غره نوامبر ۱۹۱۲ [۹ آبان ۱۲۹۱: ۲۰ ذی قعدة ۱۳۳۰]
 با کمال تأسف شما را اطلاع می‌دهم که لیوتنان بولاك، متعلق به دستة ۲۷ راجپوت‌ها،
 در راه بختیاری، نزدیک دوپلان، غارت شده و او را زده‌اند.
 اقدامات برای تنبیه مرتکبین نموده‌ام به طوری که عبرت سایرین شود و متحفظ
 تهیه نموده‌ام تا اصفهان همراه او بروند.

نمره - ۳۸۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
 وزارت خارجه ۲ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۰ آبان ۱۲۹۱: ۲۱ ذی قعدة ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف دیروز شما:
 من اقدام شما را تصویب می‌کنم. آیا صدمه سختی به لیوتنان بولاك وارد آمد؟ لطف
 نموده از سلامتی او، اطلاع دهید.

نمره - ۳۹۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۴ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۲ آبان ۱۲۹۱: ۲۳ ذی قعدة ۱۳۳۰]
 راجع به تلگراف دوم نوامبر شما:
 من از لیوتنان بولاك که تصور می‌کنم صدمه زیادی نخورده باشد، دیگر خبری ندارم.
 با تلگراف نمی‌توان از راه استخبار نمود. جنرال قنسول اصفهان راپورت می‌دهد که
 دوا و ملزومات دیگر توسط سواری که حکومت تعیین نموده، فرستاده شده است.

نمره - ۳۹۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران، ۵ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۳ آبان ۱۲۹۱: ۲۴ ذی قعدة ۱۳۳۰]
 کفیل قنصلگری شیراز پروگرام مالی [را] که ایالت آنجا به او داده است، برای
 من فرستاده است. مسأله مهم پروگرام مذکور این است که دولت باید تعهد پرداخت
 ۶،۰۰۰ لیرا ماهیانه برای مصارف اداری به ایالت بنماید. مخبر السلطنه در نظر دارد
 با بانک شاهنشاهی محاسبه جاری داشته باشد که بتواند تا ۶،۰۰۰ لیرا حواله دهد.
 تمام عایدات فارس در حساب او به بانک داده خواهد شد و هرچه از ۶،۰۰۰ لیرا
 کسر باشد دولت باید آن را برساند.
 خزانه‌داری کل نمی‌تواند اطمینان لازم برای پرداخت وجه مذکور را بدهد چرا که
 پول برای این کار ندارد. رئیس بانک هم، با شعبه بانک در شیراز مشورت نموده و
 او نیز نمی‌تواند این پیشنهاد را قبول کند.

اگر اطمینان لازم از بابت ایصال وجه که به وسیله آن بتواند اداره خود را بگرداند، به ایالت داده نشود، البته حکومت او پیشرفتی نخواهد کرد و اگر یکدفعه به اعاده نظم در فارس موفق گردید، این مبلغی را که لازم است می‌تواند در ظرف چند ماهی از عایدات فارس به دست آورد. عایدات فارس معمولاً سالیانه ۱۵۰،۰۰۰ لیرا می‌باشد.

خزانه‌داری کل در صدد فرستادن نماینده اروپایی از طرف خود به شیراز است و او در ظرف سه هفته به آنجا می‌رسد که وصول و مصرف عایدات را کنترل کند و وقتی که فرصت داشته باشد، در مسأله مالیة مذاقه و مطالعه نماید، می‌تواند بگوید که در صورتی که مالیة فارس بطور صحیح اداره شود، مبلغ عایدات چقدر خواهد بود؟ پول بسیار لازم است. اوضاع آتیه تا اندازه‌ای زیاد بسته به تحصیل پول است. گمان می‌کنم اگر شما بتوانید به ترتیبی تا چند ماه توسط بانک به ایالت کمک مالی برسانید، یحتمل اثرات بسیار عالی خواهد داشت.

نمره - ۳۹۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۶ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۴ آبان ۱۲۹۱؛ ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۴ اکتوبر شما:

هر قدر می‌توانید اقدام کنید اعطای امتیاز خط آهن از محمره الی خرم‌آباد تسریع شود. بسیار مستحسن است که بیش از این، اینکار به عهده تعویق نیفتد.

نمره - ۳۹۳

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۴ مهر ۱۲۹۱؛ ۵ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

آقا

در باب تلگراف ۲۳ سپتامبر من، افتخار دارم اینک سواد مراسله ویس‌قنسلگری اهواز را که در آن، اقدامات سردارچنگ، رئیس بختیاری را که برای اعاده و استقرار نظم در خاک بختیاری و تأمین راه لنج نموده راپورت داده است، لفأ ایفاد می‌دارم. من جلب توجه شما را به رضایت‌بخش بودن این راپورت نموده و از روی دلیل می‌دانم که حضور کاپیتان گری و نصایح او کمک معنوی و مادی بسیار به سردارچنگ نموده است. گمان می‌کنم کاپیتان گری برای ارائه نقشه‌ای که وسایل امنیت دائمی راه بختیاری را فراهم نموده است، مستوجب تحسین و تمجید زیاد است و از روی دلایل می‌توان امیدوار شد که در این مملکت که نتیجه هر کاری جز یأس چیزی نیست، این اقدام را نتایج مستحسنه ملازم باشد.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۳۹۳

مکتوب گری، ویس قنسول، به سر ادوارد تنلی

چفاخور ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۲ [۳۱ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۱ شوال ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم راپورت ذیل را از بابت مسافرت خود به اتفاق سردار جنگ به چفاخور، و اقدامات رئیس مذکور را برای اعاده و استقرار انتظامات در خاک بختیاری و تأمین راه لنج، معروض دارم:

چنانچه راپورت داده شده، سردار جنگ و مرتضی قلی خان، در ۲۴ اوت از اصفهان به طرف چفاخور که مرکز حکومتی بیلاقی است، حرکت نمودند. همان روز سردار فاتح و سردار معظم با مراسلاتی که من و سردار جنگ به امیر مجاهد نوشته بودیم، به طرف چهارمحال فرستاده شدند. من در کاغذ خود پیغامی را که شما به موجب تلگراف ۱۳ ژوئیه خود به من اجازه داده بودید، به او نوشته و توضیح نمودم که مخصوصاً مأمور شده‌ام به همراه سردار جنگ رفته و او را کمک نمایم و دولت ما تعیین سردار جنگ را به مقام ایلخانی گری بختیاری تقویت نموده و هرگونه اقدامی از طرف او یا خوانین جزو برای منع اجرای وظایف او بشود، بی‌اندازه اسباب کدورت و دلتنگی دولت اعلیحضرتی خواهد گردید. و مقرر شد که ما آهسته آهسته تا سامان برویم که در آنجا سردار فاتح جواب امیر مجاهد را برای ما بیاورد و سردار جنگ حکم داده بود ۲۰۰ سوار آنجا جمع شوند.

در ۲۴ اوت به نجف آباد رسیدیم و روز بعد را در آنجا بسر بردیم. روز ۲۶ به عزیزآباد رسیدیم و آنجا به ما خبر رسید که امیر مجاهد با چندتن از خوانین جزو و ۱،۵۰۰ نفر بختیاری، از خانه خود (شمس آباد) به طرف دهکرد حرکت کرده که در شمال آنجا از ورود ما جلوگیری نماید.

روز ۲۷ به طرف سامان حرکت کردیم، ۲۰۰ نفر سواری که ذکر شد، به ما ملحق گردیده، عده همراهان ما ۵۰۰ نفر سوار و پیاده بود. همان روز سردار فاتح به اردو مراجعت نموده از امیر مجاهد جواب آورد مشعر بر اینکه او و خوانین جزو قصد جلوگیری از ما را نداشته و در صورتی که با تقاضاهای حقه آنها سردار جنگ همراهی کند، حاضرند حتی المقدور به او همراهی و معاونت نمایند.

روز ۲۸ ما به طرف دهکرد حرکت کردیم و در آنجا چندین دفعه از امیر مجاهد و خوانین جزو ملاقات شد. سردار جنگ وعده داد که با امیر مجاهد در تحصیل حکومت محلی به او همراهی کند، لیکن ما تصمیم نمودیم که کوشش کرده و او را ترغیب نماییم حکومت بهبهان را که به علت نسبت او با طوایف بهمه^۱ کهکلوئی [= کهگیلویه‌ای] برای آن مقام مخصوصاً مناسب بود، قبول کند. سردار جنگ نیز وعده داد که برای خوانین جزو هم کاری بکند و در عوض این وعده، خوانین جزو

(۱) چنین است در اصل. (طوایف بهمه؟) - م.

متممید شدند با او همراهی نمایند.

روز ۳۰ اوت اردو متفرق شده و تمام خوانین به منازل خود رفته و چادرها و آذوقه‌های ایشان در چغاخور جمع شد.

روز ۴ سپتامبر ما تماماً مجدداً در چغاخور جمع شده و در این نقطه به ترغیب نمودن امیر مجاهد در قبول حکومت بهبهان موفق شدیم و مقرر شد که او به خانه خود رفته و تهیات لازمه برای سفر خود ببیند و آخر ماه سپتامبر به چغاخور مراجعت کرده، آنوقت مستقیماً به مقر حکومت خود برود.

روز ۱۵ سپتامبر، خوانین طهران سردار جنگ و امیر مجاهد را اطلاع دادند که امیر مجاهد برای حکومت یزد تعیین شده است. خوانین قرار تعیین او را به حکومت یزد، در موقعی که ما صلاح دانسته بودیم هر قدر زودتر که ممکن باشد امیر مجاهد را از خاک بختیاری خارج کنیم، و قبل از آنکه ما بتوانیم او را ترغیب به قبول حکومت بهبهان نماییم، بنا به توصیه سردار جنگ داده بودند. به وصول این اخبار، امیر مجاهد فوراً به چغاخور خواسته شد و به او توضیح شد که تعیین وی به حکومت یزد از روی سوء تفاهم به عمل آمده و چنانچه مقرر شده، باید به طرف بهبهان حرکت کند و قرار شد او از طرف خود، منتظم الدوله را به یزد فرستاده، خودش به بهبهان رفته، پس از این که از ایلات کهکلوئی [= کهگیلویه‌ای] برای حسن رفتارشان گروهی گرفت و همه وعده خوش رفتاری دادند، یکی از خوانین جزو را به آنجا فرستاده خود برای حکومت یزد حرکت کند. امیر مجاهد به این ترتیبات رضا داد.

ترتیباتی که برای تأمین راه لنج داده شد، به قرار ذیل بود:
۲۰۰ نفر از طایفه زراسوند و اسموند برای قراولی راه انتخاب شده‌اند. این طایفه راه، از تمام طوایف بختیاری اسلحه بهتر دارند و صدی هشتاد نفر آنها دارای تفنگ‌های مکزین^۱ هستند. به هر یک از آنها ۱۲ تومان در حضور من داده شده و به آنها وعده داده شده است که تا زمانی که لازم باشد، ماهی ۱۲ تومان به آنها منظمأ داده خواهد شد. بهادر السلطنه، پسر هژبر السلطنه که بزرگترین خان خانواده حاجی ایلخانی است، سرکرده آنها است. وجوهات مکفی به دست این خان داده شده، به علاوه سرکردگی قراولان راه، بعضی اختیارات بر طایفه دنیارنی^۲ که در خاک مجاور راه سکنا دارند، داده شده و به سیصد نفر از آنها امر داده شده که در حدود راه اقامت بنمایند و مسؤول امنیت ایاب و ذهاب قوافل می‌باشند.

بهادر السلطنه با قراولان تحت امر خود، روز ۱۶ سپتامبر از چغاخور برای راه حرکت کرد. روز ۱۸ سپتامبر ایلخانی رسماً افتتاح راه را به من اعلام نمود. من این مسأله را به اصفهان و اهواز اطلاع دادم.

امید است که همینکه امیر مجاهد به حکومت بهبهان مستقر گردید و طوایف

(۱) چنین است در اصل. - م.

(۲) چنین است در اصل (= دینارلی؟). - م.

کمپلوئیته [= کمپیلویته] را خوب اداره کرد، ممکن باشد از قراولان عده زیادی کاست و آنوقت عده کافی برای قراولی در شش برجی که تازه ساخته شده و چند نفری در هر یک از قراولخانه‌های دوردست، یحتمل برای جلوگیری از هرگونه ممانعت ایاب و ذهاب قوافل، مکفی خواهد بود.

سردار جنگ و عده داده است که مسأله تهیه و ترقی منازل در نقاط مختلفه راه و ترتیب علیق و تعمیرات لازمه راه همینکه از بابت باج پلها و عایدات پلی پول برسد، جلب توجه او را خواهد نمود.

به عقیده من، این ترتیباتی که به عمل آمده، نتایج مستحسنة خواهد داشت و بایستی از آنچه سردار جنگ در این مدت قلیل انجام داده او را تبریک گفت.

مرتضی قلی‌خان از وقتی که مصمم قبول مقام ایل‌بگی‌گری شد، با سردار باطناً همراهی و تقویت نموده و همراهی او در وقتی که سردار جنگ با خوانین جزو طرف بود، بسیار ذیقیمت بود. سردار در حکومت ایل بختیاری، کفایت به خرج داده و می‌دهد، صرفه شخص خود را ملحوظ نمی‌دارد و با کمال سرعت ایل به او اعتماد نموده و او را دوست می‌دارند.

نظر به اقدامات عالیة سردار جنگ و میل صمیمی او برای اعاده نظم در خاک بختیاری، من به تذکار این مسأله مبادرت می‌ورزم که ما باید حتی‌المقدور او را تقویت نموده و مراقب باشیم که در اقتدارات وسیع‌های که به موجب سند به او داده شده است، در مدت تعیین او کم و کسری حادث نشود.

(امضاء) کاپیتان گری معاون قنصل مقیم اهواز

نمره - ۲۹۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۴ مهر ۱۲۹۱: ۵ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

آقا

در باب تلگراف غره اکتوبر من، اینک مفتخراً سواد مراسله‌ای را که مستراکوان برای من فرستاده و از بابت احساسات ارتجاعی که فعلاً در آذربایجان وجود دارد و پیشرفت آتیۀ کار شاه مخلوع شرحی نگاشته، لفناً ایفاد می‌دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمره ۳۹۴

مکتوب کوان، کفیل قنصلگری به سر والتر تنلی

تبریز غره اکتوبر ۱۹۱۲ [۸ مهر ۱۲۹۱: ۱۹ شوال ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم اینک ترجمه تلگرافی را که تجار و علمای زنجان برای من مخابره

نموده و مفاد آن را تلگرافاً [= تلگرافی] برای شما مخابره نموده‌ام، لفاً ایفاد دارم. من وصول تلگراف مذکور را به آنها خبر داده صاحبان امضای آن را اطلاع داده‌ام که مضمون او را به شما ابلاغ خواهم نمود و همکار روسی من هم که برایش تلگرافی شبیه به این رسیده، به همین قسم جواب داده است.

من به هیچ وجه شکی ندارم که شجاع‌الدوله تحریک به مخابره تلگراف مزبور و بستن بازارها نموده است و اگر دلیلی برای این لازم باشد، می‌توان گفت که قبل از وصول این تلگراف به تبریز، شجاع‌الدوله از او خبر داشت. به علاوه، سردار مؤید حکمران زنجان یکی از برادران و همدستان شجاع‌الدوله است و ظاهراً به اندازه شجاع‌الدوله آدم متنفزی است. علی‌هذا نمی‌خواهم این اظهارات و نمایشات را علامت و اثر میل اهالی آذربایجان برای اعاده محمدعلی قرار دهم. و نیز باید دانست که در افکار عمومی تبریز تغییر بینی حادث گشته و می‌توان حالا بدون اغراق گفت که مولد و مامن سابق مشروطیت و مشروطه‌خواهی، تبدیل به مسکن و مأوای ارتجاع و استبدادپرستی گردیده است.

از این مسأله نباید تعجب کرد اگر فکر کنیم که قسمت معظم اهالی تبریز، مرکب از تجاری می‌باشد که در مدت اغتشاشات چندساله اخیر متحمل صدمات زیادی شده‌اند. اشخاصی که از مدت زمانی به این طرف در این شهر اقامت داشته‌اند و شخصاً با هر طبقه مردم آشنایی دارند، بطور یقین به من می‌گویند که تجاری که قلیل مدتی قبل از این، مشروطه‌خواهان صمیمی بوده‌اند حالا صمیمانه طرفدار اعاده محمدعلی میرزا شده‌اند و حالا احساس می‌کنند که حکومت مشروطه برای ایران قدری زود و بی‌موقع بوده است.

لیدرهای پلتیکی [= پلیتیکی] آنها یا مرده و یا به اسلامبول و سایر نقاط رفته‌اند. افراد قشون آنها یا متفرق شده و یا در خفیه هستند و فقط چیزی که بتواند اسباب نظم و امنیت فراهم آورد و باعث بهبودی حال و وضع زندگی آنها شود، رجعت به سلطنت استبدادی است.

الحال که مذاکره در این موضوع می‌شود، بایستی در نظر داشت که محمدعلی هنگامی که به مقام ولایت‌عهد در آذربایجان بود، به قدرت و تعدی‌کاری مشهور بود و حفظ انتظامات را خوب می‌نمود.

از طرف دیگر، در میان طبقه مأمورین دولتی و کسبه و اشخاص بیکار، بلاشک بسیاری از مشروطه‌خواهان پرحرارت و باکله و باجرات یافت می‌شود و لسی محل گفتگو است که آیا این اشخاص اگر شاه مخلوع ظهور کند، به همان عقیده خود باقی خواهند بود و یا آنکه در صدد اقدامی خواهند برآمد. افکار و عقاید پلتیکی [= پلیتیکی] آنها فقط در اذهانشان جای دارد و گمان نمی‌کنم در میان آنها کسی پیدا شود که بتواند در این موقع لیدر و راهنمای هیجانی برای مشروطیت باشد. به علاوه، چون شجاع‌الدوله و همراهانش در شهر هستند، این اشخاص می‌ترسند.

(امضاء) پاتریک کوان

ملفوف دوم نمره ۳۹۴

ترجمه تلگراف زنجان مورخه ۲۷ سپتامبر ۱۹۱۲ [۴ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۵ شوال ۱۳۳۰]

توسط سفارت انگلیس به سفیر انگلیس

جناب عالی می‌دانید که در این چند سال گذشته اگرچه عده‌ای از اشخاص متقلب تقاضای مشروطیت کرده‌اند، مقصود اصلی آنها تولید مفسده و مخالفت بوده که نتایج آن مملکت را برهم زده و باعث خونریزی زیاد گردیده است. برای اهالی دیگر چیزی باقی نمانده و دیگر بیش از این طاقت صبر ندارند. واضح است مملکت بدون پادشاه مثل قالب بی‌روحی است و فقط چیزی که عموم اهالی ایران را تسلی می‌دهد، اعاده شاه مخلوع است.

ما طبقه علماء و تجار و مأمورین دولتی و اهالی زنجان از اول بدین نکته پی برده و به هیچ وجه تاکنون نخواسته‌ایم با سلطان خود مخالفت ورزیم و عقیده خود را اظهار کرده و منتظر شدیم تا همه این مطلب را درک نمایند. حالیه دیگر برای مملکت علاجی بجز اعاده شاه که پدر سهربان تمام ایرانیان است بر سرین سلطنت اجدادی خود، متصور نمی‌باشد.

ما هم خود را از جنس انسان می‌دانیم و منتظر نیستیم دول معظمه بیش از این، خدمات در حق ما روا دارند و امیدواریم که دولت امپراطوری نظر به همسایگی خود، با شخص محمدعلی شاه همراهی خواهد نمود و توجه خود را به رفع مصیبات ما معطوف خواهند داشت.

امضای ۶۰ نفر از علماء و تجار و سایرین زنجان

نمره - ۳۹۵

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران، ۲۰ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۷ مهر ۱۲۹۱؛ ۸ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

آقا

در باب تلگراف ۷ ماه جاری خود افتخار دارم اینک سواد مراسله‌ای را که قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه برای من نوشته و راپورت حمله ۵ اکتوبر یارمحمدخان را به شهر و شکست و قتل او را می‌دهد، لفاً ایفاد دارم و نیز سواد مراسله دیگری را که مستر مک‌دول نوشته و شرح حوادث قبل از حمله یارمحمد را نوشته لفاً ایفاد می‌دارم. (امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمره ۳۹۵

مکتوب مک‌دول قنسول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۲۸ سپتامبر ۱۹۱۲ [۵ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۶ شوال ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که با وجود تلگرافات سخت از طهران، قشون به طرف

اسدآباد رفتند و امروز بعد از ظهر به علماء تلگراف کرده‌اند که سه روز دیگر وارد خواهند شد.

سالارالدوله به من تلگرافاً [=تلگرافی] خبر داد که روز ۲۷ سپتامبر به طرف کرمانشاه حرکت خواهد کرد و امروز راپورت داده شده است که یارمحمد با استعداد خود به کامیاران که تا اینجا ۲۵ میل مسافت دارد، آمده است.

فرمانفرما با قشون کمی ممکن است تحصن اختیار کند لیکن اگر به شهر حمله شود و او در مقام مقاومت برآید، شهر مجدداً غارت خواهد شد.

او چندین دفعه با من و همکار روسی من از بابت لزوم فرستادن پول از دولت برای تشکیل قشون در محل صحبت نموده و گفته است اگر به قشون محلی حقوق منظمی داده شود، برای او جنگ خواهد کرد و مسلم است که اگر به قشون ایلیاتی پول منظمی داده نشود، برای او جنگ نخواهند کرد و اگر قشون دیگری از قبیل بختیاریها نداشته باشد، جنگ کردن ایلیاتیها محل شبهه است. ۱۵۰ نفر قزاقی که همراه دارد قابل اعتماد نمی‌باشند و شکستی که نزدیک همدان به قشون او وارد آمد، ظاهراً بواسطه خائف بودن آنها واقع شده است. سالارالدوله این مطلب را همیشه گفته است که قزاقها با او جنگ نخواهند کرد.

روز ۲۶ چنانچه تلگرافاً [=تلگرافی] راپورت داده شد، اهالی شهر به قنسولگری انگلیس و روس آمده و عریضه جوف را به ما دادند. ترجمه آنها در جوف است. نماینده علماء و شاهزادگان و کسبه و صنعتگران و غیره آن را امضاء نموده‌اند. شکی نیست که این اقدام را اصلاً فرمانفرما تحریک نموده است لیکن پس از چندین جلسه و قسم خوردنهای، این نوشته به امضاء رسیده است. اهالی بلاشک حق شکایت دارند. عده‌ای طرفدار سالارالدوله و عده‌ای طرفدار دولت می‌باشند، لیکن اکثر مردم فقط امنیت می‌خواهند که به کسب و کار خود مشغول شوند.

وحشیهای سالارالدوله شهر را در ماه فوریه غارت کردند و قشون طرفین دهات را غارت نموده‌اند. سالارالدوله پولهای گزاف از مردم گرفته، فرمانفرما هم کمتر گرفته است. اهالی می‌گویند اموالشان از دست رفته و امنیت وجود ندارد که آنچه را که باقی مانده حفظ نموده و به زراعت مشغول شوند. فقط چیزی که برایشان باقی مانده عصمت و ناموسشان است و اگر هر یک از طرفین متخاصمین به شهر حمله نمایند زنها و بچه‌هایشان در خطر خواهند بود و حاضرند مطیع هر سلطانی که طهران در قبضه او باشد، باشند ولی می‌خواهند بی‌طرف بمانند. به فرمانفرما اوامر رسیده که شهر را از دست نداده در تصرف خود داشته باشد. به گمان من، تا زمانی که قشون برسد قشون او فقط برای حفظ ارك کافی باشد.

من به صمصام‌الممالک رسانیدم که چون حالیه دولتین حامی حکومت مرکزی می‌باشند وقت آن است که او ابراز دولتخواهی خود را بنماید. او هم با پسران و سواران خود

که از سنجاب و گوران می‌باشند، آمده است. اگر بیقین بدانند که اهالی شهر از عقب به او حمله نخواهند نمود. گمان می‌کنم بتواند با خصم مقابله نماید، لیکن نمی‌تواند به قول اهالی شهر اطمینان داشته باشد.

امروز صبح هیأتی به ملاقات من آمده استدعا نمودند که دو قنصل نزد سالارالدوله فرستاده و از او درخواست نمایم در شهر جنگ نکند و نیز درخواست نمودند که خانواده‌های آنها را حفظ نمایم. پس از مشورت با همکار روسی خود، ما جواب دادیم که فقط آنهایی را که تحصن اختیار نموده‌اند می‌توانیم حفظ نمایم و حفظ خانواده‌ها و املاک شهری آنها برای ما ممکن نیست و به فرمانفرما و سالارالدوله نوشته‌ایم که اگر در شهر جنگ کنند، مسؤول تمام خسارات وارده بر اموال اجانب خواهند بود.

۲۹ سپتامبر - فرمانفرما جواب داده است که قشون او امروز از اسدآباد برای کرمانشاه حرکت خواهند کرد و به مراجعت قشون به آنها امر خواهد داد برای حمله به یاغیان بیرون بروند و حتی‌المقدور از جنگ در شهر اجتناب نمایند لیکن اگر برخلاف انتظار به شهر حمله شود، او باید از ارك دفاع نماید.

(امضاء) مک‌دول

ملفوف دوم نمره ۳۹۵

ترجمه عریضه متحصنین به قنصلهای انگلیس و روس

امضاءکنندگان، اهالی کرمانشاه که هر یک نماینده طبقه و صنفی می‌باشیم، مدت‌زمانی است که صاحب جان و مال و آبرو و شرف خود نبوده‌ایم. هرکس از هر گوشه این پاك‌مشت‌خاك را حمله نموده است و بجز قتل و غارت، عاقبت نتیجه دیگری برای اهالی بدبخت کرمانشاه نداشته است و مخصوصاً این روزها می‌بینیم شرف و جان و مال ما، در حقیقت در خطر است. بنا بر این مجبوریم در قنصلخانه تحصن اختیار کنیم. ما از شما که نماینده دولت معظم و همسایه ما بدبختان هستیم، استدعا می‌کنیم به هر طریقی که می‌دانید امنیت جان و شرف و آبروی ما را حفظ کنید. بیش از این طاقت صبر و تحمل نداریم و تا زمانی که امنیت جان و مال و آبروی ما را تحصیل نکنید از این قنصلخانه خارج نخواهیم شد.

استدعای ما اینست که عساکر دولتی و قشون سالارالدوله در شهر داخل نشده، در خارج جنگ کنند.

(امضاء) سلطان‌العلماء امام‌جمعه شجاع‌العلماء معین‌الممالک صمصام-السلطان آقا محمد مهدی آقا شمس‌الدین ظهیرالعلماء سردار اجلال اکرم-الدوله آقا شیخ هادی آقا ابوالحسن آقا محمد صادق معتضدالدوله امیرمقتدر آقا رحیم حاجی‌آقای‌والی نایب‌الصدر سردار اشرف معتضدالسلطان نصرالدیوان شکوه‌السلطان حاجی حسین‌خان کلانتر قلی‌خان اسعدالدوله (و بسیاری دیگر)

ملفوف سوم نمره ۲۹۵

مکتوب مکدول قنسول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۶ اکتوبر ۱۹۱۲ [۱۳ مهر ۱۲۹۱؛ ۲۴ شوال ۱۲۳۰]

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که یاغیان تحت امر یارمحمدخان مجاهد، ساعت دو و نیم بعد از نصف‌شب ۵ اکتوبر به شهر حمله نمودند. فرمانفرما عمارات دولتی را سنگر کرده، بختیاریها و سنجاییها چیه سرخ را که یکی از نقاط کوهستانی است و اکراد در آنجا سکنی دارند، با دو عراده توپ سنگر نمودند.

قریب سه ساعت قبل از ظهر، یارمحمدخان که تا محل مربع جلو عمارت حکومتی خود را رسانده [بود] به سرش گلوله خورده مقتول گردیده ایلیاتی‌های کلهر که قریب پنجاه نفر با یارمحمدخان بودند، فوراً فرار اختیار نموده و سواره به قنسولخانه آمده استدعای تحصن نمودند. من به آنها گفتم نمی‌توانم وعده حفظ آنها را بدهم. آنوقت به استثنای سه نفر مجروح و پنج نفر از مجاهدین، تمامشان رفتند. پنج نفر مجاهد مذکور استدعا نمودند که آنها را به سرکرده‌های خودشان بسپارم. در میان آنها کریم‌آقا نماینده دموکراتها بود [که] گفت من در جنگ دخیل نیستم لیکن برای انجام صلح آمده‌ام. من به او اجازه دادم در قنسولخانه بماند به شرط آنکه اگر معلوم شد در جنگ شرکت داشته است، برای او کاری نکنم.

یاغیان متدرجاً فرار نمودند ولی تا بعد از ظهر گاه‌گاهی صدای شلیک شنیده می‌شد. قریب ظهر، ۲۰۰ نفر از اکراد که اکثرشان از جوانرود بودند، در اراضی قنسولخانه آمده و عساکر دولتی با تفنگ و ماکزیم به آنها شلیک کرده بسیاری از گلوله‌ها به منزل مستحفظین که از قنسولخانه ۲۰۰ ذرع مسافت دارد، شلیک شد. من از این واقعه خبر نداشتم و رفتن به منزل مستحفظین هم صحیح نبود تا آنکه منشی من از طرف فرمانفرما پیغام آورد که عده‌ای از یاغیان در اراضی قنسولخانه آمده‌اند و اگر من از آنها خلع اسلحه نسایم، او تعهد امر جان آنها را خواهد نمود. من پایین رفته و اجازه دادم به اصطبل وارد شوند و اسلحه خود را تسلیم نمودند. بعضیها فقط چماق داشتند و مقرر شد که فرمانفرما آنها را با مستحفظین از طرف خود، به خاک خودشان عودت دهد. این دویست نفر استدعا نمودند که آنها را سالم‌اً از خاک سنجاییها بگذرانند. قرار این کار توسط کارگزار داده شد و امروز عصر حرکت خواهند کرد. مجروحین که عده‌شان دوازده نفر است، به مریضخانه فرمانفرما برده خواهند شد، من نیز با بختیاریها و مجاهدین مشغول مذاکره هستم.

از بابت مجاهدین، این مسأله را باید تصدیق نمود که اگر موقعی به دستشان آمده بود، یارمحمدخان را رها می‌کردند. حسینقلی‌خان که دوم شخص اردوی یارمحمدخان بود، از قرار معلوم با همراهان خود فرار کرده است. از قرار مذکور، دویست نفر از هفتصد نفر اکراد مقتول شده‌اند. پس از دفن اجساد آنها می‌توان تخمین صحیحی بدست آورد.

پس از شکست یاغیان، دسته‌ای از کلمرها از ماهی‌دشت به قصد ملحق‌شدن به آنها حرکت کرده بودند و بختیاریها با آنها مصادف شده آنها را منهزم نمودند. عموم را عقیده بر این است که قتل یارمحمدخان ضربت قطعی بر یاغیگری یارمحمدخان می‌باشد.

(امضاء) مک‌دول

نمره - ۳۹۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران، ۲۰ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۷ مهر ۱۲۹۱؛ ۸ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]
آقا

در باب مراسله ۲۴ ماه گذشته [یکم مهر؛ ۱۲ شوال] من، افتخار دارم ترجمه جوابیه دولت ایران را به مراسله ۲۰ سپتامبر [۲۸ شهریور؛ ۸ شوال] خود که در آن اقداماتی را که برای جبران حمله دسامبر گذشته بر عساکر ما نموده‌اند، شرح داده و اطمینان داده‌اند که ترتیبات لازمه برای آسایش و راحتی عساکر اعلیحضرتی در شیراز داده شده است، لفا ایفاد می‌دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۳۹۶

ترجمه مکتوب علاءالسلطنه به سر والتر تنلی
۱۷ اکتور ۱۹۱۲ [۲۴ مهر ۱۲۹۱؛ ۵ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]
جناب اجل

مفاد مکتوب ۲۰ سپتامبر [۲۸ شهریور؛ ۸ شوال] گذشته شما را به دولت علیه ایران ابلاغ نموده و افتخار دارم اکنون شما را از مسرتی که از وصول آن برای دولت علیه حاصل شده و اعتمادی که دولت ایران همیشه به دوستی و حسن‌نیت دولت اعلیحضرتی داشته‌اند مستحضر بدارم و نیز باید به جناب‌عالی خاطر نشان نمایم که دولت ایران مضامین مراسله ۴ آوریل گذشته [۱۵ فروردین؛ ۱۵ ع ۲] سر جارج بارکلی را قابل دقت بسیار دانسته و اقدامات کافیه که به عمل آمده، از قبیل ارسال تلگراف مصالحت‌آمیز علمای بزرگ و جلوگیری از تحریک بعضی اشخاص و فرستادن فرمانفرما به شیراز و تقویت و همراهی با او، تماماً موفقیت حاصل نموده است. مسأله‌ای که هنوز تصفیه نشده، عمل مقصرین قضیه تأسف‌آمیز حمله به مستر اسمارت است. با وجود اطمینانات شفاهی سر جارج بارکلی که پس از آنکه دولت ایران قبول پرداخت ۴،۷۴۴ لیرا را نمودند دیگر این مسأله تعقیب نخواهد شد، دولت ایران مصمم شده‌اند که مقصرین را تنبیه نمایند و تعلیمات مخصوص برای این اقدام به فرمانفرمای فارس داده‌اند و امیدوارند که پس از ورود جناب معظم به شیراز و بعد از انجام اقدامات لازمه، در این کار موفقیت حاصل خواهد نمود.

در باب مستحفظین قنصلخانه شیراز و دسته‌ای که از اصفهان به آنجا می‌رود، از فرمانفرمای فارس خواهش نموده‌ایم که همراهی نموده و برای فراهم آوردن اسباب آسایش آنها ترتیبات لازمه بدهد.

(امضاء) محمدعلی علاءالسلطنه

نمره - ۳۹۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ اکتوبر ۱۹۱۲ [۳۰ مهر ۱۲۹۱؛ ۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]
آقا

چنانچه در تلگرافات و مراسلات سابقه به جنابعالی اطلاع داده‌ام، عساکر سالارالدوله در پنجم ماه جاری شکست‌سختی در کرمانشاه‌خورده و در آن جنگ، یارمحمدخان دموکرات که تازه با او متحد شده بود، مقتول گردید. خود شاهزاده که در جلو صفوف قشون خود نبود، فوراً به طرف کردستان فرار نموده چنانچه مذکور شد، به واسطه اتفاق غیرمنتظره که عساکر همدان دولت را مانع آمد از فرار او جلوگیری نمایند، جان خود را مستخلص ساخت.

عساکری که در همدان بودند، اکثر آنها از مجاهدین آرامنه تحت امر کری‌خان بودند و در موقعی که در شرف حرکت برای تعاقب سالارالدوله بودند، خبر رسید که میرزایانس وکیل سابق آرامنه در موقعی که از محل مأموریت مخصوص خود نزد فرمانفرما به طهران مراجعت می‌نمود، در قزوین دستگیر شد. آرامنه تحت امر کری چون سوءظن بردند مبادا در حق او خیانتی بشود، فوراً از حرکت امتناع نمودند و وقتی که خبر استخلاص میرزایانس برحسب امر طهران رسید، دیگر موقع دستگیری سالارالدوله از دست رفته و به شاهزاده مذکور دیگر دسترسی امکان نداشت.

شاهزاده آواره ظاهراً ابتدا تا گروس به طرف کردستان فرار کرد و معلوم نشد از آنجا به کجا رفت. بعد غفلتاً شهرت یافت که به سیراب که در عرض راه بین همدان و قزوین واقع است، دیده شد و عقائد در باب مقاصد او اختلاف داشت. بسیاری از مردم را عقیده بر این بود که درصدد بست اختیار نمودن در قنصلخانه روس در قزوین بوده و سایرین را عقیده بر این بود که با قشون زیادی در خیال حمله به شهر بوده است. به موجب خبر دیگری راپورت داده شد که در راه زنجان است لیکن حرکات او در پرده بود تا آنکه غفلتاً شهرت یافت که در حصارک که تا طهران ۳۵ میل مسافت دارد در شب ۱۶ ماه جاری دیده شده است و فوراً تهیه برای دفاع از شهر دیده شد و هیچ‌کس از عده همراهان شاهزاده اطلاع درستی نداشت و به صاحب‌منصبان روسی بریگاد قزاق اجازه داده شد که در دفاع شهر همراهی کنند و آنها به این مقصود، با ژاندارمهای تحت امر صاحب‌منصبان سوئدی و سواران بختیاری متفقاً عمل می‌نمودند. تا سه روز به هیچ‌وجه اطلاعی از بابت محل و ماوای سالارالدوله و عده قشونش نرسید تا آنکه دسته‌ای از بختیاریهایی که به طرف قزوین در حرکت بودند، خبر

دادند که او با کمال عجله به طرف کوههایی که تا مازندران امتداد دارد، در حرکت است و عده قشونش متجاوز از ۲۸۰ نفر است. فوراً با کمال عجله برای فرستادن عدهای سوار به تعاقب او تهیه دیده شد، لیکن تاکنون کاری از پیش نرفته و آخرین خبری که رسیده این است که او به کوههای شمال شرقی شهر طهران رفته و قریب یک هزار نفر با او میباشند. در عده آنها گویا مبالغه و اغراق شده باشد. ظاهراً هیچکس نمی‌داند مقصود او از آمدن نزدیک طهران چیست و از نقشه‌های آتیه‌اش هم کسی مطلع نمی‌باشد. از قرار معلوم، عموم را عقیده بر این است که به طرف استراباد و خاک ترکمن خواهد رفت.

نزدیک شدن سالارالدوله به پایتخت و بی‌اعتنائی توضیح‌نشدنی دولت، اسباب گفتگوی زیاد شد و مردم تا اندازه‌ای مشوش و مضطرب شدند زیرا که می‌گفتند اگر شاهزاده اعتماد به تقویت اهالی شهر نداشت حتماً آنقدر به پایتخت نزدیک نمی‌شد. کسانی که برای همدردی یا او مورد سوءظن واقع شدند، حزب دموکرات و مجاهدین بودند. دولت چون می‌دانست طرف میل اهالی نبود، یکی دو روز مضطرب شده می‌ترسیدند مبادا کسانی که از دولت کدورت داشتند موقع را مفتنم شمرده و تولید مفسده نمایند.

من تحقیقات لازم کرده‌ام و اینطور نتیجه گرفته‌ام که حزبی در شهر پیدا نمی‌شود که با مدعیات شاهزاده همراهی داشته باشد.

هنگامی که نزدیک شدن سالارالدوله به پایتخت معلوم شد و همکار روسی من به جنرال قزوین تعلیم داد که در صورتی که طهران مغشوش شود، حاضر و مهیای حرکت دادن قشون باشد، همکار روسی من اهمیت موقع را خوب فهمیده بود.

در جواب کاغذی که مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] برای من نوشته و مرا از این اقدام مطلع نمود، من نوشتم که چون این اقدام برای احتیاط است، من موافقت می‌کنم و به‌علاوه اظهار داشتم که شخصاً گمان نمی‌کنم اغتشاشی به ظهور رسد چرا که تاکنون بر من معلوم نشده است عده زیادی در شهر طرفدار و همدرد سالارالدوله باشند.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۲۹۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه، ۷ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۵ آبان ۱۲۹۱؛ ۲۶ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۵ نوامبر سر والتر تنلی:

من پیشنهاد می‌کنم که به سر والتر تنلی اجازه داده شود وجه کافی ماهیانه تا ۶،۰۰۰ لیرا به اقساط به دولت ایران داده شود که برای مصارف حکومت فارس به فرمانفرمای آنجا داده شود. شما باید این مطلب را به اطلاع مسیو سازانف رسانیده و اظهار امیدواری نمایید که او هم اعتراضی نخواهد داشت، چرا که جناب معظم در

همین قسم موارد چند هفته قبل اظهار مخالفتی ننمود.
بسیار برای ما لازم است که هر قدر می‌توانیم با دولت ایران برای اعاده انتظامات خوب همراهی نماییم.

نمره - ۳۹۹

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۸ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۶ آبان ۱۲۹۱؛ ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۷ نوامبر شما:

وزیر امور خارجه اظهار داشت که اعتراضی نخواهد داشت وجهی که پیشنهاد شده پرداخته شود.

نمره - ۴۰۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۷ آبان ۱۲۹۱؛ ۲۸ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]
سعدالدوله امروز به طهران وارد شد.

نمره - ۴۰۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۱ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۹ آبان ۱۲۹۱؛ یکم ذی‌حجه ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۵ نوامبر شما:

شما مجاز هستید که از ۱۵،۰۰۰ لیرائی که موجود دارید، تا مبلغ ۶،۰۰۰ لیرا ماهیانه برای مصارف حکومتی فرمانفرمای فارس بدهید. در مصارف باید از روی دقت مواظبت و مراقبت شود که به مصارف صحیح برسد.

نمره - ۴۰۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۰ آبان ۱۲۹۱؛ ۲ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

کلابخان، سپاهی بولاك، متعلق به دسته ۲۷ سنجابیها، در مریضخانه اصفهان از ضعف قلبی پس از مرض ذات‌الریه و ورم صفاق [ناشیه] از زخم گلوله‌ای که برداشته بود، وفات نمود. در صورتی که تصویب فرمایید، مبلغ ۱،۰۰۰ لیرا - چنانچه در مورد سواری که همراه بیل در آوریل ۱۹۱۰ مقتول شد مطالبه شد - برای این شخص هم مطالبه شود. این مبلغ به‌علاوه مطالبات دیگری است که از بابت لیوتنان بولاك از دولت ایران مطالبه شده است.

نمره - ۴۰۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۰ آبان ۱۲۹۱: ۲ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۱ نوامبر شما:

برحسب تعلیمات تلگرافی ۲۶ اوت [۳ شهریور: ۱۳ رمضان] شما و بنابر خواهش خزانه‌داری کل، من روز ۲۴ آکتوبر [یکم آبان: ۱۲ ذی‌قعدة] به رئیس بانک شاهنشاهی ایران تعلیم دادم که بقیه مساعده ۲۵،۰۰۰ لیرا را در حساب خزانه‌داری کل بپردازد. سهم مساعده روس قبلا داده شده امتز و به او فهمانیدم که این وجه برای مصارف ژاندارمری در جنوب است.

نمره - ۴۰۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۳ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۱ آبان ۱۲۹۱: ۳ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

به موجب خبری که از آژانس انگلیس مقیم استرآباد رسیده، سالارالدوله در قجه‌نجف است و از قرار مذکور ۱،۰۰۰ نفر با او هستند و قشون سواره هم به طرف شاهرود فرستاده است.

نمره - ۴۰۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۳ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۱ آبان ۱۲۹۱: ۳ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

من پیشنهاد شما را در باب جبران قتل سپاهی بولاک تصویب می‌کنم.

نمره - ۴۰۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۳ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۱ آبان ۱۲۹۱: ۳ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۲ نوامبر شما - مساعده به فرمانفرمای شیراز - آیا تمام وجه به مصرف رسیده یا چیزی از آن هنوز موجود است؟

نمره - ۴۰۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۱۳ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۱ آبان ۱۲۹۱: ۳ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

جناب‌عالی باید به مسیو سازانف اشعار نمایید که دولت ایران تا وجوهات لازمه برای اعاده نظم نداشته باشند، نمی‌توانند مالیات وصول کنند و سرمایه‌داران هم تا زمانی که وصول مالیاتها تأمین نشود، مایل به دادن قرض نیستند. به نظر من، این

اشکال را فقط دولتین انگلیس و روس می‌توانند رفع نمایند به این‌طور که ضمانت پرداخت مبلغی برای اعاده انتظامات نموده و وصول مالیاتها را به واسطه ژاندارمری یا استعداد دیگر، تحت امر صاحب‌منصبان اجنبی تأمین نمایند. چنین مبلغی نباید متجاوز از ۱،۰۰۰،۰۰۰ لیرا باشد.

لطف نموده از مسیو سازانف استفسار نمایید که آیا دولت روس حاضرند ضمانت پرداخت نصف این مبلغ را بنمایند؟ اگر حاضرند، دولت اعلیحضرتی هم حاضر ضمانت پرداخت نصفه دیگر خواهند بود مشروط به شرایطی که مناسب به نظر می‌آید. شاید بهترین طریقه این باشد که سرمایه‌داران به تأمین جواهرات دولتی پول قرض بدهند. در آن صورت ضمانتی که دولتین باید بکنند، فقط از بابت جواهرات خواهد بود.

نمره - ۴۰۸

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورغ ۱۴ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۲ آبان ۱۲۹۱؛ ۴ ذیحجه ۱۳۳۰]

مسیو سازانف وعده می‌دهد که با مشورت وزیر مالیه در پیشنهادی که به موجب تلگراف دیروز خود کرده بودید، دقت کامل بنماید. جناب معظم ابتدائاً چندان موافقت نداشت، لیکن با دلایل و براهینی که می‌توانستم اقامه نمایم، با پیشنهاد مزبور، تقویت نمودم.

نمره - ۴۰۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۴ آبان ۱۲۹۱؛ ۶ ذیحجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۳ نوامبر شما - مساعده به فرمانفرمای شیراز - تمام وجه به خزانه‌دار کل داده شده و آنچه که به مصرف نرسیده است، برای ژاندارمری جنوب که بی‌اندازه محتاج به پول است تخصیص شده است. کلنل ژاندارمری اتصالاً تهدیداً می‌گوید که اگر خزانه‌داری نتواند منظمناً حقوق ماهیانه ژاندارمری را برساند، اجرای نقشه ژاندارمری برای او ممکن نیست.

نمره - ۴۱۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آبان ۱۲۹۱؛ ۷ ذیحجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۳ نوامبر من:

دولت ایران راپورتی را که شیوع دارد مشعر بر اینکه عساکر دولتی تحت امر امیراعظم، سالارالدوله را نزدیک شاهرود بکلی شکست داده‌اند، تصدیق می‌کنند. خود شاهزاده فرار کرده است.

نمره - ۴۱۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آبان ۱۲۹۱؛ ۷ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] و من، دیروز از سعدالدوله ملاقات نمودیم و او چند نفر را معرفی کرده گفت اگر این اشخاص را ترغیب به قبول مقام وزارت نمایند، به عقیده او، به ریاست او کابینه مقتدری تشکیل خواهد شد.

سعدالدوله ظاهراً با انعقاد مجلس موافق است و در نظر دارد کنسی‌دتائی مرکب از ۳۰ نفر اعضاء تشکیل دهد که از طرف دولت در مجلس سنائی که او خیال دارد پس از انعقاد مجلس تشکیل دهد، نمایندگی داشته باشند.

صدراعظم حالیه به اتفاق وزیر جنگ به ملاقات من آمدند که به نمایندگی تمام ایل بختیاری، در باب اوضاع مذاکره نمایند و به من فهمانیدند که در صورتی که وعده داده شود که ابراز خصومتی نسبت به بختیاریها نشود و حکام بختیاری معزول نشوند، صدراعظم به وصول اطلاع و اعلام از طرف مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] و من، به اینکه کابینه‌ای از طرف سعدالدوله تشکیل شده که طرف اطمینان دولتین می‌باشد، حاضر است استعفاء نماید.

نمره - ۴۱۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آبان ۱۲۹۱؛ ۷ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۳ نوامبر شما به سر جارج بیوکانان:

در ضمن ملاقات با سعدالدوله، که در تلگراف امروز خود را پورت دادم، او توجه مرا جلب به لزوم پول رسانیدن به ایران نمود.

از بابت ۱۵۰،۰۰۰ لیرایی که او خیال کرده بود پس از امضای امتیاز خط آهن جلفا پرداخته خواهد شد، به گمان او، این وجه برای دولت ایران ممکن نخواهد بود که بتوانند به وسیله آن اعاده انتظامات بنمایند و سعدالدوله اظهار داشت تا کمک مالی از طرف دولتین نشود، تشکیل کابینه او بی‌فایده خواهد بود و برادرش در اروپا توقف نموده است ببیند می‌توان از محلی استقراض نمود و اگر دولتین انگلیس و روس نتوانند مساعده‌ای معتنا به [= معتنی به] از بابت قرضه، بلا تأخیر بدهند، امیدی برای پیشرفت کار او نخواهد بود.

ما به سعدالدوله اظهار نمودیم خوب است از مسیو مرنارد صورت مبلغی را که فوراً لازم است، گرفته و برای ما بفرستد و آنوقت در این باب به دولتین متبوعتین خود، رجوع خواهیم کرد.

من، به همراهی صمیمانه سفیر روس، به سعدالدوله فهمانیدم که دولت اعلیحضرتی

انتظار دارند دولت ایران امتیاز خط آهن از محمره الی خرم آباد را همان وقتی که امتیاز راه آهن جلفا را می دهند، اعطاء نمایند، و به او خاطر نشان نمودم که وزیر امور خارجه حاليه، مکرراً به من اطمینان داده است که امتیاز مذکور داده خواهد شد. سعدالدوله در جواب گفت: به خوبی آگاه است که اعطای امتیاز خط آهن مذکور قبول شده است.

نمره - ۴۱۳

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۶ اکتوبر ۱۹۱۲ [۳ آبان ۱۲۹۱؛ ۱۴ ذی قعدة ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم شما را اطلاع دهم که روز ۲۴ ماه جاری، به بانک شاهنشاهی تعلیم دادم که مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرا بقیه ۲۵،۰۰۰ لیرایی را که دولت اعلیحضرتی اخیراً به دولت ایران مساعده داده اند، به اختیار خزانه داری کل نگاه دارد و حسب الحواله او پردازند.

همینکه این مطلب را به اطلاع مسیو مرنارد رسانیدم، به او اظهار داشتم که از طرف دولت اعلیحضرتی اجازه دارم که این مساعده جدید را بدهم، مشروط به آنکه به مصارف ژاندارمری که حالیه در ایالت فارس است، با ژاندارمری که بنا بر نقشه کلنل یالمارسن، بهار آینده به آنجا فرستاده خواهد شد، برسد. من کلنل یالمارسن را نیز اطلاع دادم که مساعده جدیدی داده شده و طریقه مصرف آنرا نیز به او گفتم.

مسیو مرنارد مرا اطمینان داد که وجه مذکور بطوری که معین شده، به مصرف خواهد رسید.

اینک مفتخراً سواد مکتوبی را که همان روز به وزیر امور خارجه نوشته و جناب معظم را اطلاع داده ام که مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرا به خزانه داری کل داده شده است، لفاً ایفاد می دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۴۱۴

مکتوب سر والتر تنلی به علاء السلطنه

طهران ۲۴ اکتوبر ۱۹۱۲ [یکم آبان ۱۲۹۰؛ ۱۲ ذی قعدة ۱۳۳۰]

حضرت اشرفا

راجع به مراسله ۸ اوت من و جوابی که حضرت اشرف در تاریخ ۱۲ اوت دادید، در موضوع ۱۰،۰۰۰ لیرائی که من حسب التعلیم وزارت امور خارجه دولت اعلیحضرتی قرار بود برای مصارف لازمه ایالت فارس به دولت ایران بدهم، افتخار دارم حضرت اشرف را اطلاع دهم که امروز به بانک شاهنشاهی ایران تعلیم دادم که مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرا به خزانه داری کل پردازد. مبلغ اخیر بقیه مساعده ۲۵،۰۰۰ لیرائی است که

دولت اعلیحضرتی اخیراً راضی شدند به دولت ایران بدهند.

من مسیو مرتنارد را از این مسأله مستحضر داشته به علاوه به او نوشته‌ام که از دولت اعلیحضرتی اجازه دارم این مساعده را بدهم مشروط به اینکه برای ژاندارمری که تاکنون به فارس فرستاده شده یا بنابر نقشه کلنل یالمارسن قرار شده است در بهار آینده به آن ایالت فرستاده شود، به مصرف برسد.

اکنون برای اطلاع اولیاء مالیه دولت علیه، با کمال افتخار حضرت اشرف را اطلاع می‌دهم که این ۱۵،۰۰۰ لیرا، به تأمین گمرکات جنوب داده می‌شود و شرایط و میزان منافع آن، مثل ۱۰،۰۰۰ لیرائی است که در ماه اوت مساعده داده شد و در تحت شرایط مساعده‌ای است که دولت اعلیحضرتی در ماه مارس به دولت علیه قرض داده‌اند.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۴۱۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ اکتوبر ۱۹۱۲ [۶ آبان ۱۲۹۰؛ ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم خلاصه وقایع چهار هفته گذشته ایران را به طریق معمول ماهیانه، لفا ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۴۱۴

خلاصه وقایع ماه اکتوبر ایران

طهران

کابینه - کابینه صمصام السلطنه هنوز مشغول رتق و فتق امور مملکتی است، لیکن بر همه معلوم است که به همین زودیها تغییری حاصل خواهد شد زیرا که صدراعظم، سعدالدوله را دعوت نموده است به طهران بیاید. صدراعظم روز ۲۰ آکتوبر [۲۷ مهر؛ ۸ ذی‌قعدة] به سعدالدوله تلگراف نمود و جواب او روز ۲۲ رسید.

سالارالدوله - چنانچه در مراسله علیحده مفصلاً راپورت داده شد سالارالدوله روز ۱۸ آکتوبر با قشون کمی تا ۳۰ میلی طهران آمد. تا یکی دو روز تصور می‌شد او خیال دارد به شهر حمله نماید و تهیه دفاع شهر با عجله تمام دیده می‌شد. لکن شاهزاده به شهرستانک که در شمال کوهستانی طهران واقع است، رفته و روز ۲۲ و ۲۳ آکتوبر را آنجا بود و بعد از طرف شمال به مازندران رفت. دولت اقدام مهمی برای تعاقب او نمودند تا روز ۲۷ و ۲۸ آکتوبر، آنوقت قشون کمی مرکب از ۳۰۰ نفر بختیاری و ۱۰۰ نفر سوار اوصانلوا و ۵۰ نفر قزاق و دو عراده توپ، به عقب او فرستادند.

شخصی موسوم به حیدرقلی خان روز ۲۵ اکتوبر به سفارت متحصن شد و تصور می شد یکی از طرفداران سالارالدوله است، لیکن خود او این مسأله را انکار نمود. محبوسین پلتیکی [= پلتیکی] - محبوسین پلتیکی را که در خلاصه وقایع ماه مه مذکور داشتم، روز ۱۹ اکتوبر از قم به طهران آوردند و فعلاً در باغ شاه محبوس می-باشند. سردار محیی و برادران او، و سلیمان میرزا لیدر حزب دموکرات جزو آنها هستند.

انتخابات مجلس - کمیته ای که در خلاصه وقایع سپتامبر بدان اشاره شد، چندی بعد اظهار داشتند که به عقیده آنها مسأله لزوم تغییر قانون انتخابات را باید به هیاتی که بیشتر سمت نمایندگی داشته باشند، رجوع نمود. بنابراین، کمیته بزرگتری مرکب از ۵۶ نفر از منتخبین تمام طبقات تشکیل گردید و سردار اسعد را به ریاست انتخاب نموده و در ماه اکتوبر چند دفعه جلسه نمودند و به اکثریت آراء تصمیم شد که قانون انتخابات مصوبه مجلس سابق را با اوضاع حاضره نمی توان به موقع اجراء گذارد. سپس کمیته ای تشکیل شد که قانون انتخابات جدیدی تدوین نماید و فعلاً کمیته مذکور مشغول کار است.

تبریز

چون اقدامات نظامی برضد شاهسونها علی العجالة به عهده تعویق می باشد، روسها عده زیادی از عساکر خود را از ناحیه اردبیل عودت داده اند. بعضی از عساکر مذکور، به روسیه عودت نموده و بعضی را به ناحیه ارومیه فرستاده اند.

مشهد

به استثنای راه از مشهد الی عشق آباد، که روسها آن را محافظت می کنند، در عرض ماه گذشته تمام راههای خراسان برای ایاب و ذهاب قوافل مسدود بوده است. به ترکمنها که در خلاصه وقایع ماه گذشته راپورت داده شد در حوالی شاهرود مشغول شرارت می باشند، دستجات دیگر از همان ایل ملحق شده و عده حالیه آنها به قریب ۱،۵۰۰ نفر تخمین شده است. راه تا طهران مسدود است و پسته را از راه روسیه حمل می کنند.

اصفهان

در اوضاع راههای معظم این ولایت، اخیراً قدری بهبودی حاصل شده است. لیکن از قراری که راپورت داده شده، چند دسته سارقین نواحی خارج شهر را اشغال نموده اند.

شهر بطور معمول آرام بوده، لیکن شبها گاهگاهی گلوله خالی می شد. شب ششم و هفتم اکتوبر [۱۲ و ۱۳ مهر؛ ۲۳ و ۲۴ شوال] به واسطه ورود عده ای سارقین مسلح، در بعض نقاط شهر تیراندازی زیادی به وقوع رسید و چون بعضی از گلوله ها از نزدیک مریضخانه انگلیس عبور نمود، جنرال قنسول اعلیحضرتسی مجبور شد مکتوبی به مأمورین محلی نوشته و آنها را متنبه سازد.

اسکادران سواره هند مرکزی، روز ۵ اکتوبر به طرف شیراز حرکت نمود.

یزد

اسدالله میرزا حکمران سابق روز ۹ اکتوبر پس از آنکه زمام امور را به دست نایب‌الحکومه داد، از یزد حرکت کرده به طرف طهران رهسپار گردید. نایب‌حسین و ماشاءالله پسر او که با ۴۰۰ نفر سوار روز ۴ اکتوبر به یزد وارد شدند، پس از حرکت اسدالله میرزا، زمام حکومت شهر را به دست گرفته و به همراهان خود که در قم و کاشان بودند تعلیم داد در یزد به او ملحق شوند که با عزم راسخ با حکمران جدید در مقام مقابله برآید.

روز ۲۵ همینکه از طهران تلگراف تعیین سردار فاتح بختیاری به حکومت آنجا رسید، ماشاءالله خان از شناختن اقتدار حکومت مرکزی امتناع نموده و شروع به تهیه نمود که به ورود سردار فاتح، با او مخالفت ورزد و محبوسین را مستخلص و مسلح نموده و از دهات دور و حوالی، چند نفر از اشرار را خواسته و اعلان کرد که می‌خواهد بانك شاهنشاهی و ویس‌قنسولگری انگلیس و آژانس قنسولگری روس را حمله و غارت نماید.

شهر بکلی در قبضه اختیار او بود و چندین نفر از تجار و غیره در ویس‌قنسولگری تحصن اختیار نمودند و همینکه از مقامات مختلفه به او فشار داده شد، طریقه اعتدال پیش گرفته و روز ۲۹ اکتوبر از یزد حرکت کرد.

سردار فاتح روز ۲۵ اکتوبر با دویست سوار و دو توپ از اصفهان برای یزد حرکت کرد.

مستر لبین، یکی از اجزاء اداره تلگرافی هند و اروپا را سارقین بوئراحمدی روز ۲۷ اکتوبر، در راه نزدیک نائین غارت نمودند و تفنگچی‌هایی که همراه بودند، در موقع حمله در مقام مدافعه برنیامدند.

شیراز

مخبرالسلطنه ایالت جدید فارس، روز ۱۶ اکتوبر به شیراز وارد شد. از مدت‌زمانی به این طرف، بین قشقائیه نفاق بوده و صولت‌السلطنه به اتفاق صولت‌الدوله و بعضی از ایلات جزو، اسباب استعفای سردار احتشام ایلخانی سابق ایل را فراهم نموده بودند.

دسته مرکب از چند نفر اروپایی و بعضی از اجزاء سواره هند مرکزی روز ۲۴ اکتوبر از شیراز به طرف بوشهر حرکت کردند و مخبرالسلطنه تعهد نمود که آنها را سالمأ به بوشهر برساند.

کرمان

امیر مفخم ایالت جدید روز ۳۰ سپتامبر [۷ مهر؛ ۱۸ شوال] به کرمان وارد شد. از زمان ورود او شهر و حوالی آن آرام بوده است و راه یزد که قراولان بختیاری آن را محافظت می‌کنند، برای ایاب و ذهاب قوافل مفتوح گردیده است.

کرمانشاه

سالارالدوله و یارمحمدخان با قریب ۱۰۰۰ نفر، روز سوم اکتوبر از کرمانشاه

به میان کتل وارد شد و به ملاحظه مکتوب متحدالمالی که قنصل روس و انگلیس به او نوشته و خواهش کردند جنگ را در خارج شهر قرار دهد، راضی شد دو روز صبر کند تا آنکه فرمانفرما از کرمانشاه خارج شده و با او مقابله نماید.

فرمانفرما به قشون خود امر داد که روز ۶ اکتوبر از شهر خارج شوند و لسی در ساعت دو بعد از نصف شب روز پنجم اکتوبر که در ارك بودند، به آنها هجوم آوردند و در آن جنگ، یارمحمد مقتول و همراهانش از ترس دیگر تاب مقاومت نیاورده فرار اختیار نمودند و بختیاریها و مجاهدین آنها را تعاقب نمودند.

در این جنگ از طرف یاغیان ۲۵ نفر مقتول و مجروح، و هشت نفر اسیر گردید. سالارالدوله که خود در آن جنگ شرکتی نداشت، از دست عساکر دولتی بدر رفته و با ۲۵ نفر از همراهان خود، از کرمانشاه حرکت نمود. حرکات بعد او را در این خلاصه در ضمن اخبار طهران راپورت داده‌ام.

نمره - ۴۱۵

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ اکتوبر ۱۹۱۲ [۶ آبان ۱۲۹۰؛ ۱۷ ذی قعدة ۱۳۳۰]

آقا

از مدتی به این طرف، حکومت مرکزی در صدد تحصیل کاندیدای مناسبی برای حکومت یزد بوده‌اند. عاقبت تصمیم نمودند که سردار فاتح بختیاری را تا زمان ورود امیر مجاهد بختیاری که فعلا کفالت حکومت بهبهان به عهده او است و بودن او در آنجا لازم است، برای حکومت یزد بفرستند. در این اثناء نایب‌حسین، متمرّد مشهور، با پسرش ماشاءالله و قریب ۵۰۰ سوار به طرف یزد حرکت کرده در آنجا نفوذ و قدرت کامل حاصل نموده و حاضر شد که با هر حکمرانی که تعیین شود، در مقام مخالفت برآید و بنای مالیات‌گذاری نموده و شروع به ساختن و تعمیر قلاع نمود.

روز ۲۴ ماه جاری، به وصول خبر تعیین سردار فاتح، کار سخت شد و ماشاءالله محبوسین را مستخلص نموده با اسلحه تمام به شهر وارد شده و اهالی شهر و گبرها را تهدید نمودند و از قراری که راپورت داده شد، تهدید به قتل ویس قنصل انگلیس و آژانس روس و رئیس بانک شاهنشاهی و غارت تمام ادارات اروپایی نمود و تا اندازه‌ای مقصودش این بود که دولت ایران را با دول خارجه مشغول و سرگرم بدارد. از قرار معلوم تمام شهر بکلی منقلب شده، عده کثیری از تجار و غیره به سرکردگی علمای بزرگشان حرکت کردند که در ویس قنصلگری انگلیس و اداره تلگرافخانه هند و اروپا پناهنده شوند و از همه طرف ارائه طریق می‌شد که با دولت ایران در باب تعیین ماشاءالله‌خان به حکومت مذاکره شود که شهر از این انقلابات و تهدیدات آسوده و مستخلص شود.

پس از تفکر زیاد و از روی دقت کامل، جسارت اقدام و اعمال ماشاءالله بر من معلوم شده، دریافتیم که به وسیله تهدیدات جسارت‌آمیز خود، می‌خواهد دولت را

قهرماً مجبور به قبول حکومت خود بنماید و در حالتی که اهمیت موقع را به خوبی درک کرده و دولت ایران را از جزئیات آن مطلع می‌نمودم، ملاحظه نمودم که برای من به هیچ وجه ممکن و میسر نیست که با شخص متمرّد یاغی، برای تحصیل حکومت ولایتی همراهی نمایم و البته همراهی من با او، باعث سلب اعتبار دولت اعلیحضرتی می‌گردد.

پس از مشورت با همکار روسی خود، به ویس قنسول انگلیس تعلیم دادم که در غیاب مأمورین دولتی ماشاءالله را ملاقات نموده و به او بگوید که چون به قوه قهریه یزد را اشغال نموده، سفیر روس و من شخص او را مسؤول جان و مال اجانب یزد می‌دانیم، تا زمانی که حکمران جدید برسد. و به ویس قنسول تعلیم دادم که قرار بدهد آژانس روس هم به اتفاق او برود.

از قرار معلوم این اظهارات بی‌ثمر نماند و چنانچه در تلگراف ۲۸ اکتوبر خود راپورت دادم، و ماشاءالله طریقه اعتدال و حسن رفتار پیش گرفته و تصمیم نمود از یزد حرکت کند و برای آنچه تاکنون کرده بود، به وزیر داخله تلگراف نموده و متعذر به معاذیری چند شده.

سردار فاتح حکمران، روز ۲۶ اکتوبر با ۲۰۰ نفر سوار و ۲ توپ و ده نفر توپچی به طرف یزد حرکت کرد.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۴۱۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ اکتوبر ۱۹۱۲ [۶ آبان ۱۲۹۰؛ ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۳۰] آقا

افتخار دارم سواد تلگراف کفیل قنسلگری شیراز را در باب پروگرامی راجع به امور مالیه که ایالت اجرای آن را برای اداره امور فارس لازم می‌شمارد، لفاً ایفاد دارم.

من با خزانه‌داری کل در باب مطالب تلگراف مستر اسمارت مذاکره نموده‌ام و می‌گویم حتی المقدور حاضر است با تقاضاهائی که در قسمت اول درج است موافقت نماید در صورتی که او را از اقداماتی که به عمل می‌آید متدرجاً و متوالیاً مستحضر بدارند.

مسیو مرناردبه من اطلاع داد که يك نفر ایرانی لایق کافی را تازگی برای مالیه شیراز فرستاده و در نظر دارد مسیو استاس را به همین زودی به شیراز بفرستد.

اما از بابت قسمت دوم پروگرام مذکور، مسیو مرنارد اظهار داشت که حتی المقدور سعی خواهد نمود که با تقاضای مخبرالسلطنه موافقت نماید لیکن به فقر حالیه ملی جلب توجه نموده و اشعار نمود که ۳۰،۰۰۰ تومان برای مصارف ماهیانه حکام ایالات بسیار زیاد بنظر می‌آید و اظهار داشت برای دولت ایران هر قدر هم مایل به این کار

باشند، ممکن نیست برای مصارف تمام ایالات و ولایات که باید مبالغ زیاد برای خزانة دولتی پول بفرستند (در عوض آنکه این ایالات و ولایات تحمیلی در عایدات ملی باشند).

مشارالیه وعده داد که کوشش نموده و با بانک شاهنشاهی ترتیبی بدهد عایدات شیراز را محل تأمین قرار دهد و قرار بدهد که تمام عایدات ایالت فارس به بانک شاهنشاهی در شیراز سپرده شود.

مسیو مرنارد نیز اظهار داشت که به عقیده وی این پلتیک [= پلیتیک] خوبی نیست که در افکار و اذهان حکام ایالات و ولایات جایگیر شود که آنچه در ماه از مصارف اداری و حکومتی خود کسر بیاورند، دولت آن را خواهد پرداخت. در صورتیکه چنین فکری در اذهان آنها جایگیر شود، دیگر برای وصول مالیات از ایالات متمرده، خود را به زحمت جنگ و جدال نخواهند انداخت و به ضرر دولت شهرت پیدا می‌کنند که در حکومت آنها جنگ و جدال روی نداده و نظم و امنیت تامه حکمفرما بوده است. مسیو مرنارد تصور می‌کرد که محتمل است مخبرالسلطنه فعلاً چندان از تزئید عایدات آتیه ایالت فارس اطلاعی نداشته باشند و خود مسیو مرنارد هم در این موضوع چندان اطلاعی نخواهد داشت تا آنکه وکیل اروپایی او به آنجا رفته و از روی دقت تام در امور مالیه آنجا تدقیق نماید.

من توجه مسیو مرنارد را به فقره سوم تقاضاهای مخبرالسلطنه جلب نموده و او را متذکر ساختم که چنانچه آگاه است، دولت اعلیحضرتی به توسعه و ترقی ژاندارمری اهمیت زیاد می‌دهند یا مخصوصاً تا آن اندازه که به راههای جنوب مربوط است.

الحال که مذاکره در این موضوع می‌شود، من جنابعالی را به تلگراف ۲۲ شهر جاری خود متذکر می‌نمایم. در تلگراف مذکور راپورت دادم که چنانچه مستر اسمارت به من اطلاع داد، مخبرالسلطنه عده‌ای ژاندارم و تفنگچی محلی فرستاده است که راه از زرقان الی کازرون را که از دو منزلی شمال شیراز الی کازرون باشد، متصرف شوند.

از قراری که از کلنل یالمارسن استفسار نموده‌ام، او پس از آنکه از صاحب‌منصب فرمانده دستة ژاندارم شیراز تحقیق نموده است که رؤسای ایلات این قسمت راه به ایالت اطمینانات لازمه داده‌اند که بدون احتمال خطر بی‌جهت می‌توان قشون فرستاد، ژاندارمها را فرستاده است.

کلنل یالمارسن به علاوه اظهار داشت که امر نموده است يك نفر صاحب‌منصب سوئدی به همراه قشون زرقان و دو نفر به طرف کازرون بروند و ماژور سیفورت را در شیراز بگذارند چرا که به واسطه زخمی که در جنگ پنجم اوت گذشته با همراهان صولت‌الدوله به او وارد شد، هنوز صحت نیافته است.

ممکن نیست بتوان چندان به نتایج اقدامات مخبرالسلطنه که در اول وهله اقدام

متهورانه‌ای به نظر می‌آید امیدوار بود، لیکن جناب معظم به عقیده من آنقدر آدم باحزم و محتاطی است که نمی‌توانم امیدوار نباشم به اینکه به دلایل صحیحه به قول و اطمینان اشخاصی که چنانکه از مراسلات و مکاتبات اخیره معلوم می‌شود فوق‌العاده در این مدت گذشته مشغول اغتشاشات بوده‌اند، اعتماد نموده است. از تلگراف مستر اسمارت که در جوف است بر جناب عالی مکشوف خواهد شد که او هم طبعاً از پیشرفت و موفقیت نقشه‌های مخبرالسلطنه تردید داشته است.

گمان می‌کنیم خیلی اسباب امیدواری است که مخبرالسلطنه پس از ورود به شیراز خواسته است قوام‌الملک در شیراز بماند چرا که امید هست حضور و نصایح قوام‌الملک برای جناب معظم مفید باشد. مخبرالسلطنه صولت‌الدوله را نیز به شیراز خواسته است و در نظر دارد تعیین ایلخانی جدیدی را به جای سردار احتشام که استعفاء نموده به تعویق اندازد تا بعد از زمستان که با وقت زیاده‌تر مدعیات کاندیداهای رقیب ایلخانی‌گری را در تحت ملاحظه آورده و شخصی را انتخاب نماید که مورد قبول تمام باشد.

چنانچه ملاحظه می‌فرمایید، به عقیده مستر اسمارت، کار مخبرالسلطنه بسیار سخت و مشکل است و فقط چیزی که وسیله پیشرفت کار او شود تقویت کامل ما است و چنانچه بطور وضوح مبرهن گردیده است انتظار کمک مالی از طرف ما می‌رود.

قبل از حرکت مخبرالسلطنه از طهران من نتوانستم عقیده قطعی او را در این باب بفهمم لیکن دیروز در این موضوع با خزانه‌داری کل مذاکره نمودم که در صورت امکان کمک مالی، بهترین طریقه برای انجام آن چیست بطوری که اسباب کدورت دولت ایران نشود. عقیده مسیو مرنارد بر این بود که بهترین طریقه برای انجام این امر، اجرای نقشه‌ای است که در باب آن با بانک شاهنشاهی مذاکره شده و در فوق این مراسله اشاره بدان شد و اگر دولت اعلیحضرتی صلاح بدانند، با مدیر کل بانک در لندن می‌توان قراری داد که بدان وسیله در مقابل تأمین عایدات شیراز، پول به مخبرالسلطنه رسانیده شود.

به نظر من این کار را رسماً باید در تحت مراقبت و سرپرستی خزانه‌داری کل به انجام رسانید و وکیل مائی او که بلجیکی [= بلژیکی] خواهد بود، بایستی مصارف آن را تا حدی کنترل بنماید.

اگر در کار ایالت پیشرفت حاصل شود، عایداتی که وصول آن ممکن خواهد بود، بیش از آن مبلغی خواهد بود که برای مصارف و احتیاجات حکومتی لازم می‌باشد و در ظرف يك سال یا چند ماه، جناب معظم قادر خواهد بود که بدون اشکال، عایدات مکفی برای مصارف حکومتی بدست آورد.

مستر اسمارت اظهار نمی‌کند که پول جداً لازم شده ولی خیلی احتمال می‌رود که ایالت به همین زودیها تقاضای پول خواهد کرد و پول هم در خزانه موجود نیست مگر آنکه مساعده ۲۵،۰۰۰ لیرای اخیر، به ۱۰۰،۰۰۰ لیرا بالغ شود.

دولت ایران انتظار دارند که در صورتی که امتیاز خط‌آهن از جلفا الی تبریز

داده شود، مساعده مطلوب داده خواهد شد و غیرمحمتمل نیست که طولی نکشد بتوان بر اجرای این نقشه فایق آمد.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۴۱۶

تلگراف کفیل قنصلگری اسمارت، به سر والتر تنلی

شیراز ۲۷ اکتبر ۱۹۱۲ [۴ آبان ۱۲۹۰؛ ۱۵ ذی قعدة ۱۳۳۰]

نقشه ایالت را برای حفظ راه از زرقان تا کازرون و ژاندارمها و تفنگچیان ملی تحت امر ژاندارمری، مخبرالسلطنه تلگرافاً [= تلگرافی] برای دولت ایران توضیح نموده است و نیز تلگرافاً نقشه خود را برای تهیه قشون منظمی که بتواند در بهار آتیه جلوگیری از اغتشاش ایلات بنماید، برای دولت مشارالیهها توضیح نموده است. این قشون باید مرکب از ۱،۸۰۰ نفر باشد.

مخبرالسلطنه انجام شرایط ذیل را برای اجرای نقشه خود لازم می‌داند:

(۱) به وکیل خزانه‌داری کل در شیراز اجازه داده شود که به تصویب ایالت و بدون رجوع به طهران عمل مالیات سنوات گذشته را با ایلاتی که مبلغی از آنرا نرسانیده‌اند، از روی انصاف و برحسب اقتضای موقع، فیصله نماید.

جهت اینکه ایالت می‌خواهد بدون رجوع به طهران این عمل بگذرد، به واسطه آن است که رجوع به طهران سبب تأخیر زیاد و اختلاف آراء بین اولیاء امور طهران که از اوضاع محل ربط صحیحی ندارند، می‌شود و نتیجه این خواهد شد که حتی آن مبلغ جزئی مالیات هم که حالا به دست می‌آید، دیگر وصول نخواهد شد.

(۲) برای پرداخت ماهیانه ۳۰،۰۰۰ تومان، به بانک شاهنشاهی اعتبار داده شود و به ایالت اجازه داده شود که در مقابل این اعتبار به بانک حواله داده و صورت مصارف را به وکیل خزانه‌داری که در شیراز است ارائه دهد و تمام مالیاتی که وصول می‌شود، برای استرداد وجوهی که حواله شده به بانک داده شود و اگر چیزی باقی بماند، دولت آنرا به بانک بپردازد.

ایالت امیدوار است که متدرجاً، همینکه نظم اعاده شد و بر عایدات مالیاتی افزوده شد، در مدت کمتر از یک سال دیگر، کسری باقی نخواهد ماند.

(۳) حکومت مرکزی باید مصارف استعداد ژاندارمری حاضره و مصارف عده‌ای را که فیما بعد بر آن افزوده می‌شود، منظمأ بپردازد.

قبول تقاضای اولی ممکن است اسباب بی‌نظمی و بی‌ترتیبی شود لیکن من به تقویت آن مبادرت می‌ورزم و اگرچه تقاضای سومی هم موجب بی‌نظمی و بی‌ترتیبی خواهد بود، لیکن چون مدتی است به دولت از ایالت فارس پول نرسیده است، آن بی‌ترتیبی چندان قابل اهمیت نخواهد بود.

در باب تقاضای دوم از آن می‌ترسم که بیشتر آن پول تلف خواهد شد مگر آنکه از طرف اروپاییان کنترل شود و غیرمحمتمل نیست که حتی در صورتی که پول به مخبرالسلطنه

برسد، به کار خود موفقیت حاصل نتوان (= نتواند) نمود. جناب معظم ظاهراً منتظر است که مبلغ مذکور را ما قرض بدهیم. در باب کسر بود ماهیانه نمی توانم مبلغ آن را حالا تعیین کنم و نمی دانم تا چه وقت دیگر کسری باقی نخواهد ماند. فقط امید پیشرفت کار ایالت، همراهی ما است و این مسأله را باید تصدیق کرد که در هر صورت امیدی برای پیشرفت کار او نیست.

مخبر السلطنه اصرار دارد بر اینکه بفوریت ترتیبی داده شود محض آنکه در شروع به اجرای نقشه او تأخیری به وقوع نرسد.

من مبادرت ورزیده وقت جنابعالی را به تقاضای دوم جلب نموده و صلاح می دانم که وجه مذکور را خودمان قرض بدهیم و نیز توجه جنابعالی را به مضرات این کار جلب می نمایم.

نمره - ۴۱۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ اکتوبر ۱۹۱۲ [۷ آبان ۱۲۹۱: ۱۸ ذی قعدة ۱۳۳۰]

آقا

راجع به مراسله ۲۵ سپتامبر من، افتخار دارم اینک سواد مراسله کفیل قنصلگری شیراز را که در جوف آن، مراسلاتی را که بین او و صولت الدوله یاغی رد و بدل شده و نتیجه مکاتبات مذکور استرداد نصف اموال غارت شده قافله سوار هند مرکزی بوده است، لفا ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمره ۴۱۷

مکتوب اسماارت کفیل قنصلگری به سر والتر تنلی

شیراز ۱۰ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۸ شهریور ۱۲۹۱: ۲۸ رمضان ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم اینک ترجمه مکاتباتی را که مابین من و صولت الدوله رد و بدل شده، ایفاد دارم. قبل از آنکه کاغذ خود را بفرستیم، مسوده آن را برای مأمورین محلی فرستاده توضیح نمودم که عدم توانایی آنها در استرداد اموالی که سرخیها غارت نموده اند، مرا مجبور نمود که با صولت الدوله مستقیماً در این باب مذاکره نمایم و مأمورین محلی هم با این امر موافقت نمودند.

نتیجه مذاکرات من این شد که حسن خان سرکرده قشون صولت الدوله که در سیاح بود، قریب نصف اسبابهایی را که از قافله سواره هند مرکزی غارت شده بود، مسترد داشت.

من هر قدر توانسته ام مراسلات صولت الدوله را برای آنکه در خواندن آسان باشد، مختصر نموده ام، آنچه را که در باب قشونی که می گوید برای جنگ با او فرستاده شده

نوشته است، من نمی‌فهمم زیرا که قشونی فرستاده نشد با او جنگ کند تا آنکه خود او شروع به خصومت‌ورزی نمود و واضح نیست که آنچه در باب معایب وارد کردن ایلیاتی‌ها به شهر نوشته به دوست خود نظام‌السلطنه یا دشمن او قوام‌الملک است. (امضاء) اسمارت

ملفوف دوم نمره ۴۱۷

مکتوب صولت‌الدوله به اسمارت کفیل قنصلگری

(بدون تاریخ) پس از آنکه قوام‌الملک تحریک به ضبط تمام املاک من نمود، من محض اینکه کاری نکرده باشم که برای انجام مقاصد شریرانه او بهانه باشد، از پس‌گرفتن املاک خود احتراز نموده و تا مدتی در گوشه‌ای انزوا اختیار نمودم. قوام‌الملک همینکه مرا آرام دید، قانع به غارت اموال من نشده چندی قبل قشون بزرگی برای غارت و قتل ایلیاتی‌ها که نزد من مانده بود، فرستاد ولی چون خدا همیشه حافظ بی‌گناهان است، قشون او شکست خورده و فرار کردند و چنانچه دیده شده، جمعی اراذل و اوباش را دسته دسته در میان بستگان خود فرستاده که مردم را در هر جا غارت نمایند.

علی‌هذا، اینک به موجب این نوشته به قنصلخانه اطلاع می‌دهم که با این اوضاع، برای آنکه از اقدامات مخالفت‌آمیز قوام‌الملک جلوگیری شود و محض استقرار امنیت برای محافظت تجار و قوافل، من حاضر هستم که اقدامات برای آسایش و امنیت اهالی بدبخت بنمایم.

البته شما سواد این مراسله را نزد حکومت مرکزی خواهید فرستاد که اگر بخواهید، بنا بر آنچه در این مراسله ذکر شده، اقدامات به عمل آید. مرحمت نموده همیشه از سلامتی حالات خود مرا مستحضر بدارید.

ملفوف سوم نمره ۴۱۷

مکتوب صولت‌الدوله به اسمارت کفیل قنصلگری

۳۰ اوت ۱۹۱۲ [۷ شهریور ۱۲۹۱؛ ۱۷ رمضان ۱۳۳۰]

وظیفه هر ایرانی عموماً، و این خادم دولت و ملت خصوصاً، آن است که این مسأله را به اطلاع مأمورین دولت انگلیس که دعوی دوستی و وداد با ایران می‌کنند و به اطلاع شما که به مقام نمایندگی در فارس و جنوب به ایران معرفی شده‌اید، برسانند اگر قصد اعلیحضرت امپراطوری و مأمورین آن این است که این قسمت مملکت را جزو متصرفات دولت انگلیس قرار دهند، هیچ طریقی برای انجام این کار بهتر از طریقه‌ای که اتخاذ شده که عبارت از تصمیم همراهی با شخص خائنی و عزل و تضعیف شخص خادمی [است] نمی‌باشد. اگر مقصودشان غیر از این است و اگر می‌خواهند مال‌التجاره‌شان سالم‌اً به مقصد برسد، این طریقه خوب نیست.

مقصود اصلی دنیای متمدن امروزه، تزئید و توسعه تجارت است. بنابراین انهدام

شخصی که دوستی و خدمت خود را به ثبوت رسانیده و باید از او همه‌گونه خدمت بخواهند و او را تقویت کامل نمایند، بکلی خلاف تعلیمات تجربی و طبیعت و عقل است و به همین‌طور، تقویت از کسی که قادر بر حفظ مال‌التجاره داخلی و خارجی نمی‌باشد و حتی از حفظ خود هم عاجز است، خلاف عقل و طبیعت است.

وقتی که راه بوشهر با من بود و اسماً ماهی هزار تومان به من داده می‌شد، آیا مال‌التجاره سالمآ و بدون خسارت وارد نمی‌شد، آیا کرایه هر صدمنی ۱۷ تومان نبود، آیا قوافل به وقت نمی‌رسیدند؟ با وجود تمام این خدمات، کسی قدر مرا ندانسته از روی بی‌انصافی با من عمل نمودند. من تا اندازه‌ای که ممکن بود، از ایلات قشقایی و سایر ایلات جلوگیری کردم. آیا پس چه واقع شد که می‌خواهند از اقتدار من بکاهند؟ طبیعی است که وقتی که ایلات وحشی می‌بینند از آنها جلوگیری نمی‌شود و ایالت با آنها همراهی کرده و آنها را به شهر وارد کرده، تحریک به اغتشاش در شیراز می‌نماید و مال‌التجاره مردم را در بازارها غارت می‌کنند و دور و حوالی شهر بنای غارت را می‌گذارند البته تمام نقاط مغشوش می‌شود و میزان کرایه صد من پنجاه تومان می‌شود و راهها مسدود می‌گردند. تقویت بیجمله و بی‌فایده به‌خائنین دولت همین نتایج را خواهد داشت. به‌علاوه، همینکه ایل خود را که به‌جای بچه‌های من محسوب می‌شوند از دست داده‌ام، اوقات خود را در قشلاق بسر بردم و املاک و بستگان من به غارت رفتند و باز هم مرا آرام و آسوده نگذارند و قشونی به‌جنگ ایل من به سیاح فرستادند. همراهان من این قشون را از هم متفرق نمودند و مواظب سیاح بودند. بعد ژاندارمری به جنگ آنها فرستاده شد. همراهان من مجبور به دفاع شده این قشون را نیز منهزم نمودند ابتداء نمی‌دانستند مخالف آنها کیست ولی همینکه دریافتند که ژاندارمری با آنها طرف شده است، با کمال ملاحظت با آنها رفتار کردند.

چرا باید اتصالاً قشون به‌جنگ ایلات بیطرف فرستاده‌شود؟ خائنین ظاهراً می‌خواهند دولت را به‌خرجهای گزاف بیندازند و همین‌که یکدفعه پول بدست‌آوردند، باز هم خواهند خواست و این کار را بهانه پول گرفتن قرار داده‌اند. مقصود آنها خدمت به دولت نیست بلکه همان است که گفته شد.

الحال، به شرط تقویت و همراهی با من، رفع تمام سهوهای پلتیکی سهل است. من حاضریم که آنچه انسانیت به من حکم می‌کند، در راه خدمت و استقرار نظم به انجام رسانیده و تلافی مافات را کرده و اسباب آسایش و آسودگی شما را فراهم آورم بدون اینکه پولی به خائنین دو دولت (دولت انگلیس و ایران) داده شود.

منتظر جواب هستم.

ملفوف چهارم نمره ۴۱۷

مکتوب اسمارت کفیل قنصلگری به صولت‌الدوله

۳ سپتامبر ۱۹۱۲ [۱۱ شهریور ۱۲۹۱؛ ۲۱ رمضان ۱۳۳۰]

مراسلات شما واصل و از مضامین آنها مستحضر گردیدم. شما خودتان می‌نویسید

که من به دولت ایران معرفی شده‌ام. همین مطلب جواب من است. شما البته خودتان می‌دانید که مأمورین انگلیس که بنا به قول شما به دولت ایران معرفی شده‌اند، نمی‌توانند با مأمورین محلی مخالفت نمایند بلکه باید هر که را که از طرف دولت ایران مصدر امور باشد، تقویت نمایند. یقین دارم شما آنقدر از مناسبات بین‌المللی اطلاع دارید که این جواب برایتان مکفی باشد.

اما در باب آنچه راجع به حفظ مال‌التجاره نوشته‌اید، البته شما شنیده‌اید که سرخه‌ای‌ها که قسمتی از قشون حسن‌خان در سیاح می‌باشند، قافله‌ای را که ۳۶ بار برای قنسولخانه می‌آورده است، غارت نموده‌اند. اگر شما بقدری که ادعا می‌کنید، می‌توانید مال‌التجاره خارج و داخله را حفظ کنید، خوب است این اموال را گرفته و مسترد دارید. من صورت جزئیات اموال مسروقه را نزد حسن‌خان فرستاده‌ام که شما هرگونه اقدامی را که لازم می‌دانید برای استرداد آنها بنمایید.

دیگر زیاده بر این چیزی نمی‌نویسم و امیدوارم که شما چنانکه وظیفه هر ایرانی وطن‌خواهی است، لزوم اطاعت دولت خود و سختی حالیه امور مملکت خود را بخوبی خواهید فهمید.

نمره - ۴۱۸

مکتوب وزارت خارجه به اداره هند

وزارت خارجه ۱۸ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۶ آبان ۱۲۹۱؛ ۸ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

آقا

از طرف سر ادوارد گری وزیر امور خارجه تعلیم دارم که رجوع به مخابرات تلگرافی با سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران در موضوع مساعدت به ایالت شیراز بنمایم. سواد این مخابرات و مذاکرات که انتهای آن تلگراف ۱۶ ماه جاری سر والتر تنلی است، برای اداره شما تاکنون فرستاده شده است.

در صورتی که وزیر امور خارجه تصویب نماید، پیشنهاد شده است که مساعدت دیگری به مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرا برای دو ماه و نیم پرداخته شود و من باید استدعا کنم که از آن وزارتخانه مبلغ ۷،۵۰۰ لیرا به حساب سفارت اعلیحضرتی یا بانک شاهنشاهی ایران منتقل شود. از اینجا هم مبلغ ۷،۵۰۰ لیرا داده خواهد شد.

(امضاء) لوئیس ملت

نمره - ۴۱۹

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۱۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۷ آبان ۱۲۹۱؛ ۹ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۱۷ نوامبر از طهران:

وزیر امور خارجه تصور می‌کند که خوب است ما به نایب‌السلطنه ارائه طریق کنیم سعدالدوله را به ریاست وزراء تعیین نماید. اگر نایب‌السلطنه از این کار امتناع

نماید، وزیر خارجه تصور می‌کند خوب است رئیس‌الوزرای حالیه، سعدالدوله را تعیین نماید که پس از او مقام ریاست‌وزراء را اشغال نماید.

وزیر امور خارجه به من اظهار داشت که چون شاه مخلوع قصد دارد تا مدت دو ماه به خارجه برود، یکی از مأمورین بزرگ را به ادسا فرستاده است. جناب معظم خیلی مایل است که شاه مخلوع در همان محلی که هست بماند چرا که ممکن است اقدامات سال گذشته خود را تکرار نماید و مایل است به شاه مخلوع گفته شود که خوب است خیال عودت به سریر سلطنت را از سر بدر کند مگر آنکه قبلا از طرف دولتین انگلیس و روس با او همراهی شود.

نمره - ۴۲۰

تلگراف سر جارج بیوکاتان به سر ادوارد گری

سنت پترزبورغ ۱۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۷ آبان ۱۲۹۱؛ ۹ ذی‌حجه ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۱۴ نوامبر من:

وزیر امور خارجه مرا اطلاع می‌دهد که دولت روس نمی‌توانند تعهد تأدیة قرضه یا پرداخت هرگونه مساعده به دولت ایران بنمایند تا آنکه دولت مشارالیه امتیاز احداث خط آهن جلفا را بدهند.

نمره - ۴۲۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۸ آبان ۱۲۹۱؛ ۱۰ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

پیشنهاداتی را که شما بموجب تلگراف ۱۳ نوامبر خود به سنت پترزبورغ کرده بودید، از سنت پترزبورغ برای سفیر روس مغایره شده است. عقیده او بر این است که اگر دولتین مایل دادن قرضه هستند، باید حاضر برای دادن قرضه بزرگتری شوند، چرا که به نظر او تأمینات قرضه مذکور موجب خطری برای دولتین نمی‌باشد و تعهد دادن چنین قرضه‌ای فواید مالی برای ایران خواهد داشت که حصول فواید مذکور را از راه دیگری نمی‌توان امیدوار بود و در صورتی که اصرار به نظارت وصول و مصرف آن وجه شود، من موافقت می‌نمایم.

مصارف يك قشون کوچکی سالیانه به ۳،۵۰۰،۰۰۰ تومان تخمین شده و مصارف ژاندارمری به ۱،۰۰۰،۰۰۰ تومان، بطوری که تمام وجه قرضه در ظرف يك سال به مصرف خواهد رسید و با این مالیه، جلب صاحب‌منصبان خارجی چندان صلاح نخواهد بود.

وضعیت ژاندارمری خیلی غیر معلوم و مبهم می‌شود. تاکنون مصارف آن از پولهای مساعده‌ها داده شده و حال که غیر از عایدات مملکتی از محل دیگر به خزانه‌داری کل پول نمی‌رسد، از بابت حقوق ماه گذشته ژاندارمری، مبلغ ۵،۰۰۰ لیرا عقب افتاده و از بابت مصارف ماه جاری هم چیزی داده نشده است، اگرچه باید قبل از وقت داده شود.

نمره - ۴۲۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۸ آبان ۱۲۹۱؛ ۱۰ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

از قرار معلوم اطلاعی که به موجب تلگراف ۱۷ نوامبر خود داده‌ام، صحیح نیست. سرکرده قشونی سالارالدوله گرفتار و مقتول گردیده، لیکن خود شاهزاده در جنگ نبوده است.

نمره - ۴۲۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه به سر جارج بیوکانون

فقط چیزی که ما را به اقدام برای تعیین سعدالدوله به مقام ریاست وزراء وامی‌دارد، این است که پول کمال لزوم را برای دولت ایران پیدا کرده و ظاهراً امکان ندارد کسی دیگر را به این مقام منصوب نمود تا دولتین بتوانند مساعده به دولت ایران بدهند و بعد از آن سرمایه‌داران قرضه بزرگتری بدهند.

چنانچه ما فهمیده‌ایم، امتیاز خط آهن جلفا را دولت روس تقاضا نموده‌اند که به شرط پرداخت مساعده، به دولت مشارالیه داده شود. دولت اعلیحضرتی انتظار دارند که امتیاز خط آهن محمره هم در موقع امتیاز خط آهن مذکور به روس، به ما داده خواهد شد. بنابراین اگر سعدالدوله این دو امتیاز را بدهد، گمان می‌کنم دولتین روس و انگلیس تعهد تحصیل یا پرداخت قرضه‌ای به مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ لیرا تحت شرایط صحیح بنمایند که به مصارف معینه برسد. و گمان می‌کنم دولتین نیز باید با نظریات سعدالدوله از بابت انعقاد مجلس و تشکیل مجلس سنا همراهی نمایند (رجوع به تلگراف ۱۷ نوامبر کنید).

می‌خواهم بدانم که آیا دولت روس هم به این نظریات موافقت دارند یا نه. اگر موافقت دارند، ما به وزیرمختار اعلیحضرتی مقیم پاریس تعلیم خواهیم داد که با همکار روسی خود، متفقاً از نایب‌السلطنه استدعا نمایند سعدالدوله را به مقام ریاست وزراء تعیین نمایند.

لطف نموده تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت بدهید.

نمره - ۴۲۴

مکتوب اداره هند به وزارت خارجه

اداره هند ۲۱ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۹ آبان ۱۲۹۱؛ ۱۱ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

آقا

در جواب مراسله ۱۸ نوامبر ۱۹۱۲ شما در باب مساعده ۱۵،۰۰۰ لیرا از طرف دولت اعلیحضرتی به دولت ایران برای مصارف ایالت فارس، تعلیم دارم به شما اطلاع دهم که وزیر هند حاضر خواهد بود که نصف این مبلغ را به حساب سفارت

اعلیحضرتی یا بانک شاهنشاهی منتقل نماید و این کار را پس از آنکه دولت اعلیحضرتی نصف دیگر را به حساب سفارت یا بانک منتقل نمودند، خواهد کرد.
تصور می‌شود که شرایط این مساعده تماماً شبیه به مساعده ۲۵،۰۰۰ لیرائیسی خواهد بود که در مراسله ۱۴ اوت این اداره اشاره بدان رفته است.
(امضاء) هلدرنس

نمره - ۴۲۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۱ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۹ آبان ۱۲۹۱: ۱۱ ذیحجه ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۱۷ نوامبر من:
بسیار مطلوب است که بدون تأخیر محقق شود که آیا اگر صدراعظم استعفاء کند، نایب‌السلطنه حاضر خواهد بود سعدالدوله را به جای او تعیین کند؟

نمره - ۴۲۶

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری
سنت پترزبورگ ۲۱ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۹ آبان ۱۲۹۱: ۱۱ ذیحجه ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف دیروز شما:
به علت شورای کابینه وزراء، مسیو سازانف تا فردا نمی‌تواند مرا ملاقات نماید.
من این مسأله را تذکار می‌نمایم که جناب معظم تاکنون به هیچ وجه بطور قطع اظهار نداشته است که در صورتی که امتیاز احداث خط آهن جلفا داده شود، دولت روس مساعده را که پیشنهاد شده، به دولت ایران خواهند داد یا تعهد پرداخت آن را خواهند نمود. مسیو سازانف فقط اظهار داشت (رجوع به تلگراف ۱۹ نوامبر من کنید) که تا زمانی که این امتیاز داده نشود، دولت روس این مسأله را تحت ملاحظه نتوانند آورد.

نمره - ۴۲۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
وزارت خارجه ۲۳ نوامبر ۱۹۱۲ [یکم آذر ۱۲۹۱: ۱۳ ذیحجه ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۱۶ نوامبر شما:
آیا کلیه مبلغی که دولت روس امسال مساعده داده‌اند، چقدر است و چقدر از آن مسترد شده است؟ به خزانه اجازه داده شد که مساعده به دولت ایران بدهد به شرط آنکه تمام وجوهات به اتفاق دولت روس بالمناصفه و تحت شرایط مشابه داده شود.
در باب مراسله ۱۲ سپتامبر شما، آیا عایدات دیگری که بتوان محل تأمین قرار داد، بدست می‌آید؟

نمره - ۴۲۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ نوامبر ۱۹۱۲ [۲ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۴ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

قنصل اعلیحضرتی مقیم شیراز، تازگی راپورتی از بابت اوضاع امور شیراز برای من نفرستاده، لیکن از اطلاعاتی که از منابع موثقه برای من رسیده، اوضاع روز به روز بدتر می‌شود. پول برای ایالت اینجا موجود نمی‌شود و تا پول نرسد ایالت نمی‌تواند از تجدید اوضاع مغشوش سابق جلوگیری نماید.

لطف نموده به تلگراف ۵ نوامبر من رجوع بفرمایید. من اصرار می‌کنم که هر قدر زودتر که امکان دارد، باید اقدامات بشود که به ایالت اطمینان داده شود ماهیانه ۳۰،۰۰۰ توسط بانک، به شرایطی که پیشنهاد شده است پرداخته شود. اگر در این کار تأخیری واقع شود، دیگر امیدی برای موفقیت ایالت نیست.

نمره - ۴۲۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۵ نوامبر ۱۹۱۲ [۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۵ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۳ نوامبر شما:

دولت روس مبلغ ۱۲۵،۰۰۰ لیرا امسال به دولت ایران بطور مساعده داده است. دولت روس اضافه عایدات گمرکات شمال را تا ۱۴ ژوئیت گذشته که ۴۰،۰۰۰ لیرا می‌شود، برای استرداد مساعده اولی که در ماه مارس گذشته مساعده داد، برداشت. بنابراین قرض دولت ایران به روس، از بابت مساعده‌های امساله قریب ۸۵،۰۰۰ لیرا است.

صورتی که جوف مراسله ۳۱ اوت خود فرستادم، تمام عایدات را به غیر از مالیات که خزانه‌داری کل آن را برای تأمین قروض نگاه خواهد داشت، نشان می‌دهد. ممکن نیست که از بابت فقرات وجوهاتی که در آن صورت مذکور است، بطور تحقیق چیزی فهمید.

نمره - ۴۳۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۲۵ نوامبر ۱۹۱۲ [۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۵ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

اطمینان دارم که وزارت خارجه بخوبی این مطلب را درک می‌کنند که برای کسی ممکن نیست اداره حکومتی را بگرداند مگر آنکه فوراً به او پول برسد که به مصارف لازمه رسانیده و حکومت مستحکمی برقرار داشته و اعاده انتظامات در ایالتی بنماید. اینها مقدمات لازمه قرضه بزرگتری خواهد بود.

ما برای تعیین کسی به مقام ریاست وزراء اصرار نتوانیم نمود مگر آنکه اطمینان داده شود که وجوهات لازمه در تحت شرایط و تأمینات صحیحه داده خواهد شد و من

بسیار می‌ترسم که اگر بگذاریم اوضاع الم‌انگیز حالیه دوام کند، بر هرج و مرج عمومی ایران افزوده خواهد شد. من صمیمانه اعتماد دارم که دولت روس به طریقی که از طرف دولت انگلیس پیشنهاد شده، راهی برای رفع اشکالات موقع حالیه پیدا خواهند کرد.

نمره - ۴۳۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۵ نوامبر ۱۹۱۲ [۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۵ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۰ نوامبر شما:

گفتگو در این است که آیا به چه وسیله می‌توان وجه مکفی تمپیه نمود که دولت ایران را قادر به اداره کردن امور مملکتی بنماید و به چه وسیله وجوهاتی که دولتین انگلیس و روس مساعده داده‌اند مسترد خواهد گردید.

هر قسم اقدامی که برای نیل به این مقصود بشود، از زمان اصلاح چرخهای امور مملکتی تا وقتی که عایدات به خزانه ایران وارد شود، مدتی خواهد گذشت. در این مدت برای استقرار انتظامات، پول لازم خواهد بود و تا آن وقت ممکن نیست قرضه‌ای داد.

اینطور پیشنهاد شده است که دولتین انگلیس و روس مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ لیرا به تأمین جواهرات دولتی مساعده بدهند تا آنکه در مدت مذکور امور اداره شود. شما باید در این باب با مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] مذاکره نموده و راپورت دهید که آیا هنوز به همان عقیده باقی هستید که پول کافی نیست؟

نمره - ۴۳۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۶ نوامبر ۱۹۱۲ [۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۶ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

کلنل دوگلاس به تاریخ ۲۵ نوامبر از شیراز تلگراف ذیل را مخابره نموده است: در ضمن ملاقاتی که دیروز از ایالت کردم، او به من اظهار داشت که تا پول نرسد نمی‌تواند مالیاتهای عقب‌افتاده را وصول کند و نه هم می‌تواند مقاصد خود را برای اعاده انتظامات به عمل آورد. فقط جوابی که از برای دولت ایران برای او رسیده است، این است که مسیو استاس به ورود خود به شیراز، در این مسأله تحقیقات خواهد نمود.

رؤسای ایلات از ضعف مالی ایالت واقف می‌باشند و همین مسأله مانع از مذاکره و قرارداد با آنها می‌باشد.

ایالت از من خواهش نمود که این مسأله را به اطلاع شما برسانم و گفت که هیچ‌کس در اینجا از حرکت مسیو استاس خبری ندارد.

نمره - ۴۲۳

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۲۶ نوامبر ۱۹۱۲ [۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۶ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

وزیر امور خارجه ديروز يادداشتي به من داد مشعر بر اينکه دولت روس با نظريات مندرجه در تلگراف ۲۰ نوامبر شما در باب پرداخت مساعده به دولت ايران نمي‌توانند موافقت نمايند و به تصور دولت روس، مقصود اول اين است که در ايران حکومتي تاسيس شود که قادر بر اداره کردن امور مملکت باشد بطوريکه دولتين روس و انگليس بدون خوف يأس بتوانند بر آن اعتماد نمايند.

اين مسأله واضح است که هيچ قسم حکومتي بدون پول نمي‌تواند در ايران کاري از پيش ببرد بلکه ابتدائاً بايد حکومتي تشکيل شود و چنين حکومتي هم پول لازم دارد. مسأله مساعده بايد پس از تشکيل کابينه جديدي در طهران مطرح مذاکره شود و دولت روس نظريات خود را در باب آن مسأله بعد به من اظهار خواهند داشت.

دولت روس پيشنهاد مي‌کند که بدون تأخير به وزراي مختار انگليس و روس مقیم پاریس تعليم داده شود که از نایب‌السلطنه استدعا کنند که سعدالدوله را مأمور تشکيل کابينه نمايند. اگر شما قبول مي‌کنيد که به اين طور به سر برتي تعليم بدهيد، تعليمات مشابه به مسيو اليولسکی داده خواهد شد.

دولت روس خاتماً اظهار اميدواري نمودند که در اين باب تأخير نخواهد شد و فوراً با نایب‌السلطنه در اين باب مذاکره خواهد شد.

من جناب معظم را متنبه نمودم که شما فقط به اين شرط وعده داده بوديد در باب تعيين سعدالدوله با نایب‌السلطنه مذاکره نماييد که دولت روس طرفدار نظريات مندرجه در تلگراف فوق‌الذکر شما باشند.

جناب معظم در جواب اظهار داشت که همينکه دولت ايران امتياز احداث خط آهن جلفا را دادند، او مسأله مساعده را با وزير ماليه ترتيب خواهد داد. همينکه سؤال نمودم آيا دولت روس با ما شرکت در تعهد پرداخت قرضه ۱،۰۰۰،۰۰۰ ليرا خواهند نمود يا نه؟ جناب معظم اظهار داشت که اين مبلغ خيلي زياد است و گذشته از آن، دولت ايران نمي‌خواهند جواهرات دولتي را محل تأمين قرضه قرار دهند فقط کاري که دولت روس مي‌تواند بکند اين است که راضي به پرداخت مساعده شود که به وسيله آن دولت ايران بتواند تا مدتي امور خود را اداره کند.

جناب معظم اين مطلب را مي‌توانست به من اظهار کند که نماينده روسي کميته دتودا نقشه براي تاديه قرضه بزرگي که مي‌خواهد با وزير ماليه که پس از يكماه ديگر به سنت پترزبورگ مي‌آيد مذاکره نمايد، طرح نموده است.

نمره - ۴۳۴

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری
سنت پترزبورگ ۲۶ نوامبر ۱۹۱۲ [۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۶ ذی‌حجه ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۱۹ نوامبر من:

وزیر امور خارجه به من نوشته است که مسیو پرسینانی، مأموری که از طرف وزارت خارجه به ادسا فرستاده شد، اطمینانات از شاه مخلوع بدست آورده است که رفع تشویش خیال را می‌کند. شاه مخلوع به ایران وعده می‌دهد که دیگر به ایران مراجعت نخواهد کرد مگر آنکه تمام اهالی او را بخواهند و دولتین انگلیس و روس رضایت داشته باشند. ثانیاً آنکه بدون رضایت دولت روس در اروپای غربی مسافرت نخواهد کرد. شاه مخلوع امیدوار است که به او اجازه داده خواهد شد هر زمان که دولت روس مناسب بدانند - مثلاً بهار آینده - به خارجه برای معالجه برود.

نمره - ۴۳۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
وزارت خارجه ۲۶ نوامبر ۱۹۱۲ [۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۶ ذی‌حجه ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۲۴ نوامبر شما:
۱۵،۰۰۰ لیرا توسط بانک شاهنشاهی به حساب شما منتقل شده است.
طریقه پرداخت و نظارت مصارف آن از طرف قنصل اعلیحضرتی و منافع و تأمین و استرداد آن به موجب تعلیمات سابقه است.

نمره - ۴۳۶

مکتوب وزارت خارجه به اداره هند

وزارت خارجه ۲۶ نوامبر ۱۹۱۲ [۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۶ ذی‌حجه ۱۳۳۰]
آقا

از طرف سر ادوارد گری وزیر امور خارجه، تعلیم دارم وصول مراسله ۲۱ شهر جاری شما را در باب مساعده ۱۵،۰۰۰ لیرا به دولت ایران برای مصارف ایالت شیراز، اطلاع بدهم و شما را مستحضر بدارم که امروز نصف این مبلغ به موجب حواله‌ای که به خزانه‌دار اعلیحضرتی شده، توسط بانک شاهنشاهی ایران به حساب سفارت اعلیحضرتی منتقل شده است.

در باب قسمت آخر مراسله شما تعلیم دارم که توجه شما را به سواد مراسله ۲۶ اکتبر بر جوف جلب نمایم که در آن شرایطی که در مقابل آن مساعده ۱۵،۰۰۰ لیرا روز ۲۴ اکتوبر به دولت ایران داده شد، نوشته شده است و نیز تعلیم دارم سواد تلگرافی را که امروز در باب شرایط پرداخت ۱۵،۰۰۰ لیرا به سر والتر تنلی مخابره شده است، ایفاد دارم.

سواد تلگراف ۲۴ شهر جاری سر والتر تنلی که در آن دلایل پرداخت فوری وجه

مذکور نوشته شده است، سابقاً برای شما ارسال شد.

(امضاء) لوئیس ملت

نمره - ۴۳۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۷ نوامبر ۱۹۱۲ [۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۷ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۶ نوامبر من:

کلنل یالمارسن به من اطلاع داده است که از صاحب‌منصب فرمانده ژاندارمری در شیراز راپورتی رسیده است که چون مخبرالسلطنه قلعه‌هایی را که وعده داده بود در شمال شیراز بسازد نساخته است، صاحب‌منصب ژاندارمری مجبور شده است پستهای ژاندارمری را که تازگی در آن نقطه تأسیس نموده، موقوف بدارد.

من از این کار تعجبی ندارم چرا که این اقدام به نظر من زود و بی‌موقع می‌آمد. لیکن این کار اسباب زحمت ایالت و ژاندارمری خواهد شد. مخبرالسلطنه خطاری به من نموده است که اگر مبلغ ۲۰،۰۰۰ تومان فوراً برای او نرسد، مجبور است استعفاء کند. من از مسیو مرنارد درخواست می‌کنم که کوشش نموده و این وجه را به ایالت برساند.

نمره - ۴۳۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۷ نوامبر ۱۹۱۲ [۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۷ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف امروز شما:

شما می‌توانید رفع اشکالات حالیه را به وسیله پولی که به حساب شما منتقل شده، بنمایید (رجوع به تلگراف دیروز من کنید)

نمره - ۴۳۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۸ نوامبر ۱۹۱۲ [۶ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۸ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۱ نوامبر من:

از قرار معلوم سعدالدوله بکلی نتوانسته است کابینه تشکیل دهد. اثرات غیرمعلومی پیش آمد. امورات حکومتی المانگیز است و اگر اوضاع حالیه بیش از این به طول انجامد، در حقیقت اوضاع ایالات و ولایات سخت خواهد شد.

چون تصمیمی تاکنون نشده، این مسأله اسباب تشویش صدراعظم حالیه شده و سعی می‌کند در عوض اعضای غیرمطلوب حالیه کابینه، اشخاص بهتر از قبیل عین‌الدوله و غیره منصوب شوند.

تصور می‌کنم برای مصالح نظم و امنیت، ما حالا باید اقدام قطعی در این باب

بنماییم.

واضح است که ممکن نیست بدون اقدام خلاف قوانین مشروطیت که منجر به اغتشاشات گردد، بتوان عمل تعیین سعدالدوله را به انجام رسانید و من نمی‌توانم مسؤولیت به عهده گرفته و توصیه تقویت تعیین او را از طرف دولت اعلیحضرتی بنمایم.

نمره - ۴۴۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۸ نوامبر ۱۹۱۲ [۶ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۸ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

برای دولت اعلیحضرتی امکان ندارد که بطور غیرمحدود، اتصالاً پول به دولت ایران بدهند. وقتی که پولی که به حساب شما منتقل شده، به اتمام رسید، بسیار خوب خواهد بود که شما ترتیبی بدهید که مبلغ ۳۰،۰۰۰ تومان چنانچه در تلگراف ۲۴ نوامبر خود پیشنهاد کرده‌اید، به اہالت داده شود.

نمره - ۴۴۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۷ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۹ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

تلگراف ذیل از طرف نماینده انگلیس مقیم بوشهر مخابره شده است:

روز ۲۲ نوامبر به قافله‌ای که از بوشهر می‌آمد، بین میان‌کتل و دشت ارجن [= ارژن] حمله شد. یکی از تفنگچیان محلی به قرار راپورت واصله مقتول گردیده، هفت بار مال‌التجاره متعلق به کمپانی ساسون غارت شد. تصور می‌شود سارقین از سرخه‌ای‌ها بوده‌اند.

نمره - ۴۴۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۷ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۹ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۸ نوامبر شما:

چون دولت اعلیحضرتی را عقیده بر این است که تأسیس حکومت محکمی در تحت ریاست سعدالدوله بیشتر محتمل است تا آنکه کسی دیگر به مقام ریاست وزراء منصوب شود، با کاندیدا بودن او برای این مقام همراهی می‌کنند. اگر کابینه به ریاست او تشکیل شود، مساعده مکفی می‌توان داد تا آنکه از طرف سرمایه‌داران قرضه داده شود و اینطور تصور نمودیم که اگر وعده کمک مالی ندهیم، حق نخواهیم داشت از نایب‌السلطنه درخواست نماییم سعدالدوله را تعیین نماید.

تلگرافات سر جارج بیوکانون که عین آنها برای شما مخایره شده، البته به شما واضح نموده است که این طریقه را دولت روس تصویب نخواهند نمود و فقط وعده کمک مالی، اقدام دیگری را در این باب از طرف ما ممتنع می‌دارد. به‌علاوه، از مطالبی که شما می‌گویید، ما را یقین حاصل است که برای آنکه ایرانیان سعدالدوله را قبول نمایند، اعمال قوه لازم است و دولت اعلیحضرتی به این امر به هیچ وجه من‌الوجه رضا نتوانند داد. بنابراین کار دیگری نمی‌توان کرد مگر آنکه سعی کرده و کوشش نماییم که به وسایلی دیگر، هر قدر زودتر حکومت لایق کافی تشکیل دهیم و شما باید به اتفاق همکار روسی خود در این باب اقدام بنمایید. اگر يك حکومت مقتدر کافی زمام امور را به دست گیرد، من مجدداً با دولت روس در باب پرداخت مساعده به شرایط مناسبی مذاکره خواهیم نمود.

نمره - ۴۴۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۲۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۷ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۹ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

لطف نموده مسیو سازانف را از مطالب تلگرافی که امروز به طهران مخایره نمودم، اطلاع دهید.

نمره - ۴۴۴

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورغ ۳۰ نوامبر ۱۹۱۲ [۸ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۰ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۹ نوامبر شما به طهران:

وزیر امور خارجه از من استدعا نمود شما را اطمینان بدهم که دولت روس قصد ندارد سعدالدوله را جبراً به ایرانی‌ها بقبولانند و او موافقت داشت با این مسأله که هر دو سفراء باید در این باب مشورت نموده و از یکدیگر خبردار باشند.

وزیر خارجه از من استدعا نمود به شما اطلاع دهم که تا نمایندگی اولی کمیته دتود وارد نشود، هیچ کاری نمی‌تواند بکند و اگر امتیاز احداث خط آهن جلفا داده شود او ترتیب مساعده کوچکی را خواهد داد.

در باب اوضاع جنوب ایران جناب معظم اظهار داشت که در عایدات گمرکی دوازده ماهه آنجا از قرار محاسبات رسمی ۱۰۰،۰۰۰ تومان افزوده شده است.

نمره - ۴۴۵

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورغ غره دسامبر ۱۹۱۲ [۹ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۱ ذی‌حجه ۱۳۳۰]
 راجع به تلگرافات ۱۳ و ۲۰ نوامبر شما:

یادداشتی که از طرف دولت روس رسیده مشعر است به اینکه دولت روس با نظریات دولت اعلیحضرتی کمال موافقت را دارند که تعیین شخص باجدیت فعالی به ریاست کابینه مملکت بدون رسانیدن پول برای اصلاحات لازمه، مکفی نخواهد بود. دولت روس تصور می‌کنند که لازم است با دولت ایران برای تحصیل قرضه پنج یا شش میلیون لیرا همراهی شود. مساعده‌ای به مبلغی که دولت اعلیحضرتی پیشنهاد کرده‌اند، فقط اسباب تأخیر اتمام عمل قرضه بزرگی خواهد شد و دولت روس بعلاوه نمی‌توانند مبلغ زیادی را که پیشنهاد شده است، به دولت ایران مساعده بدهند.

دولت روس تصور می‌کند که فقط راهی که برای رفع احتیاجات ایران باز است، این است که حتی‌المقدور عمل راه‌آهن سرتاسر ایران بین دولت مشارالیه‌ها و سوسیته دتود به اتمام برسد. چنانچه بر دولت روس معلوم شده است، سوسیته مذکور چند نفر نماینده انتخاب نموده که به همین زودیها به طهران رفته و به همراهی سفارتین با دولت ایران برای تحصیل امتیاز احداث خط‌آهن مذکور و تحصیل اجازه شروع به اقدامات مقدماتی که در عوض آن قرضه بزرگی به ایران داده شود، مذاکره نمایند.

امید است که این نمایندگان از وثیقه‌هایی که دولت ایران می‌دهند راضی خواهند شد و برای آنها لازم نخواهد شد که از دولتین روس و انگلیس تقاضای وثیقه دیگری بنمایند. یحتمل آنوقت سرمایه‌داران تعهد تأدیه قرضه‌ای نموده و فوراً مبلغی به دولت ایران مساعده بدهند. دولت روس بنابراین تصور می‌کنند که خوب است به سر برتی و وزیرمختار روس مقیم پاریس فوراً تعلیم داده شود که با مدیران سوسیته مذکور مذاکره بنمایند برای اینکه حرکت نمایندگان خود را به طهران هر قدر زودتر که ممکن است تسریع نمایند و دولت روس حاضر است که همینکه امتیاز احداث خط‌آهن جلفا اعطاء گردد، مساعده به دولت ایران بدهد که دولت مشارالیه‌ها بتواند تا وقتی که ترتیبی با سوسیته مذکور داده شود، امور خود را اداره نماید و بالاخره دولت روس امیدوار است که چنانچه در فوق ذکر شده، به سر برتی تعلیم داده شود.

نمره - ۴۴۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۰ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۲ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

سعدالدوله امروز از من ملاقات نموده اظهار داشت که از سنت پترزبورغ برایش خبر رسیده است که از لندن راپورت داده شده است که او با من در باب محمدعلی میرزا بطوری حرف زده که از آن مفهوم شده است او برای رجعت و اعاده محمدعلی میرزا کار می‌کرده است. سعدالدوله از من درخواست نمود این خبر را تصحیح نمایم. من

اظهار داشتم که با میل تمام این کار را خواهم کرد به همین دلیل بسیار خوب که هیچ يك از ما، در ضمن صحبت اسمی از محمدعلی میرزا نبردیم و بعلاوه به او اظهار داشتم که گمان نمی‌کنم این خبر از منبع رسی به بخبر او رسیده باشد. سعدالدوله از آنتریگمایی که برضد او شده و می‌شود، شکایت زیاد نمود.

نمره - ۴۴۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۰ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۲ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۹ نوامبر شما:

وزیر امور خارجه امروز از سفیر روس و من ملاقات نمود و به ما پیشنهاد کرد که خیلی مطلوب است به حکومت حاضره یا تقویت بشود و یا آنکه تغییر یابد. لیکن در این مسأله تأکید داشت که سعدالدوله را هیچ‌کس قبول نمی‌کند. وزیر خارجه تصور می‌کرد شاید ممکن باشد او را جزو کابینه کرد. حضرت معظم مرا اطمینان داد که احساسات او شخصاً برضد سعدالدوله نمی‌باشد و از گفتن اینکه سعدالدوله را کسی قبول نمی‌کند، او فقط نظریات افکار عامه را اظهار داشته است. حضرت معظم اظهار داشت که اگر لازم باشد، تا يك روز دیگر می‌توان به جلب همراهی تمام اشخاص خوب مملکت موفق گردید و اظهار داشت که کابینه مصمم شده است حتی المقدور در مقابل تعیین سعدالدوله مقاومت نماید تا آنکه مجلس افتتاح بشود و آن وقت، هیأت وزراء استعفای خود را تقدیم بدارند.

چون به همکار روسی من تعلیم نرسیده بود که رویه خود را تغییر دهد، من فقط به وزیر امور خارجه اطلاع دادم که دولت اعلیحضرتی اوضاع حاضره را تحت ملاحظه آورده‌اند و قصد ندارند مردم را مجبور به قبول او بنمایند.

نمره - ۴۴۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۰ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۲ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲۷ نوامبر شما:

من به وزیر امور خارجه اطلاع داده‌ام که دولت اعلیحضرتی به من تعلیم داده‌اند که مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرای دیگر برای احتیاجات مالی فارس به دولت ایران مساعده بدهم و من به خزانه‌داری کل قرار داده‌ام که حساب علیحده در بانک برای این پول نگاه داشته شود و فقط برای مصارفی داده شود که ایالت و قنسول انگلیس و وکیل مالیه خزانه‌داری از بابت مصرف آن اتفاق آراء حاصل کرده باشند و پس از آنکه خزانه‌داری کل و من آن را تصویب کرده باشیم.

وزیر امور خارجه از این حسن‌نیت دولت اعلیحضرتی نیز تشکر کرده و گفت یقین است که مخبرالسلطنه به وسیله این کمک مالی بموقع می‌تواند در کار خود موفقیت

حاصل نماید. جناب معظم این ترتیبات را قبول نموده و گفت بر وی معلوم است که مساعی بکار برده خواهد شد که اسباب رنجش و کدورت دولت ایران فراهم نیاید.

نمره - ۴۴۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
وزارت خارجه ۲ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۰ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۲ ذی‌حجه ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۳۰ نوامبر شما:

امروز در ضمن صحبت با کنت بنکندورف، من اظهار داشتم که اعتراضی بر تعیین سعدالدوله به مقام ریاست وزراء ندارم لیکن حاضر نیستم برای تعیین او اعمال قوه نمایم و چنانچه به من اطلاع رسیده است، برای تعیین و ابقای او اعمال قوه لازم می‌آید. و اظهار داشتم به نظر من بهترین طریقه آن است که به دو سفیر مقیم طهران تعلیم داده شود که تحقیق کنند چه قسم کابینه‌ای بیشتر طرف قبول ایرانیان می‌باشد و نظریات خود را تلگراف کنند.

نمره - ۴۵۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۱ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۳ ذی‌حجه ۱۳۳۰]
راه آهن از محمره الی خرم‌آباد

وزیر امور خارجه در ضمن صحبت دیروز به من اطمینان داد که امتیاز خط آهن فوق در حقیقت داده شده است. تمام وزراء قرار داده‌اند که دو امتیاز خط آهن بدهند و چیزی که فقط لازم است تصمیم قطعی ایشان است و آنهم در ظرف چند روزی به اتمام خواهد رسید.

من در جواب گفتم که اگر اطمینان کتبی از بابت اعطای امتیازات مذکور داده شود، دولت اعلیحضرتی بسیار خوشوقت خواهند گردید و اگر امتیازات بطور قطع داده شود، جزئیات آن را می‌توان ترتیب داد.

نمره - ۴۵۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی
وزارت خارجه ۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۱ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۳ ذی‌حجه ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف دوم دسامبر شما و تلگراف ۲۸ نوامبر من:

امیدوارم بتوانید ترتیبی بدهید که ماهیانه مطمئناً اقلاً مبلغ ۶،۰۰۰ لیرا به ایالت داده شود، بطوری که دیگر محتاج به وصول پول بدفعات از دولت اعلیحضرتی نباشد. نظر به اینکه امنیت حاصل نمودن جنوب برای ما و دولت ایران اهمیت دارد، این مسأله‌ای است که می‌خواهیم شما برای آن تأکید نمایید.

نمره - ۴۵۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۱ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۳ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

رجوع به تلگراف ۲ دسامبر سر والتر تنلی که عین آن برای شما مخاپره شده بنماید:

البته نایب‌السلطنه از تعیین سعدالدوله امتناع خواهد نمود به علت اینکه چون او قبول عامه ندارد، ممکن است اغتشاشی به ظهور رسد. در جواب این مسأله ما چیزی نداریم بگوییم چرا که اطلاعات واصله از طهران این امر را تصدیق می‌کند. اگر سعدالدوله تعیین گردد، ظاهراً لازم خواهد بود که مقابل احساسات ایرانیها از او همراهی بشود. یقین دارم وزیر امور خارجه روس میل ندارد چنین اوضاعی پیش‌آید. من پیشنهاد می‌کنم که از سفرای انگلیس و روس مقیم طهران استفسار شود که آیا عقاید و نظریات آنها در خصوص تأسیس حکومت مقتدرتری در طهران چه می‌باشد و چه نصیحتی در این باب می‌توانند بکنند. چنان به نظر می‌آید که تشکیل کابینه‌ای که سعدالدوله هم جزو [آن] باشد ولی نه به مقام ریاست‌وزراء، حل اشکال را خواهد نمود.

نمره - ۴۵۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۱ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۳ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع [به تلگراف] غره دسامبر شما:

دولتین اتفاق آراء حاصل نموده‌اند که آخرالامر قرضه پنج یا شش میلیون برای دولت ایران لازم خواهد بود که بتواند امور خود را بطور صحیح اداره کرده قروض موجوده خود را مسترد بدارد. لیکن چون سرمایه‌داران اینجا نمی‌توانند قرضه بدهند تا آنکه اقدامات برای حصول انتظامات و وصول عایدات به عمل آید، دولتین انگلیس و روس باید مقدماً وجهی بطور مساعده به دولت مشارالیه بدهند و تا زمانی که دولتین اساساً در این امر متفق می‌باشند که اولین مقصود که باید بدان نائل شد، همراهی با دولت ایران است که بتواند امور را طوری اداره بنماید که ترتیب مساعدی برای تأمین قرضه بزرگتری بدهد، من نمی‌خواهم که زیاده بر آنچه لازم است مساعده داده شود و راضی می‌شوم که هر یک از دولتین مبلغ ۲۵۰،۰۰۰ لیرا مساعده بدهند و این وجه هم پس از اعطای امتیازات هر دو خط آهن به اقساط و در موقع لزوم داده شود.

نمره - ۴۵۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۲ آذر ۱۲۹۱: ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف دیروز شما - کمک مالی به ایالت فارس - اگر پولی که برای فارس تخصیص می‌شود، به وسیله آن مخیرالسلطنه می‌تواند در عرض سه چهار ماه دیگر در اوضاع آنجا بهبودی دهد، گمان می‌کنم ممکن باشد با بانک ترتیبی داد که منظمأ وجه به او داده شود.

نمره - ۴۵۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۲ آذر ۱۲۹۱: ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

به واسطه هجوم ترکمنها ایاب و ذهاب در راه از طهران الی مشهد مقطوع شده است. مرتین [= مارتین؟] یکی از مفتشین اداره تلگراف هند و اروپا، دیروز نزدیک میامه دستگیر و به او بدسلوکی نمودند. یکی از غلامهای ایرانی که همراه او بود، و درشکه‌چی او مقتول گردیدند. او دیروز ساعت ۶ بعد از ظهر به میامه رسید. نلسن از اجزاء بانک شاهنشاهی، با اهل خانه او که به طرف مشهد می‌رفتند، از شاهرود نمی‌توانند جلوتر بروند. مأمورین محلی می‌گویند نمی‌توانند اقدام مساعدی بنمایند. من در این باب به دولت ایران اظهار می‌کنم چون دولت نمی‌تواند مساعدت بقاعده بکنند. من به رئیس بانک تعلیم می‌دهم که به نلسن بگوید به اینجا مراجعت نموده و از راه رشت و خط آهن ما وراء بحر خزر، به مشهد برود.

نمره - ۴۵۶

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۲ آذر ۱۲۹۱: ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۲ و ۳ دسامبر شما:

وزیر امور خارجه اظهار داشت نمی‌خواهد سعدالدوله را جبرأ به مقام ریاست وزراء تعیین نماید و جناب معظم به سفیر روس تعلیم خواهد داد که با سر والتر تنلی در خصوص بهترین طریقه‌ای که اتخاذ شود مشورت نماید. به تصور او ممکن است بتوان ترتیبی داد که سعدالدوله به مقام وزارت داخله منصوب گردد. او فقط شخص کافی لایقی است که بتواند نفوذ خود را محسوس بدارد و اغتشاشات حالیه را مبدل به نظم و امنیت نماید.

دولت روس قبل از حرکت سعدالدوله از سویس، او را متنبه نموده بودند که نباید تصور کند مراجعت او به ایران برای تأمین رجعت دادن شاه مخلوع است، و جناب معظم اظهار داشت که از تعیین سعدالدوله به مقام ریاست وزراء به هیچ وجه خطر رجعت شاه مخلوع متصور نمی‌باشد و در صورتی که شخص مقتدری مثل او داخل کار

باشد، شاید برای دولت روس امکان متدرجاً داشته باشد که قشون خود را عودت دهند. لکن تا زمانی که اوضاع حاضره دوام داشته باشد، اشغال شمال از طرف روس تا زمان غیرمحدودی به طول خواهد انجامید و اگر قشون روس در آن نقطه حضور نداشت، تجارت امکان نمی‌داشت.

نمره - ۴۵۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۴ دسامبر سر جارج بیوکانون به نظر می‌رسد که تعیین سعدالدوله برای عضویت در کابینه ولی نه به مقام ریاست‌وزراء بهترین طریق برای حل مشکل خواهد بود.

شما باید در باب وزارت داخله سعدالدوله با همکار روسی خود مشورت نمایید و ببینید آیا وسیله دیگری برای تقویت حکومت موجود می‌شود؟

نمره - ۴۵۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

راجع به تلگراف ۴ دسامبر شما:

شما باید برای رویه‌ای که وزیر امور خارجه اتخاذ نموده از طرف من اظهار تشکر و قدردانی بنمایید شاید او تعلیمات شبیه به تعلیماتی که من امروز برای سر والتر تنلی می‌فرستم برای سفیر روس خواهد فرستاد. آیا وزیر امور خارجه مایل است که به نمایندگی دولت روس اجازه دهد که امیدواری بدهد که در صورتی که به عضویت سعدالدوله در کابینه حکومت بهتری تأسیس شود، عساکر روس متدرجاً عودت داده خواهند شد؟

نمره - ۴۵۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

وزیر امور خارجه دیروز مرا اطلاع داد که کابینه قبول نموده است که امتیازات خطوط آهن را بدهند. جناب معظم مرا اطلاع داد که اگر دولتین رضا به تجدید کابینه حالا بدهند، او مرا می‌تواند اطمینان بدهد که تمام امتیازاتی که تقاضا شده، داده خواهد شد.

نمره - ۴۶۰

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۶ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۶ ذی‌حجه ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۵ دسامبر شما:

وزیر امور خارجه تعلیمات شبیه به تعلیماتی که شما به موجب تلگراف نمره ۷۰۹ پنجم دسامبر برای سر والتر تنلی فرستاده‌اید، برای سفیر روس مقیم طهران خواهد فرستاد و او نیز سفیر روس را اجازه خواهد داد که به دولت ایران اطلاع دهد همینکه حکومت مقتدری برقرار گردید و انتظامات شمال اعاده شد، دولت روس شروع به عودت عساکر خود خواهند کرد.

جناب معظم اظهار داشت که علت اینکه ارائه طریق برای تعیین سعدالدوله به مقام ریاست وزراء نموده، این است که به عقیده او سعدالدوله بهترین شخصی است که لیاقت این کار را داشته باشد. لیکن چندان میل به این کار نخواهد داشت و اگر ایرانیان او را نخواهند، هر کسی را که حقیقتاً مناسب این مقام بدانند، او قبول خواهد کرد.

نمره - ۴۶۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۶ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۶ ذی‌حجه ۱۳۳۰]
راجع به تلگراف ۵ دسامبر شما:

شما باید از طرف دولت اعلیحضرتی برای اظهاری که وزیر امور خارجه به شما کرد، تشکر نمایید و اظهار امیدواری بنمایید که کابینه کافی لایقی تشکیل خواهد شد.

نمره - ۴۶۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۰ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۸ آذر ۱۲۹۱؛ ۳۰ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

پس از مشورت با خزانه‌داری کل و موافقت وزیر امور خارجه، من دیروز به رئیس بانک شاهنشاهی تعلیم دادم که ۱۵،۰۰۰ لیرائی را که در تلگراف ۲۶ نوامبر خود رجوع به آن کرده بودید، به حساب قران، تحت عنوان خزانه‌داری کل در دفتر خود منتقل نماید.

خزانه‌داری کل در صورتی می‌تواند از بابت این وجه حواله بدهد که من تصویب نموده باشم و همینکه از طرف ایالت به مشورت با قنصل انگلیس مقیم شیراز و وکیل مالیه، لزوم وجه برای مصارف ایالتی معین گردید از این پول می‌تواند دریافت نماید. قنصل انگلیس مقیم شیراز مرا اطلاع می‌دهد که ایالت این طریقۀ نظارت را قبول نموده است.

نمره - ۴۶۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۱ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۹ آذر ۱۲۹۱؛ یکم محرم ۱۳۳۱]

وصول تلگراف ذیل از شیراز بسیار اسباب تأسف گردیده است:

دسته بزرگی از ایلیاتیها که تخمیناً عدۀ آنها از ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر بود، به دستۀ ۶۲ نفر از سوارهای هند مرکزی که به اتفاق ماژور کتلول و کاپیتان اکفورد به قصد شکار به طرف دشت ارجن [= ارژن] می رفتند، صبح ۱۱ دسامبر بین خان زنیان و دشت ارجن، قریب ۳۰ میلی شیراز حمله نمودند. با کمال تأسف راپورت می دهم که کاپیتان اکفورد مقتول شد و یکی از سواره‌ها کمی مجروح گردیده، سه رأس قاطر متعلق به رژیمن برده شد و تمام قافلۀ مال التجاره که حرکت کرده بود به غارت رفت. این هیأت با رضایت ایالت حرکت کرده بودند و در حدود نقاطی بودند که ژاندارمری محافظت می کرد. ماژور کتلول و دستۀ او فعلاً در خان زنیان هستند و به واسطۀ ترتیباتی که کلنل دوگلاس داده است، فردا مراجعت خواهند کرد.

هنوز معلوم نشده است که سارقین از چه محل بوده‌اند لیکن بعد جزئیات واقعه را تلگرافاً [= تلگرافی] خبر خواهم داد.

من اخبار این حادثۀ فجیعه را به وزیر امور خارجه داده‌ام. او از من استدعا نمود که اظهار تأسف فوق‌العاده نمایم. جناب معظم از این می ترسید که مبادا این خبر اثرات بدی در لندن داشته باشد مخصوصاً در موقعی که قتل مأمور گمرک بلجیکی در سرحد خاک ایران و عثمانی به وقوع رسیده است. جناب معظم اظهار داشت که باز هم به دوستی ثابت و تحمل دولت اعلیحضرتی اعتماد کامل دارم.

نمره - ۴۶۴

یادداشت مستر شیپلی در باب وقایع تبریز، در عرض ماه دسامبر ۱۹۱۱

و ژانویۀ ۱۹۱۲ حسب‌المراجعه به کتابچه‌ای که پروفیسور برودن

[= براون؟] تألیف نموده و در ماه اکتوبر ۱۹۱۲ به طبع رسانیده است

در صفحۀ پنجم این کتابچه، در باب اقداماتی که شجاع‌الدوله از ماه اوت به بعد برای استیلای تبریز نمود، مسطور است که عساکر روس که دور تبریز بودند، ظاهراً اظهار بی طرفی می نمودند.

این مطلب تفصیل صحیح اقدامات روسها را نمی رساند. حقایق واقعات به قراری است که ذیلاً نگاشته می شود.

همینکه شجاع‌الدوله در ماه اوت به نزدیک تبریز رسید، روسها اعلان نمودند که تا زمانی که عساکر آنها به حال بی طرفی باقی است، چون خود را مسؤول امنیت عمومی شهر می دانند، نمی گذارند در شهر تبریز جنگی روی دهد. ما به مقاصدی که روسها

از بابت شجاع الدوله در نظر داشته [اند] کار نداریم - می توانیم بگوییم که همین اعلان از طرف روسها، به عقیده من، یکی از علل و اسباب عمده بود که شجاع الدوله را در مدت قریب چهار ماهی که تبریز را محاصره کرده بود، از ورود به شهر به قوه قهریه مانع آمد.

نه من تنها، بلکه سایرین هم، علت ابقای شهر را به دست اهالی، حمل به بی طرفی روسها می نمایند.

با وجود چهار پنج ماهی که مشروطیین فرصت داشته [اند] که در مقابل شاه مخلوع مقاصد مشروطیت را پیشرفت بدهند، در این مدت از طهران قشونی فرستاده نشد که گشایشی در اوضاع تبریز بدهند و از طرف حکومت مرکزی اقدامی برای عقب نشاندن شجاع الدوله به عمل نیامد. در این صورت عدم اقدامات دولت ایران را نمی توان به علت موانعی از طرف روسها دانست.

در صفحه پنجم کتابچه مذکور اظهار دیگری شده است که روسها مصمم به خلع اسلحه نمودن فدائیان شده اند و اینها آن کار را پس از آنکه به واسطه سوء اداره امور فدائیان در مقام مدافعه برآمده بودند، به انجام رسانیده بودند.

آنچه در این باب می توان گفت، این است که اگر هم روسها در نظر داشته [اند] چنین اقدامی بنمایند، قبل از اینکه جنگ واقع شود، آنها فدائیان را خلع اسلحه نمودند، اگرچه فدائیان خود می دانستند که دیر یا زود چنین اقدامی باید بشود. به علاوه، اگرچه به واسطه حوادثی که متعاقب حوادث سابقه به وقوع پیوست، ممکن نشد تحقیقات رسمی به عمل آید، از اطلاعات غیرمستقیمی که به من رسید، دیگر جای شبهه و تردید برای من نماند که اول گلوله ای که فردای روز نزاع بین پلیس و مستحفظین سیار - که روز بیستم دسامبر [۲۷ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۸ ذی حجه ۱۳۲۹] باشد - انداخته شد، از طرف فدائیان بود و روسها در تمام نقاط به حالت دفاع بودند.

نزاع بین پلیس و مستحفظین سیار که در فوق ذکر شد، بطور تحقیق منشأ جنگ بعد بود. این حادثه که مسؤولیت آن را نمی توان به که نسبت داد، بی مقدمه بود و غفلتاً به وقوع پیوست بطوری که دیگر هیچ قسم تحقیق یا مداخله ای امکان نداشت. می توان تصور کرد که فدائیان مصمم شده بودند کار را به جای نازکی برسانند و این مسأله را هم باید تحت توجه و ملاحظه قرار داد که از ابتدای امر، این مقدمه بین فدائیان و بعضی از پلیسها از يك طرف و عساکر روس از طرف دیگر، واقع شد و عموم اهالی تبریز بدون اینکه بخواهند به فدائیان همراهی نمایند، یا اینکه کشمکش فدائیان را برای استخلاص خود از تعدیات خارجه تصور نمایند، نه فقط از ابتدا تا انتها در این کشمکش خود را شریک و دخیل نمودند، بلکه همینکه از طغیان فدائیان جلوگیری شد، اعمال و کردار این فدائیان متفرق شده را تقبیح نموده و برای تفتیش اسلحه مساعدت نمودند.

به عقیده من، علل و اسباب جنگ عمیق‌تر از این می‌باشد و به عقیده من، به واسطه نفوذ بی‌جهتی است که فدائیان و نظمیه به واسطه ضعف حکومت مرکزی متدرجاً حاصل نموده بودند و همین نفوذ بی‌جهت آنها بود که نه فقط منشأ و مبدأ آنتریگ و انقلاب شهر گردیده، بلکه اسباب مصادمه دائمی با روسها شده بود.

این مسأله را باید متذکر شد که از ماه فوریه ۱۹۱۰ محسوس گردید که حضور دائمی ستارخان و باقرخان سرکرده فدائیان، با حسن اداره و حکومت شهر موافقت نخواهد داشت، و اگرچه این دو نفر آخر الامر با اشکال زیاد از تبریز خارج شدند، عده زیادی از طرفداران آنها باقی ماندند. در آن موقع برای دولت ایران پلتیک [= پلیتیک] خوبی بود که از مفارقت آنها استفاده نموده و از این فدائیان خلع اسلحه نمایند و در عوض قشون نظامی مستقلی تشکیل دهند که بتوان بر اطاعت و فرمانبرداری آنها اعتماد نمود و قشونی باشد که بدون ملاحظات خارجی بیطرفانه به جلوگیری از هرگونه اغتشاش پردازند.

مأمورین دولتی ایران چنین قشونی تشکیل نداده و اقدامی برای خلع اسلحه فدائیان بعمل نیامد و کاری که کردند این بود که عده‌ای از فدائیان را جزو نظمیه نمودند، لکن خود نظمیه که هر روزه نسبت پول‌گرفتن به زور سوء اعمال رژیم سابق به اجزاء آن، مخصوصاً به مظنونین به تمایلات خارجی آن می‌دادند، از ابتداء طرف عدم اعتماد اهالی واقع شده بود و عوض آنکه در ناامنی و احتمال اغتشاشات که اهالی از وقوع آن در خوف و هراس بودند تحقیقی دهد، باعث تزئید آن گردید.

چیزی که سبب عودت ندادن عساکر روس گردید این بود که دولت ایران نمی‌توانست در تبریز امنیت بدهند. چنانچه [= چنانکه] مسیو نیکلاس همکار فرانسوی من هم چندین دفعه به من اظهار داشت که اگر عساکر در شهر حضور نمی‌داشت، اغتشاشات بسیار سخت به وقوع می‌رسید و هیچ‌یک از اروپاییان هم که در شهر اقامت داشته به من اظهار نکردند که وقت آن رسیده است که عساکر را بتوان عودت داد.

این که من تا اندازه‌ای در این باب شرح داده‌ام، به جهت آن است که بلاشک وضعیت آنها بی‌ترتیب و غیرمنظم بود و عودت آنها حسب‌الامکان مطلوب بود. حضور آنها در تبریز، نظر به مناسبات بین مأمورین محلی و اهالی، البته اسباب تشویش خیال مأمورین محلی بود و نظر به سوءظنی که ایرانیها از زمان مراجعت شاه مخلوع در تابستان سال ۱۹۱۱ حاصل کرده بودند، بودن این قشون در تبریز، بیشتر اسباب سوءظن آنها از بابت مقاصد و خیالات روس بود. لیکن - دلایل و جهاتی که ایرانیان برای سوءظن بردن اقامه می‌نمودند به‌کنار - هیچ اقدامی از طرف روسها نشد که اسباب سوءظن آنها بشود.

تا آن اندازه که بر من معلوم شده، روسها اقدامی ننمودند که نگذارند ایرانیها از

(۱) اصل: به جهت. - م.

(۲) اصل: کردند. - م.

لزوم نگاهداشتن فدائیان صرف نظر نموده و در عوض قشونی به طریقی که در فوق ذکر شد، تشکیل دهند یا آنکه قشون ملی دیگری تشکیل نمایند.

بدبختانه، اثرات این اوضاع امور ناچار باعث تولید خصومت و عداوت بین نظمیه و فدائیان از یک طرف و روسها از طرف دیگر شد (در میان فدائیان عده‌ای از رولوسیونرهای از جان گذشته قفقازی ضد روس بودند) و اگر علت دیگری برای خصومت ورزی نداشتند، همین مسأله که حضور عساکر روس مانع از سوء اعمال آنها می‌شد، کفایت می‌کرد که آنها را وادار به مخالفت نماید.

هر که از رفتار و کردار اجزاء نظمیه ایران باخبر و بصیر باشد، انکار نخواهد کرد که یک قسم جلوگیری از آنها بسیار لازم بود. لکن اگرچه ممکن است روسها در تمام اقدامات خود از روی صحت عمل ننموده یا آنکه طریقه رفتار آنها مصالحت‌آمیز نبوده است، بایستی متذکر شد که جلوگیری آنها از فدائیان و اقداماتی که برای امنیت عمومی شهر نمودند و از روی کمال لزوم احتیاطاً در نقاطی که بیم وقوع اغتشاش می‌رفت، مستحفظ بسیار قرار دادند، تمام نظر به اقتضای موقع بود و بالاتر از همه، ضعف اداره کردن امور از طرف ایرانیها دولت روس را مجبور به این اقدامات نمود. در مدت فرمانروایی مخبرالسلطنه، به واسطه نفوذ شخصی او کار به جای نازکی نرسید و ممکن است که اگر مخبرالسلطنه در تبریز بود، چنین اتفاقی به وقوع نمی‌رسید، زیرا که گذشته از فدائیان و نظمیه، از طرف عموم اهالی علائم خصومت و مخالفتی دیده نمی‌شد و سربازان روسی با آنها بدسلوکی نمی‌نمودند.

همینکه در بهار سال ۱۹۱۲ مخبرالسلطنه از تبریز رفت و شجاع‌الدوله در ماه اوت نزدیک آن شهر رسید، جزئی احترامی که برای مأمورین دولتی باقی مانده بود بکلی محو و زایل گردید و امام‌قلی میرزا و ضیاءالدوله که به جای مخبرالسلطنه باقی مانده بودند، آلت دست نظمیه و فدائیان و سرکردگان آنها که بعضی از آنها از اشخاص ناشناخت بودند، شده بودند.

این شهر که عده ساکنین آن قریب ۲۵۰،۰۰۰ نفر بود، به حال خود واگذار شد و چنان در اساس حکومت آن اختلال و اغتشاش راه یافت (مخصوصاً در ماه نوامبر و اوایل دسامبر) که ممکن نبود در هر آنی منتظر وقوع اغتشاشات بسیار سخت نباشیم. اضطراب و تشویش خیال، آن وقت، عموم را فراگرفته بود و فقط عنصر مقتدر در آن نقطه عساکر روس بودند و حتی اشخاصی که من نمی‌توانستم به آنها سوءظن همدردی با روسها را ببرم، تصدیق داشتند که حضور عساکر روس یکی از خوشبختیهای شهر بود.

الحال، لازم است مختصری در باب خساراتی که به واسطه طول مدت محاصره شهر از طرف شجاع‌الدوله و موقوف شدن تجارت، به تجار وارد آمد و صدماتی که از گران شدن قیمت ماکولات به اهالی شهر وارد آمد، نگاشته شود.

اثرات این اوضاع این شد که اهالی بکلی خسته شده و حاضر گردیدند هر قسم حکومتی را که بتواند از این هرج و مرج جلوگیری نماید، قبول نمایند و هر طریقی

که برای حل این اشکال پیشنهاد شود، بپذیرند. اگرچه این فدائیان در مقابل شجاع الدوله از شهر دفاع می‌کردند، بعد از واقعات، اهالی شهر نسبت به آنها بسیار اظهار تفریح و تنفر نمودند و با اجساد ثقة الاسلام و سایرین که با او به قتل رسیدند، رفتار بسیار وقاحت‌آمیز نمودند. و این مسأله میل یا عدم میل اهالی را نسبت به وقوع حادثه فوق‌الذکر، به خوبی نشان می‌دهد.

باین ترتیبی که در فوق ذکر شد، فدائیان که اگر به واسطه حضور قشون روس نبود در شهر فاعل مختار می‌شدند، صبح روز ۲۱ دسامبر امور را در قبضه اختیار خود گرفتند و عقایدی که آنها را وادار به این اقدامات نمود به کنار، وحشیگری و بی‌رحمی که آنها در جنگ به خرج دادند، به هیچ وجه آنها را معذور نتواند داشت. از بابت وحشیگری و بی‌رحمی آنها، زیاده از اندازه در کتابچه‌ای که به طبع رسیده سهل‌انگاری شده و اگرچه این مسأله راست است و برای آن باید فدائیان را تمجید نمود که به هیچ وجه سوءقصدی نسبت به جان و مال اروپاییان ننمودند، لیکن با وجود این، فراموش‌شدنی نیست که از ابتدای امر، به هیچ وجه به روس‌هایی که بدون آلت دفاعیه بودند، ترحم ننموده و به آنها منزل نمی‌دادند و سربازهایی را که می‌گرفتند، کشته و اعضای بدن آنها را قطعه قطعه نمودند و روسها سوءظن زیاد برده بودند که در بعضی موارد، قبل از کشتن، آنها را در معرض شکنجه و عقوبات دیگر قرار می‌دادند. حقیقت مسأله قطع اعضاء که خبر آن قبلا از طرف ایرانیان به من داده شد، از عکسهای اجساد که پس از جنگ برداشته شده بود، بر من ثابت گردید و اگرچه از بابت نسبتی که در ابتداء به روسها داده شد که ۵۰۰ نفر پیرمرد و زن و بچه را قتل‌عام نموده‌اند، چندان چیزی نوشته نشده، لیکن من می‌خواهم بگویم که در همان وقت، مستر یداک همکار اتازونی من هم این مسأله را تکذیب نمود.

در باب نسبت‌های دیگری که به روسها داده‌اند که بدون فرق و امتیاز، در موقع جنگ زنها و بچه‌ها را کشته‌اند، نه در موقع جنگ و نه بعد از آن، چیزی که این مسأله را ثابت کند بر من معلوم نشد و من این نسبت را بکلی بی‌اساس می‌دانم. اگرچه ممکن است در موقع بمباردمان خانه‌هایی که از آنها فدائیان به روسها شلیک می‌کردند، عده‌ای زن و بچه تلف شده باشند، در مدت جنگ، فقط دو نفر از اشخاصی که خارج از جنگ بودند، از طرف روسها مقتول گردیدند. لیکن همین دو فقره اتفاق افتاد که من از وقوع آن مطمئنم و از تحقیقاتی که بعد به عمل آوردم، یقین نمودم که حکایاتی که از قتل‌عام بدون فرق و امتیاز روسها نقل می‌کنند خالی از حقیقت می‌باشد.

این مسأله را نباید فراموش کرد (چونکه از روی آن می‌توان صدق و کذب این نسبتها را فهمید) که عده‌ای از زنها و بچه‌های ایرانی در اردوی روسها پناهنده شدند و روسها با آنها بطور مهربانی رفتار نمودند.

بهترین دلیل برای ثبوت مبارزت‌طلبی رولوسیونرها این بود که یکی از صاحب

منصبان روس را، هنگامی که در نهایت صلح و آرامی مشغول حرکت دادن این زنان و بچه‌ها بود، به ضرب گلوله مقتول نمودند.

در اینجا باید این مسأله را ذکر نمایم که در میان فدائیان، تا اندازه‌ای که من اطلاع دارم، رولوسیونر ارمنی نبود و آنها کمی قبل از وقوع جنگ از شهر خارج شده بودند.

در باب عکسهای اشخاصی را که به امر محکمه نظامی روس به قتل رسانیده‌اند و خانه‌هایی که به امر محکمه مذکور خراب شده است که در آن کتابچه الصاق شده است، من نمی‌توانم بگویم که این عکس‌ها را برداشته، لیکن راست است که بعضی از خانه‌های معتبرین را که روسها محرك طفیان می‌دانستند، به وسیله نارنجک منهدم نمودند و قریب چهل نفر که در عرض ماه ژانویه امسال به قتل رسیدند، قتل آنها به وسیله دار به عمل آمد و اجساد آنها را مثل جسد ثقة الاسلام و کسانی که با او دستگیر شده بودند، در معرض نظاره عموم قرار دادند و راپورت وقایعی که ملازم قتل این اشخاص بود، در همان وقت راپورت داده شد.

این مسأله را نیز باید بگویم که چون من در محاکمات محکمه نظامی دخالتی ننمودم، برای من ممکن نیست بگویم که آیا فتوای قتل آنها به امر محکمه نظامی از روی عدالت بوده است یا نه و به همینطور مخصوصاً در باب فتوای قتل اشخاصی که محرك جنگ بودند هم، نمی‌توانم تنقیدی بنمایم.

بعضی را عقیده بر این بود که از روی بی‌عدالتی فتوای قتل بعضیها داده شد و قتل‌هایی که بعد به عمل آمد، تولید احساس در میان اروپائیان مقیم تبریز برضد روسها نمود و تصور می‌کردند که روسها در قتل آنها زیاده‌روی و در بعضی موارد سختی بی‌جهت نموده بودند و از وضع کشتن و در نظاره‌گذاردن اجساد، مثل جسد ثقة الاسلام، اظهار تفریح و تنفر می‌نمودند و همین اظهار تفریح اقداماتی را که رولوسیونرها نموده و اسباب خشم و تفریح زیاد و من‌غیرحق روسها را فراهم آورده بودند، از نظر اروپائیان محو و زایل گردانید.

لازم نیست بگویم که من به اتفاق همکار روسی خود، حتی‌المقدور سعی داشتیم در مورد اهالی بی‌انصافی و بی‌رحمی نشود و در مورد پطرس ارمنی، من کوشش نموده و کار او را به تأخیر انداختم تا آنکه رفقای او بتوانند سه روزه به سنت پترزبورغ مراجعه نمایند و فقط می‌توانم در مسأله او اظهار همکار روسی خود را تکرار نمایم که گفت شهادتهایی که بر علیه [علیه] او داده شده است، آنقدر زیاد و موجب ثبوت تقصیرات او است، که نمی‌توان از رأی محکمه نظامی صرف‌نظر نمود.

در باب ورود شجاع‌الدوله به تبریز و بدست‌گرفتن زمام امور ایالتی در ماه ژانویه امسال، چنانچه حقایق مسطور ذیل گمان می‌کنم نشان می‌دهد، شجاع‌الدوله این کارها را به موافقت من نمود، لکن من اقدامات او را تصویب ننمودم.

من در اواخر ماه نوامبر و اوایل دسامبر ۱۹۱۱، قریب سه یا چهار هفته قبل از وقوع حوادث، راپورت دادم که اکثر تجار حاضر شده‌اند تعیین شجاع‌الدوله را قبول

نمایند و به علاوه، اظهار داشتیم که در صورتی که حکومت مرکزی به تعیین او رضا دهند، حل اشکال ظاهراً خواهد شد.

در همان وقت، اوضاع شهر بسیار یأس آمیز بود و تجارت با خارج شهر بکلی مقطوع و آذوقه فقط به اجازه شجاع الدوله وارد شهر می شد. در حقیقت، خود اهالی کار را بدست گرفته و برای ورود شجاع الدوله، [با] او داخل مذاکرات شده بودند، ولی در باب عده همراهان او که به شهر ورود نمایند، هنوز گفتگو قطع نشده بود.

وضع کردار و رفتار شجاع الدوله چنانچه در تبریز شهرت داشت و اشخاصی که او را خوب می شناختند اظهار می نمودند که اگرچه در مورد اعدای خود بی انصاف بود لیکن به هیچ وجه راضی به غارت و اغتشاش نبود و این را هم باید متذکر شد که در موقعی که عساکر دولتی تبریز را محاصره نموده بودند، شجاع الدوله با آنکه طرفدار عساکر دولتی بود، اجازه به عساکر خود نمی داد زیادروی و اجحاف بنمایند.

در این موقع وجود شخص مقتدری لازم بود و اهالی تبریز این مسأله را احساس می نمودند. اشخاصی که از اهمیت موقع باخبر بودند، مکرراً به من اشعار می نمودند که شجاع الدوله فقط کسی است که بتواند نه فقط شهر را منظم بنماید بلکه در حدود تبریز، راههای تجارتی را امنیت بدهد. فقط راه جلفا که در تحت کنترل روسها بود، باز مانده بود.

در اواخر ماه دسامبر، همینکه از اغتشاش جلوگیری شد، آثار و علائم اقتدار دولت ایران در تبریز محو گردید و ضیاءالدوله نماینده آخری اسمی دولت، قبل از وقوع جنگ در قنسولخانه ما تحصن اختیار نموده بود و می گفت که هیچ کس از او اطاعت نخواهد کرد و قشونی موجود ندارد که بدان اتکاء نماید.

با این ترتیبات، اگر می خواستیم که اهالی مشغول امور عادی خود شوند و به کسب و کار مشغول گردند، حتماً لازم بود که شخص مقتدری تعیین شود که هم بتواند حکومت شهر را اداره کند و هم طوری رفتار نماید که اوامر او را محترم داشته و اطاعت نمایند. علت اینکه من با پیشنهاد همکار روسی خود موافقت نمودم که این کار به شجاع الدوله سپرده شود، این بود که شخص دیگری یافت نمی شد و دیگر آنکه چاره دیگری هم نبود غیر از آنکه خود روسها این کار را به عهده گیرند و حتی اگر موقتاً این کار به آنها سپرده می شد، به نظر من مورد اعتراض بسیار واقع می گردید.

در باب ظلم و تعدیات شجاع الدوله، اوضاع فوق العاده شهر، آنوقت، طوری بود که من نمی توانستم تحقیقات کامل به عمل آورم ولی همینکه راپورت کارهای او به من داده شد، نزد همکار روسی خود رفته و با کمال شدت به او اصرار نمودم که باید از این وحشیگریها جداً جلوگیری شود.

اظهارات همکار روسی من به شجاع الدوله، تا اندازه ای که در خاطر دارم مؤثر واقع گردید و تا زمانی که من در تبریز توقف داشتم، یعنی تا ۸ فوریه امسال، دیگر اعمال او تکرار نشد.

قسطنطنیه ۱۱ دسامبر ۱۹۱۲

(امضاء) شیپلی

نزاع بین قراولان سیار روسی و نظمیه تبریز، در شب

۲۰ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۸ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۰ محرم ۱۳۳۱]

تا اندازه‌ای که توانسته‌ام تحقیق بنمایم، چه از روسها و چه از ایرانیها، بر من معلوم می‌شود که در شب ۲۰ دسامبر، یکی از قراولهای روسی، بین ساعت ۶ و ۷ بعد از ظهر فرستاده شد که تلفون بین اردوی روسها و سایر مقامات آنها را تعمیر نماید. برای انجام این کار لازم بود که در يك نقطه بالای بام یکی از استاسیونهای^۱ نظمیه بروند. همینکه پلیس که آنجا کشیک می‌کشید، از اجازه بالارفتن به او امتناع ورزید، فوراً قراول مذکور خبر به ژنرال قنسولگری روس رسانید. جنرال قنسول روس، به کارگزار رجوع کرده و از او اجازه خواست و کارگزار هم شخصی را به استاسیون نظمیه فرستاد و امر نمود که بلامانع بگذارند قراول روسی بالای بام برود. بدبختانه، در فاصله بین فرستادن فرستاده کارگزار و ورود او به آنجا، بین قراول روسی و پلیس مذکور نزاعی واقع شد و در آن نزاع دو نفر پلیس مقتول گردید.

همان شخصی^۲ که کارگزار فرستاده بود که پلیس را مانع از جلوگیری قراول روسی شود، به مترجم من گفته بود که کارگزار او را برای این کار فرستاد. قراول روسی اظهار داشته بود که از عقب به یکی از قراولان روسی حمله شد و چون تاریک بوده شخص حمله‌کننده معلوم نشده‌است و روسها مجبور به دفاع از خود شده بودند.

لیکن بغیر از این دو مسأله، به واسطه جنگی که روز بعد به وقوع پیوست و اوضاع مهم تبریز باعث وقوع این جنگ گردید، مانع از تحقیقات رسمی گردید، دیگر شهودی بدست نیست که بتوان مبدأ و منشأ جنگ را به طور تحقیق دانست.

قسلطنیه ۱۱ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۹ آذر ۱۲۹۱؛ یکم محرم ۱۳۳۱]

(امضاء) شیپلی

نمره - ۴۶۵

تلگراف سر اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری

استخلم [استکلم] ۱۱ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۹ آذر ۱۲۹۱؛ یکم محرم ۱۳۳۱]

به موجب [اخبار] مطبوعات آنجا، ریاست نظمیه تهران را دولت ایران به یکی از اتباع سوئد موسوم به وزدال داده‌اند و از قرار مذکور، به همین زودیها به طرف طهران رهسپار خواهد شد.

www.adabestanekave.com

(۱) استاسیون = توقفگاه - اتاقل نکهبانی. - م.

(۲) اصل: شخصی را. - م.

نمره - ۴۶۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۱۹ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۷ آذر ۱۲۹۱؛ ۹ محرم ۱۳۳۱]

از رویه و وضع سلوک مسیو سازانف به قراری که در تلگراف ششم دسامبر خود راپورت داده‌اند، از طرف من اظهار تشکر و قدردانی بنمایید.

نمره - ۴۶۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۰ آذر ۱۲۹۱؛ ۲ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف دیروز من:

وزیر امور خارجه، امروز صبح شخصاً برای ملاقات من آمده، از طرف شخص خود و تمام اعضای کابینه اظهار تأسف فوق‌العاده نمود و صمیمانه اظهار میل نمود که راپورت این مسأله به طوری داده خواهد شد که حتی‌المقدور افکار عامه انگلستان کمتر به هیجان بیاید.

جناب معظم اظهار داشت که دولت ایران بی‌اندازه به صبر و تحمل امتحان‌شده دولت اعلیحضرتی اعتماد دارند و از صبر و تحملی که سابقاً بخرج داده‌اند، بسیار متشکر می‌باشند.

من اظهار داشتم که این واقعه نامساعد، واقعهای است که برای من ممکن نیست پیشگویی کنم که دولت اعلیحضرتی چه قسم اقدام خواهند نمود، لیکن یقین دارم که دولت ایران می‌توانند اطمینان داشته باشند که دولت اعلیحضرتی سعی به استقرار رویه دوستانه تاریخی خود می‌باشند. حتی در صورتی که اوضاع مستلزم اقدام جدی باشد، من نیز مکتوبی به دولت ایران نوشته و صمیمانه اظهار امیدواری خواهم نمود [که] اقدامات فوری برای دستگیری و تنبیه مقصرین به عمل خواهد آمد.

از طرف قنصل انگلیس دیگر راپورتی نرسیده ولی کلنل فرمانده ژاندارمری به من اطلاع می‌دهد که ماژور فرمانده دسته ژاندارم شیراز راپورت قضیه را داده و به علاوه می‌گوید که دو نفر ژاندارم مقتول و یکی از تفنگچیان محل، مجروح گردیده است.

نمره - ۴۶۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۲ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۰ آذر ۱۲۹۱؛ ۲ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۱ دسامبر خود [تان]:

شما باید وزیر امور خارجه را اطلاع بدهید که اخبار قضیه المانگیز ۱۱ دسامبر

بسیار اسباب تألم و تأثر دولت اعلیحضرتی گردید. قتل یکی از صاحب‌منصبان انگلیسی، به تفصیلی که ذکر شده، یکی از آن چیزهایی است که دولت اعلیحضرتی نمی‌توانند از آن چشم‌پوشی بنمایند. دولت اعلیحضرتی باید از دولت ایران استدعاء نمایند که بدون تأخیر بگویند چه قسم می‌توانند جبران نمایند و یکی از شرایط جبران باید تنبیه سخت ایلیاتیها باشد.

اگر خود دولت ایران نمی‌توانند جبران لازمه را بنمایند، دولت اعلیحضرتی باید اقداماتی را که برای انجام آن مقصود لازم است، تحت ملاحظه قرار دهند.

نمره - ۴۶۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۱ آذر ۱۲۹۱: ۳ محرم ۱۳۳۱]

تلگراف ذیل از قنصل اعلیحضرتی مقیم شیراز رسیده است: من از او خواهش نموده‌ام که راپورت مفصل‌تر بدهد:

دسته، امروز بعد از ظهر، تحت امر ماژور کتلول سالمأ وارد شدند. حادثه دیگری رخ نداد.

جزئیات حمله بقرار ذیل است:

سارقین از طرفین راه بنای شلیک سخت گذارده و محلی که از آنجا تیر می‌انداختند، جنگل پردرختی بود. صاحب‌منصبان و عساکر شلیک آنها را جواب داده و دو نقطه را از دست آنها گرفتند. لیکن چون سارقین از اطراف می‌آمدند و عبور و مرور هم مشکل بود، سارقین بعضی از قاطرها را بردند. تشییع‌جنازه کاپیتان اکفورد فردا به عمل خواهد آمد.

سایر تلفات سه نفر ژاندارم بود که مقتول شدند.

ایالت امروز به ملاقات کلنل دوگلاس و من آمد و از وقوع این حادثه اظهار تأسف زیاد نموده اطمینان داد که اقدامات جدی برای دستگیری و تنبیه مقصرین از طرف او به عمل خواهد آمد.

نمره - ۴۷۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۲ آذر ۱۲۹۱: ۴ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۰ دسامبر شما - مساعده به ایالت فارس - ترتیبی را که داده شده تصویب می‌کنم.

نمره - ۴۷۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۵ محرم ۱۳۳۱]

تلگراف ذیل در ۱۴ دسامبر از شیراز رسیده است:

کلنل دوگلاس راپورت مفصل قضیه را که ماژور کتلول نوشته، به من داده است و من خلاصه آن را ذیلاً عرض می‌کنم:

دسته ما مرکب بود از کتلول و اکفورد و یکی از صاحب‌منصبان هندی و ۲۶ نفر سوار و ۱۷ نفر اجزاء و ۱۷ قاطر بینه. اینها در ساعت ۷ قبل از ظهر روز ۱۱ دسامبر، نیم ساعت پس از حرکت قریب ۱۵۰ نفر سربازان ایرانی، حرکت کردند. دوازده نفر را برای حفاظت بینه تعیین نمودند و بقیه با صاحب‌منصبان آنها در جلو حرکت کردند. همینکه به پل رودخانه قره‌آقاچ رسیدند، صاحب‌منصب ایرانی ژاندارمری، با دو نفر از ژاندارمهای سواره که تا رودخانه همراه کتلول رفته بودند، به جلو تاخت کردند که پست ژاندارمری را که در برج تنوی که بالای گردنه سینه‌سفید ساخته شده بود سرکشی نمایند. کتلول نیز صاحب‌منصب هندی را با دو سوار به جلو فرستاد که در دشت ارجن [= ارژن] منزل تهیه نمایند و در کوههای جنگلی طرف دست چپ، قراول مخفی قرار دادند.

پس از جزئی توقف، دسته حرکت کردند. راه از این نقطه تا قریب يك ميل و ربع از وسط جنگل است.

دو نفر صاحب‌منصب به اتفاق شش یا هفت نفر از سوارهای تازه از جنگل خارج شده بودند و همینکه قاطرهای اولی از جنگل بیرون آمدند، عده‌ای از کوههای طرف دست چپ، بنای شلیک بسیار سخت گذارد. دسته، که پیش رفته بودند، به جلو تاخت کرده و همینکه به نقطه‌ای که گلوله‌رس نبود رسیدند، از اسبهای خود پیاده شده و شروع به بالارفتن کوه نمودند. کشف خصم در جنگل پردرخت مشکل بود. لیکن از طرفین شروع به تیراندازی شد و در این نقطه، گلوله به قلب کاپیتان اکفورد رسیده و مقتول گردید.

چند دقیقه بعد از آن، کتلول از بالای کوه ۱۵۰ الی ۲۰۰ نفر را دید که از پایین دره به طرف ساحل رودخانه بالا آمدند. عساکر او بر این عده شلیک کردند لیکن این ۱۵۰ الی ۲۰۰ نفر فوری در جنگلها مخفی شدند. در این اثناء سوارهای مستحفظ بینه از ساحل شمالی رودخانه عبور نموده و در دره‌های کم‌ارتفاع جایگیر شدند.

این سواران راپورت می‌دهند که دسته کوچکتر سارقین، از طرف شمال به سایر دزدها ملحق و در حمله شریک شدند. کتلول در این موقع مردان خود را جمع نموده از کوهها پایین آمده و از بستر رودخانه عبور کرده، جسد اکفورد را با خود برد و بعد به دسته دیگر ملحق شده و در این نقطه صاحب‌منصب هندی و دو نفر از سوارها که جلو رفته بودند به دسته عساکر ملحق شدند.

در این اثناء ظاهراً سارقین با یغمای خود، به طرف کوههای شمالی رفتند. بعد

تمام دسته از طرف ساحل شمال رودخانه حرکت کرده و به خان‌زنیان مراجعت کردند. وقتی که در حال حرکت بودند، قریب ۱۵ یا ۲۰ نفر سوار در کوه‌های شمال دیده شد و بین آنها تبادل گلوله شد.

کتل‌ول اظهار می‌دارد که او قافله‌ای در کاروانسرای خان‌زنیان یا در راه ندیده بود. دسته کوچکی از ایرانیان با سه یا چهار رأس قاطر که پس از حرکت سوارها از کاروانسرا حرکت کردند، غارت شدند و قاطرهای آنها برده شد و بعد پیاده به کاروانسرا مراجعت نمودند و کتل‌ول آنها را آنجا دید لیکن در راه آنها را ندیده بود. کتل‌ول نیز اظهار می‌دارد که سارقین بغیر از شلیک چند گلوله، قصد حمله به دسته کوچک او را ننمودند. از قرار معلوم سارقین برای غارت آمده بودند و همینکه قاطرها را بردند فرار کرده رفتند.

اما از بابت ژاندارمها از قراری که معلوم می‌شود، صاحب‌منصب ایرانی آنها همینکه به برج رسید، ژاندارمها را در امتداد سر کوه عقب آورد و در آنجا آنها مجروح شدند. کتل‌ول وقتی که به طرف خان‌زنیان مراجعت می‌کرد آنها را از دور دیده بود که از روی کوهها بطرف شمال می‌رفتند.

سواد راپورت مفصل واقعه را که کتل‌ول نوشته، دوگلاس پسته برای شما خواهد فرستاد.

نمره - ۴۷۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۵ محرم ۱۳۳۱]

تلگراف ذیل در ۱۴ دسامبر از شیراز رسیده است:

در تلگراف قبل من که امروز مخابره شد، تمام جزئیاتی را که کلنل دوگلاس و ماژور کتل‌ول، نه فقط قصد نداشته است که همراه قافله برود، بلکه حتی آگاه هم نبوده است که قافله در آن حدود بوده است.^۱

از بابت تحقیقات دیگر شما، به قرار ذیل عرض می‌کنم:

(۱) محققاً معلوم نشده که آیا ایلیاتیها مسؤول هستند یا نه. دیروز منشی ایالت مرا اطلاع داد که سارقین از طایفه بوئراحمدی بودند لیکن از اطلاعات دیگر معلوم می‌شود که از طایفه دشمن‌زیاری^۲ بوده‌اند و بعضی می‌گویند از طایفه ممسنی می‌باشند که در تحت امر محمدعلی‌خان کشکولی هستند و بعضی از همراهان محمدعلی‌خان.

همینکه اطلاعات قطعی دیگر رسید، برای شما تلگراف خواهم کرد.

(۲) تلفات ژاندارمها - ماژور سیفورت، حالا مرا اطلاع می‌دهد که چهار نفر از ژاندارمها و یک نفر تفنگچی مجروح شده‌اند.

(۳) در باب قافله اخبار مختلف است ولی به قرار اطلاعات اخیر، عده کلیه قاطرها

(۱) چنین است در اصل و جمله نارساست. - م.

(۲) اصل: دشمن‌زیادی. - م.

قریب ۱۴۰ راس بوده است که فقط ۳۰ راس از آنها با بار غارت شد، لیکن ماژور کتلول به هیچ وجه آنها را ندید و درست نمی‌داند در چه نقطه به آنها حمله شده است. (۴) از قراری که ماژور کتلول نقل می‌کند، سارقین قصد حمله به سوارها و صاحب‌منصبان نداشته‌اند بلکه فقط به قصد غارت حمله نمودند و این حمله با ده فقره حملاتی که در عرض دوازده ماه اخیر به صاحب‌منصبان انگلیس و سواران آنها نمودند، تفاوت دارد.

نمره - ۴۷۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۵ محرم ۱۳۳۱]

تلگراف ذیل از صاحب‌منصب قنصلگری شیراز در ۱۵ دسامبر رسیده است: کلنل دوگلاس از من خواهش می‌کند که تلگراف ذیل را برای شما مخابره بنمایم: در عرض سال گذشته من صاحب‌منصبان و افراد قشونی را اجازه نمی‌دادم که دور از حدود شیراز بروند یا آنکه پس از مشورت با قنصل اعلیحضرتی و مأمورین محلی ایرانی، تا مسافتی که صلاح می‌دانستم به آنها اجازه می‌دادم بروند. تا همین اواخر من صلاح دانسته بودم که نگذارم آنها از حدود شیراز دور شوند و اگرچه اثرات معنوی این کار به حال رژیمان مضر بود، من به ملاحظات پلتیکی [= پلیتیکی] اعتراض ننموده‌ام.

پس از ورود ایالت، همینکه موقتاً امنیت رو به ازدیاد گذارد و ژاندارمری شروع به قراولی راه‌ها و اطراف کرد، من به عساکر اجازه دادم دورتر بروند و تصویب نموده‌ام که تا دشت ارجن [= ارژن] بروند و موقع را مفتنم شمرده و در تحت نظارت کاپیتان اکفورد که خود او با علم مساحت آشنا بود، آنها را به دستجات کوچک برای مساحت می‌فرستادم.

نظر به نتیجه این اقدام، من بسیار متأسف می‌باشم لیکن می‌خواهم عرض کنم که خطر این کار زیاده‌تر [از] خطر فرستادن آنها به مسافت چند میلی شیراز برای شکار نبود که تاکنون چندین مرتبه به دستجات کوچک صاحب‌منصبان و افراد شلیک شده و انتظار می‌رفت که در هر لحظه دسته‌بزرگی به آنها حمله و هجوم بیاورند.

از چندی به این طرف این مسأله واضح شده بود که صاحب‌منصبان و افراد قشونی دیگر، بیش از این نمی‌توانستند تحمل اوضاع شیراز را بنمایند لیکن من درست نفهمیده بودم که اوضاع به قراری که در تلگرافی که عین آن برای شما مخابره شده شرح داده شده است، بد است.

از قراری که مستر اسمارت به من اظهار داشته، عموماً از طرف دهاتیان به آنها شلیک می‌شده و علت شلیک آنها این بوده است که چون ایالت بکلی مغشوش بوده، دهاتیان هر دسته را که می‌دیدند به تصور اینکه دزد می‌باشند، به آنها شلیک می‌کرده‌اند

و در هر موردی که معلوم می‌شد که دهاتیان عمداً به صاحب‌منصبان و سواران شلیک کرده‌اند، مجازات در حق آنها به عمل آمده است.

نمره - ۴۷۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ نوامبر ۱۹۱۲ [۲۸ آبان ۱۲۹۱؛ ۱۰ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

آقا

راجع به مراسله غره ماه گذشته من، که در آن راپورت بهبودی مناسبات بین شیخ محمره و بختیاریه‌ها را داده‌ام، اینک مفتخراً سواد مراسله‌ای را که قنصل اعلیحضرتی مقیم محمره نوشته و شرح اختتام قرارداد رضایت‌بخش بین آنها را گذاشته است، لفأ ایفاد می‌دارم.

اگرچه خوانین بختیاری مقیم طهران از مواد قراردادی که به عمل آمده مستحضر نمی‌باشند، آنها اظهار داشته‌اند که حاضرند هر قسمی که سردار جنگ عمل را تمام نموده است، قبول نمایند.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۴۷۴

مکتوب قنصل هاورت به سر والتر تنلی

محمره ۱۹ اکتوبر ۱۹۱۲ [۲۶ مهر ۱۲۹۱؛ ۷ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم شما را اطلاع دهم که آقا رحیم روز ۱۴ ماه جاری به اینجا وارد شد که در باب اختلافات بختیاریه‌ها با شیخ مذاکره نماید. نتیجه مذاکرات آنها این است: املاک جراحی را که اخیراً بختیاریه‌ها خریده‌اند، باید مجدداً به همان قیمت خرید که پانزده هزار تومان باشد، به شیخ بفروشند.

در باب املاک عقیلی، اگر بختیاریه‌ها بتوانند به ثبوت برسانند که بعضی از املاک آنها را اعراب تصرف کرده‌اند، این املاک مسترد خواهد شد. در باب این مسأله مراجعه خواهم نمود.

تمام قراردادهایی را که با امیر مجاهد به عمل آمده و امضاء شده‌است، باید تمام خوانین آن را تصدیق نموده و امضاء کنند.

شیخ به شرایط ذیل راضی می‌شود که دست از تمام دعاوی شوشتر خود بکشد: حکمرانی که از طهران تعیین می‌شود، باید بی‌طرف باشد و حالیه آقا رحیم به نمایندگی شیخ و بختیاریه‌ها معاون او خواهد بود، ولی نه حکمران و نه رحیم‌خان هیچ‌کدام حق فرستادن مأمور نزد اعرابی که از دزفول تا حسین‌آباد در شمال الی

آخرین نقطه جنوبی قلم و حکومت عربستان سکنی دارند، ندارند [دارند] و حقا فرستادن مأمور به اراضی بیلیق (آنطرف رودخانه شوشتر) و گندزلو و خاران ندارند. هرگاه از اعراب یا هر یک از ساکنین این نقاط خطائی سر بزند، باید به شیخ رجوع شود و او وعده می‌دهد که اقدامات لازمه برای تنبیه آنها بنماید.

بختیاریها درخواست استخلاص باقرخان را می‌کنند به شرط آنکه مجدداً به شوشتر مراجعت ننماید و نیز خواهش می‌کنند که بگذارند خانواده کلانتر به شوشتر مراجعت کنند. شیخ این کار را قبول کرده و در عوض بختیاریها قرار داده‌اند که به طرفداران شیخ که در این مدت برضد بختیاریها اقدام نموده‌اند، صدمه نزنند ولی این قرار راجع به خطاهای آتیه آنها نخواهد بود.

پس از ورود سردار جنگک به آب‌بید، او و مرتضی‌قلی‌خان و امیر مجاهد، در ویس شیخ را ملاقات خواهند نمود و در باب کلیه مسائل آنجا مذاکره خواهند نمود و امور متنازع‌فیه را تصفیه نموده و قرارداد را به امضاء خواهند رسانید.

از بابت املاک عقیلی که بدان اشاره شد، پس از اجلاس فوق‌الذکر، نظر به اینکه در مسأله عقیلی، بعضی از چادرها و اسباب خوانین از میان رفته است، شیخ مبلغ سه هزار تومان به خوانینی که اسبابشان از میان رفته، خواهد داد. شیخ قبول تأدیة غرامتی ننمود و لذا کار به اصلاح گذشت. این ترتیبات از هر جهت رضایت‌بخش می‌باشد و وسیله خاتمه‌دادن به کدورتی است که از مدتی به این طرف، بین این دو ایل بوده است.

در جایی که اراضی و اهالی دو ایل و دو طایفه، آنقدر بهم متصل و مربوط است، ممکن نیست امور متنازع‌فیه را طوری فیصل داد که دیگر به هیچ‌وجه بعد از این، گفتگویی پیدا نشود و هرگاه طرفین متعاهدتین پای‌بند به قراردادهای خود نباشند، احتمال وقوع گفتگو در آتیه می‌رود. لیکن چنانچه معلوم می‌شود، طرفین مایل به صلح می‌باشند و از هر جهت امیدوارم که تصفیه امور این دفعه طوری باشد که دیگر تا مدتی مدید مشاجره بین آنها واقع نشود.

یکی از شرایطی که شیخ مقرر داشته این است که قرارداد، پس از امضاء باید در قنسولگری انگلیس ثبت شود.

حاجی رئیس امروز برای اهواز حرکت کرد که [با] امیر مجاهد مذاکره نماید و یحتمل به رام‌هرمز هم خواهد رفت.

(امضاء) ماژور هاورت

نمره - ۴۷۵

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۷ نوامبر ۱۹۱۲ [۵ آذر ۱۲۹۱: ۱۷ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

آقا

افتخار دارم خلاصه وقایع چهار هفته اخیر ایران را به طریق معمول ماهیانه لفا
ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوفی نمره ۴۷۵

خلاصه وقایع چهار هفته ایران لغایت ۲۷ نوامبر

طهران

کابینه و سعدالدوله - سعدالدوله روز ۹ نوامبر وارد طهران شد ولی چون تاکنون
نتوانسته است کابینه تشکیل دهد، کابینه صمصام‌السلطنه هنوز مشغول رتق و فتق
امورات مملکتی است.سالارالدوله - قشونی که به جنگ سالارالدوله در آخر ماه فرستاده شد، اقدام مهمی
برای تعاقب او رو به شمال ننمود. به قرار اخبار اخیر، شاهزاده مذکور با همراهان
قلیل خود در ناحیه استراباد دیده شده است و مشغول است با دولت ایران اصلاح
نماید.محبوسین پلتیکی [= پلتیکی] - محبوسین پلتیکی که در خلاصه آخری ذکر کردم
در محبس باغ‌شاه هستند، مستخلص شده‌اند.انتخابات مجلس - کمیته جزوی که برای تدوین قانون جدید انتخابات تشکیل
گردیده بود، هنوز جلسات دارد و هنوز پیشنهادات قطعی ننموده است.

رشت و قزوین

در عرض ماه گذشته در قشون روس ساخلو قزوین و رشت، بعضی تغییرات داده
شده است. از عده عساکر رشت ۳۰۰ نفر کم شده و ۲۰۰ نفر به قشون قزوین اضافه
شده است و ۱۰۰ نفر هم به قشون طالش افزوده شده است.منصورالملک یکی از عمال شاه مخلوع، که از مدتی به این طرف در تبریز اقامت
داشت، الحال در رشت سکونت اختیار نموده است.

مشهد

اکثر راههای خراسان برای ایاب و ذهاب مسدود است.
مسیو للو وکیل خزانه‌داری کل ۲۰۰ نفر ژاندارم برای همراهی نمودن در وصول
مالیات تشکیل داده است.

اصفهان

شهر اصفهان و توابع آن ظاهراً از سابق بدتر است. در شهر، شب و روز شلیک
تفنگ می‌شود و سرقت هم زیاد به وقوع می‌رسد.

به لیوتنان بولاك متعلق به دسته سوار هندی و دسته قشون او که از اهواز به اصفهان می‌رفتند، شب ۲۷ و ۲۸ اکتوبر کهکلوئیها [= کهگیلویه‌ای‌ها] و بختیاریه‌ها زده و اموالشان را بردند. خود لیوتنان بولاك و ملازم هندی او و دو نفر از قاطرداران، مجروح شدند. ملازم هندی او از زخمهای خود مرد، لیکن باقی آن هیأت بدون آنکه حادثه دیگری رخ دهد، روز ۷ نوامبر وارد اصفهان گردیدند.

حکومت مرکزی تصمیم نموده‌اند که سردار اشجع را به‌جای حکمران حالیه بفرستند.

یزد

سردار فاتح حکمران جدید، روز ۷ نوامبر وارد یزد شد.

نایب‌حسین و ماشاءالله پسر او، که وقتی تهدید می‌نمودند در اردکان با سردار فاتح مخالفت خواهند نمود، همینکه سردار فاتح نزدیک شد، یزد را تخلیه نموده و به کاشان مراجعت نمودند. تجار و سایر مردم که زمانی که نایب‌حسین شهر را اشغال نموده بود، به قنصل‌خانه پناهنده شده بودند، به مدت کمی پس از حرکت نایب‌حسین، از آنجا خارج شدند.

شیراز

راه عمده از شیراز به بوشهر در مدت چهار هفته اخیر برای دستجات مسافری که با مستحفظین زیاد حرکت می‌کردند، امن بود. دسته اروپاییها و اجزاء دسته سواره هند مرکزی که مریض بودند و در ۲۴ اکتوبر از شیراز حرکت نمودند، بدون آنکه حادثه‌ای رخ دهد، به بوشهر وارد شدند.

یک اسکادران سواره هند مرکزی که روز ۵ اکتوبر [۱۲ مهر؛ ۲۳ شوال] حرکت کردند، روز ۲۲ به شیراز وارد شدند.

کرمان

عده کثیری از اهالی شهر بابک، که شهر عمده سیرجان است، تازگی برضد امیر امجد نایب‌الحکومه آنجا قیام نمودند و از غیاب موقتی او استفاده نموده، دروازه‌ها را به روی او بسته و از شناختن وی به ایالت امتناع ورزیدند.

ایالت کرمان همینکه این خبر را شنید، قشونی به سرکردگی سردار نصرت به‌معاونت امیر امجد، به سیرجان فرستاد.

به قرار راپورت‌های اخیر، بین سیرجانیها و عساکر دولتی جنگ به وقوع رسیده، لیکن جزئیات جنگ مذکور به دست نمی‌باشد.

کرمانشاه

اگرچه سالارالدوله از ناحیه کرمانشاه خارج شده و دور خود کسی را ندارد، در حدود کرمانشاه ناامنی برقرار است.

خود شهر آرام است لیکن مردم از آتیه اطمینان ندارند چرا که در صورتی که حکمران قشون مکفی نداشته باشد، نمی‌تواند در حدود شهر امنیت برقرار دارد.

قنصل اعلیحضرتی راپورت می‌دهد که پولی که برای قراولان راه گرفته می‌شود، بسیار زیاد است و به تجارت که بسیاری از آن راجع به انگلیسی‌ها است، از آن بابت

خسارت وارد آمده است.

نمره - ۴۷۶

مکتوب مر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۷ نوامبر ۱۹۱۲ [۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۷ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

آقا

با کمال تأسف، راپورت می‌دهم که اوضاع شیراز ظاهراً بدتر شده است و از روی دلیل باید بیم داشت از آنکه اغتشاشات سابق در بهار آتیه مجدداً عود نماید و شاید بدتر شود.

چنانچه [= چنانکه] بموجب تلگراف امروز خود جناب‌عالی را اطلاع دادم، صاحب‌منصب فرمانده ژاندارمری شیراز راپورت داده است که چون ایالت به ایفای مواعید خود در باب بنای قلاع در راه بین زرقان و شیراز موفق نشده است، او مجبور شده است ژاندارمهایی را که در زرقان قرار داده بود، عودت دهد.

من به هیچ وجه از این اقدام به قهقرا تعجبی ندارم چونکه پس از ورود مخبرالسلطنه به شیراز، همینکه برای فرستادن ژاندارمری بدان نقطه اقدام شد، من پیشگویی نمودم که این کار زود و بی‌موقع است و قوه ژاندارمری در شیراز مکفی نمی‌باشد که این کار را به عهده گیرد.

از قرار معلوم، به واسطه مخالفت ایلیات نیز انجام و اجرای کلیه [امور] ژاندارمری بین شیراز و کازرون صورت نگرفته است و ایالت هم نتوانسته است از محل تفنگچی بدهد. از قرار معلوم، در گرفتن افراد برای ژاندارمری هم به اشکال برخورده‌اند.

به هیچ وجه غیرمحمتم نیست که ژاندارمهای راه جنوب شیراز را نیز عودت بدهند و این مسأله اسباب بدبختی است که قبل از آنکه این قشون قوائی حاصل نماید، دست به کار زدند. اگر ژاندارمهای جنوب شیراز را نیز عودت دهند، البته عودت آنها لزوماً بر اقتدار ایالت و ژاندارمری لطمه خواهد زد و البته باید از این پیشامد متأسف بود.

مخبرالسلطنه همینکه وارد شد، در اصلاح امور مختلفه متضاده ظاهراً موفق گردید و زمانی چنین به نظر می‌آمد که او بتواند اوضاع بهتری بوجود آورد و اگرچه مستر اسمارت شك و شبهه داشت از اینکه اقدامات او آخرالامر نتیجه حقیقی خیلی خوبی داشته باشد، عقیده من بر این است که ایالت با کمال استقامت برای اعاده امنیت و اصلاح امور مساعی بکار برده لیکن از همان ابتدا عدم پول کار را برای او مشکل ساخته است و مساعی او را خنثی نموده و او را مانع از ایفای وعده‌های خود نموده است. رؤسای رقیب ایلات از فقر خزانه او استفاده نموده و بتدریج از دوستی و رفاقت خود کاسته و در کمک و همراهی سست شده‌اند و یحتمل کمک و همراهی که سابق می‌نمودند، به امید پول بوده است.

باید امیدوار بود که همراهی مالی که دولت اعلیحضرتی می‌خواهند بکنند دیر نشود که مخبرالسلطنه بتواند حکومت خود را مستحکم نموده و قشونی تشکیل دهد که در صورتی که تشکیل نشود، برای او به هیچ وجه فایده ندارد که در صدد وصول مالیاتها برآید و مقام خود را محترم نماید.

مخبرالسلطنه برای من پیغام فرستاده که چون پول نمی‌رسد، باید استعفاء نماید.
(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۴۷۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۵ محرم ۱۳۳۱]

حادثه شیراز

در تلگرافات سابق خود، جزئیات اخباری که از منابع انگلیسی از شیراز رسید، راپورت داده شده است. دولت ایران راپورتی را که در این باب، ایالت برایشان فرستاده است برای من فرستاده‌اند. مطالب مهمه آن راپورت تماماً با راپورتی که از منابع انگلیسی رسیده مطابق است، لیکن این مسأله را مکشوف می‌کند که قافله حرکت کرده بوده که ماژور کتلول از وجود آن بکلی بی‌خبر بوده است.

بموجب راپورتی که ایالت داده است، به‌خوبی واضح می‌شود که سارقین از عبور ۱۰۰ نفر سربازان ایرانی و ۳۰ نفر ژاندارم و ۱۰ نفر توپچی با یک نفر صاحب‌منصب سوئدی و چند نفر از صاحب‌منصبان ایرانی مانع نشده و به عساکر انگلیسی حمله نمودند به خیال آنکه قشون مزبور برای حفظ قافله‌ای که آنها قصد حمله آن را داشتند، حرکت کرده است.

مخبرالسلطنه می‌نویسد که سارقین بلاشبه از طایفه بوئراحمدی بودند و ۱۲ نفر از آنها مقتول شدند و تمام قاطرهای محمول به استثنای ۳ رأس آنها مسترد گردیدند. او نیز می‌گوید که جنگ تا ۵ ساعت طول کشید تا آنکه تاریکی شب و خستگی، ژاندارمها و سواران را مجبور نمود دست از جنگ بردارند.

من الحال به شیراز تلگراف می‌کنم و در این باب تحقیقات به عمل خواهم آورد و از بابت عده ژاندارمها و کم و کیف سوارهایی که جنگ کرده‌اند، کسب اطلاع خواهم نمود.

این مسأله واضح است که فقط کسی که مقتول گردید کاپیتان اکفورد بود، اگرچه به قراری که راپورت داده شد چهار نفر ژاندارم و یک نفر تفنگچی مجروح شد.

ایالت در صدد فرستادن قشونی به تعاقب راهزنان مذکور می‌باشد ولی برف گردنه‌ها اسباب اشکال هر قسم اقدامات نظامی خواهد بود و اوامر مؤکده برای حکمران بختیاری بهبهان و سردار جنگ فرستاده شده است که قشون معظمی از بختیاریها تشکیل داده و طایفه بوئراحمدی را به سختی تنبیه نمایند و از دو طرف [به] آنها حمله خواهد شد.

از آن می‌ترسم که از این اقدامات نتایج رضایت‌بخشی به ظهور نرسد.

نمره - ۴۷۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۳ آذر ۱۲۹۱: ۵ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف امروز من:

من از روی زمینه مطالب تلگراف ۱۲ دسامبر شما، روز ۱۳ دسامبر مکتوبی برای دولت ایران نوشتم. امروز جوابی برای من رسیده و کیفیت واقعه را به قرار راپورت ایالت توضیح نموده و وعده می‌دهند که به همین زودیها طریقه‌ای را که دولت ایران برای تنبیه مرتکبین و جبران این حادثه اتخاذ خواهند نمود، به ما ارائه خواهند نمود. در این یادداشت دولت ایران اظهار تأسف فوق‌العاده از وقوع این حادثه فجیعه نموده‌اند و صدراعظم و وزیر جنگ که مخصوصاً برای این کار از من ملاقات نمود، اظهار تأسف فوق‌العاده نمود.

نظر به اوضاع شیراز که از مدت‌زمانی به این طرف دوام داشته و به حملات مکرره کوچکتر بر صاحب‌منصبان انگلیسی و اتباع آن دولت و وقوع حادثه اخیر منجر گردیده است، عقیده قطعی من بر این است که هیچ چیز کفایت نخواهد کرد مگر آنکه مرتکبین طوری تنبیه شوند که عبرت سایرین شود.

دولت ایران خود را حاضر و مصمم تنبیه مرتکبین این قضیه می‌دانند و اوامر مؤکده لازم داده‌اند که مرتکبین مزبور را بطوری سرکوبی دهند که در واقع آنها را معدوم نمایند.

من به دولت ایران اشعار نموده‌ام که نه فقط باید طایفه مذکور تنبیه بشوند، بلکه کدخداهای دهاتی که در آنجا این حادثه رخ داده است، باید تنبیه سخت بشوند چرا که کدخداهای آن دهات البته از حضور این دسته بزرگ سارقین اطلاع داشته‌اند. بواسطه سردی و سختی هوا مجبوریم که دوسه‌ماهی به دولت ایران مهلت بدهیم که بتوانند اقدامات خود را به انجام رسانند. اگر نتوانند اقدامات مذکوره را به انجام برسانند، عقیده قطعی من بر این است که اقدامات برای تهیه قشونی بشود که بدانجا فرستاده و اعاده انتظامات بنماید و در صورت لزوم مرتکبین را در راه شیراز الی بوشهر تنبیه نماید.

نمره - ۴۷۹

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۷ آذر ۱۲۹۱: ۱۹ ذی‌حجه ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف غره و ۱۲ شهر جاری من، افتخار دارم که اینک سواد دو مراسله‌ای را که جنرال قنسول اصفهان نوشته و جزئیات حمله بر لیوتنان بولاک و همراهان او را در راه بین اهواز و اصفهان در ۲۸ اکتوبر و فوت مأمور خدمت

لیوتنان بولاك را در مریضخانه نوشته است لفاً ایفاددارم.
 بنا بر تعلیمات تلگرافی ۱۳ ماه جاری شما، من برای قتل مأمور خدمت لیوتنان بولاك، يك هزار لیرا غرامت مطالبه نموده‌ام.
 در باب اسباب‌هائی که از مسافرین غارت شده، من مسأله را به اطلاع صدراعظم رسانیده‌ام و او وعده داده است که به سردار جنگ که راه بختیاری سپرده به اوست، تلگرافاً [= تلگرافی] دستورالعمل دهد که برای استرداد آنها اقدامات مجدانه نماید. صمصام‌السلطنه بعلاوه اظهار داشت که در صورتی که سردار جنگ در این کار کوتاهی کند، باید مبلغی را که تقاضا شده است بدهد.
 اگر از این کار نتیجه مطلوبه حاصل نشد، من قیمت اموال مزبوره را از دولت ایران مطالبه خواهم نمود.

خیلی خوشوقت خواهم شد اگر به من تعلیم بدهید که آیا باید صورت علیحده برای دولت ایران بفرستم و مبلغی برای جبران مطالبه نمایم - چنانچه در ماه ژانویه گذشته، در مورد حمله بی‌مقدمه بر مستر اسمارت در موقعی که [از] همین راه به رضایت دولت اعلیحضرتی و اطلاع مأمورین محلی سفر می‌کرد، مبلغی مطالبه شد؟
 (امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمره ۴۷۹

مکتوب گریهم، جنرال قنسول، به سر والتر تنلی

اصفهان ۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۷ آبان ۱۲۹۱؛ ۲۸ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

آقا

در تعقیب مراسلات و مکاتبات سابقه، در موضوع حمله‌ای که بر لیوتنان بولاك (۲۷ سنجا بیما) و همراهان او، در موقعی که از اهواز به اصفهان می‌رفتند، روز ۲۸ ماه گذشته، در سردآب به وقوع پیوست، افتخار دارم سواد راپورت مفصلی را که دیروز مستر بولاك به من داد، به انضمام تصدیق نامه‌ای که دکتر مرابل [= مارابل؟] از بابت صحت گلاب‌خان سپاهی (۲۷ سنجا بیما، مأمور خدمت مستر بولاك که در مریضخانه دعای مسیحی تحت معالجه است) به من داده است، لفاً ایفاد دارد. و نیز سواد مراسلاتی را که در این موضوع، با سردار جنگ رد و بدل شده لفاً ایفاد می‌دارم.
 از قراری که فهمیده‌ام، از چند هفته به این طرف، قوافل مال‌التجاره و مسافرین، بدون اینکه کسی در راه به آنها مزاحم شود، ایاب و ذهاب می‌نمودند.
 مسأله‌ای که طبعاً به نظر انسان می‌آید، این است که در صورتی که اموال زیادتری را سارقین می‌توانستند غارت نمایند، چرا باید دسته غیر مهم مستر بولاك را مورد حمله قرار دهند.

غیرمحمتم نمی‌باشد که نقشه این حمله را بعضی از خوانین بختیاری که خواسته‌اند سردار جنگ را بی‌اعتبار کنند، کشیده باشند. من سواد این مراسلات و ملفوفات جوق را برای قنسول اعلیحضرتی مقیم اهواز می‌فرستم.
 (امضاء) گریهم

ملفوف دوم نمره ۴۷۹

راپرت لیوتنان بولاک در خصوص

حمله ۲۸ اکتوبر نزدیک سردآب

قریب سه ساعت و نیم از ظهر گذشته روز ۲۸ اکتوبر، دسته من که مرکب بود از خودم و سپاهی هندی آجودان و یک نفر نوکر ایرانی و دو نفر مکاری عرب، در راه بین شلیل [؟] و دوپلان که قریب سه فرسخ از دوپلان مسافت دارد، می رفتیم. تمام افراد این هیأت، پهلوی هم، از نقطه ای موسوم به سرداب در حرکت بودند. ما، شش رأس قاطر و دو رأس الاغ همراه داشتیم.

از سنگری قریب سیصد ذرع بالای سر ما، از طرف راست، غفلتاً شلیک شد. من به بالا نگاه کرده از بیست الی سی نفر را دیدم. تمام آنها مسلح [بودند] و اتصالاً شلیک می کردند. دو نفر مکاریها هم با تفنگهای مارتین خود شلیک کردند و سعی داشتند قاطرها را برانند. طولی نکشید که یکی از آنها، با مأمور خدمت هندی من، مجروح گردیدند. من بطرف مأمور خدمت که یک طرف راه افتاده بود دویدم و همینکه دیدم کاری نمی توان کرد فریاد کرده به اعراب گفتم دست از شلیک بکشید.

بعد سارقین بطرف ما حمله نموده و لباسهای ما را بدر آورده و مکاری و مأمور خدمت مجروح را در راه انداخته باقی ما را محاصره نموده و ما را به طرف کوهی که از آنجا شلیک کرده بودند رانده و قاطرها و الاغها را با خود بردند. جعبه های غارتی خود را در آنجا باز نکرده و عجله داشتند که ما را به جایی ببرند که دور از نظر باشد و برای آنکه حرکت ما را بطرف بالای کوه تسریع نمایند، نوکر ایرانی مرا زده و ارسیمهای او را از پایش بدر آوردند. ابتدا با من خوش رفتاری نمودند لیکن پس از مدت کمی یکی از سارقین نزد من آمده و با تفنگ خود مرا زد. من هم او را با مشت زده به زمینش انداختم. آن وقت سه چهار نفر مرا احاطه نمودند و من با آنها تا مدتی جنگ کردم و بعد سنگ بزرگی به من زده افتادم. قبل از آنکه بتوانم برخیزم، یکی از آنها با سر تفنگ خود به سر من زده و من قدری گیج شدم و خون از سرم جاری شد. بعد سعی کردم بدوم، پایم به مانعی برخورد افتادم. وقتی که افتاده بودم سارقین سه چهار سنگ بزرگ بر من زدند. بعد مرا تا دو میل برده در وقتی که هوا تاریک بود، تمام آنها پهلوی نهر آبی توقف نمودند. در اینجا سه نفر رعیتی را که سارقین روز قبل در سرداب گرفته بودند دیدم. در آنجا با سارقین مشورت می کردند که با ما چه کنند. بعضی از آنها می گفتند که این شخص فرنگی است و باید او را کشت و تفنگ خود را به من نشانه می نمودند. آخر الامر تمام رفتند و قاطرها و الاغها را برده و ما را به حال خود گذاردند.

هوا بسیار سرد بود. در موقع کشمکش، ارسی و جوراب مرا از پایم بدر آورده بودند و چیزی که برایم باقی مانده بود، یک پیراهن نازک خاکی بسود و یک شلوار سواری خون آلود. یکی از اینها کبریت همراه داشت و ما در تمام شب آتش روشن نموده و

همینکه آفتاب طالع شد، شروع به حرکت نمودیم و تصور می‌کردیم بطرف دوپلان می‌رویم. من شخصاً با نوکرم و مکاری با هم می‌رفتیم. نمی‌دانم بر سه نفر ایرانی دیگر چه واقع شد.

پاهای ما از سنگ و خار مجروح شد و نزدیک بود که بکلی بی‌حال شویم که بعضی از اهل گندمکار ما را دیده و به خانه خود بردند و به ما غذا داده جراحات ما را شستند. دو روز بعد قاطرها از دوپلان رسیدند و مکاری دیگر با مأمور خدمت هندی که قافله دیگر آنها را روز بعد از حمله حرکت داده بود، وارد شدند. هر دو پایشان مجروح شده بود.

من قاصدی از گندمکار برای جنرال قنسول مقیم اصفهان فرستاده و او را از قضیه مطلع ساختم و به علت فرستادن این قاصد، دو روز بعد دسته سواری با قاطرهای سواری برای ما به دوپلان رسید و ما با اینها تا خانه مرتضی‌قلی‌خان که پنج فرسخ مسافت داشت، رفتیم و در آنجا دو روز ماندیم و از ما پذیرایی کامل نمودند.

از این نقطه، مأمور خدمت با دو نفر مکاری، سوار قاطر به اصفهان رفتند و خود من با نوکر ایرانی با درشکه به مقر سردار جنگ رفتیم، یک روز در آنجا ماندیم و با کمال محبت از ما پذیرایی نمودند و من راپورت وقایع را به سردار جنگ دادم. در این نقطه دسته‌ای سوار دیگر، با آذوقه و لباس و دوا از اصفهان رسیدند و اینها را سردار ظفر حسب‌الخواهش^۲ جنرال قنسول فرستاده بود.

ما بعد به طرف اصفهان حرکت کرده و سه روز بعد به آنجا رسیدیم (۷ نوامبر) و نزد مستر گریهم، جنرال قنسول رفتیم.

مأمور خدمت من با دو نفر مکاری، همان روز وارد شده و فوراً به مریضخانه دعای مسیحی رفتند که زخمهایشان را معالجه کنند.

در باب تفنگچیها یا قراولان راه لازم است بگویم که فقط در یک مورد آنها را مشغول قراولی دیدم و در قراولخانه‌ها دور مسافرین و عابریین جمع می‌شوند و انعام مطالبه می‌کنند و اگر داده نشد برای شخص مسافر اشکال فراهم می‌آوردند.

ملفوف سوم نمره ۴۷۹

راپورت دکتر مراپل

گلاب‌خان که حالیه در مریضخانه دعای مسیحی در اصفهان است، از زخم گلوله که به استخوان رانش خورده، بستری است. این گلوله در جلو مفصل، از پهلوی استخوان ران گذشته و از قسمت سفلی مثنیه عبور نموده و از مفصل استخوان ران طرف دیگر بیرون آمده است. زخم او اگرچه سخت است، فعلاً خطرناک نمی‌باشد.

(امضاء) مراپل در مریضخانه اصفهان

(۱) اصل: واقع. - م.

(۲) چنین است در اصل. - م.

ملفوف چهارم نمرة ۴۷۹

مکتوب گریه‌م، جنرال قنسول، به سردار جنگ

۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۷ آبان ۱۲۹۱؛ ۲۸ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

افتخار دارم اینک ترجمه راپورت مورخه ۲۸ اکتبر را که دیروز صبح لیوتنان بولاک برای من نوشته و در خصوص حمله‌ای که در شب ۲۷ و ۲۸ اکتوبر در نزدیکی سرداب به او و قافلش شد شرح داده است، لفاً ایفاد دارم و نیز سواد اظهاراتی را که علی‌اکبر گندمکاری، همان قاصدی که مکتوب لیوتنان بولاک را برای من آورد، در حضور من نمود، لفاً ارسال می‌دارم.

به وصول راپورت فوق‌الذکر، من فوراً مطالب را به سفیر اعلیحضرتی تلگرافاً [=تلگرافی] خبر دادم و جناب سردار ظفر را نیز از این واقعه مستحضر داشتم. دیشب از طرف جناب سفیر برای من جواب رسید که با سردار ظفر مشورت نموده هرگونه اقدامی که برای معاونت لیوتنان بولاک لازم باشد، به موقع اجراء بگذاریم. جناب سردار ظفر امروز صبح مرا اطلاع داد که دیشب در این موضوع به شما نوشته و امروز هم مجدداً به شما خواهد نوشت. جناب معظم صلاح می‌داند که خود من نیز شرحی به شما بنگارم.

این مکتوب را دسته‌ای از سوارهای بختیاری که جناب سردار ظفر امروز صبح به دهکرد می‌فرستند، به شما خواهند داد. من به بزرگتر آنها يك مکتوب و يك کیسه لاک‌کرده محتوی لباس و دوا و سایر ملزوماتی را که لیوتنان بولاک خواسته بود، می‌فرستم و از جنابعالی خواهش می‌کنم که این کیسه و مکتوب را بفرمایید به لیوتنان بولاک برسانند.

لیوتنان بولاک از من خواهش کرده بود پول برایش بفرستم ولی بنابر نصیحت سردار ظفر، در عوض آنکه خودم این کار را بکنم، از جنابعالی خواهش می‌کنم که هرقدر پول لازم داشته باشد به او بدهید و به وصول رسید پول از طرف لیوتنان بولاک، من وجهش را خواهم پرداخت.

این مطلب را نیز عرض می‌کنم که سفیر اعلیحضرتی در تلگراف فوق‌الذکر خود می‌گوید که به خوانین بختیاری اعتماد دارد که اقدامات لازمه برای تنبیه مقصرین و استرداد اموال مسروقه خواهند نمود.

امیدوارم که جنابعالی بزودی ترتیبی خواهید داد تا آنکه من از بابت استرداد اموال مسروقه و تنبیه مرتکبین، به جناب سفیر راپورت بدهم.

اصفهان دوم نوامبر ۱۹۱۲ [۱۰ آبان ۱۲۹۱؛ ۲۱ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

ملفوف پنجم نمرة ۴۷۹

مکتوب سردار جنگ به گریه‌م، قنسول جنرال

مکتوب دوم نوامبر شما واصل گردید. از حادثه‌ای که برای مستر بولاک رخ داده، بسیار متالم شدم. از زمان ورود به خاک بختیاری تاکنون من مشغول تنظیم و تأمین

راه قافله رو بوده و در تمام نقاط به قدر کفایت قراول گذارده ام که اتصالاً همراه قوافل و مسافرین میروند. بدبختانه این حادثه در سردآب نزدیک دوپلان به وقوع پیوست و این نقطه چون امن و محفوظ بود، قراولان به امنیت آن اطمینان نموده و همراه آنها نرفته بودند.

به وصول اخبار، من فوراً عده ای سوار و مبلغی پول با چند رأس قاطر باری فرستادم و مستر بولاک و دستۀ او بر آنها سوار شده و قبل از وصول مکتوب شما آمدند و کسانی که از جانب من در پل دوپلان بودند، از آنها مواظبت و پذیرایی نموده و بعد آنها را نزد مرتضی قلی خان به شلمزار فرستادند و در آنجا مرتضی قلی خان کمال مواظبت را از آنها نموده و خود او آنها را به دهکرد آورد.

چون مستر بولاک میل وافر داشت که هر قدر زودتر به اصفهان برود، من مبلغ کمی برای مصارف آنها دادم و مستر بولاک را با درشکه و همراهان او را با قاطر فرستادم. امیدوارم که بزودی وارد شوند.

مکتوبی هم به سهام السلطنه برادرزاده خود نوشته ام که با عده زیادی به طرف خاک کهکلوئیّه [= کهگیلویه] حرکت کرده و مرتکبین این حمله را تنبیه سخت بنماید. امیدوارم مجدداً ۱ و به همین زودیها تنبیهات لازمه [را] در حق مرتکبین مجری داشته و اسبابهای مستر بولاک را از آنها مسترد خواهد داشت.

شما مطمئن باشید حتی اگر رفتن خود من هم لازم باشد، خواهم رفت و آنها را طوری تنبیه خواهم کرد که بعد از این جرأت ورود به خاک بختیاری را نداشته باشند. دهکرد ۴ نوامبر ۱۹۱۲

ملفوف ششم نمره ۴۷۹

مکتوب گریهم، جنرال قنسول، به سردار جنگ

در باب حمله روز ۲۸ اکتوبر بر مستر بولاک در سردآب، افتخار دارم که وصول مراسله شما را که امروز صبح رسید و در جواب مراسله ۴ نوامبر من نوشته بودید، اطلاع داده و برای کلیه اقداماتی که جناب عالی بموجب مراسله خود برای تنبیه مرتکبین حمله و استرداد اموال مستر بولاک نموده و می نمایید اظهار تشکر بنمایم.

از قراری که لیوتنان بولاک می گوید، از صورت اموال خود را در دهکرد به شما داده است. الحال صورت دیگری را که مستر بولاک، برحسب خواهش ۲ من نوشته، لفاً ایفاد می دارم. در این صورت قیمت تخمینی اسبابهای خود را مبلغ ۱۲۶ لیرا و ۱۶ شیلینگ نوشته که ششصد و هشتاد و چهار تومان و هفت قران و یک عباسی می شود. سیاهه دیگری هم برای اسبابهای مأمور خدمت خود گلاب خان، نوشته است که مبلغ آن پنجاه و یک تومان و هشت قران و نهصد دینار می شود و قیمت اسبابهای میرزا

(۱) اصل: مجدداً. - م.

(۲) اصل: حسب خواهش. - م.

اسمعیل نوکر او، هفتاد و یک تومان و یک هزار و ششصد دینار می شود. خود مستر بولاک مکتوبی به جناب عالی و جناب مرتضی قلی خان نوشته است و از اظهار محبت جنابان عالی اظهار تشکر نموده است. من هم از جناب عالی استدعا می کنم که تشکراتم را قبول فرمایید.

ملفوف هفتم نمره ۴۷۹

مکتوب گریهم، جنرال قنسول، به سر والتر تنلی
اصفهان ۱۱ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۹ آبان ۱۲۹۱؛ یکم ذی حجه ۱۳۳۰]
آقا

در تعقیب مراسلات و مکاتبات سابق، در موضوع حمله به مستر بولاک و دسته او در ۲۸ اکتوبر، اکنون افتخار دارم که سواد تصدیقنامه فوت سپاهی گلاب خان، مأمور خدمت مستر بولاک را که به امضای دکتر مرابل رسیده است، لفاً ایفاد دارم. در صورت اسبابهایی که از قرار مذکور از میرزا محمد اسمعیل نوکر مستر بولاک به سرقت رفته و مبلغی که او نوشته است، ۷۷ تومان و شش هزار و ششصد دینار است و مبلغ ۷۱ تومان و یک هزار و ششصد دینار که در صورت ۹ ماه جاری نوشته شده بود و جوف مکتوب همان تاریخ ارسال شده بود، اشتباه است. اکنون سواد این مراسله را با سواد ملفوفات برای ویس قنسول اعلیحضرتی مقیم اهواز می فرستم.

(امضاء) گریهم

ملفوف هشتم نمره ۴۷۹

سپاهی گلاب خان، مأمور خدمت مستر بولاک، روز ۱۱ نوامبر [۱۹ آبان ۱۲۹۱؛ یکم ذی حجه ۱۳۳۰] در مریضخانه دعای مسیحی در اصفهان وفات نمود. علت مرگ او ضعف قلبی بود که پس از ذات الریه و ورم صفاق و با عارض شد و علت مرض او زخم گلوله بود که مثانه او را مجروح ساخته بود و بموقع معالجه نشده بود.

(امضاء) مرابل جراح مریضخانه دعای مسیحی در اصفهان
اصفهان ۱۱ نوامبر ۱۹۱۲

نمره - ۴۸۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
طهران ۲۹ نوامبر ۱۹۱۲ [۷ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۹ ذی حجه ۱۳۳۰]
آقا

افتخار دارم شرح حرکات اخیرۀ عساکر روس را در شمال ایران به قراری که

ویس قنسول اعلیٰحضرتی مقیم رشت راپورت داده، به عرض برسانم.

در دوم ماه نوامبر ۲۰۰ نفر قزاق با هشت واگن و چهار عرابه محتوی مهمات جنگی و آلات و ادوات نظامی از رشت به طرف قزوین حرکت داده شد.

قریب همان وقت، چند شب متوالیاً عده‌ای غیرمعلوم شبانه از قزوین با اتومبیل و ۲۴ عرابه محتوی آلات و ادوات و مهمات جنگی وارد شد.

قریب غره نوامبر، ۶۰ نفر قزاق با ۳ نفر صاحب‌منصب از طالش به رشت مراجعت نمودند و در بزر که تا رشت دو میل مسافت دارد و در امتداد راه پیربازار واقع است، اردو زدند.

در پنجم نوامبر ۱۶۰ نفر قزاق به طرف روسیه رفتند و قزاقهای دیگر، به جای آنها آمدند. از قرار معلوم قزاقهایی که رفتند، با آنهایی که در بزر بود ملحق شده و ۱۵۰ نفر در ۱۱ نوامبر به طرف طالش حرکت کردند. یکصد نفر قزاق دیگر با دو نفر صاحب‌منصب روز ۲۸ نوامبر به طرف طالش رفتند.

در ۱۱ نوامبر ۴۵ نفر پیاده‌نظام روس از قزوین به رشت وارد شد و روز ۲۱ نوامبر به طرف روسیه حرکت کرد. روز ۲۷ نوامبر ۲۰۰ نفر پیاده‌نظام و چند نفر قزاق از روسیه به انزلی وارد شد ولی قنسول روس مقیم رشت، روز ۳ نوامبر مستر ورال را اطلاع داد که آنچه را تاکنون در عده عساکر کم یا زیاد شده، از قشون يك محل به محل دیگر انتقال داده شده است و نیم اسکادران از قزوین هم، مقرر شده است به مرکز قفقاز بروند.

کفیل قنسولگری اعلیٰحضرتی مقیم تبریز، در تاریخ ۲۴ نوامبر راپورت می‌دهد که رژیمانی که به خوی فرستاده شده بود، به‌جای آن ده دسته از رژیمان ۸۱ آپشون (قریب ۷۰۰ نفر) که از آنجا آمده بود، فرستاده شد. یکی از اقدامات اولیه کلنل جدید که فرمانده قشون تبریز است، این بود که دارهای روسی را که در ارك نصب نموده بودند، برداشت.

(امضاء) والتر تنلی
مجدداً عرض می‌کنم که رئیس بانک شاهنشاهی در قزوین، در ۲۷ نوامبر راپورت داد که قزاقهایی که بکلی عودت داده شده بودند، الحال به اضافه ۳۲۵ نفر مراجعت نموده‌اند. به نظر او تازگی عده‌ای صاحب‌منصب روس هم وارد شده‌اند.
جنرال قنسول اعلیٰحضرتی مقیم مشهد، راپورت می‌دهد که عساکر روس که در قره‌سوارو زده بودند، به استراپاد مراجعت کرده‌اند.

نمره - ۴۸۱

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۵ ذی حجه ۱۳۳۰]

آقا

چون راپورتهای عدیده در این تازگی از بابت اوضاع امور کرمانشاه و دور و

حوالی آنجا برای من رسیده که تجارت تقریباً بکلی مقطوع گردیده است، من دیروز بطور سخت در این باب به وزیر امور خارجه اظهاراتی نمودم و اشعار داشتم که راه از بغداد الی کرمانشاه یکی از راههایی است که برای وارد نمودن مالالتجاره انگلیس در ایران مفتوح است و اغتشاشاتی که راپورت داده شده، خسارت بسیار بر تجارت انگلیس وارد کرده است.

علاءالسلطنه در جواب گفت که عدم پول علت تمام این اغتشاشات می‌باشد و خزانه‌داری می‌گوید که نمی‌تواند برای حکمران پول بفرستد و چون پول خیلی لازم دارد و نمی‌رسد، استعفای خود را به دولت علیه تقدیم نموده است.

من در جواب اظهار داشتم که مسیو مرنارد تا اندازه‌ای حق دارد زیاد بر این پول برای فرمانفرما نفرستد، چرا که نمی‌داند این پول را به مصرف صحیح خواهد رسانید یا نه.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۴۸۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۶ آذر ۱۲۹۱؛ ۸ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۵ دسامبر من:

دیشب از طرف دولت ایران مکتوب دیگری برای من رسید و شرح اقداماتی را که حکومت مرکزی و ایالت فارس برای تنبیه مرتکبین حمله‌ای که منجر به قتل کاپیتان اکفورد گردید، نموده‌اند نگاشته بودند. از جمله اقدامات مذکور یکی اعزام قشونی است که مرکز خود را در کازرون قرار داده که حکومت بهبهان و رؤسای بختیاری و حکومت اصفهان هم به آنها کمک خواهند کرد. دولت ایران اظهار امیدواری نموده‌اند که در ظرف یک ماه، مرتکبین حمله به اسمارت و حمله اخیر دستگیر و تنبیه خواهند شد. وزیر امور خارجه که من او را امروز ملاقات خواهم کرد، از من مخصوصاً خواهش نموده است که فوراً شما را از اقداماتی که برای تنبیه سارقین که حالیه ۳۰۰ نفر سوار به تعاقب آنها حرکت کرده است، مستحضر بدارم.

واضح است که برای تنبیه مقصرین اقدامات مجدانه می‌شود لیکن این موسم مقتضی این کار نیست و نمی‌توان انتظار داشت که یک ماه برای انجام این مقصود کافی باشد. از آن می‌ترسم که مبدا مأمورین مختلفه که به آنها امر شده است متفقاً اقدام بنمایند، طوری اقدام نمایند که موفقیت حاصل گردد.

از قرار معلوم، ایالت قصد دارد حتی المقدور برای جبران کوشش نماید و قنصل انگلیس مقیم شیراز تأکید می‌کند که باید به ایالت فرصت داد که نقشه‌های خود را تکمیل نماید.

نظر به کم و کیف واقعه شاید انصاف باشد که به ایالت برای ابراز کفایت او مهلت داده شود. اگر ایالت با قشون معظمی به سرکوبی اشرار موفق گردد، نفوذ

معنوی او مستقر گردیده و انتظامات عموماً اعاده خواهد شد.

نمره - ۴۸۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۶ آذر ۱۲۹۱؛ ۸ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف امروز من:

وزیر امور خارجه همین حالا از منزل من رفت. جناب معظم له صمیمانه اظهار امیدواری نمود که دولت اعلیحضرتی به ایالت مهلت خواهند داد که اقدامات ایالت موفقیت حاصل خواهد نمود.

نمره - ۴۸۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۶ آذر ۱۲۹۱؛ ۸ محرم ۱۳۳۱]

صمصام السلطنه تلگرافاً [= تلگرافی] استعفای خود را به نایب السلطنه تقدیم نموده است. جواب نایب السلطنه هنوز نرسیده است. الحال محتمل به نظر می آید که کابینه مقتدرتری به صدارت علاء السلطنه تشکیل گردد.

نمره - ۴۸۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۶ آذر ۱۲۹۱؛ ۸ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف امروز من:

از وزیر امور خارجه ایران درخواست خواهد شد که به وزارت خارجه آمده و غرامت نقدی قتل کاپیتان اکفورده را به نام دولت ایران بدهد.

نمره - ۴۸۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۸ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۰ محرم ۱۳۳۱]

تلگراف ذیل در ۱۹ دسامبر از قنصل شیراز رسیده است:

دیشب صحبت مفصلی با مخبر السلطنه نمودم و او مرا مجدداً اطمینان داد که هرگونه اقدامات ممکنه برای دستگیری و تنبیه مقصرین شده و می شود.

از قراری که می گوید، او يك نفر آدم درستکاری را با عده قلیلی سوار به اردکان و جاهای دیگر فرستاده است و آن شخص جداً در صدد کشف سارقین و اموال مسروقه می باشد. به علاوه، دریابییگی فوراً به طرف کازرون حرکت خواهد کرد و در آنجا قریب ۶۰۰ نفر از اهل محل، جمع آوری خواهد کرد و در کمارج نیز عده ای بر آنها افزوده

خواهد شد.

این دو قوه دو تکلیف دارند: اولاً راه را برای قوافل محافظت نمایند و مخصوصاً دسته ژاندارمری را که به همین زودیهها با اسلحه و مهمات از بسوشهر مراجعت می‌نمایند. ثانیاً آنکه هر زمانی که ایالت تهیات را مکفی و کامل بداند، اقدامات سخت برعلیه [=علیه] محمدعلی‌خان کشکولی خواهند نمود. ایالت با صولت‌الدوله نیز در این باب مذاکره می‌نماید و از او هم منتظر همراهی می‌باشد.

محتمل نیست که از این اقدامات نتیجه قطعی به ظهور رسد ولی در هر صورت قصد انجام این اقدامات، بطور عموم، خوب است و اگر در آتیه ایالت تهیه تشکیل قشون منظمی ببینند، می‌توان امیدوار شد به اینکه تا اول بهار قوت او به اندازه‌ای خواهد بود که اقدامات قاطعی برضد محمدعلی‌خان و مرتکبین حمله اخیر بنماید. (ایالت محمدعلی‌خان را یکی از مقصرین عمده می‌داند).

ایالت به من اظهار داشت که بودجه مصارف خود را که ۱۵،۰۰۰ لیرا می‌شود، تهیه نموده و به همین زودیهها به من ارائه خواهد داشت ولی گمان نمی‌کنم تا وکیل جدید مالیه از طرف مسیو مرنارد نرسد، پیشرفتی در هیچ قسم مسائل مالیه امکان داشته باشد.

در همان تاریخ، تلگراف دیگری هم از قنسول شیراز رسیده است: در باب کشف سارقین در عرض چند روز اخیر، از منابع مختلفه در این باب برای من اطلاعات رسیده است و تمام مخبرین در این مسأله متفق‌اند که در جزو سارقین عده‌ای هم از طایفه ممسنی بوده‌اند و صورت اسامی اشخاص عمده که در این کار شرکت داشته‌اند، دارم. و از قرار تقریر ایالت، امکان دارد که طایفه بوئراحمدی نیز در این کار شرکت کرده باشند، ولی مسلم است که ممسنیها با آنها همراهی کامل نموده‌اند و به همچنین، قشقائیهها نیز با آنها همدستی داشته‌اند.

من دیشب در این باب با ایالت مذاکره نمودم و عقیده او نیز این است که ممکن و در حقیقت محتمل است که به‌علاوه بوئراحمدیها، در این جماعت عده‌ای از ممسنیها و سایر ایلات بوده‌اند.

در هر صورت، او مایل تنبیه محمدعلی‌خان و دستگیری مرتکبین حمله به اسماارت می‌باشد و این کار را اولین اقدام پروگرام خود قرار داده است. وقتی که این کار تمام شد، اقدام در مورد سایر مقصرین خواهد بود.

به من اطلاعات موثقه رسیده که دو نفر از سارقین مقتول و سه نفر مجروح گردیده‌اند.

نمره - ۴۸۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۰ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۸ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۰ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲۰ نوامبر من:

اکنون با سالارالدوله در باب حقوق ۱۲،۰۰۰ تومان مذاکره در میان است که تمام اموال شخصی او را که ضبط شده مسترد دارند و در کمال بی طرفی مسأله املاکی [را] که در مالکیت آنها گفتگو است تمام کنند و بگذارند شاهزاده در طهران بماند، لیکن فعلاً به حکومت محلی منصوب نشود. سالارالدوله به این شرایط رضا نداده است.

دولت روس تصور می کنند که شرایط مذکوره از روی انصاف مقرر شده و به قنصل روس مقیم استرآباد تعلیم داده شده که به سالارالدوله بگوید اگر شرایط مذکور را قبول ننماید، دولت روس نفوذ خود را بکار خواهد برد که ترکمن هایی که دور او هستند، متفرق شوند.

نمره - ۴۸۸

مکتوب سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۲ دی ۱۲۹۱؛ ۱۳ محرم ۱۳۳۱]

آقا

سفیر ایران روز ۱۹ دسامبر به وزارت خارجه آمده سر ملت را از اقداماتی که دولت ایران در نظر دارند برای تنبیه بوئراحمدیها بنمایند مستحضر داشت.

سر ملت اظهار داشت که در این باب از طرف شما برای من اطلاع رسیده قتل يك نفر از صاحب منصبان انگلیسی را در مملکتی که از بابت اوضاع آن مکرراً اظهارات شده است، طبعاً دولت اعلیحضرتی یکی از مسائل مهمه می دانند.

سفیر ایران اظهار داشت که دولت ایران این مسأله را بخوبی درک می نمایند و مصمم اصلاح آن هستند و استدعا می کرد که برای انجام اقدامات مهلت داده شود.

(امضاء) گری

نمره - ۴۸۹

مکتوب سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۲ دی ۱۲۹۱؛ ۱۳ محرم ۱۳۳۱]

سفیر ایران روز ۱۶ ماه جاری به این وزارتخانه آمده که حسبالتعلیم از طرف دولت متبوعه خود از بابت قتل کاپیتان اکفورده اظهار تأسف بنماید. مستر نارمن که از سفیر ملاقات نمود، از این اظهار تأسف، تشکر نمود.

از سفیر درخواست شد به خانواده کاپیتان اکفورده هم، همین طور اظهار تأسف بنماید و آدرس آن را خواست.

(امضاء) گری

نمره - ۴۹۰

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۴۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۳ دی ۱۲۹۱؛ ۱۴ محرم ۱۳۳۱]

تلگراف ذیل در ۲۳ دسامبر از قنصل شیراز رسیده:

در باب اقدامات نظامی برعلیه [=علیه] سارقین

دریابییگی روز ۲۲ با قریب یکصد نفر سرباز به طرف کازرون حرکت کرده، چنانکه راپورت دادم قشون دیگری در آنجا تشکیل خواهد داد.

نایب‌الایاله امروز صبح مرا اطلاع داد که به موجب اطلاعات اخیر خیال می‌کند که اگرچه اصلاً دست‌سارقین از طایفه بویراحمدیها مرکب بود، به تحریک محمدعلی‌خان، عده‌ای از ممسنیها به آنها ملحق شدند. این مطلب با اطلاعاتی که من از منابع دیگر بدست آورده‌ام مطابقت دارد.

اقداماتی که فعلاً می‌خواهند برعلیه [=علیه] محمدعلی‌خان بنمایند، باید دو مقصود را انجام دهد: اول آنکه اشخاصی را که در حمله به اسمارت دخیل بوده‌اند دستگیر نموده و لااقل بعضی از مقصرین حمله اخیر را تنبیه بنمایند.

نمره - ۴۹۱

طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۳ دی ۱۲۹۱؛ ۱۴ محرم ۱۳۳۱]

مالیه فارس

نایب‌الایاله فارس، از قنصل انگلیس استفسار نموده است که آیا مصارفی را که برای اقدامات نظامی می‌شود نمی‌توان از ۱۵،۰۰۰ لیرائی که دولت اعلیحضرتی مساعد داده‌اند برداشت؟

قنصل در جواب گفته است که این پول را مخصوصاً برای مصارف ایالتی داده‌اند و صحیح نیست به مصارف دیگر برسد و ارائه طریق می‌نماید که به دولت ایران فشار آورده شود که وجوهات لازمه تهیه نمایند که مصارف تهیات نظامی از آن داده شود.

چون خزانه بکلی خالی است، خیلی مشکل است بتوان از حکومت مرکزی برای این مقصود پول بدست آورد و اگر در این باب اظهاری بشود، جواب خواهند داد که می‌توان قسمتی از ۱۵،۰۰۰ لیرا را صرف این کار نمود و هرگاه با این امر موافقت نشود، اسباب تأخیر اجرای اقدامات نظامی فراهم خواهد آمد.

چون اقدام برای تنبیه مرتکبین بسیار مطلوب است، من می‌خواهم ارائه طریق بنمایم که بمجرد آنکه فهمیدیم تخمین مصارف اردوگشی چقدر است، باید مبلغی پول بدهیم اگرچه محتمل است که این پول هم تلف شود.

هرگاه دستورالعملی از طرف شما برسد، اسباب مسرت من خواهد گردید.

نمره - ۴۹۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۲۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۳ دی ۱۲۹۱: ۱۴ محرم ۱۳۳۱]

چنانچه در قسمت اخیر مراسله ۲۹ نوامبر خود ازائۀ طریق نموده‌اید، باید مبلغ دیگری از دولت ایران مطالبه نمایید. لطف نموده راپورت دهید مبلغی که می‌خواهید مطالبه نمایید چقدر است؟

اقدامی که در این مورد نموده‌اید صحیح است و به همچنین، اقدام گریهم جنرال قنسول را نیز تصویب می‌کنم.

نمره - ۴۹۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۴ دی ۱۲۹۱: ۱۵ محرم ۱۳۳۱]

تلگراف ذیل دیروز از تبریز رسیده است:

در مکتوبی که امروز سپهدار برای من فرستاده، او مرا اطلاع می‌دهد که تمام طبقات اهالی تبریز تازگی اجلاساتی نموده و از کابینه حاضر و اقدامات پلتيکی [=پلتيکی] بختیاریها اظهار عدم رضایت نموده‌اند و به علاوه می‌گویند که اهالی حاضرند که اعتنائی به حکومت حاضره ننمایند، لیکن تغییر حکومت را در تحت صدارت سعدالدوله ترجیح می‌دهند. سپهدار در خاتمۀ مراسله مذکور می‌گوید که مراتب فوق با عقیده شخص او موافقت دارد. گمان می‌کنم که مکتوبی شبیه به این هم، برای همکار روسی من رسید.

مسلم است که سپهدار و شجاع‌الدوله بانی و مؤسس هرگونه اجلاسی که منعقد شده است بوده‌اند. در اینها احساسات اهالی طرفدار سعدالدوله نیست مگر عده‌ای از همراهان آنها.

از منبع صحیحی برای من خبر رسیده که تلگرافی از سعدالدوله برای سپهدار رسیده مشعر بر اینکه با یکدیگر متحداً اقدام بنمایند. پس از رسید این تلگراف، در خانه سپهدار اجلاسی منعقد گردید و شجاع‌الدوله و سایر ارتجاعیون و نمایندگان اسمی تمام طبقات، حضور بهم رسانیدند. نتیجه این اجلاس این شد که رأی به تقویت سعدالدوله داده شده و از قراری که فهمیده‌ام، روز ۱۷ دسامبر تلگرافی برای نماینده آذربایجان فرستاده شد. این مسأله واضح است که حضور سعدالدوله را در مملکت، آلت و بهانه برای انتریگهای ارتجاعی قرار می‌دهند.

(۱) اصل: می‌خواهند. - م.

(۲) چنین است در اصل. - م.

نمره - ۴۹۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۴ دی ۱۲۹۱: ۱۵ محرم ۱۳۳۱]

راه آهن محمره الی خرم آباد

اگرچه حالیه مشکل است کسی پیدا شود که با این ابهام و غیر معلومی امور پلتيکی اقدام قطعی بنماید، لیکن فقدان پول ممکن است دولت ایران را مجبور سازد که در هر وقت، امتیاز خط آهن را امضاء بنمایند.

غیرمحمتمل نیست که بتوان دولت را ترغیب نمود که امتیاز را به همین ترتیب حالیه امضاء نمایند. خیلی سوالات و تحقیقات از بابت آن می شود و کسی نیست که جواب بگوید. اگر شخص کافی و لایقی نباشد که در باب جزئیات آن مذاکره کند، به نظر من، به هیچ وجه نمی توان انتظار اختتام مذاکرات را داشت.

با این ترتیبات، گمان می کنم بهترین طریقه این است که از دولت ایران تعهد کتبی گرفته شود که به سندیکا اجازه احداث خط آهن مذکور داده شود و در باب شرایط آن فیما بعد، قرار بدهند.

چون به قرار اظهار دولت ایران، کسی که در این معامله ممکن است متحمل خطر و خسارات مالی شود خودشان خواهند بود، لذا لازم است که قبل از اعطای امتیاز از جزئیات به خوبی مستحضر گردند و از این سبب اعتراض دولت مشارالیه مسموع است.

نمره - ۴۹۵

طهران ۲۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۴ دی ۱۲۹۱: ۱۵ محرم ۱۳۳۱]

دیروز بعد از ظهر در منزل صدراعظم منظره غیرمحترمانه ای جلوه گر شد و خزانه دار به علت عدم پرداخت حقوق عقب افتاده مورد اعتراض تهدیدآمیز بختیاریها واقع شد.

واضح است که صدراعظم و وزیر جنگ از آنچه واقع شد واقف بودند و صدراعظم مسیو مرنارد را با تلفون به منزل خود احضار نمود.

سفارتین اعتراض سخت به صدراعظم نموده اند و او وعده داده است جبران این بی احترامی را بنماید.

وضع و رویه بختیاریها ممکن است موجب اغتشاشات بشود و تا اندازه ای می ترسم از آنکه مبادا مصادمه بین آنها و ژاندارمها واقع شود.

در نظر دارم به خوانین اظهار بنمایم که هر قسم اغتشاشی که از طرف همراهان و بختیاریهای خودسر آنها بشود، موجب سلب حسن نیت دولت اعلیحضرتی از آنها خواهد شد.

نمره - ۴۹۶

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۶ محرم ۱۳۳۱]

آقا

در باب مخابرات تلگرافی که در موضوع حادثه تالم انگیز نزدیک دشت ارجن [= ارژن] رد و بدل شده، افتخار دارم که اینک سواد بعضی مراسلاتی را که در تلگرافات فوق‌الذکر اشاره به آنها شده و من لازم ندانستم تلگرافاً [= تلگرافی] آنها را برای شما مخابره نمایم، ایفاد دارم.

خبر حمله تأسف‌انگیز که منجر به قتل کاپیتان اکفورد شد، روز ۱۱ ماه جاری قریب ساعت هفت بعد از ظهر، در وقتی که من تازه از ملاقات وزیر امور خارجه در روز معمول پذیرایی او مراجعت نموده بودم، به من رسید و فوراً مستر اسمارت را به خانه شخص وزیر امور خارجه فرستادم که او را از این خبر مستحضر بدارد.

وزیر امور خارجه بسیار متأثر گردید و از مستر اسمارت خواهش نمود که از من استدعا نماید که اظهار تأسف او را از بابت واقعه به شما ابلاغ نمایم.

او از اثراتی که ممکن بود از این خبر در لندن حادث شود، مخصوصاً پس از راپورت قتل یکی از مأمورین بلژیکی [= بلژیکی] در سرحد عثمانی و بلغار بسیار مضطرب بود ولی یحتمل امتحان شده و به دوستی ثابت دولت اعلیحضرتی اطمینان کامل داشت که رأی به اقدامی نخواهند داد تا آنکه تمام حقایق مسأله به تحقیق برسد و ملاحظیات کامل در این موضوع بشود.

صبح روز بعد، علاء‌السلطنه شخصاً از من ملاقات نموده و به نام خود و دولت ایران از وقوع این حادثه که منجر به قتل یکی از صاحب‌منصبان انگلیسی شد، اظهار تأسف فوق‌العاده نمود و اظهار داشت که [در] این موقع که دولت ایران می‌توانست امیدوار به آتیۀ مشعشعی برای ایالت فارس شود، وقوع این حادثه بسی اسباب نگرانی است. جناب معظم مرا اطمینان داد که از هرگونه اقدامی برای کشف و تنبیه مرتکبین این حمله جدید مضایقه و کوتاهی نخواهد شد و مجدداً صمیمانه اظهار امیدواری نمود که دولت اعلیحضرتی یک مرتبه دیگر صبر و تحمل را از دست ندهند و به دولت ایران مهلت دهند که هرگونه اقداماتی را که برای سرکوبی آنها مقتضی می‌دانند، به‌انجام رسانند.

من برای اظهار تأسفی که از طرف دولت ایران نمود، از وزیر امور خارجه تشکر نمودم و گفتم که مطالب او را به شما ابلاغ خواهم نمود که به دولت ایران مهلت داده شود که اقدامات خود را برای سرکوبی اشرار به موقع اجراء گذارند و به جناب معظم اشعار نمودم که این قضیه آنقدر مهم است که برای من امکان ندارد پیشگویی نمایم که دولت اعلیحضرتی چه اقدامی را در این مورد لازم خواهند دانست و جناب

معظم را متذکر نمودم که این قضیه جدید یکی از حوادث متعددهای است که دولت ایران از وقوع بعضی از آنها بیاطلاعند و وقوع این حوادث معلوم می‌کند که مأمورین محلی فارس نمی‌توانند جان و مال اتباع خارجه را حفظ نمایند.

من بعلاوه اظهار داشتم بر من حتم است اگرچه دولت اعلیحضرتی بی‌میل به اقدام مجدانه در محل باشند، لیکن برای استقرار رویه دوستانه تاریخی بین خود و دولت ایران به هیچ وجه کوتاهی نخواهد شد و سپس مکتوبی را که سواد آن در جوف است، برای دولت ایران نوشته و در باب قضیه مذکور راپورت دادم.

بمجرد وصول تلگراف ۱۲ شهر جاری شما، من مکتوب دیگری (که سواد آن در جوف است) برای دولت ایران نوشتم و دیروز علاءالسلطنه جواب آن را برای من فرستاد (ترجمه آن در جوف است). در این مراسله خلاصه تلگرافاتی که در این باب از طرف ایالت مخایره شده، مندرج است و سواد آن در جوف است و نیز مرقوم است که دولت ایران مکتوب دیگری برای من خواهند فرستاد و کیفیت جبرانی را که دولت مشارالیهها حاضرند بنمایند، شرح خواهند داد.

يك نظر در راپورتی که مخبرالسلطنه داده است، بر ما معلوم می‌دارد که راپورتهای او چندان تفاوتی با راپورتهایی که قنصل اعلیحضرتی مقیم شیراز داده است (و من آنها را مفتخراً به وسیله تلگراف به استحضار جناب عالی رسانیدم) ندارد.

از راپورتهای ایالت هنوز درست معلوم نمی‌شود که آیا قافله‌ای هم در آن وقت حرکت کرده بوده یا نه و شاید مقصود از لفظ کاروان، قافله بوده است که اسباب و لوازم دسته‌ای را که برای شکار حرکت کرده بودند حمل نموده است.

در راپورتهای مخبرالسلطنه اسمی از قافله کوچکی برده شده، مثل آنکه این قافله وقتی همراه سربازان و ژاندارمهای ایرانی که مربوط به دسته عساکر انگلیسی نبوده‌اند بوده و در موقعی دیگر، با عساکر انگلیسی مخلوط شده‌اند.

ماژور کتلول راپورت می‌دهد که در آن وقت او به هیچ وجه خبر نداشت که قافله‌ای در راه بود و حال آنکه از تلگراف ۱۴ ماه جاری ماژور اکونر معلوم می‌شود که قافله‌ای در آن نقطه بوده است، اگرچه راپورت راجع به عده آنها مختلف است.

در هر صورت، این مسأله به‌خوبی واضح است که دسته عساکر انگلیسی، حفاظت قافله مذکور را نموده است. [ظاهراً اینها] همان قشون زیاد ایرانی بوده‌اند که از قرار معلوم، به مسافت کمی در جلو دسته عساکر انگلیس حرکت کرده بودند.

از قرار معلوم، سارقین بدون مزاحمت این قافله را گذارده‌اند عبور کنند و به مجرد آنکه قاطرهای دسته عساکر انگلیسی پدیدار گردیده‌اند، به آنها حمله نموده‌اند.

از راپورت ماژور اکونر درست معلوم نمی‌شود که در موقعی که به واسطه شلیک اول سارقین، کاپیتان اکفورد مقتول گردید، چه واقع شد، اگرچه در این باب شرحی

(۱) اصل: موقعی که. - م.

(۲) اصل: مشغول حفاظت. - م.

در راپورت ایالت مسطور است و عدۀ تلفات ژاندارمها که در آن راپورت مذکور است، صحیح نیست.

به قرار اطلاعات اخیر، از ژاندارمها کسی مقتول نگردید، لیکن چهار نفر از آنها مجروح شدند. شاید ژاندارمها که به مسافت کمی با یکصد نفر سربازان ایرانی جلو دستۀ عساکر انگلیسی بودند، همینکه صدای شلیک را شنیدند، برای کمک عساکر انگلیسی مراجعت نمودند زیرا که مخبرالسلطنه اظهار می‌دارد که این جنگ تا پنج ساعت طول کشید و شب به اختتام رسید و تمام قاطرهایی که سارقین برده بودند به استثنای سه رأس، مسترد گردید و دو نفر از بویراحمدیها مقتول گردیدند.

برای کلنل ژاندارمری نیز از صاحب‌منصب فرمانده شیراز اطلاع رسیده که ژاندارمها نیز در این جنگ شرکت نمودند و راپورت می‌دهد که سربازان ایرانی همینکه صدای شلیک را شنیدند فوراً فرار نمودند. سواد دو مراسله که از کلنل یالمارسن رسیده و خلاصۀ تلگرافات ماژور سیفورت را که از شیراز مخایره نموده در آن نوشته است، در جوف است.

چنانچه ملاحظه خواهید فرمود، ایالت بطور قطع می‌گوید که سارقین از طایفۀ بویراحمدی می‌باشند و او اردوئی به تعاقب آنها فرستاده است و نیز ارائه طریق می‌نماید که به حکمران بهبهان و رؤسای بختیاری و سردار جنگ و مرتضی قلی‌خان که فعلاً در مال میر هستند، اوامر فرستاده شده که برعلیه [= علیه] ایل مذکور اقدام بنمایند و دولت ایران اعتماد دارند که نتیجه اقداماتی که برای سرکوبی آنها می‌شود، در واقع اعدام طایفۀ بوئراحمدی که دائماً منشأ اغتشاش در راههای تجارتي اصفهان و یزد و کازرون بوده‌اند، خواهد بود.

من برای این اقدامات مجدانه که خواهد شد اظهار تشکر نمودم، لکن اشعار داشتم که در این موسم سال، اعمال و اجرای اقدامات مذکوره بی‌اندازه مشکل است و به عقیدۀ من نه فقط مقصرین واقعی باید تنبیه شوند بلکه کدخداهای دهات در راه نیز، باید مجازات شوند چرا که حتماً آنها از حضور این عده راهزنان در حوالی دهات خود بااطلاع بوده‌اند و به مأمورین محلی خبر نرسانیده‌اند و لذا تقصیر دارند.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمره ۴۹۶

مکتوب سر والتر تنلی به علاءالسلطنه

طهران ۱۲ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۰ آذر ۱۲۹۱؛ ۲ محرم ۱۳۳۱]

حضرت اشرفا

با کمال تأسف توسط حضرتعالی به دولت ایران اطلاع می‌دهم که از قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز تلگرافی برای من رسیده، مشعر بر اینکه دستهای مرکب از ۲۶ نفر سوار متعلق به سواره هند مرکزی که همراه ماژور کتلول و کاپیتان اکفورد حرکت کرده بودند و برای شکار به طرف دشت ارجن [= ارژن] می‌رفتند، روز ۱۱

ماه جاری بین خان‌زنیان و دشت ارجن، دسته بزرگی از ایلیاتیها تخمیناً ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر به آنها حمله نمودند. بدبختانه کاپیتان اکفورد مقتول گردید و یکی از سوارها کمی مجروح شد و نه رأس قاطر محمول بنه رژیمان مذکور به غارت رفت. این هیأت به تصویب ایالت حرکت کرده بودند و در حدودی بودند که تحت حفاظت ژاندارمری است.

فعلاً معلوم نیست که سارقین متعلق به کدام يك از طوایف بوده‌اند و راپورت دیگری راجع به این قضیه مؤلمه برای من نرسیده است. من مراتب فوق را به اطلاع دولت اعلیحضرتی رسانیده‌ام و جلب توجه جدی حضرت‌عالی را به وقوع این حادثه جدید در راه مهم تجارتنی جنوب و به اینکه هیأت مزبور با اطلاع و تصویب ایالت، برای شکار حرکت کرده بودند می‌نمایم. تا زمانی که تعلیمات از طرف دولت اعلیحضرتی نرسیده، تأکید می‌نمایم که باید فوراً عده‌ای را برای کشف مقصرین فرستاد و مرتکبین این حمله متهورانه بر مسافرین بی‌تقصیر انگلیسی را تنبیه نمود. من اطمینان دارم که حضرت‌عالی اهمیت این قضیه بسیار مهم را بخوبی درک فرموده اقدامات فوری برای جبران کامل و مناسب، به موقع اجراء خواهید گذارد.

ملفوف دوم نمره ۴۹۶

مکتوب سر والتر تنلی به علاءالسلطنه

طهران ۱۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۱ آذر ۱۲۹۱: ۳ محرم ۱۳۳۱]

حضرت اشرفا

در تعقیب مکتوبی که دیروز در موضوع قضیه مؤلمه دشت ارژن که منجر به قتل کاپیتان اکفورد گردید، به حضرت‌عالی نوشتم، الحال دولت علیه را برطبق تعلیماتی که از وزارت امور خارجه برای من رسیده، مستحضر می‌دارم که وصول اخبار این حادثه فجیعه بسیار اسباب تألم و تأثر دولت اعلیحضرتی گردید. برای دولت مشارالیه‌ها ممکن نیست از پیشامد قتل یکی از صاحب‌منصبان انگلیسی با این اوضاعی که راپورت داده شده، صرف‌نظر نماید.

من باید اظهار بدارم که از دولت علیه استدعا می‌شود که بدون فوت وقت ما را از کیفیت جبرانی که حاضرند بنمایند مستحضر بدارند و نیز باید بعلاوه بگویم که یکی از شرایط جبران، باید تنبیه سخت مقصرین باشد.

ملفوف سوم نمره ۴۹۶

تلگراف مخبرالسلطنه مورخه ۲۲ قوس ۱۳۳۱ [۲۲ آذر ۱۲۹۱: ۴ محرم ۱۳۳۱]؛

۱۴ دسامبر ۱۹۱۲]

روز ۲۷ ماه ذی‌حجه، قنسولگری اعلیحضرتی مرا اطلاع داد که دو نفر از

صاحب‌منصبان انگلیس، عن‌قربیب به اتفاق بیست نفر سوار برای شکار به طرف دشت ارجن [= ارژن] حرکت خواهند نمود و از من درخواست نمودند که اقدامات لازمه برای تسهیل حرکت آنها بنمایم.

چون دیدم راهها از دو ماه به این طرف امن بود و قوافل هر روزه ایاب و ذهاب می‌نمودند، حرکت آنها اسباب تعجب من نشد و دلیلی نداشتم که از حرکت آنها مانع شوم و تعلیمات لازمه به سواران و ژاندارمها که وظیفه آنها حفاظت خط‌سیر آنها بود، دادم و بعلاوه، دو نفر از سواران صدوند را با یک نفر صاحب‌منصب ایرانی همراه صاحب‌منصبان انگلیسی مذکور فرستادم.

این صاحب‌منصبان روز دوشنبه حرکت کردند در صورتی‌که روز شنبه قبل، یکصد نفر از رژیمان‌ملایر و منتصرالممالک و محمدعلی‌خان و صاحب‌منصب توپخانه و دو نفر صاحب‌منصب دیگر، با ده نفر توپچی و کاپیتان نیستم با ۳۰ نفر ژاندارم به طرف کازرون حرکت کرده بودند. کاپیتان نیستم با حکمران کازرون در جلو قافله کوچکی حرکت کردند لیکن سربازان و توپچیها اتفاقاً عقب آن قافله بودند.

روز چهارشنبه، سربازان جلو رفتند و در راه به کسی برخوردند. قافله به عقب آنها می‌رفت. بین خان‌زنیان و دشت ارجن [= ارژن] دسته قراول سواره دولتی قریب نیم کیلومتر جلو قافله بودند. قافله و سواران هندی و یک نفر از صاحب‌منصبان انگلیسی عقب پیش‌قراول بودند. ژاندارمها هم کسی را ندیدند. یکی از صاحب‌منصبان انگلیسی با یک نفر از سواران هندی و ۳ نفر از ژاندارمها و یک نفر سوار بین پیش‌قراول و قافله بودند و اینها به سارقین برخوردند و سارقین بنای شلیک گذاردند. صاحب‌منصب انگلیسی و ۳ نفر ژاندارم مقتول گردیدند و یکی از سواران مجروح گردید. سپس سوارها و ژاندارمها به عقب آمده‌اند که عقب بودند، به جلو آمدند. جنگ به وقوع رسید و پنج ساعت طول کشید.

از قرار مذکور، عده سارقین که از طایفه بوئراحمدی بودند، متجاوز از ۲۰۰ نفر بود و عده آنها قریب ۳۰۰ نفر پیاده و سواره بود.

به صاحب‌منصب انگلیسی که در عقب بود، و به سوارها صدمه وارد نیامد؛ قافله هم مستخلص شد. از بوئراحمدیها ۱۲ نفر مقتول گردید. چند رأس از قاطرها را با بار مال‌التجاره گرفتند. ژاندارمها و سواران این اموال را از آنها پس‌گرفتند. رویهم رفته ۳ بار مال‌التجاره به دست سارقین افتاد.

همینکه شب شد، ژاندارمها و سواران دریافتند که بیش از این مداومت در جنگ امکان نخواهد داشت. قنصلگری دولت اعلیحضرتی و کلنل هم این تفصیل را تصدیق می‌کنند.

صاحب‌منصب مقتول ته‌ور بخرج داده، همراهان خود را ول کرده و به جلو رفته است. اگرچه او را هم نباید زیاد ملامت کرد چرا که هیچ دلیلی برای تصور عدم

[امنیت] راه در دست نداشته است. این قضیه بسیار موجب تأسف است لیکن این حوادث چیزهایی است که پیشگویی وقوع آنها غیرممکن است و مثل طوفان ناگهانی به ظهور می‌رسند.

آیا من بیش از این چه می‌توانستم بکنم؟ آیا در این خاک [که] پر از راهزنان و سارقین است. با چه وسایل دیگر می‌توانستم اقدام بنمایم؟ آنچه در قوه داشتم به انجام رسانیدم، لیکن راهزنی این ایلات مشهور است و یکی از آنها، راه از آباده الی سرحد را اشغال نموده و در آنجا مشغول شرارت است. دیگری راه بوشهر را مسدود می‌نماید. من مشغول تهیه قشونی هستم. مرحمت نموده تلگرافاً [= تلگرافی] حکمران بهمیهان را تعلیم دهید که ۲۰۰ نفری را که برای حمله به ایازکیخا حاضر دارد، برای سرکوبی بوئراحمدها بفرستد. طایفه بوئراحمدهی در واقع متعلق به ناحیه‌یی است که تحت حکومت حکمران بهمیهان می‌باشد. من شب و روز هم خود را مصروف تنظیم این ایالت و تشکیل قوه مسلحی می‌دارم و به انصاف و عدالت شما اعتماد دارم که حق مرا اداء نمایید.

البته وقوع این حادثه مخصوصاً برای من بسی تأسفانگیز است، لیکن هرکسی که انصاف داشته باشد ملاحظه خواهد نمود که این حادثه‌یی بود که پیشگویی در باب وقوع آن امکان نداشت. با اوضاع حالیه مملکت، وقوع این قسم حوادث امکان دارد. خیلی اسباب بدبختی است که سارقین در همان وقتی که صاحب‌منصب انگلیسی و ژاندارمها در حال عبور بودند، شلیک کردند. من از صمیم قلب امیدوارم و انتظار دارم که در ظرف مدت قلیلی بتوانم مرتکبین این حمله و حمله بر مستر اسمارت را تنبیه نمایم. چنانچه به ماژور اکونر اظهار داشتیم، این اولدفعه نیست که این آقایان به حدود شیراز آمده‌اند. یک دفعه به تخت جمشید آمدند و وقتی به عنوان خرید پوست گوسفند به بند امیر آمدند و حرکت آنها برای شکار، دفعه سوم بود.

ملفوف چهارم نمره ۴۹۶

ترجمه مکتوب علاءالسلطنه به سر والتر تنلی

۱۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۲ آذر ۱۲۹۱: ۴ محرم ۱۳۳۱]

جناب اجل

دو فقره مراسلات ۱۲ و ۱۳ شهر جاری جناب‌عالی در موضوع قضیه مؤلمه کاپیتان اکفورد که اسباب تأثر فوق‌العاده دولت ایران گردیده است، واصل شد. محترماً جناب‌عالی را از تفصیل قضیه که به من راپورت داده شده است، مستحضر می‌دارد: نظر به امنیتی که از دو ماه به این طرف در این حدود برقرار بوده و قوافل محمول مال‌التجاره در کمال امنیت ایاب و ذهاب می‌نمودند، صاحب‌منصبان خواستند با اطمینان کامل برای شکار حرکت کنند. در وقتی که ۱۰۰ نفر سرباز و دو نفر صاحب‌منصب و ۱۰ نفر توپچی با توپ، به اتفاق کاپیتان نیسترم ۱ و ۳۰ نفر ژاندارم به

کازرون اعزام شدند.

سربازان و توپچیان فوق‌الذکر با قافلهٔ محمول مال‌التجاره در راه می‌رفتند [که] بین خان‌زنیان و دشت‌ارجن [= ارژن]، کاپیتان اکفورد به اتفاق یکی از سواران هندی و سه نفر ژاندارم و یک تفنگچی، از این دسته جدا شده و به طرف قافلهٔ مال‌التجاره به جلو می‌روند. غفلتاً و بدبختانه مقصرین بنای حمله و شلیک به آنها می‌گذارند. سپس سربازان از عقب و ژاندارمها از جلو به محل وقوع جنگ آمده و شروع به جنگ با سارقین می‌نمایند و از سارقین ۱۲ نفر مقتول می‌شود. قافله را به استثنای چند باری که سارقین می‌برند، عساکر مذکور حرکت می‌دهند.

دولت ایران اهمیت فوق‌العاده به این قضیه می‌دهند و حاضرند که تلافی کامل بنمایند و تفصیل آن را هر قدر زودتر که امکان دارد برای جناب عالی خواهم نوشت. (امضاء) محمدعلی علاء‌السلطنه

ملفوف پنجم نمره ۴۹۶

مکتوب کلنل یالمارسن به سر والتر تنلی

طهران ۱۲ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۰ آذر ۱۲۹۱؛ ۲ محرم ۱۳۳۱]

جناب سفیر انگلیس

افتخار دارم ترجمهٔ دو تلگرافی را که از شیراز برای من رسیده برای جناب عالی ایفاد دارم. این دو تلگراف دیروز که ۱۱ دسامبر بود، یکی ساعت دو بعد از ظهر و دیگری ساعت سه بعد از ظهر، از شیراز مخابره شده بود. بدبختانه مضامین این دو تلگراف در باب اعمال رضایت‌بخش ژاندارمری با یکدیگر وفق نداشت. می‌خواهم برای این مصیبت اظهار تأسف فوق‌العاده به شما بنمایم. (امضاء) یالمارسن رئیس تعلیمات ژاندارمری دولتی

ملفوف ششم نمره ۴۹۶

ترجمهٔ مکتوب ماژور سیفورت به کلنل یالمارسن

شیراز ۱۱ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۹ آذر ۱۲۹۱؛ یکم محرم ۱۳۳۱]

قافله‌ای که تازه وارد شده است، راپورت می‌دهد که ژاندارمری مستحفظ بین کازرون و شیراز، وظایف خود را بر وفق دلخواه به انجام می‌رساند. تفنگچیها هم راهداری نمی‌گیرند و با ژاندارمها متفقاً عمل می‌کنند. ایالت اقدامات صحیحه نموده و از روی عقل و احتیاط عمل می‌کنند. گاه‌گاهی سارقین دستگیر می‌شوند و جنگ مختصری هم به وقوع پیوسته چند نفر از آنها مقتول گردیده‌اند. لیکن ما باید منتظر حملات و اغتشاشات مهمه باشیم.

ماژور براندل سرکشی و تحقیقات خوب از بابت راه نموده و راپورت بسیار مفیدی

با نقشه فرستاده است. سفر اول او بسیار سخت و مشکل بود و اردوگشی نیستم دلوندرگت (برای حفاظت ایالت از ایزدخواست به شیراز) پر از اشکالات بود و با بعضی از رؤسای دهات جنگ نمودند. راپورت مفصل با نقشه آن راه به من رسیده است.

(امضاء) سیفورت

سواد مطابق با اصل است.

(امضاء) یالمارسن رئیس تعلیمات ژاندارمری دولتی

ملفوف هفتم نمرة ۴۹۶

ترجمه مکتوب ماژور سیفورت به کلنل یالمارسن

شیراز ۱۱ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۹ آذر ۱۲۹۱؛ یکم محرم ۱۳۳۱]

دسته سواره مرکب از ماژور کتلول و کاپیتان اکفورد، ۲۴ نفر سوار هندی را، چندین صد نفر سارقین بین خانزنیان و دشت ارجن [= ارژن] حمله نموده‌اند. اکفورد مقتول و یک نفر هندی مجروح و دو نفر ژاندارم مقتول و یک نفر تفنگچی مجروح گردیده است. قافله مرکب از سی رأس قاطر نیز به غارت رفته است.

(امضاء) سیفورت

سواد مطابق با اصل است.

(امضاء) یالمارسن رئیس تعلیمات ژاندارمری دولتی

ملفوف هشتم نمرة ۴۹۶

ترجمه مکتوب کلنل یالمارسن به سر والتر تنلی

طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۵ محرم ۱۳۳۱]

جناب اجل سفیر انگلیس

در باب مراسله ۱۲ ماه جاری من، افتخار دارم اینک خلاصه مراسله ماژور سیفورت را در باب حمله در حدود شیراز، لفاً ایفاد دارم و توجه جناب عالی را می‌خواهم به این مسأله جلب نمایم که مدت تعیین ژاندارمری در راه، آنقدر کم بود که نمی‌توان انتظار داشت بهتر از این بتواند راه را حفاظت بنماید. به‌علاوه، اشکالاتی^۲ که بعضی از مأمورین محلی ایرانی تولید نمودند، مانع گردید از اینکه حتی قشونی که مقرر بود برای قسمت اول تشکیلات ژاندارمری در این ایالت فراهم شود، جمع‌گردد و متجاوز از یک ثلث این استعداد هنوز ناقص است.

ماژور نرن براندل، فعلاً در راه بوشهر است و از آنجا با یکصد نفر ژاندارم جدید و اسلحه‌هایی که تازه وارد شده و مدتی در آنجا مانده است، مراجعت خواهد نمود. پس از ورود قشونی که حالیه در طهران جمع می‌شود به شیراز، که عبارت باشد

(۱) اصل: بتوان. - م.

(۲) اصل: اشکالاتی را. - م.

از قشونی که سه ربع آن تاکنون جمع شده، من یقین کامل دارم که دیگر در این راهی که سپرده به ژاندارمری است، از این گونه حوادث رخ ندهد.
مجدداً می‌خواهم برای وقوع این حادثه فجیعه اظهار تأسف بنمایم.
(امضاء) یالمارسن رئیس تعلیمات ژاندارمری دولتی

ملفوف نهم نمره ۴۹۶

ترجمه مکتوب ماژور سیفورت به کلنل یالمارسن

شیراز

کاپیتان لوندبرگک به همراهی یک قافله بزرگی مراجعت نموده است و راپورت می‌دهد که مکاریان جرئت اینکه بگویند سارقین کی هستند ندارند لکن جلد چرمی طپانچه آنها که گرفته شده است ساخت ترکی است و مکاریان شنیده‌اند که سواران آنها ترکی حرف می‌زدند و از قراری که راپورت داده شده، یکی از کشکولیه‌ها و همراهان او، که شب قبل بیرون دشت ارجن [= ارژن] بوده‌اند، صبح سواره به طرف اردکان رفت و بعد از ظهر مراجعت نموده گفت که از بابت حمله‌ای که صحبت آن شده بود، او هم چیزی شنیده است.

ژاندارمری مستحفظین در امتداد جاده قرار داده بودند و انگلیسها می‌گویند که ژاندارمها بسیار خوب رفتار کردند و سواران هندی هم قبل از وقوع حمله در اطلاع بهم رسانیدن از حضور سارقین، قصور ورزیده بودند.

۵ نفر از ژاندارمها مجروح شدند. زخم ۲ نفر آنها بسیار سخت بود. بعضی ژاندارمها و تفنگچی‌ها بعضی از جاهای مرتفع را سنگر قرار داده بودند، لیکن سواران هندی نیز اشتهاً به آنها شلیک نمودند. صد نفر از سربازان ایرانی هم حضور داشتند و فوراً فرار کردند.

کاپیتان لوندبرگک، در مراجعت، در تمام کوههای مرتفع که از آنجا تمام نقاط دیده می‌شد ژاندارمهای قراول را دیدند.
(امضاء) سیفورت
سواد مطابق با اصل است.

(امضاء) یالمارسن رئیس تعلیمات ژاندارمری دولتی

نمره - ۴۹۷

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۶ محرم ۱۳۳۱]

آقا

در باب مراسله امروز من راجع به حادثه اخیر در حدود شیراز، افتخار دارم که اینک سواد تلگرافی را که قنسول شیراز برای من فرستاده و عقاید خود را در خصوص اقداماتی که باید بعمل آید شرح داده است، لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمرة ۴۹۷

تلگراف قنسول اکونر به لیوتنان کلنل کاکس

شیراز ۱۶ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۶ محرم ۱۳۳۱]

در باب مسأله تنبیه طایفه‌ای که مسؤول حمله به ماژور کتل‌ول و دسته او بوده‌اند، چنانچه در تلگراف ۱۴ دسامبر خود ذکر نموده‌ام، این حمله از قرار معلوم عمداً به صاحب‌منصبان و سواران ما بعمل نیامد، بلکه از طرف دسته راهزنانی شد که عموماً برای غارت این طرف و آن طرف در حرکت هستند.

بنابراین، بر من معلوم می‌گردد که این حمله اخیر به هیچ وجه اوضاع پلتیکی [=پلیتیکی] جنوب ایران را تغییر نمی‌دهد و لزوماً محتاج به تغییر پلتیک از طرف دولت اعلیحضرتی نمی‌باشد.

دولت اعلیحضرتی خودشان لازم ندانسته‌اند [اند] در مورد حمله به مستر اسمارت یا آنکه برای حملاتی که بعد از آن به صاحب‌منصبان آنها شد، مرتکبین را تنبیه نمایند و این حمله اخیر اتفاق مخصوص تازه‌ای نیست که مستلزم تغییر پلتیک [=پلیتیک] حالیه باشد.

البته قتل کاپیتان اکفورد به این حمله اخیر اهمیت زیادی می‌دهد که حملات سابق خوشبختانه دارای این اهمیت نبوده‌اند. لیکن این هم یکی از آن اتفاقات نامساعدی است که ممکن بود در مورد صاحب‌منصبانی که به دفعات بر آنها حمله شده است واقع شده باشد.

بنابراین عقیده من بر این است که اگر دولت اعلیحضرتی نظر به حملات مکرره و اوضاع مغشوش جنوب ایران بخواهند قشونی برای اعاده انتظامات به ایران بفرستند، جهت ندارد که این حمله اخیر مستلزم این اقدام باشد.

از قراری که فهمیده‌ام پلتیک دولت مشارالیها مبنی بر استقرار حکومت حاضره است تا مدتی که امکان داشته باشد و نظر به این مقصود، شما برای فارس بهترین حکمرانی را بدست آورده‌اید و دولت اعلیحضرتی به وسائل مالی و غیره او را تقویت و همراهی می‌نمایند که وظایف مشکله خود را در اعاده انتظامات این ایالت به انجام برسانند.

البته تجربه نزدیک به عدم امیدواری است، لیکن اگر دولت اعلیحضرتی بخواهند در پلتیک خود مداومت نمایند، به هیچ وجه جهتی ندارد که حالا دست از پلتیک خود بردارند.

لیکن چون فعلاً این مسأله مطرح مذاکره است، من محترماً مبادرت ورزیده و جلب توجه شما را به حقایق این امر می‌نمایم. همه می‌دانند که تمام این قسمت ایران، مغشوش و برای ورود و خروج مال‌التجاره مسدود بود و از مدتی به این طرف هرج و مرج در این قسمت شیوع داشته که روز به روز، عوض آنکه کمتر شود، زیادتر می‌شده [است]. برای اعاده انتظامات و حفظ منافع خارجه‌ها و اتباع آنها، دولت

اعلیحضرتی به وسایل مالی به ایالت کمک نموده و تا اندازه‌ای کنترل مؤثری بر مصرف این وجوهات قرار داده‌اند. نظر به این ترتیبات، به نظر من می‌رسد که دولت اعلیحضرتی مسؤولیت‌های قطعی و معین در جنوب ایران به عهده گرفته‌اند و اگر حالا بخواهند در پلتیک [= پلیتیك] خود پیشرفتی حاصل نمایند و در تحت حکومت حاکم ایرانی به اعاده انتظامات موفق شوند و بالاخره، رژیمان سوار خود را عودت دهند بدون آنکه مجبور به اعزام قشون معظمی به ایران شوند، باید خود را مهیای اتخاذ يك خط سیر و پلتیک قطعی‌تر از آنچه تاکنون تعقیب نموده‌اند بنمایند. مقصود من کنترل مؤثرتری بر مالیه و تشکیل قوه نظامی است که چنانچه سابقاً راپورت داده‌ام، ایالت در صدد تشکیل آن می‌باشد.

نمره - ۴۹۸

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۷ محرم ۱۳۳۱]

آقا

افتخار دارم که اینک سواد مکتوب مفصل کاملی را که مستر اسمارت کفیل قنسولگری اخیر شیراز برای من فرستاده و شرح مفصلی از اوضاع ششماهه گذشته فارس را یعنی قبل از ورود ایالت جدید به آن نقطه، نوشته است، لفاً ایفاد دارم. اجازه می‌طلبم که توجه شما را جلب بنمایم به اینکه مستر اسمارت در این مراسله بطور واضح و بنحو اتم شرح مقاصد و آمال و آرزوهای چندین قوای عامله فارس را که با هم در جنگ و نزاع هستند، به طور اختصار نوشته است. این مراسله برای کسانی که می‌خواهند به علل و اسباب این رقابتها که پیشگویی حل مسأله فارس را ممتنع می‌دارد [پی ببرند] بسی ذیقیمت می‌باشد مخصوصاً تا زمانی که دولت به واسطه عدم حل مسأله نمی‌تواند به قوه قهریه اقدامات متهورانه بنماید.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۴۹۸

مکتوب اسمارت کفیل قنسولگری به سر والتر تنلی

شیراز ۳۰ اکتوبر ۱۹۱۲ [۷ آبان ۱۲۹۱؛ ۱۸ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

در این موقع آرامی و عدم اغتشاش، پس از مهاجرت ایلات به طرف جنوب و ورود ایالت جدید، موقع مناسبی است که شرح مفصلی از اوضاع فارس در این ششماهه اخیر نوشته شود.

در ظرف ۲ دو ماهه پس از شکست صولت‌الدوله و مراجعت او در اراضی غیرمرتفعه

(۱) اصل: تصدد. - م.

(۲) اصل: از طرف. - م.

دور فیروزآباد، آرامی و سکون فوق‌العاده در حدود شیراز برقرار بود. در حقیقت در مدت دو دفعه اقامت خود در شیراز، حدود شهر را آنقدر آرام و امن ندیده بودم. با وجود آن، بهبودی اوضاع داخل و حدود شیراز موجب بهبودی راههای تجارتي یا نواحی دوردست نگردید.

این سکون و امنیت غیرمنتظره تا اندازه‌ای به واسطه تسکین نزاع بین قشقائیه و ایلات خمسه و تا اندازه‌ای به علت حسن اداره قوام‌الملک و تا اندازه‌ای هم به سبب سلب اقتدار یکی از رؤساء بود که دور او را جماعتی تشکیل داده بودند که بسیار برای دولت مضر بود، لیکن پس از مدت قلیلی معلوم شد که این سکون را دوامی نه و این امنیت را اساسی نخواهد بود. قوای عامله برهم خوردن این سکون و امنیت، حمله بر عساکر ما و تقاضاهای محمدعلی‌خان کشکولی بود. ایلخانی در شمال بطور سخت کوشش داشت که کنترل حقیقی بر ایلات راه تحصیل نماید و ایازکیخا، کلانتر طایفه دره‌شولی، قشقائیه را دستگیر و محبوس نموده بود و این سرکرده که مسئول بسیاری از سرقت‌های قشقائی در این سنوات اخیر بود، آخرین کلانتری بود که از صولت‌الدوله دست کشید و آخرین دفعه که مطیع او گردید، صولت‌الدوله از اطاعتش سوءظن داشت و به جای او، علی‌پناه‌کیخا تعیین گردید. او هم یکی از طرفداران قوی ایلخانی بود. به این طریق ایل مهم دره‌شولی ربقه اطاعت را به گردن نهادند.

اکثراً طایفه شش‌بلوکی‌ها که راه سرحد را خوب محافظت می‌نمودند، مطیع بودند و حتی مالیات هم می‌دادند. رؤسای ایل فارسی‌مدان که نزدیک شیراز بودند، نیز مطیع بودند و لسی چندان بر ایل خود که درست مطیع نبودند، کنترل نداشتند. کشکولیه‌ها که قسمت فوقانی راه بوشهر سپرده به آنها بود، یحتمل طرفدار قوی دولت بودند و ایلات جزو را ممکن بود باسانی تحت اطاعت آورد.

متدرجاً ایلخانی مشغول استحکام مقام خود و وصول مالیات گردید و ظاهراً سعی داشت که ایلات قشقائی را تحت اطاعت دولت قرار دهد، لیکن دولت قادر نبود به اینکه برای نیل به این مقصود با او تقویت لازمه بنماید.

احتمال می‌رود که بعضی از کلانترها ازدیاد اقتدار و استحکام مقام ایلخانی را نمی‌خواستند و ازدیاد این اقتدار مخصوصاً یکی از کلانتران را بسیار تهدید می‌نمود. کلانتر مذکور محمدعلی‌خان بود.

محمدعلی‌خان از مدتی به این طرف یکی از حامیان بزرگ صولت‌الدوله بود و عدم تقویت او صولت‌الدوله را اسباب سلب اقتدار او گردید. او فعلاً یکی از کلانتران بسیار مقتدر قشقائیه محسوب می‌شود اگرچه عده کثیری مخصوصاً از کشکولیه‌ها با او دشمن هستند. محمدعلی‌خان بزودی فهمید که استحکام و تزئید اقتدار ایلخانی، نه فقط با مقام او مخالف و مضر است بلکه متضمن خطر جانی بسیار برای او می‌باشد. قوام‌الملک و ایلخانی به او فشار سخت برای دستگیری و تسلیم مقصرین حملات به

عساکر می‌آوردند و اگر قوت و اقتدار ایلخانی زیادتیر از این می‌شد، این فشار مبدل به اعمال قوه قهریه می‌گردید. محمدعلی‌خان از این مسأله مضطرب شد و استخلاص ایازکیغا را تقاضا نمود و می‌دانست که این اقدام ضربت بزرگی به اقتدار ایلخانی خواهد زد.

سردار احتشام و قوام‌الملک تقاضای او را با وجود چند فقره مراسلات تهدیدآمیز و تهدید به ویل [= ول] کردن صولت‌الدوله، نپذیرفتند.

من تصور می‌کنم که چون دولت ایران تمام اقدامات خود را موکول به ورود ایالت نمودند، موقع بسیار خوبی را از دست دادند. اگر در آخر ماه ژون، وقتی که معلوم شد که محمدعلی‌خان مقصرین را دستگیر و تسلیم نخواهد کرد، دولت ایران به قوام‌الملک و ایلخانی امر داده بودند برای تهدید و تخویف در صدد فرستادن اردویی برای اشرار برآید، ممکن بود که از این اقدامات نتیجه مطلوبه گرفته شود.

محمدخان، پسرعمو و رقیب قوی محمدعلی‌خان، در اواخر ماه اوت، هنگامی که مرا ملاقات نمود، عقیده خود را اینطور اظهار داشت که لازم‌ترین اقدام در این مورد این است که اقدامی بر علیه [= علیه] صولت‌الدوله نشود بلکه محمدعلی‌خان را طرف توجه قرار دهند. چنانچه بعد معلوم شد، این عقیده اگرچه اساس آن بر عداوت شخصی فیما بین این دو نفر بود، لیکن صحیح بود.

در اوایل ژوئیت، از اقتدار محمدعلی‌خان بسیار کاسته شده بود. محمدخان، بلاشبهه می‌توانست قسمت عمده‌ای از کشکولیه‌ها را از تحت امر محمدعلی‌خان مجزی سازد و سایر ایلات را هم [که] به تفوق و برتری کشکولیه‌ها حسد می‌بردند، ممکن بود برضد محمدعلی‌خان برانگیزانید. چون موقع مساعد از دست داده شد، به محمدعلی‌خان فرصت داد که نقشه خود را تهیه نماید و اقتدار مسلوبه خود را دوباره به دست آورده اسباب سلب اقتدار ایلخانی را فراهم آورد.

در این اثناء قوام‌الملک در تهیه سرکوبی ایلات خمسه که بی‌قانونی و بی‌نظمی آنها از حد گذشته بود، برآمد. من شبیه دارم در اینکه قوام‌الملک توسط میرزا فضل‌الله‌خان وکیل خود تولید نفاق و نفاق بین طوایف جباره و شیبانی اعراب می‌نمود برای آنکه به سهولت بتواند برای سرکوبی آن ایلات اردویی بفرستد. بدبختانه چون دولت ایران تا چندی او را مانع شدند که از شیراز حرکت کند، به واسطه پیش‌آمدن صولت‌الدوله، حرکت او دیگر امکان‌پذیر نبود.

قریب اواسط ژوئیت، علائم انقلاب و هیجان در میان همراهان صولت‌الدوله پدیدار گردید و دستجات او شروع به هجوم به کوار ۲ و حمله به قوافل محمول محصولات محلی که به شیراز ایاب و ذهاب می‌نمودند کردند. دسته کوچکی از فارسی‌مدانیها، تحت امر مسیح‌خان رئیس خود، به کوار فرستاده شد که مواظب این دستجات باشند.

(۱) اصل: عده. - م.

(۲) اصل: کوارد. - م.

در آخر ماه ژوئیت، قشون مغلوطی به عده ۵۰۰ نفر مرکب از سرخه‌ایها و کمره‌ایهای دهات فیروزآباد و غیره، تحت امر حسن‌خان کشکولی برادرزن صولت‌الدوله، از خجه پیشقدمی نموده و ۵۰ نفر از قشون دولتی را که در تحت امر غلامحسین‌خان کشکولی بودند، از درنگان خارج نمودند. این پیشامد باعث مسدود گردیدن منزل، از چنار راهدار الی خان‌زنیان راه بوشهر گردید و دره شیراز نیز در معرض هجوم‌های گاهگاه واقع شد.

قوام‌الملک شروع به جمع‌آوری قشونی نمود که سیاح را مجدداً قبضه نماید و در صورت امکان، هجوم آورندگان را تا فیروزآباد تعاقب کند و برحسب دعوت او، قریب ۸۰۰ نفر از اعراب تحت امر محمدعلی‌خان برادر عسکرخان شیبانی و ۲۰۰ نفر از باصریها به شهر وارد شدند. عقب اینها ۲۰۰ نفر از قشقائیهای فارسی‌مدانی و کشکولی نیز در شهر بودند و ۲۰۰ نفر از قشقائیهای تحت امر صمصام‌السلطان نیز وارد شدند و ترتیباتی هم برای جمع‌آوری قشون دیگر از کشکولیه‌ها و فارسی‌مدانهای دور خان‌زنیان داده شد.

در موقعی که این قشون تشکیل می‌گردید، ماژور سیفورت با ۲۶۰ نفر ژاندارم چنار راهدار را در قبضه داشت به قصد آنکه اول منزل راه بوشهر را محافظت نموده و مانع از هجوم اشرار از سیاح به دره شیراز شود و در صورتی که صلاح باشد، فیما بعد، با عساکر دولت متفقاً به سیاح حمله آورند.

من اقدامی را که ماژور سیفورت به تنهایی برعلیه [= علیه] سیاح نموده تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت داده‌ام که قشون او را، قشون حسن‌خان که در کوههای مستحکم درنگان قرار داده شده بودند، شکست دادند. عده زیادی از این ژاندارمها بدون معطلی تسلیم اشرار شده بودند و ماژور سیفورت و کاپیتان نیسترم، با عده قلیلی آخر الامر مجبور شدند با کمال عجله مراجعت نمایند و خوشبختانه فرار کردند اگرچه شکم ماژور سیفورت قدری مجروح گردید.

خصم تمام ژاندارمهایی را که دستگیر کرده بودند پس از لخت کردن مستخلص داشتند. قریب ۱۵۰ قبضه تفنگ و ۱۶،۰۰۰ فشنگ به دست خصم افتاد. یک توپ کوهستانی نیز که جای باروت آن ترکیده بود، در میدان جنگ ماند. تلفات خیلی کم بود؛ دو نفر از ژاندارمها مقتول و قریب دوازده نفر مجروح شدند و از مجروحین دو نفر بعد از آن در شهر مردند.

صولت‌الدوله بعد از آن واقعه اظهار تأسف نمود و وعده داد که اسلحه و مهماتی را که از دست داده بودند پس بگیرد ولی تاکنون به وعده خود وفا ننموده است.

این مصیبت تأثیرات مؤلمی داشت. اگر ماژور سیفورت در چنار راهدار توقف نموده بود، می‌توانست به وسیله حفاظت قوافل تا اولین منزل خطرناک راه بوشهر، و از جلوگیری هجوم همراهان حسن‌خان به دره شیراز، خدمت صحیحی به وقت بکند.

پس از عودت ژاندارمها، قوافل مجبور شدند با مخارج گزاف برای گرفتن مستحفظ از بیراهه از میان تنگ‌سرخ ایاب و ذهاب نمایند و در یک موقع، همراهان حسن‌خان

به دره شیراز بین شهر و چنار راهدار هجوم آوردند. گذشته از این، شکستی که بر قشون دولت وارد آمد، بسیار اسباب جسورت [=جسارت] و نفوذ معنوی یاغیان مذکور گردید.

در این منوال، نقار و کدورت بی‌موقعی در میان اعراب حادث گردید. متجاوز از نصف قشون عرب از شیراز برای حضور در معرکه حرکت نمود. این دو دسته اعراب جباره و شیبانی، تا مدت زیادی دور مرغاب جمع می‌شدند که با هم جنگ نمایند لیکن طرفین احتیاط را شعار خود نموده و علاوه بر آنچه در ابتدای نزاع به وقوع رسید، دیگر اقدامات خصومت‌آمیزی به عمل نیامد.

اعراب جباره و شیبانی که خود را همواره مسلح داشته و در کمال بی‌اطمینانی مواظب کار بودند، به طرف جنوب حرکت کرده و متدرجاً هر قدر که راه حرکت آنها از هم دور می‌شد، از یکدیگر جدا شدند. این نقار تولید احساسات سوئی در میان اعراب نمود و تولید این نقار را نسبت به میرزا فضل‌الله‌خان نایب‌الحکومه قوام‌الملک می‌دادند. نتیجه این اغتشاش بی‌موقع این شد که دیگر اعراب بکلی سلب همراهی از او نمودند که بتواند قشونی اعزام بنماید.

در آخر ماه اوت [۸ شهریور، ۱۸ رمضان] محمدخان کشکولی به شیراز وارد شد و حضور او بسیار لازم بود که قشون اعزامی را حرکت دهد. حرکت او به واسطه نزاع با محمدعلی‌خان به تأخیر افتاده بود.

روز دویم سپتامبر [۱۰ شهریور؛ ۲۰ رمضان] قشون دولتی که اکثر آنها از قشقائیمها بود، با عده‌ای از سواران و سرباز محلی و یک عراده توپ خارج شدند. قریب همان تاریخ صولت‌الدوله شخصاً به درنگان آمد. من شبیه دارم در اینکه عده تمام قشون دولتی بیش از ۶۰۰ نفر بود و عده آنها اتصالاً کم و زیاد می‌شد چرا که بسیاری از ایلیاتیها به مناسبت کارهای شخصی متصل خود می‌آمدند و می‌رفتند. این قشون از چنار راهدار خارج نشد و توسط قشونی که در شمال جمع می‌گردید، مرکز را از سیاخ به بیضاء انتقال داد.

ایلخانی مشغول جمع‌آوری قشونی بود و به طرف جنوب حرکت نمود. صولت‌السلطنه برادر صولت‌الدوله در بهار گذشته پس از تردید زیاد، با سردار احتشام متحد گردیده و به مقام ایل‌بگی‌گری تعیین شده بود. اطاعت و امانت او مشکوک بود و از قرار معلوم می‌خواست ایلخانی بشود.

در اوایل ماه سپتامبر بر ایلخانی مکشوف گردید که صولت‌السلطنه مشغول طرح نقشه‌ای بود که بدان وسیله بعضی از ایلات را وادارد به صولت‌الدوله ملحق شوند. سالار حشمت برادر ایلخانی، نزدیک اسپاس به صولت‌السلطنه حمله برده و او را شکستی فاحش داد. صولت‌السلطنه با اشکال زیاد تا بیضاء فرار کرد و در آنجا چند ایلات جزو که برعلیه [=علیه] وصول مالیات طغیان نموده بودند، دور او جمع شدند.

در این موقع باریک، ایلخانی بی‌عزمی و عدم فعالیت تألم‌انگیزی بروز داد. اگر او

فوراً به طرف بیضاء حرکت کرده بود، یحتمل می‌توانست با قدری اشکال، عدهٔ قلیلی را که همراه صولت‌السلطنه بودند متفرق نماید. به عوض آنکه با سرعت تمام به این اقدام بپردازد، با نهایت تأنی حرکت کرده و به محمدعلی‌خان که از اردکان حرکت کرده بود، فرصت داد که به صولت‌السلطنه ملحق شود.

بعد مذاکرات صلح در میان آمد و محمدعلی‌خان در تمام این مدت خود را بی‌طرف جلوه می‌داد و نشان می‌داد که می‌خواهد دوستانه ذات‌البین را اصلاح نماید. چیزی نگذشت که معلوم شد که محمدعلی‌خان به کمک حاجی محمدکریم‌خان شریر کل قشقائیه‌ها طرح نقشهٔ انهدام سردار احتشام را می‌ریخت. او و چند تن از رؤسای جزوی که دور صولت‌السلطنه بودند به دولت ایران و مخبرالسلطنه تلگراف کردند که سردار احتشام را نمی‌خواهند و اظهار داشته‌اند [اند] که به هیچ‌وجه با صولت‌الدوله همراهی ندارند و می‌خواهند که صولت‌السلطنه به مقام ایلخانی‌گری منصوب شود. محمدعلی‌خان، در ضمن مذاکره با سردار احتشام، مؤکداً برای استخلاص ایازکیخا اصرار نمود و آخر الامر ایلخانی به این امر رضا داد. قبول این امر از طرف ایلخانی اثرات وخیم داشت؛ قشقائیه‌ها دیدند که محمدعلی‌خان اهمیت و نفوذ تامی پیدا کرده بود و شروع کردند که از صولت‌الدوله طرفداری نمایند.

مذاکرات تا مدتی در میان بود و محمدعلی‌خان پس از آنکه قشون دولتی را در چنار راهدار ول کرد، برای تقویت ایلخانی به طرف بیضاء حرکت نمود.

بنابه خواهش محمدعلی‌خان و صولت‌السلطنه، قوام‌الملک، مدبرالسلطنه نایب‌الایاله را به بیضاء فرستاد که طرح صلح و آشتی فیما بین بریزد. مستشیرالملک هم که تبعهٔ انگلیس است و مکرر سمت منشی‌گری ایلخانی‌های سابق را داشت، همراه او رفت و چون وضع سلوک و رویهٔ محمدعلی‌خان و صولت‌السلطنه باعث اطمینان آنها نبود، از قیوم خارج نشدند.

همینکه به طرف شیراز می‌آمدند، حسن‌علی‌خان یکی از رؤسای جزو کَشکولی به آنها حمله نمود. مدبرالسلطنه تنها به فرار موفق گردید و اسلحهٔ سوارهایش گرفته شد و مستشیرالملک دستگیر گردید و به صولت‌الدوله تسلیم شد و چون صولت‌الدوله می‌خواست او را وادار نماید که املاک دور فیروزآباد خود را قانوناً به او واگذار نماید، او را در قلعهٔ نزدیک فیروزآباد محبوس نمود.

الحال، از قراری که معلوم بود، از سردار احتشام بکلی سلب امیدواری شده بود و او غفلتاً بدون آنکه به طرفداران خود خبر دهد از اردوی خود خارج شد و سالار حشمت برادرش، ایلات مذکور را به صولت‌السلطنه واگذار نمود.

سردار احتشام روز ۲۹ سپتامبر به شیراز وارد شد و گفت شرایطی را که محمدعلی‌خان و سایر کلانتران می‌خواستند او قبول نماید، اگر قبول می‌کرد مثل این بود که طوق غلامی آنها را به گردن انداخته باشد و اظهار داشت که اگر دولت قشون کمی بدهند، او به کمک طرفداران خود، برای قلع و قمع محمدعلی‌خان حرکت خواهد نمود و اگر اینکار را به انجام نرساند، دیگر توقف او برای خودش یا دولت

صرفه‌ای نخواهد داشت.

اقداماتی که صولت‌الدوله در پیشامدهای بیضاء نمود، درست معلوم و آشکار نیست. شکی نیست که او يك قسم قراری با صولت‌السلطنه داده بود، لیکن واضح است که محمدعلی‌خان و حاجی کریم‌خان و سایر رؤسای قشقائی امیدوار بودند صولت‌السلطنه را بطور ایلخانی اسمی، مستقر بدارند.

به واسطه بی‌کفایتی صولت‌السلطنه، آنها از این امیدواریها محروم گردیدند؛ سپس بین او و صولت‌الدوله و محمدعلی‌خان نزدیک خان‌زنیان ملاقاتی شد و صولت‌السلطنه راضی شد که تا جره همراه برادرش برود. محمدعلی‌خان و محمدخان با یکدیگر آشتی نمودند و هر دو به طرف شاه‌پور رفتند و اگرچه صولت‌السلطنه را دولت ایران به ریاست ایل قشقائی برقرار نمودند، صولت‌الدوله در ایل مذکور تفوق و رجحان پیدا کرده و اقتدار خود را بر ایل مذکور اعمال می‌نمود.

به علی‌پناه‌کیخا و صمصام‌السلطنه صدمات زیاد وارد آمد و املاکشان را ایازکیخا غارت نمود. زکی‌خان کلانتر فارسی‌مدانیها را، صولت‌السلطنه و صولت‌الدوله اخراج نمودند و با عده‌ای که همراه داشت به کمارج رفته است. مسیح‌خان کلانتر دیگر فارسی‌مدانیها و دو نفر دیگر از خوانین جزو کشکولی، با سردار احتشام به استقبال ایالت به تخت‌جمشید رفتند.

سردی هوا تا اندازه‌ای باعث حرکت معجل عناصر اغتشاش‌طلب از حدود شیراز گردید و علت دیگر هم این بود که صولت‌الدوله و صولت‌السلطنه و محمدعلی‌خان نمی‌توانستند در موقع ورود مخبرالسلطنه در حدود شیراز باشند چرا که در وقتی که آنقدر نزدیک شیراز بودند، اگر از ملاقات ایالت امتناع می‌ورزیدند و به احترام او به شهر نمی‌آمدند، مثل این بود که علم طغیان بلند کرده و با او طرف شده باشند.

اخبار مراجعت سردار احتشام و فقدان پول، اسباب تفرقه عساکر دولتی که در چنار راهدار بودند گردید. این قشون اعزامی معروف، پس از مصرف مبلغ زیادی از بیست هزار تومان، بدون آنکه کار مفیدی صورت داده باشند، متفرق شدند.

اوضاع دره شیراز پس از حرکت حسن‌خان در اواخر ژوئیت به طرف سیاح، روز به روز بدتر شد. ضرر تفنگچیان ایلات قشقائی و خمسه که برای تشکیل این اردو احضار شده بودند به دره شیراز، خیلی زیادت از اشراری بود که اینها برای دفعشان آمده بودند. این تفنگچیان در داخل و خارج شهر مشغول غارت شدند و چنانچه معلوم می‌شد، رؤسای آنها نمی‌توانستند جلوگیری کنند و نفوذ قوام‌الملک در جلوگیری آنها روز به روز ضعیف‌تر می‌شد و در این مدت چند دفعه از روی جسارت به اروپایی‌هایی که ظاهراً ایلیات آنها را محترم نمی‌دانستند، حمله آوردند و اگر به واسطه حسن سلوک و مودت رؤسای ایلات نسبت به قنسولخانه نبود، البته در مدت مهاجرت ایلات واقعات مهمه برای ما دست می‌داد.

از اوایل ماه سپتامبر من به اتباع انگلیس اخطار نمودم که پس از مغرب، از خانه‌های خود بیرون نمانند. هجوم همراهان حسن‌خان از سیاح، در گرم‌ترین موسم

سال، مانع از آوردن برف به شهر شد و برای اروپاییان و اهالی شهر خطر داشت که تا مسافتی از شهر دور شوند. این اوضاع تا زمان حرکت ایلات از شیراز دوام داشت. همینکه قشقائیه‌ها به طرف جنوب حرکت کردند، راه سرحد که در تمام تابستان امن بود، طبعاً مسدود گردید. چند قافله به همراهی ایالت و اسکادران سواره هند مرکزی که از اصفهان به شیراز اعزام شد، حرکت کردند. به غیر از این چند قوافل، دیگر از واسط سپتامبر ایاب و ذهاب نشده است.

از اواخر ماه ژوئیت، مسدود شدن راه بوشهر بیشتر از سابق شده و علت سد این راه تا اندازه‌ای به واسطه مسدود شدن منزل از چنار راهدار به خازن‌نیان پس از قبضه سیاح از طرف حسن‌خان بوده و تا اندازه‌ای هم به واسطه مجادلات و مخاصمات پایین جاده، بین علی‌محمد کمارجی یکی از محرکین حمله به عساکر ما که هنوز راهدار را در تصرف دارد و کازرونی‌ها که کمارجیه‌ها هم با آنها کمک می‌کنند، و بین کمارجیه‌ها که طایفه شبانکاره نیز با آنها تقویت می‌کنند و همدستان نورمحمدخان دالکی تحت امر برادرش حسین بیگ که کنارتخته را در تصرف دارد بوده است. حسین بیگ از فوت خورشیدخان استفاده نموده جیرم را که دهی است متعلق به کمارج و در امتداد راه بین کمارج و کنارتخته واقع است ضبط نمود و البته ۷۰ هزار فشنگی را که متعلق به دولت بود و حسین بیگ در ماه اوت ضبط نمود، در این مخاصمات و مجادلات دور جیرم بسیار برای او مفید بود.

خلاصه کمارجیه‌ها دو مرتبه به تصرف جیرم موفق گردیدند و فعلاً اگرچه به طور موقت هم باشد، بین دو طرف متخاصم اصلاحی شده است. پولهای گزافی را که کدخدایان و قراولان راه از قوافل می‌گرفتند، کمتر نشده و میزان کرایه هم کمافی‌السابق گزاف است. پس از مراجعت سردار احتشام راه تا چند هفته مسدود بود و هیچ‌کس مسؤول حفاظت آن نبود.

نواحی و نقاطی که برای تجارت شیراز آنقدر دارای اهمیت بود، مسدود گردیده و در طرف جنوب شرقی فارس که یکی از مراکز عمده فروش مال‌التجاره و رودی به شیراز است، به واسطه قطع مراوده با شیراز، دیگر مال‌التجاره وارد نمی‌شود و از بندرعباس مال‌التجاره وارد می‌نمایند.

نتیجه این اوضاع امساله از سالهای پیش برای تجار خیلی بدتر بوده و نتوانسته‌اند با این میزان کرایه اجناس خود را که از بوشهر آورده می‌شد، به فروش برسانند. البته مدیر اداره تلگراف هند و اروپا، به شما اطلاع داده است که چندین دفعه سیمهای تلگراف را قطع نموده‌اند. قطع این سیمها و حملات بر دسته‌جاتی که برای تعمیر آنها می‌رفتند و غارت اسباب آنها، از سال پیش بیشتر واقع شد، اگرچه مقطوع بودن مخابرات در پاییز امساله، کمتر از دو سال طول کشید.

حوادث شش‌ماهه اخیر، اسباب بدتر شدن اوضاع فارس به طور عموم گردیده است و اقتدار دولت تقریباً بکلی از میان رفته و مهمتر از همه تجزیه اقتدار ایلات بود و اقتدار رؤسای ایلات بر ایلاتشان کم و غیرمؤثر شده بطوری که دیگر نمی‌توانند از

آنها جلوگیری نمایند.

ایلات خمسه به استثنای قسمتی از اعراب شیبانی تحت امر عسکر و محمدقلی خان بکلی خود را از تحت اختیار کلانترهای خود خارج نموده‌اند و قشقائیمها که همیشه پیش از ایلات عرب مطیع بودند، حالا تا اندازه‌ای مطیع کلانتران خود می‌باشند لیکن روز به روز می‌خواهند خود را از تحت اختیار آنها خارج نمایند و کلانتران چنان استقلالی پیدا کرده‌اند که هیچ ایلخانی با این اوضاع نمی‌تواند بر آنها فایق آید.
(امضاء) اسمارت

نمره - ۴۹۹

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۷ محرم ۱۳۳۱]

آقا

افتخار دارم که اینک دو مراسله‌ای را که مستر اسمارت کفیل اخیر قنصلگری انگلیس در شیراز برای من فرستاده و از خدماتی که کلنل دوگلاس و عساکر او و مستر اسمیت و اجزاء اداره تلگرافخانه هند و انگلیس به قنصلخانه فارس نموده‌اند تمجید و تحسین نموده است، لفاً ایفاد دارم.

چنانچه کفیل قنصلگری سابق به شما اطلاع داده است، مستر اسمیت در اغتشاشات تاپستان سال ۱۹۱۱ در شیراز خدمات نمایان نموده است و در آخر سال هم خدمات او در موقع حمله به عساکر بسیار ذی‌قیمت بود.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمره ۴۹۹

مکتوب اسمارت کفیل قنصلگری به سر والتر تنلی

شیراز ۴ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۲ آبان ۱۲۹۱؛ ۲۳ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

آقا

قبل از حرکت از شیراز می‌خواهم شرحی از بابت کمک و معاونتی که کلنل دوگلاس با عساکر تحت امر خود به من نموده است اظهار تشکر و قدردانی نمایم.

وضعیت عساکر در اینجا به هیچ وجه سهل و مطبوع نبوده است. زرنگی و تحمل کلنل دوگلاس توأم با تجربیات کاملی که در ایران حاصل نموده است، کمک زیاد در رفع اشکالات و دفع حوادث تأسفانگیز نموده است و در تمام مسائل جزئی که مذاکره آنها با مأمورین محلی لازم بوده، او به واسطه اعتدال و میانه‌روی کار را بر من سهل و آسان نموده است.

چند دفعه اتفاق افتاد که افراد عساکر با صاحب‌منصبان آنها مورد شلیک دهاتیان یا تفنگچیان محلی واقع شده‌اند که از روی ترس به آنها شلیک نموده‌اند. در این‌گونه موارد چون می‌دانستند که از روی ترس به آنها شلیک می‌شود، در مقام تلافی

برنیامده‌اند و هرگاه افراد قشون و صاحب‌منصبان در چنین موارد شلیک می‌کردند، ممکن بود تولید اشکالات زیاد بشود و در این‌گونه موارد متحمل خطرات نشده و راه مراوده را با دهاتیان یا تفنگچیان مذکور باز و خود را با آنها آشنا می‌نمودند و بدین واسطه از خونریزی بی‌جهت جلوگیری می‌شد. کلنل دوگلاس همیشه به این‌گونه حوادث چندان اهمیتی نمی‌دهد.

به علت وضع مغشوش دره شیراز، در مدت قسمت عمده ده ماه اگر قشون بالانفراد یا مجتمعاً بطور آزاد در حدود شیراز گشت و گذار می‌کردند، احتمال قوی می‌رفت که حوادث تأسفانگیز رخ دهد. کلنل دوگلاس با وجود آنکه هیچ مایل به این کار نبود، حرکات عساکر و صاحب‌منصبان خود را بر وفق مقتضیات متغیره اوضاع محل مقرر نموده بود و به این وسیله از حدوث این وقایع جلوگیری شد.

اگرچه تا اندازه‌ای از طرف من جسارت می‌شود، لیکن الحال که در این موضوع می‌نویسم، نمی‌توانم از وضع سلوک صاحب‌منصبان و افراد عساکر نسبت به اهالی شهر تمجید و اظهار تشکر و قدردانی ننمایم.

به واسطه خوشرویی و صبر و تحملی که صاحب‌منصبان و افراد قشون به خرج دادند، احساسات اهالی شهر نسبت به عساکر بسیار دوستانه بوده است.

(امضاء) اسمارت

ملفوف دوم نمره ۴۹۹

مکتوب اسمارت کفیل قنصلگری به سر والتر تنلی

شیراز ۴ نوامبر ۱۹۱۲ [۱۲ آبان ۱۲۹۱: ۲۳ ذی‌قعدة ۱۳۳۰]

آقا

اینک که در شرف حرکت از شیراز هستم، می‌خواهم از معاونت و همراهی که در این دو مسافرت مستر اسمیت معاون مدیر اداره تلگراف هند و اروپا و اجزاء او در فارس به من نمودند، اظهار تشکر نمایم.

کفیل قنصلگری سابق و من در چندین مواقع به فواید و منافی که در تجربیات سابقه مستر اسمیت به این قنصلگری می‌رسیده اشاره نموده‌ایم. این شخص همیشه با کمال میل در مورد معاملات و مذاکرات با رؤسای ایلات یا دهات همراهی داشته و وسایل تسهیل مسافرتین انگلیسی را فراهم می‌آورده و قنصلگری را همیشه از پیشامدهای نقاط مختلفه ایالت واقف و مستحضر می‌داشته است و همینکه اغتشاشات زیاده‌تر می‌شده، همراهی و معاونت او بیشتر قیمت پیدا می‌کرده است. گذشته از اینها، به واسطه اعتدال و فطانت، مستر اسمیت همراهی خود را قابل اعتماد ساخته است و در مواردی که بر اشکالات امور اداره او، به واسطه اغتشاشات و قطع سیمها از طرف ایلات افزوده می‌شد، کفایت و حسن سلوک او نسبت به رؤسای محل وسیله این بوده است که در اغلب موارد قنصلگری مداخله نماید.

و نیز باید از بابت مستر کریستماس شرحی بنویسم. این شخص مفتش اداره

تلگراف هند و اروپا است و چون ایلیاتیها او را دوست می‌داشتند، همراهی او در مورد ترتیب عبور و مرور مسافرین انگلیس و سایر اموراتی که مستلزم مذاکره با رؤسای ایلات بود، بسیار زیاد بود.

هن سابقاً هم از همراهی زیاد مستر اسمیت و اجزاء او در حرکات قشون شرحی نوشته‌ام. این همراهی در این اواخر در موقع حرکت اسکادران از اصفهان به شیراز و در ترتیب عبور و مرور قوافلی که آذوقه و مهمات برای عساکر بوشهر می‌پردند، بسیار زیاد بود.

(امضاء) اسمارت

نمره - ۵۰۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۷ محرم ۱۳۳۱]

راههای کرمانشاه

دولتین روس و ایران ترتیبی داده‌اند که ماهیانه مبلغ ۳۰،۰۰۰ تومان بانک روس به ضمانت دولت روس به حکمران کرمانشاه تا مدت غیرمعینی برای مصارف حکومتی و استقرار قوه نظامی بدهد.

امید است که با این وجهی که مطمئناً ماهیانه داده می‌شود، حکمران آنجا بتواند راههای آنجا را که فعلاً بر ایاب و ذهاب مالالتجاره مسدود است، منظم نماید. نظر به کسر مقدار مالالتجاره انگلیس که از کرمانشاه وارد ایران می‌شود، بسیار لازم است که راههای ولایت مذکور منظم شود. پولی که به طریق فوق‌الذکر پرداخته می‌شود، از مساعده دیگری که داده خواهد شد، مسترد می‌شود یا از عایدات گمرکات شمال پس‌از آنکه مساعده‌های حالیه مسترد گردید.

نمره - ۵۰۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۷ دسامبر ۱۹۱۲ [۶ دی ۱۲۹۱؛ ۱۷ محرم ۱۳۳۱]

سالارالدوله

راجع به تلگراف ۲۰ دسامبر من:

سالارالدوله جواب داده است که چون او یکی از شاهزادگان قاجاریه است، نمی‌تواند از بختیاریمها شرایطی را قبول نماید و بنابراین شرایطی را که به او پیشنهاد شده، رد کرده است. سالارالدوله اظهار داشته است که اگر سعدالدوله صدراعظم بشود، مسأله دیگری است چرا که او می‌تواند به سعدالدوله اعتماد داشته باشد که حکومت هر محلی را که بخواهد به او تفویض نماید.

از قراری که راپورت داده شده، شاهزاده مذکور به طرف مازندران حرکت کرده است.

نمره - ۵۰۲

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری
 طهران ۲۸ دسامبر ۱۹۱۲ [۷ دی ۱۲۹۱؛ ۱۸ محرم ۱۳۳۱]
 تبریز و حکومت مرکزی

راجع به تلگراف ۲۵ دسامبر من:

تلگراف ذیل در تاریخ ۲۷ دسامبر از کفیل قنصلگری اعلیحضرتی مقیم تبریز
 رسیده است:

مکتوبی به امضای سه نفر از علمای بزرگ برای من رسیده ولی چون اکثر اهالی
 از کم و کیف اجلاسی که در خانه ایالت منعقد گردید و در تلگراف ۲۴ دسامبر خود
 راپورت دادم، بی‌خبرند نمی‌توان آن را نماینده افکار عموم اهالی تبریز دانست.

صاحبان امضای این تلگراف مرا از مضمون تلگرافی که به طهران مخابره نموده و
 سواد آن برای شما فرستاده شد، مطلع می‌نمایند و می‌گویند اگر اعضای کابینه
 در عوض استعفاء تغییر شغل بدهند، اهالی تبریز آنها را نخواهند شناخت. در این
 تلگراف، به بختیاریها و نایب‌السلطنه و کابینه حاضره حمله شده و در خاتمه مذکور
 است که علاج تمام این معایب، تعیین سعدالدوله است. تا اندازه‌ای که بر من مکشوف
 گردید، فقط سه نفر از امضاءکنندگان این تلگراف مردمان مهمی هستند.

علاءالسلطنه دیروز توسط شخص ثالثی برای من پیغام داده که این تلگراف مسأله
 تشکیل کابینه را بالمضاعف سخت می‌نماید. او عقیده مرا نیز در باب آن تلگراف
 استفسار نموده.

من در جواب گفتم که این علامتی است که کابینه او بدون يك روز تأخیر باید
 اعلان بشود و نباید کار را بیش از این به تعویق اندازند. و بعلاوه اظهار داشتم که
 بقین دارم دولتین کابینه‌ای را که مرکب از بعضی از مردمان بزرگ امروزه باشد،
 تقویت خواهند نمود و فرستاده او را متذکر ساختم که تا امتیازات داده نشود، مساعده
 داده نخواهد شد.

وقتی که فرستاده مذکور به من اطمینان داد که عین‌الدوله و وثوق‌الدوله و مستوفی-
 الممالک هم وعده داده‌اند که جزو کابینه بشوند، من اظهار داشتم هر سه نفر اینها
 برای کابینه مناسب می‌باشند لیکن چون مؤتمن‌الملک و مشیرالدوله طرف اطمینان
 قسمت زیادی از مردم می‌باشند، عضویت یکی از آنها بسیار قدر و قیمت خواهد داشت
 و اظهار داشتم که در صورتی که این قبیل اشخاص در کابینه باشند و با يك پروگرام
 استعماری صحیح شروع به کار کنند، کار پیشرفت خواهد کرد و ممکن است که دولت
 ایران استقراضی تحصیل نماید که برای مصارف مشخصه تخصیص شود.

نمره - ۵۰۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۹ دسامبر ۱۹۱۲ [۸ دی ۱۲۹۱؛ ۱۹ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲۴ دسامبر شما: - حمله بر لیوتنان بوهنگ - گمان می‌کنم ۵۰۰ لیرا مبلغ کافی خواهد بود آیا شما تصویب می‌کنید؟

نمره - ۵۰۴

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۶ آذر ۱۲۹۱؛ ۸ محرم ۱۳۳۱]

آقا

در تعقیب مراسله ۱۶ شهر جاری خود، در موضوع حمله به دسته عساکر انگلیس، نزدیک خان‌زنیان در راه شیراز الی بوشهر، که بدبختانه منجر به قتل کاپیتان اکفورد گردید، افتخار دارم اینک سواد مراسلات دیگری را که در این باب نوشته شده، لفاً ایفاد دارم.

دیشب از دولت ایران مکتوبی (ترجمه آن در جوف است) به انضمام خلاصه مذاکرات تلگرافی که بین ایالت فارس و وزیر امور خارجه و وزیر داخله به عمل آمده بود، برای من رسید (سواد خلاصه نیز در جوف است). از ترجمه مکتوب مذکور معلوم خواهد شد که در آن چیز دیگری غیر از خلاصه مذاکرات تلگرافی راجع به اقداماتی که می‌خواهند برای جبران حمله به عساکر بنمایند، مندرج نیست. اقداماتی که در نظر دارند بنمایند، خوب و کامل است و احتمال قوی می‌رود موفقیت حاصل نماید لیکن چون این موسم برای اقدامات نظامی در کوهها مساعد نیست و مهمتر از همه، چون اعتماد به همراهی صادقانه کسانی که معاونت‌شان لازم است مشکوک است، به پیشرفت اقدامات مذکور نمی‌توان یقین حاصل نمود. گمان می‌کنم این را باید نتیجه کفایت مخبرالسلطنه دانست که وقت را از دست نداده و اردویی تهیه نموده و به حکومت مرکزی تأکید نموده است که بختیارها را به کمک او بفرستند که از طرف بهبهان اقدامات برعلیه [= علیه] ایلی که مظنون است بنمایند. از قرار معلوم، او از روی کمال امیدواری معتقد به حصول جبران برای حمله اخیر و حمله یک سال قبل مستر اسمارت تا یکماه دیگر می‌باشد.

چون مخبرالسلطنه چنین عزم قابل تمجیدی برای حصول جبران ابراز می‌نماید، تصور می‌کنم انصاف است که تا مدت صحیحی مثلاً چهار ماه به او فرصت داده شود که اقدامات خود را به انجام برساند. اگر جناب معظم موفق گردد، بدان وسیله اقتدار کاملی حاصل خواهد نمود و به واسطه آن اقتدار می‌تواند نظم و امنیت در این ایالت مستقر بدارد. قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز بسیار مایل است که به مخبرالسلطنه مهلت صحیحی داده شود.

علاءالسلطنه امروز از من ملاقات نمود و تحقیق نمود ببیند شما عقاید خود را به

من مخابره نموده‌اید که آیا دولت اعلیحضرتی به مناسبت وقوع این قضیه تأسف‌انگیز چه رویه اتخاذ خواهند نمود؟ چنانچه بر من مفهوم گردید، دولت ایران خیلی می‌ترسند از اینکه مبادا دولت اعلیحضرتی تصمیم نموده، اقدامات فوریه برای حصول جبران بنمایند و تصور کنند که دولت ایران خود قادر به انجام آن نمی‌باشد. وزیر معظم‌له جزئیات اقداماتی را که ایالت در صدد است بنماید، بیان کرد و صمیمانه اظهار امیدواری نمود که دولت اعلیحضرتی مهلت صحیحی خواهند داد که مخبرالسلطنه بتواند نقشه اردوکشی خود را که به موفقیت آن، او کمال امیدواری را داشت، به انجام برساند.

وزیر معظم به علاوه اظهار داشت که به سفیر دولت ایران مقیم لندن تعلیم داده خواهد شد که اظهار بنماید که دولت ایران حاضر است از عمده غرامت پولی هم برآید و او به شما در باب مبلغی که مناسب است داده شود مشورت خواهد نمود و به سفیر معظم‌له نیز تعلیم داده شده است که از طرف دولت ایران برای این واقعه به خانواده کاپیتان اکفورد اظهار تأسف فوق‌العاده بنماید.

من در جواب گفتم: یقین دارم شما این ارائه طریقی را که دولت ایران از روی میل برای غرامت پولی نموده‌اند، بسیار قدر خواهید دانست. از بابت مسأله سابق اظهار داشتم که علاوه بر نظریه‌ای که شما به من تعلیم دادید کتباً برای دولت ایران ابلاغ نمایم، نظریات دیگری از طرف شما برای من مخابره نشده است.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمرة ۵۰۴

ترجمه مکتوب علاءالسلطنه به سر والتر تنلی

۱۷ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۷ محرم ۱۳۳۱]

جناب اجل

در تعقیب مراسله ۴ ماه جاری خود (۱۴ دسامبر ۱۹۱۲) در خصوص حادثه تأسف‌انگیز کاپیتان اکفورد، افتخار دارم جناب‌عالی را اطلاع دهم که در ۶ ماه جاری، من و وزیر داخله مذاکرات تلگرافی با ایالت فارس داشتیم به این مقصود که تأکید به اجرای اوامری که برای تهدید و تنبیه مقصرین صادر شده بود، بنماییم. ایالت فارس می‌گوید که حالیه ۳۰۰ نفر از تفنگچیان شهری دولت و در امتداد راه به تعاقب مقصرین فرستاده شده است و به تمام مأمورین دولتی که در آن نواحی هستند، اوامر فرستاده شده و ایالت نقشه کاملی برای تشکیل قشون و محاصره سارقین مذکور کشیده و آن نقشه را قنسول انگلیس هم تصویب نموده است. از اینجا هم تعلیمات تلگرافی مؤکد به حکام بهبهان و اصفهان داده شده است که سوار و استعداد برای محاصره و تنبیه کامل راهزنان مذکور بفرستند.

چنانچه ایالت امیدوار است، تا یک ماه دیگر، هم مقصرین حمله به مستر اسمارت

و هم مقصرین قضیه حالیه تنبیه خواهند شد. ایالت منتظر ورود توپها و تفنگهایی است که به بوشهر وارد شده‌اند. کاپیتان نرن براندل از شیراز حرکت کرده است که این اسلحه‌ها را از بوشهر به شیراز بیاورد و وقتی که اسلحه‌های قشون تکمیل شد ایالت می‌تواند اردو را حرکت بدهد.

با این تمهیاتی که نقشه آن ریخته و بزودی به موقع اجرا گذارده خواهد شد، من امید کامل دارم که جبران کاملی برای این قضیه بعمل خواهد آمد.

(امضاء) علاءالسلطنه

ملفوف دوم نمره ۵۰۴

خلاصه جواب مخابرات حضوری با وزیر امور خارجه

و وزیر داخله از طرف منبرالسلطنه

به تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۶ محرم ۱۳۳۱]

مستر اسمارت گواه است که به ورود من به شیراز، شهر در حقیقت محاصره و راهها مسدود بود. الحال، راهها برای ایاب و ذهاب مفتوح است که قوافل یومیه از بوشهر حرکت می‌کنند. پس از چهل روز که سکون و آرامی مستقر گردید و پستهای ژاندارمری در کازرون برقرار شد، بعضی از صاحب‌منصبان انگلیسی خواستند برای شکار حرکت کنند. چون امنیت موجود بود من علتی برای ممانعت از این کار نداشتم و ارائه طریق نمودم که استعدادی همراه آنها حرکت کند. لیکن بعلت آنکه سواران خودشان را همراه داشتند استعدادی نخواستند. وقوع این قضیه تنها به واسطه آن بود که صاحب‌منصب از دسته قشون جدا شده و خیلی به جلو می‌رفت و به صاحب‌منصبی که با سوارها به عقب می‌رفت، آسیبی وارد نیامد. خود قنسول و کلنل وقوع این حادثه را بواسطه عدم امنیت راهها نمی‌دانند لیکن آن را فقط یکی از حوادث نامساعد غیرمترقبه می‌دانند.

من در مقام ایالت از وظایف خود غفلت ننموده‌ام و اقدامات بسیار سخت نموده‌ام لیکن حصول نتیجه رضایت‌بخشی از این اقدامات بسته به این است که از روی نقشه کاملی به انجام برسد و هنوز درست معین نیست که آیا این اقدامات را باید تنها برعلیه [=علیه] طایفه بوئراحمدی نمود یا نه. البته مرکز اقدامات را باید کازرون قرار داد.

فعلا تمام هم من مصروف به وارد نمودن اسلحه و مهماتی است که در بوشهر است و به تمام مأمورین محلی تعلیم داده‌ام و مشغول جمع‌آوری تفنگچیان قابل اعتماد می‌باشم و برای مذاقه در این امر، امروز با عده‌ای مشورت می‌کنم. این کاری نیست که در آن بشود با عجله اقدام کرد.

من با قنسول در این باب صحبت نموده‌ام و او هم با نقشه اردو کشی من کمال موافقت را دارد و برای جمع‌آوری قشون لازم، از اینجا و از بهبهان يك ماه وقت لازم است که از روی نقشه صحیح معین آنها را به جنگ بفرستیم. امیدوارم که تا آنوقت

جبران کافی برای حمله به اسمارت و این قضیه به عمل آید.

این قضیه آخری یکی از حوادثی است که معمولاً در تمام نقاط دنیا رخ می‌دهد. بمجرد آنکه اخبار وقوع آن از طرف قنسول با تلفون به من رسید، من سوار به تعاقب سارقین فرستادم و کتبا اظهار تأسف نمودم و خودم شخصاً صبح روز بعد، برای اظهار تأسف رفتم. خود قنسول تصدیق داشت که با این اوضاع هرج و مرج حالیه مملکت، ممکن نبود انتظار داشت که انقلاب چهل روز قبل، غفلتاً طور دیگر شود که دیگر به هیچ وجه غارت و حمله به وقوع نرسد. در ایالتی که نصف اهالی آن ایلات وحشی متمردهستند، هیچ کس نمی‌تواند انکار کند که کار عجیب و غریبی تاکنون به انجام رسیده و با این ترتیب وقتی خواهد رسید که نظم و امنیت و آرامی کامل برقرار گردد.

به قرار راپورتی که به همین تازگی رسیده، یقین است که سارقین از طایفه بوئراحمدی بوده‌اند و به طرف دشمن‌زیرارینها رفته‌اند. یکی از آنها همانجا کشته شده لیکن از کلانتر محل هنوز راپورتی برای من نرسیده است.

۳۰۰ سوار به تعاقب سارقین رفته‌اند. به دلایل صحیحه مرکز اقدامات را باید کازرون قرار داد. من مشغول جمع‌آوری قشون کافی هستم و رفع اضطراب دولت را خواهم نمود. باید امیر مجاهد را متنبه نمود که از قشقائیه استعانت نماید.

اقداماتی که در طهران به عمل آمده است

تعلیمات مؤکده تلگرافی از طرف دولت به سردار جنگ و سایر سرداران در اصفهان و به امیر مجاهد در بهبهان داده شده که فوراً بمناسبت اقداماتی که مخبرالسلطنه در شیراز نموده، قشون بفرستند و حرکات قشون مذکور باید از روی نقشه مخبرالسلطنه باشد و این قشون را از سه طرف برای سرکوبی کامل بوئراحمدیها فرستاده طوری آنها را تنبیه نمایند که موجب عبرت سایرین گردد. سردار اسعد هم همین قسم تلگرافاً [= تلگرافی] تعلیم داده است.

ملفوف سوم نمره ۵۰۴

تلگراف قنسول اکونر به سر والتر تنلی

شیراز ۱۷ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۷ محرم ۱۳۳۱]

همین حالا با ایالت ملاقات نمودم. جناب معظمله به من اظهار داشت که از طهران به او تأکید نموده‌اند [اند] فوراً هرگونه اقدامی که ممکن است بر علیه [= علیه] سارقین بنماید که در هیجانی که در لندن و کلکته پدیدار شده تسکینی حاصل گردد. نظریات او در باب اوضاع عمومی با نظریات من موافقت دارد.

ایالت از وقوع این حادثه مؤلمه کاپیتان اکفورد و این سرقتهای متوالی در راهها بسیار متألم است لیکن اظهار می‌دارد که انتظامات فارس قطعاً بهتر از زمان قبل از ورود او است و این اتفاقات و سرقتهای گاهگاه به هیچ وجه اوضاع پلتيکی [= پلتيکی]

را که از دو هفته قبل موجود شده، تغییر نمی‌دهد.

[او] به هیچ وجه صلاح نمی‌داند که مجبوراً قبل از طرح نقشه صحیح اقدامی بر علیه [علیه] سارقین به عمل آید. می‌گوید البته برای او سهل است که قشون مرکب از سربازان و سواران بی‌مصرف ایرانی را جمع نموده و به کوهستان بفرستند لیکن چنانچه اشعار می‌نماید نتیجه چنین اقدامی معلوم و واضح است و البته چنین اقدامات بی‌ترتیب و از روی بی‌فکری موفقیت حاصل نتواند نمود و در صورتی که موفقیتی حاصل نشود اوضاع بدتر از سابق شده و مستلزم اشغال خارجی خواهد شد. او علی‌هذا پیشنهاد می‌کند اگر بواسطه اصرار دولت، از روی بی‌میلی مجبور به اقدامات نشود، دنباله تہیات با اساس خود را در تشکیل قشون کم کافی به طریقی که در تلگرافات سابق شرح آن داده شده، خواهد گرفت و قریب ۱،۰۰۰ نفر اشخاص جنگی جمع‌آوری خواهد نمود و امیدوار است که آنها را تا دو ماه دیگر، مسلح و حاضر برای جنگ کند.

این نقشه عمومی او است و در صورتی که تصویب فرمایید، من محترماً تأکید می‌کنم که خوب است این کار را به موقع تجربه و امتحان بگذاریم. چنانچه سابقاً تأکید کرده‌ام، قضیه آخری اساساً اوضاع موجوده را تغییر نمی‌دهد.

ملفوف چهارم نمره ۵۰۴

تلگراف قنسول اکونر به سر والتر تنلی

شیراز ۱۷ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۷ محرم ۱۳۳۱]

چنانچه در تلگراف ۱۴ دسامبر خود راپورت دادم، فقط سه نفر ژاندارم سواره جلوتر از دسته ماژور کتلول حرکت کردند. صاحب‌منصب سوئدی با توپخانه همراه آنها نبود. مسأله تشخیص سارقین هنوز غیرمعلوم است. اطلاعاتی که از منابع دیگر بدست آمده، تصدیق قول ایالت را که سارقین از طایفه بوئراحمدی بوده‌اند، نمی‌کند. رجوع به تلگراف سابق من در این موضوع بنمائید.

عده مقتولین آنها غیرمعلوم است ولی بقرار راپورتهای مختلفه، از یکی الی دوازده نفر بوده است و علت این اختلاف این است که هیچ‌کس بطور یقین نمی‌داند. هیچ‌یک از قاطرهای مسروقه مسترد نشده است لیکن بعضی از بارهایی را که سارقین ول کرده بودند بدست آمد.

در باب شرکت ژاندارمها در این جنگ جزئیات ذیل از کاپیتان لوندبر که در موقع جنگ برای تحقیقات رفته بود، به من داده شده است:

او راپورت ماژور کتلول را تصدیق می‌کند لیکن اظهار می‌دارد که بعلاوه سه نفر ژاندارمی که صبح به جلو رفتند و آنهایی که بعد از آن به برج سینه‌سفید رفتند، ژاندارمهای دیگر هم که هر روز در راه از خان‌زنیان گردش می‌کنند، بودند. این

ژاندارمهای اخیر در ساحل شمالی رودخانه، محلی را در کوهها سنگر قرار داده و از آنجا به سارقین شلیک نمودند و چهار نفر از ژاندارمها مجروح شدند. بعضی از آنها ظاهراً سارقین را تا مسافتی تعاقب نموده و غروب مراجعت نمودند، لیکن به هیچ وجه جنگی با سوارها واقع نشد. ماژور سیفورت تخمین می‌زند که عده ژاندارمهایی که جنگ کردند، رویهم‌رفته قریب ۲۰ نفر بود.

این را باید ذکر نمایم که ژاندارمها از قرار معلوم خوش رفتاری نمودند و هر قدر می‌توانستند به اتفاق همراهان ماژور کنترل برای رفع سارقین اقدام نمودند.

نمره - ۵۰۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۳۰ دسامبر ۱۹۱۲ [۹ دی ۱۲۹۱؛ ۲۰ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲۵ دسامبر شما:

اقدامی را که شما پیشنهاد نموده‌اید که به مناسبت اعتراض برعلیه [علیه] مسیو مرنارد بشود، تصویب می‌کنم.

نمره - ۵۰۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۱ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۰ دی ۱۲۹۱؛ ۲۱ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۳۰ دسامبر شما:

ترتیب آن مسأله بطور دلخواه داده شده است. مقصرین تنبیه شدند و [از] آن کسانی که حمله نموده بودند، غرامت گرفته شد و پیغام تأسف آمیزی را صدراعظم توسط سردار اشجع که در شرف حرکت برای حکومت اصفهان است، برای مسیو مرنارد ابلاغ نمود. خوانین وعده داده‌اند که فیما بعد خودشان حقوق سوارها را بدهند و آنوقت از دولت پول بگیرند.

نمره - ۵۰۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ ژانویه ۱۹۱۳ [۱۲ دی ۱۲۹۱؛ ۲۳ محرم ۱۳۳۱]

آذربایجان

راجع به تلگراف ۲۸ دسامبر من:

از تبریز به من خبر رسیده که علماء و تجار تلگراف دیگری برای کابینه مخابره نموده و تقاضا نموده‌اند که نایب‌السلطنه دیگر به ایران مراجعت ننماید و کابینه حالیه منفصل گردد و کابینه جدید به صدارت سعدالدوله تشکیل شود و بختیاریها را

اخراج نمایند. آنها اخراج مأمورین مالیة بلجیکی [= بلژیکی] را نیز تقاضا نموده‌اند.

کفیل قنسولگری انگلیس به علاوه اظهار می‌دارد که او از روی دلیل می‌تواند بگوید که شجاع‌الدوله این نقشه را طرح نموده و باطناً طرفدار این اقدام است. مستر گوان از اداره‌کردن مالیة توسط بلجیکیها [= بلژیکیها] تمجید و تحسین زیاد می‌کند.

همکار روسی من تلگراف سختی به سپهدار مخابره خواهد نمود که در جلو بلجیکیها مانع‌تراشی ننماید. گمان می‌کنم همکار من ترجیح می‌دهد که عمل این کار را خود اصلاح نماید و محض نیل به این مقصود، من به کفیل قنسولگری تعلیم می‌دهم که اقدامی ننماید مگر آنکه ایالت مستقیماً با او طرف شود، و در این صورت باید با اقدامات سفیر روس همراهی نماید.

نمره - ۵۰۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ ژانویه ۱۹۱۳ [۱۲ دی ۱۲۹۱؛ ۲۳ محرم ۱۳۳۱]

آذربایجان

راجع به تلگراف سابق امروز من:

وزیر امور خارجه برای من پیغام فرستاده استدعا می‌کند که به دولت اعلیحضرتی اظهار نمایم که اوضاع آذربایجان آنقدر مهم شده که او می‌ترسد اگر اقدامات برای جلوگیری مؤسسين این انقلابات که شجاع‌الدوله در عقب آن است بعمل نیاید، این اوضاع در تمام مملکت سرایت کرده و هرج و مرج به ظهور خواهد رسید.

جناب معظم‌له پیشنهاد می‌کند که توسط دولت روس به قنسول روس مقیم تبریز تعلیمات داده شود که اقدامات برای جلوگیری این هیجان بنماید و امیدوار است که دولت اعلیحضرتی مناسب خواهند دانست که برای انجام این کار اظهارات لازمه به سنت پترزبورغ بشود.

از قراری که فهمیده‌ام، همکار روسی من راضی شد که تلگرافی به این مضمون به دولت متبوعه خود مخابره نماید.

نمره - ۵۰۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۴ ژانویه ۱۹۱۳ [۱۴ دی ۱۲۹۱؛ ۲۵ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲۴ دسامبر شما:

نظر به عقیده شما که از فرستادن اردویی که دولت ایران در مد نظر دارند بفرستند، نتیجه حاصل نخواهد شد، من صلاح نمی‌دانم توصیه نمایم که مساعده برای انجام این مقصود داده شود. به علاوه، دولت اعلیحضرتی در صورتی که برای این اردو کشی پول

بدهند، ممکن است مسؤولیت‌هایی را به عهده گیرند که دیگر نتوانند خود را از آن بری‌الذمه سازند.

نمره - ۵۱۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۴ ژانویه ۱۹۱۳ [۱۴ دی ۱۲۹۱: ۲۵ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲ ژانویه سر والتر تنلی:

از مسیو سازانف استفسار نمایید که آیا میل دارد تعلیماتی را که وزیر امور خارجه مایل است، فوراً برای قنصل روس مقیم تبریز فرستاده شود؟
از قرار معلوم در صورتی که از این انتریگ‌ها جلوگیری نشود، اوضاع مهمتر حادث خواهد گردید.

نمره - ۵۱۱

طهران ۵ ژانویه ۱۹۱۳ [۱۵ دی ۱۲۹۱: ۲۶ محرم ۱۳۳۱]

آذربایجان

راجع به تلگراف دوم ژانویه من:

قنصل اعلیحضرتی مقیم تبریز در ۴ ژانویه به قرار ذیل تلگراف می‌کند:

پیغام تلگرافی ۲ ژانویه شما را به ایالت ابلاغ نمودم. جناب معظم در طی ملاقات در خصوص اوضاع پلتیکی [= پلیتیکی] صحبت نمود و استفسار کرد که آیا دولت اعلیحضرتی چه رویه اتخاذ خواهند نمود؟ چون سوءظنی که در حق او برده بودند به اینکه در تهییج هیجان حاضره شرکت دارد، اسباب حیرت او شده بود.

من به او اظهار داشتم که چون افکار عمومی او را تا اندازه‌ای در تهییج این انقلاب شریک می‌دانند، تعجبی نیست که در حق او سوءظن داشته باشند زیرا که هیچ اقدامی برای تکذیب این مسأله ننموده است و به جناب معظم ارائه طریق نمودم که فوراً اقدام نموده و اعلان کند که او مایل به اقدامات مهیجین نیست و هیچ ارتباطی با آنها ندارد. او بطور اشاره گفت که اگر این کار را بکند، جانس در خطر خواهد بود و بنابراین اقداماتی را که من پیشنهاد نموده بودم نخواست اجرا نماید و آخر الامر از من درخواست نمود که تلگراف ذیل را برای شما مخابره نمایم:

با آنکه من مخالف اقتدار بختیاریمها هستم، طرفدار سعدالدوله هم نمی‌باشم و با بلجیکیها [= بلژیکیها] عداوتی ندارم و بلکه برعکس با تمام قوا با آنها همراهی دارم.

اگر چند هفته قبل از این بود، می‌توانستم به شما اطمینان بدهم که آیا قسمت آخر این تلگراف صحت دارد یا نه و با وجود آنکه عقیده قنصل روس برخلاف این است،

ممکن است هنوز هم همینطور باشد.

مطالب باقی تلگراف چندان قابل اهمیت نیست. دشمن عمده بلجیکها در اینجا شجاع الدوله است.

اگرچه سپهدار قدرتی ندارد، اسم او تا اندازه‌ای اهمیت دارد. آیا ممکن نیست توسط وزیر داخله برای او تعلیمات فرستاده شود که خود را در هیجان شریک ننماید؟ او راپورتی را که انتشار داشت که قرار شده اردویی به سمت طهران اعزام شود، تکذیب نمود.

از قراری که اطلاع حاصل نموده‌ام انقلابی که برای نان شده بود، پیشرفتی حاصل ننموده است.

نمره - ۵۱۲

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۲ دی ۱۲۹۱؛ ۱۳ محرم ۱۳۳۱]

آقا

حادثه نامساعد اخیر در راه بوشهر الی شیراز وقتی به وقوع رسید که ایالت شروع به طرح نقشه‌هایی نموده بود که اگرچه با هم مختلف بود، تمام برای نیل به یک مقصود کشیده شده بود که عبارت باشد از اعاده انتظامات و وصول مالیات ایالت به طریق بهتری. یکی از نقشه‌ها برای تشکیل قوه نظامی است و نقشه دیگری برای بودجه.

چون قوه نظامی برای وصول عایدات به کار برده خواهد شد، این دو نقشه خیلی بهم مربوط می‌باشند، لیکن گمان می‌کنم اگر در ضمن دو مراسله، من شرح هر یک از این نقشه‌ها را بدهم مقاصد مخبرالسلطنه بهتر و بیشتر مفهوم خواهد شد و سعی خواهم کرد که اقداماتی را که موقتاً برای تنبیه مرتکبین حمله به عساکر ما که در ۱۱ ماه جاری واقع شد، به عمل می‌آید از اقدامات دائمی مخصوص حکومتی مجزا نمایم. به مجرد ورود مخبرالسلطنه به شیراز، او بزودی دریافت که امکان ندارد اقتدار خود را در آن ایالت مستقر داشته و مالیاتها را وصول نماید مگر آنکه به تشکیل قوه نظامی پردازد که قادر بر رفع اغتشاشات باشد و عده آنها به اندازه‌ای باشد که برحسب لزوم و اقتضاء به هر یک از ایلات نامطیع سرکوبی دهد که برای سایرین هم درسی باشد. جناب معظم تخمین زد که قشونی مرکب از ۱،۵۰۰ الی ۲،۰۰۰ نفر لازم دارد که از بهترین اشخاص انتخاب شده باشند و بکلی از ژاندارمری مستقل باشند و فقط در مواردی که لازم باشد به آنها همراهی بنمایند. برای حفظ مقام شخص خویش هم، طبعاً ایالت ترجیح می‌دهد که چنین قوه‌ای در تحت امر مستقیم خود او باشند و مواظب اجرای اوامر او.

بموجب تلگرافی که از طرف قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز برای من رسیده، مخبرالسلطنه حالیه خیلی مشغول تهیه و اجرای این نقشه نظامی خویش است و ظاهراً

ملاکین عمده هم با او در این کار همراهی دارند و البته طبعاً آنها ترجیح می‌دهند که از طرف دولت به وسیلهٔ قوهٔ نظامی، نظم مستقر گردد تا آنکه این کار را از ایلات مقتدر انتظار داشته باشند.

قنسول مذکور می‌گوید که ایالت حالیه در نظر دارد قشونی مرکب از ۱،۰۰۰ نفر اشخاص نخبه تشکیل دهد و آنها را در نقاطی که از آنجا باید عایدات وصول شود، قرار دهد و بتواند عدهٔ آنها را بمناسبت وجوهاتی که موجود می‌شود، اضافه نماید. ماژور اکونر تصور می‌کند که مخبرالسلطنه دارای افکار و مقاصد عالیه است ولی در مطالب جزئیه محتاج به مستشار با تجربهٔ کافی می‌باشد.

من در باب ژاندارمری فارس با کلنل یالمارسن مذاکره نموده‌ام و او مرا اطلاع می‌دهد که فعلاً عدهٔ زیادی از صاحب‌منصبان ایرانی در جزو قشون و خارج از قشون موجود دارد که خیلی خوب تعلیم یافته و باکفایت هستند و می‌گویند که همیشه در نظر داشته است قشونی مرکب از ۳،۰۰۰ الی ۴،۰۰۰ نفر در فارس تشکیل دهد و در صورتی که وجوهات لازمه برسد، عدهٔ زیادی صاحب‌منصب موجود دارد که بتوانند به مدت کمی، قشونی را که لازم است تشکیل و تعلیم دهند. مخصوصاً در صورتی که مخبرالسلطنه صادقانه همراهی بنماید که او بتواند اشخاص بهتر از آنهایی که تاکنون برای قشون شیراز جمع‌آوری شده، انتخاب بنماید.

با این ترتیبات، یحتمل امکان خواهد داشت که قشون مکفی زیادی تحت تعلیمات سوئدیها تشکیل داد که قسمتی از آن تنها برای احتیاجات ایالت تخصیص شود و بقیه وظایف معمولهٔ ژاندارمری را به انجام رسانند. قشون مرتب منظمی مرکب از ۴،۰۰۰ نفر کافی خواهد بود که انتظامات کامل در ایالت اعاده نماید. مخصوصاً در صورتی که افراد آن از ایلیات جنگی انتخاب شوند.

بدبختانه فقدان پول اجرای چنین نقشه‌ای را بسیار مشکل می‌نماید. حالیه برای حقوق همین ماه مبلغ هفتاد هزار تومان باید به ادارهٔ ژاندارمری داده شود. خزانه بکلی خالی است و تلاش مسیو مرنارد برای استقراض وجه بیپرده است. رئیس بانک شاهنشاهی در نظر دارد که به مسیو مرنارد مبلغی قرض بدهد اگرچه محل تأمین موجود نیست و فقط اضافه عایدات گمرکات جنوب باقی است که خزانه‌دار باید آنرا برای پرداخت وجوهات زیاد در ماه مارس کنار بگذارد. و حتی در صورتی که پول برسد، هیچ احتمال نمی‌رود که تا ماه دیگر موجود شود، زیرا که منبع عایدات معین نیست که خزانه‌دار کل بتواند بر آن متکی شود.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۵۱۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۶ ژانویه ۱۹۱۳ [۱۶ دی ۱۲۹۱؛ ۲۷ محرم ۱۳۳۱]

اوضاع طهران

اگرچه اطمینان دارم که برای تسهیل تشکیل کابینه جدید و تسکین احساسات اهالی آذربایجان برعلیه [= علیه] بختیاریه‌ها، صدراعظم و وزیر جنگ بطور قطع استعفاء نموده‌اند، باز هم بحران کابینه دوام دارد.

برای تأخیر در تشکیل کابینه، علل و اسباب مختلفه مذکور شده است. مثلاً می‌گویند یکی از وزراء به علت آنکه رفیق شخصی او جزو کابینه نمی‌شود، حاضر قبول نیست و دیگری برای این که اطمینانی به حصول قرضه نیست، جزو کابینه نمی‌شود.

به عقیده من، علت واقعی این است که سیاسیون می‌ترسند مبادا کابینه جدید به واسطه دادن امتیازات راه‌آهن، طرف بی‌میلی اهالی واقع شوند.

علاءالسلطنه پروگرام رفورمهایی را که در مد نظر دارد به انجام برساند، برای من فرستاده است. در این پروگرام، استقراض قریب ۳،۵۰۰،۰۰۰ لیرا که در مدت پنج سال به مصرف پرداخت مصارف ژاندارمری و تأسیس ادارات صناعتی در چندین نقاط شهر در تحت راهنمایی خارجه‌ها و تبدیل حقوقات برسد، مذکور است؛ و تا زمانی که اطمینان از بابت حصول استقراض از خارجه حاصل نشود، بعضی از عناصر مهمه بی‌میل‌اند از اینکه جزو کابینه شوند.

از فقره اول و سوم پروگرام مذکور ممکن است نتایج مستحسنة بدست آید لیکن مشکل است که با خیال تأسیس کارخانجات تحت کنترل دولت، همراهی و هم‌دردی بتوان نمود چرا که تجربه این کار حتی در ممالک متمدن‌تر از ایران هم، به اندازه لزوم موفقیت حاصل ننموده است.

نمره - ۵۱۴

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

منت پترزبورغ ۶ ژانویه ۱۹۱۳ [۱۶ دی ۱۲۹۱؛ ۲۷ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۴ ژانویه شما:

آنتریگهای تبریز

مسیو سازانف به من اظهار داشت که مضمونی که ارائه طریق شده به قنصل روس تعلیم داده خواهد شد و از من خواهش نمود که به شما اطمینان دهم که افکار عمومی ایران است که مخالف بختیاریه‌ها است و دولت روس مخالف نمی‌باشد.

به موجب اخباراتی که برای او رسیده، سپهدار در پرده با این هیجان همراه است و دولت روس به هیچ‌وجه برای آن مسؤول نمی‌باشد.

جناب معظم‌له خیلی از بابت اوضاع عمومی ایران بطور بدبینی صحبت می‌نمود و گفت که مأمورین نظامی می‌خواهند که مقداری از عساکر روس را عودت دهند. لیکن اوضاع هرج و مرج حالیه این کار را ممتنع می‌دارد و نمی‌توان گفت امروزه در ایران حکومتی هست و پیشرفتی در امر امتیازات راه‌آهن ممکن^۲، ولی ماه دیگر وقتی که نمایندگان کمیته دتود به طهران می‌روند، می‌بینند کسی نیست که با او در این باب مذاکره نمایند.

جناب معظم‌له اصرار داشت بر اینکه امورات ایران در تحت کنترل شخص مقتدری قرار داده شود.

نمره - ۵۱۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ ژانویه ۱۹۱۳ [۱۷ دی ۱۲۹۱: ۲۸ محرم ۱۳۳۱]

اوضاع طهران

راجع به تلگرافات ۲۸ دسامبر و ۶ ژانویه من:

مؤسس نقشه استعماری رفورمهایی که برای اجرای آن استقراض خارجی لازم است، مؤتمن‌الملک رئیس سابق مجلس است. من امروز بنا به خواهش وزیر امور خارجه با او مذاکره‌ای طولانی نمودم. مقصود از احداث ادارات جدید (نه کارخانجات، چنانکه سابقاً راپورت داده شده) در نقاط مختلفه شهر، دو چیز است: اولاً آنکه اداراتی که برای عموم لازم است تأسیس شود و ثانیاً اشخاصی را که زمانی که حقوقشان تبدیل می‌شود وسیله معاشی ندارند، در آنجاها به کار وادارند. خزانه‌دار کل صمیمانه با این نقشه همراه است و سفیر روس هم نکات حسنه در آن مشاهده می‌نماید، اگرچه او شبیهه دارد از اینکه ایرانیها بتوانند بطور کامل کاری را انجام بدهند.

عقیده شخصی من این است که این پروگرام علامت و آثار ترقی است و امیدوارم که در صورتی که کابینه مقتدر و کافی قابل اعتمادی پیدا شود که بتواند آن را با تقویت معنوی دولتین اجری [اجراء] و اعمال نماید، دولت اعلیٰحضرتی با آن تقویت صمیمی خواهند نمود. مؤتمن‌الملک محوری است که بر روی آن موفقیت یا عدم موفقیت تشکیل کابینه کافی از طرف علاءالسلطنه دور می‌زند و اگر او راضی به عضویت در کابینه شود، تمام اشخاص خوب داخل خواهند شد، لیکن اگر او امتناع نماید، تشکیل هیأت صحیحی غیرمحمتمل است. تردید او در این کار به علت این است که می‌خواهد سفارتین اطمینانی برای دادن قرضه پنج یا شش میلیون لیرا بفوریت بدهند که به مصرف اجرای پروگرام رفورمها و سایر مطالبات برسد و بمجرد آنکه امتیازات

(۱) اصل: غیر ممتنع. - م.

(۲) اصل: ممکن نیست و... - م.

راه آهن به امضاء برسد، مساعده از بابت استقراض بزرگت به مبلغ پانصد یا ششصد هزار لیرا داده شود. این طور مقرر است که نصف این مبلغ برای مصارف ژاندارمری و نصف برای شروع اجرای نقشه تبدیل حقوقات و پرداخت حقوقات عقب افتاده برسد زیرا که محسوس است که در صورتی که برای این مقصود تا اول سال ایرانی پول نرسد، داد و فریاد مردم آنقدر زیاد خواهد بود که هیچ کابینه ای نمی تواند زیاد بر سر کار دوام نماید.

اگر کابینه ای که علاء السلطنه در مد نظر دارد تشکیل دهد تشکیل نشود، آتیه ایران بسی تیره و تاریک است. از بختیاریها بکلی سلب اعتبار شده و هیجان ارتجاعی آذربایجان در تمام شمال ایران شیوع پیدا خواهد نمود و اسماً مقصود از این هیجان، تشکیل کابینه تحت صدارت سعدالدوله است لیکن مقصود عمده آن رجعت محمدعلی میرزا، شاه مخلوع است. این هیجان که البته بدون وقوع اغتشاشات سخت نمی تواند تا طهران منبسط شود، انتریگهای شبانه روزی سعدالدوله آن را تر و تازه نگاه می دارد و دلایل فراوان برای مشغول بودن و اقدامات سعدالدوله به دست هست. اگر اغتشاشی در طهران رخ دهد، ممکن است نتایج دور و دراز داشته باشد.

چنانچه آگاه هستید، مؤتمن الملک یکی از اشخاص کافی و تربیت شده مملکت است و به جهات فوق، من صمیمانه با او مذاکره نمودم و اظهار داشتم که دولتین نمی توانند به کابینه ای که وجود ندارد، اطمینانات مطلوبه از بابت قرضه بدهند و او را اطمینان دادم که در این باب فوراً با شما مذاکره خواهد شد و به علاوه، اظهار داشتم که یقین دارم اگر پروگرام استعماری به دست او و همکارهایش که بعد انتخاب شوند، واگذار شود، از روی تدین اجراء خواهد شد و می دانم که جناب معظم می تواند اعتماد کامل به طرفداری دولت اعلیحضرتی از اینگونه پروگرامها که وعده داده است اجراء نماید، داشته باشد.

من صمیمانه می خواهم اظهار امیدواری نمایم که این مسأله جالب توجه دقیق و مساعد دولت اعلیحضرتی خواهد شد چرا که به عقیده من، موقع خیلی باریک است.

نمره - ۵۱۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ ژانویه ۱۹۱۳ [۱۷ دی ۱۲۹۱؛ ۲۸ محرم ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۵ ژانویه من:

سفیر روس، به قنصل روس مقیم تبریز تلگراف نموده او را تعلیم داده است که به مسپهدار و شجاع الدوله بگوید باید از این هیجان خانه خراب کن در آذربایجان جلوگیری نموده، متظلمین را از تلگرافخانه خارج نموده نگذارند تلگرافات مهیجه به طهران بفرستند.

نمره - ۵۱۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۸ ژانویه ۱۹۱۳ [۱۸ دی ۱۲۹۱: ۲۹ محرم ۱۳۳۱]
راجع به تلگراف ۷ ژانویه:

این مسأله البته اسباب تشویق علاءالسلطنه خواهد شد و شما باید به ایشان تأکید
نمایید که بلا تأخیر کابینه خود را تشکیل و اعلان نمایند.

نمره - ۵۱۸

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۲ دی ۱۲۹۱: ۱۳ محرم ۱۳۳۱]
آقا

افتخار دارم اینک خلاصه وقایع چهار هفته اخیر ایران را به طریق معمول ماهیانه
لفاً ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۵۱۸

خلاصه وقایع چهار هفته ایران لغایت ۲۳ دسامبر ۱۹۱۲

طهران

کابینه و سعدالدوله - مساعی سعدالدوله برای تشکیل کابینه فعلاً پیشرفت ننموده
است و مساعی مطوله سیاسیون معتبر ایرانی برای تشکیل کابینه بدون او، که نماینده
بهترین عناصر موجوده باشد، و بختیارپها هم در آن عضویت نداشته باشند، تاکنون
موفقیت حاصل ننموده و زمام امور هنوز به دست کابینه صمصامالسلطنه است.

سالارالدوله - دولت ایران با سالارالدوله مشغول مذاکره اند که مطیع دولت بشود
و سالیانه مبلغ ۱۲،۰۰۰ تومان به او داده شود و املاک ضبط شده او هم مسترد شود
و خود شاهزاده در طهران اقامت نماید ولی حالیه حکومت محلی به وی تفویض نشود.
شاهزاده از این شرایط ناراضی است لیکن به قنصل روس مقیم استرآباد تعلیم داده
شده است که برای قبولانیدن شرایط مذکور به شاهزاده فشار آورد.

حکومت طهران - صدرالممالک که سابقاً متولی باشی حضرت رضا در مشهد بود،
به جای یمینالممالک که به حکومت مازندران منصوب گردیده، حکومت شهر را به
عهده گرفته است.

گرانی قیمت نان - در شهر قدری اغتشاش برای گرانی قیمت نان به ظهور رسید.
متینالسلطنه که خزانه او را برای اداره کردن آردی که دولت به نانوایان می‌دهد
تعیین نموده، متهم شده است به اینکه با نانوایان برای گران کردن قیمت گندم اتحاد
نموده است.

انجمن داشناکسیون - این انجمن رولسیون [= رولوسیونی] ارامنه اعلانی انتشار داده که بیش از این با حکومت ارتجاعی حاضره همراهی نخواهد نمود.

قزوین

قشون قزاق در قزوین که در عده آنها خیلی تخفیف داده شده بود، تا ۳۲۵ نفر زیاد شده است.

۳۰۰ نفر ژاندارم تحت امر دو نفر از صاحب منصبان سوئدی فعلا در راه قزوین الی همدان مشغول محافظت راه می باشند.

مشهد

روز ۳ دسامبر مستر مرتین [= مارتین] یکی از اجزا اداره تلگرافی هند و اروپا، همینکه برای کار از مشهد به طرف طهران می آمد، ترکمنها نزدیک میمه به او حمله نمودند. کالسکه چی و نوکر اداره تلگراف مقتول گردید و قافله بکلی به غارت رفت و مستر مرتین تا میمه به سلامت رسید.

یکی از راهزنان موسوم به جهانگیر، از تمام مسافریں در میاندشت که در همان راه واقع است، بزور پول می گیرد.

به قراری که راپورت داده شده، در ناحیه تربت، اموالی معادل ۵،۰۰۰ لیرا به سرقت رفته است.

استراباد

سالارالدوله روز ۱۱ نوامبر، به خچه نجف [= خواجه نجف؟] وارد شد و برای رؤسای ترکمنها مکتوب نوشت که آمده و با مقاصد او همراه هستند. عساکر روس که در تابستان در قره سو جمع شده بودند، به استراباد مراجعت نموده اند.

اصفهان

شهر در عرض ماه آرام تر بود لکن چندین دسته سارقین در حدود شهر مشغول غارت بودند. به قراری که راپورت داده شده، دسته ای از بختیاریها که حکمران فرستاده بود، در راه شیراز با کهکلوئیها [= کهگیلویه ایها] مصادف شده و ده نفر از آنها مجروح و مقتول گردیده اند. خوانین بختیاری مقیم طهران می گویند که از وقوع این حادثه خبری ندارند.

در تمام ماه راه طهران امن بود و قوافل با مال التجاره ایاب و ذهاب می نمودند. دسته ای از طایفه بوئراحمندی از قراری که راپورت داده شد، برای جلب اعتماد دولت با چند تن از رؤسای خود، برای حفظ قوافل به ایزدخواست آمده اند.

نایب حسین مجدداً به حکومت کاشان منصوب شده است.

یزد

حکمران یزد، اردویی به طرف مروس [= مروست؟] فرستاده که دستجات سارقینی را که در آنجا هستند، سرکوبی دهد.

مسافریں راپورت می دهند که قراولان راه در راه اصفهان پول زیاد بزور می گیرند و در يك مورد برای يك روز مسافرت ۴ لیرا مطالبه نمودند.

کرمان ۱

امیر مضخم در این ماه چندین دفعه استعفای خود را اعلام نموده است و می‌گوید که حکومت مرکزی نه پول و نه فشنگ برای او نمی‌فرستند. چندی بعد از استعفایش مبلغ ۲۰،۰۰۰ تومان به او داده شد.

به قراریکه از سیرجان راپورت داده شده (رجوع به خلاصه ۲۷ نوامبر بنمایید) بین سردار نصرت و بهارلوها و فارسیمهای متحده، جنگ بسیار سختی به وقوع پیوست، از قرار مذکور قشون ایلات اخیرالذکر متجاوز از ۶۰،۰۰۰ نفر بوده است. سعیدخان بمی، قشونی جمع‌آوری نموده است که با نوابخان رئیس ایل بهمه جنگ کند. نوابخان قشون خود را در دلبند نزدیک بمپور جمع نموده است.

کرمانشاه

در عرض ماه در این شهر نارضایتی عامه و سرقتهای متوالیه روزافزون بوده است و قیمت ارزاق هم بتدریج زیاد می‌شده و شهرت داشت که سارقین نقشه حمله به شهر را ریخته‌اند. اوضاع ولایت هم روز به روز بدتر شد. ایل بلوند در نواحی جنوب مشغول هجوم بوده‌اند.

یک طایفه از ایل کلخانی [=قلخانی] گوران در تحت امر قنبر سلطان مقامی را در راه بغداد متصرف شده و قوافل را تاراج می‌نمایند. قسمت دیگر از همان ایل، کمپانی نفت قصرشیرین را تهدید نموده‌اند.

برای رفع این اغتشاشات، هیچ اقتداری موجود نیست. در ۳۰ نوامبر، فرمانفرما رسماً به قنسول اعلیحضرتی اعلام نمود که به علت احضار ۱۵۰ نفر قزاق به طهران که فقط قشونی بود که باقی مانده بود، او استعفای خود را تقدیم داشته است.

قنسول اعلیحضرتی می‌ترسد به واسطه احضار آنها به طهران در شهر اغتشاشی رخ دهد.

سیستان

روز ۱۷ دسامبر قریب ۱۰۰ نفر سرباز خواسته‌اند در قنسولخانه تحصن اختیار نمایند. شکایت اینها این بود که حقوق‌شان عقب‌افتاده و دولت ایسران تلگرافاً [=تلگرافی] امر صادر نموده و بسیاری از آنها را بدون حقوق اخراج نموده و حقوق سایرین را تخفیف داده است. در میان عساکری که اخراج شده‌اند پنجاه شترسوار برای حفظ راه کوه ملک سیاه بودند. سفارت در این باب به دولت ایران اظهاراتی نمود که این پنجاه نفر را اخراج ننمایند و قرار حقوق عقب‌افتاده آنها را بدهند. ماژور پریدو پس از حرکت کاپیتان هنتر زمام امور قنسولگری را به دست گرفت. ماژور گونتر قنسول اعلیحضرتی، روز پنجم دسامبر به جای مستر اسمارت که به طهران فرستاده شده، به شیراز وارد شد.

(۱) اصل: کردان. - م.

(۲) چنین است در اصل. - م.

روز ۱۱ دسامبر دسته‌ای را مرکب از ماژور کتلول و کاپیتان اکفورد متعلق به سواره هند مرکزی به اتفاق ۲۶ نفر سوار و بنه آنها که برای شکار حرکت کرده بودند، سارقین بین خان‌زنیان و دشت‌ارجن [= ارژن] در راه بوشهر حمله نمودند. در جنگی که واقع شد، کاپیتان اکفورد مقتول گشت و باقی آن دسته سالمأ به شیراز مراجعت نمودند.

مخبرالسلطنه صولت‌الدوله را به مقام ایلخانی‌گری ایل قشقائی منصوب نموده است.

اهواز

اهالی بهبهان امتناع نمودند از آنکه بگذارند سوارهای حکمران جدید امیر مجاهد، وارد شهر شود تا آنکه کاغذی به آنها نشان داده شد که امیر مجاهد تحت حفاظت و حمایت شیخ محمره است.

به قراری که راپورت داده شده، تمام ایل کهکلوئی [= کهگیلویه‌ای] با حکومت بختیاری در خاک کهگیلویی مخالف می‌باشند و اموال خود را به نقاطی که در دست‌رس نیست، انتقال می‌دهند.

نمره - ۵۱۹

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۳ دسامبر ۱۹۱۲ [۲ دی ۱۲۹۱؛ ۱۳ محرم ۱۳۳۱]

آقا

به وصول تلگراف ۲۶ ماه گذشته شما مشعر بر اینکه مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرا در بانک شاهنشاهی ایران به حساب من محسوب شده که بدان وسیله با مالیه حکومت فارس کمک نمایم، من با خزانه‌داری مشورت نمودم که ببینم بهترین طریقی برای امانت گذاردن این وجه در بانک به طوری که به مصارف صحیحه برسد و اسباب کدورت ایرانی‌ها فراهم نیاید چیست (که هر زمان که اقدامی برای کنترل مصرف پولی که به دولت ایران مساعدده داده [شده]، می‌شود و منافعش گرفته می‌شود، کدورت حاصل می‌نمایند).

پس از تبادل نظریات شفاهی با مسیو مرنارد و تبادل مراسلات خصوصی که منتهی به مراسلات غره ماه جاری او گردید و سواد آن در جوف است، من مذاکره خصوصی در این باب با وزیر امور خارجه نمودم. سپس کاغذی به حضرت معظم روز ۱۰ ماه جاری نوشته (سوادش در جوف است) و ایشان را اطلاع دادم که دولت راضی شده‌اند مساعدده دیگری به مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرا تحت شرایط مساعدده‌هایی که در عرض سال داده شد، به دولت ایران بدهند که به مصرف احتیاجات ایالت فارس برسازند.

برحسب قراری که با علاءالسلطنه داده بودم، من یادداشت خصوصی همان روز برای وزیر امور خارجه فرستاده و ترتیبی را که برای کنترل مصرف پول مذکور با مسیو مرنارد داده بودم، به ایشان توضیح نمودم و همان‌روز نیز مکتوبی برای مسیو مرنارد

فرستاده و این قرارداد را تصدیق نمودم (سواد در جوف است) و تعلیمات لازمه به بانک شاهنشاهی دادم.

من شما را نیز از اقداماتی که به عمل آمده و قبول نمودن ایالت این ترتیب را، در تلگراف ۱۰ دسامبر خود مستحضر نمودم. بنابر نصیحت مدیر بانک شاهنشاهی، من بعد از آن حواله، ۱۵،۰۰۰ لیرا برای خزانه دار کل فرستادم. اینک مفتخراً سواد جواب او را که وصول پول را اطلاع داده است، برای شما می فرستم. بمجرد ورود ماژور اکونر به شیراز، او فوراً شروع به مذاکره در باب اوضاع مالی با ایالت نمود.

از تلگراف ماژور اکونر مورخه ۲۰ شهر جاری که سواد آن در جوف است و راپورت مذاکره با نماینده ایرانی خزانه داری کل را می دهد، معلوم می شود ماژور اکونر حسن عقیده نسبت به این شخص پیدا نموده و به او نصیحت نموده است که چطور مالیه ایالت باید به مصرف برسد. من آنچه را که ماژور اکونر در این باب گفته است تصویب می کنم.

بیست هزار تومان که رجوع به آن نمودم، اولین قسط از بابت ۱۵،۰۰۰ (۸۲،۰۰۰ تومان) لیرائی است که دولت اعلیحضرتی مساعده داده اند. من بنابر خواهش مسیو مرنارد که دولت به او فشار می آورند برای مصارف اردو برای سرکوبی مرتکبین قضیه دشت ارجن [= ارژن] پول به شیراز بفرستند، تصویب نمودم که این مساعده به بانک شیراز انتقال داده شود و به ماژور اکونر اطلاع داده ام که این وجه را فقط به تصویب او می توان به مصرف رسانید.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف اول نمرة ۵۱۹

مکتوب مسیو مرنارد به سر والتر تنلی

طهران غرة دسامبر ۱۹۱۲ [۹ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۱ ذی حجه ۱۳۳۰]

دوست من مستر تنلی

مکتوب شما واصل گردید مشعر بر اینکه دولت اعلیحضرتی مساعده دیگری به مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرا به دولت ایران خواهند داد که به مصرف فوری تشکیل قشون برای اعاده انتظامات فارس برسد.

شرایطی را که سر ادوارد گری می خواهد تحت آن این پانزده هزار لیرا به مصرف برسد مرقوم داشته بودید، مسرور شدم.

در باب مسأله دوم با شما هم عقیده هستم که اقدامات لازمه برای تأمین مصرف این وجه بشود که در حقیقت به مصارف لازمه برسد. برای نیل به این مقصود من طریقه ذیل را توصیه می نمایم:

(۱) چنین است در اصل و رقم تومانی با توجه به سوابق امر، با رقم لیره برابری ندارد. - م.

ایالت باید بودجه خود را برای سه ماه تهیه نماید بطوری که مخارج ماهیانه او متجاوز از ۳۰،۰۰۰ تومان نباشد.

وکیل خزانه‌داری کل مقیم شیراز پیشنهادات ایالت را تحت مذاقه قرار داده و آن را به قنصل انگلیس ارائه می‌دهد و او هم در صورت لزوم اگر اعتراضی بر آن داشته باشد، به شما اطلاع خواهد داد. من تا با شما مشورت نکنم، اجازه تأدیة ۳۰،۰۰۰ تومان ماهیانه یا ۱۵،۰۰۰ هر دو هفته یک مرتبه، نخواهم داد و این پول در تحت عنوان حساب خزانه‌داری کل در فارس در بانک امانت گذارده خواهد شد و حساب آن علیحده خواهد بود.

این نقشه در واقع شبیه به همان نقشه‌ای است که شما توصیه نموده‌اید و فرقی که دارد این است که از مداخله قنصل شیراز شاید در ظاهراً می‌کاهد و به همین واسطه اسباب کدورت اشخاصی که در آن نقطه هستند و من اصلاح با آنها را مطلوب می‌دانم، فراهم نخواهد آمد.

بمجرد آنکه وجه مذکور موجود شد، من ۱۰،۰۰۰ تومان آن را برای جناب مخبر السلطنه خواهم فرستاد (او اخیراً ۲۰،۰۰۰ تومان گرفته است).

(امضاء) مرنارد

ملفوف دوم نمره ۵۱۹

مکتوب سر والتر تنلی به علاء السلطنه

طهران ۱۰ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۸ آذر ۱۲۹۱؛ ۳۰ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

حضرت اشرفا

چنانچه چند روز قبل شفاهاً به حضرت اشرف عرض کردم، دولت اعلیحضرتی چون شنیدند ایالت فارس محتاج به معاونت مالی است که ایشان را قادر به انجام وظایف خود نماید، مرا اجازه داده‌اند که مبلغ ۱۵،۰۰۰ لیرا به دولت علیه برای احتیاجات مخصوص آن ایالت که منافع انگلیس در آنجا بسیار است، بدهم.

پس از مشورت با خزانه‌داری کل، من دیروز به مدیر بانک شاهنشاهی تعلیم دادم که معادل همین مبلغ را به حساب قران در تحت عنوان حساب خزانه‌داری کل فارس در دفاتر خود انتقال ندهد. ۲.

از طرف وزارت امور خارجه تعلیم یافته‌ام که حضرت اشرف را اطلاع دهم که دولت اعلیحضرتی این مشاهده را هم از بابت منافع و تأمین و طریقه استرداد، به همان شرایطی که برای مساعده‌هایی که در عرض سال جاری تأدیه شده و مقرر گردیده است، داده‌اند.

(امضاء) والتر تنلی

(۱) اصل: به آنها. - م.

(۲) چنین است در اصل (بدهد؟). - م.

ملفوف سوم نمره ۵۱۹

مکتوب سر والتر تنلی به مسیو مرنارد

طهران ۱۰ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۸ آذر ۱۲۹۱؛ ۳۰ ذی‌حجه ۱۳۳۰]

در خصوص مکاتبات نیم‌رسمی که مبادله شده، در موضوع مساعدت جدید ۱۵،۰۰۰ لیرا که دولت اعلیحضرتی راضی شده‌اند به دولت علیه برای مساعدت مالیة فارس بدهند، جناب‌عالی را اطلاع می‌دهم که دیروز به مدیر بانک شاهنشاهی تعلیم دادم که وجه مذکور [را] در حساب مخصوص تحت عنوان حساب خزانه‌دار کل - فارس در دفاتر خود انتقال دهد.

این را به علاوه اظهار می‌دارم که سر ادوارد گری مرا تعلیم داده است که دولت ایران را اطلاع دهم که این پول را داده‌اند که فقط به مصرف اداره حکومت فارس برسد و میزان منافع و تأمین و طریقه استرداد آن تحت شرایط مساعدتهای دیگری است که دولت بریتانیای عظمی در عرض سال جاری به دولت ایران داده‌اند.

در خصوص طریقه مصرف این وجه، افتخار دارم اظهار بنمایم که با نقشه‌ای که در مراسله نیم‌رسمی غره دسامبر خود شرح داده‌اند موافقت دارم و پیشنهادات شما را برای قنصل اعلیحضرتی مخایره خواهم نمود که به اتفاق نماینده شما که در شیراز است در نقشه‌ای که نماینده شما و ایالت تهیه می‌کنند، مذاقه نمایند.

من مسرور خواهم شد از اینکه در بودجه‌ای که به شما ارائه می‌شود، به کمک هر قسم ملاحظاتی که قنصل انگلیس صلاح می‌داند اظهار بدارد، مطالعه و مذاقه نمایم و آن وقت شما اجازه پرداخت وجه را برحسب احتیاجات وقت خواهید داد.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف چهارم نمره ۵۱۹

ترجمه مکتوب مسیو مرنارد به سر والتر تنلی

طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۵ آذر ۱۲۹۱؛ ۷ محرم ۱۳۳۱]

افتخار دارم وصول مراسلات ۱۰ و ۱۱ شهر جاری شما را با حواله ۱۵،۰۰۰ لیرا که در جوف مراسله اخیر بود، اطلاع دهم.

بنا به میل جناب‌عالی، این وجه را به حساب مخصوص در تحت عنوان حساب خزانه‌دار کل - فارس انتقال داده و پرداخته‌ام و آنچه مستقیماً به اداره مالیة شیراز برای مصارف حکومتی ایالت مذکور داده می‌شود یعنی آن وجوهاتی که سفارت انگلیس لزوم پرداخت آن را قبلاً تصدیق نماید، در حساب مذکور ثبت خواهد شد.

این را لازم نیست عرض کنم که با عقاید جناب‌عالی که در مراسله ۱۰ دسامبر در این موضوع مندرج است، کمال موافقت را دارم

(امضاء) مرنارد

ملفوف پنجم نمره ۵۱۹

تلگراف قنسول اکونر به سر والتر تنلی

شیراز ۲۰ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۸ آذر ۱۲۹۱؛ ۱۰ محرم ۱۳۳۱]

مسأله مالیه - میرزا مصطفی خان مفتش مالیه فارس دیشب از من ملاقات نموده تلگرافی از مرنارد به من ارائه داد که به موجب آن به آن دستورالعمل داده شده است که به نقشه مصرف وجهی که استقراض شده و برای دو سه ماهه بعد توسط ایالت طرح شده، رسیدگی نموده و قبل از آنکه آن را به مسیو مرنارد مخابره نماید، به قنسول ارائه دهد. در این تلگراف نیز مذکور است که مبلغ ۲۰،۰۰۰ تومان فرستاده خواهد شد.

مصطفی خان از بابت این مبلغ خبری ندارد لیکن تصور می کند که باید برای مصارف فوق العاده اقداماتی که ایالت در مد نظر دارد برای تنبیه مرتکبین حمله اخیر بنماید، به مصرف برسد.

مفتش مذکور خلاصه بودجه ایالت را هم به من ارائه نمود. این بودجه متضمن صورت وجوهات کلی در تحت عنوانات مختلفه است که مبلغ آنها به ۹۹،۰۰۰ تومان می رسد و مفتش نمی داند که چطور جمع آنها به این مبلغ بسته شده و نیز نمی داند که آیا ایالت جزئیات این فقرات وجوهاتی که در بودجه خود ذکر نموده دارد یا خیر؟ مفتش بنا بر این در نظر دارد که تا چند روز دیگر خودش بودجه مفصل مشروحه تهیه نماید. مشارالیه مرا اطلاع داد که مبلغ زیادی از بابت حقوق عساکر و نظمیة عقب افتاده است که از من استفسار نمود که آیا صحیح است مبلغهای مذکور جزو بودجه محسوب شود؟ من اظهار داشتم گمان می کنم صحیح نباشد چرا که مقصود از پرداخت این مساعده در ابتدا این بود که به وسیله آن ایالت بتواند آن نقطه را منظم نماید که تا سه ماه دیگر در سال جاری با چنان قدرتی شروع به اداره امور هر حکومتی کند که بتواند عایدات را وصول و انتظامات در راه ایالت مستقر بدارد. بنا بر این، من به مفتش نصیحت نمودم که بودجه را طوری ترتیب دهد که فقرات آن فقط متضمن مصارف عمده دعاوی باشد که تصور می شود برای اداره حکومت ایالت کمال لزوم را دارد، بطوری که نمونه برای سالهای بعد هم باشد. بودجه الحاقی دیگری هم برای مصارف فوق العاده از قبیل حقوق عقب افتاده و مصارف اردو برای سرکوبی اشرار تهیه نماید.

برای پرداخت مصارف اخیر وجه داده خواهد شد. قسمتی از آن ۲۰،۰۰۰ تومانی که خزانه داری کل وعده داده است و قسمتی از عایدات ایالات و ولایات که قبل از اختتام سال جاری وصول می شود، تأدیه خواهد شد و اگر این وجوهات مکفی نباشد، باز هم از طهران درخواست خواهد شد که وجه بفرستند.

مفتش با این مراتب موافقت نموده و وعده داده است که به این طریق بودجه را

تهیه نماید. از قرار معلوم او آدم چیزفهمی است و به نظر من آدم خوبی آمد. همینکه از جزئیات مسأله رسماً مستحضر شدم البته تلگرافاً [= تلگرافی] به شما خبر خواهم داد و امیدوارم که شما نصیحتی را که به مفتش نموده‌ام تصویب خواهید فرمود.

گمان می‌کنم که اگر بگذاریم این ۱۵،۰۰۰ لیرا یا قسمت عمده‌ای از آن به مصارف مختلفه برسد که برای ایالت نفعی نداشته باشد، این پول هم تلف خواهد شد و وضع فارس بهتر از سابق نخواهد شد و حال آنکه اگر مصارف این وجه طوری مرتب‌شود که اساس محکمی برای آتیۀ مالیۀ قشون فارس تشکیل دهد و نمونه برای آتیۀ باشد، بنیانی برای پلتیک [= پلیتیک] استعماری حقیقی برای سنوات آتیۀ تأسیس خواهد شد.

نمره - ۵۲۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۳ دی ۱۲۹۱؛ ۱۴ محرم ۱۳۳۱]

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که دولت ایران ترتیبی را قبول نموده‌اند که بر عدۀ بریگاد قزاق تحت امر صاحب‌منصبان روسی افزوده خواهد شد تا به ۴،۳۰۰ نفر بالغ شود. عدۀ حالیۀ آنها در طهران ۱،۸۰۰ نفر است و در تبریز هم ۶۵۰ نفر تشکیل شده است. این ترتیب مستلزم استخدام دو یا سه نفر دیگر صاحب‌منصبان روسی است. این کار به موقع اجرا گذارده نخواهد شد تا زمانی که قرضۀ مهمی به عمل آید و وجوهات لازمه برای این کار داده شود و به حقوق افراد قزاق هم افزوده شده بطوری که با ژاندارمها مساوی شود. این اضافه حقوق از ابتدای ماه ژانویه داده خواهد شد. (امضاء) والتر تنلی

نمره - ۵۲۱

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۲ [۳ دی ۱۲۹۱؛ ۱۴ محرم ۱۳۳۱]

آقا

افتخار دارم اینک سواد مراسله‌ای را که قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه برای من فرستاده و در باب اوضاع راه بین سرحد خاک عثمانی و کرمانشاه و بین کرمانشاه و همدان راپورت داده است، لفاً ایفاد دارم.

به وصول مکتوب قنصل مک‌دول من در موضوع اوضاع مغشوش راههای مذکوره با همکار روسی خود مذاکره نمودم و در صورتی که مبلغ‌هایی را که مستر مک‌دول ذکر نموده داشته باشد، اجحافاتی که شده و پولهایی که گرفته شده است، خیلی زیادتر از راه از بوشهر الی به شیراز است.

من بعد فهمیدم که قراردادی همین تازگی بین دولتین روس و ایران به اتمام رسیده

که بانک روس ضمانت می‌کند مبلغ ۳۰،۰۰۰ تومان ماهیانه تا مدت غیرمحدودی برای استقرار قوه نظامی و مصارف حکومتی به حکمران آنجا بدهد. این پول از مساعده بعد یا از عایدات گمرکات شمالی پس از تأدیه مساعده‌های موجوده، مسترد خواهد شد. امید است که به وسیله این وجه ماهیانه که مطمئناً داده می‌شود، حکمران بتواند آن انتظاماتی را که آنقدر برای تجارت انگلیس دارای اهمیت است، اعاده نماید.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۵۲۱

مکتوب قنصل مک‌دول به سر والتر تنلی

کرمانشاه ۵ دسامبر ۱۹۱۲ [۱۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۳۰] آقا

افتخار دارم راپورت دهم که فعلاً پول‌هایی که در راه‌های از سرحد تا کرمانشاه و از آنجا تا همدان گرفته می‌شود، بسیار زیاد است و راه‌ها امنیت ندارد. با دلیل عقیده‌ام این است که در صورتی که دیگر پول از مکاریان گرفته نشود، حاملین مال‌التجاره با کمال خوشی مبلغ کمتری خواهند داد. در مدت سال گذشته تخمین شده است که قراولان راه از ۱۵۰،۰۰۰ تا ۲۰۰،۰۰۰ تومان بین سرحد و کرمانشاه وصول نموده‌اند. یکی از اتباع انگلیس که دارای ۱۹ شتر بوده، برای هر شتری ۱۸ شیلینگ در تمام راه داده است.

راه‌داری که سابقاً گرفته می‌شد، حالا مرفوع شده، لیکن غیرممکن به نظر می‌رسد که از وصول وجوهات به عنوان قراسورانی یا سلامت‌روی از قاطرداران ممانعت نمود و از مرفوع‌داشتن راه‌داری، این باج مرفوع نمی‌شود. عده‌ای از حاملین اتباع عثمانی می‌باشند. یکی از آنها تبعه انگلیس است و باقی ایرانی هستند.

در عرض سال تنگوز ثیل ۲ به موجب احصائیه گمرکات که به طبع رسیده است، ۴،۲۲۰،۷۶۶ من مال‌التجاره به کرمانشاه وارد شده. اکثر حیوانات باری قاطر هستند و از ۴۰ الی ۶۰ [من] بار حمل می‌کنند و عده‌ای شتر هم تا ۷۰ من و الاغها از ۲۰ الی ۳۰ من می‌توانند حمل کنند. اگر روی هم رفته هر باری را چهل من حساب کنیم تخمیناً باید ۱۰۰،۰۰۰ حیوان باری در کار باشد. در مراجعت، اکثر این حیوانات خالی می‌آیند. فرض کنیم که برای هر حیوانی در مسافرت به کرمانشاه مبلغ سه قران و نیم و در مراجعت مبلغ یک قران و نیم دریافت شود، ممکن است مبلغ ۵،۰۰۰ تومان وصول نمود و از همدان الی کرمانشاه نیز همین مبلغ را می‌توان وصول نمود. فرض کنیم که عده حیواناتی که در آن راه ایاب و ذهاب می‌نمایند ۷۰،۰۰۰ رأس باشد و جمیع

(۱) اصل: بشود. - م.

(۲) سال خوک. سال دوازدهم از دوره دوازده ساله گاهشمار ترکی. - م.

مبالغی که می‌توان وصول نمود ۸۵،۰۰۰ تومان خواهد شد به‌علاوه مبلغ دیگری که از مسافرین سواره و ایاب و ذهاب اهالی داخله گرفته می‌شود. این یکی از راههای معظم زوار است.

پولی که از بابت هر رأس شتر یا قاطر یا الاغ گرفته می‌شود، باید علیحده حساب هریک را کرد، لیکن اگر برای هر رأس حیوانی ۴۰ من محسوب داریم، حساب آن درست می‌شود.

چنانچه تخمین شده، مبلغ ۸۰،۰۰۰ تومان برای حقوق مستحفظین از سرحد تا همدان مکفی خواهد بود و تشکیل مستحفظین این راه را باید به‌دست یکنفر اروپایی یا صاحب‌منصب ژاندارمری سوئدی واگذار کرد که از محل قراول بگیرد. لیکن عده‌ای هم از جاهای دیگر باید جمع‌آوری نماید و آنچه وصول و به مصرف می‌رسد، باید طبعاً تحت کنترل مدیر گمرکات عایدات باشد و وجوهاتی را که باید اخذ شود باید در نقطه معینی مأخوذ داشت مثلاً برای راه سرحد در پل ذهاب و برای راه همدان در پل قراسو بگیرند. برای هر فقره وجهی که وصول می‌شود قبض رسید چاپی داده خواهد شد و اجازه به آنها داده نخواهد شد که به غیر از حق مرتع پول دیگری بگیرند.

مشکل است بتوان ترتیب این کار را داد تا آنکه حکمران بتواند بر ایلاتی که فعلاً خود را مستقل نموده‌اند، اعمال اقتداری بنماید.

(امضاء) مک‌دول

نمره - ۵۲۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۹ ژانویه ۱۹۱۳ [۱۹ دی ۱۲۹۱؛ یکم صفر ۱۳۳۱]
راجع به تلگراف هفتم ژانویه شما:

شما باید برای مؤتمن‌الملک توضیح نمایید که مسأله قرضه بزرگی را با سرمایه-داران باید تحت ملاحظه خود قرار دهند و دولت اعلیحضرتی خود نمی‌توانند وعده تأدیة این قرضه را بنمایند. هنگامی که کابینه متدین مقتدری زمام امور را بدست گرفت، دولت اعلیحضرتی حتی‌الاقوه برای تسهیل قرضه کار خواهند کرد و از بابت آن وجهی بطور مساعده خواهند پرداخت. شما نباید اشکالی داشته باشید در این که او را از حسن‌نیت دولت اعلیحضرتی مطمئن سازید.

من آنچه را که شما در این موضوع صحبت نموده و در تلگراف خود راپورت داده‌اید، تصویب می‌کنم و نیز نقشه اصلاحات را هم تصویب می‌کنم. تبدیل حقوقات تصور می‌کنم قسمتی از رفورم عمومی مالیه را تشکیل می‌دهد.

نمره - ۵۲۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۹ ژانویه ۱۹۱۳ [۱۹ دی ۱۲۹۱؛ یکم صفر ۱۳۳۱]

لطف نموده مفاد تلگرافی را که امروز به طهران مخابره نمودم، به مسیو سازانف ابلاغ نمایید.

نمره - ۵۲۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۱۰ ژانویه ۱۹۱۳ [۲۰ دی ۱۲۹۱؛ ۲ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۶ ژانویه شما:

لطف نموده برای تعلیماتی که مسیو سازانف برای قنصل تبریز فرستاده، از او اظهار تشکر نمایید. شما باید او را اطلاع دهید که من با نظریات او در خصوص وضعیت مهم ایران که برای دولتین انگلیس و روس لازم می‌دارد فوراً از بابت پولتیک [=پلیتیک] آتیۀ خود تصمیمی بنمایند، موافقت دارم و یقین دارم که مسیو سازانف هم به اندازه من مایل است که دولتین برای استقرار و حفظ تمامیت و استقلال ایران متفقاً عمل نمایند. برای انجام این مقصود فعلاً بهترین طریقۀ برای ما این است که هر قدر ممکن است با علاءالسلطنه همراهی نموده و مؤتمن‌الملک و کسانی را که مثل او هستند تشویق بنماییم به کابینه حاضرۀ داخل شوند.

امیدواریم که مسیو سازانف مایل خواهد بود که به سفیر روس مقیم طهران بلا تأخیر تعلیم دهد که اطمینانات شبیه به اطمیناناتی که در تلگراف دیروز من به سر والتر تنلی مندرج بود، بدهد و بطور عموم با علاءالسلطنه و مؤتمن‌الملک همراهی و تقویت نماید.

همینکه این کابینه بطور قطع تشکیل گردید، خوب است دولت روس ابراز همدردی با آن نموده به این وسیله که عده‌ای از عساکر خود را از ایران خارج نمایند، و بفهمانند که بقیه هم پس از اعادۀ انتظامات عودت داده خواهند شد. من یقین دارم این کار اثر خوبی تولید خواهد نمود.

نمره - ۵۲۵

مکتوب لیوتنان کلنل کاکس به سر ادوارد گری

بوشهر ۱۶ دسامبر ۱۹۱۲ [۲۴ آذر ۱۲۹۱؛ ۶ محرم ۱۳۳۱]

آقا

در تعقیب مراسله ۱۱ سال ۱۹۱۲ خود افتخار دارم برای اطلاع شما یادداشتی را که مستر چیک راجع به اوضاع حالیۀ راه بوشهر السی شیراز مخصوصاً در خصوص میزان کرایۀ حمل و نقل اجناس و وجوهاتی که در راهها اخذ می‌شود نوشته است، لفاً ایفاد دارم.

این یادداشت حالیه که مسأله راه در میان است، خیلی بموقع نوشته شده که اشکال حمل و نقل مالالتجاره داخله و خارجه را بنمایاند.

چون این نوشته در موقعی رسیده که من در شرف حرکت هستم، شخصاً چیزی در آن باب ننوشته‌ام و مطالب لازمه از خود آن نوشته معلوم و مکشوف می‌گردد.

سوادی از این نوشته را برای سفیر اعلیحضرتی و نسخه‌ای را برای اداره خارجه حکومت هندوستان به انضمام سواد همین مراسله خواهم فرستاد.

(امضاء) کاکس

قنصل جنرال اعلیحضرتی مقیم بوشهر و
قنصل مقیم اعلیحضرتی در خلیج فارس

ملفوف نمرة ۵۲۵

یادداشت در خصوص راه از بوشهر الی شیراز، از ماه اوت الی اکتوبر ۱۹۱۲
[امرداد-مهر ۱۲۹۱؛ شعبان-شوال ۱۳۳۰]

در این نوشته اوضاع راه تجارتي از بوشهر الی شیراز از زمانی که یادداشت آخری را فرستادم تا زمان ورود ایالت فارس، مندرج است و بعضی ملاحظات از بابت احتمالات آتیة نزدیک هم به آن منضم شده. چنانکه در یادداشت آخری خود بخوبی توضیح نموده‌ام، مسأله راهداری به هر عنوان و اسم که گرفته می‌شود، یکی از مهمترین اشکال و صور اوضاع مغشوشی است که از هرج و مرج حالیه و خسارت وارده به انگلیس خود را جلوه‌گر می‌سازد و تا زمانی که ریشه این رسم کننده نشود و ایلات چادر نشین و رؤسای آنها از مأخوذ داشتن آن ممانعت نشوند، امنیت موجوده دوام خواهد داشت. این مسأله متدرجاً بر تمام ایرانیان و بر دولت ایران توسط انگلیسها و حکام حالیه شیراز و بوشهر معلوم و مکشوف شده است.

خلاصه در مدتی که راپورت آن را می‌دهم، علاوه بر علل مذکوره، قوای عامله دیگری نیز برای ازدیاد اوضاع هرج و مرجی که از اخذ راهداری پیش آمده، و تزیید اشکال وضعیت تجارت جنوب در کار بوده است. از جمله علل مذکوره یکی مخاصمات بین نواحی در امتداد راه و میزان کرایه و عدم کفایت حیوان باری و اوضاع راه از شیراز الی اصفهان و از اهواز الی اصفهان بوده است.

راهداری

به موجب ثبتی که در یادداشت سابق خود ارائه دادم جمع مبلغ مأخوذات خوانین و تفنگچیان به طریق ذیل زیادتیر شده است:

از	ماه	هر رأس قاطر
۱۹۰۷	ماه ژون	۳-۷۰ قران
۱۹۱۰	ماه ژانویه	۱۱-۱۵ قران
۱۹۱۰	ماه فوریه	۹-۷۵ قران
۱۹۱۰	ماه مارس	۹-۳۵ قران

ماه آوریل ۱۹۱۰	۱۰-۷ قران
الی	
ماه سپتامبر ۱۹۱۱	۹۵-۱۷ قران
ماه ژانویه ۱۹۱۲	۲۸-۲۰ قران
ماه مارس ۱۹۱۲	۳۵-۲۱ قران
ماه مه ۱۹۱۲	۵۰-۲۷ قران

بموجب تحقیقات دقیق شخصی که از ماه اوت از قاطرمداران شده، وجوهاتی که گرفته شده، از سابق خیلی زیادتر بوده است.

بعضی سیاهه‌هایی^۱ که در آن جزئیات مبلغهایی که در هر نقطه در ماه اوت و سپتامبر و اکتوبر مأخوذ شده ثبت است، نیز لفاً ارسال می‌شود. از این سیاهه‌ها معلوم خواهد شد که در چهارتای آنها، برای هر رأس قاطر متجاوز از چهار تومان گرفته شده [و] جمع آن به قراری است که ذیلا نگاشته می‌شود:

ماه اوت ۱۹۱۲	۴۰-۳۱ قران
ماه سپتامبر ۱۹۱۲	۸۵-۴۴ قران
۱۳ اکتوبر ۱۹۱۲	۲۰-۴۷ قران
ماه اکتوبر ۱۹۱۲	۷۰-۴۸ قران
۲۲ اکتوبر ۱۹۱۲	۲۰-۴۰ قران

بنابراین مسأله راهداری تا زمان ورود مخبرالسلطنه به شیراز از سابق خیلی مهمتر شده بود و نسبت به بهار سال ۱۹۱۲ مبلغ آن دو مقابل شده بود.

پس از هجوم ایلات صولت‌الدوله به راه قریب ۲۰ میلی شیراز، قوام‌الملک امر نمود که قوافل از راه دورتری از شیراز تا نزدیک دشت ارجن [= ارژن] بروند لیکن خوانین کشکولی که آن قسمت کوتاه راه به آنها سپرده بود، قوافل را مجبور نمودند که در موقع عبور برای هر رأس قاطری مبلغ پنج الی هفت قران بدهند.

یک کار بد دیگری هم این است که در خود شیراز، قوام‌الملک و کشکولیهایی که با او هستند، برای هر رأس قاطری از سه الی چهار قران می‌گیرند و حکمران بوشهر هم حالیه به عنوان اینکه اداره گمرک بعضی پولها را به او نمی‌دهد، دم دروازه، هر رأس قاطری پانزده شاهی می‌گیرد و حکمران مذکور، پس از اصلاح عمل مالیه خود با اداره گمرک، [گرفتن عوارض مذکور را] متروک خواهد داشت. وجوهاتی که به این اسم و رسم در شیراز و بوشهر گرفته می‌شود، سرمشق مضری است برای رؤسائی که در راه هستند و به این واسطه نمی‌خواهند دیگر دست از این منبع پرمداخل بردارند. همینکه مخبرالسلطنه در اواسط اکتوبر به شیراز رسید، مسأله ترک و توقیف راهداری را اولین فقره پروگرام اعاده انتظامات راه قرار داد و فوراً دو نفر از صاحب‌منصبان

(۱) اصل: سیاهه‌هایی را. - م.

(۲) اصل: مدخول. - م.

سوئدی را با قریب ۱۵۰ نفر ژاندارم تا کازرون فرستاد و اینها مأمور بودند که تا ۱۰۰ نفر از تفنگچیهای عرض راه گرفته و اداره ژاندارمری به آنها حقوق بدهد و اخذ راهداری را در تمام نقاط بین شیراز و کازرون موقوف و مرفوع بدارند.

ایالت در نظر نداشت که اقدام مهمی در این باب در راه بین کازرون و بوشهر بنماید چرا که مقام ایلات آنجا خیلی محکمتر از ایلات شمال کازرون است، لیکن يك نفر مأمور نزد خوانین ایلات مذکور فرستاده امر نمود که اخذ راهداری را موقوف بدارند. از هر دو این اقدامات نتیجه‌ای به ظهور نرسید.

در اواسط نوامبر، ژاندارمری سوئدی عودت داده شد و به قرار اظهار خود ایالت، آنها نتوانسته بودند رؤسای محلی از دشت ارجن [= ارژن] الی کازرون را مانع از اخذ راهداری بشوند یا آنکه تفنگچیهای خود را در راه قرار دهند و از قرار مذکور، اخذ راهداری از دشت ارجن [= ارژن] الی شیراز موقوف گردید، لیکن مشکوک است که آیا هنوز هم راهداری می‌گیرند یا نه؟

اما در باب مأمور مخصوصی که برای موقوف داشتن راهداری بین کازرون و بوشهر رفته بود، از این شخص یکی از اجزاء معزول توپخانه بوشهر و شخص سست‌عنصری بود و از مراسلاتی که از طرف ایالت برای رؤسای ایلات راه می‌برد، معلوم می‌شد که ایالت از اوضاع محلی آنجاها واقف و باخبر نبوده است.

میزان کرایه قاطر الی شیراز

البته بواسطه پولهای گزافی که در این چند ماهه اخیر مأخوذ می‌شد، قوافل خیلی متضرر شده‌اند. از آنطرف محض تلافی خسارات راهداری و علافی، تجار بوشهر را وادار به دادن کرایه زیادتر نموده‌اند. در این اواخر میزان خیلی زیاده از اندازه و مهمل شده است.

ارقام ذیل اضافه‌شدن میزان کرایه را نشان می‌دهد. میزانی که نوشته شده، از برای هر یکصد من است که تخمیناً به اندازه يك بار می‌شود:

قران

۱۶۰-۱۲۰-۱۱۰-۹۰-۱۴۰	۱۹۰۷ الی ۱۹۰۸	مارس
۱۴۰-۱۶۰-۱۷۰-۲۲۰	۱۹۰۸ الی ۱۹۰۹	مارس
۲۰۰-۲۵۰-۳۰۰-۳۱۰-۲۴۰-۲۰۰	۱۹۱۰ الی ۱۹۰۹	مارس
۳۰۰-۱۵۰-۲۱۰-۱۴۵	۱۹۱۰	مارس
۱۱۰-۱۲۰-۱۵۰	۱۹۱۱	ژانویه
۱۳۰-۱۲۰	۱۹۱۱	مارس
۱۶۰	۱۹۱۱	آوریل
۱۷۰-۱۹۰	۱۹۱۱	مه الی ژون
۱۹۰-۱۸۰-۲۰۰	۱۹۱۱	ژویت الی اوت
۳۱۰-۳۲۰	۱۹۱۲	ژانویه

۲۹۰-۳۱۰	۱۹۱۲	فوریه الی مه
۳۴۰	۱۹۱۲	ژون
۴۱۰-۴۴۰-۴۸۰	۱۹۱۲	ژوئیت
۴۸۰-۵۰۰	۱۹۱۲	اوت الی سپتامبر
۴۴۰-۴۲۰	۱۹۱۲	اکتوبر

به این طریق در مدت پانزده ماه گذشته، میزان کرایه تا بیست تومان رسیده است. تا ماه اوت ۱۹۱۱ دیده نشده بود که میزان کرایه از بیست تومان تجاوز کند و تا ماه ژانویه ۱۹۱۲ به هیچ وجه از سی تومان تجاوز نکرده بود و تا ماه ژون ۱۹۱۲ از چهل تومان تجاوز نکرده بود.

نه فقط میزان کرایه برای مالالتجاره‌های معمولی به پنجاه تومان رسیده، بلکه در ماه اکتوبر مکاریان برای حمل و نقل آذوقه و مهمات سواری هند مرکزی برای ۱۶۰ رأس قاطر از قرار باری ۳۲ تومان کرایه می‌خواستند که جمع کل آن کرایه اگر قدری تخفیف داده نشده بود، قریب ۱،۰۰۰ لیرا می‌شد.

نظر به اینکه رژیم مذکور محتاج به آذوقه است، ملاحظه خواهید فرمود که میزان گزاف کرایه و هرج و مرجی که باعث آن شده است، چقدر موجب خسارت برای دولت اعلیحضرتی است.

اما خسارتی که از این بابت به صاحب‌منصبان اعلیحضرتی و سایر اروپاییان وارد می‌آید، همینقدر کفایت می‌کند که بگوییم قاطرداران دو بار و نیم شراب را به کرایه کمتر از هفتاد تومان نمی‌گرفتند که برای مستر اسمارت به شیراز ببرند.

با این کرایه گزاف در مدت شش ماه گذشته که عبارت باشد از چهل تومان برای هر هیجده من و نیم بار از بوشهر به شیراز، و برای هر هیجده من و نیم بار از شیراز به اصفهان سی و هشت تومان، معلوم می‌شود که چطور امکان نداشته است از جنوب، برای بازارهای اصفهان اجناسی فرستاد که فایده از فروش آنها برده شود و حتی حمل اقسام بسیاری از مالالتجاره تا شیراز هم صرفه نداشته است. مثلاً نفت روسی را که تا شیراز باید متجاوز از ۸۰۰ میل راه طی کند، می‌توان ارزان‌تر از نفت خلیج، که فقط ۱۸۵ [میل] راه است، به شیراز وارد نمود.

تجار شیراز این تضییق را بطور سخت حس می‌کنند و بازارها کساد است و آنها نمی‌توانند اجناس خود را آزادانه به قیمت‌های مناسب به فروش برسانند و اغلب دادن وجه کرایه اجناس برای آنها خیلی سخت است.

ارقام ذیل که از راپورت‌های هفتگی کمپانی لنچ مقیم اصفهان استخراج شده، نشان می‌دهد که در این مدت در حقیقت از راه اهواز الی اصفهان اجناسی به اصفهان حمل نشده است:

عده صنایع و غیره:

که به اهواز رسیده	که به اصفهان رسیده	سال
-	-	۱۹۱۲
-	-	۳ اوت
-	۱۶	« ۱۰
-	-	« ۱۷
-	-	« ۲۴
-	۲۲۷	« ۳۱
-	۹۸	۷ سپتامبر
۱۲۵	۳۴	« ۱۴
۲۳۶	-	« ۲۱
۷۰۴	-	« ۲۸
۹۴	-	۵ اکتوبر
۳۵۸	-	« ۱۲
۳۴	-	« ۱۹
-	۲۱	« ۲۶
۴۰	-	۲ نوامبر
۱۶۹۱	۳۹۶	جمع

نتیجه این است که مالالتجاره انگلیس دیگر به بازارهای اصفهان نمی‌رسد و از طرف جنوب ایران هم مالالتجاره به آنجا برده نمی‌شود و نه فقط لطمه‌ای که به نفوذ انگلیس و خسارتی که به ادارات تجارتي آن دولت وارد می‌آید بسیار زیاد خواهد بود، بلکه مخصوصاً در این موقع که مسأله امتیازات راه آهن تحت ملاحظه است، بسیار نامساعد خواهد بود.

از ماه ژوئیت تاکنون، چنانچه از روزنامه جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم اصفهان معلوم می‌شود، در تجارت روس از طرف شمال خیلی افزایش حاصل شده و جنس زیادتر به اصفهان ورود می‌کند. من از روزنامه مذکور راپورتی استخراج نموده [ام] و ذیلاً به عرض می‌رسانم:

۱۳ ژوئیت [۲۲ تیر؛ ۲۷ رجب]: از رشت و قزوین مالالتجاره بسیار وارد شد.
 ۲۰ ژوئیت: از رشت و قزوین قوافل بی‌شمار کمافی‌السابق وارد می‌شوند.
 ۳ اوت [۱۲ امرداد؛ ۱۹ شعبان]: روز ۲۷ ژوئیت قافله بزرگی که عده حیوان باری آنها ۶۰۰ الی ۷۰۰ راپورت داده شد، با قند و غیره از رشت وارد شدند.
 ۱۰ اوت: قوافل بزرگی قریب ۱،۰۰۰ رأس حیوان باری در عرض هفته از اصفهان به طرف رشت حرکت کردند. اکثر بار آنها پنبه بود.
 ۱۷ اوت: روز ۱۶ ماه جاری قافله محمول نقدینه برای بانک روسی وارد شد.

۲۴ اوت: روز ۲۱ اوت ۲۳ عرابه در تحت حفاظت قزاقان ایرانی از طهران وارد شد. ۲۱ از این عرابه‌ها محمول اقمشه روسی بود (۲۳۵ لنگه).

در همان روز ۸۰ قاطر که با امتعه روسی محمول بودند، وارد شدند.

۳۱ اوت: پنج عرابه دیگر دوتای آنها محمول امتعه روسی برای تجار ایرانی و یکی محمول اجناس عطاری وارد شد. از شمال قوافل متعدده با قند وارد شدند.

۶ سپتامبر [۱۴ شهریور؛ ۲۴ رمضان]: در اوایل هفته باز هم مقداری قند از قزوین وارد شد.

۱۴ سپتامبر: قوافل بسیار بزرگ که از قراری که راپورت داده شد مرکب از دو هزار الی سه هزار شتر و ۴۰۰ الی ۸۰۰ قاطر و الاغ بودند، از رشت و قزوین با قند و نفت و پارچه‌های ابریشمی وارد شدند.

۴ سپتامبر: قوافل دیگر هم از رشت و قزوین با قند و نفت وارد شدند.

۲۸ سپتامبر: قوافل بزرگ با قند و نفت از رشت و نقاط دیگر اتصالاً وارد می‌شوند.

۵ اکتوبر [۱۲ مهر؛ ۲۳ شوال]: مقدار کثیری نفت و قند متوالیاً از شمال وارد می‌شود.

۲ نوامبر [۱۰ آبان؛ ۲۱ ذی‌قعدة]: قریب ۵۳ لنگه اقمشه پنبه روسی برای سمسارهای ایرانی وارد شد. باز هم مقداری قند و چای وارد شد.

من تصور می‌کنم که میزان گزاف کرایه و قصور دولت ایران در اصلاح این امر، بیشتر باعث تولید این اوضاع مهم راه از بوشهر الی اصفهان گردیده است تا عدم امنیتی که در راه تلگرافی بین شیراز و اصفهان وجود داشته است.

مخاصمات و مجادلات در امتداد راه از بوشهر الی شیراز

در ماه اوت، متعاقب پیش‌آمدن و اقدامات صولت‌الدوله و غارت قوافل کوچک نزدیک چنار راهدار، تصور شد که منزل بین خان‌زنیان و چنار راهدار امنیت ندارد. در همان وقت از کازرون تا تنگ‌ترکان، بین علی‌محمد متمرّد کمارجی که کشکولیه‌ها حامی او بودند و در حمله ماه دسامبر بر سواره هند مرکزی شرکت داشت، و کلانتر کازرون و تفنگچیهای شبانکاره و کمارج که ناحیه کمارج را در تصرف داشتند، جنگ در کار بود. به مجرد آنکه مخاصمات در طرف کازرون - تنگ‌ترکان به اتمام رسید، تفنگچیهای کمارج و شبانکاره شروع به جنگ مطولی که در مدت ماه سپتامبر و قسمتی از ماه اکتوبر طول کشید، با خان دالکی و ناحیه کنارتنخته نمودند.

اهالی کنارتنخته جیرم‌را که دهی است متعلق به کمارج و در پای کتل کمارج واقع است، قبضه نمودند. اهالی کمارج ده مذکور را در اواسط سپتامبر دوباره متصرف شدند، لیکن از بالای برجهایی که بر ده مذکور مسلط بود، به قوافل شلیک می‌کردند که [به] متجاوز از یک نفر قاطردار حمله شد و مقتول گردید و قوافل تا مدتی می‌ترسیدند از اینکه از این نقطه عبور کنند.

تا ۱۴ روز در ماه سپتامبر هیچ قاطری به بوشهر وارد نشد. بعد از آن در دشت کنارتنخته، قسمتی از طایفه قشقائیه با کشکولیه و شبانکاره‌ایها متحد شده و از طرف مخالف هم، خان برازجان ۱۰۰ نفر را فرستاد که به همدست خود که در دالکی بود، کمک نماید.

دهات جعفرجن و بانکی که در دشت کنارتنخته واقع‌اند، مخصوصاً برای سوء رفتار نسبت به قوافل و اجعافات و انقلاب‌طلبی و بی‌احترامی کردن به اروپاییان مشهور شده‌اند.

مفتش اداره تلگراف و یکی از تجار آلمانی و صاحب‌منصبان انگلیسی و افراد سواره هند مرکزی تمام از سوء رفتاری که در سال ۱۹۱۲ به آنها در آنجا شده شکایت نموده‌اند. این ناحیه به انضمام ناحیه دشت کازرون نزدیک محل وقوع حمله ماه دسامبر گذشته، محتاج به اقدامات فوری سخت می‌باشد.

در غره ماه اکتوبر [۸ مهر؛ ۱۹ شوال] خان برازجان، عده‌ای را که مقداری آذوقه و مهمات برای سواره هند مرکزی می‌برد، در برازجان چند روزی نگاه داشت و با آنکه می‌دانست مأمورین دولت انگلیس کرایه نموده‌اند، آنها را از حرکت مانع آمد. این خان از سال ۱۹۰۹ در هر موقعی که پیدا کرده نسبت به عساکر و منافع انگلیس خصومت ورزیده است و به‌علاوه نظر به منازعات او با ناحیه شبانکاره و سوء رفتارش، خارج نمودن او برای امنیت راه بسیار مطلوب است.

قوافل دیگر را هم در همین وقت توقیف نمودند و خان برازجان اظهار می‌داشت که این اقدام را برای انتقام کازرونیهایی که در نزدیکی کازرون غارت شدند و مخصوصاً برضد قاطرداران کازرونی به عمل می‌آورد و برای آنکه گذارده‌اند دشمنان شبانکاره‌ای او، مقام خود را در کمارج بالای راه مستحکم نمایند.

کلانتر کازرون هم در عوض تمام قاطرهایی را که به آنجا رفتند تا دوازده روز توقیف نمود تا آنکه خان برازجان روز ۱۴ اکتوبر قوافلی را که معطل نموده بود، مستخلص داشت.

در عرض ماه اکتوبر قسمت راه بین برازجان و دالکی خطرناک بود و اهالی شبانکاره هجوم آورده و گله و رمة دالکی را بردند.

از همراهان خان دالکی، در شبی که خان دالکی برای بردن گله و رمة شبانکاره‌ایها هجوم آورد، سه نفر مقتول گردیدند. کدخدای یکی از دهات برازجان و چند نفر [از] شبانکاره و برازجان در همین قسم حملات شبانه مقتول گردیدند.

در آخر ماه اکتوبر و در اوایل ماه نوامبر، قریب ۲۰ میلی بوشهر به علت انتقام خون بین اهالی دو ده که یکی از آنها در تنگستان و کمی به طرف راست راه قافله‌رو واقع است جنگ به وقوع رسید.

در ۱۵ نوامبر [۲۳ آبان؛ ۵ ذی‌حجه] نوبت به منزل اول بین بوشهر و احمدی رسید و رؤسای عمده تنگستان که می‌خواستند از خان دالکی انتقام خون بکشند و حکمران

بوشهر هم به آنها اذیت می‌کرد، در آن طرف مسیله ۱ نزدیک بوشهر، قشونی جمع‌آوری نموده و عده‌ای از تفنگچیهای تنگستانی قریب ده میلی بوشهر جلو راه قافله‌رو را گرفته و امر داشتند نگذارند قوافل عبور کنند. بین آنها و طرفداران احمدیها از دور مقداری شلیک شد و قوافل با مال‌التجاره‌های پرقیمت و تمام قاطرهای بوشهر به انضمام دسته نظامی تا پنج روز نتوانستند حرکت کنند.

دولت تصویب نموده بود که عساکر اعلیحضرتی که در بوشهر هستند، همراه این دسته نظامی از مسیله به احمدی بروند. آنوقت به واسطه اقداماتی که از محل به عمل آمد، تنگستانیها به تنگستان مراجعت نمودند.

ایالت جدید فارس از حکمران بنادر خلیج درخواست نموده است که حکومت دشتی و دشتستان را که شامل قسمت بزرگی از خاک طرف ساحل بوشهر می‌باشد، به عهده گیرد چون حکمران بنادر خلیج قشونی ندارد که اقتدار خود را بر این رؤسای مستقل که از چند سال به این طرف مالیات نداده‌اند، اعمال نماید. محتمل است که تعیین این دو محل برای حکمرانی او صرف اسمی باشد.

(امضاء) چیک

جنرال قنسولگری انگلیس در بوشهر - ۱۵ دسامبر ۱۹۱۲

[۲۳ آذر ۱۲۹۱؛ ۵ محرم ۱۳۳۱]

ملحقات مأخوذات راهداری

مشهدی عوض	بهر روز	شهباز	
بولوندی	کازرونی		
۱۳ اکتوبر	۱۷ سپتامبر	۱۸ اوت	
۱۹۱۲	۱۹۱۲	۱۹۱۲	
قران	قران	قران	شیراز
۴	۴	۴	قهوه‌خانه
-	-	-۲۵	عقیف آباد
-	-	-۵۰	چنار راهدار
-	-	-۵۰	بول‌بردکار [= بوالورد؟]
-	-	-۵۰	برج ماسیرم
-	-	-۵۰	مل‌خره

(۱) اصل همه‌جا: مثیله. - م.

(۲) اصل: ماسرم. - م.

(۳) اصل: مل‌خره. - م.

-	-	۵۰-	قلعه نو
-	-	۵۰-	زنیان کهنه
-	-	۵۰-	زنیان نو
-	-	۵۰-	سرپل قره قاچ [= قره آقاچ]
-	-	۵۰-	از تنگ سرخ تا دشت ارجن [= ارژن]
۵-	۵-	-	(غلامحسین خان)
-	۲-	-	سوارهای کشکولی
-	۵۰-	۵۰-	برج سینه سفید
۱-	۵۰-	۵۰-	قلعه مشیری
۱-	۱-	۵۰-	سرچنگک
-	۱-	۵۰-	کاروانسرای میان کتل
۴-	-	۵۰-	دشت برم
-	۱-	۵۰-	عبدوئی
-	۵۰-	۵۰-	سر کتل دختر
۱-	۵۰-	-	زیر کتل دختر
-	۲۵-	۵۰	پل آبگینه
۵۰-	۵۰-	۵۰	قلعه شعاع السلطنه
۵۰-	۵۰-	۵۰	برج کمان کشی
-	-	-	کازرون
-	-	۵۰	باغ سید محمد
۵۰-	-	-	باغ شیخ حاجی
۵۰-	-	۵۰	قهوه خانه
۵۰-	۱-۲۵	۱-	دیریس
۱-	۱-	۲-	کاروانسرای راهدار
۱-	۱-	۲۰-	تنگ ترکان
۵۰-	۵۰-	۲۰-	کاروانسرای حکیم باشی
۱-۲۰	-	۲-	کمارج
-	-	-	علافی
۲-	۵۰-	۲۰-	کتل کمارج
۳۰-	۵۰-	-	در بانو
۱-	۱-	۵۰-	چیرم
۲۵-	۱-	-	دوراه خشت
۱-	۱-	-	تختکی

۱-۵۰	۱-	۱-	جعفرجن
۱-۲۵	۵۰-	۲۵-	کمانکشی
۵۰-	۱-	۱-	بانکی
۱-۵۰	۱-	۷۵-	دواگونی
۱-	۲۵-	۱۵-	سرکتل ملو
۲۵-	۲۵-	۲۰-	بنکردی
۲۰-	۵۰-	۵۰-	پل دالکی
۱-	۵۰-	۵۰-	نمازگه [= نمازگاه]
۵۰-	۵۰-	۱-	دالکی
۱-	۱-	-	(نورمحمدخان)
۳-	۲-	-	علافی
۵۰-	-	-	تفنگچی
-	۱۵-	۵۰-	آبگندو
۵۰-	-	۲۵-	قراولخانه
۵۰-	-	۲۵-	جته
۵۰-	۱-	۱-۵۰	برازجان
-	۲-	-	علافی
۵-	-	-	دیوانی
-	-	-	چاهخانه [چاهخونی؟]
-	-	-	قصار
۵۰-	۳-	۱۰-	خوشاب ۱
-	-	۱۰-	عیساوند
-	-	-	قهوهخانه
۱-	۱-۵۰	۱-	احمدی
۶۰-	۶۰-	۱۵-	چفادک ۲
۱۵-	۱۵-	۱۵-	بوشهر
۲ ۴۷-۳۰	۴۴-۸۵	۳۱-۴۰	جمع

www.adabestanekave.com

(۱) اصل: خوشات. - م.

(۲) اصل: چفاده. - م.

(۳) جمعها با ارقام برابر نیست و منظور از آنها دریافته نشد. - م.

شهباز ۱۸ نوامبر	باقر کازرونی ۲۲ اکتوبر	حسین دوانی ماه اکتوبر	
قران	قران	قران	شیراز
۳-	۴-	۴-	آسیای قوام
-	۷-	۵-	دشت ارجن [= ارژن]
-	۷-	۷-	سرچنگک
-۲۵	-	-	میان کتل
	-	۲-	کلوبی ۲
	۲-	۳-	کتل دختر
	-	-	پل آبگینه
	-۸۰	-۵۰	قلعه شماع السلطنه
	-۴۰	-۵۰	باغ سید
	-۵۰	-۵۰	برج نزدیک کازرون
	-	-۵۰	قهوه خانه
	۵۰	-۵۰	دیریس
	۵۰	۱-	تل دیریس
	-	-	رملکی
	۵۰	-۵۰	جادیس
	-	-۵۰	کاروانسرا
	-۶۰	-۵۰	راهدار
	-۵۰	-۵۰	تنگ ترکان -
	-۵۰	-۵۰	« شمال
	-۲۰	-۵۰	« جنوب
	-۲۰	-۵۰	ده کهنه
	۲-	۲-	کمارج
	-	۵۰	راهدار
	-۲۰	-	سر کتل
	۱	-	در بانو
-۵۰	-۲۰	۱-	چیرم
-۵۰	۱-	۱-	دوراه خشت
-	-۵۰	-۵۰	تختکی

-	-۵۰	-۵۰	تختکی جنوب
۱-	۱-۵۰	۱-	جعفر جن
-	۱-۵۰	۱-	پل بردی
-۵۰	-۵۰	-۵۰	خانم کشی ۱
-۵۰	۱-۵۰	۲-	بانکی
-۲۵	-۵۰	۱-	دواگونی
-	-۱۵	-۲۵	سرکتل
-	-۱۵	-۲۵	بن کردی
-۲۵	-۵۰	-۵۰	پل دالکی
-	-	-۵۰	نمازگاه
			دالکی -
-۲۵	۲-۵۰	۲-	« علافی
۲-	۱-	-	« دیوانکی
-	-۵۰	-	« تفنگچی
-	-۵۰	-۵۰	آب گندو
-۵۰	-	-۵۰	قراولخانه
-۵۰	-	-۵۰	جته
۲-	۱-	۲-	برازجان
-	-۷۵	-	« علافی
-	-۲۵	-۱۰	عیساوند
-۲۵	-۲۵	-۱۰	خوشاب
-	-۲۰	-	باغ هزار
۱-	۱-	۱-	احمدی
-۶۰	-۶۰	-۱۵	چفادک ۲
-۱۵	-۷۵	-۱۵	بوشهر
۲۵-۱۵	۴۰-۲۰	۴۸-۷۰	جمع ۲

www.adabestanekave.com

(۱) چنین است در اصل [= خان کشی؟] - م.

(۲) اصل: چفاده. - م.

(۳) جمع ها با ارقام برابر نیست و منظور از آنها دریافته نشد. - م.

نمره - ۵۲۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۱ ژانویه ۱۹۱۳ [۲۱ دی ۱۲۹۱؛ ۳ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۹ ژانویه شما:

علاءالسلطنه موفق شده است به تشکیل کابینه‌ای مرکب از عین‌الدوله وزیر داخله و وثوق‌الدوله وزیر امور خارجه و مستوفی‌الممالک وزیر جنگ و قوام‌السلطنه وزیر مالیه و مؤتمن‌الملک وزیر تجارت و مشیرالدوله وزیر معارف و ممتازالدوله وزیر عدلیه و مستشیرالدوله وزیر پست. این دو نفر آخری جزو کابینه سابق بودند و کارهای خوب نمودند.

این کابینه مقتدرترین کابینه‌ای است که بتوان تشکیل داد و دلیل صحیح به دست است که امیدوار باشیم که در صورتی که وجوهات لازمه به آنها برسد و دولتین با آنها همراهی داشته باشند، بتوانند به انجام اصلاحات استعماری مهمه موفق شوند.

نمره - ۵۲۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۱ ژانویه ۱۹۱۳ [۲۱ دی ۱۲۹۱؛ ۳ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۵ دسامبر شما:

قتل کاپیتان اکفورد

از مدتی به این طرف مسأله اینکه در صورتی که دولت ایران نتواند مقصرین را تنبیه نمایند، چه پلتيکی [= پلتيکی] را باید ما تعقیب نماییم جلب توجه مرا نموده و با کمال دقت توصیه شما را تحت ملاحظه قرار داده‌ام که در آن صورت مہیای اعزام قشونی به جنوب ایران برای حصول جبران بشویم.

به عقیده من این پیشنهاد محل اعتراضات مهمه است:

اعزام چنین قشونی، موجب مصارف بسیار زیاد خواهد بود زیرا که برای آنکه از موفقیت آنها یقین [داشته] باشیم، عده آن قشون باید زیاد باشد و البته قشون مذکور متحمل تلفات و نقصانات زیاد خواهد شد.

اعتراض مهمتر دیگر این است که یحتمل ما پس از انجام اقدامات نظامی مجبور شویم که بطور دائم یا لاقلاً تا مدت زیادی قسمت بزرگی از ایران را اشغال نماییم و عاقبت استقلال ایران معدوم خواهد شد و اقدام ما سبب مستقیم تقسیم آن مملکت خواهد گردید.

من جداً مخالف این پلتيک [= پلتيک] می‌باشم و گمان نمی‌کنم فعلاً جهت و سبب کافی برای عدم امیدواری به حفظ استقلال ایران باشد و گمان می‌کنم نظر به مصالح خودمان و نظر به تعهداتی که شده، بیشتر مقتضی باشد که تمام مساعی خود را برای تأسیس حکومت مقتدری در ایران و همراهی با ژاندارمری که وظایف خود را بطور

کامل انجام دهد، معطوف داریم.

ممکن است حکومت مذکور تا مدتی آنقدر اقتدار نداشته باشد که بتواند در میان ایلات انتظامات برقرار دارد و تنبیهات لازمه در حق آنها مجرا بنماید لکن هرگاه ما مقصود خود را با مداومت تعقیب نماییم، آنچه را که در نظر داریم، آخر الامر به وجود خواهد آمد و به مقام ما از این تأخیر لطمه‌ای وارد نخواهد شد و نباید به ایالت فارس برای اعزام قشون تأکید زیاد کرد تا آنکه او از مهلتی که برای تهیه آن داده می‌شود راضی است و از موفقیت حاصل نمودن آنها خاطر جمع است.

اما در باب ژاندارمری، آیا وجوهاتی که من شنیدم برای آن لازم است داده شده؟ بهتر است که برای استحکام این قوه پول به مصرف برسد تا آنکه يك قشون غیر منظم غیر مرتبی اعزام شود. من خیال می‌کنم که چون وجهی که لازم است نسبتاً کم است، برای نیل به این مقصود اقدام مخصوصی خواهد شد.

نمره - ۵۲۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ ژانویه ۱۹۱۳ [۲۲ دی ۱۲۹۱؛ ۴ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۴ ژانویه شما:

چنانچه انتظار می‌رفت، از زمان حمله به دسته عساکر انگلیسی نزدیک دشت ارجن [= ارژن] که منجر به قتل کاپیتان اکفورد گردید، يك ماه گذشته است و ایالت فارس هنوز نتوانسته است مقصرین را تنبیه نماید. گمان نمی‌کنم جناب معظم را باید برای قصور در این کار مورد سرزنش و ملامت قرار داد زیرا که در ظرف يك ماه، آنهم در این موسم سال، انجام این کار یکی از ممتنعات محسوب بود.

به موجب اخبار تلگرافی که از بوشهر و شیراز رسیده، واضح می‌گردد که ایالت به اتفاق ژاندارمری مشغول اقداماتی هستند که قشونی تهیه نمایند که بتواند در موقع برعلیه [= علیه] مقصرینی که مورد سوءظن واقع شده‌اند، اقداماتی بنمایند. فرمانده قوای نظامی ایالت با قشون کمی به کازرون رفته و از آنجا برای جمع‌آوری قشون دیگر به برازجان رفته است و در کازرون و کمارج ۲۰۰ نفر تهیه نموده و آنها را به سرکرده‌های معتبر سپرده است.

یکی از مقاصد این اقدامات این است که راه بوشهر را برای حمل مقداری اسلحه و مهمات که دو نفر از صاحب‌منصبان سوئدی برای حمل آن به بوشهر رفته‌اند، امن نمایند. این اسلحه‌ها را از اروپا برای ژاندارمری وارد نموده‌اند و خیال دارند هر دفعه نصف آنها را حمل کنند و صاحب‌منصبان سوئدی تا زمانی که عده قشون جمع‌آوری نشود و به‌طور کفایت تعلیم نیابد که بتوان در صورت وقوع حمله به آنها اعتماد نمود، نمی‌توانند با قافله از بوشهر حرکت کنند و نیز می‌خواهند که آنها را با پرکردن و خالی‌کردن دو توپهای ماکزیم که همراه دارند آشنا سازند.

محتمل به نظر می‌رسد که تا زمانی که قشونی که جمع‌آوری می‌شود حاضر برای

حرکت باشند، يك ماه طول بکشد.

در بوشهر ابتدا جمع‌آوری قشون اشکال داشت لکن معلوم می‌شود که همراهیهای سر کاکس نتیجه تسکین‌آمیزی داشت و حالا دیگر اشکالی ندارد.

ایالت خیلی میل دارد که برای قشونی که تشکیل می‌دهد اسلحه برسد لکن صاحب منصب فرمانده ژاندارمری شیراز بنا بر تعلیمات مرکز، به عنوان آنکه این اسلحه متعلق ژاندارمری است و به کسانی که خارج از ژاندارمری باشند داده نخواهد شد، با این امر موافقت نمی‌کند.

ظاهراً اعتراض او صحیح باشد ولی اگر قسمتی از این اسلحه به ایالت داده نشود، مساعی او به هدر خواهد رفت چرا که به وسیله دیگر نمی‌تواند قشون خود را مسلح نماید.

نمره - ۵۲۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۲ ژانویه ۱۹۱۲ [۲۲ دی ۱۲۹۱؛ ۴ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف امروز من:

وزیر امور خارجه دیروز صبح از من ملاقات نموده نقشه‌ای برای حفاظت راه از بوشهر الی ایزدخواست را که کلنل سوئدی ژاندارمری طرح نموده، به من ارائه نمود. در این نقشه طرح تشکیل دستجات سیار هم ریخته شده و تصور می‌شود که بدون این قوه سیار اعاده انتظامات فارس امکان‌پذیر نخواهد بود.

علاءالسلطنه اشعار داشت که در این موسم سال امکان ندارد بتوان اقدامات مؤثره برای مرتکبین حمله دشت ارجن [= ارژن] نمود، لکن ایالت هرگونه اقداماتی که بتواند، همینکه هوا گرم‌تر شد، حسب‌الامکان برای تنبیه مرتکبین به عمل خواهد آورد. جناب معظم به علاوه اظهار داشت که عقیده دولت ایران بر این است که فقط راهی که برای استقرار دائمی انتظامات متصور است، اجرای نقشه کلنل سوئدی است که در آن مقرر است، قریب ۱،۸۰۰ نفر در راه تعیین شود. علاءالسلطنه اظهار داشت که از این عده تاکنون جمعی اسمشان نوشته شده و مشغول تعلیم آنها هستند به طوری که قریب ۱،۰۰۰ نفر آنها در بهار آتیه حاضر برای حرکت به طرف جنوب باشند. این‌طور تصور می‌شود که دسته اول آنها بتواند قریب يك ماه دیگر حرکت کند.

علاءالسلطنه اظهار نمود فقدان پول اشکال بزرگی است که دولت ایران را مانع از ایجاد این قوه که مخارج سه‌ساله‌اش به ۳۵۰،۰۰۰ لیرا تخمین شده، می‌باشد. علت تعیین این مدت این است که هیأت دولت مطمئن می‌باشند که در صورتی که امکان داشته باشد تا آن زمان در فارس قوه نگاه داشت، در ایالت مذکور امنیت کاملاً اعاده خواهد شد و آن وقت عایدات خود ایالت زیادتر از احتیاجات آن خواهد بود.

جناب معظم سپس با قدری تردید طبیعی از من درخواست نمود که از دولت اعلیحضرتی استفسار نمایم که آیا حاضرند دفعه دیگر با دولت ایران همراهی نموده

و این مبلغ را قرض بدهند که از وجوهات استقراضی که به همین زودیها عمل آن به اتمام خواهد رسید مسترد گردد؟ وزیر امور خارجه به علاوه اظهار داشت که متجاوز از نصف این مبلغ را فوراً لازم نخواهند داشت لکن اگر دولت ایران بداند که مصارف سه سال آنها خواهد رسید، نقشه را نمی‌تواند به موقع اجراء گذارد.

جناب معظم به من فهمانید که هرگونه شرایطی که برای تأمین مصرف این وجه در محل صحیح لازم تصور بشود قبول خواهد شد و ارائه طریق نمود که این وجه باید توسط خزانه‌داری کل تماماً به دست فرمانده ژاندارمری داده شود و بالتامه برای تأمین احتیاجات فارس تخصیص شود.

عقیده من بر این است که ژاندارمری تحت امر صاحب‌منصبان سوئدی، فقط قوه‌ای است که می‌توانیم از آن اعاده انتظامات و امنیت راههای بزرگ ایران [را] انتظار داشته باشیم. در راههایی که فعلاً تحت حفاظت آنها است، [امنیت] کاملاً برقرار شده و یا آنکه علامات بهبودی معینی نمودار است. عقیده من بر این است که در آتی در صورتی که پول برای تشکیل قوه نظامی بسرای حفظ راهها برسد مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ لیرا که ماهیانه یا برحسب احتیاجات کلنل داده شود، برای مخارج نه یا ده ماه کافی خواهد بود.

من با کمال احترام از دولت اعلیحضرتی ملاحظه در این امر را درخواست نموده و تقاضای قبول آنرا دارم.

نمره - ۵۳۰

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری.

سنت پترزبورغ ۱۳ ژانویه ۱۹۱۳ [۲۳ دی ۱۲۹۱؛ ۵ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۰ ژانویه شما:

وزیر امور خارجه امروز در جواب مراسله‌ای که به ایشان نوشتم، یادداشتی به من دادند و مطالب ذیل از آن استخراج شده:

دولت روس با آنکه بسیار مایل به استقرار حکومت مقتدری می‌باشند، هنوز از کفایت کابینه جدید یقین حاصل ننموده‌اند. بنابراین، رویه دولت روس بسته به نتایجی است که کابینه جدید ابراز خواهد داشت و حسن سلوک آن نسبت به روسیه. دولت روس هنوز خیال می‌کنند که استقراض بزرگ لازم است و برای اتمام عمل آن تحت وثیقه‌های لازمه همراهی خواهند داشت و نیز راضی می‌باشند که پس از آنکه امتیازات راه‌آهنها قبول شود، از بابت استقراض بزرگ مبلغی مساعدده بدهند لکن مبلغ آن را تعیین نمی‌کنند. میل صمیمی دولت روس این است که عساکر خود را عودت دهند لکن با اوضاع موجوده، چون عساکر مذکور فقط وثیقه تأمین اتباع و تجارت روس می‌باشد، فعلاً نمی‌توانند از عده آنها بکاهند و نه هم می‌توانند تاریخی

برای عودت آنها معین کنند و عودت آنها بسته به اعاده و استقرار انتظامات است. در خصوص پروگرام اصلاحاتی که صدراعظم طرح نموده، چون هنوز آن را ندیده‌اند، نمی‌توانند اظهار عقیده بنمایند.

وزیر امور خارجه در ضمن صحبت اظهار داشت که چنانچه ملاحظه می‌کنید، سلوک دولت روس دوستانه است و در صورتی که کابینه‌ی حالیه توانست با این اوضاع مقابله نماید، او با کمال میل از آن تقویت خواهد نمود. من نتوانستم او را ترغیب نمایم که راضی به عودت قسمت کمی از عساکر روس شود.

در خصوص شجاع‌الدوله، جناب معظم اظهار داشت که حتی المقدور سعی در ابقای او خواهد نمود چرا که از زمان آمدن او به تبریز، اغتشاشی به ظهور نرسیده و به تجارت روس خسارتی وارد نیامده است.

نمره - ۵۳۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۴ ژانویه ۱۹۱۳ [۲۴ دی ۱۲۹۱؛ ۶ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲۹ دسامبر شما - حمله بر لیوتنان بولاک - وجه غرامت باید چنانچه پیشنهاد نموده‌اید، ۵۰۰ لیرا باشد، به علاوه سایر دعاوی که در مراسله ۲۹ نوامبر خود ذکر نموده‌اید.

به دولت ایران باید اطلاع داده شود که صورت ادعای دیگری برای این مبلغ به صورت دعاوی معوقه علاوه خواهد شد.

نمره - ۵۳۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۴ ژانویه ۱۹۱۳ [۲۴ دی ۱۲۹۱؛ ۶ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۲ ژانویه شما:

شما باید به دولت ایران اطلاع دهید که از صمیم قلب از اقداماتی که در نظر دارند برای اعاده و استقرار انتظامات در جنوب به عمل آورند بسیار مسرور هستم و با کمال دقت ملاحظه خواهم نمود که دولت اعلیحضرتی به چه قسم می‌توانند برای این کار کمک مالی بنمایند، پس از آنکه امتیازات راه‌آهنها داده شود.

قسمت عمده از هر مبلغ مساعده که ما بدهیم، گمان می‌کنم ممکن است برای اعاده انتظامات فارس به مصرف برسد و مبلغ مذکور را چنانچه درخواست شده است، می‌توان به قنصل اعلیحضرتی مقیم شیراز داد و به او دستورالعمل داد که آن را طوری به مصرف برساند که ثمری از آن حاصل گردد.

نمره - ۵۳۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۱۴ ژانویه ۱۹۱۳ [۲۴ دی ۱۲۹۱؛ ۶ صفر ۱۳۳۱]

لطف نموده مسیو سازانف را از مفاد تلگراف ۱۱ ژانویه طهران مستحضر داشته بگویند من صمیمانه امیدوارم جناب معظم به وزیرمختار روس مقیم پاریس تعلیم خواهد داد که به اتفاق سر برتی از نایب‌السلطنه خواهش نمایند که هر قدر زودتر که امکان دارد، کابینه جدید ایران را تصویب نمایند.

من در نظر دارم که به سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران تعلیم دهم که پیغام تشویق-آمیزی به علاءالسلطنه و همکارهای او بفرستد و امیدوارم مسیو سازانف هم همین قسم اقدام خواهد نمود.

نمره - ۵۳۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر برتی

وزارت خارجه ۱۴ ژانویه ۱۹۱۳ [۲۴ دی ۱۲۹۱؛ ۶ صفر ۱۳۳۱]

وقتی که تعلیمات به همکار روسی شما می‌رسد، شما باید به طوریکه در تلگراف امروز من به سر جارج بیوکانون ارائه طریق شده با نایب‌السلطنه ایران مذاکره نمایید.

نمره - ۵۳۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ ژانویه ۱۹۱۳ [۲۵ دی ۱۲۹۱؛ ۷ صفر ۱۳۳۱]

مالیه فارس

وکیل مالیه بلجیکی [= بلژیکی] خزانه به شیراز وارد شده و صحبت‌های طولانی رضایت‌بخش با قنصل انگلیس نموده است و اظهار داشته است که اگرچه در صورتی که ۱۵،۰۰۰ لیرایی که دولت اعلیحضرتی مساعدت داده‌اند از روی عقل به مصرف برسد، ایالت را ممکن است قادر نماید که تا آخر سال جاری ایرانی امور حکومتی خود را اداره نماید، لکن در ابتدای سال جدید که اواخر ماه مارس باشد، وضعیت او از حالیه بدتر خواهد شد به این دلیل که آن وقت قوه نظامی تشکیل شده که وجه برای پرداخت حقوق آنها موجود نخواهد بود. عایدات ایران در اول سال نو وصول می‌شود لکن عایدات فارس در ماه آوریل و مه و بعضی اوقات هم در ماه ژون در موقعی که ایلات سیار از بعضی نقاط عبور می‌کنند و دست‌رسی وصول‌کنندگان مالیات به آنها بیشتر است وصول می‌شود. اگر ایالت نتواند حقوق عساکر خود را بدهد، آنوقت با تظلمات آنها طرف خواهد شد و به سهولت ممکن است که تظلمات آنها منجر به اغتشاش‌گردد و آنوقت دیگر قشون نخواهد داشت که برای وصول مالیات از ایلات بر آن اتکاء

نماید.

وکیل خزانه‌داری مصارف حکومتی را ماهیانه به ۴۰،۰۰۰ تومان تخمین می‌کند و عقیده قنصل انگلیس براین است که وجه برای گردانیدن چرخهای حکومت از چهار الی شش ماه لازم است.

اگرچه تصور می‌شود که در صورتی که امور در مجرای صحیح بگذرد، در عرض سال آتی می‌شود قریب ۹۰،۰۰۰ لیرا عایدات وصول نمود، من اصرار دارم بر این که مصادر حکومتی هر قدر که ممکن است کم بشود.

امنیت و سعادت این ایالت در مدت کمی که برای ایالت باقی است، به اندازه‌ای بهبودی حاصل نخواهد کرد که بتوان به طریقی که در مراسله ۳ دسامبر خود ارائه طریق نموده‌اید، قراری با بانک داد.

من پیشنهاد می‌کنم که بسیار لازم است که در نقشه اداره نمودن امور ایالت که فعلا طرح شده، مداومت بشود و در صورتی که از پیشرفت آن حتی تا مدت قلیلی هم به علت فقدان وجوهات جلوگیری شود، مضار ترمیم‌نشدنی در آن به ظهور خواهد رسید.

عقیده من بر این است که ۳۰،۰۰۰ لیرا مکفی خواهد بود که به وسیله آن ایالت بتواند حکومت خود را بر اساس صحیحی قرار دهد چرا که به این طریق تا آخر ماه ژون پول خواهد داشت. من امیدوارم که شما قبول بفرمایید که وجه فوق‌الذکر به همان شرایطی که ۱۵،۰۰۰ لیرای سابق داده شد، به دولت ایران داده شود یا آنکه مبلغ مذکور از مساعده دیگر که داده خواهد شد برای مقصود فوق‌الذکر کنار گذارده شود.

نمره - ۵۳۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ ژانویه ۱۹۱۳ [۲۶ دی ۱۲۹۱؛ ۸ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۴ ژانویه شما به پاریس، نایب‌السلطنه کابینه جدید را تصویب نموده است و وزراء در ۱۸ ژانویه به شاه معرفی خواهند شد.

نمره - ۵۳۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۱۶ ژانویه ۱۹۱۳ [۲۶ دی ۱۲۹۱؛ ۸ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۳ ژانویه شما:

متأسف هستم از اینکه وزیر امور خارجه ممکن نمی‌داند به طریقی که در تلگراف دهم ژانویه خود پیشنهاد نمودم عمل نماید، لیکن امیدوارم که بتواند لااقل پیغام تشویق‌آمیزی به کابینه جدید ایران بفرستد.

از اطمینانی که مسیو سازانف می‌دهد که دولت روس همینکه امتیاز دو خط آهن که

مذاکره آن فعلا در میان است داده شد در پرداخت مساعده شرکت خواهند نمود، اگر از این مساعده که داده می‌شود باید نتیجه و فایده گرفت، باید مبلغ آن زیاد باشد و امیدوارم که دولت روس راضی خواهند شد مبلغ ۲۵۰،۰۰۰ لیرا داده شود.

خیلی اهمیت دارد که دولت ایران پول داشته باشد که بتواند در فارس انتظامات را اعاده نموده و مقصرین قتل کاپیتان اکفورد را تنبیه نماید. بنابراین، من با مراعات ملاحظات مسیو سازانف، پیشنهاد می‌کنم که در صورتی که انتظار تعویقی برود، پس از آنکه دو فقره امتیاز داده شد، سهم مساعده انگلیس داده شود.

نمره - ۵۳۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۶ ژانویه ۱۹۱۳ [۲۶ دی ۱۲۹۱؛ ۸ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۵ ژانویه شما - مالیة فارس - لطف نموده رجوع به تلگراف امروز من که به سنت پترزبورغ مخبره نموده‌ام بنمایید. این مسأله‌ای است که پس از تأدیة ۲۵۰،۰۰۰ لیرا قرار آن را می‌توان داد.

نمره - ۵۳۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۷ ژانویه ۱۹۱۳ [۲۷ دی ۱۲۹۱؛ ۹ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۱ ژانویه شما - اوضاع جنوب ایران - حالا که اعزام اردویی را مطلوب نمی‌دانید، من عرض می‌کنم که پلتيك [= پلتيك] دیگری را باید با کمال جدیت تعقیب نمود که هر قدر ممکن است ژاندارمری را تقویت نمود و حکومت مرکزی و محلی را که مخصوصاً با منافع ما ارتباط دارد، مؤثراً تقویت نمایم.

این مسأله را باید تأکید نمایم که تا زمانی که پول زیاد به ایالت و ژاندارمری داده نشود، به هیچ وجه پیشرفتی حاصل نخواهد شد و اگر این کار از قول به فعل برسد، یقین دارم که در قلیل مدتی بتوان انتظامات [را] در فارس اعاده نمود.

اوضاع ایالت مذکور فعلا المانگیز است و شاید از سایر قسمت‌های ایران بدتر است. ایالت از مدتی به این طرف، مالیات‌های بدهی خود را نپرداخته‌اند و اگر باید آنها را وادار به اطاعت قانون و محترم داشتن اقتدار ایالت نمود، واجب است که وجوهات کافی برای احتیاجات حکومتی و استقرار قوه نظامی بزرگی داده شود. اگر به علاوه این، دولت اعلیحضرتی به ایالت تقویت معنوی و مالی بنمایند، یقین دارم که رؤسای مقتدر ایالت که با او رقابت دارند و آنقدر اسباب درهم برهمی اوضاع می‌باشند، با او همراه خواهند شد.

حالی که کافی نخواهد بود که ایالت را از اشکالات مالی مستخلص نموده و او را ویل [= ول] کنیم بلکه لازم است که آنقدر پول به او بدهیم تا آنکه بتواند مقام خود را مستحکم بنماید و در صورتی که اقتداری حاصل نماید، گمان می‌کنم عایدات ایالتی

بزودی او را قادر تواند نمود که وجوهاتی را که مساعده داده می‌شود، مسترد بدارد. در خصوص ژاندارمری، در این نه ماهه اخیر ترقی بینی در جثه و هیکل افراد ژاندارمریها پدیدار شد و به مرور ایام صاحب‌منصبان آنها بیشتر تجربه برای سلوک با عساکر مشرق‌زمین حاصل خواهند نمود و البته در کار خود موفقیت حاصل خواهند نمود چرا که تمام آنها صاحب‌منصبان زرنگ کارکنی هستند. لکن با این خزانه خالی این قوه را که عده‌شان فعلاً به ۲۰۸۰۰ نفر می‌رسد، درست نمی‌شود نگاه‌داشت، اگرچه به کمک و همراهی بانک شاهنشاهی تمام مصارف (پس از تأخیر و تعویق ناچار) تاکنون داده شده است.

نمره - ۵۴۰

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۱۷ ژانویه ۱۹۱۳ [۲۷ دی ۱۲۹۱: ۹ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۱۶ ژانویه شما:

مسیو سازانف مرا اطلاع می‌دهد که حاضر است بگذارد کابینه جدید ایران امتحان خود را بدهند و تلگراف تشویق‌آمیزی به آنها مخابره خواهد نمود.

در باب پیشنهاد شما به اینکه دولت انگلیس سهم مساعده خود را مستقلاً بدهد، مسیو سازانف قبل از رضا دادن به این امر می‌خواهد در این مسأله مذاقه نماید. من به او اظهار داشتم تنها چاره کار این است که دولت روس با ما اتفاق نموده و فوراً مساعده را بدهیم.

جناب معظم اظهار داشت که بهتر است دولتین بالاتفاق عمل نمایند و دلایلی را که دولت اعلیحضرتی برای پرداخت فوری پول به دولت ایران ارائه نموده‌اند، تصدیق می‌کند.

نمره - ۵۴۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۱ ژانویه ۱۹۱۳ [یکم بهمن ۱۲۹۱: ۱۳ صفر ۱۳۳۱]

سالارالدوله

راجع به تلگراف ۲۷ دسامبر من:

سالارالدوله ترتیب رضایت‌بخشی را که سفارت روس و دولت ایران داده‌اند مبنی بر اینکه سالارالدوله در طهران اقامت نماید و حقوق به او داده شود و املاکی که ضبط شده به او مسترد گردد، قبول نموده است. روسها می‌خواهند که او تحت حفاظت آنها باشد. به نظر من می‌آید که چنین ترتیبی وثیقه خوبی برای حسن رفتار او است لیکن دولت ایران تا اندازه‌ای مخالف این عقیده هستند.

نمره - ۵۴۲

مکتوب وزارت خارجه به اداره هند

وزارت خارجه ۲۱ ژانویه ۱۹۱۳ [یکم بهمن ۱۲۹۱؛ ۱۳ صفر ۱۳۳۱] آقا

از طرف سر ادوارد گری وزیر امور خارجه تعلیم دارم که سواد مراسله سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران را که جوف آن سواد دو راپورتی است که از مستر اسمارت کفیل قنصلگری اعلیحضرتی مقیم شیراز رسیده و از حسن خدمات کلنل دوگلاس و عساکر تحت فرمان او و مستر اسمیت و اجزاء اداره تلگرافخانه هند و انگلیس در فارس به قنصلگری اعلیحضرتی تمجید و تحسین نموده است، لفاً ایفاد دارم. من لازم است اظهار بنمایم که شهادت خدمات اشخاص محترم مذکور با نهایت مسرت در این اداره قرائت شد و از طرف سر ادوارد گری، اظهار امیدواری می‌نمایم که مارکس اف کرو بتواند شناسایی و قدردانی خدمات آنها را به مقامات صحیحه توصیه نماید.

(امضاء) لوئیس ملت

نمره - ۵۴۳

مکتوب اداره هند به وزارت خارجه

اداره هند ۲۳ ژانویه ۱۹۱۳ [۳ بهمن ۱۲۹۱؛ ۱۵ صفر ۱۳۳۱]

از طرف وزیر هند تعلیم دارم که برای استحضار خاطر سر ادوارد گری، سواد تلگرافی را که از طرف حکومت هندوستان در باب جبران حمله‌ای که به صاحب‌منصبان انگلیسی نزدیک شیراز شده باید به عمل آید، مخایره شده است، لفاً ایفاد دارم. من تعلیم دارم اظهار بنمایم که چون مسأله پلتيکی [= پلتيکی] که دولت اعلیحضرتی باید در موضوع جنوب ایران تعقیب نمایند تحت ملاحظه و مذاکره کابینه است، مارکس اف کرو در نظر ندارد که ملاحظاتی در خصوص تلگراف جوف اظهار بنماید.

(امضاء) هلدرنس

ملفوف نمره ۵۴۳

تلگراف حکومت هندوستان به مارکس اف کرو

۱۷ ژانویه ۱۹۱۳ [۲۷ دی ۱۲۹۱؛ ۹ صفر ۱۳۳۱]

شیراز - ما تأکید می‌کنیم که جبران حمله به صاحب‌منصبان انگلیسی باید به عمل آید، لکن تصور می‌کنیم که باید مدت طولانی به ایالت مهلت داده و پول هم به او رسانید و پیشنهاد می‌کنیم که مسأله اعزام اردو تا پاییز آینده به عهده تعویق انداخته شود.

نمره - ۵۴۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۶ ژانویه ۱۹۱۳ [۶ بهمن ۱۲۹۱: ۱۸ صفر ۱۳۳۱]

بموجب اخبار جدید از تبریز، سپهدار تا چند روز دیگر به طرف اروپا رهسپار خواهد شد. دو ماه اجازه مرخصی گرفته است.

در نظر است که در غیاب سپهدار، شجاع الدوله به رتق و فتق امور مشغول باشد.

نمره - ۵۴۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۶ ژانویه ۱۹۱۳ [۶ بهمن ۱۲۹۱: ۱۸ صفر ۱۳۳۱]

وزیر امور خارجه مرا اطمینان می دهد که مسأله امتیازات راه آهن باید تا يك هفته یا زودتر فیصله شود. در باب آن، در جلسات یومیة کابینه مذاکره می نمایند.

جناب معظم به من مؤکداً اظهار داشت که مبلغ ۶۰۰،۰۰۰ لیرا از بابت استقراضی که بعد خواهد شد، بسیار لازم است.

دولت ایران امیدوارند که مبلغ استقراض ۶،۰۰۰،۰۰۰ لیرا خواهد بود که در پنج قسط سالیانه پرداخته شود.

در جواب سؤال من که آیا ۳،۰۰۰،۰۰۰ لیرا که سهم دولت انگلیس می شود، متضمن مبلغی خواهد بود که برای ژاندارمری فارس خواسته شده، وزیر امور خارجه توضیح نمود که دولت ایران امیدوار است که این مبلغ را مساعدۀ علیحده تصور خواهند نمود که از قسط دوم استقراض مسترد شود و این ۶۰۰،۰۰۰ لیرای علاوه، برای مصارف عمومی فوری لازم است و بطور مساعدۀ از بابت نصفه قسط اول محسوب خواهد بود.

نمره - ۵۴۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۷ ژانویه ۱۹۱۳ [۷ بهمن ۱۲۹۱: ۱۹ صفر ۱۳۳۱]

قنصل انگلیس مقیم شیراز تلگراف می کند که ایالت ۱،۰۰۰ تفنگ و ۵۰۰،۰۰۰ فشنگ برای قشون جدید خود جداً لازم دارد و پیشنهاد می کند که حکومت هندوستان ممکن است بتواند تفنگهای کوتاه طرز جدید که به جای تفنگهای بلند لی انفیلدا استعمال می شود، بدهد.

وزیر امور خارجه وساطت مرا در این امر درخواست نموده است و تفنگی را که ایالت ارائه طریق می نماید مناسب می داند، در صورتی که قیمت آن از تفنگهای موزر حالیه گرانتر نباشد.

ایالت بدون اسلحه نمی‌تواند در تشکیل قشون جدید خود پیشرفتی بدهد. اگر این پیشنهاد قبول شود من ارائه طریق می‌کنم که قنصل مقیم بوشهر بهتر از کسی دیگر می‌تواند با حکومت هندوستان ترتیب این کار را بدهد.
از قراری که از مأمورین محل به من اطلاع رسیده، ممکن است ترتیبی داد که اسلحه و مهمات سالم‌اً وارد شود.

نمره - ۵۴۷

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۷ ژانویه ۱۹۱۳ [۷ بهمن ۱۲۹۱؛ ۱۹ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲۶ ژانویه من:

وود شرایطی را که در تحت آن، دولت ایران حاضرند نوشته را امضاء نمایند که سندیکای راه‌آهن ایران حق احداث خط‌آهن از محمره الی خرم‌آباد را داشته‌باشد، تلگرافاً [=تلگرافی] بطور مفصل خبر می‌دهد.

نظر به غیرمعلومی مصارف احداث این خطوط و احتمال مفید بودن این اقدام از حیث منافع مالی یا عدم آن، دولت ایران این حق را برای خود محفوظ می‌دارند که پس از اتمام عمل مساحت، یا عقد کنترات نمایند یا آنکه امتیاز آن را بدهند. به نظر من این پیشنهاد با احتیاجات دولت اعلیحضرتی موافق باشد.

نمره - ۵۴۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ ژانویه ۱۹۱۳ [۱۰ بهمن ۱۲۹۱؛ ۲۲ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۷ ژانویه من:

تلگراف ذیل از نماینده اعلیحضرتی در ۲۹ ژانویه از تبریز رسیده است: انقلاب تبریز - جمعیت حالا از مسجد خارج شده‌اند.

نمره - ۵۴۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

وزارت خارجه ۳۰ ژانویه ۱۹۱۳ [۱۰ بهمن ۱۲۹۱؛ ۲۲ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲۶ ژانویه شما:

ما حاضریم مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ لیرا برای ژاندارمری فارس بدهیم به شرط آنکه همینکه ۱۵،۰۰۰ لیرایی که در ماه دسامبر گذشته داده شد، به اتمام رسید، [بر] مصرف آن کنترل داشته باشیم.

من در نظر دارم که مبلغ هشت هزار لیرا ماهیانه داده شود تا ۱۰۰،۰۰۰ لیرا بالتمامه پرداخته شود که برای حفظ راههای تجارتنی جنوب به مصرف برسد (رجوع به قسمت آخر تلگراف ۱۲ ژانویه خودتان کنید).

در باب مساعدۀ برای مصارف عمومی، باید صبر کنیم ببینیم دولت روس چه مبلغی خواهند داد و آنوقت همینکه دولت ایران امتیاز دو خطوط آهن را داد، بالتساوی مبلغی مساعدۀ خواهیم داد.

نمره - ۵۵۰

مکتوب وزارت خارجه به اداره هند

وزارت خارجه ۳۰ ژانویه ۱۹۱۳ [۱۰ بهمن ۱۲۹۱: ۲۲ صفر ۱۳۳۱]

از طرف سر ادوارد گری تعلیم دارم که سواد تلگرافی را که از سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران در باب رسانیدن اسلحه از طرف حکومت هندوستان برای قشونی که ایالت فارس می‌خواهد تشکیل دهد مخابره نموده، لفا ایفاد دارم. من لازم است ارائه طریق نمایم که در صورتی که مارکس اف کرو اعتراض ننماید، باید حکومت هندوستان را تشویق نمود که بطور مساعد این مسأله را تحت ملاحظه خود قرار دهد.

(امضاء) لوئیس ملت

نمره - ۵۵۱

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲ فوریه ۱۹۱۳ [۱۳ بهمن ۱۲۹۱: ۲۵ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۳۱ ژانویه من:

سالارالدوله بدون اینکه صبر کند تا آنکه ترتیبی که به دخالت سفارت روس داده شده به اتمام برسد، با ۲۰۰ نفر و عده‌ای از ترکمنها به طرف ناردین حرکت کرده است. نتیجه حمله او غیرمعلوم است لکن سفیر روس دیشب به من اظهار داشت که به عقیده وی سالارالدوله به حدود استراباد مراجعت نموده است.

نمره - ۵۵۲

ترجمه مراسله مسیو دتر در ۴ فوریه ۱۹۱۳ [۱۵ بهمن ۱۲۹۱: ۲۷ صفر ۱۳۳۱]

از قرار معلوم هیأت انگلیسی‌های سوسیته دتود مورد می‌باشند در اینکه در مذاکرات هیأت فرانسوی در موضوع استقراض شرکت نمایند و دولت انگلیس هنوز به اعضاء انگلیسی شرکت مذکور نظریات خود را در خصوص مطلوب بودن اعزام نمایندگان به طهران، ابلاغ ننموده است.

نظر به اینکه شروع به تبادل نظریات در باب استقراض و مخصوصاً فرستادن نماینده‌ای به طهران اهمیت دارد، یحتمل برای دولت انگلیس امکان خواهد داشت که به هیأت انگلیسی‌ها نصیحت نمایند که از مذاقه در این مسأله با هیأت فرانسوی در پاریس امتناع نمایند.

سفارت روس در لندن ۴ فوریه ۱۹۱۳

نمره - ۵۵۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۵ فوریه ۱۹۱۳ [۱۶ بهمن ۱۲۹۱: ۲۸ صفر ۱۳۳۱]

سندیکای راه آهن ایران امروز تلگراف ذیل را در باب راه آهن از محمره الی خرم آباد به مستر وود مخابره می نمایند:

راجع به تلگرافات ۲۸ ژانویه و ۳ فوریه شما:

اگر دولت ایران بطور قطع راضی می شوند که حق کنترات یا امتیاز به ما بدهند، ما رضا به پیشنهاد دولت می نماییم به شرط آنکه اولاً عمل شرایط کنترات یا امتیاز قبل از آنکه وجهی به مصرف مساحت برسد قطع شود و ثانیاً دولت ایران برای دستجاتی که برای مساحت می روند، مستحفظ تعیین نموده مخارج آنها را خودشان بدهند. وزارت خارجه برطبق این به سفیر اعلیحضرتی تلگراف می نماید. برطبق نظریات او عمل نمایید.

مقصود از این شرایط این است که سندیکا مخارج بیپهوده ننماید. شما باید مؤکداً به دولت ایران اصرار نمایید که بدون تأخیر کتباً به این امر رضا دهند. پس از حصول حق انتخاب، می توانیم با دولت روس در باب شرایط کنترات یا امتیاز مذاکره نماییم.

شما ممکن است همکار روسی خود را از این مقدمه مستحضر بدارید.

نمره - ۵۵۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ فوریه ۱۹۱۳ [۱۸ بهمن ۱۲۹۱: ۳۰ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۵ فوریه شما:

امتیاز راه آهن روس دیروز به امضاء رسید و وزیر امور خارجه مرا ملاقات نموده است و وزیر معظم اظهار داشته است نمی تواند پیشنهادات سندیکای انگلیس را قبول نماید. امیدوارم امروز بعد از ظهر وزیر امور خارجه را ملاقات نمایم.

نمره - ۵۵۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ فوریه ۱۹۱۳ [۱۸ بهمن ۱۲۹۱: ۳۰ صفر ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۵ فوریه شما:

وزیر امور خارجه فردا پیشنهادات سندیکا را به کابینه ارائه می کند و گمان می کند قبول بشوند.

جناب معظم اشعار می‌دارد که قبول نمودن آنها مسأله راه آهن را پیشرفت نمی‌دهد چرا که برای دولت ایران امکان ندارد رضا به شرایط کنترات بدهند تا آنکه بعضی اطلاعات در خصوص جزئیات مسأله به آنها داده شود و چنانچه سندیکا اظهار می‌دارند دادن این قبیل اطلاعات تا زمانی که مساحت به اتمام نرسیده، امکان ندارد. میل صمیمی دولت ایران این است که بزودی شروع به عملیات راه آهن شود.

نمره - ۵۵۶

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورغ ۸ فوریه ۱۹۱۳ [۱۹ بهمن ۱۲۹۱؛ یکم ع ۱ - ۱۳۳۱]
 مسیو سازانف همین الان تلگراف کرده است که وزیر مالیه راضی است مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیرا به دولت ایران مساعدت داده شود.

نمره - ۵۵۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۸ فوریه ۱۹۱۳ [۱۹ بهمن ۱۲۹۱؛ یکم ع ۱ - ۱۳۳۱]
 راه آهن محمره الی خرم آباد

از شنیدن اینکه دولت ایران با وجود دادن امتیاز راه آهن از جلفا به تبریز، پیشنهادات بسیار معتدل سندیکا را برای حق امتیاز قبول ننموده‌اند، دولت اعلیحضرتی متعجب و متأسف گردیدند. این قسم سلوک از روی عدم تساوی نظر به صبر و تحملی که دولت اعلیحضرتی نسبت به دولت ایران ابراز نموده‌اند، بسیار تأسفانگیز است. شما باید اصرار کنید که حق امتیازی را که سندیکای مذکور می‌خواهد بلا تأخیر بدهند. وقتی که داده شد، عمل جزئیات امتیاز یا کنترات به فوریت تسویه خواهد شد چرا که یقین دارم سندیکا که مایل به تسویه عمل آن هستند تأخیری را روا نخواهند داشت.

نمره - ۵۵۸

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ فوریه ۱۹۱۳ [۲۰ بهمن ۱۲۹۱؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۳۱]
 راجع به تلگراف ۸ فوریه شما:

وزیر امور خارجه مکتوبی به قرار ذیل به وود نوشته است:

دولت ایران حق احداث خط آهنی از محمره تا نقطه‌ای نزدیک آنجا الی خرم آباد به سندیکای خط آهن ایران می‌دهند به این معنی که سندیکای فوق‌الذکر یا به وسیله استقرار به شرایطی که ترتیب آن فیما بعد داده خواهد شد، راه آهن مذکور را به پول دولت ایران خواهد ساخت یا آنکه دولت ایران به سندیکای مزبور امتیازی برای احداث خط آهن مذکور خواهند داد به شرایطی که بعد از این مقرر شود. در صورت ثانی، سندیکا راه آهن را با پول خود [خواهد] ساخت و مسؤولیت آن به عهده آنها است.

برای آنکه بتوان یکی از دو ترتیب فوق‌الذکر را اختیار نمود و شرایط لازمه را روی کاغذ آورد، مساحت مقدماتی لازم است.

دولت ایران حاضرند که با سندیکا متفقاً شروع به مساحت نمایند و مخارج آنرا دولت متحمل خواهد شد به شرط آنکه اگر پس از اتمام مساحت، دولت ایران به موجب حق اختیار یکی از دو طریقه فوق‌الذکر، بخواهند امتیازی به سندیکای مذکور بدهند، سندیکا مصارف مساحت را که دولت ایران متحمل می‌شود، مسترد نماید. بدیهی است دولت ایران مصارف ترتیب محافظت مهندسین و مساحین را خواهد داد. مدت حق گرفتن امتیاز از تاریخ این نوشته تا دو سال دیگر خواهد بود.

به رئیس کابینه که این مراسله را به من داده تعلیم داده شده بود که اظهار امیدواری بنماید که سندیکا هر قدر زودتر که ممکن است صورت امتیاز را بنویسد محض آنکه شرایط پیشنهادات طرفین را تحت ملاحظه و مذاقه فوری قرار دهند بطوری که در انتخاب یکی از آن دو طریقه احداث خط آهن، وقت تلف نشود.

نمره - ۵۵۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ فوریه ۱۹۱۳ [۲۰ بهمن ۱۲۹۱؛ ۲ ع ۱۳۳۱ - ۱۳۳۱]

راه آهن محمره الی خرم آباد

ظاهراً مفهوم تلگراف ۷ فوریه من از بابت رویه دولت ایران در خصوص این مسأله بر شما مشتبه شده باشد. من خیلی از این مسأله تأسف دارم.

قبل از آنکه امتیاز خط آهن جلفا به امضاء برسد، وثوق الدوله مکرراً از من استفسار نمود ببیند جواب پیشنهادات او به من رسیده است؟ چرا که از قراری که او می‌گفت، بسیار مایل بود که عمل امتیاز به انگلیسها اول به اتمام برسد.

وزرای حالیه بخوبی قدر و قیمت تقویت دولت اعلیحضرتی را می‌دانند و مشارالیه در ضمن مذاکرات ثانوی، ابراز میل صمیمانه نموده‌اند فورمولی طرح نمایند که علاوه بر آنکه شروع سریع به کار را تأمین نماید، مقبول سندیکا و دولت اعلیحضرتی واقع گردد.

نمره - ۵۶۰

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۶ ژانویه ۱۹۱۳ [۲۶ دی ۱۲۹۱؛ ۸ صفر ۱۳۳۱]

آقا

افتخار دارم اینک سواد راپورتی را که ماژور کتلول در خصوص حمله‌ای که به دسته‌ای از سواره هند مرکزی نزدیک خان‌زنیان در ۱۱ دسامبر واقع و منجر به قتل کاپیتان اکفورد گردید نوشته است، لفا ایفاد دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۵۶۰

رپورت ماژور کتلول در باب حرکت هیأتی از دسته ۳۹ سواره هند مرکزی که روز ۱۱ دسامبر ۱۹۱۲ از خان‌زنیان به دشت ارجن [= ارژن] رفته‌اند. (دسته مرکب بود از ماژور کتلول و کاپیتان اکفورد و جامه‌دار سرایان‌سنگ و دوازده نفر به انضمام یک نفر مساح اسکادران نمره یک و دوازده نفر متعلق به اسکادران نمره ۲ و دو نفر مأمور خدمت صاحب‌منصبان و ۱۷ نفر همراه و ۱۷ رأس قاطر بنه.)

من ساعت ۷ قبل از ظهر، نیم ساعت بعد از حرکت دسته قریب ۱۵۰ نفر سربازهای ایرانی که به طرف جنوب می‌رفتند، حرکت کردم.

من ۱۲ نفر اسکادران نمره یک را برای حفظ بنه تعیین نمودم که همراه قاطرها بیایند و آنهایی را که متعلق به اسکادران نمره دو بودند، برای پیش‌قراولی تعیین نمودم.

از وقتی که از کاروانسرا تا رودخانه قره‌آقاج می‌رفتیم، من پیش‌قراول به کوه‌های طرف دست راست راه فرستادم و به آنها امر دادم که دوباره سر پل، به دسته ملحق شوند و این کار را کردند.

تا نزدیک رودخانه صاحب‌منصب ایرانی ژاندارمری با دو سوار از خان‌زنیان همراه من بودند. اینها به جلو تاخت کردند که قراولخانه خود را نزدیک برجی که قلعه گردنه سینه‌سفید ساخته شده بود تفتیش نمایند.

تقریباً پس از آنکه ژاندارمها حرکت کردند، من چون می‌دانستم تهیه منزل در دشت ارجن [= ارژن] اشکال داشت جامه‌دار سرایان‌سنگ را با دو نفر سوار فرستادم که به تاخت به آنجا رفته و قبل از آنکه سربازها برسند، منزل تهیه نمایند.

من سپس از رودخانه گذشته و دو نفر سوار جاسوس به یکی از کوه‌های کوچک دور (به ارتفاع قریب ۳۰۰ پا) که قریب ۷۰۰ ذرع به طرف جنوب غربی پل واقع است، فرستادم.

من بعد از ده الی پانزده دقیقه دور از ساحل توقف نمودم که دسته تماماً جمع شده و از جنگل خار و بته‌های سبز که تا یک میل و ربع امتداد دارد، عبور نماییم.

من مجدداً ساعت ۸ قبل از ظهر حرکت کرده و یک نفر را فرستادم که در امتداد رشته کوه (قریب ۲۰۰ پا بالای جاده) که تا کوهی که در فوق ذکر کردم ۴۰۰ ذرع مسافت دارد، سواره حرکت کند و دو نفر دیگر را فرستادم که بالای کوه دیگری که دورتر از این رشته‌کوه بود، بروند و دو نفر دیگر فرستادم که جلو بروند. دو نفری که روی کوه اول بودند، بعد به من ملحق شدند و دسته‌ای که حالا به جلو رفته بودیم، مرکب از کاپیتان اکفورد و خود من و چهار نفر مأمور خدمت و پنج نفر از اسکادران دوم بود.

در ساعت هشت و بیست دقیقه قبل از ظهر، این دسته که به جلو رفته بود به مسافت قریب ۲۰۰ ذرع از جنگل خارج شده و قاطرهای بنه تازه پیدا شده بودند که از کوه‌های طرف دست چپ به مسافت ۳۰۰ ذرع، بنای شلیک سخت به ما شد. دسته

که به جلو می‌رفت، به طرف کوهی که ۱۵۰ ذرع فاصله داشت، به تاخت رفتند که پناهگاهی تحصیل نمایند و چهار رأس قاطرهای بنه و چهار نفر از همراهان خود را به آنجا رسانیدند.

وضع کوه طوری است که پناهگاه خوبی تشکیل می‌دهد و تمام کوههایی که نزدیک آنجا بودند، با بته پوشیده بود به طوری که تا حالا ما حمله‌کنندگان را مشاهده ننمودیم. همینکه پای این کوه رسیدیم، پیاده شده و دو نفر را پهلوی اسبهای خود گذاردیم و خودمان شروع به بالارفتن کوه که یخ سخت آن را پوشانیده و لغزنده بود کردیم. ما قریب ۴۰ ذرع از کوه بالا رفتیم و من شخصاً هیچیک از حمله‌کنندگان را ندیدم؛ لکن گویا بعضی از افراد دسته دشمن را دیده بودند و در جواب گلوله آنها شلیک می‌کردند.

در این موقع کاپیتان اکفورد می‌خواست با زولور خود قراول برود که غفلتاً صدائی کرده و افتاد. او از من يك ذرع مسافت داشت و طرف دست چپ من بود. من سپس نزد او رفتم و او با اشکال گفت مرا گلوله زدند؛ و بیمهوش شد.

من دو نفر از همراهان را نزد او گذاردم و نوکرش هم که پایین بود بالا آمد. بعد با سه نفری که مانده بودند، کمی بالاتر به طرف مشرق تیزه‌کوهی که آن وقت روی آن بودیم، رفتیم و از آنجا (از میان دره جنگلی) بعضی از خصم را روی کوه طرف مخالف می‌دیدم (این انتهای رشته‌کوهی بود که يك نفر از سواران را فرستادم که در امتداد آن حرکت کند) و همینکه به کنار کوه رسیدیم، از ۱۵۰ الی ۲۰۰ نفر از خصم را دیدم [که] از ته دره حمله نموده و قریب ۳۰ ذرع مسافت را طی نموده در جنگل عقب ناپدید شدند. پنجاه نفر اولی این دسته تفنگ داشته و باقی ظاهراً اسلحه نداشتند.

من و کسانی که با من بودند به آنها شلیک نمودیم لکن ندیدیم کسی از آنها گلوله بردارد.

تا این وقت نمی‌دانستم چه اتفاقی برای افراد اسکادران اول و قاطرهای بنه رخ داده بود لکن چند نفر از همراهان را دیدم که پس از شلیک به جنگلها رفتند، و از محلی که ایستاده بودم بعضی از قاطرها را می‌دیدم که از جنگل بیرون آمده و در بستر رودخانه حرکت می‌کردند.

بعد ایرانیها آنها را محاصره نموده و از نظر محو شدند. یکی دو نفر از افراد اسکادران اول را نیز دیدم که در کوههای کم‌ارتفاع طرف شمال رودخانه رفته بودند. از بالای کوههای پهلوی ما هنوز شلیک می‌شد. مقصود من حالا این بود که سعی کرده تمام قشون خود را جمع کنم و کاپیتان اکفورد را حرکت بدهم و نزد او رفته و او را مدهوش یافتم لکن هنوز نفس می‌کشید.

من او را به پایین کوه برده و او را جلو يك نفر بر روی اسب گذاردم و سه نفر را امر دادم که عقب بیایند و همینکه تا مسافت ۴۰۰ ذرع دور شدم بتاخت خود را به من ملحق سازند و خودم با قاطرها و سایر همراهان به سرعت تمام به طرف راست

رودخانه رفتیم.

در راه جامه‌دار سرایان‌سنگ و دو نفری که با او رفته بودند، به من ملحق شدند و او راپورت داد در نیمه راه تا برج روی تنگه سینه‌سفید، (قریب دو میل به جلو) سربازهای ایرانی را دیده بود و آن وقت صدای شلیک را شنیده بود و از صاحب‌منصب ایرانی سربازها درخواست نموده بود مراجعت کند و او از این کار امتناع نمود. آنوقت خودش بتاخت در امتداد رودخانه مراجعت نموده بود.

همینکه به ساحل طرف راست رودخانه رسیدم، یکی از افراد اسکادران اول بتاخت نزد من آمده راپورت داد که دسته همراه او با عده‌ای از همراهان و قاطرها در کوه جلو بودند. من به آنها ملحق شده و دیدم که یکی از سائیس‌ها و چند رأس قاطر مفقود الاثر شده است.

از قراری که راپورت داده شد، پوران سنگ سوار هم مفقود شده بود (این پیش‌قراولی بود که پس از حرکت از رودخانه بعد از توقف من به کوه فرستاده بودم).

همینکه دسته خود را جمع نمودم، همراهان را با اسبها و قاطرها به جامه‌دار سرایان‌سنگ سپرده به او امر دادم که از طرف دست چپ رودخانه حرکت کند و دنبال من بیاید. در این نقطه از طرف شمال پناهگاه داشتند و از طرف جنوب هم تا اندازه‌ای از نظر محو بودند و تپه‌های سبزی که در بستر رودخانه بود، آنها را از نظر پنهان می‌داشت.

این خاک به طرف شمال تا چندین میل مشتمل است بر کوههای ناهموار کم‌ارتفاع و روی آنها گاهگاه تپه دیده می‌شود، لیکن مجاری آبهایی که به رودخانه می‌ریزد، پر از درختهای کوچک است.

من با کسان خود در امتداد این کوههای کم‌ارتفاع حرکت کرده کسان خود را دو دسته نموده و هر یک را به نوبت به جلو می‌فرستادم و به این طریق در ساعت ۱۱ و ۲۰ دقیقه به راهی که آن طرف پل است، رسیدیم.

در راه قریب ۱۵ الی ۲۰ نفر سوار روی یک کوهی قریب ۱،۵۰۰ ذرع به طرف شمال و چند نفر پیاده در دره‌های نزدیک‌تر دیدم و با آنها تبادل شلیک نمودم و یکی از آنها را دیدم گلوله برداشت و نیز ۵۰ یا ۶۰ نفر را روی پل با تفنگ دیدم لکن آنها را نشناختم و آخر الامر ناپدید شدند.

از کوههای جنوب رودخانه متصل گلوله می‌بارید و سه سوار را دیدم از طرف تنگه سینه‌سفید در امتداد کوهها حرکت می‌کردند. پس از قلیل مدتی معلوم شد که ژاندارم بودند.

همینکه به پل نزدیک شدم، ۳۰ الی ۴۰ نفر را که بعضی از آنها تفنگ داشتند، روی یکی از کوههای کم‌ارتفاع ۴۰۰ ذرع جلو خود دیدم و می‌خواستم به آنها شلیک کنم لکن فرار کردند. کمی بعد از آن، قریب بیست نفر بدون اسلحه ظاهر شدند و

من به طرف آنها رفتم. اینها از خان‌زنیان آمده بودند و غلام تلگرافخانه هم با آنها بود. به مجرد اینکه اسبهای من از پل گذشتند، صاحب‌منصب ژاندارمری به من ملحق شد و گفت که سه یا چهار نفر [از] ژاندارمها مجروح شده‌اند و از من کمک خواست که آنها را حرکت بدهد و بعد بعضی از دهاتیان و تفنگچیان را برد و آنوقت رفت و تا ساعت ۵ بعد از ظهر او را ندیدم. در این وقت کسان خود را سوار نموده و حرکت کردیم و قراول در کوههای طرف شمال عقب کاروانسرای خان‌زنیان فرستادیم.

همینکه به کاروانسرا رسیدم، دریافتم که یکی از اسبها به سینه‌اش گلوله خورده و پاشنه یکی از کسان مجروح شده و یک نفر از سائیسها مفقودالاثربود. سائیس^۲ مذکور دو بعد از ظهر پیدا شد و گفت که در جنگلی دویده و خود را آنجا پنهان نموده بود. نه قاطر با بار برده شده بودند و بعضی از همراهان را سراپا لغت کرده بودند.

همینکه صبح از کاروانسرای مذکور حرکت کردیم، دسته کوچکی از ایرانیان (مرکب از سه نفر زن و دو بچه یکی با دو نفر نوکر و دو جفت کجاوه و سه قاطر بنه) حاضر برای حرکت بودند. اینها یا آنکه فوراً عقب من حرکت کردند یا وقتی که من توقف نمودم به من رسیدند (اگرچه من آنها را ندیدم) چرا که سارقینی که ما را حمله نمودند آنها را غارت نموده و قاطرهایشان را برده بودند.

همینکه به رودخانه رسیدیم، من چند نفر از سربازهایی را که جلوتر حرکت کرده بودند، دیدم که در ساحل رودخانه توقف نموده بودند و وقتی که من از رودخانه عبور کردم، آنها ناپدید شدند و هیچ‌کس دیگر را در راه ندیدم که بیاید یا برود. فقط کسانی که شب قبل در کاروانسرا بودند، چند نفر چاروادار با قافله کوچکی بودند که به طرف شیراز می‌رفتند.

همینکه به کاروانسرا رسیدیم، سیم تلفون خود را به سیم تلگراف وصل نموده و سعی کردم که با شیراز مخابره نمایم لکن کامیاب نشدم و تا ساعت دو بعد از ظهر توقف نمودم و می‌دانستم آن وقت موقع امتحان خط است و آن وقت مایه را راپورت دادم.

در عرض بعد از ظهر، ۴ نفر ژاندارم مجروح را به کاروانسرا آوردند. تا اندازه‌ای که توانستم تحقیق بنمایم، اینها در کوههای ساحل طرف راست رودخانه تیر خورده بودند و اسلحه و مهمات جنگی آنها را هم غارت نموده بودند و وقتی که در امتداد ساحل چپ رودخانه حرکت می‌کردم من رده^۳ دسته‌ای را که به من حمله نمودند دیدم. پس از اتمام حمله، به طرف شمال رفته بودند و خدار^۴ محمدزمان صاحب‌منصب غیرمأمور که حفظ بنه سپرده به او بود، این‌طور اظهار می‌دارد:

۱ و ۲) اصل: سائین. - م.

۳) چنین است در اصل [= رد - رد پا؟]. - م.

۴) چنین است در اصل [= خدر؟]. - م.

بمجرد آنکه شلیک شروع شد و سائیس‌ها فرار کرده بودند، من کسان خود را جمع نموده و سعی کردم قاطرها را به پناهگاهی برانم، لکن فوراً قریب ۱۹۰ نفر از ایلیاتیها مرا معاصره نمودند و از بالای کوه به سرعت تمام پایین آمده بعضی از قاطرها را گرفتند. ۱۵ الی ۲۰ نفر سوار هم از عقب آمدند. من بعد با چند قاطری که به دستم آمد، کسان خود را از رودخانه عبور دادم.

همینکه از رودخانه عبور می‌کردم، قریب ۳۰ الی ۴۰ نفر سوار از ساحل طرف دیگر آمدند. من بعد کسان خود را بالای کوه کوچکی قرار دادم و بر خصم شلیک نمودم و بعضی از آنها خواستند بر من حمله نمایند برای آنکه قاطرهای مرا ببرند، لکن به واسطه شلیک من به عقب رفتند و بعد به دره طرف شمال رفتند و سایرین که اول قاطرها را گرفته بودند فوراً همراه آنها رفتند و من دیدم که ۴ نفری را که گلوله خورده بودند، می‌بردند. سارقین جمعاً قریب ۱۴ رأس قاطر بردند به این معنی که ۵ رأس زیاده بر آنچه از من گرفته بودند بردند. من قاطر دیگری در آن حدود ندیدم. مدت کمی پس از آنکه آنها رفتند، شما به من ملحق شدید.

نمره - ۵۶۱

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۲ ژانویه ۱۹۱۳ [۲ بهمن ۱۲۹۱: ۱۴ صفر ۱۳۳۱]

افتخار دارم خلاصه وقایع چهار هفته ایران را به طریق معمول ماهیانه لفاً ایفاد

دارم.

(امضاء) والتر تنلی

ملفوف نمره ۵۶۱

خلاصه وقایع چهار هفته طهران

(لغایت ۲۲ ژانویه ۱۹۱۳)

طهران

کابینه - پس از اشکال زیاد و تأخیر و تعویق متواتر، علاءالسلطنه عاقبت موفق به تشکیل کابینه شده است و مرکب از اعضاء ذیل است. این کابینه روز ۱۸ ژانویه به شاه معرفی شدند:

صدر اعظم	علاءالسلطنه
وزیر داخله	عین الدوله
وزیر خارجه	وثوق الدوله
وزیر جنگ	مستوفی الممالک
وزیر مالیه	قوام السلطنه
وزیر تجارت	مؤمن الملک
وزیر معارف	مشیرالدوله

ممتازالدوله

وزیر عدلیه

مستشارالدوله

وزیر پست و تلگراف

نایب السلطنه تلگرافاً [= تلگرافی] در این هفته این کابینه را تصویب نمود. خزانه دار کل - روز ۲۴ دسامبر مورد تعرض متمردهانه گردید: در موقعی که صدراعظم با تلفون او را احضار نموده بود، دسته‌ای از بختیاریها بطور تهدید او را محاصره نموده و تأدیة حقوق عقب‌افتاده خود را از او مطالبه نمودند و به تهدید تنها کفایت نکرده نوکرهای شخصی مسیو مرنارد را حمله نمودند.

به کمک سفارتین ترتیب این کار بطور رضایت بخش فیصله یافت.

نظمیه - روز ۱۷ ژانویه، اجزاء نظمیه بطور عموم دست از کار کشیدند و چون می‌خواستند ژاندارمها را مجبور کنند به آنها ملحق شوند، قدری اغتشاش به ظهور رسید و بعد، از بابت حقوق عقب‌افتاده مبلغی به آنها داده شد.

قانون انتخابات - کمیته قانون انتخابات تصمیم نموده‌اند که منتخب باید معادل ۱۰۰ لیرا دارایی داشته باشد و معادل ۱۰ شلینگ مالیات بده باشد.

رشت

در ناحیه طالبش صلح و آرامی موقتاً اعاده شده است.

هر هاز، معلم نظامی آلمانی دولت ایران، روز ۳۱ دسامبر با مهمات جنگی از اروپا مراجعت نمود و چند توپ ماکزیم برای ژاندارمری همراه آورد. با خوشتاریان کنتراتی شده که در راه از رشت الی طهران، دستگاه اتومبیل راه بیندازد و انتظار می‌رود که تا شش‌ماه دیگر این کار به اتمام برسد.

استرآباد

عساکر روس که فعلاً در خانه حکمران جمع شده‌اند، عده‌شان به ۲۸۰ نفر می‌رسد و چهار عراده توپ دارند.

سالارالدوله روز ۱۲ ژانویه به خجه نجف [= خواجه نجف] رسیده.

سیستان

ماژور پریدو، قنصل اعلیحضرتی، روز ۲۶ نوامبر وارد شد.

در بیرجند هیجانی برعلیه [= علیه] مأمورین مالیه برپا است. ویس قنصل اعلیحضرتی مقیم آن شهر راپورت می‌دهد که مدیر مالیة محلی از خانواده پستی است و پست‌ترین اشخاص بیرجند را استخدام نموده است.

کرمان

ماژور لازیمر قنصل اعلیحضرتی روز ۱۰ ژانویه وارد گردید.

اردویی که ایالت به سیرجان فرستاده بود، روز ۸ دسامبر مراجعت نمودند. از راپورتهایی که رسیده، ظاهر می‌گردد که قشون غیرمنظم بختیاری در غارت و چپاول بیداد نموده، دهات را با خاک یکسان و اهالی را مورد بی‌شرافتیهای سخت

قرار دادند.

ایالت به علت فقدان پول از قصد دیدن بلوچستان ایران صرف نظر نموده است. سردار سعیدخان و نوابخان بلوچ تهیه جنگ می بینند.

شیراز

مسیو استاس وکیل مالیه دولت ایران روز ۱۱ ژانویه وارد شد برای جمع آوری افراد که به اتفاق ژاندارمری، قافله محمول اسلحه و مهماتی را که از اروپا برای ژاندارمری به بوشهر وارد شده، به شیراز برسانند.

او ظاهراً در مساعی خود موفقیت حاصل نموده است. ماژور سیفورت تصمیم نموده است که حالیه اقدامی برای آوردن قافله مذکور ننماید.

از کازرون چند فقره سرقت قوافل راپورت داده شده و قراول [های] راه در تنگه ترکان، هنوز از قوافل پولهای گزاف می گیرند و به بارها دست درازی می کنند و مسافری را صدمه می زنند.

روز ۲۲ دسامبر محمدعلی خان کشکولی به ده نزدیک کازرون حمله برده آنجا را قبضه نمود. در جنگی که واقع شد، قریب ۳۰ نفر از طرفین مقتول گردیدند.

اصفهان

سردار ظفر روز ۲۹ دسامبر به طرف طهران حرکت نمود که به اروپا برود و امیر جنگ (یکی از پسران سردار اسعد) در غیاب سردار اشجع زمام امور را به دست گرفت.

در اوضاع شهر در ماه گذشته بهبودی بینی حاصل شده و وجوهات مالیات به طور رضایت بخش به اداره مالیه می رسد و مناسبات بین نایب الحکومه و وکیل مالیه بسیار خوب است.

قوافل در راه اصفهان الی شیراز عبور و مرور می نمودند. امنیت حالیه را می توان به واسطه سختی هوا دانست که ایلات راهزن را از راه بدر برده است.

راپورتهای از آباده معلوم می دارد که ایالت فارس با رؤسای بویراحمدی مشغول مذاکره است و آنها به شهر آمدند که در خصوص قراولی قسمتی از راه بین آباده و امین آباد، با او قراری بدهند.

یزد

اردویی که به مروس [= مروسست؟] فرستاده شده بود، ظاهراً چندان موفقیتی حاصل نمودند. روز ۷ ژانویه ۲۰۰ نفر قشون امدادی به طرف ناحیه مذکور رهسپار شدند. کفیل قنسولگری انگلیس راپورت می دهد: یکی از واقعات سال گذشته کمی قوافلی بوده است که از بندرعباس وارد می شدند و مال التجاره شمال متدرجاً جای مال التجاره انگلیس را در بازار می گیرد.

کرمانشاه

صمصام الممالک، بزرگتر سنجاییها، از مدتی به این طرف به واسطه مزاجت و انتریگ، اتحاد خود را با ایلات محلی مستحکم می ساخت که تمام ایلات کرمانشاه را

برعلیه [= علیه] کلهرها متحد نماید. اتحاد اینها در اوایل سال گذشته شروع شد و در جریان پلتيك [= پلتيك] آن محل، اتحاد مذکور نفوذ کاملی اعمال نموده است. حالیه ظاهر می‌گردد که ایلات متحده مذکور خود را به طوری قوی می‌دانند که شروع به مجادلات نمایند و عقیده قنسول اعلیحضرتی بر این است که ایلات کلهر نمی‌توانند با قشون آنها مقاومت نمایند.

صمصام‌الممالک چند نفر از متمردين مشهور را نیز با این هیأت متحد نموده و در جزو آنها محمودخان حکمران بیستون است و مستر مک‌دول می‌ترسد از این که مبادا او در صورتی که بر سنجاییها غالب شود، راه بغداد را اشغال نماید.

فرمانفرما در شهر است لیکن خود را از هرگونه مسؤولیت رسمی بری ساخته است. راههای اطراف، تمام ناامن می‌باشند و مال‌التجاره کم حمل می‌شود. حفاظت راه همدان به ایل گتومد [= گتوند؟] که از راه‌زنان مشهور کردستان می‌باشند، سپرده شده است.

بوشهر

در اوایل نوامبر کلانتر بوشهر که در تمام مدت ده سال خدمت، خود را دائماً به اشکال‌تراشی و ضدیت با منافع انگلیس معرفی نموده، از طرف حکمران دستگیر گردید. طرفداران او برای استخلاص او هیجانی برپا نمودند و وقتی که از انتریگ‌های آنها ثمری حاصل نشد، دو دسته مسلح اعزام شدند که جلو راه شیراز را در خارج بوشهر بگیرند و ایاب و ذهاب قوافل را تا چند روزی مانع شدند. چون بیم شیوع و توسعه این اغتشاش می‌رفت قنسول جنرال اعلیحضرتی پیشنهاد کرد که برای بازکردن راه عساکر به کار برده شود. در این بین کسان حکمران به سد راه آذوقه برای شورشیان و ترغیب آنها به مراجعت، موفق شدند.

اهواز

اخبار واصله از بهبهان می‌نمایاند که امیر مجاهد به غیر از گرفتن وجوهات زیاد از اهالی شهر، کار دیگری صورت نداده است. قنسول اعلیحضرتی اظهار می‌دارد که دیگر نمی‌توان حالیه امید داشت که او می‌تواند کنترلی بر ایل کهکلوئی [= کهگیلویه] داشته باشد. به واسطه اقدامی که برای گرفتن مالیات از ناحیه لیراوی که جزو قلمرو حکومت او نیست نموده، اشکالات تولید شد و شیخ محمره علی‌هذا تهدید نموده است که دیگر امیر مجاهد را تقویت نخواهد نمود.

محمره

امیرخان یکی از اتباع هندی انگلیس برای مفتشی مالیة عربستان تعیین شده و در آخر نوامبر وارد طهران خواهد شد.

نمره - ۵۶۲

مکتوب سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۲ ژانویه ۱۹۱۳ [۲ بهمن ۱۲۹۱ : ۱۴ صفر ۱۳۳۱]

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که کفیل قنصلگری اعلیحضرتی مقیم رشت حرکات عساکر روس را به طریق ذیل راپورت داده است:

در ۸ ژانویه ۱۰۰ نفر از پیاده نظام رژیمان شماسکینسکی روس از قزوین به رشت آمده و روز بعد از انزلی به طرف روسیه رفتند.

روز ۱۴ ژانویه ۳۰۰ نفر از پیاده نظام روس از روسیه به رشت وارد و روز ۱۵ ژانویه با یکصد نفر دیگر که روز ۱۵ ژانویه آمده بودند، به طرف قزوین حرکت کردند.

(امضاء) والتر تنلی

نمره - ۵۶۳

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۰ فوریه ۱۹۱۳ [۲۱ بهمن ۱۲۹۱ : ۳ ع ۱ - ۱۳۳۱]

به دولت از حیث پول خیلی سخت می‌گذرد. وزیر امور خارجه اظهار امیدواری صمیمانه نموده است که شما وساطت نموده دولت روس را ترغیب خواهید نمود که در عوض امتیاز خط آهن جلفا الی تبریز مساعده صحیحی بدهند.

جناب معظم امیدوار است که دولت اعلیحضرتی مساعده‌ای که وعده داده‌اند، به تأخیر نخواهند انداخت چرا که دولت به حسن نیت ایشان اعتماد دارد.

نمره - ۵۶۴

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۰ فوریه ۱۹۱۳ [۲۱ بهمن ۱۲۹۱ : ۳ ع ۱ - ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۲۱ ژانویه من:

ترتیبی که برای سالارالدوله داده شده، به موقع اجراء گذارده نشده چرا که کابینه جدید وقتی که امور را بدست گرفت، تصمیم نمود که چنین شخص انتریکچی خطرناکی را با این اوضاع نباید گذارد در طهران اقامت نماید و پس از مذاکرات زیاد بنابر ارائه طریق دولت روس، تصمیم شد که به سمت حکومت گیلان فرستاده شود. در این بین سالارالدوله قشونی تشکیل داده و از استراباد برای غارت و چپاول حرکت نمود و بعضی را عقیده بر این است که به طرف مشهد در حرکت است و به سبزوار رسیده است.

نمره - ۵۶۵

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۰ فوریه ۱۹۱۳ [۲۱ بهمن ۱۲۹۱؛ ۳ ع ۱ - ۱۳۳۱]

کابینه مجدداً در خصوص تشکیل قشون کوچکی باب مذاکرات را مفتوح نموده‌اند و تصور می‌شود که حکومت مرکزی بدون قوه نمی‌تواند اقتدار خود را در ایالات و ولایات محسوس بدارد.

حالیه فقط پیشنهاد شده است که قشونی مرکب از قریب ۶،۰۰۰ یا ۷،۰۰۰ نفر تشکیل شود. نه نفر صاحب‌منصبان خارجی برای تعلیم آنها لازم است.

حکومت صاحب‌منصبان سوئدی را ترجیح می‌دهد، برای آنکه قشون ژاندارمری بیشتر بهم مربوط بشوند، لکن به آنها مفهوم شده که تحصیل صاحب‌منصبان به اندازه‌ای که برای ژاندارمری لازم است اشکال خواهد داشت.

نمره - ۵۶۶

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۱ فوریه ۱۹۱۳ [۲۲ بهمن ۱۲۹۱؛ ۴ ع ۱ - ۱۳۳۱]

اطلاع ذیل را در باب امتیاز خط آهن از جلفا الی تبریز به دست آورده‌ام و گمان می‌کنم صحیح باشد.

این امتیاز برای مدت ۷۵ سال است و دولت ایران پس از ۳۵ سال حق خریدن آن را دارند و هرگونه خطری یا خسارتی در احداث آن وارد شود، به عهده صاحبان امتیاز است و نه دولت روس و نه دولت ایران هیچکدام وثیقه مالی نداده‌اند.

این امتیاز تبدیل امتیاز سابق راه است که مدت آن منقضی شده و متضمن حق حفر و استخراج کلیه معادن نفت و زغال سنگ تا مسافت ۴۰ میلی در طرفین خط مذکور می‌باشد. منافع دولت ایران به قرار ذیل است:

(۱) شرکت متساوی در منافع خط آهن پس از تأدیه صدی هفت در سرمایه که به کار برده می‌شود.

(۲) صدی پانزده از خالص منافع اراضی خالصه که در ۴۰ میلی طرفین خط مذکور واقع است.

این امتیاز متضمن حق احداث شعبه تا انتهای شمالی دریاچه ارومی می‌باشد و حق رجحان به کمپانی مذکور می‌دهد برای ساختن خطی بین قزوین و تبریز به هر قسم شرایطی که کمپانی دیگری در آتیه پیشنهاد نماید، و به علاوه امتیاز قدیم راه هم، در تحت بعضی شرایط راجع به مدت ساختن آن، تجدید می‌شود.

حق رجحان مال التجاره از حیث میزان قیمت حمل و نقل در این خط داده نشده است.

نمره - ۵۶۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۱ فوریه ۱۹۱۳ [۲۲ بهمن ۱۲۹۱؛ ۴ ع ۱ - ۱۳۳۱]

از تلگراف ۸ فوریه سنت پترزبورغ، بر شما معلوم خواهد شد که دولت روس راضی شده‌اند مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیرا به دولت ایران قرض بدهند. من با خزانه مذاکره خواهم نمود که مبلغی به همین میزان از طرف دولت اعلیحضرتی داده شود.

شما باید در باب تأمین و منافع و استرداد وجه مذکور با سفیر روس مشورت نمایید و هر قدر زودتر که ممکن است مرا از نظریات خود تلگرافاً [= تلگرافی] مستحضر بدارید.

شما البته می‌دانید که این مساعدت بکلی از مساعدت‌های که برای فارس داده خواهد شد و تعلیمات علیحده در خصوص آن به شما داده شده است، مجزی می‌باشد.

نمره - ۵۶۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر والتر تنلی

وزارت خارجه ۱۲ فوریه ۱۹۱۳ [۲۳ بهمن ۱۲۹۱؛ ۵ ع ۱ - ۱۳۳۱]

راجع به تلگراف ۳۰ ژانویه من:

شما مجاز هستید که به دولت ایران اطلاع دهید که دولت اعلیحضرتی بسیار مایلند دولت مشارالیه را به وسیله ژاندارمری در اعاده انتظامات فارس همراهی نمایند و حاضرند علاوه بر مبلغی که از بابت استقراض می‌دهند، پول برای اداره کردن امور فارس به شرایط ذیل بدهند:

(۱) آنکه شرایط قسمت دوم تلگراف دهم دسامبر شما ملحوظ و منظور گردد.
 (۲) آنکه تحت هرگونه ملاحظاتی که شما بخواهید ارائه نمایید، بودجه ژاندارمری را صاحب‌منصب فرمانده شیراز به موافقت قنسول اعلیحضرتی و مشورت وکیل مالیه تهیه نماید و وقتی که این کار به اتمام رسید، تمام پولهایی را که باید پرداخته شود صاحب‌منصب سوئدی بپردازد.

(۳) که تمام لوازمات ژاندارمری خریده شود.

(۴) و ترتیب تأمین و منافع صحیح داده شود.

آیا می‌توان ترتیبی داد که این مساعدت علیحده را در مقابل عایدات ایالت داد؟ (رجوع به تلگراف ۱۵ ژانویه خودتان نمایید در قسمت دوم.) در باب منافع چه می‌توان کرد؟ خیلی مسرور خواهم شد که شما عقیده قطعی خود را در باب مبلغی که تشکیل و توسعه تدریجی قوه ژاندارمری را تأمین نماید و به همین طور مبلغی را که ایالت برای اداره کردن امور لازم دارد اظهار بدارید. تصور می‌کنیم ۸،۰۰۰ لیرا ماهیانه برای تمام مقاصد و مصارف مکفی خواهد بود.

نمره - ۵۶۹

تلگراف سر والتر تنلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ فوریه ۱۹۱۳ [۲۵ بهمن ۱۲۹۱؛ ۷ ع ۱ - ۱۳۳۱]

کابینه چند فقره تلگراف به نایب‌السلطنه مخبره نموده و اصرار به مراجعت او به ایران نموده‌اند لکن جوابهای ایشان مبهم و بلا تصمیم بوده است.

نمره - ۵۷۰

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری

سنت پترزبورگ ۱۴ فوریه ۱۹۱۳ [۲۵ بهمن ۱۲۹۱؛ ۷ ع ۱ - ۱۳۳۱]

وزیر امور خارجه از نماینده هیأت مالیه روس شنیده است که موقع حالیه برای مذاکره استقراض بزرگ ایران مساعد است.

جناب معظم علی‌هذا امیدوار است که شما هیأت انگلیسی را ترغیب خواهید نمود نماینده به پاریس بفرستند.

نمره - ۵۷۱

مکتوب وزارت خارجه به اداره هند

وزارت خارجه ۱۴ فوریه ۱۹۱۳ [۲۵ بهمن ۱۲۹۱؛ ۷ ع ۱ - ۱۳۳۱]

آقا

راجع به مراسلات سابقه، در خصوص لزوم پرداخت مساعده از طرف بریطانیای عظمی و روسیه به ایران، قبل از آنکه استقراض بزرگی از طرف سرمایه‌داران شرکت دتود راه‌آهن سرتاسر ایران داده شود، از طرف سر ادوارد گری وزیر امور خارجه تعلیم دارم اظهار بنمایم که وزیرمختار دولت اعلیحضرتی مقیم سنت پترزبورگ، حالیه بموجب تلگرافی او را اطلاع داده است (سواد آن در جوف است) که دولت روسیه حالا حاضرند مبلغ ۴۰۰،۰۰۰ [لیرا] مشترکاً به دولت ایران بدهند.

بنابراین، لازم است برای دولت اعلیحضرتی که مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیرا سهم خود را حاضر نمایند و چنانچه در اداره شما مسبوق است، وصول این وجه را کابینه تصویب نموده‌اند.

نظر به لزوم و اهمیت این کار، من از طرف سر ادوارد گری اظهار امیدواری می‌نمایم که لرد کرو نیز موافقت خواهد داشت که نصفه انگلیس نیز باید داده شود. در این مورد جناب ایشان رضا خواهند داد که سهمیه مساعده انگلیس از عایدات هندوستان داده شود و تعلیم خواهند داد که ۱۰۰،۰۰۰ لیرای آن را فوراً حاضر نمایند که به دولت ایران داده شود. و نیز تعلیم دارم اظهار امیدواری بنمایم که جناب ایشان رضا خواهند داد که مبلغ ۵۰،۰۰۰ لیرا نصفه ۱۰۰،۰۰۰ لیرای دیگر را که تأدیة آن تصمیم شده است، از قرار ماهیانه ۸،۰۰۰ لیرا برای اعاده انتظامات جنوب ایران بپردازند که به این وسیله اعزام عساکر اعلیحضرتی برای انجام آن مقصود لازم نگردد.

و اقدام در این کار فقط چارهٔ پرخرجی است که در صورت عدم تأدیة پول تصور می‌شود.

(امضاء) لوئیس ملت

نمره - ۵۷۲

مکتوب وزارت امور خارجه به خزانه

وزارت خارجه ۱۵ فوریهٔ ۱۹۱۳ [۲۶ بهمن ۱۲۹۱؛ ۸ ع ۱ - ۱۳۳۱]

آقا

چنانچه لرد کمیسیونرهای خزانهٔ اعلیحضرتی البته آگاه می‌باشند، مسألهٔ پرداخت مساعدهٔ معتنا به [= معتنی به] به شراکت دولت روس به ایران، جلب توجه کابینه را نموده است و تصمیم نموده‌اند که وقتی که دولت روس حاضر پرداخت آن شد، دولت اعلیحضرتی آن را بپردازند برای آنکه دولت ایران بتوانند عرادهٔ امور را به کار اندازند تا زمانی که از سرمایه‌داران شرکت دتود راه‌آهن سرتاسر ایران استقراض کلی بشود.

وزیرمختار اعلیحضرتی مقیم سنت پترزبورغ حالا راپورت داده است که وزیر امور خارجهٔ روس حالا او را اطلاع داده است که دولت روس حاضر پرداخت ۲۰۰،۰۰۰ لیرا به دولت ایران می‌باشند و سر ادوارد گری وزیر امور خارجه علی‌هذا مایل است که تصمیم کابینه به موقع اجراء گذارده شود که هر قدر زودتر که امکان داشته باشد مبلغ معتنا بهی داده شود و من اظهار امیدواری می‌کنم که نظر به این ترتیبات، لردهای معظم بتوانند نصف لیرا بپردازند و نصف دیگر را وزیر هندوستان خواهد داد. و نیز توجه لردهای معظم را به اوضاع جنوب ایران که اسباب تشویش مخصوص دولت اعلیحضرتی و حکومت هندوستان گردیده است جلب می‌نمایم.

البته لردهای معظم می‌دانند که در سال ۱۹۱۱ به مستر اسمارت کفیل قنصلگری اعلیحضرتی مقیم شیراز، هنگام مراجعت به شیراز با صد نفر مستحفظ، از طرف ایلات راه شیراز حمله شد و مجروح گردید و تا چند روزی نمی‌دانستیم که آیا او یا قشون هندی که برای استخلاص او فرستاده شده بود، می‌توانند مراجعت به شیراز کنند یا نه. و کیفیت حملهٔ مذکور فرستادن اردویی مرکب از چندین هزار نفر را برای تنبیه ایلیات و افتتاح راهها لازم می‌داشت.

سر ادوارد گری مخالف این اقدام بود چرا که به عقیدهٔ وی، این پلٹیکی [= پلٹیکی] است که ممکن است باعث اشغال دائمی جنوب ایران و تقسیم مملکت بشود و دولت اعلیحضرتی را مجبور به مصارف فوق‌العاده نماید.

حوادث ایام، عدم صحت و اساس توهم و توحش ابتدای امر را ثابت نمود و همینکه مستر اسمارت و دستة او سالمأ به شیراز وارد شدند، عاقبت تصویب شد که دولت اعلیحضرتی اطمینان دولت ایران را قبول نموده و به مساعی آنها و تشکیل قوهٔ ژاندارمری تحت امر صاحب‌منصبان سوئدی برای اعادهٔ انتظامات اعتماد نماید.

از آن تاریخ تا حال، ژاندارمری ترقی زیادی کرده ولی هنوز طوری نیست که بتواند اقتدار خود را محسوس بنماید.

بموجب اخبار واصله از طرف قنصلخانه اعلیحضرتی، راههای تجارتی جنوب در حقیقت مسدودند و موجب خسارت زیاد به تجارت انگلیس شده است و واردات مالالتجاره در بنادر جمع شده و ممکن نیست آنها را به داخله حمل نمود.

مسافرین انگلیسی، به انضمام مأمورین دولتی انگلیس، نمی‌توانند مسافرت کنند و به آنهایی که مجبور به مسافرت شده‌اند، حملات مختلفه شده است.

حادثه‌ای که تازگی به وقوع رسیده و بسی الم‌انگیز است یعنی قتل کاپیتان اکفورد از طرف ایلات در دشت ارجن [= ارژن] جلب توجه عامه را برای لزوم اقدامات جدی در همراهی برای اعاده انتظامات جنوب نموده است و در بعضی مراکز اشغال نظامی راه بوشهر الی شیراز و کازرون الی شیراز را فقط وسیله اعاده انتظامات راههای تجارتی جنوب می‌دانند و سر والتر تنلی این عقیده را اظهار داشته - و اگرچه ماژور اکونر قنصل اعلیحضرتی مقیم شیراز، کمتر از بابت نتایجی که ممکن است دولت ایران به همراهی و کمک دولت اعلیحضرتی به دست آورند، بدبین است.

واضح است که او تصور می‌کند امید زیادی نیست مگر آنکه دولت اعلیحضرتی حاضر شده و بلا تأخیر اقدامی نموده و وجوهات کافی برای اداره نمودن امور ایالت داده و استقرار و توسعه ژاندارمری را تأمین نموده و ایالت را به پرداخت مصارف حکومتی قادر سازند.

دولت اعلیحضرتی که از مدت زمانی به این طرف، خود را مقابل با اختیار یکی از دو شق می‌بینند و تصمیم نموده‌اند که شقی را اتخاذ نمایند که کمتر آنها را مشغول بنماید، نباید در تصمیم خود مردد باشند که قبل از ۲۱ مارس اقل مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ لیرا قرض بدهند که برای جنوب تخصیص شود، به علاوه ۲۰۰،۰۰۰ لیرا برای مصارف معمولی.

از تلگرافی که سر ادوارد گری در ۲۱ شهر جاری به سر والتر تنلی مخابره نموده، بر شما مکشوف خواهد شد که وزیر معظم در خصوص تأمین قرض مذکور تحقیق می‌کند و عایدات ایالتی را برای آن ارائه طریق نموده است. لکن او منتظر شنیدن جواب نامساعدی است و اگرچه شکی ندارد از اینکه این وجه عاقبت از دولت ایران گرفته خواهد شد، عقیده‌اش بر این است که دولت اعلیحضرتی باید در این موقع در باب تأمین آن چندان دقیق نشوند بلکه توجه خود را مصروف به کنترل صحیح مصرف آن بنمایند. طریقه‌ای که آنها برای کنترل مصرف این وجه می‌خواهند اتخاذ نمایند، در تلگراف ۱۰ دسامبر گذشته سر والتر تنلی و تلگراف فوق‌الذکر ۱۲ شهر جاری که به او مخابره شده است، مذکور می‌باشد.

سر ادوارد گری اطمینان دارد که لردهای معظم علل و اسبابی که او را به حصول این نتایج مذکوره در این مراسله سوق داده است، به خوبی درک خواهند نمود و یقین دارد که در صورتی که اوضاع هرج و مرج حالیه را بگذارند دوام کند، امورات از بد

بدتر شده و برای دولت اعلیحضرتی غیرممکن خواهد شد که جلوگیری از اعزام اردوی مهم نظامی به جنوب ایران و تمام نتایج و عواقب ممکنه آن بنمایند: و تصور می‌کنند که فقط وسیله رفع این حاجت اینست که هر طوری که ممکن است، اقتدار دولت ایران را حفظ بنماییم و او بنابراین، از روی بی‌میلی مجبور شده است که از لرد کمیسیونرهای معظم خواهش نماید که با کمترین تأخیری که امکان دارد، پرداخت مساعده‌هایی را که او تقاضا می‌نماید تصویب نمایند.

(امضاء) لوئیس ملت

حسب‌الامر بندگان حضرت مستطاب اشرف آقای
سردار اسعد دامت شوکتهم العالی به سعی و اهتمام
اقل بندگان معتمد همایون جواد سامانی
در مطبعه برادران باقرزاده به طبع رسید.

فهرستها*

(۱) در این فهرستها اعلام مربوط به مجلدات اول تا هفتم یکجا تنظیم شده است و برای سهولت مراجعه شماره هر جلد را قبل از ذکر شماره صفحات مربوط در [] قرار داده‌ایم.

(۲) در این فهرستها از ذکر نام نویسندگان و مخاطبان و شهرهای مبدأ و مقصد نامه‌ها و تلگرافها خودداری کرده‌ایم.

نامهای کسان

یاد آوری

چنانکه خوانندگان توجه خواهند فرمود در این فهرست برخی نامهای مشابه دیده می‌شود که بنظر می‌رسد باید مربوط به يك شخص باشد و جا داشت که ما هم آن اسامی را در يك ردیف فهرست‌بندی کنیم. ولی چون قرینه و نشانه آشکاری در دست نبود که بی‌گمان شویم اسامی یادشده واقعاً مربوط به يك نفر است یا اشخاص جداگانه و مجالی هم برای بررسی بیشتر نداشتیم ازین رو آنها را به همان‌گونه که در متن کتاب آمده بود در فهرست گنجانیدیم تا هم خود ما به راه خطا نرفته باشیم و هم دست خوانندگان برای تحقیق بیشتر باز باشد.

آجودانباشی [ج ۴] ۷۰۰	۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۹۹۶
آصف‌الدوله [ج ۱] ۹۱، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۴۹، ۲۶۸	آقا رحیم (نماینده شیخ محمره)؛ [ج ۸] ۲۰۴۸ (نیز نک رحیم خان)
۲۸۶، ۳۰۵، ۳۲۲؛ [ج ۲] ۴۳۱، ۵۲۳	آقازاده (مجتهد)؛ [ج ۴] ۷۹۵، ۷۹۶
[ج ۳] ۵۹۶، ۶۰۳، ۶۱۴، ۶۲۹، ۶۳۰	آقازاده نراقی؛ [ج ۶] ۱۲۵۱
۷۱۳، ۷۱۴؛ [ج ۴] ۸۳۳	آقا سید جمال الدین واعظ؛ [ج ۱] ۴۰، ۴۱
آقا ابوالحسن؛ [ج ۸] ۱۹۹۶	۲۱۶
آقا احمد یزدی؛ [ج ۳] ۷۱۲	آقا سید رضا قمی؛ [ج ۷] ۱۶۶۷
آقا باقر؛ [ج ۳] ۷۳۱	آقا سید عبدالله؛ [ج ۴] ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۳۰
آقا خان (سلطان محمد شاه)؛ [ج ۴] ۷۹۳، ۷۹۵	آقا سید عبدالله مجتهد؛ [ج ۱] ۸ و ۹، ۱۱، ۲۲
آقا خلیل؛ [ج ۷] ۱۵۶۸	۷۷، ۷۸، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۷۹
آقا رحیم (کرمانشاهی)؛ [ج ۷] ۱۶۶۷؛ [ج ۸]	۱۹۵، ۲۰۰، ۲۳۷، ۲۳۸؛ [ج ۴] ۹۰۶

- ۹۲۸ (نیز نک: سید عبداللہ)
 آقا سید محمد (طباطبائی)؛ [ج ۱] ۱۵۴
 آقا سید محمد مجتهد؛ [ج ۱] ۱۱، ۲۴، ۲۷،
 ۴۰، ۴۲، ۱۳۰، ۱۵۶
 آقا شمس الدین؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
 آقا شیخ نوراللہ؛ [ج ۱] ۲۴، ۳۵، ۸۲، ۸۳
 آقا شیخ ہادی؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
 آقا صدر؛ [ج ۴] ۷۹۸
 آقا محمد صادق؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
 آقا محمد مہدی؛ [ج ۱] ۴۶؛ [ج ۷] ۱۶۶۶،
 ۱۶۶۷؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
 آقا محمود؛ [ج ۷] ۱۶۶۶
 آقا میرزا ابراہیم مجتهد؛ [ج ۶] ۱۲۶۶، ۱۲۶۷
 آقا نجفی؛ [ج ۱] ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۵، ۵۴، ۷۳،
 ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۵۷، ۲۶۷؛ [ج ۲] ۳۶۹،
 ۵۲۳؛ [ج ۴] ۸۲۲
 آقا نوراللہ؛ [ج ۱] ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۵۷،
 ۲۶۷؛ [ج ۲] ۴۷۱؛ [ج ۳] ۷۱۰؛ [ج ۴]
 ۸۹۲، ۹۵۶
 آقا یحیی (بافت)؛ [ج ۸] ۱۸۳۰، ۱۸۶۰
 آکانر نک: اوکانر
 آمانیانس؛ [ج ۸] ۱۷۰۹
 ابراہمر (نک: ابراہانر)
 ابراہمز، لیونل؛ [ج ۷] ۱۵۶۰؛ [ج ۸] ۱۷۰۱
 ابراہیم (دکتر)؛ [ج ۳] ۷۰۴
 ابوالقاسم (ناصرالملک) ۱۷۷۵، ۱۸۱۰
 اپختانوف (پاخیتونوف؟)؛ [ج ۶] ۱۳۰۰
 اتابک؛ [ج ۱] ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۶، ۶۰،
 ۷۶، ۸۴، ۸۹، ۹۴، ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۳۰،
 ۱۴۱؛ [ج ۴] ۹۰۶
 اتابک اعظم؛ [ج ۱] ۴۱، ۴۳، ۴۸، ۵۲، ۸۰،
 ۸۱، ۹۴؛ [ج ۸] ۱۷۰۹
 اجلال الملک؛ [ج ۲] ۳۸۷؛ [ج ۳] ۵۴۶،
 ۵۶۶، ۵۹۴، ۵۹۴، ۶۴۶، ۷۰۱
 احتشام الدولہ؛ [ج ۶] ۱۳۴۰
 احتشام السلطنہ؛ [ج ۱] ۶، ۸۰، ۸۸، ۱۵۴،
 ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۶-۱۷۸، ۲۶۴؛ [ج ۳]
 ۷۲۷
 احتشام الممالک؛ [ج ۸] ۱۷۹۶
 احمد (سلطان احمد)؛ [ج ۳] ۶۸۵؛ [ج ۵]
 ۱۲۰۱
 احمد خان؛ [ج ۳] ۷۱۶
 احمد خان شش بلوکی؛ [ج ۶] ۱۴۶۷، ۱۴۸۱؛
 [ج ۷] ۱۶۴۲
 احمد خان میرشکار؛ [ج ۴] ۸۶۴
 احمد شاہ (سلطان احمد شاہ قاجار)؛ [ج ۳]
 ۶۲۶، ۶۳۱، ۶۸۴، ۶۹۰، ۶۹۷، ۷۰۱،
 ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۱۰، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۳۴،
 ۷۴۳؛ [ج ۷] ۱۵۵۶، ۱۵۹۹؛ [ج ۸] ۱۸۰۹
 (نیز نک: ولیعهد - احمد - سلطان احمد
 شاہ - شاہ)
 احمد میرزا (سلطان احمد میرزا)؛ [ج ۱] ۲۰؛
 [ج ۳] ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۸۹
 اختیارالدولہ؛ [ج ۸] ۱۸۲۷
 اختیارالسلطنہ؛ [ج ۸] ۱۸۲۷
 ادواردز (ژنرال)؛ [ج ۵] ۱۱۱۲
 ادوارد ہفتم (پادشاہ انگلیس)؛ [ج ۴] ۸۵۴،
 ۸۵۵
 ادیب التجار؛ [ج ۱] ۳۵
 ارباب جمشید؛ [ج ۸] ۱۷۰۷
 ارباب رستم؛ [ج ۳] ۷۸۷
 ارباب فریدون؛ [ج ۱] ۱۷۸

- اردشیرخان (قشقائی)؛ [ج ۷] ۱۵۲۷
 ارشدالدوله؛ [ج ۳] ۷۵۶؛ [ج ۵] ۱۱۹۵،
 ۱۲۱۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳؛ [ج ۶] ۱۲۸۶،
 ۱۲۸۷، ۱۳۳۷؛ [ج ۸] ۱۹۷۵
 اسپرینگ رایس (سر)؛ [ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۷؛
 [ج ۶] ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸؛
 [ج ۷] ۱۶۷۵؛ [ج ۸] ۱۶۹۳، ۲۰۴۲
 استاد محمد؛ [ج ۸] ۱۹۴۱، ۱۹۷۱
 استاس (مسیو) ۲۰۱۰، ۲۰۲۲، ۲۱۵۰
 استد؛ [ج ۱] ۱۸۸
 استراگراوسکی — استروگراتسکی؛ [ج ۱] ۳۰۰
 [ج ۲] ۴۰۶، ۴۱۹
 استروس؛ [ج ۳] ۷۶۲؛ [ج ۶] ۱۲۸۳
 استوارت (استوارت)؛ [ج ۱] ۷۰
 استوپولو (سر — مسیو)؛ [ج ۵] ۱۱۶۳
 استوکس (ماژور)؛ [ج ۱] ۹۵، ۱۵۹، ۱۶۷،
 ۱۸۰، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۳۸، ۲۳۹،
 ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۶۸،
 ۲۸۹، ۳۰۶، ۳۲۳؛ [ج ۲] ۴۷۲؛ [ج ۳]
 ۵۸۹، ۶۰۵، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۳۹، ۶۴۳،
 ۶۴۵، ۶۵۱، ۶۸۱، ۶۸۵، ۶۸۸، ۶۹۰،
 ۷۰۵، ۷۱۷، ۷۱۹، ۷۲۱، ۷۳۴، ۷۴۷،
 ۷۶۵؛ [ج ۴] ۹۱۷، ۹۱۹، ۹۴۲؛ [ج ۵]
 ۹۷۷، ۱۱۰۳، ۱۱۰۵، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰،
 ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۶، ۱۱۴۲—۱۱۴۶،
 ۱۱۴۹، ۱۱۵۵، ۱۱۵۹، ۱۱۶۴ —
 ۱۱۶۶، ۱۱۶۸—۱۱۷۱، ۱۱۷۳—۱۱۹۰،
 ۱۱۹۲، ۱۱۹۵، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰،
 ۱۲۲۵—۱۲۲۸، ۱۲۴۴؛ [ج ۶] ۱۲۵۷،
 ۱۲۶۲، ۱۲۶۴، ۱۲۶۹، ۱۲۹۶، ۱۳۱۱،
 ۱۳۲۲، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۴۸، ۱۳۶۰
- استیونس — استه ون — استونز — استونس؛
 [ج ۱] ۵۳، ۱۱۰، ۲۳۵، ۲۷۱، ۲۷۲،
 ۲۷۴، ۲۸۵، ۲۹۱، ۳۰۴، ۳۱۸؛ [ج ۴]
 ۹۰۷؛ [ج ۵] ۱۰۹۹؛ [ج ۷] ۱۵۸۸،
 ۱۶۵۶؛ [ج ۸] ۱۷۱۹، ۱۸۲۴، ۱۸۶۷
 اسدالله؛ [ج ۳] ۶۰۰، ۷۲۹، ۷۴۵ نیز نک: یاور
 اسدالله
 اسدالله (عضو مجلس فوق العاده)؛ [ج ۳] ۷۰۴
 اسدالله خان؛ [ج ۸] ۱۶۹۹
 اسدالله میرزا — شاهزاده اسدالله میرزا؛ [ج ۳]
 ۶۷۴، ۷۲۸؛ [ج ۴] ۷۷۳، ۷۷۸، ۸۶۸،
 ۹۰۶، ۹۲۹، ۹۵۶؛ [ج ۵] ۱۰۳۶؛ [ج ۷]
 ۱۶۵۷؛ [ج ۸] ۱۶۹۹، ۱۹۷۱، ۲۰۰۸ (نیز
 نک: شهاب الدوله)
 اسدالله (یاور) نک: یاور اسدالله
 اسعدالدوله (قلی خان)؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
 اسعدالسلطنه؛ [ج ۶] ۱۴۷۶
 اسفندیار خان (کشکولی)؛ [ج ۷] ۱۵۴۲
 اسکات (دکتر)؛ [ج ۳] ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۸،
 ۷۱۹؛ [ج ۵] ۱۰۱۱
 اسکلی (دکتر)؛ [ج ۱] ۱۴۱
 اسکندر خان (پسر سردار ظفر)؛ [ج ۴] ۹۳۰
 اسمارت (متر)؛ [ج ۱] ۲۵۱، ۲۶۱، ۲۶۲؛
 [ج ۳] ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۴۱؛ [ج ۴] ۷۷۹،
 ۷۸۵، ۸۳۶، ۸۶۵، ۹۴۶، ۹۶۰؛ [ج ۵]
 ۹۹۵، ۱۰۲۹، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲؛ [ج ۶]
 ۱۴۲۵، ۱۴۲۹؛ [ج ۷] ۱۴۸۷—۱۴۹۲،
 ۱۴۹۷، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۲—۱۵۰۵،
 ۱۵۰۸—۱۵۱۰، ۱۵۱۴، ۱۵۱۸، ۱۵۲۰،
 ۱۵۲۱، ۱۵۲۷، ۱۵۴۰، ۱۵۶۷، ۱۵۷۱،
 ۱۵۷۲، ۱۶۰۴، ۱۶۱۳، ۱۶۲۸، ۱۶۳۶

- ۱۶۸۴؛ [ج ۸] ۱۷۱۷، ۱۷۲۸، ۱۷۳۴،
 ۱۷۴۵، ۱۷۵۸، ۱۷۶۰، ۱۷۷۷، ۱۸۰۳،
 ۱۸۰۴، ۱۸۰۶، ۱۸۰۸، ۱۸۱۲، ۱۸۱۳،
 ۱۸۱۷، ۱۸۱۸، ۱۸۲۵، ۱۸۳۸، ۱۸۴۶،
 ۱۸۶۰، ۱۸۶۲، ۱۸۶۴، ۱۸۶۵، ۱۸۷۷،
 ۱۸۹۸ — ۱۹۰۰، ۱۹۰۳، ۱۹۰۶، ۱۹۱۲،
 ۱۹۲۴، ۱۹۳۱، ۱۹۴۳ — ۱۹۴۶، ۱۹۶۵ —
 ۱۹۶۸، ۱۹۹۸، ۲۰۱۰ — ۲۰۱۶، ۲۰۴۷،
 ۲۰۵۲، ۲۰۵۵، ۲۰۶۲، ۲۰۶۶، ۲۰۶۹،
 ۲۰۷۴، ۲۰۷۸، ۲۰۷۹، ۲۰۸۷ — ۲۰۸۹،
 ۲۰۹۱، ۲۰۹۴، ۲۱۰۶، ۲۱۱۹، ۲۱۳۷،
 ۲۱۵۶
- اسماعیل خان (دکتر)؛ [ج ۴] ۷۷۸؛ [ج ۵]
 ۱۱۹۷، ۱۰۷۴
- اسمیت (سی. اس)؛ [ج ۴] ۸۰۶؛ [ج ۵]
 ۱۰۸۵؛ [ج ۶] ۱۴۶۹، ۱۴۸۳؛ [ج ۷]
 ۱۵۲۸، ۱۵۶۰، ۱۶۲۳؛ [ج ۸] ژنرال قنسول
 ۱۸۴۵، ۲۰۸۷ — ۲۰۸۹، ۲۱۳۷
 اسمیرنوف؛ [ج ۳] ۶۹۰؛ [ج ۴] ۸۹۹
 اسنارسکی (ژنرال)؛ [ج ۳] ۵۶۵، ۵۷۱، ۵۷۸،
 ۷۶۱
- اسیکک (مسیو)؛ [ج ۵] ۱۰۳۰
 اصغر خان؛ [ج ۱] ۲۴۹
 اعتضاد السلطنه؛ [ج ۸] ۱۷۳۸
 اعتلاء الدوله؛ [ج ۸] ۱۷۰۴، ۱۷۰۵
 اعتمادالذاکرین؛ [ج ۲] ۵۲۹
 اعدل الدوله؛ [ج ۲] ۵۳۱
 اعزازالممالک؛ [ج ۲] ۴۲۶
 اعظم الدوله؛ [ج ۶] ۱۴۵۶؛ [ج ۷] ۱۵۴۰،
 ۱۵۷۱، ۱۶۰۵، ۱۶۵۸، ۱۶۶۶؛ [ج ۸]
 ۱۶۹۶، ۱۷۰۰، ۱۷۰۶
 افتخارالتجار؛ [ج ۱] ۱۴۰
- اقبال الدوله؛ [ج ۱] ۲۴۹، ۲۶۷؛ [ج ۲] ۳۶۳،
 ۴۰۸، ۴۰۶
 اقبال السلطنه؛ [ج ۲] ۳۸۹
 اقتدار نظام؛ [ج ۱] ۲۸۲
 اکبر بلند؛ [ج ۷] ۱۵۸۱
 اکبر میرزا؛ [ج ۱] ۲۴۹
 اکبرخان؛ [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۵۴
 اکرم الدوله؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
 اکرم السلطان؛ [ج ۱] ۵۲
 اکتور (دکتر)؛ [ج ۱] ۲۸۲
 اکزامپلاروف؛ [ج ۳] ۶۰۶
 اکفرد — اکفورد (کاپیتان)؛ [ج ۶] ۱۳۹۱؛
 [ج ۷] ۱۵۳۹، ۱۵۴۴؛ [ج ۸] ۲۰۳۵،
 ۲۰۴۴، ۲۰۴۵، ۲۰۴۷، ۲۰۵۳، ۲۰۶۲،
 ۲۰۶۳، ۲۰۶۵، ۲۰۶۹ — ۲۰۷۲، ۲۰۷۴ —
 ۲۰۷۶، ۲۰۷۸، ۲۰۹۱، ۲۰۹۲، ۲۰۹۴،
 ۲۱۰۷، ۲۱۲۸، ۲۱۲۹، ۲۱۳۵، ۲۱۴۳ —
 ۲۱۴۵، ۲۱۵۷
 اکونور (ماژور-قنسول)؛ [ج ۸] ۲۰۷۴،
 ۲۰۷۸، ۲۰۹۴، ۲۰۹۵، ۲۱۰۰، ۲۱۰۸،
 ۲۱۱۱، ۲۱۵۷
 الکسیس (گراندوک)؛ [ج ۲] ۳۳۸، ۳۶۱
 الیوسکی (مسیو)؛ [ج ۸] ۲۰۲۳
 ام الخاقان؛ [ج ۳] ۷۸۶
 امام جمعه؛ [ج ۲] ۳۴۶؛ [ج ۳] ۶۹۰، ۷۴۴؛
 [ج ۸] ۱۹۹۶
 امام جمعه خوی؛ [ج ۱] ۹۹
 امام جمعه شیراز؛ [ج ۶] ۱۴۶۴
 امام زاده؛ [ج ۳] ۶۹۰
 امامقلی خان؛ [ج ۳] ۷۳۰
 امامقلی میرزا؛ [ج ۱] ۲۲، ۲۳؛ [ج ۲] ۴۸۲؛
 [ج ۸] ۲۰۳۸

امیرخان هندی؛ [ج ۸] ۲۱۵۱
 امیر سیف الدین میرزا؛ [ج ۴] ۸۱۲
 امیر عشایر؛ [ج ۴] ۸۹۱
 امیر مجاهد بختیاری؛ [ج ۵] ۱۲۳۳، ۱۲۲۸
 [ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۴۴۵؛ [ج ۷] ۱۶۰۵
 [ج ۸] ۱۹۲۷، ۱۹۶۹، ۱۹۷۱، ۱۹۸۴،
 ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۲۰۰۹، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹
 ۲۱۵۱، ۲۱۰۷، ۲۰۹۴
 امیرمفخم — امیر مفخم بختیاری (لطفعلی)؛
 [ج ۳] ۵۸۰، ۶۱۴، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۰
 ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۸۶، ۷۰۵؛ [ج ۴] ۷۷۹
 ۷۸۱، ۹۰۸، ۹۲۹ — ۹۳۱، ۹۵۷، ۹۵۸
 [ج ۵] ۱۰۵۷، ۱۱۹۳، ۱۲۰۳، ۱۲۰۹
 ۱۲۱۰، ۱۲۱۳، ۱۲۳۲ — ۱۲۳۴؛ [ج ۶]
 ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۴۴۵
 [ج ۷] ۱۶۵۶؛ [ج ۸] ۱۷۳۲، ۱۸۶۲
 ۱۸۶۶، ۱۸۸۵، ۱۸۹۳، ۱۸۹۶، ۱۹۴۱
 ۱۹۷۲، ۲۰۰۸، ۲۱۰۶
 امیر مقتدر؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
 امیر مکرم؛ [ج ۲] ۴۶۹؛ [ج ۴] ۹۳۶، ۹۳۷
 ۹۵۵؛ [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۷۴، ۱۰۹۷
 ۱۲۱۴، ۱۲۳۲؛ [ج ۶] ۱۲۸۹
 امیر نظام؛ [ج ۳] ۵۶۱، ۷۰۷؛ [ج ۸] ۱۷۴۱
 امین الدوله؛ [ج ۵] ۱۱۳۱، ۱۲۰۵
 امین السلطان؛ [ج ۱] ۳۲، ۳۶
 امین الممالک؛ [ج ۴] ۷۶۸
 امین بیگ؛ [ج ۸] ۱۷۴۰
 امین دربار؛ [ج ۳] ۶۷۴
 انتظام الملک؛ [ج ۱] ۱۸۷، ۲۶۷؛ [ج ۲]
 ۴۷۱؛ [ج ۴] ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۵۷؛ [ج ۸]
 ۱۸۱۶، ۱۸۵۷، ۱۸۸۷، ۱۹۴۱
 انتظام الممالک؛ [ج ۶] ۱۴۶۲، ۱۴۶۴، ۱۴۷۶

امان الله خان؛ [ج ۵] ۱۰۶۹، ۱۱۵۵
 امان الله میرزا؛ [ج ۵] ۱۰۹۶؛ شاهزاده
 امان الله میرزا؛ [ج ۵] ۱۲۰۶
 امپراتور روسیه؛ [ج ۸] ۱۸۷۲
 امیر اسعد (پسر سپهدان)؛ [ج ۵] ۱۰۳۷
 امیر اعظم؛ [ج ۱] ۹۰، ۹۲، ۱۲۶؛ [ج ۵]
 ۱۰۵۶، ۱۲۰۷، ۱۲۳۱؛ [ج ۶] ۱۲۹۰
 ۱۳۳۸، ۱۴۴۹؛ [ج ۷] ۱۵۴۰، ۱۶۰۴
 ۱۶۵۸؛ [ج ۸] ۱۷۰۰، ۱۷۴۸، ۱۷۶۹
 ۱۷۷۶، ۱۷۷۷، ۱۸۱۶، ۱۸۲۶ — ۱۸۳۷
 ۱۸۵۷، ۱۸۵۹ — ۱۸۶۱، ۱۸۸۷، ۱۹۷۱
 ۲۰۰۳
 امیر افخم؛ [ج ۴] ۹۱۲، ۹۳۲؛ [ج ۶] ۱۳۴۰
 امیر الملک؛ [ج ۷] ۱۵۰۹
 امیر الممالک؛ [ج ۵] ۱۱۲۹، ۱۱۳۹
 امیر امجد؛ [ج ۸] ۲۰۵۱
 امیر بهادر — امیر بهادر جنگ؛ [ج ۱] ۴، ۶، ۷
 ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱
 ۱۴۳، ۱۷۰، ۱۸۴، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۳۸
 ۲۴۶، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۷، ۲۸۹
 ۲۹۰، ۳۲۱، ۳۲۸؛ [ج ۲] ۳۴۶، ۳۸۰
 ۴۰۱، ۴۱۲، ۴۶۹، ۴۷۵، ۵۰۲، ۵۳۸
 [ج ۳] ۵۵۱ — ۵۵۳، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۷۳
 ۵۷۴، ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۲۲، ۶۲۹، ۶۳۷
 ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۳ — ۶۴۵، ۶۸۳، ۶۸۷
 ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۵۶؛ [ج ۵] ۱۱۰۶، ۱۱۹۶
 امیر تومان — امیر تومان سواد کوهی (اسماعیل
 خان)؛ [ج ۵] ۱۰۱۲
 امیر جنگ؛ [ج ۲] ۵۰۶، ۵۲۱؛ [ج ۸] ۱۷۰۷
 ۱۷۱۰، ۲۱۵۰
 امیر حشمت؛ [ج ۵] ۱۰۱۱
 امیرخان سردار؛ [ج ۵] ۱۰۵۶

(نیز نک: نصرالدوله)

۳۳۶، ۳۳۸، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۱، ۳۶۷،
 ۳۷۹، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۵، ۳۹۹، ۴۰۱،
 ۴۱۱، ۴۲۰، ۴۲۳، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۸،
 ۴۵۰، ۴۷۴، ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۱،
 ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۷، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹،
 ۵۱۱، ۵۱۳؛ [ج ۳] ۵۷۹، ۵۸۷، ۶۰۹،
 ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۸،
 ۶۳۴، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۴، ۶۹۲، ۷۵۰،
 ۷۵۲، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۶۶؛ [ج ۴] ۸۰۲،
 ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۷، ۸۲۴، ۸۲۷، ۸۲۹،
 ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۶۰، ۸۶۳، ۸۸۲، ۸۹۶،
 [ج ۵] ۱۱۸۳؛ [ج ۶] ۱۳۶۳؛ [ج ۸] ۱۷۹۵

ایل بیگی؛ [ج ۳] ۶۳۱

ایلخانی قشقائی؛ [ج ۳] ۱۹۱۸

بارکر؛ [ج ۱] ۱۴۲

بارکلی (سرجرج)؛ [ج ۲] ۳۳۶، ۳۵۰، ۳۹۱،

۴۱۶، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۲، ۴۷۳، ۴۹۸،

۵۱۲؛ [ج ۳] ۵۵۴، ۶۵۳، ۶۶۴، ۶۹۴،

۶۹۷، ۷۱۷-۷۱۹، ۷۲۶، ۷۳۵؛ [ج ۴]

۸۲۹، ۸۳۷، ۸۵۹، ۹۰۱؛ [ج ۵] ۹۷۵،

۹۸۷، ۱۰۰۴، ۱۰۱۴، ۱۰۴۱، ۱۱۰۹،

۱۱۱۰، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۵، ۱۱۴۴،

۱۱۵۷، ۱۱۶۱، ۱۱۷۳، ۱۱۷۸، ۱۱۸۰،

۱۱۸۳، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۲۲۲، ۱۲۲۶،

۱۲۲۷؛ [ج ۶] ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۶،

۱۲۹۶، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹،

۱۳۱۵، ۱۳۲۴، ۱۳۲۹، ۱۳۴۴، ۱۳۵۱،

۱۳۵۹، ۱۳۷۶، ۱۴۰۰، ۱۴۰۷، ۱۴۰۹،

۱۴۱۰، ۱۴۱۴، ۱۴۱۸، ۱۴۴۱؛ [ج ۷]

۱۴۸۷، ۱۴۹۶، ۱۵۰۵-۱۵۰۷، ۱۵۱۱،

اوبرن (اوبرون - ابیرن - اپرون)؛ [ج ۳]

۵۸۴-۵۸۹، ۶۱۹، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵،

۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۵۱-۶۵۳، ۶۵۵،

۶۶۴-۶۶۶؛ [ج ۴] ۸۵۱، ۸۵۲،

۸۶۰-۸۶۳، ۸۹۶، ۸۹۸-۹۰۱، ۹۲۰،

۹۲۱؛ [ج ۵] ۱۲۲۲، ۱۲۴۳؛ [ج ۶]

۱۲۵۵، ۱۲۵۷، ۱۲۶۰، ۱۲۷۹-۱۲۸۲،

۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۵-۱۲۹۷،

۱۳۰۴-۱۳۰۷، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۲،

۱۳۱۴ - ۱۳۱۷، ۱۳۱۹، ۱۳۲۲، ۱۳۲۶،

۱۴۵۱، ۱۴۵۳؛ [ج ۸] ۱۷۳۶، ۱۷۵۲،

۱۷۸۴، ۱۷۸۵، ۱۷۹۲

اودندیج (مسیو)؛ [ج ۸] ۱۸۴۹

اورنو؛ [ج ۳] ۶۸۱، ۶۸۲

اوکانر - اوکونر - اوکونار (ماژون)؛ [ج ۳]

۶۸۵، ۶۸۸، ۷۱۹، ۷۲۱؛ [ج ۵] ۱۰۳۸،

۱۰۹۷، ۱۲۰۷

اهرنزوارد - اهرنسوارد (کنت)؛ [ج ۶] ۱۲۷۳؛

[ج ۷] ۱۶۷۵

ایازخان دره شوری (شولی)؛ [ج ۶] ۱۴۶۷

ایازکیخای دره شولی (دره شوری)؛ [ج ۸]

۱۷۷۸، ۲۰۷۴، ۲۰۸۰، ۲۰۸۱، ۲۰۸۴،

۲۰۸۵

ایالت فارس؛ [ج ۸] ۲۱۱۶، ۲۱۲۳، ۲۱۲۹،

۲۱۴۰، ۲۱۵۰

ایزولسکی - ایس ولسکی - ایزوالسکی -

ایسولسکی؛ [ج ۱] ۱۴، ۱۸، ۱۱۵، ۱۱۸،

۱۲۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۹،

۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۵۷،

۲۵۸، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷،

۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۱؛ [ج ۲]

باکالی؛ [ج ۳] ۶۸۸	۱۵۱۳، ۱۵۲۹-۱۵۳۱، ۱۵۳۵، ۱۵۵۵
باکر؛ [ج ۳] ۶۸۷، ۷۱۹	۱۵۵۷، ۱۵۶۳، ۱۵۶۶، ۱۵۷۰، ۱۵۷۲
بانوی عظمی؛ [ج ۱] ۲۳۷	۱۵۷۴-۱۵۷۶، ۱۵۸۳، ۱۵۸۵، ۱۵۹۶
بختیاری (علیقلی)؛ [ج ۸] ۱۸۹۰	۱۶۰۷، ۱۶۰۹، ۱۶۱۳، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶
بخشو (حسن)؛ [ج ۳] ۷۱۶	۱۶۱۸، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۳۰، ۱۶۳۴
براندل (ماژون)؛ [ج ۸] ۲۰۹۳، ۲۰۷۶، ۲۰۷۵	۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۶۵، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱
براون - برون (پروفسور)؛ [ج ۷] ۱۵۴۹؛ [ج ۸] ۲۰۳۵	۱۶۷۸، ۱۶۸۰؛ [ج ۸] ۱۶۸۷، ۱۶۸۸
برایس (جیمز)؛ [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۰۲، ۱۰۰۴	۱۶۹۱-۱۶۹۵، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۷۰۱
۱۰۱۷، ۱۰۰۵	۱۷۰۳، ۱۷۰۷، ۱۷۱۰، ۱۷۱۲، ۱۷۱۴
برتی (سرفرانسیس)؛ [ج ۵] ۹۸۵؛ [ج ۶] ۲۰۲۳	۱۷۱۶-۱۷۱۸، ۱۷۳۴، ۱۷۳۶-۱۷۳۸
۱۴۰۳، ۱۴۰۵-۱۴۰۷؛ [ج ۸] ۲۰۲۳	۱۷۴۰، ۱۷۴۷، ۱۷۵۷، ۱۷۶۵، ۱۷۷۱
۲۰۳۳، ۲۰۲۸	۱۸۱۰، ۱۸۲۱، ۱۸۶۰-۱۸۶۲، ۱۸۶۴
بردود (ماژون)؛ [ج ۷] ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱	۱۸۶۵، ۱۹۳۱، ۱۹۳۵، ۱۹۵۸، ۱۹۹۸
۱۵۲۱، ۱۵۰۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۲۱	بارانوسکی - بارناوسکی - بارن اوسکی -
۱۶۰۵، ۱۶۰۴	بارانوفسکی؛ [ج ۱] ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۸۳
برل (نایب - ماژون)؛ [ج ۶] ۱۳۴۸؛ [ج ۸] ۱۹۷۰	[ج ۲] ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۷۲، ۳۷۷، ۳۷۸
برن هم - بارنهام؛ [ج ۱] ۷۰، ۶۹، ۳۵، ۲۴	[ج ۳] ۵۲۶، ۵۲۹؛ [ج ۳] ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۸۹
برون؛ [ج ۱] ۷۰	۶۱۸، ۶۲۱، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۲
بریوت (مسیو)؛ [ج ۵] ۱۲۲۸	۶۸۲-۶۸۴، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۲۲؛ [ج ۴] ۹۲۳
بشارت الممالک؛ [ج ۸] ۱۸۳۳، ۱۸۳۲	بارون استواک (مصباح السلطان)؛ [ج ۳] ۷۵۶
۱۸۶۰	باسکرویل؛ [ج ۳] ۵۹۳
بشیر خاقان؛ [ج ۳] ۶۴۹	باقر (درودی)؛ [ج ۴] ۷۹۴
بلارانوف؛ [ج ۱] ۶۴	باقرخان؛ [ج ۲] ۳۸۷، ۴۶۴، ۴۸۹، ۴۹۳؛
بلک (لفتنت)؛ [ج ۱] ۱۲۷	[ج ۳] ۵۵۶-۵۵۸، ۵۸۵، ۵۹۱، ۵۹۲
بلک من؛ [ج ۱] ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۲۱؛ [ج ۲] ۸۷۱	۵۹۹، ۶۱۸، ۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۲، ۷۰۱
۳۸۴؛ [ج ۴] ۸۷۱	۷۴۹، ۷۶۰؛ [ج ۴] ۷۷۹، ۸۱۴
بنتینگ (کنت)؛ [ج ۸] ۱۸۴۰، ۱۸۴۵، ۱۸۴۹	۸۱۶-۸۱۹، ۸۲۱، ۸۲۴-۸۲۷، ۸۳۳
بنکن دورف (کنت)؛ [ج ۱] ۲۹۷، ۳۰۸	۸۹۷، ۹۰۶، ۹۱۶-۹۱۹، ۹۲۸؛ [ج ۵] ۱۱۵۲
[ج ۲] ۳۹۳، ۵۰۹؛ [ج ۳] ۵۸۶، ۵۸۷	۲۰۴۹، ۲۰۳۷، ۱۷۰۷؛ [ج ۸] ۲۱۵۸
۶۰۷، ۶۰۹، ۶۲۸، ۷۳۴، ۷۳۵؛ [ج ۴] ۲۱۲۶	باقرزاده (برادران)؛ [ج ۸] ۲۱۵۸
	باقر کازرونی؛ [ج ۸] ۲۱۲۶

- بیگلربیگی (نصرالدوله)؛ [ج ۲] ۳۸۳، ۳۸۵، ۴۶۸؛ [ج ۳] ۶۰۰، ۶۴۷
- بیل؛ [ج ۱] ۳۲۳؛ [ج ۲] ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۳۱، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۳۴، ۵۳۵؛ [ج ۳] ۵۶۹، ۶۰۲-۶۰۴، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۲۶، ۶۳۱، ۶۳۴، ۶۵۰، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۳۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۷؛ [ج ۴] ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۹۰، ۸۰۳، ۸۰۷، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۴۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۶۶، ۹۵۷؛ [ج ۷] ۱۶۲۴؛ [ج ۸] ۱۷۹۱، ۱۸۰۳-۱۸۰۵، ۲۰۰۱
- بیوکانات (سرجارج)؛ [ج ۶] ۱۳۹۱، ۱۴۰۳، ۱۴۰۵، ۱۴۱۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۶؛ [ج ۷] ۱۴۸۹، ۱۴۹۲، ۱۵۰۸، ۱۵۱۲، ۱۵۱۸، ۱۵۲۰، ۱۵۳۳، ۱۵۵۰، ۱۵۸۲، ۱۵۸۶، ۱۶۰۷، ۱۶۱۷، ۱۶۷۵، ۱۶۷۷، ۱۶۸۰؛ [ج ۸] ۱۷۱۲-۱۷۱۴، ۱۷۱۶، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۲-۱۷۲۴، ۱۷۲۶-۱۷۲۸، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶، ۱۸۴۲، ۱۸۴۵، ۱۸۴۶، ۱۸۴۸، ۱۸۵۰، ۱۸۶۹، ۱۸۷۰، ۱۸۷۲، ۱۸۷۳، ۱۸۷۵، ۱۸۷۶، ۱۸۷۸، ۱۸۷۹، ۱۹۰۵، ۱۹۰۶، ۱۹۲۲، ۱۹۲۶، ۱۹۳۰، ۱۹۴۹-۱۹۵۱، ۱۹۵۴-۱۹۵۷، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۶۴، ۱۹۸۲، ۱۹۸۴، ۱۹۸۶، ۲۰۰۰-۲۰۰۳، ۲۰۱۷-۲۰۱۹، ۲۰۲۱، ۲۰۲۳، ۲۰۲۴، ۲۰۲۷، ۲۰۲۸، ۲۰۳۰-۲۰۳۴، ۲۰۴۳، ۲۰۹۸، ۲۱۰۱، ۲۱۱۵، ۲۱۳۱، ۲۱۳۳، ۲۱۳۴، ۲۱۳۶، ۲۱۴۲، ۲۱۵۵
- بیوک خان (پسر رحیم خان)؛ [ج ۱] ۵۱، ۵۳
- پادشاه انگلستان؛ [ج ۸] ۱۸۰۴
- ۸۴۰؛ [ج ۵] ۱۱۲۶، ۱۱۴۳-۱۱۴۵، ۱۱۸۹، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳؛ [ج ۶] ۱۲۶۴، ۱۲۹۱، ۱۳۱۸، ۱۳۲۳، ۱۳۲۷، ۱۳۸۳، ۱۴۰۳، ۱۴۰۶، ۱۴۱۰، ۱۴۱۹، ۱۴۲۳؛ [ج ۷] ۱۵۱۱، ۱۵۱۳-۱۵۱۵، ۱۵۶۴، ۱۵۸۷، ۱۵۹۳، ۱۶۲۹؛ [ج ۸] ۱۷۱۵، ۲۰۳۰
- بولاک (لیوتنان - سپاهی)؛ [ج ۸] ۱۹۸۸، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۵۱، ۲۰۵۴-۲۰۵۶، ۲۰۵۸-۲۰۶۰، ۲۱۳۲
- بومن؛ [ج ۱] ۸۲
- بوهنگ (لیوتنان)؛ [ج ۸] ۲۰۹۱
- بویر (مسیو)؛ [ج ۸] ۱۹۳۳
- بهاء السلطنه؛ [ج ۴] ۹۶۰، ۹۶۱؛ [ج ۶] ۱۴۶۵
- بهاء الواعظین؛ [ج ۱] ۲۶۲
- بهادر الدوله (حبیب)؛ [ج ۸] ۱۹۷۵
- بهادر السلطنه؛ [ج ۲] ۳۸۸؛ [ج ۸] ۱۹۹۱
- بهادر الملک؛ [ج ۵] ۱۲۰۷؛ [ج ۸] ۱۸۲۸، ۱۸۲۹، ۱۸۳۴، ۱۸۵۹
- بهبهانی؛ [ج ۳] ۶۹۰
- بهرام خان؛ [ج ۴] ۸۱۲؛ [ج ۵] ۱۰۱۴، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸، ۱۱۵۴؛ [ج ۶] ۱۲۸۵، برادر
- بهرام خان؛ [ج ۵] ۱۰۷۶، ۱۰۹۹
- بهرام میرزا؛ [ج ۱] ۱۴۴، ۲۱۸؛ [ج ۳] ۷۱۳
- بهرز کازرونی؛ [ج ۸] ۲۱۲۳
- بهمن آقای بلوچ؛ [ج ۸] ۱۸۲۹
- بیزو - بیزوت؛ [ج ۱] ۹۴، ۱۰۹، ۱۳۰، ۱۸۱-۱۸۳، ۱۸۸، ۲۵۹-۲۶۱، ۲۶۶، ۲۶۸-۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲؛ [ج ۲] ۳۵۸، ۳۷۶، ۳۹۴، ۳۹۹، ۴۰۵، ۴۱۹، ۴۵۷، ۴۵۸؛ [ج ۴] ۷۷۵، ۸۲۵، ۸۴۹؛ [ج ۵] ۱۱۲۰

پتروف؛ [ج ۴] ۹۷۰ (نیز، نک: پتروف)	پاری؛ [ج ۱] ۲۸
پرسیانی (مسیو)؛ [ج ۸] ۲۰۲۴	پاسک؛ [ج ۳] ۷۶۵، ۷۶۶؛ [ج ۴] ۷۸۷،
پرنی (مسیو)؛ [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۷	۷۹۰؛ [ج ۵] ۹۹۷
پروس (ماژور)؛ [ج ۷] ۱۶۵۲	پاسکوویل (پاسکرویل؟)؛ [ج ۳] ۵۹۳
پرویز؛ [ج ۱] (نک: شاه جهان)	پاکلوسکی — پاکلاوسکی — پوکلیوسکی؛ [ج ۳]
پری؛ [ج ۸] ۱۷۸۰	۶۹۲، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۳، ۷۵۳، ۷۵۶،
پری بینی زوف (کاپیتان)؛ [ج ۳] ۶۴۳، ۶۸۷،	۷۵۷، ۷۶۶، ۷۶۷؛ [ج ۴] ۷۸۵، ۸۱۷،
۷۰۶	۸۳۹، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۲، ۸۶۱، ۸۶۳،
پریدو (ماژور)؛ [ج ۸] ۲۱۰۶، ۲۱۴۹	۸۶۴، ۸۸۱—۸۸۳، ۸۸۶، ۸۹۹، ۹۱۴،
پریم؛ [ج ۱] ۴۲، ۲۵	۹۱۵، ۹۲۲، ۹۲۷، ۹۳۵؛ [ج ۵] ۹۸۰،
پسر داودخان کلهر؛ [ج ۳] ۷۱۱	۹۸۸، ۹۹۰، ۹۹۳، ۱۰۰۶، ۱۱۰۲، ۱۱۱۱،
پسر رحیم خان؛ [ج ۴] ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۱۰،	۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۳۰، ۱۱۳۸، ۱۱۸۴،
۹۳۸، ۹۴۳، ۹۵۵، ۹۵۶ (نیز، نک:	۱۱۸۹، ۱۲۱۰؛ [ج ۶] ۱۲۷۹، ۱۲۹۷،
بیوک خان)	۱۳۰۰، ۱۳۰۴، ۱۳۰۶، ۱۳۰۸ — ۱۳۱۰،
پسر سردار اسعد؛ [ج ۴] ۷۹۲، ۷۹۷	۱۳۱۴، ۱۳۱۷ — ۱۳۱۹، ۱۳۲۱، ۱۳۲۴ —
پسر ظل السلطان؛ [ج ۳] ۶۶۴، ۶۶۵	۱۳۲۶، ۱۳۲۸، ۱۳۳۰، ۱۳۴۷، ۱۳۵۰،
پسر نایب حسین؛ [ج ۴] ۹۵۷، ۹۵۸	۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۹،
پتروس ارمنی؛ [ج ۸] ۲۰۴۰	۱۳۶۲، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۹، ۱۳۷۱،
پتروس ملک ادرسیان (ادرسیان؟)؛ [ج ۷]	۱۳۷۳، ۱۳۷۸، ۱۳۸۱، ۱۳۸۵، ۱۳۹۳،
۱۶۰۲	۱۳۹۵، ۱۴۰۰، ۱۴۰۸ — ۱۴۱۰، ۱۴۱۷،
پتروف؛ [ج ۵] ۹۸۱، ۹۹۵، ۹۹۹ (نیز، نک:	۱۴۱۸، ۱۴۳۸، ۱۴۵۱؛ [ج ۷] ۱۵۰۱،
پتروف)	۱۵۰۲، ۱۵۲۵، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۲ —
پوتک (ادوارد)؛ [ج ۵] ۱۱۷۲	۱۵۳۵، ۱۵۶۰، ۱۵۶۶، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵،
پوران سنگ؛ [ج ۸] ۲۱۴۶	۱۵۷۹ — ۱۵۸۱، ۱۵۸۳، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶،
پیترز (سیرجنت)؛ [ج ۵] ۱۰۹۸	۱۵۹۰، ۱۵۹۵، ۱۶۰۹، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶،
پیترسن (لفتنان)؛ [ج ۵] ۱۰۸۵، ۱۲۲۸،	۱۶۲۰، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۸، ۱۶۵۱،
(ماژور)؛ [ج ۷] ۱۵۷۷، ۱۶۵۹؛ [ج ۸]	۱۶۶۰، ۱۶۶۹؛ [ج ۸] ۱۶۹۸، ۱۷۱۲ —
۱۸۵۱، ۱۷۶۸	۱۷۱۵، ۱۷۲۳، ۱۷۲۶، ۱۷۶۲، ۱۷۸۶،
پیچر (کاپیتان)؛ [ج ۷] ۱۶۳۸	۱۸۲۱ — ۱۸۲۳، ۱۸۴۴، ۱۸۷۳، ۱۹۰۶،
تاجرباشی — تاجرباشی روس؛ [ج ۳] ۵۹۳؛	۱۹۳۳، ۱۹۳۵، ۱۹۵۱، ۱۹۵۴، ۱۹۵۷،
۲۰۲۲	۱۹۶۰، ۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۲۰۰۰، ۲۰۰۴،

۲۰۷۴ - ۲۰۷۷، ۲۰۷۹، ۲۰۸۷ - ۲۰۹۲،
 ۲۰۹۴ - ۲۱۰۲، ۲۱۰۴، ۲۱۰۷ - ۲۱۱۵،
 ۲۱۲۸ - ۲۱۳۰، ۲۱۳۲، ۲۱۳۴ - ۲۱۳۶،
 ۲۱۳۸ - ۲۱۴۳، ۲۱۴۸، ۲۱۵۲ - ۲۱۵۵،
 ۲۱۵۷

تومانیانس: [ج ۵] ۱۲۱۹: [ج ۸] ۱۶۹۰
 تیمورخان: [ج ۱] ۱۵۷

ثقة الاسلام: [ج ۲] ۴۸۸، [ج ۳] ۵۹۱:
 [ج ۷] ۱۵۱۰، ۱۵۱۲، ۱۵۱۵، ۱۵۱۸،
 ۱۵۲۰، ۱۵۲۴، ۱۵۴۹، ۱۵۹۸، ۱۶۰۲:
 [ج ۸] ۲۰۳۹، ۲۰۴۰
 ثقة الملك: [ج ۴] ۸۱۸، ۸۲۱

جاکسن جوزف (نک: مرنارد)

جعفرقلی خان (بختیاری): [ج ۸] ۱۸۹۱

جلال الدوله: [ج ۱] ۹۰، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۸:
 [ج ۲] ۳۸۰: [ج ۴] ۸۶۹، ۹۶۶، ۹۷۰:
 [ج ۵] ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۹، ۱۰۵۷: [ج ۸]
 ۱۸۶۰

جمشیدیان: [ج ۸] ۱۶۹۰

جنتلمن: [ج ۴] ۸۰۶: [ج ۷] ۱۶۲۳

جوادخان: [ج ۴] ۸۳۶: [ج ۸] ۱۹۷۵

جواد سامانی (معمد همایون): [ج ۸] ۲۱۵۸

جوجو (ججو): [ج ۵] ۱۰۳۸

جولد (گولد) براند (لپستان): [ج ۵] ۱۰۸۵،
 ۱۲۲۸

جهانگیر (راهزن): [ج ۸] ۲۱۰۵

جهانگیرخان (صوراسرافیل): [ج ۱] ۲۳۹، ۲۴۶

جیمز - جیمس: [ج ۳] ۷۳۱: [ج ۴] ۸۰۶

[ج ۴] ۹۳۸: [ج ۵] ۱۱۶۳

تامان: [ج ۸] ۱۸۶۸

ترور (کاپیتان - میجر - مسیجر): [ج ۲]

۴۶۶: [ج ۴] ۸۲۰

تزاره: [ج ۳] ۶۲۱، ۶۲۷

تقی زاده: [ج ۱] ۹۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۸، ۱۵۴،

۱۶۵، ۱۹۶، ۲۱۶، ۲۲۸، ۲۳۹، ۲۴۵،

۲۶۲، ۲۶۳: [ج ۳] ۵۵۰، ۵۷۱، ۶۶۴،

۶۶۵، ۶۹۹، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۲۷: [ج ۴]

۷۷۸، ۷۷۸، ۸۴۵، ۸۹۰، ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۰۵،

۹۰۶، ۲۱۴، ۹۳۰: [ج ۵] ۱۰۳۶

تمدن الملك: [ج ۵] ۹۷۳، ۱۲۴۷

تنلی (سروالتر): [ج ۸] ۱۶۹۵، ۱۷۲۰ -

۱۷۶۵، ۱۷۶۷، ۱۷۷۱ - ۱۷۷۵، ۱۷۷۷ -

۱۷۷۹، ۱۷۸۱ - ۱۷۸۴، ۱۷۸۶ - ۱۷۹۲،

۱۷۸۱ - ۱۷۸۴، ۱۷۸۶ - ۱۷۹۲،

۱۷۹۵ - ۱۷۹۸، ۱۸۰۱، ۱۸۰۳ - ۱۸۰۶،

۱۸۰۹، ۱۸۱۱ - ۱۸۱۴، ۱۸۱۷ - ۱۸۲۶،

۱۸۳۲، ۱۸۳۷ - ۱۸۴۳، ۱۸۴۵ - ۱۸۵۱،

۱۸۵۵، ۱۸۵۷ - ۱۸۶۰، ۱۸۶۴ - ۱۸۸۵،

۱۸۸۸، ۱۸۹۰، ۱۸۹۵ - ۱۹۰۳، ۱۹۰۵،

۱۹۰۶، ۱۹۱۲ - ۱۹۱۴، ۱۹۲۱ - ۱۹۳۴،

۱۹۳۶، ۱۹۳۹، ۱۹۴۲، ۱۹۴۳، ۱۹۴۶،

۱۹۴۸، ۱۹۵۰، ۱۹۵۲ - ۱۹۵۵، ۱۹۵۷ -

۱۹۶۴، ۱۹۶۸ - ۱۹۷۰، ۱۹۷۲، ۱۹۷۴،

۱۹۷۶، ۱۹۷۹، ۱۹۸۱، ۱۹۸۱، ۱۹۸۳ -

۱۹۹۰، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴، ۱۹۹۷ - ۲۰۰۲،

۲۰۰۴ - ۲۰۰۶، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۳،

۲۰۱۴، ۲۰۱۷ - ۲۰۲۲، ۲۰۲۴ - ۲۰۲۶،

۲۰۲۸، ۲۰۲۹، ۲۰۳۱ - ۲۰۳۵، ۲۰۴۳ -

۲۰۴۸، ۲۰۵۰، ۲۰۵۲ - ۲۰۵۵، ۲۰۶۰ -

۲۰۶۳، ۲۰۶۵ - ۲۰۶۹، ۲۰۷۱، ۲۰۷۲،

حاجی آقا ولی)

جهند - جهیند؛ [ج ۴] ۸۱۲، ۹۶۰

حاجی ابراهیم؛ [ج ۳] ۶۰۲

حاجی ایلخانی؛ [ج ۵] ۱۰۲۳؛ [ج ۸] ۱۹۹۱

حاجی حسین خان کلانتر؛ [ج ۸] ۱۹۹۶

حاجی خسروخان؛ [ج ۳] ۷۶۲

حاجی رئیس؛ [ج ۸] ۲۰۴۹

حاجی رستم بیگ؛ [ج ۵] ۱۰۳۹

حاجی رحیم خان؛ [ج ۲] ۵۳۰

حاجی سید محمد کازرونی؛ [ج ۷] ۱۶۲۳

حاجی سیف الدوله؛ [ج ۳] ۷۶۵؛ [ج ۶]

۱۳۳۹، ۱۲۸۲

حاجی شیخ محمد واعظ؛ [ج ۱] ۹، ۱۱

حاجی عزالممالک؛ [ج ۶] ۱۳۸۸

حاجی علی آقا؛ [ج ۱] ۲۸۶؛ [ج ۳] ۵۶۹،

۶۰۳

حاجی علی اکبر (کمپانی)؛ [ج ۷] ۱۶۲۲

حاجی علیقلی خان (سردار اسعد)؛ [ج ۸]

۱۶۸۵

حاجی علی لاری؛ [ج ۳] ۶۵۱

حاجی قوام؛ [ج ۵] ۱۲۰۷

حاجی مجدالدوله؛ [ج ۳] ۷۰۷؛ [ج ۵] ۱۱۳۱،

۱۲۰۵

حاجی محمد (در رودی)؛ [ج ۴] ۷۹۵

حاجی محمد باقر (در رودی)؛ [ج ۴] ۷۹۵،

۸۳۰، ۷۹۶

حاجی محمد حسین کازرونی؛ [ج ۱] ۳۵

حاجی محمد کریم خان (قشقای)؛ [ج ۵]

۱۰۵۸؛ [ج ۷] ۱۶۴۲؛ [ج ۸] ۱۹۶۶،

۲۰۸۵، ۲۰۸۴

حاجی میرزا آقاسی؛ [ج ۱] ۹

حاجی میرزا رضاخان؛ [ج ۵] ۱۰۵۵

حاجی میرزا علی صراف اصفهانی؛ [ج ۵]

چرچیل؛ [ج ۲] ۳۴۱، ۳۴۶، ۳۵۴، ۳۷۲، ۳۷۷،

۳۷۸، ۴۵۹، ۵۲۶؛ [ج ۳] ۵۵۱-۵۵۴،

۵۹۹، ۶۰۸، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۲۱،

۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۸۱، ۶۸۳،

۶۸۶، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۸، ۷۲۲، ۷۲۸،

۷۶۰؛ [ج ۴] ۸۲۶، ۹۲۳؛ [ج ۵] ۱۰۲۰،

۱۰۳۳، ۱۰۹۱؛ [ج ۶] ۱۳۸۹؛ [ج ۸]

۱۷۳۸، ۱۷۵۲، ۱۷۷۳

جریکوف (چاریکوف)؛ [ج ۱] ۲۶۴، ۲۷۳،

۲۷۶، ۲۷۹، ۲۹۰، ۲۹۴-۲۹۹، ۳۰۷،

۳۰۸؛ [ج ۲] ۵۱۵؛ [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۴،

۵۴۵، ۵۵۴، ۵۷۵

چیک؛ [ج ۳] ۶۶۰، ۶۳۳؛ [ج ۵] ۱۱۹۵؛

[ج ۶] ۱۴۴۲؛ [ج ۸] ۱۹۱۴، ۱۹۲۱،

۲۱۱۵، ۲۱۲۳

حاج امام جمعه خوئی؛ [ج ۶] ۱۳۸۹

صاحب الدوله؛ [ج ۸] ۱۹۲۸

حاج سید نصرالله؛ [ج ۳] ۶۷۴، ۷۲۷؛ [ج ۴]

۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۳

حاج شیخ رئیس؛ [ج ۴] ۹۲۹

حاج میرزا رضاخان؛ [ج ۴] ۷۷۸

حاجی آخوند (مجتهد)؛ [ج ۴] ۷۹۵

حاجی آقا؛ [ج ۴] ۹۳۷

حاجی آقا محسن (اراکی)؛ [ج ۱] ۵۵

حاجی آقا ولی؛ [ج ۷] ۱۶۶۷ (نیز، نک: حاجی

آقای والی)

حاجی آقای والی؛ [ج ۸] ۱۹۹۶ (نیز، نک:

۱۲۴۷

حاجی نایب؛ [ج ۱] ۱۳۸، ۱۵۸؛ [ج ۲] ۵۳۱

حبیب الله خان؛ [ج ۲] ۵۳۳؛ [ج ۴] ۹۶۰

حسام الدوله؛ [ج ۳] ۶۰۱، ۶۴۸، ۷۲۹

حسام الملک؛ [ج ۶] ۱۳۴۰

حسن بخشو (نک: بخشو)

حسن (وثوق الدوله) نک: وثوق الدوله

حسن خان — حسن خان کشکولی؛ [ج ۸]

۲۰۱۴، ۲۰۱۷، ۲۰۸۲، ۲۰۸۵، ۲۰۸۶

حسنعلی خان کشکولی ۲۰۸۴ (نیز، نک:

حسن خان کشکولی)

حسین (پسر نایب الصدر)؛ [ج ۱] ۲۸۶

حسین بیگ؛ [ج ۸] ۲۰۸۶

حسین خان (یاغی — کرمانی) ۱۷۳۴

حسین خان (معین الوزاره)؛ [ج ۶] ۱۳۴۱؛

[ج ۷] ۱۵۰۲، ۱۵۰۵—۱۵۰۷، ۱۶۶۶ (نیز،

نک: معین الوزاره)

حسین دوانی؛ [ج ۸] ۲۱۲۶

حسین خان کسمائی؛ [ج ۳] ۷۴۴

حسین خان (میرزا)؛ [ج ۸] ۱۷۲۵، ۱۷۳۰

حسینقلی؛ [ج ۳] ۷۰۴

حسینقلی خان؛ [ج ۳] ۷۴۱؛ [ج ۴] ۸۴۵،

۹۰۶، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۴۴، ۹۵۰، ۹۵۳،

۹۵۶، ۹۷۲؛ [ج ۵] ۹۷۹، ۹۹۷، ۱۰۳۵،

۱۰۳۶؛ [ج ۸] ۱۷۶۷، ۱۷۷۳، ۱۸۱۴ (نیز،

نک: حسینقلی خان نواب)

حسینقلی خان (کرمانشاهی — همدست یار

محمد خان)؛ [ج ۸] ۱۹۹۷

حسینقلی خان نواب؛ [ج ۱] ۹۲، ۲۴۶؛ [ج ۳]

۵۹۷، ۶۷۴، ۷۰۷، ۷۲۷؛ [ج ۴] ۷۷۸،

۸۸۰؛ [ج ۸] ۱۷۷۳، ۱۸۱۴ (نیز، نک:

حسینقلی خان)

حسینقلی شاهسون؛ [ج ۵] ۱۰۳۷

حشمت الدوله؛ [ج ۳] ۵۵۹، ۵۶۳؛ [ج ۸]

۱۹۲۸

حشمت السلطان (علی خان)؛ [ج ۶] ۱۴۸۱

حشمت الملک؛ [ج ۱] ۳۵؛ [ج ۵] ۱۰۳۸،

۱۰۳۹، ۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۱۵۳، ۱۲۰۷،

۱۲۳۱؛ [ج ۷] ۱۶۵۸

حشمت الممالک؛ [ج ۴] ۸۳۴

حکیم الملک (دکتر)؛ [ج ۳] ۷۰۴، ۷۲۷؛

[ج ۴] ۷۷۸، ۸۸۰، ۹۰۶؛ [ج ۵] ۱۲۰۵؛

[ج ۶] ۱۳۳۵؛ [ج ۷] ۱۵۳۲، ۱۵۳۵،

۱۵۴۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۵۵

حمیدی؛ [ج ۱] ۱۶۷

حیدرخان (تروریست قفقازی — عمواغلی؟)؛

[ج ۶] ۱۳۳۸

حیدرخان (فراشباشی امیر اعظم)؛ [ج ۸] ۱۸۲۹

حیدرخان کمارجی؛ [ج ۳] ۷۶۴؛ [ج ۸] ۱۹۱۸

حیدرقلی خان؛ [ج ۸] ۲۰۰۷

حییم؛ [ج ۷] ۱۶۱۵

خازن الملک؛ [ج ۴] ۷۹۵

خاص آقا؛ [ج ۲] ۴۲۶

خان احمدی؛ [ج ۸] ۱۹۱۸، ۱۹۱۹

خان انگالی؛ [ج ۳] ۶۵۷؛ [ج ۵] ۱۰۴۰؛

[ج ۸] ۱۹۱۸، ۱۹۱۹

خان برازجان؛ [ج ۷] ۱۵۶۱، ۱۵۶۸، ۱۶۷۲؛

[ج ۸] ۱۶۹۳، ۱۷۰۳، ۱۹۱۸، ۱۹۱۹،

۲۱۲۲

خان بنادر سرحد (روس)؛ [ج ۵] ۱۱۹۱

خان بندر (بوشهر)؛ [ج ۴] ۸۷۳

خان بندر ریگ؛ [ج ۳] ۷۱۶

۱۸۷۵، ۱۸۸۹، ۱۹۲۱، ۱۹۲۲، ۱۹۲۴ —
 ۱۹۲۸، ۱۹۳۰، ۱۹۳۱، ۱۹۵۲، ۱۹۶۷،
 ۱۹۸۵، ۲۰۲۲، ۲۰۳۵، ۲۰۴۴ — ۲۰۴۷،
 ۲۰۸۷، ۲۰۸۸، ۲۱۳۷

دالتون: [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۳۰

داودخان: [ج ۲] ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۱۰، ۵۳۳؛
 [ج ۴] ۷۸۷، ۸۲۳، ۸۳۵، ۸۶۳، ۸۷۲،
 ۸۷۶، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۹، ۹۱۱، ۹۳۱،
 ۹۶۰؛ [ج ۶] ۱۲۸۷؛ [ج ۷] ۱۶۲۸ (نیز
 نک: داودخان کلهر — سردار مظفر)

داودخان کلهر: [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۶۳؛
 [ج ۴] ۷۸۶، ۹۱۰؛ [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۰۹۹،
 ۱۱۳۹، ۱۱۴۴، ۱۱۵۴، ۱۲۳۱؛ [ج ۸]
 ۱۶۹۶، ۱۷۶۲، ۱۷۶۴—۱۷۶۶، ۱۷۸۴،
 ۱۷۸۵، ۱۷۹۴، ۱۷۹۸، ۱۸۱۸ (نیز نک:
 داودخان — سردار مظفر)

داود ساسون و کمپانی: [ج ۳] ۶۵۶

دبیرالملک: [ج ۴] ۸۵۵، ۹۰۶؛ [ج ۵] ۱۲۰۵؛
 [ج ۷] ۱۵۳۶
 دتر (مسیو) ۲۱۴۰

در نزدوسکی (کلنل): [ج ۸] ۱۹۷۱

دریابسیگی: [ج ۱] ۹۵، ۱۱۲؛ [ج ۲] ۴۷۲؛
 [ج ۳] ۵۴۸، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۹۶، ۶۰۵، ۶۱۲،
 ۷۱۶، ۷۳۳، ۷۴۷؛ [ج ۴] ۷۹۹، ۸۷۳، ۸۹۴،
 ۹۴۱، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۱۰۰۰؛ [ج ۶] ۱۳۴۱؛
 [ج ۸] ۱۹۸۵، ۲۰۶۳، ۲۰۶۶
 دمرنی (مسیو): [ج ۵] ۱۲۲۸
 دوآتر (مسیو): [ج ۶] ۱۳۲۴
 دوداین: [ج ۳] ۶۹۸

دوکات — دوکا (ماژون): [ج ۱] ۱۳۸؛ [ج ۷]
 ۱۶۲۳

دوگلاس (کلنل): [ج ۱] ۱۰، ۶۲، ۶۴؛ [ج ۷]

خان دالکی: [ج ۸] ۱۹۱۹، ۱۹۴۴، ۲۱۲۱،
 ۲۱۲۲

خان دشتی: [ج ۸] ۱۹۱۹

خان شبانکاره: [ج ۸] ۱۹۴۴

خان کمارج: [ج ۵] ۱۰۵۴، ۱۰۷۲، ۱۰۸۰؛
 [ج ۷] ۱۶۴۳؛ [ج ۸] ۱۸۰۶، ۱۹۴۴ (نیز
 نک: خورشید خان کمارجی)

خان ماکو: [ج ۳] ۶۶۳؛ [ج ۷] ۱۶۳۰

خبیرالدوله: [ج ۱] ۱۲۷، ۱۳۹

خدار — خدر محمد زمان: [ج ۸] ۲۱۴۷

خسروخان: [ج ۱] ۸۳؛ [ج ۲] ۴۷۱؛ [ج ۳]
 ۶۴۹

خوانین شهرابی: [ج ۵] ۱۰۷۷

خوبیوف (کاپیتان): [ج ۳] ۷۵۵

خوردل (علی اکبر): [ج ۶] ۱۴۷۷

خورشید خان کمارجی: [ج ۸] ۱۸۰۷، ۱۸۱۸،
 ۱۹۰۹، ۱۹۱۰، ۱۹۲۰، ۱۹۶۱، ۲۰۸۶ (نیز

نک: خان کمارج)

خوشتاریان: [ج ۸] ۲۱۴۹

دابیژا — دابیجا — دابیجی — دابی چا (پرنس):
 [ج ۱] ۹۳؛ [ج ۳] ۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴؛
 [ج ۴] ۹۰۷؛ [ج ۷] ۱۶۱۴، ۱۶۱۸؛ [ج ۸]
 ۱۹۷۱

داته (مسیو): [ج ۶] ۱۳۲۴

داراب میسرزا: [ج ۴] ۸۵۲، ۸۶۳؛ [ج ۵]
 ۱۱۶۹، ۱۱۷۸

داریسی: [ج ۴] ۸۱۵، ۸۳۱

داگلاس — دوگلاس (کلنل): [ج ۶] ۱۳۱۹،
 ۱۳۹۸، ۱۴۵۲؛ [ج ۸] ۱۷۴۵، ۱۷۵۳،
 ۱۷۶۰، ۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۱۸۱۸، ۱۸۷۲

- ۱۴۸۸ ، ۱۴۸۹ ، ۱۴۹۱ ، ۱۴۹۶ ، ۱۴۹۷ ، ۱۴۹۹ ، ۱۵۱۰ ، ۱۵۲۱ ، ۱۵۴۱ ، ۱۵۴۲ ، ۱۵۶۸ ، ۱۵۷۱ ، ۱۶۰۵ ، ۱۶۱۰ ، ۱۶۳۸ ، ۱۶۳۹
- دولت آبادی (محمدخان): [ج ۳] ۶۰۰
- دوماره (لیوتنان): [ج ۷] ۱۴۹۴
- ده بزرگی (علی اکبر): [ج ۵] ۱۱۱۸ [ج ۶] ۱۴۶۳ ، ۱۴۶۴
- دیکی (بروس): [ج ۵] ۱۰۰۵ ، ۱۰۷۳ ، ۱۱۴۶
- دیلسن [دیکسن؟] (لفتنان): [ج ۷] ۱۶۲۴
- رحیم خان: [ج ۱] ۵۱ ، ۵۳ ، ۲۳۶ ، ۲۷۱ ، ۲۷۲ [ج ۲] ۳۷۱ ، ۴۳۴ ، ۴۴۰ ، ۴۴۲ ، ۴۴۳ ، ۴۶۲ ، ۴۸۲ ، ۴۹۹ [ج ۳] ۵۶۵ ، ۶۴۶ ، ۶۹۴ ، ۷۰۱ ، ۷۳۶ ، ۷۴۸-۷۵۲ ، ۷۵۴ ، ۷۵۶-۷۵۸ ، ۷۶۰ ، ۷۶۱ ، ۷۶۷ [ج ۴] ۷۷۹-۷۸۱ ، ۷۸۴ ، ۷۸۵ ، ۷۹۰ ، ۷۹۲ ، ۷۹۷ ، ۸۰۱ ، ۸۰۲ ، ۸۰۹ ، ۸۱۰ ، ۸۱۱ ، ۸۱۳ ، ۸۱۵ ، ۸۱۹ ، ۸۲۱ [ج ۵] ۱۰۱۱ ، ۱۰۱۲ ، ۱۲۰۲ [ج ۶] ۱۳۳۷
- ردکو (جنرال): [ج ۸] ۱۸۶۸ ، ۱۹۷۱
- رس (خانم — مادموازل): [ج ۶] ۱۲۶۵ ، ۱۲۶۸ ، ۱۲۷۳ ، ۱۲۷۵ ، ۱۲۸۲ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۶ ، ۱۲۹۸ ، ۱۲۹۹
- رسالدار — رسیلدار (ماژون): [؟] [ج ۷] ۱۵۳۹ ، ۱۵۴۴ ، ۱۶۲۴
- رستم بیگ: [ج ۵] ۱۰۹۹
- رشید السلطان: [ج ۴] ۹۳۶ ، ۹۳۷ ، ۹۳۸ ، ۹۵۵ [ج ۵] ۱۰۱۲ ، ۱۱۵۲ ، ۱۱۷۳ ، ۱۱۷۶ ، ۱۱۹۷ ، ۱۲۰۲ ، ۱۲۰۶ ، ۱۲۲۸ ، ۱۲۳۲ [ج ۷] ۱۵۵۰ ، ۱۵۵۱ ، ۱۵۶۶ ، ۱۵۶۸ ، ۱۵۹۸ ، ۱۶۰۳
- ۱۴۸۸ ، ۱۴۸۹ ، ۱۴۹۱ ، ۱۴۹۶ ، ۱۴۹۷ ، ۱۴۹۹ ، ۱۵۱۰ ، ۱۵۲۱ ، ۱۵۴۱ ، ۱۵۴۲ ، ۱۵۶۸ ، ۱۵۷۱ ، ۱۶۰۵ ، ۱۶۱۰ ، ۱۶۳۸ ، ۱۶۳۹
- دولت آبادی (محمدخان): [ج ۳] ۶۰۰
- دوماره (لیوتنان): [ج ۷] ۱۴۹۴
- ده بزرگی (علی اکبر): [ج ۵] ۱۱۱۸ [ج ۶] ۱۴۶۳ ، ۱۴۶۴
- دیکی (بروس): [ج ۵] ۱۰۰۵ ، ۱۰۷۳ ، ۱۱۴۶
- دیلسن [دیکسن؟] (لفتنان): [ج ۷] ۱۶۲۴
- ذکاء الملک: [ج ۱] ۱۷۸ [ج ۴] ۷۷۸ ، ۸۹۱ [ج ۵] ، ۱۰۱۱ [ج ۶] ۱۴۴۴ [ج ۷] ۱۵۳۵ ، ۱۵۴۸ ، ۱۵۹۹
- رئیس روحانی کربلاء: [ج ۳] ۷۱۲
- رئیس علی: [ج ۳] ۷۱۶ ، ۷۳۳ (نیز نک: رئیس علی تنگستانی)
- رئیس علی تنگستانی: [ج ۴] ۹۴۱ (نیز، نک: رئیس علی)
- رابینو: [ج ۱] ۵۲ ، ۵۹ ، ۶۲ ، ۸۴ ، ۱۴۱ ، ۱۶۱ ، ۱۷۰ ، ۲۱۳ [ج ۲] ۳۵۲ ، ۴۲۵ [ج ۵] ۱۲۰۰
- راتیسلا — راتیس لو — رئیس لو: [ج ۱] ۲۳ ، ۲۸ ، ۴۳ ، ۵۳ ، ۲۶۶ ، ۲۹۲ ، ۳۱۰ ، ۳۱۱ [ج ۲] ۳۵۱ ، ۳۶۸ ، ۳۷۰ ، ۳۷۱ ، ۳۸۶ ، ۳۸۸-۳۹۰ ، ۴۰۳ ، ۴۱۴ ، ۴۱۵ ، ۴۱۷ ، ۴۱۹ ، ۴۲۲-۴۲۴ ، ۴۳۳ ، ۴۳۵ ، ۴۴۲ ، ۴۴۳ ، ۴۴۶ ، ۴۵۳ ، ۴۵۵ ، ۴۶۲ ، ۴۸۱ ، ۴۸۸

- رشید الملک؛ [ج ۱] ۱۷۸؛ [ج ۳] ۷۰۱، ۷۴۹، ۷۶۰؛ [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۵؛ [ج ۵] ۱۱۶۱، ۱۱۶۲؛ [ج ۷] ۱۵۶۷، ۱۶۱۰، ۱۶۳۰
- رضا (حضرت)؛ [ج ۸] ۲۰۱۴
- رضا قلی خان (شیبانی)؛ [ج ۸] ۱۷۴۰، ۱۷۵۸، ۱۷۶۸
- رضا قلی خان قوام الملک (نک: قوام الملک) رفعت (نظام) [؟]؛ [ج ۸] ۱۸۲۷
- رفعت الدوله؛ [ج ۳] ۶۴۹، ۷۲۹
- رفعت نظام؛ [ج ۳] ۷۶۳؛ [ج ۶] ۱۴۴۹؛ [ج ۷] ۱۶۰۵؛ [ج ۸] ۱۷۶۹، ۱۸۲۰، ۱۸۲۷، ۱۸۲۸، ۱۸۳۴، ۱۸۵۷
- رفیع الدوله؛ [ج ۷] ۱۶۳۰
- رکن الدوله؛ [ج ۱] ۱۲۴؛ [ج ۲] ۴۶۷؛ [ج ۳] ۵۶۷، ۵۷۸، ۵۸۰، ۶۰۰، ۶۴۷، ۷۲۹، ۷۴۴؛ [ج ۴] ۸۱۱، ۸۳۳، ۹۰۷، ۹۳۰، ۹۷۰؛ [ج ۵] ۹۸۲، ۱۰۱۳، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹؛ [ج ۶] ۱۳۳۷، ۱۴۴۸، ۱۴۷۱؛ [ج ۷] ۱۵۳۸
- رنکینگ (لفتنت)؛ [ج ۱] ۱۳۹؛ [ج ۴] ۸۱۱
- روتر؛ [ج ۴] ۹۴۲
- روکو (ماژور ژنرال)؛ [ج ۷] ۱۶۵۷
- رومانوسکی؛ [ج ۳] ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴، ۷۰۵
- ری (کاپیتان)؛ [ج ۳] ۷۶۴؛ [ج ۴] ۸۰۶
- ریت میستر سیف ورت؛ [ج ۶] ۱۳۴۷
- ریچی؛ [ج ۷] ۱۵۹۱، ۱۶۱۴، ۱۶۳۴؛ [ج ۸] ۱۷۵۱، ۱۸۷۷، ۱۹۲۵
- ریس (پرنس هانری)؛ [ج ۸] ۱۹۴۰
- زاپولسکی — زپولسکی (کاپیتان)؛ [ج ۳] ۷۰۶، ۷۰۵، ۶۸۷، ۶۸۶
- زایر خزر — زایر خدر (زایر خضر)؛ [ج ۴] ۸۹۴، ۹۴۱
- زایر قادر (زایر خدر؟)؛ [ج ۳] ۷۱۶
- زکی خان (فارسی مدان)؛ [ج ۸] ۲۰۸۵
- زلیونیکستن (مستر)؛ [ج ۵] ۱۱۵۰
- زمان خان؛ [ج ۵] ۱۰۹۸
- زیقلر — زیگلر؛ [ج ۱] ۱۳۹، ۱۵۷، ۲۷۲
- ژان (مسیو)؛ [ج ۸] ۱۸۳۲
- ژرژ (پادشاه انگلیس)؛ [ج ۴] ۸۵۴
- سابلین — سبلین؛ [ج ۱] ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۸؛ [ج ۲] ۳۳۶، ۳۴۴، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۷۶، ۴۰۳، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۳۵، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۵۳، ۴۷۳، ۴۸۷، ۴۹۱، ۴۹۸، ۵۲۷، ۵۲۹؛ [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۶۰، ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۹، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۲۱، ۶۲۴، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۵۲، ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۸۱، ۶۸۳-۶۸۵، ۶۹۳، ۶۹۶، ۶۹۷، ۷۲۱، ۷۲۶، ۷۳۵
- ساتم (مهندس)؛ [ج ۸] ۱۷۷۹، ۱۸۱۹
- سازانسوف؛ [ج ۳] ۵۸۴، ۵۸۵، ۶۵۲، ۶۵۵، ۶۹۷، ۷۳۸، ۷۴۸؛ [ج ۴] ۸۳۹، ۹۲۰، ۹۲۱؛ [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۱۰۵؛ [ج ۶] ۱۴۰۳-۱۴۰۷، ۱۴۱۴، ۱۴۱۹، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۵۱، ۱۴۵۳، ۱۴۵۹؛ [ج ۷] ۱۴۸۹، ۱۴۹۶-۱۴۹۸، ۱۵۰۱

- ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۹-۱۵۳۱، ۱۵۳۳، ۱۵۴۸، ۱۵۵۰، ۱۵۵۲، ۱۵۵۵، ۱۵۵۷-۱۵۵۹، ۱۵۶۳، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۹، ۱۵۷۲-۲۵۷۴، ۱۵۸۰، ۱۵۸۳-۱۵۸۵، ۱۵۸۷، ۱۵۹۰، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۶۰۷-۱۶۱۳، ۱۶۱۷-۱۶۲۰، ۱۶۳۰، ۱۶۳۴، ۱۶۳۶، ۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۶۴ [ج ۸]، ۱۷۰۲، ۱۷۱۲-۱۷۱۶، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۲، ۱۷۲۶، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۵۳، ۱۷۹۲، ۱۸۷۰، ۱۸۷۶، ۱۸۷۹، ۱۹۰۶، ۱۹۲۶، ۱۹۴۹، ۱۹۵۱، ۱۹۵۴، ۱۹۵۶، ۱۹۵۷، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۶۳، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۲۰، ۲۰۲۷، ۲۰۴۳، ۲۰۹۸، ۲۱۰۱، ۲۱۱۵، ۲۱۳۳، ۲۱۳۶، ۲۱۴۲
- ساعد الدوله: [ج ۱] ۴۳
 سالار ارشد کردستانی: [ج ۸] ۱۷۹۶
 سالار ارفع: [ج ۲] ۳۸۳ (نیز نک: سردار ظفر)
 سالار اشرف: [ج ۲] ۲۳۰
- سالار الدوله - سالار الدوله قاجار: [ج ۱] ۴۶، ۶۷، ۹۸، ۱۵۶، ۱۷۵، [ج ۴] ۹۳۲ [ج ۵] ۱۰۷۴، ۱۰۹۶، ۱۱۲۱، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۹، ۱۱۴۴، ۱۱۵۶، ۱۱۵۹، ۱۱۷۳، ۱۱۸۵، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۵، ۱۲۰۸-۱۲۱۰، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۸، ۱۲۲۱، ۱۲۲۵، ۱۲۳۱-۱۲۳۴ [ج ۶]، ۱۲۵۸، ۱۲۶۶، ۱۲۷۳، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۶-۱۲۸۸، ۱۲۹۰، ۱۳۲۹، ۱۳۳۱، ۱۳۳۳، ۱۳۳۶، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۴۲۸، ۱۴۴۲، ۱۴۵۰، ۱۴۵۶، ۱۴۵۶ [ج ۷]، ۱۵۳۱، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۸۹، ۱۵۹۳
- سالار السلطان: [ج ۱] ۳۸، ۱۷۵، ۱۷۶ [ج ۲] ۳۸۵
 سالار حشمت: [ج ۸] ۱۹۶۴، ۲۰۸۳، ۲۰۸۴
 سالار خان: [ج ۲] ۵۳۱ [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۰، ۷۴۵ [ج ۴] ۸۲۲
 سالار مسعود: [ج ۴] ۸۲۳ (حسین خان گوران): [ج ۷] ۱۶۶۷
 سالار مظفر: [ج ۸] ۱۷۶۵
 سالار معزز: [ج ۳] ۵۶۷، ۷۲۹
 سالار مکرم: [ج ۱] ۱۲۴ [ج ۳] ۷۲۹
 سالار مؤید: [ج ۴] ۹۳۹ [ج ۵] ۹۸۱
 سالار منصور: [ج ۸] ۱۹۷۵
 سالار همایون: [ج ۷] ۱۶۶۷

۱۹۷۰، ۲۰۶۷، ۲۰۹۷، ۲۰۹۹، ۲۱۰۱،
۲۱۰۳، ۲۱۳۸.

سپهسالار - سپهسالار اعظم؛ [ج ۱] ۱۴۱،
۱۴۴، ۱۴۵، ۲۸۴؛ [ج ۲] ۴۲۸، ۴۶۹،
۵۰۹

ستارخان؛ [ج ۱] ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۲۶، ۳۲۸؛
[ج ۲] ۳۶۱، ۳۸۷، ۳۹۱، ۴۰۹، ۴۴۶،
۴۶۲، ۴۶۴، ۴۸۹، ۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۸،
۵۱۵، ۵۱۶؛ [ج ۳] ۵۵۶-۵۵۸، ۵۷۱،
۵۷۶، ۵۸۵، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۹، ۶۰۸،
۶۲۷، ۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۱، ۶۵۲، ۷۰۱،
۷۱۹، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۳، ۷۴۹، ۷۵۰،
۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۸، ۷۶۰؛ [ج ۴] ۷۷۹،
۷۸۴، ۸۱۴، ۸۱۶-۸۱۹، ۸۲۴-۸۲۷،
۸۳۳، ۸۹۷، ۹۰۶، ۹۱۶-۹۱۹، ۹۲۸؛
[ج ۸] ۱۷۰۷، ۲۰۳۷

سرایان سنگ؛ [ج ۸] ۲۱۴۴، ۲۱۴۶

سردار اجلال؛ [ج ۸] ۱۹۹۶

سردار احتشام (ضیغم الدوله)؛ [ج ۶] ۱۴۷۸؛
[ج ۷] ۱۶۴۳؛ [ج ۸] ۱۹۶۵، ۱۹۶۷،
۲۰۰۸، ۲۰۱۲، ۲۰۸۱، ۲۰۸۳-۲۰۸۶ (نیز)
نک: ضیغم الدوله)

سردار ارشد؛ [ج ۵] ۱۱۰۶، ۱۱۳۵، ۱۱۷۰،
۱۱۷۳، ۱۱۹۶، ۱۲۰۲، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹

سردار ارفع؛ [ج ۱] ۲۸۲؛ [ج ۳] ۵۶۸، ۷۶۵؛
سردار اسعد (علیقلی خان بختیاری)؛ [ج ۱] ۲؛
[ج ۲] ۴۳۳، ۴۵۱، ۵۱۸، ۵۲۳، ۵۴۰؛
[ج ۳] ۵۷۲، ۵۷۹-۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۸،
۵۸۹، ۶۰۱، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۳،
۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۲۴، ۶۲۷،
۶۳۶-۶۴۵، ۶۸۱-۶۸۴، ۶۸۶، ۶۸۷،
۷۰۴-۷۰۷، ۷۱۰، ۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۱

سامانی (جواد)؛ [ج ۲] ۵۴۰؛ [ج ۸] ۲۱۵۸؛
ساکس - سایکس (ماژون)؛ [ج ۱] ۳۴؛
[ج ۲] ۴۲۴، ۴۳۰، ۴۶۷، ۴۶۸؛ [ج ۳]
۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۴۴؛ [ج ۴] ۷۹۶، ۸۳۰؛
[ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۳۸، ۱۲۲۹؛ [ج ۶]
۱۲۷۸، ۱۲۸۱؛ [ج ۷] ۱۵۹۷

سپهدار - سپهدار اعظم؛ [ج ۱] ۲۴، ۱۲۳،
۱۳۲، ۱۷۴، ۲۸۸؛ [ج ۲] ۴۱۳، ۴۱۶،
۴۲۱، ۴۲۵، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۵۲۱،
۵۲۹؛ [ج ۳] ۵۴۱-۵۴۷، ۵۶۶، ۵۶۸،
۵۷۳، ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۸۲، ۵۸۸، ۵۸۹،
۵۹۵، ۵۹۹، ۶۰۷-۶۰۹، ۶۱۱-۶۱۴،
۶۲۲، ۶۲۴، ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۴۱-۶۴۵،
۶۸۱-۶۸۴، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۹، ۷۰۱،
۷۰۴-۷۰۷، ۷۱۲، ۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۱،
۷۲۶، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۱-۷۳۳، ۷۴۱،
۷۴۳، ۷۴۵، ۷۵۸؛ [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳،
۷۸۴، ۸۰۲، ۸۰۹، ۸۹۵، ۸۵۴، ۸۵۵،
۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۷،
۹۱۳، ۹۳۰؛ [ج ۵] ۱۰۰۳، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷،
۱۰۱۱، ۱۰۲۸، ۱۰۳۰، ۱۰۳۳، ۱۰۳۵-
۱۰۳۷، ۱۰۴۱، ۱۰۶۷، ۱۰۷۳، ۱۰۷۷،
۱۰۸۴، ۱۰۹۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۸، ۱۱۲۱،
۱۱۲۵، ۱۱۳۹، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶،
۱۱۶۳، ۱۱۹۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵،
۱۲۰۶، ۱۲۳۷؛ [ج ۷] ۱۶۰۸، ۱۶۱۳،
۱۶۲۰، ۱۶۳۰، ۱۶۳۲، ۱۶۵۵، ۱۶۵۶؛
[ج ۸] ۱۶۹۱، ۱۶۹۹، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵،
۱۷۱۹-۱۷۲۲، ۱۷۲۴، ۱۷۴۰، ۱۷۹۲،
۱۸۲۲، ۱۸۲۴، ۱۸۲۵، ۱۸۴۰-۱۸۴۴،
۱۸۴۶، ۱۸۵۵، ۱۸۶۶-۱۸۶۹، ۱۸۷۱-
۱۸۷۳، ۱۸۸۴-۱۸۸۶، ۱۹۲۱، ۱۹۴۰

۹۹۹، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰؛
[ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۴۴۲،
۱۴۵۰

سردار جنگ — سردار جنگ بختیاری (نصیر
بختیاری)؛ [ج ۳] ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۴۱، ۷۴۶،
۷۶۲؛ [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۱، ۸۴۶، ۸۵۶،
۸۹۳، ۹۰۹، ۹۴۱، ۹۳۹، ۹۷۰؛ [ج ۵]
۱۱۹۸؛ [ج ۶] ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۳۵۰،
۱۴۴۵؛ [ج ۸] ۱۷۹۱، ۱۸۰۲، ۱۸۰۳،
۱۸۳۹، ۱۸۵۶، ۱۸۶۲، ۱۸۶۵، ۱۸۶۶،
۱۸۸۶، ۱۸۸۸-۱۸۹۳، ۱۸۹۵-۱۸۹۷،
۱۹۲۷، ۱۹۴۱، ۱۹۴۸، ۱۹۶۹، ۱۹۷۱،
۱۹۸۴، ۱۹۸۹-۱۹۹۲، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹،
۲۰۵۳، ۲۰۵۵، ۲۰۵۷-۲۰۵۹، ۲۰۷۱،
۲۰۹۴

سردار سعید خان؛ [ج ۴] ۸۱۲، ۸۲۴

سردار سعید خان (کپی)؛ [ج ۱] ۱۵۹

سردار سعید خان (بلوچ)؛ [ج ۸] ۲۱۵۰

سردار ظفر؛ [ج ۲] ۳۶۵، ۴۱۳؛ [ج ۴] ۸۳۴

۹۱۳، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۵۷؛ [ج ۷] ۱۵۳۹

۱۶۰۴، ۱۶۵۷ (نیز نک: سالار ارفع)

سردار ظفر بختیاری؛ [ج ۴] ۸۷۲، ۹۲۹؛ [ج ۵]

۱۰۹۸، ۱۱۹۸، ۱۲۱۳، ۱۲۳۲، ۱۲۳۴

[ج ۶] ۱۲۸۳، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۳۴۰

[ج ۸] ۱۶۹۹، ۱۷۴۰، ۱۷۶۸، ۲۰۵۷

۲۱۵۰، ۲۰۵۸

سردار فاتح بختیاری (معین همایون)؛ [ج ۷]

۱۶۰۴؛ [ج ۸] ۱۹۸۷، ۱۹۹۰، ۲۰۰۸

۲۰۱۰، ۲۰۵۱

سردار فیروز؛ [ج ۱] ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۶، ۳۲۳

[ج ۲] ۳۸۶، ۴۳۱

سردار محتشم (غلامحسین بختیاری)؛ [ج ۳]

۷۲۶، ۷۳۰، ۷۳۳، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۳

۷۷۳؛ [ج ۴] ۷۸۳، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۹

۸۳۶، ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۵۴، ۸۵۵

۸۶۸، ۸۷۳، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۸، ۸۸۹

۸۹۱، ۹۰۶، ۹۱۲، ۹۱۶، ۹۲۲

۹۳۷-۹۳۹، ۹۵۴، ۹۶۷؛ [ج ۵] ۱۰۳۶

۱۰۴۳، ۱۰۴۷-۱۰۴۹، ۱۰۵۵، ۱۰۵۸

۱۰۶۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۸، ۱۰۹۶، ۱۱۱۶

۱۱۱۹، ۱۱۲۱، ۱۱۹۷، ۱۲۳۳، ۱۲۴۷

[ج ۶] ۱۲۵۰، ۱۳۸۰، ۱۳۹۹، ۱۴۰۱

۱۴۲۹؛ [ج ۷] ۱۴۸۶، ۱۵۳۲، ۱۵۳۶

[ج ۸] ۱۶۸۵، ۱۷۷۱، ۱۷۹۵

۱۸۶۲، ۱۸۸۸-۱۸۹۰، ۱۸۹۳، ۱۸۹۵

۱۸۹۶، ۱۹۶۴، ۱۹۷۵، ۲۰۰۷، ۲۰۹۴

۲۱۵۰، ۲۱۵۸ (نیز نک: علیقلی خان

بختیاری)

سردار اشجع — سردار اشجع بختیاری؛ [ج ۴]

۸۱۱، ۸۳۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۹۰۸، ۹۳۰

۹۵۶، ۹۶۸؛ [ج ۵] ۱۰۷۶، ۱۰۹۷، ۱۲۳۰

[ج ۶] ۱۳۳۸، ۱۴۴۸؛ [ج ۷] ۱۵۳۹

۱۶۰۴؛ [ج ۸] ۱۷۵۵، ۱۷۵۷، ۱۸۰۲

۱۸۱۹، ۱۸۹۲، ۲۰۵۱، ۲۰۹۶، ۲۱۵۰

سردار اشرف؛ [ج ۸] ۱۹۹۶

سردار افخم؛ [ج ۲] ۴۲۵، ۴۲۶؛ [ج ۵] ۱۱۵۲

سردار اکرم (نظر علی خان امرائی)؛ [ج ۴]

۸۸۵، ۹۳۲، ۹۴۰؛ [ج ۵] ۱۲۱۰، ۱۲۳۴

[ج ۸] ۱۷۰۴، ۱۷۶۶، ۱۹۰۲

سردار امجد؛ [ج ۲] ۳۵۲، ۴۱۳؛ [ج ۸] ۱۷۲۳

۱۷۳۱

سردار بهادر (پسر سردار اسعد)؛ [ج ۴] ۷۸۵

۸۰۹، ۸۱۰، ۸۲۱، ۸۳۳، ۸۴۵، ۸۵۵

۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۶، ۹۱۸؛ [ج ۵] ۹۷۹

۴۵۹، ۴۶۰ [ج ۵] ۱۲۲۹
 سعدالدوله؛ [ج ۱] ۱۶، ۲۵، ۷۸، ۸۱،
 ۸۶-۸۸، ۹۳، ۱۱۶، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰،
 ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۵ [ج ۲] ۳۴۴،
 ۳۶۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۹۱، ۳۹۷، ۳۹۹،
 ۴۱۲، ۴۲۸، ۴۳۵، ۴۴۱، ۴۵۶، ۴۵۷،
 ۴۷۳، ۴۸۲، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۳،
 ۵۴۰ [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۷، ۵۵۰-۵۵۳،
 ۵۵۹-۵۶۴، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۸۰، ۵۸۱،
 ۵۸۸، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۱۰،
 ۶۱۳، ۶۲۲، ۶۳۷-۶۴۰، ۶۴۲، ۶۴۴،
 ۶۸۰، ۶۸۲، ۷۰۴، ۷۱۷، ۷۴۴ [ج ۵]
 ۱۱۹۶ [ج ۸] ۱۹۵۷، ۱۹۵۹، ۱۹۶۴،
 ۲۰۰۱، ۲۰۰۴ - ۲۰۰۶، ۲۰۱۷-۲۰۲۰،
 ۲۰۲۳، ۲۰۲۵-۲۰۳۳، ۲۰۵۰، ۲۰۶۷،
 ۲۰۸۹، ۲۰۹۰، ۲۰۹۶، ۲۰۹۸، ۲۱۰۳،
 ۲۱۰۴

سعد السلطنه؛ [ج ۱] ۳۲۲

سعدالملک؛ [ج ۳] ۷۴۳

سعیدالسلطنه؛ [ج ۱] ۹۵

سعید الممالک؛ [ج ۲] ۵۹۹

سعید خان؛ [ج ۵] ۱۱۵۴ [ج ۶] ۱۲۸۵

سعید خان بمی؛ [ج ۸] ۲۱۰۶

سلطان احمد شاه؛ [ج ۸] ۱۷۱۰، ۱۷۸۰،

۱۸۸۳ (نیز نک: احمد شاه)

سلطان العلماء؛ [ج ۸] ۱۹۹۶

سلطانعلی خان وزیر دربار؛ [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸،

سلیمان میرزا؛ [ج ۱] ۲۱۷ [ج ۸] ۱۷۳۰،

۱۷۶۷، ۱۷۷۲، ۲۰۰۷

سلیم خان بهادر السلطنه؛ [ج ۲] ۳۸۸

سون (مستر، ویس قنصل)؛ [ج ۸] ۱۷۶۴،

۱۷۶۵

۵۸۳، ۶۰۱ [ج ۴] ۹۳۱ [ج ۵] ۹۷۹،
 ۹۹۹، ۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰ [ج ۶]
 ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۴۴۴ [ج ۷]
 ۱۵۳۵، ۱۵۴۸، ۱۵۹۹ [ج ۸] ۱۷۳۹،
 ۱۷۹۹، ۱۸۰۱، ۱۸۱۴، ۱۸۵۵، ۱۸۹۳،
 ۱۸۹۵، ۱۸۹۶

سردار محیی (معزالسلطان)؛ [ج ۴] ۹۰۷،

۹۱۶-۹۱۸ [ج ۵] ۱۱۵۴، ۱۲۰۲،

۱۲۰۷، ۱۲۲۸، ۱۲۳۳، ۱۲۳۵ [ج ۶]

۱۲۸۷ [ج ۸] ۱۷۶۷، ۱۷۷۲، ۱۸۶۰،

۲۰۰۷

سردار مسعود؛ [ج ۳] ۶۱۵

سردار مظفر (داود خان)؛ [ج ۳] ۵۶۶ [ج ۵]

۱۲۳۱ [ج ۶] ۱۳۴۰ [ج ۷] ۱۵۷۱،

۱۶۶۶، ۱۶۶۷

سردار معتضد (بهجت الملک)؛ [ج ۱] ۱۷۳،

۱۷۴، ۱۸۷، ۱۹۰ [ج ۲] ۴۱۳، ۴۲۹،

[ج ۵] ۱۰۹۹

سردار معتمد؛ [ج ۲] ۴۲۶، ۴۵۹، ۴۶۰ [ج ۳]

۷۲۸ [ج ۵] ۱۰۳۷، ۱۲۲۹

سردار معظّم؛ [ج ۸] ۱۹۹۰

سردار منصور؛ [ج ۱] ۱۸۵، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۸؛

[ج ۲] ۳۸۰، ۴۲۶، ۴۶۰ [ج ۳] ۷۰۷،

۷۲۶ [ج ۴] ۷۸۴، ۸۶۵، ۸۶۷

سردار مؤید؛ [ج ۸] ۱۹۹۳

سردار ناصر؛ [ج ۴] ۸۲۳، ۹۱۲

سردار نصرت؛ [ج ۲] ۵۲۸ [ج ۴] ۹۷۰، ۹۷۱؛

[ج ۵] ۹۹۵، ۱۰۳۹، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸؛

[ج ۶] ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۹۰، ۱۳۴۰؛

[ج ۷] ۱۶۵۸ [ج ۸] ۱۷۶۹، ۱۷۷۶،

۱۸۲۹، ۱۸۶۰، ۲۰۵۱، ۲۱۰۶

سردار همایون؛ [ج ۱] ۱۷۴ [ج ۲] ۴۲۶،

سید لاری)

سید عبدالصاحب؛ [ج ۳] ۷۱۶

سید علی یزدی؛ [ج ۱] ۱۴۵

سید کمال الدین؛ [ج ۳] ۷۱۱

سید لاری؛ [ج ۲] ۳۸۵، ۴۳۱، ۴۶۵، ۴۷۱؛

[ج ۳] ۷۱۳، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۹، ۷۱۳،

۷۳۳، ۷۴۱ (نیز نک: سید عبدالحسین

لاری)

سید محمد؛ [ج ۱] ۲۰۰، ۲۸۳

سید محمد؛ [ج ۳] ۷۱۳

سید محمد روضه خوان؛ [ج ۷] ۱۶۶۷

سید مرتضی؛ [ج ۲] ۴۴۴، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۷۷،

۴۷۸؛ [ج ۳] ۶۰۵، ۷۱۶؛ [ج ۴] ۹۶۴

سید مرتضی اهرمی؛ [ج ۳] ۷۴۷ (نیز نک: سید

مرتضی)

سیفورت (ماژور)؛ [ج ۸] ۱۸۱۳، ۱۸۵۱،

۱۸۷۴، ۱۸۷۵، ۱۸۸۷، ۱۸۹۷-۱۹۰۰،

۱۹۰۳، ۱۹۱۱، ۱۹۱۲، ۲۰۱۱، ۲۰۴۶،

۲۰۷۵-۲۰۷۷، ۲۰۸۲، ۲۰۹۶، ۲۱۵۰

شاپشال؛ [ج ۱] ۱۳۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۱۴

شاه (احمد شاه)؛ [ج ۸] ۱۷۱۰، ۱۷۸۰، ۱۸۸۳،

(نیز نک: احمد شاه، سلطان احمد شاه،

ولیعهد)

شاه جهان (شاه جهانیان) - پرویز؛ [ج ۱] ۲۷،

۳۵، ۱۶۲

شاهزاده فرمانفرما؛ [ج ۲] ۳۶۹، ۳۷۰، ۴۳۲،

۴۵۳ (نیز نک: فرمانفرما)

شاهزاده نایب السلطنه؛ [ج ۲] ۳۴۶ (نیز نک:

نایب السلطنه)

شاه مخلوع؛ [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۰۷۴، ۱۰۸۵،

سهام الدوله؛ [ج ۳] ۶۶۵، ۷۳۲، ۷۴۱،

۷۴۶-۷۴۸، ۷۶۳؛ [ج ۴] ۷۷۴، ۷۷۶،

۷۸۲، ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۶۷، ۸۶۸

سهام السلطنه؛ [ج ۲] ۵۲۳؛ [ج ۸] ۲۰۵۹

سید؛ [ج ۲] ۴۲۵، ۴۴۶، ۴۶۷، ۴۷۸، ۴۷۹؛

[ج ۳] ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۲۹

سید ابوالحسن؛ [ج ۳] ۵۶۹

سید احمد (دستکی)؛ [ج ۱] ۱۷۵

سید اسدالله؛ [ج ۳] ۷۱۴، ۷۳۳، ۷۴۷

سید اسدالله نجفی؛ [ج ۳] ۶۱۲

سید اکبر؛ [ج ۱] ۱۷۴

سید اکبر شاه؛ [ج ۵] ۱۱۵۴

سیدالمحققین [ج ۵] ۱۰۱۱

سید باقر؛ [ج ۸] ۱۸۶۰

سید جعفر؛ [ج ۳] ۵۶۹

سید جلیل اردبیلی؛ [ج ۸] ۱۷۶۷

سید جمال الدین (واعظ؟)؛ [ج ۱] ۴۱، ۲۱۶

سید حسن؛ [ج ۱] ۲۶۲

سید حسین لاری؛ [ج ۲] ۴۱۰

سید شبر؛ [ج ۳] ۷۳۳ (نک: شیخ شبر)

سید شهاب؛ [ج ۱] ۱۳۸

سید عبدالله - سید عبدالله مجتهد؛ [ج ۳] ۶۹۰؛

[ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۸۷۴، ۸۷۹، ۸۹۷،

۹۰۵، ۹۱۲، ۹۱۴، ۹۲۵ (نیز نک: آقا سید

عبدالله مجتهد)

سید عبدالحسین؛ [ج ۲] ۵۳۴؛ [ج ۳] ۶۰۳،

۷۱۴

سید عبدالحسین لاری؛ [ج ۱] ۱۱۱، ۱۲۷،

۱۳۹، ۱۷۵؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۴۳۱؛ [ج ۳]

۶۰۵، ۶۱۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۵۰،

۶۵۱، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۷، ۷۳۳، ۷۴۱،

۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۳؛ [ج ۴] ۷۸۹ (نیز نک:

نک: محمد علی شاه، محمد علی شاه قاجار، محمد علی میرزا) شجاع التولیه: [ج ۳] ۶۴۷	۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲، ۱۱۲۲، ۱۱۲۴-۱۱۲۷، ۱۱۳۴-۱۱۴۳، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶-۱۱۵۸، ۱۱۶۰-۱۱۶۴، ۱۱۶۷، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۶-۱۱۷۹، ۱۱۸۷، ۱۱۹۱، ۱۱۹۳، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۲، ۱۲۰۵-۱۲۰۸، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۴-۱۲۲۰، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۳: [ج ۶]
شجاع الدوله - شجاع: [ج ۸] ۱۶۹۱، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۹، ۱۷۰۱، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۷، ۱۷۱۹-۱۷۲۲، ۱۷۲۴، ۱۷۹۲، ۱۸۲۳، ۱۸۲۴، ۱۸۲۴، ۱۸۷۱، ۱۸۷۱-۱۸۷۳، ۱۸۸۴، ۱۸۸۶، ۱۸۸۷، ۱۹۲۸، ۱۹۵۵، ۱۹۸۰، ۱۹۸۲، ۱۹۹۳، ۲۰۳۵، ۲۰۳۶، ۲۰۳۸ - ۲۰۴۱، ۲۰۶۷، ۲۰۹۷، ۲۰۹۹، ۲۱۰۳، ۲۱۳۲، ۲۱۳۸ (نیز نک: صمد خان)	۱۲۶۱، ۱۲۶۳، ۱۲۶۶، ۱۲۷۳، ۱۲۷۸، ۱۲۸۱، ۱۲۸۷، ۱۲۸۹، ۱۲۹۲، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۴، ۱۳۱۲، ۱۳۲۱، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۹، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۷، ۱۳۶۷، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۸۲، ۱۳۹۲، ۱۳۹۵-۱۳۹۷، ۱۴۰۰، ۱۴۰۲، ۱۴۰۴، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۴، ۱۴۱۷، ۱۴۲۲، ۱۴۴۱، ۱۴۴۸: [ج ۷] ۱۵۰۰، ۱۵۰۹، ۱۵۱۲، ۱۵۱۸، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۹-۱۵۳۱، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۴۰، ۱۵۵۰، ۱۵۵۳، ۱۵۵۵، ۱۵۶۲-۱۵۶۷، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۶ - ۱۵۸۹، ۱۵۹۱، ۱۵۹۳، ۱۵۹۵، ۱۵۹۷، ۱۶۰۳، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۴، ۱۶۱۶ - ۱۶۱۹، ۱۶۲۷، ۱۶۲۹ - ۱۶۳۲، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۴ - ۱۶۴۶، ۱۶۵۲ - ۱۶۵۷، ۱۶۶۱، ۱۶۶۳، ۱۶۷۴، ۱۶۸۰: [ج ۸] ۱۶۹۴ - ۱۶۹۷، ۱۶۹۹، ۱۷۰۲، ۱۷۱۴، ۱۷۳۷، ۱۸۱۵، ۱۸۲۴، ۱۸۴۱، ۱۸۴۴، ۱۸۴۵، ۱۹۲۸، ۱۹۷۳، ۱۹۸۲، ۱۹۹۲ - ۱۹۹۴، ۲۰۱۸، ۲۰۲۴، ۲۰۳۲، ۲۰۳۶، ۲۰۳۷، ۲۰۵۰، ۲۱۰۳، ۲۱۳۴ (نیز
شجاع السلطان: [ج ۸] ۱۸۲۹ شجاع السلطنه: [ج ۵] ۱۲۳۵ شجاع العلماء: [ج ۸] ۱۹۹۶ شجاع الملک: [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴: [ج ۳] ۷۲۹، ۷۴۵	
شجاع نظام: [ج ۱] ۳۰۹، ۳۲۴: [ج ۲] ۳۸۹ شجاع الملک: [ج ۳] ۷۲۹ شرف الملک - شرف الملک کردستانی: [ج ۷] ۱۶۶۶: [ج ۸] ۱۷۰۴	
شجاع السلطنه: [ج ۱] ۱۴، ۱۵، ۱۵۲، ۱۵۶: [ج ۲] ۴۱۷، ۴۲۱، ۴۶۰: [ج ۵] ۱۱۸۷، ۱۱۹۶، ۱۲۰۲، ۱۲۰۵، ۱۲۲۹: [ج ۶] ۱۳۰۰، ۱۳۰۳، ۱۳۰۶، ۱۳۰۸-۱۳۱۰، ۱۳۱۲-۱۳۱۴، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۲۰، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۷، ۱۳۲۹، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۴۹، ۱۳۵۴ - ۱۳۵۶، ۱۳۶۰ - ۱۳۶۲، ۱۳۶۵، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۱، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵: [ج ۷] ۱۵۸۹، ۱۶۳۸: [ج ۸] ۱۷۳۸، ۱۷۴۰	
شکرالله: [ج ۳] ۸۰۸	

- شکسپیر (کاپیتان): [ج ۲] ۴۶۵
شکوه السلطان: [ج ۸] ۱۸۲۹، ۱۹۹۶
شماشکینسکی: [ج ۸] ۲۱۵۲
شوستر، مورگان: [ج ۵] ۱۰۰۲، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۱۷، ۱۰۷۳، ۱۰۸۷، ۱۰۹۱، ۱۰۹۴، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۹-۱۱۱۱، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۹، ۱۱۳۶، ۱۱۴۶-۱۱۴۹، ۱۱۵۱، ۱۱۵۵، ۱۱۶۴، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۷، ۱۱۹۰، ۱۱۹۹، ۱۲۲۵، ۱۲۲۸، [ج ۶] ۱۲۵۷، ۱۲۶۴، ۱۲۷۹-۱۲۸۲، ۱۲۸۹، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۶، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۳-۱۳۰۵، ۱۳۰۷، ۱۳۱۰-۱۳۲۳، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۹-۱۳۳۲، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۹، ۱۳۴۶، ۱۳۴۸-۱۳۵۳، ۱۳۵۶، ۱۳۵۸-۱۳۶۴، ۱۳۶۷، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۲، ۱۳۷۵، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۳، ۱۳۸۶، ۱۳۸۸، ۱۳۹۲، ۱۴۰۰-۱۴۰۲، ۱۴۰۴، ۱۴۰۷-۱۴۰۹، ۱۴۱۴، ۱۴۲۳، ۱۴۴۰، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۵۵، ۱۴۵۹، ۱۴۶۱: [ج ۷] ۱۴۹۲، ۱۴۹۴، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۱۹، ۱۵۲۳، ۱۵۲۵، ۱۵۳۴، ۱۵۵۲، ۱۵۹۱، ۱۶۰۱، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲: [ج ۸] ۱۷۷۳
شوکت الملک: [ج ۵] ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۷۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷
شهاب الدوله (اسدالله میرزا): [ج ۴] ۷۷۳: [ج ۷] ۱۶۵۷: [ج ۸] ۱۷۶۸ (نیز نک: اسدالله میرزا)
شهاب السلطان: [ج ۸] ۱۹۷۵
شهاب السلطنه: [ج ۴] ۹۶۹: [ج ۵] ۱۲۳۰: [ج ۸] ۱۷۴۰
شهباز: [ج ۸] ۲۱۲۳، ۲۱۲۶
شوکت الدوله: [ج ۱] ۱۲۴
شوکت الملک: [ج ۳] ۷۲۹
شیپلی: [ج ۴] ۸۲۷، ۸۳۳: [ج ۷] ۱۵۱۱، ۱۵۲۶، ۱۵۲۹، ۱۶۵۶: [ج ۸] ۲۰۳۵، ۲۰۴۱، ۲۰۴۲
شیخ (محمره): [ج ۸] ۱۷۲۷، ۱۷۴۹، ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۸۴۰، ۲۰۴۹ (نیز نک: شیخ محمره)
شیخ آقا (مجتهد): [ج ۴] ۷۹۵
شیخ اسماعیل هشترودی: [ج ۴] ۸۹۰
شیخ الاسلام: [ج ۷] ۱۶۶۷
شیخ الرئیس: [ج ۱] ۹، ۳۳، ۱۹۵، ۲۳۸
شیخ چارک: [ج ۷] ۱۶۴۸
شیخ چیرو: [ج ۷] ۱۶۴۸
شیخ حسین چاه کوتائی: [ج ۳] ۷۱۶
شیخ حسین خان: [ج ۸] ۱۹۱۹
شیخ خزعل: [ج ۴] ۷۹۹، ۹۳۳، ۹۴۲
شیخ زکریا - شیخ زکریای لارستانی: [ج ۲] ۵۳۴، ۵۳۵: [ج ۳] ۷۱۳: [ج ۴] ۹۴۱: [ج ۷] ۱۵۵۱
شیخ سلیم: [ج ۷] ۱۵۰۷، ۱۵۱۰، ۱۵۴۹
شیخ شبر: [ج ۳] ۵۶۸ (نک: سید شبر)
شیخ عبدالله زنجانی: [ج ۳] ۷۳۲
شیخ علی: [ج ۳] ۷۳۴
شیخ علی دشتی: [ج ۳] ۷۳۳: [ج ۷] ۱۵۵۱
شیخ فضل الله: [ج ۱] ۵۱، ۵۸، ۷۳، ۱۴۵: [ج ۲] ۳۴۶، ۴۱۲، ۴۲۹: [ج ۳] ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۷
شیخ محمد حسین یزدی: [ج ۳] ۷۲۸
شیخ محمره: [ج ۷] ۱۵۴۰: [ج ۸] ۱۷۲۶، ۱۷۲۹، ۱۷۴۲، ۱۷۶۲، ۱۷۶۶، ۱۷۷۰

۱۷۷۱، ۱۷۹۸، ۱۸۰۲، ۱۸۴۰، ۱۸۸۹،
 ۱۸۹۰، ۱۸۹۵، ۱۹۶۹، ۱۹۸۴، ۲۰۴۸،
 ۲۱۰۷، ۲۱۵۱
 شیخ محمود؛ [ج ۱] ۲۹
 شیخ نزقور؛ [ج ۴] ۹۶۲
 شیرخان؛ [ج ۲] ۵۳۳
 شنیدلر - شنیدلر؛ [ج ۶] ۱۲۹۷، ۱۳۳۹، ۱۳۹۲
 صاحب اختیار؛ [ج ۱] ۱۳۹، ۱۶۹-۱۷۱،
 ۱۷۵، ۱۷۷، ۳۰۵، ۳۲۲؛ [ج ۲] ۴۷۰؛
 [ج ۳] ۶۰۲؛ [ج ۵] ۹۹۸، ۱۱۵۲، ۱۲۰۶
 صارم الدوله؛ [ج ۳] ۷۳۰
 صارم الملک [پسر ارشد سردار ظفر]؛ [ج ۴]
 ۹۷۰، ۹۴۰
 صارم الممالک؛ [ج ۴] ۹۰۹؛ [ج ۸] ۲۱۰۴
 صدراعظم؛ [ج ۳] ۵۵۱؛ [ج ۸] ۱۶۹۸، ۱۷۲۹،
 ۱۷۷۱، ۱۷۸۰، ۱۷۸۲، ۱۷۹۱، ۱۸۱۴،
 ۱۸۳۹، ۱۸۶۵، ۱۹۴۰، ۱۹۵۷، ۱۹۵۹،
 ۱۹۶۰، ۱۹۶۴، ۱۹۷۴، ۲۰۰۴، ۲۰۰۶،
 ۲۰۲۰، ۲۰۲۵، ۲۰۵۴، ۲۰۵۵، ۲۰۶۸،
 ۲۱۰۱، ۲۱۳۲، ۲۱۴۸، ۲۱۴۹
 صدرالدین بیگ؛ [ج ۲] ۳۷۸، ۴۴۲
 صدرالعلماء؛ [ج ۲] ۳۸۴
 صدیق الحرم؛ [ج ۱] ۲۶۲
 صدیق حضرت؛ [ج ۳] ۷۲۷؛ [ج ۴] ۷۷۸
 صدیق السلطنه؛ [ج ۳] ۷۲۸
 صدیق الملک؛ [ج ۷] ۱۵۴۹
 صمدخان؛ [ج ۲] ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۶۲، ۴۶۳،
 ۴۸۲، ۴۹۳، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۱۴؛ [ج ۳]
 ۵۴۷، ۵۹۱، ۵۹۳، ۵۹۴، ۷۰۸، ۷۳۹،
 ۷۴۹، ۷۶۰؛ [ج ۴] ۷۷۹، ۸۲۱؛ [ج ۵]

۱۰۱۰، ۱۰۹۶، ۱۱۹۰، ۱۲۱۲-۱۲۱۴،
 ۱۲۱۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳؛ [ج ۶]
 ۱۲۸۷-۱۲۸۹، ۱۳۳۳، ۱۳۳۷، ۱۴۴۱،
 ۱۴۴۷؛ [ج ۷] ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۹،
 ۱۵۱۱، ۱۵۱۵، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۳۱،
 ۱۵۳۶، ۱۵۶۲، ۱۵۶۵-۱۵۶۷، ۱۵۹۸،
 ۱۶۰۲، ۱۶۰۸، ۱۶۱۰، ۱۶۱۳، ۱۶۲۰،
 ۱۶۲۹-۱۶۳۲، ۱۶۴۲، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵،
 ۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۶ (نیز نک: شجاع
 الدوله)

صمصام؛ [ج ۲] ۴۳۲
 صمصام خان؛ [ج ۲] ۳۵۱
 صمصام السلطان؛ [ج ۸] ۱۹۹۶، ۲۰۸۲
 صمصام السلطنه (نجفقلی بختیاری)؛ [ج ۱]
 ۵۴، ۸۱؛ [ج ۲] ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۶-۳۷۰،
 ۳۸۳، ۳۹۳، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۱۳،
 ۴۳۲، ۴۵۳، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۵۱۸،
 ۵۲۱، ۵۲۴، ۵۳۱؛ [ج ۳] ۵۷۲، ۵۸۳،
 ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۳۱، ۶۳۸، ۷۰۷، ۷۰۹،
 ۷۱۰، ۷۳۰؛ [ج ۴] ۷۶۲، ۷۸۵، ۷۹۷،
 ۷۹۸؛ [ج ۵] ۱۰۷۷، ۱۱۲۲، ۱۱۴۰،
 ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۷، ۱۲۲۹، ۱۲۳۲؛
 [ج ۶] ۱۲۸۲، ۱۳۴۹، ۱۴۳۹،
 ۱۴۴۳-۱۴۴۶، ۱۴۶۷، ۱۴۷۲، ۱۴۷۵؛
 [ج ۷] ۱۵۳۲، ۱۵۳۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۸،
 ۱۵۵۶، ۱۶۷۱، ۱۶۷۴؛ [ج ۷] ۱۵۹۹،
 [ج ۸] ۱۶۹۸، ۱۷۳۹، ۱۷۷۱، ۱۷۸۲،
 ۱۸۱۰، ۱۸۱۴، ۱۸۶۵، ۱۸۹۳، ۱۹۵۹،
 ۱۹۸۵، ۲۰۰۶، ۲۰۵۰، ۲۰۵۵، ۲۰۶۳،
 ۲۱۰۴، ۲۰۸۵

صمصام الممالک - صمصام الممالک سنجابی؛
 [ج ۲] ۳۵۳، ۳۸۴؛ [ج ۴] ۹۰۲، ۹۶۰

- [ج ۶] ۱۲۵۴-۱۲۶۰، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴،
 ۱۲۶۶-۱۲۶۹، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۹،
 ۱۲۹۵، ۱۳۳۹، ۱۴۶۵، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸،
 ۱۴۷۱ - ۱۴۷۸، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱: [ج ۷]
 ۱۶۱۶، ۱۶۴۲: [ج ۸] ۱۶۹۱، ۱۷۳۴،
 ۱۷۵۷-۱۷۵۹، ۱۷۶۸، ۱۷۷۷، ۱۷۷۸،
 ۱۷۸۹، ۱۸۰۴، ۱۸۰۸، ۱۸۰۹، ۱۸۱۲،
 ۱۸۱۳، ۱۸۱۶، ۱۸۷۳-۱۸۷۵، ۱۸۸۷،
 ۱۸۹۷، ۱۸۹۸، ۱۹۰۰، ۱۹۰۱، ۱۹۰۴،
 ۱۹۰۸، ۱۹۰۹، ۱۹۱۷-۱۹۱۹، ۱۹۳۰،
 ۱۹۴۱، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴، ۱۹۶۴، ۱۹۶۶،
 ۱۹۶۷، ۱۹۷۱، ۱۹۷۷، ۱۹۸۵، ۲۰۰۸،
 ۲۰۱۲، ۲۰۱۴-۲۰۱۶، ۲۰۶۴، ۲۰۷۹ -
 ۲۰۸۵، ۲۱۰۷، ۲۱۱۷، ۲۱۲۱
- صولت السلطان: [ج ۸] ۱۸۳۶
 صولت السلطنه: [ج ۵] ۹۹۹، ۱۰۱۴: [ج ۶]
 ۱۲۷۹، ۱۴۷۸، ۱۴۸۱: [ج ۷] ۱۶۴۲،
 ۱۶۸۱: [ج ۸] ۱۹۶۵، ۱۹۶۶، ۲۰۰۸،
 ۲۰۸۳-۲۰۸۵
 صولت الملک: [ج ۴] ۷۸۹: [ج ۸] ۱۸۲۹،
 ۱۸۳۶
 ضرغام: [ج ۳] ۷۳۶
 ضرغام الدوله: [ج ۵] ۱۰۹۸
 ضرغام السلطنه: [ج ۲] ۳۶۳، ۴۰۶، ۴۰۷
 ضرغام السلطنه بختیاری: [ج ۴] ۹۱۶
 ضرغام الشریعه: [ج ۶] ۱۴۶۴
 ضرغام بختیاری (حسین خان): [ج ۳] ۷۶۲
 ضرغام نظام (رودباری): [ج ۵] ۱۱۰۰: [ج ۸]
 ۱۸۲۸
 ضیاء الدوله: [ج ۷] ۱۴۹۶، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵،
- [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۰۹۹، ۱۱۵۴: [ج ۷]
 ۱۶۶۷: [ج ۸] ۱۷۶۵، ۱۷۹۶، ۱۹۵۵،
 ۱۹۹۵، ۲۱۵۰، ۲۱۵۱
 صمصام نظام: [ج ۵] ۹۸۲
 صنیع الدوله: [ج ۱] ۲۵، ۸۰، ۸۶، ۸۹، ۱۱۰،
 ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۲،
 ۱۸۳، ۱۸۸-۱۹۰، ۲۲۰، ۲۸۹، ۳۱۸،
 [ج ۲] ۳۸۰، ۵۲۹: [ج ۳] ۵۹۷، ۶۷۴،
 ۷۰۷، ۷۲۷: [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴،
 ۸۶۷، ۹۴۴، ۹۵۶: [ج ۵] ۹۷۹،
 ۹۸۷-۹۸۹، ۹۹۳، ۹۹۸، ۱۰۰۳، ۱۰۰۸،
 ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۸، ۱۰۳۶، ۱۰۶۷،
 ۱۰۷۰
 صنیع حضرت: [ج ۳] ۶۳۶، ۶۴۳، ۷۰۷،
 صولت الدوله: [ج ۲] ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۲،
 ۴۷۲، ۵۳۴، ۵۳۵: [ج ۳] ۶۰۲-۶۰۴،
 ۶۳۴، ۶۵۰، ۶۵۳، ۷۱۳-۷۱۵، ۷۲۶،
 ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۴۶: [ج ۴] ۷۷۴، ۷۷۵،
 ۷۸۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۴، ۸۰۸-۸۱۰،
 ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۳۶،
 ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۴،
 ۸۸۸، ۸۹۲-۸۹۴، ۹۰۸-۹۱۰، ۹۱۳،
 ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۳،
 ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۶۰،
 ۹۶۱، ۹۶۷، ۹۷۲: [ج ۵] ۹۷۵،
 ۹۷۷-۹۷۹، ۹۸۳، ۹۸۸، ۹۹۶، ۹۹۹،
 ۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۰۴۰، ۱۰۴۷، ۱۰۴۹،
 ۱۰۵۲، ۱۰۵۹، ۱۰۶۲، ۱۰۶۵، ۱۰۷۸،
 ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۵،
 ۱۱۱۸، ۱۱۳۷، ۱۱۶۷، ۱۱۸۶، ۱۱۹۷،
 ۱۲۰۳، ۱۲۱۵، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۳،
 ۱۲۲۴، ۱۲۳۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۴-۱۲۴۶:

۷۱۸ ، ۷۲۸ ، ۷۲۹ ، ۷۳۴ ، ۷۴۱ ، ۷۴۳ ،
 ۷۴۴ ؛ [ج ۴] ، ۸۶۹ ، ۸۹۱ ، ۹۳۱ ، ۹۶۶ ؛
 [ج ۵] ، ۹۸۵ ، ۱۰۱۱ ؛ [ج ۶] ، ۱۴۸۰
 ظهیرالاسلام ؛ [ج ۵] ، ۱۲۰۵
 ظهیرالدوله ؛ [ج ۱] ، ۴۸ ، ۶۷ ، ۱۲۸ ، ۱۷۳ ،
 ۲۳۹ ؛ [ج ۳] ، ۶۵۰ ، ۷۳۱ ؛ [ج ۴] ، ۷۹۸ ؛
 [ج ۵] ، ۱۰۱۲ ، ۱۰۵۶ ؛ [ج ۶] ، ۱۳۳۷
 ظهیرالسلطان ؛ [ج ۴] ، ۹۵۶ ، ۹۶۸ ؛ [ج ۵] ، ۹۸۰
 ظهیرالعلماء ؛ [ج ۸] ، ۱۹۹۶
 ظهیرالملک ؛ [ج ۲] ، ۵۳۳ ؛ [ج ۳] ، ۷۱۱ ، ۷۱۲ ،
 ۷۳۱ ، ۷۳۲ ، ۷۴۶

۱۵۵۷ ، ۱۵۵۸ ، ۱۵۶۳ ، ۱۵۷۰ ، ۱۵۷۳ ،
 ۱۵۷۶ ، ۱۵۷۹ ، ۱۵۸۵ ، ۱۵۸۸ ، ۱۵۸۹ ،
 ۱۶۰۲ ، ۱۶۵۶ ؛ [ج ۸] ، ۲۰۳۸ ، ۲۰۴۱
 ضیاء السلطان ؛ [ج ۵] ، ۱۲۳۰ ؛ [ج ۸] ، ۱۷۴۰ ،
 ۱۹۷۵
 ضیغم الدوله ؛ [ج ۴] ، ۸۵۶ ، ۸۵۷ ، ۸۶۷ ، ۸۷۲ ،
 ۸۸۸ ، ۸۹۴ ، ۹۰۸ ، ۹۱۳ ، ۹۳۳ ، ۹۷۰ ؛
 [ج ۵] ، ۹۸۱ ، ۹۹۹ ، ۱۰۵۷ ، ۱۰۹۰ ، ۱۰۹۸ ،
 ۱۱۱۹ ؛ [ج ۶] ، ۱۲۶۹ ، ۱۲۷۹ ، ۱۳۳۹ ،
 ۱۴۷۲ ، ۱۴۷۵ ، ۱۴۷۸ ، ۱۴۸۰ ، ۱۴۸۱ (نیز
 نک: سردار احتشام)

ضیغم السلطنه ؛ [ج ۵] ، ۱۲۲۸ ، ۱۲۳۳ ؛ [ج ۶] ،
 ۱۲۸۶

عباس آقا (قاتل اتابک) ؛ [ج ۱] ، ۹۴
 عباس خان افشار ؛ [ج ۱] ، ۱۵۸
 عباس خان چناری ؛ [ج ۴] ، ۹۴۰ ؛ [ج ۵] ،
 ۱۰۷۷ ؛ [ج ۶] ، ۱۲۸۳
 عباسقلی — عباسقلی خان نواب ؛ [ج ۱] ، ۵۶ ،
 ۱۶۸ ، ۲۴۶ ، ۲۵۲ ؛ [ج ۲] ، ۳۴۶ ؛ [ج ۴] ،
 ۸۷۳ ، ۸۷۴ ، ۸۸۶ ، ۸۸۷ ، ۸۸۹ ؛ [ج ۷] ،
 ۱۵۰۴ ، ۱۵۰۵

ظفر السلطنه ؛ [ج ۱] ، ۱۲۵ ، ۱۳۶ ، ۱۵۴ ، ۱۷۳ ،
 ۱۸۶ ، ۱۸۸ ، ۱۹۰ ، ۲۲۱ ؛ [ج ۴] ، ۸۲۴ ،
 ۸۳۲ ، ۸۳۵ ، ۸۴۶ ، ۸۵۶ ، ۸۶۷ ، ۸۷۲ ،
 ۸۷۶ ، ۹۰۰ ، ۹۰۴ ، ۹۱۳ ، ۹۳۲ ، ۹۳۳ ؛
 [ج ۵] ، ۱۰۵۶ ، ۱۰۷۴ ، ۱۱۵۲ ؛ [ج ۶] ،
 ۱۴۸۰

عبدالرحیم (حاجی) ؛ [ج ۱] ، ۳۸ ؛ [ج ۲] ، ۳۸۳
 عبدالوهاب ؛ [ج ۷] ، ۱۵۶۸
 عدل الدوله ؛ [ج ۲] ، ۴۳۰ ؛ [ج ۳] ، ۷۱۰
 عدل السلطان ؛ [ج ۸] ، ۱۸۶۰ ، ۱۸۸۷
 عدیل الملک ؛ [ج ۱] ، ۱۷۴
 عسکر خان — عسکرخان شیبانی — عسکر ؛
 [ج ۸] ، ۱۷۵۸ ، ۱۹۰۴ ، ۲۰۸۲ ، ۲۰۸۷
 عسکر سلیم ؛ [ج ۵] ، ۱۰۷۷ ، ۱۱۵۴
 عضد السلطان ؛ [ج ۵] ، ۱۲۳۱ ، ۱۲۳۳ ؛ [ج ۶] ،
 ۱۳۳۳ ، ۱۳۴۰
 عضدالملک ؛ [ج ۱] ، ۱۰ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴ ، ۱۵۶ ،

ظل السلطان ؛ [ج ۱] ، ۳۱ ، ۶۹ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۹۰ ،
 ۹۱ ، ۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۳۰ ، ۱۳۴ ، ۱۴۰ ، ۱۴۴ ،
 ۱۴۶ ، ۱۴۷ ، ۱۵۰ ، ۱۵۷ ، ۱۶۸ ، ۱۷۱ ،
 ۱۷۳ ، ۱۷۶ — ۱۷۹ ، ۱۸۸ ، ۱۹۰ — ۱۹۵ ،
 ۱۹۷ ، ۲۰۰ ، ۲۰۳ ، ۲۰۴ ، ۲۰۸ ، ۲۱۰ ،
 ۲۱۱ ، ۲۱۸ ، ۲۳۰ ، ۲۳۱ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ،
 ۲۴۹ ، ۲۶۸ ، ۲۸۲ ؛ [ج ۲] ، ۳۸۰ ؛ [ج ۳] ،
 ۵۴۸ ، ۵۵۴ ، ۵۷۹ ، ۵۸۱ ، ۶۱۵ ، ۶۱۶ ،
 ۶۱۸ ، ۶۱۹ ، ۶۲۶ ، ۶۲۷ ، ۶۲۹ ، ۶۳۲ ،
 ۶۳۳ ، ۶۳۵ ، ۶۵۰ ، ۶۵۵ ، ۶۶۴ ، ۶۶۵ ،
 ۶۹۰ ، ۶۹۶ ، ۷۰۸ ، ۷۱۳ ، ۷۱۴ ، ۷۱۷ ،

۲۰۶۲، ۲۰۶۳، ۲۰۶۹ — ۲۰۷۲، ۲۰۷۴،
 ۲۰۷۵، ۲۰۹۰، ۲۰۹۳، ۲۱۰۱ — ۲۱۰۴،
 ۲۱۰۷، ۲۱۰۹، ۲۱۱۵، ۲۱۲۸، ۲۱۳۰،
 ۲۱۳۳، ۲۱۴۸

علاءالملک (محمودخان) [ج ۱]، ۸۱، ۱۷۳،
 ۲۴۹، ۲۶۷؛ [ج ۲]، ۳۶۱، ۳۶۲؛ [ج ۳]
 ۵۵۹، ۶۹۰؛ [ج ۵]، ۱۰۷۴

عام الهدی؛ [ج ۲]، ۵۳۳

علی اکبر — علی اکبر خان سنجانى (پسر
 صمصام الممالک سنجانى)؛ [ج ۸]، ۱۷۶۵،
 ۱۷۹۶ — ۱۷۹۸

علی اکبر گندمکاری [ج ۸]، ۲۰۵۸

علی پناه کیخا [ج ۸]، ۲۰۸۰، ۲۰۸۵

علی جان (چلییانلو)؛ [ج ۱]، ۲۲، ۲۸

علی خان [ج ۴]، ۷۹۸

علی خان (سارق) [ج ۸]، ۱۹۷۱

علی خان (سرتیپ) [ج ۴]، ۸۶۴

علیقلى — بختيارى [ج ۳]، ۶۸۹؛ [ج ۵]، ۱۱۵۴؛

[ج ۸]، ۱۸۹۰، ۱۸۹۳ (نیز نک: سردار

اسعد)

علیقلى خان (حاج) [ج ۲]، ۵۴۰؛ [ج ۳]، ۵۶۹

(نیز نک: سردار اسعد)

علیقلى خان (معاون وزارت خارجه) [ج ۸]

۱۹۷۹، ۱۹۸۰

علی محمد کمارجی (مستمرّد) [ج ۸]، ۱۸۰۵،

۱۹۰۹ — ۱۹۱۱، ۱۹۲۰، ۱۹۴۴، ۲۰۸۶،

۲۱۲۱

عمید الحکماء [ج ۴]، ۷۷۸

عمیدالسلطان [ج ۲]، ۴۶۰؛ [ج ۴]، ۷۸۵؛ [ج ۸]

۱۷۶۷

عین الدوله [ج ۱]، ۴، ۱۲، ۲۹، ۴۵، ۹۰، ۱۷۸،

۲۳۶، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۲۳، ۳۲۴؛

۱۸۵، ۲۱۲ — ۲۱۵؛ [ج ۳]، ۶۲۴، ۶۲۶،

۶۸۴، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۰۷،

۷۰۸، ۷۶۶؛ [ج ۴]، ۷۸۳، ۹۳۷؛ [ج ۸]

۱۷۰۷

عطاءالدوله [ج ۱]، ۳۲۳؛ [ج ۲]، ۳۸۵، ۵۳۳،

۵۳۵؛ [ج ۳]، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۵۰، ۷۱۳،

۷۱۴؛ [ج ۵]، ۱۲۰۷؛ [ج ۶]، ۱۴۶۵، ۱۴۷۷

عطاء السلطنه [ج ۵]، ۱۱۱۵

عطاء نظام [ج ۵]، ۱۱۱۵

علاءالدوله [ج ۱]، ۳۲، ۸۸، ۹۰، ۹۳، ۱۱۷،

۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۴۳،

۱۸۵، ۲۰۱، ۲۱۴ — ۲۱۷، ۲۲۸؛ [ج ۲]

۳۸۰؛ [ج ۳]، ۵۴۸، ۵۵۵، ۵۹۵، ۵۹۹،

۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۱، ۶۴۶، ۶۵۳، ۶۹۰،

۶۹۹، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۱۴، ۷۱۵؛ [ج ۵]

۱۱۵۲، ۱۲۰۱؛ [ج ۶]، ۱۲۵۹، ۱۲۶۱،

۱۲۶۴، ۱۲۶۶ — ۱۲۶۸، ۱۲۷۴،

۱۲۷۶ — ۱۲۷۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۳، ۱۲۹۵،

۱۳۳۹ — ۱۳۴۱، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۴۴۵،

۱۴۴۹، ۱۴۷۵، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱؛ [ج ۷]

۱۵۳۶

علاء السلطنه (محمد علی) [ج ۱]، ۳۲، ۶۷، ۶۸،

۷۶، ۸۱، ۸۷، ۹۶، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۱۶،

۲۱۷، ۲۲۰، ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۳،

۲۶۵، ۲۶۸، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۰،

۳۰۱ — ۳۰۳، ۳۳۰؛ [ج ۲]، ۳۳۸، ۳۴۳،

۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۷۲، ۴۱۲؛ [ج ۳]

۷۴۱، ۷۴۳؛ [ج ۴]، ۷۸۴، ۸۲۱؛ [ج ۵]

۱۰۳۵، ۱۲۰۵؛ [ج ۸]، ۱۷۸۹، ۱۸۱۴،

۱۸۲۴، ۱۸۴۱، ۱۸۴۵، ۱۸۴۶، ۱۸۵۵،

۱۸۶۲، ۱۸۶۳، ۱۸۹۸، ۱۹۳۰، ۱۹۳۲،

۱۹۳۴، ۱۹۵۹، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹، ۲۰۰۵

- فرخ خان (کلهر) [ج ۷]؛ ۱۵۴۰ [ج ۸]؛ ۱۷۶۵
 فردوسی [ج ۳]؛ ۶۴۱
- فرمانفرما (شاهزاده) [ج ۱]؛ ۳۱، ۳۲، ۷۲، ۹۱،
 ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۶۷، ۱۸۷، ۲۳۶، ۲۸۴،
 ۲۸۵، ۲۹۰، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۲۴ [ج ۲]؛
 ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۶۹، ۴۰۷، ۴۱۰،
 ۴۱۳، ۴۲۹ [ج ۳]؛ ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۹۵،
 ۵۹۷، ۶۳۱، ۶۷۴، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۲۶؛
 [ج ۴]؛ ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۲۴، ۸۸۰، ۸۸۱،
 ۹۰۶، ۹۲۹، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۴، ۹۵۶؛
 [ج ۵]؛ ۹۹۸، ۱۰۳۶ [ج ۶]؛ ۱۲۵۹،
 ۱۴۴۵، ۱۴۷۲ [ج ۷]؛ ۱۶۲۸، ۱۶۵۸؛
 [ج ۸]؛ ۱۶۹۹، ۱۷۰۴، ۱۷۱۰،
 ۱۷۱۲-۱۷۱۴، ۱۷۲۶، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱،
 ۱۷۴۵، ۱۷۴۶، ۱۷۴۸، ۱۷۶۳، ۱۷۶۵،
 ۱۷۶۷، ۱۷۶۹، ۱۷۸۵، ۱۷۹۳، ۱۷۹۶،
 ۱۸۱۷، ۱۸۲۴، ۱۸۲۹، ۱۸۴۳، ۱۸۵۷،
 ۱۸۷۷، ۱۸۸۸، ۱۹۰۱، ۱۹۰۲،
 ۱۹۱۲-۱۹۱۴، ۱۹۲۳، ۱۹۲۶، ۱۹۲۹،
 ۱۹۳۰، ۱۹۴۲، ۱۹۵۳، ۱۹۵۵،
 ۱۹۷۲-۱۹۷۴، ۱۹۸۴، ۱۹۹۵-۱۹۹۹،
 ۲۰۰۹، ۲۰۶۲، ۲۱۰۶، ۲۱۵۱ (نیز نک:
 شاهزاده فرمانفرما)
- فرمانفرمای هند؛ [ج ۷]؛ ۱۶۷۱ [ج ۸]؛ ۱۹۲۴،
 ۱۹۲۶
- فریدالملک؛ [ج ۵]؛ ۱۲۳۱
- فریدون (زرتستی کشته شده) [ج ۱]؛ ۱۵۲،
 ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۸۵
- فریزر (لیوتنانت) [ج ۳]؛ ۶۸۸ [ج ۸]؛ ۱۹۴۵،
 ۱۹۶۸ (نیز نک: فرازر)
- فضل الله خان (نایب الحکومهٔ خمس) [ج ۸]؛
 ۱۹۰۳
- [ج ۳]؛ ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۷، ۵۶۶، ۵۹۳،
 ۵۹۴، ۵۹۹، ۶۵۵، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۹۹،
 ۷۴۳، ۷۴۴ [ج ۴]؛ ۹۰۰، ۹۲۰، ۹۲۲،
 ۹۲۵، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۶، ۹۴۱،
 ۹۴۴، ۹۵۶ [ج ۵]؛ ۹۹۷، ۱۰۳۶، ۱۲۰۶،
 ۱۲۲۹ [ج ۶]؛ ۱۲۸۳، ۱۳۳۹ [ج ۸]؛
 ۱۹۸۳، ۱۹۸۶، ۲۰۲۵، ۲۰۹۰، ۲۱۲۸،
 ۲۱۴۸
- غریب خان [ج ۱]؛ ۸۱ [ج ۳]؛ ۷۰۹ [ج ۴]؛
 ۸۲۸، ۸۳۲، ۸۳۴، ۸۴۵
- غفارخان [ج ۴]؛ ۷۷۹
- غفار قزوینی [ج ۸]؛ ۱۹۷۵
- غفاری (محمد ابراهیم) [ج ۴]؛ ۸۳۲
- غلامحسین بختیاری نک: سردار محتشم
- غلامحسین خان (کشکولی) [ج ۸]؛ ۱۹۷۵،
 ۲۰۸۲، ۲۱۲۴
- غلامحسین خان وراوی [ج ۴]؛ ۷۸۹، ۹۶۲
- غلامعلی [ج ۳]؛ ۶۰۰
- غلام محمد (ماژور) [ج ۶]؛ ۱۳۸۸ [ج ۷]؛ ۱۵۴۴
- فاتح السلطنه [ج ۱]؛ ۱۷۵ [ج ۳]؛ ۷۰۹
- فاضل [ج ۳]؛ ۷۴۴
- فتح الایاله [ج ۸]؛ ۱۷۰۵
- فتح الملک [ج ۴]؛ ۸۰۸
- فخرالملک [ج ۳]؛ ۷۶۵ [ج ۵]؛ ۱۰۹۸، ۱۱۵۳،
 ۱۲۰۷
- فرازر (لیوتنانت) [ج ۸]؛ ۱۸۱۸ (نیز نک: فریزر)
- فرانکلین (کاپیتان) [ج ۲]؛ ۳۸۱، ۳۸۲
- فرخ (قاتل پرویز شاه جهانیان) [ج ۱]؛ ۳۵

۹۶۰؛ [ج ۵] ۱۰۳۲، ۱۰۴۰، ۱۰۴۳،
 ۱۰۴۵، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲،
 ۱۰۵۷-۱۰۶۲، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۹۹،
 ۱۱۱۳-۱۱۱۵، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۸۶،
 ۱۲۰۷، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۴۲؛ [ج ۶]
 ۱۲۵۴، ۱۲۵۹، ۱۲۶۳-۱۲۶۸، ۱۲۷۴،
 ۱۲۷۵، ۱۲۹۵، ۱۳۳۹، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴،
 ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۹-۱۴۷۲،
 ۱۴۷۴-۱۴۷۷، ۱۴۷۹، ۱۴۸۱-۱۴۸۳؛
 [ج ۷] ۱۴۹۰، ۱۵۶۸، ۱۶۰۵، ۱۶۸۱،
 ۱۶۸۴؛ [ج ۸] ۱۶۹۱، ۱۷۴۱، ۱۷۵۸،
 ۱۷۶۸، ۱۷۷۸، ۱۸۰۴، ۱۸۰۶-۱۸۰۸،
 ۱۸۱۳، ۱۸۲۳، ۱۸۴۵، ۱۸۵۶، ۱۸۷۴،
 ۱۸۷۷، ۱۸۸۷، ۱۸۹۸-۱۹۰۰، ۱۹۰۳،
 ۱۹۰۴، ۱۹۱۰، ۱۹۱۱، ۱۹۲۰،
 ۱۹۴۲-۱۹۴۵، ۱۹۶۶-۱۹۶۸، ۱۹۸۵،
 ۲۰۱۲، ۲۰۱۵، ۲۰۸۰-۲۰۸۵، ۲۱۱۷ (نیز
 نک: قوام)

کاپر (ماژون) [ج ۸] ۱۷۴۰
 کادلویبکی (?) [ج ۴] ۷۸۷
 کار (دکتر) [ج ۸] ۱۸۵۶ (نیز نک: کاره)
 کارتیرایت (سر) [ج ۳] ۶۱۹، ۶۲۳، ۶۳۳،
 ۶۳۵، ۷۳۱؛ [ج ۵] ۱۱۱۲
 کاره (دکتر) [ج ۱] ۱۵
 کاستلی (مستر) [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱
 کاشف السلطنه [ج ۳] ۶۷۴
 کاظفر [ج ۴] ۸۰۸
 کاظم خان سنجابی [ج ۸] ۱۷۹۶، ۱۷۹۸
 کاکس (سرپی - سرپرسی) [ج ۷] ۱۶۴۸،
 ۱۶۸۰، ۱۶۸۲؛ [ج ۸] ۱۶۹۲، ۱۷۵۳

فضلعلی [ج ۴] ۸۲۳
 فکس (ماژون) [ج ۱] ۸۳
 فلک (کاپیتان) [ج ۶] ۱۳۴۷
 فن (مستر) [ج ۵] ۱۲۳۰
 فهیم الملک [ج ۴] ۷۷۸؛ [ج ۵] ۱۰۵۵
 قائم مقام [ج ۱] ۱۳۶، ۱۶۹
 قاسم آقا (سرنیپ) [ج ۳] ۵۶۶
 قلی خان [ج ۳] ۷۰۱
 قنبر سلطان (گورانی) [ج ۸] ۲۱۰۶
 قوام [ج ۱] ۳۸، ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹، ۲۸۶؛
 [ج ۲] ۴۳۱، ۴۷۱؛ [ج ۳] ۶۰۳، ۶۰۴،
 ۶۱۳، ۶۵۰، ۷۱۴، ۷۱۵؛ [ج ۵] ۹۹۹،
 ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۱۰۳-۱۱۰۵، ۱۱۱۴،
 ۱۱۱۵، ۱۱۱۷، ۱۱۱۹، ۱۱۲۵، ۱۲۱۴،
 ۱۲۱۵، ۱۲۳۰؛ [ج ۷] ۱۵۵۰، ۱۵۸۲،
 ۱۶۳۹ (نیز نک: قوام الملک)
 قوام (محمد علی خان) ۱۸۴۶ (نیز نک:
 قوام الملک)
 قوام الدوله [ج ۱] ۸۱، ۲۶۹، ۲۷۰؛ [ج ۲]
 ۴۲۸؛ [ج ۴] ۸۶۹
 قوام السلطنه [ج ۴] ۸۵۵، ۹۰۶؛ [ج ۵] ۱۲۰۵؛
 [ج ۶] ۱۴۳۵، ۱۴۴۳؛ [ج ۷] ۱۵۳۲،
 ۱۵۳۵، ۱۵۴۸، ۱۵۹۹؛ [ج ۸] ۱۷۳۹،
 ۱۷۸۲، ۲۱۲۸، ۲۱۴۸
 قوام الملک - قوام الملک شیرازی [ج ۱] ۴۴،
 ۴۵، ۴۹، ۵۵، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۶۵،
 ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۸؛
 [ج ۲] ۴۳۱، ۵۳۴؛ [ج ۳] ۷۱۳،
 ۷۳۰-۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۵، ۷۴۶؛ [ج ۴]
 ۸۱۲، ۸۳۵، ۸۷۲، ۸۹۳، ۹۳۲، ۹۴۱

- کری پول (و کمپانی) [ج ۳] ۶۵۶
 کریم آقا [ج ۸] ۱۹۹۷
 کریم خان [ج ۸] ۱۷۶۷
 کریم خان (برادرزاده رحیم خان) [ج ۲] ۴۲۶،
 ۴۶۰؛ [ج ۴] ۷۹۸، ۸۰۸، ۸۲۱؛ [ج ۶]
 ۱۲۹۰
 کسوبا ایف (کاپیتان)؛ [ج ۱] ۶۴
 کلاب خان [ج ۸] ۲۰۰۱
 کلبی [ج ۵] ۱۰۷۷
 کلم (مسیو) [ج ۶] ۱۳۸۱
 کلمستدت (کاپیتان) [ج ۶] ۱۳۴۷
 کلمن (مسیو) [ج ۶] ۱۳۴۷
 کلی [ج ۴] ۸۹۴
 کمارجی (نک: علی محمد کمارجی)
 کوان، پاتریک [ج ۵] ۱۰۷۰؛ [ج ۸] ۱۹۹۲،
 ۱۹۹۳
 کورتین [ج ۵] ۹۹۳
 کوکوفتسوف [ج ۶] ۱۳۷۲، ۱۳۷۳؛ [ج ۷]
 ۱۵۸۳، ۱۵۹۰، ۱۶۰۹؛ [ج ۸] ۱۸۴۸،
 ۱۸۵۰
 کولن گامبل [ج ۳] ۷۱۹، (نیز نک: گامبل)
 کون [ج ۳] ۷۵۵، ۷۵۶
 کی (مستر) [ج ۵] ۱۰۳۰، ۱۰۳۹
 کی (یاغی کرمانشاهی) [ج ۸] ۱۹۱۳
 کیخا حاصل [ج ۴] ۸۰۸
 کیخا محمد علی [ج ۴] ۸۰۸
 کیرن (مستر) [ج ۶] ۱۳۳۲
 کیلمارناک — کیلمارناک (لرد) [ج ۵] ۱۰۴۴،
 ۱۰۸۵ [ج ۷] ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۲۲،
 ۱۵۲۶
 کینگ استون — کینگستون [ج ۵] ۱۰۶۲،
 ۱۰۶۴، ۱۰۷۲، ۱۰۷۶، ۱۰۸۱، ۱۰۸۵،
 ۱۷۵۵، ۱۷۷۱، ۱۸۰۰، ۱۹۶۹
 ۲۱۳۰ (نیز نک: کاکس: لیوتنان — ماژور)
 کاکس (ماژور — کلنل — لیوتنان کلنل) [ج ۱]
 ۲۸۶؛ [ج ۲] ۴۵۱، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۸،
 ۵۳۶؛ [ج ۳] ۶۱۶، ۶۲۱، ۶۲۷، ۶۳۴،
 ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۵۶؛ [ج ۴] ۹۶۱،
 ۹۶۲؛ [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۳۰، ۱۰۷۲، ۱۱۹۵،
 ۱۲۱۶؛ [ج ۶] ۱۲۵۹، ۱۲۶۹، ۱۲۹۳،
 ۱۴۷۰؛ [ج ۸] ۱۹۱۴، ۱۹۱۵، ۲۰۷۸،
 ۲۱۱۵، ۲۱۱۶ (نیز نک: کاکس؛ سرپی)
 کاکلس (ماژور) [ج ۳] ۷۴۰ (کاکس؟)
 کامران میرزا [ج ۱] ۱۴۰
 کاولوبوسکی (کادلوبوسکی؟) [ج ۳] ۷۶۵
 کتل ول (ماژور) [ج ۷] ۱۶۳۸، ۱۶۳۹؛ [ج ۸]
 ۲۰۳۵، ۲۰۴۴—۲۰۴۷، ۲۰۵۳، ۲۰۷۰،
 ۲۰۷۱، ۲۰۷۶، ۲۰۷۸، ۲۰۹۵، ۲۰۹۶،
 ۲۱۰۶، ۲۱۴۳، ۲۱۴۴
 کراسل (کاپیتان)؛ [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲
 کراسویت (لیوتنان) ۷۳۲
 کرمول [ج ۶] ۱۳۹۰
 کرنٹ دوف (گرنٹ دوف) [ج ۱] ۹، ۱۱
 کرنز، فرانک [ج ۵] ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۱۷،
 ۱۰۷۳، ۱۰۹۴؛ [ج ۷] ۱۶۰۱، ۱۶۵۱،
 ۱۶۵۲، ۱۶۵۵
 کرستمس — کریستماس [ج ۳] ۷۱۵؛ [ج ۸]
 ۲۰۸۸
 کسرو (لرد) [ج ۸] ۱۷۴۷، ۱۹۵۴، ۲۱۳۷،
 ۲۱۵۵ (نیز نک: مارکس اف کرو)
 کری (کاپیتان) [ج ۸] ۱۷۹۸، ۱۸۰۰ (نیز
 نک: گری — کاپیتان)
 کسری خان [ج ۸] ۱۷۶۳، ۱۷۹۴، ۱۸۱۷،
 ۱۹۵۳، ۱۹۷۳، ۱۹۷۵، ۱۹۹۹

- ۱۷۹۲ ، ۱۷۹۸ ، ۱۸۰۱ ، ۱۸۰۳ ، ۱۸۰۶ ، ۱۸۰۹ ، ۱۸۱۲ ، ۱۸۱۴ ، ۱۸۱۷ ، ۱۸۱۹ — ۱۸۲۶ ، ۱۸۳۷ — ۱۸۴۳ ، ۱۸۴۵ — ۱۸۵۱ ، ۱۸۵۵ ، ۱۸۵۷ — ۱۸۶۰ ، ۱۸۶۵ — ۱۸۸۵ ، ۱۸۸۸ ، ۱۸۹۷ ، ۱۹۰۱ ، ۱۹۰۲ ، ۱۹۰۵ ، ۱۹۰۶ ، ۱۹۱۲ — ۱۹۱۴ ، ۱۹۲۱ — ۱۹۳۴ ، ۱۹۳۹ ، ۱۹۴۲ ، ۱۹۴۸ — ۱۹۶۴ ، ۱۹۶۹ ، ۱۹۷۰ ، ۱۹۷۲ ، ۱۹۷۶ ، ۱۹۷۹ ، ۱۹۸۲ — ۱۹۸۹ ، ۱۹۹۲ ، ۱۹۹۴ ، ۱۹۹۹ — ۲۰۰۶ ، ۲۰۰۹ ، ۲۰۱۰ ، ۲۰۱۴ ، ۲۰۱۷ — ۲۰۳۵ ، ۲۰۴۲ — ۲۰۴۸ ، ۲۰۵۰ ، ۲۰۵۲ — ۲۰۵۴ ، ۲۰۶۰ — ۲۰۶۳ ، ۲۰۶۵ — ۲۰۶۸ ، ۲۰۷۷ ، ۲۰۷۹ ، ۲۰۸۷ ، ۲۰۸۹ — ۲۰۹۱ ، ۲۰۹۶ — ۲۰۹۹ ، ۲۱۰۱ ، ۲۱۰۲ ، ۲۱۰۴ ، ۲۱۰۷ ، ۲۱۰۸ ، ۲۱۱۰ ، ۲۱۱۲ ، ۲۱۱۴ ، ۲۱۱۵ ، ۲۱۲۸ ، ۲۱۳۰ — ۲۱۴۳ ، ۲۱۴۸ ، ۲۱۵۲ — ۲۱۵۷
- گاردنر [ج ۲] ، ۴۲۵ ، ۴۲۶
گامبل [ج ۳] ۷۲۱ (نیز نک: کولن گامبل)
گای (ارنست) [ج ۱] ، ۲۱۹ ، ۲۵۲
گراهام — گراهم ، گریهم ، گرهیم [ج ۱] ، ۳۸ ، ۱۲۲ ، ۱۲۷ ، ۱۲۹ ، ۱۳۳ ، ۱۳۹ ، ۱۵۸ ، ۱۶۲ ، ۱۷۰ ، ۱۷۵ ، ۱۷۷ ؛ [ج ۲] ، ۳۶۱ ، ۳۶۳ ، ۳۶۶ ، ۳۶۹ ، ۳۹۲ ، ۴۰۶ — ۴۰۸ ، ۴۳۲ ، ۴۳۴ ؛ [ج ۳] ، ۵۸۱ ، ۵۸۴ ، ۶۳۷ ، ۶۴۱ ، ۷۱۰ ؛ [ج ۴] ، ۸۱۱ ، ۸۲۷ ، ۸۳۴ ، ۸۴۶ ، ۸۵۶ ، ۸۷۴ ، ۸۸۶ ، ۸۸۷ ، ۸۹۲ ، ۹۰۸ ؛ [ج ۵] ، ۱۲۰۳ ، ۱۲۴۰ ، ۱۲۴۱ ؛ [ج ۶] ، ۱۲۹۸ ؛ [ج ۷] ، ۱۵۴۵ ؛ [ج ۸] ، ۱۹۲۸ ، ۲۰۵۵ ، ۲۰۵۷ — ۲۰۶۰ ، ۲۰۶۷
- گری (ویس قنسول) [ج ۸] ، ۱۹۹۰
گری (سر ادوارد) [ج ۳] ، ۷۲۱ ، ۷۳۵ ؛ [ج ۴] ، ۸۴۱ ، ۸۴۷ ، ۸۴۸ ، ۸۶۰ — ۸۶۲ ؛ [ج ۵] ، ۹۷۵ ، ۱۰۰۷ ، ۱۱۶۰ ، ۱۱۶۱ ، ۱۱۶۳ ، ۱۱۷۱ ، ۱۱۷۲ ، ۱۱۹۴ ، ۱۲۱۸ ، ۱۲۴۵ ؛ [ج ۶] ، ۱۲۵۳ ، ۱۲۸۰ ، ۱۳۲۵ ، ۱۳۴۴ ، ۱۳۵۰ ، ۱۳۹۴ ، ۱۳۹۶ ، ۱۳۹۷ ، ۱۴۰۰ ، ۱۴۰۴ ، ۱۴۰۶ ، ۱۴۰۷ ، ۱۴۱۰ ، ۱۴۱۱ ، ۱۴۱۸ ، ۱۴۲۹ ؛ [ج ۷] ، ۱۴۸۷ ، ۱۵۰۶ ، ۱۵۱۱ ، ۱۵۲۰ ، ۱۵۲۸ ، ۱۵۸۲ ، ۱۶۱۴ ، ۱۶۲۱ ، ۱۶۶۹ — ۱۶۷۲ ، ۱۶۷۹ ؛ [ج ۸] ، ۱۶۸۷ ، ۱۶۹۱ — ۱۶۹۵ ، ۱۶۹۸ ، ۱۷۰۱ — ۱۷۰۳ ، ۱۷۰۶ ، ۱۷۱۱ — ۱۷۱۳ ، ۱۷۲۳ ، ۱۷۲۵ — ۱۷۳۶ ، ۱۷۳۹ ، ۱۷۴۲ ، ۱۷۴۵ — ۱۷۵۶ ، ۱۷۵۷ ، ۱۷۵۹ — ۱۷۶۱ ، ۱۷۶۷ ، ۱۷۷۱ — ۱۷۷۳ ، ۱۷۷۵ ، ۱۷۷۷ ، ۱۷۷۸ ، ۱۷۸۲
- گری (کاپیتان) [ج ۸] ، ۱۸۳۹ ، ۱۸۶۵ ، ۱۸۸۹ ، ۱۸۹۶ ، ۱۹۲۷ ، ۱۹۴۳ ، ۱۹۴۸ ، ۱۹۷۱ ، ۱۹۸۹ ، ۱۹۹۲
گریگوریف [ج ۵] ، ۹۸۰
گرین ، گراهام ؛ [ج ۷] ، ۱۶۶۴ ؛ [ج ۸] ، ۱۶۹۱ ، ۱۷۲۴
گلاب خان [ج ۸] ، ۲۰۰۱ ، ۲۰۵۵ ، ۲۰۵۷ ، ۲۰۵۹ ، ۲۰۶۰
گنجعلی (راهزن) [ج ۴] ، ۸۲۳
گنجعلی خان (افشار) [ج ۸] ، ۱۸۲۹ ، ۱۸۳۴
گندل خان [ج ۴] ، ۹۱۲
گنیخ (ژنرال) [ج ۷] ، ۱۶۵۷
گوران (حسین خان) [ج ۷] ، ۱۶۶۷
گونتر (ماژور) [ج ۸] ، ۲۱۰۶
گیرز — گیرس [ج ۸] ، ۱۷۳۸

۵۹۸، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۸۳،
 ۶۸۴، ۶۸۷، ۷۰۶، ۷۰۸؛ [ج ۴]؛ ۷۸۳؛
 [ج ۵] ۱۱۸۵، ۱۱۸۹
 لیس آوسکی — لیسوسکی [ج ۱]؛ ۸۲؛ [ج ۴]
 ۹۰۱—۹۰۳
 لی گس [ج ۱]؛ ۱۲۸
 لینتن [ج ۲]؛ ۵۳۵
 لیتون (رورند) [ج ۷]؛ ۱۶۲۳
 لینچ — لنچ [ج ۱]؛ ۸۱، ۸۲، ۲۸۳؛ [ج ۷]
 ۱۵۴۹
 لیندلی (دکتر)؛ [ج ۱]؛ ۱۶۸
 لیوینگستون زیتون (و کمپانی) [ج ۳]؛ ۶۵۶
 مؤتمن الملک [ج ۱]؛ ۳۱، ۱۱۰، ۱۷۳، ۲۲۰؛
 [ج ۲]؛ ۴۱۲؛ [ج ۳]؛ ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۵،
 ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۲۸؛ [ج ۴]؛ ۷۷۸، ۷۸۳
 ۹۵۶؛ [ج ۵]؛ ۱۰۳۶، ۱۰۵۵؛ [ج ۶]
 ۱۴۳۴؛ [ج ۸]؛ ۲۱۰۲، ۲۱۰۳، ۲۱۱۴
 ۲۱۱۵، ۲۱۲۸، ۲۱۴۸
 مؤید الدوله [ج ۱]؛ ۳۵، ۲۲۳، ۲۴۰، ۲۴۵
 ۳۲۱
 مؤید السلطنه [ج ۱]؛ ۱۷۳؛ [ج ۲]؛ ۶۰۱
 مارابل — مرابل (خانم دکتر) [ج ۴]؛ ۸۵۶
 [ج ۸]؛ ۲۰۵۵، ۲۰۵۷، ۲۰۶۰
 مارتین — مرتین [ج ۸]؛ ۲۰۳۲، ۲۱۰۵
 مارکس اف کرو — لرد کرو [ج ۵]؛ ۱۲۱۳،
 ۱۲۴۵؛ [ج ۷]؛ ۱۵۲۸، ۱۵۶۱، ۱۵۸۲
 ۱۶۶۹—۱۶۷۲، ۱۶۷۷، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰
 [ج ۸]؛ ۱۶۹۲، ۱۷۴۷، ۱۷۵۰، ۱۸۷۴
 ۱۸۷۷، ۱۹۲۴، ۱۹۲۵، ۱۹۵۴، ۲۱۳۷
 ۲۱۴۰ (نیز نک: کرو)

گیلمارناک (لرد)؛ [ج ۸]؛ ۱۶۹۳، ۱۶۹۴
 لابینسکی [ج ۳]؛ ۷۵۳
 لاریمر (ماژور)؛ [ج ۸]؛ ۲۱۴۹
 لانگ — لنگ (لیوتنان) [ج ۵]؛ ۱۰۴۰
 لبین (مستر) [ج ۸]؛ ۲۰۰۸
 لتیلتن؛ [ج ۴]؛ ۸۰۶
 لشکر نویس باشی [ج ۱]؛ ۱۲۴
 لطفعلی بختیاری [ج ۸] (نک: امیر مفخم)
 لفکر (مستر) [ج ۶]؛ ۱۳۰۱، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴،
 ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۱۰، ۱۳۱۵، ۱۳۲۰،
 ۱۳۵۰، ۱۳۵۳، ۱۳۵۸، ۱۳۶۰، ۱۳۶۳،
 ۱۳۶۹، ۱۳۷۵، ۱۳۹۲، ۱۳۹۷—۱۳۹۹،
 ۱۴۰۳، ۱۴۰۷، ۱۴۱۸، ۱۴۲۴، ۱۴۲۶،
 ۱۴۵۵، ۱۴۶۱؛ [ج ۷]؛ ۱۵۲۵، ۱۵۲۶،
 ۱۵۲۸، ۱۵۳۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۹
 للو (مسیو) [ج ۸]؛ ۲۰۵۰
 لمسن [ج ۲]؛ ۳۸۴
 لمیتین؛ [ج ۴]؛ ۸۰۶
 لمینگتن (لرد) [ج ۷]؛ ۱۵۴۹
 لمینگسین (لمینگتن؟) [ج ۸]؛ ۱۹۲۰
 لوتار (لوتر — سر) [ج ۳]؛ ۵۵۵، ۵۵۶؛ [ج ۶]
 ۱۴۵۳
 لوریم (کاپیتان) [ج ۱]؛ ۷۹
 لون (مستر) [ج ۸]؛ ۱۹۲۰
 لوندبرگ (کاپیتان) [ج ۸]؛ ۲۰۷۶، ۲۰۷۷،
 ۲۰۹۵ (نیز نک: نیسترم)
 لونهاپت (نایب کنت) [ج ۶]؛ ۱۳۴۸
 لیاخف (کلنل) [ج ۱]؛ ۶۳، ۶۴، ۱۱۶، ۱۲۵،
 ۱۴۰، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۳۷،
 ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۳۲۱؛ [ج ۳]؛ ۵۹۵

۱۰۳۵، ۱۱۳۱-۱۱۳۳، ۱۱۵۸، ۱۲۰۴؛
[ج ۶] ۱۳۸۷، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵؛ [ج ۷]
۱۶۵۵؛ [ج ۸] ۱۷۳۹، ۱۷۸۲

۱۸۱۲-۱۸۱۴

محتشم الملک؛ [ج ۱] ۱۷۴

محمد آقا؛ [ج ۱] ۱۵۷

محمد باقر؛ [ج ۳] ۷۱۶

محمد بن عبدالله؛ [ج ۳] ۶۶۸؛ [ج ۶] ۱۴۳۲

محمد بیگ کشکولی؛ [ج ۸] ۱۷۵۸، ۱۷۶۸

محمد حسن خان (حاکم دررود)؛ [ج ۴] ۷۹۵

محمد حسن میرزا؛ [ج ۳] ۶۹۶، ۷۲۵، ۷۲۸؛

[ج ۵] ۱۰۷۴

محمد خان؛ [ج ۱] ۱۴۳

محمد خان (جیرفتی)؛ [ج ۸] ۱۸۲۸، ۱۸۳۶

محمد خان (دزد)؛ [ج ۸] ۱۶۹۷، ۱۷۰۰،

۱۷۴۱

محمد خان (کشکولی)؛ [ج ۸] ۱۹۱۱، ۱۹۴۴،

۲۰۸۱، ۲۰۸۳، ۲۰۸۵

محمد خان (منشی قنصلگری انگلیس)؛ [ج ۴]

۷۹۴

محمد خان دولت آبادی؛ [ج ۳] ۶۰۰

محمد رضا خان؛ [ج ۱] ۳۵؛ [ج ۴] ۹۶۰

محمد علی؛ [ج ۸] ۱۹۶۶، ۱۹۶۷

محمد علی؛ [ج ۲] ۴۱۰، ۴۱۱، ۵۳۰؛ [ج ۳]

۶۲۲، ۶۲۵، ۶۳۲، ۶۳۴، ۶۵۵، ۶۸۴،

۶۸۵، ۶۹۰، ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۲، ۷۰۷،

۷۴۱؛ [ج ۸] ۱۶۹۵، ۱۶۹۹، ۱۷۰۴،

۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۱۰، ۱۷۱۴، ۱۷۳۷،

۱۷۳۸، ۱۷۶۶، ۱۸۲۴، ۱۸۲۵، ۱۸۴۴،

۱۸۴۵، ۱۸۵۸، ۱۸۶۷، ۱۹۲۸، ۱۹۳۸،

۱۹۴۸، ۱۹۵۵، ۱۹۷۳، ۱۹۷۵، ۱۹۹۳،

۱۹۹۴، ۲۰۲۸، ۲۰۲۹، ۲۰۳۰ (نیز نک:

مارلینگ [ج ۲] ۳۹۶؛ [ج ۴] ۸۳۷، ۸۴۰،
۸۴۱، ۸۵۲، ۸۵۵، ۸۵۹، ۸۶۱، ۸۶۳،
۸۸۸، ۹۲۱، ۹۲۶، ۹۳۵

ماشاء الله خان (پسر نایب حسین کاشی)

[ج ۸] ۱۹۸۷، ۲۰۰۸ - ۲۰۱۰،

۲۰۵۱

مالت، دیویس [ج ۵] ۱۱۹۴؛ [ج ۷] ۱۵۱۱

مالتا (جنرال) [ج ۵] ۹۹۶، ۱۰۱۰، ۱۰۱۹،

۱۰۳۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۵، ۱۰۵۳،

۱۱۹۸؛ [ج ۶] ۱۴۷۹، ۱۴۸۲؛ [ج ۸]

۱۸۵۶

ماویس (مستر)؛ [ج ۷] ۱۶۷۱

مایره؛ [ج ۸] ۱۶۹۹

متین السلطنه [ج ۵] ۱۰۵۵؛ [ج ۶] ۱۳۸۷،

۱۳۹۰؛ [ج ۸] ۲۱۰۴

مجتهد اعظم شیراز؛ [ج ۶] ۱۴۲۲، ۱۴۶۸

مجد الملک؛ [ج ۱] ۸۱

مجد الممالک؛ [ج ۸] ۱۷۴۱

مجلل؛ [ج ۷] ۱۶۱۰؛ [ج ۸] ۱۸۱۶

مجلل السلطان؛ [ج ۱] ۱۵۴؛ [ج ۵] ۱۱۰۶،

۱۱۱۰، ۱۱۳۵، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶، ۱۱۹۵،

۱۱۹۶؛ [ج ۶] ۱۳۳۷؛ [ج ۸] ۱۷۰۴،

۱۷۰۵، ۱۷۳۲، ۱۷۴۱، ۱۷۴۶، ۱۷۴۸،

۱۷۵۵، ۱۷۶۱، ۱۷۶۳، ۱۷۶۵، ۱۷۶۷،

۱۷۶۹، ۱۷۸۳، ۱۷۸۵، ۱۷۹۳-۱۷۹۸،

۱۸۱۷، ۱۸۳۸، ۱۸۳۹، ۱۸۴۱، ۱۸۵۸

مجلل السلطنه؛ [ج ۳] ۶۸۳، ۷۵۶

محتشم الدوله؛ [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۲۳۱؛ [ج ۷]

۱۵۴۰

محتشم السلطنه؛ [ج ۱] ۱۳، ۱۳۲، ۱۹۰؛

[ج ۲] ۳۹۰؛ [ج ۳] ۵۷۷؛ [ج ۴] ۹۴۴،

۹۵۶؛ [ج ۵] ۹۸۸، ۹۹۷، ۱۰۰۸، ۱۰۲۹،

محمد علی شاه، محمد علی میرزا)

محمد علی؛ [ج ۸] ۱۸۰۶

محمد علی (وزیر خارجه ایران)؛ [ج ۸] ۱۸۶۵

محمد علی (معاون نایب حسین کاشی)؛ [ج ۵]
۱۰۷۵

محمد علی بیگ؛ [ج ۳] ۷۰۱

محمد علی خان؛ [ج ۸] ۱۸۰۴، ۱۸۰۷

۱۸۰۸، ۱۸۲۳، ۱۸۲۸، ۱۹۱۰، ۱۹۱۱

۱۹۴۴، ۲۰۶۶، ۲۰۷۳، ۲۰۸۱-۲۰۸۵

محمد علی خان (کشکولی؟)؛ [ج ۷] ۱۴۹۰

۱۴۹۲، ۱۴۹۶، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۹

(محمد علی) ۱۵۲۱، ۱۵۲۷، ۱۵۵۱

۱۵۶۸، ۱۵۸۲، ۱۶۱۶، ۱۶۸۱

محمد علی خان کشکولی؛ [ج ۵] ۹۹۹، ۱۰۰۰

۱۰۸۴؛ [ج ۶] ۱۴۶۷، ۱۴۸۱؛ [ج ۷] ۱۴۸۸

۱۶۰۴؛ [ج ۸] ۱۸۶۴، ۱۹۰۹، ۱۹۲۰، ۲۰۴۶

۲۰۶۴، ۲۰۸۰، ۲۱۵۰

محمد علی خان مقتدر؛ [ج ۸] ۱۸۰۷

محمد علی شاه؛ [ج ۲] ۳۴۸، ۳۷۵، ۳۷۹

۴۷۶؛ [ج ۳] ۶۲۲، ۶۲۴، ۷۰۰، ۷۲۹

۷۳۷، ۷۵۴؛ [ج ۴] ۸۵۲؛ [ج ۵] ۹۸۵

۱۱۱۰، ۱۱۱۲، ۱۱۲۱، ۱۱۲۷، ۱۱۳۴

۱۱۳۷-۱۱۴۰، ۱۱۴۲، ۱۱۵۶، ۱۱۶۳

۱۱۶۴، ۱۱۶۹، ۱۱۷۳، ۱۱۷۵، ۱۱۷۷

۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲

۱۲۰۶، ۱۲۱۷، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۸

۱۲۲۹، ۱۲۳۳-۱۲۳۵؛ [ج ۷] ۱۵۱۲

۱۵۱۵، ۱۵۲۳، ۱۵۲۹، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸

۱۵۵۴، ۱۵۵۸، ۱۵۷۱، ۱۵۷۴، ۱۵۸۰

۱۵۸۴-۱۵۸۶، ۱۵۹۲-۱۶۱۴، ۱۶۱۶

۱۶۱۷، ۱۶۲۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۲

۱۶۵۲-۱۶۵۵ (نیز نک: محمد علی میرزا،

محمد علی شاه قاجار، شاه مخلوع)

محمد علی شاه قاجار؛ [ج ۳] ۵۶۲، ۵۹۰، ۶۸۰

محمد علی میرزا؛ [ج ۱] ۳، ۲۰، ۱۰۳، ۲۴۳

۳۰۷؛ [ج ۳] ۶۲۳، ۶۲۶، ۶۲۷

۶۳۲-۶۳۴، ۶۵۲، ۶۶۳، ۶۸۵، ۶۸۹

۶۹۳، ۶۹۷، ۷۰۰-۷۰۳، ۷۰۸، ۷۰۹

۷۱۲، ۷۱۳، ۷۲۳، ۷۲۷، ۷۳۷، ۷۴۱

۷۴۳، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۸؛ [ج ۴] ۸۶۴

[ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۱۲۳، ۱۱۳۶، ۱۱۳۹

۱۱۴۲، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۶۰

۱۱۶۲-۱۱۶۴، ۱۱۶۸، ۱۱۷۱، ۱۱۷۶

۱۱۸۷، ۱۱۹۰، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۶

۱۲۰۰-۱۲۰۳، ۱۲۰۵، ۱۲۱۴، ۱۲۲۰

[ج ۷] ۱۵۸۶، ۱۶۵۵، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴ (نیز

نک: محمد علی شاه، محمد علی شاه

قاجار، محمد علی شاه مخلوع)

محمد علی نیشابوری؛ [ج ۴] ۹۳۸، ۹۶۸

[ج ۵] ۹۸۰، ۹۹۸، ۱۰۹۷، ۱۱۵۲

محمد قلی خان؛ [ج ۳] ۷۰۱؛ [ج ۸] ۲۰۸۷

محمد کریم خان؛ [ج ۸] ۲۰۸۴ (نیز نک:

حاجی محمد کریم خان)

محمد کریم خان قشقائی؛ [ج ۵] ۱۱۱۴

محمد کریم خان (کلهر)؛ [ج ۷] ۱۶۱۸

۱۶۸۱

محمد مهدی مجتهد؛ [ج ۸] ۱۷۶۵

محمود خان (حکمران بیستون)؛ [ج ۸] ۲۱۵۱

مخبرالدوله؛ [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، ۵۶۱، ۵۶۵

۶۲۲، ۶۳۷-۶۴۰، ۶۴۳، ۷۰۷

مخبرالسلطنه؛ [ج ۱] ۳۲، ۸۱، ۸۶، ۱۱۰

۱۳۶، ۱۷۳، ۱۷۸، ۲۳۶؛ [ج ۲] ۴۸۲

[ج ۳] ۵۵۵، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۵۲، ۶۹۴

۶۹۹، ۷۰۱، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۲۸، ۷۳۷

[ج ۸] ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۵، ۱۷۱۴،
 ۱۷۲۱، ۱۷۲۸، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۶۰،
 ۱۷۸۰، ۱۷۸۱، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۸۰۹،
 ۱۸۱۰، ۱۸۱۴، ۱۸۲۱، ۱۸۳۶، ۱۸۴۷،
 ۱۸۶۲، ۱۹۳۳-۱۹۳۶، ۱۹۸۰،
 ۲۰۰۴-۲۰۰۶، ۲۰۱۰-۲۰۱۲، ۲۰۲۵،
 ۲۰۶۲، ۲۰۶۴، ۲۰۶۸، ۲۰۹۶، ۲۱۰۰،
 ۲۱۰۷-۲۱۱۱، ۲۱۴۹

مریل - مری (کلنل)؛ [ج ۷] ۱۶۵۲؛ [ج ۸]
 ۱۹۸۶

مزیل (مسیو)؛ [ج ۵] ۱۲۲۸

مساوات؛ [ج ۱] ۲۳۹، ۲۴۵

مستشارالدوله؛ [ج ۱] ۱۵۴، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۳۸،
 ۳۸۱؛ [ج ۳] ۵۵۹، ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۲۷،
 ۷۶۰؛ [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۸۴۵، ۸۸۶،
 ۸۸۷، ۸۹۱، ۹۵۶؛ [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۰۷۳؛
 [ج ۸] ۱۸۱۴، ۲۱۴۹

مستشارالسلطان؛ [ج ۳] ۶۷۴

مستشارالسلطنه؛ [ج ۳] ۵۵۹، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۲۶،
 مستشار دفتر؛ [ج ۲] ۴۲۶

مستشیرالدوله؛ [ج ۸] ۲۱۲۸

مستشیرالملک؛ [ج ۸] ۱۹۶۶، ۲۰۸۴

مستوفی الممالک؛ [ج ۱] ۸۱، ۱۱۰، ۱۸۶،
 ۲۲۰؛ [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۴، ۶۳۱، ۶۴۰،
 ۶۷۴، ۷۰۷، ۷۲۶؛ [ج ۴] ۸۸۰، ۸۸۹،
 ۸۹۱، ۹۳۷، ۹۵۶؛ [ج ۵] ۹۹۷، ۹۹۸،
 ۱۰۱۱، ۱۰۳۳، ۱۰۳۶، ۱۰۶۷؛ [ج ۸]
 ۲۰۹۰، ۲۱۲۸، ۲۱۴۸

مستیر (کنت)؛ [ج ۸] ۱۹۲۱

مسعود خان؛ [ج ۵] ۹۹۸، ۱۰۱۲

مسیب قلی خان؛ [ج ۸] ۱۸۸۵

۷۳۹، ۷۴۱، ۷۵۸؛ [ج ۵] ۱۰۶۶، ۱۰۹۶؛
 [ج ۷] ۱۵۳۶، ۱۶۰۵، ۱۶۶۲؛ [ج ۸]
 ۱۷۸۹، ۱۸۴۵، ۱۸۵۵، ۱۸۶۲، ۱۸۶۳،
 ۱۸۶۶، ۱۸۸۰، ۱۸۸۱، ۱۸۸۶، ۱۹۲۵،
 ۱۹۲۸، ۱۹۳۰، ۱۹۳۱، ۱۹۳۹، ۱۹۵۳،
 ۱۹۵۸، ۱۹۶۲، ۱۹۷۱، ۱۹۸۵، ۱۹۸۸،
 ۲۰۰۸، ۲۰۱۰، ۲۰۱۴، ۲۰۲۵، ۲۰۲۹،
 ۲۰۳۲، ۲۰۳۸، ۲۰۵۲، ۲۰۵۳، ۲۰۶۳،
 ۲۰۷۰-۲۰۷۲، ۲۰۷۴، ۲۰۸۵،
 ۲۰۹۱-۲۰۹۴، ۲۰۹۹، ۲۱۰۰، ۲۱۰۷،
 ۲۱۰۹، ۲۱۱۷

مخبرالملک؛ [ج ۳] ۶۷۴

مختارالسلطنه؛ [ج ۳] ۷۳۲

مدبرالدوله؛ [ج ۴] ۹۳۱، ۹۴۰

مدبرالسلطنه؛ [ج ۶] ۱۴۷۶؛ [ج ۸] ۱۹۶۶،
 ۲۰۸۴

مدبرالملک (میرزا علی خان)؛ [ج ۲] ۳۳۴

مرتضی قلی خان؛ [ج ۱] ۲۴۶؛ [ج ۵] ۱۰۱۱،
 ۱۰۳۶، ۱۰۵۵، ۱۰۹۵، ۱۲۳۲؛ [ج ۸]
 ۱۸۸۸، ۱۸۹۰-۱۸۹۳، ۱۸۹۷، ۱۹۹۰،
 ۱۹۹۲، ۲۰۴۹، ۲۰۵۷، ۲۰۵۹، ۲۰۶۰،
 ۲۰۷۱

مرل (مستر)؛ [ج ۶] ۱۳۳۲

مرنارد (ژاک ژوزف - جاکسون جوزف)؛
 [ج ۱] ۳۰، ۵۹، ۶۱، ۱۶۰، ۱۶۱؛ [ج ۴]
 ۸۹۰؛ [ج ۵] ۱۱۰۲، ۱۱۱۱، ۱۱۲۰،
 ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۱۷؛ [ج ۶] ۱۴۰۱؛
 [ج ۷] ۱۴۹۲، ۱۵۰۲، ۱۵۱۶، ۱۵۱۹،
 ۱۵۲۴-۱۵۲۶، ۱۵۵۱، ۱۵۵۳، ۱۵۶۰،
 ۱۵۶۵، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۲، ۱۵۷۷،
 ۱۵۸۱، ۱۵۹۹-۱۶۰۱، ۱۶۱۰، ۱۶۱۳،
 ۱۶۳۳، ۱۶۳۵، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۷؛

- مسیح الله خان (فارسی مدانی)؛ [ج ۸] ۲۰۸۱، ۲۰۸۵
- مسیوژان (معمد امیراعظم)؛ [ج ۸] ۱۸۳۲
- مشهدی حسن؛ [ج ۸] ۱۷۶۵
- مشهدی عوض بولوندی؛ [ج ۸] ۲۱۲۳
- مشیرالدوله؛ [ج ۱] ۷۹، ۳۱، ۳۰، ۲۵، ۱۳، ۸۱، ۸۶، ۸۹، ۹۳، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۷۰، ۱۶۴-۱۶۰، ۱۵۲، ۱۴۶، ۱۳۶، ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۹، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۲۰، ۲۶۵؛ [ج ۲] ۴۱۲؛ [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۵، ۵۹۷، ۶۷۴؛ [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۵، ۸۶۷، ۹۵۶؛ [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۲۰۵، ۱۲۲۶؛ [ج ۶] ۱۳۸۷، ۱۴۴۴؛ [ج ۸] ۲۱۴۸، ۲۱۲۸
- مشیرالسلطنه؛ [ج ۱] ۲۶۸، ۲۴۰، ۲۲۰، ۸۱، ۳۰۰؛ [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، ۵۳۸؛ [ج ۴] ۷۸۳، ۵۵۳
- مشیرالملک؛ [ج ۱] ۳۱؛ [ج ۳] ۷۱۳؛ [ج ۵] ۱۰۹۸
- مشیرالممالک؛ [ج ۱] ۳۵؛ [ج ۲] ۳۸۴
- مصباح السلطان؛ [ج ۳] ۷۵۶
- مصطفی تول سیاهی؛ [ج ۸] ۱۹۱۹
- مصطفی میرزا؛ [ج ۳] ۷۴۵
- مظفرالدوله؛ [ج ۲] ۳۸۹
- مظفرالدینشاه؛ [ج ۳] ۶۹۰؛ [ج ۵] ۱۲۳۴؛ [ج ۸] ۱۷۰۹، ۱۹۳۸
- مظفر نظام؛ [ج ۱] ۱۲۴، ۱۲۳
- معاضدالسلطنه؛ [ج ۱] ۲۶۲، ۳۲۲؛ [ج ۴] ۷۷۸؛ [ج ۵] ۱۲۰۵؛ [ج ۶] ۱۳۸۷، ۱۴۴۴؛ [ج ۷] ۱۵۳۵، ۱۵۴۸، ۱۵۹۹
- معاضد الملک؛ [ج ۵] ۱۰۵۵
- معاون الدوله؛ [ج ۱] ۳۲؛ [ج ۴] ۸۲۷، ۸۴۴، ۸۵۴، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۷؛ [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۰۹۵، ۱۲۰۵؛ [ج ۸] ۱۸۱۰، ۱۸۱۴
- معاون الممالک؛ [ج ۴] ۹۰۸
- معتضدالدوله؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
- معتضدالسلطان؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
- معمد خاقان؛ [ج ۳] ۷۲۸؛ [ج ۴] ۸۵۵، ۸۶۵، ۸۶۷، ۹۵۶؛ [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۰۱۸، ۱۱۰۰
- معمد دیوان؛ [ج ۱] ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۷۵، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۸۶
- معمد همایون؛ [ج ۲] ۵۴۰؛ [ج ۸] ۲۱۵۸
- معدل الممالک؛ [ج ۲] ۴۰۶
- معزالسلطان؛ [ج ۲] ۴۲۶، ۴۶۰
- معزالملک؛ [ج ۴] ۹۵۶
- معیرالممالک؛ [ج ۴] ۸۳۳؛ [ج ۵] ۱۰۳۷
- معین الاسلام؛ [ج ۲] ۵۳۴
- معین الدوله؛ [ج ۱] ۱۴۰؛ [ج ۳] ۶۷۴، ۷۴۴
- معین الرعایا؛ [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۴۶؛ [ج ۵] ۱۰۳۹، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹، ۱۱۵۴؛ [ج ۸] ۱۷۶۵
- معین السلطان؛ [ج ۳] ۷۴۳
- معین الغرباء؛ [ج ۴] ۷۹۴-۷۹۶، ۸۳۰
- معین الممالک؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
- معین الوزاره؛ [ج ۱] ۲۳۹؛ [ج ۵] ۱۱۹۶؛ [ج ۶] ۱۴۳۸-۱۴۴۱؛ [ج ۷] ۱۶۵۹، ۱۶۶۰؛ [ج ۸] ۱۸۵۸ (نیز نک: حسین خان معین الوزاره)
- معین دیوان؛ [ج ۸] ۱۸۳۴
- معین همایون - معین همایون بختیاری؛ [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۳؛ [ج ۶] ۱۳۳۶ (نیز نک: سردار فاتح)
- مغیث الدوله؛ [ج ۵] ۱۱۱۸؛ [ج ۶] ۱۴۶۵
- مفاخرالملک؛ [ج ۲] ۴۲۸، ۴۷۳؛ [ج ۳] ۵۷۳

- ممتازالدوله: [ج ۱] ۱۷۸، ۲۱۲، ۲۴۶: [ج ۴]
 ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۳، ۹۵۶: [ج ۵] ۱۰۱۱،
 ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۶۷، ۱۰۷۰، ۱۰۹۵:
 [ج ۸] ۱۸۱۴، ۲۱۴۹
 منتصرالدوله: [ج ۴] ۹۵۹: [ج ۷] ۱۵۹۷
 منتصرالسلطان: [ج ۸] ۱۷۶۷، ۱۸۱۳
 منتصرالملک: [ج ۷] ۱۶۸۱
 منتصرالممالک: [ج ۸] ۲۰۷۳
 منتظمالدوله: [ج ۲] ۴۰۷: [ج ۴] ۷۶۹، ۷۹۸:
 [ج ۸] ۱۹۹۱
 منصورالسلطنه: [ج ۳] ۶۰۲
 منصورالسلطنه عرب: [ج ۴] ۷۸۷
 منصورالملک: [ج ۱] ۱۷۵: [ج ۸] ۲۰۵۰
 موار (مستر): [ج ۳] ۵۹۳
 موثق الدوله: [ج ۳] ۶۹۰، ۷۰۴، ۷۰۷
 مورلی (لرد — ویکنت): [ج ۳] ۷۱۹، ۷۲۱
 مورلی بلک برن (ویکنت): [ج ۳] ۶۹۵ (نیز
 نک: مورلی)
 موسوی شوشتری (ابوالحسن): [ج ۵] ۱۰۰۵
 موقرالسلطنه: [ج ۵] ۱۲۳۲: [ج ۶] ۱۳۴۱:
 [ج ۷] ۱۵۰۵
 موقرالسلطنه: [ج ۳] ۷۵۶
 موکانی: [ج ۷] ۱۶۴۸
 مهدی خان: [ج ۱] ۹۶
 مهدی خان قفقازی: [ج ۴] ۷۹۸
 مهندس الممالک: [ج ۱] ۳۲، ۸۱: [ج ۲]
 ۴۱۲، ۴۲۸: [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۵، ۶۷۴
 میدلتن — میدلتون (مستر): [ج ۳] ۷۳۲: [ج ۷]
 ۱۶۲۳
 میربرکت — میربرکت خان: [ج ۳] ۶۰۵:
 [ج ۴] ۹۴۵
 میربیایان: [ج ۴] ۹۴۵
- ۷۰۷، ۷۰۰، ۶۸۳، ۶۴۳، ۶۳۹، ۶۳۶
 مفتاح السلطنه: [ج ۱] ۲۲۷، ۲۴۶، ۲۶۲، ۲۶۳
 مقتدرنظام: [ج ۱] ۱۵۴: [ج ۳] ۶۴۲
 مسک دول: [ج ۵] ۱۰۱۸، ۱۰۵۹، ۱۰۷۷:
 [ج ۷] ۱۶۶۲، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶: [ج ۸]
 ۱۶۹۷، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۱۰، ۱۷۶۲ —
 ۱۷۶۶، ۱۷۹۳، ۱۷۹۵ — ۱۷۹۸، ۱۹۰۱،
 ۱۹۰۲، ۱۹۹۴، ۱۹۹۶ — ۱۹۹۸، ۲۱۱۲ —
 ۲۱۵۱، ۲۱۱۴
 مک کاسکی: [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۷۳، ۱۱۴۶
 مک موری: [ج ۴] ۹۱۱
 ملا حسینعلی: [ج ۴] ۷۹۵
 ملا خورشید: [ج ۴] ۸۰۸: [ج ۵] ۱۰۸۹، ۱۱۵۰
 ملا سلیمان: [ج ۴] ۷۹۵
 ملا عبدالکریم: [ج ۴] ۷۹۵
 ملا علی پناه: [ج ۴] ۸۰۸
 ملا قباد: [ج ۴] ۸۰۸
 ملا قربانعلی: [ج ۳] ۷۶۱، ۷۴۴: [ج ۴] ۷۸۵
 ملا کاظم خراسانی: [ج ۶] ۱۳۳۷
 ملا محمد آملی: [ج ۳] ۶۴۳
 ملا محمد کاظم خراسانی: [ج ۳] ۷۳۲
 ملا مهدی: [ج ۱] ۴۶، ۴۷: [ج ۳] ۵۶۷
 ملت (لونیس): [ج ۲] ۴۸۰: [ج ۵] ۱۰۰۵:
 [ج ۶] ۱۳۵۲، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۴۵۳:
 [ج ۷] ۱۵۱۳ — ۱۵۱۵، ۱۵۱۷، ۱۵۲۰،
 ۱۵۲۸، ۱۵۸۲، ۱۶۲۹، ۱۶۶۵: [ج ۸]
 ۱۷۴۸، ۱۷۵۷، ۱۸۲۵، ۱۸۷۴، ۲۰۱۷،
 ۲۰۲۵، ۲۰۶۵، ۲۱۳۷، ۲۱۴۰، ۲۱۵۶،
 ۲۱۵۸
 ملک المتکلمین: [ج ۱] ۱۴۰، ۲۱۶، ۲۳۹:
 ۲۴۶
 ملینکان (دکتر): [ج ۱] ۲۳۸

- میرزا یانس؛ [ج ۸] ۱۹۷۳، ۱۹۷۵، ۱۹۹۹
 میرغو؛ [ج ۷] ۱۶۴۸
 میرهاشم؛ [ج ۳] ۷۲۸، ۷۰۰
 میستر؛ [ج ۸] (نک: میستر)
 میلر؛ [ج ۲] ۵۲۷؛ [ج ۷] ۱۴۹۹، ۱۵۰۰،
 ۱۵۱۲، ۱۵۰۷
 ناتاف؛ [ج ۴] ۸۳۵
 نارمن (مستر)؛ [ج ۸] ۲۰۶۵
 ناصرالاسلام؛ [ج ۸] ۱۷۶۷
 ناصرالدینشاه؛ [ج ۱] ۶۵، ۸۹؛ [ج ۳] ۶۹۸؛
 [ج ۵] ۱۰۶۸
 ناصرالسلطنه؛ [ج ۱] ۲۸۷
 ناصرالملک (نایب السلطنه)؛ [ج ۱] ۳۲، ۲۵،
 ۸۱، ۸۴، ۸۶، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲،
 ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۹-۱۴۳، ۱۸۱، ۱۸۶،
 ۲۱۴؛ [ج ۲] ۳۹۷، ۴۳۹، ۵۱۷، ۵۱۹،
 ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۴۰؛ [ج ۳] ۵۴۱، ۵۴۲،
 ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۹-۵۶۱، ۵۶۴، ۵۹۵،
 ۶۳۱، ۷۰۷، ۷۴۱؛ [ج ۴] ۷۸۱، ۹۰۷،
 ۹۲۴، ۹۳۴، ۹۳۷؛ [ج ۵] ۹۹۰، ۹۹۶،
 ۹۹۷، ۱۰۰۸، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۲۰،
 ۱۰۳۵، ۱۱۰۱، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲؛ [ج ۶]
 ۱۴۳۵؛ [ج ۸] ۱۷۷۲، ۱۷۸۲، ۱۸۱۰ (نیز
 نک: نایب السلطنه)
 ناظم؛ [ج ۱] ۱۳۸، ۱۵۸؛ [ج ۲] ۴۷۰
 ناظم التجار؛ [ج ۱] ۱۱۲، ۳۲۲
 ناکس (مستر)؛ [ج ۴] ۸۸۱، ۹۰۱، ۹۰۴؛
 [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۲۹، ۱۰۴۲-۱۰۴۶،
 ۱۰۴۸، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۸، ۱۰۶۰،
 ۱۰۶۱، ۱۰۶۳، ۱۰۷۲، ۱۰۷۸، ۱۱۱۳
 میرپنج؛ [ج ۲] ۴۶۶، ۴۶۷
 میرپنجه؛ [ج ۳] ۷۱۶
 میرزا ابراهیم؛ [ج ۲] ۵۳۴
 میرزا ابراهیم خان؛ [ج ۴] ۷۷۸؛ [ج ۵] ۱۰۵۵
 میرزا بابا؛ [ج ۳] ۷۴۴
 میرزا حبیب الله خان؛ [ج ۶] ۱۴۷۱
 میرزا حسن خان (اصفهانی)؛ [ج ۱] ۲؛ [ج ۵]
 ۱۲۴۷؛ [ج ۷] ۱۴۸۶؛ [ج ۸] ۱۶۸۵
 میرزا حسین (رئیس نظمیة کرمان)؛ [ج ۸]
 ۱۸۲۷
 میرزا حسین خان؛ [ج ۸] ۱۷۳۰، ۱۷۲۵،
 ۱۷۶۹، ۱۷۷۵، ۱۷۷۷، ۱۸۲۰، ۱۸۲۷،
 ۱۸۲۸، ۱۸۳۴، ۱۸۵۷
 میرزا رضا خان؛ [ج ۸] ۱۸۸۷
 میرزا سید ابوالقاسم خان؛ [ج ۱] ۲
 میرزا عباس خان؛ [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۰۰
 میرزا عبدالرحیم خان؛ [ج ۵] ۱۰۱۳
 میرزا علی اکبرخان؛ [ج ۱] ۲۶۲
 میرزا علی محمدخان؛ [ج ۴] ۹۰۶، ۹۱۴
 میرزا فضل الله خان؛ [ج ۶] ۱۴۸۳؛ [ج ۸]
 ۲۰۸۱، ۲۰۸۳
 میرزا کاریزخان؛ [ج ۱] ۲۶۸
 میرزا کاظم خان؛ [ج ۱] ۲۸۶
 میرزا محمد اسماعیل؛ [ج ۸] ۲۰۶۰
 میرزا محمودخان؛ [ج ۱] ۲
 میرزا مصطفی خان؛ [ج ۸] ۲۱۱۱
 میرزا مهدی خان - مهدی خان؛ [ج ۴] ۸۴۱،
 ۸۴۷؛ [ج ۵] ۱۲۴۵؛ [ج ۶] ۱۲۶۲،
 ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۳۴۴،
 ۱۳۶۶، ۱۴۱۵، ۱۴۵۴؛ [ج ۷] ۱۵۱۱،
 ۱۵۲۰، ۱۶۶۵؛ [ج ۸] ۱۸۴۱
 میرزا مهدی خان کرمانی؛ [ج ۸] ۱۸۶۰

۲۱۳۳، ۲۱۳۴، ۲۱۴۹، ۲۱۵۵ (نیز نک):

ناصرالملک

نایب السلطنه (عموی شاه)؛ [ج ۳] ۷۰۸، ۷۱۲

نایب السلطنه هند؛ [ج ۶] ۱۲۹۳

نایب الصدر؛ [ج ۱] ۲۸۶؛ [ج ۷] ۱۶۶۷؛

[ج ۸] ۱۹۹۶

نایب حسین؛ [ج ۱] ۱۶۶؛ [ج ۳] ۵۷۶،

۷۴۵، ۷۶۲؛ [ج ۴] ۸۷۰، ۸۷۶، ۸۸۲،

۸۹۳، ۹۰۸، ۹۱۰، ۹۳۱، ۹۳۵، ۹۴۴،

۹۴۷، ۹۵۵، ۹۵۷-۹۵۹، ۹۶۷، ۹۶۹؛

[ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۷۵،

۱۱۹۴، ۱۲۰۴، ۱۲۰۷، ۱۲۲۵، ۱۲۳۰،

۱۲۴۱، ۱۲۴۳؛ [ج ۶] ۱۲۶۷، ۱۲۹۰،

۱۳۳۸؛ [ج ۷] ۱۶۰۴، ۱۶۰۶، ۱۶۵۷؛

[ج ۸] ۱۸۵۳، ۱۸۵۴، ۱۸۵۷، ۱۹۸۷،

۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۵۱، ۲۱۰۵، ۲۶۹۹ (نیز

نک: نایب حسین کاشی)

نایب حسین کاشی؛ [ج ۴] ۸۹۳، ۹۰۹، ۹۳۹؛

[ج ۵] ۹۹۸ (نیز نک: نایب حسین)

نایب یوسف؛ [ج ۳] ۵۷۶

نجفقلی بختیاری (نک: صمصام السلطنه)

نراتوف؛ [ج ۳] ۷۴۷؛ [ج ۵] ۱۱۲۳، ۱۱۲۴،

۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۴۵،

۱۱۷۳، ۱۱۷۷-۱۱۸۱، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵،

۱۱۸۸، ۱۲۱۷، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۴۳؛

[ج ۶] ۱۲۶۰، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۹۱،

۱۲۹۲، ۱۲۹۷، ۱۳۰۴-۱۳۰۶، ۱۳۰۹،

۱۳۱۰، ۱۳۱۵، ۱۳۱۷، ۱۳۱۹-۱۳۲۲،

۱۳۲۷-۱۳۲۹، ۱۳۴۶، ۱۳۴۹-۱۳۵۱،

۱۳۵۳، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۶۰، ۱۳۶۳،

۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۴، ۱۳۷۷-۱۳۷۹،

۱۳۸۱، ۱۳۹۴-۱۳۹۷، ۱۴۰۰، ۱۴۰۲،

۱۱۱۹، ۱۱۲۹، ۱۱۸۶، ۱۱۹۱، ۱۲۴۶؛

[ج ۷] ۱۵۲۸، ۱۶۲۱، ۱۶۲۷؛ [ج ۸]

۱۷۰۰، ۱۷۴۰، ۱۸۵۳

نایب؛ [ج ۴] ۸۷۱، ۹۱۰، ۹۵۸، ۹۶۹

نایب الایالة تبریز (نک: ضیاءالدوله)

نایب السلطنه؛ [ج ۲] ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۲۱؛ [ج ۳]

۵۵۱-۵۵۳، ۵۶۳، ۵۶۴، ۶۲۲، ۶۳۵،

۶۸۳، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۴۳؛ [ج ۴] ۷۷۷،

۸۰۲، ۸۳۳، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۶۹، ۸۸۹،

۸۹۱، ۹۲۲، ۹۲۴، ۹۲۹، ۹۳۶، ۹۳۷،

۹۶۳؛ [ج ۵] ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۶-۹۹۸،

۱۰۰۱، ۱۰۰۴، ۱۰۰۶، ۱۰۰۸، ۱۰۱۱،

۱۰۱۹، ۱۰۲۶-۱۰۲۸، ۱۰۳۴، ۱۰۳۶،

۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۷۴، ۱۰۷۷، ۱۰۸۶،

۱۰۹۵، ۱۱۱۸، ۱۱۲۰، ۱۱۳۲، ۱۱۳۴،

۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۵۶، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶،

۱۲۰۵، ۱۲۲۹، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷؛ [ج ۶]

۱۲۷۰، ۱۳۱۲، ۱۳۱۷، ۱۳۳۷، ۱۳۵۰،

۱۳۷۷، ۱۳۹۳، ۱۴۳۰، ۱۴۴۳،

۱۴۴۵-۱۴۶۱، ۱۴۶۴، ۱۴۶۶؛ [ج ۷]

۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۶، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶،

۱۵۴۸، ۱۵۵۵-۱۵۵۷، ۱۵۸۹، ۱۵۹۹،

۱۶۵۵، ۱۶۶۰؛ [ج ۸] ۱۶۹۸، ۱۷۰۰،

۱۷۰۲، ۱۷۰۷، ۱۷۱۲، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶،

۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰،

۱۷۳۳-۱۷۳۵، ۱۷۳۹، ۱۷۵۰، ۱۷۵۲،

۱۷۵۹، ۱۷۶۱، ۱۷۶۳، ۱۷۶۷،

۱۷۷۱-۱۷۷۴، ۱۷۷۶، ۱۷۸۰-۱۷۸۲،

۱۷۸۶-۱۷۸۸، ۱۷۹۳، ۱۸۰۹، ۱۸۱۰،

۱۸۱۴، ۱۸۱۵، ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۹۶۴،

۱۹۷۳، ۲۰۱۷، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰، ۲۰۲۳،

۲۰۲۶، ۲۱۳۱، ۲۰۶۳، ۲۰۹۰، ۲۰۹۶،

- ۱۰۵۷، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۲، ۱۰۶۵،
 ۱۰۷۲، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۹۰، ۱۱۰۴،
 ۱۱۱۳، ۱۱۱۵-۱۱۱۹، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹،
 ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۹، ۱۱۷۱، ۱۱۸۶،
 ۱۱۹۰، ۱۱۹۷، ۱۲۰۷، ۱۲۱۶، ۱۲۲۰،
 ۱۲۲۳، ۱۲۴۲؛ [ج ۶] ۱۲۵۵-۱۲۶۰،
 ۱۲۶۳، ۱۲۶۸، ۱۳۳۹، ۱۴۶۳-۱۴۷۲،
 ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۸، ۱۴۸۲؛ [ج ۷]
 ۱۵۴۰؛ [ج ۸] ۱۷۶۶، ۱۹۰۹، ۱۹۱۹،
 ۲۰۱۵
- نظام الملک؛ [ج ۱] ۲۲، ۴۲، ۷۲، ۸۱؛ [ج ۲]
 ۴۱۲، ۴۲۸؛ [ج ۳] ۶۹۰
 نظر (لر)؛ [ج ۸] ۱۸۴۹، ۱۸۵۰
 نظریبگ اوف؛ [ج ۳] ۵۹۳
 نظر علی خان؛ [ج ۳] ۷۱۱
 نظر- نظر علیخان امرائی (نک: سردار اکرم)
 نظم الدوله؛ [ج ۳] ۶۷۴
 نعمت الله (قاتل قوام الملک)؛ [ج ۱] ۱۷۵
 نقیب السادات؛ [ج ۱] ۵۱
 نلسون؛ [ج ۳] ۶۴۱
 نوئل (کلنل)؛ [ج ۵] ۱۲۴۶
 نواب (حسینقلی خان)؛ [ج ۳] ۵۹۶؛ [ج ۴]
 ۹۱۵
- نواب خان (بلوچ)؛ [ج ۸] ۲۱۵۰
 نواب خان (رئیس ایل بهمه)؛ [ج ۸] ۲۱۰۶
 نورالله خان؛ [ج ۸] ۱۸۳۲
 نورمحمد خان؛ [ج ۵] ۱۱۱۳
 نورمحمد خان دالکی؛ [ج ۸] ۲۰۸۶، ۲۱۲۵
 نوز؛ [ج ۱] ۷، ۲۴، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۴۲، ۵۲
 ۱۸۳؛ [ج ۲] ۳۹۶؛ [ج ۶] ۱۴۰۱
 نیرالدوله؛ [ج ۱] ۵۴، ۱۳۲؛ [ج ۲] ۴۶۷؛
 [ج ۳] ۵۶۷؛ [ج ۴] ۷۹۶؛ [ج ۵] ۱۱۵۲
- ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۷-۱۴۱۱، ۱۴۱۴،
 ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۲۶؛ [ج ۷] ۱۵۲۹؛
 [ج ۸] ۱۸۴۳، ۱۸۴۴، ۱۸۴۸، ۱۸۶۹،
 ۱۸۷۰، ۱۸۷۳، ۱۸۷۶، ۱۹۶۴
 نرل برندل (نایب)؛ [ج ۶] ۱۳۴۸ (نیز نک:
 نرون براندل)
 نرون براندل (ماژور- کاپیتان)؛ [ج ۸] ۱۸۵۱،
 ۲۰۵۷، ۲۰۷۶، ۲۰۹۳ (نیز نک: نرل
 برندل)
 نصرالدوله؛ [ج ۱] ۱۷۵؛ [ج ۲] ۴۶۸، ۴۷۱،
 ۵۳۳، ۵۳۵؛ [ج ۳] ۵۶۸، ۵۶۹،
 ۶۰۳-۶۰۵، ۶۵۰، ۶۵۱، ۷۴۶، ۷۶۳؛
 [ج ۴] ۸۶۶، ۹۶۱؛ [ج ۶] ۱۴۶۵، ۱۴۶۷،
 ۱۴۷۰؛ [ج ۷] ۱۶۸۱؛ [ج ۸] ۱۶۹۱،
 ۱۷۴۱، ۱۷۵۸، ۱۷۶۸، ۱۷۶۹، ۱۹۶۶ (نیز
 نک: انتظام الممالک)
 نصرالديوان؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
 نصرت السلطان؛ [ج ۴] ۹۱۲
 نصرت الممالک؛ [ج ۳] ۷۳۱
 نصیرالملک؛ [ج ۲] ۵۳۴؛ [ج ۴] ۸۳۵،
 ۹۶۰، ۹۶۱؛ [ج ۶] ۱۴۶۵، ۱۴۷۷
 نصیربختیاری (نک: سردار جنگ)
 نصیر دیوان؛ [ج ۸] ۱۹۱۱
 نظام السلطنه؛ [ج ۱] ۳۱، ۴۵، ۵۴، ۹۵، ۱۱۱،
 ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۵۲-۱۵۴، ۱۶۱،
 ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۶، ۱۸۸،
 ۱۹۰؛ [ج ۳] ۶۰۲، ۶۴۹، ۷۱۰، ۷۳۱،
 ۷۴۳؛ [ج ۴] ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۳۴،
 ۸۸۱، ۸۸۵، ۸۸۶، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴،
 ۹۶۶، ۹۷۰، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۷۵، ۹۷۷،
 ۹۸۱، ۹۹۶، ۱۰۰۷، ۱۰۱۹، ۱۰۳۰،
 ۱۰۴۰، ۱۰۴۲-۱۰۴۹، ۱۰۵۱-۱۰۵۴

۱۷۹۷، ۱۸۴۷

وٹوق الدولہ؛ [ج ۳] ۷۰۴، ۷۲۷، ۷۵۹؛ [ج ۴]
 ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۷، ۹۳۶؛ [ج ۵]
 ۱۱۴۸، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۲۷، ۱۲۳۷؛
 [ج ۶] ۱۲۶۵-۱۲۶۷، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸،
 ۱۳۳۵، ۱۳۴۲-۱۳۴۴، ۱۳۶۹، ۱۳۸۵،
 ۱۳۸۷، ۱۴۳۸-۱۴۴۰، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵؛
 [ج ۷] ۱۵۰۳-۱۵۰۵، ۱۵۳۳-۱۵۳۶،
 ۱۵۴۸، ۱۵۹۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱؛ [ج ۸]
 ۱۶۹۸، ۱۷۳۷-۱۷۳۹، ۱۷۷۳، ۱۷۸۹،
 ۱۸۰۴، ۱۸۱۲-۱۸۱۴، ۱۸۲۲، ۱۸۵۵،
 ۱۸۶۲، ۲۰۹۰، ۲۱۲۸، ۲۱۴۳، ۲۱۴۸

وحناندخان؛ [ج ۵] ۱۱۰۰

وحید الملک؛ [ج ۳] ۷۲۸؛ [ج ۴] ۷۷۸، ۸۴۵؛
 [ج ۵] ۱۰۶۷؛ [ج ۸] ۱۷۳۰، ۱۷۶۷،
 ۱۷۷۳، ۱۸۱۴

وراک (مستر)؛ [ج ۸] ۱۹۷۰

ورال (مستر)؛ [ج ۸] ۲۰۶۱

وردنف (جنرال)؛ [ج ۷] ۱۵۰۷، ۱۶۰۲

وزدال؛ [ج ۸] ۲۰۴۲

وزیر افخم (سلطانعلی خان)؛ [ج ۱] ۱۹، ۳۲،
 ۲۵۴

وزیر اکرم؛ [ج ۱] ۲۴، ۴۴، ۱۱۰؛ [ج ۳] ۷۲۸

وزیرزادہ؛ [ج ۵] ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۸

وزیر مخصوص؛ [ج ۱] ۸۱

وزیر ہمایون؛ [ج ۱] ۳۲، ۸۱

وزیر ہندوستان؛ [ج ۷] ۱۵۶۰، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱،

۱۶۱۳، ۱۶۳۴، ۱۶۷۱، ۱۶۷۷، ۱۶۷۹

وقار الملک؛ [ج ۸] ۱۷۴۲، ۱۷۷۰

وکیل الدولہ؛ [ج ۸] ۱۷۰۵

وکیل الرعایا؛ [ج ۴] ۸۶۸، ۸۹۰، ۸۹۱، ۹۲۸

ولات (دکتر)؛ [ج ۳] ۷۶۵؛ [ج ۴] ۷۸۸

[ج ۶] ۱۳۳۸، ۱۴۴۸

نیسترم (کاپیتان)؛ [ج ۸] ۱۸۵۱، ۱۸۸۷،
 ۱۸۹۷، ۱۹۰۰، ۱۹۷۴، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷،
 ۱۹۸۲، ۱۹۹۵، ۲۰۷۳ (نیزنک: لوندبرگ)
 نیک (مستر)؛ [ج ۸] ۱۷۱۱-۱۷۱۸،
 ۱۷۲۰-۱۷۲۲، ۱۷۲۸، ۱۷۳۹

نیکراسو؛ [ج ۳] ۷۵۵

نیکلاس (مسیو)؛ [ج ۸] ۲۰۳۷

نیکلسکی؛ [ج ۸] ۱۸۴۱

نیکلسون (سرآرتور)؛ [ج ۲] ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۴۸،

۴۹۵، ۴۹۸؛ [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۴-۵۴۶،

۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۸، ۵۷۰، ۵۷۵،

۵۷۹، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۴۷، ۷۵۰-۷۵۳،

۷۵۵-۷۵۷، ۷۶۶؛ [ج ۴] ۷۹۰، ۷۹۱،

۸۱۳-۸۱۷، ۸۲۴، ۸۲۷، ۸۲۹، ۸۸۱،

۸۸۲، ۸۹۸؛ [ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۷، ۱۱۳۴،

۱۱۴۵، ۱۱۶۰، ۱۱۸۳، ۱۲۱۹؛ [ج ۶]

۱۲۶۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۶، ۱۳۰۱،

۱۳۰۸، ۱۳۱۵، ۱۳۶۶، ۱۴۱۵؛ [ج ۷]

۱۴۹۸، ۱۵۸۷؛ [ج ۸] ۱۸۴۱

نیکلین (اینتنٹ)؛ [ج ۶] ۱۳۴۸

نیلکان (دکتر)؛ [ج ۳] ۶۸۵

نیو، جارچ؛ [ج ۶] ۱۲۸۹

وادبولسکی - واوپولسکی (پرنس - کلنل -

پالکونیک)؛ [ج ۴] ۸۷۳، ۸۹۵، ۹۱۵؛

[ج ۵] ۱۱۹۳؛ [ج ۶] ۱۳۳۲، ۱۴۴۱

وارد (لیوتننت)؛ [ج ۵] ۱۰۴۰

والی پشتکوه؛ [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۱۶، ۱۱۵۵،

۱۱۹۷؛ [ج ۸] ۱۷۳۲، ۱۷۶۲، ۱۷۶۵،

۱۷۶۶، ۱۷۷۰، ۱۷۸۳، ۱۷۸۴، ۱۷۹۵،

- ولیعهد؛ [ج ۳] ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۶،
۷۰۷، ۷۲۵، ۷۲۸
- وود (ا. او.)؛ [ج ۵] ۱۰۷۰، ۱۱۲۰؛ [ج ۸]
۱۸۱۲، ۱۸۱۲، ۲۱۴۱، ۲۱۴۲
- وولات (دکتر)؛ [ج ۵] ۱۱۱۴ - ۱۱۱۶؛
[ج ۶] ۱۴۷۹
- ویبیر؛ [ج ۸] ۱۷۸۸
- ویک (لیوتنان)؛ [ج ۷] ۱۵۴۴
- ویکتوریا (ملکه انگلیس)؛ [ج ۳] ۶۹۸
- ویلسن (لیوتنان)؛ [ج ۱] ۱۳۹؛ [ج ۵] ۱۰۴۷،
۱۰۴۹، ۱۲۴۴؛ [ج ۶] ۱۲۵۵، ۱۲۹۸،
۱۴۷۳؛ [ج ۷] ۱۵۴۱، ۱۵۴۵
- ویکسون (و کمپانی)؛ [ج ۳] ۶۵۶
- ویولت (مسیو)؛ [ج ۸] ۱۹۲۱
- ۲۰۴۹
- های نیک (کاپیتان)؛ [ج ۱] ۱۲۷، ۱۲۸
- هررور (آلمانی)؛ [ج ۸] ۱۹۲۰، ۱۹۲۱
- هرمز میرزا؛ [ج ۱] ۲۱۴
- هر هاز؛ [ج ۶] ۱۲۸۶؛ [ج ۸] ۲۱۴۹
- هر هانیکی؛ [ج ۸] ۱۹۲۱
- هژبر السلطنه؛ [ج ۸] ۱۹۹۱
- هلدریش؛ [ج ۸] ۲۰۲۰، ۲۱۳۷
- هموسن (مسیو)؛ [ج ۵] ۱۰۳۸
- هنتر (کاپیتان)؛ [ج ۸] ۲۱۰۶
- هنری دیس (پرنس)؛ [ج ۸] ۱۹۴۰
- هوسن (مستر)؛ [ج ۵] ۹۸۱، ۱۰۷۵
- هونر (کاپیتان)؛ [ج ۳] ۵۶۷
- هیکاک (مستر)؛ [ج ۵] ۱۰۳۹؛ [ج ۶] ۱۲۹۷،
۱۳۹۲، ۱۴۴۸؛ [ج ۷] ۱۶۵۷؛ [ج ۸]
۱۷۶۸، ۱۷۹۹
- هیگ (کلنل)؛ [ج ۵] ۹۹۴، ۹۹۵، ۱۰۹۹؛
[ج ۶] ۱۲۸۶؛ [ج ۸] ۱۷۳۱، ۱۷۳۳،
۱۷۴۸، ۱۷۵۲، ۱۷۵۴، ۱۷۸۹، ۱۷۹۰،
۱۸۲۰، ۱۸۲۶، ۱۸۳۱، ۱۸۳۲، ۱۸۳۷،
۱۸۴۹، ۱۸۵۹، ۱۸۶۰
- هیلز (آر. دبلیو)؛ [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۷۳، ۱۰۹۴،
۱۱۴۶
- هارت ویگ (هارت ویک)؛ [ج ۱] ۴۷، ۷۷،
۸۶، ۱۲۸، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۷۲، ۱۸۹،
۱۹۱-۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۰،
۲۱۲-۲۱۴، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۳۷، ۲۳۹،
۲۶۰، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۲،
۲۹۵، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۸،
۳۱۴-۳۱۷، ۳۲۵-۳۲۸؛ [ج ۲] ۳۴۰،
۳۴۱، ۳۵۶
- هاردیک (سر چارلز)؛ [ج ۴] ۸۴۷
- هاردینگ (سر - هاردیک؟)؛ [ج ۲] ۳۹۳،
۵۱۹، ۵۲۲
- هاکینز؛ [ج ۱] ۲۵۲
- هاورت، هاوارت، هاورس (کاپیتان)؛ [ج ۱]
۴۷، ۴۸، ۹۷، ۱۲۸، ۱۹۰؛ [ج ۲] ۴۳۱،
۴۴۶، ۴۷۰، ۵۳۲، ۵۳۳؛ [ج ۸] ۱۷۲۷،
۱۷۷۱، ۱۷۹۹-۱۸۰۱، ۱۹۶۹، ۲۰۴۸
- یارمحمد خان - یارمحمد؛ [ج ۵] ۱۰۵۵،
۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹؛ [ج ۷] ۱۶۵۳،
۱۶۶۵-۱۶۶۷؛ [ج ۸] ۱۷۰۰، ۱۷۰۵،
۱۷۰۶، ۱۸۸۵، ۱۹۲۳، ۱۹۲۹، ۱۹۴۲،
۱۹۵۸، ۱۹۷۲، ۱۹۷۳، ۱۹۹۴، ۱۹۹۵،
۱۹۹۷-۱۹۹۹، ۲۰۰۸

- یالمارسن (کاپیتان — کلنل)؛ [ج ۵] ۱۰۸۵،
 ۱۲۲۸؛ [ج ۷] ۱۵۷۷، ۱۶۵۲، ۱۶۶۹،
 ۱۶۷۱، ۱۶۷۲؛ [ج ۸] ۱۶۹۲، ۱۷۰۱،
 ۱۷۵۷، ۱۷۵۴، ۱۸۷۵، ۱۸۸۰، ۱۸۸۲،
 ۱۹۰۲، ۱۹۰۳، ۱۹۷۶—۱۹۷۹، ۱۹۸۶،
 ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱، ۲۰۲۵، ۲۰۷۱،
 ۲۰۷۵—۲۰۷۷، ۲۱۰۰
- یاور اسدالله؛ [ج ۲] ۵۳۱؛ [ج ۳] ۵۶۷ (نیز
 نک: اسدالله)
- یپرم — یپرم خان — یفرم — یفرم خان؛ [ج ۳]
 ۷۰۷، ۷۴۳، ۷۵۸، ۷۶۰؛ [ج ۴] ۷۸۵،
 ۷۹۷، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۶، ۸۲۱، ۸۲۷،
 ۸۳۳، ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۵۵، ۸۷۸، ۸۸۹،
 ۸۹۱، ۹۱۶—۹۱۸؛ [ج ۶] ۱۲۷۹، ۱۲۸۶،
 ۱۲۸۷، ۱۳۳۳، ۱۳۳۶، ۱۳۹۰، ۱۳۹۴،
 ۱۳۹۸، ۱۴۶۱ (نیز نک: یفرم)
- یحیی میرزا؛ [ج ۳] ۷۲۸
 یداک (مستر)؛ [ج ۸] ۲۰۳۹
- یدالله میرزا؛ [ج ۶] ۱۴۶۸
 یعقوبعلی بربری؛ [ج ۵] ۱۰۹۷
 یفرم؛ [ج ۵] ۱۱۳۱، ۱۱۹۸، ۱۲۰۲، ۱۲۲۹،
 ۱۲۳۳؛ [ج ۷] ۱۵۳۳، ۱۵۳۶، ۱۶۷۹؛
 [ج ۸] ۱۷۴۶، ۱۷۴۹، ۱۷۵۵، ۱۷۵۶،
 ۱۷۵۹، ۱۷۶۳، ۱۷۶۷، ۱۷۶۹، ۱۷۷۴،
 ۱۷۸۶، ۱۷۸۸، ۱۷۹۲ — ۱۷۹۴، ۱۸۱۵ —
 ۱۸۱۷، ۱۹۷۳ (نیز نک: یپرم)
- یمین الممالک؛ [ج ۸] ۲۱۰۴
 یمین نظام؛ [ج ۸] ۱۷۶۷
 یوزباشی قربان؛ [ج ۵] ۱۰۱۲
 یوسف (یوسف خان هراتی؟)؛ [ج ۷] ۱۶۱۴
 یوسف — نایب یوسف؛ [ج ۳] ۵۵۸، ۵۷۶
 یوسف خان (برادر سردار اسعد)؛ [ج ۳] ۶۸۴؛
 [ج ۸] ۱۷۵۵، ۱۷۵۷، ۱۷۹۰، ۱۷۹۱
 یوسف خان امیر مجاهد؛ [ج ۸] ۱۸۰۲
 یوسف خان هراتی؛ [ج ۷] ۱۵۸۱، ۱۵۹۲؛
 [ج ۸] ۱۸۱۵ (نیز نک: یوسف)

نام جایها

،۳۸۶ ،۳۷۱ ،۳۷۰ ،۳۶۸ ،۳۶۴ ،۳۶۱	آباده؛ [ج ۲] ،۴۷۱ ،۴۷۲ ؛ [ج ۳] ،۶۳۴ ،۶۷۶
،۴۰۴ ،۴۰۳ ،۴۰۱ ،۳۹۵ ،۳۹۰ ،۳۸۹	،۷۲۱ ،۷۳۰ ،۷۳۲ ،۷۴۶ ؛ [ج ۴] ،۸۳۶
،۴۳۱ ،۴۲۷ ،۴۲۴ ،۴۲۲ ،۴۱۵ ،۴۱۰	،۹۳۱ ،۹۳۳ ،۹۴۱ ،۹۵۷ ،۹۶۹ ،۹۷۱ ؛
،۵۵۰ ،۵۴۳ [ج ۳] ؛ ،۴۸۶ ،۴۴۹ ،۴۳۵	، [ج ۵] ،۹۸۱ ؛ [ج ۶] ،۱۲۶۵ ،۱۲۹۵
،۶۳۰ ،۶۲۶ ،۵۹۷ ،۵۹۶ ،۵۹۲ ،۵۶۶	،۱۲۹۸ ،۱۲۹۹ ،۱۳۰۵ ،۱۳۱۹ ،۱۳۳۸
،۶۹۵ ،۶۷۵ ،۶۷۰ ،۶۶۶ ،۶۵۱ ،۶۳۲	،۱۴۳۶ ،۱۴۴۸ ،۱۴۷۸ ؛ [ج ۷] ،۱۵۴۳
،۷۴۳ ،۷۴۱ ،۷۲۵ ،۷۰۸ ،۷۰۷ ،۶۹۶	،۱۵۴۴ ،۱۶۰۶ ،۱۶۲۷ ،۱۶۵۹ ،۱۶۶۱ ؛
،۷۶۱ ،۷۶۰ ،۷۵۸ ،۷۵۶ ،۷۵۴ ،۷۴۹	، [ج ۸] ،۱۸۰۴ ،۱۸۰۶ ،۱۸۵۲ ،۱۸۵۳
،۸۱۷ ،۸۱۰ ،۷۸۰ — ۷۷۸ [ج ۴] ؛ ۷۶۵	،۱۹۰۸ ،۱۹۱۰ ،۱۹۵۳ ،۱۹۶۸ ،۱۹۷۱
،۸۸۹ ،۸۷۸ ،۸۶۹ ،۸۵۵ ،۸۵۲ ،۸۱۹	،۱۹۷۴ ،۲۱۵۰
،۹۰۷ ؛ [ج ۵] ،۱۰۱۱ ،۱۰۳۷ ،۱۰۶۶	آب باریک؛ [ج ۷] ،۱۶۲۲ ،۱۶۲۴
،۱۲۰۲ ،۱۱۶۱ ،۱۱۵۲ ،۱۱۴۰ ،۱۰۹۶	آب بید؛ [ج ۸] ،۲۰۴۹
،۱۲۰۳ ،۱۲۰۴ ،۱۲۲۹ ،۱۲۳۳ ،۱۲۳۵ ؛	آب گنده (آب گندو)؛ [ج ۳] ،۶۶۱ ؛ [ج ۸]
، [ج ۶] ،۱۲۸۷ ،۱۲۸۸ ،۱۳۰۷ ،۱۴۳۰	،۲۱۲۵ ،۲۱۲۷
،۱۴۳۱ ،۱۴۳۵ ،۱۴۳۷ ؛ [ج ۷] ،۱۵۶۲	آپشرن؛ [ج ۸] ،۲۰۶۱
، [ج ۸] ؛ ،۱۶۰۲ ،۱۶۳۰ ،۱۶۳۱ ،۱۶۵۲ ؛	آجی (رودخانه)؛ [ج ۳] ،۶۴۶
،۱۷۱۶ ،۱۷۱۴ ،۱۷۰۹ ،۱۶۹۹ ،۱۶۹۱	آذربایجان؛ [ج ۱] ،۴۱ ،۴۳ ،۴۹ ،۵۳ ،۶۶
،۱۸۲۲ ،۱۷۴۳ ،۱۷۴۲ ،۱۷۲۴ ،۱۷۱۹	،۷۲ ،۸۱ ،۹۴ ،۱۴۸ ،۲۶۲ ،۲۶۶ ،۲۶۹
،۱۸۸۶ ،۱۸۷۱ ،۱۸۶۸ ،۱۸۶۷ ،۱۸۵۵	،۲۷۳ ،۲۸۱ ،۲۸۴ ،۲۸۵ ،۲۹۱ ،۳۰۳
،۱۹۹۲ ،۱۹۸۲ ،۱۹۷۹ ،۱۹۷۰ ،۱۹۳۶	،۳۰۹ ،۳۱۵ ،۳۱۸ ،۳۲۰ ،۳۲۶ — ۳۲۹
،۲۱۰۱ ،۲۰۹۸ — ۲۰۹۶ ،۲۰۶۷ ،۱۹۹۳	،۳۳۱ ؛ [ج ۲] ،۳۴۷ ،۳۴۸ ،۳۵۱ ،۳۶۰

احمدآباد؛ [ج ۳] ۶۸۶

احمدی؛ [ج ۳] ۶۶۱؛ [ج ۴] ۸۰۷؛ [ج ۵]

۱۰۴۰؛ [ج ۷] ۱۶۲۳؛ [ج ۸] ۱۷۷۰،

۱۹۱۷، ۱۹۱۸، ۲۱۲۲، ۲۱۲۳، ۲۱۲۵،

۲۱۲۷

ادبسا — اودسا؛ [ج ۵] ۱۰۸۵، ۱۱۴۱، ۱۲۲۴؛

[ج ۸] ۱۸۱۵، ۱۸۴۴، ۱۸۴۵، ۱۹۲۸،

۲۰۱۸، ۲۰۲۴

ارادان؛ [ج ۵] ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۲۱۱، ۱۲۲۸،

۱۲۳۳

اراضی بلیق (نک: بلیق)

ارجین — ارچین؛ [ج ۴] ۷۸۶، ۸۰۴؛ [ج ۶]

۱۴۴۳

ارچینی (گردنه)؛ [ج ۷] ۱۶۶۱

اردبیل [ج ۱] ۶۶، ۷۲، ۱۷۸؛ [ج ۳] ۵۷۹،

۵۹۶، ۶۲۸، ۶۳۲، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۷۵،

۷۰۱، ۷۰۸، ۷۱۹، ۷۳۶ — ۷۳۹، ۷۴۳،

۷۴۷، ۷۴۹ — ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶ —

۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۵، ۷۶۷؛ [ج ۴]

۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۹ — ۷۸۲، ۷۸۴، ۸۱۴،

۸۱۹، ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۵۵، ۸۹۱، ۹۲۴،

۹۳۴، ۹۳۸، ۹۵۰؛ [ج ۵] ۱۰۰۱، ۱۰۰۳،

۱۰۶۶، ۱۰۷۰، ۱۰۹۶، ۱۱۰۴، ۱۱۲۶،

۱۱۵۲، ۱۱۶۱، ۱۱۶۳، ۱۱۹۵؛ [ج ۶]

۱۳۳۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۸، ۱۴۱۹، ۱۴۳۵،

۱۴۵۷؛ [ج ۷] ۱۵۳۱، ۱۵۳۶، ۱۵۶۲،

۱۵۶۳، ۱۵۹۸، ۱۶۰۳، ۱۶۴۲؛ [ج ۸]

۱۷۲۳، ۱۷۲۷، ۱۷۴۰، ۱۷۸۷، ۱۸۱۵،

۱۸۲۳، ۱۸۲۵، ۱۸۴۷، ۱۸۵۶، ۱۸۸۷،

۱۹۰۵، ۱۹۱۳، ۱۹۲۲، ۱۹۴۰، ۱۹۴۱،

۱۹۷۵، ۲۰۰۷

اردستان؛ [ج ۱] ۳۰۵؛ [ج ۳] ۶۷۷؛ [ج ۴]

۲۱۰۳ شمالی ۱۷۱۶، ۱۷۲۰

آذرباد (روستا)؛ [ج ۸] ۱۷۰۹

آرادان نک: ارادان

آستارا؛ [ج ۱] ۵۴، ۱۳۷، ۲۶۹؛ [ج ۲] ۴۸۷؛

[ج ۳] ۶۷۵، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۶، ۷۶۵؛

[ج ۴] ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۹، ۷۸۵؛ [ج ۵]

[ج ۶] ۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰۳۷، ۱۱۵۲؛

[ج ۷] ۱۵۵۱، ۱۵۶۶، ۱۵۶۸،

۱۵۹۸، ۱۶۰۳؛ [ج ۸] ۱۷۲۳، ۱۷۴۲،

۱۷۶۸، ۱۷۴۳

آسورد (آشوراده؟)؛ [ج ۶] ۱۳۰۲

آسیا؛ [ج ۵] ۱۲۳۴

آسیای قوام؛ [ج ۸] ۲۱۲۶

آشتیان؛ [ج ۳] ۶۷۸

آشوراده؛ [ج ۴] ۸۷۵؛ [ج ۵] ۱۲۴۵؛ [ج ۷]

۱۶۳۸، ۱۶۶۳؛ [ج ۸] ۱۶۹۶

آق چشمه؛ [ج ۵] ۹۷۷؛ [ج ۷] ۱۶۲۳

آلام (بازار)؛ [ج ۸] ۱۷۲۳

آلمان؛ [ج ۳] ۶۹۷؛ [ج ۵] ۱۱۷۷، ۱۱۸۶؛

[ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۳۰۱، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸؛

[ج ۷] ۱۶۵۲؛ [ج ۸] ۱۹۴۰

آمریک — آمریکا (نک: امریکا)

آمل؛ [ج ۳] ۶۸۰؛ [ج ۵] ۱۲۳۳

ابرقو — ابرکوه؛ [ج ۲] ۴۷۱؛ [ج ۸] ۱۹۰۷،

۱۹۰۸

ابهر؛ [ج ۳] ۶۷۸؛ [ج ۶] ۱۴۳۵

اتازونی؛ [ج ۸] ۱۹۳۵، ۲۰۳۹

اترک؛ [ج ۱] ۱۲۶؛ [ج ۵] ۱۲۰۱

اتریش؛ [ج ۲] ۳۵۸، ۳۵۹؛ [ج ۴] ۷۷۹؛

[ج ۶] ۱۴۷۰

،۲۱۳۸ ،۲۱۲۹ ،۲۰۳۲ ،۲۰۲۴ ،۲۰۰۹
 ،۲۱۵۰ ،۲۱۴۹

اروپای غربی؛ [ج ۸] ۲۰۲۴

ارومیه (اورمیّه)؛ [ج ۱] ۱۳۲ ،۱۳۷ ،۲۶۶؛

[ج ۲] ۳۵۱ ،۳۸۹ ،۳۹۰ ،۴۳۳ ،۴۴۸

؛ ۵۲۸ [ج ۳] ۵۷۵ ،۵۷۷ ،۵۹۹ ،۶۷۵

؛ ۷۲۱ [ج ۴] ۸۱۹ ؛ [ج ۳] ۷۲۱

[ج ۶] ۱۲۷۹ ،۱۲۸۸ ،۱۳۳۵ ،۱۴۳۵

[ج ۷] ۱۶۳۰ ،۱۶۴۲ ؛ [ج ۸] ۱۸۶۸

،۱۸۸۳ ،۱۹۰۳ ،۲۰۰۷

اسپاس؛ [ج ۸] ۱۹۰۸ ،۱۹۶۵ ،۲۰۸۳

استرآباد؛ [ج ۱] ۱۰۸ ،۱۱۳ ،۱۲۳ ،۱۲۶

،۱۳۲ ،۱۶۵ ،۱۷۴ ،۱۷۹ ؛ [ج ۲] ۳۴۲

،۳۵۲ ،۳۸۳ ،۴۱۰ ،۴۱۳ ،۴۴۸ ،۴۴۹

؛ ۴۶۹ ،۴۸۴ ،۴۸۶ ،۴۸۷ ،۵۲۹ ،۵۳۰

[ج ۳] ۵۶۷ ،۶۰۰ ،۶۷۷ ،۷۰۹ ،۷۲۹

[ج ۴] ۷۷۸ ،۸۷۵ ؛ [ج ۵] ۱۰۱۵ ،۱۰۷۰

،۱۰۷۴ ،۱۱۲۲ ،۱۱۲۴ ،۱۱۴۱ ،۱۱۵۲

،۱۱۷۰ ،۱۱۹۶ ،۱۲۰۰-۱۲۰۲ ،۱۲۱۴

،۱۲۱۹ ،۱۲۲۲ ،۱۲۴۵ ؛ [ج ۶] ۱۲۷۸

،۱۲۸۱ ،۱۲۸۷ ،۱۲۸۹ ،۱۳۰۱ ،۱۳۰۲

،۱۳۲۰ ،۱۳۲۱ ،۱۳۳۳ ،۱۳۳۵ ،۱۳۳۷

،۱۴۳۵ ،۱۴۴۱ ،۱۴۴۸ ؛ [ج ۷] ۱۵۳۱

،۱۵۳۷ ،۱۵۸۰ ،۱۵۸۱ ،۱۵۸۶ ،۱۵۸۹

،۱۵۹۲ ،۱۶۰۸ ،۱۶۱۷ ،۱۶۱۸ ،۱۶۳۸

۱۶۵۲ - ۱۶۵۷ ،۱۶۶۰ ؛ [ج ۸] ۱۶۹۵ -

،۱۶۹۷ ،۱۷۳۱ ،۱۷۳۸ ،۱۷۴۰ ،۱۷۴۳

،۱۹۷۰ ،۱۹۷۵ ،۲۰۰۰ ،۲۰۰۲ ،۲۰۶۱

،۲۰۶۵ ،۲۱۰۴ ،۲۱۰۵ ،۲۱۴۰ ،۲۱۴۹

۲۱۵۲

استکهلم - استخهلم؛ [ج ۵] ۹۶۷ ،۱۰۴۴

؛ [ج ۶] ۱۲۷۲ ،۱۳۴۷ ؛ [ج ۷]

،۹۰۹ ،۹۱۰ ،۹۳۹ ،۹۶۹ ؛ [ج ۵] ۱۱۵۴

،۱۱۹۴ ،۱۲۰۷ ،۱۲۳۰ ؛ [ج ۸] ۱۷۶۸

،۱۸۱۶ ،۱۸۵۳

اردکان؛ [ج ۳] ۶۸۰ ؛ [ج ۴] ۸۰۸ ،۸۷۱

؛ ۹۶۹ ؛ [ج ۵] ۱۰۳۹ ،۱۲۳۰ ؛ [ج ۸]

،۱۸۸۷ ،۱۹۷۱ ،۲۰۵۱ ،۲۰۶۳ ،۲۰۷۷

۲۰۸۴

ارزروم (ارض روم)؛ [ج ۱] ۳۲۴

ارس؛ [ج ۲] ۴۲۲

ارک (اردبیل)؛ [ج ۸] ۱۸۲۳ ،۱۸۲۵

ارک (بافت)؛ [ج ۸] ۱۸۳۲

ارک (تبریز)؛ [ج ۲] ۳۸۷ ؛ [ج ۳] ۵۹۱ ،۷۵۵

؛ ۷۵۷ ؛ [ج ۶] ۱۴۵۷ ،۱۴۵۸ ؛ [ج ۷]

،۱۴۹۵ ،۱۶۰۲

ارک (کرمانشاه)؛ [ج ۸] ۱۹۹۵ ،۱۹۹۶ ،۲۰۰۹

ارک (مشهد)؛ [ج ۲] ۳۸۲ ،۵۳۰ ؛ [ج ۳] ۶۴۷

اروپا؛ [ج ۲] ۳۶۲ ،۳۶۳ ،۳۷۰ ،۳۸۵ ،۳۸۸

،۳۹۸ ،۴۰۵ ،۴۱۷ ،۴۳۱ ،۴۳۳ ،۴۴۲

،۴۵۹ ،۴۵۹ ؛ [ج ۳] ۶۴۶ ،۶۵۰ ،۷۰۷

،۷۱۷ ،۷۲۸ ،۷۴۴ ؛ [ج ۴] ۸۶۴ ،۸۶۹

،۸۷۶ ،۸۹۰ ،۹۰۷ ،۹۵۸ ،۹۶۶ ؛ [ج ۵]

،۱۰۲۶ ،۱۰۳۵ ،۱۰۳۶ ،۱۰۴۳ ،۱۰۴۸

،۱۰۴۹ ،۱۰۵۲ ،۱۰۵۵ ،۱۰۷۸ ،۱۰۸۴

،۱۰۹۶ ،۱۱۲۴ ،۱۲۰۵ ،۱۲۳۴ ؛ [ج ۶]

۱۲۵۳ - ۱۲۵۵ ،۱۲۵۷ ،۱۲۷۴ ،۱۲۷۵

،۱۳۱۰ ،۱۳۹۰ ،۱۴۴۵ ،۱۴۴۷ ،۱۴۵۷

؛ ۱۴۶۶ ،۱۴۶۹ ،۱۴۷۰ ،۱۴۷۴ ،۱۴۷۵

[ج ۷] ۱۵۲۳ ،۱۵۲۹ ،۱۵۳۶ ،۱۵۷۱

؛ [ج ۸] ۱۷۰۸ ،۱۷۰۹ ،۱۷۳۰

،۱۷۳۳ ،۱۷۳۵ ،۱۷۴۰ ،۱۷۴۱ ،۱۷۵۰

،۱۷۸۶ ،۱۷۸۷ ،۱۸۰۹ ،۱۸۱۴ ،۱۸۲۱

،۱۹۲۸ ،۱۹۳۳ ،۱۹۳۵ ،۲۰۰۴ ،۲۰۰۸

،۸۷۳ ،۸۷۰ ،۸۶۷-۸۶۵ ،۸۵۸-۸۵۶
 -۸۹۲ ،۸۸۸ - ۸۸۶ ،۸۸۲ ،۸۷۶ ،۸۷۴
 ،۸۹۴ ،۹۰۴ ،۹۰۸ ،۹۰۹ ،۹۱۰ ،۹۱۳
 ،۹۲۲ ،۹۲۵ ،۹۳۰ ،۹۳۱ ،۹۳۳ - ۹۳۶
 ،۹۳۹ ،۹۴۱ ،۹۴۶ - ۹۴۸ ،۹۵۵ - ۹۵۸
 ،۹۶۱ ،۹۶۳ ،۹۶۴ ،۹۶۸ ،۹۷۰ - ۹۷۲
 ،۹۷۷ [۵ج] ،۹۷۹ ،۹۸۱ ،۹۸۳ ،۹۸۶
 ،۹۸۸ ،۹۸۹ ،۹۹۵ ،۹۹۶ ،۹۹۸ - ۱۰۰۰
 ،۱۰۰۷ - ۱۰۱۰ ،۱۰۱۲ ،۱۰۱۴ ،۱۰۱۸
 ،۱۰۸۲ ،۱۰۸۳ ،۱۰۸۵ ،۱۰۸۹ ،۱۰۹۰
 ،۱۰۹۷ ،۱۰۹۸ ،۱۱۰۰ ،۱۱۲۳ ،۱۱۲۵
 ،۱۱۲۸ ،۱۱۵۰ ،۱۱۵۱ ،۱۱۵۳ ،۱۱۶۶
 ،۱۱۸۴ ،۱۱۹۱ ،۱۱۹۶ ،۱۲۰۳ ،۱۲۰۴
 ،۱۲۰۶ ،۱۲۱۶ ،۱۲۲۴ ،۱۲۳۰ ،۱۲۳۱
 ،۱۲۴۰ - ۱۲۴۴ [۶ج] ،۱۲۵۵ - ۱۲۵۷
 ،۱۲۶۰ ،۱۲۶۱ ،۱۲۶۴ ،۱۲۶۵ ،۱۲۷۴
 ،۱۲۷۵ ،۱۲۸۲ ،۱۲۹۰ - ۱۲۹۲ ،۱۲۹۴
 ،۱۲۹۶ - ۱۲۹۸ ،۱۳۰۴ ،۱۳۱۹ ،۱۳۳۰
 ،۱۳۳۱ ،۱۳۳۴ ،۱۳۳۵ ،۱۳۳۸ ،۱۳۴۱
 ،۱۳۴۲ ،۱۳۸۸ ،۱۳۹۸ ،۱۴۳۰ ،۱۴۳۵
 ،۱۴۴۲ ،۱۴۴۳ ،۱۴۴۸ - ۱۴۵۱ ،۱۴۵۴
 ،۱۴۶۳ ،۱۴۷۸ ،۱۴۸۰ [۷ج] ،۱۵۳۹
 ،۱۵۴۱ ،۱۵۴۳ - ۱۵۴۵ ،۱۶۰۳ - ۱۶۰۶
 ،۱۶۱۰ ،۱۶۲۴ ،۱۶۳۷ ،۱۶۳۸ ،۱۶۵۷
 ،۱۶۵۹ ،۱۶۶۱ ،۱۶۸۰ ،۱۶۸۲ ،۱۶۸۴
 ،۱۶۹۹ [۸ج] ،۱۷۱۸ ،۱۷۴۰ ،۱۷۴۷
 ،۱۷۶۸ ،۱۷۷۹ ،۱۷۸۴ ،۱۸۰۱ - ۱۸۰۴
 ،۱۸۰۶ ،۱۸۱۵ ،۱۸۳۹ ،۱۸۵۱ - ۱۸۵۴
 ،۱۸۵۶ ،۱۸۶۵ ،۱۸۸۵ ،۱۸۸۶ ،۱۸۸۸
 ،۱۸۸۹ ،۱۸۹۷ ،۱۹۰۴ ،۱۹۰۷ ،۱۹۰۸
 ،۱۹۲۱ ،۱۹۲۲ ،۱۹۲۵ - ۱۹۲۸ ،۱۹۳۱
 ،۱۹۴۱ ،۱۹۴۸ ،۱۹۵۲ ،۱۹۵۸ ،۱۹۵۹

،۱۵۱۶ ،۱۵۲۲ ،۱۵۵۰ ،۱۶۷۵ [۸ج]
 ،۱۶۹۳ ،۱۹۴۰ ،۲۰۴۲
 اسدآباد؛ [ج ۳] ۶۸۰ [ج ۸] ،۱۷۰۹ ،۱۹۹۵
 ۱۹۹۶
 اسرائیل؛ [ج ۲] ۵۳۲
 اسفندقه؛ [ج ۴] ۹۱۲
 اسکانون؛ [ج ۴] ۹۶۲
 اسلامبول؛ [ج ۲] ۴۸۷ [ج ۳] ،۵۵۵ ،۵۵۶
 ،۶۲۱ [ج ۴] ۹۶۵ [ج ۸] ۱۹۹۳
 اشرف؛ [ج ۳] ۶۸۰ [ج ۵] ،۱۱۶۷ ،۱۲۱۵
 اصفهان؛ [ج ۱] ۳۴ ،۳۵ ،۳۸ ،۵۴ ،۶۶ ،۶۹
 ،۷۰ ،۷۲ ،۷۵ ،۷۹ ،۸۱ ،۸۲ ،۹۳ ،۹۴
 ،۱۰۸ ،۱۱۳ ،۱۲۶ ،۱۲۷ ،۱۳۲ ،۱۳۸
 ،۱۴۴ ،۱۵۷ ،۱۵۸ ،۱۶۶ ،۱۶۷ ،۱۷۰
 ،۱۷۳ ،۱۷۴ ،۱۷۷ - ۱۸۰ ،۱۹۰ ،۲۰۰
 ،۲۱۸ ،۲۲۰ ،۲۲۷ ،۲۳۰ ،۲۴۹ ،۲۶۶
 ،۲۶۸ ،۲۷۴ ،۲۸۱ ،۲۸۹ ،۳۲۲ ،۳۲۳
 [ج ۲] ،۳۵۲ ،۳۵۳ ،۳۶۰ ،۳۶۳ - ۳۷۰
 ،۳۸۳ ،۳۸۴ ،۳۹۱ - ۳۹۳ ،۳۹۵ ،۴۰۱
 ،۴۰۴ ،۴۰۶ - ۴۰۸ ،۴۱۰ ،۴۱۱ ،۴۱۳
 ،۴۱۵ ،۴۲۷ ،۴۳۰ ،۴۳۲ ،۴۳۳ ،۴۳۴ ،۴۵۱
 ،۴۷۱ ،۴۷۲ ،۴۷۹ ،۴۸۰ ،۴۸۴ ،۴۸۵
 ،۵۱۸ ،۵۲۳ ،۵۲۴ ،۵۳۴ ،۵۳۵ [ج ۳]
 ،۵۴۶ - ۵۴۹ ،۵۵۹ ،۵۶۶ ،۵۷۲
 ،۵۷۹ - ۵۸۱ ،۵۸۳ ،۶۰۱ ،۶۳۱ ،۶۳۳
 ،۶۳۶ - ۶۳۸ ،۶۴۰ ،۶۴۱ ،۶۴۸ ،۶۵۶
 ،۶۷۷ ،۷۰۴ ،۷۰۷ ،۷۰۹ ،۷۱۰ ،۷۱۵
 ،۷۲۱ ،۷۳۰ - ۷۳۳ ،۷۴۱ ،۷۴۵ - ۷۴۸
 ،۷۵۸ ،۷۶۲ ،۷۶۷ [ج ۴] ،۷۷۶ ،۷۷۸
 ،۷۸۱ ،۷۸۵ ،۷۸۶ ،۷۸۸ ،۷۸۹ ،۷۹۲
 ،۷۹۷ ،۷۹۸ ،۸۰۴ ،۸۱۱ ،۸۲۲ ،۸۲۴
 ،۸۲۷ ،۸۳۲ ،۸۳۴ - ۸۳۷ ،۸۴۵ ،۸۴۶

۹۳۱، ۹۳۹، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۸۱، ۹۹۵،
 ۹۹۹
 انارک؛ [ج ۳] ۷۴۱؛ [ج ۴] ۹۱۰، ۹۳۱، ۹۳۹،
 ۹۶۹
 انبارک؛ [ج ۳] ۷۱۶
 انزلی؛ [ج ۱] ۳۷، ۴۴، ۵۲، ۵۴، ۷۰، ۷۲،
 ۲۶۳؛ [ج ۲] ۳۵۲، ۴۱۳، ۴۲۲، ۴۲۴،
 ۴۲۵، ۴۴۹، ۴۶۱، ۴۸۰؛ [ج ۳] ۵۸۷،
 ۵۸۸، ۶۰۷، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۲۵، ۶۷۹،
 ۷۰۹، ۷۱۸، ۷۳۴، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۵۳،
 ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۹؛ [ج ۴] ۸۱۴، ۸۶۹،
 [ج ۵] ۹۹۷، ۱۰۹۶؛ [ج ۶] ۱۲۸۸،
 ۱۲۹۸، ۱۳۳۷، ۱۳۵۱، ۱۳۶۳-۱۳۶۵،
 ۱۳۶۸، ۱۳۷۳، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۹۵،
 ۱۴۲۷، ۱۴۳۷، ۱۴۵۹، ۱۴۶۲؛ [ج ۱۰]
 ۱۴۹۲، ۱۵۱۵، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۵۰،
 ۱۵۶۸، ۱۵۷۷، ۱۵۹۸، ۱۶۰۳، ۱۶۳۱،
 ۱۶۴۷، ۱۶۵۶؛ [ج ۸] ۱۷۲۳، ۱۷۴۰،
 ۱۷۷۹، ۱۷۹۳، ۱۸۱۵، ۱۸۵۶، ۱۹۴۰،
 ۱۹۷۷، ۲۰۶۱، ۲۱۵۲
 انگالی؛ [ج ۳] ۶۵۷؛ [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۰۴۰؛
 [ج ۸] ۱۹۱۸
 انگلیس - انگلستان؛ [ج ۱] ۴۴، ۴۵، ۱۱۲،
 ۱۴۱، ۱۸۸، ۱۹۶، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۸،
 ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۱۱، ۳۲۲،
 ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۸؛ [ج ۲] ۳۳۶، ۳۳۹،
 ۳۴۸، ۳۵۳-۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۰-۳۶۳،
 ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۵،
 ۳۸۱-۳۸۴، ۳۸۶، ۳۹۱-۳۹۳،
 ۳۹۵-۴۰۳، ۴۰۵-۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۳،
 ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۰-۴۲۳،
 ۴۲۹-۴۳۳، ۴۳۵-۴۵۷، ۴۶۰، ۴۶۵

۱۹۶۸، ۱۹۶۹، ۱۹۷۱، ۱۹۷۷، ۱۹۸۵،
 ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۹۱، ۱۹۹۹، ۲۰۰۱،
 ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۵۰، ۲۰۵۴، ۲۰۵۵،
 ۲۰۵۷، ۲۰۵۸، ۲۰۶۰، ۲۰۶۲، ۲۰۷۱،
 ۲۰۸۹، ۲۰۹۴، ۲۰۹۶، ۲۱۰۵، ۲۱۱۶،
 ۲۱۱۹، ۲۱۲۰، ۲۱۲۱، ۲۱۵۰.
 افریقا؛ [ج ۵] ۱۲۳۴
 افشا (افشار؟)؛ [ج ۳] ۶۷۷
 افغان؛ [ج ۱] ۷۵؛ [ج ۳] ۷۴۶؛ [ج ۴] ۸۸۱،
 ۸۹۲، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۸، ۹۶۸
 افغانستان؛ [ج ۴] ۹۳۸؛ [ج ۸] ۱۸۱۵، ۱۸۵۶
 اقطاع - اقطاع افشار؛ [ج ۳] ۶۷۷؛ [ج ۸]
 ۱۸۲۷
 اکونوری نودر؛ [ج ۴] ۸۱۳
 البلوک؛ [ج ۳] ۶۷۹
 الشتر - الیشر؛ [ج ۸] ۱۹۰۲
 الوار؛ [ج ۲] ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۳۳
 الیغ؛ [ج ۴] ۸۲۲
 امامزاده جعفر؛ [ج ۶] ۱۲۸۶
 امامزاده سید علاءالدین حسین؛ [ج ۶] ۱۴۶۴
 امریکا؛ [ج ۴] ۷۷۹، ۹۲۹؛ [ج ۵] ۹۸۶،
 ۱۰۱۷، ۱۰۲۰، ۱۰۷۳، ۱۰۸۷، ۱۰۹۲،
 ۱۰۹۴، ۱۱۱۲، ۱۱۲۰، ۱۱۴۶، ۱۱۷۴،
 ۱۲۲۸، ۱۲۳۴؛ [ج ۸] ۱۷۳۰ (نیزنک:
 ممالک متحده - اتازونی)
 املاک عقیلی؛ [ج ۸] ۲۰۴۸، ۲۰۴۹
 املوند؟ (رودخانه)؛ [ج ۵] ۱۰۷۵
 امیرآباد؛ [ج ۴] ۴۷۱، ۹۶۹
 امیران؛ [ج ۵] ۱۰۷۵
 امین آباد؛ [ج ۴] ۹۷۱؛ [ج ۷] ۱۵۴۴؛ [ج ۸]
 ۱۹۰۸، ۱۹۱۰
 انار؛ [ج ۱] ۱۸۷، ۷۴۱؛ [ج ۳] ۸۲۳

،۱۰۷۹ ،۱۰۷۸ ،۱۰۷۰ ،۱۰۶۶-۱۰۶۳	،۴۷۵ ،۴۷۳-۴۷۱ ،۴۷۰ ،۴۶۸ ،۴۶۷
،۱۱۰۴ ،۱۰۹۷ ،۱۰۹۵ ،۱۰۹۰ ،۱۰۸۱	،۴۷۶ ،۴۷۳-۴۷۱ ،۴۷۰ ،۴۶۸ ،۴۶۷
،۱۱۲۴-۱۱۲۲ ،۱۱۱۸ ،۱۱۱۷ ،۱۱۰۵	،۴۸۵ ،۴۸۳ ،۴۸۱-۴۷۸ ،۴۷۳
،۱۱۳۷ ،۱۱۳۴-۱۱۳۰ ،۱۱۲۸ ،۱۱۲۷	،۴۸۷-۴۸۵ ،۴۸۳ ،۴۸۱ ،۴۸۰-۴۷۷
،۱۱۳۸ ،۱۱۳۷ ،۱۱۳۴ ،۱۱۳۳ ،۱۱۳۲	،۵۰۰-۴۹۵ ،۴۹۳ ،۴۹۲ ،۴۹۰-۴۸۷
،۱۱۵۸ ،۱۱۶۹ ،۱۱۶۶-۱۱۶۰ ،۱۱۷۱	،۵۰۳-۵۰۰ ،۵۰۲ ،۵۰۱ ،۵۰۰-۴۹۷
،۱۱۷۲ ،۱۱۷۴ ،۱۱۷۶ ،۱۱۷۷ ،۱۱۷۹	،۵۱۴ ،۵۱۳ ،۵۱۱ ،۵۱۰ ،۵۰۷-۵۰۳
،۱۱۸۰ ،۱۱۸۲-۱۱۸۴ ،۱۱۸۶ ،۱۱۹۱	،۵۱۶ ،۵۱۸ ،۵۱۹ ،۵۲۲ ،۵۲۴ ،۵۲۵
،۱۱۹۴-۱۱۹۶ ،۱۲۰۴ ،۱۲۰۵ ،۱۲۰۶	،۵۲۸ ،۵۲۹ ،۵۳۱ ،۵۳۲ ،۵۳۴-۵۳۷
،۱۲۰۸ ،۱۲۱۰ ،۱۲۱۷ ،۱۲۱۸ ،۱۲۲۰	،۵۳۹ ؛ [ج ۳] ،۵۴۳ ،۵۴۵ ،۵۵۰ ،۵۵۲
،۱۲۲۱ ،۱۲۲۳ ،۱۲۲۶ ،۱۲۲۷ ،۱۲۳۲	،۵۵۵ ،۵۶۰ ،۵۶۳-۵۶۵ ،۵۶۷ ،۵۶۸
،۱۲۳۷ ،۱۲۴۲ ،۱۲۴۳ ،۱۲۴۴	،۵۷۰ ،۵۷۵ ،۵۸۱ ،۵۸۸ ،۵۹۲ ،۶۰۱
،۱۲۵۳-۱۲۶۸ ،۱۲۷۳ ،۱۲۷۴ ،۱۲۷۶	،۶۰۴-۶۰۷ ،۶۱۰ ،۶۱۱ ،۶۱۴ ،۶۱۹
،۱۲۷۸ ،۱۲۸۲-۱۲۸۴ ،۱۲۸۸ ،۱۲۹۰	،۶۲۲ ،۶۲۳ ،۶۳۵ ،۶۳۹ ،۶۴۱ ،۶۴۴
،۱۲۹۱ ،۱۲۹۴-۱۲۹۷ ،۱۳۰۱ ،۱۳۰۳	،۶۴۷ ،۶۴۸ ،۶۵۰ ،۶۵۵-۶۵۸ ،۶۶۰
،۱۳۰۵ ،۱۳۰۷ ،۱۳۰۸ ،۱۳۱۱ ،۱۳۱۷	،۶۶۳ ،۶۶۶ ،۶۸۸ ،۶۸۹ ،۶۹۲ ،۶۹۵
،۱۳۱۹ ،۱۳۲۲ ،۱۳۲۴-۱۳۲۹ ،۱۳۳۱	،۶۹۸ ،۷۰۳-۷۰۷ ،۷۰۹ ،۷۱۱-۷۱۳
،۱۳۳۳ ،۱۳۳۴ ،۱۳۳۷-۱۳۴۱ ،۱۳۴۳	،۷۱۹ ،۷۲۰ ،۷۲۳ ،۷۲۴ ،۷۳۲ ،۷۴۱
،۱۳۴۹ ،۱۳۵۲ ،۱۳۵۷-۱۳۵۹ ،۱۳۶۱	،۷۴۷ ،۷۵۵ ،۷۶۲ ،۷۶۴ ؛ [ج ۴] ،۷۷۵
،۱۳۶۳-۱۳۷۲ ،۱۳۷۷ ،۱۳۷۹-۱۳۸۴	،۷۷۶ ،۷۷۹ ،۷۸۲ ،۷۸۳ ،۷۸۷-۷۹۱
،۱۳۸۷ ،۱۳۸۸ ،۱۳۹۰-۱۳۹۹ ،۱۴۰۲-	،۷۹۴ ،۷۹۷ ،۷۹۹ ،۸۰۰ ،۸۰۳ ،۸۰۵-
،۱۴۱۱ ،۱۴۱۳ ،۱۴۱۵ ،۱۴۱۹ ،۱۴۲۰	،۸۰۷ ،۸۱۱ ،۸۱۵ ،۸۱۷-۸۲۰ ،۸۲۵
،۱۴۲۲-۱۴۲۹ ،۱۴۳۱-۱۴۳۹	،۸۲۸-۸۳۲ ،۸۳۸ ،۸۴۱ ،۸۴۲ ،۸۴۳
،۱۴۴۸-۱۴۵۲ ،۱۴۵۰ ،۱۴۵۳-۱۴۵۸	،۸۴۷-۸۵۱ ،۸۵۴-۸۵۶ ،۸۵۸-۸۶۰
،۱۴۷۰-۱۴۷۵ ،۱۴۷۷-۱۴۸۶	،۸۶۲ ،۸۶۴ ،۸۶۵ ،۸۷۱ ،۸۷۳ ،۸۷۴
،۱۴۷۸ ؛ [ج ۷] ،۱۴۸۳ ،۱۴۸۴-۱۴۸۶	،۸۷۶-۸۷۸ ،۸۸۲ ،۸۸۴-۸۸۸
،۱۴۸۸ ،۱۵۰۳-۱۵۰۷ ،۱۵۰۹ ،۱۵۱۷	،۸۹۲-۸۹۴ ،۸۹۶ ،۸۹۸ ،۹۰۳ ،۹۰۶
،۱۵۱۸ ،۱۵۲۰ ،۱۵۲۲ ،۱۵۲۳ ،۱۵۲۵	،۹۰۸-۹۱۰ ،۹۲۰ ،۹۲۱ ،۹۲۳ ،۹۲۶
،۱۵۲۸ ،۱۵۳۱ ،۱۵۳۴ ،۱۵۳۷ ،۱۵۳۹	،۹۲۷ ،۹۲۹ ،۹۳۲ ،۹۳۵ ،۹۳۸ ،۹۴۰
،۱۵۴۲ ،۱۵۴۳ ،۱۵۴۵ ،۱۵۴۶ ،۱۵۴۹	،۹۴۲ ،۹۴۳ ،۹۴۵-۹۴۶ ،۹۴۸-۹۵۱
،۱۵۵۰ ،۱۵۵۳ ،۱۵۵۴ ،۱۵۶۳ ،۱۵۶۴	،۹۵۷-۹۵۹ ،۹۶۱ ،۹۶۲ ،۹۶۴-۹۶۷
،۱۵۷۰ ،۱۵۷۱ ،۱۵۷۳ ،۱۵۷۴ ،۱۵۷۶	،۹۷۲ ؛ [ج ۵] ،۹۷۵-۹۷۶ ،۹۷۹ ،۹۸۴ ،۹۸۵
	،۹۸۷-۹۸۹ ،۹۹۵ ،۱۰۰۱ ،۱۰۰۴ ،۱۰۰۹
	،۱۰۱۱ ،۱۰۱۲ ،۱۰۱۶ ،۱۰۱۸ ،۱۰۴۸
	،۱۰۴۹ ،۱۰۵۱ ،۱۰۵۴ ،۱۰۵۶ ،۱۰۵۹

اورمیه (نک: ارومیه)	۱۵۷۷، ۱۵۸۰، ۱۵۸۲، ۱۵۸۴ - ۱۵۸۶
اومکالی (محلہ)؛ [ج ۵] ۱۲۰۱	۱۵۸۹، ۱۵۹۱، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴ - ۱۵۹۶
اوین؛ [ج ۴] ۹۶۲	۱۶۰۲، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۹، ۱۶۱۱
اھر؛ [ج ۳] ۶۷۵، ۷۶۰؛ [ج ۴] ۸۱۰، ۹۴۳	۱۶۱۲، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۹ - ۱۶۲۴
۹۵۶؛ [ج ۵] ۱۰۶۶، ۱۰۹۶؛ [ج ۸]	۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵، ۱۶۴۰
۱۸۴۷، ۱۹۰۵، ۱۹۲۲	۱۶۴۴، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۹، ۱۶۵۰
اھر؛ [ج ۳] ۷۱۶؛ [ج ۴] ۹۴۱	۱۶۵۵، ۱۶۶۰، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۷۰ -
اھواز؛ [ج ۱] ۹۶، ۱۱۳، ۱۳۹، ۲۸۳؛ [ج ۳]	۱۶۷۴، ۱۶۸۰، ۱۶۸۳؛ [ج ۸] ۱۶۸۵
۶۰۱، ۷۱۰؛ [ج ۴] ۷۹۸، ۸۵۶، ۸۷۴	۱۶۹۰، ۱۶۹۳، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۸
۸۷۶، ۸۸۶، ۸۹۲، ۹۰۴، ۹۳۳، ۹۴۲، ۹۴۵	۱۷۰۱، ۱۷۰۹، ۱۷۱۳، ۱۷۱۶، ۱۷۱۸
۹۵۵، ۹۵۷، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۹؛ [ج ۵]	۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲۴، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷
۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۴۷، ۱۰۶۵، ۱۰۶۹	۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۳، ۱۷۳۷ - ۱۷۴۱
۱۰۷۹، ۱۰۸۱، ۱۰۹۸، ۱۱۵۰، ۱۱۵۵	۱۷۴۷، ۱۷۵۱، ۱۷۵۳، ۱۷۵۶، ۱۷۶۴
۱۱۹۲، ۱۱۹۶، ۱۲۰۶، ۱۲۴۱؛ [ج ۶]	۱۷۶۶، ۱۷۷۱، ۱۷۷۶ - ۱۷۷۹، ۱۷۸۴
۱۲۹۰، ۱۳۳۸، ۱۴۵۰؛ [ج ۷] ۱۵۴۱	۱۷۹۰، ۱۷۹۳، ۱۷۹۵، ۱۷۹۹، ۱۸۰۱
۱۶۰۵؛ [ج ۸] ۱۷۲۶، ۱۷۴۲، ۱۷۷۰	۱۸۰۴ - ۱۸۰۶، ۱۸۰۸، ۱۸۱۱، ۱۸۱۲
۱۷۷۱، ۱۷۷۹، ۱۷۸۴، ۱۷۹۱، ۱۷۹۸	۱۸۱۴، ۱۸۱۵، ۱۸۱۸، ۱۸۲۲، ۱۸۳۰
۱۸۰۲، ۱۸۱۷، ۱۸۵۱، ۱۸۵۲	۱۸۳۴، ۱۸۵۳، ۱۸۶۲ - ۱۸۶۷، ۱۸۶۹
۱۸۸۸ - ۱۸۹۰، ۱۸۹۵، ۱۸۹۶، ۱۹۴۸	۱۸۷۱، ۱۸۷۲، ۱۸۸۳، ۱۸۸۴، ۱۸۸۶
۱۹۶۹، ۱۹۷۱، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۲۰۴۹	۱۸۹۶، ۱۹۰۳ - ۱۹۰۵، ۱۹۰۷، ۱۹۱۰
۲۰۵۴، ۲۰۵۵، ۲۰۶۰، ۲۱۱۶، ۲۱۱۹	۱۹۱۲، ۱۹۱۵، ۱۹۱۶، ۱۹۳۱، ۱۹۳۴
۲۱۲۰، ۲۱۵۱	۱۹۳۷، ۱۹۴۲ - ۱۹۴۴، ۱۹۴۶، ۱۹۴۷
اھونی؛ [ج ۲] ۴۶۲	۱۹۵۰، ۱۹۵۱، ۱۹۵۸ - ۱۹۶۰، ۱۹۶۹
ایتالیا؛ [ج ۵] ۹۹۷، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳	۱۹۷۵، ۱۹۸۰، ۱۹۸۳، ۱۹۸۷، ۱۹۹۴
ایران (کشور - دولت)؛ [ج ۳] ۵۴۵، ۵۴۹	۱۹۹۵، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۷، ۲۰۰۹
۵۵۴، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۷۱، ۵۸۲، ۵۸۴	۲۰۱۰، ۲۰۱۵ - ۲۰۱۸، ۲۰۲۲، ۲۰۲۴
۵۸۶، ۵۸۸، ۵۹۸، ۶۰۵، ۶۰۸، ۶۰۹	۲۰۲۸، ۲۰۳۱، ۲۰۶۲، ۲۰۶۵، ۲۰۸۵
۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۲۰، ۶۲۲ - ۶۲۵	۲۰۸۷ - ۲۰۸۹، ۲۰۹۳، ۲۰۹۷، ۲۱۱۳
۶۲۷ - ۶۳۳، ۶۳۶ - ۶۳۸، ۶۴۳، ۶۴۵	۲۱۱۵، ۲۱۲۰، ۲۱۲۲، ۲۱۳۴ - ۲۱۳۸
۶۴۹، ۶۵۱ - ۶۵۴، ۶۵۶، ۶۵۹، ۶۶۳ -	۲۱۴۰، ۲۱۵۰، ۲۱۵۱، ۲۱۵۷
۶۶۶، ۶۶۹، ۶۸۵، ۶۸۹ - ۶۹۳، ۶۹۵ -	
۶۹۹، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۵	

انگوران؛ [ج ۸] ۱۷۰۹

اورامان؛ [ج ۳] ۶۷۹

- ۱۲۴۳ ، ۱۲۴۴ ؛ [ج ۶] ، ۱۲۵۰ ، ۱۲۵۳ ،
 ۱۲۵۵ — ۱۲۶۹ ، ۱۲۷۲ — ۱۲۷۶ ،
 ۱۲۷۸ — ۱۲۸۲ ، ۱۲۸۴ ، ۱۲۸۶ ، ۱۲۸۸ ،
 ۱۲۸۹ ، ۱۲۹۱ ، ۱۲۹۲ ، ۱۲۹۴ ، ۱۲۹۶ ،
 ۱۲۹۸ — ۱۳۱۰ ، ۱۳۱۲ — ۱۳۲۵ ،
 ۱۳۲۷ — ۱۳۲۹ ، ۱۳۳۱ ، ۱۳۳۳ ، ۱۳۳۴ ،
 ۱۳۳۷ ، ۱۳۴۰ — ۱۳۵۱ ، ۱۳۵۳ — ۱۳۶۴ ،
 ۱۳۶۶ — ۱۳۸۷ ، ۱۳۹۱ ، ۱۳۹۳ ، ۱۳۹۵ —
 ۱۳۹۷ ، ۱۳۹۸ ، ۱۴۰۰ — ۱۴۰۸ ، ۱۴۱۲ —
 ۱۴۲۴ ، ۱۴۲۶ ، ۱۴۲۸ ، ۱۴۳۱ ، ۱۴۳۸ —
 ۱۴۴۰ ، ۱۴۴۳ ، ۱۴۴۴ ، ۱۴۴۸ ، ۱۴۴۹ ،
 ۱۴۵۱ — ۱۴۶۱ ، ۱۴۶۶ ، ۱۴۶۸ ، ۱۴۷۱ —
 ۱۴۷۴ ، ۱۴۷۶ ، ۱۴۷۹ ، ۱۴۸۰ ، ۱۴۸۲ ،
 ۱۴۸۳ ؛ [ج ۷] ، ۱۴۸۷ ، ۱۴۸۹ ، ۱۴۹۲ ،
 ۱۴۹۳ ، ۱۴۹۶ — ۱۴۹۸ ، ۱۵۰۰ — ۱۵۰۲ ،
 ۱۵۰۴ — ۱۵۰۸ ، ۱۵۱۳ — ۱۵۲۰ ،
 ۱۵۲۲ ، ۱۵۲۳ ، ۱۵۲۵ — ۱۵۲۷ ، ۱۵۳۰ ،
 ۱۵۳۷ ، ۱۵۴۰ ، ۱۵۴۲ ، ۱۵۴۵ — ۱۵۴۸ ،
 ۱۵۵۰ — ۱۵۵۵ ، ۱۵۵۷ ، ۱۵۵۹ — ۱۵۷۷ ،
 ۱۵۸۰ — ۱۵۸۹ ، ۱۵۹۱ ، ۱۵۹۳ — ۱۵۹۵ ،
 ۱۵۹۸ ، ۱۶۰۰ — ۱۶۰۳ ، ۱۶۰۷ ، ۱۶۰۸ ،
 ۱۶۱۰ — ۱۶۲۱ ، ۱۶۲۷ — ۱۶۳۲ ،
 ۱۶۳۴ — ۱۶۳۷ ، ۱۶۳۹ — ۱۶۴۱ ، ۱۶۴۵ ،
 ۱۶۴۶ ، ۱۶۵۰ ، ۱۶۵۱ ، ۱۶۵۴ — ۱۶۶۰ ،
 ۱۶۶۲ — ۱۶۶۵ ، ۱۶۶۹ — ۱۶۸۱ ، ۱۶۸۳ ،
 ۱۶۸۴ ؛ [ج ۸] ، ۱۶۸۸ ، ۱۶۸۹ ، ۱۶۹۲ ،
 ۱۶۹۵ ، ۱۶۹۷ ، ۱۶۹۹ ، ۱۷۰۲ ، ۱۷۰۳ ،
 ۱۷۰۶ — ۱۷۱۲ ، ۱۷۱۴ ، ۱۷۱۵ ، ۱۷۱۷ —
 ۱۷۱۹ ، ۱۷۲۱ — ۱۷۲۴ ، ۱۷۲۷ ، ۱۷۲۸ ،
 ۱۷۳۲ ، ۱۷۳۵ — ۱۷۳۸ ، ۱۷۴۰ ، ۱۷۴۱ ،
 ۱۷۴۶ ، ۱۷۴۹ ، ۱۷۵۰ — ۱۷۵۳ ، ۱۷۶۱ ،
 ۱۷۶۷ ، ۱۷۷۵ ، ۱۷۷۸ ، ۱۷۹۱ ، ۱۷۹۲ ،
- ۷۱۷ ، ۷۱۸ ، ۷۲۰ ، ۷۲۲ — ۷۲۸ ، ۷۳۰ ،
 ۷۳۴ ، ۷۳۵ ، ۷۳۷ — ۷۴۱ ، ۷۴۳ ، ۷۴۴ ،
 ۷۴۷ ، ۷۴۸ ، ۷۵۰ ، ۷۵۲ — ۷۵۴ ،
 ۷۵۷ ، ۷۵۹ ، ۷۶۶ ، ۷۶۷ ؛ [ج ۴]
 ۷۷۴ ، ۷۷۵ ، ۷۷۷ ، ۷۸۰ ، ۷۹۱ ، ۷۹۶ ،
 ۸۰۱ — ۸۰۳ ، ۸۰۵ — ۸۰۷ ، ۸۱۰ ،
 ۸۱۳ — ۸۱۵ ، ۸۱۷ — ۸۲۰ ، ۸۲۴ ، ۸۲۵ ،
 ۸۲۸ — ۸۳۳ ، ۸۳۸ — ۸۴۲ ، ۸۴۴ ،
 ۸۴۷ — ۸۵۱ ، ۸۵۳ ، ۸۵۴ ، ۸۵۸ — ۸۶۰ ،
 ۸۶۲ — ۸۶۷ ، ۸۶۷ ، ۸۶۷ ، ۸۷۶ — ۸۸۰ ،
 ۸۸۲ ، ۸۸۴ ، ۸۸۵ ، ۸۸۷ — ۸۸۹ ، ۸۹۲ ،
 ۸۹۶ ، ۸۹۹ ، ۹۰۰ ، ۹۰۴ ، ۹۰۵ ، ۹۱۵ ، ۹۱۷ ،
 ۹۲۰ ، ۹۲۱ — ۹۲۳ ، ۹۲۶ — ۹۲۸ ، ۹۳۴ ،
 ۹۳۵ ، ۹۳۷ ، ۹۴۲ ، ۹۴۳ ، ۹۴۶ — ۹۴۸ ،
 ۹۵۰ — ۹۵۵ ، ۹۵۸ ، ۹۵۹ ، ۹۶۳ ، ۹۶۴ ،
 ۹۶۶ ، ۹۶۷ ، ۹۷۲ ؛ [ج ۵] ، ۹۷۶ ، ۹۷۹ ،
 ۹۸۲ — ۹۹۳ ، ۹۹۶ — ۹۹۸ ، ۱۰۰۱ ،
 ۱۰۰۲ ، ۱۰۰۴ ، ۱۰۰۵ ، ۱۰۰۷ ، ۱۰۰۸ ،
 ۱۰۱۰ — ۱۰۱۲ ، ۱۰۱۴ — ۱۰۱۷ ، ۱۰۲۰ ،
 ۱۰۲۱ ، ۱۰۲۶ ، ۱۰۲۹ — ۱۰۳۲ ، ۱۰۳۵ —
 ۱۰۳۸ ، ۱۰۴۰ ، ۱۰۴۱ ، ۱۰۴۱ ، ۱۰۴۴ — ۱۰۴۶ ،
 ۱۰۴۸ — ۱۰۵۱ ، ۱۰۵۴ ، ۱۰۵۹ ، ۱۰۶۱ ،
 ۱۰۶۴ ، ۱۰۶۶ — ۱۰۷۴ ، ۱۰۷۸ ، ۱۰۸۰ ،
 ۱۰۸۵ — ۱۰۸۸ ، ۱۰۹۰ ، ۱۰۹۱ ، ۱۰۹۴ ،
 ۱۰۹۷ ، ۱۰۹۹ ، ۱۱۰۰ ، ۱۱۰۳ — ۱۱۱۳ ،
 ۱۱۱۶ ، ۱۱۱۸ ، ۱۱۱۹ ، ۱۱۲۱ ، ۱۱۲۲ ،
 ۱۱۲۴ — ۱۱۲۸ ، ۱۱۳۰ ، ۱۱۳۴ ، ۱۱۳۵ ،
 ۱۱۳۷ ، ۱۱۳۸ ، ۱۱۴۰ — ۱۱۴۴ ، ۱۱۵۱ ،
 ۱۱۵۶ — ۱۱۶۸ ، ۱۱۶۶ ، ۱۱۸۵ ،
 ۱۱۸۷ — ۱۱۹۴ ، ۱۱۹۶ ، ۱۱۹۸ ، ۱۲۰۰ ،
 ۱۲۰۴ — ۱۲۰۶ ، ۱۲۱۲ ، ۱۲۱۵ — ۱۲۲۹ ،
 ۱۲۳۱ ، ۱۲۳۴ ، ۱۲۳۵ ، ۱۲۳۷ ، ۱۲۴۱ ،

،۱۱۰۶ ،۹۹۶ [۵ ج] ؛ ۷۴۴ ، ۶۰۷ ، ۵۸۷	،۱۸۱۳ ، ۱۸۱۱ ، ۱۸۱۰ ، ۱۷۹۹ ، ۱۷۹۵
،۱۱۳۵ ، ۱۱۲۷ ، ۱۱۲۴ ، ۱۱۲۱ ، ۱۱۱۰	،۱۸۳۹ ، ۱۸۳۲ ، ۱۸۲۴ — ۱۸۲۲ ، ۱۸۱۸
،۱۱۹۶ ، ۱۱۹۳ ، ۱۱۹۱ ، ۱۱۶۴ ، ۱۱۴۳	،۱۸۵۸ ، ۱۸۵۰ — ۱۸۴۸ ، ۱۸۴۳ ، ۱۸۴۲
،۱۲۱۲ [۷ ج] ؛ ۱۶۶۳ ، ۱۶۵۷ [۸ ج] ؛	،۱۸۶۸ ، ۱۸۶۷ ، ۱۸۶۴ — ۱۸۶۲ ، ۱۸۶۰
۱۷۶۸ ، ۱۷۹۳ ، ۱۸۵۶ ، ۱۹۴۰	،۱۸۸۲ ، ۱۸۸۰ — ۱۸۷۶ ، ۱۸۷۴ ، ۱۸۷۰
بارفروش؛ [۱ ج] ؛ ۲۴۸ [۳ ج] ؛ ۶۸۰ [۵ ج]	،۱۸۸۳ ، ۱۸۸۸ ، ۱۸۸۹ ، ۱۹۰۲ ، ۱۹۰۶
، ۱۰۱۲ ، ۱۱۷۳ ، ۱۱۸۷ ، ۱۲۱۴ [۶ ج]	، ۱۹۱۲ ، ۱۹۱۳ ، ۱۹۱۶ ، ۱۹۲۰ ، ۱۹۲۲
، ۱۲۸۹ ، ۱۴۳۷ [۷ ج] ؛ ۱۶۵۷	، ۱۹۲۴ — ۱۹۲۶ ، ۱۹۲۹ — ۱۹۳۷ ، ۱۹۳۵
بارنگ — بارنج؛ [۱ ج] ؛ ۱۶۷ [۳ ج] ؛ ۵۹۱	— ۱۹۴۸ ، ۱۹۴۶ ، ۱۹۳۹
بازار (محله)؛ [۳ ج] ؛ ۶۷۵	، ۱۹۶۲ ، ۱۹۶۵ ، ۱۹۶۸ ، ۱۹۷۰ ، ۱۹۷۲
باسمنج — باسمنج؛ [۲ ج] ؛ ۳۸۸ ، ۳۸۶ ، ۳۵۱	، ۱۹۷۵ ، ۱۹۷۹ ، ۱۹۸۰ ، ۱۹۸۲ ، ۱۹۸۶
، ۴۵۳ ، ۴۳۴ ، ۴۲۳ ، ۴۱۹ ، ۳۹۰	، ۱۹۹۴ ، ۱۹۹۸ ، ۲۰۰۱ ، ۲۰۰۳ — ۲۰۰۶
، ۴۸۸ ، ۴۸۶ ، ۴۸۲ ، ۴۸۰ ، ۴۶۴ — ۴۶۱	، ۲۰۰۹ ، ۲۰۱۰ ، ۲۰۱۳ ، ۲۰۱۵ — ۲۰۱۹
، ۴۹۷ ، ۵۰۳ ، ۵۰۵ ، ۵۰۸ ، ۵۰۹ ، ۵۱۳	، ۲۰۲۱ ، ۲۰۲۳ ، ۲۰۲۴ ، ۲۰۲۷ — ۲۰۳۲
، ۶۴۶ ، ۵۹۴ — ۵۹۲ [۳ ج] ؛ ۵۲۶ ، ۵۲۵	، ۲۰۳۴ — ۲۰۴۱ ، ۲۰۳۷ ، ۲۰۳۵ ، ۲۰۴۴
، ۷۴۹ [۴ ج] ؛ ۸۲۷ [۵ ج] ؛ ۱۲۱۲ [۶ ج]	، ۲۰۵۰ ، ۲۰۵۳ ، ۲۰۵۵ ، ۲۰۶۰ ، ۲۰۶۲
، ۱۲۸۷ ، ۱۴۴۱ [۸ ج] ؛ ۱۸۸۴	، ۲۰۶۳ ، ۲۰۶۸ — ۲۰۷۱ ، ۲۰۷۴ ، ۲۰۷۵
باطوم؛ [۱ ج] ؛ ۳۱۸ [۳ ج] ؛ ۶۰۸	، ۲۰۷۸ ، ۲۰۸۱ ، ۲۰۸۹ — ۲۰۹۲ ، ۲۰۹۷
باغ اتابک؛ [۴ ج] ؛ ۸۹۷	، ۲۱۰۱ ، ۲۱۰۲ ، ۲۱۰۴ ، ۲۱۰۷ ، ۲۱۰۸
باغ خان؛ [۷ ج] ؛ ۱۵۷۷ ، ۱۶۷۰	، ۲۱۱۰ ، ۲۱۱۲ ، ۲۱۱۳ ، ۲۱۱۵ ، ۲۱۱۶
باغ سید محمد — سید؛ [۸ ج] ؛ ۲۱۲۶ ، ۲۱۲۴	، ۲۱۲۱ ، ۲۱۲۸ ، ۲۱۳۰ ، ۲۱۳۲ — ۲۱۴۴
باغشاه (اصفهان)؛ [۷ ج] ؛ ۱۵۴۵	، ۲۱۴۹ ، ۲۱۵۰ ، ۲۱۵۳ — ۲۱۵۸
باغشاه (تبریز)؛ [۲ ج] ؛ ۴۳۳ ، ۴۶۱ ، ۵۰۲	ایزدخواست نک: یزدخواست
، ۶۴۶ [۳ ج]	ایلوآلوا (بندر)؛ [۵ ج] ؛ ۱۰۱۷ ، ۱۰۰۴
باغشاه (تهران)؛ [۱ ج] ؛ ۳۱۸ ، ۳۲۱ [۲ ج]	ایوان کی (ایوانکیف)؛ [۶ ج] ؛ ۱۴۳۶
، ۳۳۸ ، ۳۴۱ ، ۳۴۵ ، ۳۵۴ ، ۳۵۶ ، ۳۸۰	
، ۳۸۱ ، ۴۲۹ [۳ ج] ؛ ۵۵۱ ، ۵۵۱ ، ۵۶۳	
، ۵۶۵ ، ۷۰۷ [۸ ج] ؛ ۲۰۵۰ ، ۲۰۰۷	
باغ شاه (روستا)؛ [۶ ج] ؛ ۲۸۷	بابعالی؛ [۲ ج] ؛ ۴۷۰
باغ شمال؛ [۳ ج] ؛ ۵۷۸	باجگیران؛ [۵ ج] ؛ ۹۸۰
باغ شیخ حاجی؛ [۸ ج] ؛ ۲۱۲۴	باخرز؛ [۳ ج] ؛ ۶۷۶
باغ مدیریه؛ [۲ ج] ؛ ۴۲۴ — مدیریه؛ [۲ ج] ؛ ۴۶۰	بادامک؛ [۳ ج] ؛ ۶۸۶
	بادکوبه؛ [۲ ج] ؛ ۴۶۱ [۳ ج] ؛ ۵۸۴ ، ۵۴۵

- باغو؛ [ج ۱] ۱۸۰
 باغ هزاره؛ [ج ۸] ۲۱۲۷
 باغین؛ [ج ۸] ۱۸۱۶، ۱۸۳۲، ۱۸۳۳، ۱۸۵۹
 بافت - بفت؛ [ج ۱] ۱۶۷؛ [ج ۲] ۴۷۰؛
 [ج ۶] ۱۲۸۴، ۱۲۸۵؛ [ج ۸] ۱۸۲۹
 بافق؛ [ج ۲] ۳۵۲؛ [ج ۴] ۸۵۶
 باقرآباد؛ [ج ۵] ۱۰۳۹
 باکو؛ [ج ۱] ۳۷، ۴۱، ۴۲، ۱۴۱؛ [ج ۲] ۴۲۱،
 ۴۲۳ (نیز نک: بادکوبه)
 بالکان؛ [ج ۵] ۱۰۳۵
 بال مرال؛ [ج ۸] ۱۹۴۹، ۱۹۵۱
 بامپور (نک: بمپور)
 باند؛ [ج ۱] ۲۳، ۲۸
 بانکی (روستا)؛ [ج ۸] ۲۱۲۲، ۲۱۲۵، ۲۱۲۷
 بانه؛ [ج ۳] ۶۷۹
 بایزید؛ [ج ۳] ۶۶۳
 بجنورد؛ [ج ۱] ۱۲۳؛ [ج ۳] ۶۷۶؛ [ج ۴]
 ۹۰۸؛ [ج ۵] ۱۱۴۲؛ [ج ۶] ۱۲۷۸،
 ۱۴۳۶؛ [ج ۸] ۱۹۷۱
 بحر خزر؛ [ج ۱] ۵۴؛ [ج ۲] ۴۱۰؛ [ج ۳]
 ۵۴۵، ۷۴۴؛ [ج ۴] ۸۷۴؛ [ج ۵] ۱۰۶۰،
 ۱۱۳۸، ۱۱۹۳، ۱۲۱۷؛ [ج ۶] ۱۲۸۱،
 ۱۲۹۸؛ [ج ۸] ۱۸۱۵، ۱۸۵۶، ۱۹۷۹،
 ۱۹۸۲، ۲۰۳۲
 بختیاری؛ [ج ۱] ۵۴، ۲۸۳
 برازجان؛ [ج ۱] ۱۳۹، ۱۵۸؛ [ج ۳] ۶۵۷،
 ۶۶۱، ۶۷۷؛ [ج ۴] ۷۸۷، ۷۸۹، ۸۰۰،
 ۸۰۷، ۸۳۵؛ [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵؛
 [ج ۶] ۱۴۲۵، [ج ۷] ۱۵۵۱، ۱۵۶۱،
 ۱۶۷۲، ۱۶۷۷؛ [ج ۸] ۱۶۹۳، ۱۷۷۰،
 ۱۹۱۵، ۱۹۱۷-۱۹۱۹، ۲۱۲۲، ۲۱۲۵،
 ۲۱۲۷، ۲۱۲۹
- برج تنوی؛ [ج ۸] ۲۰۴۵
 برج سینه سفید؛ [ج ۸] ۲۰۹۵، ۲۱۳۴
 برج کازرون؛ [ج ۸] ۲۱۲۶
 برج کمان کشی؛ [ج ۸] ۲۱۲۴
 برج ماسیرم؛ [ج ۸] ۲۱۲۳
 برج نمازگاه؛ [ج ۳] ۶۶۱
 بردسیر؛ [ج ۱] ۱۶۷؛ [ج ۸] ۱۸۱۶، ۱۸۲۹،
 ۱۸۵۹
 بردون - برودون؛ [ج ۸] ۱۸۰۷، ۱۹۱۰،
 ۱۹۴۴، ۱۹۱۱
 بردی؛ [ج ۸] ۲۱۲۷
 برلن؛ [ج ۱] ۲۰۶؛ [ج ۳] ۷۰۱؛ [ج ۵] ۹۸۵
 بروجرده؛ [ج ۲] ۴۶۸؛ [ج ۳] ۶۷۸، ۷۳۰؛
 [ج ۴] ۸۱۲، ۸۹۵، ۹۱۱، ۹۳۲، ۹۳۶،
 ۹۴۰، ۹۵۹؛ [ج ۵] ۱۰۷۰، ۱۲۰۳، ۱۲۰۹،
 ۱۲۱۰، ۱۲۳۳-۱۲۳۵؛ [ج ۶] ۱۲۵۸،
 ۱۳۲۹، ۱۴۳۳، ۱۴۳۵، ۱۴۴۲؛ [ج ۸]
 ۱۷۰۹، ۱۸۵۲، ۱۹۴۹، ۱۹۵۰
 بروکسل؛ [ج ۵] ۹۸۵
 بریتانیای عظمی؛ [ج ۸] ۱۸۵۰، ۱۸۶۵،
 ۲۱۱۰، ۲۱۵۵ (نیز نک: انگلستان و
 انگلیس)
 بزآ؛ [ج ۶] ۱۴۷۲
 بزازخانه؛ [ج ۸] ۱۷۰۵
 بزچلو؛ [ج ۲] ۳۵۳
 بزره؛ [ج ۸] ۲۰۶۱
 بستک؛ [ج ۳] ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۶۴؛ [ج ۴]
 ۷۸۹، ۹۶۲
 بسطام؛ [ج ۳] ۶۷۸
 بشاگرد (با شاگرد)؛ [ج ۶] ۱۲۸۴، ۱۲۸۵
 بصره؛ [ج ۳] ۶۵۶، ۷۱۶
 بطوند (بت وند)؛ [ج ۱] ۱۱۳، ۱۳۹

- بغداد؛ [ج ۱] ۱۵۸، ۳۲۲؛ [ج ۳] ۵۴۴، ۵۵۵،
 ۵۵۶، ۷۳۲؛ [ج ۴] ۷۹۸، ۹۴۵، ۹۶۱،
 ۹۷۱؛ [ج ۶] ۱۳۴۰، ۱۳۹۹، ۱۴۵۳،
 ۱۴۵۵؛ [ج ۷] ۱۵۲۰، ۱۵۴۰، ۱۵۵۵،
 ۱۵۶۲، ۱۶۶۱؛ [ج ۸] ۲۰۶۲، ۲۱۰۶،
 ۲۱۵۱
 بلجیک نک: بلژیک
 بلده؛ [ج ۵] ۱۲۰۸
 بلده نور؛ [ج ۳] ۶۸۰
 بلژیک؛ [ج ۲] ۴۶۵، ۴۷۷، ۵۳۶؛ [ج ۴]
 ۷۷۹؛ [ج ۵] ۱۰۶۳، ۱۱۱۱، ۱۱۲۰،
 ۱۱۳۰، ۱۱۴۰، ۱۱۴۷؛ [ج ۷] ۱۵۶۹،
 [ج ۸] ۱۶۹۵
 بلغار؛ [ج ۸] ۲۰۶۹
 بلوچستان؛ [ج ۱] ۲۶۹؛ [ج ۳] ۶۷۷؛ [ج ۴]
 ۸۲۳، ۹۱۲، ۹۳۲، ۹۴۱، ۹۴۵؛ [ج ۵]
 ۹۹۴، ۹۹۵، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۳۹،
 ۱۰۹۵، ۱۰۹۷، ۱۰۹۹، ۱۱۵۴؛ [ج ۶]
 ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۴۳۰، ۱۴۳۷؛ [ج ۸]
 ۱۸۲۶، ۱۸۳۲، ۱۸۹۶، ۲۱۵۰
 بلوط بلند؛ [ج ۸] ۱۸۵۲
 بسم؛ [ج ۱] ۱۶۷، ۱۷۴، ۲۸۹؛ [ج ۳] ۶۴۹،
 ۶۷۷، ۷۴۶، ۷۶۳؛ [ج ۴] ۸۱۲، ۸۳۵،
 ۹۳۲، ۹۶۰، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۹۵، ۱۰۱۳،
 ۱۰۱۴، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۲۱۶، ۱۲۴۲؛
 [ج ۶] ۱۲۶۰، ۱۲۹۵، ۱۴۳۷، ۱۴۴۹؛
 [ج ۷] ۱۵۴۰؛ [ج ۸] ۱۷۰۰، ۱۷۶۹،
 ۲۱۰۶، ۱۸۲۷
 بمبئی؛ [ج ۴] ۷۸۹؛ [ج ۶] ۱۲۵۳، ۱۲۷۷،
 ۱۲۹۳، ۱۴۷۳؛ [ج ۷] ۱۵۴۲، ۱۶۲۳؛
 [ج ۸] ۱۷۴۱
 بمپور—بامپور؛ [ج ۴] ۷۸۷، ۸۹۲؛ [ج ۵]
- ۱۰۵۷، ۱۰۷۶؛ [ج ۸] ۲۱۰۶
 بناب؛ [ج ۲] ۳۵۱، ۳۹۰؛ [ج ۳] ۶۷۵
 بنادر و جزایر؛ [ج ۳] ۶۷۷
 بنادر خلیج فارس—خلیج؛ [ج ۳] ۶۵۰، ۶۵۵؛
 [ج ۴] ۹۰۸؛ [ج ۵] ۹۹۲، ۱۰۰۰، ۱۰۷۰،
 ۱۱۷۲؛ [ج ۶] ۱۲۶۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۱،
 ۱۳۴۲؛ [ج ۷] ۱۵۰۴؛ [ج ۸] ۱۷۴۲،
 ۱۷۷۰، ۲۱۲۳ (نیز نک: خلیج فارس)
 بند امیر؛ [ج ۸] ۲۰۷۴
 بندان؛ [ج ۵] ۹۸۱
 بندر جز (بندرگن)؛ [ج ۱] ۱۲۳؛ [ج ۳] ۵۳۰؛
 [ج ۵] ۱۲۱۸، ۱۲۴۵؛ [ج ۶] ۱۲۹۸،
 ۱۳۰۲، ۱۳۳۳، ۱۴۴۱
 بندر خمیر؛ [ج ۳] ۶۷۷
 بندر دیلم؛ [ج ۱] ۳۸
 بندر ریگ؛ [ج ۱] ۳۸؛ [ج ۳] ۷۱۶
 بندر عباس؛ [ج ۱] ۴۵، ۷۵، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۹،
 ۱۳۳، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۰، ۲۸۲؛ [ج ۲]
 ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۳۶—۴۳۸، ۴۴۰،
 ۴۶۴—۴۶۶، ۴۶۹؛ [ج ۳] ۵۶۸، ۵۶۹،
 ۵۹۶، ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۱۱، ۶۲۱، ۶۵۱،
 ۶۵۷، ۶۷۷، ۷۱۳، ۷۱۷، ۷۳۳، ۷۳۴،
 ۷۶۴؛ [ج ۴] ۷۸۹، ۸۳۵، ۸۹۴، ۹۳۳،
 ۹۴۵، ۹۵۵، ۹۶۱، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۸۲،
 ۹۹۵، ۱۰۱۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۹،
 ۱۰۷۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۵۵،
 ۱۲۰۹—۱۲۱۱، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۶،
 ۱۲۳۲، ۱۲۴۱؛ [ج ۶] ۱۲۶۰، ۱۲۶۱،
 ۱۲۶۸، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۸، ۱۲۹۰،
 ۱۲۹۵، ۱۳۳۴، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۴۵۰،
 [ج ۷] ۱۵۴۱، ۱۵۵۱، ۱۶۴۴، ۱۶۶۱،
 ۱۶۷۲، ۱۶۷۷، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳؛ [ج ۸]

- ۱۰۰۹، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۳۰، ۱۰۴۰
 ۱۰۴۲، ۱۰۵۲، ۱۰۵۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶
 ۱۰۶۹، ۱۰۷۲، ۱۰۷۸ — ۱۰۸۱، ۱۰۸۹
 ۱۰۹۰، ۱۱۰۰، ۱۱۱۷، ۱۱۵۰، ۱۱۸۶
 ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۲۰۸
 ۱۲۰۹، ۱۲۱۴، ۱۲۱۶، ۱۲۳۲، ۱۲۴۱
 ۱۲۴۲، ۱۲۴۴ — ۱۲۴۶؛ [ج ۶] ۱۲۵۵
 ۱۲۵۸، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵
 ۱۲۶۷ — ۱۲۶۹، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۸۲
 ۱۲۸۸، ۱۲۹۱ — ۱۲۹۶، ۱۲۹۸، ۱۳۱۰
 ۱۳۱۶، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۹، ۱۳۴۱ —
 ۱۳۴۳، ۱۳۴۵، ۱۳۴۹، ۱۳۴۶، ۱۳۴۲
 ۱۳۵۰، ۱۳۷۳، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۸
 ۱۳۸۰؛ [ج ۷] ۱۳۹۰، ۱۳۹۷، ۱۳۹۹
 ۱۴۰۲ — ۱۴۰۵، ۱۴۴۱، ۱۴۵۱، ۱۴۶۱
 ۱۴۷۷، ۱۴۸۰، ۱۴۸۶، ۱۴۹۰، ۱۴۹۷
 ۱۴۹۳، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹
 ۱۵۰۲ — ۱۵۰۵، ۱۵۴۱، ۱۵۵۱، ۱۵۶۱
 ۱۵۷۷، ۱۶۰۴، ۱۶۰۶، ۱۶۲۷، ۱۶۳۷
 ۱۶۴۳، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۷۰ — ۱۶۷۲
 ۱۶۷۷، ۱۶۸۱ — ۱۶۸۴؛ [ج ۸] ۱۶۹۲
 ۱۶۹۳، ۱۷۰۰، ۱۷۰۳، ۱۷۱۵، ۱۷۱۷
 ۱۷۱۸، ۱۷۲۶، ۱۷۴۱، ۱۷۵۲، ۱۷۷۰
 ۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۱۸۰۰، ۱۸۰۳ — ۱۸۰۷
 ۱۸۱۳، ۱۸۱۷ — ۱۸۱۹، ۱۸۲۶، ۱۸۴۶
 ۱۸۶۰، ۱۸۶۳، ۱۸۶۵، ۱۸۷۳، ۱۸۸۹
 ۱۸۹۸، ۱۹۰۲ — ۱۹۰۴، ۱۹۰۷، ۱۹۱۱
 ۱۹۱۴، ۱۹۱۶، ۱۹۱۸، ۱۹۲۰، ۱۹۳۰
 ۱۹۴۱، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴، ۱۹۴۵، ۱۹۴۸
 ۱۹۶۱، ۱۹۶۸، ۱۹۷۱، ۱۹۷۷، ۱۹۸۴
 ۲۰۰۸، ۲۰۱۶، ۲۰۲۶، ۲۰۵۱، ۲۰۶۴
 ۲۰۷۴، ۲۰۷۶، ۲۰۸۰، ۲۰۸۶، ۲۰۸۹
 ۲۰۹۱، ۲۰۹۳، ۲۰۹۹، ۲۱۱۵ — ۲۱۱۹
 ۲۱۲۱ — ۲۱۲۳، ۲۱۲۵، ۲۱۲۷، ۲۱۲۹
 ۲۱۳۰، ۲۱۳۹، ۲۱۵۰، ۲۱۵۱، ۲۱۵۷
- ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۷۰۱، ۱۷۰۳، ۱۷۴۱
 ۱۷۵۲، ۱۷۵۳، ۱۷۵۵، ۱۷۷۰، ۱۷۷۶
 ۱۸۱۷، ۱۸۶۶، ۱۹۴۲، ۱۹۴۹، ۱۹۵۰
 ۲۰۸۶، ۲۱۵۰
 بندر لنگه؛ [ج ۳] ۵۶۸، ۶۱۱، ۶۲۱؛ [ج ۴]
 ۷۹۹ (نیز نک: لنگه)
 بنه گز؛ [ج ۳] ۷۱۶
 بنی طرف؛ [ج ۶] ۱۴۳۶
 بوالورد؛ [ج ۵] ۱۲۰۷
 بوشهر؛ [ج ۱] ۳۸، ۴۵، ۷۳، ۸۳، ۸۴، ۹۵
 ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۷
 ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۰، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۸۲
 ۲۸۶، ۲۸۹، ۳۲۳؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۳۸۶
 ۴۰۰، ۴۱۴، ۴۳۱، ۴۳۶ — ۴۳۹، ۴۴۱
 ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۵۱ — ۴۵۴، ۴۶۴ —
 ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۷۹
 ۵۰۵، ۵۳۴ — ۵۳۶؛ [ج ۳] ۵۴۳، ۵۴۵
 ۵۴۶، ۵۴۸، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۲، ۵۷۵
 ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۹۸، ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۱۱ —
 ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۹ — ۶۲۱، ۶۲۶، ۶۳۰
 ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۳، ۶۵۵ — ۶۶۱
 ۶۷۷، ۶۹۳، ۷۱۴ — ۷۱۶، ۷۲۱، ۷۳۲ —
 ۷۳۴، ۷۴۰، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۴
 ۷۶۵؛ [ج ۴] ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۸۱، ۷۸۸ —
 ۷۹۰، ۷۹۲، ۷۹۹ — ۸۰۱، ۸۰۴، ۸۰۵
 ۸۰۷، ۸۰۹، ۸۱۲، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۲
 ۸۳۵، ۸۳۷، ۸۶۶، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۶
 ۸۸۲، ۸۹۴، ۹۱۳، ۹۲۵، ۹۳۳، ۹۳۵
 ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۴ — ۹۴۸، ۹۵۵، ۹۶۱
 ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۷۱، ۹۷۲؛
 [ج ۵] ۹۷۵، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۸۳ — ۹۸۵
 ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۹، ۱۰۰۰

بیضاء؛ [ج ۳] ۷۱۴؛ [ج ۸] ۱۷۷۸، ۱۸۰۸،
۱۹۶۶، ۱۹۶۷، ۲۰۸۳ - ۲۰۸۵

بیلیق؛ [ج ۸] ۲۰۴۹

پارک - پارک اتابک؛ [ج ۴] ۸۹۹، ۹۰۶،
۹۱۶ - ۹۱۹

پاریس؛ [ج ۲] ۳۵۲، ۳۹۹، ۴۳۹، ۵۴۱؛
[ج ۳] ۷۲۸؛ [ج ۴] ۹۶۳؛ [ج ۵] ۹۷۶،
۹۸۵، ۹۹۸، ۱۰۰۰، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱

۱۰۴۴؛ [ج ۶] ۱۲۷۳، ۱۴۰۴؛ [ج ۸]
۱۷۳۲، ۱۷۳۶، ۱۷۵۳، ۱۹۶۰، ۲۰۱۹،
۲۰۲۳، ۲۰۲۸، ۲۱۳۳، ۲۱۳۴، ۲۱۴۰،
۲۱۵۵

پاسنگان؛ [ج ۸] ۱۹۷۷

پاش پورخه (محلہ)؛ [ج ۵] ۱۲۰۱

پرتغال؛ [ج ۱] ۱۶۵

پروسک؛ [ج ۱] ۱۷۷

پشت کوه؛ [ج ۲] ۳۸۴؛ [ج ۳] ۶۸۰؛ [ج ۵]
۹۸۲، ۱۰۹۹، ۱۱۱۶، ۱۱۵۵؛ [ج ۸]
۱۷۰۷، ۱۷۳۲، ۱۷۶۲، ۱۷۶۵، ۱۷۶۶،
۱۷۹۵، ۱۸۴۷

پشت مشهد؛ [ج ۴] ۹۵۸

پطرزبورغ - سنت پطرزبورغ؛ [ج ۱] ۱۱۵،
۱۱۸، ۱۲۰، ۱۳۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۸۳،
۱۹۱ - ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۲۲،
۲۲۵، ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۷۳ - ۲۷۷، ۲۷۹،
۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷ - ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۷،
۳۱۰، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۰،
۳۲۴ - ۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۱؛ [ج ۳] ۶۴۱،
۶۵۱، ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۹۳، ۶۹۷، ۷۱۸،
۷۲۲، ۷۳۵، ۷۳۷، ۷۴۷، ۷۵۰ - ۷۵۳

بول بردکار (بوالورد؟)؛ [ج ۸] ۲۱۲۳

بن کردی؛ [ج ۸] ۲۱۲۵، ۲۱۲۷

بویراحمدی؛ [ج ۳] ۷۶۵؛ [ج ۴] ۷۷۵،
۷۸۷ - ۷۹۰، ۷۹۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۷،
۸۰۸، ۹۶۱، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۷۷، ۹۷۸،
۱۰۰۷، ۱۰۴۲، ۱۰۵۴، ۱۰۷۲، ۱۰۹۸؛
[ج ۸] ۱۸۵۳، ۱۹۱۰، ۱۹۵۳، ۱۹۶۸،
۱۹۷۱، ۲۰۰۸، ۲۰۴۶، ۲۰۵۳، ۲۰۶۴ -
۲۰۶۶، ۲۰۷۱، ۲۰۷۳، ۲۰۹۳ - ۲۰۹۵،
۲۱۰۵، ۲۱۵۰

بوینک؛ [ج ۴] ۸۷۶

بهارستان؛ [ج ۳] ۶۱۵، ۶۲۱ - ۶۲۴، ۶۲۶،
۶۸۲ - ۶۸۴، ۶۸۶ - ۶۹۰، ۷۰۵، ۷۰۶

بهبهان؛ [ج ۳] ۶۷۶؛ [ج ۴] ۷۸۸، ۸۰۷،
۸۰۸، ۹۱۳؛ [ج ۵] ۱۰۴۷، ۱۰۶۵، ۱۱۰۷،
۱۱۲۹؛ [ج ۶] ۱۲۷۷، ۱۲۸۴، ۱۴۳۶؛
[ج ۷] ۱۶۰۵، ۱۶۲۳؛ [ج ۸] ۱۸۰۲،
۱۸۳۹، ۱۸۶۲، ۱۸۸۸، ۱۸۹۶، ۱۹۶۹،
۱۹۷۱، ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۲۰۰۹، ۲۰۵۳،
۲۰۶۲، ۲۰۷۱، ۲۰۷۴، ۲۰۹۳، ۲۰۹۴،
۲۱۰۷، ۲۱۵۱

بهرام آباد؛ [ج ۵] ۹۹۵؛ [ج ۸] ۱۸۸۷

بیابانک؛ [ج ۷] ۱۶۰۴

بیاض؛ [ج ۵] ۹۹۵

بیت المقدس؛ [ج ۱] ۳۸

بیجار؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۶] ۱۴۳۶

بیرجند؛ [ج ۱] ۷۵، ۱۷۰؛ [ج ۳] ۶۰۱، ۶۴۸،
۶۷۶، ۷۲۹؛ [ج ۴] ۸۹۲، ۹۰۸؛ [ج ۵]
۹۸۱، ۱۰۳۸، ۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۲۰۷؛
[ج ۸] ۱۷۴۱، ۲۱۴۹

بیستون (کوه)؛ [ج ۷] ۱۶۶۵؛ [ج ۸] ۱۷۴۹،
۱۷۹۸، ۱۹۰۱، ۱۹۷۳، ۲۱۵۱

- تبریز؛ [ج ۱] ۳۳، ۳۷، ۴۲، ۵۱-۵۴، ۶۶، ۷۲، ۸۱، ۹۴، ۱۰۸-۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۹۶، ۲۱۸، ۲۳۵، ۲۴۹، ۲۵۷، ۲۶۶، ۲۷۱-۲۷۴، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۸-۳۰۰، ۳۰۷-۳۱۳، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۷-۳۲۹، ۳۳۱؛ [ج ۲] ۳۳۷، ۳۴۱، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۵۱، ۳۵۵، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۵، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۹-۴۰۱، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۹-۴۱۱، ۴۱۳-۴۱۵، ۴۱۷-۴۱۹، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۶-۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۷، ۴۶۱-۴۶۴، ۴۶۹، ۴۷۹-۴۸۵، ۴۸۷-۵۰۲، ۵۰۴-۵۱۶، ۵۱۸، ۵۲۲، ۵۲۴-۵۲۸، ۵۳۴؛ [ج ۳] ۵۴۲-۵۴۴، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۵۴-۵۵۹، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۹-۵۷۱، ۵۷۳-۵۷۹، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۸، ۵۹۰-۵۹۲، ۵۹۴-۵۹۹، ۶۰۸، ۶۱۲، ۶۲۱، ۶۲۷-۶۲۹، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۴۱، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۵۰-۶۵۲، ۶۵۴، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۸۲، ۶۹۴-۶۹۷، ۶۹۹-۷۰۱، ۷۰۷-۷۰۹، ۷۱۹، ۷۲۱، ۷۲۸، ۷۳۵-۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۵، ۷۶۶؛ [ج ۴] ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۹-۷۸۱، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۹۷، ۸۰۲، ۸۱۰، ۸۱۴، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۹، ۸۲۱، ۸۲۴-۸۲۷، ۸۳۳، ۸۴۵، ۸۵۵، ۸۵۶، ۷۵۷، ۷۶۶؛ [ج ۴] ۸۰۱، ۸۰۳، ۸۱۴، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۷، ۸۲۹، ۸۵۲، ۸۶۰، ۸۶۱-۸۶۳، ۸۸۰-۸۸۲، ۸۹۶، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۲۰-۹۲۲، ۹۳۴ (نیز نک: سنت پترزبورغ)
- پطروس؛ [ج ۱] ۱۴۱
- پطروسک؛ [ج ۳] ۶۶۵، ۷۴۴؛ [ج ۵] ۱۱۹۳، ۱۲۰۰
- پل آبگینه؛ [ج ۷] ۱۶۲۴؛ [ج ۸] ۲۱۲۶، ۲۱۲۴
- پل آجسی؛ [ج ۱] ۹۲، ۳۲۳، ۳۲۴؛ [ج ۲] ۳۹۰، ۵۱۶؛ [ج ۳] ۵۹۱
- پل بردی؛ [ج ۸] ۲۱۲۷
- پل خان؛ [ج ۷] ۱۶۲۳
- پل دالکی؛ [ج ۳] ۶۶۱؛ [ج ۸] ۲۱۲۷، ۲۱۲۵
- پل ذهاب؛ [ج ۸] ۲۱۱۴
- پل زمانخان؛ [ج ۵] ۱۰۹۸
- پل زنیان؛ [ج ۴] ۸۰۸
- پل سیوند؛ [ج ۵] ۱۰۸۳، ۱۱۵۰
- پل فسا؛ [ج ۵] ۱۲۴۴؛ [ج ۶] ۱۴۷۳؛ [ج ۷] ۱۶۲۴
- پل قراسو؛ (قره سو)؛ [ج ۸] ۲۱۱۴
- پل قره آقاچ؛ [ج ۸] ۲۰۴۵
- پل قره گنج؛ [ج ۷] ۱۶۲۴
- پل گذار؛ [ج ۸] ۱۷۷۹، ۱۸۱۹
- گذار بلوطک ۱۸۵۲
- پوزه کوشان؛ [ج ۸] ۱۸۰۸
- پیرانوند - پیرانه وند؛ [ج ۵] ۱۲۳۴
- پیربازار؛ [ج ۸] ۲۰۶۱
- تاشکند - تاشقند؛ [ج ۶] ۱۲۸۱، ۱۳۳۳
- تالش - تالش دولاب (نک: طالش)

۲۱۰۳ ، ۲۱۱۵ ، ۲۱۳۲ ، ۲۱۳۸ ، ۲۱۳۹ ، ۲۱۵۲	۸۶۸ ، ۸۶۹ ، ۸۸۳ ، ۸۸۴ ، ۸۹۱ ، ۹۰۷ ، ۹۱۶ ، ۹۳۰ ، ۹۳۴ ، ۹۳۶ ، ۹۳۸ ، ۹۴۳
تخانی؛ [ج ۷] ۱۶۸۱	۹۵۶ [ج ۵] ۹۹۸ ، ۱۰۱۱ ، ۱۰۳۷ ، ۱۰۶۶
تخت جمشید؛ [ج ۸] ۲۰۸۵ ، ۲۰۷۴	۱۰۷۴ ، ۱۰۹۶ ، ۱۱۰۴ ، ۱۱۰۶ ، ۱۱۲۱
تخت کی؛ [ج ۳] ۶۶۲ [ج ۸] ۲۱۲۴ ، ۲۱۲۶	۱۱۵۲ ، ۱۱۶۱ ، ۱۱۶۲ ، ۱۱۹۰ ، ۱۱۹۷
۲۱۲۷	۱۲۰۶ ، ۱۲۱۲-۱۲۱۴ ، ۱۲۱۸ ، ۱۲۲۹
ترافلگاره؛ [ج ۳] ۶۴۱	۱۲۸۷-۱۲۸۹ ، ۱۲۹۲ ، ۱۳۰۱
تراکمه؛ [ج ۳] ۶۰۰ ، ۷۲۹ [ج ۷] ۱۶۴۷	۱۳۰۴ ، ۱۳۰۷ ، ۱۳۱۵ ، ۱۳۲۰ ، ۱۳۲۴
[ج ۸] ۱۷۰۱	۱۳۳۳ ، ۱۳۳۴ ، ۱۳۳۷ ، ۱۳۹۷ ، ۱۳۹۸
تربت؛ [ج ۲] ۴۶۹ ، ۵۳۱ [ج ۳] ۵۶۷ ، ۶۰۱	۱۴۰۵ ، ۱۴۰۸ ، ۱۴۱۰ ، ۱۴۱۹ ، ۱۴۳۵
۶۲۹ ، ۷۴۵ [ج ۴] ۹۰۷ ، ۹۳۰ ، ۹۵۶	۱۴۴۱ ، ۱۴۴۵ ، ۱۴۵۵ ، ۱۴۵۷-۱۴۶۰
۹۶۸ [ج ۵] ۹۸۰ ، ۱۰۷۵ ، ۱۰۹۷ ، ۱۲۰۷	۱۴۸۸ [ج ۷] ۱۴۸۹ ، ۱۵۰۱-۱۴۹۱
[ج ۶] ۱۴۳۵ [ج ۸] ۲۱۰۵	۱۵۰۷ ، ۱۵۱۰-۱۵۱۲ ، ۱۵۱۴ ، ۱۵۱۵
تربت حیدری، تربت حیدریه؛ [ج ۱] ۱۲۴	۱۵۱۷ ، ۱۵۱۸ ، ۱۵۲۰ ، ۱۵۲۴ ، ۱۵۲۶
۱۵۷ ، ۱۸۷ ، ۲۶۶ [ج ۲] ۴۶۸ ، ۵۳۱	۱۵۳۱ ، ۱۵۳۶ ، ۱۵۳۷ ، ۱۵۴۵-۱۵۴۹
[ج ۳] ۵۶۷ ، ۶۰۰ ، ۶۷۶ ، ۷۲۹ ، ۷۴۵	۱۵۵۲ ، ۱۵۵۴ ، ۱۵۵۷ ، ۱۵۵۸ ، ۱۵۶۳
[ج ۴] ۸۲۲ [ج ۶] ۱۳۳۵	۱۵۶۴ ، ۱۵۶۶ ، ۱۵۶۷ ، ۱۵۷۰
ترشیز؛ [ج ۳] ۶۷۶ ، ۷۲۹ [ج ۶] ۱۴۳۵	۱۵۷۲-۱۵۷۴ ، ۱۵۷۶ ، ۱۵۷۹ ، ۱۵۸۸
ترکستان؛ [ج ۸] ۱۸۵۶ ، ۱۸۶۸ ، ۱۸۷۹	۱۵۹۴ ، ۱۵۹۸ ، ۱۶۰۱ ، ۱۶۰۲ ، ۱۶۰۸
ترکمن (خاک)؛ [ج ۸] ۲۰۰۰	۱۶۱۰ ، ۱۶۱۳ ، ۱۶۲۰ ، ۱۶۲۹-۱۶۳۱
تزرک؛ [ج ۶] ۱۲۸۴	۱۶۴۲ ، ۱۶۴۴ ، ۱۶۴۵ ، ۱۶۵۰ ، ۱۶۵۲
تفت؛ [ج ۲] ۳۵۳ ، ۴۳۰ ، ۴۳۱ [ج ۳] ۶۴۹	۱۶۵۳ ، ۱۶۵۶ ، ۱۶۵۸ ، ۱۶۶۱ ، ۱۶۶۳
[ج ۴] ۸۷۱ [ج ۶] ۱۴۴۹ [ج ۷] ۱۶۰۴	۱۶۹۲ [ج ۸] ۱۶۹۲ ، ۱۶۹۹ ، ۱۷۱۵ ، ۱۷۱۶
تفرش؛ [ج ۳] ۶۷۸	۱۷۱۸ ، ۱۷۲۰ ، ۱۷۲۲ ، ۱۷۲۴ ، ۱۷۶۷
تفلیس؛ [ج ۱] ۶۳ [ج ۳] ۵۷۴	۱۷۹۲ ، ۱۸۲۲ ، ۱۸۲۴ ، ۱۸۲۵ ، ۱۸۳۹-
تفنگچی (محل)؛ [ج ۸] ۲۱۲۵ ، ۲۱۲۷	۱۸۴۴ ، ۱۸۴۶ ، ۱۸۴۷ ، ۱۸۴۹ ، ۱۸۵۸
تکیه دولت؛ [ج ۲] ۴۲۹	۱۸۶۶ ، ۱۸۶۸-۱۸۷۳ ، ۱۸۸۴ ، ۱۸۸۶
تل برازجان؛ [ج ۳] ۶۶۱	۱۹۰۳ ، ۱۹۰۵ ، ۱۹۲۱ ، ۱۹۲۳ ، ۱۹۲۶
تل ذیریس؛ [ج ۸] ۲۱۲۶	۱۹۲۸ ، ۱۹۴۰ ، ۱۹۴۷ ، ۱۹۵۵ ، ۱۹۶۳
تل سیاه؛ [ج ۸] ۱۹۱۹	۱۹۷۰ ، ۱۹۹۳ ، ۲۰۰۷ ، ۲۰۱۴ ، ۲۰۳۵-
تنکابن؛ [ج ۳] ۶۸۰	۲۰۳۸ ، ۲۰۴۰-۲۰۴۲ ، ۲۰۵۰ ، ۲۰۶۱
تنگ بولاکی (بولاغی؟)؛ [ج ۷] ۱۶۵۹	۲۰۶۷ ، ۲۰۹۰ ، ۲۰۹۶-۲۰۹۸ ، ۲۱۰۱

،۶۳۱ ،۶۳۳ ،۶۳۵ ،۶۳۶-۶۳۸
 ،۶۴۱-۶۴۶ ،۶۴۸ ،۶۴۹ ،۶۵۱ ،۶۵۴
 ،۶۵۵ ،۶۶۴ ،۶۷۰ ،۶۷۳ ،۶۷۵
 ،۶۸۱-۶۸۳ ،۶۸۵ ،۶۸۶ ،۶۸۸ ،۶۹۱
 ،۶۹۲ ،۶۹۵ ،۶۹۸ ،۷۰۱ ،۷۰۳
 ،۷۰۹-۷۱۳ ،۷۱۷-۷۱۹ ،۷۲۱
 ،۷۲۶-۷۳۰ ،۷۳۳ ،۷۳۵ ،۷۳۷ ،۷۳۹
 ،۷۴۱ ،۷۴۳ ،۷۴۵ ،۷۴۷ ،۷۴۹ ،۷۵۴-
 ،۷۶۴ [ج ۴] ،۷۷۸ ،۷۸۰-۷۸۳
 ،۷۸۵ ،۷۸۷ ،۷۸۸ ،۷۹۲ ،۷۹۶
 ،۷۹۸ ،۷۹۹ ،۸۰۳ ،۸۰۹ ،۸۱۲ ،۸۱۳
 ،۸۲۲ ،۸۲۴ ،۸۲۷ ،۸۲۹ ،۸۳۲ ،۸۳۳
 ،۸۳۵ ،۸۳۹ ،۸۴۱ ،۸۵۱ ،۸۵۴ ،۸۶۱
 ،۸۶۷ ،۸۶۹ ،۸۷۱ ،۸۷۶ ،۸۸۰-۸۸۲
 ،۸۸۹ ،۸۹۱ ،۸۹۳-۸۹۵ ،۸۹۷ ،۸۹۸
 ،۹۰۳ ،۹۰۵-۹۰۹ ،۹۱۱ ،۹۱۳-۹۱۷
 ،۹۲۰-۹۲۲ ،۹۲۴ ،۹۲۵ ،۹۲۸-۹۳۴
 ،۹۳۶-۹۳۷ ،۹۴۲ ،۹۴۵ ،۹۴۹ ،۹۵۵ ،۹۵۷-
 ،۹۵۹ ،۹۶۵-۹۶۷ ،۹۶۹ [ج ۵] ،۹۷۵
 ،۹۷۸-۹۸۱ ،۹۸۳ ،۹۸۵ ،۹۸۹ ،۹۹۵
 ،۹۹۶ ،۹۹۸ ،۹۹۹ ،۱۰۰۴ ،۱۰۰۶ ،۱۰۱۰
 ،۱۰۱۲ ،۱۰۱۳ ،۱۰۱۵ ،۱۰۱۸ ،۱۰۲۷
 ،۱۰۳۰ ،۱۰۳۴ ،۱۰۳۸ ،۱۰۳۹ ،۱۰۴۵
 ،۱۰۵۰ ،۱۰۵۱ ،۱۰۵۳ ،۱۰۵۵ ،۱۰۵۶
 ،۱۰۶۲ ،۱۰۷۲-۱۰۷۴ ،۱۰۷۷ ،۱۰۸۰
 ،۱۰۸۱ ،۱۰۸۵ ،۱۰۸۹ ،۱۰۹۰ ،۱۰۹۴
 ،۱۰۹۷-۱۰۹۹ ،۱۱۰۱ ،۱۱۰۴ ،۱۱۰۸
 ،۱۱۱۶ ،۱۱۲۲ ،۱۱۲۳ ،۱۱۲۸ ،۱۱۲۹
 ،۱۱۳۲ ،۱۱۳۸ ،۱۱۳۹ ،۱۱۴۲ ،۱۱۴۹
 ،۱۱۵۱-۱۱۵۶ ،۱۱۶۳-۱۱۶۶
 ،۱۱۶۸-۱۱۷۰ ،۱۱۷۳-۱۱۷۵
 ،۱۱۷۸-۱۱۸۰ ،۱۱۸۲ ،۱۱۸۳ ،۱۱۸۵

تنگ ترکان - تنگه ترکان؛ [ج ۳] ۶۶۲؛ [ج ۵]
 ،۱۱۱۳ [ج ۷] ،۱۴۹۰ ،۱۶۲۲ ،۱۶۲۴
 ،۱۶۵۹ [ج ۸] ،۱۸۰۵ ،۱۸۱۸ ،۱۹۰۹
 ،۱۹۱۰ ،۱۹۲۰ ،۱۹۲۱ ،۱۹۴۴ ،۲۱۲۱
 ،۲۱۲۴ ،۲۱۲۶ ،۲۱۵۰
 تنگ خرجال؛ [ج ۷] ۱۶۴۷
 تنگستان؛ [ج ۱] ۲۵۵ [ج ۲] ،۴۴۱ ،۴۷۸
 [ج ۳] ،۶۵۸ ،۷۱۶ ،۷۳۳ [ج ۴] ،۸۰۰
 ،۸۳۵ ،۸۹۴ [ج ۶] ،۱۴۵۰ [ج ۸] ،۲۱۲۲
 ،۲۱۲۳
 تنگ سرخ؛ [ج ۸] ،۲۰۸۲ ،۲۱۲۴
 تنگه انجیره؛ [ج ۴] ۹۳۸
 تنگه سینه سفید؛ [ج ۸] ۲۱۴۶
 تنوی نک: برج تنوری
 توپخانه؛ [ج ۳] ۶۱۶ (نیز نک: میدان توپخانه)
 توتاکی؛ [ج ۵] ۱۰۷۶
 تون؛ [ج ۳] ۶۷۶ [ج ۶] ۱۴۳۶
 تويسرکان؛ [ج ۳] ۶۸۰ [ج ۶] ۱۳۴۰
 تهران؛ [ج ۲] ،۳۳۶ ،۳۳۸ ،۳۴۱ ،۳۵۳ ،۳۵۸
 ،۳۶۸ ،۳۷۹ ،۳۸۰ ،۳۸۳ ،۳۸۵ ،۳۸۶
 ،۳۸۹ ،۳۹۲ ،۳۹۸ ،۴۰۳ ،۴۰۴ ،۴۰۹
 ،۴۱۰ ،۴۱۴ ،۴۱۷ ،۴۲۵-۴۳۰ ،۴۳۲
 ،۴۳۵ ،۴۳۹ ،۴۴۲ ،۴۴۷ ،۴۵۱ ،۴۵۶
 ،۴۵۹ ،۴۶۱ ،۴۶۹ ،۴۷۱ ،۴۷۳-۴۷۷
 ،۴۸۰ ،۴۸۴ ،۴۸۷ ،۴۹۰ ،۴۹۱ ،۴۹۴
 ،۴۹۷ ،۵۰۸ ،۵۰۹ ،۵۱۹ ،۵۲۱-۵۲۴
 ،۵۲۹ [ج ۳] ،۵۴۱ ،۵۴۲ ،۵۴۵ ،۵۴۶
 ،۵۵۰ ،۵۵۴ ،۵۵۸ ،۵۵۹ ،۵۶۳ ،۵۶۵
 ،۵۶۶ ،۵۶۹ ،۵۷۲-۵۷۴ ،۵۷۸-۵۸۰
 ،۵۸۲ ،۵۸۴-۵۸۹ ،۵۹۴ ،۵۹۷-۶۰۰
 ،۶۰۲ ،۶۰۶ ،۶۰۷ ،۶۰۸-۶۱۰ ،۶۱۲
 ،۶۱۴ ،۶۱۵ ،۶۱۷-۶۲۳ ،۶۲۵-۶۲۷

۱۷۲۷، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳،
 ۱۷۳۵ — ۱۷۴۰، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۷ —
 ۱۷۵۰، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵، ۱۷۵۷، ۱۷۶۰،
 ۱۷۶۴، ۱۷۶۶، ۱۷۶۷، ۱۷۷۱ — ۱۷۸۴،
 ۱۷۸۶ — ۱۷۸۹، ۱۷۹۱ — ۱۷۹۳، ۱۷۹۵،
 ۱۷۹۸، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۸۰۳، ۱۸۰۸ —
 ۱۸۱۵، ۱۸۱۷، ۱۸۲۰ — ۱۸۲۲، ۱۸۲۴،
 ۱۸۲۶، ۱۸۲۹، ۱۸۳۴، ۱۸۳۷، ۱۸۳۸،
 ۱۸۴۰، ۱۸۴۱، ۱۸۴۳، ۱۸۴۶، ۱۸۴۷،
 ۱۸۴۹، ۱۸۵۱، ۱۸۵۳، ۱۸۵۵، ۱۸۵۷،
 ۱۸۶۰، ۱۸۶۵ — ۱۸۷۱، ۱۸۷۳، ۱۸۷۹،
 ۱۸۸۱، ۱۸۸۳ — ۱۸۸۶، ۱۸۸۸، ۱۸۹۵،
 ۱۹۰۰، ۱۹۰۲، ۱۹۰۳، ۱۹۰۵، ۱۹۰۶،
 ۱۹۱۳، ۱۹۱۴، ۱۹۱۶، ۱۹۲۱ — ۱۹۲۵،
 ۱۹۲۸، ۱۹۳۲ — ۱۹۳۵، ۱۹۳۶، ۱۹۳۷،
 ۱۹۴۸ — ۱۹۵۰، ۱۹۵۳ — ۱۹۵۵، ۱۹۵۷ —
 ۱۹۶۵، ۱۹۶۹، ۱۹۷۰، ۱۹۷۲، ۱۹۷۴ —
 ۱۹۷۷، ۱۹۷۹، ۱۹۸۴، ۱۹۸۵، ۱۹۸۸،
 ۱۹۹۱، ۱۹۹۸ — ۲۰۱۰، ۲۰۱۷ — ۲۰۲۳،
 ۲۰۲۵، ۲۰۲۷ — ۲۰۳۰، ۲۰۳۲، ۲۰۳۶،
 ۲۰۴۲، ۲۰۴۳، ۲۰۴۵ — ۲۰۴۸، ۲۰۵۰،
 ۲۰۵۲، ۲۰۶۱ — ۲۰۶۳، ۲۰۶۵ — ۲۰۶۹،
 ۲۰۷۱، ۲۰۷۵ — ۲۰۷۷، ۲۰۷۹، ۲۰۸۷،
 ۲۰۸۹ — ۲۰۹۱، ۲۰۹۴، ۲۰۹۹، ۲۱۰۱ —
 ۲۱۰۸، ۲۱۱۰، ۲۱۱۲، ۲۱۱۵، ۲۱۲۱،
 ۲۱۲۸، ۲۱۳۰، ۲۱۳۴، ۲۱۳۶ — ۲۱۴۱،
 ۲۱۴۹ — ۲۱۵۳، ۲۱۵۵

تهرود؛ [ج ۵] ۱۰۱۴

تیران؛ [ج ۸] ۱۸۵۴

جاتا — جته (جطوط؟)؛ [ج ۳] ۶۶۱؛ [ج ۸]

۱۱۹۱، ۱۱۹۳، ۱۲۰۲، ۱۲۰۴ — ۱۲۰۶،
 ۱۲۰۸، ۱۲۱۸، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۵،
 ۱۲۲۸ — ۱۲۳۱، ۱۲۳۳ — ۱۲۳۵، ۱۲۳۷،
 ۱۲۴۱، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵؛ [ج ۶] ۱۲۵۰،
 ۱۲۵۳ — ۱۲۵۷، ۱۲۶۱، ۱۲۶۶، ۱۲۸۵،
 ۱۲۸۷ — ۱۲۹۱، ۱۲۹۶، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰،
 ۱۳۰۵، ۱۳۱۰ — ۱۳۱۳، ۱۳۱۵، ۱۳۲۰،
 ۱۳۲۲، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۷، ۱۳۲۹،
 ۱۳۳۰، ۱۳۳۳، ۱۳۳۵ — ۱۳۳۹، ۱۳۴۹ —
 ۱۳۵۳، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۱ — ۱۳۶۳،
 ۱۳۶۵ — ۱۳۶۸، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۷،
 ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۹ —
 ۱۳۹۵، ۱۳۹۷، ۱۳۹۹، ۱۴۰۳، ۱۴۰۶ —
 ۱۴۰۸، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۴، ۱۴۱۸،
 ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۴،
 ۱۴۳۶، ۱۴۳۸، ۱۴۴۱، ۱۴۴۴ — ۱۴۴۶،
 ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۵، ۱۴۶۲، ۱۴۷۰،
 ۱۴۷۹؛ [ج ۷] ۱۴۸۷، ۱۵۱۱ — ۱۵۱۳،
 ۱۵۱۹، ۱۵۲۴، ۱۵۲۶ — ۱۵۲۸، ۱۵۳۱،
 ۱۵۳۲، ۱۵۳۴ — ۱۵۳۶، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹،
 ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۸، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲،
 ۱۵۵۴، ۱۵۵۷، ۱۵۵۹، ۱۵۶۲ — ۱۵۶۷،
 ۱۵۷۲ — ۱۵۷۸، ۱۵۸۰، ۱۵۸۲ — ۱۵۸۵،
 ۱۵۸۷، ۱۵۹۳، ۱۵۹۸، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱،
 ۱۶۰۴ — ۱۶۰۶، ۱۶۱۰ — ۱۶۱۲،
 ۱۶۱۷ — ۱۶۱۹، ۱۶۲۹، ۱۶۳۱، ۱۶۳۴،
 ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۴۶، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳،
 ۱۶۵۵ — ۱۶۵۷، ۱۶۶۱، ۱۶۶۳، ۱۶۶۷،
 ۱۶۶۹ — ۱۶۷۱، ۱۶۷۹؛ [ج ۸] ۱۶۸۸،
 ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۴، ۱۶۹۵، ۱۶۹۷ —
 ۱۷۰۰، ۱۷۰۳، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۱۱،
 ۱۷۱۳، ۱۷۱۵ — ۱۷۱۹، ۱۷۲۲ — ۱۷۲۴،

- جوشقان؛ [ج ۳] ۶۷۹
 جویین؛ [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۶
 جهرم؛ [ج ۳] ۶۷۶، ۷۱۴؛ [ج ۶] ۱۴۳۶؛
 [ج ۷] ۱۶۷۸
 جیرفت؛ [ج ۱] ۱۶۷، ۲۸۲؛ [ج ۵] ۹۹۴،
 ۱۰۱۴، ۱۱۰۰، ۱۲۰۹؛ [ج ۶] ۱۲۸۴،
 ۱۲۸۵، ۱۴۳۷؛ [ج ۸] ۱۷۲۵، ۱۷۷۵،
 ۱۸۲۷-۱۸۲۹، ۱۸۳۴، ۱۸۶۰
 جیرم (چیرم؟)؛ [ج ۸] ۲۰۸۶
 جیزغه؛ [ج ۴] ۹۶۲
 جیل؛ [ج ۳] ۷۳۰
 چارک؛ [ج ۷] ۱۶۴۸
 چالمیدان (محلته)؛ [ج ۳] ۶۷۵
 چاه بهار؛ [ج ۱] ۱۵۹؛ [ج ۴] ۹۴۵
 چاه خانه - چاه خونی؛ [ج ۸] ۲۱۲۵
 چاه خانی؛ [ج ۳] ۶۶۱
 چاه کوتاه؛ [ج ۴] ۸۳۵
 چاه داشتی (چاه دشتی؟)؛ [ج ۵] ۱۰۹۶
 چرون (چروم)؛ [ج ۳] ۶۶۲
 چرکر؛ [ج ۴] ۸۸۳
 چشمه مروارید؛ [ج ۴] ۸۰۸
 چغاخور؛ [ج ۸] ۱۹۹۰، ۱۹۹۱
 چغادک - چغاده؛ [ج ۳] ۶۶۱؛ [ج ۸] ۲۱۲۵،
 ۲۱۲۷
 چلیانلو (چلییانلو)؛ [ج ۱] ۲۲
 چنار راهدار؛ [ج ۶] ۱۳۰۸؛ [ج ۷] ۱۵۴۲،
 ۱۶۲۳؛ [ج ۸] ۱۸۷۴، ۱۸۸۷، ۱۸۹۸،
 ۱۹۰۰، ۱۹۴۳، ۱۹۶۷، ۲۰۸۲ - ۲۰۸۶،
 ۲۱۲۱، ۲۱۲۳
 چهارراهی؛ [ج ۵] ۱۰۷۶
 ۲۱۲۷، ۲۱۲۵
 جاجرم؛ [ج ۱] ۲۸۹
 جادیس؛ [ج ۸] ۲۱۲۶
 جاسک؛ [ج ۵] ۱۲۱۳، ۱۲۱۴؛ [ج ۷] ۱۶۴۸
 جاشک؛ [ج ۷] ۱۴۹۰، ۱۴۹۷؛ [ج ۸] ۱۷۰۱،
 ۱۷۲۴
 جاف؛ [ج ۳] ۷۸۶
 جام؛ [ج ۳] ۶۷۶
 جبل بارز؛ [ج ۸] ۱۸۲۸، ۱۸۳۴
 جبل ترنجبه؛ [ج ۴] ۹۶۲
 جته نک: جاتا
 جرّه؛ [ج ۴] ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۹، ۸۱۳، ۸۲۰،
 ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۶۶، ۸۹۵؛ [ج ۵]
 ۹۷۷، ۹۷۸؛ [ج ۶] ۱۳۳۹، ۱۴۸۷؛ [ج ۸]
 ۱۹۱۷، ۱۹۱۹
 جعفر جن؛ [ج ۳] ۶۶۲؛ [ج ۸] ۱۸۰۵، ۱۸۰۶،
 ۱۹۲۱، ۱۹۴۴، ۲۱۲۲، ۲۱۲۵، ۲۱۲۷
 جگند؛ [ج ۵] ۱۲۳۰
 جلفا؛ [ج ۱] ۸۳، ۱۵۰، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷،
 ۲۹۹، ۳۰۷-۳۱۰، ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۲۶،
 ۳۳۱؛ [ج ۲] ۳۳۷، ۳۷۰، ۳۸۷، ۳۹۰،
 ۳۹۱، ۴۰۴، ۴۰۹، ۴۱۷، ۴۱۸،
 ۴۲۱-۴۲۴، ۴۳۳-۴۳۶، ۴۴۰،
 ۴۶۲-۴۶۴، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۴، ۴۹۵،
 ۴۹۸-۵۰۲، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۲؛
 [ج ۳] ۵۷۱، ۶۰۸، ۷۰۱، ۷۱۰، ۷۲۸؛
 [ج ۴] ۷۱۹؛ [ج ۵] ۱۰۷۶، ۱۲۱۴؛ [ج ۶]
 ۱۲۸۷-۱۲۸۹، ۱۴۵۹؛ [ج ۷] ۱۴۹۵،
 ۱۵۰۱، ۱۶۵۰؛ [ج ۸] ۱۶۹۹، ۱۸۶۸،
 ۱۸۷۰، ۱۸۷۳، ۱۸۷۶، ۱۸۸۳، ۱۹۰۳،
 ۱۹۲۶، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵،
 ۲۰۴۱، ۲۱۵۲، ۲۱۵۳

- چهارمحال — چهارمحل؛ [ج ۱] ۱۸۱، ۲۶۸، ۳۲۳؛ [ج ۳] ۶۰۴؛ [ج ۴] ۹۰۸؛ [ج ۷] ۱۶۰۴؛ [ج ۸] ۱۸۵۶، ۱۸۸۹، ۱۸۹۲، ۱۸۹۳، ۱۸۹۶
- چیا سرخ — چیه سرخ؛ [ج ۸] ۱۷۰۴، ۱۹۹۷
- چیرم؛ [ج ۸] ۲۱۲۱، ۲۱۲۴، ۲۱۲۶
- چیرو — چیرون (روستا)؛ [ج ۷] ۱۶۴۸
- حاجی آقا؛ [ج ۳] ۷۰۱
- حاجی طرخان (بندر)؛ [ج ۳] ۷۵۴
- حبیب آباد؛ [ج ۵] ۱۰۳۹
- حسن آباد؛ [ج ۳] ۶۴۴؛ [ج ۸] ۱۶۹۹
- حسین آباد؛ [ج ۸] ۲۰۴۸
- حصارک؛ [ج ۸] ۱۹۹۹
- حضرت عبدالعظیم؛ [ج ۲] ۲۷؛ [ج ۳] ۵۷۳، ۶۳۶؛ [ج ۴] ۹۱۷؛ [ج ۶] ۱۴۳۶ (نیز نک: شاهزاده عبدالعظیم)
- حکم آباد؛ [ج ۲] ۴۶۲؛ [ج ۳] ۵۵۶، ۵۷۶
- حلوان؛ [ج ۵] ۱۰۷۵
- خالد آباد؛ [ج ۳] ۵۷۲؛ [ج ۴] ۹۶۹؛ [ج ۵] ۱۲۳۰، ۱۰۹۸، ۱۰۹۷
- خان خوره (نک: خون خوره)
- خان زنیان — خانه زنیان؛ [ج ۲] ۵۳۵؛ [ج ۳] ۷۶۵؛ [ج ۴] ۷۸۸؛ [ج ۵] ۱۱۱۴، ۱۱۱۵؛ [ج ۶] ۱۳۴۵؛ [ج ۷] ۱۴۹۰، ۱۵۴۲؛ [ج ۸] ۱۶۴۳، ۱۹۶۷، ۱۹۴۴، ۹۰۴، ۲۰۳۵، ۲۰۴۶، ۲۰۷۳، ۲۰۷۵، ۲۰۷۶؛ ۲۰۸۲، ۲۰۸۵، ۲۰۸۶، ۲۰۹۱، ۲۰۹۵
- خانقین؛ [ج ۷] ۱۶۶۱
- خان کرکن — خوان گرگان؛ [ج ۱] ۱۵۸؛ [ج ۴] ۷۸۷ (نیز نک: خانه گرگان)
- خان کشی — خانم کشی؛ [ج ۸] ۲۱۲۷
- خانه؛ [ج ۵] ۱۰۹۷
- خانه گرگان؛ [ج ۵] ۱۰۰۰؛ [ج ۷] ۱۶۲۳، ۱۶۲۴ (نیز نک: خان کرکن)
- خبیص — خوان خبیص؛ [ج ۳] ۶۷۷؛ [ج ۴] ۸۶۶، ۹۷۱
- خجند؛ [ج ۱] ۳۲۸
- خجه (محل)؛ [ج ۸] ۲۰۸۲
- خچه نجف نک: خواجه نجف
- خراسان؛ [ج ۱] ۶۶، ۱۱۰، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۷؛ [ج ۲] ۳۵۲، ۳۶۷؛ [ج ۳] ۶۷۶، ۷۴۴؛ [ج ۴] ۷۹۶، ۸۲۲، ۸۳۳، ۸۷۰، ۹۰۷؛ [ج ۵] ۹۳۰، ۹۸۰، ۱۰۳۸، ۱۱۴۵، ۱۱۵۲؛ [ج ۶] ۱۲۰۶، ۱۲۳۰، ۱۲۸۹، ۱۳۳۷؛ [ج ۷] ۱۳۳۸، ۱۴۳۰، ۱۴۳۵، ۱۴۴۸؛ [ج ۸] ۱۵۳۸، ۱۵۴۷، ۱۶۰۳، ۱۶۵۷؛ [ج ۹] ۱۷۴۳، ۱۸۱۵، ۱۸۲۴، ۱۸۸۲، ۱۹۳۶، ۱۹۷۱، ۲۰۰۷
- خرقان؛ [ج ۳] ۶۷۸
- حرم آباد؛ [ج ۱] ۱۷۰، ۱۷۵؛ [ج ۳] ۶۸۰؛ [ج ۵] ۱۱۹۲؛ [ج ۶] ۱۴۳۵؛ [ج ۸] ۱۹۴۹، ۱۹۵۴، ۱۹۸۴، ۱۹۸۶، ۱۹۸۹
- ۲۰۰۵، ۲۰۳۰، ۲۱۳۹
- خزر (دریا) (نک: بحر خزر)
- خسروشیرین؛ [ج ۵] ۱۲۰۳؛ [ج ۷] ۱۶۲۴
- خشت؛ [ج ۶] ۱۴۷۸؛ [ج ۸] ۱۹۲۰، ۲۱۲۴
- خضر؛ [ج ۵] ۱۰۶۲، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸، ۱۱۵۳، ۱۲۳۰
- خطیب؛ [ج ۱] ۲۹۲؛ [ج ۲] ۴۶۲—۴۶۴، ۲۱۰۷، ۲۱۲۱، ۲۱۴۳، ۲۱۴۴، ۲۱۴۷

- ۲۱۲۷، ۲۱۲۵
خوشکوه (خوش کوه)؛ [ج ۳] ۵۶۷
خون خوره — خان خره — خان خوره؛ [ج ۵]
۱۰۳۹؛ [ج ۶] ۱۴۴۹؛ [ج ۷] ۱۶۲۲،
۱۶۲۴، [ج ۸] ۱۹۶۸
خوی؛ [ج ۱] ۱۱۰، ۱۲۵؛ [ج ۲] ۳۷۰، ۳۸۸؛
[ج ۳] ۶۷۵؛ [ج ۶] ۱۴۳۵؛ [ج ۷] ۱۶۳۰،
۱۶۴۲؛ [ج ۸] ۱۷۲۰، ۱۷۶۷
خیابان؛ [ج ۲] ۴۶۲، ۴۶۳
خیابان علاءالدوله؛ [ج ۳] ۷۰۶
خیوه؛ [ج ۱] ۳۲۸
- داراب؛ [ج ۳] ۷۱۳؛ [ج ۴] ۹۴۱؛ [ج ۶]
۱۴۶۵
دالکی؛ [ج ۱] ۱۵۸، ۱۶۷، ۲۶۸؛ [ج ۳]
۶۵۷، ۶۶۱؛ [ج ۴] ۷۸۹، ۸۰۷، ۸۳۵؛
[ج ۵] ۱۰۰۰؛ [ج ۶] ۱۳۳۹؛ [ج ۷]
۱۶۲۲، ۱۶۷۲، ۱۶۷۷؛ [ج ۸] ۱۹۱۹،
۱۹۴۴، ۲۰۸۶، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲، ۲۱۲۵،
۲۱۲۷
دامغان؛ [ج ۳] ۶۷۸؛ [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۱۵۲،
۱۱۷۰، ۱۲۰۲، ۱۲۲۸؛ [ج ۶] ۱۴۲۲،
۱۴۳۶؛ [ج ۷] ۱۵۳۱، ۱۵۳۸، ۱۶۰۳
دخمه کیخسرو؛ [ج ۱] ۱۵۹
دربانو؛ [ج ۸] ۲۱۲۴، ۲۱۲۶
دربند؛ [ج ۷] ۱۶۶۶
دررود؛ [ج ۴] ۷۹۵، ۷۹۶، ۸۳۰
درجز — درگزر؛ [ج ۱] ۱۲۳؛ [ج ۳] ۶۷۶،
۷۴۴؛ [ج ۵] ۹۸۰، ۹۹۸، ۱۰۱۲، ۱۰۳۸؛
[ج ۶] ۱۴۳۵
در خلیل — در خلیل؛ [ج ۱] ۲۶۳؛ [ج ۲] ۴۴۹
- ۵۹۴؛ [ج ۳] ۵۰۲، ۵۰۰
خفر؛ [ج ۴] ۸۹۳
خلج؛ [ج ۱] ۲۴۴؛ [ج ۴] ۸۲۱
خلخال؛ [ج ۳] ۶۷۵؛ [ج ۴] ۷۷۹؛ [ج ۸]
۱۷۲۷
خلیج؛ [ج ۲] ۴۳۸، ۴۷۲؛ [ج ۸] ۲۱۱۹
خلیج فارس؛ [ج ۱] ۹۶، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۷۶،
۲۵۰، ۲۸۲؛ [ج ۲] ۳۸۶، ۴۱۴، ۴۳۱،
۴۶۴، ۴۷۲؛ [ج ۳] ۵۵۵، ۶۵۶، ۷۱۶،
۷۴۷، ۷۶۴؛ [ج ۴] ۷۸۸، ۷۹۹، ۸۷۳،
۸۹۴، ۹۱۳، ۹۳۳، ۹۴۱، ۹۶۱، ۹۷۱؛
[ج ۵] ۱۰۶۹، ۱۰۷۹، ۱۱۰۰، ۱۱۵۵،
۱۱۹۲؛ [ج ۶] ۱۳۳۳؛ [ج ۷] ۱۵۶۲،
۱۶۷۲، ۱۶۷۸؛ [ج ۸] ۱۶۹۱، ۱۷۴۲،
۱۸۳۸، ۱۹۱۵، ۱۹۲۱، ۱۹۷۹، ۲۱۱۶،
۲۱۱۹ (نیز نک: بنادر خلیج فارس)
خمام؛ [ج ۵] ۱۰۹۶
خمسه؛ [ج ۶] ۱۴۳۶، ۱۴۳۷؛ [ج ۸] ۱۷۵۷،
۱۹۰۳، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴ (نیز نک: ایلات
خمسه)
خمین — خمی؛ [ج ۸] ۱۸۵۴
خواجه نجف — خچه نجف؛ [ج ۸] ۲۰۰۲،
۲۱۰۵، ۲۱۴۹
خواجه نفس؛ [ج ۵] ۱۲۰۱؛ [ج ۶] ۱۳۳۷،
۱۴۴۸؛ [ج ۷] ۱۵۳۱، ۱۵۳۷، ۱۶۰۳
خوار؛ [ج ۵] ۱۱۲۳، ۱۲۱۱؛ [ج ۶] ۱۴۳۶
خواف؛ [ج ۳] ۶۷۶
خوانسار؛ [ج ۶] ۱۲۸۳؛ [ج ۸] ۱۷۰۹
خور؛ [ج ۵] ۱۰۳۸
خورموسی؛ [ج ۸] ۱۹۴۹
خوزستان؛ [ج ۸] ۱۷۲۹، ۱۷۴۳، ۱۷۷۱
خوتاب (خوش آب)؛ [ج ۳] ۶۶۱؛ [ج ۸]

دماوند؛ [ج ۳] ۶۷۸؛ [ج ۴] ۹۳۶، ۹۳۷؛
 [ج ۶] ۱۴۳۶
 دواگونی؛ [ج ۸] ۲۱۲۷، ۲۱۲۵
 دویی (دبای)؛ [ج ۷] ۱۶۰۶
 دوپلان؛ [ج ۸] ۱۹۸۸، ۲۰۵۶، ۲۰۵۷، ۲۰۵۹
 دوج؛ [ج ۱] ۱۶۶
 دوراه خشت؛ [ج ۸] ۲۱۲۴، ۲۱۲۶
 دوشان تپه؛ [ج ۱] ۱۶۸؛ [ج ۳] ۶۸۷، ۷۰۶
 دولت (محلّه)؛ [ج ۳] ۶۷۵
 دولت آباد؛ [ج ۱] ۱۶۷؛ [ج ۲] ۴۱۳؛ [ج ۳] ۶۸۰
 [ج ۴] ۸۵۹؛ [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۲۳۳؛
 [ج ۶] ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۴۳۷
 دوه چی (محلّه)؛ [ج ۱] ۳۲۴
 دهانه؛ [ج ۴] ۸۹۲
 ده بزرگ؛ [ج ۶] ۱۴۷۷
 ده بید؛ [ج ۱] ۱۵۸، ۱۸۸؛ [ج ۲] ۵۲۴، ۵۳۵
 [ج ۳] ۷۱۴؛ [ج ۴] ۷۸۸، ۸۶۶؛ [ج ۵] ۱۵۴۱،
 ۱۰۰۰، ۱۰۱۶، ۱۰۲۹؛ [ج ۷] ۱۵۴۱
 ۱۵۴۴، ۱۶۵۹، ۱۶۶۱؛ [ج ۸] ۱۸۰۶
 ۱۹۰۷، ۱۹۰۸، ۱۹۴۲، ۱۹۷۱
 دهج؛ [ج ۴] ۹۷۰
 دهخوارقان؛ [ج ۳] ۶۷۵
 ده رستم بیک؛ [ج ۵] ۱۰۹۹
 ده سلام؛ [ج ۵] ۱۰۳۸
 ده شیخ؛ [ج ۷] ۱۶۲۳، ۱۶۲۴
 ده کرد؛ [ج ۵] ۱۰۸۳، ۱۰۹۸؛ [ج ۸] ۱۹۹۰،
 ۲۰۵۸، ۲۰۵۹ (نیز نک: دز کرد)
 ده کو؛ [ج ۵] ۹۹۹
 ده کهنه؛ [ج ۸] ۲۱۲۶
 ده نامه؛ [ج ۵] ۱۲۳۲
 دیر (بندس)؛ [ج ۵] ۱۰۰۷
 دیرنجان؛ [ج ۸] ۱۸۹۸ (نیز نک: درنگان)

درنگان؛ [ج ۸] ۲۰۸۲، ۲۰۸۳
 دره شیراز؛ [ج ۸] ۱۹۴۵، ۲۰۸۲، ۲۰۸۳،
 ۲۰۸۸، ۲۰۸۵
 دره کمارج؛ [ج ۸] ۱۹۰۹
 دریاچه ارومی؛ [ج ۸] ۲۱۵۳
 دریا قلی؛ [ج ۳] ۶۶۱
 دریسی — دیریس — دیریسن؛ [ج ۸] ۱۸۰۵،
 ۱۹۲۰، ۲۱۲۴، ۲۱۲۶
 دزفول؛ [ج ۳] ۶۷۸، ۷۶۵؛ [ج ۴] ۹۳۳، ۹۶۲؛
 [ج ۶] ۱۴۳۶؛ [ج ۸] ۱۷۶۲، ۱۸۰۱،
 ۱۸۹۰، ۲۰۴۸
 در کرد؛ [ج ۸] ۱۸۰۸ (نیز نک: ده کرد)
 دشت ارجن — دشت ارژن؛ [ج ۳] ۷۳۲، ۷۶۵؛
 [ج ۴] ۷۷۵، ۷۸۷، ۷۸۸، ۸۰۴، ۸۰۸
 ۸۶۶، ۹۴۴، ۹۶۱؛ [ج ۵] ۱۰۵۴، ۱۰۷۲
 ۱۱۱۳؛ [ج ۶] ۱۳۴۵؛ [ج ۷] ۱۴۹۱
 ۱۵۴۲، ۱۶۰۵، ۱۶۲۴، ۱۶۸۱؛ [ج ۸] ۱۸۰۸،
 ۱۸۹۸، ۱۹۲۰، ۱۹۶۸، ۲۰۲۶، ۲۰۳۵،
 ۲۰۴۵، ۲۰۴۷، ۲۰۶۹، ۲۰۷۱—۲۰۷۳،
 ۲۰۷۵—۲۰۷۷، ۲۱۰۷، ۲۱۰۸، ۲۱۱۷، ۲۱۱۸،
 ۲۱۲۴، ۲۱۲۶، ۲۱۲۹، ۲۱۳۰، ۲۱۴۴، ۲۱۵۷
 دشت برم؛ [ج ۸] ۲۱۲۴
 دشت خشت؛ [ج ۸] ۱۹۲۰
 دشتستان؛ [ج ۳] ۶۵۸، ۶۷۷؛ [ج ۴] ۷۸۷
 دشت کازرون؛ [ج ۸] ۱۹۲۱، ۲۱۲۲
 دشت کمارج؛ [ج ۸] ۱۹۲۰، ۱۹۲۱
 دشت گرگان؛ [ج ۵] ۱۲۰۱
 دشتی؛ [ج ۲] ۴۷۸؛ [ج ۳] ۷۸۷
 دلبنده؛ [ج ۸] ۲۱۰۶
 دلوار — دیلوار؛ [ج ۳] ۷۱۶؛ [ج ۴] ۸۹۴،
 ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۶۱

،۴۱۳ ، ۴۱۵-۴۱۷ ، ۴۲۱-۴۲۶ ، ۴۲۹ ،
،۴۳۱ ، ۴۴۰ ، ۴۴۸ ، ۴۵۹-۴۶۱ ، ۴۶۹ ،
،۴۷۴ ، ۴۸۶ ، ۴۸۷ ، ۵۲۰-۵۲۲ ، ۵۲۹ ،
[ج ۳] ، ۵۴۳ ، ۵۴۵-۵۴۸ ، ۵۶۴ ، ۵۶۶ ،
،۵۷۷ ، ۵۸۲ ، ۵۸۳ ، ۵۸۵ ، ۵۸۶ ، ۵۹۶ ،
،۵۹۹ ، ۶۰۷ ، ۶۳۶ ، ۶۴۱ ، ۶۴۶ ، ۶۵۵ ،
،۶۵۸ ، ۶۶۴ ، ۶۷۹ ، ۶۹۲ ، ۶۹۶ ، ۷۰۸ ،
،۷۰۹ ، ۷۱۷ ، ۷۲۸ ، ۷۴۳ ، ۷۴۴ ، ۷۵۳ ،
،۷۵۸ ، ۷۵۹ ، ۷۶۱ [ج ۴] ، ۷۷۹ ، ۷۸۵ ،
،۸۲۱ ، ۸۳۳ ، ۸۵۵ ، ۸۶۴ ، ۸۶۹ ، ۸۷۶ ،
،۹۳۱ ، ۹۶۷ [ج ۵] ، ۱۰۱۲ ، ۱۰۳۷ ، ۱۰۳۸ ،
،۱۰۷۴ ، ۱۰۸۴ ، ۱۰۸۶ ، ۱۰۹۶ ، ۱۱۰۱ ،
،۱۱۵۱ ، ۱۱۵۲ ، ۱۱۵۶ ، ۱۱۹۴ ، ۱۲۰۰ ،
،۱۲۰۶ ، ۱۲۲۹ [ج ۶] ، ۱۲۹۷ ، ۱۲۹۸ ،
،۱۳۳۴ ، ۱۳۵۱ ، ۱۳۵۲ ، ۱۳۵۷ ، ۱۳۶۰ ،
،۱۳۶۳ ، ۱۳۶۴ ، ۱۳۶۷-۱۳۶۹ ، ۱۳۷۲ ،
،۱۳۷۳ ، ۱۳۷۵ ، ۱۳۷۷ ، ۱۳۷۹ ، ۱۳۸۰ ،
،۱۳۹۱ ، ۱۳۹۳ ، ۱۳۹۸ ، ۱۴۳۷ ، ۱۴۴۵ ،
،۱۴۴۸ ، ۱۴۵۸ ، ۱۴۵۹ ، ۱۴۶۲ [ج ۷] ،
،۱۴۸۹ ، ۱۴۹۲ ، ۱۴۹۴ ، ۱۴۹۸ ، ۱۵۰۱ ،
،۱۵۰۸ ، ۱۵۱۳-۱۵۱۵ ، ۱۵۱۷ ، ۱۵۲۴ ،
،۱۵۳۱-۱۵۳۲ ، ۱۵۳۸-۱۵۳۶ ،
،۱۵۴۵-۱۵۴۸ ، ۱۵۵۱ ، ۱۵۵۲ ، ۱۵۶۶ ،
،۱۵۶۸ ، ۱۵۷۶ ، ۱۵۸۵ ، ۱۵۹۰ ، ۱۵۹۳ ،
،۱۵۹۸ ، ۱۶۰۳ ، ۱۶۰۷ ، ۱۶۱۰ ، ۱۶۳۱ ،
،۱۶۴۷ ، ۱۶۵۶ ، ۱۶۶۳ [ج ۸] ، ۱۶۹۱ ،
،۱۷۰۸ ، ۱۷۲۳ ، ۱۷۲۴ ، ۱۷۳۰ ، ۱۷۴۰ ،
،۱۷۶۸ ، ۱۷۸۷ ، ۱۷۸۹ ، ۱۸۱۵ ، ۱۸۴۷ ،
،۱۸۷۹ ، ۱۹۲۸ ، ۱۹۴۰ ، ۲۰۳۲ ، ۲۰۵۰ ،
،۲۰۶۱ ، ۲۱۲۰ ، ۲۱۲۱ ، ۲۱۴۹ ، ۲۱۵۲ ،
رفسنجان؛ [ج ۱] ، ۱۶۷ ، ۱۷۴ [ج ۲] ، ۴۱۳ ؛
[ج ۳] ، ۵۶۷ ، ۶۴۹ ، ۶۷۷ ، ۷۳۱ ، ۷۳۲ ؛

دیزآباد؛ [ج ۴] ، ۷۹۵ [ج ۵] ، ۱۰۷۶
دیلمان؛ [ج ۳] ، ۶۷۹
دیلمقان؛ [ج ۳] ، ۶۷۵
دیناور (نک: دینور)
دینور؛ [ج ۸] ، ۱۷۰۴ ، ۱۷۰۶
دیوانکی؛ [ج ۸] ، ۲۱۲۷
دیوانی: [ج ۸] ، ۲۱۲۵
دیو سفید (قلعه): [ج ۵] ، ۱۲۳۳

ذهاب؛ [ج ۸] ، ۲۱۱۴

رائین - رائین؛ [ج ۶] ، ۱۴۳۷ [ج ۸] ، ۱۷۳۱
رام هرمز؛ [ج ۱] ، ۲۸۳ [ج ۲] ، ۴۷۲ [ج ۸]
۲۰۴۹

رانکی؛ [ج ۵] ، ۱۰۳۷

راور؛ [ج ۳] ، ۶۷۷ [ج ۴] ، ۹۷۱

راونج؛ [ج ۴] ، ۷۹۸

راه بوشهر - شیراز؛ [ج ۸] ، ۲۱۵۷

راهبار؛ [ج ۷] ، ۱۶۰۴ ، ۱۶۵۹ [ج ۸] ، ۱۸۰۷ ،

۱۸۰۸ ، ۱۸۱۸ ، ۱۹۰۹-۱۹۱۱ ، ۲۱۲۶

راه کازرون - شیراز؛ [ج ۸] ، ۲۱۵۷

راه لینگ؛ [ج ۸] ، ۱۷۹۰ ، ۱۸۰۲ ، ۱۸۵۶ ،

۱۸۸۶ ، ۱۹۴۸ ، ۱۹۸۹-۱۹۹۱

ریاط؛ [ج ۴] ، ۸۷۶ ، ۸۸۲ [ج ۵] ، ۱۰۹۶

ریاط کریم؛ [ج ۳] ، ۶۴۱ ، ۶۴۴ ، ۶۸۶ ، ۷۰۵

رحمت آباد؛ [ج ۳] ، ۷۴۴

رشت؛ [ج ۱] ، ۳۷ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۵۳ ، ۶۶ ، ۷۳ ،

۱۱۰ ، ۱۲۶ ، ۱۳۳ ، ۱۳۷ ، ۱۴۴ ، ۱۵۷ ،

۱۵۹ ، ۱۶۵ ، ۱۷۳ ، ۱۷۴ ، ۲۱۸ ، ۲۴۸ ،

۲۴۹ ، ۳۰۵ [ج ۲] ، ۳۵۲ ، ۳۸۱ ، ۴۰۳ ،

۱۳۶۴، ۱۳۷۵، ۱۳۹۶: [ج ۷] ۱۵۳۰،
 ۱۵۳۴، ۱۵۵۴، ۱۵۶۲، ۱۵۸۳، ۱۵۹۳،
 ۱۶۰۳، ۱۶۱۱، ۱۶۲۰، ۱۶۲۷، ۱۶۳۱،
 ۱۶۶۱، ۱۶۶۳: [ج ۸] ۱۶۹۱، ۱۷۱۵،
 ۱۷۳۶، ۱۷۴۰، ۱۷۶۸، ۱۸۳۹، ۱۸۴۱،
 ۱۸۴۷، ۱۸۵۸، ۱۸۸۶، ۱۹۲۸، ۱۹۷۱،

۲۰۰۷، ۲۰۶۱، ۲۱۵۲

رینان؛ [ج ۱] ۲۲۰

ریوال؛ [ج ۱] ۱۹۱

زاوه؛ [ج ۳] ۷۲۹، ۷۴۵

زرقان — زرقون — زرکان؛ [ج ۱] ۱۸۰: [ج ۲]

۴۷۲: [ج ۷] ۱۶۲۲: [ج ۸] ۱۹۴۳

۲۰۱۱، ۲۰۱۳، ۲۰۵۲

زرگنده؛ [ج ۱] ۲۳۷، ۲۴۶: [ج ۲] ۶۲۲،

۶۸۳، ۷۰۴، ۷۲۶، ۷۵۵: [ج ۴] ۹۱۶،

۹۱۷: [ج ۵] ۱۱۳۱، ۱۱۳۹، ۱۱۹۳،

۱۱۹۷: [ج ۶] ۱۳۳۲: [ج ۸] ۱۹۶۲

زرنده؛ [ج ۱] ۲۴۴: [ج ۳] ۶۷۸: [ج ۵]

۱۲۲۵: [ج ۶] ۱۲۸۷، ۱۴۳۶

زنجان؛ [ج ۱] ۶۶: [ج ۲] ۴۶۶: [ج ۳] ۵۶۶،

۶۷۸، ۷۳۷، ۷۳۹، ۷۴۴، ۷۴۹، ۷۶۱،

[ج ۴] ۷۸۲، ۷۸۵، ۸۵۲، ۹۵۰: [ج ۵]

۱۲۳۵: [ج ۶] ۱۴۳۶: [ج ۷] ۱۵۶۷،

۱۵۷۷: [ج ۸] ۱۶۹۷، ۱۷۰۰، ۱۷۰۹،

۱۷۱۶، ۱۷۴۱، ۱۷۴۶، ۱۷۴۹، ۱۷۶۳،

۱۷۹۳، ۱۸۲۴، ۱۸۷۱، ۱۸۸۵، ۱۸۸۶،

۱۹۵۵، ۱۹۷۵، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۱۹۹۹

زینان — زینان؛ [ج ۷] ۱۶۲۳: [ج ۸] ۱۸۰۶،

۱۹۴۳

[ج ۴] ۸۷۵، ۸۹۳، ۸۹۴، ۹۴۹: [ج ۵]

۱۲۳۰: [ج ۶] ۱۲۸۵، ۱۴۳۷: [ج ۸]

۱۹۷۲

رملکی؛ [ج ۸] ۲۱۲۶

رنه (رینه)؛ [ج ۴] ۹۳۷

روبار؛ [ج ۱] ۲۸۲

رودبـار؛ [ج ۱] ۲۸۲: [ج ۳] ۶۷۹: [ج ۵]

۹۹۴: [ج ۶] ۱۲۸۴، ۱۲۸۵: [ج ۸]

۱۷۲۵، ۱۷۷۵، ۱۸۲۷، ۱۸۲۸

رودخانه شوشتر؛ [ج ۸] ۲۰۴۹

رودخانه قره آقاچ؛ [ج ۸] ۲۱۴۴

رود هله؛ [ج ۴] ۸۷۳

روسیه؛ [ج ۱] ۳۰۹، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۲۷، ۳۳۱؛

[ج ۲] ۳۸۹، ۴۳۵: [ج ۳] ۵۷۰،

۵۷۱، ۵۷۵، ۵۷۷ — ۵۷۹، ۵۸۱،

۵۸۳ — ۵۸۷، ۵۸۹، ۶۰۷ — ۶۰۹، ۶۱۱،

۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۳، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۰،

۶۳۲، ۶۳۴، ۶۴۶، ۶۵۱ — ۶۵۴، ۶۶۳ —

۶۶۵، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۷، ۶۹۹،

۷۰۲، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۷، ۷۲۱،

۷۲۲، ۷۲۶، ۷۳۴ — ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۳۹،

۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۲،

۷۵۳، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۶۱، ۷۶۶، ۷۶۷،

[ج ۴] ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۲۱، ۸۲۸، ۸۴۲،

۸۷۵: [ج ۵] ۹۸۵ — ۹۸۸، ۹۹۰، ۹۹۱،

۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۸،

۱۰۱۳ — ۱۰۱۵، ۱۰۱۸، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸،

۱۰۵۹، ۱۰۶۶، ۱۱۰۰، ۱۱۰۶، ۱۱۲۳،

۱۱۲۷، ۱۱۴۱، ۱۱۴۴، ۱۱۵۷، ۱۱۶۰،

۱۱۶۱، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۹، ۱۲۰۶،

۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۲۰، ۱۲۲۲ — ۱۲۲۴،

[ج ۶] ۱۲۵۶، ۱۲۶۴، ۱۳۰۱، ۱۳۳۵،

- زنیان کهنه؛ [ج ۸] ۲۱۲۴
 زنیان نو؛ [ج ۸] ۲۱۲۴
 زواره؛ [ج ۴] ۹۶۹، ۹۳۹، ۹۱۰
 زیر کتل دختر؛ [ج ۸] ۲۱۲۴ (نیز نک: کتل
 دختری)
 ژاپن؛ [ج ۶] ۱۳۴۵
 سابوخ؛ [ج ۳] ۵۶۷
 ساری؛ [ج ۳] ۶۸۰؛ [ج ۵] ۱۰۷۴، ۱۱۶۷،
 ۱۱۷۰، ۱۲۰۲؛ [ج ۶] ۱۴۳۷؛ [ج ۷]
 ۱۵۹۲
 ساوجبلاغ؛ [ج ۱] ۳۳، ۱۲۵؛ [ج ۳] ۵۴۷،
 ۶۷۵؛ [ج ۶] ۱۴۳۵؛ [ج ۸] ۱۹۶۵، ۱۹۷۰
 ساوه؛ [ج ۱] ۶۳؛ [ج ۳] ۶۷۸؛ [ج ۵] ۱۲۲۱،
 ۱۲۲۵؛ [ج ۶] ۱۲۸۷، ۱۴۳۶
 سبزآباد؛ [ج ۳] ۷۳۳
 سبزواری؛ [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۷؛ [ج ۳]
 ۵۶۷، ۶۷۶؛ [ج ۵] ۱۱۵۲، ۱۲۰۶؛ [ج ۶]
 ۱۴۳۵؛ [ج ۸] ۲۱۵۲
 سبزه میدان (رشت)؛ [ج ۶] ۱۴۵۹
 سراب؛ [ج ۳] ۶۴۷، ۶۷۵، ۷۳۷، ۷۳۹، ۷۴۹،
 ۷۵۰، ۷۵۴، ۷۵۶، ۷۶۰؛ [ج ۴] ۷۷۷،
 ۷۷۹، ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۷۶، ۸۹۲، ۸۹۵،
 ۹۰۸، ۹۳۱؛ [ج ۵] ۱۱۹۰؛ [ج ۶] ۱۴۳۵؛
 [ج ۸] ۱۷۸۹
 سربند؛ [ج ۳] ۷۳۰؛ [ج ۴] ۹۵۹
 سرپل؛ [ج ۲] ۳۵۳؛ [ج ۴] ۹۷۰؛ [ج ۵]
 ۱۱۹۰
 سرپل قره آقاج — قره قاج؛ [ج ۸] ۲۱۲۴
- سرچنگک؛ [ج ۸] ۲۱۲۴، ۲۱۲۶
 سرخابه؛ [ج ۴] ۸۹۵
 سرخس؛ [ج ۴] ۹۰۸
 سرخون؛ [ج ۵] ۱۱۸۴
 سرخه — سرخی؛ [ج ۶] ۱۴۶۵؛ [ج ۷] ۱۵۴۲؛
 [ج ۸] ۲۰۱۷، ۲۰۲۶، ۲۰۸۱
 سردآب؛ [ج ۸] ۲۰۵۵، ۲۰۵۶، ۲۰۵۸، ۲۰۵۹
 سردرود؛ [ج ۲] ۳۶۸، ۴۳۴، ۴۶۲؛ [ج ۴]
 ۹۳۲
 سزراک؛ [ج ۸] ۱۸۵۲
 سرسنگ؛ [ج ۲] ۳۸۲، ۳۸۳
 سرکتل؛ [ج ۸] ۲۱۲۶، ۲۱۲۷
 سرکتل دختر؛ [ج ۸] ۲۱۲۴ (نیز نک: کتل
 دختری)
 سرکتل ملو؛ [ج ۸] ۲۱۲۵ (نیز نک: کتل ملو)
 سروستان؛ [ج ۶] ۱۴۶۵
 سرهند؛ [ج ۷] ۱۵۷۷
 سرهنگ آباد؛ [ج ۸] ۱۹۴۱
 سعدی (دروازه)؛ [ج ۶] ۱۴۶۳
 سعید آباد؛ [ج ۳] ۶۷۷
 سقز؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۶] ۱۴۳۶؛ [ج ۸]
 ۱۸۲۴
 سلطان آباد؛ [ج ۱] ۳۹، ۵۵، ۸۲، ۱۷۹، ۲۱۸،
 ۲۶۷؛ [ج ۳] ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۷۸، ۷۲۱،
 ۷۳۰، ۷۴۱، ۷۶۲؛ [ج ۴] ۷۸۵، ۷۹۸،
 ۸۱۲، ۸۷۶، ۸۹۲، ۸۹۵، ۹۰۸، ۹۳۱،
 ۹۵۹، ۹۶۹؛ [ج ۵] ۱۰۳۹، ۱۰۸۵، ۱۱۵۳،
 ۱۱۵۵، ۱۱۹۳، ۱۲۰۹، ۱۲۱۳، ۱۲۱۸،
 ۱۲۳۲، ۱۲۳۴؛ [ج ۶] ۱۲۸۲، ۱۲۸۳،
 ۱۲۸۷، ۱۳۳۹، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۴۵؛
 [ج ۷] ۱۶۳۸، ۱۶۳۹، ۱۶۷۱، ۱۶۷۴؛
 [ج ۸] ۱۶۹۹، ۱۷۰۹، ۱۷۳۲، ۱۷۴۸

۱۴۱۱، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴،	۱۷۶۳، ۱۸۱۵، ۱۸۵۴، ۱۸۵۵، ۱۹۱۳،
۱۴۲۶، ۱۴۳۸، ۱۴۵۱، ۱۴۵۳، ۱۴۵۹،	۱۹۴۱، ۱۹۷۱، ۱۹۷۴،
۱۴۶۱ [ج ۷]، ۱۴۸۹، ۱۴۹۲، ۱۵۱۲،	سلطان سری راک؛ [ج ۴] ۹۶۹،
۱۵۲۲، ۱۵۵۰-۱۵۵۲، ۱۵۵۵، ۱۵۶۳،	سلطنت آباد؛ [ج ۳] ۵۶۵، ۵۷۳، ۵۹۸، ۶۱۷،
۱۵۶۴، ۱۵۶۷، ۱۵۷۲، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶،	۶۲۴، ۶۲۵، ۶۳۸، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۵،
۱۵۷۹، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۶، ۱۵۹۴،	۶۸۷، ۶۹۰، ۶۹۱، ۷۰۵، ۷۰۶،
۱۵۹۶، ۱۵۹۸، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۷،	سلماس؛ [ج ۱] ۱۲۵؛ [ج ۲] ۳۵۱، ۳۷۰،
۱۶۱۹، ۱۶۲۹، ۱۶۳۴، ۱۶۳۸، ۱۶۵۷،	۳۸۹، ۳۹۰، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۵، ۵۲۸؛
۱۶۶۹ [ج ۸]، ۱۶۹۳، ۱۶۹۸، ۱۷۱۲،	[ج ۳] ۵۹۹؛ [ج ۷] ۱۶۳۰،
۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۷،	سمنان؛ [ج ۱] ۱۶۵؛ [ج ۳] ۶۷۸؛ [ج ۵]
۱۷۳۲، ۱۷۳۶، ۱۷۳۹، ۱۷۸۵، ۱۷۹۲،	۱۱۷۳، ۱۱۸۷، ۱۲۲۸؛ [ج ۶] ۱۴۳۶؛
۱۸۴۱، ۱۸۴۳-۱۸۵۰، ۱۸۵۸، ۱۸۶۸-	[ج ۷] ۱۵۹۷، ۱۵۳۱،
۱۸۷۲، ۱۸۷۶، ۱۸۷۹، ۱۸۸۱، ۱۸۸۲،	سمیلا؛ [ج ۶] ۱۳۱۱،
۱۹۰۶، ۱۹۱۲، ۱۹۲۲، ۱۹۲۶، ۱۹۲۹،	سنت پترزبورغ؛ [ج ۲] ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۵۲،
۱۹۳۰، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۸۲، ۲۰۰۱،	۳۷۹، ۴۰۱، ۵۳۸؛ [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۵،
۲۰۰۳، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸، ۲۰۲۰، ۲۰۲۳،	۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۸، ۵۷۰، ۵۷۵،
۲۰۲۴، ۲۰۲۷، ۲۰۲۸، ۲۰۳۴، ۲۰۴۰،	۵۷۹، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۷-۵۸۹،
۲۰۹۷، ۲۱۰۱، ۲۱۳۵، ۲۱۳۶، ۲۱۵۴-	۶۱۹، ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۰،
۲۱۵۶	۶۳۲، ۶۳۴، ۶۶۵؛ [ج ۴] ۷۹۰؛ [ج ۵]
سنجاب؛ [ج ۸] ۱۹۹۶	۹۸۷، ۹۹۰، ۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۰۴۱،
سنقر؛ [ج ۳] ۶۷۹	۱۱۰۵، ۱۱۰۷، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲، ۱۱۲۳،
سنگلج (محلہ)؛ [ج ۳] ۶۷۵	۱۱۲۴، ۱۱۲۶، ۱۱۳۷، ۱۱۴۰، ۱۱۶۹،
سنندج؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۴] ۹۱۱؛ [ج ۵]	۱۱۷۲، ۱۱۷۶، ۱۱۸۲-۱۱۸۴، ۱۱۸۸،
۱۱۲۱؛ [ج ۸] ۱۷۹۷، ۱۹۲۹، ۱۹۴۲،	۱۲۱۷، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۴۳؛ [ج ۶]
۱۹۵۲، ۱۹۵۳، ۱۹۷۲-۱۹۷۴،	۱۲۵۶، ۱۲۶۰، ۱۲۷۹، ۱۲۹۲، ۱۲۹۷،
سنہ (سنندج)؛ [ج ۶] ۱۴۳۶	۱۲۹۸، ۱۳۰۰، ۱۳۰۴، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷،
سوء؛ [ج ۱] ۷۴	۱۳۰۹، ۱۳۱۲، ۱۳۱۴، ۱۳۱۷، ۱۳۱۹-
سوئڈ؛ [ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۹۸، ۱۰۱۰،	۱۳۲۳، ۱۳۲۶، ۱۳۲۸، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷،
۱۰۴۲، ۱۰۴۴، ۱۰۶۳، ۱۰۸۰، ۱۰۸۵،	۱۳۴۹، ۱۳۵۲، ۱۳۵۴، ۱۳۵۷، ۱۳۶۰،
۱۰۹۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۷-۱۱۱۰، ۱۱۷۷،	۱۳۶۱، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۷۱، ۱۳۷۴،
۱۱۸۳، ۱۱۸۷-۱۱۹۰، ۱۱۹۲، ۱۱۹۸،	۱۳۷۵، ۱۳۷۷، ۱۳۸۱، ۱۳۸۴، ۱۳۹۴،
۱۲۲۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۹؛ [ج ۶] ۱۲۵۶،	۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۳-۱۴۰۵، ۱۴۰۷-

[ج ۸] ۲۱۴۴، ۲۰۴۵

سیوند؛ [ج ۱] ۱۸۸، ۳۰۵؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۴۷۲،
۵۲۴؛ [ج ۴] ۸۳۵، ۸۷۳؛ [ج ۵] ۱۰۰۰،
۱۰۱۹، ۱۰۸۳، ۱۱۵۰؛ [ج ۶] ۱۴۳۶؛
[ج ۷] ۱۶۲۲، ۱۶۲۳؛ [ج ۸] ۱۹۶۸

شاه آباد؛ [ج ۳] ۵۸۹، ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۸۶، ۷۰۵،
شاهپور؛ [ج ۷] ۱۵۰۹، ۱۵۲۷، ۱۶۰۴، ۱۶۸۱؛
[ج ۸] ۱۸۰۷، ۱۹۰۹، ۱۹۱۰، ۱۹۲۰،
۱۹۴۴

شاه چراغ؛ [ج ۳] ۷۱۳، ۷۱۴

شاهرود؛ [ج ۳] ۶۰۰، ۶۷۸؛ [ج ۵] ۱۰۷۰،
۱۱۴۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۸، ۱۱۷۰، ۱۱۹۷،
۱۲۲۸، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲؛ [ج ۶] ۱۴۳۶؛
[ج ۷] ۱۵۳۱، ۱۵۳۸، ۱۵۸۱، ۱۵۹۷،
۱۶۰۳، ۱۶۵۳؛ [ج ۸] ۱۹۷۰، ۱۹۷۱،
۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷، ۲۰۳۲

شاه عبدالعظیم — شاهزاده عبدالعظیم (نک):
حضرت عبدالعظیم

شاه نو؛ [ج ۱] ۱۶۶

شبانکاره؛ [ج ۸] ۱۹۴۴، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲

شبلی؛ [ج ۴] ۹۳۸

شفیع آباد؛ [ج ۱] ۱۲۳

شلا (?); [ج ۵] ۱۰۹۶

شلگستان؛ [ج ۷] ۱۶۲۲—۱۶۲۴؛ [ج ۸]

۲۰۵۶، ۱۸۵۲

شلمزار؛ [ج ۸] ۲۰۵۹

شلیل؛ [ج ۸] ۱۸۵۲، ۲۰۵۶

شمس؛ [ج ۱] ۱۶۷

شمس آباد؛ [ج ۸] ۱۹۹۰

شمشیری؛ [ج ۳] ۷۱۶

۱۲۶۶، ۱۲۷۰، ۱۲۷۲ — ۱۲۷۴، ۱۲۷۷،
۱۲۸۸، ۱۳۴۸؛ [ج ۸] ۱۶۹۲، ۱۶۹۳،
۱۷۱۸، ۱۷۲۸، ۱۷۳۶، ۱۷۶۸، ۱۷۹۲،
۱۸۱۳، ۱۸۶۳، ۱۸۷۵، ۱۸۷۸، ۱۸۷۹،
۱۸۸۲، ۱۹۷۱، ۱۹۷۷، ۱۹۸۱، ۱۹۸۴،
۱۹۸۶، ۱۹۸۷، ۲۰۱۱، ۲۰۴۲، ۲۰۹۵،
۲۱۰۰، ۲۱۱۴، ۲۱۱۸، ۲۱۵۳

سواد کوه؛ [ج ۳] ۶۸۰؛ [ج ۵] ۱۱۸۷، ۱۲۱۵،
۱۲۳۳؛ [ج ۶] ۱۲۸۷
سورمق؛ [ج ۷] ۱۶۲۴؛ [ج ۸] ۱۹۰۸، ۱۹۶۸
سویس؛ [ج ۴] ۹۲۹؛ [ج ۵] ۱۱۴۰؛ [ج ۸]
۲۰۳۲

سیاخ؛ [ج ۷] ۱۶۲۳؛ [ج ۸] ۱۸۹۸، ۱۸۹۹،
۱۹۴۳، ۱۹۴۵ — ۱۹۶۶، ۱۹۶۷، ۲۰۱۴،
۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۸۲، ۲۰۸۳، ۲۰۸۵،
۲۰۸۶

سیدان؛ [ج ۱] ۲۴۹

سیراب؛ [ج ۸] ۱۹۹۹

سیرجان؛ [ج ۳] ۶۷۷؛ [ج ۴] ۸۹۴؛ [ج ۶]
۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۴۳۷؛ [ج ۸] ۱۸۲۷،
۲۱۴۹، ۲۱۰۶، ۲۰۵۱

سیستان؛ [ج ۱] ۳۵، ۷۳، ۱۱۲، ۱۶۷، ۲۶۹؛
[ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۱، ۶۴۸، ۶۷۶، ۶۸۵،
۷۲۹، ۷۳۰، ۷۴۵؛ [ج ۴] ۷۸۷، ۸۳۴،
۸۷۰، ۸۸۲، ۸۹۲، ۹۳۸، ۹۵۶، ۹۶۸؛
[ج ۵] ۹۸۱، ۱۰۳۸، ۱۰۷۵، ۱۰۹۶،
۱۱۵۲، ۱۲۰۷، ۱۲۳۱؛ [ج ۶] ۱۲۹۰،
۱۳۳۵، ۱۳۴۰، ۱۴۳۶، ۱۴۴۹؛ [ج ۷]
۱۵۴۰، ۱۶۰۵، ۱۶۵۸؛ [ج ۸] ۱۷۰۰،
۱۷۴۱، ۲۱۰۶، ۲۱۴۹

سینه سفید (گذار — گردنه — برج)؛ [ج ۴]
۷۸۷، ۸۰۸؛ [ج ۵] ۹۹۹؛ [ج ۷] ۱۶۲۳؛

[ج ۴] ۷۷۵، ۷۸۱، ۷۸۶ — ۷۹۰، ۷۹۲،
 ۷۹۹ — ۸۰۱، ۸۰۳ — ۸۰۵، ۸۰۷، ۸۰۹،
 ۸۱۰، ۸۱۲، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۲۴، ۸۳۲،
 ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۷، ۸۴۶، ۸۵۶ — ۸۵۸،
 ۸۶۵ — ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۶، ۸۸۶،
 ۸۹۴، ۹۰۴، ۹۱۲، ۹۲۵، ۹۳۲ — ۹۳۴،
 ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۴ — ۹۴۶، ۹۴۸،
 ۹۴۹، ۹۵۵، ۹۵۷، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۴،
 ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۹، ۹۷۱، ۹۷۲ [ج ۵]،
 ۹۷۷ — ۹۷۹، ۹۸۱ — ۹۸۳، ۹۸۸، ۹۹۵،
 ۹۹۶، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۲، ۱۰۰۵ —
 ۱۰۰۷، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۴، ۱۰۱۶،
 ۱۰۱۹، ۱۰۲۹ — ۱۰۳۲، ۱۰۴۰ — ۱۰۴۳،
 ۱۰۴۵، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۱ — ۱۰۵۴،
 ۱۰۵۶ — ۱۰۶۳، ۱۰۶۵، ۱۰۷۲، ۱۰۷۶ —
 ۱۰۷۸، ۱۰۸۱ — ۱۰۸۴، ۱۰۸۶، ۱۰۸۹،
 ۱۰۹۷، ۱۰۹۹، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۶،
 ۱۱۱۲، ۱۱۱۴ — ۱۱۱۶، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹،
 ۱۱۲۳، ۱۱۲۵، ۱۱۲۸، ۱۱۳۷، ۱۱۴۴،
 ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۵، ۱۱۵۹، ۱۱۶۶،
 ۱۱۶۷، ۱۱۷۱، ۱۱۸۶ — ۱۱۸۸، ۱۱۹۰ —
 ۱۱۹۲، ۱۱۹۶، ۱۱۹۸، ۱۲۰۳، ۱۲۰۷،
 ۱۲۱۲، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۸، ۱۲۲۰،
 ۱۲۲۱، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۳۱، ۱۲۴۰ —
 ۱۲۴۲، ۱۲۴۴ — ۱۲۴۶ [ج ۶] ۱۲۵۳ —
 ۱۲۶۹، ۱۲۷۲ — ۱۲۷۷، ۱۲۷۹، ۱۲۸۲،
 ۱۲۸۴، ۱۲۹۱ — ۱۲۹۳، ۱۲۹۵ — ۱۲۹۸،
 ۱۳۰۴ — ۱۳۰۶، ۱۳۰۸، ۱۳۱۶، ۱۳۱۹،
 ۱۳۳۸ — ۱۳۴۲، ۱۳۴۵، ۱۳۶۴، ۱۳۷۲،
 ۱۴۲۳، ۱۴۲۵، ۱۴۲۷، ۱۴۲۹، ۱۴۳۶،
 ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۹، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲،
 ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۶۲ — ۱۴۶۵، ۱۴۶۸ —

شمیرانات — شمیران؛ [ج ۳] ۵۹۸؛ [ج ۴]
 ۹۰۷
 شورین؛ [ج ۶] ۱۳۴۰
 شوشتر؛ [ج ۳] ۶۷۸، ۷۶۵؛ [ج ۴] ۷۹۹، ۹۳۳،
 ۹۴۲، ۹۶۲؛ [ج ۶] ۱۴۳۶؛ [ج ۸] ۱۷۲۶،
 ۱۷۲۷، ۱۷۲۹، ۱۷۳۱، ۱۷۴۲، ۱۷۴۹،
 ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۹۹ — ۱۸۰۱، ۱۸۴۰،
 ۱۸۹۰، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹
 شوکتیه (مدرسه)؛ [ج ۶] ۱۳۵۱
 شهراب؛ [ج ۴] ۹۶۹
 شهربابک؛ [ج ۳] ۶۸۰؛ [ج ۸] ۱۷۶۸،
 ۱۸۱۶، ۲۰۵۱
 شهرستانک؛ [ج ۸] ۲۰۰۶
 شهریار؛ [ج ۳] ۶۳۹؛ [ج ۶] ۱۴۳۶
 شیبکوه؛ [ج ۷] ۱۶۴۸
 شیخ نصرالدین؛ [ج ۸] ۱۷۹۷
 شیراز؛ [ج ۱] ۳۶، ۳۸، ۴۴، ۴۵، ۵۵، ۶۷،
 ۸۲، ۸۳، ۹۵، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵،
 ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۲۷ — ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۳،
 ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۳،
 ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۵ — ۱۸۰،
 ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۰۰، ۲۱۸، ۲۴۹،
 ۲۵۰، ۲۶۸، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۸۶،
 ۲۸۹، ۳۰۵، ۳۲۲ [ج ۲] ۳۵۳، ۳۶۷،
 ۳۸۵، ۳۸۶، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۲،
 ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۹، ۴۸۰،
 ۵۲۴، ۵۳۳، ۵۳۵؛ [ج ۳] ۵۶۸، ۵۶۹،
 ۵۷۲، ۵۷۸، ۵۹۶، ۶۰۲ — ۶۰۴، ۶۱۰،
 ۶۱۳ — ۶۱۶، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹ — ۶۳۱،
 ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۳، ۶۵۵ — ۶۵۹،
 ۷۱۳ — ۷۱۵، ۷۲۸، ۷۳۰ — ۷۳۴، ۷۴۰،
 ۷۴۶ — ۷۴۸، ۷۵۸، ۷۶۲ — ۷۶۵، ۷۶۷؛

- ۲۱۵۷، ۲۱۵۶
شیف؛ [ج ۸] ۱۹۱۹، ۱۹۱۸، ۱۸۰۶
شیفت (شیف؟)؛ [ج ۳] ۶۵۷
شیوع (شیوع؟)؛ [ج ۴] ۹۶۲
- صاحب الامر؛ [ج ۳] ۵۹۳
صائین قلعه؛ [ج ۳] ۶۷۵
صحنه؛ [ج ۵] ۱۱۴۴؛ [ج ۸] ۱۷۸۵، ۱۷۶۱
۱۹۰۱
- ضرابخانه؛ [ج ۸] ۱۹۳۸
- طارم؛ [ج ۳] ۶۷۸
طارم سفلی؛ [ج ۳] ۶۷۸؛ [ج ۸] ۱۷۰۹
طارم علیا؛ [ج ۸] ۱۷۰۹
طالش — طالش دولاب — طوالش؛ [ج ۱] ۵۴،
۶۶، ۳۰۵؛ [ج ۲] ۳۵۲، ۴۱۳؛ [ج ۳]
۶۷۹، ۷۲۸؛ [ج ۴] ۸۳۳؛ [ج ۵] ۱۰۷۴،
۱۱۵۲؛ [ج ۶] ۱۴۵۸؛ [ج ۸] ۱۷۲۳،
۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۶۸، ۱۸۱۵، ۱۸۷۹،
۱۹۴۰، ۲۰۵۰، ۲۰۶۱، ۲۱۴۹
- طالقان؛ [ج ۳] ۶۷۸
طاهرون؛ [ج ۳] ۷۱۳
طبس؛ [ج ۱] ۱۵۷، ۱۸۷؛ [ج ۲] ۴۳۰؛ [ج ۳]
۶۷۶، ۷۴۴، ۷۴۵؛ [ج ۴] ۸۷۱، ۸۷۶،
۹۳۸، ۹۵۶، ۹۶۸؛ [ج ۵] ۹۸۸، ۱۰۳۸،
۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۷۵؛ [ج ۶] ۱۴۳۶
- طرابوزان؛ [ج ۱] ۱۱۰، ۱۲۵
طرق؛ [ج ۱] ۸۱؛ [ج ۲] ۴۷۱، ۴۹۵؛ [ج ۵]
- ۱۴۷۹، ۱۴۸۲؛ [ج ۷] ۱۴۸۷ — ۱۴۹۳،
۱۴۹۹، ۱۵۰۳، ۱۵۰۵، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰،
۱۵۱۴، ۱۵۱۸، ۱۵۲۶، ۱۵۲۸، ۱۵۳۹ —
۱۵۴۴، ۱۵۵۱، ۱۵۵۳، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱،
۱۵۶۵، ۱۵۶۸، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۸۲،
۱۵۸۸، ۱۶۰۴ — ۱۶۰۶، ۱۶۲۴، ۱۶۳۷،
۱۶۳۸، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۵۹، ۱۶۶۱،
۱۶۶۹ — ۱۶۷۲، ۱۶۷۷، ۱۶۸۰ — ۱۶۸۴؛
[ج ۸] ۱۶۹۱ — ۱۶۹۳، ۱۶۹۹ — ۱۷۰۱،
۱۷۰۳، ۱۷۱۱، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۴۰،
۱۷۴۱، ۱۷۴۵، ۱۷۴۷، ۱۷۵۷، ۱۷۵۹،
۱۷۶۸ — ۱۷۷۰، ۱۷۷۷، ۱۷۸۲، ۱۷۸۳،
۱۷۸۸ — ۱۷۹۱، ۱۸۰۳ — ۱۸۰۶، ۱۸۰۸،
۱۸۱۳، ۱۸۱۶، ۱۸۱۷، ۱۸۲۴، ۱۸۲۵،
۱۸۳۸، ۱۸۴۵، ۱۸۵۱ — ۱۸۵۳، ۱۸۵۶،
۱۸۶۰، ۱۸۶۲ — ۱۸۶۵، ۱۸۷۱، ۱۸۷۳ —
۱۸۷۶، ۱۸۷۸، ۱۸۸۰، ۱۸۸۱، ۱۸۸۷،
۱۸۸۹، ۱۸۹۷، ۱۸۹۸، ۱۸۹۸، ۱۹۰۰، ۱۹۰۲،
۱۹۰۳، ۱۹۰۶ — ۱۹۰۹، ۱۹۱۱، ۱۹۱۴،
۱۹۱۶، ۱۹۱۸ — ۱۹۲۲، ۱۹۲۲، ۱۹۲۴ — ۱۹۲۸،
۱۹۳۱، ۱۹۴۱ — ۱۹۴۵، ۱۹۴۹، ۱۹۵۳،
۱۹۵۸، ۱۹۶۱، ۱۹۶۲، ۱۹۶۴ — ۱۹۶۸،
۱۹۷۱، ۱۹۷۷ — ۱۹۷۹، ۱۹۸۳ — ۱۹۸۹،
۱۹۹۸، ۱۹۹۹، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸،
۲۰۱۰ — ۲۰۱۴، ۲۰۱۷، ۲۰۲۵، ۲۰۳۴،
۲۰۳۵، ۲۰۴۳، ۲۰۴۷، ۲۰۵۱ — ۲۰۵۴،
۲۰۶۲ — ۲۰۶۴، ۲۰۶۶، ۲۰۷۰، ۲۰۷۱،
۲۰۷۴ — ۲۰۸۹، ۲۰۹۱، ۲۰۹۳، ۲۰۹۵،
۲۰۹۹، ۲۱۰۰، ۲۱۰۵ — ۲۱۰۹، ۲۱۱۱،
۲۱۱۵ — ۲۱۱۹، ۲۱۲۱، ۲۱۲۳، ۲۱۲۶،
۲۱۲۹، ۲۱۳۰، ۲۱۳۲، ۲۱۳۳، ۲۱۳۷،
۲۱۳۸، ۲۱۴۷، ۲۱۵۰، ۲۱۵۱، ۲۱۵۴

۱۱۵۳ [ج ۸]؛ ۱۸۱۵
طون (نک: تون)

علافی؛ [ج ۸] ۲۱۲۴، ۲۱۲۵، ۲۱۲۷
علی آباد؛ [ج ۵] ۹۸۱

عودلاجان (محلّه)؛ [ج ۳] ۶۷۵

عیساوند - عیساوندی (عیساوندی)؛ [ج ۳]
۶۶۱ [ج ۸]؛ ۲۱۲۷

عاشوراده (نک: آشوراده)

عباس آباد؛ [ج ۱] ۱۲۳؛ [ج ۷] ۱۶۲۳؛ [ج ۸]
۱۸۵۶

غار؛ [ج ۶] ۱۴۳۶

عباسی؛ [ج ۶] ۱۴۳۶

غازیک؛ [ج ۱] ۷۵

عبدوئی؛ [ج ۷] ۱۶۲۳؛ [ج ۸] ۲۱۲۴

غدان؛ [ج ۵] ۹۸۰

عثمانی؛ [ج ۳] ۵۴۴، ۵۵۶، ۵۵۷، ۶۰۸،
۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۲، ۷۰۱، ۷۱۸، ۷۴۶؛

[ج ۴] ۷۸۳، ۸۰۹، ۸۱۱، ۹۰۷، ۹۱۷،

۹۴۲؛ [ج ۷] ۱۵۶۲؛ [ج ۸] ۱۶۸۸،

۱۷۰۵، ۱۷۱۰، ۱۷۱۸، ۱۷۴۰، ۱۹۲۹،

۱۹۷۰، ۲۰۳۵، ۲۰۶۹، ۲۱۱۲

عراق (اراک)؛ [ج ۳] ۶۴۸، ۷۳۰، ۸۶۲؛

[ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۶؛ [ج ۵] ۱۲۳۲؛ [ج ۶]

۱۳۳۹، ۱۴۳۶؛ [ج ۸] ۱۷۰۹

عراق (عرب)؛ [ج ۳] ۶۷۸

عربستان (خوزستان)؛ [ج ۳] ۶۷۸، ۷۶۵؛

[ج ۴] ۹۵۳؛ [ج ۵] ۱۰۷۰، ۱۰۹۸؛ [ج ۶]

۱۴۳۰، ۱۴۳۶، ۱۴۸۰؛ [ج ۸] ۱۷۰۹،

۱۷۲۹، ۱۷۴۳، ۱۷۴۴، ۱۷۷۱، ۱۸۰۰،

۲۰۴۹، ۲۱۵۱

عزیزآباد؛ [ج ۸] ۱۹۹۰

عشرت آباد؛ [ج ۸] ۱۷۰۷

عشق آباد؛ [ج ۵] ۱۱۴۳، ۱۱۹۱؛ [ج ۶]

۱۳۳۳؛ [ج ۷] ۱۵۵۳، ۱۵۹۸، ۱۶۰۳؛

[ج ۸] ۲۰۰۷

عقدا؛ [ج ۳] ۶۸۰

عقیف آباد؛ [ج ۸] ۲۱۲۳

عقیلی؛ [ج ۸] ۱۷۷۱، ۱۷۹۹، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹

فارس؛ [ج ۱] ۳۵، ۴۴، ۶۷، ۹۵، ۹۶، ۱۱۱،

۱۱۲، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۶۵، ۱۶۸،

۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۵-۱۷۷، ۱۷۹، ۲۱۸،

۲۴۹، ۲۵۰، ۲۶۸، ۲۸۲، ۳۰۵، ۳۲۲،

[ج ۲] ۳۸۳، ۳۸۵، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۷۱،

۵۳۴؛ [ج ۳] ۵۴۸، ۵۶۸، ۵۸۱، ۵۹۷،

۵۹۹، ۶۰۴، ۶۱۲، ۶۱۵، ۶۱۹، ۶۲۶،

۶۲۹، ۶۳۳، ۶۴۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۹،

۶۶۰، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۷۰، ۶۷۶، ۶۹۹،

۷۰۷، ۷۱۳، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۴۱،

۷۴۸، ۷۵۸، ۷۶۴؛ [ج ۴] ۷۷۴، ۷۷۶،

۷۷۸، ۷۸۲، ۷۸۸، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۳ -

۸۰۶، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲۴،

۸۳۲، ۸۳۶، ۸۴۶، ۸۵۰، ۸۶۵، ۸۶۶،

۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۶، ۸۷۸،

۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۴، ۹۰۰، ۹۰۴، ۹۱۲،

۹۱۳، ۹۲۰، ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۳۲ - ۹۳۴،

۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۶۰،

۹۶۱، ۹۶۴، ۹۶۶؛ [ج ۵] ۹۷۶، ۹۷۷،

۹۷۹، ۹۸۳، ۹۸۵ - ۹۸۷، ۹۹۲، ۹۹۴ -

فارستان؛ [ج ۵] ۱۰۷۰	۹۹۹، ۱۰۰۷، ۱۰۱۴، ۱۰۱۹، ۱۰۳۰ -
فتح آباد؛ [ج ۸] ۱۸۵۹	۱۰۳۲، ۱۰۳۸، ۱۰۴۰ - ۱۰۴۵، ۱۰۴۷
فراقه؛ [ج ۲] ۴۷۱	۱۰۴۹، ۱۰۵۱ - ۱۰۵۳، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱
فرامین؛ [ج ۱] ۱۲۳	۱۰۶۳، ۱۰۷۳، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۹۰
فرانسه؛ [ج ۱] ۴۴، ۱۸۸؛ [ج ۲] ۳۹۹، ۴۵۵	۱۱۱۳، ۱۱۱۶، ۱۱۱۹، ۱۱۲۸، ۱۱۵۴
[ج ۴] ۷۷۹، ۸۱۹، ۸۲۵، ۹۰۶، ۹۴۹	۱۱۹۸، ۱۲۰۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۲، ۱۲۲۵
[ج ۵] ۹۹۳، ۱۰۱۱، ۱۰۳۵، ۱۰۶۳	۱۲۴۲: [ج ۶] ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۶
۱۰۹۴، ۱۱۰۹؛ [ج ۶] ۱۳۰۱، ۱۳۷۱	۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۸۹
۱۳۷۳؛ [ج ۸] ۱۷۳۶، ۱۸۳۲، ۱۹۶۰	۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۳۰۵، ۱۳۳۹، ۱۳۴۱
فراهان؛ [ج ۳] ۷۳۰	۱۳۴۳، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۶، ۱۴۴۹
فریدن؛ [ج ۶] ۱۴۳۵؛ [ج ۸] ۱۸۹۲، ۱۹۷۱	۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۶ - ۱۴۷۰، ۱۴۷۲
فریمان؛ [ج ۸] ۱۸۱۵	۱۴۷۸ - ۱۴۸۲: [ج ۷] ۱۵۴۰، ۱۵۴۳
فسا؛ [ج ۲] ۴۷۲؛ [ج ۳] ۶۷۶؛ [ج ۵] ۱۲۴۴	۱۵۴۴، ۱۵۶۰، ۱۵۶۲، ۱۵۶۹، ۱۵۷۷
[ج ۶] ۱۴۳۶، ۱۴۶۵؛ [ج ۷] ۱۵۵۱	۱۵۷۸، ۱۶۰۵، ۱۶۶۲، ۱۶۶۹، ۱۶۷۱
۱۶۸۱ (نیزنک: پل فسا)	۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۴
فومن؛ [ج ۱] ۱۶۶؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۶] ۱۴۳۷	۱۷۹۲، ۱۷۹۱، ۱۷۱۸، ۱۷۰۰ [ج ۸]
فهرج؛ [ج ۱] ۲۸۹؛ [ج ۴] ۹۱۲، ۹۳۲، ۹۶۰	۱۸۰۴، ۱۸۰۷، ۱۸۰۸، ۱۸۱۳، ۱۸۱۸
[ج ۵] ۱۰۵۷، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹	۱۸۲۶، ۱۸۳۸، ۱۸۵۲، ۱۸۵۵، ۱۸۵۶
۱۱۵۴؛ [ج ۶] ۱۴۳۷	۱۸۶۲، ۱۸۶۴، ۱۸۶۵، ۱۸۷۲، ۱۸۸۰
فیروزآباد؛ [ج ۲] ۵۳۴؛ [ج ۳] ۶۰۴، ۶۵۸	۱۸۸۱، ۱۸۸۳، ۱۸۸۶، ۱۸۸۷، ۱۹۰۳
۷۳۴، ۷۴۷؛ [ج ۴] ۷۸۸، ۷۸۹، ۸۶۶	۱۹۰۵ - ۱۹۰۸، ۱۹۱۲، ۱۹۱۴، ۱۹۱۵
۸۹۴، ۹۱۳، ۹۲۵، ۹۳۳، ۹۴۱؛ [ج ۵]	۱۹۱۸، ۱۹۲۶، ۱۹۳۰، ۱۹۳۶، ۱۹۴۲
۹۷۷؛ [ج ۶] ۱۴۷۱، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸	۱۹۵۸، ۱۹۶۱، ۱۹۶۵، ۱۹۶۶، ۱۹۶۸
[ج ۸] ۱۸۰۸، ۱۸۹۹، ۱۹۰۸، ۱۹۰۹	۱۹۷۱، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷، ۱۹۸۴، ۱۹۸۸
۱۹۱۷ - ۱۹۱۹، ۱۹۴۱، ۱۹۴۴، ۱۹۴۵	۱۹۸۹، ۱۹۹۹ - ۲۰۰۱، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶
۱۹۶۱، ۲۰۸۰، ۲۰۸۲، ۲۰۸۴	۲۰۰۸، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵
فیروزکوه؛ [ج ۲] ۳۸۰؛ [ج ۳] ۶۷۸؛ [ج ۵]	۲۰۱۹، ۲۰۲۹، ۲۰۳۲، ۲۰۴۴، ۲۰۶۲
۱۱۷۳، ۱۱۷۶، ۱۱۸۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰۸	۲۰۶۶، ۲۰۷۰، ۲۰۷۸، ۲۰۷۹، ۲۰۸۶
۱۲۱۵، ۱۲۲۹، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳	۲۰۸۷، ۲۰۹۱، ۲۰۹۲، ۲۰۹۴، ۲۱۰۰
فیلیپین؛ [ج ۵] ۱۰۰۲، ۱۰۰۴، ۱۰۱۷؛ [ج ۷]	۲۱۰۷، ۲۱۰۹، ۲۱۱۰، ۲۱۱۲، ۲۱۳۰
۱۶۵۲	۲۱۳۲، ۲۱۳۳، ۲۱۳۵، ۲۱۳۷ - ۲۱۳۹
فین؛ [ج ۴] ۸۷۰	۲۱۵۴

قره گنج؛ [ج ۴] ۷۸۸

قزوین؛ [ج ۱] ۱۴۴، ۲۱۸؛ [ج ۲] ۴۰۴، ۴۱۰،

۴۱۷، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۳۳، ۴۵۰، ۴۷۴،

۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲؛ [ج ۳] ۵۴۱، ۵۴۲،

۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۹، ۵۶۴، ۵۶۶،

۵۷۵، ۵۷۷، ۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸۴-۵۸۷،

۵۸۹، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۲، ۶۰۷،

۶۱۰، ۶۲۰، ۶۲۵، ۶۳۰، ۶۳۶-۶۳۸،

۶۴۶، ۶۵۱، ۶۵۴، ۶۷۸، ۶۹۲، ۷۰۴،

۷۰۵، ۷۰۹، ۷۱۲، ۷۱۸، ۷۳۶، ۷۳۸،

۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۳، ۷۵۵-۷۵۹، ۷۶۱؛

[ج ۴] ۷۷۸، ۸۵۲، ۸۷۶، ۸۸۰، ۸۸۱،

۹۱۵، ۹۳۲، ۹۳۶؛ [ج ۵] ۹۹۰، ۱۰۰۳،

۱۰۰۴-۱۰۱۵، ۱۰۳۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۸،

۱۲۰۹، ۱۲۲۹؛ [ج ۶] ۱۲۹۱، ۱۲۹۲،

۱۳۱۰، ۱۳۱۵، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۲۰،

۱۳۲۳-۱۳۲۹، ۱۳۳۴، ۱۳۵۲، ۱۳۶۳-،

۱۳۶۵، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۵، ۱۳۷۷،

۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۹، ۱۳۹۵، ۱۳۹۸،

۱۳۹۹، ۱۴۰۱، ۱۴۰۹، ۱۴۱۱-۱۴۱۳،

۱۴۱۵، ۱۴۲۱، ۱۴۲۶، ۱۴۳۶، ۱۴۳۸،

۱۴۵۱، ۱۴۵۳، ۱۴۵۹؛ [ج ۷] ۱۴۹۴،

۱۴۹۸، ۱۵۰۱، ۱۵۰۸، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴،

۱۵۲۴، ۱۵۳۲، ۱۵۳۸، ۱۵۴۷-۱۵۴۹،

۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۹، ۱۵۷۷، ۱۵۹۰،

۱۵۹۳، ۱۶۰۷-۱۶۰۹، ۱۶۵۱؛ [ج ۸]

۱۶۹۲-۱۶۹۴، ۱۶۹۹، ۱۷۰۲، ۱۷۱۲،

۱۷۱۴، ۱۷۴۰، ۱۷۶۸، ۱۸۴۶، ۱۸۵۶،

۱۸۵۷، ۱۸۶۷، ۱۸۷۱، ۱۸۸۵، ۱۸۸۶،

۱۹۲۲، ۱۹۲۸، ۱۹۴۰، ۱۹۶۲، ۱۹۶۳،

۱۹۶۵، ۱۹۷۶-۱۹۷۸، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰،

۲۰۵۰، ۲۰۶۱، ۲۱۰۵، ۲۱۲۰، ۲۱۲۱،

قائن؛ [ج ۷] ۱۶۰۵

قادرآباد؛ [ج ۷] ۱۶۲۳

قادون (دره) ۱۸۰۶

قاسم آباد؛ [ج ۳] ۷۶۲

قاینات؛ [ج ۳] ۶۷۶؛ [ج ۴] ۷۹۴؛ [ج ۵]

۱۰۳۸، ۱۰۷۵، ۱۰۹۶، ۱۱۰۶، ۱۱۵۲،

۱۲۳۳، [ج ۶] ۱۲۹۰، ۱۳۴۰، ۱۴۳۶،

۱۴۳۹؛ [ج ۸] ۱۷۰۰

قجه؛ [ج ۸] ۱۹۸۲

قجه نجف؛ [ج ۸] ۲۰۰۲ (نیزنک: خواجه

نجف)

قراجه داغ - قرجه داغ - قراچه داغ - قراداغ -

قوره داغ؛ [ج ۱] ۵۱، ۵۲، ۱۲۵، ۲۲۷،

۲۳۵؛ [ج ۳] ۶۹۴، ۶۴۶، ۷۰۱، ۷۳۶،

۷۳۸، ۷۶۷؛ [ج ۴] ۷۷۹-۷۸۱، ۷۸۵،

۸۱۰، ۸۱۴، ۸۲۱، ۸۳۳، ۹۳۸، ۹۴۳،

۹۵۰، ۹۵۵، ۹۵۶؛ [ج ۵] ۱۰۷۰؛ [ج ۶]

۱۴۳۵؛ [ج ۸] ۱۹۱۳، ۱۹۷۵

قراملک - قره ملک (روستا)؛ [ج ۲] ۴۶۱،

۴۶۲؛ [ج ۳] ۵۹۳؛ [ج ۶] ۱۲۸۷، ۱۳۳۷

قراولخانه؛ [ج ۳] ۶۶۱؛ [ج ۸] ۲۱۲۵، ۲۱۲۷

قرنتین؛ [ج ۴] ۹۴۵، ۹۷۱

قره آقاچ - قره قاچ؛ [ج ۵] ۹۷۸؛ [ج ۸] ۲۱۲۳،

۲۱۴۴ (نیزنک: پل رودخانه قره آقاچ)

قره باغ؛ [ج ۸] ۱۷۵۸، ۱۹۰۴، ۱۹۴۳

قره تپه؛ [ج ۵] ۱۲۱۵؛ [ج ۶] ۱۲۸۷

قره سو - پل قره سو؛ [ج ۷] ۱۶۶۵؛ [ج ۸]

۱۹۷۰، ۲۱۰۵، ۲۱۱۴

[ج ۵] ۹۸۳، ۱۰۳۹، ۱۰۶۵، ۱۱۵۳،
 ۱۲۱۸، ۱۲۲۱، ۱۲۳۰؛ [ج ۶] ۱۲۶۶،
 ۱۲۸۳، ۱۲۸۷، ۱۳۳۸؛ [ج ۷] ۱۵۷۷،
 [ج ۸] ۱۸۵۴، ۱۸۸۶، ۱۸۸۷، ۱۹۴۱،
 ۱۹۷۱، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، ۲۰۰۸
 قمپایه؛ [ج ۳] ۶۷۷
 قمشه؛ [ج ۳] ۶۷۷؛ [ج ۴] ۷۹۷، ۸۲۸، ۸۳۲،
 ۸۳۴، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۷۴،
 ۸۹۲، ۸۹۴، ۹۰۸، ۹۳۱؛ [ج ۵] ۱۰۰۹،
 ۱۰۱۲، ۱۰۶۵، ۱۰۷۲، ۱۰۸۹، ۱۱۵۱،
 ۱۲۴۱؛ [ج ۶] ۱۳۳۸، ۱۴۳۵، ۱۴۴۳،
 [ج ۷] ۱۶۶۱؛ [ج ۸] ۱۸۵۳، ۱۹۵۳، ۱۹۷۱،
 قنسولخانه — قنسولگری انگلیس؛ [ج ۸] ۲۰۴۹،
 ۲۰۹۷
 قنسولخانه — قنسولگری روس؛ [ج ۸] ۱۷۹۲،
 ۱۸۲۴، ۱۹۰۱، ۱۹۶۲، ۱۹۹۹، ۲۰۴۲،
 ۲۱۰۳
 قنسولخانه عثمانی؛ [ج ۸] ۱۹۲۹
 قنسولخانه فارس؛ [ج ۸] ۲۰۸۷
 قوچان؛ [ج ۱] ۱۲۹، ۱۳۷؛ [ج ۳] ۵۶۷، ۶۷۶،
 [ج ۴] ۹۰۸؛ [ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۱۲؛ [ج ۶] ۱۰۱۲،
 ۱۴۲۰، ۱۴۳۵؛ [ج ۷] ۱۵۱۹؛ [ج ۸] ۱۴۲۰،
 ۱۸۵۶، ۱۸۶۸، ۱۹۴۰
 قهرود؛ [ج ۵] ۱۱۵۳
 قهوه خانه؛ [ج ۳] ۶۶۲؛ [ج ۸] ۲۱۲۳—۲۱۲۶
 قیر (بند)؛ [ج ۴] ۴۹۲
 قیوم؛ [ج ۸] ۱۷۷۸، ۱۹۶۶، ۲۰۸۴
 کارلس باد؛ [ج ۵] ۱۱۱۰، ۱۱۴۱
 کاروانسرا؛ [ج ۳] ۶۶۲؛ [ج ۸] ۲۱۲۶
 کاروانسرای اردکان؛ [ج ۸] ۱۸۸۷

۲۱۵۳، ۲۱۵۲
 قسطنطنیه؛ [ج ۶] ۱۴۵۳؛ [ج ۸] ۲۰۴۱، ۲۰۴۲
 قصار؛ [ج ۸] ۲۱۲۵
 قصر — قصر شیرین؛ [ج ۱] ۷۵؛ [ج ۲] ۳۵۳،
 [ج ۳] ۷۰۲، ۷۳۲؛ [ج ۴] ۳۸۴، ۵۳۳،
 ۷۸۶، ۸۳۲، ۹۶۰، ۹۷۰؛ [ج ۵] ۹۸۲،
 ۱۰۱۳، ۱۱۵۴؛ [ج ۶] ۱۲۹۰؛ [ج ۷] ۱۰۱۳،
 ۱۶۱۸، ۱۶۲۷؛ [ج ۸] ۱۷۶۵، ۲۱۰۶
 قصر فجر؛ [ج ۳] ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۷، ۷۰۶
 قطور؛ [ج ۸] ۱۷۱۰
 قفقاز (قفقازیه)؛ [ج ۱] ۴۱، ۳۲۶، ۳۲۸؛
 [ج ۲] ۳۴۱، ۳۶۱، ۴۶۰، ۵۰۷، ۵۰۸؛
 [ج ۳] ۵۷۴، ۵۸۷، ۶۵۴، ۷۰۴، ۷۰۷،
 [ج ۴] ۷۵۴، ۷۵۵؛ [ج ۵] ۸۰۲؛ [ج ۶] ۱۰۰۳،
 ۱۰۷۱؛ [ج ۷] ۱۴۳۸، ۱۵۳۸، ۱۵۴۹،
 [ج ۸] ۱۶۹۶، ۱۷۱۹، ۱۷۴۰، ۱۷۸۹،
 ۲۰۳۸، ۲۰۶۱
 قلادر (قلاور؟)؛ [ج ۴] ۹۶۲
 قلعه احمدآباد؛ [ج ۸] ۱۸۵۲، ۱۸۵۳
 قلعه افلاک؛ [ج ۱] ۱۷۰
 قلعه شعاع السلطنه؛ [ج ۸] ۲۱۲۴، ۲۱۲۶
 قلعه مدرسه؛ [ج ۸] ۱۸۵۲
 قلعه مشیری؛ [ج ۸] ۲۱۲۴
 قلعه نو؛ [ج ۸] ۲۱۲۴
 قلهدک؛ [ج ۵] ۱۱۳۱
 قم؛ [ج ۱] ۷۹، ۱۴۱، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۸۶؛
 [ج ۲] ۴۱۰، ۴۳۰، ۴۳۲، ۵۲۳؛ [ج ۳] ۵۷۹،
 ۵۸۲—۵۸۴، ۵۸۶، ۶۳۱، ۶۳۷، ۶۳۸،
 ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۸، ۶۷۸، ۷۰۴،
 ۷۰۵؛ [ج ۴] ۷۹۸، ۸۳۲، ۸۷۱، ۸۷۶،
 ۸۸۲، ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۵۸، ۹۵۹

کاشان؛ [ج ۱] ۳۸، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۵۵، ۱۵۷،
 ۱۶۶، ۱۷۰؛ [ج ۲] ۴۵۱، ۴۵۳، ۵۱۵،
 ۵۱۸، ۵۲۳؛ [ج ۳] ۵۷۲، ۵۸۰-۵۸۲،
 ۵۸۴، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۴۰، ۶۷۹، ۷۴۵،
 ۷۶۲؛ [ج ۴] ۸۷۰، ۸۷۲، ۹۳۵، ۹۴۴،
 ۹۴۷، ۹۵۵، ۹۵۷-۹۵۹، ۹۶۷، ۹۶۹؛
 [ج ۵] ۱۰۱۰، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۵۶،
 ۱۰۶۵، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸، ۱۱۵۳، ۱۱۹۴،
 ۱۲۲۵، ۱۲۳۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۳؛ [ج ۶]
 ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۷۴، ۱۲۷۷، ۱۲۹۰،
 ۱۳۳۸، ۱۳۴۰، ۱۴۳۶؛ [ج ۸] ۱۶۹۹،
 ۱۸۵۴، ۱۸۵۹، ۱۸۶۰، ۲۰۰۸، ۲۰۵۱،
 ۲۱۰۵

کاظم آباد؛ [ج ۴] ۷۹۵

کافشگر؛ [ج ۲] ۴۶۹

کاما؛ [ج ۱] ۱۲۶

کانگوفری استیت؛ [ج ۶] ۱۳۴۷

کاوان؛ [ج ۱] ۲۹

کبوترخان؛ [ج ۱] ۱۷۴؛ [ج ۴] ۹۴۹، ۹۷۰

کتل دختر؛ [ج ۷] ۱۴۸۷، ۱۴۹۷، ۱۵۰۹،

۱۵۱۰، ۱۵۲۱، ۱۵۴۲، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵،

۱۶۲۴؛ [ج ۸] ۲۱۲۴، ۲۱۲۶

کتل کمارج؛ [ج ۳] ۶۶۲؛ [ج ۸] ۲۱۲۴

کتل ملو؛ [ج ۳] ۶۶۱؛ [ج ۷] ۱۶۲۲، ۱۶۷۲؛

[ج ۸] ۲۱۲۵

کتول؛ [ج ۳] ۷۲۹

کرانودسک (کراسنودسک؟)؛ [ج ۷] ۱۶۰۳

کریلاء - کریلای معلی؛ [ج ۱] ۴۰، ۴۲،

۵۸، ۱۷۵، ۲۶۷، ۲۸۲؛ [ج ۲] ۳۵۲،

۳۸۱، ۴۱۳، ۴۳۱، ۴۶۸؛ [ج ۳] ۵۴۹،

۵۷۴، ۶۲۱، ۷۱۲، ۷۱۵؛ [ج ۴] ۷۸۶،

۷۹۴، ۸۲۲، ۸۳۰، ۹۵۷؛ [ج ۵] ۱۲۳۵

کاروانسرای جعفرجن؛ [ج ۸] ۱۹۶۲

کاروانسرای حکیم باشی؛ [ج ۸] ۲۱۲۴

کاروانسرای خان زنیان؛ [ج ۸] ۲۱۴۷

کاروانسرای خواجه ابراهیم؛ [ج ۸] ۱۸۰۵،

۱۹۲۰، ۱۹۲۱

کاروانسرای راهدار؛ [ج ۸] ۱۹۰۹، ۲۱۲۴

کاروانسرای مال میر؛ [ج ۸] ۱۸۸۶

کاروانسرای میان کتل؛ [ج ۸] ۲۱۲۴

کاروانسرای وکیل الدوله؛ [ج ۸] ۱۷۰۵

کازر؛ [ج ۸] ۱۸۵۶

کارینز؛ [ج ۳] ۷۴۵

کازرون؛ [ج ۱] ۲۶۸، ۲۸۲، ۳۰۵؛ [ج ۲]

۴۱۴، ۵۳۴، ۵۳۵؛ [ج ۳] ۶۵۷،

۶۶۱-۶۶۳، ۶۷۶، ۷۴۰، ۷۵۸، ۷۶۴؛

[ج ۴] ۷۸۱، ۷۸۷، ۷۸۹، ۷۹۲، ۷۹۹،

۸۰۰، ۸۰۸، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۵،

۸۷۲، ۹۱۳، ۹۳۳، ۹۴۱، ۹۶۱، ۹۶۷،

۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۷۷-۹۷۹، ۹۸۳، ۹۹۹،

۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۰۱۹، ۱۰۳۰، ۱۰۴۰،

۱۰۸۳، ۱۱۱۳، ۱۱۵۰، ۱۲۴۱؛ [ج ۶]

۱۲۶۸، ۱۳۱۶، ۱۴۲۳، ۱۴۴۲؛ [ج ۷]

۱۴۸۷-۱۴۹۲، ۱۴۹۹، ۱۵۰۲-۱۵۰۴،

۱۵۰۸، ۱۵۱۰، ۱۵۱۴، ۱۵۲۱، ۱۵۴۰-۱۵۴۳

۱۶۰۴، ۱۵۷۷، ۱۵۶۸، ۱۵۵۱، ۱۶۰۶،

۱۶۲۲، ۱۶۲۴، ۱۶۳۷، ۱۶۴۲،

۱۶۴۳، ۱۶۵۹، ۱۶۸۱؛ [ج ۸] ۱۷۷۰،

۱۸۰۷، ۱۹۰۹-۱۹۱۱، ۱۹۱۷-۱۹۲۱،

۱۹۴۴، ۱۹۸۳، ۱۹۸۴، ۱۹۸۶، ۲۰۱۱،

۲۰۱۳، ۲۰۴۶، ۲۰۵۲، ۲۰۶۲، ۲۰۶۳،

۲۰۶۶، ۲۰۷۱، ۲۰۷۳، ۲۰۷۵، ۲۰۸۶،

۲۰۹۳، ۲۱۱۸، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲، ۲۱۲۴،

۲۱۲۹، ۲۱۵۰، ۲۱۵۷

۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۵۸، ۱۶۷۲، ۱۶۷۷،
 ۱۶۸۲، ۱۶۸۳؛ [ج ۸]، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳،
 ۱۷۰۰، ۱۷۰۱، ۱۷۰۳، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱،
 ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۴۶، ۱۷۴۸،
 ۱۷۵۳-۱۷۵۶، ۱۷۶۱، ۱۷۶۹، ۱۷۷۵،
 ۱۷۷۶، ۱۷۷۸، ۱۷۷۹، ۱۷۸۹، ۱۸۱۶،
 ۱۸۲۰، ۱۸۲۶-۱۸۲۸، ۱۸۳۰، ۱۸۳۲،
 ۱۸۶۲، ۱۸۶۶، ۱۸۸۵، ۱۸۸۷، ۱۸۹۶،
 ۱۹۰۴، ۱۹۴۱، ۱۹۴۹، ۱۹۷۱، ۱۹۷۲،
 ۲۰۰۸، ۲۱۰۶، ۲۱۴۹

کرمانشاه — کرمانشاهان؛ [ج ۱]، ۳۶، ۳۹، ۴۸،
 ۴۹، ۵۶، ۶۷، ۷۳، ۷۹، ۸۴، ۹۵، ۹۷،
 ۹۸، ۱۰۸، ۱۲۵، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۸،
 ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۶۹؛ [ج ۲]، ۳۵۳، ۳۶۷،
 ۳۸۴، ۴۰۰، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۳۰، ۴۳۱،
 ۴۴۶، ۴۶۸، ۴۷۰، ۵۳۳؛ [ج ۳]، ۵۶۷،
 ۶۰۲، ۶۵۰، ۶۵۸، ۶۷۹، ۷۱۱، ۷۱۲،
 ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۴۶، ۷۶۳؛ [ج ۴]، ۷۸۲،
 ۷۸۶، ۷۹۲، ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۳۴،
 ۸۴۶، ۸۵۷، ۸۶۳، ۸۷۲، ۸۷۶،
 ۸۸۱-۸۸۳، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۹، ۸۹۵،
 ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۳۱، ۹۳۲،
 ۹۴۰، ۹۵۷، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۶، ۹۷۰،
 ۹۷۱؛ [ج ۵]، ۹۸۱، ۹۸۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۷،
 ۱۰۱۸، ۱۰۳۹، ۱۰۵۷، ۱۰۵۹، ۱۰۷۶،
 ۱۰۷۷، ۱۰۹۹، ۱۱۲۱، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰،
 ۱۱۳۹، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۵۴، ۱۱۵۹،
 ۱۱۷۳، ۱۱۸۵، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۲۰۲،
 ۱۲۰۳، ۱۲۰۸، ۱۲۱۰، ۱۲۱۸، ۱۲۳۱،
 ۱۲۳۳، ۱۲۳۴؛ [ج ۶]، ۱۲۹۰، ۱۳۲۶،
 ۱۳۳۳، ۱۳۳۵، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۹۹،
 ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۳۰، ۱۴۳۷، ۱۴۵۰

[ج ۶]، ۱۳۳۳؛ [ج ۸]، ۱۶۹۲، ۱۸۶۲،
 کرج؛ [ج ۳]، ۵۶۴، ۵۸۹، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۸۶،
 ۷۰۵

کردان؛ [ج ۶]، ۱۴۳۶

کردستان؛ [ج ۱]، ۱۳۳؛ [ج ۳]، ۶۷۹؛ [ج ۴]،
 ۷۸۶، ۸۷۲؛ [ج ۵]، ۱۱۵۶، ۱۲۰۸، ۱۲۳۴؛
 [ج ۶]، ۱۴۳۶؛ [ج ۷]، ۱۶۶۶؛ [ج ۸]،
 ۱۷۰۹، ۱۷۳۲، ۱۷۹۵-۱۷۹۷، ۱۸۲۴،
 ۱۹۰۲، ۱۹۲۹، ۱۹۴۱، ۱۹۵۳، ۱۹۷۲،
 ۱۹۷۳، ۱۹۹۹، ۲۱۵۱

کرگانرود؛ [ج ۸]، ۱۷۲۳

کرمان؛ [ج ۱]، ۴۴، ۶۷، ۷۵، ۸۳، ۹۵، ۱۱۱،
 ۱۱۲، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۸،
 ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۷،
 ۱۹۰، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۳۰۵،
 ۳۲۲؛ [ج ۲]، ۳۸۳، ۳۸۴، ۴۱۳، ۴۳۰،
 ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۸، ۵۳۱، ۵۳۲؛ [ج ۳]،
 ۵۹۶، ۶۰۲، ۶۴۹، ۶۵۷، ۶۷۷، ۷۱۰،
 ۷۱۷، ۷۲۱، ۷۳۱، ۷۴۱، ۷۴۵، ۷۴۶،
 ۷۵۸، ۷۶۳؛ [ج ۴]، ۷۸۲، ۷۸۷، ۷۹۸،
 ۷۹۹، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۳۴، ۸۳۵،
 ۸۴۶، ۸۵۷، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۹۳، ۹۰۹،
 ۹۱۲، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۵، ۹۴۹،
 ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۷۰، ۹۷۱؛ [ج ۵]، ۹۸۲،
 ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۹، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۳۹،
 ۱۰۵۷، ۱۰۶۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۹، ۱۰۹۵،
 ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۷، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵،
 ۱۲۰۷، ۱۲۰۹-۱۲۱۱، ۱۲۱۶، ۱۲۳۱،
 ۱۲۴۱؛ [ج ۶]، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۸،
 ۱۲۸۳-۱۲۸۶، ۱۲۹۰، ۱۲۹۵، ۱۳۳۴،
 ۱۳۳۵، ۱۳۳۸، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۴۳۰،
 ۱۴۳۷، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰؛ [ج ۷]، ۱۵۴۰

۱۱۵۰، ۱۲۴۱؛ [ج ۶] ۱۲۸۲، ۱۲۹۵؛
 [ج ۷] ۱۶۲۴، ۱۶۸۱؛ [ج ۸] ۱۹۰۸،
 ۱۹۰۹، ۱۹۱۱، ۱۹۱۸-۱۹۲۰، ۱۹۲۱،
 ۱۹۴۴، ۱۹۶۲، ۲۰۶۳، ۲۰۸۵، ۲۰۸۶،
 ۲۱۲۱، ۲۱۲۲، ۲۱۲۴، ۲۱۲۶، ۲۱۲۹

کمال آباد: [ج ۳] ۷۳۱؛ [ج ۵] ۹۸۲

کمان کشی: [ج ۸] ۲۱۲۴، ۲۱۲۵

کمرہ: [ج ۲] ۳۵۳؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۶]

۱۴۳۷؛ [ج ۸] ۱۷۰۹، ۱۸۸۵، ۲۰۸۲

کمیش تپہ نک: گمش تپہ

کنارتخت، کنارتخته: [ج ۱] ۱۶۷، ۲۸۲؛

[ج ۳] ۶۰۴، ۶۵۷، ۶۶۲، ۷۳۴، ۷۶۴؛

[ج ۴] ۸۰۸، ۸۲۴؛ [ج ۶] ۱۳۳۹؛ [ج ۷]

۱۵۷۷، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۶۹-۱۶۷۲،

۱۶۷۷؛ [ج ۸] ۱۸۰۵، ۱۹۱۸، ۱۹۲۰،

۱۹۴۴، ۲۰۸۶، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲

کندولہ: [ج ۸] ۱۷۰۶

کنگاور: [ج ۳] ۶۷۹، ۸۲۳؛ [ج ۴] ۹۴۰؛

[ج ۸] ۱۷۰۴، ۱۷۰۹، ۱۷۹۷، ۱۹۵۲،

۱۹۵۳، ۱۹۷۴

کوار: [ج ۸] ۱۷۵۸، ۲۰۸۱

کوبا: [ج ۵] ۱۰۰۲

کولی کشر: [ج ۵] ۱۰۳۹

کوند: [ج ۳] ۵۵۹

کوه سیاہ: [ج ۸] ۱۹۲۰

کھگیلویہ: [ج ۲] ۴۸۰؛ [ج ۸] ۱۷۷۲،

۱۷۷۹، ۱۸۰۲، ۱۸۰۶، ۱۸۱۹-۱۸۵۲،

۱۸۵۳، ۱۸۶۲، ۱۸۶۵، ۱۸۸۶، ۱۸۸۸،

۱۸۹۱، ۱۸۹۶، ۱۹۰۸، ۱۹۲۷، ۱۹۶۹،

۱۹۹۰-۱۹۹۲، ۲۰۵۱، ۲۰۵۹، ۲۱۰۵،

۲۱۰۷، ۲۱۵۱

۱۴۵۶؛ [ج ۷] ۱۵۳۱، ۱۵۴۰، ۱۵۷۱،

۱۵۸۹، ۱۵۹۳، ۱۵۹۷، ۱۶۰۵، ۱۶۰۸،

۱۶۲۸، ۱۶۳۳، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۵۳،

۱۶۵۸، ۱۶۶۲، ۱۶۶۵-۱۶۶۸؛ [ج ۸]

۱۶۹۴-۱۶۹۷، ۱۷۰۰، ۱۷۰۲-۱۷۰۷،

۱۷۰۹، ۱۷۱۱-۱۷۱۳، ۱۷۲۲، ۱۷۳۲،

۱۷۴۱، ۱۷۴۳، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰،

۱۷۶۱-۱۷۶۶، ۱۷۶۹، ۱۷۸۲-۱۷۸۵،

۱۷۹۲-۱۷۹۸، ۱۸۱۶، ۱۸۱۷، ۱۸۴۳،

۱۸۴۷، ۱۸۴۹، ۱۸۵۴، ۱۸۵۵، ۱۸۶۸،

۱۸۸۵، ۱۸۸۸، ۱۹۰۱، ۱۹۱۲، ۱۹۱۳،

۱۹۲۳، ۱۹۲۹، ۱۹۴۲، ۱۹۴۷، ۱۹۵۲،

۱۹۵۳، ۱۹۵۵، ۱۹۵۸، ۱۹۷۲-۱۹۷۴،

۱۹۹۴-۱۹۹۷، ۱۹۹۹، ۲۰۰۹، ۲۰۵۰،

۲۰۶۱، ۲۰۶۲، ۲۰۸۹، ۲۱۰۶، ۲۱۱۲،

۲۱۱۳، ۲۱۵۰

کرنند - کرنندہ: [ج ۲] ۵۲۲؛ [ج ۴]

۹۰۱-۹۰۴، ۹۶۰

کروشول: [ج ۷] ۱۶۲۳، ۱۶۲۴

کریم آباد: [ج ۴] ۹۳۲

کریمہ: [ج ۳] ۶۷۲

کزاز: [ج ۳] ۷۳۰، ۷۶۲

کسماء: [ج ۱] ۱۶۵

کشید (کشیت): [ج ۴] ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۹۵

کل انجیرہ: [ج ۵] ۱۰۱۴

کلات: [ج ۴] ۹۷۱؛ [ج ۶] ۱۴۳۵

کلانتر محلہ: [ج ۳] ۶۰۰

کلکتہ: [ج ۸] ۲۰۹۴

کلوبی: [ج ۸] ۲۱۲۶

کمارج: [ج ۱] ۲۶۸، ۲۸۲؛ [ج ۳] ۶۵۷؛

[ج ۴] ۸۰۸؛ [ج ۵] ۹۷۸، ۱۰۱۹، ۱۰۴۲،

۱۰۵۴، ۱۰۷۲، ۱۰۸۹، ۱۱۱۳، ۱۱۱۷،

گواتر؛ [ج ۱] ۱۵۹

گود نرم؛ [ج ۷] ۱۶۲۴

گوران؛ [ج ۱] ۱۷۵

گوشه؛ [ج ۵] ۱۰۱۳

گوهرشاد — گوهرشاه (مسجد)؛ [ج ۸] ۱۸۱۵

گیلان — گیلانات؛ [ج ۱] ۳۷، ۴۳، ۱۱۰،

۱۵۷، ۳۰۵؛ [ج ۲] ۳۹۵، ۴۲۱، ۴۵۹؛

[ج ۳] ۵۷۷، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۰۷، ۶۷۹،

۷۲۸، ۷۲۹؛ [ج ۴] ۷۷۸، ۸۳۳، ۸۵۵؛

[ج ۵] ۱۰۳۷، ۱۰۵۶، ۱۰۷۴، ۱۰۹۶،

۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۲۰۶، ۱۲۲۹؛ [ج ۶]

۱۲۸۹، ۱۳۳۷، ۱۴۳۰، ۱۴۳۷، ۱۴۴۸؛

[ج ۷] ۱۵۳۷، ۱۶۰۳، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷؛

[ج ۸] ۱۷۴۰، ۱۷۴۳، ۱۷۵۷، ۱۷۶۶،

۱۷۶۸، ۱۸۲۴، ۱۹۷۰، ۱۹۷۵، ۲۱۵۲

لار — لارستان؛ [ج ۱] ۱۶۷؛ [ج ۲] ۳۵۳،

۳۸۵، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۷۱،

۵۴۳؛ [ج ۳] ۵۶۸، ۶۰۳-۶۰۵، ۶۵۱،

۶۷۶، ۷۳۳؛ [ج ۴] ۹۴۵، ۹۶۱؛ [ج ۵]

۱۱۵۵؛ [ج ۶] ۱۴۳۶، ۱۴۵۰؛ [ج ۷]

۱۶۰۶، ۱۶۷۸

لاریجان؛ [ج ۴] ۹۳۷

لاله زار (بافت)؛ [ج ۸] ۱۸۲۹

لاله زار (خیابان)؛ [ج ۵] ۱۲۴۷

لاهیجان؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۶] ۱۴۳۷

لرستان؛ [ج ۱] ۱۷۵؛ [ج ۳] ۶۸۰؛ [ج ۴]

۸۱۲، ۸۸۵، ۹۳۶؛ [ج ۵] ۱۰۵۷، ۱۰۷۰،

۱۱۵۴، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۲۰۹، ۱۲۳۲،

۱۲۳۴؛ [ج ۶] ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۴۳۵،

۱۴۴۲، ۱۴۵۰؛ [ج ۷] ۱۵۶۲؛ [ج ۸]

گالش؛ [ج ۵] ۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰۰۶

گاو پیسه — گاو پیشه؛ [ج ۶] ۱۴۴۳؛ [ج ۸]

۱۸۵۲

گذار جگند — پل گذار؛ [ج ۵] ۱۲۳۰؛ [ج ۸]

۱۸۵۲، ۱۸۱۹

گذار سرخ؛ [ج ۵] ۱۰۷۹؛ [ج ۶] ۱۲۸۵

گردنه آرچینی؛ [ج ۸] ۱۸۵۳

گردنه امامزاده اسماعیل؛ [ج ۷] ۱۶۲۳

گردنه پیرزن؛ [ج ۷] ۱۵۴۲

گردنه سینه سفید؛ [ج ۸] ۲۰۴۵، ۲۱۴۴

گرده چاه — گردی چاه؛ [ج ۴] ۸۹۲، ۹۳۸

گرگان؛ [ج ۵] ۱۲۰۱

گرگانرود؛ [ج ۲] ۳۵۲؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۶]

۱۴۳۷

گروس؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۵] ۱۲۳۵؛ [ج ۶]

۱۴۳۷؛ [ج ۸] ۱۷۰۹، ۱۸۵۵

گلپایگان؛ [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۶] ۱۲۸۳، ۱۴۳۷؛

[ج ۸] ۱۷۰۹، ۱۸۵۵

گله دار؛ [ج ۳] ۶۷۶، ۶۷۹

گمش تپه — گموش تپه — گومیش تپه —

کومش تپه — کمش تپه؛ [ج ۳] ۷۲۹؛

[ج ۴] ۸۷۵؛ [ج ۵] ۱۱۲۲، ۱۱۲۴،

۱۱۵۷، ۱۱۹۶، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۱۴،

۱۲۱۵، ۱۲۱۹، ۱۲۲۲؛ [ج ۶] ۱۲۸۱،

۱۲۸۷، ۱۳۳۳، ۱۳۳۷؛ [ج ۷] ۱۵۳۱

گناباد (گون آباد)؛ [ج ۴] ۹۶۸؛ [ج ۵] ۹۸۰،

۱۰۹۷

گنبد قابوس؛ [ج ۲] ۳۸۴؛ [ج ۶] ۱۳۳۴

گندم کار؛ [ج ۴] ۹۶۹؛ [ج ۸] ۲۰۵۷، ۲۰۵۸

گندیاباد؛ [ج ۸] ۱۸۵۴

- ۱۷۰۹، ۱۷۸۲، ۱۷۸۵، ۱۸۱۷، ۱۸۴۳، ۱۹۷۲
- لقم گیر؛ [ج ۸] ۱۸۵۲
- لنچ (راه)؛ [ج ۵] ۱۰۷۹
- لندن؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۳۶۴، ۴۰۹، ۴۷۶، ۵۳۸؛
- [ج ۳] ۵۴۱، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۵۴، ۵۵۵،
- ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۶، ۵۸۷، ۶۰۷، ۶۰۹،
- ۶۱۶، ۶۲۳، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۴۱،
- ۶۶۴، ۶۹۲، ۶۹۴، ۷۱۷، ۷۳۴، ۷۳۵،
- ۷۴۴، ۷۴۸؛ [ج ۴] ۸۴۸، ۹۰۰؛ [ج ۵]
- ۱۰۳۵، ۱۰۶۷-۱۰۷۰، ۱۰۷۹، ۱۱۶۱،
- ۱۱۷۷، ۱۱۷۹، ۱۱۸۵، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰؛
- [ج ۶] ۱۲۵۹-۱۲۶۱، ۱۲۷۵، ۱۳۱۷،
- ۱۳۲۴، ۱۳۲۷، ۱۳۳۰، ۱۳۴۸، ۱۴۱۱؛
- [ج ۷] ۱۵۳۶، ۱۵۴۹، ۱۶۲۲؛ [ج ۸]
- ۱۷۰۷، ۱۷۷۹، ۱۸۱۱، ۱۸۱۲، ۱۹۳۴،
- ۱۹۶۴، ۲۰۱۲، ۲۰۲۸، ۲۰۳۵، ۲۰۶۹،
- ۲۰۹۲، ۲۰۹۴، ۲۱۴۰
- لنگرود؛ [ج ۲] ۴۱۳
- لنگه؛ [ج ۱] ۱۱۲، ۱۶۷؛ [ج ۳] ۶۰۵، ۶۵۱،
- ۶۷۷، ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۴؛
- [ج ۴] ۷۸۹، ۹۳۳، ۹۵۵، ۹۶۲؛ [ج ۵]
- ۱۰۶۹؛ [ج ۷] ۱۶۰۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸،
- ۱۶۵۱، ۱۶۶۴، ۱۶۷۸، ۱۶۹۱، ۱۷۰۱،
- ۱۷۲۴ (نیز نک: بندر لنگه)
- لیراوی؛ [ج ۸] ۲۱۵۱
- مادرشاه؛ [ج ۵] ۱۰۹۸، ۱۰۱۲
- مارسن باد؛ [ج ۵] ۱۰۸۵
- مازندران؛ [ج ۱] ۱۲۳؛ [ج ۳] ۵۷۷، ۵۹۵،
- ۶۳۶، ۶۸۰؛ [ج ۴] ۹۳۶، ۹۵۵؛ [ج ۵]
- ۱۰۱۲، ۱۰۵۶، ۱۰۷۴، ۱۱۶۷، ۱۱۶۷،
- ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۰۸، ۱۲۸۷، ۱۲۸۹،
- ۱۳۳۷، ۱۴۳۰، ۱۴۳۷، ۱۴۴۸؛ [ج ۷]
- ۱۵۳۷، ۱۵۹۲، ۱۵۹۵، ۱۶۰۳، ۱۶۵۲،
- ۱۶۵۶، ۱۶۵۷؛ [ج ۸] ۱۷۳۰، ۱۷۴۰،
- ۱۷۴۳، ۱۷۶۸، ۱۷۷۲، ۱۸۲۴، ۱۸۶۷،
- ۱۹۶۵، ۱۹۷۰، ۱۹۷۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۶،
- ۲۰۸۹، ۲۱۰۴
- ماسیرم؛ [ج ۷] ۱۶۲۳؛ [ج ۸] ۲۱۲۳
- ماشک؛ [ج ۱] ۱۶۷
- ماکو؛ [ج ۱] ۵۳، ۱۲۵، ۲۷۸، ۲۸۱، ۳۰۳،
- ۳۲۳، ۳۲۴؛ [ج ۲] ۳۸۹؛ [ج ۳] ۶۶۳،
- ۶۷۵
- مال امیر؛ [ج ۶] ۱۴۴۳
- مالامین (مال امین - مال امیر؟)؛ [ج ۱] ۲۹
- مالوم؛ [ج ۱] ۱۷۴
- ماماتن؛ [ج ۱] ۱۳۹
- ماهی دشت؛ [ج ۴] ۸۸۵، ۹۱۰؛ [ج ۵]
- ۱۱۵۵؛ [ج ۷] ۱۶۶۵، ۱۶۶۷؛ [ج ۸]
- ۱۷۰۴، ۱۹۹۸
- مجامبار؛ [ج ۲] ۳۵۱
- محمدآباد؛ [ج ۵] ۱۰۹۷
- محمیره؛ [ج ۱] ۱۶۹، ۲۸۲؛ [ج ۲] ۴۷۲؛
- [ج ۳] ۵۶۸، ۶۷۸، ۷۶۵؛ [ج ۴] ۷۹۹،
- ۹۴۲؛ [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۹، ۱۰۹۰،
- ۱۰۹۶؛ [ج ۶] ۱۴۳۶، ۱۴۵۰، ۱۴۷۳؛
- [ج ۷] ۱۵۲۰، ۱۵۲۶، ۱۵۴۰؛ [ج ۸]
- ۱۷۲۶، ۱۷۴۹، ۱۷۶۲، ۱۷۶۶، ۱۷۷۰،
- ۱۷۷۸، ۱۸۴۰، ۱۸۸۳، ۱۸۸۹، ۱۹۴۹،
- ۱۹۵۰، ۱۹۵۴، ۱۹۶۹، ۱۹۸۴، ۱۹۸۶،
- ۱۹۸۹، ۲۰۰۵، ۲۰۳۰، ۲۰۴۸، ۲۱۰۷

۴۵۰، ۴۶۷-۴۶۹، ۴۷۸، ۵۱۳، ۵۳۰،
 ۵۳۱ [ج ۳]: ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۶-۵۸۰،
 ۵۸۳، ۵۹۶، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۴۱، ۶۴۶،
 ۶۴۷، ۶۷۶، ۷۲۶، ۷۴۴، ۷۶۱ [ج ۴]:
 ۷۹۲، ۷۹۴-۷۹۶، ۸۱۱، ۸۲۲، ۸۳۳،
 ۸۵۶، ۸۷۰، ۸۷۶، ۸۸۱، ۸۹۱، ۹۰۷، ۹۰۸،
 ۹۳۰، ۹۳۸، ۹۵۶، ۹۵۹، ۹۶۸، ۹۷۱ [ج ۵]:
 ۹۸۰، ۹۹۸، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۳۸،
 ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۱۴۲،
 ۱۱۵۲، ۱۱۵۴، ۱۱۵۸، ۱۱۶۷، ۱۱۷۶،
 ۱۱۹۴، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰،
 ۱۲۳۲، ۱۲۳۳ [ج ۶]: ۱۲۷۸، ۱۲۸۱،
 ۱۲۸۹، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۷، ۱۴۲۰،
 ۱۴۲۲، ۱۴۳۵، ۱۴۴۵، ۱۴۴۸ [ج ۷]:
 ۱۵۱۹، ۱۵۳۸، ۱۵۵۳، ۱۵۸۱، ۱۵۸۵،
 ۱۵۹۱، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۶۰۳، ۱۶۱۴،
 ۱۶۱۶-۱۶۱۸، ۱۶۲۷، ۱۶۳۳، ۱۶۵۳،
 ۱۶۵۷، ۱۶۶۱، ۱۶۷۵ [ج ۸]: ۱۶۹۶،
 ۱۷۳۰، ۱۷۷۲، ۱۸۱۵، ۱۸۵۶، ۱۸۶۸،
 ۱۸۷۹، ۱۸۸۲، ۱۸۸۶، ۱۹۴۰، ۱۹۷۰،
 ۱۹۷۱، ۲۰۰۷، ۲۰۳۲، ۲۰۵۰، ۲۰۶۱،
 ۲۱۰۴، ۲۱۰۵، ۲۱۵۲
 مشهد سر: [ج ۳]: ۶۸۰ [ج ۵]: ۱۰۱۲ [ج ۶]:
 ۱۲۸۸ [ج ۷]: ۱۵۹۲، ۱۶۵۷
 مصر: [ج ۲]: ۳۶۲
 معیار (مهیاری): [ج ۵]: ۱۲۴۰
 مغان: [ج ۳]: ۷۶۷ [ج ۴]: ۷۸۵ [ج ۸]: ۱۸۴۷
 مکران: [ج ۵]: ۱۱۵۴ [ج ۷]: ۱۵۶۱
 موگام (مقام): [ج ۳]: ۷۱۶
 ملایر: [ج ۲]: ۴۰۷ [ج ۳]: ۶۸۰ [ج ۵]:
 ۱۲۱۰ [ج ۶]: ۱۲۸۷، ۱۳۳۹، ۱۴۳۷ [ج ۷]:
 ۱۶۸۱ [ج ۸]: ۱۷۰۹

۲۱۳۹، ۲۱۵۱
 محلات: [ج ۳]: ۶۷۹ [ج ۶]: ۱۴۳۷
 محنی (محسنی?): [ج ۴]: ۹۱۲
 مراغه: [ج ۲]: ۳۵۱، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۸۸، ۳۸۹،
 ۳۹۰، ۴۰۴، ۴۰۹، ۴۱۹، ۴۲۳، ۴۳۳،
 ۴۳۴، ۴۶۱، ۴۶۲ [ج ۳]: ۶۷۵، ۷۰۸،
 ۷۴۹، ۷۶۰ [ج ۴]: ۹۰۷ [ج ۵]: ۱۰۹۶،
 ۱۱۹۰، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳ [ج ۶]: ۱۳۳۷،
 ۱۴۳۵ [ج ۷]: ۱۶۳۲ [ج ۸]: ۱۷۱۹
 مردآباد: [ج ۸]: ۱۷۰۷
 مرغاب: [ج ۵]: ۱۰۱۴، ۱۰۱۶ [ج ۷]: ۱۶۲۴ [ج ۸]:
 ۱۹۴۴، ۲۰۸۳
 مرنج: [ج ۴]: ۹۶۲
 مرنده: [ج ۱]: ۳۲۴ [ج ۲]: ۳۸۸-۳۹۰، ۴۱۸،
 ۴۲۴، ۴۳۳، ۴۶۲، ۴۶۴ [ج ۳]: ۶۷۵،
 ۷۲۱ [ج ۷]: ۱۶۰۲
 مرواری: [ج ۴]: ۹۶۹
 مرو دشت: [ج ۵]: ۱۰۰۰ [ج ۷]: ۱۵۴۳
 مروس - مروست: [ج ۸]: ۲۱۰۵، ۲۱۵۰
 مریوان: [ج ۳]: ۶۷۹
 مزینان: [ج ۱]: ۱۲۳
 مسجد شاه: [ج ۲]: ۴۰۶
 مسقط: [ج ۸]: ۱۷۵۴، ۱۷۵۵
 مسکون: [ج ۵]: ۱۰۱۴
 مسیله: [ج ۸]: ۲۱۲۳
 مشرق زمین: [ج ۸]: ۲۱۳۶
 مشکین: [ج ۳]: ۶۷۵
 مشهد: [ج ۱]: ۳۳، ۳۴، ۶۶، ۸۳، ۱۰۸، ۱۱۳،
 ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۴۴،
 ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۹، ۱۸۶، ۲۴۸، ۲۶۶،
 ۲۸۹، ۳۲۲ [ج ۲]: ۳۴۲، ۳۵۱، ۳۵۲،
 ۳۸۱، ۳۹۵، ۴۱۳، ۴۲۴، ۴۳۰، ۴۴۸

- مل خرنه — مل خرّه؛ [ج ۸] ۲۱۲۳
 ملک سیاه (کوه)؛ [ج ۴] ۸۷۶، ۸۹۲، ۹۳۸؛
 [ج ۵] ۱۰۷۵، ۱۰۹۶، ۱۱۵۳؛ [ج ۸]
 ۲۱۰۶
 ممالک متحده؛ [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۰۲، ۱۰۰۹
 (نیز نک: امریکا)
 ممسنی؛ [ج ۵] ۹۷۸، ۹۹۹؛ [ج ۸] ۲۰۴۶،
 ۲۰۶۴، ۲۰۶۶
 منجیل؛ [ج ۲] ۴۲۱، ۴۶۱، ۴۷۴؛ [ج ۳]
 ۷۲۸، ۶۶۴
 منچستر؛ [ج ۳] ۶۵۷، ۶۶۰؛ [ج ۵] ۱۰۱۶،
 ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۱۷۲؛ [ج ۶] ۱۲۵۳،
 ۱۴۵۵، ۱۴۷۳؛ [ج ۷] ۱۶۷۷؛ [ج ۸]
 ۱۷۰۵
 مورچه خوار — مورچه خورد؛ [ج ۲] ۳۹۲، ۴۵۱؛
 [ج ۳] ۷۳۰
 موصل؛ [ج ۱] ۸۰
 میامه — میامی — مینمه؛ [ج ۱] ۱۲۳؛ [ج ۳]
 ۶۰۰؛ [ج ۸] ۲۰۳۲، ۲۱۰۵
 میانج — میانه؛ [ج ۳] ۶۷۵، ۷۰۱؛ [ج ۴]
 ۹۳۸؛ [ج ۵] ۱۱۰۴، ۱۱۵۲؛ [ج ۷]
 ۱۵۶۷، ۱۶۱۰، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳؛ [ج ۸]
 ۱۸۷۱، ۱۹۲۲
 میان دشت؛ [ج ۱] ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۶، ۲۸۹؛
 [ج ۳] ۵۶۷؛ [ج ۸] ۲۱۰۵
 میاندوآب؛ [ج ۳] ۶۷۵؛ [ج ۵] ۱۰۹۶
 میان کانبجی (میان کنگی؟)؛ [ج ۵] ۱۰۹۶
 میان کتل؛ [ج ۴] ۹۱۳؛ [ج ۷] ۱۴۸۸، ۱۵۴۲،
 ۱۶۲۲؛ [ج ۸] ۱۸۰۷، ۱۹۱۰، ۱۹۶۸،
 ۲۰۰۹، ۲۰۲۶، ۲۱۲۴، ۲۱۲۶
 میدان توپخانه؛ [ج ۳] ۶۱۶، ۶۷۸، ۷۰۶، ۷۲۰
 (نیز نک: توپخانه)
- میدان شاه (اصفهان)؛ [ج ۵] ۱۰۷۶
 میرآباد؛ [ج ۴] ۹۳۸
 میربند؛ [ج ۳] ۶۴۹
 میزهیدان؛ [ج ۱] ۱۲۳
 میسیکین (مشکین؟)؛ [ج ۵] ۱۰۹۶
 میشون؛ [ج ۸] ۱۷۵۸
 میناب؛ [ج ۳] ۶۰۵؛ [ج ۴] ۹۷۱؛ [ج ۵]
 ۱۱۰۰
 نائین؛ [ج ۱] ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۸۷، ۲۶۷؛ [ج ۲]
 ۳۸۳، ۴۷۱، ۵۳۱؛ [ج ۳] ۶۴۹، ۶۸۰؛
 [ج ۴] ۷۹۸، ۸۷۱، ۸۹۳، ۹۰۹، ۹۳۱،
 ۹۳۹، ۹۵۹، ۹۶۹؛ [ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۱۳،
 ۱۰۳۹، ۱۱۵۴؛ [ج ۴] ۱۴۳۷؛ [ج ۸]
 ۱۸۵۴، ۲۰۰۸
 ناره؛ [ج ۵] ۱۱۵۳
 ناردین؛ [ج ۱] ۱۲۳؛ [ج ۸] ۲۱۴۰
 نارنج باغ؛ [ج ۵] ۱۰۷۴
 ناصری (بندن)؛ [ج ۳] ۶۷۸؛ [ج ۴] ۹۴۲، ۹۵۷
 ناصریه؛ [ج ۳] ۷۳۱
 ناندان؛ [ج ۷] ۱۶۸۱
 نجف — نجف اشرف؛ [ج ۱] ۱۸۸، ۲۶۶، ۲۶۷،
 ۲۸۲، ۲۸۹، ۳۲۱؛ [ج ۲] ۳۷۷، ۳۹۵
 ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۶۵، ۴۷۸، ۵۳۴؛ [ج ۳]
 ۵۴۴، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۷۴، ۶۱۱، ۶۵۰،
 ۷۱۶، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۴۷؛ [ج ۴] ۷۹۴،
 ۸۳۰، ۸۹۰، ۹۲۵، ۹۶۶؛ [ج ۵] ۹۸۰،
 ۱۰۵۵؛ [ج ۶] ۱۳۳۷، ۱۴۲۶؛ [ج ۷]
 ۱۵۲۰، ۱۶۹۲، ۱۸۲۵، ۱۸۶۲
 نجف آباد؛ [ج ۳] ۶۷۷؛ [ج ۶] ۱۴۳۵؛
 [ج ۸] ۱۸۵۴، ۱۹۹۰

- نخیله: [ج ۴] ۹۶۲
 نران (ناران): [ج ۵] ۱۰۸۵
 نرماشیر — نرمشیر — نرماشی: [ج ۳] ۶۴۹،
 ۶۷۷، ۷۴۶؛ [ج ۴] ۷۸۲، ۷۸۷، ۷۹۹،
 ۹۳۲، ۹۴۵، ۹۵۵، ۹۶۰، ۹۶۸؛ [ج ۵]
 ۱۲۰۹؛ [ج ۸] ۱۸۲۷، ۱۸۲۸
 نزقور: [ج ۴] ۹۶۲
 نصرت آباد: [ج ۱] ۱۶۷، ۱۷۰؛ [ج ۳] ۶۷۶
 نطنز: [ج ۳] ۶۷۹؛ [ج ۴] ۹۱۰؛ [ج ۵]
 ۱۰۳۹، ۱۱۵۳، ۱۲۳۰؛ [ج ۸] ۱۶۹۹،
 ۱۸۵۴
 نظام آباد: [ج ۱] ۷۴، ۸۱
 نعمت آباد: [ج ۸] ۱۸۲۴، ۱۸۳۹، ۱۸۴۱،
 ۱۸۵۸
 نعیم آباد: [ج ۴] ۹۱۲
 نمازگاه: [ج ۸] ۲۱۲۷
 نوبران: [ج ۵] ۱۲۲۱، ۱۲۳۵؛ [ج ۶] ۱۲۸۷
 نودان: [ج ۸] ۱۸۰۷، ۱۹۱۰، ۱۹۱۱
 نوگنبد — نه گنبد: [ج ۱] ۱۶۶؛ [ج ۴] ۷۸۶،
 ۹۶۹؛ [ج ۸] ۱۸۵۴
 نور: [ج ۳] ۶۸۰
 نه: [ج ۵] ۱۰۳۸
 نهاوند: [ج ۳] ۶۸۰؛ [ج ۶] ۱۳۳۹
 نیاوران: [ج ۱] ۲۵۳
 نی بند: [ج ۸] ۱۹۴۲
 نیریز: [ج ۳] ۵۶۸
 نیس: [ج ۵] ۹۸۵
 نیشابور: [ج ۳] ۵۳۰، ۵۶۷، ۶۰۰، ۶۷۶؛
 [ج ۴] ۷۹۳—۷۹۶، ۸۰۳، ۸۳۰، ۸۵۵؛
 [ج ۵] ۱۰۳۸؛ [ج ۶] ۱۳۳۸، ۱۴۳۵،
 ۱۴۴۸؛ [ج ۷] ۱۵۳۸
 نیومارک: [ج ۵] ۱۰۰۵
 نیویورک: [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۱۷
 واشینگتن: [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۰۲، ۱۰۰۴،
 ۱۰۱۷، ۱۱۱۲
 ورامین: [ج ۱] ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۶۹؛ [ج ۴]
 ۹۵۰؛ [ج ۶] ۱۲۸۶؛ [ج ۸] ۱۹۷۷
 وراوی: [ج ۴] ۹۶۲
 ورنگان: [ج ۴] ۹۳۲
 وست منسترابی: [ج ۳] ۶۴۱
 ویرنجان (= ورنگان?): [ج ۸] ۱۸۷۴
 ویس: [ج ۸] ۲۰۴۹
 وین: [ج ۶] ۱۳۲۳
 وینه: [ج ۱] ۱۴۱؛ [ج ۳] ۶۱۹، ۶۳۳، ۶۳۵؛
 [ج ۵] ۹۸۵، ۹۹۶، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۱۰،
 ۱۱۴۱، ۱۱۹۶، ۱۲۰۰؛ [ج ۸] ۱۸۴۱
 هارون آباد: [ج ۴] ۹۱۰؛ [ج ۸] ۱۷۶۴
 هامون: [ج ۵] ۱۰۹۶
 هرسین: [ج ۴] ۹۴۰
 هرمز (جزیره): [ج ۸] ۱۹۳۸
 هفت برمخودیان: [ج ۳] ۸۰۸
 هفت لنگ: [ج ۵] ۱۰۹۸، ۱۱۵۳
 هفت ملا: [ج ۷] ۱۶۲۳
 هلند: [ج ۱] ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۵؛ [ج ۸] ۱۷۹۲،
 ۱۸۳۸، ۱۸۴۰، ۱۸۴۲، ۱۸۴۵، ۱۸۴۹،
 ۱۸۵۰، ۱۸۵۵، ۱۸۷۴، ۱۸۸۰
 همدان: [ج ۱] ۴۸، ۶۷، ۱۵۸، ۲۴۹؛ [ج ۲]
 ۳۸۵، ۴۰۰، ۴۱۰، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۳۴،
 ۴۶۸—۴۷۰، ۵۳۳؛ [ج ۳] ۵۶۸، ۶۰۲،
 ۶۸۰، ۷۱۲، ۷۱۳؛ [ج ۴] ۷۸۷، ۷۹۲

هویره؛ [ج ۱] ۲۸۲	،۸۷۹ ،۸۷۲ ،۸۵۷ ،۸۲۳ ،۷۹۸
هیرمند؛ [ج ۵] ۱۰۷۵	؛۹۴۰ ،۹۳۲ ،۹۳۱ ،۹۱۱ ،۸۹۵ ،۸۸۵
هیندارابی (جزیره)؛ [ج ۷] ۱۶۴۸	،۱۰۷۷ ،۱۰۳۷ ،۹۹۹ ،۹۸۳ ،۹۸۲ [ج ۵]
	،۱۰۸۵ ،۱۱۸۵ ،۱۱۹۲ ،۱۲۰۸ ،۱۲۰۹
	،۱۲۳۱ ،۱۲۳۴ [ج ۶] ،۱۲۵۸ ،۱۲۸۷
یافت آباد؛ [ج ۳] ۶۸۶	،۱۳۳۳ ،۱۳۳۶ ،۱۳۳۸ ،۱۳۴۰ ،۱۳۹۹
یزد؛ [ج ۱] ۳۵ ،۶۶ ،۷۵ ،۸۲ ،۸۳ ،۹۵ ،۱۲۷	؛۱۴۵۱ ،۱۴۵۰ ،۱۴۴۲ ،۱۴۳۷ ،۱۴۲۸
،۱۲۹ ،۱۳۲ ،۱۳۳ ،۱۳۸ ،۱۴۴ ،۱۵۵	؛[ج ۷] ۱۶۷۸ ،۱۶۷۷ ،۱۶۴۸ ،۱۶۴۵
،۱۵۷ ،۱۵۸ ،۱۶۳ ،۱۶۶ ،۱۶۷ ،۱۷۰	[ج ۸] ۱۶۹۴ ،۱۶۹۶ ،۱۷۰۲ ،۱۷۰۵
،۱۷۴ ،۱۸۷ ،۱۹۰ ،۲۱۸ ،۲۲۰ ،۲۲۱	،۱۷۰۶ ،۱۷۰۹ ،۱۷۱۴ ،۱۷۲۶ ،۱۷۳۲
،۲۴۹ ،۲۶۷ ،۲۸۱ ،۲۸۲ ،۲۸۹ ،۳۰۵	،۱۷۴۰ ،۱۷۴۱ ،۱۷۴۵ ،۱۷۴۹ ،۱۷۵۰
،۳۲۲ [ج ۲] ۳۵۳ ،۳۸۳ ،۳۸۴ ،۴۱۳	،۱۷۵۵ ،۱۷۶۲ ،۱۷۶۳ ،۱۷۶۵ - ۱۷۶۷
،۴۳۰ ،۴۷۰ ،۴۷۱ ،۵۳۱ [ج ۳] ۵۶۷	،۱۷۶۹ ،۱۷۷۰ ،۱۷۷۴ ،۱۷۹۳ ،۱۸۱۵
،۵۹۶ ،۶۰۱ ،۶۴۹ ،۶۵۸ ،۶۸۰ ،۷۱۰ ،۷۲۱	،۱۸۱۶ ،۱۸۵۱ ،۱۸۵۴ ،۱۸۵۵ ،۱۹۰۲
،۷۳۰ ،۷۳۲ ،۷۴۱ ،۷۴۵ ،۷۴۶ ،۷۵۸	،۱۹۴۰ ،۱۹۶۲ ،۱۹۶۳ ،۱۹۷۰ ،۱۹۷۲
،۷۶۲ [ج ۴] ۷۸۶ ،۷۹۸ ،۸۰۷ ،۸۱۱	،۱۹۷۴ ،۱۹۷۷ ،۱۹۸۶ ،۱۹۹۵ ،۱۹۹۹
،۸۲۳ ،۸۲۴ ،۸۳۴ ،۸۳۵ ،۸۴۶ ،۸۵۶	۲۱۰۵ ،۲۱۱۳ ،۲۱۱۴ ،۲۱۵۱
،۸۷۱ ،۸۷۲ ،۸۷۶ ،۸۸۱ ،۸۹۳ ،۹۰۸	هنجام (هنگام)؛ [ج ۲] ۴۴۷
،۹۱۰ ،۹۳۱ ،۹۳۹ ،۹۴۰ ،۹۵۷ ،۹۵۹	هند - هندوستان؛ [ج ۲] ۳۶۱ [ج ۳] ۶۹۵
،۹۷۰ ،۹۷۱ [ج ۵] ۹۸۱ ،۹۸۲ ،۹۸۴	،۶۹۸ ،۷۱۹ ،۷۲۰ ،۷۴۶ [ج ۴] ۷۷۶
،۹۸۵ ،۹۹۸ ،۹۹۹ ،۱۰۱۳ ،۱۰۳۸ ،۱۰۳۹	،۸۱۵ ،۸۶۲ ،۸۹۶ ،۸۹۸ ،۹۰۹ ،۹۲۱
،۱۰۵۷ ،۱۰۶۵ ،۱۰۷۶ ،۱۰۹۰ ،۱۰۹۸	،۹۳۵ ،۹۴۸ ،۹۵۲ ،۹۵۴ ،۹۶۴ [ج ۵]
،۱۱۵۳ ،۱۱۵۴ ،۱۲۰۳ ،۱۲۰۷ ،۱۲۳۰	،۱۱۸۵ ،۱۱۸۷ - ۱۲۱۳ [ج ۶] ۱۲۵۶
،۱۲۴۳ [ج ۶] ۱۲۹۰ ،۱۳۳۸ ،۱۳۴۰	،۱۲۵۷ ،۱۲۵۹ ،۱۲۶۹ ،۱۲۹۵ ،۱۳۱۰
،۱۴۳۰ [ج ۷] ۱۴۳۷ ،۱۴۵۴ ،۱۴۶۰	،۱۳۱۱ ،۱۳۲۲ ،۱۳۴۱ ،۱۳۴۸ ،۱۳۸۲
،۱۵۳۹ [ج ۸] ۱۶۵۷ ،۱۶۰۴ ،۱۶۵۷	،۱۳۸۵ ،۱۳۸۸ [ج ۷] ۱۶۲۷ ،۱۶۴۴
،۱۷۴۰ ،۱۷۶۸ ،۱۸۰۵ ،۱۸۰۶ ،۱۸۱۶	،۱۶۷۹ ،۱۶۸۰ [ج ۸] ۱۶۹۲ ،۱۶۹۳
،۱۸۵۱ ،۱۸۵۴ ،۱۸۵۶ ،۱۸۸۷ ،۱۹۰۴	،۱۶۹۹ ،۱۷۱۳ ،۱۷۵۱ ،۱۷۵۲ ،۱۷۵۴
،۱۹۰۷ ،۱۹۲۱ ،۱۹۴۱ ،۱۹۷۱ ،۱۹۸۷	،۱۷۵۵ ،۱۷۸۵ ،۱۸۱۱ ،۱۸۱۸ ،۱۸۲۲
،۱۹۹۱ ،۲۰۰۸ - ۲۰۱۰ ،۲۰۵۱ ،۲۰۷۱	،۱۸۲۶ ،۱۸۶۵ ،۱۸۷۴ ،۱۸۷۸ ،۱۹۲۱
۲۱۰۵ ،۲۱۵۰	،۱۹۲۴ ،۱۹۲۶ ،۱۹۳۷ ،۱۹۳۸ ،۱۹۴۷
یزدخواست؛ [ج ۲] ۳۵۳ ،۴۷۲ ،۴۸۰ ،۵۲۴	۲۱۳۹ ،۲۱۲۲ ،۲۰۳۲ ،۲۰۰۹ ،۲۰۰۸

- [ج ۳] ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۲؛ [ج ۴] ۷۸۶،
 ۷۸۷، ۷۹۲، ۹۶۹؛ [ج ۵] ۱۰۷۲؛ [ج ۶]
 ۱۲۸۲، ۱۲۹۵، ۱۳۸۸؛ [ج ۷] ۱۵۴۱،
 ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۷۷، ۱۶۳۷، ۱۶۷۰؛
 [ج ۸] ۱۸۵۲ (نیز نک: ایزدخواست)
 یم؛ [ج ۲] ۳۹۰
- یموت؛ [ج ۱] ۱۲۶؛ [ج ۵] ۱۲۰۱
 یوزباشی چای؛ [ج ۲] ۴۶۱
 یوسف آباد؛ [ج ۳] ۶۸۶، ۷۰۵؛ [ج ۸] ۱۸۵۷
 ینگى امام؛ [ج ۳] ۷۰۴
 یونان؛ [ج ۲] ۴۶۴
 یهودیان (محلّه)؛ [ج ۶] ۱۴۷۷

فهرست نامهای گوناگون پراکنده

- آژانس انگلیس؛ [ج ۸] ۲۰۰۲
آژانس روس؛ [ج ۸] ۲۰۰۹
آفتاب (روزنامه)؛ [ج ۷] ۱۶۵۶، ۱۶۰۲
آقابای (ایل)؛ [ج ۵] ۱۲۰۱
آلرت (کشتی)؛ [ج ۸] ۱۷۵۲
آلفا (کتابخانه)؛ [ج ۵] ۱۲۴۷
آلمان – آلمانی (مردم)؛ [ج ۱] ۱۱۲؛ [ج ۲] ۴۵۲؛ [ج ۵] ۱۱۸۲، ۱۱۸۳؛ [ج ۶] ۱۲۸۶؛ [ج ۸] ۱۸۰۵، ۱۹۲۰، ۲۱۴۹
آلیانس (مدرسه)؛ [ج ۴] ۸۳۵
اتاشه میلتر؛ [ج ۸] ۱۹۷۶
اتاماژور؛ [ج ۳] ۶۹۴
اتریشی (مردم)؛ [ج ۳] ۶۸۱
احمدوند چلبی (ایل)؛ [ج ۴] ۷۸۶
اداره بحریه انگلیس؛ [ج ۷] ۱۶۶۴، ۱۶۷۸؛ [ج ۸] ۱۷۲۴، ۱۶۹۰
اداره تلگراف انگلیس و هند؛ [ج ۸] ۱۸۰۶، ۱۸۳۴ (نیز نک: تلگرافخانه انگلیس)
اداره تلگرافخانه، تلگرافی هند و اروپا؛ [ج ۸] ۱۹۳۳، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۳۲، ۲۰۸۶
۲۰۸۸، ۲۰۸۹، ۲۱۰۵
اداره گبرهای بمبئی؛ [ج ۷] ۱۶۲۲
اداره لینگ؛ [ج ۸] ۱۷۹۱، ۱۸۰۲، ۱۸۰۳، ۱۸۵۲
اداره هند؛ [ج ۸] ۱۶۹۲، ۱۷۰۱، ۱۷۴۷، ۱۷۵۰، ۱۷۸۵، ۱۸۷۴، ۱۸۷۷، ۱۹۲۴، ۲۰۱۷، ۲۰۱۹، ۲۰۲۴، ۲۱۳۷، ۲۱۴۰، ۲۱۵۵
ارتجاعیون؛ [ج ۸] ۱۷۳۰
ارچینی (مردم)؛ [ج ۴] ۷۹۷، ۸۲۲
ارسی (کفش)؛ [ج ۸] ۲۰۵۶
ارمنی – ارامنه (مردم)؛ [ج ۱] ۴۲؛ [ج ۲] ۳۵۱، ۳۶۳، ۳۸۴، ۵۰۷؛ [ج ۳] ۵۶۸، ۵۹۷، ۶۱۹، ۶۸۰، ۶۸۸، ۷۱۰، ۷۵۷؛ [ج ۴] ۷۸۰، ۷۸۵، ۹۱۲، ۹۱۷؛ [ج ۵] ۱۰۹۶، ۱۲۳۳؛ [ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۹۷، ۱۳۳۳، ۱۴۳۷؛ [ج ۷] ۱۶۰۲، ۱۶۲۰، ۱۶۴۳؛ [ج ۸] ۱۷۴۸، ۱۷۶۷، ۱۷۹۳، ۱۸۱۵، ۱۸۳۲، ۱۸۸۱، ۱۹۲۳، ۱۹۵۲، ۱۹۷۱، ۱۹۷۳، ۱۹۹۹، ۲۰۴۰

- اسویت (روزنامه) ۱۱۲۷ ۲۱۰۵
- اشنیدر — اشنیدر پاریس (کمپانی): [ج ۸] ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۰۶ [ج ۲]؛ ۴۴۵، ۴۴۴، ۴۴۳، ۴۴۲، ۴۴۱، ۴۴۰، ۴۳۹، ۴۳۸، ۴۳۷، ۴۳۶، ۴۳۵، ۴۳۴، ۴۳۳، ۴۳۲، ۴۳۱، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۱۹، ۴۱۸، ۴۱۷، ۴۱۶، ۴۱۵، ۴۱۴، ۴۱۳، ۴۱۲، ۴۱۱، ۴۱۰، ۴۰۹، ۴۰۸، ۴۰۷، ۴۰۶، ۴۰۵، ۴۰۴، ۴۰۳، ۴۰۲، ۴۰۱، ۴۰۰، ۳۹۹، ۳۹۸، ۳۹۷، ۳۹۶، ۳۹۵، ۳۹۴، ۳۹۳، ۳۹۲، ۳۹۱، ۳۹۰، ۳۸۹، ۳۸۸، ۳۸۷، ۳۸۶، ۳۸۵، ۳۸۴، ۳۸۳، ۳۸۲، ۳۸۱، ۳۸۰، ۳۷۹، ۳۷۸، ۳۷۷، ۳۷۶، ۳۷۵، ۳۷۴، ۳۷۳، ۳۷۲، ۳۷۱، ۳۷۰، ۳۶۹، ۳۶۸، ۳۶۷، ۳۶۶، ۳۶۵، ۳۶۴، ۳۶۳، ۳۶۲، ۳۶۱، ۳۶۰، ۳۵۹، ۳۵۸، ۳۵۷، ۳۵۶، ۳۵۵، ۳۵۴، ۳۵۳، ۳۵۲، ۳۵۱، ۳۵۰، ۳۴۹، ۳۴۸، ۳۴۷، ۳۴۶، ۳۴۵، ۳۴۴، ۳۴۳، ۳۴۲، ۳۴۱، ۳۴۰، ۳۳۹، ۳۳۸، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۵، ۳۳۴، ۳۳۳، ۳۳۲، ۳۳۱، ۳۳۰، ۳۲۹، ۳۲۸، ۳۲۷، ۳۲۶، ۳۲۵، ۳۲۴، ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۲۱، ۳۲۰، ۳۱۹، ۳۱۸، ۳۱۷، ۳۱۶، ۳۱۵، ۳۱۴، ۳۱۳، ۳۱۲، ۳۱۱، ۳۱۰، ۳۰۹، ۳۰۸، ۳۰۷، ۳۰۶، ۳۰۵، ۳۰۴، ۳۰۳، ۳۰۲، ۳۰۱، ۳۰۰، ۲۹۹، ۲۹۸، ۲۹۷، ۲۹۶، ۲۹۵، ۲۹۴، ۲۹۳، ۲۹۲، ۲۹۱، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۸۶، ۲۸۵، ۲۸۴، ۲۸۳، ۲۸۲، ۲۸۱، ۲۸۰، ۲۷۹، ۲۷۸، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۷۲، ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۶۵، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۶۰، ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۵۶، ۲۵۵، ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۵۱، ۲۵۰، ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۴۶، ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۴۳، ۲۴۲، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۲۱، ۲۲۰، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۱، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۵، ۲۰۴، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۴، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱
- اشنیدر — اشنیدر پاریس (کمپانی): [ج ۸] ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۰۶ [ج ۲]؛ ۴۴۵، ۴۴۴، ۴۴۳، ۴۴۲، ۴۴۱، ۴۴۰، ۴۳۹، ۴۳۸، ۴۳۷، ۴۳۶، ۴۳۵، ۴۳۴، ۴۳۳، ۴۳۲، ۴۳۱، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۱۹، ۴۱۸، ۴۱۷، ۴۱۶، ۴۱۵، ۴۱۴، ۴۱۳، ۴۱۲، ۴۱۱، ۴۱۰، ۴۰۹، ۴۰۸، ۴۰۷، ۴۰۶، ۴۰۵، ۴۰۴، ۴۰۳، ۴۰۲، ۴۰۱، ۴۰۰، ۳۹۹، ۳۹۸، ۳۹۷، ۳۹۶، ۳۹۵، ۳۹۴، ۳۹۳، ۳۹۲، ۳۹۱، ۳۹۰، ۳۸۹، ۳۸۸، ۳۸۷، ۳۸۶، ۳۸۵، ۳۸۴، ۳۸۳، ۳۸۲، ۳۸۱، ۳۸۰، ۳۷۹، ۳۷۸، ۳۷۷، ۳۷۶، ۳۷۵، ۳۷۴، ۳۷۳، ۳۷۲، ۳۷۱، ۳۷۰، ۳۶۹، ۳۶۸، ۳۶۷، ۳۶۶، ۳۶۵، ۳۶۴، ۳۶۳، ۳۶۲، ۳۶۱، ۳۶۰، ۳۵۹، ۳۵۸، ۳۵۷، ۳۵۶، ۳۵۵، ۳۵۴، ۳۵۳، ۳۵۲، ۳۵۱، ۳۵۰، ۳۴۹، ۳۴۸، ۳۴۷، ۳۴۶، ۳۴۵، ۳۴۴، ۳۴۳، ۳۴۲، ۳۴۱، ۳۴۰، ۳۳۹، ۳۳۸، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۵، ۳۳۴، ۳۳۳، ۳۳۲، ۳۳۱، ۳۳۰، ۳۲۹، ۳۲۸، ۳۲۷، ۳۲۶، ۳۲۵، ۳۲۴، ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۲۱، ۳۲۰، ۳۱۹، ۳۱۸، ۳۱۷، ۳۱۶، ۳۱۵، ۳۱۴، ۳۱۳، ۳۱۲، ۳۱۱، ۳۱۰، ۳۰۹، ۳۰۸، ۳۰۷، ۳۰۶، ۳۰۵، ۳۰۴، ۳۰۳، ۳۰۲، ۳۰۱، ۳۰۰، ۲۹۹، ۲۹۸، ۲۹۷، ۲۹۶، ۲۹۵، ۲۹۴، ۲۹۳، ۲۹۲، ۲۹۱، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۸۶، ۲۸۵، ۲۸۴، ۲۸۳، ۲۸۲، ۲۸۱، ۲۸۰، ۲۷۹، ۲۷۸، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۷۲، ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۶۵، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۶۰، ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۵۶، ۲۵۵، ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۵۱، ۲۵۰، ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۴۶، ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۴۳، ۲۴۲، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۲۱، ۲۲۰، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۱، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۵، ۲۰۴، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۴، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱
- اعتدالی ها (گروه مجلس): [ج ۴] ۸۴۵، ۸۴۴ [ج ۵] ۱۲۰۵، ۱۱۹۸، ۱۱۵۶، ۱۰۱۱ [ج ۷] ۱۶۲۲—۱۶۲۴، ۱۶۴۷، ۱۶۸۱ [ج ۸] ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۸۱۶، ۱۸۸۷، ۱۸۹۹، ۱۹۰۰، ۱۹۰۳، ۱۹۰۴، ۱۹۴۱، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴، ۱۹۶۸، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹، ۲۰۵۶، ۲۰۸۳
- اعراب جباره: [ج ۸] ۲۰۸۳، ۲۰۸۱، ۱۹۴۴ [ج ۸] ۲۰۸۷، ۲۰۸۳، ۱۹۴۴ [ج ۲] ۴۷۰ [ج ۳] ۶۴۹ [ج ۶] ۱۲۸۵ [ج ۸] ۱۷۲۷، ۱۷۲۵، ۱۷۲۹، ۱۷۳۴، ۱۷۳۶
- اعراب شیبانی: [ج ۸] ۲۰۸۷، ۲۰۸۳، ۱۹۴۴ [ج ۲] ۴۷۰ [ج ۳] ۶۴۹ [ج ۶] ۱۲۸۵ [ج ۸] ۱۷۲۷، ۱۷۲۵، ۱۷۲۹، ۱۷۳۴، ۱۷۳۶
- افشار (ایل): [ج ۲] ۴۷۰ [ج ۳] ۶۴۹ [ج ۶] ۱۲۸۵ [ج ۸] ۱۷۲۷، ۱۷۲۵، ۱۷۲۹، ۱۷۳۴، ۱۷۳۶
- افشار (گروه سوان): [ج ۴] ۹۱۲
- افغان — افغانی (مردم): [ج ۴] ۸۷۶، ۸۷۱ [ج ۸] ۱۸۱۵، ۸۹۲ [ج ۳] ۵۰۷ [ج ۷] ۱۵۹۲
- افیشیال مسنجر (روزنامه): [ج ۳] ۵۰۷ [ج ۷] ۱۵۹۲
- الوار: [ج ۷] ۱۶۲۳، ۱۶۶۷ [ج ۸] ۱۹۷۱ [ج ۸] ۲۱۳۸
- امتیاز راه آهن: [ج ۸] ۲۱۳۸
- امریکائی — امریکی (مردم): [ج ۳] ۵۹۳ [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۰۴، ۱۰۰۹، ۱۰۷۳، ۱۰۸۷، ۱۰۹۲، ۱۰۹۴، ۱۱۱۲، ۱۱۲۰، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۵۱، ۱۱۵۵، ۱۱۷۴، ۱۲۲۸ [ج ۶] ۱۳۰۵، ۱۳۱۲ [ج ۷] ۱۴۹۲، ۱۵۶۵، ۱۵۷۲، ۱۵۹۱، ۱۵۹۷، ۱۶۰۱، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۵
- امیرال: [ج ۳] ۶۱۶
- انجمن: [ج ۲] ۴۰۳
- اروپائی (مردم): [ج ۲] ۴۰۶، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۴۵، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۶۹، ۴۸۵، ۵۱۲، ۵۳۰ [ج ۳] ۵۷۶، ۵۹۱، ۶۱۰، ۶۱۶، ۷۴۵ [ج ۴] ۸۰۰، ۸۱۹، ۸۳۸، ۸۴۱، ۸۵۳، ۸۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۶۳ [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۵۹، ۱۰۶۱، ۱۰۷۱، ۱۱۱۴، ۱۱۱۶، ۱۱۱۹، ۱۱۴۴، ۱۱۵۲، ۱۱۶۸، ۱۱۸۶، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۲۰۹، ۱۲۱۱، ۱۲۲۰، ۱۲۲۸، ۱۲۳۹ [ج ۷] ۱۵۰۰، ۱۵۴۵، ۱۵۴۹، ۱۵۶۵، ۱۶۴۳، ۱۶۶۱ [ج ۸] ۱۷۲۵، ۱۷۳۱، ۱۷۴۸، ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۸۳۰، ۱۸۳۱، ۱۸۳۳، ۱۸۵۸، ۱۸۶۴، ۱۸۸۳، ۱۹۲۰، ۱۹۳۵، ۱۹۸۱، ۱۹۸۹، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۱، ۲۰۱۳، ۲۰۳۷، ۲۰۳۹، ۲۰۴۰، ۲۰۵۱، ۲۰۸۶، ۲۱۱۴، ۲۱۱۹، ۲۱۲۲
- اسپیکل (کشتی): [ج ۵] ۱۲۱۴
- استاکو: [ج ۵] ۱۱۳۰
- استقراض بزرگ ایران: [ج ۸] ۲۱۵۵
- استقلال ایران (روزنامه): [ج ۵] ۱۲۲۹
- اسحقیان (کمپانی): [ج ۷] ۱۶۲۲
- اسفینکس (کشتی): [ج ۳] ۶۱۶
- اسکادران (اصفهان، انگلیس): [ج ۸] ۱۶۹۹، ۱۹۲۱، ۱۹۲۵، ۱۹۳۱، ۱۹۵۲، ۱۹۵۸، ۱۹۸۵، ۲۱۴۴
- اسکانیا (واحد نظامی): [ج ۶] ۱۳۴۷، ۱۳۴۸
- اسلام (دین): [ج ۳] ۶۶۷، ۶۶۸ [ج ۵] ۱۰۲۶ [ج ۶] ۱۴۳۲، ۱۴۳۳
- اسماعیلی (گروه مذهبی): [ج ۴] ۷۹۳—۸۰۳، ۸۳۰ [ج ۵] ۱۰۳۸
- اسموند (طایفه): [ج ۸] ۱۹۹۱

- انجمن ولایتی بوشهر؛ [ج ۴] ۸۹۴
 انجمن ولایتی رشت؛ [ج ۴] ۸۶۹
 انجمن ولایتی کرمان؛ [ج ۴] ۹۱۲
 انجمن ولایتی کرمانشاه؛ [ج ۴] ۸۳۵، ۱۰۳۹
 انجمن ولایتی یزد؛ [ج ۴] ۸۱۲، ۸۳۴، ۹۵۹
 اندرو ویر (کمپانی)؛ [ج ۷] ۱۶۲۳، ۱۶۲۴
 انگلیسی (مردم)؛ [ج ۱] ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۸،
 ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۱۱، ۳۲۲،
 ۳۲۵، ۳۲۶؛ [ج ۳] ۶۱۸، ۶۴۱، ۶۵۶،
 ۶۵۸، ۶۶۰، ۶۸۱؛ [ج ۷] ۱۵۰۵، ۱۵۱۹،
 ۱۵۲۵، ۱۵۳۹، ۱۵۶۱، ۱۶۰۶، ۱۶۴۴، ۱۶۵۹
 اوصانلو — عصانلو (ایل)؛ [ج ۸] ۲۰۰۶
 اهالی هلند؛ [ج ۸] ۱۷۹۲
 ایتالیایی (مردم)؛ [ج ۴] ۹۲۸؛ [ج ۵]
 ۱۱۸۲، ۱۱۸۳
 ایران (روزنامه)؛ [ج ۲] ۳۸۰
 ایران نو (روزنامه)؛ [ج ۳] ۷۲۸؛ [ج ۵] ۱۲۰۶،
 ۱۲۲۹
 ایرانی (مردم)؛ [ج ۳] ۵۶۶، ۵۶۷، ۶۸۶،
 ۶۸۷، ۶۹۰، ۶۹۷، ۷۰۴، ۷۲۰، ۷۶۵
 ۷۶۶؛ [ج ۴] ۸۰۴؛ [ج ۷] ۱۶۴۳
 ایست ایندیز؛ [ج ۷] ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۴،
 ۱۵۷۸؛ [ج ۸] ۱۷۲۴
 ایلات خمسه؛ [ج ۸] ۱۷۵۸، ۱۷۶۸، ۱۷۷۷،
 ۱۷۷۸، ۱۸۰۶، ۱۸۰۸، ۱۸۹۹، ۱۹۰۷،
 ۱۹۱۳، ۱۹۲۳، ۱۹۴۴، ۲۰۸۰، ۲۰۸۱،
 ۲۰۸۵، ۲۰۸۷
 ایلات سنجایی؛ [ج ۸] ۱۷۷۰
 ایلات عرب؛ [ج ۸] ۱۷۶۸، ۱۷۶۹، ۱۹۰۷،
 ۱۹۴۲، ۲۰۸۷ (نیز نک: اعراب)
 ایلات قشقایی؛ [ج ۸] ۱۷۷۸، ۲۰۱۶
 ایلات کلهر؛ [ج ۸] ۱۷۹۴
- انجمن اتحاد اسلامی؛ [ج ۵] ۱۱۵۶
 انجمن استرآباد؛ [ج ۵] ۱۲۰۱
 انجمن اصفهان؛ [ج ۳] ۷۱۰؛ [ج ۴] ۸۲۲
 انجمن ایالتی؛ [ج ۲] ۵۰۶، ۵۱۰، ۵۱۳، ۵۱۶،
 ۵۲۵، ۵۳۰، ۵۳۴
 انجمن ایالتی آذربایجان؛ [ج ۲] ۴۳۱
 انجمن ایالتی تبریز؛ [ج ۲] ۴۳۳؛ [ج ۵] ۱۰۱۱
 انجمن ایالتی شیراز؛ [ج ۳] ۵۶۸
 انجمن ایالتی فارس؛ [ج ۲] ۵۳۴
 انجمن ایالتی کرمان؛ [ج ۴] ۹۱۲، ۹۳۲
 انجمن ایالتی مشهد؛ [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۰؛ [ج ۴]
 ۸۹۱؛ [ج ۵] ۹۸۰
 انجمن ایالتی یزد؛ [ج ۳] ۷۴۵؛ [ج ۵] ۱۰۳۹
 انجمن بوشهر؛ [ج ۳] ۶۲۰، ۶۵۰، ۶۵۱، ۷۱۶،
 ۷۳۳، ۷۴۷، ۷۶۴
 انجمن تبریز؛ [ج ۳] ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۹۱ —
 ۵۹۴، ۶۱۲، ۶۴۸، ۷۰۱، ۷۰۸؛ [ج ۷] ۱۵۳۱
 انجمن سری رشت؛ [ج ۳] ۷۴۴
 انجمن شیراز؛ [ج ۵] ۱۰۶۰، ۱۰۶۲
 انجمن عباسی؛ [ج ۱] ۱۲۶
 انجمن محلی اصفهان؛ [ج ۲] ۴۰۴
 انجمن ملی بافت؛ [ج ۸] ۱۸۳۰
 انجمن محلی بوشهر؛ [ج ۳] ۶۱۱
 انجمن محلی تبریز؛ [ج ۲] ۳۹۵
 انجمن محلی رشت؛ [ج ۵] ۱۰۸۶
 انجمن محلی سلطان‌آباد؛ [ج ۳] ۶۴۸
 انجمن محلی شیراز؛ [ج ۳] ۶۰۲
 انجمن محلی کرمانشاه؛ [ج ۵] ۱۰۷۷
 انجمن محلی یزد؛ [ج ۵] ۱۰۷۶
 انجمن مشهد؛ [ج ۳] ۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴
 انجمن ولایتی اصفهان؛ [ج ۴] ۸۹۲، ۹۲۵؛
 [ج ۵] ۹۸۱

۶۵۰، ۶۶۰، ۶۸۴، ۶۸۷، ۶۸۸، ۷۰۳،
 ۷۰۶، ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۴، ۷۴۳،
 ۷۴۴: [ج ۴] ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۵۳، ۸۶۴،
 ۸۶۸، ۸۹۱، ۸۹۳، ۸۹۶، ۹۰۹، ۹۱۱،
 ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۶۶: [ج ۵] ۹۷۹، ۹۹۱،
 ۹۹۶، ۱۰۰۲، ۱۰۰۴، ۱۰۰۷، ۱۰۱۰،
 ۱۰۱۱، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۳۰، ۱۰۳۳،
 ۱۰۳۹، ۱۰۴۱، ۱۰۴۷، ۱۰۵۰، ۱۰۵۶ —
 ۱۰۵۸، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۳، ۱۰۸۰،
 ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۱۰۰ — ۱۱۰۲، ۱۱۲۰،
 ۱۱۴۷: [ج ۶] ۱۲۵۴، ۱۳۰۱، ۱۳۳۹،
 ۱۴۲۲، ۱۴۲۵، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۴۲،
 ۱۴۵۱، ۱۴۷۶، ۱۴۸۱: [ج ۷] ۱۵۹۱،
 ۱۵۹۵، ۱۶۰۴، ۱۶۱۵، ۱۶۲۲، ۱۶۲۴،
 ۱۶۳۳ — ۱۶۳۶، ۱۶۳۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۵،
 ۱۶۶۲، ۱۶۶۸، ۱۶۷۳، ۱۶۸۰: [ج ۸]
 ۱۶۹۰، ۱۷۲۱، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۶۵،
 ۱۸۱۰ — ۱۸۱۲، ۱۸۲۱، ۱۸۳۰، ۱۸۳۶،
 ۱۸۳۹، ۱۸۵۶، ۱۸۶۵، ۱۸۷۸، ۱۸۸۸،
 ۱۸۹۲ — ۱۸۹۴، ۱۸۹۷، ۱۸۹۷، ۱۹۲۰، ۱۹۳۸،
 ۱۹۶۷، ۱۹۸۸، ۲۰۰۲، ۲۰۰۵، ۲۰۰۸،
 ۲۰۰۹، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۷، ۲۰۲۰،
 ۲۰۲۴، ۲۰۳۲، ۲۰۳۴، ۲۰۶۱، ۲۱۰۰،
 ۲۱۰۷ — ۲۱۱۰، ۲۱۳۶
 بانک لندن: [ج ۷] ۱۶۸۰
 بانک هلند: [ج ۷] ۱۵۸۳
 بحر خزر (روزنامه): [ج ۵] ۱۱۹۳
 بختیاری (ایل): [ج ۲] ۳۵۳، ۳۶۱،
 ۳۶۳ — ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۸۳، ۳۹۲، ۳۹۳،
 ۳۹۵، ۴۰۶ — ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۳۰، ۴۳۲،
 ۴۵۱، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۵۳۱: [ج ۳]
 ۵۴۹، ۵۵۹، ۵۷۲، ۵۸۰ — ۵۸۷، ۵۹۶،

اینانلو (ایل): [ج ۳] ۷۳۹، ۷۴۹، ۷۶۱: [ج ۴]
 ۷۸۰: [ج ۵] ۱۲۳۱: [ج ۶] ۱۲۸۵

باب: [ج ۳] ۵۳۳

بابی (مردم): [ج ۲] ۴۶۴، ۵۳۳

باتالیان فارس: [ج ۸] ۱۷۰۰

باجلان (ایل) ۱۷۹۷

باروغ و ولکم کمپانی (بوروز و لکم): [ج ۵]

۱۰۶۲، ۱۰۷۲، ۱۰۷۶، ۱۰۸۱

باصری (ایل — مردم): [ج ۷] ۱۶۲۲: [ج ۸]

۱۷۵۸، ۱۸۵۳، ۱۸۵۴، ۱۹۰۳، ۱۹۰۴،

۱۹۴۲، ۱۹۶۸، ۲۰۸۲

بانک استقراضی (نک: بانک روس)

بانک استقراضی ایران: [ج ۳] ۷۲۵

بانک پاریس: [ج ۷] ۱۵۸۳: [ج ۸] ۱۷۵۳

بانک تهران — روس: [ج ۸] ۱۷۴۶

بانک دسکونت ایران: [ج ۸] ۱۶۸۹، ۱۶۹۰،

۱۷۰۷، ۱۹۳۹

بانک دوپره (روس): [ج ۸] ۱۸۵۴

بانک روس — بانک روسی: [ج ۳] ۶۵۴،

۶۵۵، ۶۹۱، ۶۹۳، ۶۹۵، ۷۰۳، ۷۲۳،

۷۲۷، ۷۳۹: [ج ۴] ۸۷۷، ۸۹۵: [ج ۵]

۹۹۰، ۹۹۱ — ۹۹۳، ۹۹۷، ۱۱۲۰، ۱۱۴۷:

۱۱۴۸: [ج ۶] ۱۳۰۰، ۱۳۰۴، ۱۳۱۲،

۱۳۶۰، ۱۴۵۰، ۱۴۵۳: [ج ۷] ۱۵۲۳،

۱۵۸۲، ۱۶۱۵، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵،

۱۶۳۹ — ۱۶۴۱، ۱۶۴۵: [ج ۸] ۱۶۸۸،

۱۷۲۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۵۱، ۱۷۵۳،

۱۸۲۱، ۱۸۴۷، ۱۹۳۹، ۲۰۸۹، ۲۱۱۳،

۲۱۲۰

بانک شاهی — بانک شاهنشاهی: [ج ۳]

۱۸۵۵، ۱۸۵۳، ۱۸۴۷، ۱۸۴۲، ۱۸۴۰	۶۱۹، ۶۱۴، ۶۰۷، ۶۰۱، ۵۹۷
۱۸۹۳ - ۱۸۸۸، ۱۸۸۶، ۱۸۶۶، ۱۸۶۲	۶۴۹، ۶۴۸، ۶۴۱، ۶۴۰، ۶۳۸-۶۳۶
۱۸۹۵ - ۱۸۹۷، ۱۸۹۰، ۱۹۰۰، ۱۹۱۰، ۱۹۱۳	۶۵۱، ۶۷۰، ۶۷۷، ۶۸۴، ۶۸۶-۶۸۸
۱۹۲۷، ۱۹۴۱، ۱۹۵۲، ۱۹۵۳، ۱۹۶۳	۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۸-۷۱۰، ۷۲۸، ۷۳۰
۱۹۶۵، ۱۹۶۹، ۱۹۷۱ - ۱۹۷۴، ۱۹۸۳	۷۳۱، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۵، ۷۵۸، ۷۶۲
۱۹۸۹ - ۱۹۹۲، ۱۹۹۵، ۱۹۹۷ - ۱۹۹۹	[ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۸، ۷۹۰، ۷۹۹، ۸۰۴
۲۰۰۴، ۲۰۰۹، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹، ۲۰۵۱	۸۰۷، ۸۰۸، ۸۱۱، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۳۴
۲۰۵۳، ۲۰۵۵، ۲۰۵۸، ۲۰۵۹، ۲۰۶۲	۸۳۶، ۸۳۷، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۷۰
۲۰۶۷، ۲۰۶۸، ۲۰۷۱، ۲۰۸۲، ۲۰۸۹	۸۷۲، ۸۷۴، ۸۸۸، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۷
۲۰۹۱، ۲۰۹۶، ۲۰۹۸، ۲۱۰۱، ۲۱۰۳	۸۹۹، ۹۰۶، ۹۰۸، ۹۱۰، ۹۱۶، ۹۱۸
۲۱۰۵، ۲۱۰۷، ۲۱۴۹ (نیزنک: بختیاری	۹۲۲، ۹۲۵، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۷-۹۳۵
بخش ۲)	۹۳۹، ۹۴۴، ۹۴۷، ۹۵۵، ۹۵۷-۹۵۹
بختیاری (محل): ۱۸۱۹، ۱۸۵۵، ۱۸۶۶	۹۶۷، ۹۶۹، ۹۷۰: [ج ۵] ۹۷۹، ۹۸۱
۱۸۸۹، ۱۸۹۰، ۱۸۹۳، ۱۸۹۵، ۱۹۶۶	۹۹۹، ۱۰۱۲، ۱۰۳۹، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷
۱۸۹۷، ۱۹۲۷، ۱۹۵۲، ۱۹۶۹، ۱۹۷۱	۱۰۴۹، ۱۰۵۱، ۱۰۵۶، ۱۰۶۵، ۱۰۸۳
۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۲۰۵۵، ۲۰۵۹ (نیزنک:	۱۰۹۰، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۱۰۷، ۱۱۱۳
بختیاری بخش ۳)	۱۱۲۱-۱۱۲۳، ۱۱۲۸، ۱۱۵۰، ۱۱۵۳
بربر - بربری (مردم): [ج ۵] ۱۹۰۷: [ج ۸]	۱۱۵۴، ۱۱۵۸، ۱۱۸۴، ۱۱۹۲، ۱۱۹۷
۱۸۱۵	۱۲۰۳-۱۲۰۶، ۱۲۰۹، ۱۲۱۱، ۱۲۱۳
بریگاد تهران: [ج ۸] ۱۸۲۲	۱۲۱۸، ۱۲۲۰، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰
بریگاد قزاق: [ج ۳] ۶۸۳، ۶۸۴، ۷۵۴: [ج ۴]	۱۲۳۲-۱۲۳۵، ۱۲۴۱: [ج ۶] ۱۲۸۳
۸۹۵، ۸۹۷، ۹۰۰، ۹۱۵، ۹۲۰، ۹۲۱	۱۲۸۴، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۹۰، ۱۳۳۳
[ج ۵] ۹۹۱، ۱۱۹۱، ۱۱۹۳: [ج ۷]	۱۳۳۴، ۱۳۳۸، ۱۳۴۰، ۱۳۹۰، ۱۳۹۴
۱۵۷۴، ۱۵۸۰، ۱۵۸۵، ۱۶۰۹، ۱۶۶۴	۱۳۹۸، ۱۴۰۰، ۱۴۳۷، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳
۱۶۶۹: [ج ۸] ۱۶۹۸، ۱۸۴۰، ۱۸۶۹	۱۴۴۸، ۱۴۵۰، ۱۴۶۱، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱
۱۹۱۲، ۱۹۲۳، ۱۹۴۷، ۱۹۹۹، ۲۱۱۲	[ج ۷] ۱۵۹۳، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۷۱
بلجیکی - بلژیکی (مأمورین - مردم): [ج ۶]	۱۶۷۴: [ج ۸] ۱۶۹۹، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷
۱۲۸۸، ۱۳۶۰: [ج ۷] ۱۵۶۵، ۱۵۹۱	۱۷۲۹، ۱۷۳۷، ۱۷۴۰ - ۱۷۴۲، ۱۷۴۶
۱۶۰۰، ۱۶۰۶: [ج ۸] ۱۷۴۲، ۱۷۸۷	۱۷۴۹، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵، ۱۷۵۷، ۱۷۶۲
۱۸۶۷، ۱۸۶۹، ۱۹۳۳، ۲۰۱۲، ۲۰۳۵	۱۷۶۳، ۱۷۷۰ - ۱۷۷۲، ۱۷۷۹، ۱۷۸۴
۲۰۶۹، ۲۰۹۷، ۲۰۹۹، ۲۱۳۳	۱۷۸۶، ۱۷۹۰، ۱۷۹۳، ۱۷۹۵، ۱۷۹۸ -
بلوچ - بلوچی (مردم): [ج ۲] ۵۳۱: [ج ۳]	۱۸۰۳، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴، ۱۸۱۹، ۱۸۳۹

- پرسپولیس (کشتی): [ج ۳] ۷۱۶، ۷۴۷، ۷۶۴؛
[ج ۸] ۱۷۷۰
پرسیس (کشتی): [ج ۵] ۱۲۰۹، ۱۲۳۲؛
[ج ۸] ۱۷۵۲
پرسی یوس (کشتی): [ج ۱] ۱۵۹؛ [ج ۲] ۴۶۵
پلیس تهران: [ج ۸] ۱۷۲۱
تاتار (مردم): [ج ۱] ۳۲۸
تایمز — تایمز (روزنامه): [ج ۳] ۷۲۲؛ [ج ۵]
۱۱۳۸؛ [ج ۶] ۱۲۶۲، ۱۲۹۹، ۱۳۲۳،
۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۴۴۶
تجار زنجان: [ج ۸] ۱۹۵۵
تخت طاووس: [ج ۱] ۲۰
تراکمه — ترکمان — ترکمانیه — ترکمن (مردم):
[ج ۱] ۳۲۸؛ [ج ۲] ۳۸۳، ۴۸۶، ۴۸۷،
۵۱۳، ۵۲۹، ۵۳۰؛ [ج ۳] ۵۹۷، ۶۰۰،
۶۷۰، ۶۷۷، ۷۲۹؛ [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۴۱،
۱۱۴۲، ۱۱۵۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۸،
۱۱۹۴، ۱۱۹۷، ۱۲۰۰—۱۲۰۲، ۱۲۳۳؛
[ج ۶] ۱۲۸۷، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۲۱،
۱۳۳۷، ۱۴۲۲، ۱۴۳۷، ۱۴۴۱، ۱۴۴۸
تربیت (کتابخانه): [ج ۵] ۱۲۴۷
ترکمن: [ج ۷] ۱۵۲۹، ۱۵۳۱، ۱۵۸۱، ۱۵۸۶،
۱۵۹۲، ۱۶۱۶، ۱۶۱۹، ۱۶۲۹، ۱۶۳۲،
۱۶۳۵، ۱۶۳۸، ۱۶۵۴، ۱۶۵۷؛ [ج ۸]
۱۹۷۱، ۲۰۰۷، ۲۰۳۲، ۲۰۶۵، ۲۱۰۵، ۲۱۴۰
- تفتی (مردم): [ج ۳] ۷۴۶، ۷۶۲، ۷۶۳؛ [ج ۴]
۷۸۶
تمدن (روزنامه): [ج ۱] ۹۳
تنباکوی رژی: [ج ۸] ۱۹۳۷، ۱۹۳۸
تنگستانی (مردم): [ج ۲] ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۶۶
- ۶۰۵، ۶۴۹، ۷۴۳؛ [ج ۴] ۷۸۲، ۷۸۷،
۷۹۹، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۳۴، ۸۳۵،
۸۹۲، ۹۱۲، ۹۳۰، ۹۳۲، ۹۳۸، ۹۴۵،
۹۶۰، ۹۶۸، ۹۷۱؛ [ج ۵] ۹۸۲، ۹۹۴،
۹۹۵، ۱۰۱۴، ۱۰۳۸، ۱۰۷۵، ۱۱۵۳،
۱۲۰۷، ۱۲۰۹؛ [ج ۶] ۱۳۴۰، ۱۴۴۹؛
[ج ۷] ۱۵۴۰؛ [ج ۸] ۱۷۰۰، ۱۷۲۵،
۱۷۴۱، ۱۸۰۵، ۱۸۲۹، ۱۹۲۱، ۲۱۵۰
بلوند (نک: بوالوند)
بوالوردی (بولوردی؟) (مردم): [ج ۵] ۱۲۰۷؛
[ج ۶] ۱۴۶۳، ۱۴۶۴
بوالوند (ایل): [ج ۸] ۲۱۰۶
بورس گازت (مجله): [ج ۱] ۳۲۸
بویراحمدی (مردم): [ج ۶] ۱۳۳۸، ۱۳۴۵،
۱۴۸۱؛ [ج ۷] ۱۶۲۲—۱۶۲۴
بهار (ایل): [ج ۱] ۱۳۹
بهارلو (ایل): [ج ۱] ۱۳۳؛ [ج ۲] ۷۳۱؛ [ج ۴]
۹۴۱، ۹۷۰؛ [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۲۰۹، ۱۲۱۲،
۱۲۱۳، ۱۲۱۵، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲؛ [ج ۸]
۱۷۶۸، ۱۸۱۶، ۱۸۸۷، ۱۹۰۳، ۱۹۴۲،
۱۹۴۳، ۲۱۰۶
بهبهانی (ایل): [ج ۵] ۱۰۰۷
بهمه (ایل — طایفه): [ج ۵] ۱۲۰۳؛
[ج ۸] ۲۱۰۶
- پارسی — پارسیان (مردم): [ج ۱] ۴۰، ۴۲؛
[ج ۲] ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۱۳، ۴۳۰، ۴۷۱،
۴۷۲، ۵۳۱؛ [ج ۳] ۶۰۱، ۶۴۹، ۷۱۰،
۷۴۵، ۷۴۶، ۷۶۲؛ [ج ۵] ۱۰۵۷، ۱۱۰۷
پارلمان: [ج ۸] ۱۸۸۵، ۱۹۷۵، ۱۹۸۲
پاقلعه (گروه): [ج ۴] ۸۲۳

- ۴۶۳ ۴۷۸؛ [ج ۳] ۶۰۵؛ [ج ۴] ۹۴۲، ۹۴۵، [ج ۶] ۹۶۱، ۹۶۴؛ [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۰۰۷؛ [ج ۸] ۱۹۰۸، ۱۲۶۸
- چهارراهی (ایل)؛ [ج ۴] ۸۲۳؛ [ج ۸] ۱۹۰۸
چهارلنگ (طایفه)؛ [ج ۵] ۱۰۹۸، ۱۱۵۳
- تفنگچی‌های تنگستانی؛ [ج ۸] ۲۱۲۳
تولکی (گروه)؛ [ج ۴] ۸۲۳
تهران (قایق)؛ [ج ۴] ۹۷۱
- حاجی زاده (طایفه)؛ [ج ۸] ۱۷۶۵
حبل‌المتین (روزنامه)؛ [ج ۱] ۲۹، ۹۳؛ [ج ۳] ۷۲۸
- جاف - جف (ایل)؛ [ج ۵] ۱۲۳۳؛ [ج ۸] ۱۷۰۴
جباره (نک: اعراب جباره)
- حزب اعتدالیون؛ [ج ۶] ۱۴۴۴
حزب اکثریت؛ [ج ۵] ۱۱۵۶
حزب دموکرات؛ [ج ۵] ۱۰۶۷، ۱۰۷۴، ۱۰۸۰، ۱۱۴۰؛ [ج ۶] ۱۴۴۴؛ [ج ۷] ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۶، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۶۵۶ (نیز نک: دموکرات)
- جعبربای (ایل)؛ [ج ۲] ۵۲۹، ۵۳۰؛ [ج ۳] ۷۲۹؛ [ج ۵] ۱۲۰۱
جلالی (فوج نظامی)؛ [ج ۵] ۹۸۳، ۹۹۹
جمشیدی (گروه)؛ [ج ۴] ۹۰۷
جنرال قنصل اصفهان؛ [ج ۸] ۱۹۸۸، ۲۰۵۴، ۲۱۲۰
جنرال قنصل بوشهر؛ [ج ۸] ۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۲۱۱۶، ۲۱۲۳
- حکمران بنادر خلیج؛ [ج ۸] ۲۱۲۳
حکمران بوشهر؛ [ج ۸] ۲۱۱۷
حکمران قزوین؛ [ج ۸] ۱۹۷۸
حکمران کازرون؛ [ج ۸] ۲۰۷۳
حکومت هندوستان؛ [ج ۸] ۱۸۷۸، ۱۹۲۵، ۲۱۱۶، ۲۱۳۷، ۲۱۳۹، ۲۱۴۰
- جنرال قنصل خلیج فارس؛ [ج ۸] ۲۱۱۶
جنرال قنصل روس؛ [ج ۸] ۱۸۶۶
جنوب اقصی؛ [ج ۸] ۱۷۴۳
جنوب ایران؛ [ج ۸] ۱۷۹۲، ۲۱۵۸
جنگ پینگ (فوج نظامی)؛ [ج ۶] ۱۳۴۸
جوانرود (ایل)؛ [ج ۸] ۱۷۰۴، ۱۹۹۷
جواهرات دولتی ایران؛ [ج ۸] ۱۹۰۶
- خان یخماز (طایفه)؛ [ج ۵] ۱۲۰۱
خدابنده لو (ایل)؛ [ج ۲] ۴۷۰
خزانه دار کل؛ [ج ۸] ۱۶۹۵، ۱۷۶۰، ۱۷۸۰، ۱۸۶۲، ۱۸۸۴، ۱۱۱۳، ۲۰۰۳، ۲۱۴۹، ۲۱۰۰
- خزانه داری - خزانه داری کل؛ [ج ۸] ۱۷۱۴، ۱۷۳۶، ۱۷۴۰، ۱۷۵۱، ۱۷۶۰، ۱۷۸۰ - ۱۷۸۲، ۱۷۸۴، ۱۹۸۴، ۱۷۸۶-۱۷۸۸، ۱۷۹۱
- چقائی (طایفه)؛ [ج ۵] ۹۸۱
چلبی (مردم) ۷۸۶ (نک: احمدوند چلبی)
چهاردوالی (ایل)؛ [ج ۲] ۳۵۱، ۳۸۸، ۳۹۰

- ۱۸۰۹، ۱۸۱۲، ۱۸۱۴، ۱۸۱۶، ۱۸۷۷،
۱۸۷۸، ۱۸۸۳، ۱۸۸۶، ۱۹۱۴، ۱۹۳۳—
۱۹۳۷، ۲۰۰۲، ۲۰۰۵، ۲۰۱۰، ۲۰۱۲،
۲۰۱۳، ۲۰۱۸، ۲۰۲۱، ۲۰۲۹، ۲۰۳۴،
۲۰۵۰، ۲۱۰۷، ۲۱۰۹، ۲۱۳۱، ۲۱۳۴
- دارالفنون؛ [ج ۸] ۱۷۱۰
داشنا کسیون (حزب — انجمن)؛ [ج ۸] ۱۹۷۵،
۲۱۰۵
داود ساسون (کمپانی)؛ [ج ۷] ۱۶۲۲—۱۶۲۴
دراشولی (دره شوری؟) (طایفه)؛ [ج ۵] ۱۱۱۶
دره شوری — دره شولی (طایفه)؛ [ج ۴] ۸۶۶؛
[ج ۷] ۱۶۸۱؛ [ج ۸] ۱۷۵۸، ۱۷۷۸،
۱۸۰۸، ۲۰۸۰
دشتستانی (مردم)؛ [ج ۶] ۱۴۶۸
دشتیاری (ایل)؛ [ج ۴] ۹۴۵
دشمن زایری — زیاری (ایل)؛ [ج ۸] ۱۹۲۰،
۲۰۹۴، ۲۰۴۶
دقوز (طایفه)؛ [ج ۳] ۷۲۹
دموکرات — دموکراتها؛ [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۳۶،
۱۰۵۰، ۱۱۵۶، ۱۱۹۸، ۱۲۰۵؛ [ج ۶]
۱۴۴۳، ۱۴۵۲؛ [ج ۷] ۱۵۴۹، ۱۶۰۲؛
[ج ۸] ۱۷۳۰، ۱۷۳۳، ۱۷۴۸، ۱۷۶۷،
۱۷۷۲، ۱۸۱۴، ۱۸۳۰، ۱۹۶۲، ۱۹۹۷،
۱۹۹۹، ۲۰۰۰ (نیز نک: حزب دموکرات)
دنیارنی (دینارلی؟) (طایفه)؛ [ج ۸] ۱۹۹۱
دولت امپراتوری (انگلیس)؛ [ج ۸] ۱۸۷۰،
۱۹۹۴
دولت امپراتوری (روس)؛ [ج ۸] ۱۹۵۱
دوما (مجلس)؛ [ج ۸] ۱۷۳۲
دی (طایفه)؛ [ج ۳] ۷۲۹
دیکنسن (کمپانی)؛ [ج ۱] ۱۲۶؛ [ج ۴] ۸۲۴؛
[ج ۵] ۱۱۵۰؛ [ج ۶] ۱۲۸۲، ۱۲۹۵؛
[ج ۷] ۱۶۲۲—۱۶۲۴، ۱۶۴۳
دیلی نیوز (روزنامه)؛ [ج ۳] ۵۹۳
- خزل (خزعل؟ — ایل)؛ [ج ۴] ۹۴۰
خسفی (گروه)؛ [ج ۵] ۱۰۷۵
خط آهن — خطوط آهن؛ [ج ۸] ۲۰۳۳، ۲۱۳۴،
۲۱۴۰، ۲۱۴۳
خط آهن انگلیس در ایران؛ [ج ۸] ۱۹۴۹
خط آهن جلفا — تبریز؛ [ج ۸] ۱۸۶۸، ۱۸۷۰،
۱۸۷۳، ۱۸۷۶، ۱۸۸۳، ۱۹۰۳، ۱۹۰۶،
۱۹۲۶، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰، ۱۹۸۶، ۲۰۰۴،
۲۰۱۲، ۲۰۱۸ — ۲۰۲۰، ۲۰۲۳، ۲۰۲۷،
۲۰۲۸، ۲۱۴۲، ۲۱۴۳، ۲۱۵۲، ۲۱۵۳
خط آهن جنوب ایران؛ [ج ۸] ۱۹۴۹
خط آهن روس؛ [ج ۸] ۱۸۸۴
خط آهن سراسر ایران؛ [ج ۸] ۱۹۴۹، ۱۹۵۰،
۱۹۵۴، ۱۹۵۶، ۱۹۶۰، ۱۹۸۰، ۲۰۲۸
خط آهن ماوراء بحر خزر؛ [ج ۸] ۲۰۳۲
خط آهن محمره، محمره — خرم آباد؛ [ج ۸]
۱۸۸۳، ۱۹۸۴، ۱۹۸۶، ۱۹۸۹، ۲۰۰۵،
۲۰۳۰، ۲۰۶۸، ۲۱۳۹، ۲۱۴۱—۲۱۴۳
خلج (فوج نظامی)؛ [ج ۴] ۸۲۱
خمسه (ایل)؛ [ج ۲] ۵۳۵؛ [ج ۳] ۵۶۸، ۵۹۷،
۶۷۰، ۶۷۶، ۶۷۸؛ [ج ۴] ۷۷۶، ۸۰۴
۸۳۶؛ [ج ۵] ۱۲۱۵
خواجوئی (طایفه)؛ [ج ۵] ۱۰۹۸
خوانین بختیاری؛ [ج ۸] ۲۰۵۸
خوانین کشکولی؛ [ج ۸] ۱۹۰۹

روس (مردم)؛ [ج ۱] ۲۸۹، ۲۹۳-۳۰۱،
 ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۰۸-۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۸،
 ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۲۹؛ [ج ۲] ۳۳۷-۳۳۹،
 ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۸، ۳۵۲، ۳۵۴-۳۵۶،
 ۳۶۰-۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۸، ۳۷۱، ۳۷۵،
 ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۷، ۳۹۱-۳۹۳،
 ۳۹۵-۳۹۸، ۴۰۰-۴۰۳، ۴۰۶، ۴۰۷،
 ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۶، ۴۲۱-۴۲۵، ۴۳۶،
 ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۷-۴۵۱،
 ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۵۸-۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۵،
 ۴۶۶، ۴۷۳، ۴۷۵-۴۷۷، ۴۸۰، ۴۸۱،
 ۴۸۳-۴۸۵، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۰-۴۹۸،
 ۵۰۱، ۵۰۳-۵۰۵، ۵۰۷-۵۱۲، ۵۱۴،
 ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۲، ۵۲۵، ۵۲۷،
 ۵۲۸، ۵۳۰-۵۳۲، ۵۳۷، ۵۳۹؛ [ج ۳]
 ۵۴۴، ۵۴۵-۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۲،
 ۵۵۵، ۵۵۸-۵۶۰، ۵۶۳-۵۷۱،
 ۵۷۳-۵۷۸، ۵۸۱-۵۸۵، ۵۸۷-۵۸۹،
 ۵۹۲-۵۹۴، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۴،
 ۶۰۶-۶۱۱، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۹-۶۲۷،
 ۶۲۹-۶۳۵، ۶۳۷-۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴،
 ۶۴۶-۶۴۸، ۶۵۰-۶۵۴، ۶۵۷، ۶۶۳،
 ۶۶۴، ۶۸۲-۶۸۵، ۶۸۷، ۶۸۹-۶۹۲،
 ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۷، ۶۹۹، ۷۰۱-۷۰۶،
 ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۳، ۷۱۵، ۷۱۸، ۷۲۰،
 ۷۲۱، ۷۲۳-۷۲۷، ۷۲۹، ۷۳۱-۷۳۴،
 ۷۳۶-۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۶-۷۶۱،
 ۷۶۵؛ [ج ۴] ۷۷۶، ۷۷۹، ۷۸۲، ۷۸۴،
 ۷۸۵، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۹۰-۷۹۲، ۷۹۶،
 ۷۹۷، ۷۹۹، ۸۰۲-۸۰۶، ۸۰۹، ۸۱۱،
 ۸۱۳، ۸۱۴-۸۲۱، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۸،
 ۸۲۹، ۸۳۱-۸۳۳، ۸۳۸، ۸۴۰، ۸۴۲

رئیس ایل سنجانلی؛ [ج ۸] ۱۷۹۷
 رئیس بانک شاهنشاهی؛ [ج ۸] ۲۱۰۰
 رئیس بانک شاهنشاهی قزوین؛ [ج ۸] ۲۰۶۱
 رئیس کشکولیه‌ها؛ [ج ۸] ۱۸۹۸
 رئیس کل جهازات جنگی (انگلیس)؛ [ج ۷]
 ۱۵۶۱، ۱۵۶۲
 رئیس نظمیہ - رئیس کل نظمیة تهران؛ [ج ۸]
 ۱۷۸۶-۱۷۸۸، ۱۷۹۲، ۱۸۳۸، ۱۸۴۲،
 ۱۸۴۹، ۱۸۷۴، ۱۸۸۰
 رؤساء بختیاری؛ [ج ۸] ۱۷۷۲
 رؤساء کشکولی؛ [ج ۸] ۱۹۱۹
 راجپوت (نفرات هندی)؛ [ج ۵] ۱۲۴۶؛ [ج ۸]
 ۱۷۰۱، ۱۸۱۷
 راه آهن - راه آهن ایران؛ [ج ۸] ۱۷۴۶، ۱۸۶۸،
 ۲۰۳۱، ۲۱۰۲، ۲۱۰۳، ۲۱۲۰، ۲۱۳۱،
 ۲۱۳۲، ۲۱۳۸، ۲۱۴۲ (نیز نک: خط آهن
 - بخش ۳)
 راه آهن جلفا؛ [ج ۸] ۱۹۰۶، ۲۰۰۵ (نیز نک:
 راه آهن جلفا - تبریز بخش ۳)
 راه آهن بزرگ روس؛ [ج ۸] ۱۹۵۰، ۲۱۴۱
 راه آهن ماوراء قفقاز؛ [ج ۸] ۱۹۵۰
 ردبرست (کشتی)؛ [ج ۲] ۴۴۵
 رژی؛ [ج ۸] ۱۹۳۷، ۱۹۳۸
 رژیمان؛ [ج ۸] ۱۹۷۷، ۲۰۳۵
 رژیمان اصفهان؛ [ج ۸] ۱۹۷۷، ۱۹۷۸
 رژیمان سالیانسکی؛ [ج ۸] ۱۷۴۰
 رژیمان شماسلینسکی؛ [ج ۸] ۲۱۵۲
 رژیمان ملایر؛ [ج ۸] ۲۰۷۳
 روزنامه رسمی ایران؛ [ج ۲] ۳۴۲؛ [ج ۵]

۱۶۱۵-۱۶۲۱، ۱۶۲۹-۱۶۴۱، ۱۶۴۳-
 ۱۶۴۷، ۱۶۴۹-۱۶۵۸، ۱۶۶۰-۱۶۶۶،
 ۱۶۶۹، ۱۶۷۲-۱۶۷۶، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰؛
 [ج ۸] ۱۶۹۰-۱۶۹۸، ۱۷۰۲، ۱۷۰۴،
 ۱۷۰۵، ۱۷۱۱، ۱۷۱۳، ۱۷۱۵-۱۷۱۷،
 ۱۷۱۹-۱۷۲۳، ۱۷۲۵، ۱۷۳۱-۱۷۳۳،
 ۱۷۳۶-۱۷۴۱، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۵۱،
 ۱۷۶۴، ۱۷۶۶-۱۷۶۸، ۱۷۹۲، ۱۷۹۵،
 ۱۸۱۴، ۱۸۱۵، ۱۸۲۲، ۱۸۲۳، ۱۸۲۵،
 ۱۸۳۹، ۱۸۴۱، ۱۸۴۳، ۱۸۴۴، ۱۸۴۶،
 ۱۸۴۸، ۱۸۵۰، ۱۸۵۳، ۱۸۵۶، ۱۸۵۸،
 ۱۸۶۲، ۱۸۶۶-۱۸۶۸، ۱۸۷۰-۱۸۷۲،
 ۱۸۷۵، ۱۸۷۸، ۱۸۸۰، ۱۸۸۳، ۱۸۸۶،
 ۱۹۰۳، ۱۹۰۵، ۱۹۱۲، ۱۹۲۲، ۱۹۲۳،
 ۱۹۲۶، ۱۹۳۰، ۱۹۳۲، ۱۹۳۴، ۱۹۳۷،
 ۱۹۳۸، ۱۹۴۶، ۱۹۴۷، ۱۹۴۹-۱۹۵۱،
 ۱۹۵۵، ۱۹۵۷، ۱۹۵۹، ۱۹۶۳، ۱۹۸۰،
 ۱۹۸۶، ۱۹۹۵، ۲۰۰۲-۲۰۰۴، ۲۰۰۷،
 ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۸-۲۰۲۴، ۲۰۲۷،
 ۲۰۲۸، ۲۰۳۱-۲۰۳۳، ۲۰۳۷، ۲۰۳۹،
 ۲۰۴۰، ۲۰۵۰، ۲۰۶۱، ۲۰۸۹، ۲۱۰۱،
 ۲۱۱۲، ۲۱۱۵، ۲۱۱۹-۲۱۲۱، ۲۱۳۱-
 ۲۱۳۶، ۲۱۴۰، ۲۱۴۱، ۲۱۵۲، ۲۱۵۳،
 ۲۱۵۵، ۲۱۵۶

روسیه (روزنامه)؛ [ج ۵] ۱۱۴۰؛ [ج ۷]

۱۵۴۹؛ [ج ۸] ۱۶۹۱، ۱۷۱۵، ۱۷۳۶،
 ۱۷۴۰، ۱۷۶۸، ۱۸۳۹، ۱۸۴۱، ۱۸۴۷،
 ۱۸۵۸، ۱۸۸۶، ۱۹۲۸، ۱۹۷۱، ۲۰۰۷،
 ۲۰۶۱، ۲۱۵۲

رویتر- روتر (روزنامه - خبرگزاری)؛ [ج ۳]

۶۲۲، ۶۸۸؛ [ج ۵] ۱۱۸۲؛ [ج ۶] ۱۳۳۰؛
 [ج ۸] ۱۸۸۱

۸۴۳، ۸۴۶-۸۵۲، ۸۵۴، ۸۵۸-۸۶۰،
 ۸۶۲-۸۶۵، ۸۷۳-۸۷۶، ۸۷۸-۸۸۵،
 ۸۸۸، ۸۹۰، ۸۹۸-۹۰۴، ۹۰۷، ۹۱۱،
 ۹۱۴-۹۱۶، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۳، ۹۲۴،
 ۹۲۶، ۹۳۴، ۹۳۸، ۹۴۲، ۹۴۹، ۹۵۴،
 ۹۵۵، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۷۰؛ [ج ۵] ۹۸۰،
 ۹۸۶-۹۸۸، ۹۹۰، ۹۹۳، ۹۹۷، ۱۰۰۱،
 ۱۰۰۳-۱۰۰۸، ۱۰۱۰، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳،
 ۱۰۱۵، ۱۰۱۸، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۴۱،
 ۱۰۵۶، ۱۰۵۹، ۱۰۶۶، ۱۰۸۰، ۱۱۰۴-
 ۱۱۰۸، ۱۱۱۰، ۱۱۱۵، ۱۱۲۲-۱۱۲۵،
 ۱۱۲۷، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۴-۱۱۳۹،
 ۱۱۴۲-۱۱۴۵، ۱۱۴۹، ۱۱۵۲، ۱۱۵۷،
 ۱۱۵۸، ۱۱۶۰-۱۱۶۶، ۱۱۶۸-۱۱۷۱،
 ۱۱۷۳-۱۱۸۹، ۱۱۹۱، ۱۱۹۳، ۱۱۹۶،
 ۱۱۹۷، ۱۱۹۹، ۱۲۰۱، ۱۲۱۰، ۱۲۱۲-
 ۱۲۲۰، ۱۲۲۲-۱۲۲۴، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷،
 ۱۲۳۴، ۱۲۳۷، ۱۲۴۲-۱۲۴۵؛ [ج ۶]
 ۱۲۵۶، ۱۲۶۰، ۱۲۶۲-۱۲۶۴، ۱۲۶۷،
 ۱۲۶۹، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۸-۱۲۸۲،
 ۱۲۸۹-۱۲۹۲، ۱۲۹۵-۱۳۱۲، ۱۳۱۴،
 ۱۳۳۷، ۱۳۴۴-۱۳۴۷، ۱۳۴۹-
 ۱۳۸۹، ۱۳۹۲-۱۳۹۴، ۱۴۲۴، ۱۴۲۹،
 ۱۴۳۸-۱۴۴۱، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۷،
 ۱۴۴۸، ۱۴۵۰-۱۴۵۴، ۱۴۵۶-۱۴۶۲؛
 [ج ۷] ۱۴۸۷، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۴-
 ۱۴۹۶، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲،
 ۱۵۰۶-۱۵۰۹، ۱۵۱۱، ۱۵۲۰، ۱۵۲۲-
 ۱۵۲۷، ۱۵۲۹-۱۵۳۹، ۱۵۴۵-
 ۱۵۵۵، ۱۵۵۷-۱۵۵۹، ۱۵۶۳-۱۵۶۷،
 ۱۵۷۰-۱۵۷۵، ۱۵۷۷، ۱۵۷۹-۱۵۹۸،
 ۱۶۰۱-۱۶۰۳، ۱۶۰۷-۱۶۱۳

- ۱۸۸۱، ۱۸۸۲، ۱۸۸۷، ۱۸۹۷، ۱۹۰۰،
 ۱۹۰۲، ۱۹۰۳، ۱۹۰۵، ۱۹۰۷، ۱۹۱۲،
 ۱۹۱۵، ۱۹۲۳، ۱۹۳۰، ۱۹۳۲، ۱۹۴۰،
 ۱۹۴۶، ۱۹۴۷، ۱۹۷۰، ۱۹۷۶-۱۹۷۹،
 ۱۹۸۱، ۲۰۰۳، ۲۱۰۱، ۲۱۰۵، ۲۱۰۶،
 ۲۱۱۱، ۲۱۱۳، ۲۱۱۶، ۲۱۱۸، ۲۱۲۵،
 ۲۱۳۵، ۲۱۴۳، ۲۱۵۲، ۲۱۶۴، ۲۱۷۲،
 ۲۱۷۵-۲۱۷۷، ۲۱۹۳، ۲۱۹۹، ۲۱۰۰،
 ۲۱۰۳، ۲۱۰۵، ۲۱۱۲، ۲۱۱۴، ۲۱۱۸،
 ۲۱۲۹، ۲۱۳۱، ۲۱۳۵، ۲۱۳۶، ۲۱۳۸،
 ۲۱۴۴، ۲۱۴۷، ۲۱۴۹، ۲۱۵۰، ۲۱۵۳،
 ۲۱۵۴، ۲۱۵۷
- ژاندارمری سوئد - سوئدی؛ [ج ۸] ۱۸۷۸،
 ۱۸۸۱، ۱۹۷۶
- ژاندارمری فارس - جنوب؛ [ج ۸] ۱۹۷۷،
 ۲۰۰۳، ۲۱۰۰، ۲۱۳۸، ۲۱۳۹
- سائیس؛ [ج ۸] ۲۱۴۶-۲۱۴۸
 ساخلوی تهران؛ [ج ۸] ۱۹۴۷
 ساسون (کمپانی)؛ [ج ۸] ۲۰۲۶
 سالیانسکی (نک: رژیمان سالیانسکی، بخش
 ۳)
 سربازهای دسته ۱۸ ترکستان؛ [ج ۸] ۱۸۶۸
 سرخه‌ای (مردم)؛ [ج ۶] ۱۳۰۸؛ [ج ۸] ۲۰۱۷،
 ۲۰۲۶، ۲۰۸۲
 سرخسی؛ [ج ۷] ۱۶۲۳
 سرویس ریو (کمپانی)؛ [ج ۷] ۱۶۲۳
 سفیر انگلیس؛ [ج ۸] ۱۸۱۲، ۱۹۳۲، ۲۰۳۱،
 ۲۰۷۵، ۲۰۷۶
 سفیر ایران؛ [ج ۸] ۱۹۳۴
 سفیر روس؛ [ج ۸] ۱۷۶۲، ۱۷۸۴، ۱۷۸۹،
- رولور (سلاح)؛ [ج ۸] ۲۱۴۵
 رولوسیون - رولوسیونر؛ [ج ۸] ۱۷۱۹،
 ۱۸۷۱، ۱۹۷۵، ۲۰۳۸-۲۰۴۰، ۲۱۰۵
 زردشتی - زردشتیه (مردم)؛ [ج ۳] ۵۹۷،
 ۶۰۱، ۶۴۹، ۶۶۸، ۶۸۰؛ [ج ۴] ۷۹۸،
 ۸۱۲، ۸۳۴، ۸۷۱، ۸۹۳؛ [ج ۶] ۱۴۳۲،
 ۱۴۳۷، ۱۴۴۹، ۱۴۵۴
 زنگینه (زنگنه؟) (رژیمان قزاق)؛ [ج ۷] ۱۶۶۷
 زیتون (کمپانی)؛ [ج ۷] ۱۶۲۲
 زیتون و خلیل (کمپانی)؛ [ج ۷] ۱۶۲۳
 زیقلر - زیگلر (کمپانی)؛ [ج ۱] ۱۲۶، ۲۱۸؛
 [ج ۲] ۴۷۲، ۵۲۴، ۵۳۵؛ [ج ۴] ۷۹۸،
 ۸۰۰، ۸۰۵؛ [ج ۵] ۱۰۰۷، ۱۰۰۹، ۱۰۱۴،
 ۱۰۲۹، ۱۰۸۹، ۱۱۲۵، ۱۱۳۷، ۱۱۶۷،
 ۱۱۸۴، ۱۲۰۴، ۱۲۲۴، ۱۲۴۰؛ [ج ۶]
 ۱۲۸۲، ۱۲۹۵، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۶۵؛
 [ج ۷] ۱۶۲۲-۱۶۲۴، ۱۶۶۱، ۱۶۶۷؛
 [ج ۸] ۱۶۹۹، ۱۷۰۵، ۱۹۶۷
 زینگر؛ [ج ۴] ۸۰۰
 ژاپونی (مردم)؛ [ج ۶] ۱۴۴۲
 ژاندارمری: دولتی، ملی؛ [ج ۶] ۱۲۵۶، ۱۲۵۹،
 ۱۲۶۴، ۱۲۶۶، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۴،
 ۱۲۷۷، ۱۲۸۹، ۱۳۳۰، ۱۳۴۷، ۱۴۳۲؛
 [ج ۸] ۱۶۹۲-۱۶۹۴، ۱۷۰۱، ۱۷۰۹،
 ۱۷۱۴، ۱۷۱۸، ۱۷۲۱، ۱۷۲۸، ۱۷۳۶،
 ۱۷۳۷، ۱۷۴۱، ۱۷۵۷، ۱۷۶۸، ۱۷۸۸،
 ۱۷۹۲، ۱۸۱۶، ۱۸۲۳، ۱۸۲۶، ۱۸۵۶،
 ۱۸۵۷، ۱۸۶۳-۱۸۶۵، ۱۸۷۳-۱۸۷۸

- ۲۰۷۳ ، ۲۰۷۱ ، ۲۰۵۱ ، ۲۰۳۵ ، ۲۰۱۴
 ۲۱۱۹ ، ۲۱۰۷ ، ۲۰۸۶ ، ۲۰۷۷-۲۰۷۵
 ۲۱۴۴ ، ۲۱۴۳ ، ۲۱۲۲ ، ۲۱۲۱
 سوسیالیزم (سسیالیزم)؛ [ج ۵] ۱۲۰۲
 سوسیته دِتود؛ [ج ۸] ۱۷۴۶ ، ۱۹۵۰ ، ۱۹۵۱
 ۱۹۵۴ ، ۱۹۵۷ ، ۱۹۸۰ ، ۲۰۲۸ ، ۲۱۴۰
 سویسی (مردم)؛ [ج ۲] ۴۶۴
 سیخ (سیک)؛ [ج ۷] ۱۵۴۲ ، ۱۵۴۴
 سیلاخوری (فوج نظامی)؛ [ج ۳] ۵۶۴ ، ۵۹۸
 ۶۴۵ ، ۷۰۸ ؛ [ج ۴] ۹۴۰
 شاهسون (ایل)؛ [ج ۲] ۴۸۶ ، ۴۸۷ ؛ [ج ۳]
 ۵۶۶ ، ۵۷۹ ، ۵۹۶ ، ۵۹۷ ، ۶۲۸ ، ۶۳۲
 ۶۴۶ ، ۶۵۲ ، ۶۷۰ ، ۶۷۵ ، ۷۰۱ ، ۷۳۶
 ۷۳۸ ، ۷۴۷-۷۴۹ ، ۷۵۱ ، ۷۵۲
 ۷۵۴-۷۵۶ ، ۷۵۸ ، ۷۶۰ ، ۷۶۶ ؛ [ج ۴]
 ۷۷۶ ، ۷۷۹-۷۸۱ ، ۷۸۴ ، ۷۸۵ ، ۷۹۸
 ۸۰۱ ، ۸۱۴ ، ۸۱۵ ، ۸۱۹ ، ۸۲۱ ، ۸۳۸
 ۸۴۵ ، ۸۵۵ ، ۹۲۴ ، ۹۳۴ ، ۹۳۶ ، ۹۳۸
 ۹۵۵ ؛ [ج ۵] ۱۰۶۶ ، ۱۰۹۶ ، ۱۱۰۴
 ۱۱۰۶ ، ۱۱۱۰ ، ۱۱۱۴ ، ۱۱۵۲ ، ۱۱۵۶
 ۱۱۸۷ ، ۱۱۹۶ ، ۱۱۹۷ ، ۱۲۳۳ ، ۱۲۳۵ ؛
 [ج ۶] ۱۲۷۹ ، ۱۴۳۷ ؛ [ج ۷] ۱۵۵۰
 ۱۵۵۱ ، ۱۵۶۷ ، ۱۵۹۸ ، ۱۶۰۳ ؛ [ج ۸]
 ۱۷۲۷ ، ۱۷۸۷ ، ۱۷۸۸ ، ۱۸۱۵ ، ۱۸۲۳
 ۱۸۲۵ ، ۱۸۴۷ ، ۱۸۴۸ ، ۱۸۵۶ ، ۱۸۶۶
 ۱۸۶۹ ، ۱۸۸۶ ، ۱۹۰۵ ، ۱۹۱۳ ، ۱۹۲۲
 ۱۹۷۰ ، ۱۹۸۱ ، ۱۹۸۲ ، ۲۰۰۷
 شاهسون‌های قوجه بیگلو؛ [ج ۸] ۱۹۱۳
 شرکت دِتود راه آهن سرتاسر ایران؛ [ج ۸]
 ۲۱۵۶ ، ۲۱۵۵ (نیز نک: سوسیته دِتود،
- ۱۸۷۰ ، ۱۸۷۵ ، ۱۸۸۰ ، ۱۹۲۲ ، ۱۹۶۰
 ۱۹۸۲ ، ۲۰۲۹ ، ۲۰۳۱ ، ۲۰۹۷ ، ۲۱۴۰
 سفیر هلند؛ [ج ۸] ۱۸۳۸ ، ۱۸۸۰ ، ۱۹۳۲
 سگوند (سگ‌وند - ایل)؛ [ج ۳] ۷۶۵ ؛ [ج ۴]
 ۹۶۲ ؛ [ج ۸] ۲۰۷۳
 سلیگمان: مسترز، مرنر (شرکت)؛ [ج ۸]
 ۱۹۴۹ ، ۱۹۵۵
 سنترال ایندیا (دسته نظامی)؛ [ج ۷] ۱۵۴۱
 سنجاب؛ [ج ۸] ۱۹۹۶
 سنجابی (ایل)؛ [ج ۲] ۳۵۳ ، ۵۳۳ ؛ [ج ۳]
 ۵۶۷ ؛ [ج ۴] ۷۸۶ ، ۷۸۷ ، ۸۲۳ ، ۸۸۵
 ۹۶۰ ؛ [ج ۵] ۱۲۳۳ ؛ [ج ۸] ۱۷۱۱
 ۱۷۶۵ ، ۱۷۹۶ ، ۱۹۹۷ ، ۲۰۰۱ ، ۲۰۵۵
 ۲۱۵۰ ، ۲۱۵۱
 سندیکای بین‌المللی؛ [ج ۴] ۸۳۰ ، ۸۳۱ ، ۹۵۲
 سندیکای انگلیس؛ [ج ۸] ۱۹۵۵ ، ۲۱۴۱
 سندیکای راه آهن‌های ایران؛ [ج ۸] ۱۹۵۵
 ۲۰۶۸ ، ۲۱۳۹
 سنی (مردم - گروه دینی)؛ [ج ۳] ۵۶۸ ؛
 [ج ۵] ۱۰۲۱ ، ۱۰۹۷
 سوئدی (مردم)؛ [ج ۴] ۹۲۸ ، ۹۵۴ ؛ [ج ۵]
 ۱۲۴۴ ؛ [ج ۷] ۱۴۹۴ ، ۱۴۹۶ ، ۱۴۹۷
 ۱۵۰۸ ، ۱۵۱۶ ، ۱۵۱۷ ، ۱۵۲۲ ، ۱۵۲۳
 ۱۵۲۶ ، ۱۵۵۰ ، ۱۵۶۱ ، ۱۵۶۸ ، ۱۵۷۳
 ۱۵۷۷ ، ۱۵۸۶ ، ۱۵۸۸ ، ۱۶۰۱ ، ۱۶۱۵
 ۱۶۲۸ ، ۱۶۳۷ ، ۱۶۴۱ ، ۱۶۴۳ ، ۱۶۴۴
 ۱۶۵۲ ، ۱۶۵۹ ، ۱۶۷۲ ، ۱۶۷۳ ، ۱۶۷۷
 ۱۶۷۹ ، ۱۶۸۲-۱۶۸۴
 سوارهای بختیاری؛ [ج ۸] ۲۰۵۸
 سواره‌های هند مرکزی - هندی - اسکادران -
 دسته هند مرکزی؛ [ج ۸] ۱۸۰۵ ، ۱۸۱۸
 ۱۸۱۹ ، ۱۹۲۱ ، ۱۹۴۱ ، ۱۹۴۴ ، ۲۰۰۷

بخش ۳

شرکت راه تبریزی و جلفا؛ [ج ۴] ۸۱۹

شش بلوکسی؛ [ج ۷] ۱۶۴۲، ۱۶۸۱؛ [ج ۸]

۲۰۸۰

شماخلیسکی (فوج)؛ [ج ۷] ۱۵۳۸

شه بندری؛ [ج ۲] ۵۳۳

شورای دولتی؛ [ج ۸] ۲۰۰۴

شیبانی (ایل - اعراب)؛ [ج ۸] ۱۷۴۱، ۱۹۴۴،

۲۰۸۱، ۲۰۸۲

شیعه (مردم - گروه مذهبی)؛ [ج ۳] ۵۶۸؛

[ج ۵] ۱۲۰۱

شیمک - سمک (کمپانی)؛ [ج ۷]

۱۶۲۲-۱۶۲۴

صاحب منصبان اروپائی؛ [ج ۸] ۱۹۱۲، ۱۹۸۱

صاحب منصبان امریکائی؛ [ج ۸] ۱۶۹۳

صاحب منصبان انگلیسی؛ [ج ۸] ۲۰۹۳،

۲۱۲۲، ۲۱۳۷

صاحب منصبان روس؛ [ج ۸] ۲۰۴۰، ۲۱۱۲

صاحب منصبان سوئدی؛ [ج ۸] ۱۶۹۲، ۱۶۹۴،

۱۷۰۰، ۱۷۰۳، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۸۱۳،

۱۸۲۳، ۱۸۵۸، ۱۸۶۳، ۱۸۶۴، ۱۸۷۴،

۱۸۹۸، ۱۹۰۰، ۱۹۰۱، ۱۹۰۶، ۱۹۰۷،

۱۹۴۰، ۱۹۸۱، ۱۹۸۷، ۱۹۹۹، ۲۱۰۵،

۲۱۱۷، ۲۱۲۹، ۲۱۳۱، ۲۱۵۳، ۲۱۵۴،

۲۱۵۶

صاحب منصبان هندی؛ [ج ۸] ۲۰۴۵

صدراعظم روس؛ [ج ۸] ۱۷۸۹

صدوند (= سگوند؟)؛ [ج ۸] ۲۰۷۳

صفی خان (طایفه)؛ [ج ۷] ۱۶۸۱

صوراسرافیل (روزنامه)؛ [ج ۱] ۲۴۵

ضریح حضرت رضوی؛ [ج ۸] ۱۷۳۰

طاعون (بیماری)؛ [ج ۸] ۱۸۱۷

طاهری (ایل)؛ [ج ۵] ۱۰۹۷

طهمورثی (گروه)؛ [ج ۴] ۸۰۸

عاشورا؛ [ج ۷] ۱۵۹۸

عثمانی (مردم - دولت)؛ [ج ۲] ۳۵۷-۳۵۹،

۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۱، ۴۲۹، ۴۴۲،

۴۵۲، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۶۰، ۴۶۹، ۴۷۰،

۵۲۵، ۵۳۳؛ [ج ۴] ۷۸۳، ۸۰۹، ۸۱۱،

۹۰۷، ۹۱۷، ۹۴۲؛ [ج ۵] ۹۷۶، ۱۰۱۹،

۱۰۲۰، ۱۰۷۴، ۱۰۷۹؛ [ج ۶] ۱۳۰۰،

۱۳۱۳، ۱۳۳۱ - ۱۳۳۳، ۱۳۴۰؛ [ج ۸]

۱۷۴۸، ۱۸۲۲، ۲۱۱۲، ۲۱۱۳ (نیزنک:

عثمانی بخش ۲)

عرب (ایل)؛ [ج ۳] ۶۵۶، ۷۱۳، ۷۳۰، ۷۳۲،

۷۴۶، ۷۴۷؛ [ج ۴] ۹۴۱، ۹۶۱؛ [ج ۵]

۱۰۴۰، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۲۰۷، ۱۲۱۲،

۱۲۱۵، ۱۲۳۰؛ [ج ۶] ۱۲۵۳-۱۲۵۸،

۱۲۶۳، ۱۲۷۹، ۱۳۳۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱،

۱۴۷۴، ۱۴۷۷؛ [ج ۸] ۱۷۵۸، ۱۸۵۶،

۱۸۹۸، ۱۹۰۴

عساگر اصفهان؛ [ج ۸] ۱۹۳۱

عساگر انگلیس؛ [ج ۸] ۱۷۹۰، ۱۹۵۹، ۲۰۷۰،

۲۰۹۱

عساگر بوشهر؛ [ج ۸] ۲۰۸۹

عساگر خراسان؛ [ج ۸] ۱۹۷۱

۶۲۲، ۶۲۷، ۶۳۶ — ۶۴۰، ۶۸۴، ۶۸۶ —
 ۶۸۸، ۷۰۱، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۲۱، ۷۲۸،
 ۷۵۸: [ج ۴] ۷۸۰، ۸۱۶، ۸۴۵، ۹۱۴،
 ۹۱۶: [ج ۶] ۱۴۵۷، ۱۴۵۹: [ج ۷]
 ۱۴۹۳، ۱۵۰۱، ۱۵۱۱، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴،
 ۱۵۳۷، ۱۵۴۹، ۱۵۷۴، ۱۵۸۰، ۱۵۹۶،
 ۱۶۰۲، ۱۶۰۷، ۱۶۱۶، ۱۶۲۰، ۱۶۳۱،
 ۱۶۷۹: [ج ۸] ۱۶۹۲، ۱۶۹۴، ۱۷۱۴،
 ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹، ۱۷۶۳،
 ۱۷۷۴، ۱۷۸۶، ۱۷۹۳، ۱۷۹۵، ۲۰۳۶ —
 ۲۰۴۰

فدائیان ارامنه؛ [ج ۸] ۱۷۹۳

فدائیان همدان؛ [ج ۸] ۱۹۰۱

فراشبازی؛ [ج ۸] ۱۷۷۶، ۱۷۷۷

فرانسوی (مردم)؛ [ج ۲] ۳۹۸—۴۰۰؛ [ج ۴]

۹۲۸، ۹۲۹؛ [ج ۵] ۱۰۶۳، ۱۲۲۸، ۱۲۳۷؛

[ج ۸] ۱۸۰۵، ۱۸۰۶، ۲۱۴۰

فرست اکپلاستی شن (= اکسپلاستی شن)

(کمپانی)؛ [ج ۸] ۱۸۹۷

فرقه احرار ملیون؛ [ج ۴] ۸۸۰، ۸۸۱

فرقه دموکرات؛ [ج ۶] ۱۳۳۶، ۱۴۰۱

فرقه ملیون؛ [ج ۴] ۸۷۴، ۹۶۵

فرقه ملیون تهران؛ [ج ۲] ۴۲۷، ۴۳۷

فرمانفرمای شیراز؛ [ج ۸] ۲۰۰۲، ۲۰۰۳

فرمانفرمای فارس؛ [ج ۸] ۱۸۷۷، ۲۰۰۱

فرمانفرمای قفقاز؛ [ج ۸] ۱۸۷۱

فرمانفرمای هند، هندوستان؛ [ج ۸] ۱۹۲۴،

۱۹۲۶

فوج کرند (گروه نظامی)؛ [ج ۴] ۹۰۱—۹۰۳

قاجار (ایل)؛ [ج ۳] ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۷

قاجاریه (پادشاهی)؛ [ج ۲] ۳۹۵؛ [ج ۳]

عساکر روس؛ [ج ۸] ۱۷۶۷، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸،

۱۸۴۳، ۱۸۴۸، ۱۸۵۶، ۱۸۸۲، ۱۹۶۳،

۱۹۷۰، ۲۰۶۰، ۲۱۰۵، ۲۱۴۹، ۲۱۵۲

عساکر شیراز؛ [ج ۸] ۱۹۲۴، ۱۹۶۱، ۱۹۸۳

عساکر کرمانشاه؛ [ج ۸] ۱۸۶۸

عساکر مشرق زمین؛ [ج ۸] ۲۱۳۶

عساکر هندی؛ [ج ۸] ۱۸۸۹

عشایر؛ [ج ۳] ۶۷۸

علماء بزرگ؛ [ج ۸] ۲۰۹۰

علماء زنجان؛ [ج ۸] ۱۹۵۵، ۱۹۹۲

علماء شیراز؛ [ج ۸] ۱۸۴۵

علماء فارس؛ [ج ۸] ۱۸۶۲، ۱۸۶۴

علماء کربلا؛ [ج ۳] ۷۱۵، ۷۴۷

علماء کردستان؛ [ج ۸] ۱۷۹۵، ۱۸۴۵

علماء نجف؛ [ج ۳] ۷۱۶؛ [ج ۶] ۱۴۲۶؛

[ج ۷] ۱۵۲۰، ۱۶۰۲ (نیز نک: مجتهدین

بزرگ نجف)

علماء نجف و کربلا؛ [ج ۸] ۱۶۹۲، ۱۷۱۸،

۱۷۳۴، ۱۷۹۱، ۱۸۲۵، ۱۸۴۵، ۱۸۶۲ (نیز

نک: علماء کربلا، نجف — بخش ۳)

عیسوی (مردم)؛ [ج ۲] ۵۳۲، ۵۳۳؛ [ج ۶]

۱۴۳۲

فارسی (ایل — مردم)؛ [ج ۸] ۲۱۰۶

فارسی مدان (طایفه)؛ [ج ۵] ۹۷۸، ۹۹۹؛

[ج ۷] ۱۶۴۲، ۱۶۸۱؛ [ج ۸] ۱۸۰۸، ۱۸۹۹،

۱۹۰۸، ۱۹۰۹، ۱۹۱۷—۱۹۱۹، ۱۹۴۳،

۱۹۴۴، ۱۹۶۸، ۲۰۸۰—۲۰۸۲، ۲۰۸۵

فاکس — فکس (کشتی جنگی)؛ [ج ۲] ۴۴۷،

۴۵۲؛ [ج ۴] ۹۶۲

فدائی — فدائیان (گروه)؛ [ج ۳] ۶۱۵، ۶۱۹،

۱۲۰۷، ۱۲۱۹، ۱۲۴۳؛ [ج ۶] ۱۲۶۷،
 ۱۲۷۴، ۱۲۷۷، ۱۲۹۰، ۱۳۰۰، ۱۳۰۴،
 ۱۳۰۹-۱۳۱۱، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۲۰،
 ۱۳۲۱، ۱۳۲۵، ۱۳۲۸، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲،
 ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۴۰، ۱۳۴۶، ۱۳۴۹،
 ۱۳۵۳، ۱۳۵۶، ۱۳۶۴، ۱۳۷۱، ۱۳۸۹،
 ۱۳۹۱، ۱۳۹۳، ۱۳۹۵، ۱۴۲۰، ۱۴۲۷،
 ۱۴۳۸ - ۱۴۴۱، ۱۴۴۸، ۱۴۵۱، ۱۴۵۸ -
 ۱۴۶۰؛ [ج ۷] ۱۴۹۱، ۱۴۹۵، ۱۵۰۷،
 ۱۵۲۴، ۱۵۳۷ - ۱۵۳۹، ۱۵۹۲، ۱۶۳۱،
 ۱۶۵۰، ۱۶۶۰، ۱۶۶۶، ۱۶۶۸؛ [ج ۸]
 ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۱۶، ۱۷۲۳، ۱۷۲۷،
 ۱۷۳۱، ۱۷۴۱، ۱۷۶۸، ۱۷۸۷، ۱۸۲۲،
 ۱۸۷۹، ۱۹۴۰، ۱۹۹۵، ۲۰۰۶، ۲۰۶۱،
 ۲۱۲۱، ۲۱۰۶

قزاقهای قفقازیه؛ [ج ۸] ۱۸۶۸

قشقایی (ایل)؛ [ج ۲] ۳۸۵، ۳۶۷، ۴۰۹،
 ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۲؛ [ج ۳] ۵۹۷، ۶۰۴،
 ۶۱۵، ۶۵۰، ۶۵۶-۶۵۸، ۶۷۰، ۶۷۶،
 ۶۹۹، ۷۱۳-۷۱۵، ۷۳۲، ۷۵۸، ۷۶۴؛
 [ج ۴] ۷۸۷-۷۹۰، ۸۰۰، ۸۰۴، ۸۰۷،
 ۸۰۸، ۸۲۰، ۸۳۶، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۶،
 ۸۶۷، ۸۷۲-۸۷۴، ۸۸۶-۸۸۸، ۸۹۲،
 ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۳، ۹۲۵، ۹۳۰، ۹۳۳،
 ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۴-۹۴۶، ۹۶۰،
 ۹۷۰؛ [ج ۵] ۹۷۵، ۹۷۸، ۹۸۱، ۹۹۹،
 ۱۰۰۰، ۱۰۴۵، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۸۹،
 ۱۰۹۰، ۱۰۹۸، ۱۱۱۳-۱۱۱۵، ۱۱۲۸،
 ۱۱۳۷، ۱۱۴۴، ۱۱۵۰، ۱۱۵۹، ۱۱۹۱،
 ۱۱۹۷، ۱۲۰۷، ۱۲۱۲، ۱۲۲۰، ۱۲۲۳،
 ۱۲۲۴، ۱۲۳۱، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۴،
 ۱۲۴۶؛ [ج ۶] ۱۲۵۷، ۱۲۶۴، ۱۲۶۸

۶۲۴، ۶۸۵، ۷۳۱؛ [ج ۵] ۱۲۳۴؛ [ج ۸]

۱۷۰۹، ۱۸۲۴، ۲۰۸۹

قانون اساسی؛ [ج ۸] ۱۷۷۳

قانون انتخابات؛ [ج ۸] ۲۰۰۷

قراجه‌داغی (مردم)؛ [ج ۴] ۷۷۶، ۸۱۰، ۸۱۴

قرضه اشنیدرپاریس؛ [ج ۸] ۱۹۳۹

قرضه انگلیس و هند؛ [ج ۸] ۱۸۱۱

قرضه به ایران؛ [ج ۸] ۱۹۶۰

قرضه روس به ایران؛ [ج ۸] ۱۹۳۰

قره (قزائی؟) (فوج)؛ [ج ۱] ۱۲۴

قره‌باغی (مردم)؛ [ج ۲] ۳۸۸

قره‌داغی (مردم)؛ [ج ۲] ۴۰۴، ۴۱۷-۴۱۹،

۴۳۳، ۴۳۴، ۴۶۲، ۴۶۴؛ [ج ۳] ۷۴۷،

۷۴۸، ۷۵۱، ۷۵۴-۷۵۶؛ [ج ۵] ۱۰۶۶،

۱۰۹۶، ۱۱۰۶، ۱۱۵۲، ۱۲۳۳

قره‌سوران (مأمور انتظامات جاده‌ها)؛ [ج ۲]

۵۳۵؛ [ج ۳] ۶۰۱، ۷۳۲؛ [ج ۴] ۹۰۹؛

[ج ۵] ۱۰۸۰؛ [ج ۶] ۱۲۶۱، ۱۲۹۱

۱۳۳۴، ۱۳۴۲، ۱۴۴۸

قره‌سورانی؛ [ج ۸] ۲۱۱۳

قزاق؛ [ج ۳] ۶۳۸-۶۴۰، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۶،

۶۵۷، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۶-۶۸۸، ۶۹۰،

۶۹۷، ۷۰۱، ۷۰۵-۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۵،

۷۱۸، ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۳۸، ۷۳۹،

۷۴۸-۷۵۵، ۷۵۸، ۷۶۰-۷۶۲، ۷۶۵؛

[ج ۴] ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۸۰، ۷۸۳-۷۸۵،

۷۸۷، ۸۰۴، ۸۱۴، ۸۲۷، ۸۶۴، ۸۷۲،

۸۷۵، ۸۸۱، ۸۸۳، ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۰۰،

۹۰۲، ۹۰۳، ۹۱۱، ۹۴۹، ۹۵۴، ۹۶۰،

۹۶۱؛ [ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰۱۳،

۱۰۳۱، ۱۰۳۸، ۱۰۷۷، ۱۱۱۴، ۱۱۲۶،

۱۱۶۲، ۱۱۶۹، ۱۱۷۸، ۱۱۸۵، ۱۱۹۳

- قنسول بوشهر؛ [ج ۸] ۲۱۳۹
 قنسول تبریز؛ [ج ۸] ۱۹۱۳
 قنسول روس؛ [ج ۸] ۱۷۶۶، ۱۸۲۴، ۲۰۹۸
 قنسول شیراز؛ [ج ۸] ۱۹۶۴، ۱۹۹۹، ۲۰۶۳،
 ۲۰۶۴، ۲۱۳۸، ۲۱۵۶
 قنسول عثمانی؛ [ج ۸] ۱۷۶۶
 قنسول فرانسه؛ [ج ۸] ۱۸۷۱
 قوامی (گروه)؛ [ج ۳] ۶۰۲، ۶۱۵، ۶۵۰؛
 [ج ۴] ۸۰۴، ۸۳۶، ۸۹۴، ۹۱۳، ۹۶۱؛
 [ج ۵] ۹۹۹؛ [ج ۶] ۱۲۷۴، ۱۴۶۲، ۱۴۶۴
 قوجبگلو (قوجه بگلو - طایفه)؛ [ج ۴] ۷۸۰
- کارگزار (بافت)؛ [ج ۸] ۱۸۲۹، ۱۸۳۰،
 ۱۸۳۲، ۱۸۳۵-۱۸۳۷
 کاستلی - نیرکو کاستلی و برادران (کمپانی)؛
 [ج ۶] ۱۲۸۳، ۱۲۸۴
 کاکاری (گروه)؛ [ج ۴] ۹۰۷
 کاکاوند (ایل)؛ [ج ۱] ۱۹۰؛ [ج ۴] ۷۹۸،
 ۹۴۰؛ [ج ۸] ۱۷۰۴، ۱۷۰۵
 کالونی (طایفه)؛ [ج ۷] ۱۶۲۲
 کدخدای دشت ارمن (ارژن؟)؛ [ج ۸] ۱۸۹۸
 کرد؛ [ج ۷] ۱۶۵۷، ۱۶۶۷
 کردستانی (مردم)؛ [ج ۸] ۱۷۰۴
 کردی لیونه (بانک)؛ [ج ۳] ۷۲۸
 کرشونی (گروه)؛ [ج ۵] ۱۰۰۰
 کروز (مسلسل)؛ [ج ۴] ۹۱۹
 کشکولی (طایفه)؛ [ج ۴] ۸۲۴، ۸۳۶؛ [ج ۵]
 ۱۱۱۴، ۱۱۱۵؛ [ج ۷] ۱۵۴۲، ۱۵۵۱
 ۱۶۲۴، ۱۶۴۲؛ [ج ۸] ۱۷۵۸، ۱۸۰۵ -
 ۱۸۰۸، ۱۸۲۶، ۱۹۰۴، ۱۹۰۹ - ۱۹۱۱،
 ۱۹۱۹، ۱۹۲۰، ۱۹۴۳، ۱۹۶۶، ۲۰۷۷،
 ۲۰۸۱، ۲۰۸۲، ۲۰۸۴، ۲۰۸۵، ۲۱۲۱، ۲۱۲۳
- ۱۲۶۹، ۱۲۷۴، ۱۲۷۹، ۱۳۳۴، ۱۳۳۹
 ۱۴۳۷، ۱۴۴۲، ۱۴۶۳ - ۱۴۶۵، ۱۴۶۷ -
 ۱۴۷۶، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱؛ [ج ۷] ۱۵۲۱
 ۱۵۲۷، ۱۵۴۲، ۱۶۲۲ - ۱۶۲۴، ۱۶۴۲
 ۱۶۵۹، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲؛ [ج ۸] ۱۶۹۳
 ۱۷۳۴، ۱۷۵۸، ۱۷۶۹، ۱۷۷۸، ۱۸۰۴
 ۱۸۰۶، ۱۸۰۸، ۱۸۱۲، ۱۸۱۶، ۱۸۲۵
 ۱۸۹۸، ۱۹۰۰، ۱۹۰۴، ۱۹۰۷ - ۱۹۱۱
 ۱۹۱۸، ۱۹۱۹، ۱۹۴۱، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴
 ۱۹۵۳، ۱۹۶۵ - ۱۹۶۸، ۲۰۰۸، ۲۰۱۶
 ۲۰۶۴، ۲۰۸۰، ۲۰۸۲ - ۲۰۸۷، ۲۰۹۴
 ۲۱۰۷، ۲۱۲۲
- قشون ایران؛ [ج ۸] ۱۸۸۲
 قشون روس؛ [ج ۸] ۱۷۲۷، ۱۹۴۰
 قشون شیراز؛ [ج ۸] ۲۱۰۰
 قشون قزاق؛ [ج ۸] ۲۱۰۵
 قشون کرمانشاه؛ [ج ۸] ۱۹۴۷
 قشون ملتیان - قشون ملی؛ [ج ۳] ۷۰۴، ۷۰۵،
 ۷۰۹
 قشون هندی؛ [ج ۸] ۲۱۵۶
 قفقازی (مردم)؛ [ج ۲] ۳۸۷، ۴۴۹، ۴۵۹ -
 ۴۶۱، ۴۷۴، ۴۸۷، ۵۲۲؛ [ج ۳] ۵۴۷
 ۵۴۸، ۵۵۹، ۵۶۴، ۵۷۵، ۵۸۲، ۵۹۱
 ۶۰۷، ۶۸۶، ۷۵۴، ۷۶۱؛ [ج ۴] ۸۱۶
 [ج ۵] ۹۸۷، ۱۰۰۳؛ [ج ۶] ۱۳۳۸؛ [ج ۷]
 ۱۵۳۷، ۱۵۸۱، ۱۵۸۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۹
 ۱۶۳۲، ۱۶۳۸، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۶۰؛
 [ج ۸] ۱۶۹۶
 قلخانی - کلخانی (ایل)؛ [ج ۸] ۲۱۰۶
 قلهک؛ [ج ۳] ۷۲۰
 قنسول انگلیس؛ [ج ۸] ۱۹۵۵، ۲۰۲۹، ۲۰۳۴،
 ۲۰۴۳، ۲۱۰۹، ۲۱۳۴، ۲۱۳۸

- کمیته ایالتی گیلان؛ [ج ۵] ۱۱۶۲
 کمیته دتود؛ [ج ۸] ۱۹۶۰، ۲۰۲۳، ۲۰۲۷، ۲۱۰۲
 کمیته زنان آزادی طلب لندن؛ [ج ۷] ۱۵۳۶
 کمیته مرکزی اتحادیه ایرانیها؛ [ج ۸] ۱۹۷۵
 کمیته مرکزی آرامنه؛ [ج ۸] ۱۷۴۸
 کمیته ملتیان؛ [ج ۳] ۶۴۲، ۶۵۳، ۷۰۸
 کمیته ملی؛ [ج ۳] ۵۹۶، ۷۲۷، ۷۲۸
 کنسی دتا؛ [ج ۸] ۲۰۰۴
 کوار (ایل)؛ [ج ۸] ۱۷۵۸
 کهگیلویه (ایل)؛ [ج ۳] ۵۷۲، ۶۰۱، ۷۴۸، ۷۵۸، ۷۶۲، ۷۶۵
 کهکلوئی — کهگیلویه ای (مردم)؛ [ج ۴] ۷۷۵، ۷۸۱، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۷، ۸۱۱، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۳۶، ۸۴۶، ۸۶۶، ۸۶۵، ۹۵۵، ۹۶۱؛ [ج ۵] ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۶۵، ۱۰۷۲، ۱۰۸۹، ۱۰۹۸، ۱۱۲۹، ۱۲۰۳؛ [ج ۶] ۱۲۶۵، ۱۲۸۲، ۱۲۹۵، ۱۳۳۴، ۱۳۳۸، ۱۴۴۳، ۱۴۴۸، ۱۴۷۸؛ [ج ۷] ۱۶۲۴، ۱۶۶۱؛ [ج ۸] ۱۷۷۲، ۱۷۷۹، ۱۸۰۲، ۱۸۰۶، ۱۸۱۹، ۱۸۵۲، ۱۸۶۲، ۱۸۶۵، ۱۸۸۶، ۱۸۸۸، ۱۸۹۱، ۱۸۹۶، ۱۹۰۸، ۱۹۲۷، ۱۹۶۹، ۱۹۹۰ — ۱۹۹۲، ۲۰۵۱، ۲۰۵۹، ۲۱۰۵، ۲۱۰۷، ۲۱۵۱
 گارد افتخار؛ [ج ۳] ۷۲۹
 گبر (مردم)؛ [ج ۵] ۱۰۷۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸؛ [ج ۷] ۱۵۳۹؛ [ج ۸] ۱۷۴۰، ۱۷۴۶، ۱۷۴۸، ۲۰۰۹
 گتا (واحد نظامی)؛ [ج ۶] ۱۳۴۸
 کلانتر فارسی مدان (طایفه)؛ [ج ۸] ۱۹۱۹
 کلانتر کازرون؛ [ج ۸] ۱۸۰۷، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲
 کلخانی (نک: قلخانی)
 کلدانی (مردم)؛ [ج ۳] ۵۹۷، ۶۸۰؛ [ج ۶]
 ۱۴۳۷
 کلنل ژاندارمری؛ [ج ۸] ۱۹۸۶، ۲۰۰۳، ۲۰۷۱
 (نیز نک: یالمارسن — بخش ۱)
 کلنل — کلنل سوئدی؛ [ج ۸] ۱۷۲۸، ۲۱۳۰، ۲۱۳۱ (نیز نک: یا لمارسن — بخش ۱)
 کلوب انگلیس؛ [ج ۷] ۱۶۲۲
 کلهر (ایل)؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۳۶۷، ۳۸۴، ۴۰۹، ۴۱۰، ۵۳۳؛ [ج ۳] ۷۶۳؛ [ج ۴] ۷۸۲، ۸۲۳، ۸۶۳، ۸۷۲، ۸۷۶، ۸۸۲، ۸۸۵، ۹۱۰، ۹۶۰، ۹۷۰؛ [ج ۵] ۹۸۲، ۱۰۱۳، ۱۱۳۹، ۱۱۹۷، ۱۲۰۹، ۱۲۳۱، ۱۲۳۳؛ [ج ۷] ۱۶۶۵، ۱۶۶۷؛ [ج ۸] ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۱۱، ۱۷۴۱، ۱۷۴۹، ۱۷۷۰، ۱۷۸۳، ۱۷۹۴، ۱۷۹۷، ۱۷۹۸، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۲۱۵۱
 کلیائی (ایل)؛ [ج ۵] ۹۸۲
 کلیمی (مردم)؛ [ج ۳] ۶۸۰
 کمارجی (مردم)؛ [ج ۵] ۱۲۴۱؛ [ج ۷] ۱۶۲۴
 کمپانی حمل و نقل ایران؛ [ج ۸] ۱۷۵۶، ۱۷۷۹، ۱۷۸۴
 کمپانی راه شوسه؛ [ج ۳] ۵۷۶
 کمپانی نفت انگلیس و ایران؛ [ج ۸] ۱۸۸۸، ۱۸۹۴
 کمپانی نفت بختیاری؛ [ج ۸] ۱۸۶۵، ۱۸۸۸، ۱۸۹۲، ۱۸۹۷
 کمپانی نفت قصر شیرین؛ [ج ۸] ۲۱۰۶
 کمیته اتحاد اسرائیلی؛ [ج ۴] ۸۳۵
 کمیته؛ [ج ۴] ۹۴۵ مجمع؛ [ج ۴] ۹۴۹

لیوینگستن (کمپانی)؛ [ج ۷] ۱۶۲۴

مارتین (تفنگ)؛ [ج ۴] ۸۰۸؛ [ج ۸] ۲۰۵۶
ماکریم — ما کسیم — مکزین (توپ — تفنگ)؛

[ج ۳] ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۴۷؛ [ج ۴] ۸۰۵،
۹۱۹؛ [ج ۷] ۱۵۰۰؛ [ج ۸] ۱۷۹۸،

۱۸۱۷، ۱۹۰۱، ۱۹۹۱، ۱۹۹۷، ۲۱۲۹

ماکوئی (مردم)؛ [ج ۲] ۳۸۸—۳۹۰، ۴۰۹،
۴۶۲

مال سبزعلی (طایفه)؛ [ج ۴] ۹۴۰

متولی باشی حضرت رضا؛ [ج ۸] (نک):
صدرالممالک

متولی باشی مسجد گوهرشاد؛ [ج ۸] ۱۸۱۵

مجاهد — مجاهدین؛ [ج ۳] ۶۴۳، ۶۴۷، ۷۰۶،
۷۰۹، ۷۲۸، ۷۵۰، ۷۵۴، ۷۵۸، ۷۶۱؛

[ج ۴] ۸۹۵—۸۹۸، ۹۰۶، ۹۰۷

۹۱۴—۹۱۶، ۹۱۸، ۹۱۹؛ [ج ۶] ۱۴۶۰؛

[ج ۷] ۱۶۶۶، ۱۶۶۷؛ [ج ۸] ۱۷۰۴،

۱۷۰۶، ۱۸۴۷، ۱۸۸۵، ۱۹۰۰، ۱۹۱۳،

۱۹۲۳، ۱۹۴۲، ۱۹۵۲، ۱۹۶۲

۱۹۷۲—۱۹۷۴، ۱۹۹۷—۲۰۰۰، ۲۰۰۹

مجاهدین آرامنه؛ [ج ۸] ۱۹۵۲

مجاهدین مسلمان؛ [ج ۸] ۱۸۸۵

مجتهدین بزرگ نجف؛ [ج ۷] ۱۵۲۰ (نیز نک):
علماء نجف

مجلس (روزنامه)؛ [ج ۱] ۲۹؛ [ج ۵] ۱۲۲۹؛

[ج ۶] ۱۲۸۹؛ [ج ۷] ۱۶۰۲

مجلس؛ [ج ۶] ۱۲۵۶، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۳۱۲،

۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۴۵، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰،

۱۳۵۲، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۷۴، ۱۳۷۶،

۱۳۷۷، ۱۳۷۹، ۱۳۸۵، ۱۳۸۷، ۱۳۸۹

گتلند (واحد نظامی)؛ [ج ۶] ۱۳۴۸

گتومد — گتوند (ایل)؛ [ج ۸] ۲۱۵۱

گرینوی (شرکت)؛ [ج ۸] ۱۹۴۹

گلباغی (گروه)؛ [ج ۷] ۱۶۶۷

گمرکات شمال ایران؛ [ج ۸] ۲۰۸۹

گوران (ایل)؛ [ج ۲] ۳۵۳، ۳۸۴؛ [ج ۳] ۵۶۷؛

[ج ۴] ۸۲۳؛ [ج ۸] ۱۹۹۶، ۲۱۰۶

لابینسکی (فوج)؛ [ج ۷] ۱۵۳۸

لاپینگ (کشتی)؛ [ج ۱] ۱۲۹، ۱۵۹

لاری (مردم)؛ [ج ۲] ۴۷۱؛ [ج ۳] ۵۶۹

لاید (کمپانی)؛ [ج ۵] ۱۱۷۲؛ [ج ۷]

۱۶۲۴

لبل (تفنگ)؛ [ج ۸] ۱۸۱۶

لر (مردم)؛ [ج ۳] ۶۵۶، ۷۶۲؛ [ج ۵] ۹۷۸؛

[ج ۶] ۱۲۸۷

لرد کمیسیونر (انگلیس)؛ [ج ۸] ۱۶۹۰،

۱۷۲۴، ۲۱۵۶

لزگی (مردم)؛ [ج ۳] ۷۴۴

لشنی (ایل)؛ [ج ۲] ۳۸۳، ۴۷۲، ۵۲۴؛ [ج ۳]

۷۴۴؛ [ج ۴] ۸۲۳، ۹۶۱؛ [ج ۷] ۱۶۲۳؛

[ج ۸] ۱۹۰۸

لنچ؛ [ج ۵] ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۱۸۴،

۱۲۰۳

لی انفیلد — انفیلد (تفنگ)؛ [ج ۸] ۲۱۳۸

لینچ — لینچ (کمپانی)؛ [ج ۱] ۱۷۹؛ [ج ۴]

۸۵۶؛ [ج ۵] ۹۹۹، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۲۰۳،

۱۲۰۴، ۱۲۰۶؛ [ج ۶] ۱۴۴۳؛ [ج ۸]

۱۷۵۴، ۱۷۵۵، ۱۷۵۷، ۱۷۷۲، ۱۷۹۰،

۱۸۰۲، ۱۸۱۹، ۱۹۴۹، ۲۱۱۹

- مدرسه امریکائی؛ [ج ۳] ۶۱۷
 مدرسه ژاندارمری؛ [ج ۸] ۱۸۵۷
 مدرسه عالی امریکایی؛ [ج ۷] ۱۴۸۶؛ [ج ۸] ۱۶۸۵
 مدرسه عالی نظامی؛ [ج ۶] ۱۲۷۰
 مریضخانه اصفهان (نک: مریضخانه دعاه مسیحی)
 مریضخانه انگلیس؛ [ج ۸] ۲۰۰۷
 مریضخانه دعاه مسیحی؛ [ج ۱] ۲۰۵۵، ۲۰۵۷، ۲۰۶۰
 مزیدی (طایفه)؛ [ج ۶] ۱۴۶۵
 مسلمان - مسلمانها (گروه دینی)؛ [ج ۳] ۷۱۰؛ [ج ۸] ۱۷۶۴، ۱۸۲۲
 مسیحی - مسیحیان (مردم)؛ [ج ۲] ۳۸۷؛ [ج ۳] ۶۶۸
 شرق زمین؛ [ج ۸] ۲۱۳۶
 مشروطه - مشروطیت؛ [ج ۲] ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۸-۳۴۲، ۳۴۴-۳۴۸، ۳۵۳، ۳۵۸، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۹-۳۷۱، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۹-۳۸۳، ۳۸۹-۳۹۲، ۳۹۶، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۶۰، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۶، ۴۸۸، ۴۸۹، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۳-۵۳۵، ۵۴۰؛ [ج ۳] ۵۴۵، ۵۴۹، ۵۵۲، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۷، ۵۷۰، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۳، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۰-۶۰۳، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۲-۶۱۴، ۶۲۱، ۶۳۷-۶۴۳، ۶۴۵، ۶۵۰، ۶۵۷، ۶۸۲
 ۱۳۹۰، ۱۳۹۳، ۱۳۹۹، ۱۴۰۱، ۱۴۰۳، ۱۴۰۹، ۱۴۱۲، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۹، ۱۴۴۳، ۱۴۴۵-۱۴۴۷، ۱۴۵۲، ۱۴۵۴-۱۴۵۶؛ [ج ۷] ۱۵۳۱-۱۵۳۳، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۴۵-۱۵۴۷، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۷۴، ۱۵۹۸، ۱۶۰۲؛ [ج ۸] ۱۸۱۴، ۱۸۸۳، ۱۸۸۶، ۱۹۴۰، ۱۹۴۲، ۱۹۵۲، ۱۹۵۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۷، ۲۰۱۹، ۲۰۵۰، ۲۱۰۲ (نیز نک: مجلس شورای ملی)
 مجلس تجارت بوشهر؛ [ج ۳] ۵۷۹
 مجلس دارالشورای ملی؛ [ج ۷] ۱۵۵۶
 مجلس سنا؛ [ج ۶] ۱۳۴۹، ۱۳۵۸؛ [ج ۷] ۱۵۷۴، ۱۵۸۰، ۱۵۸۵، ۱۶۰۹؛ [ج ۸] ۱۷۷۳، ۱۷۷۴
 مجلس شورای ملی؛ [ج ۳] ۶۶۶؛ [ج ۵] ۱۰۲۰-۱۰۲۳، ۱۰۲۵، ۱۰۷۷، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸؛ [ج ۶] ۱۲۷۰، ۱۳۸۸، ۱۴۳۱، ۱۴۳۳، ۱۴۴۶؛ [ج ۸] ۱۷۷۳، ۱۷۷۴ (نیز نک: مجلس و مجلس ملی)
 مجلس عالی فوق‌العاده - مجلس فوق‌العاده عالی؛ [ج ۳] ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۹-۶۹۱، ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۴
 مجلس مبعوثان (انگلیس)؛ [ج ۸] ۱۹۳۴، ۱۹۳۵
 مجلس ملی؛ [ج ۴] ۷۸۳؛ [ج ۸] ۱۷۷۴
 مجلس ملی انگلیس؛ [ج ۶] ۱۲۸۴، ۱۴۰۹
 محاکمات (روزنامه)؛ [ج ۱] ۱۷۸
 محکمه نظامی؛ [ج ۸] ۱۷۰۴
 محکمه نظامی روس؛ [ج ۷] ۱۵۴۹؛ [ج ۸] ۲۰۴۰
 محمدی (اسکادران نظامی)؛ [ج ۷] ۱۵۴۴

- ۶۸۳ ، ۶۸۹ ، ۶۹۰ ، ۶۹۶ ، ۷۰۰ ، ۷۱۰ ،
 ۷۱۲ ، ۷۲۹ ، ۷۳۲ ، ۷۵۴ ، ۷۶۴ [ج ۴]
 ۷۸۰ ، ۷۸۱ ، ۷۹۵ ، ۸۶۸ ، ۹۰۸ ، ۹۳۹
 [ج ۵] ۱۰۰۱ ، ۱۰۲۰ ، ۱۰۲۲ ، ۱۰۲۴
 ۱۰۲۷ ، ۱۰۳۴ ، ۱۰۳۵ ، ۱۰۹۷ ، ۱۱۳۱
 ۱۱۳۲ ، ۱۱۳۶ ، ۱۱۳۷ ، ۱۱۹۷ ، ۱۲۳۷
 ۱۲۴۷ [ج ۶] ، ۱۲۸۶ ، ۱۳۴۹ ، ۱۳۷۷
 ۱۳۸۹ ، ۱۳۹۰ ، ۱۴۳۲ ، ۱۴۳۳ ، ۱۴۴۷
 ۱۴۶۸ ، ۱۴۸۱ [ج ۷] ؛ ۱۵۲۰ [ج ۸]
 ۱۷۸۹ ، ۱۸۲۷ ، ۱۸۲۸ ، ۱۸۸۶ ، ۱۹۴۰
 ۱۹۵۲ ، ۱۹۶۵ ، ۱۹۷۴ ، ۱۹۷۵ ، ۱۹۹۳
 ۱۹۹۴ ، ۲۰۲۶ ، ۲۰۳۶
- مصری (مردم)؛ [ج ۴] ۹۲۸ [ج ۷] ۱۶۲۲
 مضغل؛ [ج ۴] ۹۱۹
 مظفر (روزنامه)؛ [ج ۱] ۲۹
 مظفری (کشتی)؛ [ج ۳] ۵۶۹
 معدن نفت بختیاری؛ [ج ۸] ۱۸۹۴
 مکنز (تفنگ)؛ [ج ۴] ۸۰۸
 ملیون تندرو؛ [ج ۸] ۱۷۳۰
 موزر (سلاح)؛ [ج ۳] ۶۸۷ ، ۷۰۶ [ج ۴]
 ۸۹۰ ، ۹۱۴ ، ۹۱۸ [ج ۸] ۱۸۳۸ ، ۲۱۳۸
 مولا (کمپانی)؛ [ج ۷] ۱۶۲۳
 میتراپوز (توپ)؛ [ج ۸] ۱۸۸۱
- نانکلی — نانه کلی (ایل)؛ [ج ۴] ۸۲۳
 نایب الایاله شیراز؛ [ج ۸] ۱۸۱۲
 نایب الحکومه اردستان؛ [ج ۸] ۱۹۴۱
 ندای وطن (روزنامه)؛ [ج ۱] ۲۹
 نفر (ایل)؛ [ج ۸] ۱۸۵۳
 نمدی ها (طایفه)؛ [ج ۷] ۱۶۸۱
 نویه ورمیا — نوورمیا (روزنامه)؛ [ج ۱] ۳۲۸
- [ج ۵] ۱۱۲۶ ، ۱۱۲۷ ، ۱۱۶۴ ، ۱۱۶۵ ،
 ۱۱۶۹ ، ۱۱۷۶ — ۱۱۷۸ ، ۱۱۸۲ [ج ۷]
 ۱۴۸۹
 وارم لاند (فوج نظامی)؛ [ج ۶] ۱۳۴۷
 وزیر امور خارجه روس؛ [ج ۸] ۱۹۵۰ ، ۱۹۵۶ ،
 ۱۹۸۶ ، ۲۱۵۶
 وزیر مالیه روس؛ [ج ۸] ۱۷۳۲
 وزیر مختار روس؛ [ج ۸] ۲۱۳۳
 وزیر هند — هندوستان؛ [ج ۸] ۱۷۰۱ ، ۱۸۸۷ ،
 ۲۰۱۹ ، ۲۱۳۷ ، ۲۱۵۶
 وکیل خزانه داری؛ [ج ۸] ۲۱۳۴
 ویس قنصل انگلیس؛ [ج ۸] ۲۰۰۹ ، ۲۰۱۰
 ویس قنصل یزد؛ [ج ۸] ۱۹۸۷
 ویر (کمپانی)؛ [ج ۶] ۱۲۸۲ ، ۱۲۹۵
 ویکسن (تجارتخانه)؛ [ج ۵] ۱۰۱۹ ، ۱۰۳۰
 [ج ۸] ۱۸۰۵
- همدان (فوج)؛ [ج ۶] ۱۲۸۲
 همدانی (مردم)؛ [ج ۶] ۱۲۹۵
 هند (اداره)؛ [ج ۷] ۱۵۸۲ ، ۱۶۱۳ ، ۱۶۲۸ ،
 ۱۶۳۴ ، ۱۶۴۴ ، ۱۶۷۷ ، ۱۶۷۸
 هند (دولت)؛ [ج ۵] ۱۲۱۳ ، ۱۲۴۵
 هند (قشون)؛ [ج ۷] ۱۶۰۴ ، ۱۶۳۸
 هندو (مردم)؛ [ج ۴] ۹۰۹ [ج ۶] ؛ ۱۳۴۰
 [ج ۷] ۱۶۶۱
 هند و اروپ — هند و اروپا (کمپانی)؛ [ج ۲]
 ۵۲۳ ، ۵۲۴ [ج ۳] ؛ ۶۰۴ ، ۶۸۵ ، ۶۸۸ ،
 ۷۱۹ ، ۷۳۱ [ج ۴] ؛ ۸۰۶ ، ۸۷۶ ، ۸۷۸ ،
 ۸۸۱ ، ۸۸۲ ، ۹۴۴ ، ۹۴۵ ، ۹۵۸ [ج ۵]

،۹۴۰ [ج ۵] ،۹۹۵ ،۱۰۱۴ ،۱۰۱۸ ،۱۰۳۸ ،
 ،۱۰۴۰ ،۱۰۵۷ ،۱۰۷۹ ،۱۱۳۰ ،۱۱۳۶ ،
 ،۱۱۴۳ ،۱۱۴۵ ،۱۲۱۰ ،۱۲۱۳ [ج ۶] ،
 ،۱۲۸۳ - ۱۲۸۵ [ج ۷] ،۱۴۹۱ ،۱۴۹۲ ،
 ،۱۴۹۹ ،۱۵۰۳ - ۱۵۰۶ ،۱۵۳۹ ،۱۵۴۰ ،
 ،۱۵۴۲ ،۱۵۶۰ ،۱۶۰۶ ،۱۶۲۳ ،۱۶۲۴ ،
 ،۱۶۲۷ ،۱۶۴۳ [ج ۸] ،۱۷۰۱ ،۱۷۴۸ ،
 ،۱۸۰۵ ،۱۹۲۱ ،۲۰۴۵ ،۲۱۵۱

هوتزر (توپ)؛ [ج ۳] ،۵۷۸ ،۵۸۱ ،۶۴۶

هیأت مدیره؛ [ج ۳] ،۷۲۰ ،۷۲۱ ،۷۲۷ ،۷۴۱ ،
 ۷۴۳

هیأت اتحادیه ایرانیها ۱۹۷۵

یهود - یهودی (مردم)؛ [ج ۱] ،۳۸ ،۴۲ [ج ۲] ،
 ،۵۳۲ ،۵۳۳ [ج ۳] ،۵۹۷ ،۶۶۸ ،۷۱۰ ؛
 [ج ۴] ،۸۷۱ ،۹۱۲ ،۹۴۶ ،۹۶۰ [ج ۶] ،
 ،۱۴۳۲ ،۱۴۳۷ [ج ۸] ،۱۸۵۶

،۱۰۹۸ ،۱۲۰۳ [ج ۶] ،۱۲۸۹ ،۱۳۳۷ ،
 ،۱۴۶۹ ،۱۴۸۳ [ج ۷] ،۱۵۲۸ ،۱۵۴۱ ،
 ،۱۵۴۲ ،۱۶۲۷ ،
 هند و انگلیس (اداره تلگراف)؛ [ج ۵] ،۱۱۱۵ ؛
 [ج ۷] ،۱۶۲۲ [ج ۸] ،۱۸۰۴ ،
 هندوستان (اداره) - اداره هند؛ [ج ۷] ،۱۵۲۸ ،
 ۱۵۶۰

هندوستان (حکومت) - حکومت هند؛ [ج ۷] ،
 ،۱۵۶۱ ،۱۵۶۶ ،۱۶۶۷ ،۱۶۸۲

هندی (قشون)؛ [ج ۵] ،۱۱۴۶ ،۱۱۶۹ ،۱۱۹۹ ؛
 [ج ۶] ،۱۲۶۱ ،۱۲۶۲ ،۱۲۷۷ ،۱۲۷۸ ،
 ،۱۳۰۵ ،۱۳۱۶ ،۱۳۴۱ ،۱۳۶۴ ،۱۳۸۸ ،
 ،۱۳۹۱ ،۱۴۴۳ ،۱۴۴۸ ،۱۴۴۹ [ج ۸] ،
 ،۱۷۱۷ ،۱۷۱۸ ،۱۸۶۵ ،۱۹۰۴

هندو - هندی (مردم)؛ [ج ۳] ،۶۰۵ ،۶۳۵ ،
 ،۶۴۴ ،۶۹۰ ،۷۱۵ ،۷۱۸ ،۷۵۵ ،۷۶۵ ؛
 [ج ۴] ،۸۳۶ ،۸۳۸ ،۸۴۶ ،۸۵۷ ،۸۵۸ ،
 ،۸۷۶ ،۸۸۱ ،۹۰۰ ،۹۰۹ ،۹۲۰ ،۹۳۵

فهرست نکته‌ها و رویدادهای مهم
که در ضمن اسناد از آنها یاد شده
است
جلد اول

- | | |
|--|---|
| تلگرافخانه انگلیس ۲۲ - ۲۸ | مرگ مظفرالدین شاه ۴ |
| مقاومت مردم تبریز در برابر شرکت راهسازی روسی ۲۳ | طرح قانون اساسی در مجلس ۱۷ |
| فدائیان رشت از قفقاز دستور می‌گرفتند ۲۳ | زمزمه مخالفت ایرانیان با دادن امتیاز به خارجی‌ها ۱۷ |
| مردم رشت از گرفتن جشن پادشاهی محمدعلی شاه خودداری کردند ۲۴ | ترس دولت‌های انگلیس و روس از مداخله در امور ایران ۱۸ |
| طرح مسأله نوزبلژیکی در مجلس ایران - مقاومت نوز در برابر مجلس ۲۵ | پادشاهی محمد علی شاه - بازیافتن سفراء خارجی بنزد شاه ۱۹ |
| تشکیل گروه فدائیان در ایران ۲۶ | احترام مردم به جنازه مظفرالدین شاه و جلوگیری آنها از برده شدن جنازه به کربلا ۱۹ |
| قتل پرویز شاه جهانیان در یزد - نگرانی زرتشتی‌ها بر جان خودشان ۲۷ | تاج گذاری محمدعلی شاه - ولیعهدی احمد شاه ۲۰ |
| تحصن و عاظ و مردم عادی در شاه - عبدالعظیم ۲۷ | نخستین سلام رسمی که در حضور محمدعلی شاه برگزار شد ۲۱ |
| مهاجرت برخی از ایرانیان به کشورهای بیگانه ۳۰ | تیرگی روابط مردم با محمدعلی شاه ۲۱ |
| عزل مشیرالدوله از صدارت عظمی ۳۱ | آشکار شدن احساسات ضد اروپائی در مردم ایران ۲۲ |
| آدم کشی و آدم سوزی در سبزوار ۳۳ | پناهندگی مردم اورمیبه به کنسول‌خانه و مردم |

- خارجی تضمین می‌خواستند! ۳۳
- نامه سرزنش بار زنان تبریز به مردان شیراز ۳۸
- اغتشاش در کرمانشاه - تحصن همگانی مردم - برپا کردن چادر بر بام خانه‌ها ۳۹
- آدم‌کشان مزدور شاه در اندیشه شکار آزادیخواهان ۵۱
- بازداشت رحیم خان قراجه‌داغی ضد مشروطه معروف ۵۱ - ۵۳
- تعطیل همگانی مردم تهران و جلوگیری از چراغانی برای تاج‌گذاری شاه ۵۱
- جلوگیری مردم بندر انزلی از خارج شدن نوز بلژیکی ۵۲
- قتل رجب‌افندی در تهران ۵۲
- توطئه اکرم السلطان برای کشتن اعضای انجمن ایالتی تبریز ۵۲
- کمیابی نان و شورش مردم در تبریز ۵۳
- کشته شدن یک محتکر در تبریز ۵۳
- وضع بد مالی ایران و فرستادن هیأت‌های تبلیغاتی به خارج ۵۹
- بریگاد قزاق، زنجیری برای بردگی ایران ۶۳
- گارد شاهی با فرمانده روسی! ۶۴
- شورش در زنجان و اردبیل ۶۶
- شرایط برده‌وار و استعماری روس و انگلیس برای دریافت اقساط وام خود از ایران ۶۸
- کشته شدن اتابک اعظم ۶۸
- کاپیتولاسیون انگلیس در ایران ۶۹
- اظهار نظر شگفتی انگیز سفیر انگلیس درباره شاه ایران ۷۱
- دولت ایران فقط می‌تواند از روس و انگلیس وام بگیرد! ۷۶
- احساسات میهن‌پرستانه ایرانیان از نظر سفیر انگلیس ۷۹
- رئیس دزدها محافظ راه کاروانی مشهد شد ۸۳
- طرح قرارداد ۱۹۰۷ در مجلس ایران ۸۹
- مرگ ناگهانی و مرموز مشیرالدوله ۸۹
- اخطار درباریان به محمدعلی شاه و منزوی گردانیدن او ۹۰
- مقالات روزنامه حبل‌المتین درباره قرارداد ۱۹۰۷ ۹۳
- قانون اساسی ایران ۹۹
- فروش دختران و زنان ایرانی بوسیله صنایع الدوله ۱۱۰
- زندانی شدن علاءالدوله - تبعید و زندانی شدن ناصرالملک و وزیران دولت او ۱۱۷
- چاقوکشان مزدور محمدعلی شاه و پذیرائی شاهانه (!) از آنها ۱۱۹
- سوء استفاده آصف الدوله و مظفرنظام از انبار مهمات خراسان ۱۲۴
- تبعید علاء الدوله - زندانی شدن ناصرالملک ۱۴۰
- اتحاد ظل السلطان با مشروطه خواهان ۱۴۴
- شاه ایران از سفراء انگلیس و روس دستور کار می‌گرفت! ۱۴۶
- از نظر سفیر انگلیس ملت ایران تا دو نسل دیگر هم شایسته حکومت مشروطه نیست ۱۴۹
- زرتشتیان ایرانی برای تأمین جان خودشان از سفارت انگلیس کمک می‌خواستند ۱۶۲
- سوء قصد بجان محمدعلی شاه ۱۶۸
- تدارک محمدعلی شاه برای سرکوبی مردم ۱۶۹
- گزارش سفیر انگلیس درباره سوء قصد به محمدعلی شاه ۱۷۰
- غارت مردم بوسیله گارد امیربهادر ۱۷۱
- تحصن امیربهادر در سفارت روس ۱۸۴
- فرار نظام السلطنه به قم ۱۸۶

- روس و انگلیس در فکر تغییر سلطنت در ایران
۱۹۱
- تحصن تقی زاده و روزنامه نگاران در سفارت
انگلیس ۱۹۶
- دستگیری روزنامه نویسان و آزادیخواهان دیگر
بدستور محمدعلی شاه ۱۹۶
- پناهندگی رئیس مجلس به سفارت فرانسه ۲۰۰
- پناهندگی وزیر مالیه و خانواده اش به سفارت
ایتالیا ۲۰۰
- شورش در تبریز ۲۰۰
- انحلال مجلس بدستور محمدعلی شاه ۲۰۰
- حمایت سفارت انگلیس از ظل السلطان ۲۰۲
- تلگراف شاه ایران به پادشاه انگلیس ۲۰۴
- جواب پادشاه انگلیس به شاه ایران ۲۰۵
- پناهندگی ایرانیان به سفارت روس ۲۳۵
- کودتا در تهران و غارت خانه های مردم بدست
قوای دولتی ۲۳۶
- دستگیری ملک المتکلمین و جهانگیرخان
صوراسرافیل ۲۳۹
- حکومت نظامی به فرمان لیاخوف ۲۴۳
- ایرانیان مصمم شدند سلطان عثمانی را به
پادشاهی خود برگزینند ۲۷۲
- فرمانفرمای آذربایجان از ورود آذوقه به شهر
تبریز جلوگیری کرد ۲۹۱
- قزاقان روسی در تبریز و ادعای بیطرفی دولت
روسیه ۲۹۵
- روزهای تلخ تبریز ۲۹۷
- دستخط محمدعلی شاه درباره انتخابات مجلس
۳۰۶
- انتخابات مجلس و بدقولی های محمدعلی شاه
۳۰۹
- تظاهرات مزدوران شاه علیه مشروطه ۳۱۳
- تلگراف شدیدالحن علماء نجف به محمدعلی
شاه ۳۲۱

جلد دوم

- به عقیده سفیر انگلیس، اعضای مجلس ایران
عاری از کار و نادان و ارتجاعی هستند!
۳۳۷
- دستخط ساختگی محمدعلی شاه بر دیوارهای
تهران - تظاهرات طرفداران محمدعلی شاه
علیه برقراری مشروطه در ایران ۳۳۹
- بی تکلیفی زندانیان سیاسی؛ مشروطه نوع
محمدعلی شاهی! ۳۴۰
- محمدعلی شاه اعطاء مشروطه به ایران را با
چهارصد هزار لیره وام تاخت می زند ۳۴۴
- به عقیده محمدعلی شاه، مشروطه و تشکیل
مجلس مخالف با اسلام است ۳۴۶ -
- ۳۴۸
- به عقیده علاء السلطنه ایران برای تشکیل مجلس
مستعد نیست ۳۴۷
- شورش در مشهد؛ نامه علماء کربلاء به مردم
خراسان و تحریک آنان به شورش ۳۵۲
- حکومت نظامی در اصفهان ۳۵۲
- انگلیس و روس با شاه ایران وحدت نظر دارند
۳۵۵
- عقب نشینی محمدعلی شاه در برابر تهدیدهای
انگلیس و روس ۳۵۵
- تحصن محمدعلی شاه در باغشاه ۳۵۶
- سفرای انگلیس و روس می خواستند محمدعلی -

- شاه را با دادن رشوه مشروطه خواه کنند! ۳۵۶
- هرج و مرج و شورش در اصفهان؛ غارت بازار بوسیله سربازان دولتی ۳۶۰
- یک داوری عجیب درباره ستارخان و هم‌زمان او ۳۶۱
- غارت دیوانخانه حکومت اصفهان بوسیله مردم ۳۶۳
- اصفهان در تصرف انقلابیون ۳۶۴
- انتصاب سعدالدوله به وزارت خارجه ۳۶۵
- مقاومت محمدعلی شاه در برابر فشارهای انگلیس و روس ۳۶۶
- ترس انگلیس از تجزیه ایران! ترس روسها از استقلال شهرهای تبریز و اصفهان ۳۶۷
- انفصال صمصام السلطنه از ایلخانی بختیاری ۳۶۸
- به عقیده صدراعظم ایران هیچگونه حکومت شورائی با شریعت اسلام موافق نیست ۳۷۹
- پناهندگی ملیون به کنسولگری عثمانی در رشت ۳۸۱
- رفتار ستمگرانه با پارسیان و آرامنه ایرانی ۳۸۴
- برقراری نظم در تبریز بوسیله ستارخان و باقرخان ۳۸۷
- نامه انجمن تبریز درباره رفتار ناروای دولت با مردم آن شهر ۳۸۹
- اعتراض انجمن ملی تبریز به استقراض دولت ایران از خارج ۳۹۹
- شورش در رشت و کشته شدن حاکم آن شهر ۴۰۳، ۴۲۶
- تشکیل حکومت موقت در رشت بوسیله شورشیان ۴۰۳ - ۴۲۶
- پیشنهاد صلح عین‌الدوله به مردم تبریز ۴۰۳،
- ۴۰۴
- مخالفت ملیون تهران با استقراض دولت ایران از دولتهای خارجی ۴۰۴
- به عقیده مستشار مالیه ایران شرط استقلال مالیه ایران استخدام کارمندان خارجی است ۴۰۵
- آشوب و غارت در اصفهان، پناهندگی مردم به سفارتخانه‌های انگلیس و روس ۴۰۶ -
- ۴۰۷
- زمزمه تشکیل یک کشور مستقل در شمال ایران ۴۱۰
- یاغیگری سید حسن لاری در لار ۴۱۰
- انگلیس از مساعدت مالی به محمدعلی شاه برای حفظ موقعیت او ناامید است ۴۱۱
- تغییرات در کابینه دولت ۴۱۲
- تیراندازی به شیخ فضل‌الله نوری ۴۱۲ - ۴۱۳
- علماء کربلاء مردم ایران را از پرداخت مالیات به دولت منع کردند ۴۱۳
- تشکیل دیوان عدالت در بوشهر ۴۱۴
- شورشیان رشت شعاع السلطنه برادر شاه را گروگان گرفتند ۴۱۷
- محاكمه متهمان به بمب‌اندازی بسوی شاه ۴۱۸، ۴۲۹
- کشف و توقیف مهمات انقلابیون ایرانی در باکو ۴۲۳
- بروز آثار انقلاب در مشهد ۴۲۴
- متن بیان‌نامه جماعت ملیون تهران به سفیر انگلیس ۴۲۷
- تشکیل کابینه مشیرالسلطنه ۴۲۸
- تعطیل بازار تهران و چوب‌خوردن تجار بازار ۴۲۹
- آزاد شدن ضاربین شیخ فضل‌الله نوری ۴۲۹
- مخالفت علماء نجف و همدان با استقراض

- محمدعلی شاه از خارجه ۴۳۱
انجمن ایالتی آذربایجان جانشین مجلس ملی
ایران ۴۳۱
جنگ ملیون و شاهپرستان در تبریز ۴۳۳
سادات لارستان به توصیه علماء نجف گمرک
بوشهر را متصرف شدند ۴۳۶
تصرف بوشهر بوسیله سید مرتضی اهرمی ۴۴۱
کشته شدن چهار نفر بدست اوباش در
شاه عبدالعظیم ۴۴۱
غارتگری های رحیم خان ۴۴۲
آشوب در کرمانشاه؛ کشتار یهودیان آن شهر
بدست آشوبگران ۴۴۶
قحطی و گرسنگی و مرگ در تبریز ۴۴۶
جنبش ملیون در اورمیه ۴۴۸
شورش در استراباد ۴۴۸
بمباران تبریز بوسیله شاهپرستان ۴۴۹
هرج و مرج در بوشهر ۴۵۲
زمینه سازی قفقازیها در شورش رشت ۴۶۰
پرچم روس و انگلیس و عثمانی برفراز
خانه های مردم رشت ۴۶۰
یورش قوای دولتی به تبریز ۴۶۱
یورش جنایتکارانه رحیم خان به جلفا ۴۶۲
نظر کنسول انگلیس درباره رشادت و
جنگاوری ستارخان و جنگیدن روحانیون
۴۶۳
کشته شدن یک نانوای گرانفروش در تبریز ۴۶۴
بنادر خلیج فارس زیر فرمان ملیون ۴۶۴
در بوشهر به جای پرچم سلطنتی پرچم ملی
برافراشته شد ۴۶۷
شروع انقلاب در مشهد ۴۶۷
شیراز و همدان در مسیر انقلاب ۴۶۸
شورش افشاریها و غارت اموال حاکم کرمان
- ۴۷۰
رفتار ضدانسانی پارسیان در شیراز ۴۷۲
کشتار پناهندگان شاه عبدالعظیم به دستور
مفاخرالملک حاکم تهران ۴۷۳
اعتراض آمرانه انگلیس و روس به کشتار
شاه عبدالعظیم ۴۷۴
مداخله انگلیس و روس در ترکیب کابینه ایران
۴۷۵
تهدید انگلیس و روس به تنبیه اقتصادی ایران
۴۷۵
قحطی و غارت نانواییها در کرمان ۴۷۸
سید مرتضی در لباس ملی گری و با قصد
غارتگری ۴۷۸
تغییرات سیاسی در اسلامبول و تأثیر آن در
اوضاع سیاسی ایران ۴۸۷
قحطی نان در تبریز؛ فراهم شدن زمینه های
شورش مردم ۴۸۸
متارکه جنگ تبریز از طرف ملیون ۴۹۶
مخالفت شاه و عین الدوله با متارکه جنگ ۴۹۷
— ۴۹۹
نیروهای روسی آماده اشغال تبریز ۵۰۱
دستور شاه برای متارکه جنگ و ورود آذوقه به
تبریز ۵۰۷
ورود نیروهای روسی به خاک ایران ۵۱۳
عفو عمومی شاه ۵۱۳
الگوی محمدعلی شاه برای اعطای مشروطه و
قانون انتخابات ۵۱۳
نایب السلطنه مرتجع برمسند ریاست وزراء
۵۱۵
ورود نیروهای روسی به تبریز ۵۱۵
نجات نسبی تبریز از قحطی و مرگ ۵۱۶
سپاسگزاری ستارخان از کمکهای انگلیس و

سفارت انگلیس ۵۲۹

کشته شدن فرستادهٔ ملیون بدست ترکمانان ۵۳۰
تظاهرات مردم بندرگز به طرفداری از مشروطه
۵۳۰

کمیابی نان در کرمان ۵۳۱

آشوب در کرمان و غارت محلهٔ یهودیان آن شهر
۵۳۲

تشکیل انجمن ایالتی فارس ۵۳۴

توصیه‌های تحقیرآمیز دولتین انگلیس و روس به
شاه ایران ۵۳۸

روس به مردم تبریز ۵۱۵ - ۵۱۶

لجاج و خودسری محمدعلی شاه ۵۱۷
پافشاری انگلیس و روس برای نشانیدن
سعدالدوله به جای نایب السلطنه ۵۱۷
شکایت وزیر ایرانی به سفراء انگلیس و روس
۵۱۹

تعیین وزیر خارجهٔ ایران با تصویب وزیر خارجهٔ
انگلیس! ۵۱۹

نظر وزارت خارجهٔ انگلیس دربارهٔ کابینه‌های
ایران ۵۱۹

تحصن صنیع الدوله و اعتمادالذاکرین در

جلد سوم

حکومت ایران ۵۶۷

ناآرامی و کشتار در لار ۵۶۹

تبریز در اشغال قشون روس ۵۶۹ - ۵۷۰

محاصرهٔ تبریز بوسیلهٔ محمدعلی شاه ۵۷۰

قطعنامهٔ انقلابیون و فهرست درخواست‌های آنان
از شاه ۵۷۳

تلاش انگلیس برای جلوگیری از رسیدن

انقلابیون به تهران ۵۸۲، ۵۸۵، ۵۸۷

امضاء قانون انتخابات مجلس شورای ملی
بدست محمدعلی شاه ۵۸۲

چاره‌جوئی محمدعلی شاه از سفراء روس و
انگلیس برای آرام گردانیدن مردم انقلابی
۵۸۸

دستخط محمدعلی شاه دربارهٔ تفسیر فرمان
مشروطه ۵۹۰

کمیابی نان در تبریز ۵۹۲

متن قرارداد استقراض ایران از روسیه ۶۰۶

اعتراض سفیر روس به خاموش نشدن فریاد

سعدالدوله مهرهٔ سیاسی مورد حمایت
استعمارگران ۵۵۱

اخطار اهانت‌آمیز انگلیس و روس به شاه ایران
در پوشش نصیحت دوسبتانه! ۵۵۲

آبروی سیاسی ایران در گرو دریافت وام از
بیگانگان ۵۵۳

پناهندگی ستارخان و باقرخان به سفارت
عثمانی ۵۵۶

دستخط محمدعلی شاه دربارهٔ برقراری مشروطه
۵۶۲

فرمان عفو عمومی از طرف محمدعلی شاه ۵۶۳
دستگیر شدن انقلابیون قزوین و رشت - انتشار
دستخط مجعول محمدعلی شاه دربارهٔ

مشروطه و عفو عمومی ۵۶۵
تیرباران شدن قاسم آقا (سرتیپ) بدست ملیون

۵۶۶
ورود ارتش روس به مشهد ۵۶۶

خودداری مردم مشهد از دادن مالیات به

- انقلابیون ۶۰۷
 لحن اهانت بار سفیر روسیه نسبت به انقلابیون
 ایران ۶۰۷
 اخطارنامه سپهدار به سفراء انگلیس و روس و
 تعیین شرایط ترک مخاصمه ۶۰۹
 تلاش سفیران انگلیس و روس برای متارکه
 جنگ بین شاه و مردم ایران ۶۱۷
 متارکه جنگ قزاقها با مردم به دستور لیاخف
 ۶۱۹
 همدستی انگلیس و روس در مورد حوادث ایران
 ۶۲۰
 پناهندگی محمدعلی شاه در سفارت روس
 ۶۲۳، ۶۳۴، ۶۸۳
 خودداری محمدعلی شاه از پذیرفتن هیأت
 برگزیده مجلس شورایملی ۶۲۴
 سلطان احمد میرزا، سلطان احمد شاه شد ۶۲۶
 صلاح اندیشی برای اخراج ستارخان و باقرخان
 از ایران! ۶۲۸
 درخواست سفراء انگلیس و روس از سردار
 اسعد و دعوت او به آرامش ۶۴۰
 فهرست درخواست های انقلابیون از دولت ایران
 بوسیله سفارتین انگلیس و روس ۶۴۳
 خودداری سردار اسعد از قبول ضمانت سفارتین
 انگلیس و روس برای اجراء قول شاه ۶۴۴
 ناآرامی و شورش در سلطان آباد (اراک) ۶۴۸
 اظهار نظر سفیر انگلیس درباره مردم دشتستان و
 تنگستان ۶۵۸
 توصیف بی نظمی راه بوشهر و شیراز از نظر سفیر
 انگلیس ۶۶۰
 انتشار قانون انتخابات مجلس شورایملی ۶۶۶
 اشغال تهران بوسیله نیروهای انقلابی ۶۸۱
 چاره اندیشی شاه و سفارتین برای جلوگیری از
- پیشرفت انقلابیون ۶۸۲
 تسلیم کلنل لیاخف به نیروهای انقلابی ۶۸۴
 خلع محمدعلی شاه از سلطنت و پادشاهی
 احمد شاه قاجار ۶۸۴
 تلاش برای جلوگیری از سلطنت احمد شاه ۶۸۴
 گزارش تفصیلی پیروزی انقلابیون به نوشته
 مأمور سفارت انگلیس ۶۸۶
 اعلامیه شورای انقلاب درباره تغییر پادشاه ایران
 ۶۸۹
 پذیرائی احمد شاه قاجار از سران قاجاریه و
 درباریان ۶۹۰
 رهائی ظل السلطان از بند انقلابیون رشت ۶۹۶
 کشمکش روس و انگلیس با شورای انقلاب
 برای تعیین حقوق مستمری محمدعلی میرزا
 ۶۹۵ - ۶۹۷
 پذیرائی احمد شاه از سفراء دولتهای بیگانه ۶۹۷
 داوری سفیر انگلیس درباره آداب دانی
 عضدالملک ۶۹۸
 نظر سفیر انگلیس درباره مدیریت دولت
 انقلابی ایران ۶۹۹
 قرارنامه خروج محمدعلی میرزا از ایران ۷۰۳
 بهانه جوئی روسها برای اشغال خاک ایران
 ۷۰۵
 تشکیل نخستین دولت در پادشاهی احمد شاه
 ۷۰۷
 پناهندگی سعدالدوله و مخبرالدوله به سفارت
 انگلیس ۷۰۷
 آغاز اعدام مخالفان در حکومت جدید ۷۰۷
 دشواری های زندگی پارسیان و یهودیان یزد
 ۷۱۰
 عفو عمومی زندانیان و پناهندگان سیاسی ۷۱۸
 حرکت محمدعلی میرزا و همراهان بسوی بندر

- انزلی ۷۱۸
اعزام ستارخان از تبریز به اردبیل ۷۱۹
اغتشاشات مهم در کرمان ۷۲۱
حرکت محمدعلی میرزا از بندر انزلی بسوی روسیه ۷۳۴
بازگشت بخشی از قشون روسیه از تبریز ۷۳۸
اخطار سفارت انگلیس به دولت ایران درباره نامنی راههای جنوب کشور ۷۴۰
آمار نیروهای نظامی روسیه در قزوین و تبریز ۷۴۹
ناآرامی در اردبیل — پناهندگی اعضای حکومت و انجمن محلی و علماء به کنسولگری
- روس ۷۵۱
کار زشتی که از ستارخان سرزد — مطالب روزنامه رسمی ایران درباره وقایع اردبیل ۷۵۴
افتتاح مجلس شورایملی بوسیله احمدشاه ۷۵۷
اظهار وابستگی رحیم خان به دولت روس ۷۵۷
پناهندگی مردم یزد به کنسولگری انگلیس ۷۶۲
اشغال شهر اردبیل بوسیله قشون روس ۷۶۵
کشتار کاروانیان در راه بوشهر ۷۶۵
تصویب نیابت سلطنت عضدالملک در مجلس شورای ملی ۷۶۶

جلد چهارم

- رقابت انگلیس و روس برای دادن وام به ایران ۷۷۷
گزارش تفصیلی سفیر انگلیس درباره تلگرافات رحیم خان قراجه داغی و رؤسای ایل شاهسون به حمایت از محمدعلی شاه مخلوع ۷۸۰
افتتاح مجلس شورایملی بوسیله احمدشاه ۷۷۷
وکلائی که بهنگام افتتاح مجلس حضور داشتند ۷۷۸
ناآرامی در زنجان — جنگ بین قوای محلی و نیروهای دولتی ۷۸۲
ترکیب نخستین دولت به ریاست سپهدار ۷۸۳
درگذشت ام الخاقان مادر محمدعلی شاه مخلوع در راه سفر کربلاء ۷۸۶
شورش مردم بستک (لنگه) و اخراج حاکم از شهر ۷۸۹
قتل فجیع دو نفر اسماعیلی مذهب در نیشابور ۷۹۳
- شکست یافتن نیروهای رحیم خان قراجه داغی از قوای دولتی و فرار رحیم خان به سرحد روسیه ۸۰۱
درخواست دولت ایران از دولت روس برای استرداد رحیم خان به ایران ۸۰۲
استعفاء و انصراف سپهدار از ریاست وزراء ۸۰۲
نظر سفیر انگلیس درباره دلآوری ایل بویر-احمد ۸۰۴
زمینه‌های مخالفت با دریافت وام از انگلیس و روس ۸۱۴
شرایط استثماری برای دادن وام به ایران ۸۱۵، ۸۱۸
حرکت ستارخان و باقرخان از تبریز بسوی تهران ۸۲۷
مکاتبات بین دولتهای ایران و انگلیس درباره وام پیشنهادی انگلیس به ایران ۸۳۱

- چاره اندیشی مزورانه سفیر انگلیس برای تحمیل وام به ایران ۷۳۷
- مقاومت دولت ایران در برابر امتیازات و وثیقه‌های درخواستی انگلیس و روس برای دادن وام ۸۴۱
- محدودیت و ممنوعیت ایران برای درخواست وام از دولتهای دیگر بجز انگلیس و روس ۸۴۲
- دسته‌بندی وکلاء و پدید آمدن گروههای سیاسی در مجلس ۸۴۴
- پاسخ دولت ایران به تحمیلات انگلیس و روس برای دادن وام ۸۴۷
- موضوع استخدام مشاوران مالیه از کشورهای خارجی ۸۴۹
- قیام داراب میرزا صاحب منصب ایرانی الاصل قشون روس به هواخواهی محمدعلی شاه مخلوع ۸۵۲
- شرایط انگلیس برای هزینه وام بوسیله دولت ایران ۸۵۳
- تغییر کابینه دولت سپهدار ۸۵۴
- کمیابی نان در پایتخت ۸۵۵
- سنگسار کردن یک زن قاتل در تهران ۸۵۶
- ناآرامی در کرمانشاه ۸۶۳
- قتل سید عبدالله مجتهد (بهبهانی) ۸۷۵
- قتل مستحفظ کشتی روسی در استرآباد (گرگان) ۸۷۵
- شیوع و سرایت ناامنی و گردن‌کشی تا دروازه‌های پایتخت ۸۷۶
- بروز اغتشاش در همدان ۸۷۹
- دام‌های استعمارگران برای تحمیل وام به ایران ۸۷۹
- تشکیل کابینه مستوفی الممالک ۸۸۰
- تیراندازی سربازان ایرانی به خانه نایب قنصل روس ۸۸۱
- بروز ناآرامی در نقاط مختلف کشور ۸۸۱
- تیراندازی قزاق روسی به سرباز ایرانی ۸۸۳
- ناخشنودی سفیر انگلیس از بی‌اعتنائی دولت ایران به سفیر روس! ۸۸۴
- استعفای کابینه مستوفی الممالک ۸۸۷
- اعتراض سفیر انگلیس به ناامنی‌های ایران و تعطیل تجارت انگلیس ۸۸۸
- طرح وام یک میلیون لیره‌ئی انگلیس در مجلس ایران ۸۸۹
- درخواست علمای نجف برای اخراج تقی زاده از ایران ۸۹۰
- استعفای مستشارالدوله از ریاست مجلس و ریاست ذکاءالملک ۸۹۱
- اعتراض مردم یزد به مالیات تریاک و هیزم ۸۹۳
- رفتار ناشایسته مردم یزد با زرتشتی‌ها ۸۹۳
- اعتراض بازاریان همدان به مالیاتها و عوارض جدید دولتی ۸۹۵، ۹۱۱
- پیشنهاد موزیانه برای پرداخت وام به ایران ۸۹۶
- تصمیم دولت برای خلع سلاح عمومی ۸۹۷
- سنگ‌گیری ستارخان و مجاهدین او در پارک اتابک ۸۹۷
- حمله قوای دولتی به پارک اتابک - تسلیم مجاهدین و زخمی شدن ستارخان ۸۹۸، ۹۱۹
- علاقه‌مندی انگلیس برای برقراری نظم در ایران ۸۹۸، ۸۹۹
- آمار تلفات پارک اتابک ۸۹۹
- کشته شدن سرباز ایرانی بدست نگهبانان کنسولگری کرمانشاه ۹۰۱
- هجوم سربازان ایرانی به کنسولگری روس و

- ناآرامی در بوشهر و شیراز ۹۴۵، ۹۴۶
 اخطار شدید سفیر انگلیس به دولت ایران
 درباره ناامنی‌های جنوب کشور ۹۴۸
 پاسخ دولت ایران به اخطاریه سفیر انگلیس
 ۹۵۰
 درگیری و زدو خورد بختیاریها و قوای نایب حسین
 کاشی ۹۵۸
 تحصن رئیس نظمیه یزد از ستم حاکم شهر به
 تلگرافخانه انگلیس ۹۵۹
 شیوع بیماری وبا در کرمانشاه ۹۵۹
 غارت و کشتار در محله یهودیان شیراز ۹۶۰
 تظاهرات مردم ایران در اعتراض به حضور قوای
 روس و مداخله انگلیس در ایران ۹۶۵
 استعفای حسینقلی خان نواب از وزارت امور
 خارجه ۹۷۲
- ناآرامی و کنسول آن دولت ۹۰۲
 نمایش خشم آلود سفراء دولتین استعماری
 درباره اشاره کتبی دولت ایران به استقلال
 ملی خود ۹۲۲
 درگذشت عضدالملک نایب السلطنه ایران و
 تعیین ناصرالملک بجای او ۹۲۴
 گزارش وقیحانه سفیر انگلیس در برخورد با
 پاسخ دولت ایران برای اعلام حفظ استقلال
 ملی خود ۹۲۵
 بازگشت محمدعلی میرزا و ظل السلطان و ورود
 آندو به شهر رشت ۹۳۱
 محاصره شهر کاشان بوسیله نایب حسین کاشی
 ۹۳۵
 ناآرامی و زدو خورد در اردبیل ۹۳۸
 گم شدن تاجر باشی روس ۹۳۸

جلد پنجم

- ۱۰۰۴
 سوگند خوردن ناصرالملک نایب السلطنه در
 مجلس شورایملی ۱۰۰۶
 تصویب حقوق مستشاران امریکائی در مجلس
 شورایملی ۱۰۰۹
 سپاسگزاری وزیر خارجه انگلستان از برقراری
 امنیت در جنوب ایران ۱۰۱۶
 ناآرامی در کرمانشاه و حمله به کنسولگری
 انگلیس ۱۰۱۸
 محاکمه قاتلان رجال ایرانی در دادگاههای
 روسیه! ۱۰۱۸، ۱۱۰۰
 کشتار شگفت در بوشهر ۱۰۱۹
 سخنرانی ناصرالملک نایب السلطنه در مجلس
 شورایملی ۱۰۲۰
- مقدمات استخدام سوئدی‌ها برای ژاندارمری
 ایران ۹۷۵
 تصویب استخدام مستشاران امریکایی برای
 مالیه ایران در مجلس ۹۸۷
 کشته شدن صنیع الدوله وزیر مالیه بدست
 تروریست‌های روسی ۹۸۸، ۱۰۱۱
 ناآرامی در بلوچستان و کرمان و زمزمه استقلال
 بلوچستان ۹۹۴
 تحریکات محمدعلی شاه مخلوع در داخل کشور
 ۱۰۰۰
 بمباران روستای ایرانی با دست قزاقان روسی
 ۱۰۰۳
 تشکیل دولت سپهدار ۱۰۰۳
 اسامی مستشاران مالیاتی امریکائی در ایران

- برنامه دولت سپهدار برای اداره کشور ۱۰۳۳
ترکیب دولت سپهدار ۱۰۳۵
برکناری ممتازالدوله از ریاست مجلس
شورایملى و ریاست مؤتمن الملک ۱۰۳۶
ناآرامی و زد و خورد و کشتار در راه تبریز -
آستارا ۱۰۳۷
فرار ججو سردار، شورشی خراسانی به خاک
روسیه ۱۰۳۸
بازداشت و محاکمه پسران قوام الملک شیرازی
۱۰۴۳
استخدام صاحب منصبان سوئدی برای ژاندارمری
ایران ۱۰۴۴
طرح لایحه وام خواهی از بانک شاهی در
مجلس شورایملى ۱۰۴۷
سرنوشت قوام الملک مسأله روز دولتین ایران و
انگلیس! ۱۰۵۱
کشته شدن نصرالدوله برادر قوام الملک شیرازی
در راه شیراز - بوشهر ۱۰۵۲
تلگراف علماء نجف به نایب السلطنه - انتخاب
هیأت رئیسه مجلس شورایملى ۱۰۵۵
ناآرامی در شیراز بعلت پناهنده شدن قوام الملک
به سفارت انگلیس ۱۰۶۲
تصویب لایحه دریافت وام از بانک شاهی در
مجلس شورایملى - قرارداد اسارت باروام
۱۰۶۷
برنامه هزینه گردانیدن وام دریافتی ۱۰۷۰
ورود مستشاران امریکائی به تهران ۱۰۷۳
به رسمیت شناخته شدن ولیعهدی محمدحسن
میرزا از طرف دولت انگلیس ۱۰۷۴
کمیابی نان در اصفهان و شورش بانوان و مردم
آن شهر و کشته و دارآویز شدن رئیس بلدیة
۱۰۷۵
- ناآرامی در بوشهر و کشته شدن نایب رئیس
نظمیه بدست تفنگچیان ۱۰۷۹
تیراندازی سربازان ایرانی و نگهبانان
کنسولگری انگلیس بسوی یکدیگر و
کشته شدن چند تن ۱۰۸۱
تصویب لایحه کنترل هزینه وام دریافتی از
بانک شاهی در مجلس شورایملى ۱۰۸۷
تصویب لایحه تأسیس و اختیارات خزانه داری
کل در مجلس شورایملى ۱۰۹۲
تصویب حقوق دربار سلطنتی در مجلس
شورایملى ۱۰۹۵
طغیان رودخانه هامون و کشته شدن ۴۶ نفر
در اثر سیل ۱۰۹۶
قانون اجازه دریافت وام از بانک شاهنشاهی
۱۱۰۱
نامه مورگان شوستر به سفیر انگلیس در ایران
۱۱۰۹
گزارش تفصیلی توطئه علیه جان قوام الملک
شیرازی و نصرالدوله برادر او ۱۱۱۴
سفیر انگلیس جوانمردی و بزرگ منشی یک
ایرانی را «یک نوع حس مغرب زمینی»
می دانست! ۱۱۱۶
برخورد دشمنانه میان شوستر خزانه دار کل و
مرنارد مدیر کل گمرکات ایران ۱۱۱۹
ورود محمدعلی شاه مخلوع به کومش تپه ۱۱۲۲
دودوزه بازی دولت روسیه برای بازگرداندن
محمدعلی میرزا به سلطنت ایران ۱۱۲۴
تصویب قانون حکومت نظامی تهران در مجلس
شورایملى ۱۱۲۸
آثار اجرائی قانون حکومت نظامی و پناهندگی
گروهی به سفارتخانه های انگلیس و روس
۱۱۳۱

- متن قانون حکومت نظامی ۱۱۳۲
- بروز احساسات مردم شهرستانها به طرفداری از محمدعلی شاه مخلوع ۱۱۳۶
- استعفاء صدر اعظم (سپهدار) ۱۱۳۶
- تشکیل دولت صمصام السلطنه بختیاری ۱۱۴۰
- ناآرامی و زمینه سازی شورش در مشهد به طرفداری از محمدعلی شاه مخلوع ۱۱۴۲
- اشغال شهر نیشابور بوسیله محمدعلی شاه مخلوع و یاران او ۱۱۴۲
- آشوبگری سالارالدوله در کرمانشاه ۱۱۴۴
- شورش بسیار سخت در خراسان ۱۱۴۵
- زمزمه مخالفت انگلیس با مورگان شوستر ۱۱۴۹
- شورش مردم تالش و کشته شدن حاکم آن شهر بدست مردم ۱۱۵۲
- کشته شدن محمدعلی، شورشی نیشابوری ۱۱۵۲
- ناآرامی و قتل و غارت در کرمانشاه ۱۱۵۴
- کشف انجمن مخفی اتحاد اسلامی در تهران ۱۱۵۶
- پیشرفت محمدعلی شاه مخلوع در داخل خاک ایران و اعتراض دولت ایران به دولتین انگلیس و روس و قطع مقرری او ۱۱۵۸
- دفع دخل دولت انگلیس از اقدامات محمدعلی شاه مخلوع ۱۱۵۸
- اعتراض نامه سفیر ایران در لندن به دولت انگلیس درباره مداخلات ناروای دولت روسیه در ایران ۱۱۶۰
- هجوم سربازان و قزاقهای روسی به مقر ایالت آذربایجان و تهدید حاکم و رهانیدن رشیدالملک مهره سیاسی روس از زندان حکومتی ۱۱۶۲
- مزاحمت نیروهای روسیه در تبریز و گیلان نسبت بمردم و معنی بیطرفی دولت روسیه در امور ایران! ۱۱۶۲
- ورود محمدعلی شاه مخلوع به ساری ۱۱۶۷
- قیام سالارالدوله از کرمانشاه ۱۱۷۳
- آغاز شکست نیروهای محمدعلی شاه مخلوع در فیروزکوه و دستگیری رشیدالسلطان ۱۱۷۶
- لحن بی ادبانه یک روزنامه نگار روسی درباره گردانندگان کشور ایران ۱۱۸۲
- تصرف شهر دامغان بوسیله نیروهای محمدعلی شاه مخلوع ۱۲۰۲
- تشکیل دولت پنج روزه سپهدار و اسامی وزیران او ۱۲۰۴
- دولت صمصام السلطنه بختیاری و نام وزیران او ۱۲۰۵
- تصویب جایزه برای دستگیری یا کشتن محمدعلی شاه مخلوع و برادران او در مجلس شورایملی ۱۲۰۵
- پناهنده شدن زرتشتیان کرمان به کنسولگری انگلیس و کشته شدن یکی از آنان ۱۲۰۷
- ناآرامی و قتل و غارت در همدان ۱۲۰۸
- شکست سنگین نیروهای محمدعلی شاه مخلوع از نیروهای دولتی ۱۲۰۸
- شکست نیروهای ارشدالدوله بدست بختیارها ۱۲۱۱
- بیکاری و گرانی و کمیابی در کرمان ۱۲۱۱
- شکست کامل نیروهای محمدعلی شاه مخلوع در فیروزکوه و سوادکوه و فرار خود او ۱۲۱۵
- وعده دادنهای محمدعلی شاه مخلوع به مردم مشهد ۱۲۳۰
- تلگراف سالارالدوله به مجلس شورایملی ۱۲۳۴
- نامه نایب السلطنه به مجلس شورایملی ۱۲۳۷
- تنظیم برنامه اساسی برای اداره کشور ۱۲۳۹

جلد ششم

- فرار سالارالدوله از همدان به بروجرد ۱۲۵۸
تیراندازی بسوی قوام الملک و کشته شدن
همراهان او ۱۲۵۹
- افزایش نیروهای نظامی انگلیس در شهرهای
ایران ۱۲۶۱
- اعتراض دولت ایران به افزایش نیروهای نظامی
انگلیس در ایران ۱۲۶۶ - ۱۲۷۷
- آشتی کردن و سوگند خوردن قوام الملک و
صولت الدوله ۱۲۶۶ - ۱۲۶۷
- نامه میرزا مهدی خان وزیر مختار ایران در لندن
به وزیر خارجه انگلیس درباره افزایش
نیروی نظامی انگلیس در ایران ۱۲۷۳
- حرکت محمدعلی میرزا (محمدعلی شاه) بسوی
بجنورد ۱۲۷۸
- عقیده مهم سفیر روسیه درباره چگونگی
اصلاحات در ایران و اختیارات مرگان
شوستر ۱۲۸۰
- محمدعلی میرزا در کومش تپه ۱۲۸۱
- تیرگی روابط مورگان شوستر و دولت ایران
۱۲۸۱
- تصرف سلطان آباد به دست دوستداران
محمدعلی شاه ۱۲۸۲
- ناامنی شدید در راههای بندرعباس و کرمان
۱۲۸۴
- ارزشیابی نایب الحکومه کرمان (سردار نصرت)
از نظر سفیر انگلیس ۱۲۸۵
- شکست کامل و تیرباران شدن ارشدالدوله و از
هم پاشیده شدن قوای سالارالدوله ۱۲۸۶
- فرار محمدعلی میرزا از مازندران ۱۲۸۷
- لشکرکشی سالارالدوله برای تصرف تهران
- ۱۲۸۷
شکست سنگین سالارالدوله از قوای دولتی و
فرار او به همدان ۱۲۸۷ - ۱۲۹۱
- تصویب مقرری دائمی برای پیرم خان در مجلس
شورای ملی ۱۲۸۹
- تصرف کاشان به دست نایب حسین کاشی
۱۲۹۰
- انحصارطلبی سفیر دولت روس درباره ایران
۱۲۹۱
- پاسخ وزیر خارجه انگلیس به نامه میرزا
مهدی خان درباره اعزام نیروی انگلیسی به
ایران ۱۲۹۴
- جلوگیری جنرال قنسول روس از اقدامات
مأموران دولت ایران در مورد اموال
شعاع السلطنه ۱۳۰۰
- عقیده مورگان شوستر درباره روابط دولتی ایران
و روس ۱۳۰۷
- اخطار سفیر روس به دولت ایران و تهدید به
قطع رابطه سیاسی ۱۳۰۷
- مقاله یک روزنامه روسی درباره تیرگی روابط
ایران و روس ۱۳۱۲
- استعفای نایب السلطنه و کابینه ایران در
اعتراض به اخطار دولت روسیه ۱۳۱۵ -
۱۳۱۷
- توضیحات سفیر روسیه در لندن به وزارت
خارجه انگلیس درباره رفتار دولت روس با
ایران ۱۳۲۴
- قطع رابطه سیاسی با ایران ۱۳۲۷ - ۱۳۴۴
- پافشاری روسها برای اخراج مورگان شوستر از
ایران ۱۳۲۹

- سیاهه تعداد نیروی نظامی روسیه در ایران
۱۳۳۴
- نامه مورگان شوستر و بروزبحران در کابینه
ایران ۱۳۳۵
- تصویب قانون انتخابات در مجلس شورای ملی
۱۳۳۶
- تلگراف ملا کاظم خراسانی به نایب السلطنه
۱۳۳۷
- کشته شدن رحیم خان چلیپانلو در زندان تبریز
۱۳۳۷
- آشفتگی اوضاع در کرمان ۱۳۴۰
- یادداشت سفیر انگلیس به وزیر امور خارجه
ایران درباره مخالفت مردم با ورود قوای
انگلیسی به ایران ۱۳۴۲
- پایداری مجلس شورای ملی در برابر
درخواستهای دولت روسیه ۱۳۴۵
- اعاده یادداشت اعتراضیه دولت ایران به دولت
روسیه ۱۳۵۴
- پاسخ دولت ایران به درخواستهای دولت
روسیه و اعتراض به پس فرستادن یادداشت
دولت ایران ۱۳۵۵
- پوزشخواهی دولت ایران از دولت روسیه و
تجدید روابط سیاسی دو کشور ۱۳۵۶ -
- ۱۴۳۹
- حیله استعماری جدید برای تحکیم قرارداد
انگلیس و روس درباره تقسیم ایران ۱۳۵۷
- خسارت جسارت ورزی ایران به امپراطوری
روسیه! ۱۳۶۰
- نامه وزارت خارجه روسیه به وزارت خارجه
انگلیس درباره تیرگی روابط سیاسی ایران
و روس و توجیه منطلق قدیمی گرگ و بره!
۱۳۶۱
- سیاهه تعداد قوای نظامی روسیه در رشت
۱۳۶۳
- اعلام بهانه‌های تازه دولت روس به دولت ایران
و تحمیل شرایط جدید ۱۳۶۹
- خودخواهی جهانگشایانه روسها و سازشکاری
تاجرانه انگلیسها و زبونی ناگزیرانه ایران
۱۳۷۰
- شرایط روسیه برای بیرون بردن قوای نظامی از
شهرهای ایران ۱۳۷۴
- کشته شدن علاءالدوله ۱۳۷۶
- رد شدن تقاضاها و شرایط پیشنهادی روسیه در
مجلس شورایملی ۱۳۷۶
- تظاهرات مردم برضد روسیه و تحریم کالاهای
روسی در ایران ۱۳۸۴
- نامه وثوق الدوله به سفیر روسیه درباره روابط
سیاسی ایران و روس ۱۳۸۵
- مذاکرات و تصمیم گیری مجلس شورای ملی
درباره شرایط تحمیلی دولت روسیه ۱۳۸۸
- تمدید دوره مجلس شورای ملی با تصویب
نمایندگان مجلس! ۱۳۹۰
- حرکت قشون روسیه برای تصرف تهران ۱۳۹۱
- آغاز برکناری کارکنان امریکائی در ایران و
نخستین پیروزی سیاسی روسها در این
زمینه ۱۳۹۲
- بیان نامه دولت روسیه درباره محمدعلی شاه
مخلوع ۱۴۱۲
- مسلح شدن مردم مشهد و قوچان برای مقابله با
قوای روسیه ۱۴۲۰
- پایداری مجلس شورای ملی در برابر
درخواستهای دولت روسیه و چاره‌جویی
دولت ایران برای انحلال مجلس ۱۴۲۱
- استعفاء گروهی نمایندگان مجلس شورای ملی

- ۱۴۲۱
تحریم کالاهای انگلیسی و معامله و معاشرت
با انگلیسی ها در شیراز ۱۴۲۲، ۱۴۵۲،
۱۴۵۵
شکست قوای دولتی از ترکمانان طرفدار
محمدعلی شاه مخلوع در دامغان ۱۴۲۲
ناآرامی در کرمانشاه - جنگ طرفداران
سالارالدوله با قوای دولتی ۱۴۲۸
مقدمه تحریم کالاهای روسی در ایران ۱۴۳۰
توشیح قانون انتخابات به دست نایب السلطنه
۱۴۳۰
متن کامل قانون انتخابات سال ۱۲۹۰
خورشیدی ۱۴۳۱
استعفاء جمعی اعضاء دولت ایران ۱۴۳۸
پیروزی شعاع السلطنه بر قوای دولتی و تصرف
استرآباد ۱۴۴۱
تشکیل کابینه صمصام السلطنه بختیاری ۱۴۴۴
دستخط نایب السلطنه (ناصرالملک) به مجلس
شورای ملی ۱۴۴۶
تصویب اعطاء اختیارات به دولت در مجلس
شورای ملی برای حل بحران روابط سیاسی
- ایران و روس ۱۴۵۵
ورود سالارالدوله به کرمانشاه و پناهندگی
کفیل حکومت آنجا به قنصلگری انگلیس
۱۴۵۶
جنگ سپاهیان روسیه با فدائیان تبریز و کشته
شدن گروهی از ایرانیان ۱۴۵۷، ۱۴۶۰
پذیرش شرایط روسیه برای تخلیه قوای روسی از
ایران ۱۴۵۸، ۱۴۶۱
زد و خورد ایرانیان و روسها در رشت و انزلی و
کشته شدن ده تن ایرانی ۱۴۵۹
انفصال مورگان شوستر و همکاران او از خدمت
دولت ایران ۱۴۶۱
انحلال و تعطیل مجلس شورای ملی به پیشنهاد
نایب السلطنه و دستور دولت ایران ۱۴۶۱
اعتراض مردم و بازاریان علیه اقدامات دولت
۱۴۶۲
شورش و ناامنی در فارس ۱۴۶۳
اعتراض خوانین قشقایی به صولت الدوله ۱۴۶۷
اوضاع بحرانی در شیراز ۱۴۷۱
زد و خورد و کشتار و آشوب در شیراز ۱۴۷۷

جلد هفتم

- شایعه کشته شدن پانصد تن زن و کودک
تبریزی به دست قوای روسی ۱۴۸۸
یورشهای وحشیانه قزاقان روسی و همدستان
ایرانی آنان به مردم تبریز، رشت، انزلی، و
کشته و زخمی شدن بسیاری از مردم آن
نقاط ۱۴۹۲
تصمیم روسها برای انتقام گیری از مردم تبریز
به گناه دفاع از خودشان ۱۴۹۳
نظر سفیر انگلیس درباره وقایع تبریز و اتهام
روسها ۱۴۹۵
ورود قوای روسی به تبریز؛ تصرف ارک تبریز به
دست قزاقان روسی و ایرانی ۱۴۹۵
تفویض اختیارات مستر شوستر به کمیته اجرائی
موقت ۱۵۰۲
دستگیری شیخ سلیم مشروطه خواه تبریزی با
دست روس خواهان تبریز ۱۵۰۷

- ۱۵۳۹ پیدا شدن جسد تکه‌پاره شده چهارده سرباز روسی در تبریز ۱۵۰۸
- سیاهه تلفات جنگ «کتل دختر» کازرون ۱۵۲۱، ۱۵۰۸
- کشته شدن ثقة الاسلام و شیخ سلیم و گروهی دیگر از آزادیخواهان به دست روسها ۱۵۱۰
- نظریه وزارت خارجه انگلیس درباره قتل عام تبریز و طرفداری از جنایات روسها ۱۵۱۱
- خونسردی مردم تبریز در برابر کشته شدن ثقة الاسلام ۱۵۱۶
- تلگراف مجتهدین بزرگ نجف به روحانیون ایران و جلوگیری آنان از دادن اعلان جهاد علیه روس و انگلیس ۱۵۲۰
- نظریه وزیر امور خارجه روسیه درباره ثقة الاسلام ۱۵۲۴
- حرکت مورگان شوستر از ایران ۱۵۲۵
- تلفات روسها در آشوب تبریز ۱۵۲۶
- دودوزه بازی وزیر خارجه روسیه درباره موقعیت محمدعلی شاه مخلوع ۱۵۲۹
- دست‌یابی محمدعلی شاه مخلوع بر شاهرود و دامغان و افتادن کرمانشاه به دست سالارالدوله ۱۵۳۱
- تظاهرات مردم و دانش‌آموزان تهران در اعتراض به تحمیلات روسها و دادن شعار «یا مرگ یا استقلال» ۱۵۳۶
- جنگ فدائیان با قوای روسی در تبریز ۱۵۳۷
- پدیدار شدن محمدعلی شاه مخلوع در استرآباد و بروز ناآرامی در آن سامان ۱۵۳۷
- آمار نیروی نظامی روسیه در بندرانزلی ۱۵۳۷
- شمار نیروهای روسی گسیل شده به قزوین ۱۵۳۸
- ناآرامی و ناامنی در شهر و راههای اصفهان
- ۱۵۳۹ ناآرامی در یزد و بدرفتاری با زرتشتیان آن شهر
- ۱۵۳۹ گزارش تفصیلی ویلسن مأمور انگلیسی از حوادث راه شیراز به اصفهان ۱۵۴۱
- متن نامه هیأت دولت ایران به نایب السلطنه و درخواست انحلال مجلس شورای ملی ۱۵۴۶
- دستور نایب السلطنه برای بستن مجلس شورای ملی ۱۵۴۸
- مقاله روزنامه «روسیه» و دفاع از ستمگری روسها در ایران و کشتن ثقة الاسلام و دیگران ۱۵۴۹
- متن فرمان احمدشاه قاجار برای انتخابات مجلس شورای ملی ۱۵۵۶
- حرکت قوای محمدعلی شاه مخلوع بسوی میانه و زنجان ۱۵۶۷
- کشمکش انگلیس و روس بر سر سلطنت محمدعلی شاه مخلوع و اعطاء «مساعده» به دولت ایران ۴ - ۱۵۷۳، ۱۵۸۱
- دار زده شدن رئیس نظمیه رشت و دیگران ۱۵۷۶
- ورود چهارصد تن پیاده نظام روسی به رشت ۱۵۷۶
- پیشنهادهای کلنل یالمارسن فرمانده کل ژاندارمری برای هزینه مساعده انگلیس و روس ۱۵۷۷
- طرح پیشنهادی کلنل یالمارسن برای تأسیس سازمان ژاندارمری در ایران ۱۵۷۸
- ناآرامی در خراسان به هواداری از محمدعلی شاه مخلوع ۱۵۸۱
- پادشاهی محمدعلی شاه مخلوع، استخوان لای زخم روسیه تزاری! ۱۵۸۴

- گروکشی های انگلیس و روس برای دادن
مساعدۀ مالی به ایران ۱۵۸۴
کشته شدن (خودکشی) ضیاءالدوله در
قنسولگری انگلیس در تبریز ۱۵۸۸
تعیین مقرری سالانه برای محمدعلی شاه مخلوع
و سالارالدوله ۱۵۸۹
متن حکم انتصاب مرنارد به کفالت خزانه داری
کل ایران ۱۵۹۹
نامه مدیر کل گمرکات به وزیر دارائی ۱۶۰۰
آمار قوای نظامی روسها در آذربایجان ۱۶۰۲
فرار سالارالدوله از برابر قوای دولتی ایران در
کرمانشاه ۱۶۰۸
قبول قرارداد استعماری روس و انگلیس، شرط
اصلی پرداخت مساعدۀ مالی به دولت ایران
۱۶۰۹
نامه سفیران انگلیس و روس به دولت ایران
دربارۀ شرایط پرداخت وام به ایران ۱۶۱۵
شورش در مشهد و بازشناخته شدن محمدعلی
شاه به پادشاهی از سوی شورشیان ۱۶۱۶
شرایط پیشنهادی محمدعلی میرزا برای بیرون
رفتن از ایران ۱۶۱۷
شمار صاحب منصبان سوئدی در ژاندارمری
ایران ۱۶۴۱
آمار درآمد سالانۀ ایران ۱۶۴۱
رفتن مورگان شوستر از ایران ۱۶۵۱
راه یافتن محمدعلی شاه مخلوع به ولایات
استرآباد و مازندران با کمک اردوی
قفقازی ۱۶۵۲
فرار سالارالدوله از برابر قوای یار محمدخان در
کرمانشاه ۱۶۵۳
متن یادداشت دولتین انگلیس و روس به دولت
ایران دربارۀ محمدعلی میرزا ۱۶۵۴
تشکیل انجمن های سری با شرکت رجال و
علماء سرشناس برای بازگردانیدن
محمدعلی میرزا به سلطنت ۱۶۵۶
کشته شدن ایرانیان تبعید شده به روسیه ۱۶۵۶
ادعای سفیر انگلیس دربارۀ دوستی علماء
بزرگ با دولت متبوع او ۱۶۵۸
افزایش طرفداران محمدعلی میرزا در مشهد
۱۶۶۱
حرکت محمدعلی میرزا از ایران به سوی
بادکوبه ۱۶۶۳
پیاده شدن قوای بحری انگلیس در بندر لنگه
۱۶۶۴
جنگ سخت یار محمدخان کرمانشاهی با
سالارالدوله ۱۶۶۵
کشته شدن شرف الملک کردستانی بدست
مجاهدین ۱۶۶۶
دستگیر شدن جمعی از علماء کرمانشاه به گناه
طرفداری از سالارالدوله ۱۶۶۷
کشته شدن یک مجتهد کرمانشاهی به دستور
یار محمدخان ۱۶۶۷
متن پاسخ دولت ایران به یادداشت دولتین
انگلیس و روس دربارۀ محمدعلی میرزا
۱۶۷۲
پافشاری سالارالدوله برای ماندن در خاک ایران
۱۶۷۶
جنگ مذهبی در لارستان ۱۹۷۸
درآمد گمرکات شمال و جنوب در گرو
پرداخت وام انگلیس و روس به ایران
۱۶۸۰
جنگ مردم کازرون با قشقائیا و ناامنی راه
بوشهر ۱۶۸۱
کشته و زخمی شدن مأموران سیاسی انگلیس

در راه شیراز - بوشهر و تاوان خواهی انگلیس از ایران ۱۶۸۳

جلد هشتم

- ۱۷۲۹
انعکاس بمباران ضریح امام رضا در افکار عمومی ۱۷۳۰
- انتشار آگهی افتتاح مجلس و رابطه آن با دستگیری و تبعید اعضاء حزب دموکرات ۱۷۳۳
- تشکیل قشون و استخدام معلمین قشونی برای ایران ۱۷۳۷
- مساعدت اعطائی انگلیس و روس به ایران و فهرست هزینه آن ۱۷۳۷
- تعیین حقوق برای محمدعلی شاه مخلوع و خانواده او ۱۷۳۷
- کشته شدن رضاقلی خان شیبانی به دستور نصرالدوله ۱۷۴۱
- تصرف زنجان و کشته شدن محمدخان زنجانى بوسیله بختیارها ۱۷۴۱
- فهرست بودجه سه ساله اداره کل گمرکات ایران ۱۷۴۲
- نخستین اقدامات برای تأسیس راه آهن در ایران ۱۷۴۶
- ورود سالارالدوله به کرمانشاه و پیشنهاد جنگی او ۱۷۴۹
- گمرکات جنوب ایران و پرداخت اقساط وامهای خارجی ۱۷۵۱
- کشته شدن پیرمخان در جنگهای داخلی کشور ۱۷۵۵
- شایعه دستگیری مجلل السلطان و قتل سالارالدوله ۱۷۶۱
- ۱۲۹۱
اوضاع مالی ایران در آغاز سال ۱۶۸۹ - ۹۰ خورشیدی
- ورود قوای تازه نفس روسیه به رشت ۱۶۹۱
- مخالفت های خان برازجان با تأسیس ژاندارمری ۱۶۹۳
- سالارالدوله در همدان ۱۶۹۴
- شرایط محمدعلی شاه برای ترک ایران ۱۶۹۵
- شرایط دولت ایران برای بیرون رفتن سالارالدوله از کشور ۱۶۹۷
- انعکاس مطلوب خارج شدن محمدعلی شاه مخلوع از ایران ۱۶۹۹
- طرفداری مردم تبریز از محمدعلی شاه مخلوع ۱۶۹۹
- نامه مهم سالارالدوله به قنصل انگلیس ۱۷۰۷ - ۱۱
- سالارالدوله در اندیشه پادشاه ایران گردیدن ۱۷۱۱ - ۱۲
- ورود قوای قزاق و پیاده ارتش روسیه به تبریز ۱۷۱۶
- بلا تکلیفی مأموران سیاسی انگلیس و روس در برابر اعلام پادشاهی سالارالدوله ۱۷۲۱ - ۲۲
- وقوع جنگ بین قزاقهای روسی و مردم کرگان رود ۱۷۲۲
- بمباران بازار تالش بوسیله کشتی جنگی روس ۱۷۲۲
- کشتار فجیع شاهسونهای خلخال بدست قوای نظامی روس ۱۷۲۷
- مسلح شدن شیخ محمدره برای مقابله با بختیارها

- جمعیت مسلمین جهان در دوران انقلاب
مشروطه ایران ۱۷۶۴
- مخالفت آرامنه تهران با استخدام مسیحیان در
ارتش ایران ۱۷۶۷
- مخالفت مردم رشت با حاکم تحمیلی روسیه
۱۷۶۸
- مقدمات تشکیل مجلس سنا در ایران ۱۷۷۳
- دستخط نایب السلطنه (ناصرالملک) درباره
انتخابات ۱۷۷۴
- فرمان نایب السلطنه برای رفع کمبود غله در
پایتخت ۱۷۸۱
- پناهندگی سالارالدوله نزد والی پشتکوه ۱۷۸۴
- کشته شدن داودخان کلهر و پسرش ۱۷۸۴
- گزارش کامل شکست سالارالدوله و مجلل
السلطان در کرمانشاه ۱۷۹۲
- گزارش تفصیلی کشته شدن پیرم خان ۱۷۹۴
- تیرباران شدن فراریان جنگی به دستور
کری خان ۱۷۹۴
- اختلافات شدید بین شیخ محمّره و بختیاریه
۱۷۷۸
- گزارش‌های جالب توجه درباره امنیت راههای
فارس ۸ - ۱۸۰۳
- فرمان انتصاب ژوزف مرنارد به خزانه داری کل
ایران ۱۸۰۹
- ترکیب دولت صمصام السلطنه ۱۸۱۴
- ناآرامی در کرمان و پناهنده شدن ایالت آنجا
در قنسولگری انگلیس ۱۸۲۰
- گزارش کامل ناآرامی‌های کرمان به قلم قنسول
انگلیس ۳۷ - ۱۸۲۶
- تشکیل بریگاد قزاق در تبریز ۱۸۴۰
- دو گزارش قابل توجه از اوضاع تجارتی اصفهان
و شیراز ۳ - ۱۸۵۱
- اخباری درباره نایب حسین کاشی و روابط او
با دولت ایران ۱۸۵۳
- امیراعظم ایالت کرمان و یاغیان آن ناحیه
۱۸۵۹
- اندیشه اشغال جنوب ایران به توسط انگلیس‌ها
۱۸۶۳
- ناآرامی در تبریز و مخالفت مردم آنجا با ایالت
سپهدار ۱۸۶۷
- امتیاز احداث خط آهن جلفا - تبریز - اورمیه،
شرط اعطاء و ام روسیه به ایران ۱۸۶۸
- اقدامات تجار و سرجنابان تبریز درباره ایالت
سپهدار و شجاع الدوله ۱۸۷۱
- فروش جواهرات دولتی ایران و جنب و جوش
دلالتان خارجی ۱۸۷۶
- اعطاء مساعده به دولت ایران برای تنظیم
اوضاع فارس ۱۸۷۷
- احداث خطوط آهن در جلفا و محمّره و رقابت
انگلیس و روس در این باره ۱۸۸۳
- خوانین بختیاری و شیخ محمّره و اختلافات
فیما بین آنان ۱۸۹۰
- متن قرارداد خوانین بختیاری برای تعیین سردار
جنگ به حکومت کل بختیاری ۱۸۹۱
- متن قرارداد وام دریافتی دولت ایران از بانک
شاهنشاهی ۱۸۹۳
- متن قرارداد واگذاری سهام معدن نفت بختیاری
به بانک شاهنشاهی ۱۸۹۴
- نامه قنسول انگلیس در تأیید سردار جنگ
۱۸۹۶
- جنگ قشقائی‌ها با قوای ژاندارمری ۱۹۰۰
- گروکشی انگلیس و روس برای دادن وام به
ایران ۱۹۰۶
- گزارش کامل و جالبی درباره اهمیت تشکیل

- سازمان ژاندارمری و ناامنی راههای فارس
۱۲ - ۱۹۰۶
- نابسامانی عجیب در اوضاع کرمانشاه ۱۹۱۳
یک گزارش مهم اقتصادی درباره موضوع
راهداری در جنوب ایران ۲۱ - ۱۹۱۵
ملاقات سالارالدوله و یارمحمدخان در کرمانشاه
۱۹۲۳
- اجتماع یاران و همراهان محمدعلی شاه مخلوع
در تبریز ۱۹۲۸
- حملة سالارالدوله و یارمحمدخان به کردستان و
پناهنده شدن حاکم آنجا به قنصلخانه
عثمانی ۱۹۲۹
- وام روسیه به ایران در گرو اعطاء امتیاز
خط آهن به روسیه ۱۹۳۰
- تذکاریه تأسف آور سفرای انگلیس و روس به
وزیر خارجه ایران درباره ژاندارمری ۱۹۳۲
اوضاع نان در تهران و تصمیمات دولت در این
باره ۱۹۳۳
- گزارشی از اوضاع خزانه داری کل و مالیه ایران
و پشتوانه وامهای اعطائی انگلیس و روس
به ایران ۱۹۳۴
- فهرست مهم درآمدهای مالی کشور ایران در
سال ۱۲۹۱ خورشیدی ۱۹۳۷
- گزارش قابل ملاحظه درباره اوضاع منطقه
فارس و بنادر ۴۶ - ۱۹۴۲
- گزارش اقتصادی درباره نیازمندیهای مالی
ایران ۴۸ - ۱۹۴۶
- درخواست امام جمعه و معاریف تبریز از قنصل
انگلیس برای بازگشت محمدعلی شاه
مخلوع ۱۹۴۸
- تأسیس راه آهن محمره - خرم آباد و اهمیت آن
برای دولت انگلیس ۱۹۴۹
- پیشنهاد یک سندیکای انگلیسی برای تأسیس
خطوط آهن در ایران ۵۰ - ۱۹۴۹
- تأسیس راه آهن سراسری ایران و اقدامات مربوط
به آن ۱۹۵۰
- مذاکرات وزرای خارجه انگلیس و روس
درباره مناطق نفوذ خودشان در ایران ۱۹۵۱
- تأثیر تعطیل مجلس در جنگهای داخلی کشور
۱۹۵۳
- درخواست علماء و تجار زنجان برای بازگشت
محمدعلی شاه مخلوع به ایران ۱۹۵۵
- راه آهن سراسری ایران از نگاه وزرای خارجه
انگلیس و روس ۱۹۵۶
- کشته شدن یارمحمدخان کرمانشاهی و شکست
یافتن قوای سالارالدوله ۱۹۵۸
- آماري از سرقتهای مختلف در راههای فارس
۱۹۶۱
- حرکت سالارالدوله بسوی تهران ۱۹۶۲
- تشکیل کمیسیون انتخابات مجلس شورای ملی به
ریاست سعدالدوله ۱۹۶۵
- اغتشاشات فارس و اختلافات میان سران عشایر
۶۸ - ۱۹۶۵
- نابسامانی در کرمانشاه و ضعف دولت مرکزی
برای چاره گری آن ۷۴ - ۱۹۷۲
- اعلامیه کمیته مرکزی اتحاد ایرانیها درباره
بازگشت محمدعلی شاه مخلوع ۱۹۷۵
- اعلامیه هیأت اتحادیه ایرانیها درباره تأخیر
افتتاح مجلس ۱۹۷۵
- متن طرح تأسیس تشکیلات ژاندارمری کل ایران
۷۹ - ۱۹۷۶
- گزارش سفیر انگلیس درباره وام اعطائی به
ایران ۸۱ - ۱۹۷۹
- متن برنامه پیشنهادی دولت ایران برای هزینه

- م. دریافتی ۸۲ - ۱۹۸۱
عین الدوله و نظریه جالب سفیر انگلیس درباره
او ۱۹۸۳
ماشاء الله خان کاشی و تصرف شهر یزد ۱۹۸۷
سردار جنگ و گزارش ویس قنصل انگلیس
درباره او ۱۹۹۰
گزارش کفیل قنصلگری زنجان درباره تلگرام
تجار و علماء زنجان ۱۹۹۳
متن تلگرام علماء و تجار زنجان درباره
بازگردانیدن محمدعلی شاه مخلوع ۱۹۹۴
سالارالدوله و اوضاع بهم ریخته کرمانشاه ۱۹۹۵
عریضه پناهندگان کرمانشاهی درباره
سالارالدوله ۱۹۹۶
گزارش قنصل انگلیس درباره کشته شدن
یارمحمد خان کرمانشاهی ۱۹۹۷
گزارش قنصل انگلیس درباره شکست یافتن
سالارالدوله ۱۹۹۹
دستگیری سلیمان میرزا و دیگر فعالین سیاسی و
بازداشت آنان در باغشاه ۲۰۰۷
تهدید مهم نایب حسین خان و ماشاء الله خان
کاشی نسبت به مأموران سیاسی خارجی در
ایران ۲۰۰۹
گزارش قنصلگری فارس درباره اوضاع مالی آن
سامان ۱۳ - ۲۰۱۰
نامه های صولت الدوله به قنصل انگلیس درباره
اوضاع فارس ۱۶ - ۲۰۱۵
پاسخ قنصل انگلیس به صولت الدوله ۲۰۱۶
شرایط لازم برای بازگشت محمدعلی شاه
مخلوع به سلطنت ۲۰۱۸
تأسیس خط آهن، گره کور معماهای مالی
ایران! ۲۰۱۹
اعلام انصراف قطعی محمدعلی شاه مخلوع از
بازگشت به ایران ۲۰۲۴
یورش ترکمن ها و بسته شدن راه مشهد - تهران
۲۰۳۲
اشغال شمال ایران به وسیله قوای نظامی روسیه
و شرط خروج آنها ۲۰۳۳
حمله عشایر فارس به ژاندارمها و مأموران
سیاسی انگلیس و قتل و جرح آنها ۲۰۳۳
گزارش کامل وقایع تبریز و اعدام ثقة الاسلام و
دیگران ۴۱ - ۲۰۳۵
ستارخان - باقرخان و فدائیان، خارچشم سفیر
انگلیس! ۲۰۳۷
طرز رفتار مردم تبریز با اجساد ثقة الاسلام و
یاران او ۲۰۳۹
نزاع بین قراولان سیار روسی و مأموران نظمیه
تبریز ۲۰۴۲
تعیین وزدال سوئدی به ریاست نظمیه ایران
۲۰۴۲
گزارشی درباره قتل صاحب منصب انگلیسی در
فارس ۲۰۴۵
گزارشی درباره توافق میان سران ایل بختیاری
با شیخ محمّره ۲۰۴۸
آزاد شدن زندانیان سیاسی از زندان باغشاه
۲۰۵۰
گزارش تکمیلی درباره حادثه دشت ارژن فارس
۲۰۵۳
گزارشی درباره حمله راهزنان فارس به مأموران
انگلیسی ۵۷ - ۲۰۵۶
مکاتبات متقابل سردار جنگ و جنرال قنصل
انگلیس ۶۰ - ۲۰۵۸
برداشته شدن دارهای روسی از میدان ارک
تبریز ۲۰۶۱
اخطار دولت روسیه به سالارالدوله ۲۰۶۵

- ۲۱۰۶ اعتراض و تهدید بختیاریها نسبت به مرزدار
خزانه دار کل ۲۰۶۸
- گزارش سفیر انگلیس به وزیر امور خارجه آن
کشور درباره حادته دشت ارژن ۲۰۶۹
- نامه سفیر انگلیس به وزیر امور خارجه ایران
درباره واقعه دشت ارژن ۲۰۷۰
- گزارش تلگرافی مخبرالسلطنه ایالت فارس
درباره رویداد دشت ارژن ۲۰۷۲
- متن نامه وزیر امور خارجه ایران به سفیر
انگلیس درباره سانحه دشت ارژن ۲۰۷۴
- گزارش کامل قنصل فارس درباره اوضاع
ششماهه ایالت فارس به سفیر انگلیس
۲۰۷۹ - ۸۷
- پاسخ سالارالدوله به سفیر انگلیس و نظر او درباره
بختیاریها ۲۰۸۹
- نامه علماء تبریز به قنصل انگلیس درباره
سعدالدوله ۲۰۹۰
- چند نامه و گزارش درباره حادته دشت ارژن
۲۰۹۱ - ۹۶
- «انقلاب برای نان» و شکست یافتن آن!
۲۰۹۸
- زمزمه های تغییر حکومت در ایران ۲۱۰۱
- مؤتمن الملک و رفورم های استعماری او ۲۱۰۲
- تحریکات سعدالدوله و تمهید مقدمات برای
بازگردانیدن محمدعلی شاه مخلوع ۲۱۰۳
- مذاکرات برای انقیاد سالارالدوله ۲۱۰۴
- گرانی بهای نان و همدستی متین السلطنه با
نانوایان ۲۱۰۴
- حملة ترکمن ها به تلگرافچی انگلیسی ۲۱۰۵
- باج گیری جهانگیر راهزن از مسافران راه مشهد
۲۱۰۵
- قشون کشی سعیدخان بمی بر ایلات کرمان
- نظریه قنصل انگلیس درباره اداره امور فارس
۲۱۱۱
- یک آمار جالب اقتصادی درباره کرمانشاه
۲۱۱۳
- آمار اقتصادی مهم درباره راهداری، مشکل
بزرگ اقتصادی ایران ۲۷ - ۲۱۱۶
- بهای نفت در بازار ایران ۲۳ - ۲۱۱۹
- آماری از توقف بازار تجارتي انگلیس و رونق
بازار روسها در ایران ۲۱۲۰
- معنی کابینه خوب و قوی از دیدگاه وزیر مختار
انگلیس! ۲۱۲۸
- ارزش استقلال ایران از نظر دولت انگلیس
۲۱۲۸
- توضیح دولت روس درباره اشغال شمال ایران
۲۱۳۱
- ادامه ماجرای سالارالدوله ۲۱۳۶
- سندیکای راه آهن ایران و خط آهن
محمّره - خرم آباد ۲۱۳۹
- امضاء امتیاز نامه راه آهن روس در ایران (جلفا)
۲۱۴۱
- مخالفت دولت ایران با اعطاء امتیاز تأسیس
راه آهن توسط انگلیس ۲۱۴۲
- وثوق الدوله و امتیاز خط آهن انگلیس در ایران
۲۱۴۳
- گزارش تازهئی از حادته دشت ارژن ۴۸ - ۲۱۴۴
- ترکیب دولت علاء السلطنه ۲۱۴۸
- ترکیب دولت علاء السلطنه ۲۱۴۸
- تأسیس نخستین خط اتومبیل رانی در ایران
۲۱۴۹
- دستگیری کلانتر بوشهر بعلت مخالفت با
انگلیس ها ۲۱۵۱

- شرایط استفاده ایران از خط آهن جدید التأسيس
جلفا- تبریز ۲۱۵۳
- شرایط پرداخت وام انگلیس برای استقرار نظم
در فارس ۲۱۵۴
- تأمین اعتبار برای راه اندازی سازمان راه آهن
- ایران ۲۱۵۶
- ترس دولت انگلیس از تقسیم ایران؟! ۲۱۵۶
- موافقت دولت انگلیس با اعطاء وام به ایران
۲۱۵۷

www.adabestanekave.com